رجال عصر پهلوی ۱

هویدا

امیرعباس

به روایت اسناد ساواک

جلد دوم

مرکز بررسی اسناد تاریخی

Amir Abbas Hoveyda

Based on SAVAK Documents

Volume 2

مرکز بررسی اسناد تاریخی
www.historydocument.org
شابک ۸-۸۶-۵۷۹۸-۹۶۴
ISBN 964-5798-86-8
قیمت : ۳۲۰۰ تومان

بسم الله الرحمن الرحیم

امیرعباس هویدا

به روایت اسناد ساواک

(جلد دوم)

۲۰۲۷

کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران
تاسیس ۱۳۷۴

مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات

تابستان ۱۳۸۴

رجال عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک: امیرعباس هویدا / شورای نویسندگان مرکز بررسی اسناد تاریخی. ـ ـ تهران: وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۲.
۲ ج. : نمونه
ISBN ـ . (دوره) 6 - 87 - 5798 - 964 ISBN
ISBN ـ . ۳۲۰۰۰ ریال (ج. ۱) x - 85 - 5798 - 964
ISBN ـ . ۳۲۰۰۰ ریال (ج. ۲) 8 - 86 - 5798 - 964
فهرستنویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه.
۱. هویدا، امیرعباس، ۱۲۹۸ ـ ۱۳۵۸ ـ ـ اسناد و مدارک.
۲. سیاستمداران ایرانی ـ ـ قرن ۱٤ ـ ـ اسناد و مدارک.
۳. ایران ـ ـ تاریخ ـ ـ پهلوی، ۱۳۲۰ ـ ۱۳۵۷ ـ ـ اسناد و مدارک
٤. نخست‌وزیران ـ ـ ایران. الف. ایران. وزارت اطلاعات. مرکز بررسی اسناد تاریخی. ب. عنوان: امیرعباس هویدا.
۳ ر ۹ ه / DSR ۱٤۸۶ ۹۵۵/۰۸۲٤۰۷۲

کتابخانه ملی ایران ۸۲ـ۲۵۸۸۰ م

شناسنامه

رجال عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک

امیرعباس هویدا (جلد دوم)

ناشر : مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات

چاپ اول : تابستان ۱۳۸۴

شمارگان : ۳۰۰۰ نسخه

شابک : ۸ ـ ۸۶ ـ ۵۷۹۸ ـ ۹٦٤

ISBN 964 - 5798 - 86 - 8

شابک دوره: ۶ ـ ۸۷ ـ ۵۷۹۸ ـ ۹٦٤

ISBN 964 - 5798 - 87 - 6

http://WWW.historydocument.Org

e ـ mail:Cihd@.historydocument

قیمت شومیز : ۳۲۰۰۰ ریال

قیمت گالینگور : ٤۲۰۰۰ ریال

همه حقوق محفوظ است

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
سخن ناشر	پنج
مقدمه	نه
اسناد	۱
فهرست اعلام	۵۷۵
ضمائم	۵۹۹
عکس‌ها	۶۱۷

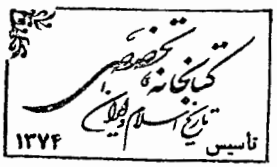

سخن ناشر

امیرعباس هویدا، یکی از معدود نخست‌وزیرانی بود که در طول حکومت رژیم شاهنشاهی ایران، به مدت یکصد و پنجاه ماه شمسی، بر صندلی صدارت تکیه زد و علی‌رغم آنکه دولت او، از سوی بسیاری از محافل و رجال سیاسی، کابینهٔ محلل نامیده می‌شد، مورد حمایت بی‌چون‌وچرای بیگانگان قرار داشت.

هویدا، فرزند کسی بود که از متنفذین فرقهٔ بهائیت به شمار می‌رفت و با اردشیر جی، ارتباطی تنگاتنگ داشت و در به قدرت رساندن رضاخان، در مشورت با جامعه بهائیان، نقشی تعیین‌کننده ایفا کرده بود. شاید همین مسئله بود که محمدرضا پهلوی را وامدار خاندان هویدا کرده و همواره او را مورد پشتیبانی همه‌جانبه خویش قرار می‌داد.

مرکز بررسی اسناد تاریخی، در پی انتشار جلد اول کتاب «امیرعباس هویدا به روایت اسناد ساواک» که مورد استقبال گسترده جامعهٔ محترم محققان و پژوهشگران قرار گرفت، اینک جلد دوم این مجموعه را به تمامی دست‌اندرکاران پژوهش و تحقیق، تقدیم می‌کند.

امید است این کتاب نیز، مورد توجه مشتاقان و علاقمندان، واقع شود.

و اینک چند توضیح:

۱ـ اسناد این کتاب بر اساس چینش تاریخی منظم شده است.

۲ـ در تدوین این مجموعه بنای حذف سندی نبوده مگر در این موارد:

الف ـ سندهای تکراری

ب ـ اسنادی که به صورت دست نویس و تایپ شده وجود دارند که از این بین سندهای تایپ شده انتخاب شده است.

ج ـ اسنادی که در برگیرنده خلاصه‌ای از گزارشهای ارسالی قبلی بودند.

د ـ اسنادی که در برگیرنده مناسبات دور از اخلاق بوده است.

۳ـ حروفچینی سندها مطابق نگارش اصل بوده و هیچ تغییری در ادبیات آنها داده نشده است، فقط در مواردی که کلمه، تعبیر، تاریخ و یا مضمون سندی اشتباه بوده در پاورقی تذکر داده شده و یا اغلاط نوشتاری در [ ] آورده شده است.

۴ـ در مورد اعلام، وقایع و یا محتوای هر سند در صورتی که اطلاعات و توضیحاتی موجود بوده، به صورت پانوشت درج گردیده است.

۵ـ در بیشتر گزارشهای ساواک، نظریه‌هایی در ذیل سند ارایه شده که از نظردهنده باکلمات رمز یاد شده است و اسامی امضاهای مندرج در برابر آنها نیز به صورت رمز و مستعار می‌باشند. کلمات رمز به کار گرفته شده در ابتدای نظریه‌ها که در همه اسناد به صورت ثابت تکرار شده‌اند، معمولاً اسامی روزهای هفته است و منظور از آنها به شرح ذیل است:

نظریه شنبه: نظریه منبع نفوذی ساواک (گزارشگر) است که از طریق مشاهده مستقیم یا از راههای دیگر کسب خبر و ارایه نموده است.

نظریه یکشنبه: نظریه رهبر عملیات است که پس از گزارش منبع نفوذی آن را تأیید یا تحلیل می‌کند. رهبر عملیات مسئولیت مستقیم کنترل منبع و هدایت وی را به عهده دارد.

نظریه دوشنبه: نظریه رئیس دایره عملیات است.

نظریه سه‌شنبه: نظریه امنیت داخلی است و در اداره کل، رئیس بخش است.

نظریه چهارشنبه: نظریه رئیس سازمان اطلاعات و امنیت منطقه و در اداره کل، رئیس اداره است.

۶ـ از حروفچینی سربرگ سندها خودداری و صرفاً به ذکر مقصد، مبدأ، تاریخ، شماره و موضوع آن اکتفا شده است. همچنین نوع طبقه بندی سندها (محرمانه، خیلی محرمانه، سری) نیز نیامده است که علت آن، آمدن تصاویر اسناد در صفحات مورد نظر می‌باشد به طوری که با مراجعه به خود سربرگ سندها اطلاعات مورد نیاز قابل دسترسی است.

۷ـ در سربرگ سندها برخی علایم با رمز آمده است. از جمله آنها مبدأ و یا مقصد نامه‌ها و

گزارش‌هاست که منظور از آن رمزها به این شرح است:
۱ ه (ساواک گیلان)، ۲ ه (ساواک مازندران)، ۳ ه (ساواک آذربایجان شرقی)، ۴ ه (ساواک آذربایجان غربی)، ۵ ه (ساواک کرمانشاه)، ۶ ه (ساواک خوزستان)، ۷ ه (ساواک فارس)، ۸ ه (ساواک کرمان)، ۹ ه (ساواک خراسان)، ۱۰ ه (ساواک اصفهان)، ۱۱ ه (ساواک سیستان و بلوچستان)، ۱۲ ه (ساواک کردستان)، ۱۳ ه (ساواک همدان)، ۱۴ ه (ساواک سمنان)، ۱۵ ه (ساواک لرستان)، ۱۶ ه (ساواک بوشهر)، ۱۷ ه (ساواک هرمزگان)، ۱۸ ه (ساواک کهکیلویه و بویراحمد)، ۱۹ ه (ساواک چهارمحال و بختیاری)، ۲۰ ه (ساواک تهران)، ۲۱ ه (ساواک قم)، ۲۲ ه (ساواک اراک)، ۲۳ ه (ساواک قزوین)، ۲۴ ه (ساواک ایلام)، ۲۵ ه (ساواک زنجان)، ۲۶ ه (ساواک یزد).

۸ـ همچنین مبدأ یا مقصد نامه‌ها و گزارشهای مربوط به اداره کل سوم ساواک (امنیت داخلی) به اعداد رمز عنوان شده است.

اداره کل سوم از هفت بخش تشکیل می‌شد که عبارت بودند از: (۱) مدیریت اداره کل سوم، (۲) اداره یکم عملیات و بررسی، (۳) اداره دوم عملیات و بررسی، (۴) اداره سوم کل سوم، (۵) اداره چهارم کل سوم، (۶) اداره پنجم کل سوم، (۷) اداره ششم کل سوم. اجزای اداره یکم عملیات و بررسی شامل: ۳۱۰ (دفتر اداره یکم عملیات و بررسی)، ۳۱۱ (بخش احزاب و دستجات کمونیستی)، ۳۱۲ (بخش احزاب و دستجات سیاسی و مذهبی افراطی)، ۳۱۳ (بخش هدفهای تازه و فعالیتهای مربوط به عرب‌زبانان و بلوچهای ایرانی)، ۳۱۴ (اکراد)، ۳۱۶ (روحانیون و مقامات مذهبی). اجزای اداره دوم عملیات و بررسی شامل:

۳۲۰ (دفتر اداره دوم عملیات و بررسی)، ۳۲۱ (بخش دانشگاه تهران)، ۳۲۲ (بخش دانشگاهها و مراکز عالی آموزش تهران)، ۳۲۳ (بخش دانشگاهها و مراکز عالی آموزشی استانها و شهرستانها)، ۳۲۴ (بخش آموزش و پژوهش و مدارس در تهران و استانها و شهرستانها)، بوده است.

اجزای اداره سوم کل سوم شامل: ۳۳۰ (دفتر اداره سوم کل سوم)، ۳۳۱ (بخش ممالک اسکاندیناوی و اروپای شرقی)، ۳۳۲ (بخش خاورمیانه و کشورهای عربی و ممالک قاره آسیا و آفریقا) بوده است.

اجزای اداره چهارم کل سوم شامل: ۳۴۰ (دفتر اداره چهارم کل سوم)، ۳۴۱ (بخش احزاب و

دستجات راست، انجمنها و اتحادیه‌های دولتی و خصوصی)، ۳۴۲ (بخش وزارتخانه‌ها و ادارات و سازمانهای دولتی)، ۳۴۳ (بخش کارگری)، ۳۴۴ (بخش اصناف و بازرگانان)، ۳۴۵ (بخش جراید، سینما و تلویزیون)، ۳۴۸ (بخش نارضایتیهای عمومی)، ۳۴۹ (بخش روابط عمومی) بوده است.

اجزای اداره پنجم کل سوم شامل: ۳۵۰ (دفتر اداره پنجم کل سوم)، ۳۵۱ (بخش دکترین و آموزش سازمان و وظایف رهبران عملیات امنیت داخلی)، ۳۵۲ (بخش سانسور و کنترل مکاتبات)، ۳۵۳ (بخش منابع و مأموران و گروههای تعقیب و مراقبت) بوده است.

اجزای اداره ششم کل سوم شامل: ۳۶۰ (دفتر اداره ششم کل سوم)، ۳۶۱ (بخش فیش)، ۳۶۲ (بخش بایگانی)، ۳۶۳ (بخش بررسی و تجزیه) بوده است.

مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات امیدوار است با ورود این حجم از اطلاعات به حوزه تاریخ معاصر ایران، راه پژوهشهای تازه درباره انقلاب اسلامی هموار گردد.

بدیهی است که این مجموعه اسناد، دربرگیرندهٔ اسنادی است که در سوابق شخصی امیرعباس هویدا، بایگانی بوده است و امید است باقیماندهٔ اسناد موضوعی مربوط به وی، که شامل اسناد مربوط به حضور او در وزارت امور خارجه ـ شرکت ملی نفت ایران ـ وزارت دارائی و کابینه‌های متفاوت می‌باشد، در فرصتی دیگر به دست انتشار سپرده شود.

مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات

باسمه جلّت عظمته

امیرعباس هویدا، از بهمن ۱۳۴۳ تا مرداد ۱۳۵۶ هـ ش نخست‌وزیر ایران بود. در سال‌های نخست‌وزیری او ـ که اوج فساد و تباهی و یکه‌تازی حکومت محمدرضا پهلوی محسوب می‌گردد ـ افکار عمومی مردم ایران، او را به عنوان چهره‌ای «مسلوب‌الاختیار» و نخست‌وزیری «چاکرمنش» و فاقد شخصیت می‌شناخت.

پدر او، حبیب‌اله عین‌الملک، از کارگزاران سیاست خارجی پهلوی اول بود که از حمایت رهبران بهائیت، بهره می‌برد و به واسطه همین حمایت‌ها بود که، محل‌های مأموریت وی، تعیین می‌گردید.

تلاش عین‌الملک در راستای تحکیم بهائیت در سفرنامهٔ صدیقهٔ دولت آبادی، چنین توصیف شده است:

«از بغداد گذشتم به حلب رسیدم. دو روز ماندم، روز سیّم عازم شام بودم. شب در هتل با جمعی از اعراب و نظامیان توی سالون نشسته بودیم. پرسیدم: «قونسولخانهٔ ایران کجاست و قونسول ایران کیست؟» یکمرتبه از اطراف صدای خنده بلند و نگاههای مسخره‌آمیز به طرف من متوجه شد، مدیر هتل (شخص نصرانی) گفت: «اگر با آنجا کار نداشته باشید بهتر است، یعنی راحت‌تر خواهید بود» به طور تعجب گفتم: «چرا؟» شخص عربی گفت: «ایران اینجا قونسولخانه ندارد. جنرال قونسول شام یک مرد پولدوستی است؛ ابراهیم نامی را، که چایی فروش است، مقداری پول از او گرفته و او را قونسول ایران در حلب نموده است.

ابراهیم هم نصف دکان چایی فروشی را میز گذاشته تذکرهٔ ایران و کاغذهای مارک ایران روی آن ریخته است.

هر کس تذکره بخواهد مبلغی از او می‌گیرد و می‌دهد. هر کس تذکره بدهد امضا کند اگر بفهمد پولدار است وجه مفتی از او اخذ کرده و بعد از چند روزی معطلی به او رد می‌کند. این است قونسولخانهٔ ایران.» دیدم دیگران به نوبت خود مستعدند هرکدام حکایت مسخره‌آمیزی از قونسولگری ایران برای زینت مجلس اظهار کنند و آنچه گذشته بود برای کسالت یک هفتهٔ من کافی بود. دیگر طاقت شنیدن ندارم. از حضار عذر خواسته، از سالون خارج شدم. جوان نظامی فرانسه که عرب و مسلمان بود و به واسطهٔ مجالست دو سه روزه در سالون هتل با من آشنا شده بود و هم می‌دانست که ایرانی هستم از عقب من آمد و گفت «میل دارید به اتفاق به گردش برویم؟» قبول کردم. در بین راه گفت: «فهمیدم شما از مذاکرات راجع به قونسولگری ایران کسل شدید و چون شما را ایرانی اصیل شناختم اجازه می‌خواهم اطلاعات خودم را از شام به شما بگویم که مطلع باشید در آن صورت به شما خوش خواهد گذشت.»

تعجب کردم و گفتم: «به چه مناسبت؟» گفت: «چون که عین‌الملک جنرال قونسول شما در شام مبلغ دین بهائی است و علناً در قونسولخانه مردم را تبلیغ می‌کند. هر کس بهایی نباشد در آنجا دچار زحمت می‌شود. اگر بفهمد پولدار است به عناوین مختلف مبلغ گزافی از او اخذ می‌کند. اگر ندهد برای امضای تذکره چندین روز معطلش می‌نماید. من مدتی مأمور شام بودم. خوب آگاهم. به طوری عین‌الملک در تبلیغ بی‌پروا است که مردم شام خیال می‌کردند مذهب رسمی ایرانیها بهایی است که مأمور دولتی این قسم علناً اظهار عقیده می‌کند و برضد اسلام قیام می‌نماید. حتی خودم همینطور تصور می‌کردم تا وقتی از چند ایرانی مسلمان پرسیدم که مذهب رسمی ایران چیست گفتند اسلام. گفتم پس مأمور رسمی شما چه می‌گوید؟ دیدم آن بیچاره‌ها هم دل پر درد از دست عین‌الملک را داشتند و چند روز بود بی‌جهت وقت آنها را تلف کرده بود از هر جهت بهتر است که شام نروید و یکسره به بیروت بروید... از نظامی تشکر کردم و به منزلم مراجعت نمودم.[1]

امیرعباس هویدا، به همراه خانواده به شام رفت و در مدرسهٔ فرانسوی‌ها تحصیل کرد و علی‌رغم مرگ عین‌الملک در سال ۱۳۱۴ هـ ش، در آن دیار ماندگار شد و پس از اتمام دوران متوسطه، برای ادامهٔ تحصیل راهی اروپا شد.

تا زمانی که او در خارج از کشور، مشغول تحصیل بود، در حاشیهٔ او هم خبری نبود. ولی پس از آنکه در سال ۱۳۲۱ به ایران بازگشت و با حمایت دوستان پدری و اقوام مادری، به وزارت امورخارجه راه یافت و در رده‌های مختلف شغلی پیش رفت، به مرور کانون توجه قرار گرفت.

۱- نگرش و نگارش زن ـ صدیقه دولت‌آبادی ـ نامه‌ها، نوشته‌ها و یادها ـ ج ۳ ـ چاپ اول ـ تابستان ۱۳۷۷ صص ۹ ـ ۵۲۸

اختلاف او با سرلشکر حسن ارفع در سال ۱۳۳۶ در آنکارا، باعث شد تا مجلهٔ تهران مصور در حمایت از او، مقاله منتشر کند و پس از راه‌یابی غیر مترقبه او به هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران که با حمایت مستقیم عبداله انتظام صورت گرفته بود، این توجه بیشتر شد و پیرامون عملکرد او، حرف‌هایی زده می‌شد، تا اینکه در کابینهٔ حسنعلی منصور، صندلی وزارت دارائی به او پیشکش شد. در این موقع بود که اولین افشاگری جدّی علیه او، تحت عنوان «هویدا کیست» با امضای مستعار سکندر منتشر شد:

«هویدا کیست؟

پدربزرگ هویدا میرزا رضا قناد از بهائیان مخلص و فداکار و مجذوب عباس افندی بود او به واسطه نزدیکی با عباس افندی از غضب مردم مسلمان بیم و هراس داشت و از اقامت در ایران نگران بود لذا به عکا رفت و مستخدم و نوکر دستگاه عباس افندی شد و به لحاظ تعصب و علاقه‌ای که به این فرقه داشت مورد لطف و محبت خاص او قرار گرفت. عباس افندی حبیب‌الله خان پسر میرزا رضا قناد را که پدر وزیر فعلی دارائی بود مشغول تحصیل کرد و دو سال هم او را به هزینه خود برای ادامه تحصیل به اروپا فرستاد و او به زبانهای انگلیسی و فرانسه تسلط پیدا کرد و به تهران آمد و در دستگاه سردار اسعد بختیاری نفوذ کرد و مترجم شد و به نام سردار اسعد چند کتاب ترجمه کرد مدتی هم در روزنامه رعد با سمت مترجم انجام وظیفه کرد در همین هنگام لقب عین‌الملک گرفت با کمک بختیاریها به وزارت خارجه رفت و مأموریت سوریه و لبنان گرفت و قونسول ایران در این منطقه شد در این سمت در پنهانی برای بهائیها تبلیغ می‌کرد و با انگلیس هم رابطه و سروسری داشت و از خدمتگذاران واقعی آنها بود پس از چند ماه مامور جده شده و خود را به ملک سعد نزدیک کرد بعد از گذشت مدتی از مأموریت وی در جده روزنامه‌های عربی به علت تبلیغ به نفع بهائیها به این انتصاب اعتراض کردند در سال ۱۳۱۴ در بیروت بیمار شد و نزد شیخ میزعمران قاضی شیعه لبنان رفت و توبه کرد از آنجایی که می‌گویند توبه گرگ مرگ است بعد از چندی مجدداً توبه را شکست و خود را از خادمین مخصوص عباس افندی معرفی کرد.

عین‌الملک دو پسر داشت یکی به نام امیرعباس و دیگری به نام فریدون هویدا ـ امیرعباس به پیروی مسلک و عقیده پدر خویش با سران بهائی نزدیک شد و از هیچگونه خدمتگذاری در راه ترویج مسلک بهائیت فروگذاری نمی‌کرد امیرعباس هویدا به حکم سابقه پدر وارد خدمت در وزارت خارجه شد و مأموریتهای مختلف به او محول گردید بالاخره در ایام جنگ دوم سابقه دوستی که با آقای عبدالله انتظام داشت به سرکنسولگری ایران در هامبورگ منصوب گردید هنگام سرکنسولگری ایشان مقادیر زیادی از تذکره‌های

سفید در بایگانی کنسولگری ایران در هامبورگ مفقود شد بعد معلوم گردید تمام سرمایه‌دارانی که در هامبورگ محکومیتهایی پیدا کرده بودند با در دست داشتن همین تذکره‌ها فرار کرده‌اند. در این مورد نسبت سوءاستفاده‌های زیاد به اشخاص دادند ولی این را نبایستی دلیل بر این دانست که خدای نخواسته تذکره‌ها به وسیله کسی که خود امروز ادعای اصلاح‌طلبی دارد می‌خواهد وزارت دارائی را اصلاح کند زیروبالا شده باشد اگر کسی چنین تصور بکند. حتماً اشتباه کرده است و چنانچه حرف خود را در این باره پس نگیرد مورد حملات او و معاونش قرار خواهد گرفت. به هر صورت پس از این جریان هویدا به آنکارا منتقل گردید در زمان مأموریت ایشان تعداد زیادی از خانواده‌های بهائی ایران به ترکیه مهاجرت کردند و به اتکاء قدرت و نفوذ هویدا به فعالیت پرداختند و دولت ترکیه از این امر مطلع شد وکشف کرد که خانواده‌های بهائی تحت هدایت و رهبری هویدا به چنین فعالیتهای مضر و خلاف قانون ترکیه دست زده‌اند از این رو جمعی از بهائی [ها] را بازداشت کردند و از دولت ایران خواستند که هر چه زودتر در تغییر وی اقدام کند آقای سرلشگر ارفع سفیر کبیر وقت در ترکیه برای حفظ حیثیت کشور سعی وافی مبذول داشت و دولت ایران را متوجه عملیات زیانبخش هویدا کرد و درخواست تغییر وی را نمود در همین هنگام آقای انتظام که سابقه دوستی با ایشان داشت موضوع مفقود شدن تذکره‌ها را فراموش کرده بود و یا تشخیص داده بود که وی در این مورد گناهی ندارد وزیر خارجه بود و بعد به شرکت ملی نفت رفت بنابراین همکار صمیمی خود را به شرکت نفت منتقل نمود و بدین طریق صمیمیت دوستی قدیمی را تکمیل کرد.

هویدا در شرکت ملی نفت معاون اداری مدیرعامل شد و با دستیاران خود فؤاد روحانی و مهندس فرخان سه تفنگداران بهائی‌ها در یک چنین مؤسسه عظیمی به هم پیوستند و سعی کردند تا حدی که مقدورشان بود افراد بهائی را در کارهای مؤثر شرکت ملی بگمارند و همین کار را هم کردند و بالاخره بعد از رفتن انتظام دکتر اقبال که مرد وطن‌پرست و مسلمانی است متوجه اعمال خلاف و فعالیتهای زشت ایشان گردید و عذرشان را خواست. در این موقع دولت تغییر کرد هویدا به مناسبت این که سابقه دوستی چند ساله با منصور داشت در بعضی از مسافرتهای خارج در مرزها هم سفر بودند و عکسهایی در این قبیل مسافرتها برداشته شده و از طرفی چون قرار بوده است به زودی نسبت سببی پیدا کند یعنی با جناب آقای نخست [وزیر] باجناق شود دوستی کهنه تبدیل به خویشاوندی گردد لذا در دولت ایشان به سمت وزیر دارائی منصوب گردید.

اولین کار او اعلام ورود آزادی قند و شکر یعنی به قول دکتر ارسنجانی جنگ با صنایع داخلی بود واقعاً خدا خیرش دهدکه در این کار دهن عده‌ای را شیرین کرد بعد از آن خلاصه اصلاح دیگری را شروع کرده بودکه یکی از اعضای بدن او شکست البته اشتباه نشود این عضو پای او بود نه گردنش بر اثر این عارضه ناگهانی دنباله این

اصلاحات را به یکی از هم‌مسلکان خود آقای ارباب فرهنگ مهر که اخیراً جدیدالبهائی شده سپرد البته آقای مهر که مهندس در قسمت آسیاهای بادی و آرد است اکنون مشغول اصلاح مالیه و قوانین مالیاتی است البته درج سایر کارهای آقای هویدا بخصوص در فرانسه و ترکیه و در وزارت پیشه و هنر و ساختمان خانه‌های بوئین زهرا قزوین و شیرین‌کارهایی که در باشگاه نفت آبادان کرده بود در این صفحه گنجایش ندارد فقط این مختصر را نوشتم که شما خواننده محترم مردان عمل و کار را که حتی یک روز هم بیکار نمانده‌اند بشناسید و به نبوغ ذاتی آنها واقف شوید یکی هیتلر می‌شود که از خوردن شیرینی زیاد جانی و دیوانه می‌شود و یکی چون هویدا با اینکه جدش قناد مخصوص عباس افندی بود و نطفه‌اش از شیرینی ریخته شد اینطور عاقل از کار درمی‌آید و همواره مصدر کار است و دوستان بهائی خود نظیر ارباب مهر را هم یدک می‌کشد باشد تا صبح دولتت بدمد که این مختصر از خرابکاریهای تست.

شما خوانندگان ملاحظه کنید چنین عنصری با این سوابق و گذشته‌های تاریک دیگری که درج یک به یک از حوصله ما خارج است در نهایت بی‌شرمی با معاون کلش در اداره بازرسی به ماموران شریف وزارت دارایی حمله می‌کند و آنان را بیکاره و سربار مردم می‌داند در حالی که اگر سرباری وجود داشته باشد اول خود اوست و دوم معاونش. به هر تقدیر این دو بیت را به مناسبت حملات ناروای هویدا و فرهنگ مهر می‌نویسم و به این بیوگرافی مستند خاتمه می‌دهم:

شخصی بد ما به خلق می‌گفت — ما سینه خود نمی‌خراشیم
ما نیکی او به خلق گوئیم — تا هر دو دروغ گفته باشیم

زیاده عرضی نیست ـ سکندر»

با اعدام انقلابی حسنعلی منصور، در اول بهمن ماه ۱۳۴۳ وزارت ده ماههٔ هویدا به صدارت، مبدل شد. یکی از مشکلات این انتصاب، افشا شدن مسلک بهائیگری او، برای بسیاری از خواص و عوام بود.

رهایی از این مشکل، نیازمند راه‌حل‌های مناسبی بود. برای این منظور، سازمان اطلاعات و امنیت که اینک دارای تشکیلات منسجمی شده بود، وارد عمل شد و پس از تشکیل جلسات متعدد، طرحی به شکل زیر از زبان روحانی‌نماهای درباری برای گریز از این مشکل به نخست‌وزیر پیشنهاد شد:

شماره: ۴۳۲ ز — تاریخ: ۴۳/۱۱/۲۴

گیرنده: ریاست ساواک استان تهران

فرستنده: دفتر روابط عمومی ساواک

موضوع: ملاقات [با] جناب آقای نخست‌وزیر

محترماً در اجرای اوامر تیمسار ریاست ساواک ساعت ۹ صبح ۴۳/۱۱/۲۲ در دفتر نخست‌وزیری حاضر آقای هویدا مراتبی از وضعیت حاضره روحانیون پرسش که به معظم‌الیه [له] پاسخ داده شد در حال حاضر وضعیت از هر حیث رضایت‌بخش و کمال آرامش برقرار می‌باشد لیکن در باطن مخالفین ساکت ننشسته و به انواع و اقسام سمپاشی‌ها مشغول کما اینکه جنابعالی را به مردم بهائی معرفی می‌نمایند و مدعیند که مرحوم حسین [حبیب‌اله] عین‌الملک پدر شما از مبلغین بنام بهائی بوده و اضافه می‌نمایند قرآنی را که آقای هویدا در قبر مرحوم منصور گذاردند برحسب خواسته بهائیان و برخلاف مذهب اسلام بوده از این رو یک عده روحانی و وعاظ موافق اظهارنظر می‌نمایند با توجه به اینکه می‌دانیم آقای هویدا بهائی نیستند ولی برای خنثی کردن اقدام و اظهارات مخالفین خیلی بجا است که آقای نخست‌وزیر مراتب زیر را به تواتر اجرا نمایند.

۱ـ در سخنرانیها یا مصاحبه‌های مطبوعاتی از دین اسلام و قرآن و ائمه اطهار یادآوری و محاسن آن را برای مردم بیان نمایند.

۲ـ به اداره تبلیغات دستور دهند برنامه‌ای انجام ندهند که مغایر با مذهب اسلام و قرآن باشد.

۳ـ تلویزیون که منبع مهم تبلیغات می‌باشد و به وسیله یک عده بهائی اداره می‌شود از ید آنها خارج و به وسیله اداره تبلیغات وزارت اطلاعات و کارمندان غیربهائی اداره شود.

۴ـ از نزدیکی با بهائیان و استخدام آنها در وزارتخانه‌ها خودداری نمایند کما اینکه انتصاب آقای مبشر (معاون ثابت پاسال و رئیس تلویزیون) در وزارت فرهنگ به سمت مدیرکلی یکی از اشتباهات دولت منصور بود و به علاوه مخالفین به مردم گفته و می‌گویند که بهائیها ایادی صهیونیست و اسرائیل یگانه دشمن اسلام در ایران می‌باشند.

۵ـ عدم هیچگونه معامله تجارتی با اسرائیل

۶ـ تهیه جواز و اجازه نامچه رسمی برای وعاظ با دخالت روحانیون و گواهی وزارت آموزش و پرورش که در آتیه هر عمامه بسری نتواند از منبر سوءاستفاده نماید.

۷ـ مجانی کردن آب و برق پاره‌ای از مساجد و نصب شیرآب برای وضو و تطهیر.

۸ـ صدور دستور مبنی بر نظافت شهرهای مذهبی مثل مشهد ـ قم ـ شهرری وسیله شهرداری مربوطه

۹ـ در سخنرانی یا مصاحبه مطبوعاتی به مردم گفته شود دولت به پیروی از منویات ملوکانه درصدد است به موقع مقتضی و به نحو آبرومند وسیله عزیمت زائرین عتبات عالیات را فراهم سازد. روحانیون موافق اضافه

نمودند چنانچه آقای نخست‌وزیر به تواتر و به موقع نه دفعتاً اقدام به هر یک از موارد بالا نمایند ما در منابر و مساجد در اطراف آن تبلیغ کرده و مانع اجرای مقاصد سوء مخالفین می‌شویم.

آقای هویدا فرمودند خواهش می‌کنم این مراتب را یادداشت و به اینجانب بدهید که عرض کردم به اداره مربوطه گزارش خواهم نمود که در صورت لزوم از آن طریق تسلیم گردد.

آقای هویدا اضافه نمودند چون اداره اوقاف ضمیمه نخست‌وزیری شده استدعا دارم تیمسار ریاست ساواک در موارد ذیل با اینجانب همکاری و مساعدت فرمایند.

۱ـ تعیین یک نفر برای ریاست اوقاف که تا اندازه‌ای با روحانیون درجه یک شناس و مربوط باشد ولی دارای فکر و مغز متجدد باشد.

۲ـ تشکیل دانشگاه الهیات

حرکت‌های امیرعباس هویدا، در مبرّیٰ جلوه دادن خود از بهائیگری، هر چند ذهن بعضی از عوام را دچار تردید می‌کرد ولی هرگز نتوانست، این لکهٔ ننگ را تا پایان عمر از چهرهٔ مخدوش او بزداید، هر چند که حدود سیزده سال و اندی بر صندلی صدارت کشوری مسلمان، تکیه زد.

از جمله کارهای او، برای ذهنیت‌زدایی مردم مسلمان ایران، رفتن به سفرهای زیارتی بود و از طرفی همواره خود را تربیت یافتهٔ دامن مادری اهل دعا و نیایش معرفی می‌کرد.

او که به نقل خاطرات خود در سالنامهٔ دنیا پرداخته بود، در راستای این طرح، وقتی از به دنیا آمدن خود سخن می‌گفت، چنین نوشت:

«پشت قرآن در صفحه سفید قبل از سورهٔ فاتحه‌الکتاب، مادر بزرگم تاریخ تولد همه را می‌نوشت. هم اوست که در آنجا یادداشت کرد که من قبل از آفتاب یک روز سرد زمستانی که برف همه جا را فراگرفته بود، به دنیا آمدم.»

و در جائی دیگر، افسرالملوک سرداری را چنین معرفی کرد:

«نماز و دعا و کتاب، بیشتر وقت او را می‌گیرد و از منزل خیلی کم بیرون می‌رود.»

با توجه به اینکه در مقدمه جلد اول، بطور مفصل و در ابعاد مختلف، به شرح زندگی، فعالیت‌ها و وابستگی امیرعباس هویدا پرداخته شد، در این نوشتار با استفاده از خاطراتی که به قلم او و ویراستاری یکی از نویسندگان مرتبط با وی که گفته می‌شود، صادق چوبک است و در سال‌های پیش از انقلاب در سالنامهٔ دنیا چاپ شد، به معرفی او اقدام کرده‌ایم:

تولد

من در همین شهر تهران به دنیا آمدم. کودکی و جوانی من بین دو جنگ عالمگیر گذشت. منزل ما، خانهٔ کوچکی بود در چهار راه کُنت. در آن زمان چهار راه کنت خارج شهر تهران به حساب می‌آمد.

من یکسال و چند ماه بیشتر نداشتم که پدرم به سمت ژنرال قنسول ایران در دمشق مأمور گشت. و چهار سال بیشتر نداشتم که فریدون برادرم در دمشق به دنیا آمد.

حبیب‌الله عین‌الملک

پدرم از جمله کسانی بود که در دانشگاه امریکایی بیروت ـ که تقریباً تمام رجال دنیای عرب تحصیلات خود را در آن به پایان رسانیده‌اند ـ تحصیل کرده بود. او مأمور وزارت مالیه بود.

پدرم آدمی بود با خطوط راست و مستقیم. استعدادهای خدادادی بسیار داشت. سبک تحریر او در فارسی و عربی و ترکی به سبک نگارش یک نویسنده می‌ماند. او به هر سه زبان، کتاب نوشته و منتشر کرده است.

در آن زمان، کتاب‌های پدرم در پاورقی روزنامه کوشش چاپ می‌شد. او کتبی از عربی و فرانسه به فارسی ترجمه کرده بود. کتاب‌های خلیل جبران را به فارسی ترجمه کرد و کتاب پاردایان را از فرانسه به فارسی.

مادر بزرگ پدری‌ام [همسر میرزا رضا قناد] در دمشق با ما زندگی می‌کرد. در تمام روز قلیان می‌کشید و چای مخصوصی را که با تشریفات فراوان خودش آماده می‌کرد، مزه مزه می‌کرد. او به مانند قفسه‌های قدیمی بزرگ بود که هر کشوی آن حاوی یادگارهای زیاد است. اصلاً اهل تبریز بود و با لهجهٔ آذربایجانی خودش داستان‌هایی را برای من می‌گفت که در شب تاریک جوانی‌اش آغاز می‌گشت ولی هیچگاه پایان نداشت. تقریباً صد ساله بود که بعد از فوت همه فرزندانش خود نیز رخت از این دنیا بربست.

پدرم خیلی سخت بود و با وجودی که نسبت به ما محبت بسیار داشت ولی این محبت را همیشه در دل نگاه می‌داشت و ماه‌ها می‌گذشت تا محبت او را به ظاهر هم که شده ببینیم.

ما در مقابل مادرمان، رویمان خیلی بازتر بود تا در مقابل پدرمان. وقت پدرمان را کار اداری می‌گرفت و بلکه می‌بلعید و بعلاوه او بیشتر در مسافرت بود.

حدود سه سال از مأموریت پدرم در دمشق سپری شده بود که به تهران احضار شد. تلگرافی که از تهران به دمشق مخابره شده بود حکایت از این می‌کرد که پدرم به سمت کنسول ایران در بمبئی تعیین شده است.

به تهران آمدیم. درست هشت ماه از اقامت ما در تهران ـ محلهٔ ولی‌آباد منزل مادر بزرگم ـ سپری می‌شد که وزارت امورخارجه به جای بمبئی موافقت کرد که پدرم مجدداً به همان مأموریت سوریه منصوب شود.

چند سال بعد از دمشق به بیروت رفتیم. پدرم اولین سرکنسول ایران بود که مقر سرکنسولگری را در بیروت قرار دارد.

در آن ایامی که هنوز پدرم سرکنسول ایران در بیروت بود، خبر داد که برای مأموریتی باید رهسپار مصر شود و قرار شد ما را با خود همراه ببرد. به او مأموریت داده شده بود تا به وضع سفارت ایران در قاهره رسیدگی کند. از بیروت رهسپار فلسطین شدیم و با ترن خود را به قاهره رسانیدم. پدرم در قاهره دوستان بسیار زیادی داشت که هیچوقت ما را تنها نمی‌گذاشتند.

معمولاً پدرم وقتی از مأموریت خارج مراجعت می‌کرد کمتر ما را در جریان وقایع سیاسی می‌گذاشت. اخلاق خاص پدرم مانع از بازگو نمودن مطالب مربوط به وظایف دولتی‌اش بود. آنچه که می‌دانم این است که پدرم در ایام اقامت در سوریه با آزادی خواهان و استقلال‌طلبان این کشور رابطه داشت و با آنها تماس‌های زیادی پیدا می‌کرد و از فکر آنها در رسیدن به استقلال حمایت می‌نمود.

پس از چندی، تلگرافی از وزارت امورخارجه به دمشق رسید و پدرم مأموریت پیدا کرد که بلافاصله رهسپار عربستان شود و به مسئله خرابی بقاع متبرکه در حجاز رسیدگی کند. اقامت پدرم در عربستان در آن سفر هشت ماه بطول انجامید و از جمله سوغاتی که از این سفر آورد یک عبای سفید بود.

بعد از سه سال که در مدرسه فرانسوی‌ها درس خواندم، پدرم به سمت وزیر مختار ایران در حجاز منصوب شد.

دولت ایران، پدرم را مأمور کرده بود که در جنگ مسلحانه‌ای که میان امام یحیی پادشاه یمن و ابن‌سعود پادشاه عربستان سعودی روی داده بود دخالت کند تا مذاکرات و مقدمات صلح میان آن دو فراهم گردد، در بازگشت از این مأموریت پدرم از شتر زمین خورد و بعد هم مراقبت‌های

لازم از وی به عمل نیامد. مدتی با درد و ناخوشی ساخت. آن وقت یکی از وزرای امورخارجه که می‌خواست در آن زمان وزارت امورخارجه را جوان کند و اصلاحاتی در این وزارتخانه به عمل آورد، پدرم را احضار کرد و منتظر خدمت نمود. اتفاقاً این وزیر هم از دوستان قدیم پدرم بود. پدرم به بیروت بازگشت، چندین عمل جراحی نمود و روز شانزدهم مارس ۱۹۳۶ [۱۳۱۴ هـ ش] چراغ عمرش آهسته خاموش شد.

مرگ پدر زندگی ما را دگرگون کرد. آن زندگی نسبتاً مرفه، تبدیل به زندگی محدودتری شد و از خانهٔ نسبتاً بزرگی که در آن منزل داشتیم و نوکر و دو خدمتکار در اختیار ما بود به یک خانهٔ سه اطاقه بدون کلفت و نوکر منتقل شدیم.

افسرالملوک سرداری

مادرم با همان اندوختهٔ ناچیز پدر به تربیت ما همت گماشت. نماز و دعا و کتاب بیشتر وقت او را می‌گیرد و از منزل کم بیرون می‌رود. زمانیکه پدرم به تهران احضار شد. یک بار به اتفاق مادرم با ماشین دودی به حضرت عبدالعظیم رفتیم چون مادرم می‌خواست به زیارت حضرت عبدالعظیم برود. ما کمتر با پدر خود زندگی کردیم زیرا او غالباً در مسافرت بود. روی همین اصل روز به روز با مادر خود بیشتر مأنوس می‌شدیم چون او در حقیقت در تمام سال برای ما هم مادر بود و هم پدر.

تحصیلات

من تنها ایرانی بودم که در مدرسه فرانسوی‌های دمشق درس می‌خواندم. مدرسه متوسطه فرانسوی‌ها بنام «لیسه فرانسه» معروف بود. من محصل متوسطی بودم و آنقدر سعی می‌کردم که دروس خود را خوب فراگرفته و همیشه از عهده امتحانات برآیم. چون من عضو کلوپ اسکی مدرسه بودم در روزهای زمستانی که برف بود به ۶۰ کیلومتری بیروت برای اسکی می‌رفتیم.

سال‌های اخیر که من در کلاس‌های یازدهم و دوازدهم مدرسه بودم، زبان فارسی را هم به شاگردان درس می‌دادند. در آن موقع آقای محمدی از طرف وزارت فرهنگ ایران به بیروت آمد و در همین مدرسه «لیسه فرانسه» شروع به تدریس زبان فارسی کرد و البته چون من آشنایی به زبان فارسی داشتم، احتیاجی به تعلیم زبان مادری خود در کلاس درس او نداشتم. در مدرسه

فرانسوی‌های بیروت مدت یازده سال ـ دوازده سال مشغول تحصیل بودم.

جوان هفده ساله‌ای بودم که برای ادامه تحصیل در اروپا به ساحل بیروت رفتم. از بیروت با کشتی «شامپولیون» که متعلق به شرکت مسافربری ماریتیم فرانسه بود، عازم جنوب فرانسه شدم. عده‌ای از دوستان و رفقای مدرسه که برای خداحافظی و سفر به خیر گفتن به ساحل آمده بودند، محزون و گروهی با حسد به من نگاه می‌کردند. برای آنها من مانند یکی از پهلوانان داستان‌های ژول ورن بودم. یک سال طول خواهد کشید تا من وارد دانشگاه شوم. قصد من این است که یکسال وقتم را صرف آشنا شدن با زبان انگلیسی کنم. پس از چندی اقامت در پاریس به لندن رفتم. شب شده بود، یک تاکسی مرا به پانسیونی هدایت کرد که می‌بایست ۹ ماه تمام مسکن و محل اقامت من باشد. من کوشیدم زبان انگلیسی را با پشتکار و شدت یاد بگیرم و با زندگی انگلیسی هم آشنا شوم. من تا ماه ژوئیه در لندن ماندم و در پایان اقامت در انگلستان، خود را آماده می‌کردم که برای ادامه تحصیلات دانشگاهی به فرانسه بروم، اما بدبختانه ایران مناسبات سیاسی خود را ناگهان با فرانسه قطع کرد. من بلژیک و پایتخت آن، بروکسل را، برای تحصیلات دانشگاهی خود انتخاب کردم. در راهروهای دانشگاه بروکسل، ابراهیم انگجی مرا راهنمایی کرد که چگونه می‌توانم مراسم اسم‌نویسی را تمام کنم. من تمام تربیت و تحصیلات خود را مدیون فرانسوی‌ها هستم.

مراجعت به ایران و اشتغال

پس از اتمام تحصیلات، به ایران بازگشتم. در تهران می‌توانم بگویم کمی گم شده بودم. کسی را نمی‌شناختم آدرس یک مهمانخانه را خواستم و آدرس هتل لاله‌زار را به من دادند. هتل لاله‌زار، مشتری‌های خارجی داشت. دوش گرفتم و کوشش کردم که با بعضی اقوام مادری‌ام تماس بگیرم. همان شب پس از تماس با آنها، به منزل دائی‌ام رفتم. مدت‌ها در خانه آنها ماندم. هنوز یک هفته نگذشته بود که در جستجوی کاری برآمدم. چون می‌خواستم وارد وزارت امورخارجه شوم، خودم به قسمت پرسنل آن مراجعه کردم. معلوم شد عجب کار گستاخانه‌ای کرده‌ام. بایستی کسی را در جریان گذاشت که کس دیگری را بشناسد. یادم آمد که یکی از دوستان پدرم. مدیر یکی از ادارات وزارت امورخارجه است و به دیدن آقای ابوالحسن بهنام رفتم. او مرا به وزیر خارجه آقای ساعد معرفی کرد. پس از ملاقات با وزیر، معاون پرسنلی

(کارگزینی امروز) به من پیشنهاد کرد که به سمت کارآموز تا مسابقه ورودی آینده، در وزارت امورخارجه مشغول کار شوم. فردای آن روز هم شخصاً مرا به رئیس کابینه معرفی کرد. من کارآموز شدم. در کابینهٔ وزیر، مرا وادار به ثبت نامه‌های خروجی کردند، کاری که زیاد مطلوب نیست. سر ساعت مقرر مجبور بودم در وزارتخانه حاضر باشم. دفتری را در راهرو گذاشته بودند که مأمورین مکلف به امضای آن بودند. دوستانی که اسمشان را «یدکی‌ها» گذاشته بودیم، با هم توافق می‌کردند و به جای همدیگر امضا می‌کردند.

شهریور ماه می‌بایست به دانشکده افسری احضار شوم. پس از آنکه امتحان ورودی داده شد و من مطمئن که به هر حال پای در رکاب وزارتخانه گذاشته‌ام به دانشکده افسری رفتم و خوب می‌دانستم که برای گرفتن مأموریت خارج بایستی در انتظار پایان جنگ باشم.

در دانشکده افسری قرعه کشیدند و در نتیجه من وارد صنف توپخانه شدم. افسر مافوق ما آن روز سروانی بود و امروز سرتیپ است. اسم او را سروان «ن» گذاشته بودیم. دو ستوان یک، با سمت معاون کارهای او را انجام می‌دادند که آنها هر دو اکنون امیر هستند. سروان «ن» مرا وادار کرد که لحظات سختی از زندگی را بگذرانم. درجه ستوان دومی گرفتم. استاد تاکتیک ما، سپهبد مالک اکنون به سمت سفیر ایران در آلمان فدرال کاری می‌کند. استاد علوم توپخانه ما که در آن زمان ستوان یک جوان، خزاعی بود اکنون با درجه سپهبدی، فرماندهی دانشگاه پدافند ملی را به عهده دارد. افسر دیگری که در آن سال فرمانده بود و امروز سپهبد است، بهروز، معاون کنونی من در امور بسیج همگانی شده است.

جنگ دوم جهانی

وقتی بلژیک اشغال شد و دانشگاه تعطیل شد، یک روز به داخل عمارت دانشگاه آمدم و در آنجا آقای «ک» را دیدم. این شخص معاون اداره صلیب سرخ بلژیک بود و من او را از پیش می‌شناختم. مجبور شدم به او پیشنهاد کنم که حاضرم در اداره صلیب سرخ به کار مشغول شوم. فوراً قبول کرد. بلافاصله کار من معین شد و مأمور در دایره آمبولانس شدم.

در زمان جنگ، رقص هم جیره‌بندی شد. چند روز پیش بود که به یکی از کافه‌هایی که در جنگل اطراف بروکسل است و اسمش «بلبل» است، رفته بودیم. مرد و زن خوشحال می‌رقصیدند و بالای سر ما، آسمان از هواپیماهای آلمانی که بطرف انگلستان می‌رفت سیاه

شده بود. هواپیماها خیلی نزدیک به زمین پرواز می‌کردند و گاهگاه صدای موتور آنها، صدای ارکستر را خاموش می‌کرد ولی چه اهمیت داشت؟ همه ما هم «سونیگ» می‌رقصیدیم.

در پانسیونی که مسکن داشتم، وقتی صدای سوت خطر که نزدیک شدن پرنده‌های مرگ را اطلاع می‌داد به گوش می‌رسید، همه اهل منزل به طرف زیر زمینی که برای پناهگاه ضد هوایی ساخته شده بود، می‌رفتیم. موزیک رقص از رادیویی که در آنجا بود، شنیده می‌شد و در آن موقعی که بمب‌ها بر شهر فرو می‌ریخت با اضطراب خاطر در آنجا می‌رقصیدیم. قبل از ظهر با دوستم ج ـ ف به سینمای متروپل رفته بودیم بعد برای خوردن غذا به رستوران «سامارا» رفتیم بعد به کافه «ساعت آبی» رفتیم و رقصیدیم. چند ساعتی با خوشحالی و لذت از زندگی رقصیدیم.

ملّیت

در زمان جنگ، قصد داشتم به فرانسه بروم که با ممانعت فرمانده فرانسوی مرز بلژیک و فرانسه روبر شدم. می‌خواستم به او بفهمانم که تمام تربیت و تحصیلات خود را مدیون فرانسوی‌ها هستم. اقامت من در پاریس ۲ ماه طول کشید، دو ماهی که در تمام مدت آن، اغلب اوقات تنها در خیابان‌ها و کوچه‌های این شهر که در همه چیز آن یک زیبائی شاعرانه وجود دارد، گوش می‌کردم.

من تو را همیشه دوست داشته‌ام فرانسه عزیز. فکر من به جانب تو پرواز می‌کند. تو به زانو درآمدی ولی هنوز نام تو در فکر من با زیباترین مناظر و قشنگ‌ترین شهرها، هم‌آغوش است.

من زبان فرانسه و فارسی خود را مرهون مادرم می‌دانم. چون وقتی از مدرسه به منزل مراجعت می‌کردم مادرم به من مشق خط فارسی می‌داد و درس فرانسه را مرور می‌کرد و البته در منزل فقط به زبان فارسی سخن می‌گفتیم.

شراب و گوشت گربه

شلپو ویتس نام مشروبی است که مردم یوگسلاوی، صبح و شام می‌نوشند و رسمشان هم چنین است که اگر صد گیلاس هم به کسی تعارف کنند باید بخورد والا اوقاتشان تلخ می‌شود، من در میان عده زیادی گیر کرده بودم که چون خیلی دلشان می‌خواست از من خوب پذیرائی کنند، مرتب شلپوویتس به من می‌دادند و من نمی‌دانستم چه کنم. تا آنکه دوستی به من گفت باید قبلاً مقداری روغن زیتون خورد و آنگاه به جنگ شلپوویتس رفت.

در دوران جنگ دوم جهانی، در رستوران به اسم گوشت خرگوش به شما گوشت گربه می‌دادند و شما هم با تمام میل و اشتیاق آن را می‌خوردید.

کافه تانیوس هنوز در همان نقطه باب ادریس قرار گرفته است. بوتزوس، گارسن کافه که می‌گویند تحول فراوانی از انعام مشتری‌های به هم زده، پیر شده اما همچنان در پست خودش خدمت می‌کند.

در کازینو در جوینه لبنان، یکی از دوستان قدیمی خود، جمبلاط را که یکی از قیافه‌های سیاسی کشور است، می‌بینم. اسم اصلی او فارسی و جان پولاد است. اگر حافظه من خطا نکند او اصلاً ایرانی است و خانواده‌اش چند قرن پیش به لبنان آمده‌اند. عده‌ای از وزرای کابینه لبنان، تحصیلات خودشان را با من تمام کرده‌اند و تقریباً ۱۲ سال از عمرمان را با هم روی میزهای یک مدرسه گذرانده‌ایم.

پنهان کاری

در حدود ساعت ۵ بود که به سر حد آلمان رسیدیم. ترن ایستاد. پاسبان‌های سرویس مخصوص جاسوسی آلمان «گشتاپو» برای بازجوئی آمدند. چند عدد از چمدان‌هایم را باز کردند. در این موقع ترس مرا گرفت، زیرا قدری پول خارجی فرانک سویس و دلار برای خرج سفر در کفشم مخفی کرده بودم، زیرا پول فرانسه و پول آلمان در کشورهای خارجی ارزش نداشت، می‌ترسیدم که پاسبان‌های آلمانی متوجه شده و بگویند کفش‌هایتان را از پا در آورید.

دستور سازمان ملل برای مأموران خود، همواره چنین است که تا قبل از تحویل گزارش به سازمان، سخن نگویند و به هیچ کس توضیحی ندهند. از این جهت من هم از شرکت در کنفرانس‌های مطبوعاتی خودداری می‌کردم، ولی یک روز اتفاقاً غافلگیر شدم و نیم ساعتی اسیر خبرنگاران بودم. مرتب سئوال می‌کردند و من پاسخ می‌دادم و این نیم ساعت برای من از سخت‌ترین لحظات بود زیرا می‌خواستم به همه پرسش‌ها پاسخ دهم و ضمناً چیزی هم نگویم و نکته‌ای را از گزارش بروز ندهم.

حمایت از اسرائیل

من در سال ۱۹۵۶ رئیس اداره امور بین‌المللی و روابط کمیساریای عالی سازمان ملل جهت

پناهندگان بودم. از طرف سازمان ملل متحد به من مأموریت داده شد که درخصوص تأسیس دفتر نمایندگی سازمان در قاهره با رهبران جدید مصر گفتگو کنم.
اولیاء دولت مصر به من قول داده بودند که اقلیت‌ها و بخصوص یهودها آسیب و خسارتی نخواهند دید. این وعده‌ها البته بار سنگینی از دوش ما برمی‌داشت.

دوستان و دوستی‌ها

من دوستان بسیار نداشتم و در حقیقت به تنهایی به سر می‌بردم. انزوا و گوشه‌گیری را دوست داشتم و بازی‌هایی برای خود اختراع می‌کردم که در آنها، تنها بازیگر بودم.

آنچه از قیافه‌های ایرانی‌ها از زمان تحصیل در مدرسه فرانسوی‌ها، بیاد دارم، یکی آقای احمد دارایی بود که اکنون مدیرکل وزارت بهداری می‌باشد. تیمور بختیار نیز در حدود یکسال در این مدرسه درس خواند و شاهپور بختیار تحصیلات متوسطه خود را در مدرسهٔ ما به پایان رسانید. دکتر ذبیح قربان معاون فعلی دانشگاه پهلوی شیراز هم در بیروت درس می‌خواند.

دوره پنج ساله‌ای که در خدمت سازمان ملل متحد گذرانیده بودم به من فرصت داده بود که با چند تن از بزرگان روزگار و رجال عصر که در صحنه سیاست جهان نقشی ایفا نموده‌اند یا هم‌اکنون [۱۳۴۲ هش] ایفا می‌کنند آشنا شوم و دمخور گردم.

زین‌العابدین رهنما را در سالن‌های پاریس بسیار دیدم که زنان قشنگ مانند پروانه در آن جاها می‌گشتند و او برای آنها غزلیات حافظ را می‌خواند و ترجمه می‌کرد. زین‌العابدین رهنما توانسته است دوستی‌ها پایداری در همه جای دنیا برای خود ایجاد کند. در پاریس از او حرف می‌زنند و در بیروت اسمش به مانند کلیدی است که هر دری را باز می‌کند. در سال ۱۹۴۵ که من به سمت وابسته سفارت در پاریس کار می‌کردم به وسیله او با شخصیت‌هایی چون مالرو، کلودل موریاک و عده‌ای دیگر آشنا شدم.

شب را من مهمان اسد صدری یکی از دوستان قدیمی وزارت خارجه هستم او اکنون نماینده کمک‌های فنی سازمان ملل و کمیسر عالی پناهندگان بیروت است.

شام در رم، مهان سفیرکبیر خودمان جمال امامی هستیم. او مثل معمول با نجابت از ما پذیرائی می‌کند.

از جمله دوستان دیگری که من تقریباً هر روز بعدازظهر می‌دیدم، صادق هدایت و خانلری و

گاهگاه چوبک بودند. در سال ۱۹۴۵ یکی از عزیزترین دوستانم به ملاقاتم آمد حمید رهنما در دانشگاه امریکائی بیروت حسابی درس خوانده بود. در لندن در مؤسسه‌ای که من درس فلسفه می‌خواندم یک معلم فرانسوی داشتیم که با او آشنا شدم و بعد با هم دوست شدیم. اسمش «رنه ماهو» بود. او امروز (۱۳۴۶ هـ ش) مدیرکل یونسکو است.

در مدت حضور در لندن، با خیلی‌ها آشنا شدم و دوستان بسیار زیادی پیدا کردم که هنوز هم تماسم را با بعضی از آنها نگاه داشته‌ام.

داگ‌هامر شولد، به دفتر کار من که در قسمت راست کاخ سازمان ملل واقع است، وارد شد. رئیس ما که اینجا او را ارباب می‌گوئیم و هلندی است همراهش بود. سیگاری با هم دود کردیم و از بدو ملاقات از شعر و ادبیات سخن گفتیم. بیتی چند از اشعار «لورکا» که من قاب کرده و به دیوار آویخته بودم باعث شد که این بحث پیش کشیده شود.

تنها روزنامه‌ای که در بیروت به ما می‌رسید و حتی بعد از فوت پدر هم ارسال آن ادامه یافت، روزنامه یومیه کوشش بود. کوشش علامت دوستی میان پدرم و صفوی بود که وفادار ماند.

اسناد

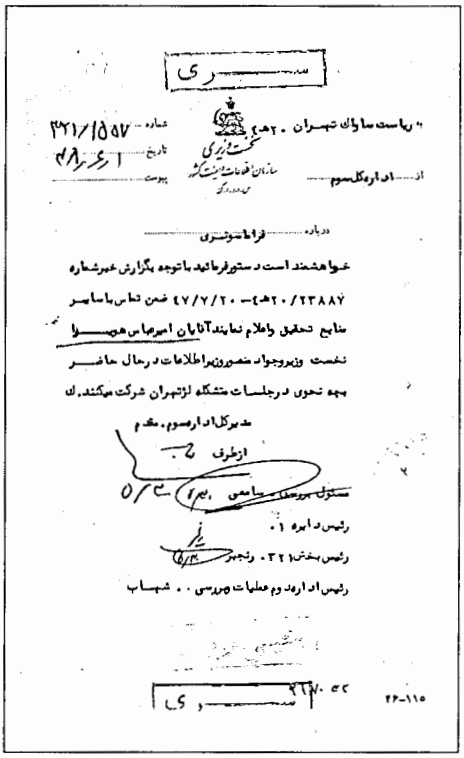

شماره: ۳۲۱/۱۵۵۷ تاریخ: ۴۸/۶/۱

به: ریاست ساواک تهران ۲۰ ه‍ ۴

از: اداره کل سوم

درباره: فراماسونری

خواهشمند است دستور فرمائید با توجه به گزارش خبر شماره ۲۰/۲۳۸۸۷ ه‍ ۴ ـ ۴۷/۷/۲۰ ضمن تماس با سایر منابع تحقیق و اعلام نمایند آقایان امیرعباس هویدا نخست‌وزیر و جواد منصور وزیر اطلاعات در حال حاضر به چه نحوی در جلسات متشکله لژ تهران[1] شرکت می‌کنند.

مدیرکل اداره سوم. مقدم

از طرف شهاب

مسئول بررسی. سامعی

رئیس دایره ۱

رئیس بخش ۳۲۱ رنجبر

رئیس اداره دوم عملیات و بررسی. شهاب

۱ـ لژ تهران، به شماره ۱۵۴۱، در ۱۵ اردیبهشت ۱۳۳۷ تأسیس شد و نخستین لژی بود که با مجوز فراماسونری انگلیس کار خود را در ایران آغاز کرد. مؤسسان این لژ، از پایه‌گذاران و فعالان لژ روشنایی در ایران بودند که چند سال بعد به لژ روشنایی در تهران، تغییر یافت. پس از تشکیل لژ بزرگ ایران، لژ تهران در ردیف سوم سلسله لژهای فراماسونری لژ بزرگ ایران به ثبت رسید. اغلب لژهای فراماسونری توسط اعضای این لژ پایه‌گذاری شده‌اند.

«اسناد فراماسونری در ایران ج ۲، ص ۱۵، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی ـ زمستان ۱۳۸۰»

به : ۳۲۷ تاریخ : ۴۸/۶/۳

از : ۲۰ ه ۵ شماره : ۲۰/۳۶۲۰۷ ه ۵

موضوع : اظهارات هاشم جاوید

هاشم جاوید[1] در یک مذاکره خصوصی اظهار داشت دولت هویدا بسیار دوام پیدا نموده و علت آن زرنگی هویدا است چون هر وقت دولت هویدا تضعیف می‌شود آقای هویدا و همدستانش شایع می‌کنند که دکتر امینی،[2] به زودی نخست‌وزیر می‌شود و چون دکتر امینی زمینه ندارد و خوشنام نیست در نتیجه دولت هویدا ابقا می‌گردد.

توضیح ۲۰ ه ۵ : اظهارات هاشم جاوید در حضور رئیس بخش ۵ ایراد شده و صحت دارد.

ضمیمه سابقه ۶/۴

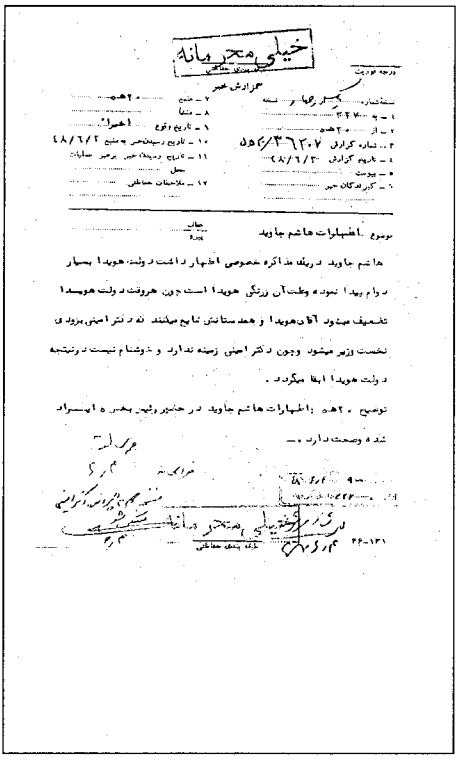
خیلی محرمانه

درجه اهمیت

سند شماره : یکسان رهگیری شده

۱ ـ به ... ۳۲۷

۲ ـ از ... ۲۰ ه ۵

۳ ـ شماره گزارش ۲۰/۳۶۲۰۷ ه ۵

۴ ـ تاریخ گزارش ۴۸/۶/۳

۵ ـ پیوست

۶ ـ گیرندگان سند

گزارش عصر

۷ ـ منبع ۲۰ ه ۵

۸ ـ دقیق

۹ ـ تاریخ وقوع اخیراً

۱۰ ـ تاریخ رسیدن خبر به منبع ۴۸/۶/۲

۱۱ ـ تاریخ رسیدن خبر برخبر سابقات

سهل

۱۲ ـ ملاحظات ساطی

موضوع : اظهارات هاشم جاوید

پیوست

هاشم جاوید در یک مذاکره خصوصی اظهار داشت دولت هویدا بسیار دوام پیدا نموده وعلت آن زرنگی هویدا است چون هروقت دولت هویدا تضعیف میشود آقای هویدا و همدستانش شایع میکنند که دکتر امینی بزودی نخست وزیر میشود وچون دکتر امینی زمینه ندارد و خوشنام نیست درنتیجه دولت هویدا ابقا میگردد .

توضیح ۲۰ه۵ : اظهارات هاشم جاوید در حضور رئیس بخش ۵ ایراد شده وصحت دارد .

ضرابخانه

نسخه دوم در پرونده دکتر امینی منعکس شود

۶/۴

آقای شاکری نژاد

۴۸/۶/۴

۱ـ هاشم جاوید فرزند شیرعلی در سال ۱۳۰۵ ش در شیراز به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را سپری کرد و سپس به تهران آمد در سال ۱۳۲۸ از دانشکده حقوق تهران درجه دکترا گرفت. در وزارت فرهنگ استخدام شد و مدتی زبان و ادبیات فارسی را در دبیرستانهای شیراز تدریس کرد. بعد به شغل وکالت پرداخت تا اینکه در دوره بیست و یکم مجلس شورای ملی (۱۳۴۲ ش) از شیراز به نمایندگی انتخاب شد.

۲ـ در رابطه با شناخت دکتر علی امینی، به کتاب دو جلدی مرکز اسناد تاریخی، تحت عنوان علی امینی به روایت اسناد ساواک مراجعه شود.

به : ۳۲۲ تاریخ : ۴۸/۶/۱۲

از : ۲۰ ه ۷ شماره : ۲۰/۴۶۴۶۱ ه ۷

موضوع : اظهارات مهندس کیا

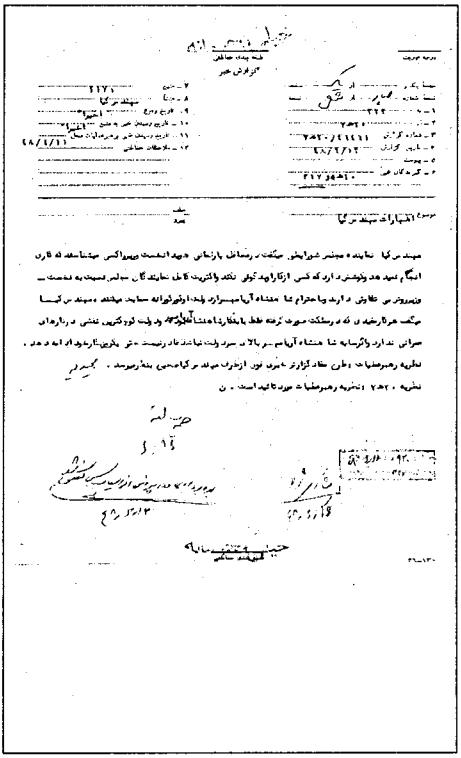

مهندس کیا[1] نماینده مجلس شورای ملی مـــی‌گفت در مـــحافل پـــارلمانی هـــویدا نخست‌وزیر راکسی می‌شناسند که کاری انجام نـــمی‌دهد و کـــوشش دارد کـــه کسی از کـــار او بـــدگویی نکـــند و اکـــثریت کـــامل نـــمایندگان مجلس نسبت به نخست‌وزیر روش بی‌تفاوتی دارند و به احترام شاهنشاه آریامهر از دولت او کـــورکورانـــه حـــمایت مـــی‌کنند، مـــهندس کـــیا می‌گفت هر کار مفیدی که در مملکت صـــورت گرفته فقط به ابتکار شاهنشاه آریامهر بوده و دولت کوچکترین نقشی در کـــارهای عـــمرانـــی ندارد و اگر سایه شاهنشاه آریامهر بالای سر دولت نباشد قادر نیست حتی یک روز به‌کار خود ادامه دهد.

نظریه رهبر عملیات : طرح مفادگزارش خبری فوق از طرف مهندس کیا صحیح به نظر می‌رسد.

مجیدیه

نظریه ۲۰ ه ۷ : نظریه رهبر عملیات مورد تایید است.

ضمیمه سابقه

۶/۱۶

بهره‌برداری و در پرونده افراسیاب منعکس شد

۴۸/۶/۱۷

آقای شاکری‌نژاد ۴۸/۶/۱۶

۱ـ فریدون کیا فرزند سپهبد حاجیعلی کیا بود که در تشکیلات فراماسونری بین‌المللی و در لژ هاتف عضویت داشت.

از : اصفهان تاریخ : ۴۸/۶/۳۱

به : کل سوم ۳۲۷ شماره : ۴۰۶

والاحضرت شاهدخت فاطمه پهلوی[1] و همراهان معظم‌لها که عبارت از آقای دکتر رهنما وزیر علوم. آقای مهندس اصفیا وزیر مشاور. آقای دکتر شاهقلی وزیر بهداری و خانم هویدا بودند در ساعت ۱۰۱۵ با هواپیما به اصفهان وارد و پس از شرکت در جشن آغاز سال تحصیلی دانشگاه و بازدید از محلی که خانه‌های سازمانی استادان در آنجا بنا خواهد شد در ساعت ۱۴۴۵ اصفهان را به صوب تهران ترک فرمودند. تقوی

اصل ۲۲۵۱۱۱

در پرونده دولت آقای هویدا به کلاسه ۲۲۵۰۱۲ بایگانی شود

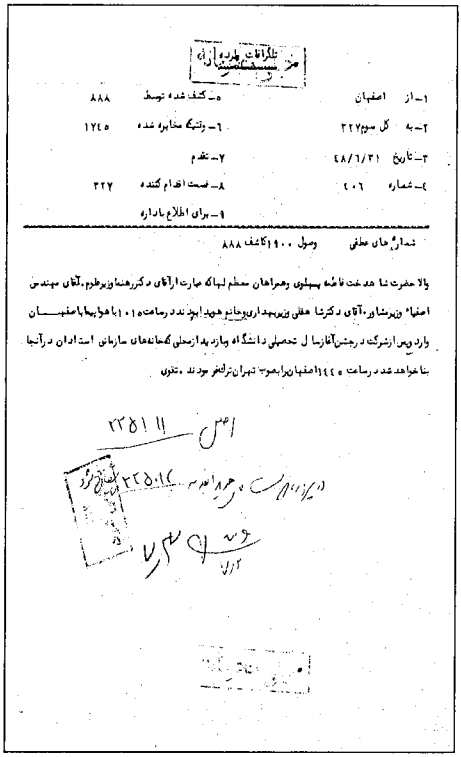
تلگرافات وارده به نخست‌وزیری

۱ـ از اصفهان ۵ـ کشف شده نهضت ۸۸۸

۲ـ به کل سوم ۳۲۷ ۶ـ رتبه‌ی مخابره شده ۱۷۴۵

۳ـ تاریخ ۴۸/۶/۳۱ ۷ـ تعلم

۴ـ شماره ۴۰۶ ۸ـ صحت اقام کننده ۳۲۲

۹ـ برای اطلاع نامبرده

شماره‌های مخابره وصول ۱۴۰۰ کشف ۸۸۸

والا حضرت شاهدخت پهلوی وهمراهان معظم لها که عبارت از آقای دکتر رهنما وزیر علوم، آقای مهندس اصفیا وزیر مشاور، آقای دکتر شاهقلی وزیر بهداری و خانم هویدا بودند در ساعت ۱۰۱۵ با هواپیما باصفهان وارد و پس از شرکت در جشن آغاز سال تحصیلی دانشگاه و بازدید از محلی که خانه‌های سازمانی استادان در آنجا بنا خواهد شد در ساعت ۱۴۴۵ اصفهان را بصوب تهران ترک فرمودند. تقوی

اصل ۲۲۵۱۱۱

در پرونده دولت آقای هویدا به کلاسه ۲۲۵۰۱۲ بایگانی شود

فرمند ۷/۲

۱ـ فاطمه پهلوی که چهارمین دختر رضاشاه از همسر آخر او عصمت‌الملوک بود. در هشتم آبان ۱۳۰۷ در تهران متولد شد او در زمان تبعید رضاشاه همراه مادرش به مدت هفت ماه در جزیره موریس اقامت داشت ولی براثر اصرار و خواهشهای مادرش، رضاخان به وی اجازه داد به همراه مادرش به ایران برگردد. وی در سال ۱۳۲۲ به همراه برادرش حمیدرضا به لبنان رفت و در یکی از مدارس شبانه روزی اسکندریه مشغول تحصیل شد. بعد از مرگ رضاشاه در سال ۱۳۲۳ به همراه چند تن از برادرانش به آمریکا رفت تا در آنجا تحصیل نماید ولی پس از سه سال بنا به دلایل نامشخص بی‌آنکه موفق شود دانشنامه‌ای بگیرد، فقط پس از آموختن زبانهای انگلیسی و فرانسه به ایران آمد.

در سال ۱۳۲۷ شایعه خواستگاری هژیر ـ نخست‌وزیر وقت ـ از وی در جراید به چاپ رسید، که مورد موافقت دربار و فاطمه قرار نگرفت. مشارالیه در سال ۱۳۲۸ بار دیگر رهسپار امریکا شد. در طی این دوران اقامت او در آمریکا بود که وینسنت هیلیر، جوان بیکاره امریکایی که دوست محمودرضا بود، در سر راه او قرار گرفت و سرانجام بعد از مخالفتهای دربار آنها در اوایل سال ۱۳۲۹ با هم ازدواج کردند. دربار هم برای ساکت کردن افکار عمومی، بویژه آرام ساختن روحانیون اعلام داشت که فاطمه از مزایای خاندان پهلوی محروم شده است. اما هیلیر که بخاطر القاب و امتیازات و ثروت موروثی با فاطمه ازدواج کرده بود، دست از لجاجت برداشته و پذیرفت به دین اسلام درآید تا ازدواج او با خواهر شاه محذور شرعی و اجتماعی نداشته باشد. هیلیر مدت ۹ سال، از سال ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۸، در ایران سرگرم زدوبند با شرکتهای آمریکایی و جاسوسی از داخل دربار برای آمریکا بود و در معاملات بزرگ دخالت می‌کرد و کمیسیون می‌گرفت.

رفتار وی براثر افراط در شرب خمر تحمل‌ناپذیر شده بود و در سال آخر ضمن برخورد و مناقشه‌ای شدید با فاطمه، نوزادشان «آرزو» را به هوا پرتاب کرد که منجر به کشته شدن کودک شد. پس از این مسئله و همچنین ضرب و شتم فاطمه، دربار به او فشار آورد که فاطمه را طلاق بدهد. فاطمه از او دو فرزند پسر به نامهای کیوان (متولد ۱۳۳۱) و داریوش (متولد ۱۳۳۵) داشت. بعد از طلاق از هیلیر، فاطمه در آبان ۱۳۳۸ با ارتشبد محمد خاتمی فرمانده نیروی هوایی ازدواج کرد و از او هم دارای دو پسر بنام کامبیز (۱۳۴۱) و رامین (متولد ۱۳۴۶) شد. محمد خاتمی در یک سانحه هوایی در ۲۱ شهریور ۱۳۵۴ جان خود را از دست داد. فاطمه هم، اکنون در قید حیات نیست. پستهائی که وی عهده‌دار بود عبارتند از: ریاست هیئت امنای دانشگاه اصفهان ـ ریاست هیئت امنای باغات گیاهشناسی و ریاست هیئت امنای دانشگاه صنعتی.

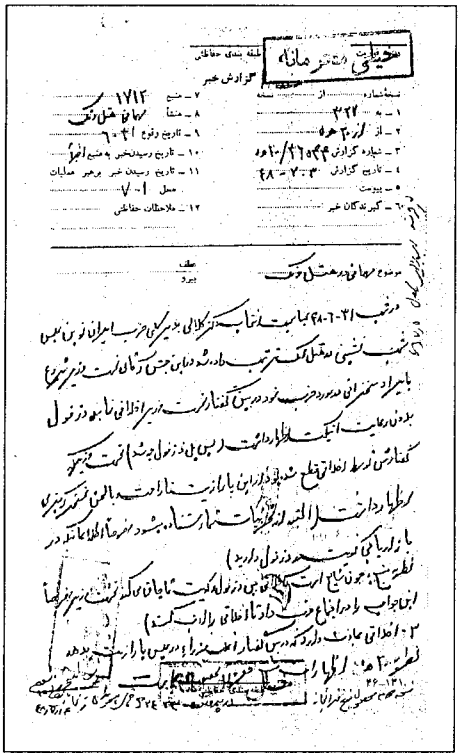

به : ۳۲۷ تاریخ : ۴۸/۷/۳

از : ۲۰ ه ۵ شماره : ۲۰/۳۶۵۴۴ ه ۵

موضوع : مهمانی در هتل ونک

در شب ۴۸/۶/۳۱ بـه مـناسبت انـتخاب دکـتر کـلالی بـه دبـیرکلی حـزب ایـران نـوین مجلس شب‌نشینی در هتل ونک ترتیب داده شد در این جشن آقای نخست‌وزیر شـروع بـه ایراد سخنرانـی در مـورد حـزب نـمود در بـین گـفتار نـخست‌وزیر اخـلاقی نـماینده دزفـول بـدون رعـایت اتـیکت اظـهار داشت (پس پـل دزفول چه شد) نخست‌وزیر که گفتارش توسط اخلاقی قطع شده بود از این پارازیت احت و با لحن تمسخرآمـیزی اظـهار داشت (البـته از تـجربیات شـما اسـتفاده مـی‌شود مـخصوصاً اطلاعاتی که در بازاریابی کویت در دزفول دارید)

نظریه منبع : چون شایع است که (اخلاقی بـین دزفـول و کـویت قـاچاق مـی‌کند نـخست‌وزیر مخصوصاً این جواب را در اجتماع حزب داد تا اخلاقی را ادب کند)

۲ـ اخلاقی عادت دارد که در بین گفتار اغلب وزرا در مجلس پارازیت بدهد.

نظریه ۲۰ ه ۵ : اظهارات منبع مقرون به حقیقت است.

در پرونده ۶۲۴۲۳ آقای هویدا بایگانی شود

۴۸/۷/۱۴

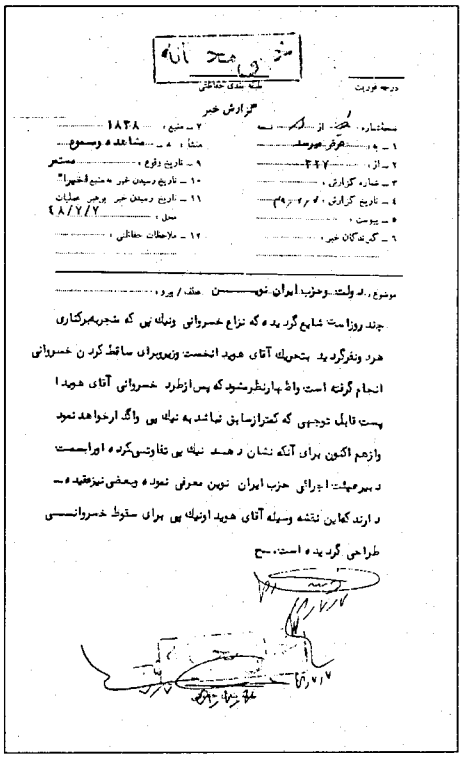

به : عرض می‌رسد تاریخ : ۴۸/۷/۷

از : ۳۲۷

موضوع : دولت و حزب ایران نوین

چند روز است شایع گردیده که نزاع خسروانی[1] و نیک‌پی[2] که منجر به برکناری هر دو نفر گردید به تحریک آقای هویدا نخست‌وزیر و برای ساقط کردن خسروانی انجام گرفته است و اظهارنظر می‌شود که پس از طرد خسروانی آقای هویدا پست قابل توجهی که کمتر از سابق نباشد به نیک‌پی واگذار خواهد نمود و از هم‌اکنون برای آن که نشان دهد نیک‌پی تفاوتی نکرده او را به سمت دبیر هیئت اجرایی حزب ایران نوین معرفی نموده و بعضی نیز عقیده دارند که این نقشه وسیله آقای هویدا و نیک‌پی برای سقوط خسروانی طراحی گردیده است.

فرمند

۴۸/۷/۷

۱ـ عطاءاله خسروانی متولد ۱۲۹۸ ه‍ ش از مهره‌های قدیمی وابسته به بریتانیا و دربار بود که در سال ۱۳۳۲ به همراه برادرش (خسرو خسروانی) نشریه افکار ایران را منتشر می‌کرد. عطاء خسروانی در دولت منوچهر اقبال معاون وزیر کار در امور پارلمانی شد و در سال ۱۳۴۰ به همراه دوستان قدیمی خود در دبیرستان «ایرانشهر» (حسنعلی منصور، جمشید آموزگار و...) در نقش نخبگان امریکایی ظاهر گردید و در دولت امینی و علم و منصور وزارت کار را به دست گرفت. در پی ترور منصور و همزمان با انتصاب امیرعباس هویدا به صدارت، در اسفند ۱۳۴۳ محمدرضا پهلوی، خسروانی را به دبیرکلی «حزب ایران نوین» گمارد و این امر از آغاز نارضایی جواد منصور، دکتر حسن زاهدی و دیگر بنیانگذاران «کانون مترقی» را برانگیخت. خسروانی علاوه بر مدیرکلی «حزب حاکم» در دولت هویدا وزارت کار و سپس وزارت کشور (۱۳۴۷) را به عهده داشت. خسروانی که طبق ارزیابی ساواک، فردی «عوامفریب و حرّاف» محسوب می‌شد، تصور می‌کرد که به سادگی خواهد توانست رقیب بی‌صلاحیت خود را کنار زند و به ریاست دولت برسد. از این رو، در سال ۱۳۴۵ از طریق برادرش خسرو خسروانی، سفیر ایران در واشنگتن، به ایجاد ارتباطاتی با برخی از مقامات امریکایی دست زد. «ظهور و سقوط سلطنت پهلوی ـ ج ۲ ـ ص ۳۷۸»

۲ـ غلامرضا نیک‌پی از جمله افرادی بود که به همراه هویدا به دیوانسالاری دولتی راه یافت و در زمان تصدی شهرداری تهران سوءاستفاده‌های کلان داشت.
مشروح زندگینامه وی در جلد اول آمده است.

راست: حسین خطیبی ـ هویدا ـ فرخ‌رو پارسای ـ عطاءالله خسروانی ـ ...

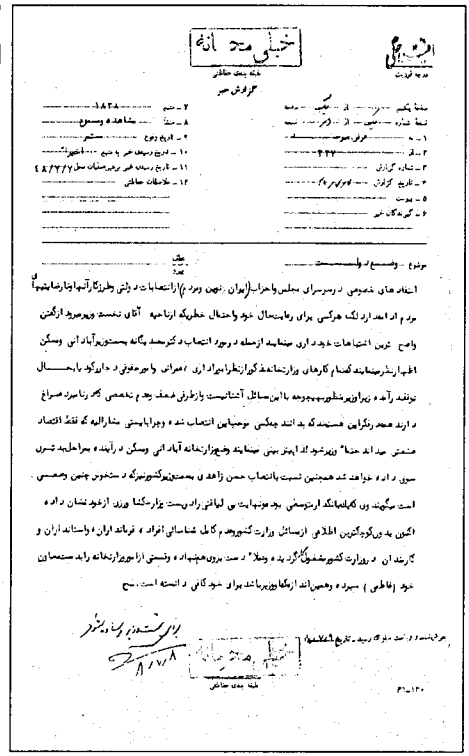

به : عرض می‌رسد تاریخ : ۴۸/۷/۷

از : ۳۲۷

موضوع : وضع دولت

انتقادهای خصوصی در سرسرای مجلس و احزاب (ایران نوین و مردم) از انتصابات دولتی و طرز کار آنها و نارضایتیهای مردم ادامه دارد لکن هر کسی برای رعایت حال خود و احتمال خطری که از ناحیه آقای نخست‌وزیر می‌رود از گفتن واضح‌ترین اشتباهات خودداری می‌نماید از جمله در مورد انتصاب دکتر محمد یگانه[1] به سمت وزیر آبادانی و مسکن اظهارنظر می‌نمایند که تمام کارهای وزارتخانه مذکور از نظر امور اداری، عمرانی و امور حقوقی دچار رکود یا به حال توقف درآمده زیرا وزیر منظور به هیچ‌وجه با این مسائل آشنا نیست و از طرفی ضعف و عدم تخصصی که در نامبرده سراغ دارند همه در فکر این هستند که بدانند چه کسی موجب این انتصاب شده و چرا بایستی مشارالیه که فقط اقتصاد صنعتی می‌داند حتماً وزیر شود لذا پیش‌بینی می‌نمایند وضع وزارتخانه آبادانی و مسکن در آینده به مراحل بدتری سوق داده خواهد شد همچنین نسبت به انتصاب حسن زاهدی[2] به سمت وزیر کشور نیز که دستخوش چنین وضعی است می‌گویند وی که یک بانکدار متوسطی بوده و نهایت بی‌لیاقتی را در پست وزارت کشاورزی از خود نشان داده اکنون بدون کوچکترین اطلاعی از مسائل وزارت کشور و عدم کامل شناسایی افراد، فرمانداران، و استانداران و کارمندان در وزارت کشور مشغول کار گردیده و عملاً دست به روی هم نهاده و قسمتی از امور وزارتخانه را به دست معاون خود (فاطمی) سپرده و همین اندازه که او وزیر باشد برای خود کافی دانسته است. برای نخست‌وزیر فرستاده شود نصیری ۸/۷/۸

۱ـ محمد یگانه فرزند اسماعیل متولد ۱۳۰۳ زنجان است که پس از اتمام دورهٔ دبستان و دبیرستان در این شهرستان،

وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۲۴ رشته قضایی و ۱۳۲۵ رشته اقتصادی را به پایان رساند و سپس در دانشگاه کلمبیا در نیویورک در رشته اقتصاد ادامه تحصیل داد و دکترا گرفت. وی در سال ۱۳۲۸ وارد دبیرخانه سازمان ملل متحد در نیویورک شد و ۸ سال در شعبهٔ خاورمیانه به عنوان کارشناس اقتصادی مشغول بود. در سال ۱۳۳۶ به عنوان متخصص تهیه برنامه به تونس رفت و بعد از ۱۶ ماه به نیویورک مراجعت کرده و در ابتدا معاون قسمت سیاستها و برنامه‌های صنعتی و سپس رییس آن قسمت شد. وی در عین حال رئیس قسمت اقتصاد صنعتی بود و مسئولیت متجاوز از ۲۰ کارشناس را در نیویورک و یک صد نفر دیگر را در کشورهای مختلف جهان و ۴۰ طرح مطالعات و ۱۲ کنفرانس را برعهده داشت. در سال ۴۲ به سمت معاون اقتصادی وزارت اقتصاد در ایران منصوب شد و در مرداد ۴۸ در کابینه هویدا به وزارت آبادانی و مسکن رسید و سپس به عنوان وزیر مشاور در کابینه ماند. یگانه در شهریور ۱۳۵۶ که وزیر مشاور و رییس سازمان برنامه و بودجه بود، به عنوان نماینده ایران در سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) برگزیده شد. وی همچنین در کابینهٔ آموزگار به وزارت اقتصاد و دارایی رسید.

دکتر محمد یگانه از شخصیت‌های صاحب‌نام تشکیلات فراماسونری بین‌المللی بود که در لژهای بسیاری عضویت داشت و در تأسیس بسیاری از لژها، عضو مؤسس بود و به مقامات ماسونی، دبیر لژ، استاد ارجمند و ... نیز رسیده بود. برخی از لژهائی که او در آنها نقش داشت به این شرح است :

«جویندگان کمال آلبرت پایک، کمال اندیشه، کمال زرتشت، شاپیتر کورش، طوس، آریا، نور، کرمان، شیراز، خورشید، هخامنش، طوس، پاسارگاد، طبرستان، امیرکبیر، رازی و ...»

او که در جلسهٔ تیرماه لژ جویندگان کمال آلبرت پایک به درجه دوازدهم ماسونی ارتقاء یافته بود، در جلسهٔ سخنرانی خود در لژ خورشید به تاریخ ۵۲/۲/۲، ضمن شرح مبسوطی از مسافرت خود به کشورهای فرانسه و انگلستان و شرکت در لژهای مهم فراماسونری آن کشورها، خاصه پاریس و لوزان، شکوه لژهای ایرانی را بیش از لژهای خارجی قلمداد کرد.

۲ـ حسن زاهدی از اعضای تشکیلات فراماسونری بود که در لژهای مختلف ماسونی از جمله : لژ اهواز و لژ بزرگ ایران، عضویت داشت.

او که از بنیانگذاران کانون مترقی بود، در سال ۱۳۴۲ که مدیرعامل بانک اعتبارات کشاورزی بود، از عاملین انگلستان معرفی گردید.

حسن زاهدی که با ترور منصور، از جمله کسانی بود که با دبیرکلی عطاءاله خسروانی، مخالفت داشت، پس از برکناری خسروانی از وزارت کشور، به جای او وزیر کشور شد.

«ظهور و سقوط پهلوی ـ ج ۲ صفحات مختلف»

شماره : ۵۳۴۱۳ تاریخ : ۴۸/۷/۲۴

به : تیمسار ریاست ساواک ـ مدیریت کل اداره سوم (۳۲۱)

از : ساواک تهران

درباره : فراماسونری

عطف به ۳۲۱/۱۵۵۷ ـ ۴۸/۶/۱

با تحقیقاتی که بعمل آمده است نامبردگان مشروحه زیر عضو لژکوروش[1] فراماسونری بوده لکن به علت درگیری اداری در جلسات متشکله حضور به هم نمی‌رسانند.

۱ـ آقای امیرعباس هویدا

۲ـ آقای جواد منصور[2]

رئیس ساواک تهران. نواب

از طرف عمید

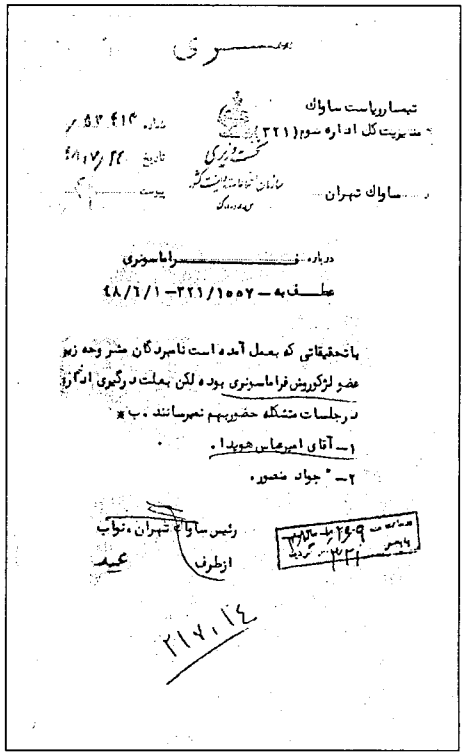

۱ـ لژکوروش، به شماره ۱۵۷۴ وابسته به لژ بزرگ اسکاتلند در سال ۱۳۳۹ تأسیس شد. این لژ پس از پیوستن به لژ بزرگ ایران در ردیف چهارم آن ثبت گردید و به شمارهٔ ۴ تغییر نمره یافت.
جلسات لژکوروش اغلب در خیابان قوام‌السلطنه، کلیسای انجیلی تشکیل می‌گردید.
«اسناد فراماسونری در ایران ـ جلد دوم ـ ص ۲۴»

۲ـ جواد منصور فرزند رجبعلی منصورالملک و برادر حسنعلی منصور، از افرادی بود که در لژهای فراماسونری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود.
او که از دوستان گراتیان یاتسویچ ـ رئیس سیا در ایران ـ بود، در زمانیکه که برادرش حسنعلی منصور، نخست‌وزیر بود، به همراه هویدا، برادرش را برای عضویت در لژ فروغی، معرفی کرد.

از: ۲۰ ه ۷ تاریخ: ۴۸/۷/۲۹

شماره: ۲۰/۵۱۷۸۳ ه

موضوع: تشکیل جلسه در منزل دکتر رضا صحت[1]

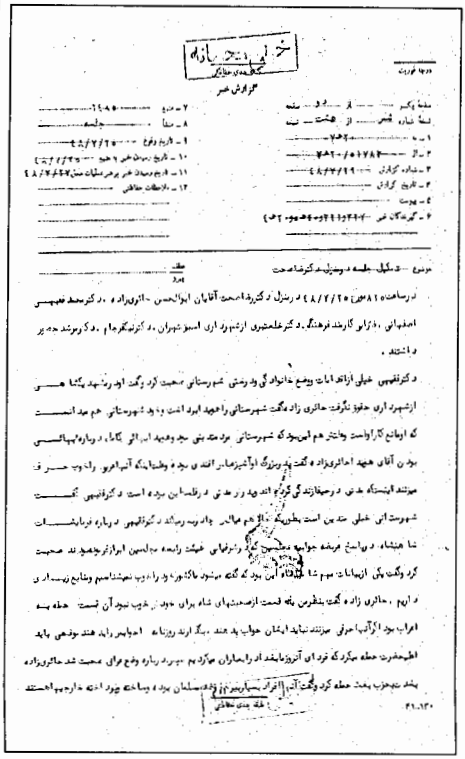

در ساعت ۸۲۵ مورخ ۴۸/۷/۲۵ در منزل دکتر رضا صحت آقایان ابوالحسن حائری‌زاده.[2] دکتر محمد فقیهی اصفهانی. ضرابی کارمند فرهنگ. دکتر خلعتبری از شهردارهای اسبق تهران. دکتر نیکفرجام. دکتر مرشد حضور داشتند.

دکتر فقیهی خیلی از اقدامات و وضع خانوادگی و درستی شهرستانی صحبت کرد و گفت او در مشهد یک شاهی از شهرداری حقوق نگرفته حائری‌زاده گفت شهرستانی را هویدا برداشت و خود شهرستانی هم می‌دانست که او مانع کار او است و علتش هم این بود که شهرستانی مرد متدینی بود و هویدا بهائی کامل. درباره بهائی بودن آقای هویدا حائری‌زاده گفت پدربزرگ او آشپز عباس افندی بوده و علت اینکه آنها عربی را خوب حرف می‌زنند این است که مدتی در حیفا زندگی کرده‌اند و پدرش مدتی در فلسطین بوده است دکتر فقیهی گفت شهرستانی خیلی متدین است به طوری که حالا هم عیالش چادر بسر می‌کند دکتر فقیهی درباره فرمایشات شاهنشاه در پاسخ عریضه جوابیه مجلسین که در شرفیابی هیئت رئیسه مجلسین ابراز فرموده بودند صحبت کرد و گفت یکی از بیانات مهم شاهنشاه این بود که گفته می‌شود ما کشور خود را خوب نمی‌شناسیم و منابع زیادی داریم. حائری‌زاده گفت به نظر من یک قسمت از صحبتهای شاه برای خودش خوب نبود آن قسمت حمله به اعراب بود اگر آنها حرفی می‌زنند نباید ایشان جواب بدهند. بگذارند روزنامه‌ها جوابش را بدهند موقعی باید اعلیحضرت حمله می‌کرد که فردای آن روز ما بغداد را بمباران می‌کردیم سپس درباره وضع

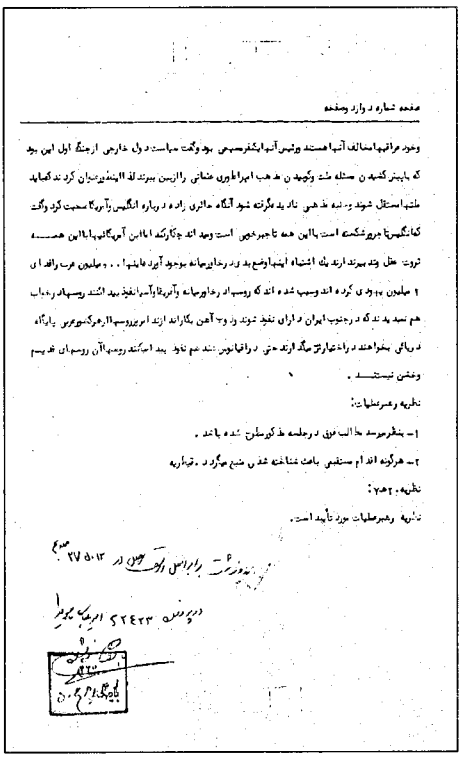

عراق صحبت شد حائری‌زاده به شدت به حزب بعث حمله کرد و گفت آنها افراد بسیار بی‌رحم و ضدمسلمان بوده و ساخته و پرداخته خارجیها هستند و خود عراقیها مخالف آنها هستند و رئیس آنها یک فرد مسیحی بود و گفت سیاست دول خارجی از جنگ اول این بود که با پیش کشیدن مسئله ملت و کوبیدن مذهب امپراطوری عثمانی را از بین ببرند لذا این طور عنوان کردند که باید ملتها مستقل شوند و جنبه مذهبی نادیده گرفته شود آنگاه حائری‌زاده درباره انگلیس و آمریکا صحبت کرد و گفت که انگلیس تاجر ورشکسته است با این همه تاجر خوبی است و می‌داند چکار کند اما این آمریکاییها با این همه ثروت عقل و تدبیر ندارند یک اشتباه اینها وضع بدی در خاورمیانه بوجود آورده اینها ۵۰۰ میلیون عرب را فدای ۲ میلیون یهودی کرده‌اند و سبب شده‌اند که روسها در خاورمیانه و آفریقا و آسیا نفوذ پیدا کنند روسها در خواب هم نمی‌دیدند که در جنوب ایران دارای نفوذ شوند و ذوب‌آهن بکار اندازند امروز روسها از هر کشور عربی پایگاه دریایی بخواهند در اختیارش می‌گذارند حتی در اقیانوس هند هم نفوذ پیدا می‌کنند روسها آن روسهای قدیم و خشن نیستند.

نظریه رهبر عملیات : ۱ـ به نظر می‌رسد مطالب فوق در جلسه مذکور مطرح شده باشد. ۲ـ هرگونه اقدام مستقیمی باعث شناخته شدن منبع می‌گردد. قیطریه

نظریه ۲۰ ه ۷ : نظریه رهبر عملیات مورد تایید است

رونوشت برابر اصل است اصل در ۲۷۵۰۱۲ جلد ۴ — در پرونده ۶۲۴۲۳ امیرعباس هویدا بایگانی شود

۱ـ رضا صحت (حکیم‌زاده) (صحت‌السلطنه) فرزند زین‌العابدین در سال ۱۲۶۸ ه ش در مشهد بدنیا آمد. او که از دانشگاه تهران، دکترای پزشکی گرفته بود، در سال ۱۲۹۴ به استخدام دربار قاجار درآمد و به عنوان طبیب مخصوص

ولیعهد به کار مشغول شد.
مشارالیه که طبیب دربار قاجار بود، در زمان احمدشاه، رئیس فرهنگ آذربایجان شد و سپس بـه شـغل اصـلی خـود بازگشت و در مشاغل ذیل فعالیت کرد:
«رئیس بازرسی مؤسسات صحی ـ کارگزینی ـ مدیرکل وزارت بهداری ـ رئیس بـیمارستان فـیروزآبـادی، بـیمارستان وزیری، معاونت وزارت بهداری»
منزل رضا صحت که عضو حزب ملیون بود و در تأسیس بیمارستان‌های وزیری و فیروزآبادی نقش داشت و نـمایندگی مجلس سنا را نیز تجربه کرده بود، محل تردد افراد سیاسی بود که این جلسات از سال ۱۳۴۱ تا زمان مرگ وی (۱۳۴۹) بطور مرتب تحت کنترل و گزارش‌گیری ساواک قرار داشت.

۲ـ سید ابوالحسن حایری زاده یزدی فرزند آقامیرزا سیدعلی حایری، در سال ۱۲۷۱ هش در شهر مشهد مـتولد شـد. تحصیلات مقدماتی خود را در مشهد به پایان رسانید و سپس به همراه پدرش به یزد رفت و نزد مدرسان آن زمان، فقه، اصول، ریاضیات و علم هیأت را فراگرفت. حایری‌زاده در طول حیات سیاسی خـود، در حـدود ده دوره بـه نـمایندگی مجلس برگزیده شد. اولین دوره از یزد وارد مجلس گردید و چند دورهٔ دیگر از یزد و دو دوره از مشهد و بقیه از تهران که آخرین بار در دوره هجدهم از تهران به عنوان وکیل اول انتخاب گردید. وی با تمامی دولتهای وقت به غیر از کابینه‌های قوام‌السلطنه و سپهبد زاهدی، آن هم به علت دوستی عمیقی که با آنها داشت، مخالفت می‌کرد. حایری‌زاده در سـال ۱۳۲۵ از طرف قوام‌السلطنه مأمور تشکیل کمیته حزب دموکرات در خراسان شد. وی در طول حـیات سـیاسی خـود همواره به مخالفت شدید با سیاست انگلستان پرداخت ولی در مقابل، جز در زمان تجزیهٔ آذربایجان، هرگز مخالفتی با سیاست بلوک شرق نداشت. سوابق وی در سندی به تاریخ آبان ماه سال ۱۳۴۱ چنین آمده است:
«نامبرده قبل از قیام ۲۸ مرداد ۳۲ از اعضای جبهه ملی و از طرفداران دکتر مصدق بوده ولی بعداً به اتفاق دکتر بقائی و مرحوم آیت‌الله کاشانی علیه حکومت مصدق فعالیتهای شدید می‌نموده است. ضمناً نامبرده در همان تاریخ، با فدائیان اسلام و جمعیت هواداران صلح نیز ارتباط داشته است و اکنون هم رهبر حزب خلق می‌باشد که جلسات آن بعضاً بـه اتفاق آقایان عبدالقدیر آزاد و حسین مکی تشکیل که در آن جلسات نسبت به اوضاع کشور بحث و مذاکره می‌شود.»

به : ۳۲۱ تاریخ : ۴۸/۷/۳۰

از : ۲۰ ه‍ ۴ شماره : ۲۰/۳۹۸۳۳ ه‍ ۴

موضوع : اظهارات رضا پیرزاده مدیرکل سابق نخست‌وزیری و عضو حزب ایران نوین در مورد عدم مسافرت آموزگار وزیر دارائی و سمیعی قائم مقام نخست‌وزیر و رئیس سازمان برنامه در التزام شاهنشاه آریامهر به آمریکا.

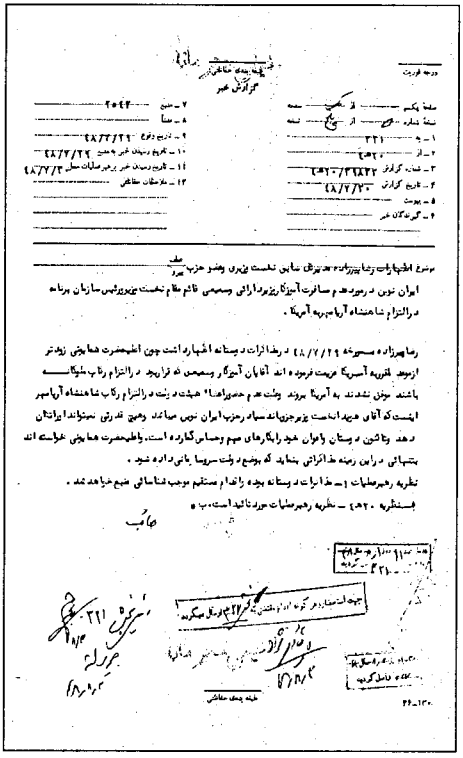

رضا پیرزاده مورخه ۴۸/۷/۲۹ در مذاکرات دوستانه اظهار داشت چون اعلیحضرت همایونی زودتر از موعد مقرر به آمریکا عزیمت فرموده‌اند آقایان آموزگار و سمیعی که قرار بود در التزام رکاب ملوکانه باشند موفق نشدند به آمریکا بروند و علت عدم حضور اعضای هیئت دولت در التزام رکاب شاهنشاه آریامهر این است که آقای هویدا نخست‌وزیر جزو باند سیا در حزب ایران نوین می‌باشد و هیچ قدرتی نمی‌تواند او را تکان دهد و تاکنون دوستان و اعوان خود را به کارهای مهم و حساس گمارده است. و اعلیحضرت همایونی خواسته‌اند به تنهایی در این زمینه مذاکراتی بنمایند که به وضع دولت سروسامانی داده شود.

نظریه رهبر عملیات : ۱ـ مذاکرات دوستانه بوده و اقدام مستقیم موجب شناسایی منبع خواهد شد.

نظریه ۲۰ ه‍ ۴ : نظریه رهبر عملیات مورد تایید است.

صائب رئیس بخش ۳۲۱ رنجبر ضمیمه سابقه ۴۸/۸/۳

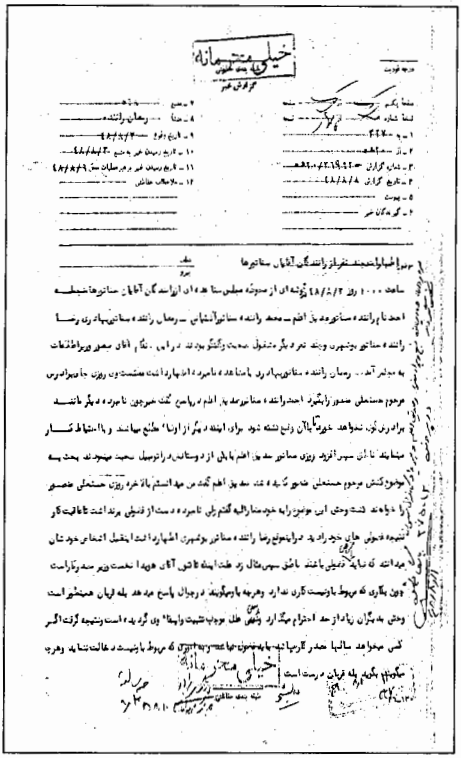

به : ۳۲۷ تاریخ : ۴۸/۸/۸

از : ۲۰ ه ۵ شماره : ۲۰/۳۶۹۹۲ ه ۵

موضوع : اظهارات چند نفر از رانندگان آقایان سناتورها

ساعت ۱۰۰۰ روز ۴۸/۸/۳ در گوشه‌ای از محوطه مجلس سنا عده‌ای از رانندگان آقایان سناتورها منجمله احمد نام راننده سناتور صدیق اعلم[1] ـ محمد راننده سناتور آشتیانی ـ رمضان راننده سناتور بهادری ـ رضا راننده سناتور بوشهری[2] و چند نفر دیگر مشغول صحبت و گفتگو بودند در این هنگام آقای منصور وزیر اطلاعات به مجلس آمد. رمضان راننده سناتور بهادری با مشاهده نامبرده اظهار داشت ممکن است وی روزی جای برادرش مرحوم حسنعلی منصور را بگیرد احمد راننده سناتور صدیق اعلم در پاسخ گفت خیر چون نامبرده دیگر مانند برادرش گول نخواهد خورد تا با آن وضع کشته شود برای اینکه دیگر از اوضاع مطلع می‌باشد و با احتیاط کار می‌نمایند ناطق سپس افزود روزی سناتور صدیق اعلم با یکی از دوستانش در اتومبیل صحبت می‌نمودند بحث به موضوع کشتن مرحوم حسنعلی منصور کشیده شد صدیق اعلم گفت من می‌دانستم بالاخره روزی حسنعلی منصور را خواهند کشت و حتی این موضوع را به خود مشارالیه گفتم ولی نامبرده دست از فضولی برنداشت تا عاقبت کار نتیجه فضولی‌های خود را دید در این موقع رضا راننده سناتور بوشهری اظهار داشت این قبیل اشخاص خودشان می‌دانند که نباید اشخاص فضولی باشند ناطق سپس مثال زد علت اینکه تاکنون آقای هویدا نخست‌وزیر مصدر کار است چون به کاری که مربوط به او نیست کاری ندارد و هر چه به او می‌گویند در جواب پاسخ می‌دهد بله قربان همین‌طور است و حتی به دیگران زیاد از حد احترام می‌گذارد و همین علل موجب تثبیت و ابقاء وی گردیده است و نتیجه

گرفت اگر کسی می‌خواهد سالها مصدر کار می‌باشد باید فضول نباشد و به اموری که مربوط به او نیست دخالت ننماید و هر چه می‌گویند بگوید بله قربان درست است.

دانشجو

آقای شاکری‌نژاد

۴۸/۸/۱۰

بهره‌برداری و در پرونده منبع و جواد منصور و صدیق اعلم و هویدا و کارمندان مجلس سنا منعکس گردید

در پرونده ۲۷۵۰۱۲ بایگانی شود

۴۸/۸/۱۱

۱ـ دکتر عیسی صدیق معروف به صدیق اعلم فرزند عبدالله صدیق التجار اصفهانی در سال ۱۲۷۳ ش در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدائی را در مدارس ادب، کمالیه و دارالفنون به پایان برد و سال ۱۲۹۰ جهت ادامهٔ تحصیل به فرانسه سفر کرد و پس از اخذ گواهی‌نامهٔ آموزگاری و لیسانس در رشته ریاضی در سال ۱۲۹۷ به ایران مراجعت کرد و در وزارت فرهنگ مشاغل مختلفی را به عهده گرفت. وی در سال ۱۳۰۹ بدعوت دانشگاه کلمبیا در نیویورک به آمریکا رفت و دکترای فلسفه گرفت. در بازگشت به ایران مأمور تأسیس دانشگاه تهران شد و تا سال ۱۳۱۹ به سمت استادی فعالیت داشت از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰ شش بار به وزارت فرهنگ منصوب شد و مدتی هم ریاست دانشگاه تهران را به عهده داشت. وی در سال ۱۳۲۸ به نمایندگی مجلس مؤسسان و سپس در اولین دوره مجلس سنا به این مجلس راه یافت و همچنین در دوره‌های دوم، سوم، چهارم و پنجم در این مجلس حضور داشت. وی در سال ۱۳۴۶ به نمایندگی مجلس سوم موسسان از تهران انتخاب شد و از سال ۱۳۵۱ به عنوان عضو شورای عالی آموزش و پرورش کشور انتخاب گردید و مدتی هم عضو پیوسته و نائب رئیس فرهنگستان ایران (۱۳۱۴) بود. دکتر عیسی صدیق اعلم که در شبکه‌های فراماسونری نیز عضویت داشت، در ۱۴ آذر ۱۳۵۷ درگذشت.

۲ـ مهدی بوشهری فرزند حسین در سال ۱۳۱۶ ش در شیراز متولد شد. تحصیلات عالی را تا درجه دکترا ادامه داد. وی همسر دوم اشرف پهلوی بود و به سبب فامیلی و نزدیکی با شاه از مهره‌های قابل اعتماد و وفادار وی محسوب می‌شد و در امور مالی و عقد قراردادهای داخلی و خارجی برای بنیاد پهلوی و سایر سازمانهای وابسته به دربار که بیشتر آنها را اشرف رهبری می‌کرد دخالت داشت. بوشهری ارتباط و دوستی نزدیکی با نصیری (رئیس ساواک) داشت. پرویز بوشهری و جواد بوشهری از جمله کسان او بودند که توانسته بودند توسط او به پست‌های مهمی برسند. از جمله سمتهای مهدی بوشهری می‌توان به سفیر کبیری سیار شاه در کشورهای اروپایی، دبیرکل سازمان ایرانی مجامع بین‌المللی و دبیرکل جشنهای هنر شیراز با حکم فرح پهلوی و... اشاره کرد.
مهدی بوشهری پس از پیروزی انقلاب اسلامی از کشور متواری و در اروپا اقامت گزید وی در سال ۱۳۶۲ ش در دادگاه لاهه ـ بیانیه الجزایر در مورد مسئله شرکت سهامی شیلات ایران ـ علیه جمهوری اسلامی ایران شهادت داد.

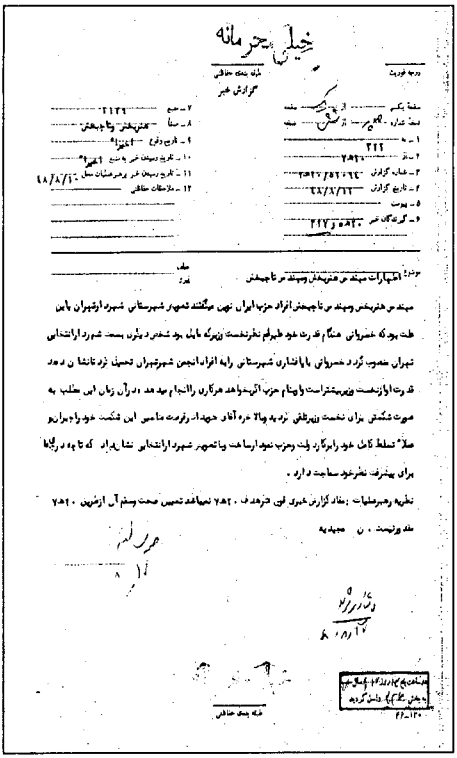

به : ۳۲۲ تاریخ : ۴۸/۸/۱۲

از : ۲۰ ه ۷ شماره : ۲۰/۵۲۰۹۴ ه ۷

موضوع : اظهارات مهندس هنربخش و مهندس تاجبخش

مهندس هنربخش و مهندس تاجبخش افراد حزب ایران نوین می‌گفتند تعویض شهرستانی شهردار تهران به این علت بود که خسروانی هنگام قدرت خود علیرغم نظر نخست‌وزیر که مایل بود شخص دیگری به سمت شهردار انتخابی تهران منصوب گردد خسروانی با پافشاری شهرستانی را به افراد انجمن شهر تهران تحمیل کرد تا نشان دهد قدرت او از نخست‌وزیر بیشتر است و او به نام حزب اگر بخواهد هر کاری را انجام می‌دهد، در آن زمان این مطلب به صورت شکستی برای نخست‌وزیر تلقی گردید و بالاخره آقای هویدا در فرصت مناسبی این شکست خود را جبران و عملاً تسلط کامل خود را بر کار دولت و حزب نمودار ساخت و با تعویض شهردار انتخابی نشان داد که تا چه درجه‌ای برای پیشرفت نظر خود سماجت دارد.

نظریه رهبر عملیات : مفاد گزارش خبری فوق جزء هدف ۲۰ ه ۷ نمی‌باشد تعیین صحت و سقم آن از طریق ۲۰ ه ۷ مقدور نیست. مجیدیه

ضمیمه سابقه ۸/۱۷

آقای شاکری‌نژاد ۴۸/۷/۱۷

تاریخ: ۴۸/۱۲/۲۶

اظهارات خصوصی آقای نخست‌وزیر با یکی از اعضای حزب مردم

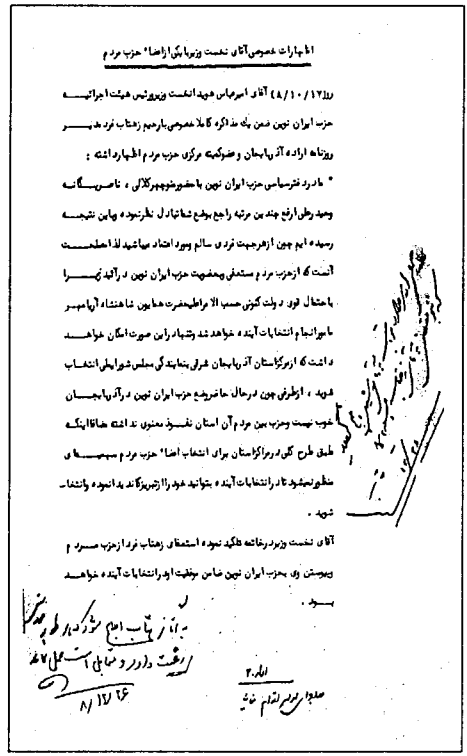

اظهارات خصوصی آقای نخست وزیر با یکی از اعضاء حزب مردم

روز (۴۸/۱۰/۱۷) آقای امیرعباس هویدا نخست وزیر و رئیس هیئت اجرائیه حزب ایران نوین ضمن یک مذاکره کاملا خصوصی با رحیم زهتاب فرد مدیر روزنامه اراده آذربایجان و عضو کمیته مرکزی حزب مردم اظهار داشته :

« ما در دفتر سیاسی حزب ایران نوین با حضور منوچهر کلالی ، ناصر یگانه و حیدرعلی ارفع چندین مرتبه راجع بوضع شما تبادل نظر نموده و باین نتیجه رسیده ایم چون از هر جهت فردی سالم و مورد اعتماد میباشید لذا مصلحت آنست که از حزب مردم مستعفی و به عضویت حزب ایران نوین درآئید زیرا به احتمال قوی دولت کنونی حسب الامر اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر مامور انجام انتخابات آینده خواهد شد و تنها در این صورت امکان خواهد داشت که از مرکز استان آذربایجان شرقی به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شوید ، از طرفی چون در حال حاضر وضع حزب ایران نوین در آذربایجان خوب نیست و حزب بین مردم آن استان نفوذ معنوی نداشته مضافاً اینکه طبق طرح کلی در مراکز استان برای انتخاب اعضای حزب مردم سهمیه‌ای منظور نمی‌شود تا در انتخابات آینده بتوانید خود را از تبریز کاندیدا نموده و انتخاب شوید.[۲] آقای نخست‌وزیر در خاتمه تاکید نموده استعفای زهتاب‌فرد از حزب مردم و پیوستن وی به حزب ایران نوین ضامن موفقیت او در انتخابات آینده خواهد بود. [پی‌نوشت نصیری] به آقای زهتاب ابلاغ شود که هر طور خودش رغبت دارد و متمایل است عمل نماید. ۸/۱۲/۲۶

در اجرای اوامر صادره مراتب به آقای رشیدی ابلاغ گردید که به نحو مقتضی به آقای زهتاب اعلام نماید.

۱ـ رحیم زهتابفرد، از جمله کسانی بود که در دورانی که منوچهر اقبال، تحت فشار نوعی احساس شدید حسادت و

تحقیرشدگی و آزردگی در دوران سلطهٔ «نخبگان امریکایی» قرار داشت، به عضویت «جمعیت یاران» او درآمد. رحیم زهتابفرد که از اعضای تشکیلات فراماسونری جهانی و از جمله از اعضای لژ شمس بود، از مریدان و مدافعان سیدضیاءالدین طباطبائی به شمار می‌رفت.

۲ـ در این اظهارنظر صریح، دو مطلب قابل توجه است :
الف ـ مقبولیت نداشتن حزب ایران نوین در بین مردم.
ب ـ برگزاری انتخابات حزبی و تعیین نماینده‌های مجلس شورای ملی، بدون توجه به آرای مردم.

از چپ: احسان نراقی ـ هویدا ـ ... ـ مهرداد پهلبد ـ ...

به : ۳۲۷ تاریخ : ۴۸/۸/۱۹

از : ۲۰ ه ۵ شماره : ۲۰/۳۷۰۵۹ ه ۵

موضوع : نامه دکتر رازانی به آقای نخست‌وزیر

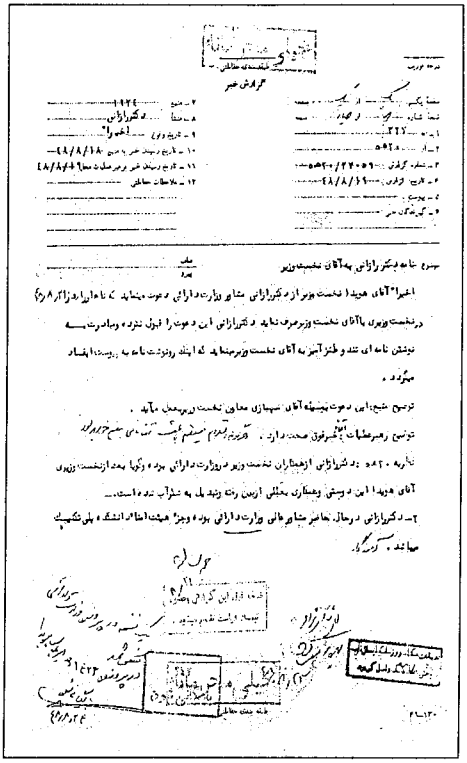

اخیراً آقای هویدا نخست‌وزیر از دکتر رازانی[1] مشاور وزارت دارائی دعوت می‌نماید که ناهار را روز ۴۸/۸/۲۱ در نخست‌وزیری با آقای نخست‌وزیر صرف نماید دکتر رازانی این دعوت را قبول نکرده و مبادرت به نوشتن نامه‌ای تند و طنزآمیز به آقای نخست‌وزیر می‌نماید که اینک رونوشت نامه به پیوست ایفاد می‌گردد.

توضیح منبع : این دعوت به وسیله آقای شهبازی معاون نخست‌وزیر بعمل می‌آید.

توضیح رهبر عملیات : احتمالاً خبر فوق صحت دارد. هرگونه اقدام مستقیم باعث شناسایی منبع خواهد بود

نظریه ۲۰ ه ۵ : [۱] دکتر رازانی از همکاران نخست‌وزیر در وزارت دارایی بوده و گویا بعد از نخست‌وزیری آقای هویدا این دوستی و همکاری به عللی از بین رفته و تبدیل به شکرآب شده است.

۲ـ دکتر رازانی در حال حاضر مشاور عالی وزارت دارایی بوده و جزء هیئت امنای دانشکده پلی‌تکنیک می‌باشد. آموزگار ضمیمه سابقه ۸/۲۱ آقای شاکری‌نژاد بهره‌برداری شود. ۴۸/۸/۲۱ یک نسخه در پرونده وزارت دارایی منعکس شد در پرونده ۶۲۴۲۳ امیرعباس هویدا بایگانی شود ۴۸/۸/۲۴

۱ـ حسین رازانی فرزند مهدی در سال ۱۳۰۲ ش در بروجرد به دنیا آمد. در سال ۱۳۵۱ از دانشگاه تهران دکترای حقوق گرفت و سالها مشاور وزیر دارایی بود. در ابتدای زندگی در کشور عراق بود و هنگامی که به ایران آمد همزمان با شروع فعالیت‌های خود روزنامه رازان را دائر کرد و با حزب توده همکاری داشت. مدتها به عنوان کاندیدای وکالت از مجلس شورای ملی از بروجرد فعالیت می‌کرد. حسین رازانی که از طرفداران دکتر مصدق نیز به حساب می‌رفت، رسماً عضو هیچ تشکیلاتی نبود، ولی با ساواک همکاری داشت.

تاریخ : ۴۸/۸/۱۲

با عرض احترام

جناب آقای هویدا نخست‌وزیر محترم

چندی پیش جناب شهبازی عزیز اظهار داشتند که جناب شما مفصلاً نسبت به من اظهار مهر فرموده‌اید.. دیروز هم رئیس دفتر محترم حضرتعالی تلفنی به همسرم گفته بودند که جنابعالی خواسته‌اید روز ۴ شنبه ۴۸/۸/۲۱ ساعت یک و نیم بعدازظهر برای صرف ناهار با سرکار به کاخ نخست‌وزیری بیایم.

از اینکه گاهی از من یاد می‌کنید و اگر چه با لفظ هم باشد اظهار محبت می‌فرمائید ممنونم... ولی من نه عقده دارم و نه کمبود شخصیت که وقتی مقام مؤثری آن هم از مقامات بازارِ ارزانِ امروز، از من به ناهار دعوت کند احساس فخر و مباهات کنم. من با مرحومین فروغی و قوام‌السلطنه هم صرف غذا کرده‌ام و چند ماه متوالی هم با مرحوم سیدضیاءالدین طباطبائی * در یک جا زندانی بوده‌ام و دوره‌ای را پشت سر گذاشته‌ام که حتی وزیر کشور قبلی کابینهٔ شما مرؤس [مرئوس] بنده بوده‌اند. شاید برای همایونفر ـ پروین صوفی[1] ـ کیانپور[2] و دکتر برهمن اهمیتی داشته باشد که با سرکار بر سر میز غذا بنشینند ولی من پیرو کسی هستم که همه دنیا را از عطسه بز بیمقدارتر شمرد و بنابراین صحنه هایی نظیر آنچه به آن دعوت شده‌ام قیمتش معلوم است

از آن گذشته من فراوان خدمت سرکار رسیده‌ام و شکی نیست که در این جلسه هم مشتی لفظ و عبارت بدون ویتامین و فاقد روح تحویل می‌گیرم و به دنبال کار خود می‌روم ... من در کاغذی که از آمریکا به آدرس منزلتان به جنابعالی نوشتم نظر خود را درباره دولت و همکارانتان عرضه داشتم... این آمپرسیون هنوز تغییر نکرده و نخواهد کرد...

تا وقتی بقاء شما در این پُست، مورد تایید شاهنشاه مملکت هست، شما نخست‌وزیر خواهید بود و امثال من نقشی در تقویت یا تضعیف آقا ندارند و این مرحلهٔ بعد از نخست‌وزیری است که ما با یکدیگر مواجه خواهیم شد.

خداوند شما را هدایت کند و از عوارض خودنشناختگی مصون و محفوظ بدارد.

حسین رازانی

۴۸/۸/۱۲

۱ـ پروین (زهرا) صوفی سیاوش فرزند عبدالحسین، در سال ۱۳۰۱ در رشت به دنیا آمد. (محل صدور شناسنامه وی همدان ثبت شده است). پس از اخذ لیسانس حقوق در رشتهٔ قضائی به پاریس رفت و دورهٔ دکترای حقوق را طی کرد که موفق به ارائه پایان‌نامه نشد.

فعالیت‌ها و مشاغل مشارالیها به شرح زیر است:

کارمند آموزش و پرورش، رئیس ناحیه ۳ و ۲ آموزش و پرورش تهران، عضو و سخنگوی جمعیت زنان ایران، نایب رئیس اتحادیه زنان حقوقدان، عضو شورای مرکزی حزب ایران نوین، مدیرکل تربیت معلم، معاون پارلمانی وزارت کشور، گزارش ساواک به تاریخ ۴۴/۲/۸ درباره وی، حاکی است:

«خانم فوق‌الذکر موقعی که رئیس دبیرستان فرهنگ بود از شهریه دانش‌آموزان برداشتهای غیرمجاز نموده و به دانش‌آموزان مردود کارنامه قبولی می‌داده و مقامات وزارت فرهنگ هم سعی می‌کردند که این مطالب برملا نشود و سروصدا ایجاد نگردد. از معایب وی که در سابقه‌اش ذکر شده، ناوارد بودن به کار و نیز تا حدودی بی‌بندوبار و سبکسر و جلف بودن وی بوده است.»

پروین صوفی که عضو لاینز بین‌المللی شعبه یوسف‌آباد بود، به علت آنکه خانه‌اش محل تردد سردمداران رژیم بود، در رأس مشاغل زیر نیز قرار گرفت: رئیس کمیته پیکار با بیسوادی، مدیرعامل جمعیت پرورش کودک، رئیس جمعیت مبارزه با بیسوادی زنان، عضو هیئت مدیره شورای عالی زنان و ... و نماینده یونسکو در پاریس

* رجوع کنید به کتاب سیدضیاءالدین طباطبائی به روایت اسناد ساواک، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی

۲ـ غلامرضا کیانپور فرزند عبدالوهاب در سال ۱۳۰۸ ه‍.ش به دنیا آمد. دوران ابتدائی را در دبستان فرهنگ و متوسطه را در دبیرستان‌های مروی، علمیه و دارائی شهر تهران سپری کرد. و سپس به دانشکده حقوق راه یافت و در سال ۱۳۳۲ در رشته قضائی لیسانس گرفت و سپس تحصیلات را در رشتهٔ حقوق اقتصادی ادامه داد و موفق به اخذ دکتریٰ گردید. مشارالیه که از سال ۱۳۲۹ به استخدام دولت در آمده بود، در مشاغلی چون: کارمندی دیوان محاسبات، کارمندی علی‌البدل دادگاه بخش شهرستان ورامین، کفیل و سرپرست دفتر تشکیلات سازمان برنامه و معاون دفتر روابط عمومی، قاضی دادگستری، مدیر عامل سازمان برنامه، رئیس کارگزینی اصل چهار، معاون گمرکی وزارت اقتصاد و رئیس شورای عالی اداری به فعالیت پرداخت. کیانپور که در سال ۱۳۴۱ معاون اداری و گمرکی وزارت اقتصاد بود، در سال ۱۳۴۲ در نامه‌ای که توسط تعدادی از کارمندان گمرک برای نمایندگان محلسین و مقامات کشوری ارسال شد، فردی دارای سوء استفاده‌های میلیونی معرفی گردید. سوء استفاده‌های که با دکتر عالیخانی ـ وزیر اقتصاد ـ سهیم بود و از ارقام سرسام آوری برخوردار بود. گزارش ساواک به تاریخ ۱۳۴۵/۴/۳ مشارالیه را چنین معرفی کرده است. «بین بعضی از محافل سیاسی تهران گفته می‌شود آقای کیانپور، معاون وزارت اقتصاد، از طرف دولت اسرائیل و نمایندگان آن دولت در تهران

یعنی (صهیونیسم) حمایت می‌شود و حتی شنیده می‌شود (این مطلب را دکتر برزگر که سابقاً معاون وزارت اقتصاد بود نیز تأکیدکرد) شخصی بنام «منن» در تهران هر ماه مبالغی در حدود دویست تا دویست و پنجاه هزار تومان از تجار یهود گرفته و به ایشان داده است. (این مطلب را دکتر رحمتی مدیر روزنامه بورس، ضمن یک مذاکره خصوصی گفته است) علاوه بر این بین دکتر آموزگار، وزیر دارایی و دکتر کیانپور، هیچگونه ارتباط نزدیکی وجود ندارد، معهذا از چندی پیش به توسط ایادی مختلف واسطه نزدیکی این دو نفر را فراهم کرده‌اند تا پس از انتقال گمرکات از وزارت دارایی به وزارت اقتصاد آقای کیانپور به عنوان معاون گمرکی وزارت دارایی نیز منصوب گردد. کیانپور که علی‌رغم این تلاش از معاونت گمرکی برکنار می‌شود، به عنوان استاندار آذربایجان غربی، منصوب می‌گردد که در آنجا به علت عضویت در حزب ایران نوین، اقداماتی را در مخالفت با حزب پان ایرانیست به عمل می‌آورد. مشارالیه که در گزارش دیگری به تاریخ ۴۵/۱۱/۱۳ به اداره کل هشتم ساواک، عضو سازمان سیا معرفی گردیده، در سال ۱۳۵۲ استاندار اصفهان و در سال ۱۳۵۳ وزیر اطلاعات و جهانگردی و در سال ۱۳۵۶ وزیر دادگستری می‌گردد. ساواک نقاط ضعف او را چنین بر شمرده است: «خود رأی، تک رو، متکبر، مغرور، اهل زد و بند و سوء استفاده و در پی تأمین منافع شخصی» او که معروف به شاپور خوشگله بود از نزدیکان امیرعباس هویدا محسوب می‌شد.

کیانپور پس از بازداشت در اواخر بهمن ۱۳۵۷، در دادگاه انقلاب اسلامی مفسد فی الارض شناخته شد و در بامداد ۱۳۵۸/۲/۱۸ اعدام گردید.

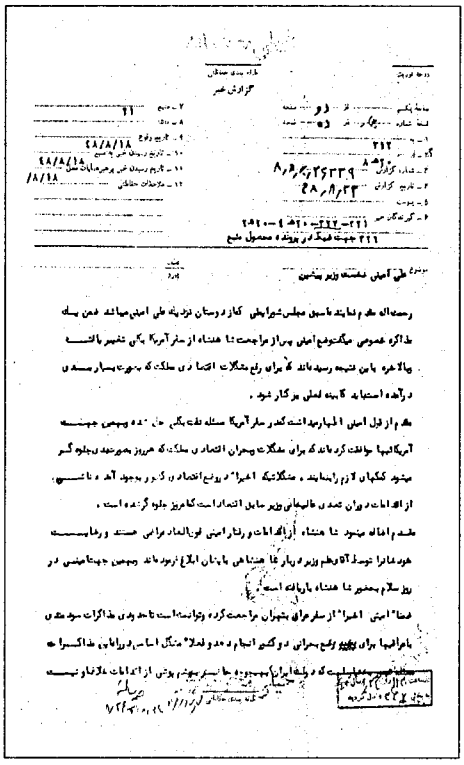

به : ۳۱۲ تاریخ : ۴۸/۸/۲۳

از : ۲۰ ه ۸ شماره : ۲۰/۲۶۲۲۹ ه ۸

موضوع : علی امینی نخست‌وزیر پیشین

رحمت‌الله مقدم[1] نماینده اسبق مجلس شورای ملی که از دوستان نزدیک علی امینی می‌باشد ضمن یک مذاکره خصوصی می‌گفت وضع امینی پس از مراجعت شاهنشاه از سفر آمریکا به کلی تغییر یافته و بالاخره به این نتیجه رسیده‌اند که برای رفع مشکلات اقتصادی مملکت که به صورت بسیار بدی درآمده است باید کابینه فعلی برکنار شود.

مقدم از قول امینی اظهار می‌داشت که در سفر آمریکا مسئله نفت به کلی حل شده و به همین جهت آمریکائیها موافقت کرده‌اند که برای مشکلات و بحران اقتصادی مملکت که هر روز به صورت بدی جلوه گر می‌شود کمکهای لازم را بنمایند. مشکلاتی که اخیراً در وضع اقتصادی کشور بوجود آمده ناشی از اقدامات دوران تصدی عالیخانی وزیر سابق اقتصاد است که امروز جلوه گر شده است.

مقدم اضافه می‌نمود شاهنشاه از اقدامات و رفتار امینی فوق‌العاده راضی هستند و رضایت خودشان را توسط آقای علم وزیر دربار شاهنشاهی به ایشان ابلاغ فرموده‌اند و به همین جهت امینی در روز سلام به حضور شاهنشاه باریافته است.

ضمناً امینی اخیراً از سفر عراق به تهران مراجعت کرده و توانسته است تاحدودی مذاکرات سودمندی با عراقیها برای وضع بحرانی دو کشور انجام دهد و فعلاً مشکل اساسی در راه این مذاکرات مسئله تیمور بختیار است که دولت ایران به هیچ وجه حاضر به چشم‌پوشی از اقدامات خلاف او نیست و قصد ندارد بار دیگر اجاره دهد که در این مملکت زندگی کند و در هر حال باید گفت کلیه موانعی که در سر راه امینی برای رسیدن به مقام نخست‌وزیری برای دومین بار وجود

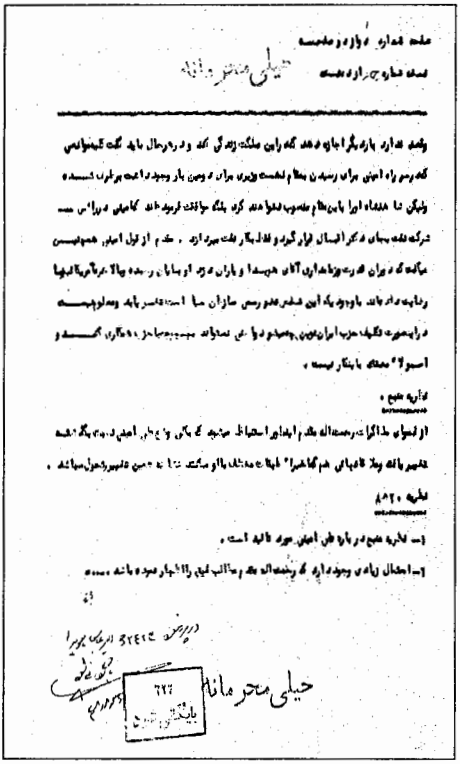

داشت برطرف شده ولیکن شاهنشاه او را به این مقام منصوب نخواهند کرد بلکه موافقت فرموده‌اند که امینی در راس شرکت نفت به جای دکتر اقبال قرار گیرد و فقط به کار نفت بپردازد. مقدم از قول امینی همچنین می‌گفت که دوران قدرت و زمامداری آقای هویدا و یاران دزد او به پایان رسیده و بالاخره آمریکائیها رضایت داده‌اند با وجودی که این شخص عضو رسمی سازمان سیا است تغییر یابد و معلوم نیست در این صورت تکلیف حزب ایران نوین چه می‌شود و امینی نمی‌تواند به هیچ‌وجه با حزب همکاری کند و اصولاً معتقد به این کار نیست.

نظریه منبع :

از فحوای مذاکرات رحمت‌الله مقدم این طور استنباط می‌شود که به‌کلی وضع علی امینی نسبت به‌گذشته تغییر یافته و ملاقاتهایی هم که اخیراً طبقات مختلف با او می‌کنند نشانه همین تغییر و تحول می‌باشد.

نظریه ۲۰ ه ۸ :

۱ـ نظریه منبع درباره علی امینی مورد تایید است.

۲ـ احتمال زیادی وجود دارد که رحمت‌الله مقدم مطالب فوق را اظهار نموده باشد.

در پرونده ۶۲۴۲۳ امیرعباس هویدا بایگانی شود ۴۸/۸/۲۶

۱ـ رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای فرزند فتح‌الله (سردار مؤیّد) در سال ۱۳۰۰ ه ش به دنیا آمد. تحصیلات را در دبستان ادب، دبیرستان ایرانشهر و دانشکده افسری پی گرفت و وارد ارتش شد و در سال ۱۳۳۹ با درجه سرهنگی بازنشسته شد. مشارالیه که در سال ۱۳۲۰ با درجه ستوان دومی از دانشکده افسری خارج شده بود، از طرف ارتش به فرانسه رفت و مدت ۴ سال در آن کشور مأمور بود. مقدم مراغه‌ای که با تشکیل حزب مردم به رهبری اسدالله علم به آن پیوسته بود، در زمانی که کاندید مجلس شورای ملی از مراغه و میاندوآب شد، به شرح زیر معرفی گردید: «طرفدار سیاست غرب است، عضو حزب مردم است. عضو شورای مرکزی و کمیسیون سیاسی و راه حزب مردم است. مدارج تحصیلی: دانشکده افسری ـ علوم جغرافیائی، اهل مشروب و قمار... وارد ارتش شده تا درجه سرهنگ دومی خدمت کرده، سپس طبق تقاضای سازمان

نقشه‌برداری و تصویب هیئت دولت به سازمان برنامه منتقل و معاون سازمان نقشه‌برداری شده است. در سال ۳۵ به وزارت کشاورزی منتقل و رئیس اداره نقشه‌برداری شده است. عضو هیئت مدیره بنگاه آبیاری و بعد عضو شورای نقشه برداری شده، فعلاً (۱۳۳۹) منتسب به کارگزینی وزارت کشاورزی است. در سال‌های ۳۲ و ۳۳ مدتی در فرمانداری نظامی خدمت کرده است. نشان لیاقت. آذربایجان ـ خدمت (مقابله با متجاسرین) گرفته... با سرهنگ دکتر پاشائی (افسر سازمان امنیت) رابطه دارد.»

و در جائی دیگر به لحاظ خصوصیات روحی و منش سیاسی چنین معرفی گردیده: «عصبانی ـ زودرنج ـ حساس است. تابع سیاست دولت است و اکنون نیز فعالیت فوق‌العاده‌ای در مورد تجلیل از مقام شامخ سلطنت می‌نماید... برادر وی، سرلشکر مقدم است...»

وی که در سال ۱۳۳۰ در جریان نهم اسفند، مقالاتی تحت عنوان مشاهدات من در روزنامه‌های وابسته به نیروی سوم، منتشر کرده بود در سال ۱۳۳۹ از افراد مرتبط با حزب زحمتکشان و مظفر بقائی، معرفی شده است.

سفارت امریکا در تهران در سال ۱۳۳۹ خلاصهٔ بیوگرافی وی را از ساواک گرفت و در سال ۱۳۴۰ او را به سفری دو ماهه جهت بازدید از کشور امریکا دعوت کرد. مقدم مراغه‌ای که در این سفر، سرسپردگی خود را به امریکا اعلام کرده بود، در سال ۱۳۴۲ که کاندید مجلس شورای ملی از شهرستان میاندوآب بود، چنین معرفی شد: «... خود را به مخالفین فعلی جبهه ملی ـ دکتر علی امینی و سرلشکر قره‌نی ـ زیاد نزدیکی می‌کند. او به دوستان خود می‌گوید: کاندید دربار است ولی به مخالفین هم می‌گوید با شما هستم... خود را وابسته به امریکا می‌داند»

مشارالیه از اظهار امریکائی بودن، ابائی نداشت و با مأموران سفارت امریکا در تماس بود و با مستر یاتسیاویچ ـ رئیس اطلاعات سفارت امریکا که تقریباً همه کارهای سیاسی امریکا در ایران، زیر نظر او انجام می‌شد ـ تماس مداوم داشت.

در سال ۱۳۴۵ که کابینه هویدا، ترمیم شد، مقدم مراغه‌ای نطقی انتقادی نسبت به این ترمیم در مجلس شورای ملی ایراد کرد که از طرف ساواک این چنین ارزیابی شد.

«با توجه به نزدیکی مهندس مقدم با امریکائی‌ها، اظهارنظر وی راجع به تحول در مملکت، بایستی در خور توجه و بررسی قرار گیرد»

مشاغل دیگر رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای به شرح زیر است:

ـ عضو هیئت مدیره گروه همکاری مهندسی و کارشناسان آب و برق و کشاورزی.

ـ رئیس و مدیرعامل سازمان آب و برق ورامین و گرمسار

ـ مجری طرح وزارت آب و برق در ورامین و گرمسار.

ـ همکاری با کارشناسان انگلیسی سازمان ملل در اجرای طرح عمرانی گرمسار و ورامین.

ـ تأسیس شرکت مهندسی کشاورزی با مهدوی وزیر اسبق کشاورزی در دولت رزم‌آرا.

ـ فعالیت در آموزش و پرورش و ریاست انجمن خانه و مدرسه اندیشه

ـ تدریس در دانشگاه

ـ عضویت در کانون کارشناسان رسمی وزارت دادگستری

ـ وکیل دادگستری

ـ عضویت در باشگاه ورزشی شاهنشاهی با معرفی دکتر احمد فرهاد. رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای که در دوران انقلاب اسلامی، نهضت رادیکال را، راه اندازی کرده بود، پس از پیروزی انقلاب به عنوان نماینده مردم آذربایجان شرقی به مجلس خبرگان راه یافت و مدتی نیز استاندار آن بود و با حزب خلق مسلمان نیز همکاری تنگاتنگ داشت، که پس از تسخیر لانه جاسوسی، به امریکا پناهنده شد.

به : ۳۲۷ تاریخ : ۴۸/۱۰/۱۸

از : ۲۰ ه ۸ شماره : ۲۰/۲۶۴۸۰ ه ۸

موضوع : اظهارات خسروانی وزیر سابق کشور

روز ۴۸/۱۰/۱۴ عطاالله خسروانی دبیرکل سابق حزب ایران نوین ضمن یک مذاکره خصوصی به شدت از وضع اقتصادی دولت اظهار نگرانی می‌کرد و می‌گفت که وضع مالی دولت به هیچ وجه رضایتبخش نیست و اوضاع سازمان برنامه به‌کلی در هم و برهم و ریخته پاشیده است به طوری که مهندس اصفیا هم ضمن ناهاری که با هم هفته گذشته خوردیم در این مورد اظهار ناراحتی می‌کرد. خسروانی اضافه می‌نمود که آقای هویدا فکر می‌کرد با رفتن اصفیا از سازمان برنامه نفوذ او در آن سازمان بیشتر می‌شود در حالی که برعکس شده و در حال حاضر سمیعی خود دولت در دولت محسوب می‌شود و همه را از خود رنجانیده است. خسروانی درباره حزب ایران نوین می‌گفت امیدوارم کلالی بتواند کاری انجام دهد و با هویدا کنار بیاید ولی اطلاعاتی که از حزب به من می‌رسد متأسفانه چندان رضایتبخش نیست.

از خسروانی سؤال شد آیا به بروکسل به عنوان سفیر خواهد رفت یا خیر؟ جواب داد که پیشنهاد به من شد مراتب را به شرف عرض رساندم و چون کاریر[1] سیاسی ندارم لذا شاهنشاه موافقت فرمودند همچنان در تهران بمانم و فعلاً قصد رفتن به مأموریت خارج ندارم و دولت هم از این تصمیم منصرف شده است. خسروانی از هویدا من غیرمستقیم انتقاد می‌کرد و می‌گفت متأسفانه روزهایی هم که با هم بودیم نتوانستم او را متقاعد بکنم که در دستگاههای دولت و توسط اعوان و انصار او دزدی می‌شود و حالیه هم وضع به همان نحو است. خسروانی همچنین از اینکه بنا به توصیه آقای هویدا مجبور بود با شیخ بهائی همکاری کند و او را به عنوان مسئول

سازمان اصناف حزب منصوب نماید اظهار تأسف می‌کرد و عقیده داشت وجود همین افراد است که باعث زحمت هویدا خواهد شد. خسروانی علاوه می‌نمود که شنیده‌ام نیک‌پی در شهرداری با باند دزدهای آنجا همکاری می‌کند و گویا دو سه پرونده هم برای او ساخته‌اند و گزارشاتی از وضع شهرداری به شرف عرض رسیده است.

خسروانی می‌گفت من خوشحالم از اینکه مورد مراحم ملوکانه هستم و اجازه فرموده‌اند هر چند یک بار شرفیاب شوم و چون اقساط خانه من عقب‌افتاده بود شاهنشاه دستور فرمودند از طرف بانک عمران پرداخت گردد. وی اظهار می‌نمود که وضع اتحادیه کارگران و وزارت کار متأسفانه دچار چند دستگی و نفاق شده است و از این بابت فوق‌العاده متأسف می‌باشد. به طوری که از سخنان خسروانی استنباط کردم او دولت آقای هویدا را رفتنی می‌داند و معتقد است بعد از هویدا جریانات سوءاستفاده و دزدیهایی که در سازمانهای اداری و توسط ایادی هویدا شده باعث زحمت او خواهد شد.

نظریه ۲۰ ه ۸: چون اظهارات خسروانی به طور خصوصی نزد منبع عنوان شده لذا درباره صحت و سقم آن نمی‌توان نظریه صریح اعلام نمود.

رونوشت برابر با اصل است اصل در کلاسه ۴۳۰۶۸ بایگانی. این نسخه در کلاسه دولت بایگانی شود.

۱ـ Career، شغل، حرفه، شخصیت، رتبه، درجه

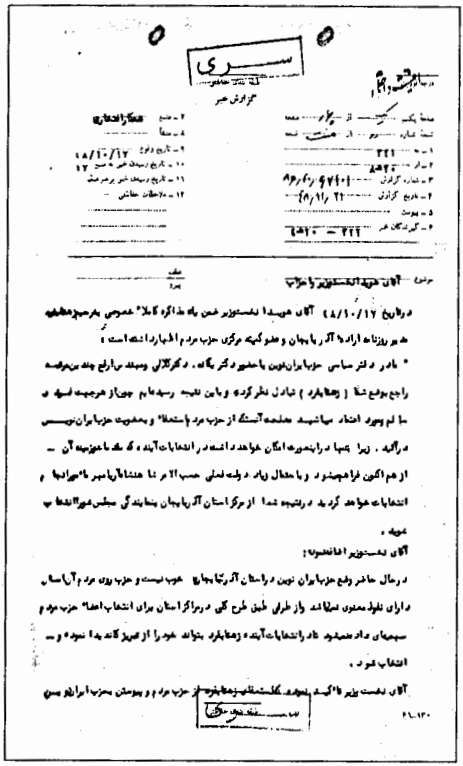

به : ۳۲۱ تاریخ : ۴۸/۱۱/۲۱

از : ۲۰ ه ۸ شماره : ۲۰/۶۷۱۰۱ ه ۸

موضوع : آقای هویدا نخست‌وزیر و احزاب

در تاریخ ۴۸/۱۰/۱۷ آقای هویدا نخست‌وزیر ضمن یک مذاکره کاملاً خصوصی به رحیم زهتاب مدیر روزنامه اراده آذربایجان و عضو کمیته مرکزی حزب مردم اظهار داشته است :

«ما در دفتر سیاسی حزب ایران نوین با حضور دکتر یگانه، دکتر کلالی و مهندس ارفع چندین مرتبه راجع به وضع شما (زهتابفرد) تبادل نظر کرده و به این نتیجه رسیده‌ایم چون از هر جهت فردی سالم و مورد اعتماد می‌باشید مصلحت آن است که از حزب مردم استعفا و به عضویت حزب ایران نوین درآئید. زیرا تنها در این صورت امکان خواهد داشت در انتخابات آینده که مقدمات و زمینه آن از هم‌اکنون فراهم می‌شود و به احتمال زیاد دولت فعلی حسب‌الامر شاهنشاه آریامهر مامور انجام انتخابات خواهد گردید در نتیجه شما از مرکز استان آذربایجان به نمایندگی مجلس شورا انتخاب شوید.

آقای نخست‌وزیر اضافه نموده :

در حال حاضر وضع حزب ایران نوین در استان آذربایجان خوب نیست و حزب روی مردم آن استان دارای نفوذ معنوی نمی‌باشد و از طرفی طبق طرح کلی در مراکز استان برای انتخاب اعضای حزب مردم سهمیه‌ای داده نمی‌شود تا در انتخابات آینده زهتاب‌فرد بتواند خود را از تبریز کاندیدا نموده و انتخاب شود.

آقای نخست‌وزیر تاکید نموده که استعفای زهتابفرد از حزب مردم و پیوستن به حزب ایران نوین را رمز موفقیت وی در انتخابات آینده خواهد بود.

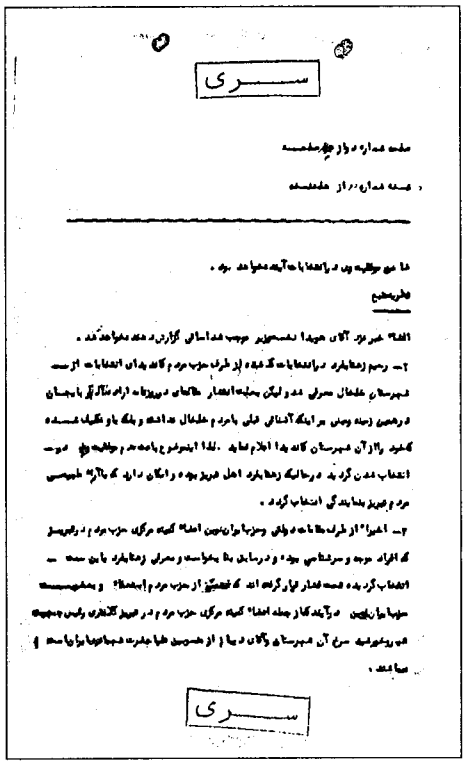
سـری

سـری

نظریه منبع :

[۱]افشاء خبر نزد آقای هویدا نخست‌وزیر موجب شناسائی گزارش‌دهنده خواهد شد.

۲ـ رحیم زهتابفرد در انتخابات گذشته از طرف حزب مردم کاندیدای انتخابات از شهرستان خلخال معرفی شد و لیکن به علت انتشار مقاله‌ای در روزنامه اراده آذربایجان در همین زمینه و مبنی بر اینکه آشنایی قبلی با مردم خلخال نداشته و بلکه با او تکلیف شده که خود را از آن شهرستان کاندیدا اعلام نماید. لذا این موضوع باعث عدم موفقیت در انتخاب شدن گردید در حالی که زهتابفرد اهل تبریز بوده و امکان دارد که با آراء طبیعی مردم تبریز به نمایندگی انتخاب گردد.

۳ـ اخیراً از طرف مقامات دولتی و حزب ایران نوین اعضای کمیته مرکزی حزب مردم در تبریز که افراد موجه و سرشناسی بوده و در سابق بنا به خواست و معرفی زهتابفرد به این سمت انتخاب گردیده تحت فشار قرار گرفته‌اند که از حزب مردم استعفا و به عضویت حزب ایران نوین درآیند که از جمله اعضای کمیته مرکزی حزب مردم در تبریز کلانتری رئیس جمعیت شیروخورشید سرخ آن شهرستان و آقای دیبا (از منسوبین علیاحضرت شهبانوی ایران است) می‌باشند.

(توضیح آنکه کلانتری در تبریز حدود ۲۵۰۰ رای طبیعی در اختیار دارد)

۴ـ رحیم زهتابفرد در کلیه ادوار زندگی فردی شاهدوست و میهن‌پرست بوده که هیچ‌گاه به خاطر بدست آوردن مقام خود را در اختیار قدرتها قرار نداده و بلکه همواره مجری نیات شاهنشاه آریامهر بوده و عقیده دارد که هر طور ذات اقدس ملوکانه اراده فرمایند مطیع محض می‌باشد.

۵ـ چنانچه نظر و اراده شاهنشاه آریامهر درباره سیاست چند حزبی کشور مانند گذشته ثابت

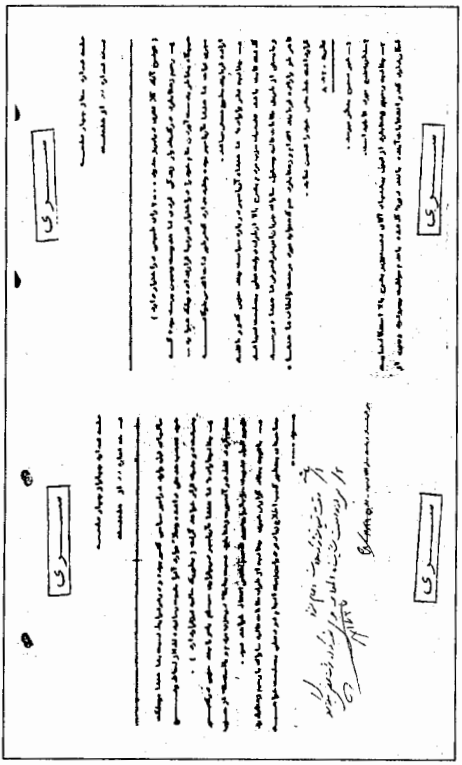

باشد تضعیف حزب مردم به شرح بالا از طرف دولت عملی به مصلحت نمی‌باشد و بایستی از طریق مقامات عالیه و مسئول ساواک جریان امر به شرف عرض شاهنشاه برسد تا هر طور اراده فرمایند اقدام و زهتابفرد هم که همواره مورد مرحمت و الطاف شاهنشاه قرار داشته خط مشی خود را تعیین نماید.

نظریه ۲۰ ه ۸:

۱ـ خبر صحیح به نظر می‌رسد.

۲ـ نظریه منبع مورد تایید است.

۳ـ چنان چه رحیم زهتابفرد از قبول پیشنهاد آقای نخست‌وزیر به شرح بالا استنکاف نماید امکان دارد که در انتخابات آینده مانند دوره گذشته با عدم موفقیت روبرو شود و چون از سالهای قبل وارد در امور سیاسی کشور بوده و در هر شرایط نسبت به شاهنشاه و مملکت خود تعصب خدمتی داشته و عملاً موارد آن را به ثبوت رسانیده لذا از لحاظ وضع معیشت در مضیقه قرار خواهد گرفت (به طوری که حالیه نیز قرار دارد).

۴ـ چنان چه اراده شاهنشاه آریامهر در برقراری سیستم یک و یا چند حزبی در کشور معلوم گردد فقط در آن صورت زهتابفرد نسبت به ابقا در حزب مردم و یا استعفا از حزب مزبور و قبول عضویت حزب ایران نوین تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد نمود.

۵ـ با توجه به مفاد گزارش خبری چنانچه از طرف مقامات عالیه ساواک با رحیم زهتابفرد مصاحبه‌ای به منظور کسب اطلاع زیادتر در این زمینه انجام شود عملی به مصلحت خواهد بود.

راشد

۱/ وقت تعیین شود که ملاقات انجام شود

۲/ پس از مراجعت شاهنشاه اطلاعیه خبری تهیه که از شرف عرض بگذرد ۸/۱۱/۲۷

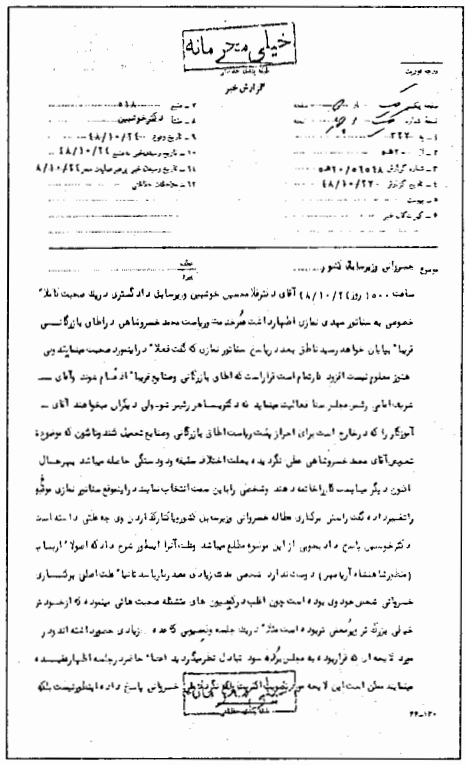

به : ۳۲۷ تاریخ : ۴۸/۱۰/۲۷

از : ۲۰ ه ۵ شماره : ۲۰/۵۶۵۶۸ ه ۵

موضوع : خسروانی وزیر سابق کشور

ساعت ۱۵۰۰ روز ۴۸/۱۰/۲۴ آقای دکتر غلامحسین خوشبین[1] وزیر سابق دادگستری در یک صحبت کاملاً خصوصی به سناتور مهدی نمازی اظهار داشت عمر خدمت و ریاست محمد خسروشاهی در اطاق بازرگانی قریباً به پایان خواهد رسید ناطق بعد در پاسخ سناتور نمازی که گفت فعلاً در این مورد صحبت نمی‌نمایند ولی هنوز معلوم نیست افزود کار تمام است قرار است که اطاق بازرگانی و صنایع قریباً ادغام شوند و آقای شریف‌امامی رئیس مجلس سنا فعالیت می‌نماید که دکتر باهر رئیس شود ولی دیگران می‌خواهند آقای آموزگار راکه در خارج است برای احراز پست ریاست اطاق بازرگانی و صنایع تحمیل کنند و تاکنون که موضوع تعویض آقای محمد خسروشاهی عملی نگردیده به علت اختلاف سلیقه و دودستگی حاصله می‌باشد به هر حال اکنون دیگر می‌بایست کار را خاتمه دهند و شخصی را به این سمت انتخاب نمایند در این موقع سناتور نمازی موضوع را تغییر داده گفت راستی برکناری عطاءالله خسروانی وزیر سابق کشور و یاکنار گذاردن وی چه علتی داشته است دکتر خوشبین پاسخ داد به خوبی از این موضوع مطلع می‌باشد و علت آن را این طور شرح داد که اصولاً ارباب (منظور شاهنشاه آریامهر) دوست ندارد شخصی مدت زیادی مصدر کار باشد ثانیاً علت اصلی برکناری خسروانی شخص خود وی بوده است چون اغلب در کمیسیون‌های متشکله صحبت‌هایی می‌نموده که از خودش خیلی بزرگ‌تر و پرمعنی‌تر بوده است مثلاً در یک جلسه وکمیسیونی که عده زیادی حضور داشته‌اند و در مورد لایحه‌ای که قرار بوده به مجلس برده شود تبادل نظر می‌گردید اعضای حاضر در جلسه اظهار

خیلی محرمانه

عقیده می‌نمایند ممکن است این لایحه مورد تصویب اکثریت واقع نگردد ولی خسروانی پاسخ داده این طور نیست بلکه کلیه وکلای مجلس (البته اکثریت) مطیع وی می‌باشند و هر دستور و کاری که ارجاع نماید بدون هیچ‌گونه اعتراض و سوالی انجام خواهند داد و بعد اضافه نمود که راجع به این لایحه دستور می‌دهم که تصویب نمایند و این عمل انجام خواهد یافت ناطق سپس تعریف نمود که در این موقع آقای دکتر ولیان وزیر اصلاحات ارضی که در جلسه مربوطه حضور داشته از این صحبتهای آقای خسروانی ناراحت و نگران شده و به خسروانی می‌گوید شما و ما نمی‌توانیم به مجلس دستور بدهیم که مجری خواسته‌های ما باشند و اصولاً اداء چنین مطالبی صحیح و منطقی نیست حتی کار نامبردگان به مجادله لفظی و گفت‌وگوی شدید می‌کشد که با وساطت دیگران موضوع تقریباً فیصله می‌یابد و تصمیم گرفته می‌شود که این موضوع در آن مکان دفن گردد و در خارج نشر و انتشار نیافته و بازگو نگردد ناطق سپس گفت خسروانی بر سر مسئله دیگری با دکتر نیک‌پی نیز مجادله و گفت‌وگوی تندی نموده بالاخره دکتر ولیان جریان را به آقای نخست‌وزیر گزارش و آقای هویدا نیز مراتب را به شرف عرض شاهنشاه آریامهر می‌رساند و شاهنشاه می‌فرمایند لازم بوده که این موضوع را به من اطلاع نمی‌دادند اکنون دیگر نمی‌توانیم موضوع را نشنیده فرض نمائیم و فوراً دستور می‌فرمایند که خسروانی و نیک‌پی را از کابینه بیرون نمایند و این موضوع عملی ولی مدتی بعد مجدداً نیک‌پی وارد دستگاه گردیده و سمت شهرداری تهران به وی تفویض شده ناطق سپس اظهار عقیده نمود که خسروانی تصور نمی‌نمود که زمانی خواهد رسید که از پست وزارت برکنار و چشم بپوشد حتی فکر می‌نمود تا دنیا برجاست وی مصدر پست وزارت و دبیرکلی حزب ایران نوین خواهد

مطالبی صحیح و منطقی نیست حتی کار نامبردگان به مجادله لفظی و گفت‌وگوی شدید می‌کشد که با وساطت دیگران موضوع تقریباً فیصله می‌یابد و تصمیم گرفته می‌شود که این موضوع در آن مکان دفن گردد و در خارج نشر و انتشار نیافته و بازگو نگردد ناطق سپس گفت خسروانی بر سر مسئله دیگری با دکتر نیک‌پی نیز مجادله و گفت‌وگوی تندی نموده بالاخره دکتر ولیان جریان را به آقای نخست‌وزیر گزارش و آقای هویدا نیز مراتب را به شرف عرض شاهنشاه آریامهر می‌رساند و شاهنشاه می‌فرمایند لازم بوده که این موضوع را به من اطلاع نمی‌دادند اکنون دیگر نمی‌توانیم موضوع را نشنیده فرض نمائیم و فوراً دستور می‌فرمایند که خسروانی و نیک‌پی را از کابینه بیرون نمایند و این موضوع عملی ولی مدتی بعد مجدداً نیک‌پی وارد دستگاه گردیده و سمت شهرداری تهران به وی تفویض شده ناطق سپس اظهار عقیده نمود که خسروانی تصور نمی‌نمود که زمانی خواهد رسید که از پست وزارت برکنار و چشم بپوشد حتی فکر می‌نمود تا دنیا برجاست وی مصدر پست وزارت و دبیرکلی حزب ایران نوین خواهد

بود در خاتمه سناتور نمازی سوال نمود به طوری که استنباط می‌شود آقای نیک‌پی شخص صالح و مفیدی نمی‌باشد دکتر خوشبین در تایید اظهارات وی افزود این موضوع کاملاً صحیح و منطقی است نامبرده شخص کوچک و نالایقی است که به مشاغل و امور مهمی که انتظارش نمی‌رفت گمارده شده است. و نمی‌تواند منشأ اثرات مفیدی در هنگام تصدی خود باشد.

نظریه رهبر عملیات : منبع قابل اطمینان است و به صحت اظهاراتش می‌توان اعتماد نمود.

۲ـ منبع از طریق استراق سمع اظهارات نامبردگان فوق را شنیده و گزارش داده است هرگونه اقدام مستقیمی موجب شناسایی منبع خواهد شد.

نظریه ۲۰ ه ۵ : نظریه رهبر عملیات مورد تایید است. دانشجو

بهره‌برداری و در پرونده خسروانی و دکتر خوشبین و مهدی نمازی و مجلس شورای ملی و عبدالعظیم ولیان و غلامرضا نیک‌پی منعکس شد

۴۸/۱۱/۵

۱ـ دکتر غلام‌حسین خوشبین فرزند میرزاآقا نوراله از دانشگاه ژنو و در رشته دکتریٰ حقوق فارغ‌التحصیل شد. بعضی از مشاغل و مناصب دولتی وی عبارتند از : دادیار دادسرای تهران، عضو دادگاه استان مرکز، کفیل شعبه پنجم دادگاه استان مرکز، دادیار دیوانعالی کشور، رئیس ادارهٔ حقوق وزارت دادگستری، مدیرکل امور قضائی دادگستری در سال ۱۳۲۷ ش و معاونت کل دادگستری، مستشار دیوانعالی کشور، معاونت اول دادستان کل، رئیس شعبه چهار دیوانعالی کشور و رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل بانک توسعهٔ صادرات، سرپرست دانشجویان ایرانی در فرانسه و رایزن سفارت ایران در پاریس.

وی همچنین از اعضاء مجلس سنا بود و در تیر ۱۳۴۱ در کابینه اسدالله علم به وزارت دادگستری منصوب شد و بعد در بهمن همان سال وزیر مشاور گردید. وی همچنین از اعضای حزب ملت بود. و در لژ فراماسونری ایران عضویت داشت.

تاریخ : ۴۸/۱۲/۱۱

حزب مردم

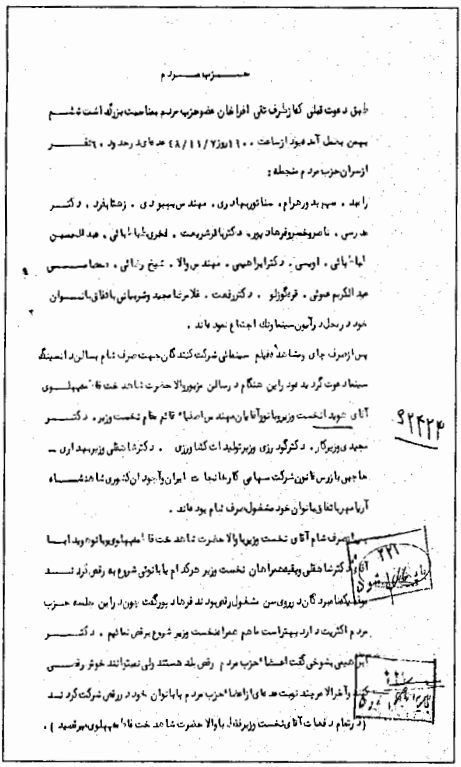

حزب مردم

طبق دعوت قبلی که از طرف تقی افراخان[1] عضو حزب مردم به مناسبت بزرگداشت ششم بهمن بعمل آمده بود از ساعت ۱۹۰۰ روز ۴۸/۱۱/۷ عده‌ای در حدود ۶۰ نفر از سران حزب مردم منجمله :

رامبد. سپهبد ورهرام. سناتور بهادری. مهندس بهبودی. زهتابفرد. دکتر مدرسی. ناصر و خسرو فرهادپور . دکتر باقر شریعت.[2] فخری طباطبائی. عبدالحسین طباطبائی. اویسی. دکتر ابراهیمی. مهندس والا. شیخ رضائی[3]. صمصامی. عبدالکریم عموئی. قراگوزلو. دکتر رفعت. غلامرضا مجید و شربیانی به اتفاق بانوان خود در محل درآیون[4] سینما ونک اجتماع نموده‌اند.

پس از صرف چای و مشاهده فیلم سینمائی شرکت‌کنندگان جهت صرف شام به سالن دانسینگ سینما دعوت گردیده و در این هنگام در سالن مزبور والاحضرت شاهدخت فاطمه پهلوی، آقای هویدا نخست‌وزیر و بانو و آقایان مهندس اصفیا قائم‌مقام نخست‌وزیر. دکتر مجیدی وزیر کار. دکتر گودرزی وزیر تولیدات کشاورزی. دکتر شاهقلی وزیر بهداری. حاجبی[5] بازرس قانون شرکت سهامی کارخانجات ایران و آجودان کشوری شاهنشاه آریامهر به اتفاق بانوان خود مشغول صرف شام بوده‌اند.

پس از صرف شام آقای نخست‌وزیر با والاحضرت شاهدخت فاطمه پهلوی و بانو هویدا با آقای دکتر شاهقلی و بقیه همراهان نخست‌وزیر هر کدام با بانویی شروع به رقص کردند موقعی که نامبردگان در روی سن مشغول رقص بودند فرهادپور گفت چون در این جلسه حزب مردم اکثریت دارد بهتر است ما هم همراه نخست‌وزیر شروع به رقص نمائیم. دکتر ابراهیمی به

ص ۲

صفحه شماره دوازده صفحه

نسخه شماره دوازدهم نسخه

ضمناً تقی افراخان که قبلاً از آمدن والاحضرت و آقای نخست‌وزیر به این جلسه مطلع گردیده بود دو نفر از بازیگران کاباره شکوفه نو را هم دعوت کرده بود. این بازیگران ضمن اجرای برنامه کمدی و خواندن اشعاری این شعر را خواندند.

اگر آن ترک شیرازی بدست آرد دل ما را
به او بخشم عصا و پیپ و پیکان هویدا را

که فوق‌العاده مورد توجه واقع شد و مخصوصاً اعضای حزب مردم کف زیادی زدند در پایان این اشعار آقای حاجبی دو نفر بازیگر مزبور را به میز آقای نخست‌وزیر احضار کرد و آقای نخست‌وزیر ضمن تقدیر دو دقیقه با آنها مذاکره کرد.

والاحضرت شاهدخت فاطمه پهلوی و آقای نخست‌وزیر و همراهان در ساعت ۲۳½ سالن را ترک کردند.

در خاتمه جلسه افراخان پشت بلندگو رفت و ضمن تشکر از حضور مدعوین گفت سازمان درآیوین سینما متعلق به من و شریکم رضا انوری می‌باشد و ساختمان آن را در مدت کوتاهی بنا کرده‌ایم و اداره آن را هم دو نفری عهده‌دار هستیم و نظیر این سازمان در آمریکا هم وجود ندارد و از هر حیث رعایت رفاه مشتریان شده است. وی اضافه کرد من که سالهای دراز در زمینه‌های مختلف فعالیت سیاسی داشته‌ام و به مراتب اهمیت انقلاب ششم بهمن را درک می‌نمایم به همین جهت این مراسم را ترتیب داده‌ام. مراسم مذکور در ساعت ۲۴۰۰ پایان یافت.

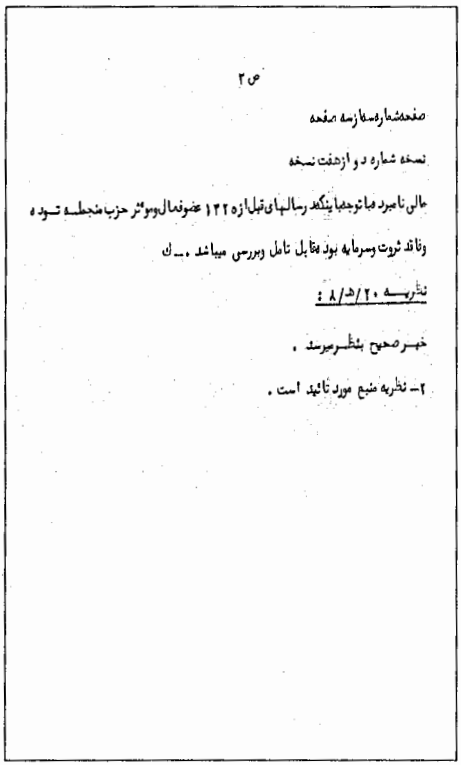

ص ۲

صفحه‌شماره‌سازمه صفحه

نسخه شماره دو ازهفت نسخه

مالی نامبرده باتوجه‌باینکه رسالهای‌قبل‌از۱۳۲۵ عضوفعال‌ومؤثر حزب‌منحله تـوده

وفاقد ثروت وسرمایه بود قابل تامل وبررسی میباشد .ـ ك

نظریـــه ۲۰/هـ/۸ :

خبـرصحیح بنظـرمیرسد .

۲ـ نظریه منبع مورد تائید است .

نظریه منبع :

منظور افراخان از دعوت فوق بیشتر تبلیغ بر له درایون سینما و سازمان و تشکیلات آن می‌باشد و ضمناً با این عمل خود را بیشتر با سران حزب نزدیک ساخته است.

مخارج ساختمان درایون سینما و سازمانهای وابسته به آن رقم قابل توجهی می‌باشد و سه دانگ این تشکیلات اعم از ساختمان و وسایل سازمانی آن متعلق بـه فـراخـان است و وضـع مالی نامبرده با توجه به اینکه در سالهای قبل از ۱۳۲۵ عضو فعال و مؤثر حزب منحله توده و فاقد ثروت و سرمایه بوده قابل تأمل و بررسی می‌باشد.

نظریه ۲۰ /هـ/ ۸ :

[۱] خبر صحیح به نظر می‌رسد.

۲ـ نظریه منبع مورد تایید است.

۱ـ تقی افراخان فرزند ابوالقاسم در سال ۱۳۰۵ هـ ش در تهران بدنیا آمد. نامبرده دوره ابتدایی را در دبستان عنصری و مقطع متوسطه را در دبیرستانهای رازی، ایران، فرانکو پارسان فرانسه و هنرستان صنعتی راه‌آهن در تهران بـه پـایان رساند و در سال ۱۳۲۳ دیپلم دریافت نمود و در همان سال به استخدام راه‌آهن تهران درآمد و مشاغلی از جمله: نگهبان ایستگاه اهواز کنترل سیر قطار، معاون ایستگاه، نگهبان فنی ایستگاه، معاون شعبه سیر واگنها و بازرس فنی بخش بکار پرداخت.

نامبرده در حزب توده عضویت داشت و از کادرهای رده بالای آن حزب بود و مسوول حوزه، سرشاخه و کـمیته بـخش راه‌آهن بود و در صدر شورای متحده مشاغل حساسی داشت و مدیر روزنامه پل پیروزی ارگان تکنسین‌های حزب توده در راه‌آهن بود و در بیشتر فعالیت‌های حزب توده از جمله: پخش اعلامیه از طرف تکنسین‌ها، راه‌اندازی اعتصاب، کمک به صندوق تبلیغات حزب، تحریک کارگران جهت خرابکاری و ... شرکت داشت کـه در سـال ۲۸ بـدلیل مـحرز بـودن فعالیت‌ها از راه‌آهن اخراج و فرماندار نظامی تهران قصد دستگیری نامبرده را داشت که برای مدتی زنـدگی مـخفی در پیش گرفت و در سال ۱۳۳۱ از طرف سندیکاهای کارگران ایران در کنگره صلح وین شرکت داشت که پس از مـراجـعت توسط فرمانداری نظامی تهران دستگیر شد و در سال ۳۲ با ارائه اطلاعات درون تشکیلاتی به مقامات امنیتی و دادن استعفا از حزب توده و چاپ آن در روزنامه پست تهران در سال ۳۳ از زندان آزاد شـد. فـرماندار نـظامی تـهران طـی مکاتبه‌ای با تیمسار سرلشکر انصاری وزیر راه درباره نامبرده چنین اعلام نمود: «غیرنظامی تقی افراخان کارمند بنگاه

راه‌آهن مدتهاست ضمن دادن اطلاعات کامل و مفید از سازمان‌های حزب توده بخصوص در راه‌آهن در راه مبارزه اصولی با آن حزب همکاری و تشریک مساعی صمیمانه‌ای با مأمورین نظامی تهران داشته و دارد و بکارگیری وی در راه‌آهن از نقطه نظر فرمانداری نظامی بلامانع است.» با صدور این دستورالعمل نامبرده مجدداً در قسمت بهره‌برداری ناحیه راه‌آهن تهران بکار مشغول شد و بسرعت پیشرفت نمود و مسوولیت‌های مهم: بازرس وزارتی، بازرس فنی ناحیه تهران، معاون فنی ناحیه راه‌آهن تهران، رئیس راه‌آهن تهران، عضو هیئت طرح و بررسیهای راه‌آهن، معاون کنترل مرکزی راه‌آهن، مدیرکل روابط عمومی و خدمات اجتماعی راه‌آهن، مشاور معاون اداری وزارت راه و در سال ۵۷ ریاست هیئت مدیره شرکت تعاونی و مصرف و مسکن به وی واگذار شد.

تقی افراخان در سال ۳۶ بعضویت حزب مردم درآمد و از طرف حزب ضمن اهداء یک دستگاه ماشین، جایگاه مهمی در حزب به وی واگذار شد و ساواک با تأسیس باشگاه ورزشی ونوس (قمارخانه) توسط نامبرده و سفرش به آلمان با مأمور ویژه شهربانی جهت شناسائی افراد توده‌ای موافقت کرد.

نامبرده در سال ۴۲ طی مصاحبه‌ای که ساواک با وی داشت، در جواب سؤالی مبنی بر چگونگی جبران گذشته و همکاری با ساواک اظهار داشت: «برای اثبات میزان علاقه خود به میهن عزیز و شاهنشاه همین بس که دوستان و معرفینی نظیر جنابان علم و تیمسار نصیری رئیس فعلی سازمان امنیت کشور دارم و مهمتر اینکه دو مرتبه از طرف ذات اقدس ملوکانه تشویق و تقدیر گردیدم و سال قبل نیز بافتخار شرفیابی انفرادی در کاخ اختصاصی اعلیحضرت همایونی نائل و شاهنشاه نسبت به اینجانب ابراز تفقد فرمودند.»

۲ـ باقر شریعت‌زاده، فرزند محمدحسین در سال ۱۲۹۸ ه‍ ش در گناباد متولد شد. پدرش مالک و رئیس انجمن شهر گناباد و از یک خانواده قدیمی روحانی بودکه در جنگ اول جهانی، به اتهام عضویت در حزب دمکرات در سن ۱۸ سالگی به وسیله تزارها به زندان سیبری برده شد و پس از مراجعت در کار عمران و بهبود شهر گناباد، فعالیت کردکه به این واسطه یکی از خیابان‌های شهر به نام وی نامگذاری شد.

ساواک در خصوص پدر وی می‌نویسد:

«پدر مشارالیه از افراد با نفوذ شهرستان گناباد بوده و در بین مردم شهرستان مزبور شهرت داردکه از درآمد حاصله از موقوفات سوءاستفاده نموده و از این راه صاحب ثروت شده است.»

باقر شریعت تحصیلات مقدماتی را در شهرهای گناباد، تربت حیدریه، مشهد و بیرجند سپری کرد و در شهرستان بیرجند دیپلم گرفت و سپس در دانشکده کشاورزی کرج و دانشکده حقوق ادامه تحصیل داد و در سال ۱۳۲۲ از دانشکده کشاورزی فارغ‌التحصیل شد.

وی در سال ۱۳۲۳ در بنگاه آبیاری استخدام شد و سپس در زمانیکه دکتر مرتضی یزدی (عضوکمیته مرکزی حزب توده) وزیر بهداری شد، توسط او به وزارت بهداری راه یافت.

مشاغل و فعالیت‌های وی به این شرح است :

رئیس کارگزینی وزارت بهداری ـ بازرس وزارتی وزارت کشاورزی ـ بازرس دولت در شرکت سهامی معاملات خارجی ـ بازرس مخصوص نخست‌وزیر در دولت فضل‌الله زاهدی ـ دبیر کمیسیون کشاورزی شورای عالی اقتصاد ـ مشاور سازمان برنامه ـ مشاور اقتصادی شهرداری تهران ـ کارشناس رسمی دادگستری ـ عضو شورای عالی خواروبار ـ کارشناس شرکت سهامی بیمه ایران ـ مدیرعامل شرکت تعاونی مصرف کارمندان دولت ـ استاد انستیتو و تغذیه و خواروبار ـ عضو انجمن ایران و امریکا ـ عضو انجمن ایران و آلمان ـ عضو انجمن طرفداران سازمان ملل ـ عضو مؤسس کانون اقتصاد ـ عضو هیئت تحریریه رادیو ـ عضو کمیسیون سیاسی حزب مردم ـ ناظر ایران در سازمان کشاورزی و خواروبار سازمان ملل (رم ـ ۱۳۳۱) ـ نماینده ایران در کنگره بین‌المللی نان (هامبورگ ۱۳۳۵).

باقر شریعت که با موافقت وزارت کشاورزی در لوزان (ژنو) و پاریس و لندن، در رشته اقتصاد و اقتصاد کشاورزی تحصیل

کرده و از پاریس دکترای اقتصاد گرفته بود و اجراکننده برنامه رادیوئی زن و زندگی و مسئول برنامه کشاورزی ایران و مشاور کشاورزی بود، پس از اخذ امتیاز مجله اقتصادی تهران اکونومیست، سردبیری آن را نیز خود به عهده گرفت و به انتشار آن مبادرت کرد.

در سفری که در سال ۱۳۳۶ به همراه ناصر خدایار (مدیر داخلی مجله روشنفکر) و... به عنوان مهمان رسمی به اسرائیل رفت، در حال خروج از اسرائیل چنین گفت:

«ما تاکنون نمی‌دانستیم اسرائیل تا این اندازه ترقی و پیشرفت کرده است. امیدواریم که اسرائیل برای توسعه و ترقی تمام خاورمیانه کمک خواهد کرد.»

وی پس از بازگشت از اسرائیل از طریق مقالات خود در مجله اکونومیست، توسعه روابط بازرگانی و اقتصادی ایران و اسرائیل را درخواست کرد.

ساواک در سال ۱۳۳۷، درباره وی چنین می‌نویسد:

«در سال‌های بین ۲۰ تا ۲۵ فعالیت شدید حزبی [توده] داشته. تا سال ۲۶ و ۲۷ مصحح روزنامه ایران ما بوده است، با ولکف وابسته مطبوعاتی سفارت شوروی رابطه نزدیک داشته است. فعلاً علاوه بر مدیریت مجله تهران اکونومیست، بازرس دولت در شرکت معاملات خارجی است و کارهایی از قبیل کار چاق‌کنی هم انجام می‌دهد.»

در سال ۱۳۳۸ که باقر شریعت از طرف حزب مردم کاندید مجلس شورای ملی در شهر گناباد بود، به علت مخالفت دراویش گنابادی با وی که ریشه در اختلاف پدر وی با صالح علیشاه داشت، نتوانست به مجلس راه یابد.

نعمت‌الله نصیری در این زمان در خصوص وی چنین نوشت:

«این شخص تا سال ۲۴ در حزب توده بود، به‌کمک دکتر یزدی که وزیر بهداری شد، در وزارت بهداری استخدام و بعداً به اروپا اعزام گردید. بعد از ۲۱ آذر ۱۳۲۵ که حزب توده قوس نزولی را شروع کرد این شخص به حزب پشت پا زد و همین طور هر موقع هرجا که قدرت بود، به آن طرف متمایل می‌شود.»

باقر شریعت که بالاخره در دوره ۲۱ مجلس شورای ملی، به مجلس راه یافته بود، در یک ارزیابی دیگر ساواک چنین معرفی شد:

«عاشق شهرت و مقام و قدرت است. خودخواه است. به علت مخالفت با خانواده صالح علیشاه، زیاد مورد توجه اهالی گناباد نیست. ثروتمند است. مبارز و یکدنده است.»

مشارالیه که با عبدالرضا پهلوی، سید ضیاءالدین طباطبائی و... دوستی و ارتباط داشت و نشان درجه یک آبادانی و پیشرفت را دریافت کرده بود، به علت نزدیک با کارمندان سفارتخانه‌ها و اتباع بیگانه، با شماره رمزهای «۲۶۱۱۳» و «۱۵۲۸» با ساواک همکاری می‌کرد. وی که در سال ۱۳۴۸ توسعه تبلیغاتی لیست را تشکیل داده بود، صاحب تألیفاتی نیز می‌باشد که نمونهٔ آن کتابی ۴ جلدی درباره اقتصاد خانواده می‌باشد.

۳ـ علی‌اصغر شیخ رضایی فرزند حسین در سال ۱۳۱۱ در تهران به دنیا آمد. در سال ۱۳۳۲ از دانشسرای مقدماتی در رشته ریاضی فارغ‌التحصیل شد و به استخدام وزارت آموزش و پرورش درآمد. و به عنوان آموزگار دبستان‌های حومه تهران و قلهک، فعالیت کرد و در سال ۱۳۳۵ جهت مطالعه در امور کتب درسی و تکمیل تحصیلات خویش به اروپا رفت. شیخ رضائی که در سال ۱۳۳۷ به علت ترک خدمت، منتظر خدمت شده بود، مجدداً در سال ۱۳۳۹ به آموزش و پرورش بازگشت و به عنوان معلم دبستان‌های ناحیه ۷ تهران به تدریس پرداخت و در سال ۱۳۴۱ به دبیری دبیرستان‌های ناحیه ۳ تهران ارتقاء یافت. او که از اعضای مؤثر حزب مردم بود و مسئولیت سازمان کارگران حزب را به عهده داشت و مدتی نیز عضو هیئت مدیره فروشگاه فرهنگیان بود، در دورهٔ ۲۳ مجلس شورای ملی به عنوان نماینده گرمسار و ایوانکی به مجلس آمد.

شیخ رضائی که جزو فراماسونرهای حزب مردم بود و در لژ خدمتگزاران بشر نیز عضویت داشت، مدتی هم بازرس عالی

وزارت آموزش و پرورش بود که با پیروزی انقلاب اسلامی از آن وزارت، پاکسازی شد.

۴ـ درآیون سینما به سالنی اطلاق می‌شد که، مشتریان با اتومبیل به داخل آن می‌رفتند و به تماشای فیلم می‌پرداختند.

۵ـ حسین فردوست در نقل خاطرات خود، در رابطه با حاجبی می‌گوید:
«اشرف [پهلوی] یک قمارباز حرفه‌ای در حد اعلاء بود و قماربازی‌های حرفه‌ای را جمع می‌کرد و وارد محفل خصوصی محمدرضا می‌نمود... یکی از اعضای باند قمار اشرف فردی بود به نام حاجبی، که از مأمورین [عبدالکریم] ایادی بود (ایادی چند مأمور در اطراف محمدرضا داشت که یکی‌شان حاجبی بود) حاجبی از قماربازها و حقه‌بازهای درجه اول روزگار بود که دوست صمیمی محمدرضا شده و شب و روز در کنارش بود.»
«ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، ص ۲۳۶»

مراسم چهارشنبه سوری

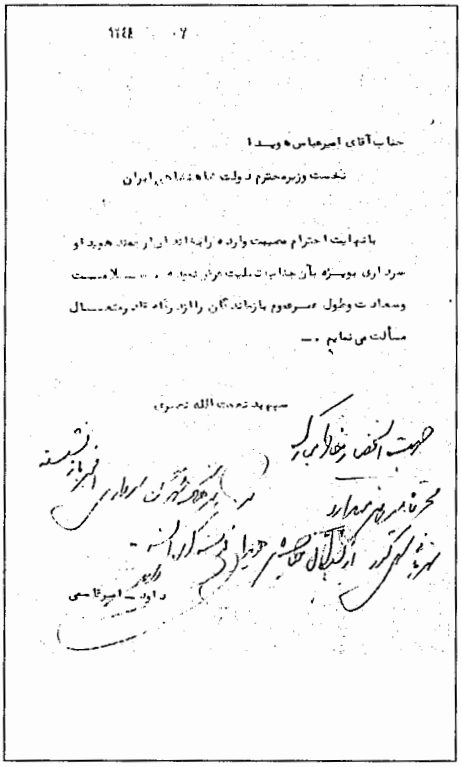

تاریخ : ۱۳۴۸/۱۱/۷

نخست‌وزیر محترم دولت شاهنشاهی ایران

جناب آقای امیرعباس هویدا

با نهایت احترام مصیبت وارده را به خاندان ارجمند هویدا و سرداری به ویژه به آن جناب تسلیت عرض نموده. سلامت و سعادت و طول عمر عموم بازماندگان را از درگاه قادر متعال مسألت می‌نمایم.

سپهبد نعمت‌الله نصیری

جهت استحضار خاطر مبارک

محترماً معروض می‌دارد سرکار سرهنگ محمدحسن سرداری افسر بازنشسته شهربانی کل کشور از بستگان جناب آقای هویدا فوت کرده‌اند.

داود ـ امیرقاسمی

به : ۳۲۷ تاریخ : ۴۸/۱۲/۵

از : ۲۰/ه/۸ شماره : ۲۰/۲۶۷۴۷ ه ۸

موضوع : جلسه خصوصی مجلس شورای ملی

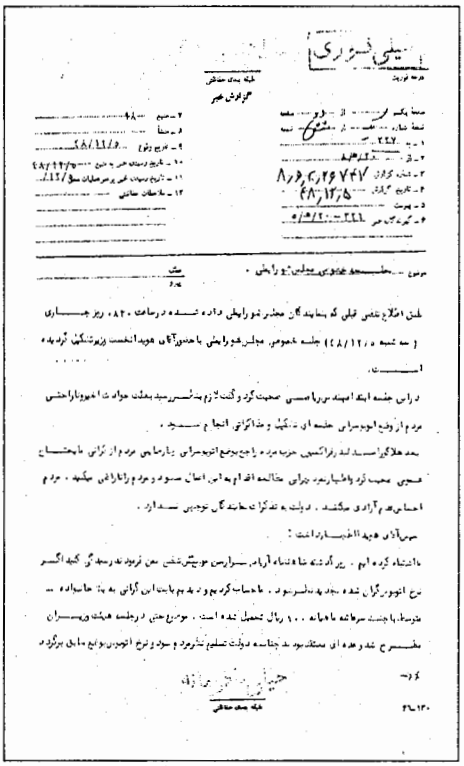

طبق اطلاع تلفنی قبلی که به نمایندگان مجلس شورای ملی داده شده در ساعت ۰۸۳۰ روزجاری (سه شنبه ۴۸/۱۲/۵) جلسه خصوصی مجلس شورای ملی با حضور آقای هویدا نخست‌وزیر تشکیل گردیده است.

در این جلسه ابتدا مهندس ریاضی[1] صحبت کرد وگفت لازم به نظر می‌رسد به علت حوادث اخیر و ناراحتی مردم از وضع اتوبوسرانی جلسه‌ای تشکیل و مذاکراتی انجام شود.

بعد هلاکو رامبد لیدر فراکسیون حزب مردم راجع به وضع اتوبوسرانی و نارضایتی مردم از گرانی مایحتاج عمومی صحبت کرد و اظهار نمود چرا بی‌مطالعه اقدام به این اعمال می‌شود و مردم را ناراضی می‌کنید. مردم احساس عدم آزادی می‌کنند. دولت به تذکرات نمایندگان توجهی ندارد.

سپس آقای هویدا اظهار داشت :

ما اشتباه کرده‌ایم. روزگذشته شاهنشاه آریامهر از سن موریتس تلفنی به من فرمودند رسیدگی کنید اگر نرخ اتوبوس گران شده تجدیدنظر شود. ما حساب کردیم و دیدیم بابت این گرانی به یک خانواده متوسط با چند سر عائله ماهیانه ۹۰۰ ریال تحمیل شده است. موضوع حتی در جلسه هیئت وزیران مطرح شد و عده‌ای معتقد بودند چنانچه دولت تسلیم نظر مردم شود و نرخ اتوبوس به وضع سابق برگردد دولت تضعیف می‌شود و لیکن چون حق با مردم بود تجدیدنظر بعمل آمد.

آنگاه پرتو[2] وزیر دادگستری صحبت کرد و ضمن اشاره به نزاعی که در تاریخ ۴۸/۱۲/۳ بین او با

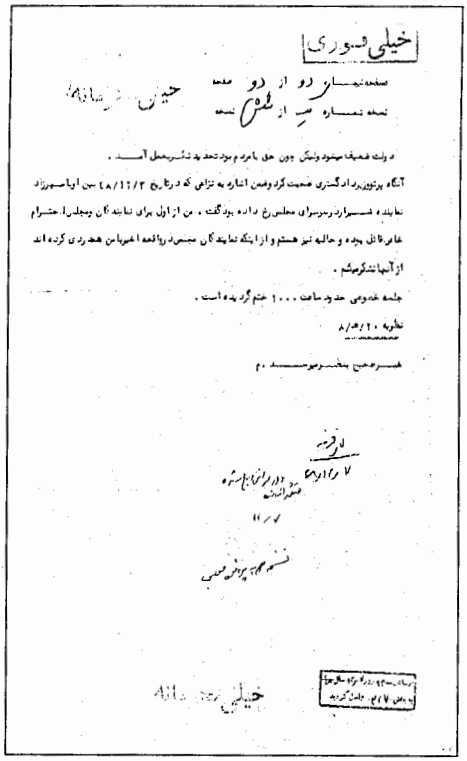

مهرزاد نماینده شیراز در سرسرای مجلس رخ داده بود گفت. من از اول برای نمایندگان و مجلس احترام خاص قائل بوده و حالیه نیز هستم و از اینکه نمایندگان مجلس در واقعه اخیر با من همدردی کرده‌اند از آنها تشکر می‌کنم.

جلسه خصوصی حدود ساعت ۱۰۰۰ ختم گردیده است.

نظریه ۲۰/ه/۸

خبر صحیح به نظر می‌رسد.

آقای فرمند ۴۸/۱۲/۷

قبلاً اقدام شده و در بولتن درج شده

۱۱/۷

نسخه دوم پرونده مجلس

۱ـ مهندس عبداله ریاضی که سال‌ها بر کرسی ریاست مجلس شورای ملی تکیه زده بود، از افرادی است که به همراه علی امینی، ایرج اسکندری، غلامرضا کیان و... در شهر گرونوبل فرانسه، تحصیل کرد و در هنگام فعالیت در دانشکده فنی با مهندس بازرگان نیز دوستی کرد.

او که از اعضای تشکیلات فراماسونری و در لژهای مختلف عضویت داشت. در سال ۱۳۴۵ به وسیله سفیر امریکا در تهران، برای شرکت در مراسم به آب انداختن یک فروند ناوچه بنام ریاضی در نیویورک، از وی دعوت به عمل آمد.

نامگذاری این ناوچه بنام «ریاضی» به واسطه، خدمت برادران ریاضی، به نیروی دریایی امریکا، بوده است.

«ظهور و سقوط سلطنت پهلوی ـ ج ۲ ـ ص ۳۷۹.»

۲ـ منوچهر پرتو که از اعضای تشکیلات فراماسونری بین‌المللی بود، به همراه پرویز خسروانی، ناصر گلسرخی و جلال آهنچیان، با تشکیل باند قمار و کلاهبرداری به سوءاستفاده‌های کلان اشتغال داشت.

کشف این سوءاستفاده‌ها در وزارتخانه‌های منابع طبیعی و دادگستری و سازمان تربیت بدنی توسط فردوست، در سال ۱۳۵۰ به برکناری گلسرخی و پرتو انجامید.

«ظهور و سقوط سلطنت پهلوی ـ ج ۲ ص ۴۵۳»

تاریخ : ۴۸/۱۲/۸

ملاقات آقای نخست‌وزیر با سفیر آمریکا و بازدید همسر سفیر آمریکا از کتابخانه مجلس شورای ملی

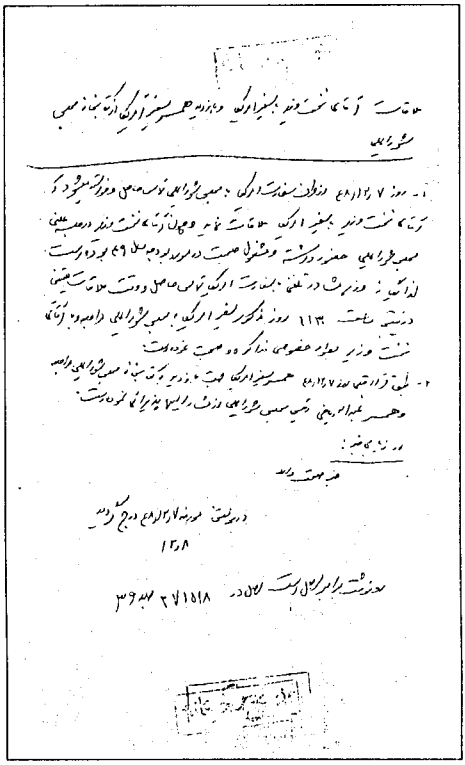

۱ـ روز ۴۸/۱۲/۷ از طرف سفارت امریکا با مجلس شورای ملی تماس حاصل و خواسته می‌شود که آقای نخست‌وزیر با سفیر امریکا ملاقات نماید و چون آقای نخست‌وزیر در جلسه علنی مجلس شورای ملی حضور داشته و مشغول صحبت در مورد بودجه سال ۴۹ بوده است لذا یگانه وزیر مشاور تلفنی با سفارت امریکا تماس حاصل و وقت ملاقات تعیین در نتیجه ساعت ۱۱۳۰ روز مذکور سفیر امریکا به مجلس شورای ملی مراجعه و با آقای نخست‌وزیر به طور خصوصی مذاکره و صحبت نموده است.

۲ـ طبق قرار قبلی روز ۴۸/۱۲/۷ همسر سفیر امریکا جهت بازدید به کتابخانه مجلس شورای ملی مراجعه و همسر عبدالله ریاضی رئیس مجلس شورای ملی از مشارالیها پذیرایی نموده است.

ارزیابی خبر :

خبر صحت دارد

در بولتن مورخه ۴۸/۱۲/۷ درج گردید

۱۲/۸

رونوشت برابر اصل است اصل در ۲۷۱۵۱۸ جلد ۳۹

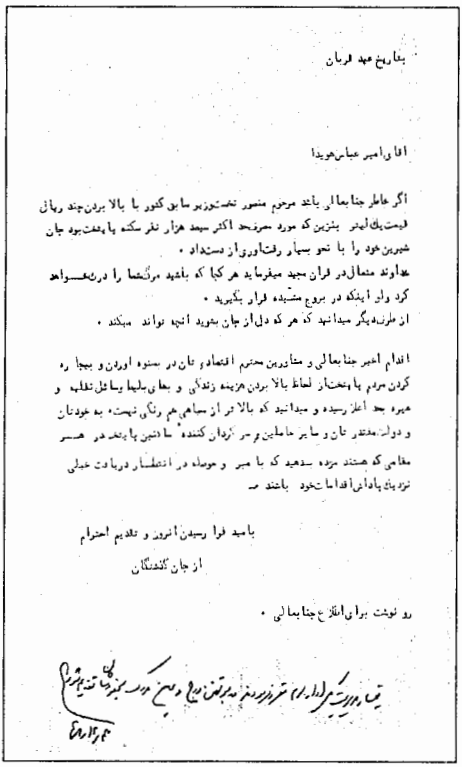

به تاریخ عید قربان تاریخ : ۴۸/۱۲/۳

آقای امیرعباس هویدا

اگر خاطر جنابعالی باشد مرحوم منصور نخست‌وزیر سابق کشور با بالا بردن چند ریال قیمت یک لیتر بنزین که مورد مصرف حداکثر سیصد هزار نفر سکنه پایتخت بود جان شیرین خود را با نحو بسیار رقت‌آوری از دست داد.

خداوند متعال در قرآن مجید می‌فرماید هر کجا که باشید مرگ شما را درک خواهد کرد ولو اینکه در بروج مشیّده[1] قرار بگیرید.

از طرف دیگر می‌دانید که هر که دل از جان بشوید آنچه تواند می‌کند.

اقدام اخیر جنابعالی و مشاورین محترم اقتصادی‌تان در به ستوه آوردن و بیچاره کردن مردم پایتخت از لحاظ بالا بردن هزینه زندگی و بهای بلیط وسایل نقلیه و غیره به حد اعلا رسیده و می‌دانید که بالاتر از سیاهی هم رنگی نیست. به خودتان و دولت مقتدرتان و سایر عاملین و سرگردان‌کننده ساکنین پایتخت در هر مقامی که هستند مژده بدهید که با صبر و حوصله در انتظار دریافت خیلی نزدیک پاداش اقدامات خود باشند.

به امید فرا رسیدن آن روز و تقدیم احترام

از جان گذشتگان

رونوشت برای اطلاع جنابعالی.

تیمسار مدیریت کل اداره سوم مقرر فرمودند در بولتن درج و عین مدرک به حضورشان تقدیم شود. ۴۸/۱۲/۳

۱ـ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يُدْرِكْكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُشَيَّدَةٍ (قرآن کریم)

شماره: ۲۰/۵۷۲۳۱ ه ۵ تاریخ: ۴۸/۱۲/۷

مکالمه تلفنی شاهنشاه آریامهر با آقای هویدا

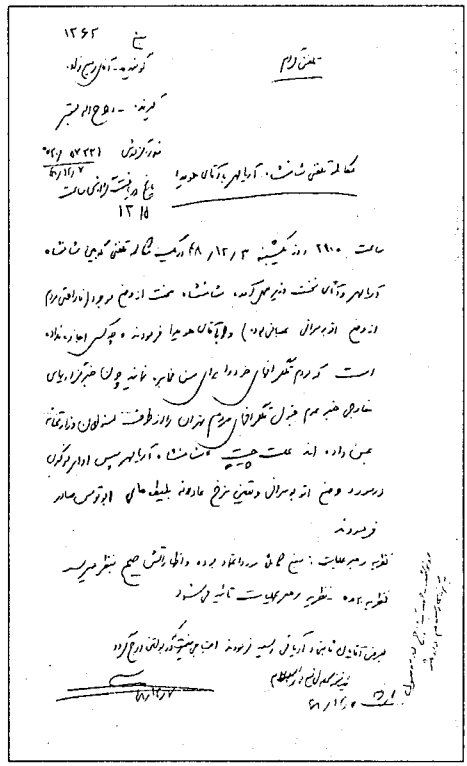

ساعت ۲۱۰۰ روز یکشنبه ۴۸/۱۲/۳ در یک مکالمه تلفنی که بین شاهنشاه آریامهر و آقای نخست‌وزیر بعمل آمده شاهنشاه سخت از وضع موجود (ناراحتی مردم از وضع اتوبوسرانی عصبانی بوده) و به آقای هویدا فرمودند «چه کسی اجازه نداده است که مردم تلگرافهای خود را برای من مخابره نمایند چون خبرگزاریهای خارجی خبر عدم قبول تلگرافهای مردم تهران را از طرف مسئولان وزارتخانه به من داده‌اند علت چیست» شاهنشاه آریامهر سپس اوامر مؤکدی در مورد وضع اتوبوسرانی و تعیین نرخ عادلانه بلیط‌های اتوبوس صادر فرمودند.

نظریه رهبر عملیات: منبع کاملاً مورد اعتماد بوده و اظهاراتش صحیح به نظر می‌رسد

نظریه ۲۰ ه ۵: نظریه رهبر عملیات تایید می‌شود

به عرض آقایان ثابتی[1] و آریایی رسید فرمودند احتیاجی نیست که در بولتن درج گردد

یک نسخه محصول منبع

آقای فرمند ۴۸/۱۲/۷

رونوشت جهت درج در محصول به آقای... داده شد

۴۸/۱۲/۷

۱ـ پرویز ثابتی متولد ۱۳۱۵ فرزند حسین، در بهمن ماه ۱۳۳۷ با معرفی ضرابی، مدیر کل ششم ساواک به استخدام ساواک در آمد. او در بدو استخدام بیوگرافی خود را چنین اعلام داشت: «از بدو تولد تا تاریخ مهرماه ۱۳۲۸ در سنگسر از بخش‌های سمنان در محله‌ای به نام تپه سر سکونت داشته‌ام و از مهر ۱۳۲۸ برای گذراندن تحصیلات متوسطه به تهران آمدم و مدت سه سال در منزل شوهر خواهرم آقای محمد حسین رحمانیان سکونت داشته‌ام و از مهر ۱۳۳۱ خانواده‌ام

نیز به تهران آمدند و در همان منزل آقای رحمانیان سکونت گزیدند، از سال ۱۳۳۶ به آموزگاری مشغول شـدم. دوران ابتدایی را در دبستان حسینیه و شاه پسند سنگسر از سال ۱۳۲۲الی ۱۳۲۸ و دوران دبیرستان در فیروز بهرام و تهران از ۱۳۲۸الی ۱۳۳۴ و در دانشکده حقوق دانشگاه تهران از ۱۳۳۴الی ۱۳۳۷مشغول به تحصیل بوده‌ام و بنده از بدو تولد در یک خانواده بهایی می‌زیسته‌ام و پدر و مادرم بـهایی بـوده‌انـد. سـنگسر یک مـنطقه عشـایری و دارای مـردمی شاهدوست و وطن‌پرست است. رستاخیز اهالی سنگسر در قیام ملی ۲۸ مرداد دلیل بر این مدعاست. به طریق انتخاب نیز فردی شاهدوست و وطن‌پرست می‌باشم.» ثابتی در سال ۱۳۴۵ رئیس اداره یکم از اداره کل سـوم، در سـال ۱۳۴۹ معاون دوم اداره کل سوم و در سال ۱۳۵۲ مدیرکل سوم ساواک شد. پرویز ثابتی، رئیس امنیت داخلی ساواک که بنا به خصوصیات شغلی‌اش صاحب چندین پاسپورت به اسامی مختلف بود، در اواخر حکومت ازهاری (آخرین نخست وزیر رژیم پهلوی) به ژنو گریخت و از آنجا به اتفاق همسرش به اسرائیل رفت. بنا به اظهار مسافری که در بیمارستان «جده» اسرائیل بستری بوده و به تهران بازگشته است، اسرائیلی‌ها با عمل جراحی پلاستیک آنچنان او را تغییر شکل داده‌اند که شناختنش غیرممکن می‌باشد. او که به «شکنجه‌گر مخوف ساواک» شهرت داشت، در شـهر سـانفرانسـیسکو در خانه‌ای مجلل مسکن گزید و تنها وابسته رژیم سابق (پهلوی) بود که یک ماه پیش از فرار خود، خانه تازه ساخته‌اش را واقع در شهرک غرب به سفیر یکی از کشورهای عربی فروخت. در هر ارزیابی از موقعیت هویدا (نخست وزیـر بـهائی مسلک)، نام پرویز ثابتی هم به میان می‌آید، زیرا در تمام دوران زندگی روابط نزدیک با همکیش خود داشته است.

تاریخ: ۴۸/۱۲/۱۰

تیمسار سپهبد نصیری

معاون نخست‌وزیر و رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور

نامه محبت‌آمیز جنابعالی حاوی تسلیت به مناسبت درگذشت شادروان سرهنگ سرداری واصل و موجب کمال امتنان گردید. سعادت و سلامت و مزید توفیقتان را صمیمانه آرزومندم.

امیرعباس هویدا

تشریفات

...ابراهیمی ۴۸/۱۲/۱۹

در پرونده ۶۲۴۲۳ امیرعباس هویدا بایگانی شود شاکری

۴۸/۱۲/۱۹

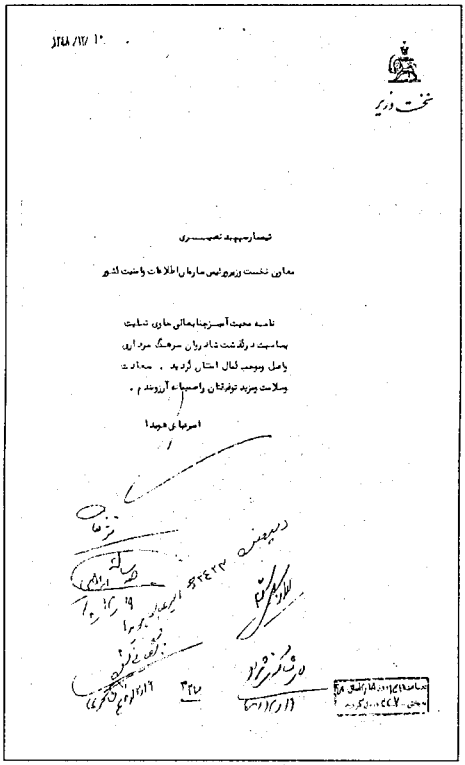

اداره کل سوم

آقای شاکری‌نژاد

۴۸/۱۲/۱۹

به : ۳۲۱ تاریخ : ۴۸/۱۲/۲۰

از : ۲۰ ه ۸ شماره : ۲۰/۲۶۸۷۲ ه ۸

موضوع : حزب ایران نوین

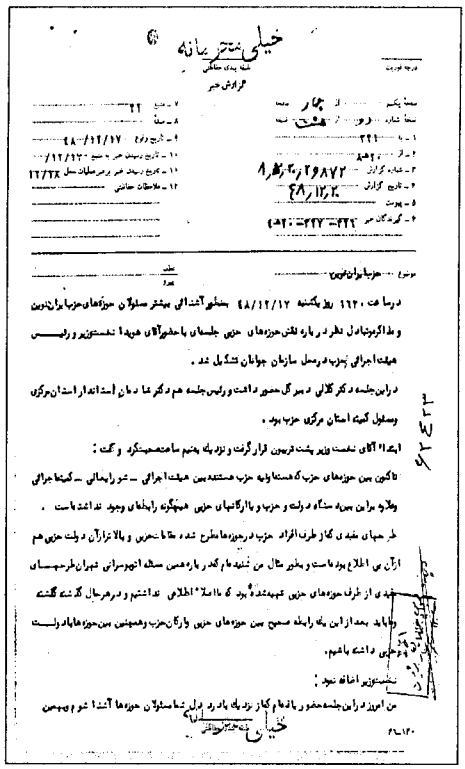
خیلی فوری

گزارش خبر

۱ - شماره ۳۲۱

۲ - تاریخ ۴۸/۱۲/۱۷

۳ - شماره گزارش ۲۰/۲۶۸۷۲ ه ۸

۴ - تاریخ گزارش ۴۸/۱۲/۲۰

۵ - پیوست

۶ - گیرندگان خبر ۳۲۱

موضوع : حزب ایران نوین

درساعت ۱۶۳۰ روز یکشنبه ۴۸/۱۲/۱۷ بمنظور آشنائی بیشتر مسئولان حوزه‌های حزب ایران نوین و مذاکره و تبادل نظر درباره نقش حوزه‌های حزبی جلسه‌ای با حضور آقای هویدا نخست‌وزیر و رئیس هیئت اجرایی حزب در محل سازمان جوانان تشکیل شد.

در این جلسه دکتر کلالی دبیرکل حضور داشت و رئیس جلسه هم دکتر شادمان استاندار استان مرکزی و مسئول کمیته استان مرکزی حزب بود.

ابتدا آقای نخست‌وزیر پشت تریبون قرار گرفت و نزدیک به نیم ساعت صحبت کرد و گفت :

تاکنون بین حوزه‌های حزب که هسته اولیه حزب هستند و بین هیئت اجرائی ـ شورای عالی ـ کمیته اجرایی و علاوه بر این بین دستگاه دولت و حزب و یا ارگانهای حزبی هیچگونه رابطه‌ای وجود نداشته است.

طرحهای مفیدی که از طرف افراد حزب در حوزه‌ها مطرح شده مقامات حزبی و بالاتر از آن دولت حزبی هم از آن بی‌اطلاع بوده است و به طور مثال من شنیده‌ام که درباره همین مسئله اتوبوسرانی تهران طرحهای مفیدی از طرف حوزه‌های حزبی تهیه شده بود که ما اصلاً اطلاعی نداشتیم و در هر حال گذشته گذشته و ما باید بعد از این یک رابطه صحیح بین حوزه‌های حزبی و ارکان حزب و همچنین بین حوزه‌ها با دولت حزبی داشته باشیم.

نخست‌وزیر اضافه نمود :

من امروز در این جلسه حضور یافته‌ام که از نزدیک با درددل شما مسئولان حوزه‌ها آشنا شوم و

به همین جهت آماده شنیدن هرگونه اظهارنظر آزاد از طرف شما هستم.

بعد دکتر شادمان رئیس جلسه اعلام کرد که همه آقایان و خانمها می‌توانند در این جلسه آزادانه صحبت کنند و انتقاد نمایند.

در این موقع عده‌ای در حدود بیست نفر آمادگی خود را برای صحبت کردن اعلام داشتند ولی حدود ۱۰ نفر بیشتر نتوانستند صحبت کنند و این ده نفر تقریباً بالاتفاق از طرز کار حزب و رابطه حزب با دولت و وزرای دولت انتقاد کردند و گفتند تاکنون هیچگونه توجهی به افراد مؤمن حزب که پایه و اساس حزب و دولت را تشکیل داده‌اند وجود نداشته و حالیه نیز ندارد و تبعیض به نحو بسیار بارزی در دستگاههای دولتی وجود دارد. اکثریت وزرای دولت حزبی، حزب را مسخره می‌کنند و کوچکترین اعتنایی به دستگاههای حزبی نداشته و حتی وزرای حزبی از شرکت در جلسات حوزه‌ها خودداری می‌نمایند.

دکتر فلسفی استاد دانشگاه و مسئول حوزه ۱۰۲/ اظهار داشت که در حوزه ۱۰۲ قریب ۲۰ نفر از بهترین پزشکان کشور عضویت دارند و ما طرحی به مدت یک سال تهیه کردیم در مورد تمرکز امور درمانی کشور و این طرح را حتی با متخصصین خارجی در میان گذاشتیم و بعد به مقامات حزبی دادیم ولی درست برعکس نظر ما دولت طرح عدم تمرکز امور درمانی را اجرا می‌کند و مقامات دولتی با ما دهن کجی می‌کنند و این خود یک نمونه از رابطه حزب با دولت است.

یکی از نمایندگان کارگر که در جلسه حضور داشت گفت دستگاه دولت با کارگر جماعت مخالفت می‌کند و حتی از اجرای قانون سهیم کردن کارگران در سود ویژه کارخانجات هم عاجز است وزیر کار دولت حزبی و دستگاهش با افراد حزبی مخالف هستند.

رویهمرفته صحبتهای این ده نفر مجموعاً تا حدود ساعت ۱۸۳۰ طول کشید بعد دکتر کلالی

دبیرکل به صحبتهایی که شده بود پاسخ گفت و اظهار داشت ما هم به تمام این نقائص آشنا بوده و هستیم و به همین جهت به دستور هم‌مسلک هویدا این جلسه را تشکیل دادیم و باز هم تشکیل خواهیم داد تا درباره امور حزبی و کشوری با یکدیگر تبادل نظر و انتقاد و بحث کنیم. باید تحرک در حزب بوجود آید.

پس از توضیحات دکتر کلالی آقای هویدا مجدداً پشت تریبون قرار گرفت و خیلی خوب به اظهارات و توضیحات کسانی که صحبت کرده بودند پاسخ گفت و از دولت و طرز کار دولت انتقاد کرد.

آقای هویدا در پاسخ اظهارات یکی از ناطقین که گفته بود رئیس اداره من گفته است این حزب هم باد است و می‌رود اظهار داشت :

من در جواب این رئیس اداره میگویم حزب باد نیست بلکه طوفان است و طوفان هم آن رئیس اداره و امثال او را که سنگ لای چرخ دولت میگذارند نابود خواهد کرد.

آقای هویدا ضمن اشاره به وجود تبعیض در دستگاه دولتی اظهار نمود :

من هم با شما هم‌عقیده‌ام ولی بگوئید چه کنیم؟ شما باید در حزب یک دستگاهی بوجود آورید به طوری که آن دستگاه بتواند نیروهای انسانی را در حزب بشناسد و ارزشیابی کند و بعد دولت هر زمانی که احتیاج به نیروی انسانی داشت از حزب و آن دستگاه حزب کمک بگیرد و هیچگونه انتصابی بدون اطلاع این دستگاه در دولت انجام نشود و اصولاً باید رابطه مستقیم و نزدیکی بین دستگاههای حزبی و دولت حزبی بوجود آید تا نظیر این مشکل که آقای دکتر فلسفی عنوان کرد پیدا نشود و یا مشکلی مانند مشکل آقای رازبان که در اینجا گفت (من را به علت اینکه یک فرد مومن حزبی بوده‌ام وزیر به اصطلاح حزبی در سن ۴۷ سالگی بازنشسته کرده است) پیش نیاید. باید این دستگاه در حزب بوجود آید تا اگر یک وزیر حزبی خلافی کرد او را به حزب احضار کنید و

صفحه شماره چهار از چهار صفحه

نسخه شماره ۲۰ از هشت نسخه

۴۲ ما لئی بازنشسته کرده است) پس نباید .

باید اینده نگاه در حزب بوجود آید تا اگر باین زیر حزبی خلاص کرد او را بتوانیم احضار کنیم و از او توضیح بخواهیم . شما ها بنشینید و راه حلی پیدا کنید من بنام رئیس دولت صریحاً اعلام میکنم که در اختیار شما هستم.

آقای هویدا گفت یکی از آقایان در اینجا گفت که وزرای حزبی در جلسات حوزه ها شرکت نمی کنند باید بگویم خیلی کار بدی میکنند و ما واقعاً دیگر اجازه نمیدهیم این کارها دنبال شود و به اصطلاح دولت در دولت تشکیل بدهند . من هم قبول میکنم که باید افراد حزبی تأمین داشته باشد ولی به چه شکل و به چه نحو آن دیگر با خود شماست.

آقای هویدا در پایان سخنان خود افزود در این تظاهرات اخیر شعری برایم درست کرده بودند که (پیپ و عصا شکستنی است. امیرعباس هویدا رفتنی است) من هم باید بگویم نه جانم امیرعباس هویدا ماندنی است هر چند این شعر به اصطلاح شعر نو است ولی معهذا باید بگویم اگر امیرعباس هویدا هم رفتنی است ولی حزب ایران نوین ماندنی است.

نظریه منبع :

آقای هویدا ضمن سخنان خود من غیرمستقیم به حضار تفهیم کرد که در فرم کار و همکاران خود تجدیدنظر خواهد نمود. جلسه مذکور حدود ساعت ۲۰۰۰ خاتمه یافت.

نظریه ۲۰ ه ۸ :

خبر صحیح به نظر می‌رسد .

راشد

۱ـ سیّد ضیاءالدین شادمان فرزند حاج سیّد ابوتراب، در ۱۵ آذر ۱۳۰۲ در تهران تولد یافت. سید ضیاء الدین، دوره ابتدائی را در دبستان رودکی و متوسطه را در دبیرستان دارالفنون تهران به پایان رساند. لیسانس اقتصاد را از دانشکده حقوق دانشگاه تهران و دکترای اقتصاد کارگری و بیمه‌های اجتماعی را از دانشگاه حقوق پاریس گرفت. پس از مراجعت به ایران، در وزارت دارائی به شغل حسابداری پرداخت و مدتی نیز معاون جیره‌بندی تهران و بازرس وزارتی شد سپس

با سمت بازرسی هیأت مدیره بیمه‌های اجتماعی، مامور خدمت در وزارت کار شد چندی هم عضو هیات مدیره و معاون مدیر عامل شرکت سهامی بیمه ایران گردید. در ۱۳۳۸ش برای مطالعه در امور بیمه به کشورهای اروپائی رفت که پس از بازگشت، مدیریت کل وزارت دارائی را به عهده گرفت. در همین زمان در تشکیل «دوره‌ای» کانون مترقی به همراه هشت نفر دیگر جزو هسته مرکزی آن به شمار میرفت. زمانی که مدیر عامل فروشگاه فردوسی بود به نمایندگی از طرف مردم جیرفت در دوره ۲۱ مجلس شورای ملی راه یافت و با عضویت در هیات رئیسه مجلس، سمت کارپردازی در مجلس شورای ملی را به عهده گرفت. با نخست وزیر شدن حسنعلی منصور، از نمایندگی مجلس استعفا کرد و شهردار تهران سپس استاندار استان مرکزی گردید در خرداد ۱۳۵۴ معاون نخست وزیر در امور اجتماعی و سرپرست دفتر نظارت و همکاریها شد که چند ماه بعد به سمت وزیر مشاور و معاون پارلمانی نخست وزیر منصوب شد. با استعفای دولت هویدا در نیمه مرداد ۱۳۵۶ از مقام خود برکنار گردید.

نامبرده معاون حزب ایران، دبیر انجمن تحصیلکرده‌های اروپا، عضو باشگاه لاینز و باشگاه شاهنشاهی و از اعضای فراماسونری، عضو لژ خیام بوده است.

مشارالیه دارای نشانهای درجه سوم تاج ـ درجه اول همایون و وزیر مشاور و عضو دفتر سیاسی حزب رستاخیز بوده است.

در پرونده بیوگرافی شادمان به مواردی از سوء استفاده‌های مالی او در زمانی که شهردار و استاندار بوده و همچنین موارد سوء اخلاقی وی اشاره شده است.

اسناد ساواک ـ پرونده انفرادی

به : ۳۲۲ تاریخ : ۴۸/۱۲/۲۴

از : ۲۰ ه ۵ شماره : ۲۰/۵۷۵۲۶ ه ۵

موضوع : حزب ایران نوین

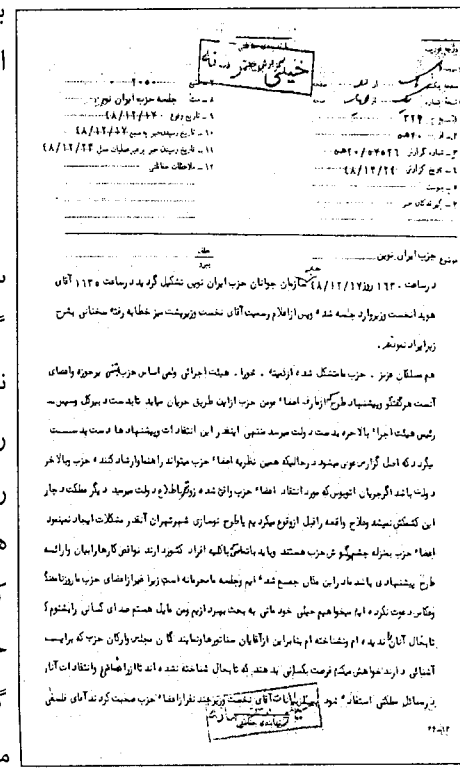

در ساعت ۱۶۳۰ روز ۴۸/۱۲/۱۷ جلسه سازمان جوانان حزب ایران نوین تشکیل گردید در ساعت ۱۶۳۵ آقای هویدا نخست‌وزیر وارد جلسه شده و پس از اعلام رسمیت آقای نخست‌وزیر پشت میز خطابه رفته سخنانی به شرح زیر ایراد نمودند.

هم‌مسلکان عزیز. حزب ما متشکل شده از کمیته. شورا. هیئت اجرایی[،] ولی اساس حزب مبتنی بر حوزه و اعضای آن است هر گفتگو و پیشنهاد طرح راکه از طرف اعضای مومن حزب از این طریق جریان می‌یابد تا به دست دبیرکل و سپس رئیس هیئت اجراء بالاخره به دست دولت می‌رسد منتهی این قدر این انتقادات و پیشنهادها دست به دست می‌گردد که اصل گزارش عوض می‌شود در حالی که همین نظریه اعضای حزب می‌تواند راهنما و ارشادکننده حزب و بالاخره دولت باشد اگر جریان اتوبوس[۱] که مورد انتقاد اعضای حزب واقع شده زودتر به اطلاع دولت می‌رسید دیگر مملکت دچار این کشمکش نمی‌شد و علاج واقعه را قبل از وقوع می‌کردیم یا طرح نوسازی شهر تهران آن قدر مشکلات ایجاد نمی‌نمود اعضای حزب به منزله چشم و گوش حزب هستند و باید با تماسی که باکلیه افراد کشور دارند نواقص کارها را بیان و ارائه طرح پیشنهادی باشد ما در این مکان جمع شده‌ایم و جلسه ما محرمانه است زیرا غیر از اعضای حزب ما روزنامه‌نگار و عکاس دعوت نکرده‌ایم می‌خواهیم خیلی خودمانی به بحث بپردازیم و من مایل هستیم صدای کسانی را بشنوم که تا به حال آنان را ندیده‌ام و نشناخته‌ام بنابراین از آقایان سناتورها و نمایندگان مجلس و ارکان حزب که برایم آشنایی دارند خواهش می‌کنم فرصت به کسانی بدهند که تا به

یکی از اعضاء حزب ایران نوین اظهار داشت آقای نخست‌وزیر از اینکه اعتراف بگناه خود در مورد اتوبوس نمودند متشکریم زیرا خود اعتراف از گناه می‌کاهد همچنین مست علی کارگر شرکت واحد اظهار داشت من یک کارگر شرکت واحد هستم و از آقایان معذرت میخواهم که نمیتوانم مثل آقایان تحصیل کرده هاصحبت کنم در مسائل مملکتی همانطور آقای نخست وزیر فرمودند باید بنظریه مردم راکسب کنیم اگر در مورد افزایش نرخ اتوبوس با اهل فن یا فلان راننده اتوبوس تماس میگرفتند و از نظریه او آگاه میشدند هرگز چنین اتفاقی نمی افتاد در اینموقع آقای هویدا نخست وزیر مجدداً پشت تریبون رفته اظهار داشتند از انتقادات آقایان بهره مند شدیم و از آقایان خواهش میکنم طرح هائی که دال براهنمائی باشد تهیه و در حزب بررسی و تصمیم گرفته شود تا از نظریات آقایان در راه بهبود وضع مملکت استفاده شود البته استحضار دارید برای من هم شعری ساخته‌اند بدین مضمون (پیپ و عصا شکستنی است ـ دولت امیرعباس هویدا رفتنی است) البته این موضوع را باید به عرض آقایان برسانم اینجانب بنا به امر شاهنشاه آریامهر وارد خدمت شده‌ام و به امر معظم‌له و خواست خداوند متعال هم خواهم رفت ولی این را بایستی بدانید که حزب ایران نوین برای همیشه خدمتگزار شاه و ملت خواهد بود و ماندنی است و در مورد شرکت واحد اتوبوسرانی آمدیم کار مردم را به مردم سپردیم شهرداری کل و انجمن شهر داریم و اعضای آن دور هم جمع شده چنین طرحی را تصویب کردند و این آقایان نمی‌دانند که ملت ایران تاریخ ۲۵۰۰ ساله دارد و هوشیار است همین ملت

حال شناخته نشده‌اند تا از راهنمایی و انتقادات آنان در مسائل مملکتی استفاده شود پس از بیانات آقای نخست‌وزیر چند نفر از اعضای حزب صحبت کردند آقای فلسفی یکی از اعضای حزب ایران نوین اظهار داشت آقای نخست‌وزیر از اینکه اعتراف به گناه خود در مورد اتوبوس نمودند متشکریم زیرا خود اعتراف از گناه می‌کاهد همچنین مست علی کارگر شرکت واحد اظهار داشت من یک کارگر شرکت واحد هستم و از آقایان معذرت می‌خواهم که نمی‌توانم مثل آقایان تحصیل‌کرده‌ها صحبت کنم در مسائل مملکتی همان طوری که آقای نخست‌وزیر فرمودند بایستی نظریه مردم راکسب کنیم اگر در مورد افزایش نرخ اتوبوس با اهل فن یا فلان راننده اتوبوس تماس می‌گرفتند و از نظریه او آگاه می‌شدند هرگز چنین اتفاقی نمی‌افتاد در این موقع آقای هویدا نخست‌وزیر مجدداً پشت تریبون رفته اظهار داشتند از انتقادات آقایان بهره‌مند شدیم و از آقایان خواهش می‌کنم طرح‌هایی که دال بر راهنمایی باشد تهیه و در حزب بررسی و تصمیم گرفته شود تا از نظریات آقایان در راه بهبود وضع مملکت استفاده شود البته استحضار دارید برای من هم شعری ساخته‌اند بدین مضمون (پیپ و عصا شکستنی است ـ دولت امیرعباس هویدا رفتنی است) البته این موضوع را باید به عرض آقایان برسانم اینجانب بنا به امر شاهنشاه آریامهر وارد خدمت شده‌ام و به امر معظم‌له و خواست خداوند متعال هم خواهم رفت ولی این را بایستی بدانید که حزب ایران نوین برای همیشه خدمتگزار شاه و ملت خواهد بود و ماندنی است و در مورد شرکت واحد اتوبوسرانی آمدیم کار مردم را به مردم سپردیم شهرداری کل و انجمن شهر داریم و اعضای آن دور هم جمع شده چنین طرحی را تصویب کردند و این آقایان نمی‌دانند که ملت ایران تاریخ ۲۵۰۰ ساله دارد و هوشیار است همین ملت

قوم مغول راکه فاتح شده بودند با هوشیاری در خود حل کردند اینها حقیقت دارد و بقای ملت ایران همانا هوش و استعداد ذاتی مردم این سرزمین می‌باشد و کلاه سرش نمی‌رود پس از سخنرانی آقای نخست‌وزیر جلسه حزب ایران نوین خاتمه پیداکرد.

نظریه منبع : در این جلسه فقط اعضای حزب ایران نوین شرکت داشتند خبرنگاران و عکاسها را به جلسه راه نداده بودند و سخنرانی آقای نخست‌وزیر مورد تایید کلیه اعضای حزب قرارگرفت.

نظریه رهبر عملیات : منبع قابل اعتماد است احتمالاً خبر فوق صحت دارد. دبیری

۱ـ در سوم اسفند ماه سال ۱۳۴۸ شرکت واحد اتوبوس‌رانی در خط سیر اتوبوس‌ها تغییراتی داد و در نتیجه این تغییرات عملاً نرخ اتوبوس‌ها افزایش پیداکرد.

در بعضی از خطوط دو برابر و سه برابر شد. دانشجویان وکارگران نسبت به تغییر خطوط اتوبوسرانی و افزایش قیمت آن عکس‌العمل نشان دادند. و از بامداد روز چهارم اسفند، دانشجویان دانشگاه تهران در مقابل دانشگاه، اتوبوس‌های شرکت واحد را سنگباران نمودند و از تردد آنها در خیابان جلوگیری کردند.

پلیس در مقابل دانشجویان خشونت کرد و در اثر تیراندازی پلیس عده‌ای کشته و عده‌ای مجروح شدند و جمع کثیری نیز بازداشت گردیدند.

به : ۳۲۷ تاریخ : ۴۸/۱۲/۲۵

از : ۲۰ ه ۵ شماره : ۲۰/۵۷۶۰۸ ه ۵

موضوع : اظهارات هویدا در جلسه رؤسای حوزه‌های حزبی

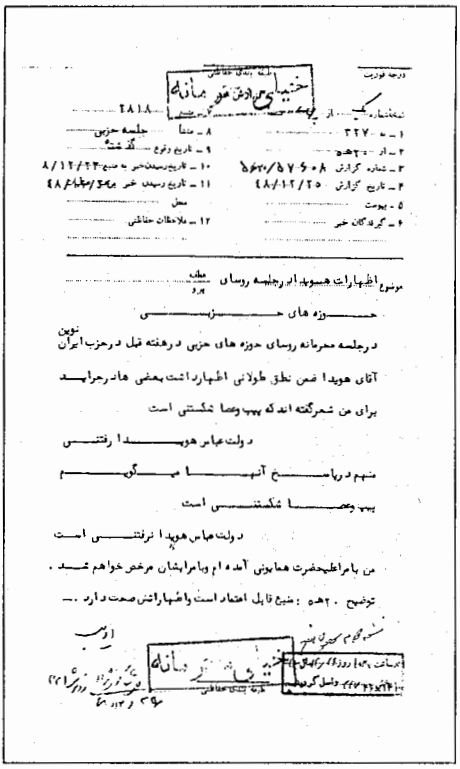

در جلسه محرمانه روسای حوزه‌های حزبی در هفته قبل در حزب ایران نوین آقای هویدا ضمن نطق طولانی اظهار داشت بعضی‌ها در جراید برای من شعر گفته‌اند که پیپ و عصا شکستنی است.دولت عباس هویدا رفتنی است

من هم در پاسخ آنها می‌گویم

پیپ و عصا شکستنی است

دولت عباس هویدا نرفتنی است

من به امر اعلیحضرت همایونی آمده‌ام و به امر ایشان مرخص خواهم شد.

توضیح ۲۰ ه ۵ : منبع قابل اعتماد است و اظهاراتش صحت دارد.

ادیب

آقای شاکری‌نژاد رونوشت ۳۲۱

۴۸/۱۲/۲۶

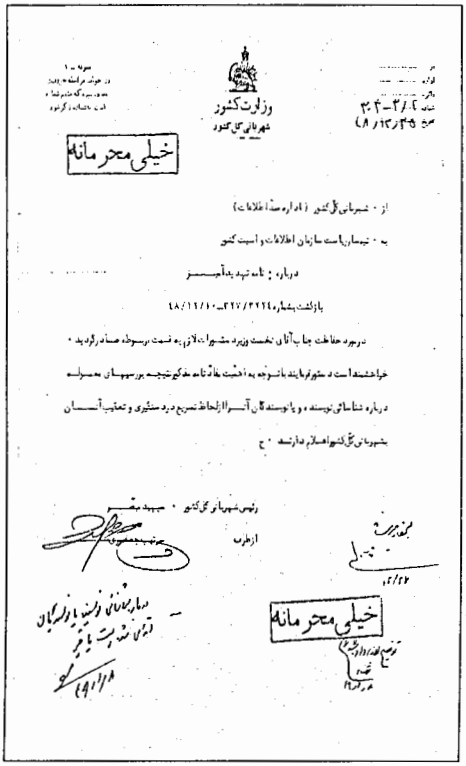

شماره : ۳۰۳-۳/۲ تاریخ : ۴۸/۱۲/۲۵

از : شهربانی کل کشور (اداره ضداطلاعات)

به : تیمسار ریاست سازمان اطلاعات و امنیت کشور

درباره : نامه تهدیدآمیز

بازگشت به شماره ۳۲۷/۳۲۲۴ - ۴۸/۱۲/۱۰

در مورد حفاظت جناب آقای نخست‌وزیر دستورات لازم به قسمت مربوطه صادر گردید. خواهشمند است دستور فرمایند با توجه به اهمیت مفاد نامه مذکور نتیجه بررسیهای معموله درباره شناسایی نویسنده و یا نویسندگان آن را از لحاظ تسریع در دستگیری و تعقیب آنان به شهربانی کل کشور اعلام دارند.

رئیس شهربانی کل کشور - سپهبد مبصّر[1]

از طرف سرتیپ جعفری

به استحضار می‌رساند شهاب ۱۲/۲۷

درباره شناسایی نویسنده یا نویسندگان اقدامی شده است یا خیر

۴۹/۱/۸

توضیح لازم داده شده شهنام

۴۹/۱/۸

۱ـ محسن مبصر فرزند عبدالعلی در سال ۱۲۹۶ ش در تبریز به دنیا آمد. در سال ۱۳۱۵ دبیرستان نظام را در تبریز به پایان رسانید و پس از طی دانشکده افسری در سال ۱۳۱۷ با درجه ستوان دومی رسته توپخانه وارد ارتش شد. او فعالیت اطلاعاتی خود را به عنوان افسر رکن ۲ ستاد لشکر ۲ آغاز کرد و سپس افسر دایره تجسس ستاد ارتش شد. در جریان غائله آذربایجان به عنوان رئیس رکن ۲ تیپ مهاباد (لشکر ۴ رضائیه) و ستاد نیروی آذربایجان حضور داشت. مبصر به عنوان یک افسر فعال اطلاعاتی در همین سال‌ها مورد توجه سرویس جاسوسی انگلستان و عوامل آن در ارتش قرار

گرفت و راه تصدی مشاغل حساس به رویش گشوده شد. ابتدا رئیس رکن ۳ ستاد لشکر ۱۹ (اهواز) و سپس رئیس بازرسی صنایع نظامی شد و پس از آن در پست حساس ریاست تجسس و اطلاعات رکن ۲ ستاد ارتش قرار گرفت. سرگرد مبصر در توطئه کودتای ۲۵ ـ ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ از مهره‌های مؤثر بود. یکی از دلایل حساسیت نقش وی اعتمادی بود که سرتیپ ریاحی، رئیس ستاد ارتش مصدق، به وی داشت. معهذا وی در جریان عملیات لو رفت و دستگیر شد. پس از کودتا، ریاست ستاد فرمانداری نظامی تهران و راه‌آهن را به دست گرفت و در کنار تیمور بختیار در سرکوب نیروهای ضد رژیم نقش فعال داشت. به علت این خدمات در ۱۳۳۳/۵/۱۵ با درجه سرهنگی آجودان مخصوص شاه شد. و در ۳۵/۸/۸ به تقاضای تیمور بختیار به ساواک مأمور شد و ریاست حفاظت ساواک را به عهده گرفت. مبصر سپس به عنوان رئیس هیئت وابستگی‌های نظامی ایران در کشورهای عربی به بغداد رفت و تا بهمن ۱۳۳۷ در این پست حساس اطلاعاتی در منطقه جای داشت. در بازگشت به تهران پس از مدتی رئیس پلیس تهران و سپس معاون شهربانی کل کشور شد و پس از مدت کوتاهی، پس از نصیری به ریاست شهربانی کل کشور رسید و حدود ۶ سال در این سمت بود.

«ظهور و سقوط سلطنت پهلوی ـ ج ۲ ـ ص ۴۹۵ ـ ۴۹۶»

بدون شرح ـ ۱۳۴۵/۴/۲۱

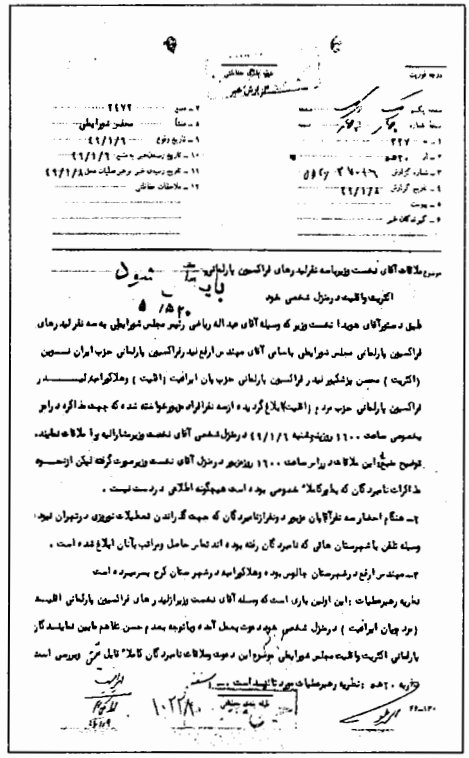

به : ۳۲۷ تاریخ : ۴۹/۱/۸

از : ۲۰ ه‍ ۵ شماره : ۲۰/۲۷۰۱۶ ه‍ ۵

موضوع : ملاقات آقای نخست‌وزیر با سه نفر لیدرهای فراکسیون پارلمانی اکثریت و اقلیت در منزل شخصی خود

طبق دستور آقای هویدا نخست‌وزیر که وسیله آقای عبدالله ریاضی رئیس مجلس شورای ملی به سه نفر لیدرهای فراکسیون پارلمانی مجلس شورای ملی به اسامی آقای مهندس ارفع لیدر فراکسیون پارلمانی حزب ایران نوین (اکثریت) محسن پزشکپور[1] لیدر فراکسیون پارلمانی حزب پان ایرانیست (اقلیت) و هلاکو رامبد لیدر فراکسیون پارلمانی حزب مردم (اقلیت) ابلاغ گردیده از سه نفر افراد مزبور خواسته شده که جهت مذاکره در امر بخصوصی ساعت ۱۶۰۰ روز پنجشنبه ۴۹/۱/۶ در منزل شخصی آقای نخست‌وزیر مشارالیه را ملاقات نمایند.

توضیح منبع : ۱ـ این ملاقات در راس ساعت ۱۶۰۰ روز مزبور در منزل آقای نخست‌وزیر صورت گرفته لیکن از نحوه مذاکرات نامبردگان که به طور کاملاً خصوصی بوده است هیچگونه اطلاعی در دست نیست.

۲ـ هنگام احضار سه نفر آقایان مزبور دو نفر از نامبردگان که جهت گذراندن تعطیلات نوروزی در تهران نبوده [اند] وسیله تلفن با شهرستان‌هایی که نامبردگان رفته بوده‌اند تماس حاصل و مراتب به آنان ابلاغ شده است.

۳ـ مهندس ارفع در شهرستان چالوس بوده و هلاکو رامبد در شهرستان کرج بسر می‌برده است.

نظریه رهبر عملیات : این اولین باری است که وسیله آقای نخست‌وزیر از لیدرهای فراکسیون پارلمانی اقلیت (مردم و پان ایرانیست) در منزل شخصی خود دعوت بعمل آمده و با توجه به

عدم حسن تفاهم ما بین نمایندگان پارلمانی اکثریت و اقلیت مجلس شورای ملی موضوع این دعوت و ملاقات نامبردگان کاملاً قابل تعمق و بررسی است

نظریه ۲۰ ه ۵: نظریه رهبر عملیات مورد تایید است. اسفند

اداره کل سوم

۴۹/۱/۹

۱ـ محسن پزشکپور متولد ۱۳۰۶ و دارای لیسانس رشته قضایی از دانشکده حقوق دانشگاه تهران، فعالیت مطبوعاتی را از سال ۱۳۲۹ آغاز کرد و طی این مدت با نشریات ساسان و ندای پان ایرانیسم همکاری داشت و مدتی نیز مدیر خاک و خون، ارگان حزب پان ایرانیست، بود. در دوره پهلوی نشان اصلاحات ارضی را دریافت کرد. و در دو دوره (۲۲ و ۲۴) عضو مجلس شورای ملی و عضو هیئت مدیره کانون وکلای دادگستری نیز بود. وی از افرادی است که به بنیانگذاری حزب پان ایرانیسم کمک کرد. و زمانی که حکومت پهلوی، حزب رستاخیز ملت ایران را، تنها حزب قانونی شناخت و حزب پان‌ایرانیست منحل شد، پزشکپور به حزب رستاخیز پیوست، اما در سال ۱۳۵۶ به عضویت کمیته پارلمانی دفاع از حقوق بشر درآمد و از دولت انتقاد می‌کرد. در سال ۱۳۵۷ او با این ادعا که حزب رستاخیز مسئول بسیاری از «بحرانهای جامعه ایرانی» است از حزب رستاخیز استعفا کرد و تجدید فعالیت حزب پان ایرانیست را اعلام نمود و این در حالی بود که حزب پان‌ایرانیست به رهبری محسن پزشکپور پس از سی‌ام تیرماه ۱۳۳۱ به طور علنی جانب شاه را گرفت و پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با انتشار روزنامه «خاک و خون» همکاری با حکومت را گسترش داد. در آستانهٔ پیروزی انقلاب اسلامی نمایش‌های آزادیخواهانه‌ای انجام داد ولی مورد توجه هیچ یک از جناحهای ملی و مذهبی قرار نگرفت.

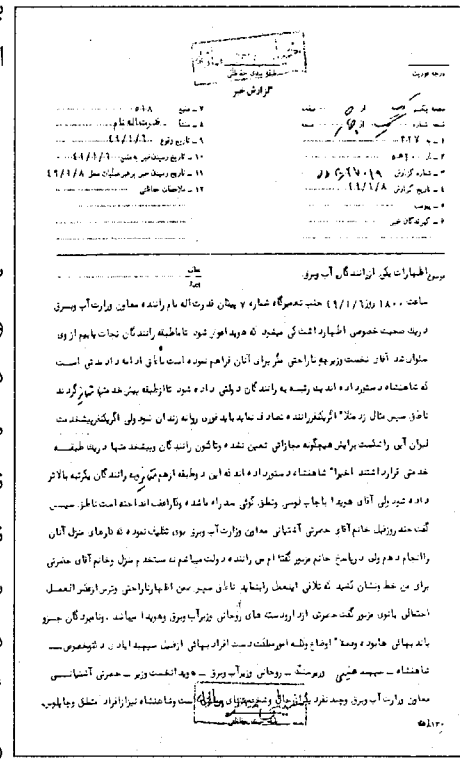

به : ۳۲۷ تاریخ : ۴۹/۱/۸

از : ۲۰ ه ۵ شماره : ۲۰/۲۷۰۱۹ ه ۵

موضوع : اظهارات یکی از رانندگان آب و برق

ساعت ۱۸۰۰ روز ۴۹/۱/۶ جنب تعمیرگاه شماره ۷ پیکان قدرت‌الله نام راننده معاون وزارت آب و برق در یک صحبت خصوصی اظهار داشت کی می‌شود که هویدا عوض شود تا ما طبقه رانندگان نجات یابیم از وی سؤال شد آقای نخست‌وزیر چه ناراحتی مگر برای آنان فراهم نموده است ناطق ادامه داد مدتی است که شاهنشاه دستور داده‌اند یک رتبه به رانندگان دولتی داده شود تا از طبقه پیش‌خدمتها متمایز گردند ناطق سپس مثال زد مثلاً اگر یک نفر راننده تصادف نماید باید فوری روانه زندان شود ولی اگر یک نفر پیشخدمت لیوان آبی را شکست برایش هیچ‌گونه مجازاتی تعیین نشده و تاکنون رانندگان و پیشخدمتها در یک طبقه خدمتی قرار داشتند اخیراً شاهنشاه دستور داده‌اند که این دو طبقه از هم متمایز و به رانندگان یک رتبه بالاتر داده شود ولی آقای هویدا با چاپلوسی و تملق‌گویی سد راه ما شده و [کار] را عقب انداخته است ناطق سپس گفت چند روز قبل خانم آقای حضرتی آشتیانی ۱ معاون وزیر آب و برق به وی تکلیف نموده که کارهای منزل آنان را انجام دهم ولی در پاسخ خانم مزبور گفته‌ام من راننده دولت می‌باشم نه مستخدم منزل و خانم آقای حضرتی برای من خط و نشان کشید که تلافی این عمل را بنماید ناطق سپس ضمن اظهار ناراحتی و ترس از عکس‌العمل احتمالی بانوی مزبور گفت حضرتی از دارودسته‌های روحانی وزیر آب و برق هویدا می‌باشد. و نامبردگان جزو باند بهائی‌ها بوده و فعلاً اوضاع و کلیه امور مملکت دست افراد بهائی از قبیل سپهبد ایادی دکتر مخصوص شاهنشاه ـ سپهبد صنیعی وزیر جنگ ـ روحانی وزیر آب و برق ـ هویدا نخست‌وزیر ـ حضرتی آشتیانی معاون وزارت آب و برق و چند نفر دیگر از رجال و شخصیتهای

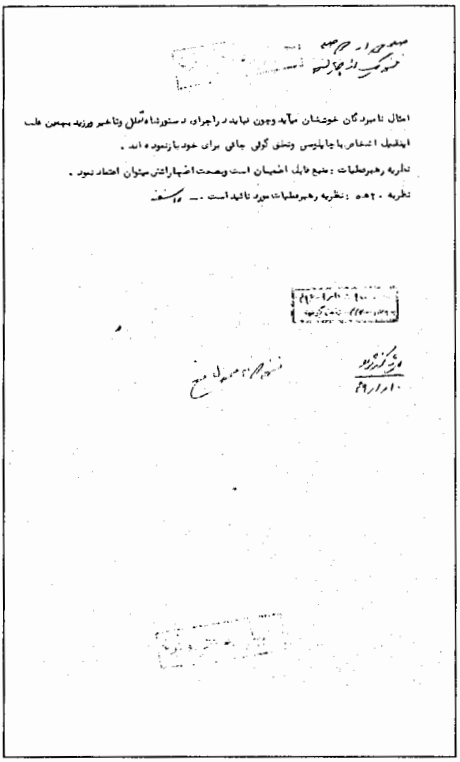

مملکتی است و شاهنشاه نیز از افراد متملق و چاپلوس امثال نامبردگان خوششان می‌آید و چون نباید در اجرای دستور شاه تعلل و تأخیر ورزید به همین علت این قبیل اشخاص با چاپلوسی و تملق‌گویی جایی برای خود باز نموده‌اند.

نظریه رهبر عملیات: منبع قابل اطمینان است و به صحت اظهاراتش می‌توان اعتماد نمود.

نظریه ۲۰ ه ۵: نظریه رهبر عملیات مورد تایید است. اسفند

آقای شاکری‌نژاد ۴۹/۱/۱۰

۱ـ غلامرضا حضرتی آشتیانی فرزند رمضان در سال ۱۲۹۹ ه‍ ش در آشتیان به دنیا آمد. پدرش از ملاکین و تجار منطقه بود. وی تا ۱۲ سالگی در آشتیان بود و سپس به تهران آمد و در مدارس: عسجدی، شرف و ۱۵ بهمن ادامه تحصیل داد و در سال ۱۳۱۹ دیپلم گرفت و همانسال به دانشکده فنی راه یافت و در سال ۱۳۲۳ با مدرک مهندسی مکانیک، فارغ‌التحصیل شد. غلامرضا حضرتی در سال ۱۳۲۳ به استخدام ارتش درآمد و تا سال ۱۳۳۵ که منتسب به وزارت جنگ و پس از آن مأمور بخدمت در شرکت ملی نفت گردید، در مشاغل زیر فعالیت کرد: «تکنسین بیسیم‌های ارتش، معلم وی در سال ۱۳۳۵ به آبادان رفت و به مدت ۳ سال کفیل مهندس شهر آبادان شد و پس از آن به مدت ۵ سال رئیس قسمت برق بنگاه مهندسی در بنگاه مهندسی سازمان برنامه بود و مدتی نیز رئیس اداره بازرسی مخابرات شرکت نفت را به عهده داشت. مشارالیه که دوره‌های مدیریت شرکت ملی نفت و بانک جهانی را در کشورهای انگلیس (۴ ماه) و امریکا (۴ ماه) سپری کرده و تحصیلات خود را به سطح فوق لیسانس مکانیک رسانده و در کنفرانس‌های متعدد خارجی شرکت کرده بود، در سال ۱۳۴۴ به وزارت آب و برق رفت و مدیرکل برق شد. او که مدتی نیز مدیرکل مهندسی و طرح‌ها بود و یکسال نیز در وزارت آبادانی و مسکن، ریاست اداره کل برق و تأسیسات را به عهده داشت و در سال ۱۳۴۸ به وسیله منصور روحانی (وزیر بهائی آب و برق) به معاونت فنی و سرپرستی واحد برق رسیده بود، ضمن عضویت در کانون مهندسین ایران و جامعه فارغ‌التحصیلان دانشکده فنی در لژهای مختلف فراماسونری نیز عضویت داشت که برخی از آنها عبارت است از: «لژ آفتاب، لژ بزرگ ایران، انجمن اخوت و...»

مشارالیه که دیپلم استادی لژ بزرگ ایران را دریافت کرده بود، فرد سرمایه‌داری بود که ضمن داشتن زمین در مکان‌های مختلف یک قطعه باغ نیز در حصارک شمیران داشت و $\frac{1}{8}$ سهام سینمای آبادان را نیز دارا بود. او که عضو باشگاه شاهنشاهی بود و در کنفرانس جهانی نیرو عضویت داشت و نشان‌های درجه یک آبادانی و درجه ۴ همایون را نیز دریافت کرده بود، در سال ۱۳۵۳ بازنشسته شد. اسناد ساواک ـ پرونده انفرادی

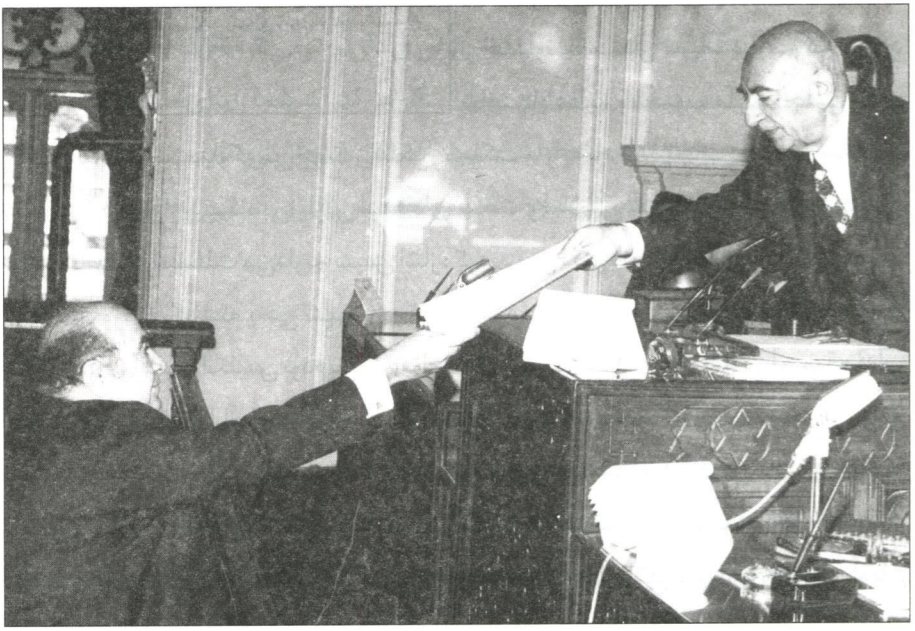

۱۳۵۱/۹/۲۰ ـ عبدالله ریاضی و هویدا در مجلس شورای ملی

به : ۳۲۷ تاریخ : ۴۹/۱/۲۹

از : ۲۰ ه ۵ شماره : ۲۰/۲۷۶۰۵ ه ۵

موضوع : اظهارات آقای نخست‌وزیر در جلسه حزب ایران نوین

در ساعت ۳ بعدازظهر روز پنجشنبه ۴۹/۱/۲۰ بر حسب دعوتی که از اعضای حزب ایران نوین به عمل آمده بود تمام اعضای حزب در سازمان جوانان حزب واقع در خیابان ژاله به منظور نیایش به درگاه خداوند متعال برای سلامتی شاهنشاه آریامهر مجلس دعا برگزار شد پس از سخنرانی آقای کریمی معمم آقای نخست‌وزیر بیاناتی به شرح زیر ایراد نمودند.

از خداوند متعال سپاسگزاریم که وجود شاهنشاه عظیم و محبوب ما را در چنین روزی

از گزند سیاست استعمار که می‌خواست ملک و مملکت ما را به باد دهد نجات داده و در پناه خود حفظ فرمودند. و از پیشگاه بی‌نیازش استدعای صحت و سلامتی شاهنشاه و ولیعهد و خاندان جلیل سلطنت را مسئلت می‌داریم سپس اشاره کردند سن اکثر بانوان و آقایان آن اندازه نیست که به یاد روزهای گذشته یعنی شهریور ۱۳۲۰ بیفتند در آن روزگار کشور عزیز ما در چنگال و اشغال کشور روسیه و انگلیس بوده بعد هم قوای دولت آمریکا به آنها اضافه شد در آن موقع قوای اجانب با موزیک از خیابانهای ما رژه می‌رفتند و ما با نهایت غم و اندوه آنها را می‌دیدیم آن موقع ما آذوقه نداشتیم امنیت نداشتیم ملت مجبور بود برای به دست آوردن قرص نانی از صبح تا شب جلو دکانهای نانوایی اجتماع نمایند در آن زمان سردار بزرگ ایران از کشور به خارج عزیمت نمودند زمام امور کشور را به دست فرزند برومند خود شاهنشاه آریامهر سپردند و کشتی طوفان زده‌ای راکه هر آن بیم غرق شدن آن می‌رفت ولی ناخدای ایران این کشتی شکسته را به ساحل رسانید بحمدالله امروز می‌بینیم که صدر هیئت رئیسه شوروی وجود شاهنشاه را برای کشور

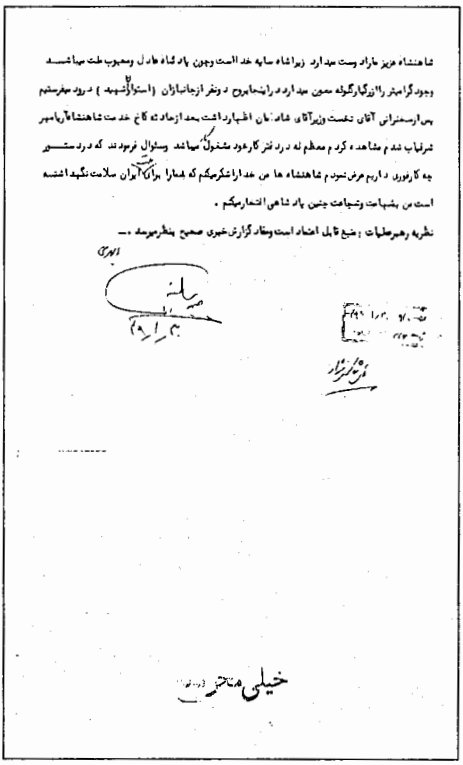

عـزیزمان ایـران مـغتنم دانسـته و بـه وجـود همسایه‌ای قوی و با ثبات که از استقلال مـلی بـرخـوردار است مـباهات مـی‌نماید. خـداونـد شاهنشاه عزیز ما را دوست می‌دارد زیـرا شـاه سایه خدا است و چون پادشاه عادل و محبوب ملت می‌باشد وجود گرامیش را از رگـبار گـلوله مـصون مـی‌دارد در ایـنجا بـه روح دو نـفر از جانبازان (استواران شـهید) درود مـی‌فرستیم پس از سـخنرانـی آقـای نـخست‌وزیر آقـای شادمان اظهار داشت بعد از حادثه کاخ خدمت شـاهنشاه آریـامهر شـرفیاب شـدم مشـاهده کردم معظم‌له در دفتر کار خـود مشـغول کـار می‌باشد و سوال فرمودند که در دستور چه کار فوری داریم عرض نمودم شاهنشاها من خدا را شکر می‌کنم که شما را برای ملت ایران سلامت نگهداشته است من به شهامت و شجاعت چنین پادشاهی افتخار می‌کنم.

نظریه رهبر عملیات : منبع قابل اعتماد است و مفاد گزارش خبری صحیح به نظر می‌رسد.

ابهری

ضمیمه سابقه ۴۹/۱/۳۰

آقای شاکری‌نژاد

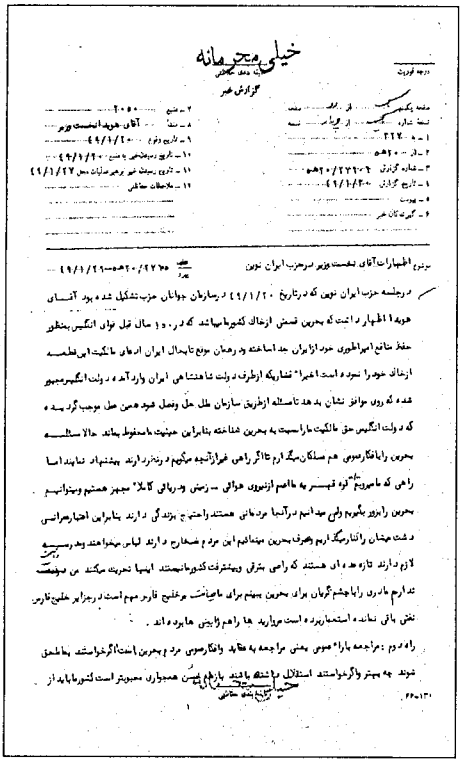

به : ۳۲۷ تاریخ : ۴۹/۱/۳۰

از : ۲۰ ه ۵ شماره : ۲۰/۲۷۶۰۶ ه ۵

موضوع : اظهارات آقای نخست‌وزیر در حزب ایران نوین

پیرو ۲۰/۲۷۶۰۵ هـ ۵ـ ۴۹/۱/۲۹

در جلسه حزب ایران نوین که در تاریخ ۴۹/۱/۲۰ در سازمان جوانان حزب تشکیل شده بود آقای هویدا اظهار داشت که بحرین[1] قسمتی از خاک کشور ما می‌باشد که در ۱۵۰ سال قبل قوای انگلیس به منظور حفظ منافع امپراطوری خود از ایران جدا ساخته و در همان موقع تا به حال ایران ادعای مالکیت این قطعه از خاک خود را نموده است اخیراً فشاری که از طرف دولت شاهنشاهی ایران وارد آمده دولت انگلیس مجبور شده که روی موافق نشان بدهد تا مسئله از طریق سازمان ملل حل و فصل شود همین عمل موجب گردیده که دولت انگلیس حق مالکیت ما را نسبت به بحرین شناخته بنابراین حیثیت ما محفوظ بماند حالا مسئله بحرین را به افکار عمومی هم‌مسلکان می‌گذارم تا اگر راهی غیر از آنچه می‌گویم در نظر دارند پیشنهاد نمایند اما راهی که ما می‌رویم ۱ـ قوه قهریه ما اعم از نیروی هوایی ـ زمینی و دریایی کاملاً مجهز هستیم و می‌توانیم بحرین را به زور بگیریم ولی می‌دانیم در آنجا مردمانی هستند و احتیاج به زندگی دارند بنابراین اعتبار عمرانی دشت میشان راکنار می‌گذاریم و صرف بحرین می‌نمائیم این مردم مخارج دارند لباس می‌خواهند و مدرسه لازم دارند تازه عده‌ای هستند که راضی به ترقی و پیشرفت کشور ما نیستند اینها تحریک می‌کنند من دوست ندارم مادری را با چشم گریان برای بحرین ببینم برای ما صیانت بر خلیج فارس مهم است در جزایر خلیج فارس نفتی باقی نمانده استعمار برده است کشورما به از مرواریدها را هم ژاپونی‌ها برده‌اند.

خلیج فارس نیرومند باشد زیرا همه شیخ نشین های خلیج فارس اظهار میدارند که بعد از خداوند شمال امید شان کشور ایران است وتقاضای حمایت دارند .

راه سوم : این است که ما طالب همبستگی کشورهای اسلامی وعظمت ملل مسلمان در دنیا هستیم بجزیکی دو کشورهای اسلامی دوست صمیمی ما هستند در مجلس عده ای از نمایندگان هستند که تعداد آنها از نیم و دو جین کمتر است و آنان با حرکت دست خود چون نازیسم با انتقاد میکنند که سیاست ما این است که بحرین را از دست بدهیم و معتقدند که باید بزور متوسل شویم ما بین آقایان بایستی گفت که شاهنشاه ما آزاده مردی هستند که وارث تاج وتخت داریوش شاه میباشند واولین فرمان آزادی را در ۲۵۰۰ سال پیش در بابل صادر نمودند وبه دنیا نشان داده اند که مردم ایران مردم صلحدوست هستند بنابراین دولت هویدا نمیتواند وقادر نخواهد بود آنچه راکه شاهنشاه آریامهر اراده میفرمایند برخلاف آن انجام دهد ما قدرت وارزش امروزی خود را مدیون افکار وعقاید شاهنشاه خود هستیم در ملاقات اخیری که با صدر هیئت رئیسه شوروی (پادگورنی) نمودم بحثی از گریه مرد به میان آمد نامبرده معتقد بودند که مرد گریه نمیکند من در جواب وی گفتم مرد هم گریه میکند خود من گریه کرده ام آن زمانی بود که من افسر ارتش بودم و برای بیرون کردن پیشه وری خائن عازم آذربایجان بودم ولی نیروی شما در شریف آباد جلو ما راگرفتند آنموقع بود که من از فرط ناراحتی گریستم پس از سخنان آقای هویدا نخست وزیر دکتر متین وجوانشیر هر دو همین زمینه ایراد کردند .

راه دوم[۲] : مراجعه به آراء عمومی یعنی مراجعه به عقاید و افکار عمومی مردم بحرین است اگر خواستند به ما ملحق شوند چه بهتر و اگر خواستند استقلال داشته باشند باز هم حسن همجواری محبوبتر است کشور ما باید از [در] خلیج فارس نیرومند باشد زیرا همه شیخ‌نشین‌های خلیج‌فارس اظهار می‌دارند که بعد از خداوند متعال امیدشان کشور ایران است و تقاضای حمایت را دارند.

راه سوم : این است که ما طالب همبستگی کشورهای اسلامی و عظمت ملل مسلمان در دنیا هستیم به جز یکی دو کشور همه کشورهای اسلامی دوست صمیمی ما هستند در مجلس عده‌ای از نمایندگان هستند که تعداد آنها از نیم دو جین کمتر است و آنان با حرکت دست خود چون نازیسم با انتقاد می‌کنند که سیاست ما این است که بحرین را از دست بدهیم و معتقدند که باید به زور متوسل شویم به این آقایان بایستی گفت که شاهنشاه ما آزاده‌مردی هستند که وارث تاج و تخت داریوش شاه می‌باشند و اولین فرمان آزادی را در ۲۵۰۰ سال پیش در بابل صادر نمودند و به دنیا نشان داده‌اند که مردم ایران مردم صلح‌دوست هستند بنابراین دولت هویدا نمی‌تواند و قادر نخواهد بود آنچه را که شاهنشاه آریامهر اراده می‌فرمایند برخلاف آن انجام دهد ما قدرت و ارزش امروزی خود را مدیون افکار و عقاید شاهنشاه خود هستیم در ملاقات اخیری که با صدر هیئت رئیسه شوروی (پادگورنی[۳]) نمودم بحثی از گریه مرد به میان آمد نامبرده معتقد بودند که مرد گریه نمی‌کند من در جواب وی گفتم مرد هم گریه می‌کند خود من گریه کرده‌ام آن زمانی بود که من افسر ارتش بودم و برای بیرون کردن پیشه‌وری[۴] خائن عازم آذربایجان بودم ولی نیروی شما در شریف‌آباد جلو ما راگرفتند آن موقع بود که من از فرط ناراحتی گریستم پس از سخنان آقای هویدا نخست‌وزیر دکتر متین و جوانشیر

مطالبی در همین زمینه ایراد کردند.

نظریه رهبر عملیات : منبع مورد اعتماد است احتمال دارد مفاد گزارش خبری مقرون به صحت باشد. ایهری

۱ـ توجه شود کارها تکراری نباشد

۲ـ نظر بخش ۳۲۱ ارائه گردد

۴۹/۲/۳

احتراماً مطالب فوق قبلاً در جلسه مسئولین حوزه‌های حزب ایران نوین از جانب آقای نخست‌وزیر عنوان که در بولتن درج شده است

رنجبر

۱ـ نگاهی به جغرافیای ایران نشان می‌دهد که به واسطه بی‌لیاقتی و بی‌کفایتی حاکمان، همواره بخش‌هایی از میهن از دست رفته است و آخرین آن بحرین است که توسط دولت هویدا از دست داده شد.

۲ـ برای زمینه سازی راه دوم، شاه در دی ماه ۱۳۴۷ در کنفرانس مطبوعاتی دهلی‌نو گفت: «گرفتن و حفظ کردن سرزمینی که مردم آن با شما ضدیت داشته باشند چه فایده‌ای دارد. چون عمداً اشغال محسوب می‌شود برای نجات بحرین هرگز به زور متوسل نخواهیم شد.»
تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۱۴۶

۳ـ نیکلا پادگورنی ـ رئیس جمهور وقت شوروی ـ در تاریخ پنجم فروردین ۱۳۴۹ برای یک دیدار ۶ روزه وارد تهران شد.

۴ـ سید جعفر پیشه‌وری در سال ۱۲۷۲ ش در روستای زاویه خلخال به دنیا آمد. در سال ۱۲۸۲ ش به همراه پدر و مادر به باکو رفت و در آن جا به تحصیل و کار پرداخت. در حوالی انقلاب روسیه به کمونیسم جلب شد. وی در سال ۱۲۹۷ ش در سن ۲۵ سالگی، عضو کمیته مرکزی حزب عدالت و عضو بوروی خارجی ۵ نفره آن گردید. در سال‌های ۱۲۹۸ ـ ۱۲۹۹ سردبیری روزنامه حرّیت را به عهده داشت. در اردیبهشت ۱۲۹۹ ارتش سرخ در جریان جنگ با روسهای سفید وارد خاک ایران شد و به همراه آن تعدادی از رهبران حزب عدالت، از جمله پیشه‌وری، وارد گیلان شدند. و در ۳۰ خرداد ۱۲۹۹ در بندر انزلی اولین کنگره حزب کمونیست ایران را به پا داشتند. در این کنگره، پیشه‌وری عضو کمیته مرکزی و یکی از چهار رهبر اصلی حزب شد و در کنار «حیدر عمواوغلی (تاریوردیف)، سلطان‌زاده (آواتیس میکائیلیان) و کامران» به انتشار روزنامه کامونیست ارگان حزب، در رشت پرداخت. او در مرداد ۱۲۹۹ در دولت «کودتای سرخ» احسان‌الله خان دوستدار، سمت کمیساریای کشور را به عهده گرفت. در پی شکست نهضت جنگل مدتی به باکو رفت و مدیریت روزنامه اکینجی را به دست داشت و سپس به عنوان دبیر مسؤول تشکیلات تهران، به ایران آمد. در این دوران، سرمقاله‌های روزنامه حقیقت ـ به مدیریت «سیدمحمد دهگان» را می‌نوشت. پیشه‌وری در سال ۱۳۰۴ رابط حزب کمونیست ایران و کمینترن بود. در سال ۱۳۰۶ در کنگره دوم حزب کمونیست ایران ـ معروف به کنگره ارومیه که در شهر رستوف در نزدیکی مسکو برگزار شد، مجدداً دبیر کمیته مرکزی و مسؤول تشکیلاتی حزب در تهران شد. و در ۶ دی ماه ۱۳۰۶ توسط شهربانی دستگیر شد. او در تمام دوران زندان حتی منکر عضویت در حزب کمونیست بود، تا بالاخره در اسفند ۱۳۱۸ در دادگاه جنایی به جرم عضویت و تبلیغ فرقه اشتراکی، طبق قانون ۱۳۱۰، به ۱۰ سال زندان محکوم گردید.

در دوران زندان میان پیشه‌وری و سایر زندانیان کمونیست، به ویژه اردشیر آوانسیان، اختلاف شدیدی وجود داشت که یکی از علل آن شاید اصرار پیشه‌وری در کتمان سمت حزبی و سوابق خود بوده است. پس از آزادی در سال ۱۳۱۹ به کاشان تبعید شد. و سپس در مهرماه ۱۳۲۰ در جلسه مؤسسان حزب توده شرکت کرد و جزء رهبران اولیه حزب انتخاب شد و به همراه ایرج اسکندری اولین مرامنامه حزب را نوشت ولی به علت اختلاف با اردشیر آوانسیان به زودی کناره گرفت. در خرداد سال ۱۳۲۲ انتشار روزنامه آژیر را در تهران آغاز کرد. وی در انتخابات مجلس چهاردهم از حوزه تبریز انتخاب گشت ولی در ۲۳ تیر سال ۱۳۲۳ اعتبارنامه او رد شد. در کنگره اول حزب توده (۱۰ مرداد ۱۳۲۳) به عنوان نماینده سازمان حزبی آذربایجان حضور یافت ولی در این جا نیز اعتبارنامه او رد شد. در مرداد ۱۳۲۴ روزنامه آژیر توقیف شد و پیشه‌وری به آذربایجان رفت و در شهریور ۱۳۲۴ فرقه دمکرات آذربایجان را بنیان گذارد و در ۲۱ آذر ۱۳۲۴ حکومت خودمختار فرقه را ایجاد کرد. پیشه‌وری در پی شکست فرقه در ۲۱ آذر ۱۳۲۵ به باکو رفت و سرانجام در ۲۰ تیر ماه ۱۳۲۶ در یک سانحه اتومبیل به قتل رسید. قتل پیشه‌وری را به میرجعفر باقروف ـ دیکتاتور آذربایجان شوروی ـ نسبت می‌دهند و عامل آن را غلام‌یحیی دانشیان می‌دانند و در سال‌های اخیر این مطلب در جمهوری آذربایجان شیوع کامل یافته است. با آغاز گلاسنوست گورباچف، این مطلب را اولین بار «علی توده» در یکی از مطبوعات شوروی (ادبیات و اینجه صنعت) ارگان اتحادیه نویسندگان آذربایجان شوروی اعلام داشت. علت این امر اختلاف پیشه‌وری با باقروف و میرزا ابراهیموف وزیر فرهنگ آذربایجان شوروی ذکر می‌شود. به گفته یک شاهد عینی (نصرت‌الله جهانشاهلو) پیشه‌وری علت شکست فرقه را افراط در جدایی از احزاب سیاسی ایران می‌دانسته است و باقروف، به عکس، علت را در این می‌دانسته که «به یک باره از دولت و مردم ایران نبریدید و به ما نپیوستید». اسناد ساواک نیز مرگ پیشه‌وری را به علت پشیمانی وی از همکاری با شوروی و تلاش او برای تشکل دوباره و بازگرداندن ایرانیان مقیم شوروی به ایران و نیز تألیف کتابی با عنوان «چگونه اشتباه کردم» دانسته‌اند، اما برخی از اعضای قدیمی حزب توده مرگ او را کاملاً تصادفی و بدون برنامه‌ریزی پیشین از سوی مقامات شوروی می‌دانند. به هر روی داستان زندگی و مرگ پیشه‌وری بدون دسترسی به اسناد دولتی شوروی سابق مانند دفتری بی‌آغاز و انجام در هاله‌ای از ابهام باقی خواهد ماند.

همسر پیشه‌وری معصومه رحمانی نام داشت و از او یک پسر، به نام داریوش، به جای مانده است.

به : ۳۲۷ تاریخ : ۴۹/۲/۲

از : ۲۰ ه ۸ شماره : ۲۰/۵۲۲۰۰ ه ۸

موضوع : مجلس شورای ملی

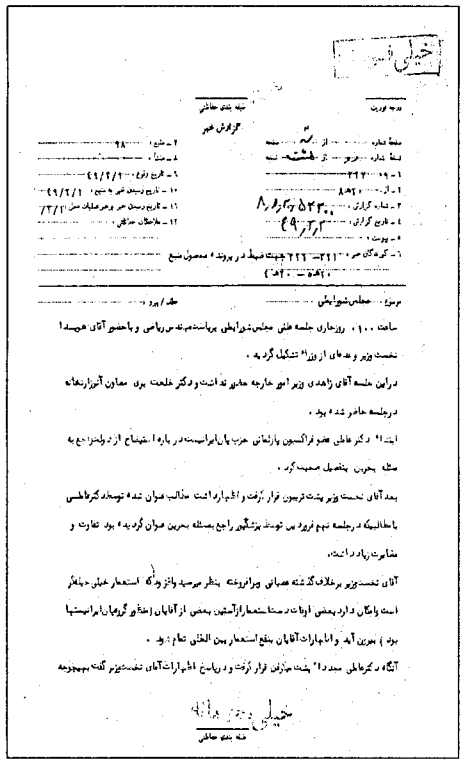

ساعت ۰۹۰۰ روز جاری جلسه علنی مجلس شورای ملی به ریاست مهندس ریاضی و با حضور آقای هویدا نخست‌وزیر و عده‌ای از وزرا تشکیل گردید.

در این جلسه آقای زاهدی وزیر امور خارجه حضور نداشت و دکتر خلعتبری معاون آن وزارتخانه در جلسه حاضر شده بود.

ابتدا دکتر عاملی عضو فراکسیون پارلمانی حزب پان ایرانیست درباره استیضاح از دولت راجع به مسئله بحرین به تفصیل صحبت کرد.

بعد آقای نخست‌وزیر پشت تریبون قرار گرفت و اظهار داشت مطالب عنوان شده توسط دکتر عاملی با مطالبی که در جلسه نهم فروردین توسط پزشکپور راجع به مسئله بحرین عنوان گردیده بود تفاوت و مغایرت زیاد داشت.

آقای نخست‌وزیر برخلاف گذشته عصبانی و برافروخته به نظر می‌رسید و افزود که استعمار خیلی حیله گر است و امکان دارد بعضی اوقات دست استعمار از آستین بعضی از آقایان (منظور گروه پان ایرانیستها بود) بیرون آید و اظهارات آقایان به نفع استعمار بین‌المللی تمام شود.

آن‌گاه دکتر عاملی مجدداً پشت میکروفن قرار گرفت و در پاسخ اظهارات آقای نخست‌وزیر گفت به هیچ‌وجه بین عقیده او با اظهارات پزشکپور مغایرت وجود ندارد و نظرات و اظهارات قبلی سرور پزشکپور را تایید می‌کند.

موضوع جالب توجه در جلسه آن بود که محسن پزشکپور به هیچ‌وجه صحبت نکرد و دکتر صدر عضو فراکسیون پان ایرانیست در جلسه حضور نداشت و بقیه اعضای فراکسیون مزبور هم افسرده و ساکت و به صورت مرعوب بودن به نظر می‌رسیدند.

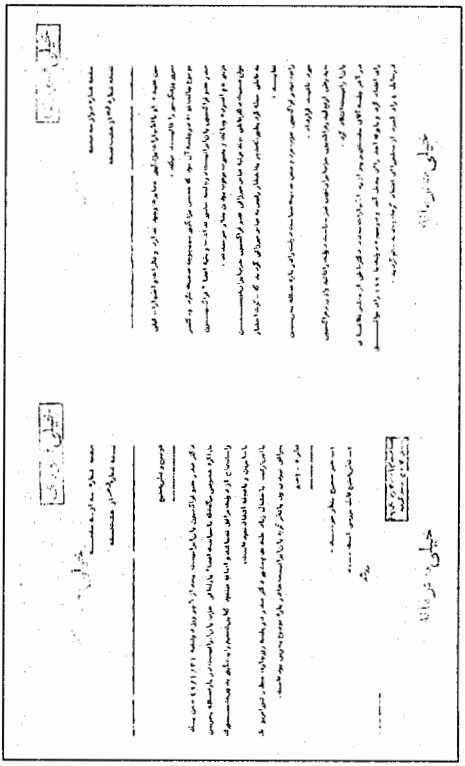

موقع صحبت دکتر عاملی چند مرتبه عباس میرزایی عضو فراکسیون حزب ایران نوین به عاملی حمله کرد به طوری که منجر به اخطار رئیس به عباس میرزایی گردید که سکوت اختیار نماید.

رامبد لیدر فراکسیون حزب مردم ضمن صحبت سیاست دولت را درباره مسئله بحرین مورد تایید قرار داد.

حیدرعلی ارفع لیدر فراکسیون حزب ایران نوین نیز سیاست دولت را تایید و از روش فراکسیون پان ایرانیست انتقاد کرد.

در آخر جلسه آقای نخست‌وزیر پس از رد اظهارات مجدد دکتر عاملی از مجلس تقاضای رای اعتماد کرد و با ورقه اخذ رای بعمل آمد و در نتیجه دولت با ۱۹۹ رای موافق در مقابل ۴ رای کبود از مجلس رای اعتماد گرفت و جلسه ختم گردید.

توضیح و نظریه منبع :

دکتر صدر عضو فراکسیون پان ایرانیست بعدازظهر روز دوشنبه ۴۹/۱/۳۱ ضمن یک مذاکره خصوصی می‌گفت که با سیاست اعضای پارلمانی حزب پان ایرانیست درباره مسئله بحرین و استیضاح از دولت موافق نمی‌باشد و اضافه می‌نمود که این تصمیم را پزشکپور بدون مشورت با سایرین و با عجله اتخاذ نموده است.

با این ترتیب به احتمال زیاد علت عدم حضور دکتر صدر در جلسه روز جاری مجلس شورا مربوط به موافق نبودن وی با نظر گروه پان ایرانیست‌ها درباره موضوع بحرین بوده است.

نظریه ۲۰ ه ۸:

۱ـ خبر صحیح به نظر می‌رسد.

۲ـ نظریه منبع قابل بررسی است. راشد

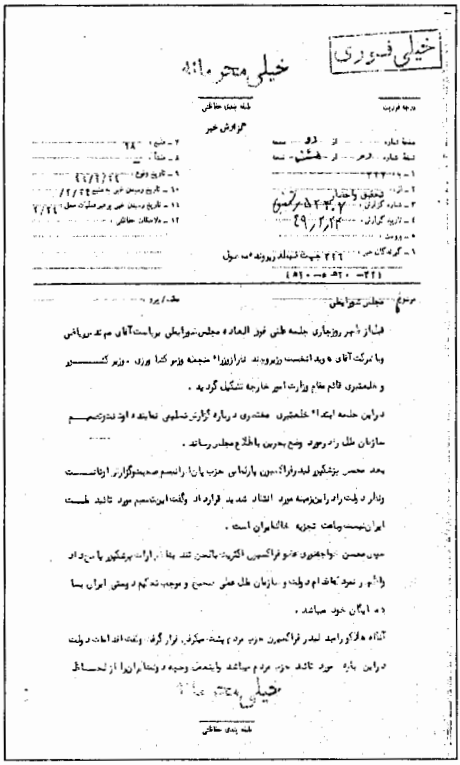

به : ۳۲۷ تاریخ : ۴۹/۲/۲۴

از : تحقیق و احضار شماره : ۵۲۳۰۷ / تحقیق

موضوع : مجلس شورای ملی

قبل از ظهر روز جاری جلسه علنی فوق‌العاده مجلس شورای ملی به ریاست آقای مهندس ریاضی و با شرکت آقای هویدا نخست‌وزیر و چند نفر از وزرا منجمله وزیر کشاورزی، وزیر کشور و خلعتبری قائم‌مقام وزارت امور خارجه تشکیل گردید.

در این جلسه ابتدا خلعتبری مختصری درباره گزارش تسلیمی نماینده اوتانت و تصمیم سازمان ملل را در مورد وضع بحرین به اطلاع مجلس رساند.[۱]

بعد محسن پزشکپور لیدر فراکسیون پارلمانی حزب پان ایرانیسم صحبت و گزارش اوتانت و نظر دولت را در این زمینه مورد انتقاد شدید قرار داد و گفت این تصمیم مورد تایید ملت ایران نیست و باعث تجزیه خاک ایران است.

سپس محسن خواجه‌نوری عضو فراکسیون اکثریت با لحن تند به اظهارات پزشکپور پاسخ داد و اظهار نمود که اقدام دولت و سازمان ملل عملی صحیح و موجب تحکیم دوستی ایران با همسایگان خود می‌باشد.

آنگاه هلاکو رامبد لیدر فراکسیون حزب مردم پشت میکرفن [میکروفون] قرار گرفت و گفت اقدامات دولت در این باره مورد تایید حزب مردم می‌باشد و این عمل وجهه دولت ایران را از لحاظ بین‌المللی بالا برده و دولت باید سعی نماید که مراحل نزدیکی و دوستی با ساکنین خلیج‌فارس حفظ شود.

متعاقب اظهارات نامبردگان فوق آقای هویدا نخست‌وزیر با لحن تند و شدید بیانات پزشکپور را مورد انتقاد قرار داد و از جمله خطاب به نامبرده اظهار داشت شما دانسته یا ندانسته به تسلط

استعمار کمک می‌کنید شما جوجه‌نازی بازی درآورده‌اید (اشاره به طرفداری از فاشیسم) دست استعمار از آستین شماها بیرون آمده است.

در آخرین نطق آقای نخست‌وزیر به پیشنهاد حزب اکثریت با ورقه نسبت به گزارش دولت رای‌گرفته شد که ۱۸۶ رای موافق و ۴ رای مخالف (مربوط به ۴ نفر اعضای پان ایرانیسم) بود.

دکتر صدر یکی از اعضای فراکسیون پان ایرانیسم از اول تشکیل جلسه در جلسه شرکت نداشت و موقع اعلام رای به جلسه علنی وارد شد و به دولت رای موافق داد.

موقع صحبت خواجه‌نوری اعضای فراکسیون پان ایرانیسم چندین مرتبه به او حمله کردند و متقابلاً عباس میرزایی و حکیم شوشتری [۲] نمایندگان فراکسیون اکثریت نیز به آنان پاسخ می‌دادند.

نظریه منبع :

اظهارات آقای نخست‌وزیر به شرح فوق باعث ناراحتی عده‌ای از نمایندگان مجلس و حتی اکثریت شده بود و می‌گفتند آقای نخست‌وزیر نباید به یک نماینده چنین نسبتهای موهنی بدهد و این اتهامات در شأن یک نماینده مجلس نمی‌باشد.

نظریه بخش تحقیق : ۱ـ مفاد گزارش خبری در مورد مذاکرات انجام شده صحیح به نظر می‌رسد. ۲ـ نظریه منبع قابل بررسی می‌باشد.

نسخه اول در پرونده مجلس شورای ملی بایگانی شود ۴۹/۲/۳۰

۱ـ متن این گزارش به شرح زیر است:

ساحت مقدس مجلس شورای ملی ـ بطوری که نمایندگان محترم بخاطر دارند در جلسهٔ مورخه ۹ فروردین ۴۹ آقای وزیر خارجه گزارش اقدامات دولت را در مورد بحرین به استحضار مجلسین رساندند. در گزارش مزبور اشعار شده بود که دولت شاهنشاهی ایران از دبیرکل سازمان ملل تقاضا کرده است که مساعی جمیلهٔ خود را برای کسب تمایلات واقعی

مردم بحرین نسبت به سرنوشت خود به هر نحوی که مقتضی بداند اعمال نماید ... و هرگاه نتیجهٔ تحقیقات دبیرکل سازمان ملل متحد به تأیید شورای امنیت برسد دولت ایران نیز مفاد آن را محترم خواهد شمرد.
... این گزارش ... از طرف شورای امنیت طی قطعنامه‌ای به شرح زیر تأیید شده است:
«با توجه به نامهٔ مورخه ۲۸ مارس دبیرکل سازمان ملل متحد به شورای امنیت و با توجه به نظرات نمایندگان ایران و انگلستان ... گزارش نماینده شخص اوتانت ... تأیید می‌شود. از نتیجه‌گیری و استنباطات گزارش بخصوص اینکه اکثریت قاطع مردم بحرین آرزومندان استقلال و تعیین سرنوشت خود در کمال آزادی هستند ... استقبال می‌شود.»
اینک با توجه به این که گزارش نماینده دبیرکل درباره تمایلات مردم بحرین به اتفاق آرا مورد تأیید شورای سازمان ملل قرار گرفته است دولت نیز پیرو گزارش مورخ ۹ فروردین ۴۹ نتیجه اقدامات مزبور و قطعنامه شورای امنیت را جهت تأیید به استحضار مجلس محترم شورای ملی می‌رساند. نخست‌وزیر امیرعباس هویدا ـ قائم‌مقام وزیر خارجه عباس خلعتبری

۲ـ علی‌اکبر حکیم شوشتری فرزند محمدحسین در سال ۱۳۰۱ در اهواز متولد شد. در رشته‌های حقوق، علوم اجتماعی و تاریخ تحصیلات کرد و در رشته دندان پزشکی دکتراگرفت. خدمت مطبوعاتی را از سال ۱۳۲۲ به عنوان نویسنده آغاز کرد و از سال ۱۳۴۴ روزنامه «خاک نفت» را در خوزستان به مدیریت خویش انتشار داد، به دریافت نشان‌های فرهنگی: تربیت بدنی، تاج‌گذاری و اصلاحات ارضی نائل شد. از تألیفات وی از: «نشانی‌های ملت‌های متمدن» و چندکتاب درباره دندان پزشکی می‌توان نام برد. وی که آشنا به زبانهای انگلیسی و عربی بود، به آمریکا، کشورهای اروپایی و بسیاری از کشورهای آسیایی و خاورمیانه سفر کرده بود، سه دوره نیز نمایندگی مجلس شورای ملی را از شوشتر را به عهده داشت. حکیم شوشتری مشاغل زیر را نیز عهده‌دار بوده: عضو هیئت مدیره انجمن حمایت زندانیان اهواز، مؤسس شیر و خورشید خوزستان، عضو شورای جهانگردی خوزستان، نایب رئیس باشگاه لاینز اهواز، عضو انجمن شهر و عضو انجمن تربیت بدنی استان خوزستان، شهردار اهواز.

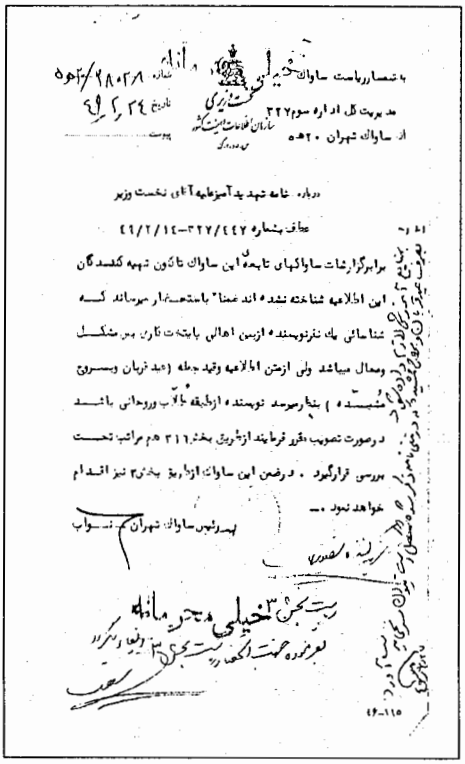

شماره : ۲۰/۲۸۰۲۸ ه ۵ تاریخ : ۴۹/۲/۲۴

به : تیمسار ریاست ساواک مدیریت کل اداره سوم ۳۲۷

از : ساواک تهران ۲۰ ه ۵

درباره : نامه تهدیدآمیز علیه آقای نخست‌وزیر

عطف به شماره ۳۲۷/۴۴۷ ـ ۴۹/۲/۱۴

برابر گزارشات ساواکهای تابعه این ساواک تاکنون تهیه کنندگان این اطلاعیه شناخته نشده‌اند ضمناً به استحضار می‌رساند که شناسایی یک نفر نویسنده از بین اهالی پایتخت کاری بس مشکل و محال می‌باشد ولی از متن اطلاعیه و قید جمله (عید قربان و بروج مُشیّده) به نظر می‌رسد نویسنده از طبقه طلاب و روحانی باشد در صورت تصویب مقرر فرمایند از طریق بخش ۳۱۶ هم مراتب تحت بررسی قرارگیرد. در ضمن این ساواک از طریق بخش ۳ نیز اقدام خواهد نمود.

رئیس ساواک تهران ـ نواب

تهیه کننده منصوری

ریاست بخش ۳

به فرموده جهت استحضار ریاست بخش ۳ ایفاد می‌گردد

۱ـ به منابع آموزش لازم داده شود

۲ـ به صرف عید قربان و بروج مشیده که در متن نامه ذکر شده مشکل است بتوان سرنخی بدست آورد

۴۹/۲/۲۷

به : عرض می‌رسد تاریخ : ۴۹/۲/۳۰

از : ۳۲۷

موضوع : اعلامیه پخش شده

اخیراً اعلامیه‌ای به نام (اتحاد ملی جوانان پنجه سیاه) منتشر گردیده که در آن نسبت به آقای نخست‌وزیر و وزیر کشور و شهردار مطالب تهدیدآمیزی درج گردیده است که یک برگ فتوکپی آن به پیوست تقدیم می‌گردد.

فوری از ساواک تهران سؤال شود

۱ـ چه تعداد ـ چه محلی پخش شده

۲ـ عاملین شناسایی گردند

۳ـ بخش سانسور مراقبت نمایید

۴۹/۲/۳۰

مراتب به بخش سانسور گفته شدکه مراقبت نمایند

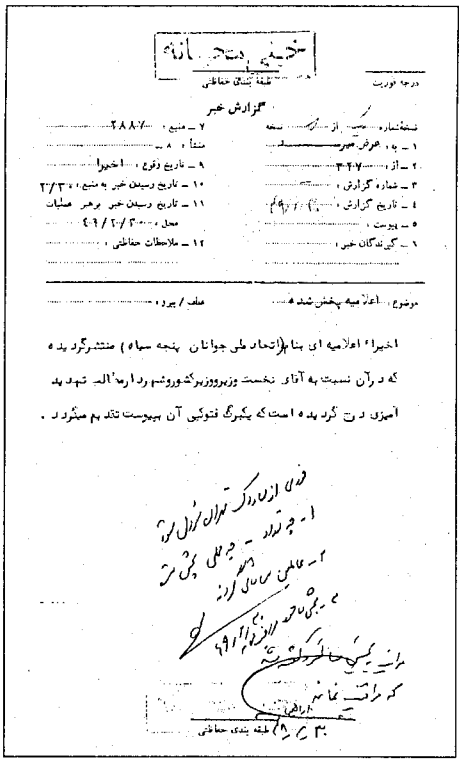

ابراهیمی

۴۹/۲/۳۰

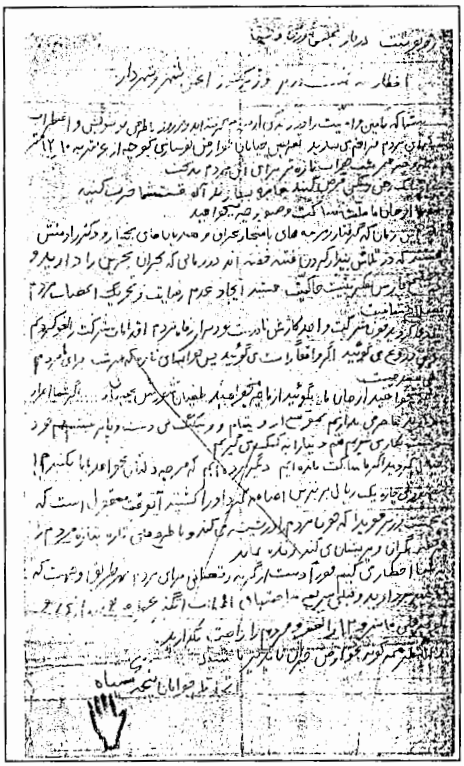

اخطار به نخست‌وزیر وزیر کشور

انجمن شهر و شهردار

به شما که تأمین و امنیت را در زندگی از مردم گرفته‌اید و هر روز با طرحی نو تشویش و اضطراب برای مردم فراهم می‌سازید تعریض خیابان عوارض نوسازی کوچه از ۶ متر به ۱۲/۱۰ متر چه و چه هر شب خواب تازه‌تر برای این مردم بدبخت

از بانک رهنی و مسکن قرض کنند خانه بسازند آن وقت شما خراب کنید

شما از جان ما ملت ساکت و صبور چه می‌خواهید

در این زمان که گرفتار زمزمه‌های ناهنجار عراق و هذیان بختیار و دکتر رادمنش[1] هستید که در تلاش بیدار کردن فتنه خفته‌اند در زمانی که بحران بحرین را دارید و در خلیج فارس به فکر تثبیت حاکمیت هستید ایجاد عدم رضایت و تحریک اعصاب مردم به صلاح شما نیست

ادعا کردید چون شرکت واحد کارش نادرست بود برای رفاه مردم اقدامات شرکت را لغو کردیم ولی دروغ می‌گوئید اگر واقعاً راست می‌گوئید پس خوابهای تازه که هر شب برای ما مردم می‌بینید چیست

چه می‌خواهید از جان ما بگوئید از ما چه می‌خواهید طغیان شورش عصیان و ... اگر شما اصرار دارید ما حرفی نداریم به موقع از ویتنام و ویت‌کنگ بی دست و پاتر نیستیم هم خود دست به‌کار می‌شویم هم دنیا را به کمک می‌گیریم

خیال کردید اگر ما ساکت مانده‌ایم دیگر مرده‌ایم که هر چه دلتان بخواهد با ما بکنید؟! منصور بیچاره یک ریال بر بنزین اضافه کرد او را کشتید آن وقت معقول است که نخست‌وزیر هویدا که

خون مردم را در شیشه می‌کند و با طرح‌های تازه به تازه مردم را هر لحظه نگران و پریشان می‌کند زنده بماند

به شما اخطار می‌کنیم فوراً دست از گربه رقصانی برای مردم به هر طریق و جهت که باشد بردارید و خیلی سریع مزاحمتهای اضطراب‌انگیز عوارض نوسازی و کوچه‌های ۱۰ متر و ۱۲ را لغو و مردم را راحت بگذارید.

والا منتظر همه‌گونه عوارض جبران‌ناپذیر باشید

اتحاد ملی جوانان پنجه سیاه

۱ـ رضا رادمنش در سال ۱۲۸۳ ش. در یک خانواده ملاک در لاهیجان بدنیا آمد. در مدرسه دارالفنون به تحصیل پرداخت و در نوجوانی به همراه گروه احسان‌اله خان که از اعضای حزب کمونیست بود، در نهضت جنگل شرکت و باعث انحراف آن شدند. پس از اتمام تحصیلات متوسطه در زمره دانشجویان اعزامی به فرانسه رفت و به وسیله ایرج اسکندری که آن هنگام دانشجوی حقوق بود، با افکار سیاسی آشنا شد. در فرانسه تحصیلات خود را با مدرک دکتری در رشته فیزیک به پایان رسانید. پس از مراجعت به ایران در سال ۱۳۱۶ به همراه «گروه رشتی‌ها» دستگیر و با گروه ۵۳ نفر محاکمه و به ۵ سال زندان محکوم و در سال ۱۳۲۰ مورد عفو قرار گرفت و آزاد شد.

از ابتدای تأسیس حزب توده، عضو کمیته مرکزی حزب توده بود و در کنگرهٔ دوم حزب در سال ۱۳۲۷ به عنوان دبیرکل حزب انتخاب گردید. در پی دستگیری عده‌ای از اعضاء کمیته مرکزی در سال ۱۳۲۷ برای مدتی مخفی و سپس از کشور خارج و به شوروی عزیمت نمود و در سال ۱۳۳۶ به اتفاق سایر اعضاء کمیته مرکزی و کادر حزبی از شوروی به آلمان اعزام و در لایپزیک ساکن گردید.

دکتر رضا رادمنش از سران و مؤسسین حزب توده، نماینده حزب توده از لاهیجان در دوره چهاردهم مجلس شورای ملی و از تشکیل دهندگان فراکسیون توده در مجلس و اولین دبیرکل حزب توده از ۱۳۲۷ منتخب کنگره دوم که تا پلنوم چهاردهم حزب ۱۳۴۹ رهبری حزب را بعهده داشت. وی تا سال ۱۳۴۹ همچنان به عنوان دبیرکل حزب ابقا گردید. حزب توده در دوران دبیرکلی رادمنش دچار فرازونشیب‌های متعددی بالاخص در دهه چهل گردید و ساواک با نفوذ در حزب ضربات مهلکی بر حزب وارد آورد. و همین مسائل بالاخره موجب عزل رادمنش از دبیرکلی حزب گردید. رادمنش پس از عزل از دبیرکلی کماکان به عنوان عضو کمیته مرکزی در حزب باقی ماند، در سال ۱۳۵۸ برای مدت کوتاهی به کشور مراجعت نمود و با اعضاء حزب ملاقات و مذاکره کرد و بالاخره در بهمن ۱۳۶۲ در سن ۷۸ سالگی در آلمان شرقی درگذشت.

احسان طبری در خاطرات خود پیرامون رادمنش می‌نویسد: رادمنش مدت ۲۰ سال در خارج، دبیرکل، دبیر اول و صدر سازمان حزب در خارج بود، در ابتدا، رادمنش که سیاست رخنهٔ خود را بی‌عجله انجام می‌داد، در داخل جنگل رهبری با احتیاط و غالباً با سکوت رفتار می‌کرد. چون وی فردی لافزن، متفرعن بود، و از این جهت به دوست دوران جوانی خود، منوچهر اقبال شباهت داشت. در دوران همکاری با عباس شهریاری نیز، رادمنش تنگ نظری و عجب و خودفریبی خویش را منصهٔ ظهور آورد. عباس شهریاری با بازی مخالفت باکیانوری، توجه و محبت رادمنش را به خود جلب کرد. بنا به دستور ساواک، عباس شهریاری رادمنش را مورد تملق‌های ظریفانه‌ای قرار می‌داد و معمولاً از دو دکتر، در داخل نهضت صحبت می‌کرد. یکی دکتر ارانی ـ و دیگری دکتر رادمنش ـ این «تعارف» مهمی برای رادمنش بود.

کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران
تأسیس ۱۳۷۴

از : اداره کل سوم تاریخ : ۴۹/۲/۳۰
به : تهران شماره : ۳۲۷/۶۹۲

موضوع : پخش اعلامیه تهدیدآمیز علیه آقای نخست‌وزیر

اخیراً اعلامیه‌ای به نام اتحادیه ملی جوانان پنجه سیاه علیه آقای نخست‌وزیر و وزیر کشور و انجمن شهر و شهردار پخش شده در آن نامبردگان مذکور را به علت ایجاد طرحهایی مانند عوارض نوسازی و تعریض خیابانها تهدید نموده‌اند علیهذا خواهشمند است دستور فرمائید اقداماتی به منظور شناسایی عاملین معمول و تعیین نمایند که چه تعداد از اعلامیه‌های مذکور و در چه محلهایی پخش شده است ضمناً فتوکپی اعلامیه متعاقباً ارسال خواهد شد.

مدیرکل اداره سوم ـ مقدم
از طرف پرنیان‌فر[1]

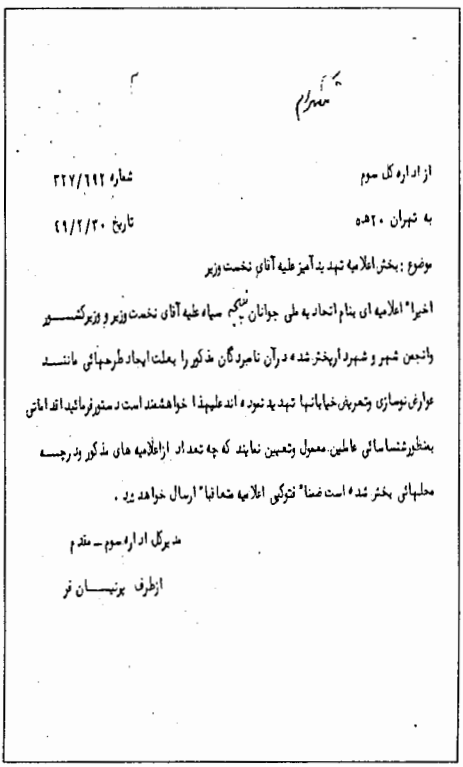

از اداره کل سوم شماره ۳۲۷/۶۹۲
به تهران ۲۰هده تاریخ ۴۹/۲/۲۰
موضوع : پخش اعلامیه تهدید آمیز علیه آقای نخست وزیر
اخیراً اعلامیه ای بنام اتحادیه ملی جوانان پنجه سیاه علیه آقای نخست وزیر و وزیر کشور و انجمن شهر و شهردار پخش شده در آن نامبردگان مذکور را بعلت ایجاد طرحهائی مانند عوارض نوسازی وتعریض خیابانها تهدید نموده اند علیهذا خواهشمند است دستور فرمائید اقداماتی بمنظور شناسائی عاملین معمول وتعیین نمایند که چه تعداد از اعلامیه های مذکور ودرچه محلهائی پخش شده است ضمناً فتوکپی اعلامیه متعاقبا" ارسال خواهد شد .
مدیرکل اداره سوم ـ مقدم
ازطرف پرنیان فر

۱ـ قاسم پرنیان‌فر فرزند علی در سال ۱۳۰۴ در تهران متولد شد. پس از طی دوره ابتدایی و متوسطه وارد دانشکده افسری گردید و سپس با درجه ستوان دومی فارغ‌التحصیل و به خدمت ارتش در رسته مخابره درآمد. نام خانوادگی قبلی وی سیدابوالقاسم بود که به علت نامناسب بودن! به پرنیان‌فر تغییر داد. مشارالیه از سال ۱۳۳۸ در دفتر ویژه اطلاعات زیر نظر سرلشکر حسین فردوست مشغول به کار بود و مدتی نیز به عنوان رئیس شعبه ۳ منصوب گردید. پرنیان‌فر از سال ۱۳۴۶ با درجه سرهنگی به ساواک منتقل و در اداره کل سوم مشغول به کار شد. وی در ساواک ابتدا به معاونت دوم اداره کل سوم رسید و سپس با درجه سرتیپی به ریاست ساواک تهران منصوب شد و در سال ۱۳۵۳ به خاطر حفاظت از بازیهای آسیایی که در تهران برگزار شد از طرف شاه معدوم مورد تشویق قرار گرفت.

اسناد ساواک ـ پرونده انفرادی

به: ۳۲۷ تاریخ: ۴۹/۳/۵

از: ۲۰ ه ۵ شماره: ۲۰/۲۸۲۶۱ ه ۵

موضوع: جلسه حزب ایران نوین

پیرو ۲۸۲۰۰ / ه ۵ ـ ۴۹/۳/۳

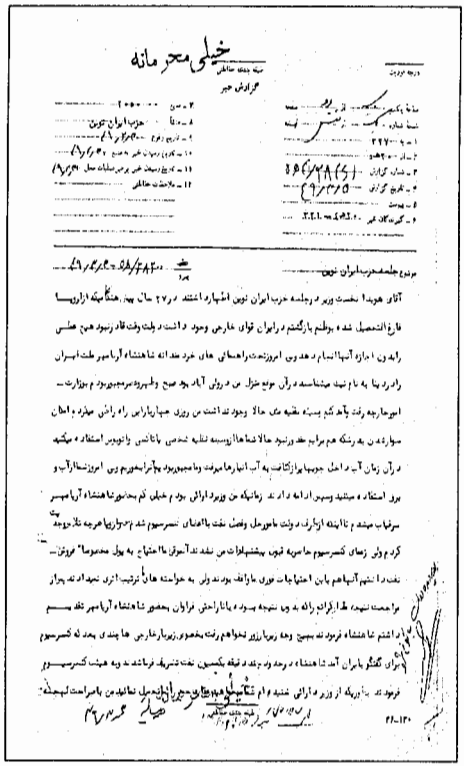

آقای هویدا نخست‌وزیر در جلسه حزب ایران نوین اظهار داشتند در ۲۷ سال پیش هنگامی که از اروپا فارغ‌التحصیل شده به وطنم بازگشتم در ایران قوای خارجی وجود داشت دولت وقت قادر نبود هیچ عملی را بدون اجازه آنها انجام دهد ولی امروز تحت راهنمایی‌های خردمندانه شاهنشاه آریامهر ملت ایران را در دنیا به نام نیک می‌شناسند در آن موقع منزل من در ولی‌آباد بود صبح و ظهر و عصر مجبور بودم به وزارت امور خارجه رفت‌وآمد کنم وسیله نقلیه مثل حالا وجود نداشت من روزی چهار بار این راه را طی می‌کردم امکان سوار شدن به درشکه هم برایم مقدور نبود حالا شماها از وسیله نقلیه شخصی یا تاکسی و اتوبوس استفاده می‌کنید در آن زمان آب داخل جویها پر از کثافت به آب انبارها می‌رفت و ما مجبور بودیم آن را بخوریم ولی امروز شما از آب و برق استفاده می‌کنید و سپس ادامه دادند زمانی که من وزیر دارائی بودم خیلی کم به حضور شاهنشاه آریامهر شرفیاب می‌شدم تا اینکه از طرف دولت مامور حل و فصل نفت با اعضای کنسرسیوم شدم در اروپا هر چه تلاش و جدیت کردم ولی زعمای کنسرسیوم حاضر به قبول پیشنهادات من نشدند آن موقع ما احتیاج به پول مخصوصاً فروش نفت داشتیم آنها هم به این احتیاجات فوری ما واقف بودند ولی به خواسته‌های ما ترتیب اثری نمی‌دادند پس از مراجعت نتیجه مذاکراتم راکه بدون نتیجه بوده با ناراحتی فراوان به حضور شاهنشاه آریامهر تقدیم داشتم شاهنشاه فرمودند به هیچ وجه زیر بار زور نخواهم رفت بخصوص زیر بار خارجی‌ها چندی بعد که کنسرسیوم برای گفتگو به ایران آمد

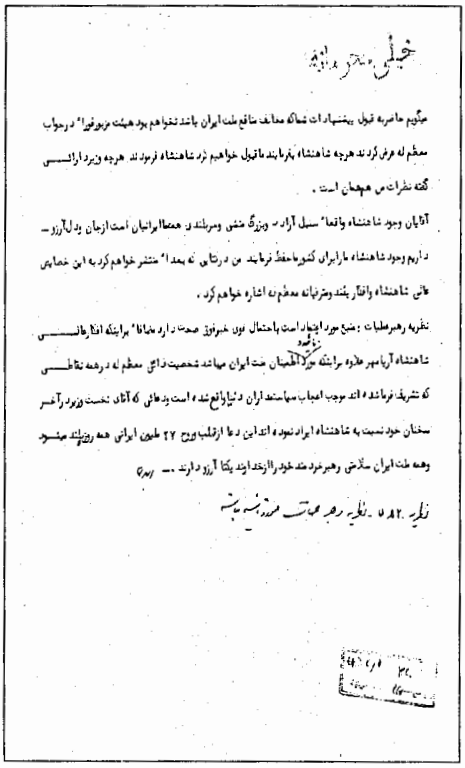

شاهنشاه در حدود چند دقیقه به کمیسیون نفت تشریف فرما شدند و به هیئت کنسرسیوم فرمودند به طوری که از وزیر دارائی شنیده‌ام شما می‌خواهید عقاید خود را به ما تحمیل نمائید من با صراحت لهجه می‌گویم حاضر به قبول پیشنهادات شما که مخالف منافع ملت ایران باشد نخواهم بود هیئت مزبور فوراً در جواب معظم‌له عرض کردند هر چه شاهنشاه بفرمایند ما قبول خواهیم کرد شاهنشاه فرمودند هر چه وزیر دارائی گفته نظرات من هم همان است.

آقایان وجود شاهنشاه واقعاً سنبل [سمبل] آزادی و بزرگ منشی و سربلندی همه ما ایرانیان است از جان و دل آرزو داریم وجود شاهنشاه ما را برای کشور ما حفظ فرمایند من در کتابی که بعداً منتشر خواهم کرد به این خصایص عالی شاهنشاه و افکار بلند و مترقیانه معظم له اشاره خواهم کرد.

نظریه رهبر عملیات :

منبع مورد اعتماد است به احتمال قوی خبر فوق صحت دارد مضافاً بر اینکه افکار عالی شاهنشاه آریامهر علاوه بر اینکه مورد تایید و اطمینان ملت ایران می‌باشد شخصیت ذاتی معظم‌له در همه نقاطی که تشریف‌فرما شده‌اند موجب اعجاب سیاستمداران دنیا واقع شده است و دعایی که آقای نخست‌وزیر در آخر سخنان خود نسبت به شاهنشاه ایراد نموده‌اند این دعا از قلب و روح ۲۷ ملیون ایرانی همه روزه بلند می‌شود و همه ملت ایران سلامتی رهبر خردمند خود را از خداوند یکتا آرزو دارند. ابهری

نظریه ۲۰ ه ۵: نظریه رهبر عملیات مورد تایید می‌باشد

۲۰/۶۸۲۸۹ ه ۸ تاریخ: ۴۹/۳/۱۱

موضوع: سوءاستفاده در وزارت آموزش و پرورش

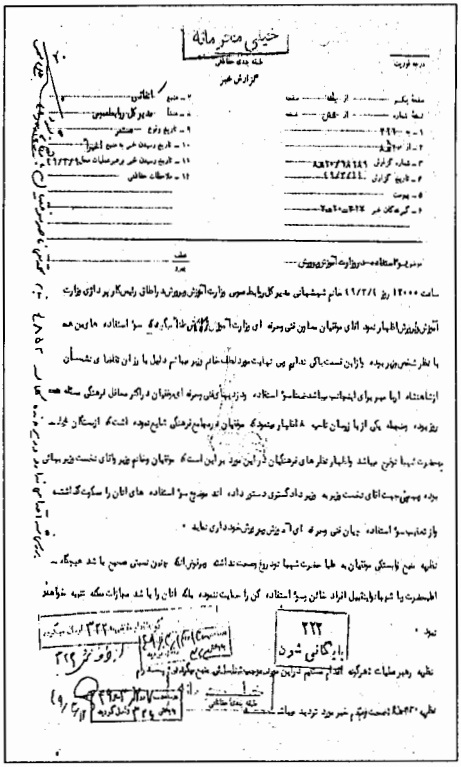

ساعت ۱۳۰۰۰ روز ۴۹/۳/۴ خانم شهشهانی مدیرکل روابط عمومی وزارت آموزش و پرورش در اطاق رئیس کارپردازی وزارت آموزش و پرورش اظهار نمود آقایان موفقیان معاون فنی و حرفه‌ای وزارت آموزش و پرورش علناً می‌گوید که سوءاستفاده‌های من همه با نظر شخص وزیر بوده و از این قسمت باکی ندارم و بی‌نهایت مورد لطف خانم وزیر می‌باشم دلیل بارز آن تقاضای نشان از شاهنشاه آریامهر برای اینجانب می‌باشد ضمناً سوء استفاده و دزدیهای فنی و حرفه‌ای موفقیان در اکثر محافل فرهنگی مسئله روز بوده و منجمله یکی از بازرسان ناحیه ۸ اظهار می‌نمود که موفقیان در مجامع فرهنگی شایع نموده است که از بستگان علیاحضرت شهبانو فرح میباشد و اظهارنظرهای فرهنگیان در این مورد بر این است که موفقیان و خانم وزیر و آقای نخست‌وزیر بهائی بوده و بهمین جهت آقای نخست‌وزیر به وزیر دادگستری دستور داده‌اند موضوع سوءاستفاده‌های آنان را مسکوت گذاشته و از تعقیب سوءاستفاده‌چیان فنی و حرفه‌ای آموزش و پرورش خودداری نماید.

نظریه منبع: وابستگی موفقیان به علیاحضرت شهبانو دروغ و صحت نداشته و بر فرض آنکه چنین نسبتی صحیح باشد هیچگاه اعلیحضرت و یا شهبانو این قبیل افراد خائن و سوءاستفاده کن را حمایت ننموده بلکه آنان را به اشد مجازات ممکنه تنبیه خواهند نمود.

نظریه رهبر عملیات: هرگونه اقدام مستقیم در این مورد موجب شناسائی منبع میگردد. پدرام

نظریه ۳۰ ه ۸: صحت و سقم خبر مورد تردید میباشد.

از طرف بخش ۳۲۶ بررسی شد اقدامی ندارد در پرونده کلاسه ۴۸۵۲ بنام محمدتقی ناصر موفقیان بایگانی شود....

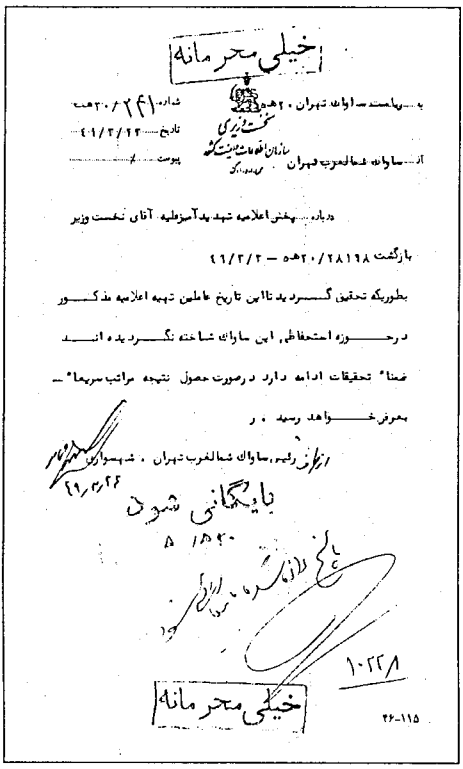
خیلی محرمانه

به ـ ریاست ساواک تهران ۲۰ هـ ۵ شماره ۲۰/۲۴۱ هـ ب
از ـ ساواک شمال غرب تهران تاریخ ۴۹/۳/۲۳
درباره ـ پخش اعلامیه تهدیدآمیز علیه آقای نخست وزیر
بازگشت ۲۰/۲۸۱۹۸ هـ ۵ ـ ۴۹/۳/۳
بطوریکه تحقیق گردید تا این تاریخ عاملین تهیه اعلامیه مذکور در حوزه استحفاظی این ساواک شناخته نگردیده اند ضمناً تحقیقات ادامه دارد درصورت حصول نتیجه مراتب سریعاً ـ بعرض خواهد رسید . ر
رئیس ساواک شمال غرب تهران . شهسواری
۴۹/۳/۲۴
بایگانی شود
۱۰۲۲۸
خیلی محرمانه
۴۶-۱۱۵

شماره : ۲۰/۲۴۱ هـ ب تاریخ : ۴۹/۳/۲۳

به : ریاست ساواک تهران ۲۰ هـ ۵

از : ساواک شمال غرب تهران

درباره : پخش اعلامیه تهدیدآمیز علیه آقای نخست‌وزیر

بازگشت : ۲۰/۲۸۱۹۸ هـ ۵ ـ ۴۹/۳/۳

به طوری که تحقیق گردید تا این تاریخ عاملین تهیه اعلامیه مذکور در حوزه استحفاظی این ساواک شناخته نگردیده‌اند ضمناً تحقیقات ادامه دارد در صورت حصول نتیجه مراتب سریعاً به عرض خواهد رسید.

رئیس ساواک شمال غرب تهران. شهسواری

۴۹/۳/۲۴

پاسخ داده شده بایگانی شود

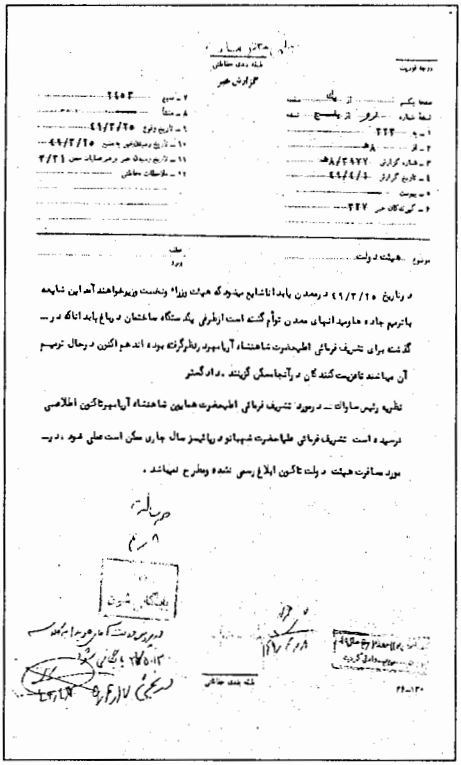

به : ۳۲۳ تاریخ : ۴۹/۴/۱

از : ۸ ه شماره : ۸/۳۹۷۷ ه

موضوع : هیئت دولت

در تاریخ ۴۹/۳/۲۵ در معدن پابدانا شایع می‌شود که هیئت وزرا و نخست‌وزیر خواهند آمد این شایعه با ترمیم جاده‌ها و میدانهای معدن توأم گشته است از طرفی یک دستگاه ساختمان در باغ پابدانا که در گذشته برای تشریف‌فرمایی اعلیحضرت شاهنشاه آریامهر در نظر گرفته بوده‌اند هم‌اکنون در حال ترمیم آن می‌باشند تا عزیمت‌کنندگان در آنجا مسکن گزینند. دادگستر

نظریه رئیس ساواک : در مورد تشریف‌فرمایی اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر تاکنون اطلاعی نرسیده است تشریف‌فرمایی علیاحضرت شهبانو در پاییز سال جاری ممکن است عملی شود. در مورد مسافرت هیئت دولت تاکنون ابلاغ رسمی نشده و مطرح نمی‌باشد.

در پرونده دولت آقای هویدا به کلاسه ۲۷۵۰۱۲ بایگانی شود

۹/۴/۱۷

آقای همراز ۴۹/۴/۸

به : ریاست ساواک تهران تاریخ : ۴۹/۳/۲۶
از : ساواک جنوب شرق شماره : ۲۰/۲۸۴ و
درباره : پخش اعلامیه تهدیدآمیز علیه آقای نخست‌وزیر
بازگشت به ۲۰/۲۸۱۹۸ ه ۵ـ ۴۹/۳/۳

ضمن تحقیقات لازم تا این تاریخ اعلامیه‌ای به نام اتحادیه جوانان پنجه سیاه علیه آقای نخست‌وزیر در منطقه استحفاظی این ساواک مشاهده نشده و عاملین تهیه اعلامیه مزبور هم شناخته نشده‌اند.

رئیس ساواک جنوب شرق تهران. افضلی

بایگانی شود

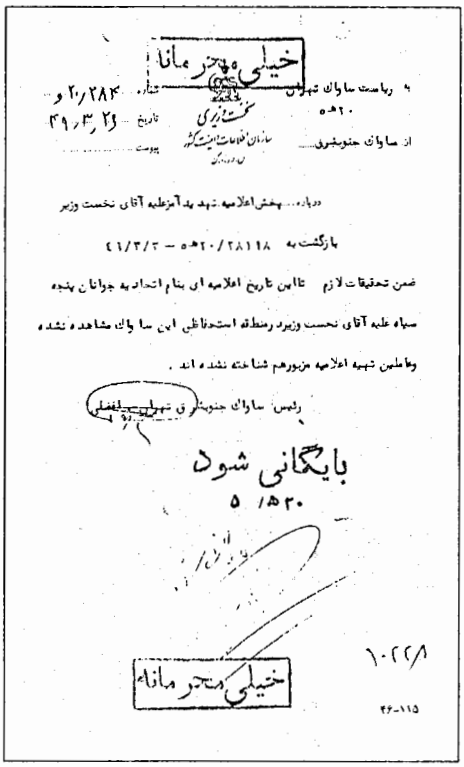
خیلی محرمانه
به ریاست ساواک تهران
از ساواک جنوبشرق
شماره ۲۰/۲۸۴ و
تاریخ ۴۹/۳/۲۶
پیوست
درباره... پخش اعلامیه تهدیدآمیز علیه آقای نخست وزیر
بازگشت به ۲۰/۲۸۱۱۸ ه ۵ - ۴۹/۳/۳
ضمن تحقیقات لازم تا این تاریخ اعلامیه ای بنام اتحادیه جوانان پنجه
سیاه علیه آقای نخست وزیر در منطقه استحفاظی این ساواک مشاهده نشده و
وعاملین تهیه اعلامیه مزبورهم شناخته نشده اند .
رئیس ساواک جنوب شرق تهران افضلی
بایگانی شود
۵/۵۲۰
۱۰۲۲/۸
خیلی محرمانه
۴۶-۱۱۵

به : ۳۲۷ تاریخ : ۴۹/۴/۷

از : ۲۰ ه ۵ شماره : ۲۰/۲۸۷۵۰ ه ۵

موضوع : اظهارات سناتور یارافشار

سناتور یارافشار[1] در یک صحبت کاملاً خصوصی اظهار داشت :

تشنج اخیر در مجلس شورای ملی بین اقلیت و اکثریت و حمله به جفرودی عضو حزب مردم به علت اختلاف و خورده حسابهایی بین هویدا و جفرودی است زیرا جفرودی در موقع تصویب بوجه [بودجه] به عنوان مخالف صحبت کرده بود

توضیح چهارشنبه : قبلاً در مورد تشنج اخیر مجلس گزارش تقدیم شده است

در پرونده آقای هویدا نخست‌وزیر به کلاسه ۶۲۴۲۳ بایگانی شود

۴۹/۴/۲۷

۱ـ پرویز یارافشار فرزند یارمحمد (سردارکل) در سال ۱۲۸۵ ش. به دنیا آمد. دوره متوسطه را در کالج آمریکایی تهران گذراند و سپس در رشته مکانیک از دانشگاه ونیز ایتالیا فارغ التحصیل شد. در دوره‌های ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ نماینده مجلس شورای ملی بود و بعداً سناتور مجلس سنا شد. از منسوبین و دست نشاندگان سپهبد زاهدی بود و پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ مدتی ریاست دفتر وی را به عهده داشت. نامبرده که طرفدار سیاست غرب بود، نشانهای مختلفی از جمله: نشان تاج، نشان همایون، نشان رستاخیز ۲۸ مرداد را دریافت کرد.

پرویز یارافشار که به جمع سناتورهای مجلس سنا پیوسته بود، از اعضای تشکیلات فراماسونری جهانی بود و در لژهای مختلف از جمله: لژ دانش و لژ ناهید عضویت داشت.

به : ۳۲۷ تاریخ : ۴۹/۴/۹

از : ۲۰ ه ۵ شماره : ۲۰/۲۸۷۳۷ ه ۵

موضوع : مذاکرات نخست‌وزیر و جهانشاه صالح[۱]

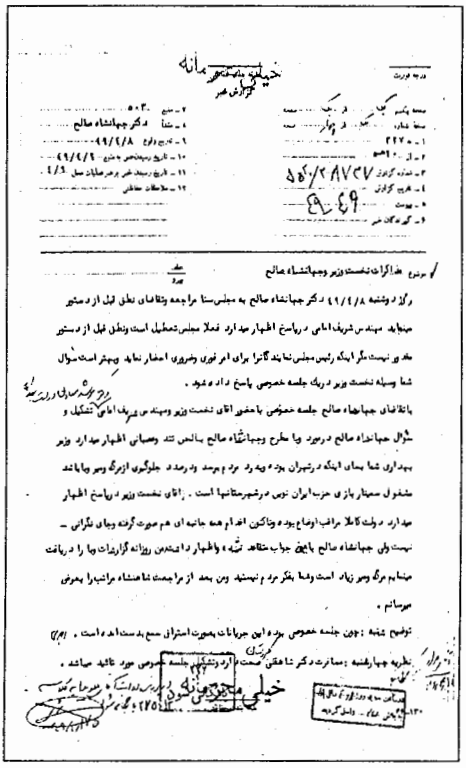

روز دوشنبه ۴۹/۴/۸ دکتر جهانشاه صالح به مجلس سنا مراجعه و تقاضای نطق قبل از دستور مهندس شریف‌امامی در پاسخ اظهار می‌دارد فعلاً مجلس تعطیل است و نطق قبل از دستور مقدور نیست مگر اینکه رئیس مجلس نمایندگان را برای امر فوری و ضروری احضار نماید و بهتر است سوال شما وسیله نخست‌وزیر در یک جلسه خصوصی پاسخ داده شود.

با تقاضای جهانشاه صالح جلسه خصوصی با حضور آقای نخست‌وزیر و مهندس شریف‌امامی دکتر مرشد معاون وزارت بهداری تشکیل و سوال جهانشاه صالح در مورد وبا مطرح و جهانشاه صالح با لحن تند و عصبانی اظهار می‌دارد وزیر بهداری شما به جای اینکه در تهران بوده و به درد مردم برسد و درصدد جلوگیری از مرگ و میر وبا باشد مشغول سمینار بازی حزب ایران نوین در شهرستانها است. آقای نخست‌وزیر در پاسخ اظهار می‌دارد دولت کاملاً مراقب اوضاع بوده و تاکنون اقدام همه‌جانبه‌ای هم صورت گرفته و جای نگرانی نیست ولی جهانشاه صالح به این جواب متقاعد نشده و اظهار داشته من روزانه گزارشات وبا را دریافت می‌نمایم مرگ و میر زیاد است و شما به فکر مردم نیستید و من بعد از مراجعت شاهنشاه مراتب را به عرض می‌رسانم.

توضیح شنبه : چون جلسه خصوصی بوده این جریانات به صورت استراق سمع به دست آمده است. ابهری

نظریه چهارشنبه : مسافرت دکتر شاهقلی به کردستان صحت دارد و تشکیل جلسه خصوصی

مورد تایید می‌باشد. در پرونده دولت آقای هویدا به کلاسه ۲۷۵۴۱۲ بایگانی شود ... ۴۹/۴/۱۷

۱ـ جهانشاه صالح فرزند میرزاحسن خان مظفرالممالک در فروردین ۱۲۸۳ ش. در شهر کاشان به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در دبستان علمیه کاشان و متوسطه را در کالج آمریکائی تهران به پایان رسانید و برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت ابتدا از دانشگاه سراکیوز نیویورک لیسانس گرفت و سپس از دانشگاه پزشکی موفق به دریافت درجه دکتری در طب گردید. پس از بازگشت به ایران مشغول تدریس در دانشگاه شد. سوابق شغلی وی به شرح زیر است :
کارمند محاسبات کل وزارت دارائی از تاریخ ۱۳۰۳/۴/۲ الی ۱۳۰۴/۷/۲۲، مترجم پیمانی اداره دارائی گیلان ۱۳۰۴/۷/۲۳ الی ۱۳۰۴/۱۱/۱۴، معلم تشریح دانشکده پزشکی ۱۳۱۵/۱/۱ الی ۱۳۱۵/۱/۲۶، رئیس قسمت طبی و کفیل مریضخانه وزیری ۱۳۱۵/۱/۲۷ الی ۱۳۱۵/۹/۱، کفیل مریضخانه نسوان ۱۵/۹/۲ تا آخر اسفند ۱۳۱۵، رئیس بیمارستان زنان ۱۶/۱/۱ تا ۱۷/۴/۲۶ رئیس بیمارستان وزیری ۱۷/۴/۲۷ تا آخر اسفند ۱۷، رئیس بیمارستان زنان، ۱۸/۱/۱۸ تا ۱۷/۸/۲، رئیس دانشکده پزشکی ۲۷/۸/۳ تا ۱۳۲۹/۴/۵ وزیر بهداری با حفظ سمت ریاست دانشکده پزشکی از تاریخ ۲۹/۴/۶ تا ۲۹/۱۲/۱۶ رئیس دانشکده پزشکی از تاریخ ۱۹/۱۲/۱۷ تا ۳۲/۵/۳۱، وزیر بهداری با حفظ سمت ریاست دانشکده پزشکی از تاریخ ۳۲/۶/۱ تا ۳۳/۸/۲ رئیس دانشکده پزشکی از ۳۳/۸/۳ تا ۳۶/۱۰/۱۴، استاد کرسی بیماریهای زنان و رئیس بخش جراحی زنان بیمارستان زنان از تاریخ ۳۶/۱/۱۵ تا تاریخ ۳۹/۶/۸، وزیر بهداری از تاریخ ۳۹/۶/۹، وزیر فرهنگ در سال ۱۳۴۰، ریاست دانشگاه از ۴۲/۲/۱۸، ریاست دانشکده پزشکی از تاریخ ۴۲/۴/۴، عضو افتخاری شورایعالی فرهنگ در تاریخ ۳۰/۲/۳، کارشناس سازمان بهداشت جهانی، عضو هیئت اجرائیه سازمان بهداشت جهانی، مشاور بهداشت جهانی، ۴۳/۲/۲۲ عضو شورایعالی فرهنگ (به عنوان رئیس مدرسه عالی)، ۴۵/۲/۶ انتصاب به عضویت شورای مرکزی دانشگاهها توسط شاه، سال ۱۳۵۴ با فرمان شاه به سناتوری از تهران دوره هفتم منصوب شد. سال ۱۳۵۶ فرح پهلوی وی را به سمت عضو شورایعالی جمعیت حمایت از آسیب‌دیدگان از سوختگی به مدت ۳ سال منصوب کرد. عضو شورایعالی بنگاه حمایت مادران و نوزادان، رئیس هیأت مدیره جمعیت حمایت آسیب‌دیدگان از سوختگی، عضو شورایعالی جمعیت ملی مبارزه با سرطان، عضو شورایعالی مرکز طبی کودکان از دیگر سمت‌های مشارالیه بوده است. جهانشاه صالح از فراماسونهای مطرح بود که در سال ۱۳۳۵ به کمک تنی چند از دوستان خود کلوپ روتاری تهران را تأسیس که این کلوپ هسته مرکزی کلوپهای روتاری را برعهده گرفت. وی دو مرتبه به ریاست این کلوپ انتخاب شد ۳۶ـ۱۳۳۵ و ۴۳ـ۱۳۴۲.

جهانشاه صالح با سازمان «سیا» همکاری داشت. در این باره می‌خوانیم : «طبق اطلاع واصله ماموران سازمان «سیا» و اداره اطلاعات آمریکا در ایران با عده‌ای از کسانی که در آمریکا تحصیل کرده و در وزارتخانه‌ها و ادارات مختلف مشاغل حساسی دارند به عنوان صرف نهار یا شام تماس و ارتباط داشته و ضمن تبادل نظر به جمع‌آوری اطلاعات لازم مبادرت می‌ورزند. به عنوان نمونه رئیس اداره اطلاعات آمریکا در ایران «مستر لینچ» و معاون اداره اطلاعات آمریکا در ایران هر هفته یا ۱۵ روز یکبار با گروهها و افراد مختلف منجمله با آقای جهانشاه صالح رئیس دانشگاه تهران ... به عنوان صرف نهار یا شام تماس و ارتباط دارند».

ساواک در سند بیوگرافی او آورده است: «نامبرده طرفدار سیاست غرب بوده و دو سال قبل از وزارتش مقدار ۱۰کیلوگرم هروئین قاچاق به کشور وارد کرده و از فروش آن پول سرشاری به جیب زده است. فردی دروغگو، ریاکار و در میان همکاران و تشکیلات خود شهرت خوبی ندارد.»

جهانشاه صالح پس از انقلاب اسلامی در مورخه ۵۹/۲/۱۵ از دانشگاه تهران پاکسازی شد که به این حکم اعتراض کرد ولی در تجدیدنظر در جلسه نهائی ۶۱/۱۲/۲۲ نیز به حکم قبلی مهر تایید زده شد. وی در اول دی ماه ۱۳۷۵ در تهران فوت کرد.

اسناد ساواک ـ پرونده انفرادی

به : عرض می‌رسد تاریخ : ۴۹/۴/۱۵

از : ۳۲۱

درباره : روابط احزاب ایران نوین و مردم

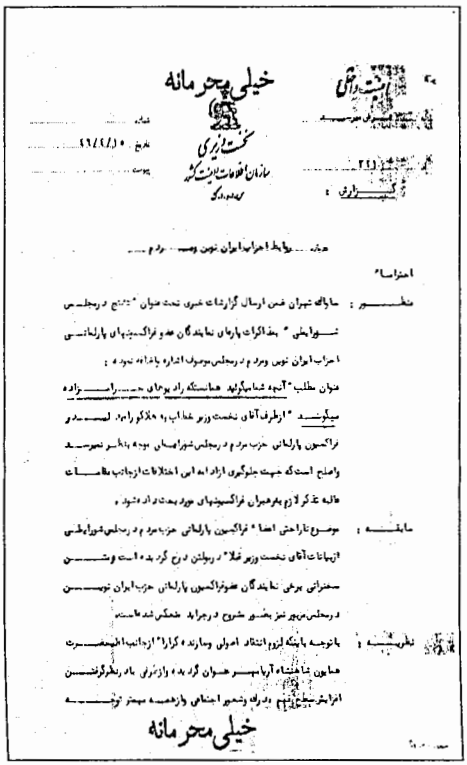

احتراماً

منظور : ساواک تهران ضمن ارسال گزارشات خبری تحت عنوان «تشنج در مجلس شورای ملی» به مذاکرات پاره‌ای نمایندگان عضو فراکسیونهای پارلمانی احزاب ایران نوین و مردم در مجلس موصوف اشاره و اضافه نموده :

عنوان مطلب «آنچه شما می‌گوئید همان است که رادیوهای حرامزاده می‌گویند» از طرف آقای نخست‌وزیر خطاب به هلاکو رامبد لیدر فراکسیون پارلمانی حزب مردم در مجلس شورای ملی موجه به نظر نمی‌رسد و اصلح است که جهت جلوگیری از ادامه این اختلافات از جانب مقامات عالیه تذکر لازم به رهبران فراکسیونهای مورد بحث داده شود.

سابقه : موضوع ناراحتی اعضای فراکسیون پارلمانی حزب مردم در مجلس شورای ملی از بیانات آقای نخست‌وزیر قبلاً در بولتن درج گردیده است و متن سخنرانی برخی نمایندگان عضو فراکسیون پارلمانی حزب ایران نوین در مجلس مزبور نیز به طور مشروح در جراید منعکس شده است.

نظریه : با توجه به اینکه لزوم انتقاد اصولی و سازنده کراراً از جانب اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر عنوان گردیده و از طرفی با در نظر گرفتن افزایش سطح فهم، درک و شعور اجتماعی و از همه مهمتر توجه و قضاوت افکار عمومی جهانیان به موضوعات مختلف و سیاستهای گوناگون و اینکه وجود انتقاد منطقی در مجلس ملی یک کشور از جانب نمایندگان منتخب ملت از الزامات برقراری یک سیستم دموکراسی و نشان‌دهنده وجود روحیه زنده و هوشیار منتخبین مردم

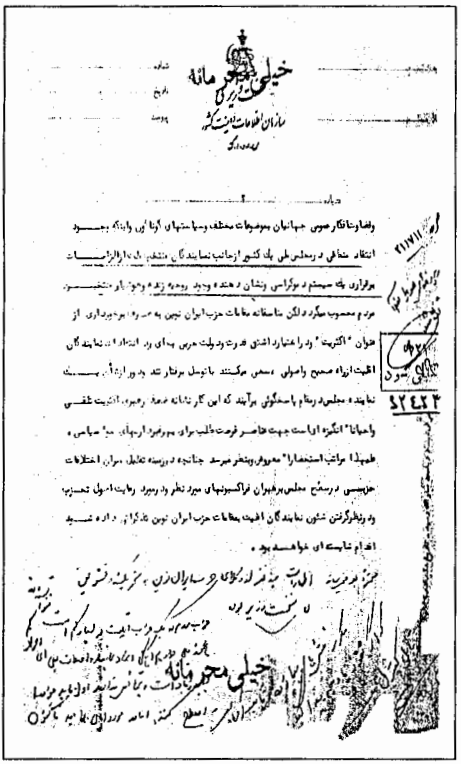

محسوب می‌گردد لکن متاسفانه مقامات حزب ایران نوین به صرف برخورداری از عنوان «اکثریت» و در اختیار داشتن قدرت و دولت حزبی به جای رد انتقادات نمایندگان اقلیت از راه صحیح و اصولی، سعی می‌کنند با توسل به رفتار تند و دور از شأن یک نماینده مجلس در مقام پاسخگویی برآیند که این کار نشانه ضعف رهبری اکثریت تلقی و احیاناً انگیزه‌ای است جهت عناصر فرصت‌طلب برای بهره‌برداری سوء سیاسی. علیهذا مراتب استحضاراً معروض و به نظر می‌رسد چنانچه در زمینه تقلیل میزان اختلافات حزبی در سطح مجلس به رهبران فراکسیونهای مورد نظر و در مورد رعایت اصول تحزب و در نظر گرفتن شئون نمایندگان اقلیت به مقامات حزب ایران نوین تذکراتی داده شود اقدام شایسته‌ای خواهد بود.

محترماً به عرض می‌رساند اظهارات چند نفر از وکلای حزب ایران نوین به تحریک و تشویق آقای نخست‌وزیر بود [پی‌نوشت نصیری] حزب مردم که یک حزب اقلیت و بسیار کم است نتوانسته‌اند هنوز بین خود هم‌آهنگی ایجاد نمایند و اختلافات بین این افراد کم... زیاد است و تجانس ندارند اول باید خود را اصلاح کنند اما در مورد آقای رامبد تاکنون مکرر دست و پای بیجا زده و ثابت کرده است که اگر نفوذ یا وجه پیدا کند قابل کنترل نیست ۹/۴

در پرونده آقای هویدا به کلاسه ۶۲۴۲۳ بایگانی شود سامعی

به : ۳۲۱ تاریخ : ۴۹/۶/۲۸

از : تحقیق شماره : ۵۲۶۸۰ / تحقیق

موضوع : فعالیتهای حزبی و اظهارات دکتر کاظم‌زاده[1] وزیر مشاور

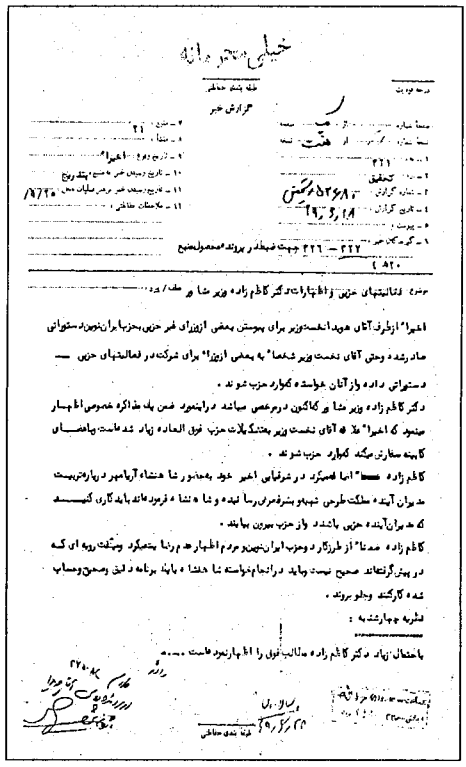

خیلی محرمانه

گزارش خبر

۲۲۱

تحقیق

۵۲۶۸۰

۲۹/۶/۲۸

۴۲۷ - ۴۲۶ جهت ضمیمه در پرونده ضمیمه/ضمیم

۸۲۰

موضوع: فعالیتهای حزبی و اظهارات دکتر کاظم زاده وزیر مشاور

اخیراً از طرف آقای هویدا نخست‌وزیر برای پیوستن بعضی از وزرای غیرحزبی به حزب ایران نوین دستوراتی صادر شده و حتی آقای نخست‌وزیر شخصاً به بعضی از وزرا برای شرکت در فعالیتهای حزبی دستوراتی داده و از آنان خواسته که وارد حزب شوند.

دکتر کاظم‌زاده وزیر مشاور که اکنون در مرخصی می‌باشد در این مورد ضمن یک مذاکره خصوصی اظهار می‌نمود که اخیراً علاقه آقای نخست‌وزیر به تشکیلات حزب فوق‌العاده زیاد شده است و به اعضای کابینه سفارش می‌کند که وارد حزب شوند.

کاظم‌زاده اضافه می‌کرد در شرفیابی اخیر خود به حضور شاهنشاه آریامهر درباره تربیت مدیران آینده مملکت طرحی تهیه و به شرف عرض رسانیده و شاهنشاه فرموده‌اند باید کاری کنید که مدیران آینده حزبی باشند و از حزب بیرون بیایند.

کاظم‌زاده ضمناً از طرز کار دو حزب ایران نوین و مردم اظهار عدم رضایت می‌کرد و می‌گفت رویه‌ای که در پیش گرفته‌اند صحیح نیست و باید در انجام خواسته شاهنشاه با یک برنامه دقیق و صحیح حساب شده کار کنند و جلو بروند.

نظریه چهارشنبه :

به احتمال زیاد دکتر کاظم‌زاده مطالب فوق را اظهار نموده است.

۱ـ حسین کاظم‌زاده فرزند محمدحسن در سال ۱۳۰۲ در شهر شیراز به دنیا آمد. در سال ۱۳۲۷ موفق به اخذ لیسانس

حقوق از دانشگاه تهران شد. برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت و در آنجا تحصیلات خود را تا مقطع دکترای حقوق اقتصاد ادامه داد که ارزش تحصیلات ایشان از طرف شورایعالی فرهنگ دکتر در علوم سیاسی شناخته شد.
حسین کاظم‌زاده از تاریخ ۲۷/۱۰/۶ کارمند علی‌البدل دادگاه بخش بیجار، ۲۸/۱/۲۴ دادرس علی‌البدل دادگاه جهرم، ۲۸/۳/۱۴ کارمند دفتر دادگاه تهران شعبه واخواست، ۳۴/۴/۲۶ معاون موسسه علوم اداری دانشگاه تهران، ۳۵/۱۱/۱۶ استخدام در سازمان برنامه با سمت متخصص اداری در قسمت تشکیلات، ۳۶/۱۰/۱ رئیس دفتر طرحها و گزارشهای سازمان برنامه، ۴۱/۹/۱۹ معاون سازمان برنامه، ۴۳/۱/۱۲ دفتر اعتبارات طرحها. مشارالیه که در ابتدا به عنوان وزیر مشاور به کابینه پیوسته بود، در بهمن ۱۳۴۹ به مقام وزارت علوم و آموزش عالی رسید و در تاریخ ۵۱/۱۰/۹ با معرفی دکتر ویلسون بیت منصور مورد پذیرش لژ فراماسونری مزدا قرار گرفت. او در حزب ملیون نیز عضویت داشت.

۱۳۴۹//۷/۱۲ ـ در ملاقات با آلکسی کاسیگین (نخست‌وزیر شوروی)

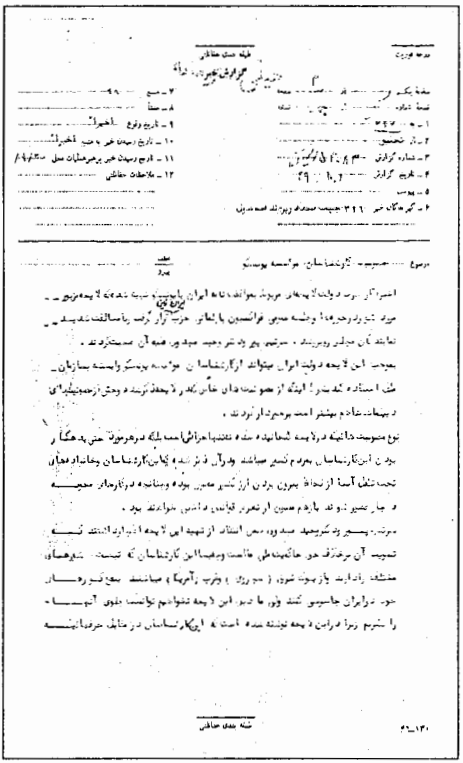

به : ۳۲۷ تاریخ : ۴۹/۱۰/۱

از : تحقیق شماره : ۵۳۰۸۳ / تحقیق

موضوع : مصونیت کارشناسان موسسه یونسکو

اخیراً از طرف دولت لایحه‌ای مربوط به موافقت نامه ایران با یونسکو تهیه شده که لایحه مزبور مورد شور در حوزه‌ها و جلسه عمومی فراکسیون پارلمانی حزب ایران نوین قرار گرفت و با مخالفت شدید نمایندگان مجلس روبرو شد. سرتیپ‌پور و دکتر وحید مهدوی[1] علیه آن صحبت کردند.

به موجب این لایحه دولت ایران می‌تواند از کارشناسان موسسه یونسکو وابسته به سازمان ملل استفاده کند به شرط این که از مصونیت‌های خاص که در لایحه ذکر شده و حتی از مصونیتهای دیپلمات‌ها هم بیشتر است برخوردار گردند.

نوع مصونیت‌هایی که در لایحه گنجانیده شده نه تنها جزائی است بلکه در هر مورد حتی بدهکار بودن این کارشناسان به مردم کشور می‌باشد و در آن ذکر شده که این کارشناسان و خانواده‌های تحت تکفل آنها از لحاظ بیرون بردن ارز کشور مصون بوده و چنانچه در کارهای محوله دچار قصور شوند باز هم مصون از تعرض قوانین داخلی خواهند بود.

سرتیپ‌پور و دکتر وحید مهدوی ضمن انتقاد از تهیه این لایحه اظهار داشتند که تصویب آن برخلاف حق حاکمیت ملی ما است و چه بسا این کارشناسان که تبعیت کشورهای مختلف را دارند و از بلوک شرق (شوروی) و غرب (آمریکا) می‌باشند به نفع کشورهای خود در ایران جاسوسی کنند ولی ما طبق این لایحه نخواهیم توانست جلوی آنها را بگیریم زیرا در این لایحه نوشته شده است که این کارشناسان در مقابل حرفهایی که در کشور می‌زنند و چیزهایی که می‌نویسند هر چه باشد مصونیت دارند.

دکتر زاهدی معاون پارلمانی وزارت علوم که ظاهراً تهیه کننده این لایحه می‌باشد خیلی کوشش نمود که از آن دفاع کند و استناد کرد که ۴ کشور منجمله اندونزی. فیلیپین ـ اطریش آن را امضا کرده‌اند و بنابراین عیب ندارد اگر ایران هم آن را امضا کند ولی نمایندگان قانع نشدند و چون لیدر فراکسیون احتمال زیاد می‌داد چنانچه لایحه به رای گذارده شود رد خواهد شد لذا گفت که بهتر است این لایحه برای مطالعه بیشتر به کمیسیون فنی حزب برود و از نمایندگان خواست که در آن کمیسیون نظریات خود را بدهند.

نظریه شنبه : اگر چه یونسکو وابسته به سازمان ملل متحد است و اعضای سازمان ملل متحد در نیویورک از اینگونه مصونیتها استفاده می‌کنند لیکن به نظر می‌رسد که امضاء این موافقت‌نامه از طرف دولت ایران عملی به مصلحت نبوده با شأن ایران در برابر کشورهای جهان تطبیق نمی‌کند زیرا اصولاً کشورهای عقب‌مانده و تازه استقلال یافته آفریقا و آسیا معمولاً از کارشناسان یونسکو استفاده می‌کنند و کشورهای بزرگ مانند انگلستان و آمریکا و فرانسه و شوروی ممکن نیست که قبول کنند فلان کارشناس یونسکو در آن کشورها این قدر مصونیت داشته باشد. به نظر من نماینده ایران در یونسکو بدون مطالعه این قرارداد را امضا کرده است زیرا کارشناسان یونسکو که به طور مثال ممکن است بین آنها یک معلم زبان هم وجود داشته باشد این قدر اهمیت ندارند که ما حاکمیت ملی خودمان را فراموش کنیم به علاوه خطر بزرگ در آن است که کارشناسان یونسکو از تمام کشورهای جهان انتخاب می‌شوند، عده زیادی از آنها از کشورهای بلوک کمونیست که با ما روش جداگانه‌ای دارند انتخاب می‌گردند و چنانچه این آقایان که از کشورهای کمونیستی به ایران می‌آیند از این قبیل مصونیتها استفاده کنند چه بسا اعمال خلاف رویه‌ای در کشور ما از آنها سر بزند و ما نتوانیم از عمل آنها جلوگیری کنیم.

نظریه چهارشنبه :

۱ـ خبر صحیح به نظر می‌رسد.

۲ـ نظریه شنبه مورد تایید است.

۳ـ اگر چه موضوع موافقت دولت ایران با این طرح و علل آن مجهول می‌باشد لیکن تصویب لایحه به شرح مفاد گزارش خبری عملی به مصلحت دولت و ملت ایران نمی‌باشد.

تحقیق بیشتر انجام و گزارش عرضی تهیه شود ۱۰/۵

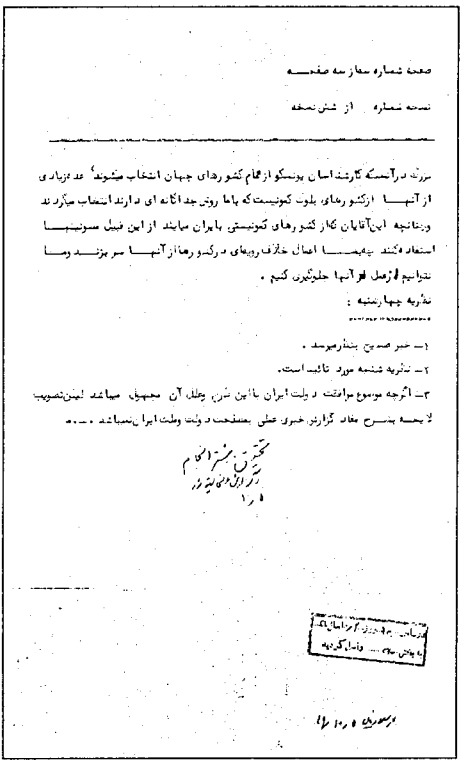

۱ـ وحید مهدوی فرزند رضا (رئیس‌التجار) در سال ۱۳۰۳ هـ ش در تهران متولد شد. او که پدرش از ملاکین بود و خودش نیز دارای املاکی از جمله در شهرستان اسفراین بود، در سال ۱۳۱۱ به مدرسه رفت و تحصیلات ابتدائی را در دبستان‌های فیروز بهرام و تربیت در سال ۱۳۱۶ به پایان برد و تحصیلات متوسطه را در دبیرستان‌های دارالفنون و شاهرضا سپری کرد. مهدوی که با تأخیر در سال ۱۳۲۴ دیپلم گرفته بود، در سال ۱۳۲۵ در دانشکده حقوق دانشگاه تهران در رشته حقوق قضائی ادامه تحصیل داد و در سال ۱۳۲۷ به فرانسه رفت و دکترای علوم اقتصادی گرفت.

در برگی از سابقه، مدت حضور او در فرانسه از سال ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۲ قید گردیده و در برگ دیگری آمده است که از سال ۱۳۲۲ تا ۱۳۳۲ در انگلستان بوده است و در برگ دیگری مدت حضور وی در پاریس و لندن از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۳ میلادی گزارش گردیده است.

وحید مهدوی در سال ۱۳۳۳ با زنی فرانسوی بنام «ژانین فیلی پن» ازدواج کرد که همسر وی پس از ازدواج تابعیت ایرانی گرفت و در ایران به عنوان منشی شرکت ایران الکترونیک صنایع، مشغول کار شد. مهدوی پس از مراجعت به کشور در سال ۱۳۳۴ به عنوان رئیس اداره حقوق سازمان بیمه‌های اجتماعی کارگران مشغول کار شد و سپس به سازمان برنامه رفت و در مشاغل مختلفی فعالیت کرد که از آن جمله است : «مدیر امور اداری ـ مشاور حقوقی ـ مدیرکل دفاتر وزارتی در وزارت بازرگانی (۴ ماه) ـ مشاور حقوقی شرکت شیلات ـ تدریس در دانشگاه و دانشکده افسری ـ وکالت دادگستری وی که در سال ۱۳۴۲ از پتسبورگ در ایالت پنسیلوانیای امریکا موفق به دریافت گواهینامه مدیریت اداری شده بود،

علی‌رغم اینکه عضو حزب مردم بود، به همراه دیگر دوستان امریکایی خود از جمله: کلالی، گودرزی، باقر عاملی و... به کانون مترقی پیوست و به عنوان عضو مؤسس حزب ایران نوین، به فعالیت حزبی خود ادامه داد.
وحید مهدوی که با اعضای سفارت آمریکا ارتباط داشت و در باشگاه ایران جوان نیز عضو بود در دورهٔ ۲۲ مجلس شورای ملی، به عنوان نماینده تهران به مجلس رفت و پس از آن در سال ۱۳۵۰ به عنوان مشاور پارلمانی وزیرکار به فعالیت ادامه داد و در سال ۱۳۵۶ مشاور رئیس سازمان برنامه شد. مهدوی که مانند دیگر دوستان خود، اهل قمار و مشروبخواری بود به عضویت لژهای فراماسونری هاتف و ژاندارک درآمد و تا درجه ۳ ماسونی نیز ارتقا یافت.

۱۳۵۵/۲/۶ ـ همراه با رئیس نمایندگان مجلس امریکا

به : ۳۲۷ تاریخ : ۴۹/۱۰/۵

از : ۱۳ /ه شماره : ۸۱۸۴ /ه

موضوع :کمک به مستمندان شهرستان ملایر

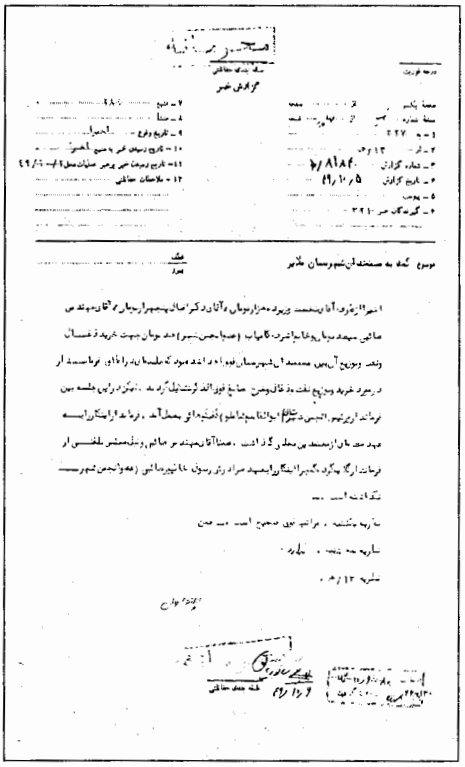

اخیراً از طرف آقای نخست‌وزیر ده هزار تومان، آقای دکتر اقبال پنج هزار تومان، آقای مهندس صائبی[1] سیصد تومان و خانم اشرف کامیاب[2] (عضو انجمن شهر) صد تومان جهت خرید ذغال و نفت و توزیع آن بین مستمندان شهرستان فوق اهدا شده بود که جلسه‌ای در اطاق فرماندار در مورد خرید و توزیع نفت و ذغال و خرج مبالغ فوق‌الذکر تشکیل گردید. لیکن در این جلسه بین فرماندار و رئیس انجمن شهرستان (ابوالقاسم شاملو[3]) گفتگوهایی بعمل آمد. فرماندار این کار را به عهده عده‌ای از معتمدین محلی گذاشت. ضمناً آقای مهندس صائبی وکیل مجلس تلفنی از فرماندار گلایه کرده که چرا اینکار را به عهده برادرش رسول خاکپور صائبی (عضو انجمن شهر) نگذاشته است.

نظریه یکشنبه : مراتب فوق صحیح است

نظریه سه شنبه : ندارد

نظریه ۱۳ /ه:

در پرونده دولت

سالاریان

۴۹/۱۰/۹

۱ـ حسن صائبی (با نام مستعار حسین خاکپور) فرزند ابوتراب در سال ۱۲۹۷ ش در ملایر به دنیا آمد. پس از سپری کردن تحصیلات دبیرستانی، به دانشکده کشاورزی رفت و در رشته حقوق، علوم سیاسی و اقتصاد نیز در دانشگاه تهران

تحصیل کرد. و از ۱۳۱۸ ش وارد وزارت کشاورزی شد و متصدی امور درختکاری و باغبانی کاخهای سلطنتی شد. دیگر مشاغل وی عبارتند از: مشاور فنی املاک دربار، ناظر املاک پهلوی در بنگاه جنگلها، عضو هیأت مدیره بنگاه جنگلها، معاون فنی عضو شورای عالی تهیهٔ طرحهای فنی و قائم مقام ریاست سازمان جنگلبانی (وزارت کشاورزی)، عضو هیأت امنای سازمان تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی، عضو شورای انتشارات و تبلیغات سازمان جنگلبانی، نمایندهٔ ملایر در دوره‌های ۲۱، ۲۲، ۲۳ و ۲۴ در مجلس شورای ملی،داوطلب نمایندگی دورهٔ هفتم مجلس سنا (۱۳۵۴ ش)، عضو احزاب ملیون و ایران نوین (مسئول حوزهٔ ۶۲) و عضو شورای مرکزی و هیأت اجرائی حزب رستاخیز و عضو انجمن ایرانی طرفدار حکومت متحده جهانی، کانون مهندسین ایران و باشگاه لاینز، که نشانهای کار، سپاس، اصلاحات ارضی، آموزش و پرورش، درجه ۳ همایون، بیست و پنجمین سال سلطنت شاه، تاجگذاری و بیست و پنجمین سدهٔ بنیانگذاری شاهنشاهی دریافت داشته است. از وی کتب و مقالات متعددی انتشار یافته است.

اسناد ساواک ـ پرونده انفرادی

۲ـ اشرف کامیاب (حاتمی) فرزند حیدر در سال ۱۳۱۰ ه‍ ش به دنیا آمد. او که دبیر سازمان زنان در شهرستان ملایر و عضو حزب رستاخیز بود، به مناسبت‌های مختلف با دفتر فرح مکاتبه می‌کرد.

۳ـ ابوالقاسم شاملو فرزند ابوالحسن در سال ۱۳۰۱ ه‍ ش در ملایر متولد شد. دوران ابتدایی را در دبستان پهلوی ملایر گذراند و سپس به تهران آمد و در دبیرستان‌های البرز و حقیقی درس خواند و در سال ۱۳۲۱ پس از اخذ دیپلم به دانشگاه تهران رفت و در سال ۱۳۲۴ از دانشکده حقوق فارغ‌التحصیل شد.

او که خانواده‌اش از ملاکین ملایر بودند و خود نیز به تبع آن از ملاکین عمده ملایر به شمار می‌رفت، در سال ۱۳۲۵ به حزب قوام‌السلطنه پیوست و به عنوان نایب رئیس حزب دمکرات ایران، فعال شد.

در مرحله‌ای به عنوان توده‌ای معرفی گردید و علی‌رغم اصرار ساواک بر سابقه توده‌ای او، با اعمال نفوذ از ارسال پرونده‌اش به دادگاه جلوگیری کرد.

از دیگر فعالیت‌های وی به موارد ذیل می‌توان اشاره کرد:

ریاست جمعیت شیروخورشید ملایر ـ ریاست کمیته حزب ملیون ملایر ـ عضویت در کمیته حزب ایران نوین ـ ریاست شورای خدمات درمانی ملایر ـ ریاست انجمن شهر ملایر ـ ریاست کانون شکار ملایر ـ عضو حزب رستاخیز.

ابوالقاسم شاملو که در بیست و چهارمین دوره مجلس شورای ملی کاندید انتخابات گردیده بود، ریاست ایل شاملو و همچنین ریاست انجمن استان همدان را به عهده داشت.

به : ۳۱۱ تاریخ : ۴۹/۱۰/۱۲

از : ۲۰ ه ۴ شماره : ۲۰/۲۵۹۲۶ ه ۴

موضوع : فراماسونری

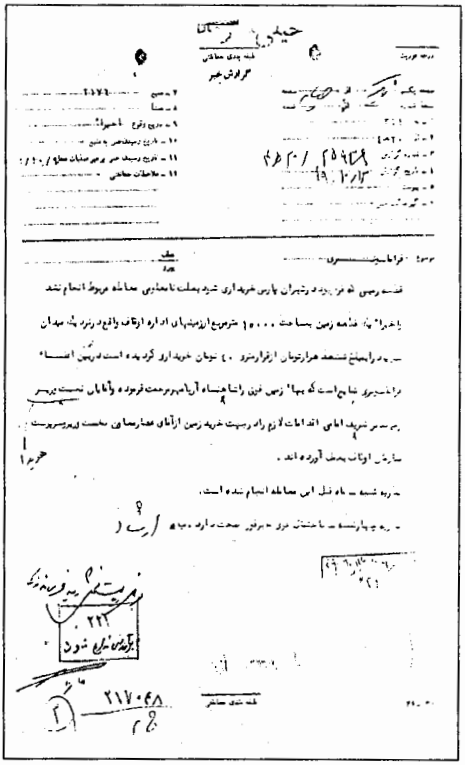

قطعه زمینی که قرار بود در تهران‌پارس خریداری شود به علت نامعلومی معامله مربوط انجام نشد و اخیراً یک قطعه زمین به مساحت ۱۵۰۰۰ متر مربع از زمینهای اداره اوقاف واقع در نزدیک میدان شهیاد را به مبلغ ششصد هزار تومان از قرار متری ۴۰ تومان خریداری گردیده است در بین اعضای فراماسونری شایع است که بهای زمین فوق را شاهنشاه آریامهر مرحمت فرموده و آقایان نخست‌وزیر و مهندس شریف‌امامی اقدامات لازم را در جهت خرید زمین از آقای عصار معاون نخست‌وزیر و سرپرست سازمان اوقاف بعمل آورده‌اند.

نظریه شنبه : ماه قبل این معامله انجام شده است.

نظریه چهارشنبه : به احتمال قوی خبر فوق صحت دارد. ارشاد

به عرض ریاست بخش رسید فرمودند ... اقدامی ندارد

۱۰/۱۵

تاریخ: ۱۳۴۹/۱۰/۱۹

گزارش[1]

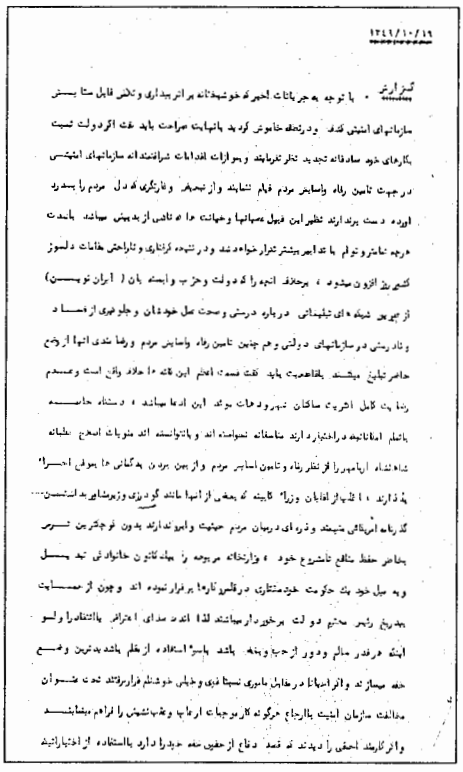

۱۳۴۹/۱۰/۱۹

تیمسار ... با توجه به جریانات اخیر که خوشبختانه بر اثر بیداری و تلاش قابل ستایش سازمانهای امنیتی کشف و در نطفه خاموش گردید با نهایت صراحت باید گفت اگر دولت نسبت به کارهای خود صادقانه تجدید نظر نفرمایند و به موازات اقدامات شرافتمندانه سازمانهای امنیتی در جهت تامین رفاه و آسایش مردم قیام ننمایند و از تبعیض و غارتگری که دل مردم را به درد آورده دست برندارند نظیر این قبیل عصیانها و خیانت‌ها که ناشی از بدبینی می‌باشد با شدت هر چه تمامتر و توام با تدبیر بیشتر تکرار خواهد شد و در نتیجه گرفتاری و ناراحتی مقامات دلسوز کشور روزافزون می‌شود، برخلاف آنچه راکه دولت و حزب وابسته به آن (ایران نوین) از طریق شبکه‌های تبلیغاتی درباره درستی و صحت عمل خودشان و جلوگیری از فساد و نادرستی در سازمانهای دولتی و هم چنین تامین رفاه و آسایش مردم و رضامندی آنها از وضع حاضر تبلیغ می‌کنند با قاطعیت باید گفت قسمت اعظم این گفته‌ها خلاف واقع است و عدم رضایت کامل اکثریت ساکنان شهر و دهات مؤید این ادعا می‌باشد، دستگاه حاکمه با تمام امکاناتی که در اختیار دارند متأسفانه نخواسته‌اند و یا نتوانسته‌اند منویات اصلاح‌طلبانه شاهنشاه آریامهر را از نظر رفاه و تامین آسایش مردم و از بین بردن بدگمانی‌ها به موقع اجرا بگذارند، اغلب از آقایان وزراء کابینه که بعضی از آنها مانند گودرزی[2] وزیر مشاور به داشتن گذرنامه امریکایی متهمند و ذره‌ای در میان مردم حیثیت و آبرو ندارند بدون کوچکترین ترس به خاطر حفظ منافع نامشروع خود، وزارتخانه مربوطه را به یک کانون خانوادگی تبدیل و به میل خود یک حکومت خودمختاری در قلمرو کارها برقرار نموده‌اند و چون از حمایت بی‌دریغ رئیس

محترم دولت برخوردار می‌باشند لذا اندک صدای اعتراض یا انتقاد را ولو اینکه هر قدر سالم و دور از حب و بغض باشد با سوءاستفاده از مقام با شدیدترین وضع خفه می‌سازند و اگر احیاناً در مقابل ماموری نسبتاً قوی و خیلی خوشنام قرار گرفتند تحت عنوان مخالفت سازمان امنیت با ارجاع هرگونه کار موجبات ارعاب و عقب‌نشینی را فراهم می‌نمایند و اگر کارمند احمقی را دیدند که قصد دفاع از حقوق حقه خود را دارد با استفاده از اختیاراتی که اخیراً برای سرکوبی و به خاک سیاه نشاندن خدمتگزاران صدیق و درستکار از مجلسین گرفته‌اند بلافاصله به تشکیل دادگاههای اداری مبادرت و با وارد نمودن اتهامات ناروا مامور مخالف را به سرنوشت شومی تا انفصال ابد از خدمت دولت گرفتار می‌کنند و از بودجه‌های سری با تطمیع جراید بر روی اعمال ناشایست و خلاف انسانیت سرپوش می‌گذارند و هر کار خلاف قانون را موجه جلوه می‌دهند، با کسب اجازه، و به طور خیلی فشرده نابسامانی و عدم توجه وزراء چند وزارتخانه را نسبت به امور محوله ذیلاً به عرض می‌رساند تا ملاحظه و تصدیق فرمایند عصبانیت مردم و بدبینی جامعه زیاد هم ارتباط با تحریکات خارجی پیدا نمی‌کند و سرچشمه ایجاد آشوبگری‌ها و ناراحتی‌ها و دسته‌بندی‌ها و سرانجام تمایل به خیانت و اجنبی‌پرستی و یا حداقل بی‌تفاوتی مردم ناشی از حس جاه‌طلبی و غارتگری و تبعیض و ستمگری ظالمانه بعضی از همکاران نزدیک رئیس دولت است لاغیر، وزارت بهداری که امر درمان و بهداشت ملتی را برعهده دارد وزیر آن آقای دکتر شاهقلی[۳] همراه با گروهی از تحصیل‌کرده‌های آمریکایی خود به قول خودش تیمی را تشکیل داده که در تمام اموری که به وی استفاده را بدهد ذینفع هستند و چون بی‌باکانه به سوءاستفاده‌های همه جانبه می‌پردازند به منظور آن که خلافکاریهای آنها بازگو نشود ناچارند

کجروی‌ها و سوءاستفاده‌های کوچکتر را نادیده بگیرند، نتیجتاً وضع بیمارستانهای دولتی به یک کشتارگاه رسمی تبدیل شده و بیمارستانهای غیردولتی که قسمت اعظم آنها با سرمایه تیم وابسته به خود شاهقلی بوجود آمده‌اند و هیئت مدیره آنها وابستگی مستقیم و خیلی خیلی نزدیک و دوستانه با اولیاء وزارت بهداری دارند و از درآمد سرشار اینگونه بیمارستانها سهمی نصیبشان می‌شود به صورت موسسه‌ای هستند که صاحب آن از یک محتکر بی‌وجدان حیوان صفت برترند، رسوایی در همین وزارت بهداری به قدری بالا گرفته که حتی از دادن (مِتادُن) برای ترک اعتیاد معتادان سیه‌روز و بدبختی که می‌خواهند از این گرفتاری نجات یابند به اطبایی که در ترک معتاد تخصص دارند و صلاحیت آنها را خود وزارت بهداری رسماً تایید نموده امتناع می‌ورزند و علتش این است که پنج نفر از دوستان شاهقلی که طبیب بیمارستان معتادین هم هستند در مطب شخصی خود از همان متادن سهمیه بیمارستان سوءاستفاده نموده و مریض شخصی را ویزیت می‌کنند و پول کلان می‌گیرند، با اینکه از طرف دکتر صالح سناتور و هم چنین از طرف چند طبیب خوشنام متخصص در ترک معتادین رسماً به این کار و این تبعیض اعتراض بعمل آمده معهذا شخص شاهقلی ترتیب اثری نداده‌اند حق هم دارند چون قراردادهایی با چند طبیب دارند و بدیهی است در صورتی که سهمیه‌ای برای دیگران معین کند مقرری او قطع می‌شود، موضوع دیگر سوءاستفاده و یا اختصاص دادن وامهایی است که به عنوان تأسیس بیمارستان خصوصی از دولت دریافت می‌کند، این وامها تمامش در اختیار تیم یا باند وابسته به خود او قرار می‌گیرد، موضوع مهمتر که شاید در تصدیق و تایید آن تردید به خودتان راه بدهید وارد نمودن داروهای غیرمجاز از خارج می‌باشد، خود شاهقلی و گاهی سایر

کسانی که با گذرنامه سیاسی به خارج رفت‌وآمد می‌کنند داروهای سنگین قیمت که باز به دستور خود ایشان به ایران وارد نمی‌شود و غیرمجاز تشخیص می‌دهند از طریق همان گذرنامه سیاسی و عدم تفتیش جامدان و سایر لوازمی که در اختیار دارند به ایران وارد و فقط در مطب‌های شخصی سه چهار نفر از بستگان و یاران شاهقلی به مصرف بیماران پولدار راحت‌طلب می‌رسد از جمله آمپولی است برای لاغری خانمهای چاق کار نداریم به اینکه به قول یکی از اطباء تهران (دکتر صاحب جمع) تزریق این آمپول تا به حال چند نفر خانم را دچار بیماریهای شدید علاج‌ناپذیر نموده و چه تلفاتی دربرداشته موضوع مهم قیمت آمپول است که هر دانه آن را به مبلغ ششصد هزار تومان از مریض پول دریافت می‌کنند و نظیر این نوع داروهای اختصاصی تیم شاهقلی زیاد است، مورد دیگر سهیم بودن خود و تیمش در کارخانجات داروسازی داخلی است، اگر به دقت بررسی شود جنایتی که این کارخانجات مرتکب می‌شوند از حد بیرون است و کار وقاحت و رسوایی آن قدر بالا گرفته که صاحبان کارخانجات داروسازی با دادن رشوه کلان خیال می‌فرمایید صد هزار تومان خیر ده ملیون تومان اول هر سال لیستی تهیه می‌کنند و آن لیست داروها راکه گاهی متضمن کشتارهای دسته جمعی است بدون آن‌که کسی متوجه شود و یا حتی مستخدم کارخانه‌ای مورد بازخواست قرار گیرد به تصویب شاهقلی و یا کمیته برگزیده شاهقلی می‌رسانند، اخیراً که صدای اعتراض اکثر از اطبا راجع به بی‌اثر بودن داروهای داخلی و همچنین عدم وجود بعضی از اقلام دارو که برای مریض ضروری است و به امر وزارت بهداری وارد نمی‌شود بلند شد، به طوری که یکی از مطلعین نقل می‌کرد به دستور شاهقلی مدیران کارخانجات با جلسه‌ای ترتیب دادند و ظاهراً از عدم درآمد و ورشکستگی خود مطالبی

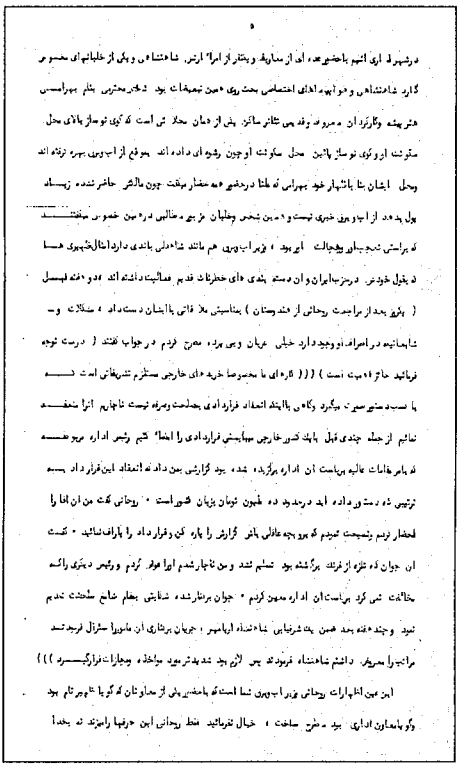

اظهار داشتند، در آن جلسه که جریان آن به تفصیل در اطلاعات و کیهان که خود این دو موسسه هم با همه غارتگران سهیم و شریک هستند و خطرشان از نظر وارونه جلوه دادن حقایق و دفاع از خلافکاران از سرطانی که این قدر در اطرافش جنجال می‌شود زیادتر است نوشته شد شخص شاهقلی هم شرکت داشت و صریحاً و رسماً پشت میز خطابه قرارگرفت و گفت (من به نام وزیر بهداری در این جلسه تعهد می‌کنم مدافع منافع شما باشم و با اطمینان کامل این تعهد مرا قبول کنید) به قول یکی از مدیران داروخانه‌ها می‌گفت اگر کسی وارد نباشد و به میزان تجاوز و غارتگری صاحبان کارخانجات داروسازی و به طورکلی کسانی که دارو به ایران وارد می‌کنند واقف نباشد خیال می‌کند شاهقلی، وزیر بهداری امریکا یا انگلستان است که این چنین بی‌پروا و بدون ملاحظه و شرم از افکار عمومی به دفاع از مشتی جنایتکار به نام سازنده و یا واردکننده دارو مبادرت می‌ورزد، مسلماً از عدم وجود پزشک و درمانگاه و در صورت وجود پزشک و درمانگاه از لحاظ عدم توجه و مراقبت و یا عدم حضور طبیب سر محل خدمت و تلفاتی که دامنگیر بیماران بیچاره و درمانده در تهران و شهرستانها و دهات می‌شود نیکو واقفید و اغلب شمه‌ای از آن راکه در حکم قطره در مقابل دریا است در جراید خوانده‌اید.

در وزارت آب و برق. همان طوری که بارها به عرض رسیده از طریق واگذاری آب و برق به محلات جدید (در تهران و شهرستانها) ملیونها تومان پول گرفته‌اند و شگفت‌آور اینجا است که اگر احیاناً محل جدیدی در پرداخت رشوه تعهد شده، تعلل کند و یا قسمتی از آن را نپردازد فوراً در مقام جمع‌آوری لوله‌های آب و تیرهای برق برمی‌آیند. در همین مسیر جاده مهرآباد، کن چندین محل جدید احداث شده آن عده از صاحبان اصلی که اولیاء وزارت آب و برق را تطمیع کرده‌اند

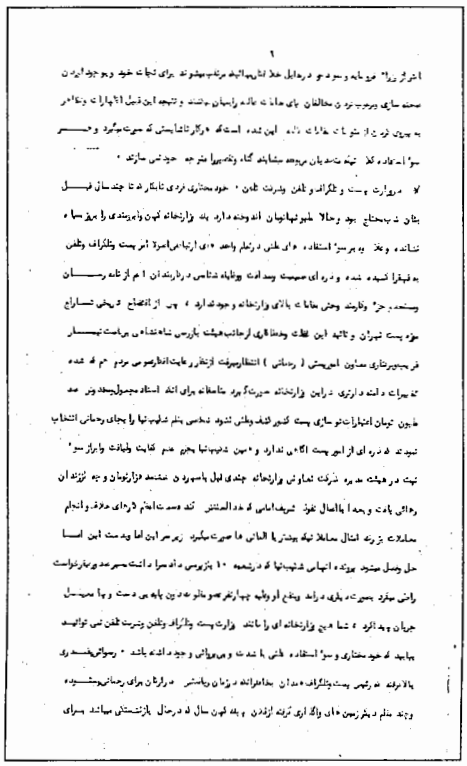

آب و برق آنها فوراً داده شده و آن عده که پولی نداده‌اند با وجود اعتراضات مکرر کوچکترین توجهی نشده و حتی اتهاماتی هم تحت عنوان زمین‌خوار و غیره شفاهاً و کتباً به اشخاص وارد نموده‌اند تنظیم‌کننده این گزارش در یکی از کمیسیونهای برگزاری جشنهای شاهنشاهی عضویت دارم چند شب قبل جلسه‌ای بود در شهرداری آن هم با حضور عده‌ای از معاریف و یک نفر از امرای ارتش شاهنشاهی و یکی از خلبانهای مخصوص گارد شاهنشاهی و هواپیماهای اختصاصی بحث روی همین تبعیضات بود شخص محترمی به نام بهرامی هنرپیشه و کارگردان معروف و قدیمی تئاتر ساکن یکی از همان محلاتی است که کوی نوساز بالای محل سکونت او و کوی نوساز پایین محل سکونت او چون رشوه‌ای داده‌اند به موقع از آب و برق بهره‌گرفته‌اند و محل ایشان بنا به اظهار خود بهرامی که علناً در حضور همه حضار می‌گفت چون مالکش حاضر نشده زیاد پول بدهد از آب و برق خبری نیست و همین شخص و خلبان مزبور مطالبی در همین خصوص می‌گفتند که به راستی تعجب‌آور و خجالت‌آور بود، وزیر آب و برق هم مانند شاهقلی باندی دارد امثال ظهیری‌ها که به قول خودش در حزب ایران و آن دسته‌بندی‌های خطرناک قدیم فعالیت داشته‌اند، دو هفته قبل (یک روز بعد از مراجعت روحانی از هندوستان) به مناسبتی ملاقاتی با ایشان دست داد، مشکلات و شایعاتی که در اطراف او وجود دارد خیلی عریان و بی‌پرده مطرح کردم در جواب گفتند (درست توجه فرمائید حائز اهمیت است) (((کارهای ما مخصوصاً خریدهای خارجی مستلزم تشریفاتی است که با کسب دستور صورت می‌گیرد و گاهی با اینکه انعقاد قراردادی به مصلحت و صرفه نیست ناچاریم آن را منعقد نمائیم از جمله چندی قبل با یک کشور خارجی می‌بایستی قراردادی را امضا کنیم رئیس اداره مربوطه که به امر مقامات

عالیه به ریاست آن اداره برگزیده شده بود گزارشی به من داد که انعقاد این قرارداد به ترتیبی که دستور داده‌اید در حدود ده ملیون تومان به زیان کشور است. روحانی گفت من آن آقا را احضار کردم و نصیحت نمودم که برو بچه عاقلی باش گزارش را پاره کن و قرارداد را پاراف نمائید. گفت آن جوان که تازه از فرنگ برگشته بود تسلیم نشد و من ناچار شدم او را عوض کنم و رئیس دیگری راکه مخالفت نمی‌کرد به ریاست آن اداره معین کردم. جوان برکنار شده شکایتی به مقام شامخ سلطنت تقدیم نمود و چند هفته بعد ضمن یک شرفیابی شاهنشاه آریامهر جریان برکناری آن مامور را سوال فرمودند مراتب را معروض داشتم شاهنشاه فرمودند پس لازم بود شدیدتر مورد مواخذه و مجازات قرار گیرد)))

این عین اظهارات روحانی وزیر آب و برق شما است که با حضور یکی از معاونان که گویا ظهیر نام بود وگویا معاون اداری بود مطرح ساخت، خیال نفرمائید فقط روحانی این حرفها را می‌زند نه به خدا اکثر از وزراء فرومایه و سودجو در مقابل خلافکاریهایی که مرتکب می‌شوند برای نجات خود و بوجود آوردن صحنه‌سازی و مرعوب کردن مخالفان پای مقامات عالیه را به میان می‌کشند و نتیجه این قبیل اظهارات و تظاهر به پیروی کردن از منویات مقامات عالیه این شده است که هر کار ناشایستی که صورت می‌گیرد و هر سوءاستفاده کلانی که متصدیان مربوطه می‌نمایند گناه و تقصیر را متوجه خود نمی‌سازند.

در وزارت پست و تلگراف و تلفن و شرکت تلفن. خودمختاری فردی نابکار که تا چند سال قبل به نان شب محتاج بود و حالا ملیونها تومان اندوخته دارد یک وزارتخانه کهن و آبرومندی را به روز سیاه نشانده و علاوه بر سوءاستفاده‌های علنی در تمام واحدهای ارتباطی اصولاً امر پست و

تلگراف و تلفن به قهقرا کشیده شده و ذره‌ای صمیمیت و صداقت و وظیفه‌شناسی در کارمندان اعم از نامه‌رسان و مستخدم جزء و کارمند و حتی مقامات بالای وزارتخانه وجود ندارد، پس از افتضاح تاریخی تاراج موزه پست تهران و تایید این غفلت و خطاکاری از جانب هیئت بازرسی شاهنشاهی به ریاست تیمسار قریب و برکناری معاون امور پستی (رحمانی) انتظار می‌رفت از نظر رعایت افکار عمومی مردم هم که شده تغییرات دامنه‌دارتری در این وزارتخانه صورت گیرد متأسفانه برای آنکه اسناد مجعول و مخدوش صد ملیون تومان اعتبارات نوسازی پست کشور کشف و علنی نشود شخصی به نام شکیب‌نیا[۴] را به جای رحمانی انتخاب نمودند که ذره‌ای از امور پست آگاهی ندارد و همین شکیب‌نیا به جرم عدم کفایت و لیاقت و ابراز سوءنیت در هیئت مدیره شرکت تعاونی وزارتخانه چندی قبل با سپردن ششصد هزار تومان وجه از زندان رهائی یافت و بعداً با اعمال نفوذ شریف‌امامی که خدا لعنتش کند قسمت اعظم کارهای خلاف و انجام معاملات بزرگ امثال معاملاتی که بیشتر با آلمانی‌ها صورت می‌گیرد زیر سر این آقا و به دست این آقا حل و فصل می‌شود پرونده اتهامی شکیب‌نیا که در شعبه ۱۰ بازپرسی دادسرا داشت مسیر صدور کیفرخواست را طی می‌کرد به صورت دیگری درآمد و به نفع او و علیه چهار نفر عضو مفلوک دون پایه بی‌دست و پا معیل جریان پیدا کرد، شما هیچ وزارتخانه‌ای را مانند وزارت پست و تلگراف و تلفن و شرکت تلفن نمی‌توانید بیابید که خودمختاری و سوءاستفاده علنی با شدت و بی‌پروایی وجود داشته باشد. رسوایی به قدری بالا گرفته که رئیس پست و تلگراف همدان به خاطر آن که در زمان ریاستش در گرگان برای رحمانی و ستوده و چند مقام دیگر زمین‌های واگذاری گرفته از فلان پیک کهنسال که در حال بازنشستگی می‌باشد برای استخدام

فرزندش به جای خود دو حلب روغن اخاذی نموده و ذیل همان نامه‌ای که به منزله تقاضای ارجاع شغل بوده و تقدیم دو حلب را روغن را اعلام داشته دستور پیشنهاد به مرکز را صادر کرده است، در اکثر از ادارات تهران و شهرستانها وضع بدین منوال است، شخصی به نام خاکزادی با سمت مدیرکلی خطوط سالها است علناً به سوءاستفاده اشتغال دارد تا به حال چند نفر بر اثر عدم پرداخت رشوه به این شخص و ایجاد مزاحمت برای آنها خودکشی به وسیله بنزین و غیره نموده‌اند و خانواده‌ها دربدر شده و بچه‌های معصوم و زبان بسته بی‌پدر گردیده‌اند (در این باره مدارک و پرونده‌های زنده و غیرقابل انکار موجود است) ولی چون قبل از روی کار آمدن ستوده در وزارت پست و تلگراف و به هنگامی که ستوده رئیس کارخانه ونک بود سندی را به مبلغی در حدود دو ملیون تومان خریدهای فنی ازکارخانه ونک جعل و به حساب گذاشت و در امر دزدی و قساوت و بی‌باکی تقریباً نظیر ندارد امروز همه‌کاره وزارتخانه و حتی یک مامور کوچک را بدون جلب موافقت پنهانی او به‌کاری نمی‌گمارند مبادا باند مخالف ازکارهای خلاف آنها اطلاعاتی بدست آورند چندی قبل به خاطر آنکه دادگاه اداری و رئیس اداره حقوقی (درخشان) چند نفر از بستگان همین خاکزادی راکه ملیونها ریال اختلاس نموده بودند از جمله سلیمانی نام رئیس پست و تلگراف و تلفن زاهدان تبرئه کردند علاوه بر دادن پنجاه هزار ریال پاداش از محل سری و بیست هزار ریال از بودجه وزارتخانه به هر یک از آنها موجباتی فراهم نمود تا درخشان رئیس اداره حقوقی در انجام دو معامله زمین‌های مجاور کاخ مخابرات واقع در توپخانه با سندسازی وگزارش خلاف واقع چند ملیون ریال سوءاستفاده کند و سپس برای آنکه افتضاح تاراج موزه پست بیشتر از این بالا نکشد همان آقای درخشان را به مدیریت کل پست

کشور برگزیدند و شخصی به نام فیروزآبادی را که مامور خرید زمین‌های مجاور کاخ مخابرات بود و تسلیم نظرات خاکزادی و درخشان نمی‌شد از کار برکنار نمودند و این شخص گزارشات خود را به صورت یک جزوه منتشر نموده که یک نسخه آن ضمیمه[5] است تا به میزان جسارت این آقایان واقف شوید.

در اداره اوقاف تهران و شهرستانها فعل و انفعالاتی زیاد صورت گرفته تا حدی که بازرسی شاهنشاهی هیئتی برای رسیدگی مامور نمود و با وجود اعمال نفوذ گویا موارد مختلفی از خلافکاریها راکشف کردند ولی حمایت شخص رئیس محترم دولت از عصار[6] موجب شد پرونده و حتی بازرسی متوقف و به طورکلی بایگانی شود و آمدند برای آنکه گزارشی به نفع عصار به شرف عرض برسانند هیئتی از اعضای وزارت امور خارجه را مامور نمودند به‌کارهای اوقاف در تهران و شهرستانها سرکشی کنند خبر اعزام این هیئت هم به جراید داده شد و همه خوانندگان متعجب شدند هیئت انتخابی از طرف وزارت خارجه برای اوقاف چه معنی و مفهومی را دارد در باطن نظر این بودگزارش هیئت را از طریق جناب آقای اردشیر زاهدی که مورد اعتماد و طرف توجه مخصوص هستند به عرض برسانند خود آقای نخست‌وزیر هم مقارن اعزام هیئت بازرسی شاهنشاهی به منظور وانمودکردن طرف توجه بودن عصار چند سمینار در اوقاف تهران تشکیل داد و شخصاً در آن سمینارها شرکت فرمودند و سخنرانی هایی به دفاع از عصار ایرادکردند و نتیجه این شد آن دسته از ماموران و اشخاص مختلف دیگر که به نحوه تقلبات و فعل و انفعالات وارد بودند از ترس گزارشی ندهند و اطلاعات خودشان را در اختیار مامورین تفحص نگذارند.

در وزارت آموزش و پروش،، یک باند متحد و متفق روی‌کار آمده که قسمت مهم نقل و انتقالات و

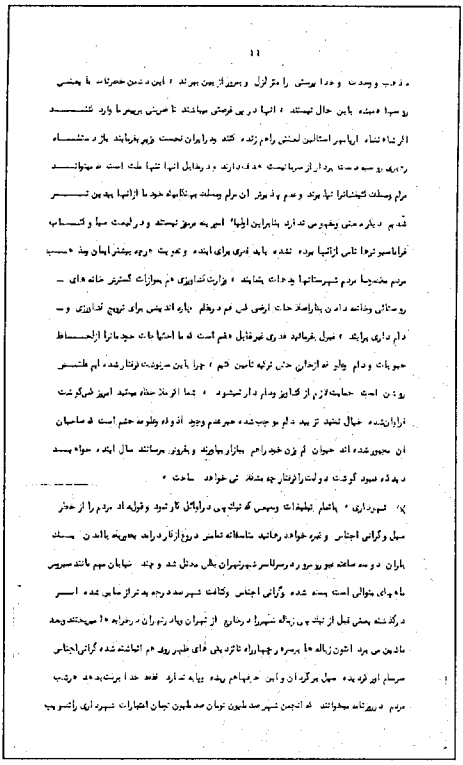

صدور امتیاز مدارس ملی را در اختیار گرفته‌اند و در نتیجه در یک سازمان آموزشی به جای گسترش وحدت و عصبیت حس بدبینی و نفاق حکمفرمایی می‌کند و وظایف محوله با حسن نیت و دلسوزی صورت نمی‌گیرد وضع مدیریت صفر است و از نظر تکمیل نبودن کادر معلم ناله و فریاد اطفال و اولیاء آنها به آسمان بلند است و نسبت به هر تجاوزی از طرف مدارس ملی و یا عدم مراقبت وکمبود معلم و دبیر اعتراضی بشود همان باند می‌گویند چون وضع زیاد خوب نیست باید مدارا و مماشات کرد و حال آن که اگر یک مدرسه ملی باکمک اولیاء وزارت آموزش و پرورش (اکثر از صاحبان اینگونه مدارک [مدارس] اصولاً کارمند وزارت آموزش و پرورش هستند) پول زیاد گرفت و در مقابل معلم و دبیر نداشت و یا کودکستان او شبیه به یک طویله بود و یا مدرسه دولتی نواقصی داشت چه ربطی به اوضاع متشنج دارد که مدارا و مماشات را به رخ مردم می‌کشند. در وزارت اصلاحات ارضی، با اینکه وزیر آن جناب ولیان ظاهراً خیلی فعالیت از خود نشان می‌دهند و مرتباً در مسافرت به منظور سرکشی هستند ولی متأسفانه راندمان کار معلوم نیست چرا مطلوب نظر کشاورزان قرار نمی‌گیرد، اصولاً بر اثر دگرگونی مطالعه نشده، در زندگی دهقانی که تا چند سال قبل نان خالی به زحمت پیدا می‌کردند و حالا به علت گرفتن وامهای مختلف از بانکهای گوناگون به یک زندگی نسبتاً تجملی و نو پرداخته‌اند و امر ترویج کشاورزی را نادیده انگاشته‌اند و با همان وامهای دریافتی به سیر و سیاحت و زیارت و از این کارها مشغول شده‌اند به طوری که ملاحظه می‌فرمایید زائران حج هر سال از سال پیش زیادتر می‌شود و این افزونی ارتباط با درآمد سرانه آنها ندارد و از طریق دریافت وام از بانکهایی امثال صادرات. عمران. کشاورزی و غیره این ولخرجی‌ها صورت می‌گیرد و به طوری که عملاً

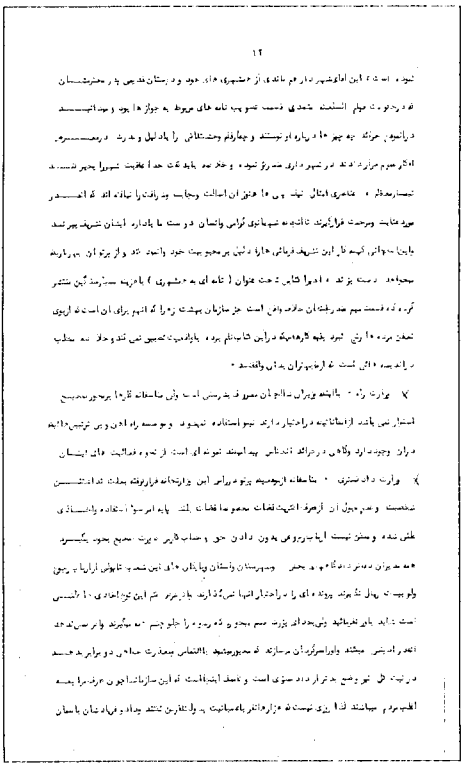

مشاهده می‌شود مجبور هستیم حتی علوفه را هم از خارج وارد نمائیم و اگر با یک تدبیر خاص به این وضع خاتمه داده نشود به طور مسلم از اصلاحات ارضی به نحو رضایت‌بخش بهره‌برداری نخواهد شد و سطح کشت و زندگی دهقانی به مرور ضعیف شده و روزی از بین خواهند رفت، قاعدتاً این وظیفه دولت است که اولاً اجازه ندهند این همه بانک در قراء و قصبات تأسیس و به کشاورزان وام بدهند و اگر بانک معینی هم وامی می‌دهد گیرنده وام را موظف و مقید سازد که در امر کشاورزی به مصرف برساند و مهمتر آن که تعهدی بگیرند که در مقابل وام جنس از قبیل گندم جو و غیره تحویل بدهند نه پول و خود دولت آن اجناس را ولو این که مبلغی هم ضرر بکند در بازار آزاد بفروشد ثانیاً دولت بایستی در هر منطقه ترویج و تولید کشاورزی را اول هر سال زراعی معین کند و ماموران مربوطه دور از جانبداری بررسی نمایند اگر واقعاً کشاورزی محتاج وام است به بانک دستور پرداخت پول بدهند، شما بروید دهات ملاحظه خواهید کرد که در هر قریه‌ای که سی چهل نفر حتی سکونت دارند دو سه شعبه بانک باز شده و با گرفتن سفته و سند هر مبلغ بخواهند به آنها پول با بهره سنگین می‌دهند و همین موضوع باعث از پای درآمدن کشاورزان شده و اگر قویاً و سریعاً جلو آن گرفته نشود به کلی از هستی ساقط خواهند شد و به مراتب از زمان قبل از اصلاحات ارضی فقیرتر می‌شوند ثالثاً بکوشند زندگی دهقانی همان رنگ سابق خود را حفظ کند واز رخنه زندگی تجملی و دخترهای مینی‌ژوپ‌پوش در قریه جلوگیری نمایند، ما چند صد سال دهقان را در بدترین و سخت‌ترین شرایط زندگی اداره کرده‌ایم و حالا بدون در نظر گرفتن اثرات نامطلوب آن می‌خواهیم این قبیل دهقانان را با یک زندگی ظاهرفریب آشنا سازیم، برای آنها تلویزیون ببریم.

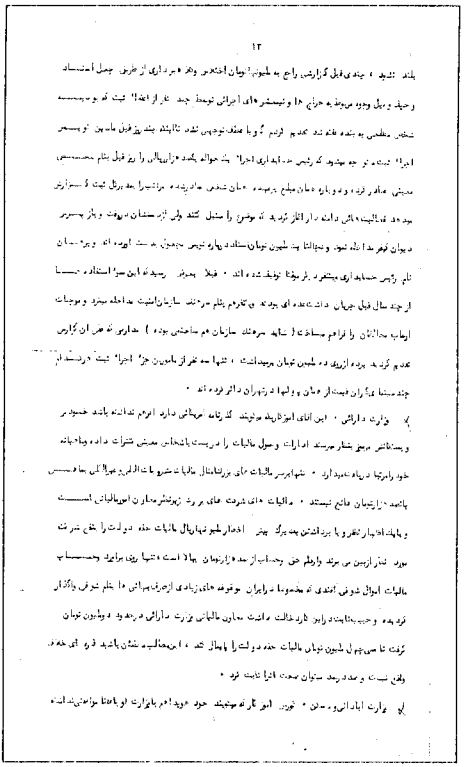

جینالولو و امثال آن را لخت و عریان نشان بدهیم یا فیلم‌هایی از قبیل آدم‌کشی و غیره در پرده تلویزیون ظاهر سازیم این حقیقت را نمی‌توان کتمان کرد که به علت عدم رشد فکری این گروه و نداشتن دستگاه تبلیغاتی اصیل و مردم‌پسند اثرات نامطلوب به بار خواهد آورد، مثلاً همین سپاهی دختر مسلماً فکر بسیار خوبی است و باید زن و مرد ایرانی هم مانند سایر کشورهای مترقی در هم‌آمیخته شوند و از وجود یکدیگر بهره‌برداری سالم بنمایند ولی برای ما از جهاتی قدری زود است و منظور نهائی حاصل نمی‌شود، ساکنان دهاتی که هنوز سراپای وجودشان از کثافت حیوانات پر است و از لحاظ افکار جدید و عقیده مذهبی دارای تعصبات خشک و بعضی مواقع نابجا هستند اعزام دختر سپاهی به این قبیل دهات و دخالت دخترها در زندگی آنها چند معایب دارد که ممکن است از نظرها پنهان مانده باشد و اگر هم پنهان نباشد برای آن که وانمود کنند برنامه‌ها یکی پس از دیگری به نحو احسن انجام گرفته سخنی به میان نیاورده‌اند، آمده‌اند برای فلان قریه سپاهی دختر اعزام داشته‌اند، این سپاهی دختر که در سنین جوانی و آماده عصیان و طغیان و حتی انحراف از هر حیث می‌باشد با موئی مرتب، دامنی کوتاه بالای زانو، صورتی توالت شده و با استعمال عطر و غیره در میان خانواده‌هایی ظاهر می‌شود که خانم آن سراپایش پر است از کثافت حیوانات، موئی ژولیده و قیافه‌ای زننده دارد دخترانش نیز به همین حال از صبح تا شب در کنار سایر اعضای خانواده باگاو و گوسفند و طویله [و] این حرفها سروکار دارند، شوهر چنین زنی ولو هر قدر پیر و از کارافتاده هم باشد وقتی آن دختر مینی‌پوش را مشاهده می‌کند و با زنش مقایسه می‌نماید یک حس نفرت و انزجار نسبت به خانواده در او بوجود می‌آید دختر این خانواده وقتی دختر سپاهی را می‌بیند به خود فکر

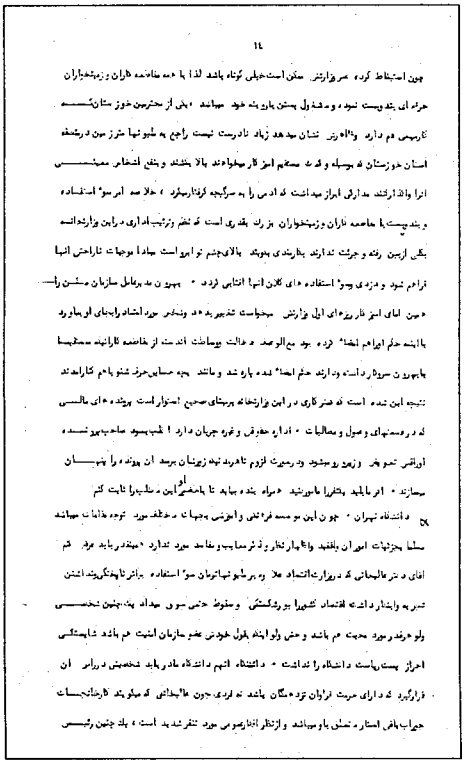

می‌کند من در مقابل این دختر چه حیوانی هستم علاوه بر این که از کار روزانه دلسرد می‌شود بعید هم نیست افکار شیطانی او را بفریبد و یک معجون هفت خطی از کار بیرون آید و اگر راه انحراف را پیش نگیرد حداقل در زندگی بی‌علاقه و بی‌تفاوت می‌شود، پسران دهکده به طورکلی نیز به حکم جوانی و داشتن تمایلات جنسی به جای کارکردن در مزرعه مرتباً در تعقیب و ورانداز و فکر این دختر خانم سپاهی هستند و نظیر آن را اینجانب بسیار دیده‌ام شاید به ظاهر وجود چنین سپاهی مفید تشخیص داده شده ولی هرگز به عواقب شوم آن توجه نکرده‌اند و از نظر دوراندیشی و حفظ سنت‌ها و شعائر مذهبی ساکنان دهات باید در این خصوص توجه زیادتر مبذول گردد مضافاً به اینکه هر کشوری برای ثبات و دوام و بقا خود و مقابله با دشمنان خارجی باید در درجه اول پایه ایمان مردم را محکم کند نه اینکه با گسیل دادن سپاهی دختر و اعزام مشتی جوان بی‌تجربه و عصیانگر به نام فرماندار و بخشدار و غیره و اضافه شدن تبلیغات زهرآگین دشمنان کشور که مرتباً با شبکه‌های تبلیغاتی خود سرتاسر مملکت را در اختیار گرفته و از بی‌دینی ما حرف می‌زنند اساس مذهب و وحدت و خداپرستی را متزلزل و به مرور از بین ببرند، این دشمن خطرناک ما یعنی روسها همیشه به این حال نیستند، آنها در پی فرصتی می‌باشند تا ضربتی بر پیکر ما وارد کنند اگر شاهنشاه آریامهر استالین[۷] لعنتی را هم زنده کنند و در ایران نخست‌وزیر بفرمایند باز دستگاه رهبری روسیه دست‌بردار از سر ما نیست هدف دارند و در مقابل آنها تنها ملت است که می‌تواند مرام و مسلک کثیفشان را نپذیرند و عدم پذیرش آن مرام و مسلکت به هنگامی که خود ما از آنها بی‌دین‌تر شدیم دیگر معنی و مفهومی ندارد بنابراین اولیای اموری که مرموز نیستند و در لیست سیا و کتاب فراماسیونرها نامی از آنها برده نشده باید فکری برای

آینده و تقویت هر چه بیشتر ایمان و مذهب مردم مخصوصاً مردم شهرستانها و دهات بنمایند، وزارت کشاورزی هم به موازات گسترش خانه‌های روستایی و خاتمه دادن به کار اصلاحات ارضی کمی هم در مقام چاره‌اندیشی برای ترویج کشاورزی و دامداری برآیند، قبول بفرمائید قدری غیرقابل هضم است که ما احتیاجات خودمان را از لحاظ حبوبات و دام و علوفه از خارج حتی ترکیه تامین کنیم، چرا به این سرنوشت گرفتار شده‌ایم علتش روشن است حمایت لازم از کشاورز و دامدار نمی‌شود، شما اگر ملاحظه می‌کنید امروز کمی گوشت فراوان شده خیال نکنید تزیید دام موجب شده خیر عدم وجود آذوقه و علوفه حشم است که صاحبان آن مجبور شده‌اند حیوان کم وزن خود را هم به بازار بیاورند و به فروش برسانند سال آینده خواهید دید که کمبود گوشت دولت را گرفتار چه مشکلاتی خواهد ساخت.

شهرداری. با تمام تبلیغات وسیعی که نیک‌پی در اوایل کار نمود و قول داد مردم را از خطر سیل و گرانی اجناس و غیره خواهد رهانید متأسفانه تمامش دروغ از کار درآمد به طوری که با آمدن یک باران دو سه ساعته عبور و مرور در سرتاسر شهر تهران به‌کلی مختل شد و چند خیابان مهم مانند سیروس ماههای متوالی است بسته شده و گرانی اجناس و کثافت شهر صد درجه بدتر از سابق شده اگر در گذشته یعنی قبل از نیک‌پی زباله شهر را در خارج از تهران و یا در تهران در خرابه‌ها می‌ریختند و بعد ماشین می‌برد اکنون زباله‌ها بر سر هر چهارراه تا نزدیکی‌های ظهر روی هم انباشته شده گرانی اجناس سرسام‌آور گردیده، سیل برگردان و این حرفها هم ریشه و پایه ندارد فقط خدا برکت بدهد هر شب مردم در روزنامه می‌خوانند که انجمن شهر صد ملیون تومان صد ملیون تومان اعتبارات شهرداری را تصویب نموده است، این آقای شهردار هم باندی از

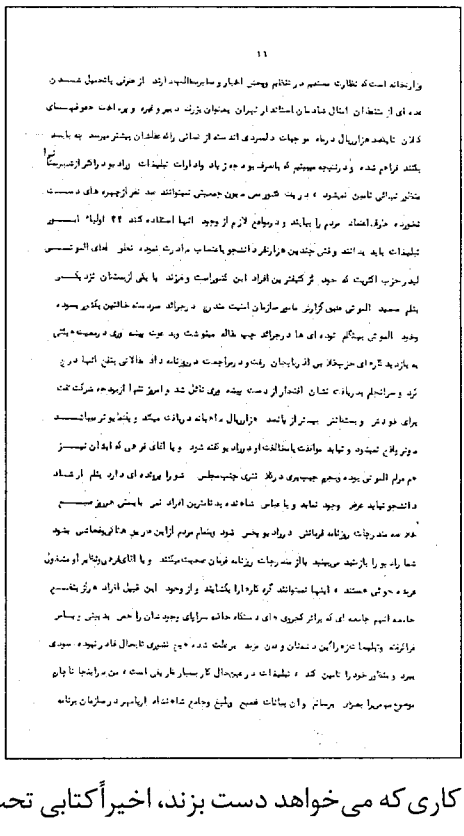

همشهری‌های خود و دوستان قدیمی پدر محترمشان که در حکومت قوام‌السلطنه متصدی قسمت تصویب‌نامه‌های مربوط به جوازها بود و می‌دانید در آن موقع جرائد چه چیزها درباره او نوشتند و چه ارقام وحشتناکی را با دلیل و مدرک در معرض افکار عموم قرار دادند در شهرداری متمرکز نموده و خلاصه باید گفت خدا عاقبت شهر را به خیر کند تیمسار معظم، عناصری امثال نیک‌پی‌ها هنوز آن اصالت و نجابت و شرافت را نیافته‌اند که آن قدر مورد عنایت و مرحمت قرار گیرند تا آنجا که شهبانوی گرامی و انسان‌دوست ما به اداره ایشان تشریف ببرند و این اصفهانی کهنه کار این تشریف‌فرمایی‌ها را دلیل بر محبوبیت خود وانمود کند و از پرتو آن به هر کاری که می‌خواهد دست بزند، اخیراً کتابی تحت عنوان (نامه‌ای به همشهری) با هزینه بسیار سنگین منتشر کرده که قسمت مهم مندرجات آن خلاف واقع است جز سازمان بهشت زهرا که آن هم برای آن است که از بوی تعفن مرده‌ها رنج نبرد بقیه کارهایی که در این کتاب نام برده با واقعیت تطبیق نمی‌کند و خلاصه مطلب در اندیشه هایی است که از ما بهتران بدان واقفند.

وزارت راه. با اینکه وزیر آن شالچیان معروف به درستی است ولی متأسفانه کارها بر محور صحیح استوار نمی‌باشد از امکاناتی که در اختیار دارند نیکو استفاده نمی‌شود و موسسه راه‌آهن و بی‌ترتیبی‌هایی که در آن وجود دارد و گاهی در جراید انعکاس پیدا می‌کند نمونه‌ای است از نحوه فعالیت‌های ایشان : وزارت دادگستری. متأسفانه از موقعی که پرتو در راس این وزارتخانه قرار گرفته به علت نداشتن شخصیت و عدم قبول آن از طرف اکثریت قضات مخصوصاً قضات بلندپایه امر سوءاستفاده و اخاذی علنی شده و ممکن نیست ارباب رجوعی بدون دادن حق وحساب کارش صورت صحیح به خود بگیرد همه مدیران دفاتر دادگاههای بخش و شهرستان و

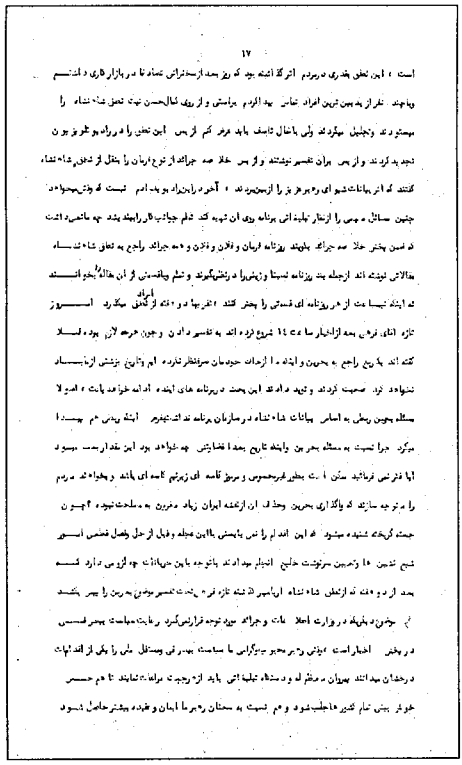

استان و بایگانی‌های این شعب تا پولی از ارباب رجوع ولو بیست ریال نگیرند پرونده‌ای را در اختیار آنها نمی‌گذارند و اگر عرض کنم این نوع اخاذی‌ها علنی است شاید باور نفرمائید ولی به خدای بزرگ قسم می‌خورم که رشوه را جلو چشم همه می‌گیرند و اگر کسی ندهد آن قدر اذیتش می‌کنند و او را سرگرم می‌سازند که مجبور می‌شود با التماس و معذرت خواهی دو برابر بدهد در ثبت کل نیز وضع بدتر از دادگستری است و تأسف اینجا است که این سازمانها چون طرف مراجعه اغلب مردم می‌باشند لذا روزی نیست که هزارها نفر با عصبانیت به دولت نفرین نکنند و داد و فریادشان به آسمان بلند نشود، چندی قبل گزارشی راجع به ملیونها تومان اختلاس و کلاه‌برداری از طریق جعل اسناد و حیف و میل وجوه مربوط به حراج‌ها و نیمعشرهای اجرایی توسط چند نفر از اعضای ثبت که به وسیله شخص مطلعی به بنده گفته شد تقدیم کردم گویا عطف توجهی نشد تا این که چند روز قبل ماشین نویس اجرا ثبت متوجه می‌شود که رئیس حسابداری اجرای یک حواله یک صد هزار ریالی را روز قبل به نام شخص معینی صادر کرده و دوباره همان مبلغ بر عهده همان شخص صادر شده مراتب را به مدیرکل ثبت گزارش می‌دهد فعالیت هایی دامنه‌دار آغاز گردید که موضوع را سنبل کنند ولی از دستشان در رفت و بازپرس دیوان کیفر مداخله نمود و عجالتاً یک ملیون تومان اسناد دوباره نویس مجعول بدست آورده‌اند و برهان نام رئیس حسابداری و یک نفر دیگر موقتاً توقیف شده‌اند. قبلاً به عرض رسید که این سوءاستفاده‌ها از چند سال قبل جریان داشت عده‌ای بودند و یک نفر هم به نام سرهنگ سازمان امنیت مداخله می‌کرد و موجبات ارعاب مخالفان را فراهم می‌ساخت (شاید سرهنگ‌سازمان هم ساختگی بوده) مدارکی که طی آن گزارش تقدیم گردید پرده از روی ده

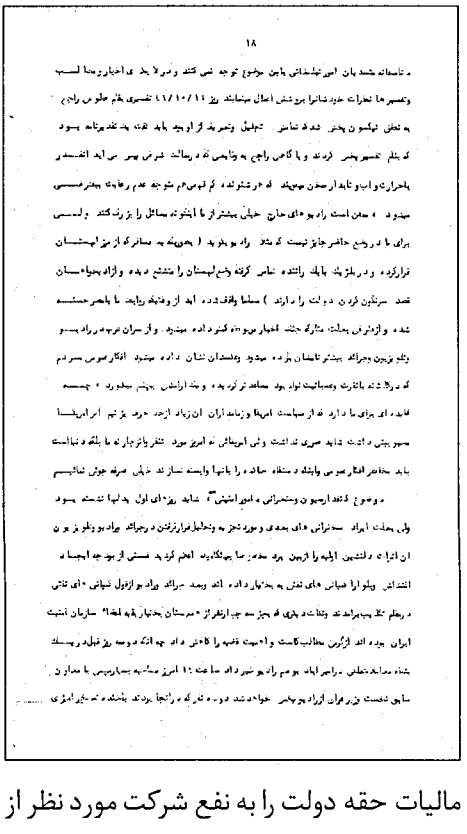

مـلیون تـومان بـرمی‌داشت، تـنها سـه نـفر از مـامورین جـزء اجـراء ثـبت هـر کـدام چـند سینمای گران قیمت از همان پـولها در تـهران دائر کرده‌اند.

وزارت دارائی، این آقای آموزگاری که می‌گویند گذرنامه آمریکایی دارد اگر هم نداشته باشد خودش و بستگانش مرموز به نظر مـی‌رسند ادارات وصـول مـالیات را دربست بـه اشـخاص معینی کـنترات داده و مـاهیانه خـود را مـرتباً دریافت می‌دارد. تنها بر سر مالیات‌های بزرگ امثال مالیات مشروبات الکلی و غیرالکـلی بـه مـاهی پـانصد هـزار تـومان قـانع نـیستند. مالیات‌های شرکت‌های بزرگ زیر نظر مـعاون امـور مـالیاتی است و بـا یک اظـهارنظر و یـا برداشتن یک برگ پیش اخطار مـلیونها ریـال مالیات حقه دولت را به نفع شرکت مورد نظر از بین می‌برند و ارقام حـق و حسـاب از صـدهزار تومان به بالا است، تنها روی برآورد و حساب مالیات اموال شوقی افندی که مخصوصاً در ایران موقوفه‌های زیادی از طرف بهائی‌ها به نام شوقی واگذار گردیده و حبیب ثابت در این کار دخالت داشت معاون مالیاتی وزارت دارائی در حدود دو ملیون تومان گرفت تا سی چهل ملیون تومان مالیات حقه دولت را پایمال کـند، ایـن مـطالب مـطمئن بـاشید ذره‌ای خـلاف واقـع نـیست و صددرصد می‌توان صحت آن را ثابت کرد.

وزارت آبادانی و مسکن، کورس آموزگار[۸] که می‌گویند خود هویدا هم با وزارت او باطناً موافقتی نداشته چون استنباط کرده عمر وزارتش ممکن است خیلی کوتاه باشد لذا با همه مقاطعه کاران و زمـینخواران حـرفه‌ای بـندوبست نـموده و مشغول بستن باروبنه خود مـی‌باشد، یکـی از محترمین خوزستان که کار مهمی هم دارد و ظاهرش نشان می‌دهد زیاد نادرست نیست راجع به ملیونها متر زمـین در مـنطقه اسـتان خـوزستان کـه بـه وسـیله و کـمک مسـتقیم آمـوزگار

می‌خواهند بالا بکشند و به نفع اشخاص معینی آن را واگذار کنند مدارکی ابراز می‌داشت که آدمی را به سرگیجه گرفتار می‌کرد، خلاصه امر سوءاستفاده و بندوبست با مقاطعه کاران و زمینخواران بزرگ به قدری است که نظم و ترتیب اداری در این وزارتخانه به‌کلی از بین رفته و جرأت ندارند به کارمندی بگویند بالای چشم تو ابرو است مبادا موجبات ناراحتی آنها فراهم شود و دزدی و سوءاستفاده‌های کلان آنها آفتابی گردد. بهرون مدیرعامل سازمان مسکن را همین آقای آموزگار روزهای اول وزارتش می‌خواست تغییر بدهد و شخص مورد اعتماد را به جای او بیاورد با اینکه حکم او را امضا کرده بود مع‌الوصف دخالت و وساطت آن دسته از مقاطعه کارانی که مستقیماً با بهرون سروکار داشته و دارند حکم امضا شده پاره شد و مانند بچه حسابی حرف شنو با هم کنار آمدند نتیجه این شده است که کمتر کاری در این وزارتخانه بر مبنای صحیح استوار است پرونده‌های مالی که در قسمتهای وصول و مطالبات. اداره حقوقی و غیره جریان دارد اغلب به سود صاحبان پرونده اوراقش تعویض و زیرورو می‌شود و در صورت لزوم تا هر مدتی که زورشان برسد آن پرونده را پنهان می‌سازند. اگر مایلید یک نفر را مامور کنید همراه بنده بیاید تا با حضور او این مطلب را ثابت کنم.

دانشگاه تهران. چون این موسسه فرهنگی و آموزشی به جهات مختلف مورد توجه مقامات می‌باشد مسلماً به جزئیات امور آن واقفید و اظهارنظر و ذکر معایب و مفاسد مورد ندارد همین قدر باید عرض کنم آقای دکتر عالیخانی که در وزارت اقتصاد علاوه بر ملیونها تومان سوءاستفاده بر اثر ناپختگی و نداشتن تجربه و ابتکار داشت اقتصاد کشور را به ورشکستگی و سقوط حتمی سوق می‌داد یک چنین شخصی ولو هر قدر مورد محبت هم باشد و حتی ولو اینکه به قول

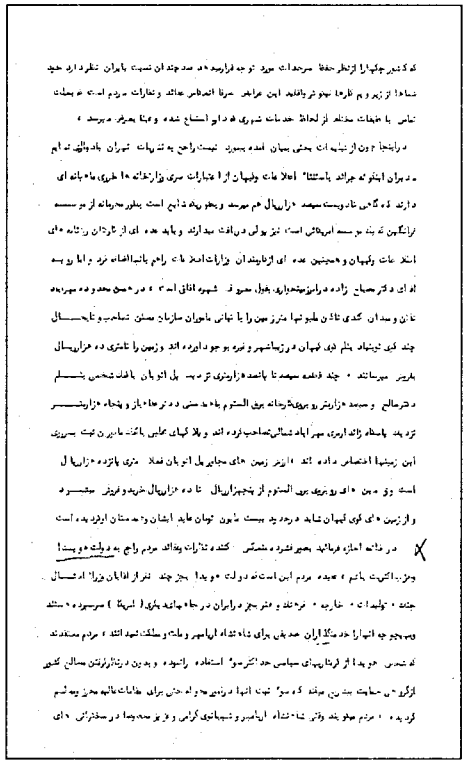

خودش عضو سازمان امنیت هم باشد شایستگی احراز پست ریاست دانشگاه را نداشت. دانشگاه آن هم دانشگاه مادر باید شخصیتی در راس آن قرار گیرد که دارای حرمت فراوان نزد همگان باشد نه فردی چون عالیخانی که می‌گویند کارخانجات جوراب‌بافی استار متعلق به او می‌باشد و از نظر افکار عمومی مورد تنفر شدید است، یک چنین رئیس ناچار است همکاران خود را از میان کسانی انتخاب کند که میزان اعتبار و ارزش معنوی او چندان تفاوتی با خودش نداشته باشد و از لحاظ فرمانبرداری و اطاعت کورکورانه از انجام هر کار و اقدام ناشایستی مضایقه ننماید، ممکن است در دانشگاههای کشورهای مترقی کسانی که کرسی‌های استادی در دانشگاه احراز کرده‌اند از طبقه خیلی جوان باشند ولی این توجه را باید داشت که کشور ما به جهات مختلف با آن دانشگاهها تفاوت فاحش دارد و باید با مطالعه و گذشت زمان مانند آنها عمل و رفتار نمائیم، بعید نیست که یک استاد جوان ممکن است دارای معلومات بسیار جدیدی باشد و اطلاعات او از یک استاد قدیمی کهنسال زیادتر باشد ولی سلیقه و طرز فکر و مهمتر از همه تربیت ما نوعی است که نمی‌توانیم آن استاد جوان را به آن استاد قدیمی کهنسال ترجیح بدهیم و تصور می‌کنم زیاد هم غیرمعقول نباشد به هر حال فردی که سنین عمر خود را از پنجاه به بالا می‌گذراند به تمام هوا و هوسها و جاه‌طلبی‌ها و حتی سودجویی‌ها پشت پا زده و دوران زندگی توام به معرفت و فضیلت را طی طریق می‌کند، مسلماً معتقد هستید که وقتی جوانان یک کشور مراحل مختلف تحصیلی خود را تا خاتمه دانشگاه با جنگ و ستیز و خشونت طی نمودند و بر اثر وجود اغتشاشات و اعتصابات با زندان و قنداق تفنگ و توسری خوردن خوگرفتند دارای نوعی عقده انتقامجویی می‌شوند و فردا که به کاری مشغول شدند

تمام آن ناراحتی‌ها را در کارهای محوله به کار می‌بندند و خلاصه عناصری اگر خائن نشوند به طور حتم خشن و اشکالتراش و کارشکن عرض وجود خواهند نمود، و ادامه این وضع به هیچ‌وجه به مصلحت آینده کشور نیست.

وزارت اطلاعات، متأسفانه این وزارتخانه بعد از وزارت آقای معینیان نتوانسته است به نحو شایسته آن مقدار اقدامات سودمندی که در مملکت بعمل آمده از لحاظ تبلیغاتی به مردم عرضه کند، وزیر اطلاعات آقای منصور می‌گویند رل نعشی را بازی می‌کند که به هر نحو بخواهند او را به حرکت درمی‌آورند، معاونان این وزارتخانه هر کدام به سازی می‌رقصند و به منظور تثبیت مقام خود دسته‌ای را به نفع خود ترتیب و تشکیل داده‌اند، مدیران کل رادیو و خبرگزاری پارس و ادارات دیگر نیز ذره‌ای شم سیاسی و تخصص امور تبلیغاتی ندارند و به طوری که خودشان شایع نموده‌اند علت عدم مداخله و اتخاذ تصمیمات لازم وجود افرادی از سازمان امنیت در آن وزارتخانه است که نظارت مستقیم در تنظیم و پخش اخبار و سایر مطالب دارند از طرفی با تحمیل شدن عده‌ای از متنفذان امثال شادمان استاندار تهران به عنوان بزرگ دبیر و غیره و پرداخت حقوقهای کلان تا یک صد هزار ریال در ماه موجبات دلسردی آن دسته از کسانی را که عقلشان بیشتر می‌رسد چه باید بکنند فراهم شده و در نتیجه می‌بینیم که با صرف بودجه زیاد و ادارات تبلیغات و رادیو در اکثر از شهرستانها منظور نهائی تامین نمی‌شود، در یک کشور سی ملیون جمعیتی نمی‌توانند صد نفر از چهره‌های دست نخورده طرف اعتماد مردم را بیابند و در مواقع لازم از وجود آنها استفاده کنند؟؟ اولیاء امور تبلیغات باید بدانند وقتی چندین هزار نفر دانشجو به اعتصاب مبادرت نموده نطق آقای الموتی لیدر حزب اکثریت که خود از کثیفترین افراد این کشور است و فرزند یا یکی از

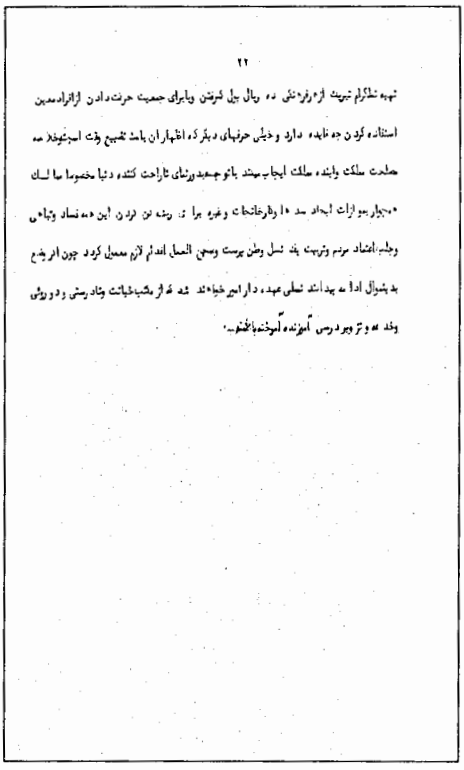

بستگان نزدیکش به نام سعید الموتی طبق گزارش مامور سازمان امنیت مندرج در جراید سردسته خائنین به کشور بوده و خود الموتی بـه هـنگام تـوده‌ای‌هـا در جـراید چپ مـقاله مـی‌نوشت و بـه دعـوت پـیشه‌وری در مـعیت هـیئتی بـه بـازدید کـارهای حـزب قـلابی آذربایجان رفت و در مراجعت در روزنـامه داد مقالاتی به نفع آنـها درج کـرد و سـرانـجام بـه دریافت نشان افتخار از دست پیشه‌وری نـائل شد و امروز تنها از بـودجه شـرکت نـفت بـرای خودش و بستگانش بیشتر از پانصد هزار ریال ماهیانه دریافت می‌کند و یک ملیونر می‌باشد موثر واقع نمی‌شود و نباید موافقت یا مخالفت او در رادیو گفته شود و یا آقای فرهی که ایشان نیز هم مرام الموتی بوده و به جـرم جـیب‌بری در کلانتری جنب مجلس شورا پرونده‌ای دارد به نام ارشاد دانشجو نباید عرض وجود نماید و یا عباس شاهنده[9] بدنامترین افراد نمی‌بایستی هر روز صبح خلاصه مندرجات روزنامه فـرمانش در رادیو پخش شود و به تمام مردم از این طریق هتاکی و فحاشی بشود شما رادیو را باز کـنید می‌بینید یا از مندرجات روزنامه فرمان صحبت می‌کنند و یـا آقـای فـرهی و نـظیر او مشـغول عربده‌جویی هستند، اینها نمی‌توانند گره کارها را بگشایند واز وجود این قبیل افراد هرگز به نفع جامعه آن هم جامعه‌ای که بر اثر کجروی‌های دستگاه حاکمه سراپای وجودشان را حس بدبینی و یأس فراگرفته و تبلیغات زهرآگین دشمنان وطن مزید بر علت شده هیچ کشوری تا به حال قادر نبوده سودی ببرد و منظور خود را تامین کند، تبلیغات در عین حال کار بسیار ظریفی است، من در اینجا ناچارم موضوع مهمی را به عرض برسانم و آن بیانات فصیح و بلیغ و جامع شاهنشاه آریامهر در سازمان برنامه است، این نطق به قدری در مـردم اثـر گـذاشـته بـود کـه روز بـعد از سخنرانی تصادفاً در بازار کاری داشتم و با چند نفر از بـدبین‌ترین افـراد تـماس پـیدا کـردم بـه

راستی و از روی کمال حسن نیت نطق شاهنشاه را می‌ستودند و تجلیل می‌کردند ولی با کمال تاسف باید عرض کنم از بس این نطق را در رادیو تلویزیون تجدید کردند و از بس بر آن تفسیر نوشتند و از بس خلاصه جرائد از نوع فرمان را به نقل از نطق شاهنشاه گفتند که اثر بیانات شیوای رهبر عزیز را از بین بردند، آخر در این رادیو یک آدم نیست که وقتی می‌خواهد چنین مسائل مهمی را از نظر تبلیغاتی برنامه روی آن تهیه کند تمام جوانب کار را بیندیشد چه مانعی داشت که ضمن پخش خلاصه جرائد بگویند روزنامه فرمان و فلان و فلان و همه جرائد راجع به نطق شاهنشاه مقالاتی نوشته‌اند از جمله یک روزنامه نسبتاً وزینی را در نظر بگیرند و تمام و یا قسمتی از آن مقاله را بخوانند نه اینکه نیم ساعت از هر روزنامه‌ای قسمتی را پخش کنند، تقریباً دو هفته از ایراد نطق می‌گذرد امروز تازه آقای فرهی بعد از اخبار ساعت ۱۴ شروع کرده‌اند به تفسیر دادن و چون هر چه لازم بوده قبلاً گفته‌اند یک ربع راجع به بحرین و اینکه ما از خاک خودمان صرف نظر نکرده‌ایم و تاریخ به زشتی از ما یاد نخواهد کرد صحبت کردند و نوید دادند این بحث در برنامه‌های آینده ادامه خواهد یافت، اصولاً مسئله بحرین ربطی به اساس بیانات شاهنشاه در سازمان برنامه نداشت به فرض اینکه ربطی هم پیدا می‌کرد چرا نسبت به مسئله بحرین و اینک تاریخ بعداً قضاوتش چه خواهد بود این مقدار بحث می‌شود آیا فکر نمی‌فرمائید ممکن است به طور غیرمحسوس و مرموز کاسه‌ای زیر نیم‌کاسه‌ای باشد و بخواهند مردم را متوجه سازند که واگذاری بحرین و حذف آن از نقشه ایران زیاد مقرون به مصلحت نبوده؟ چون جسته گریخته شنیده می‌شود که این اقدام را نمی‌بایستی با این عجله و قبل از حل و فصل قطعی امور شیخ‌نشین‌ها و تعیین سرنوشت خلیج [فارس] انجام می‌دادند با توجه به این جریانات چه لزومی دارد که بعد از دو هفته که از نطق شاهنشاه آریامهر گذشته تازه فرهی تحت تفسیر موضوع بحرین را پیش بکشد.

موضوع دیگری که در وزارت اطلاعات و جرائد مورد توجه قرار نمی‌گیرد رعایت سیاست بی‌طرفی در پخش اخبار است، وقتی رهبر محبوب و گرامی ما سیاست بی‌طرفی و مستقل ملی را یکی از اقدامات درخشان می‌دانند پیروان معظم‌له و دستگاه تبلیغاتی باید از هر جهت مراعات نمایند تا هم حس خوش‌بینی تمام کشورها جلب شود و هم نسبت به سخنان رهبر ما ایمان و عقیده بیشتر حاصل شود متأسفانه متصدیان امور تبلیغاتی به این موضوع توجه نمی‌کنند و در لابلای اخبار و مطالب و تفسیرها نظرات خودشان را به روشنی اعمال می‌نمایند

روز ۴۹/۱۰/۱۶ تفسیری به قلم طلوعی راجع به نطق نیکسون پخش شد که تمامش تجلیل و تعریف از او بود باید گفت یک تقدیرنامه بود که به نام تفسیر پخش کردند و یا گاهی راجع به وقایعی که در ممالک شرقی پیش می‌آید آن قدر با حرارت و آب و تابدار سخن می‌گویند که هر شنونده کم‌فهمی هم متوجه عدم رعایت بی‌طرفی می‌شود، ممکن است رادیوهای خارج خیلی بیشتر از ما اینگونه مسائل را بزرگ کنند ولی برای ما در وضع حاضر جایز نیست که مثلاً رادیو بگوید (به طوری که یک مسافر که از مرز لهستان فرار کرده و در بلژیک با یک راننده تماس گرفته وضع لهستان را متشنج دیده و آزادیخواهان قصد سرنگون کردن دولت را دارند) مسلماً واقف شده‌اید از وقتی که روابط ما با مصر حسنه شده و از طرفی به علت متارکه جنگ اخبار مربوطه کمتر داده می‌شود و از سران عرب در رادیو و تلویزیون و جراید بیشتر نامشان برده می‌شود و عکسشان نشان داده می‌شود افکار عمومی مردم که در گذشته با نفرت و عصبانیت توام بود مساعدتر گردیده و یک آرامش به چشم می‌خورد، چه فایده‌ای برای ما دارد که از سیاست آمریکا و زمامداران آن زیاد از حد حرف بزنیم اگر امریکا محبوبیتی داشت شاید ضرری نداشت ولی آمریکایی که امروز مورد تنفر و انزجار نه ما بلکه دنیا است باید به خاطر افکار عمومی و این که دستگاه حاکمه را به آنها وابسته نسازند خیلی صرفه‌جویی نمائیم

موضوع کنفدراسیون و سخنرانی مامور امنیتی، شاید روزهای اول به دلها نشسته بود ولی به علت ایراد سخنرانی‌های بعدی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتن در جراید و رادیو و تلویزیون آن اثرات دلنشین اولیه را از بین برد مخصوصاً به هنگامی که اعلام کردید قسمتی از بودجه ایجاد اغتشاش و بلوا را کمپانی‌های نفتی به بختیار داده‌اند و بعد جراید و رادیو از قول کمپانی‌های نفتی در مقام تکذیب برآمدند و نکات دیگری که به جز سه چهار نفر از همدستان بختیار بقیه اعضای سازمان امنیت ایران بوده‌اند از گرمی مطالب کاست و اهمیت قضیه را کاهش داد چه آنکه دو سه روز قبل در یک بنگاه معاملات ملکی در امیرآباد بودم رادیو خبر داد ساعت ۱۴ امروز مصاحبه بسیار مهمی با معاون سابق نخست‌وزیر عراق از رادیو پخش خواهد شد دو سه نفر که در آنجا بودند با خندهٔ تمسخرآمیزی گفتند لابد اهمیتش به اندازه کشف بلوای بختیار است، و با نهایت تاسف باید گفت زیاد هم بی مورد بدبین نبوده‌اند چون تمام مصاحبه معاون نخست‌وزیر عراق حکایت از جنایت‌های خودش می‌کرد و آن قدر ضدونقیض صحبت کرد که نه فقط مفید برای خود ما واقع نشده بلکه صددرصد به نفع حکومت بعثی‌ها هم

تمام شد، ایشان ضمن مصاحبه گفتند که من قاسم را شخصاً به دار آویختم و بعد هم آماده شدم شش یا هفت هزار بعثی را تیرباران کنم فتوا هم گرفتم و با چه حرارتی نزد خالصی رفتم و بعداً نزد حکیم و موقعی که نزد عارف شرفیاب شدم از شدت خوشحالی سرازپا نمی‌شناختم، در خاتمه بیاناتش هم این آقا به نام پیام فتوایی دادند که چون بعثی‌ها کمونیست هستند لذا آنها را قتل‌عام کنید، به گفته خودش اگر قتل عام کمونیست‌ها گناه داشته چرا حالا فتوا می‌دهد آنها را بکشید باز بنا به گفته خودش اگر بعثی‌ها چهل پنجاه نفر هستند چطور ایشان هفت هزار نفر کمونیست بعثی را می‌خواسته تیرباران کند موضوع مهمتر باز از نظر سیاست مستقل ملی ما حمله مستقیم به روسها و لنین بود که ما نمی‌بایستی اجازه می‌دادیم نامی از لنین برده شود، ظاهر کار نشان می‌دهد که سیاست ما نسبت به روسها گرایشی پیدا کرده و رادیو و جراید آنها مستقیماً حمله‌ای به ما نمی‌کنند و حتی از اعتصابات و جریانات اخیر که همه رادیوها و جراید دنیا علیه ما تبلیغاتی خصمانه کردند رادیو مسکو به کلی ساکت بود که همین سکوت آنها موجب رنجش کمونیست نماهای ایرانی شده با توجه به نحوه سیاست روسها و عدم مداخله‌ای که عجالتاً از خود نشان می‌دهند تصور نمی‌کنم مصلحت ایجاد کند با این حرفها و اینگونه تبلیغات که به قدر پشیزی هم برای آنها و برای آن دسته و گروهی که متمایل به سیاست آنها هستند ارزش و فایده و اثر ندارد موجبات رنجش فراهم سازیم، قدر مسلم این است که با نفوذ فراوان روسها در خاورمیانه و گرایش پاکستان و ترکیه به سیاست چین و افغانستان به سیاست شوروی و عراق به اتخاذ رویه ضد ایرانی و عصبانیت و انزجاری که مردم کویت و سایر شیخ‌نشینهای خلیج از سیاست آمریکا نسبت به اسرائیل دارند خواهی نخواهی مجبور هستیم برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشورمان و عدم مداخله مستقیم و غیرمستقیم عمال روسها روابط حتی نزدیکتر از روابط فعلی با شورویها برقرار نمائیم و باید با تدبیر و دوراندیشی قدم برداریم و بدگمانی و سوء قضاوت آنها را نسبت به حسن نیت خودمان افزایش ندهیم، کشور ما از لحاظ وجود سرحدات زیاد با شوروی قابل مقایسه با هیچ کشور دیگری نیست شاید روسیه شوروی همان قدر که کشور چکها را از نظر حفظ سرحدات مورد توجه قرار می‌دهد صد چندان نسبت به ایران نظر دارد خود شماها از زیر و بم کارها نیکوتر واقفید این عرایض صرفاً انعکاس عقاید و نظرات مردم است که به علت تماس با طبقات مختلف از لحاظ خدمات شهری که دارم استماع شده و عیناً به عرض می‌رسد، در اینجا چون از تبلیغات بحثی به میان آمده بی‌مورد نیست

نیست راجع به نشریات تهران یادآوری نمایم مدیران اینگونه جراید به استثنای اطلاعات و کیهان از اعتبارات سری وزارتخانه‌ها مقرری ماهیانه‌ای دارند که گاهی تا دویست هزار ریال هم می‌رسد و به طوری که شایع است به طور محرمانه از موسسه فرانکلین که یک موسسه آمریکایی است نیز پولی دریافت می‌دارند و باید عده‌ای از کارکنان روزنامه‌های اطلاعات و کیهان و همچنین عده‌ای از کارمندان وزارت اطلاعات را هم به آنها اضافه کرد و اما رویه آقای دکتر مصباح‌زاده[۱۰] در امر زمینخواری به قول معروف شهره آفاق است، در همین محدوده مهرآباد تاکنون و میدان کندی تاکنون ملیونها متر زمین را با تبانی ماموران سازمان مسکن تصاحب و تا به حال چند کوی نوبنیاد به نام کوی کیهان در زیباشهر و غیره بوجود آورده‌اند و زمین را تا متری ده هزار ریال به فروش می‌رسانند. چند قطعه سیصد تا پانصد هزار متری نزدیک پل اتوبان با کمک شخصی به نام دکتر صالح و سیصد هزار متر روبروی کارخانه برق آلستوم با همدستی دکتر طاهباز و پنجاه هزار متر نزدیک پاسگاه ژاندارمری مهرآباد شمالی تصاحب کرده‌اند و پلاکهای تقلبی با کمک مامورین ثبت بر روی این زمینها اختصاص داده‌اند، ارزش زمین‌های مجاور پل اتوبان فعلاً متری پانزده هزار ریال است و زمین‌های روبروی برق آلستوم از پنج هزار ریال تا ده هزار ریال خرید و فروش می‌شود و از زمین‌های کوی کیهان شاید در حدود بیست ملیون تومان عاید ایشان و همدستان او گردیده است در خاتمه اجازه فرمائید به طور فشرده منعکس کننده نظرات و عقاید مردم راجع به دولت هویدا و حزب اکثریت باشم، عقیده مردم این است که دولت هویدا به جز چند نفر از آقایان وزرا امثال جنگ. تولیدات. خارجه. فرهنگ و هنر به جز در ایران در جاهای دیگر (امریکا) سرسپرده هستند و به هیچ‌وجه آنها را خدمتگذاران صدیقی برای شاهنشاه آریامهر و ملت و مملکت نمی‌دانند، مردم معتقدند که شخص هویدا از گرفتاریهای سیاسی حداکثر سوءاستفاده را نموده و بدون در نظر گرفتن مصالح کشور از گروهی حمایت بی‌دریغ می‌کند که سوءنیت آنها در امور محوله حتی برای مقامات عالیه محرز و مسلم گردیده، مردم می‌گویند وقتی شاهنشاه آریامهر و شهبانوی گرامی و عزیز مخصوصاً در سخنرانی‌های اخیر صریحاً به عدم توجه بعضی از سازمانها اشاره فرمودند و موارد و مسائل مهمتری وجود دارد که مصلحت ایجاب نمی‌کند گفته شود چرا در اتخاذ یک تصمیم مردم‌پسند بذل عنایت نمی‌شود، در هیچ زمانی بازار اختلاس و ارتشاء ارقام ده ملیون و بیست ملیون تومان باشد اینچنین رواج نداشته و بی‌سروسامانی و عدم رعایت مقررات و لجام‌گسیختگی

تا این حد روزافزون نبوده است، بعضی از وزارتخانه‌ها بدون توجه تذکراتی که علنی و غیرعلنی از طرف بازرسی شاهنشاهی و سایر مقامات دلسوز به آنها داده می‌شود کماکان به اعمال و رفتار ناشایست خود و حمایت از ماموران نادرست و خلافکار ادامه می‌دهند و همین کارها موجب شده است که حس بدبینی مردم نسبت به دستگاه حاکمه رو به تزاید گذارد و دولت را دولتی متجاوز به حقوق خود تلقی نمایند، موضوع مهمتر آن که چون اغلب کارهای خلافی که این آقایان مرتکب می‌شوند نامی هم از دیگران به میان می‌کشند لذا توهمات و سوء تعبیرهای ناگواری به‌گوش می‌رسد که هضم آن خیلی دشوار است مردم وجود این دولت و حزب اکثریت را مضر به حال کشور و شخص شاهنشاه می‌دانند چون عقیده بر این است وقتی دولت و حزب وابسته آن نتوانست افکار عمومی را در این دنیای آشفته به سوی خود جلب کند و دستگاه حاکمه از پشتیبانی واقعی مردم محروم ماند خارجی و ستون پنجمی‌ها از این وضع به زیان کشور و به سود خود حداکثر استفاده را خواهند نمود و تنها آرزو و آمال خارجی پابرجا نگهداشتن همین وضع است، مردم می‌گویند افرادی امثال هویداها دلشان به قدر شاه به حال مردم و مملکت نمی‌سوزد و این شاه است که بایستی به خاطر بقاکشور و بقا سلطنت و جلوگیری از این همه یاس و ناامیدی و دزدی و نابسامانی تصمیم بگیرند و کشور و ملت را نجات دهند. اجازه فرمائید با عرض معذرت به عرض برسانم که عقیده مردم این است که تمام این سخنرانی‌ها برای گول زدن مردم است و پادشاهی که از جزئیات کارهای کشور خود واقف است از نظر رعایت افکار عمومی هم که شده نباید بی‌اعتنا خود را نشان بدهند، مردم می‌گویند وقتی در کشوری عده‌ای معدود به غارت مشغولند و به جای سرزنش و بازخواست از کلیه نعمتها برخوردار می‌باشند و تبعیض و فشار بر مردم طاقت‌فرسا شده اگر خدای نخواسته پیش‌آمدی برای کشور رخ دهد این جریانات اراده مردم را برای اتخاذ تصمیم به منظور جان بازی سست و متزلزل می‌سازد و اگر به قصد انتقام قیام نکنند حداقل ساکت و بی‌تفاوت خود را نشان خواهند داد و عوامل مشکوک و مرموز می‌کوشند تا این گونه حکومت‌ها بیشتر باقی بمانند تا بیشتر و موثرتر به صف ناراضی‌ها اضافه شود، مردم می‌گویند برای تهیه تلگرام تبریک از هر فرهنگی ده ریال پول گرفتن و یا برای جمعیت حرکت دادن از افراد معین استفاده کردن چه فایده دارد و خیلی حرفهای دیگر که اظهار آن باعث تضییع وقت است و خلاصه مصلحت مملکت و آینده مملکت ایجاب می‌کند با توجه به دورنمای ناراحت‌کننده دنیا مخصوصاً ممالک همجوار به موازات

ایجاد سدها و کارخانجات و غیره برای ریشه‌کن کردن این همه فساد و تباهی و جلب اعتماد مردم و تربیت یک نسل وطن‌پرست و صحیح‌العمل اقدام لازم معمول گردد چون اگر وضع بدین منوال ادامه پیداکند نسلی عهده‌دار امور خواهند شد که از مکتب خیانت و نادرستی و دوروئی و خدعه و تزویر درسی آموزنده آموخته باشند.

۱ـ این گزارش که نویسندهٔ آن خود را معرفی نکرده است، حاوی اطلاعات دقیقی از دولتمردان رژیم پهلوی می‌باشد و از قلم کسی صادر گردیده که از پشت پردهٔ رژیم، اطلاع خوبی داشته است.

۲ـ در یکی از گزارش‌های ساواک، نقش دکتر گودرزی در باند امریکایی جمشید آموزگار، چنین تبیین شده است: «.. درباره فعالیت دکتر جمشید آموزگار به طوری که در گزارشات قبلی نیز به استحضار رسیده از چندی قبل از طرف باند امریکایی در تهران فعالیت شدیدی برله او شروع شد و بین افراد این باند گفته می‌شود دکتر گودرزی برای شرکت در جلساتی که در سرنوشت ایران بی‌تأثیر نخواهد بود و انجام مذاکرات بسیار محرمانه با مقامات امریکایی به امریکا مسافرت نموده...» «ظهور و سقوط سلطنت پهلوی ـ ج ۲ ـ ص ۵۱۱».

۳ـ منوچهر شاهقلی که از اعضای مؤسس کانون مترقی بود، در تاریخ ۱۳۴۰/۲/۱۴ از طرف شهربانی کل کشور، اینگونه به ساواک معرفی شد: «منوچهر شاهقلی فرزند امام قلی، متولد ۱۳۰۲ تهران، شماره شناسنامه ۴۰۲۶۴ شغل وی طبابت می‌باشد. تحصیلات دکتری در طب و تخصص در جراحی پلاستیک و ترمیمی، آشنا به زبان انگلیسی، مولف کتاب درمان لنف آدم. و در تیر ماه سال ۱۳۵۴ نامه‌ای که از طرف تعدادی از اعضای انجمن حجتیه خطاب به محمدرضا پهلوی، صادر شد، چنین گفته شد: «دکتر شاهقلی، پسر سرهنگ شاهقلی موذن بهایی‌ها علاوه بر میلیون‌ها تومان دزدی و تبلیغات بهایی در بیمارستان‌ها و زایشگاه‌ها مقدم شد.» «ظهور و سقوط ـ ج ۲ ـ صص ۳۵۶ و ۳۹۰»

۴ـ قاسم شکیب نیا فرزند علی‌اکبر در سال ۱۳۰۲ هـ ش در تهران به دنیا آمد. پدرش سررشته‌دار ارتش بود. وی پس از سپری کردن دوران ابتدائی در دبستان ترغیب (۱۳۱۵) به دبیرستان ایرانشهر رفت و در سال ۱۳۲۱ دیپلم گرفت و بلافاصله به هنرسرای عالی راه یافت و در سال ۱۳۲۴ مهندسی الکترومکانیک گرفت و بطور همزمان در دانشکده حقوق نیز تحصیل کرد و در سال ۱۳۲۵ لیسانس قضائی دریافت کرد. مشارالیه که نام خانوادگی خود را از میرزاخانی به شکیب‌نیا تغییر داده بود، در سال ۱۳۲۴ به استخدام وزارت پست و تلگراف و تلفن درآمد و در مشاغل ذیل، فعالیت کرد: کارمند بیسیم ـ معاون فنی کشیک مرکز فرستنده اداره بیسیم ـ عضو کمیسیون فنی ـ رئیس اداره کل تلگراف تهران ـ عضو شورای اداری اتحادیه ارتباطات در ژنو (۱۹۲۶) ـ مدیرکل تلکمونیکاسیون ـ سرپرست اداره شاهراههای ارتباطی ـ مدیرعامل کارخانه تلفن‌سازی شیراز. شکیب‌نیا که به علت همکلاس بودن با فتح‌الله ستوده ـ وزیر وقت پست و تلگراف و تلفن ـ از حمایت او بهره می‌برد، در سال ۱۳۴۹ به عنوان معاون پستی آن وزارتخانه منصوب شد. وی در سال ۱۳۴۸، فردی متعصب و مذهبی و در عقاید خود لجوج، معرفی گردید و در سال ۱۳۴۹ از دوستان مرحوم آیت‌الله طالقانی و عضو انجمن اسلامی مهندسین معرفی شد و در سال ۵۱ گفته شد که به مسجد هدایت تردد دارد. وی مدتی به علت سوءظن ارتباط با تیمور بختیار، تحت کنترل قرار گرفت که از وی رفع سوءظن شد. در سوابق مشارالیه گزارشاتی مبنی بر سوءاستفاده‌های وی وجود دارد. مشارالیه که در زمینه‌های مذهبی در مجلات فروغ علم و گنج شایان، مقالاتی می‌نوشت دو کتاب کلاسیک درباره دستگاه‌های تلگرافی و سه کتاب نیز درباره مقررات ارتباط بین‌المللی ترجمه و تألیف کرد. قاسم شکیب‌نیا که به اکثر کشورهای جهان مسافرت‌های کوتاه مدت و دراز مدت داشت و یک دوره چهار

ماهه را در ایتالیا و یک دوره ۶ ماهه را در آلمان غربی طی کرده بود و ضمن عضویت در حزب ایران نوین نشان‌های درجه ۳ و ۴ نیز از رژیم پهلوی دریافت کرده بود، در سال ۵۲ در حمایت از کمبود حقوق کارکنان پست تهران، از سمت خود استعفا داد.

اسناد ساواک ـ پرونده انفرادی

۵ـ جزوه مورد اشاره در سوابق موجود نبود.

۶ـ در نامه‌ای که توسط بعضی از اعضای انجمن حجتیه خطاب به محمدرضا پهلوی نوشته شده آمده است:
«... امیرعباس هویدا که دشمن دین و دشمن مملکت و دزد و خائن به اسلام است موقوفات اسلامی را به پسر سید محمود کاظم عصار، نصیر عصار، که پدرش از خانه بیرونش کرده بود و دخترهایش به اعمال خلاف شرع معروف هستند، محول کرد و ۴۰۰ و ۵۰۰ میلیون تومان موقوفات این مملکت با دست هویدا و عصار به جیب بهائی‌ها ریخته شده است و پرونده‌هایی هم در دادگستری درست شد که به دستور هویدا متوقف کردند.
«ظهور و سقوط ـ ج ۲ ـ ص ۳۹۱»

۷ـ ژوزف ویسار یونویچ جوگاشویلی موسوم به استالین، در ۲۱ دسامبر ۱۸۷۹، در گوری، نزدیک تفلیس، مرکز گرجستان شوروی سابق، به دنیا آمد. او ـ که پدرش پینه‌دوز بود ـ ابتدا در مدرسهٔ دینی گوری و سپس در دانشکدهٔ کالج الهیّات تفلیس تحصیل کرد. ولی به علّت فعّالیتهای سیاسی، از دانشکده اخراج شد. وی، در ۱۸۹۸، به سازمان زیرزمینی و مخفی سوسیال دمکرات مارکسیست تفلیس پیوست و تا ۱۹۰۲ ـ که اولین بار دستگیری او بود ـ به فعالیت سیاسی خود ادامه داد. استالین، در فاصلهٔ سالهای ۱۹۰۲ و ۱۹۰۳، پنج بار از زندان تزار گریخت و طی این فرارها در ۱۹۰۵، در منطقهٔ تامر فورس، با لنین آشنا شد. وی، در ۱۹۱۲، روزنامهٔ پراودا را بنیان نهاد. این روزنامه، به انتشارات حزبی و فعّالیتهای سیاسی، جهت می‌بخشید. سپس لنین وی را به نمایندگی مخفی از بلشویکها، عازم گرجستان، محلّ سکونت خود کرد. امّا در ۱۹۱۷، از گرجستان به مسکو بازگشت تا سردبیری پراودا را برعهده بگیرد و همراه با لنین، انقلاب موفّق بلشویکی اکتبر ۱۹۱۷ را، پیگیری کند. لنین، استالین را از ۱۹۱۸ که انقلاب بلشویکی به پیروزی رسید و رژیم تزاری ساقط شد ـ تا ۱۹۲۱ به مقام وزارت کشور روسیه ـ که در آن زمان، کمیسری خلق نام داشت ـ منصوب کرد و رهبری جنگهای داخلی را به او سپرد. استالین، در ۱۹۲۲ به جانشینی لنین که به علّت بیماری، در انجام تعهّداتش سخت ناتوان شده بود برگزیده شد. استالین، پس از مرگ لنین در ۱۹۲۴، رهبر مطلق شوروی سابق شد. او، یک سال بعد، طرح صنعتی کردن کشور را، پی‌ریزی کرد و برنامه‌های متعدّدی برای بالا بردن توان صنعتی کشور، به اجرا درآورد. در ۱۹۲۸، کاهش مواد غذائی، استالین را برانگیخت تا طرح کشاورزی جمعی را، به مرحلهٔ اجرا گذارد. در نتیجه این طرح، بسیاری از کشاورزان (گولاکها)، به اتّهام مخالفت با برنامهٔ اشتراکی کردن مالکیت زمین و کار دسته جمعی، جان خود را از دست دادند. رقم تلفات کشاورزان ناراضی روسیه را در آن سالها، بین ۵ تا ۷ میلیون نفر تخمین می‌زنند. از لحظهٔ مرگ لنین، هر کلامی که استالین نوشت و هر دستوری که صادر می‌کرد، واجب‌الاجرا بود. انتقادهای افراد برجسته حزب مانند تروتسکی، زینویف، و کامنوف، بهانه‌ای به دست استالین می‌داد تا آنها را مورد شکنجه قرار دهد یا حتّی به قتل برساند. تصویب قانون اساسی جدید در ۱۹۳۶ ـ که به قانون اساسی استالین معروف شد ـ به وی اقتدار مطلق داد و امکان هرگونه مخالفت با رهبری حزب را، از میان برد.
دههٔ ۱۹۳۰، دورهٔ کشتار وحشتناک استالینی بود. در این دهه، سازمان پلیس مخفی شوروی سابق، به منفورترین و سهمناکترین سازمانهای مخوف پلیسی جهان، تبدیل شده بود. در این دهه، سازمان مزبور، صدها هزار نفر از مردم شوروی سابق را، در چهارچوب تصفیه‌های استالینی، قتل عام کرد و میلیونها تن از آنان را، به اردوگاههای کار اجباری و

اراضی قطبی آن کشور، گسیل داشت. تقریباً از تمامی اقشار جامعه و حتّی بسیاری از مقامات میانه‌رو حزب کمونیست شوروی سابق در آن زمان، در میان قتل عام‌شدگان دیده می‌شدند. واژهٔ سیاسی استالینیسم، بیانگر اختناق هولناک سالهای زمامداری استالین، بویژه در دههٔ ۱۹۳۰ می‌باشد

استالین، از ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۵، جنگ علیه آلمان را رهبری کرد و در ۱۹۴۳، به درجهٔ مارشالی رسید. وی با، شرکت در کنفرانس تهران در ۱۹۴۳ و کنفرانس یالتا در ۱۹۵۴، نفوذ قابل ملاحظه‌ای برای شوروی سابق در اروپا و سازمان ملل کسب کرد. امّا در سالهای بعد از جنگ، سیاست دوری از غرب را در پیش گرفت ؛ سیاستی که بعدها به سیاست پردهٔ آهنین معروف شد. استالین، در پنجم ماه مارس ۱۹۵۳ درگذشت و خروشچف، در مقام دبیرکلّ جدید حزب، جانشین وی شد.

۸ـ کوروس آموزگار، فرزند حبیب‌الله در ۲۵ خرداد ۱۳۰۶ش در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدائی را در دبستان تمدن و دورهٔ متوسطه را در دبیرستان ایرانشهر به پایان برد و سپس وارد دانشگاه تهران شد و در رشته راه و ساختمان به تحصیل پرداخت و پس از دریافت مدرک مهندسی در سال ۱۳۲۷ ش راهی امریکا شد و در رشته راه و ساختمان در دانشگاه واشنگتن به تحصیل پرداخت و فوق لیسانس گرفت. وی در ۱۳۴۰ش به سمت مشاور فنی سازمان برنامه منصوب شد در اواخر این سال به امریکا عزیمت کرد و مطالعاتی در امور ساختمان سازی و شهرسازی انجام داد و در رشته راه و ساختمان درجه ای معادل دکترا دریافت کرد او پس از مراجعت به کشور به سمت معاونت فنی و اجرائی وزارت آبادانی و مسکن برگزیده شد (۱۳۴۳ش) و در ۱۳۴۷ش به عنوان معاون وزیر کار و امور اجتماعی منصوب و مدتی بعد مدیر عامل سازمان بیمه اجتماعی انتخاب گردید. وی در ۲۷ خرداد ۱۳۴۹ ش در کابینه هویدا وزیر آبادانی و مسکن شد و از ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۷ به کارهای غیر دولتی پرداخت وی عضو جامعه مهندسین راه و ساختمان امریکا بود. تألیفات او عبارتند از :

۱ـ تصفیه آب، ۲ـ طرق مختلف تصفیه آب، مسئله مسکن شهری در ایران.

مشارالیه که برادر جمشید آموزگار بود، در مدت تصدی معاونت وزارت مسکن و آبادانی، سوءاستفاده‌های زیادی داشت. در گزارشی که در همین رابطه تهیه گردیده، آمده است:

«اخیراً بین آقای نهاوندی وزیر، آبادانی و مسکن و کورس آموزگار معاون کل وزارتخانه اختلاف شدیدی بروز کرده و چند روزی است که از طرف وزیر، کاری به آقای آموزگار ارجاع نمی‌شود و جریان هم از این قرار است که می‌گویند کورس آموزگار در چندین مقاطعه کاری شریک و سهیم است و بابت هر کاری که به آنها واگذار می‌کند سهمی به نام او کنار گذارده می‌شود به این ترتیب کلیه مقاطعه‌های آن وزارتخانه بدون نظر او انجام نمی‌گیرد.»

۹ـ عباس شاهنده، یکی از مهمترین اعضای شبکه روشنفکری و مطبوعاتی «بدآمن» ـ شبکه ضد اطلاعاتی جاسوسی علم، ریپورتر ـ بود که در تدوین کتاب مجعول «خاطرات ابوالقاسم لاهوتی» شرکت داشت.

روزنامه‌اش ـ فرمان ـ توسط اینتلیجنس سرویس راه‌اندازی شد و در طول انتشار، نقش مرموزی را ایفا کرد. شاهنده که مأموریت‌های محوله!! را با عضویت در جمعیت «یاران» دکتر اقبال ادامه داده بود، در یک ارزیابی ساواک، چنین معرفی شد : «عباس شاهنده در بین مردم و مطبوعات شخص و وزینی شناخته نمی‌شود و او را فردی ابن‌الوقت می‌شناسند... ۱۳۴۶/۹/۱۵»

«ظهور و سقوط سلطنت پهلوی ـ ج ۲ ـ ص ۳۳۶»

۱۰ـ مصطفی مصباح‌زاده نیز یکی از مهمترین اعضای شبکه مطبوعاتی و روشنفکری «بدآمن» بود.

«برای مطالعه چگونگی فعالیت‌های این شبکه ر.ک : ظهور و سقوط سلطنت پهلوی ـ ج ۲ ـ ص ۱۷۸»

از : ۳۲۷ تاریخ : ۴۹/۱۰/۲۴

درباره : مصونیت کارشناسان موسسه یونسکو

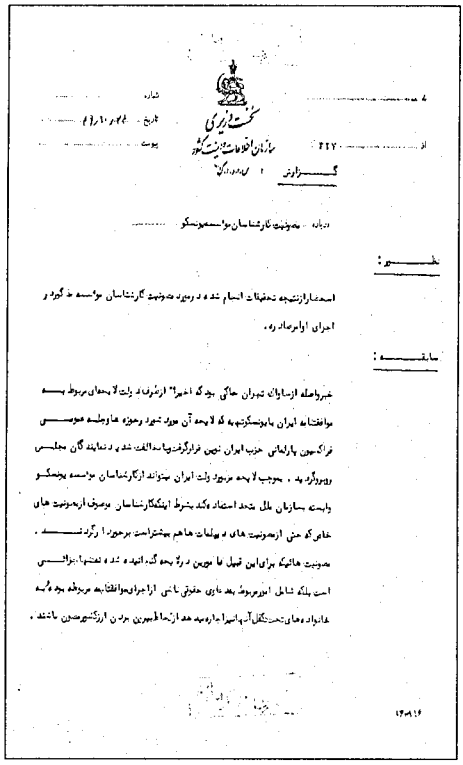

منظور :

استحضار از نتیجه تحقیقات انجام شده در مورد مصونیت کارشناسان موسسه مذکور در اجرای اوامر صادره.

سابقه :

خبر واصله از ساواک تهران حاکی بود که اخیراً از طرف دولت لایحه‌ای مربوط به موافقتنامه ایران با یونسکو تهیه که لایحه آن مورد شور در حوزه‌ها و جلسه عمومی فراکسیون پارلمانی حزب ایران نوین قرارگرفت و با مخالفت شدید نمایندگان مجلس روبرو گردید. به موجب لایحه مزبور دولت ایران می‌تواند از کارشناسان موسسه یونسکو وابسته به سازمان ملل متحد استفاده کند به شرط این که کارشناسان موصوف از مصونیت‌های خاص که حتی از مصونیت‌های دیپلمات‌ها هم بیشتر است برخوردار گردند. مصونیت‌هایی که برای این قبیل مامورین در لایحه گنجانیده شده نه تنها جزایی است بلکه شامل امور مربوط به دعاوی حقوقی ناشی از اجرای موافقتنامه مربوطه بوده و به خانواده‌های تحت تکفل آنها نیز اجازه می‌دهد از لحاظ بیرون کردن ارز کشور مصون باشند.

اقدامات انجام شده :

در اجرای اوامر صادره نسبت به چگونگی موضوع از طریق اداره کل نهم تحقیق نتیجه حاکی است :

طرح لایحه مربوط به موافقتنامه ایران با موسسه یونسکو در مورد استفاده از کارشناسان موسسه مزبور در حوزه‌ها و جلسات فراکسیون پارلمانی حزب ایران نوین مورد تایید واقع فتوکپی لایحه مورد بحث را نیز ارسال داشته که اهم مندرجات آن به شرح زیر از عرض می‌گذرد:

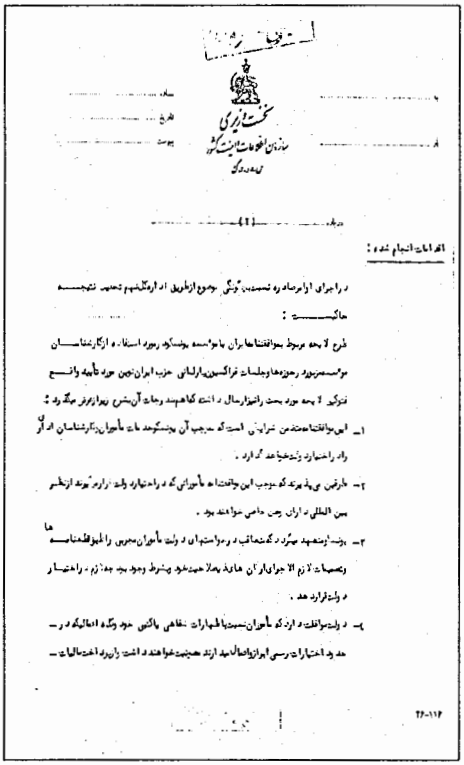

۱ـ این موافقتنامه متضمن شرایطی است که به موجب آن یونسکو خدمات ماموران و کارشناسان اداری را در اختیار دولت خواهد گذارد.

۲ـ طرفین می‌پذیرند که به موجب این موافقتنامه ماموران که در اختیار دولت قرار می‌گیرند از نظر بین‌المللی دارای وضع خاصی خواهند بود.

۳ـ یونسکو متعهد می‌گردد که متعاقب درخواستهای دولت ماموران مجربی را طبق قطعنامه‌ها و تصمیمات لازم‌الاجرای ارگان‌های ذیصلاحیت خود و به شرط وجود بودجه لازم در اختیار دولت قرار دهد.

۴ـ دولت موافقت دارد که ماموران نسبت به اظهارات شفاهی یا کتبی خود و کلیه اعمالی که حدود اختیارات رسمی ابراز و اعمال می‌دارند مصونیت خواهند داشت و از پرداخت مالیات نسبت به حقوق و مقرری‌های خود از یونسکو معاف و از تعهدات مربوط به خدمات ملی مصون و خود و همسر و بستگان تحت تکفل ایشان از محدودیتهای مربوط به مهاجرت و اقامت اتباع بیگانه مصونیت خواهند داشت.

۵ـ ماموران از مزایای مربوط به تبدیل اسعار که به کارمندان ماموریتهای دیپلماتیک همپایه آنان اعطا می‌شود بهره‌مند گردند و در هنگام بحرانهای بین‌المللی خود و بستگانشان از تسهیلات بازگشت به وطن برخوردار خواهند بود و حق خواهند داشت که اثاثیه و لوازم خود را هنگام استقرار اولیه در پست خود در کشور مربوطه بدون عوارض وارد نمایند.

۶ـ کمکهایی که به موجب این موافقتنامه داده می‌شود منحصراً در جهت منافع و مصالح دولت و ملت ایران می‌باشد و دولت با وقوف به این امر کلیه مخاطرات و دعاوی را که از عملیات اجرایی موضوع این موافقتنامه ناشی گردد یا در جریان عملیات مزبور پیش آید یا به نحو دیگری مربوط

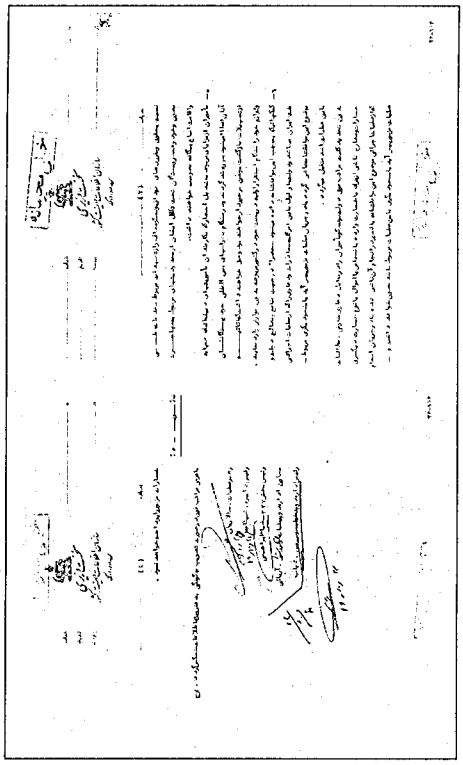

به این عملیات باشد متقبل گردد.
بدون تحدید کلیت مراتب فوق دولت یونسکو ماموران را در مقابل دعاوی حقوقی. مطالبات خسارات و مخارج ناشی از ترک یا خسارت وارده به اشخاص یا اموال یا نوع خسارت دیگری که از عملیات اجرایی موضوع این موافقتنامه یا قصور در انجام آن ناشی شده یا در جریان انجام عملیات مزبور پیش آید یا به نحو دیگری به این عملیات مربوط باشد مصون خواهد داشت و خسارات مزبور را پرداخت خواهد نمود.
نظریه : با عرض مراتب فوق در صورت تصویب چگونگی به دفتر ویژه اطلاعات گردد.
رهبر عملیات. سالاریان
رئیس دایره. شهنامه ۴۹/۱۰/۲۱

رئیس بخش ۳۲۷. ضیاء ابراهیمی ۱۰/۲۱
معاون اداره دوم عملیات و بررسی. آریایی ۱۰/۲۱
رئیس اداره دوم عملیات و بررسی. شهاب ۴۹/۱۰/۲۴
پرنیانفر ۴۹/۱۰/۲۴

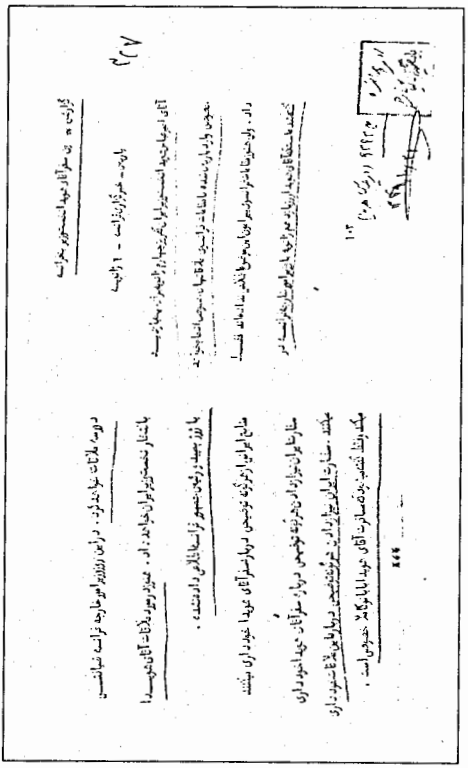

تاریخ: ۱۳۴۹/۱۰/۲۱

گزارشی پیرامون سفر آقای هویدا

نخست‌وزیر به فرانسه

پاریس ـ خبرگزاری فرانسه ـ ۶ ژانویه

آقای امیرعباس هویدا نخست‌وزیر ایران که روز چهارم ژانویه برای یک بازدید خصوصی وارد پاریس شده با مقامات فرانسوی ملاقاتهای خصوصی انجام خواهد داد. ولی هنوز مقامات فرانسوی پیرامون این موضوع اطلاعی نداده‌اند فقط گفته شده است که آقای هویدا روز یازدهم ژانویه با وزیر امور خارجه فرانسه در دورسه ملاقات خواهد کرد. در این روز وزیر امور خارجه فرانسه ضیافتی به افتخار نخست‌وزیر ایران خواهد داد. هنوز در مورد ملاقات آقای هویدا با ژرژ پمپیدو[1] رئیس جمهور فرانسه اطلاعی داده نشده.

منابع ایرانی از هرگونه توضیحی درباره سفر آقای هویدا خودداری می‌کنند

سفارت ایران نیز از دادن هرگونه توضیحی درباره سفر آقای هویدا خودداری می‌کنند. سفارت ایران نیز از دادن هرگونه توضیحی درباره این ملاقات خودداری می‌کند و فقط گفته می‌شود که مسافرت آقای هویدا با بانو کاملاً خصوصی است.

روی پرونده ۶۲۴۲۳ (امیرعباس هویدا) ضمیمه و بایگانی شود ۱۳۴۹/۱۰/۲۱

۱ـ ژرژ پمپیدو تاریخ تولد و مرگ (۱۹۷۴ ـ ۱۹۱۱ میلادی)، رئیس جمهور فرانسه: (۱۹۷۴ ـ ۱۹۶۹) میلادی، در جریان جنگ جهانی دوم به عنوان مدیر مدرسه به انجام وظیفه پرداخت و در سال ۱۹۴۴ میلادی به ژنرال «دوگل» ملحق شد و به عنوان یکی از معاونین وی شروع به فعالیت کرد. او در سال ۱۹۵۸ میلادی به پارلمان فرانسه راه یافت و در سال ۱۹۶۲ میلادی به نخست‌وزیری منصوب شد، وی در ماه مه سال ۱۹۶۸ میلادی متعاقب بروز اعتصاب و خشونتهای خیابانی توسط «دوگل» از مقام خود عزل شد. پمپیدو پس از استعفای ناگهانی ژنرال دوگل به ریاست جمهوری رسید، ولی سرانجام در آوریل ۱۹۷۴ میلادی در اثر ابتلا به بیماری سرطان درگذشت.

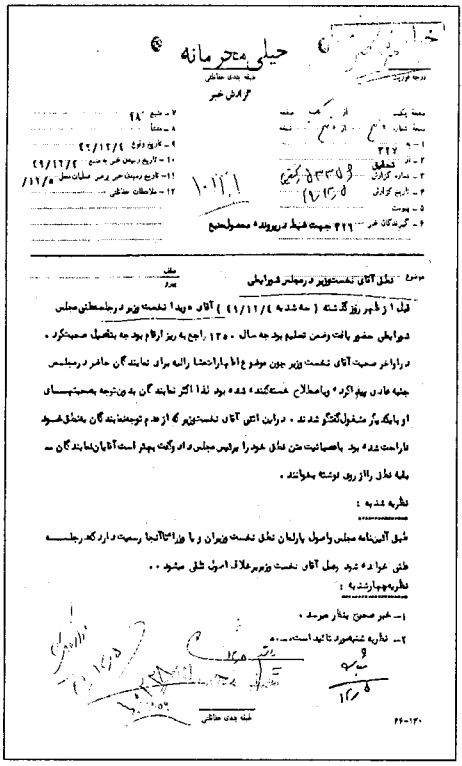

به : ۳۲۷ تاریخ : ۴۹/۱۲/۵

از : تحقیق شماره : ۵۳۳۵۶ / تحقیق

موضوع : نطق آقای نخست‌وزیر در مجلس شورای ملی

قبل از ظهر روز گذشته (سه شنبه ۴۹/۱۲/۴) آقای هویدا نخست‌وزیر در جلسه علنی مجلس شورای ملی حضور یافت و ضمن تسلیم [لایحه] بودجه سال ۱۳۵۰ راجع به ریز ارقام بودجه[1] به تفصیل صحبت کرد. در اواخر صحبت آقای نخست‌وزیر چون موضوع اظهارات مشارالیه برای نمایندگان حاضر در مجلس جنبه عادی پیدا کرده و به اصطلاح خسته کننده شده بود لذا اکثر نمایندگان بدون توجه به صحبتهای او با یکدیگر مشغول گفتگو شدند. در این اثنا آقای نخست‌وزیر که از عدم توجه نمایندگان به نطق خود ناراحت شده بود با عصبانیت متن نطق خود را به رئیس مجلس داد و گفت بهتر است آقایان نمایندگان بقیه نطق را از روی نوشته بخوانند.

نظریه شنبه :

طبق آئین نامه مجلس و اصول پارلمان نطق نخست‌وزیران و یا وزرا تا آنجا رسمیت دارد که در جلسه علنی خوانده شود و عمل آقای نخست‌وزیر برخلاف اصول تلقی می‌شود.

نظریه چهارشنبه :

۱ـ خبر صحیح به نظر می‌رسد.

۲ـ نظریه شنبه مورد تایید است.

۱ـ هویدا لایحه بودجه ۴۸۱ میلیاردی را در این تاریخ، به مجلس شورای ملی داد.

به : ۳۲۷ تاریخ : ۴۹/۱۲/۱۹

از : ۲۰ ه ۵ شماره : ۲۰/۳۱۸۴۹ ه ۵

موضوع : پخش اعلامیه[1] علیه نخست‌وزیر

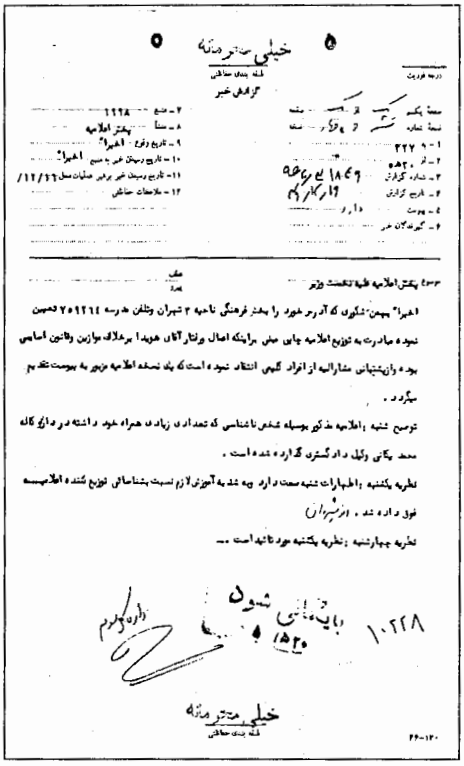

اخیراً بهمن شکوری که آدرس خود را بخش فرهنگی ناحیه ۳ تهران و تلفن مدرسه ۷۵۹۲۶۴ تعیین نموده مبادرت به توزیع اعلامیه چاپی مبنی بر این که اعمال و رفتار آقای هویدا برخلاف موازین و قانون اساسی بوده واز پشتیبانی مشارالیه از افراد کلیمی انتقاد نموده است که یک نسخه اعلامیه مزبور به پیوست تقدیم می‌گردد.

توضیح شنبه :اعلامیه مذکور به وسیله شخص ناشناسی که تعداد زیادی همراه خود داشته در دارالوکاله محمد یکانی وکیل دادگستری گذارده شده است.

نظریه یکشنبه : اظهارات شنبه صحت دارد و به شنبه آموزش لازم نسبت به شناسایی توزیع‌کننده اعلامیه فوق داده شد. انوشیروان

نظریه چهارشنبه : نظریه یکشنبه مورد تایید است.

اداره کل سوم

۱ـ اعلامیه مورد اشاره در سوابق پیدا نشد.

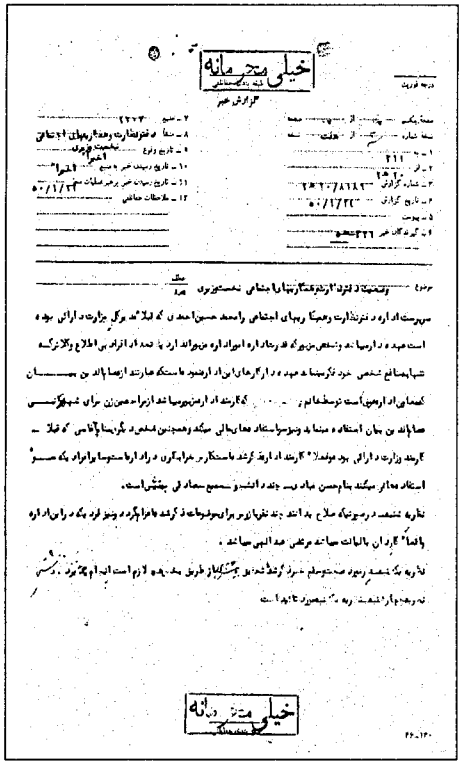

به: ۳۱۲ تاریخ: ۵۰/۱/۲۴

از: ۲۰ ه ۲ شماره: ۲۰/۸۱۸۹ ه ۲

موضوع: وضعیت دفتر نظارت و همکاریهای اجتماعی نخست‌وزیری

سرپرست اداره دفتر نظارت و همکاریهای اجتماعی را محمدحسین احمدی[1] که قبلاً مدیرکل وزارت دارائی بوده است عهده‌دار می‌باشد و شخص مزبور که قدرت اداره امور اداره مزبور را ندارد یک تعداد افراد بی‌اطلاع و کلاش که تنها به منافع شخصی خود فکر می‌نماید [را] عهده‌دار کارهای این اداره نموده است که عبارتند از عصام‌الدین بیان که معاون اداره فوق است توسط خانم ... که کارمند اداره مزبور می‌باشد از مراجعین زن برای شهوترانی عصام‌الدین بیان استفاده می‌نماید و نیز سوءاستفاده‌های مالی می‌کند و همچنین شخص دیگری به نام آغاسی که قبلاً کارمند وزارت دارائی بوده و فعلاً کارمند اداره ذکر شده است کارش خرابکاری در اداره است و سایر افرادی که سوءاستفاده‌هائی می‌کنند به نام حسن مبادی ـ چند دانشجو ـ سمیع ـ صادقی بهمنش است.

نظریه شنبه: در صورتی که صلاح بدانند چند نفر بازرس برای موضوعات ذکر شده اعزام گردد و نیز فردی که در این اداره واقعاً کاردان بالیاقت می‌باشد مرتضی عبدالهی می‌باشد.

نظریه یکشنبه: در مورد صحت و سقم خبر ذکرشده تحقیق بیشتری از طریق بخش ه ۵ لازم است انجام پذیرد. دشتی

نظریه چهارشنبه: نظریه یکشنبه مورد تایید است.

۱ـ در نامه‌ای که از طرف بعضی از اعضای انجمن حجتیه، خطاب به محمدرضا پهلوی صادر شد، آمده است:

«... بعد از آزمون، ریاست اوقاف به محمدحسین احمدی واگذار شده است و برادر بدیع‌الزمان فروزانفر که طرفدار

پابرجای مصدق بود و برای مصدق شعر درست می‌کرد و برادر دیگر احمدی با نام خانوادگی نویم در اثر دزدی در وزارت معارف قدیم سال‌ها به زندان افتاد. این ۳ برادر بدیع‌الزمان نام خانواده‌اش فروزانفر و برادر دیگر احمد نام خانواده‌اش نویم و برادر سومش محمدحسین اسم خانواده‌اش احمدی، سه برادر با سه نام خانوادگی فرزندان شیخ بهایی بشرویه هستند و آقای هویدا به اعتبار بهایی بودن محمدحسین احمدی، اوقاف اسلامی را به یکی از احباب محول کرده است و ماکار نداریم به اینکه زن احمدی همیشه دلال محبت و دلال معاملات بوده است و سوابق دزدی و پااندازی احمدی و زنش در اصفهان و کرمان و اداره مالیات بر درآمد تهران معروف است...»

«ظهور و سقوط سلطنت پهلوی ـ ج ۲ ـ ص ۳۹۱»

۱۳۵۶/۲/۱۳ ـ در گردهمایی کمیته ملی حمایت از مصرف‌کننده

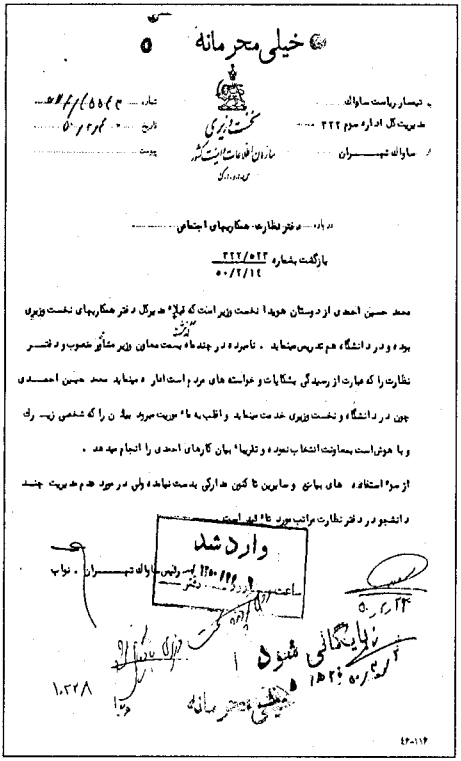

خیلی محرمانه

تیمسار ریاست ساواک
مدیریت کل اداره سوم ۳۲۲
ساواک تهـــران

نخست وزیری
سازمان اطلاعات امنیت کشور

شماره ۲۰/۲۵۵۴۳ ه ۵
تاریخ ۵۰/۳/۴
پیوست

درباره دفتر نظارت همکاریهای اجتماعی

بازگشت بشماره ۳۲۲/۵۲۳
۵۰/۲/۱۴

محمد حسین احمدی از دوستان هویدا نخست وزیر است که قبلاً مدیر کل دفتر همکاریهای نخست وزیری بوده و در دانشگاه هم تدریس مینماید . نامبرده در چند ماه بسمت معاون وزیر مشاور منصوب و دفتر نظارت را که عبارت از رسیدگی بشکایات و خواستهای مردم است اداره مینماید محمد حسین احمدی چون در دانشگاه و نخست وزیری خدمت مینماید و اغلب به ماموریت میرود بیان را که شخصی زیرک و با هوش است بمعاونت انتخاب نموده و تقریباً بیان کارهای احمدی را انجام میدهد .

از سوء استفاده های بیانی و سایرین تا کنون مدارکی بدست نیامده ولی در مورد عدم مدیریت چند دانشجو در دفتر نظارت مراتب مورد تایید است .

رئیس ساواک تهران. نواب

وارد شد

بایگانی شود

۱۰۲۲۸

شماره : ۲۰/۲۵۵۴۳ ه ۵ تاریخ : ۵۰/۳/۴

به : تیمسار ریاست ساواک مدیریت کل اداره سوم ۳۲۲

از : ساواک تهران

درباره : دفتر نظارت همکاریهای اجتماعی

بازگشت به شماره ۳۲۲/۵۲۳ ـ ۵۰/۲/۱۴

محمدحسین احمدی از دوستان هویدا نخست‌وزیر است که قبلاً مدیرکل دفتر همکاریهای نخست‌وزیری بوده و در دانشگاه هم تدریس می‌نماید. نامبرده در چند ماه گذشته به سمت معاون وزیر مشاور منصوب و دفتر نظارت راکه عبارت از رسیدگی به شکایات و خواسته‌های مردم است اداره می‌نماید محمدحسین احمدی چون در دانشگاه و نخست‌وزیری خدمت می‌نماید و اغلب به ماموریت می‌رود بیان راکه شخصی زیرک و باهوش است به معاونت انتخاب نموده و تقریباً بیان کارهای احمدی را انجام می‌دهد.

از سوءاستفاده‌های بیان و سایرین تاکنون مدارکی بدست نیامده ولی در مورد عدم مدیریت چند دانشجو در دفتر نظارت مراتب مورد تایید است.

رئیس ساواک تهران. نواب

روی پرونده نخست‌وزیری بایگانی شود

هویدا ۱۰۲۲۸

به : ۳۲۶ تاریخ : ۱۳۵۰/۲/۱۱

از : ۲۰ ه ۸ شماره :....

درباره : احتمال مسافرت آقای نخست‌وزیر به پاریس جهت شرکت در مراسم ازدواج دو نفر ایرانیان مقیم پاریس

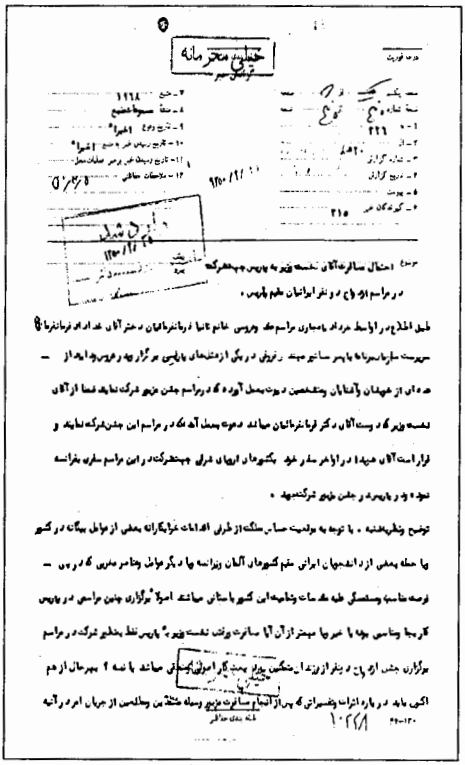

طبق اطلاع در اواسط خردادماه جاری مراسم عقد و عروسی خانم تانیا فرمانفرمائیان دختر آقای خداداد فرمانفرمائیان [1] سرپرست سازمان برنامه با پسر سناتور مهندس فروغی [2] در یکی از هتل‌های پاریس برگزار و پدر عروس و داماد از عده‌ای از خویشان و آشنایان و متشخصین دعوت بعمل آورده که در مراسم جشن مزبور شرکت نمایند ضمناً از آقای نخست‌وزیر که دوست آقای دکتر فرمانفرمائیان می‌باشد دعوت بعمل آمده که در مراسم این جشن شرکت نمایند و قرار است آقای هویدا در اواخر سفر خود به کشورهای اروپای شرقی جهت شرکت در این مراسم سفری به فرانسه نموده و در پاریس در جشن مزبور شرکت جوید.

توضیح و نظریه شنبه : با توجه به موقعیت حساس مملکت از طرفی اقدامات خرابکارانه بعضی از عوامل بیگانه در کشور و یا حمله بعضی از دانشجویان ایرانی مقیم کشورهای آلمان و فرانسه و یا دیگر عوامل و عناصر مخربی که در پی فرصت مناسب و مستمسکی علیه مقدسات و تمامیت این کشور باستانی می‌باشند اصولاً برگزاری چنین مراسمی در پاریس کار بجا و مناسبی بوده یا خیر و یا مهمتر از آن آیا مسافرت و رفتن نخست‌وزیر به پاریس فقط به منظور شرکت در مراسم برگزاری جشن ازدواج دو نفر از فرزندان متمکنین مورد بحث کار اصولی و منطقی می‌باشد یا نه؟ به هر حال از هم‌اکنون باید درباره اثرات و تفسیراتی که پس از انجام مسافرت مزبور وسیله منتقدین و مطلعین از جریان امر در آتیه در بین مردم خواهد داشت بررسی‌های لازم معمول

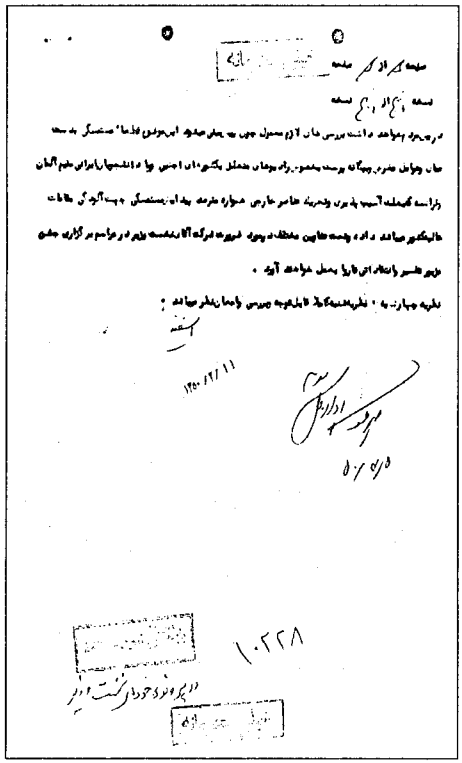

چون پیش‌بینی می‌شود این موضوع قطعاً مستمسکی بدست عمال و عوامل مغرض و بیگانه‌پرست بخصوص رادیوهای متعلق به کشورهای اجنبی و یا دانشجویان ایرانی مقیم آلمان و فرانسه که به علت آسیب‌پذیری و تحریک عناصر خارجی همواره مترصد پیدایش مستمسکی جهت آلودگی مقامات عالیه کشور می‌باشد داده و تحت عناوین مختلف در مورد ضرورت شرکت آقای نخست‌وزیر در مراسم برگزاری جشن مزبور تفسیر و انتقاداتی ناروا بعمل خواهند آورد.

نظریه چهارشنبه : نظریه شنبه کاملاً قابل توجه و بررسی و امعان نظر می‌باشد.

اسفند

... اداره کل سوم

۵۰/۳/۵

در پرونده خود آقای نخست‌وزیر

۱۰۲۲۸

۱ـ خداداد فرمانفرمائیان فرزند عبدالحسین در سال ۱۳۰۷ در تهران به دنیا آمد. نامبرده استاد در رشته اقتصاد، در دانشگاههای آمریکا، رئیس دفتر اقتصادی، معاون مالی و اقتصادی سازمان برنامه، قائم مقام بانک مرکزی، رئیس کل بانک مرکزی، رئیس هیئت مدیره بانک صنایع ایران، مدیرعامل سازمان برنامه، عضو باشگاه شاهنشاهی، عضو شورایعالی اقتصاد (از سال ۳۸ تا انحلال آن) عضو شورای پول و اعتبار از بدو تأسیس بانک مرکزی تا انتصاب به سمت قائم مقام بانک مرکزی بوده است.

در سال ۱۳۴۱ مشارالیه طرفدار جدی سیاست آمریکا و از جمله ایرانیان نادری معرفی شده که اجازه توقف دائم در ایالات متحده آمریکا داشته و روابط و واسطه خصوصی دکتر امینی نخست‌وزیر (وقت) با آمریکاییها بوده، مضافاً بر اینکه وی دارای همسر آمریکایی نیز بوده است.

برابر گزارشی در سال ۴۳ شخصی به نام محمد ضرغامی با عوامل انگلیسیها ارتباط داشته که مشارالیه واسطه این ارتباط معرفی شده. در سال ۳۷ و ۴۹ نصیری معدوم انتصاب وی به سمتهای ریاست بانک مرکزی و مدیریت عامل سازمان برنامه را به نامبرده تبریک گفته است. نامبرده چندین بار به عنوان رئیس هیئت مدیره بانک مرکزی و نماینده

نخست‌وزیر (وقت) و... جهت شرکت در کمیسیونهای پیمان منطقه‌ای و جهت مذاکرات اقتصادی بـه تـرکیه، آمـریکا، آلمان، تایلند، اروپا و آفریقا، ژاپن و شوروی... مسافرت نموده است. ضمناً مشارالیه دارای مدال ۴ همایون و مـدال از دولت بلژیک بوده است.

خانواده فرمانفرمائیان بخشی از هزار فامیل رژیم پهلوی است که برای تحقیق پیرامون آن، می‌توان به کـتب تـاریخی مراجعه کرد.

اسناد ساواک ـ پرونده انفرادی

۲ـ محسن فروغی فرزند محمدعلی (ذکاءالملک) در سال ۱۲۸۶ ش در تهران متولد شد. تحصیلات متوسطه را در تهران (دارالمعلمین) گذراند و جهت ادامه تحصیل به فرانسه رفت و در مدرسه عالی صنایع ظـریفه (شـعبه مـعماری) و نـیز مدرسه شهرسازی پاریس به فراگیری علم پرداخت و موفق به اخذ دانشنامه معماری از آموزشگاه صنایع مسـتظرفه (مهندسی معماری) گردید. وی در سال ۱۲۹۱ با یک خانم اروپایی ازدواج کرد. فروغی از سال ۱۳۱۶ وارد خدمات دولتی گردید و مشاغلی منجمله: کارمند وزارت معارف، استاد دانشکده فنی دانشگاه تهران، رئیس دانشکده هنرهای زیبا، نماینده مجلس شورای ملی از تهران، سناتور انتصابی از تهران و اصفهان (در دوره‌های ۵ و ۶ و ۷ به فرمان شاه) وزیـر فرهنگ و هنر از تاریخ ۵۷/۶/۵ در کابینهٔ شریف امامی و ازهاری را عهده‌دار بود. ساواک در سند بیوگرافـی او چـنین آورده است: «مردی خوش برخورد و زرنگ، اهل مطالعه و تحقیق و علاقمند به جمع‌آوری اشیاء عتیقه و تا حدی عیاش می‌باشد.» از لحاظ گرایشات سیاسی ساواک در سال ۱۳۳۷ فروغی و خانواده‌اش را پیرو سیاست انگلیس معرفی کرده است. در گزارش دیگری از ساواک آمده است: «با اعلیحضرت (شاه) نزدیک و ارتباط دارد. در غالب ساختمانهای بانک ملی در زمان ابتهاج در ایران شرکت داشته و به دست او و مهندس ابتهاج ساخته شد، با ابـتهاج بـزرگ هـم دوست و صمیمی است. در تمام مناقصه‌ها شرکت می‌کند و به اتفاق مهندس ابتهاج شرکت ساختمانی دارد... اهل زدوبند با دولت و استفاده کردن است. فروغی از اعضای برجسته جمعیت فراماسونری در ایران بوده و در لژ تهران و فروغی به عـنوان «امین خیریه» از او یاد شده است. نامبرده از عناصر سرسپرده و مورد اعتماد رژیم پهلوی بوده و نشانهای مختلفی به مناسبت‌های خاص از رژیم دریافت داشته منجمله: نشان درجه ۲ تاج، مـدال تـاجگذاری، مـدال جشـن ۲۵۰۰ سـاله شاهنشاهی.

در رابطه با نقش محسن فروغی و پدرش (ذکاءالملک) در غارت میراث فرهنگی ایـران بـا هـمدستی پـرفسور پـوپ امریکائی، کتاب غارت میراث فرهنگی ایران نوشتهٔ محمدقلی مجدگویای بسیاری از این دزدی‌ها می‌باشد.

اسناد ساواک ـ پرونده انفرادی

تاریخ : ۵۰/۳/۱۹

جناب آقای نخست‌وزیر

احتراماً بدینوسیله هشتصد نفر از افراد شاه‌دوست وطن‌پرست در این تهران بزرگ برای آخرین بار به شما نخست‌وزیر عزیز و آقای دکتر کلالی[1] عزیز و آقای مهندس معینی عزیز و آقای دکتر سعید[2] عزیز که گردانندگان حزب پاسدار انقلاب هستید و مرتب دم از شاهدوستی [و] ایمان به میهن می‌زنید واضح و روشن عرض کنم مطالب زیر را خوب دقت کنید و نگذارید که ایمان مردم از شما و اولیاء حزب ایران نوین سلب شود به خدای نادیده و به جان یگانه حامی کشور ایران شاهنشاه آریامهر قسم چنانچه توجه نکنید در هر کجا و تحت مراقبت هر دستگاه که باشید نابود خواهید شد کشور ایران [از] کهنسال‌ترین کشورهای جهان است شاید شماها اطلاع ندارید بازیچه است [دست] یک عده نفهم ناپاک شیاد که به ظاهر دم از پاسداری انقلاب شاه و مردم می‌زند و در پشت پرده هزاران کثافتکاری می‌نمایند چه کسی بایستی رسیدگی کند؟ آقای نخست‌وزیر باز هم می‌گوئیم شاید جنابعالی اطلاع ندارید ولی مردم ایران همه چیز را خوب می‌دانند اولاً حزب ایران نوین بایستی خوب بداند که با شاه خود پیمان قدیمی دارند باز هم شما را به شرافت شاهنشاه قسم خوب به خواسته‌های ما سربازان توجه کامل کنید و نگذارید یک کشور به این بی‌سروصدایی منفجر شود

۱ـ چرا بایستی تمام فامیل و بستگان اولیاء امور نماینده مجلس شوند؟

۲ـ علت اینکه نمایندگان گذشته مجدداً انتخاب شوند چیست؟

۳ـ نماینده [ای] باید به مجلس راه یابد که واقعاً مومن به انقلاب سفید شاه و مردم باشد

۴ـ نمایندگان دوره بیست و سوم بایستی به خواست مردم و به نظر چهار نفر یعنی آقای هویدا

-۲-

است و انتصابات را که بدانش هدیه کرد ناشی طی مراحلی بهبود و شتاب کردن زندگی که در حزب هستند

۴- امروز طلاء افضلی که چه غرامتهای غیرقابل تحمل که در اردکان و یزد تحمیل است و درست کردن زندگی برای سرپرستی توسط خسرو گرفتن رشوه جمع ۶۰۰۰۰ تومان از دولت که ممکن است خود نیز هم تعجب کنید که این اطلاعات از کجا به دست آمده است و حالت در انتخابات اعضا اشتهای مرکزی و تصاحب کردن حق و دیگران و غیره

۵- صادق ناصرزاده - قولهایی که به فرهنگی هادار است برای اینکه بتواند زندگی از بهبود حق اعضا مومن برای شرکت در کنگره و دادن به رفقای خود در پیاده کردن اسناد افراد حزبی و گرفتن جمع یکصد هزار ریال از یک عضو جهت انتخاب شدن نمایندگی مجلس شورای ملی و غیره

۶- دکتر حسن متین اعمال و کردن مرتب و ستارش کردن و غیره

۷- دادن پرونده خراب یکی از کاندیداها که اسال انتخاب شود

۸- دکتر مصطفی الموتی نیاز با تقاضای دکتر مظفر زعفرانلو در انتخابات شورای مرکزی پاتقاضا بردن در مجلس عزیز و عوضگ رانی همان خانمی را که در کنگره سخنرانی کرده بنام جواهر سالهای اهل کجا بوده و چرا حمد

جناب آقای نخست وزیر اولاً" زعفرانلو اصلاً" بهیچ بابی نیست و اصلا هم با وان بتواند نیست بدان شما قسم شاید در تمام دیوان بیانات بندگی ایشان چنین بی ناموس کرد چقدر اعمال و کرد ناشی حد ندارد بلکه کارهایش بحدی است که باطلاع خواهد رسید

۹- جناب راد نفر بطور کلی بحرف برمیاید - بی ظرف ترین - بی ناموس ترین - نا پاک ترین - کسی است که هر ظرف باد می آید به همان طرف میرود در اطلاعگری درجه یک و غیره

۱۰- حد اکثر در مجلس شورای ملی هفتاد نفر با سواد و افراد بی پارتی کاندید بشوند بطوریکه جناب آقای نخست وزیر در عاشه از شما و آقایان کلاس - معینی - محمود شرافتخانه بیتام هشتصد نفر ایرانی پاک شاهد وست وطن پرست میخواهیم هرچه زود تر به خواستهای ما شکل شده توجه داشته باشید و سوگند یاد کرده ایم که چنانچه در مختصر اقدام نفرمائید تمام مدارک موجود با امضاء شما در دسته جمعی بدرگاه شهریار عادل روی خواهیم آورد باشد بتوان پاک مختار الله اقدام آن نخست وزیر مد بسر هستیم.

از طرف هشتصد نفر شاهد وست واقعی
شهبه امین ناصر روز ۵۰/۶/۱۸ در تهـــــران

نخست‌وزیر آقای کلالی آقای مهندس معینی و دکتر سعید و چهره‌های جدید انتخاب شوند

۵ـ علت اینکه بایستی نمایندگان آینده را کمیته‌های حزب انتخاب نمایند یعنی چه علت چیست تمام اعضاء کمیته‌ها خودشان از دیگران تشنه‌ترند چون در تمام کشور کمیته [ای] نیست که اعضایش سرودست نشکنند برای احراز کرسی وکالت؟

۶ـ آیا مگر فراموش کردید که شاهنشاه بزرگ و باارزش ما مکرر فرموده‌اند انتخابات آزاد است و در یک محیط گرم و برادری انجام گیرد چرا عمل نمی‌کنید؟؟؟

آقای نخست‌وزیر شدیداً تقاضا داریم از امروز افرادی راکه معرفی می‌کنم وگندکاری آنها را با سند در دست داریم خیلی فوری از اطراف خودتان رها کنید.

۷ـ آقای سناتور جفرودی ـ آقای امیرحسین شیخ بهائی ـ آقای ایرج ملک افضلی ـ آقای دکتر حسن متین[۳] ـ آقای صادق ناصرزاده[۴] ـ آقای عباس رادفر ـ آقای پروانه‌فر ـ آقای دکتر مصطفی الموتی[۵] ـ آقای دکتر مظفر زعفرانلو[۶].

تا اسامی بقیه که مرتب حضورتان فرستاده خواهد شد لطفاً اقدام اول را بفرمائید و اگر اقدام نکنید دیگر کوچکترین نظری نخواهیم داد بلکه دسته‌جمعی به پیشگاه مبارک شاهنشاه عزیز خواهیم رفت آن وقت انشاءالله تکلیف همه معلوم خواهد شد مثلاً برای اطلاع آنجنابان اشاره به چند نفر و کارهایشان می‌نمایم.

۱ـ سناتور جفرودی آن سخنرانی احمقانه‌اش.

۲ـ نصیر عصار[۷] و شش ملیون تومان درآمدش و خراب کردن دختران سازمان جوانان

۳ـ امیرحسین شیخ بهائی با گرفتن چند صد هزار تومان از آنهایی که قول داده است امسال

نماینده خواهند شد خودش هم خوب می‌داند از یک نفر اصفهانی ـ از یک نفر مشهدی ـ از یک نفر اهالی ساوه ـ از ۸ نفر تهرانی ـ از یک نفر ورامینی ـ از یک نفر کرمانشاهی ـ از یک نفر خوزستانی که مبلغش و روزی که گرفت موجود است و اتومبیلش را که به خانمش هدیه کرد نامش علی مرتضی‌پور و خراب کردن زنهائی که در حزب هستند

۴ـ ایرج ملک افضلی که چه خرابکار [ی]های غیرقابل تحمل که در اردکان و یزد نموده است و درست کردن زنها برای سرورانش توسط همسرش گرفتن رشوه مبلغ ۶۰۰/۰۰۰/ تومان از دو مالک که ممکن است خودش هم تعجب شود [کند] که این اطلاعات از کجا بدست آمده است دخالت در انتخابات اعضاء شورای مرکزی و تصاحب کردن حق دیگران و غیرو

۴ـ صادق ناصرزاده ـ قولهایی که به فرهنگی‌ها داده است برای نمایندگی از بین بردن حق اعضاء مومن برای شرکت در کنگره و دادن به رفقای خودش و پاره کردن اسناد افراد حزبی و گرفتن مبلغ یک صد هزار ریال از یک خانم جهت انتخاب شدن نمایندگی مجلس شورای ملی و غیرو.

۶ـ دکتر حسن متین اخاذی کردن مرتب و سفارش کردن و غیرو

۷ـ دادن پرونده خراب یکی از کاندیدای گذشته که امسال انتخاب شود

۸ـ دکتر مصطفی الموتی تبانی به اتفاق دکتر مظفر زعفرانلو در انتخابات شورای مرکزی و به اتفاق بردن در مجلس عیش و خوشگذرانی همان خانمی را که در کنگره سخنرانی کرد به نام جواهر ...اهل کهگیلویه و بویراحمد

جناب آقای نخست‌وزیر اولاً زعفرانلو اصلاً بهبهانی نیست و اهل بهبهان و توابع نیست به جان شما قسم شاید در تمام دوران نمایندگی ایشان چقدر بی‌ناموسی کرد چقدر اخاذی کرده است حد ندارد بقیه کارهایش بعداً به اطلاع خواهد رسید ۹ـ عباس رادفر به طورکلی به عرض برسانیم ـ بی‌شرف‌ترین ـ بی‌ناموس‌ترین ـ ناپاک‌ترین ـ کسی است که هر طرف باد می‌آید همان طرف می‌رود در اخلالگری درجه یک و غیرو.

۱۰ـ حداکثر در مجلس شورای ملی شش خانم آن هم باسواد و افراد بی‌پارتی کاندید شوند به طورکلی جناب آقای نخست‌وزیر در خاتمه از شما و آقایان کلالی ـ معینی ـ سعید شرافتمندانه و به نام هشتصد نفر ایرانی پاک شاهدوست وطن‌پرست می‌خواهیم هر چه زودتر به خواسته‌های مشخص شده توجه داشته باشید و سوگند یاد کرده‌ایم که چنانچه دستور اقدام نفرمائید تمام مدارک موجود به اضافه عکسهای زیاد دسته جمعی به درگاه شهریار عادل روی خواهیم آورد به

امید یزدان پاک منتظر اقدام آن نخست‌وزیر مدیر هستیم.

از طرف هشتصد نفر شاهدوست واقعی

تهیه این نامه روز ۵۰/۲/۱۸ در تهران

به پرونده ۶۲۴۱۳ امیرعباس هویدا بایگانی فرمائید

۵۰/۳/۱۹

۱ـ منوچهر کلالی فرزند حبیب‌اله به سال ۱۳۰۴ ش در مشهد متولد شد. برای تکمیل تحصیلات به تهران آمد و از دانشکدهٔ حقوق در رشتهٔ علوم سیاسی و اقتصاد فارغ‌التحصیل شد. در ۱۳۲۵ ش وارد کارهای دولتی شد و در وزارت‌کار مشغول گردید. برای ادامهٔ تحصیلات راهی فرانسه شد و از دانشگاه پاریس موفق به دریافت دکترای علوم سیاسی گردید. پس از بازگشت به ایران مدارج اداری را طی کرد تا اینکه به معاونت اداری وزارت‌کار و امور اجتماعی رسید. وی که در توسعه تشکیلات اداری وزارت‌کار نقش‌ساز بود، مدتی دبیرکل کانون فارغ‌التحصیلان (۱۳۲۹) شد. معاونت اداره اقتصاد وزارت‌کار (۱۳۲۶ ش). ریاست اداره‌کار و بیمه‌های اجتماعی استان خراسان (۳۶ ـ۳۲) وزیر مشاور و سفیر ایران در سالهای ۱۳۵۰ و ۱۳۵۳ ش، عضو کانون مترقی و دبیرکل حزب ایران نوین (۴۸ تا ۵۳) از دیگر مشاغل او بود. کلالی، عضو جمعیت فراماسونری و از طرفداران دولت آمریکا بود که در اغلب مهمانی‌های سفارت آمریکا در ایران شرکت می‌یافت. گویا مقامات آمریکایی از برکناری وی از حزب ایران نوین ابراز ناراحتی نمودند. برابر گزارشی در ۱۳۴۶ ش وی از جمله کارگردانان کمیته محرمانه‌ای که از طرف مقامات سیاسی آمریکا (سیا) متمرکز در حزب ایران نوین بوده معرفی گردیده و نیز همسر وی که دارای ملیت فرانسوی است مدتها در اداره اطلاعات سفارت آمریکا مشغول به‌کار بوده و همزمان با آغاز فعالیتهای همسرش در حزب ایران نوین از شغل خود مستعفی گردید. کلالی در ۱۳۴۰ ش از طرف وزیر کار به عنوان نماینده وزارت‌کار جهت شرکت در کمیته دائمی حفاظت به ساواک معرفی شد و در سال ۱۳۵۳ ش از طرف سازمان مرکزی بین‌المللی حمایت از زندانیان در انگلستان نامه‌هایی جهت کسب اطلاع از وضع چند زندانی سیاسی جهت یاد شده ارسال شده است. در سال ۱۳۵۳ ش از نصیری جهت شرکت در مراسم کنگره سوم حزب ایران نوین دعوت به عمل آورد. و همواره مورد تفقد نصیری بود. پدر وی از ملاکین تربت جام بود که حداکثر استفاده و بهره‌برداری را از مقام و موقعیت وی در جهت منافع مادی خود نموده و در بیشتر نقل و انتقالات رؤسای ادارات نیز دخالت می‌کرده است.

وی همچنین نمایندهٔ دوره‌های ۲۱ و ۲۲ مجلس شورای ملی از مشهد بود.

اسناد ساواک ـ پرونده انفرادی

۲ـ جواد سعید فرزند کاظم در ۱۳۰۲ ش در کربلا متولد شد وی پس از گذراندن تحصیلات ابتدائی و متوسطه در ساری و تهران وارد دانشگاه تهران شد و دکترای خود را دریافت نمود سپس برای ادامه تحصیل عازم فرانسه شد و دورهٔ تخصصی را در دانشگاه پزشکی پاریس به پایان رسانید پس از بازگشت به تهران در بهداری راه‌آهن مشغول به‌کار شد و تا ریاست بهداری اداره کل راه‌آهن در تیر ماه ۱۳۴۱ ترقی نمود سپس در دورهٔ بیست و یکم مجلس شورای ملی به مجلس راه پیداکرد و در دوره‌های بعد نیز در این مجلس حضور داشت و در حدود ده سال نیابت ریاست این مجلس را به عهده داشت و پس از آن به ریاست مجلس شورای ملی رسید. وی که از مؤسسین کانون مترقی و حزب ایران نوین بود از اعضای شورای سلطنت و دبیر کل چهارم حزب رستاخیز بود. او که در سال ۱۳۵۷ ش پس از فرار محمدرضا پهلوی، عضویت شورای سلطنت را به عهده داشت، پس از پیروزی انقلاب اسلامی به حکم دادگاه انقلاب در ۱۳۵۸/۲/۱۸ ش

اعدام شد. او همچنین عضو هیئت امنای مرکز آموزش مدیریت دولتی نیز بود و نشان تاج و همایون دریافت داشته بود. او از سهامداران بزرگ کارخانجات مختلف ایران بود.

اسناد ساواک ـ پرونده انفرادی

۳ـ حسن متین وکیل دادگستری به سال ۱۲۹۸ ش در بابل متولد شد. در رشته اقتصاد و علوم سیاسی از دانشگاه تهران لیسانس گرفت و سپس در دانشگاه ژنو تا اخذ دکترای خود به تحصیل پرداخت. علاوه بر شغل وکالت در دورهٔ بیستم مجلس شورای ملی نیز از طرف مردم بابل به نمایندگی انتخاب شد، همچنین در دانشکدهٔ پلیس به تدریس حقوق بین‌الملل عمومی اشتغال داشت.

۴ـ صادق ناصرزاده فرزند تقی سال ۱۲۹۹ ش متولد شد. وی فارغ‌التحصیل دانشسرای مقدماتی تهران بود که از ۱۳۱۹/۹/۱۶ آغاز به کار کرد. در خلاصه سوابق وی می‌خوانیم : آموزگار، دبیر، رئیس اداره فرهنگ استان مرکز، بازرس اداری آموزش و پرورش استان مرکز، سرپرست سپاه دانش استان تهران، رئیس اداره ناحیه یک آموزش و پرورش تهران، رئیس دفتر اطلاعات و مطبوعات وزارت آموزش و پرورش، مدیرکل روابط عمومی وزارت مذکور و قائم مقام وزیر آموزش و پرورش، عضو هیئت مدیره شرکت تعاونی فرهنگیان، عضو هیات مدیره شرکت مخابرات ایران، نماینده دوره ۲۳ مجلس شورای ملی که در بین مردم و فرهنگیان شایع شده وی بهائی می‌باشد، نویسنده مقالات رادیو، عضو مؤسس حزب ایران نوین، مسئول حوزه ۷۸ حزبی، عضو کمیته امور استانها، عضو کمیته استان تهران، عضو سازمان آموزش حزب، دبیر شورای مرکزی حزب، مسئول تبلیغات ستاد انتخاباتی حزب، رئیس دبیرخانه کنگره حزب، رئیس دبیرخانه و رابط حزب و آموزش و پرورش، معاون دبیرکل حزب ایران نوین، عضو حزب رستاخیز، عضو هیئت مدیره جمعیت طرفداران پیش‌آهنگی، نایب رئیس انجمن همکاری مردم بابلسر، عضو کمیته جشن پیروزی نفت در نخست‌وزیری، عضو حزب ملیون، عضو سازمان کوک، داوطلب نمایندگی دوره ۲۴ مجلس شورای ملی بوده است. وی از سال ۳۰ تا ۱۳۴۵ با مطبوعات و از سال ۱۳۴۵ با دریافت مقرری با ساواک همکاری داشته است.
صادق ناصرزاده دارای نشانهای درجه ۱ و ۲ و ۳ سپاس، درجه ۳ سپاس ورزشی، درجه ۲ آبادانی و پیشرفت،درجه ۳ همایون بوده و جوایزی نیز از شاه، فرح و غلامرضا پهلوی دریافت داشته است. نام وی در لیست فراماسونها ذکر شده است.

اسناد ساواک ـ پرونده انفرادی

۵ـ مصطفی الموتی‌نیا فرزند حسین، در سال ۱۳۰۶ در تهران متولد شد و از دانشگاه تهران دکترای اقتصاد گرفت. وی کار مطبوعاتی را در پانزده سالگی شروع کرد و در سال ۱۳۲۹ (با خانم عفت عمید نوری، وکیل پایه یک دادگستری، رئیس کمیسیون شورای عالی زنان شمیران و روزنامه‌نگار) ازدواج نمود و در سالهای ۱۳۳۱ و۱۳۳۲ در روزنامه «داد» مقالات تندی علیه دولت دکتر مصدق نوشت که به همین علت چندین بار دستگیر و روزنامه مذکور نیز توقیف شد. او در همین زمان با عوامل کودتا (سپهبد زاهدی و اردشیر زاهدی) آشنا و در تظاهرات خیابانی علیه مصدق فعال شد و پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در دولت زاهدی، سمت معاونت نخست‌وزیر را به دست آورد و در این زمان مجلات شهربانی و ژاندارمری را راه‌اندازی و در رادیو به ارائه تحلیل‌های سیاسی بعد از کودتای ۲۸ مرداد پرداخت که باعث شهرت و تحکیم موقعیت او گردید. دکتر الموتی در سال ۱۳۳۳ روزنامه «صبح امروز» را به مدیریت همسرش منتشر کرد و در سال ۱۳۳۸ به عضویت هیأت مدیره شرکت معاملات خارجی منصوب شد و پس از آن به عنوان معاون نخست‌وزیر، رئیس بازرسی نخست‌وزیری، به کارش ادامه داد و با آغاز فعالیت گروه «مترقی» و تأسیس حزب ایران نوین به عنوان رئیس فراکسیون این حزب در مجلس شورای ملی منحله فعالیت کرد و یکی از اعضای فعال و مؤثر کمیسیون

جشن‌های ۲۵۰۰ ساله سلطنت پهلوی بود و با اعمال قدرت و سازش با سازمان برنامه به یکی از ثروتمندان بزرگ تبدیل شد. وی در سال ۱۳۴۰ به دعوت رژیم صهیونیستی به همراه همسرش به تل‌آویو سفر کرد. دکتر مصطفی الموتی، همچنین عضو و دبیر جمعیت یاران متحد (عناصر رده اول دربار و نزدیکان محمدرضا پهلوی)، عضو جبهه یاران متحد، عضو جمعیت جهانی فراماسونری، رهبر فراکسیون پارلمانی حزب ایران نوین، عضو حزب ملیون، رئیس باشگاه روتاری مرکز، نویسنده و مدیر مسؤول روزنامه «داد» و از عوامل باند گسترده و متنفذ عَلَم بود و با اوج‌گیری انقلاب اسلامی به کشور انگلستان متواری و پناهنده شد و در سال ۱۳۵۸ در خارج از کشور، روزنامه «اخبار روز» و در سال ۱۳۶۰ کتاب «تاریخ معاصر ایران» و کتاب «ایران در عصر پهلوی، شانزده جلد» و در سال ۱۳۷۰ کتاب «بازیگران سیاسی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی» را منتشر نمود که در آثار فوق، سعی در تبرئه نمودن سیاستمداران دوران رژیم پهلوی را داشته است.

ناصر نجمی در معرفی وی چنین می‌نویسد:

الموتی کارگر ساده چاپخانهٔ روزنامه «داد» بود. او جوانی جاه‌جو و مشتاق شهرت بود. بعداً در روزنامهٔ داد شروع به نوشتن مقاله نمود و شهرتی بدست آورد و جزو طرفداران دکتر مصدق گردید و در اکثر تظاهرات بنفع رهبر نهضت ملی ایران شرکت می‌جست اما خیلی زود مسیر خود را تغییر داد و به کارهای اقتصادی روی آورد.

مصطفی الموتی که بعداً عنوان دکتر را به اول نام خود افزود به دکتر اقبال نزدیک شد و به معاونت وی در امور بازرسی منصوب گردید و متعاقب آن به مجلس راه یافت و تا معاونت مجلس پیش رفت.

وقتی حزب ایران نوین تشکیل شد الموتی هم خواه ناخواه جزء بزرگ سردمداران آن حزب گردید و در مجلس رئیس فراکسیون حزب ایران نوین شد.

اسناد ساواک ـ پرونده انفرادی

۶ـ مظفر زعفرانلو نمایندهٔ دوره‌های ۲۱ تا ۲۳ از بهبهان و کهکیلویه در مجلس شورای ملی به سال ۱۳۰۸ ش در بروجرد متولد شد. از دانشکدهٔ دامپزشکی تهران فارغ التحصیل شد و پس از ورود به وزارت کشاورزی به عنوان رئیس دامپزشکی بابل و بابلسر منصوب شد و مدتی ریاست اداره کشاورزی بهبهان و فرمانداری کهکیلویه را عهده‌دار بود. او در اجرای قانون اصلاحات ارضی فعالیت فراوان کرد.

۷ـ نصیر عصار فرزند محمدکاظم در سال ۱۳۰۵ در تهران بدنیا آمد. تحصیلات خود را تا لیسانس حقوق ادامه داد. سمتهایی منجمله، مدیریت اداره گذرنامه، رایزن نمایندگی دائمی ایران در سازمان ملل متحد، رئیس اوقاف، معاون سیاسی وزارت خارجه و...را عهده دار بود. در سند بیوگرافی ساواک آمده است: «... ضمناً نامبرده عضو جمعیت ایرانی و کاری ملل آسیائی و آفریقایی و عضو کانون مترقی بوده و شخصی است مردم دار و خوش‌برخورد و مجلس آرا و عیاش، ولخرج و جاه طلب در امور اداری». ساواک در گزارش دیگری از حیف و میل اموال عمومی و سوءاستفاده‌های کلان در زمان تصدی پست ریاست اوقاف کشور نامبرده صحبت به میان آورده و ضمن تحقیقات و بررسی اخبار و گزارشها مراتب فوق را تائید نموده است.

عصار از اعضای کمیته مرکزی حزب ایران نوین و رئیس سازمان جوانان این حزب بود. وی همچنین از اعضای تشکیلات فراماسونری و عضو لژ ژاندارک و رئیس سازمان اوقاف و معاون نخست وزیر بود که در گزارشات ساواک قید شده است، عصار در هنگام تصدی ریاست اوقاف برخی از زمین‌های وقفی را جهت احداث ساختمان‌های تشکیلات فراماسونری به رهبران لژها با قیمت نازل واگذار کرده است که نمونه آن به شرح زیر است:

«قطعه زمینی که قرار بود در تهران پارس خریداری شود به علت نامعلومی معامله مربوطه انجام نشد و اخیراً یک قطعه زمین به مساحت ۱۵۰۰۰ متر مربع از زمین‌های اداره اوقاف در نزدیکی میدان شهیاد به مبلغ ۶۰۰ هزار تومان از قرار

متری ۴۰ تومان خریداری گردیده است. در بین اعضای فراماسونری شایع است که: «بهای زمین فوق را شاهنشاه آریامهر مرحمت فرموده و آقایان نخست وزیر (هویدا) و مهندس شریف امامی اقدامات لازم را در جهت خرید زمین از آقای عصار معاون نخست وزیر و سرپرست سازمان اوقاف به عمل آورده‌اند»

علاوه بر آن عصار برادر همان خواننده‌ای است که در زمان شاه به «شوشا» معروف بود و نُقل مجالس آن دوره بود که ترقی و پیشرفت نصیر عصار بخاطر سفارشهای مکرر خواهر خواننده‌اش (!) بوده است

اسناد ساواک ـ پرونده انفرادی

از راست: ردیف اول: هادی هدایتی ـ محمد نصیری ـ عطاءالله خسروانی ـ هویدا
جمشید آموزگار ـ اسدالله صنیعی ـ حسن پاکروان
ردیف دوم: ... ـ اسماعیل ریاحی ـ حسن شالچیان ـ ... ـ مهرداد پهلبد
منصور روحانی ـ غلامرضا نیک‌پی
ردیف سوم: نعمت‌الله نصیری ـ ... ـ ... ـ ... ـ هوشنگ نهاوندی
ردیف چهارم: جواد منصور ـ جواد صدر

به : ۳۲۱ تاریخ : ۵۰/۲/۲۰

از : ۷ ه شماره : ۷۶۵۱ / ه

درباره : فعالیت بهائیان ده‌بید

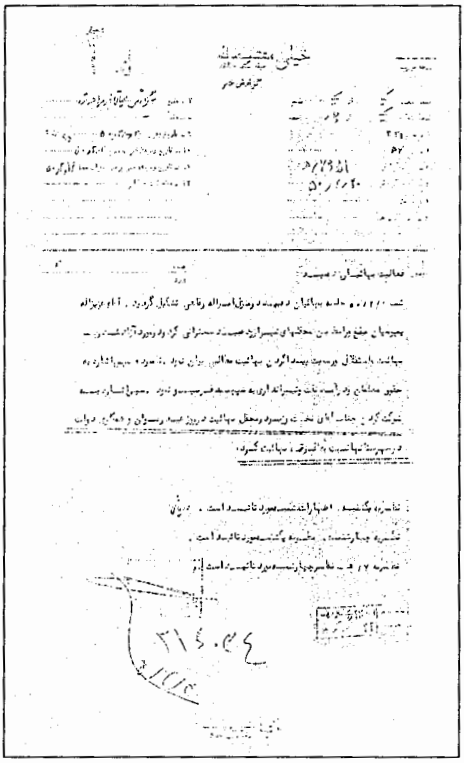

شب ۵۰/۲/۲ جلسه بهائیان ده‌بید در منزل امرالله رفاهی تشکیل گردید. آقای عزیزالله بمهوسیان مبلغ و رابط بین محفلهای شیراز و ده‌بید سخنرانی کرد و در مورد آزاد شدن بهائیت و استقلال و رسمیت پیداکردن بهائیت مطالبی بیان نمود. نامبرده سپس اشاره به حقوق معلمان و درآمد نفت و تیراندازی به سپهبد فرسیو[1] نمود. سپس اشاره به شرکت‌کردن جناب آقای نخست‌وزیر در محفل بهائیت در روز عید رضوان و همکاری دولت در شهرستانها نسبت به فرقه بهائیت کرد.

نظریه یکشنبه : اظهارات شنبه مورد تایید است. دریائی

نظریه چهارشنبه : نظریه یکشنبه مورد تایید است.

نظریه ۷ / ه: نظر چهارشنبه مورد تایید است.

۲۱۶۰۳۴

۵۰/۲/۳۰

۱ـ سپهبد ضیاء فرسیو فرزند اسحاق در سال ۱۲۹۸ ش در تهران متولد شد. پس از طی دانشکده افسری با درجه ستوان دومی به عنوان افسر توپخانه لشگر ۲ تبریز شروع به‌کار نمود. نامبرده علاوه بر تحصیلات نظامی، دارای لیسانس حقوق نیز بود. فرسیو طی دوران حضور در ارتش به ترتیب مراتب نظامی را طی‌کرده و تا درجه سپهبدی رسید.

وی بارها از سوی رژیم مورد تشویق قرار گرفت و مدالها و نشانهای متعددی را از آن خود کرد. فرسیو مدت چهار سال دادستان نظامی ارتش بود و در سال ۱۳۴۹ به ریاست اداره دادرسی ارتش رسید. فرسیو به خاطر سوابق ممتدش در دادستانی ارتش و آزار و اذیت متهمانش، بالاخره در روز ۱۸ فروردین ماه سال ۱۳۵۰ در هنگام خروج از خانه‌اش در خیابان دولت واقع در منطقه قلهک تهران به ضرب‌گلوله از پای درآمد.

تاریخ : ۴/۶ [۱۳۵۰]

نطق هم‌مسلک هویدا نخست‌وزیر

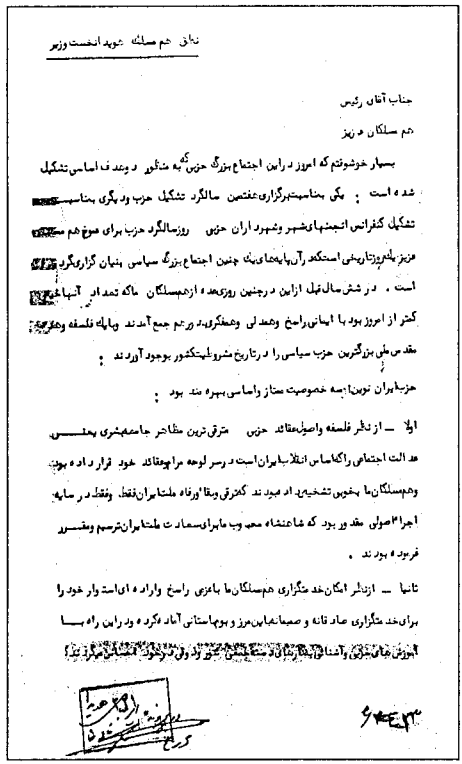

نطق هم مسلک هویدا نخست وزیر

جناب آقای رئیس

هم مسلکان عزیز

بسیار خوشوقتم که امروز در این اجتماع بزرگ حزبی که بـه منظور دو هدف اساسی تشکیل شده است : یکی به مناسبت برگزاری هفتمین سالگرد تشکیل حزب و دیگری به مناسبت تشکیل کنفرانس انجمنهای شهر و شهرداران حزبی.

روز سالگرد حزب برای عموم هم‌مسلکان عزیز یک روز تاریخی است که در آن پایه‌های یک چنین اجتماع بزرگ سیاسی بنیان‌گزاری گردیده است. در شش سال قبل از این در چنین روزی عده [ای] از هم‌مسلکان ما که تعداد آنها خیلی کمتر از امروز بود با ایمانی راسخ و همدلی و همفکری دور هم جمع آمدند و با یک فلسفه و هدف مقدس ملی بزرگترین حزب سیاسی را در تاریخ مشروطیت کشور بوجود آوردند.

حزب ایران نوین از سه خصوصیت ممتاز و اساسی بهره‌مند بود :

اولاً ـ از نظر فلسفه و اصول عقاید حزبی مترقی‌ترین مظاهر جامعه بشری یعنی عدالت اجتماعی راکه اساس انقلاب ایران است [را] در سرلوحه مرام و عقاید خود قرار داده بود و هم‌مسلکان ما به خوبی تشخیص داده بودند که ترقی و بقا و رفاه ملت ایران فقط و فقط در سایه اجراء اصولی مقدور بود که شاهنشاه محبوب ما برای سعادت ملت ایران ترسیم و مقرر فرموده بودند.

ثانیاً ـ از نظر امکان خدمتگزاری هم‌مسلکان ما با عزمی راسخ و اراده‌ای استوار خود را برای خدمتگزاری صادقانه و صمیمانه به این مرزوبوم باستانی آماده کرده و در این راه با آموزش‌های حزبی و آشنایی به کارهای دسته‌جمعی شور و ذوقی در خود احساس می‌کردند که در سایه

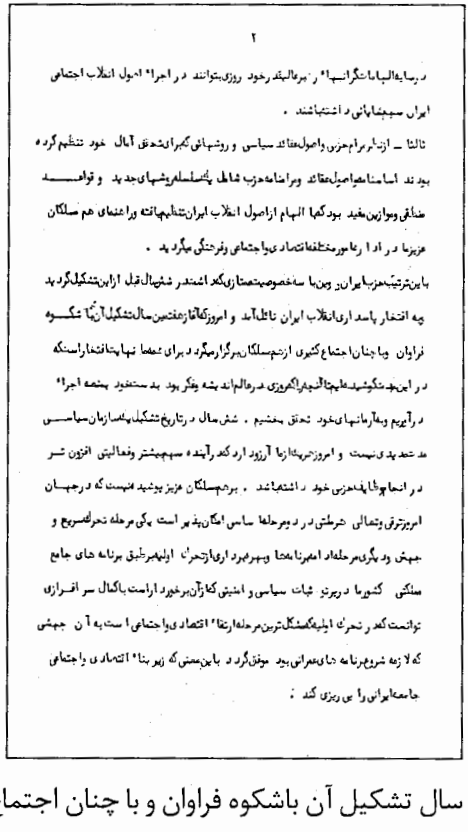

الهامات گرانبهاء رهبر عالیقدر خود روزی بتوانند در اجرای اصول انقلاب اجتماعی ایران سهم شایانی داشته باشند.

ثالثاً ـ از نظر مرام حزبی و اصول عقاید سیاسی و روشهایی که برای تحقق آمال خود تنظیم کرده بودند اساسنامه و اصول عقاید و مرامنامه حزب شامل یک سلسله روشهای جدید و قواعد منطقی و موازین مفید بود که با الهام از اصول انقلاب ایران تنظیم یافته و راهنمای هم‌مسلکان عزیز ما در اداره امور مختلفه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی می‌گردید.

به این ترتیب حزب ایران نوین با سه خصوصیت ممتازی که داشت در شش سال قبل از این تشکیل گردید و به افتخار پاسداری انقلاب ایران نائل آمد و امروز که آغاز هفتمین سال تشکیل آن باشکوه فراوان و با چنان اجتماع کثیری از هم‌مسلکان برگزار می‌گردد برای همه ما نهایت افتخار است که در این مدت کوشیده‌ایم تا آنچه راکه روزی در عالم اندیشه و فکر بود به دست خود به منصه اجرا درآوریم و به آرمان‌های خود تحقق بخشیم. شش سال در تاریخ تشکیل یک سازمان سیاسی مدت مدیدی نیست و امروز هر یک از ما آرزو داردکه در آینده سهم بیشتر و فعالیتی افزون‌تر در انجام وظایف حزبی خود داشته باشد. بر هم‌مسلکان عزیز پوشیده نیست که در جهان امروز ترقی و تعالی هر ملتی در دو مرحله اساسی امکان‌پذیر است یکی مرحله تحرک سریع و جهش و دیگری مرحله ادامه برنامه‌ها و بهره‌برداری از تحرک اولیه بر طبق برنامه‌های جامع مملکتی [.] کشور ما در پرتو ثبات سیاسی و امنیتی که از آن برخوردار است با کمال سرافرازی توانست که در تحرک اولیه که مشکل‌ترین مرحله ارتقاء اقتصادی و اجتماعی است به آن جهشی که لازمه شروع برنامه‌های عمرانی بود موفق گردد به این معنی که زیربناء اقتصادی و اجتماعی جامعه ایرانی را پی‌ریزی کند.

اولین گام در این تحرک صنعتی ساختن کشور و مخصوصاً صنایعی بود که مواد اولیه آن نیز در این سرزمین باستانی به ودیعه نهاده شده بود مانند صنایع ذوب‌آهن و پتروشیمی و گاز و نفت و امثال آن و همچنین احداث سدهای بزرگ و ساختمان شاهراهها و شبکه‌های مخابرات و برق که هم‌مسلکان عزیز و عموم ملت ایران به خوبی از آن استحضار دارند. مرحله دوم مرحله بهره‌برداری و اعمال روشهای نوین بکار بردن اصول مدیریت صحیح به منظور بهره‌برداری از زیربناهای اقتصادی و اجتماعی است که آن هم در قسمتی از برنامه‌های عمرانی از مدتی قبل شروع شده و در قسمت دیگر طرحهای صنعتی ما انتظار داریم در سالهای آینده بهره‌برداری از طرحهای بسیار بزرگی که در دست اقدام است شروع شود. ما امروز در مرحله سرآغاز ترقیات اقتصادی هستیم و اینک با کمال سرافرازی هم‌مسلکان عزیز و عموم ملت ایران به خوبی می‌دانند که به رشد اقتصادی در حدود ۱۲ درصد رسیده‌ایم بدیهی است روزی که بهره‌برداری از صنایع بزرگ چون ذوب‌آهن و ماشین‌سازی و پتروشیمی و گاز آغاز گردد و بهره‌برداری از منابع نفتی کشور به حدی که در برنامه عمرانی پیش‌بینی شده است بعمل آید رشد اقتصادی ما یک افتخار تاریخی خواهد بود. به موازات این همه ترقیات اقتصادی توجه ما هیچگاه از امور اجتماعی دور نبوده و هدفهای مقدس ملی چون امر آموزش و پرورش و ارتقاء فکری و اجتماعی جوانان کشور و موضوع پیکار با بیسوادی و بهداشت و درمان و عمران شهری و روستایی و طرق اعمال موازین انقلاب اداری همیشه در سرلوحه اقدامات اساسی قرار دارد که بر طبق قواعد اولویت و نیازمندیهای مملکتی در تحقق هر یک اقدام خواهیم کرد و آنچه را که لازمه رفاه اکثریت ملت ایران یعنی کارگران و دهقانان کشور است که انقلاب اجتماعی ایران

مخصوصاً برای حفظ منافع آنها به وقوع پیوسته انجام خواهیم داد. امروز ملت ایران بر آن است که از عالی‌ترین مظاهر ترقیات اجتماعی جهانی بهره‌مند گردد و اوامر شاهنشاه محبوب ما برای توسعه بیمه‌های همگانی و حمایت در مقابل پیری و از کارافتادگی و بیمه درمانی و حتی آموزشی برای عموم افراد ملت ایران نمونه‌ای از برنامه‌های مترقی مملکتی است که ما باید با کمال جدیت در تحقق هر یک بکوشیم. بدیهی است تمام این وظایف خطیر مستلزم تربیت نیروی انسانی کافی است که این تربیت باید در درجه اول با آموزش‌های حزبی و آشنایی به کار دسته‌جمعی از طریق همین سازمان سیاسی حزبی ما بعمل آید و اینجاست که نقش حزب در جمیع شئون مملکتی کاملاً مبرهن می‌گردد. ما نباید به آنچه که تاکنون بوجود آورده‌ایم اکتفا کنیم زیرا وظایف خدمتگزاران آینده مملکت به مراتب حساستر و بیشتر است و برای مقابله با آن نیازمندیها باید با یک انقلاب آموزشی به معنای وسیع آن نیروی انسانی لازم را برای آینده کشور تربیت کنیم. در اینجا می‌خواهم اضافه کنم که هم‌مسلکان عزیز به خوبی استحضار دارند که تحولاتی اخیراً در حزب پیش آمد و از نظر تنظیم برنامه‌ها و توسعه تشکیلات و روشهای حزبی تدابیر لازم و مفیدی اتخاذ گردید این تحولات بیشتر بدین منظور بود که حزب بتواند در آینده بیش از پیش هم‌مسلکان را برای قبول مسئولیتهای مختلفه مملکتی آماده سازد زیرا دامنه امور مملکتی هر روز توسعه می‌یابد و سهیم شدن و قبول مسولیت شما در هر یک از آن امور یک موضوع بسیار اساسی و مهمی است که امروز ما با آن مواجه هستیم. ملاحظه بفرمائید که امروز هم‌مسلکان ما اعضای انجمن‌های شهر و شهرداران حزبی در این مراسم شرکت دارند و توسعه کار حزب به حدی رسیده که اداره امور شهری در

اغلب شهرها نیز به دست هم‌مسلکان ما سپرده شده است و اصول عقاید حزب علاوه بر امور مربوط به دولت و قوه مقننه در امور مربوط به شهرداریها نیز توسعه و تعمیم یافته و این امور که از مهمترین مسائلی است که عموم مردم با آن سروکار دارند باید در قالب مرام و اصول عقاید حزب حل‌وفصل گردد.

هم‌مسلکان عزیز به خاطر دارند که در حدود دو سال قبل دولت لایحه مترقی اصلاح قانون شهرداریها و تشکیل انجمن شهر را به قوه مقننه تقدیم نمود که با تشریک مساعی و نظریات اصلاحی هم‌مسلکان نمایندگان مجلس به تصویب رسید بلافاصله پس از تصویب اقدام در تشکیل انجمن‌های شهر که مدتها بود منحل گردیده بود بعمل آمد و به این ترتیب اجراء اصل واگذاری امور مردم به مردم در سراسر کشور آغاز گردید.

انجمنهای شهر وظایف سنگینی به عهده دارند و مخصوصاً با توجه به اینکه اجراء اصل نوسازی شهر از اهم وظایف شهرداریها است انجمن‌های شهر باید با کمال جدیت و دقت نیازمندیهای عمومی شهری راکه مورد توجه مردم است و برای انجام آن امور عوارض پرداخت می‌گردد برآورده سازند و رضایت مردم را به خود جلب نمایند. در اینجا این نکته را نیز اضافه می‌کنم که برای رفع پاره[ای] مشکلات مالی که در گذشته شهرداریها با آن مواجه بوده‌اند ترتیبی داده خواهد شد که تسهیلاتی از نظر اقساط بلندمدت در مورد وامهای گذشته داده شود در این خصوص انتظار دارم که شهرداریها کاملاً وظایف خطیر خود را مد نظر داشته و مخصوصاً توجه داشته باشند که در گذشته اکثر انجمن‌های شهر به علت عدم ایفاء وظایف خود به جهات عدیده منحل گردیده و لذا سعی و مجاهدت نمایند که با همکاری نزدیک با مردم وظایف مهمه خود را با خلوص عقیده و ایمان به‌کار انجام دهند تا در معرض انتقادها و ایرادهایی که در گذشته نسبت

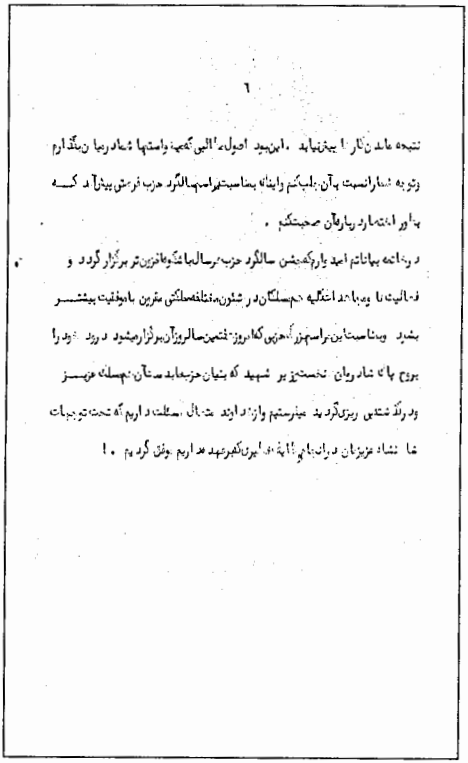

به آنها بعمل می‌آمد قرار نگیرند.

امروز چون اکثر انجمن‌های شهر و شهرداران حزبی هستند مخصوصاً باید توجه داشته باشید که نتیجه کار شما متوجه حزب می‌شود و لذا باید فعالیت‌های شما نیز در قالب اصول کلی حزبی و ضوابط مربوط بعمل آید تا مسئله اختلاف‌نظرها و دسته‌بندی و در نتیجه ماندن کارها را پیش نیاید. این بود اصول مطالبی که می‌خواستم با شما در میان بگذارم و توجه شما را نسبت به آن جلب کنم و اینک به مناسبت مراسم سالگرد حزب فرصتی پیش آمد که به طور اختصار درباره آن صحبت کنم.

در خاتمه بیاناتم امیدوارم که جشن سالگرد حزب هر سال باشکوه افزون‌تر برگزار گردد و فعالیت‌ها و مجاهدات کلیه هم‌مسلکان در شئون مختلفه مملکتی مقرون با موفقیت بیشتر بشود و به مناسبت این مراسم بزرگ حزبی که امروز هفتمین سالروز آن برگزار می‌شود درود خود را به روح پاک شادروان نخست‌وزیر شهید که بنیان حزب ما به دست آن هم‌مسلک عزیز و درگذشته پی‌ریزی گردید می‌فرستیم و از خداوند متعال مسئلت داریم که تحت توجهات شاهنشاه عزیزمان در انجام وظایف خطیری که بر عهده داریم موفق گردیم.

به : ۳۱۲ تاریخ : ۵۰/۴/۹

از : ۲۰ ه ۲۱ شماره : ۲۰/۹۳۸۰ ه ۲۱

موضوع : اختلاس مدیرعامل شرکت تلفن

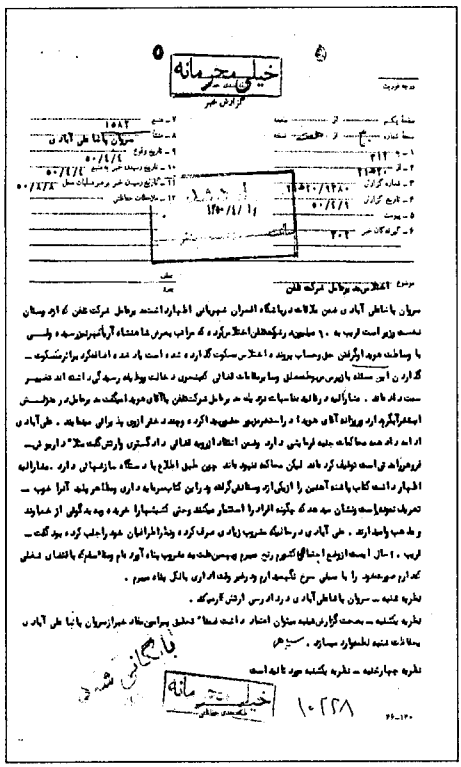

سروان پاشا علی‌آبادی ضمن ملاقات در باشگاه افسران شهربانی اظهار داشت مدیرعامل شرکت تلفن که از دوستان نخست‌وزیر است قریب به ۶۰ میلیون در شرکت تلفن اختلاس کرده که مراتب به عرض شاهنشاه آریامهر نیز رسیده ولی با وساطت هویدا و گرفتن حق و حساب پرونده اختلاس مسکوت گذارده شده است یادشده اضافه کرد بر اثر مسکوت گذاردن این مسئله بازپرس مربوطه معلق و سایر مقامات قضائی که به نحوی دخالت و وظیفه رسیدگی داشته‌اند تغییر سمت داده‌اند. مشارالیه در تائید مناسبات نزدیک مدیرعامل شرکت تلفن با آقای هویدا می‌گفت مدیرعامل در منزلش استخر آبگرم دارد و روزانه آقای هویدا در استخر مزبور حضور پیدا کرده و چند دختر از وی پذیرایی می‌نمایند. علی‌آبادی ادامه داد همه محاکمات جنبه فرمایشی دارد و ضمن انتقاد از رویه قضائی دادگستری و ارتش گفت مثلاً داریوش فروهر[1] را مدتی است توقیف کرده‌اند لیکن محاکمه ننموده‌اند چون طبق اطلاع با دستگاه سازشهایی دارد. مشارالیه اظهار داشت کتاب پاشنه آهنین را از یکی از دوستانش گرفته و در این کتاب سرمایه‌داری و مظاهر پلید آن را خوب تعریف نموده است و نشان می‌دهد که چگونه افراد را استثمار می‌کنند و حتی کشیشها را خریده و به بدگویی از خداوند و مذهب وامی‌دارند. علی‌آبادی در حالی که مشروب زیادی صرف کرده و نظر اطرافیان خود را جلب کرده بود گفت قریب ۲۰ سال است از وضع اجتماعی کشورم رنج می‌برم و به همین علت به مشروب پناه آورده‌ام و متأسفم که به اقتضای شغلی که دارم صورت خود را با سیلی سرخ نگه می‌دارم و در غیر

وقت اداری به الکل پناه می‌برم.

نظریه شنبه : سروان پاشا علی‌آبادی در دادرسی ارتش کار می‌کند.

نظریه یکشنبه : به صحت گزارش شنبه می‌توان اعتماد داشت ضمناً تحقیق پیرامون مفاد خبر از سروان پاشا علی‌آبادی به حفاظت شنبه لطمه وارد می‌سازد.

سپاهی

نظریه چهارشنبه : نظریه یکشنبه مورد تایید است.

۱ـ داریوش فروهر در سال ۱۳۰۷ در اصفهان بدنیا آمد. مبارزات سیاسی‌اش را از سال ۱۳۲۲ در دبیرستان آغاز کرد و در سال ۱۳۲۷ هنگام تحصیل در دانشکدهٔ حقوق به «مکتب که هسته بنیادی یک گروه سیاسی بود»، پیوست و در سال ۱۳۲۸ به هنگام بنیانگذاری جبهه ملی ایران، همراه با دانشجویان دیگر، به یاری دکتر مصدق شتافت و در دورهٔ ۱۶ مجلس شورای ملی در موفقیت دکتر مصدق به او کمکهای شایانی کرد. در سال ۱۳۲۹ برای نخستین بار زندانی شد و در زمان حکومت رزم‌آرا بخاطر مبارزات ملی شدن صنعت نفت در دانشگاه، بار دیگر زندانی شد. در سال ۱۳۳۰ «مکتب» به «حزب ملت ایران» تبدیل شد و فروهر در دیماه همان سال به دبیری این حزب انتخاب شد. وی در ۲۹ خرداد ۱۳۳۱، سالروز خلع ید استعمارگران، برای سومین بار بازداشت شد و در ۳۰ تیر همان سال، مبارزات یارانش را در میدان بهارستان رهبری کرد. پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ فروهر به مبارزات پنهانی ادامه داد و مردم را به مقاومت علیه کودتاچیان دعوت کرد و سرانجام در دی ماه همان سال دستگیر شد و به جزیرهٔ قشم تبعید گشت. در ۳۰ تیر ۱۳۳۹ در حالی که در زندان به سر می‌برد، به عضویت شورای مرکزی جبهه ملی دوم برگزیده شد. فروهر از اندک شمار رهبران جبهه ملی بود که از دوران زندان قیام ۱۵ خرداد را نقطه عطف و دگرگون‌ساز در پیکارهای ملت ایران اعلام کرد. وی در سال ۱۳۴۳ بار دیگر به همراه گروهی از یارانش به زندان افتاد و به ۳ سال زندان محکوم گشت. وی در سال ۴۵ از زندان آزاد شد و در سال ۴۹ نیز بدون محاکمه به ۳ سال زندان محکوم گشت. در سال ۵۶ به کوشش او و یارانش، «اتحادیه نیروهای جبهه ملی» تشکیل شد.

در سال ۵۷ (۲۶ دی ماه ۵۷) همراه با دکتر سنجابی که از دیدار با امام بازگشته بود، برای (۲۶) بیست و ششمین بار زندانی شد و پس از آزادی به پاریس رفت و پس از ۱۸ روز همراه امام به ایران بازگشت. و در دولت موقت به سمت وزیر کار انتخاب شد.

وی در سال ۵۸ نمایندهٔ منتخب حزب ملت ایران برای ریاست جمهوری ایران شد.

سرانجام داریوش فروهر در تاریخ ۳۰ آبان ۱۳۷۷ در منزل مسکونی خود در تهران به همراه همسرش به قتل رسید.

به : ۳۲۲ تاریخ : ۵۰/۴/۱۲

از : ۲۰ ه ۲۲ شماره : ۲۰/۲۵۹۹۸ ه ۲۲

موضوع : آقای هویدا نخست‌وزیر

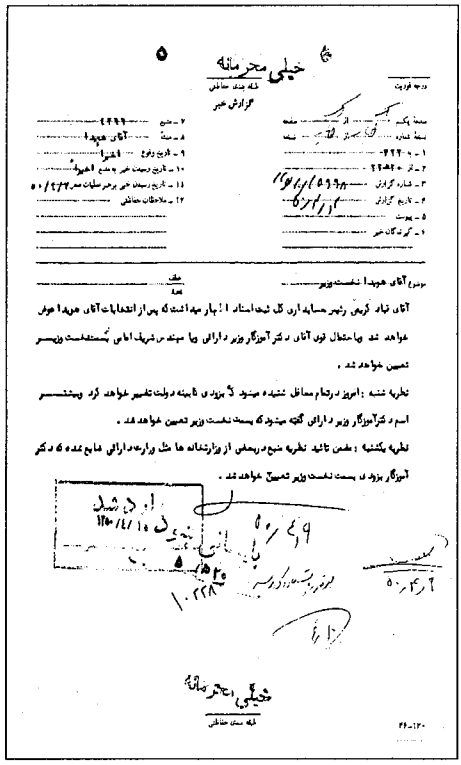

آقای قباد کریمی رئیس حسابداری کل ثبت اسناد اظهار می‌داشت که پس از انتخابات آقای هویدا عوض خواهد شد و به احتمال قوی آقای دکتر آموزگار[1] وزیر دارائی و یا مهندس شریف‌امامی[2] به سمت نخست‌وزیر تعیین خواهد شد.

نظریه شنبه : امروز در تمام محافل شنیده می‌شود که به زودی کابینه دولت تغییر خواهد کرد و بیشتر اسم دکتر آموزگار وزیر دارائی گفته می‌شود که به سمت نخست‌وزیر تعیین خواهد شد.

نظریه یکشنبه : ضمن تائید نظریه منبع در بعضی از وزارتخانه‌ها مثل وزارت دارائی شایع شده که دکتر آموزگار به زودی به سمت نخست‌وزیر تعیین خواهد شد.

۵۰/۴/۹

به عرض ریاست ساواک رسید

۴/۱۰

۱ـ جمشید آموزگار فرزند حبیب، در سال ۱۳۰۲ شمسی در تهران تولد یافت. در ایام جنگ دوم جهانی به امریکا رفت و در رشته مهندسی هیدرولیک دکترا گرفت و در سال ۱۳۳۰ به ایران بازگشت. وی در «اصل ۴ ترومن» در تهران مشغول شد و پس از معاونت بهداشت تا سال ۱۳۳۴، از سال ۱۳۳۶ که فشار آمریکا برای واگذاری مسئولیتهای کشور به تحصیل کردگان در آمریکا فزونی یافت، «آموزگار» نیز به وزارت کار کابینه اقبال نایل آمد و در اسفند ۱۳۴۲ در کابینه منصور وزیر بهداری شد. در دولت هویدا وزیر دارایی شد و پس از نه سال در سال ۵۳ وزیر کشور کابینه هویدا گردید. در سال ۵۴ به دست «کارلوس» به همراه وزرای نفت اپک به گروگان در آمد. در سال ۵۵ دبیر کل حزب فراگیر! رستاخیز شد و بالاخره در مرداد ۱۳۵۶ آرزوهای دیرین وی برآورده شد و نخست‌وزیر ایران شد و در چهارم شهریور ۱۳۵۷ استعفا نمود. جمشید

آموزگار که در تشکیلات فراماسونری بین‌المللی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود و با سازمان سیا نیز ارتباط داشت، در دی ماه همان سال به آمریکا متواری گردید و دفتر مشاوره انرژی در واشنگتن را تأسیس کرد.

۲ـ جعفر شریف امامی فرزند حاج محمدحسین نظام‌الاسلام، در ۲۷ خرداد ۱۲۹۱ ش در تهران متولد شد. پدر او، از روحانیون تهران در دوران متأخر قاجاریه بود که از ناصرالدین شاه لقب «معتمدالشریعه» و از مظفرالدینشاه لقب «نظام‌الاسلام» دریافت داشت. جعفر شریف‌امامی تحصیلات متوسطه را در تهران به پایان رسانید و برای ادامه تحصیل به سوئد و آلمان رفت و آخرین مدرک تحصیلی خود را در رشته برق کسب نمود. او در ایران، در راه‌آهن دولتی شاغل بود و به معاونت این سازمان رسید. در سال ۱۳۲۴ به مدیرعاملی بنگاه آبیاری و در تیر و اسفند ۱۳۲۹ در دولت رزم‌آرا به وزارت راه رسید، جعفر شریف‌امامی در دولت سپهبد فضل‌الله زاهدی مدیریت عامل سازمان برنامه را به دست گرفت و در سال ۱۳۳۳ به سناتوری تهران انتخاب شد. شریف‌امامی در دولت دکتر منوچهر اقبال وزیر صنایع و معادن شد و در شهریور ۱۳۳۹به نخست‌وزیری رسید. دولت مستعجل شریف‌امامی ثمرهٔ یک دورهٔ تنشهای جدّی در روابط ایران و آمریکا بود. تشدید فعالیت جناحهای وابسته به «حزب دمکرات» آمریکا در ایران به اعتصاب معلمین و شهادت دکتر ابوالحسن خانعلی و سرانجام سقوط دولت شریف امامی، در اردیبهشت ۱۳۴۰ انجامید. او در سال ۱۳۴۲ ریاست مجلس سنا را به دست گرفت و تا آستانه انقلاب اسلامی ایران، به مدت ۱۵ سال، در این سمت بود.

جعفر شریف‌امامی در مرداد ۱۳۴۶ به ریاست مجلس مؤسسان سوم رسید که وظیفه داشت نیابت سلطنت فرح پهلوی را تسجیل کند. با آغاز امواج انقلاب اسلامی ایران، محمدرضا پهلوی در یکی از واپسین تلاشهای خود به فراماسونری و استاد اعظم آن، جعفر شریف‌امامی متوسل شد و وی را در نقش دیرینش، به عنوان محور تفاهم و «آشتی» سیاستهای بیگانه مؤثر در ایران به صدارت رسانید. باید افزود که برخلاف تصور شاه، هر چند شریف‌امامی طی دوران «شیخوخیت» خود، به عنوان سمبل «آشتی» و «تفاهم» کانونهای قدرت بیگانه وجهه‌ای اندوخته بود و لذا می‌توانست نمادی از «آشتی بین‌المللی» به شمار رود، ولی او هیچ‌گاه نتوانست در سطح مردم به عنوان یک چهرهٔ «وجیه الملّه» مطرح شود. جعفر شریف‌امامی در تاریخ ۱۳۵۷/۸/۱۴ از صدارت استعفا داد و جای خود را به دولت نظامی ارتشبد غلامرضا ازهاری سپرد.

شریف امامی ثروت زیادی در دوران حیات خویش اندوخت و احمد شیبانی از نزدیکانش به فردوست اطلاع داده است که هنگام خروج از ایران زمان انقلاب ۱۷ میلیون دلار به حساب خود در خارج ریخته بود. شریف امامی از مهره‌های واسط و محلل به شمار می‌رفت که در شرایط بحرانی از او استفاده می‌شد.

یکبار پس از علاء و قبل از امینی، در سال ۱۳۳۹ و بار دیگر در اواخر عمر رژیم در سال ۵۷ به سمت نخست وزیری رسید که نهایتاً با وقوع حادثه ۱۷ شهریور در زمان صدارت وی، او نیز از صحنه کنار رفت.

وی، از دوران جوانی عضو تشکیلات ماسونی بود و در تشکیلات ماسونی، به استاد اعظمی رسید و از چهره‌های وابسته به سیاست غرب بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به انگلیس پناهنده شد و در سال ۱۳۷۸، در آمریکا درگذشت.

به : ۳۱۲ تاریخ : ۵۰/۵/۵

از : ۲۰ ه ۱۲ شماره : ۲۰/۱۰۱۹۵ ه ۱۲

موضوع : آقای هویدا نخست‌وزیر

در تاریخ ۵۰/۵/۴ وزیر دادگستری ـ شیخ بهاءالدین مهدوی راکه دارای دفتر ازدواج و طلاق می‌باشد به دادگستری احضار و به وی گفته است که آقای نخست‌وزیر قصد دارند همسرش را طلاق بدهد شما دفتر را بنویسید و برای امضا به منزل ایشان ببرید که به همین ترتیب عمل و در تاریخ مذکور آقای امیرعباس هویدا با همسرش متارکه نمود.

نظریه شنبه : شنبه نظری ندارد

نظریه یکشنبه : یکشنبه نظری ندارد آسای

نظریه سه شنبه : نظری ندارد

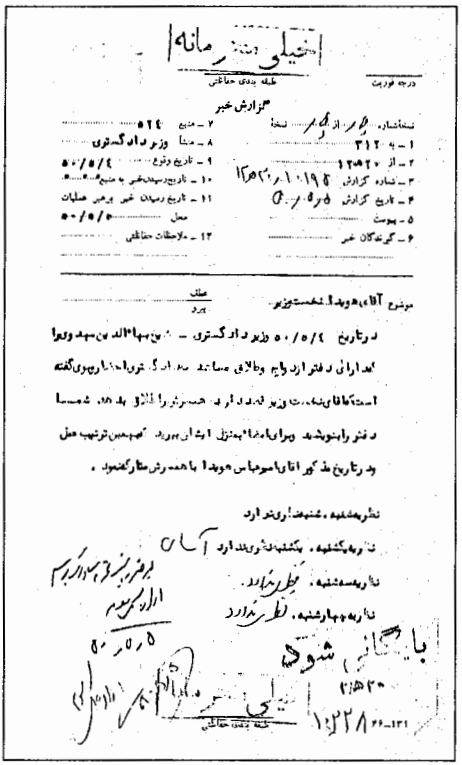

نظریه چهارشنبه : نظری ندارد

به عرض ریاست محترم ساواک برسد

اداره کل سوم

۵۰/۵/۵

به: ۳۲۲ تاریخ: ۵۰/۵/۱۰

از: ۲۰ ه ۲۲ شماره: ۲۰/۲۶۳۳۴ ه ۲۲

موضوع: بورس‌بازی

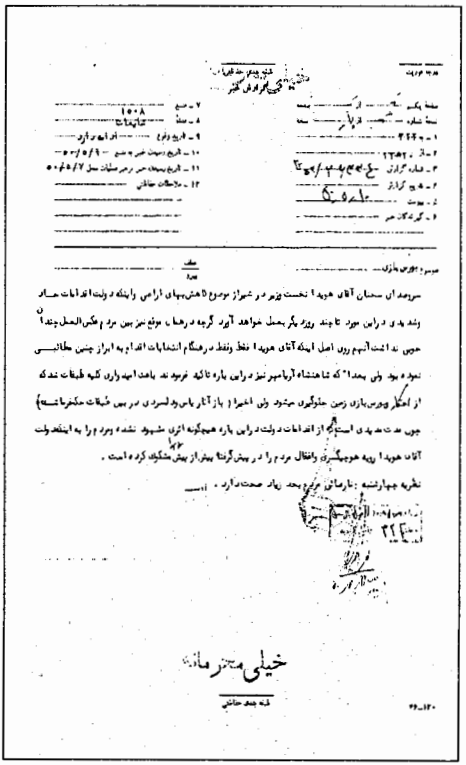

سروصدای سخنان آقای هویدا نخست‌وزیر در شیراز موضوع کاهش بهای اراضی و اینکه دولت اقدامات حاد و شدیدی در این مورد تا چند روز دیگر بعمل خواهد آورد گرچه در همان موقع نیز بین مردم عکس‌العمل چندان خوبی نداشت آن هم روی اصل اینکه آقای هویدا فقط و فقط در هنگام انتخابات اقدام به ابراز چنین مطالبی نموده بود ولی بعداً که شاهنشاه آریامهر نیز در این باره تاکید فرمودند باعث امیدواری کلیه طبقات شد که از احتکار و بورس‌بازی زمین جلوگیری می‌شود ولی اخیراً (باز آثار یاس و دلسردی در بین طبقات حکمفرما شده) چون مدت مدیدی است که از اقدامات دولت در این باره هیچگونه اثری مشهود نشده و مردم را به اینکه دولت آقای هویدا رویه هوچیگری و اغفال مردم را در پیش گرفته پیش از پیش مردم را مشکوک کرده است.

نظریه چهارشنبه: نارضائی مردم به حد زیاد صحت دارد. ادیب

آقای همراز

۵۰/۵/۱۱

به : ۳۲۲ تاریخ : ۵۰/۵/۱۰

از : ۲۰ ه ۲۲ شماره : ۲۰/۲۶۳۳۳ ه ۲۲

موضوع : جدائی آقای هویدا از همسرشان

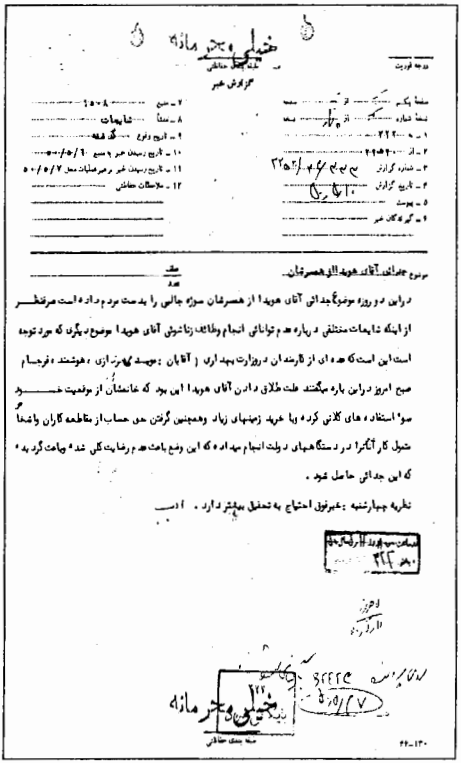

در این دو روزه موضوع جدائی آقای هویدا از همسرشان سوژه جالبی را بدست مردم داده است صرفنظر از اینکه شایعات مختلفی درباره عدم توانایی انجام وظایف زناشویی آقای هویدا [مطرح است] موضوع دیگری که مورد توجه است این است که عده‌ای از کارمندان در وزارت بهداری (آقایان : مؤیدی...، هوشمند، فرجام، صبح امروز در این باره می‌گفتند علت طلاق دادن آقای هویدا این بود که خانمشان از موقعیت خود سوءاستفاده‌های کلانی کرده و با خرید زمینهای زیاد و همچنین گرفتن حق حساب از مقاطعه کاران و اشخاص متمول کار آنان را در دستگاههای دولت انجام می‌داده که این وضع باعث عدم رضایت کلی شده و باعث گردیده که این جدایی حاصل شود.

نظریه چهارشنبه : خبر فوق احتیاج به تحقیق بیشتر دارد. ادیب

روی پرونده ۶۲۴۲۳ بایگانی شود

۵۰/۵/۲۷

به : ۳۲۱ تاریخ : ۵۰/۵/۱۹

از : ۷ ه شماره : ۱۱۱۸۱ ه

موضوع : فعالیت بهائیان شیراز

جلسه‌ای با شرکت ۱۲ نفر از بهائیان ناحیه ۲ شیراز در منزل آقای هوشمند و زیر نظر آقای فرهنگی تشکیل گردید پس از قرائت مناجات شروع و خاتمه و قرائت صفحاتی از کتاب لوح احمد و ایقان آقایان فرهنگی و محمدعلی هوشمند پیرامون وضع اقتصادی بهائیان در ایران صحبت کردند فرهنگی اظهار داشت بهائیان در کشورهای اسلامی پیروز هستند و می‌توانند امتیاز هر چیزی را که می‌خواهند بگیرند تمام سرمایه‌های بانکی و ادارات و رواج پول در اجتماع ایران مربوط به بهائیان و کلیمیان می‌باشد. تمام آسمان‌خراشهای تهران و شیراز و اصفهان مال بهائیان است چرخ اقتصاد این مملکت بدست بهائیان و کلیمیان می‌چرخد. شخص هویدا بهائی‌زاده است عده‌ای از مأمورین مخفی ایران که در دربار شاهنشاهی می‌باشند می‌خواهند هویدا را محکوم کنند ولی او یکی از بهترین خادمین امرالله است و امسال مبلغ ۱۵ هزار تومان به محفل ما کمک نموده است[1] آقایان بهائیان نگذارید کمر مسلمانان راست شود. در این جلسه نامبردگان زیر شرکت داشتند. (فرهاد روحانی. دانیا روحانی. ثناءالله زارعیان. قاسم کریمیان. هدایت و مسیح‌الله و ناصر[2] و ضیاءالله هوشمند. فرهنگی. قدرت‌الله کمالی. محمدعلی هوشمند.

نظریه یکشنبه ۱ : اظهارات شنبه مورد تایید است. دریائی

نظریه چهارشنبه : در مرخصی است.

نظریه ۷ / ه : به اظهارات شنبه می‌توان اعتماد نمود. در پرونده هویدا ۶۲۴۲۳ ۵۰/۵/۲۶

۱ـ علی‌رغم تلاش‌ها و طرح‌هایی که برای مخفی نگهداشتن وابستگی هویدا به فرقه بهائیت صورت می‌گرفت، اینگونه

حرکت‌ها، پرده از چهرهٔ نخست‌وزیر بهائی رژیم پهلوی برمی‌داشت.

۲ـ ناصرقلی هوشمند فرزند حسینعلی در سال ۱۲۹۷ هـ ش در تهران متولد شد. وی سرهنگ ارتش بود که به ساواک منتقل گردید و در اصفهان به عنوان معاون ساواک و معاون کمیته مشترک ضد خرابکاری در دستگیری مبارزان نقش بسزایی داشت.
سرانجام در سال ۵۸ وی محاکمه و محکوم به اعدام گردید که حین انتقال به زندان با مأموران درگیر و کشته شد.

۱۳۴۷/۶/۱۱ ـ به همراه فرح‌رو پارسای «وزیر بهایی آموزش و پرورش»

به : ۳۲۵ تاریخ : ۵۰/۶/۴

از : ۲۰ ه ۲۴ شماره : ۲۰/۴۱۳۷۲ ه ۲۴

موضوع : اظهارات دکتر سعید حکمت [1]

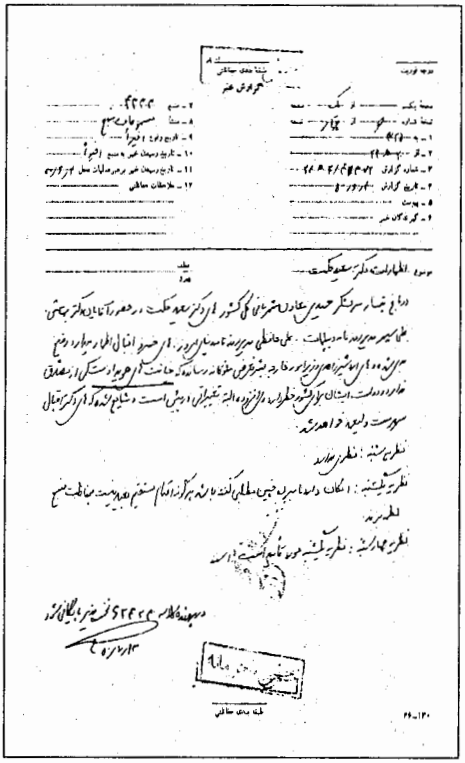

در باغ تیمسار سرلشگر حمیدی معاون شهربانی کل کشور آقای دکتر سعید حکمت در حضور آقایان دکتر بهتاش. علی سپهر مدیر روزنامه دیپلمات. علی حافظی [2] مدیر روزنامه دنیای امروز. آقای خسرو اقبال [3] اظهار می‌دارد وضع بدی شده و آقای اردشیر زاهدی [4] وزیر امور خارجه به شرف عرض ملوکانه رسانده که خیانت آقای هویدا دست کمی از مصدق [5] ندارد و دولت ایشان برای کشور خطر دارد وی افزود البته تغییراتی در پیش است و شایع شده که آقای دکتر اقبال سرپرست ولیعهد خواهد شد.

نظریه شنبه : نظری ندارد

نظریه یکشنبه : امکان دارد نامبرده چنین مطلبی گفته باشد هرگونه اقدام مستقیم بعید نیست به حفاظت منبع لطمه بزنند.

نظریه چهارشنبه : نظریه یکشنبه مورد تایید است. اسفند

در پرونده کلاسه ۶۲۴۲۳ نخست‌وزیر بایگانی شود

۵۰/۷/۱۳

۱ـ سعید حکمت فرزند باقر در سال ۱۲۹۲ در تبریز به دنیا آمد. تحصیلاتش را تاکسب تخصص در پزشکی قانونی و زهرشناسی از دانشگاه ژنو ادامه داد. ریاست پزشکی قانونی تهران را به عهده داشت و در چهار دوره نماینده مجلس شورای ملی بود. برابر مدارک موجود نمایندگی وی با دخل و تصرف مسئولین امر د ر شهرستان اهر میسر شده و مردم شدیداً به نمایندگی وی اعتراض کردند تا جایی که نیروهایی از تبریز جهت مقابله با مردم به اهر اعزام گردید. وی از عوامل فعال کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بوده و نشانهای مختلفی از جمله نشان رستاخیز ۲۸ مرداد را از دربار دریافت

داشته‌است و گفته شده‌است نامبرده با نزدیک کردن خود به سپهبد زاهدی و برخی از اعضای خانواده شاه توانست ضمن به دست آوردن مناصب مهم، ثروت هنگفتی را به چنگ آورد. همچنین در اسناد از عضویت وی در لژ بزرگ ایران، از لژهای فراماسونری یاد شده‌است. وی همچنین طرفدار سیاست انگلیس، و فردی عیاش و اهل زد و بند معرفی شده‌است.

اسناد ساواک ـ پرونده انفرادی

۲ـ علی حافظی در سال ۱۳۰۱ متولد شد. فعالیت مطبوعاتی را از سال ۱۳۲۲ آغاز کرد. وی مدتی مسئول مجله کار و نیز مدیر و بنیانگذار مجله ترقی و سردبیر مجله روشنفکر و صاحب امتیاز مجله دنیای جدید بود. رژیم پهلوی به او نشانهای اصلاحات ارضی و تاجگذاری داد. علی حافظی دارای لیسانس حقوق و فوق لیسانس علوم قضایی بود و کتابهای عروس نیویورک و سازمان بین‌المللی کار از تألیفاتش محسوب می‌شود. مشارالیه از وابستگان به تشکیلات فراماسونری از جمله لژ وفا نیز بود.

۳ـ خسرو اقبال سومین فرزند پسر مقبل‌السلطنه و برادر کوچکتر دکتر منوچهر اقبال بود. آنها اهل خراسان و زادگاهشان شهر کاشمر می‌باشد او همزمان با کارهای سیاسی جزو سهامداران شرکتهای تجاری نیز بود و در کارهای بازرگانی خارجی حضور فعالی داشت. در سال ۱۳۲۰ هـ ش قبل از شروع جنگ جهانی دوم خسرو اقبال با کمک جهانگیر تفضلی حزب پیکار را تأسیس کرد. حزب پیکار طرفدار آلمانها و مخالف متفقین بودکمیته مرکزی حزب مرکب از خسرو اقبال، جلال شادمان، حسین مهری، جهانگیر تفضلی و رضا آذرخشی بود. او ابتدا روزنامه «بهار» را به عنوان ارگان حزب پیکار منتشر کرد ولی بعد از اشغال ایران توسط متفقین در سال ۱۳۲۱ روزنامه نبرد را به سردبیری جهانگیر تفضلی منتشر ساخت. متفقین که کشور را در اشغال داشتند ابتدا توجهی به این روزنامه و حزب این چند جوان نداشتند ولی وقتی دیدند یک روزنامه فاشیستی توانسته تیراژی داشته باشد و در بین مردم نفوذ کند از دولت ایران خواستند که روزنامه نبرد را توقیف کند. آنها روزنامه دیگری بنام «ایران ما» را منتشر کردند متفقین سرانجام آنها را دستگیر کردند و خسرو اقبال را به اراک بردند و در آنجا زندانی کردند خسرو اقبال بعد از چند ماه آزاد شد و سپس به قوام السلطنه تمایل یافت و در حزب دمکرات ایران به فعالیت پرداخت. او با برخی از کشورهای اروپایی از جمله انگلستان هم روابط تجاری داشت کالایی وارد میکرد وبه بازار می‌فرستاد و می‌فروخت. گاهی در لندن دیده میشد و گاهی سروکله‌اش را در تهران می‌دیدند تا اینکه تدریجاً برای همیشه از ایران رخت به دیار خارج بست و دیگر کسی از او نام و نشانی در دست نداشت.

۴ـ اردشیر زاهدی فرزند فضل‌اله، در مهرماه ۱۳۰۷ در تهران بدنیا آمد. او پس از تحصیلات ابتدایی در تهران و اصفهان، تحصیلات متوسطه را در سال ۱۳۲۵ در دبیرستان اسلامیه بیروت به پایان برد و راهی آمریکا شد. وی در سال ۱۳۲۸ گواهینامه کشاورزی را از کالج کشاورزی ایالت «یوتا» آمریکا دریافت داشت که این مدرک توسط وزارت فرهنگ وقت به عنوان «معادل لیسانس» ارزیابی شد. اردشیر احتمالاً از سال‌های تحصیل در بیروت باکرمیت روزولت آشنایی یافت و با سرویس اطلاعاتی نوپای آمریکا در ارتباط قرار گرفت. در بازگشت به ایران دارای روابط دوستانه با آمریکاییان مقیم تهران بود. او در اردیبهشت ۱۳۳۱ به همراه مرتضی امیر ارجمند (کارشناس ساختمان‌های روستایی) به استخدام وزارت کشاورزی درآمد و در پست معاونت و خزانه داری «کمیسیون مشترک ایران و آمریکا برای بهبود امور روستایی» (اصل ۴ ترومن) قرار گرفت. اسناد موجود از روابط بسیار نزدیک اردشیر زاهدی با ویلیام وارن رئیس «اصل ۴ ترومن» خبر می‌دهد. طبق این اسناد، اردشیر زاهدی ظاهراً در اسفند ۱۳۳۱ از طرف وزارت کشاورزی به مدت یک سال برای آموزش به آمریکا اعزام شد. خاطرات کرمیت روزولت حضور فعال اردشیر زاهدی را، با نام مستعار «مصطفی» و «ویسی»

در جریان عملیات کودتا در تهران نشان می‌دهد و مشخص می‌سازد که مأموریت آمریکایی زاهدی پوششی برای استتار حضور وی در تهران و مشارکت در عملیات «سیا» بوده است. اردشیر زاهدی به خاطر نقش فعال در کودتا بـه دریـافت نشان درجه یک رستاخیز نایل شد و در ۳ آبان ۱۳۳۲ آجودان کشوری شاه گردید.
اردشیر در آبان ۱۳۳۶ با شهناز پهلوی ازدواج کرد. این ازدواج در سال ۱۳۴۳ به متارکه انجامید و حاصل آن یک دختر بنام مهناز بود. پس از این طلاق مدتها شایعاتی پیرامون ازدواج شهناز با برادر شاه مراکش و سپس با پسر محمود زنگنه مطرح بود تا بالاخره وی با خسرو جهانبانی، از اعضای خانواده درباری جهانبانی‌ها، ازدواج کرد.
محمدرضا پهلوی در سال ۱۳۳۸ اردشیر زاهدی را به عنوان نماینده خود برای تماس با دانشجویان ایرانی در اروپا اعزام داشت. مدت کوتاهی بعد در اسفند ۱۳۳۸ اردشیر زاهدی سفیر شاه در واشنگتن شد. در این زمان اردشیر می‌کوشید تا با دانشجویان ناراضی ایران در آمریکا ارتباط برقرار کند. در دولت اسدالله علم، اردشیر زاهـدی در شـهریور ۱۳۴۱ بـه عنوان سفیر کبیر ایران عازم لندن شد و تا آذر ۱۳۴۵ در این سمت بود. وی در بهمن ماه ۱۳۴۵ در دولت امیرعباس هویدا وزیر امور خارجه گردید. اسناد ساواک نشان می‌دهد که در سالهای ۱۳۴۶ ـ ۱۳۴۸ اردشیر زاهدی به شدت در تـلاش برای احراز پست نخست وزیری بوده است. اردشیر زاهدی نه تنها به صدارت نرسید، بلکه تحرّکات جـاه‌طلبانه او بـه برکناری وی از وزارت خارجه در شهریور ۱۳۵۰ انجامید. در اسفند ماه ۱۳۵۱ محمدرضا پهلوی داماد سابق خـود را بـه سفارت در واشنگتن اعزام داشت تا به عیاشی هایش ادامه دهد و جوّ داخلی دربار را آشفته نسازد.
اردشیر زاهدی تا زمان دولت شاهپور بختیار سفیر ایران در آمریکا بود و در دی ماه ۱۳۵۷ از این سمت برکنار شد.
اردشیر زاهدی یکی از هرزه‌ترین عناصر سیاسی و دولتمردان رژیم محمدرضا پهلوی بود و به این صفت نه تنها در میان خواص ،بلکه در سطح جامعه نیز شهرت کافی داشت و در مدت اقامتش در لندن و امریکا مطبوعات آنجا بارها و بارها تصاویر و گزارشهایی از ریخت و پاش‌ها و مفاسد اخلاقی وی درج نمودند.
فساد اخلاقی اردشیر زاهدی و مراودت نامشروع وی با زنان و عدم تقید وی به ارزشهای خانوادگی و مصرف هـروئین زمینه‌ساز اختلاف او با شهناز پهلوی شد و سرانجام به متارکه و طلاق در سال ۱۳۴۳ انجامید. اردشـیر زاهـدی نـقش عمده‌ای در خریدهای نظامی ایران از امریکا ایفا کرد و مهره دست بسته و تحت سیطره و نفوذکامل امریکائیها بود. وی تا بهمن ماه ۱۳۵۷ و پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان سفیر ایران در امریکا مشغول به‌کار بود.
اسناد ساواک ـ پروند ، انفرادی

۵ـ محمد مصدّق در ۱۲۶۱/۲/۲۹ ش.، در تهران متولّد شد. پدرش میرزا هدایت، وزیر دفتر و مـادرش نـجم‌السّـلطنه، خواهر فرمانفرما، از شاهزادگان قاجار بود. در سن ۱۴ سالگی، به جای پدر، مستوفی خراسان شد و لقب مصدّق‌السّلطنه گرفت. در دوره اوّل مشروطه (۱۲۸۶ ش.) در ۲۵ سالگی، از اصفهان به مجلس راه یافت. در سال ۱۲۸۸، راهی سوئیس و فرانسه، برای ادامهٔ تحصیل شد. در سال ۱۲۹۲، با دکترای حقوق به ایران بازگشت. مدّتی والی فارس، بعد از کودتا زمانی وزیر مالیه، عدلیه و خارجه بود و اندک مدّتی، والی آذربایجان شد. در دوره‌های پنجم و ششم مجلس راه یافت. در ابتدا مدافع رضاخان، سپس مورد غضب قرار گرفت. در سال ۱۳۲۰، بار دیگر به صحنهٔ سیاست راه یافت. در مـجلس، عـلیه سیّدضیا به مخالفت برخاست. در سال ۱۳۲۸، به همراه جمعی از سیاسیّون و ملّیون، جبههٔ ملّی را بنا نهاد. باکمک مردم، به نخست‌وزیری رسید. در دوران تصدّی وی، با یاری و هدایت علما، نهضت نفت به پیروزی رسید. موفقیت مصدق در جریان نهضت ملی شدن نفت، مرهون حمایت‌ها و پشتیبانی‌های روحانیون و نیروهای مذهبی که در رأس آنها آیت‌الله کاشانی قرار داشت بود. پس از کودتای ۲۸ مرداد، دستگیر و پس از مـدّتی بـازداشت، تـبعید شـد و در سـال ۱۳۴۵، درگذشت. مصدّق، با تفکّر لیبرالیستی و ملّی‌گرائی، همواره مدافع جدائی دین از سیاست بود. به همین دلیل، در دورهٔ حکومتش، فدائیان اسلام دستگیر شدند و با روحانیّت نتوانست همکاری کند. نگرشهای غربگرایانهٔ وی، باعث سلطهٔ امریکا بر ایران شد، در صورتی که مردم، علیه استعمار انگلیس مبارزه کرده بودند.

به : عرض می‌رسد تاریخ : ۵۰/۶/۱۵

درباره : تشکیل جلسه فراماسونری لژ بزرگ ایران

احتراماً

احمد علی‌آبادی[1] دبیر لژ مذکور که از ۱۲۰ نفر ماسون از جمله نامبردگان پیوست دعوت نموده است تا در جلسه‌ای که روز ۵۰/۷/۱ به منظور زیر در خیابان سوم اسفند تشکیل می‌گردد شرکت نمایند.

۱ـ اعلام شناسایی لژ بزرگ اتریش، ایالت واشنگتن، لوئیزیانا، نبراسکا

۲ـ اعطای دیپلم‌های نمایندگی

۳ـ انجام دادن مراسم تحلیف بزرگ افسران لژ بزرگ برای سال ۱۳۵۰

۴ـ اعلام خرید اوراق مدارس یادبود از طرف برادران به نام انجمن زکریای رازی و تعیین محل ساختمان.

۵ـ گزارش پرداخت یک هزار مارک به لژ بزرگ متحد آلمان به عنوان مشارکت در ساختمان یک مرکز تربیتی برای نوجوانان.

مسئول بررسی. فرامرزیان

رئیس بخش ۳۲۱. رنجبر

رئیس اداره دوم عملیات و بررسی. شهاب

رئیس دایره یک. فامیلی

معاون اداره دوم عملیات و بررسی. ابراهیمی ۵۰/۶/۱۵

مراتب استحضاراً معروض چنانچه اجازه فرمایند غیر از ردیف‌های ۱ امیرعباس هویدا و ۲ اسداله علم[2] اسامی سایرین در بولتن جاری درج گردد.

۱ـ احمد علی‌آبادی فرزند فتح‌الله در ۱۲۹۰ ش در تهران متولد شد. پس از تحصیلات ابتدائی و متوسطه به استخدام

وزارت دارایی در آمد. در سال ۱۱ـ۱۳۱۲ ش از دارالمعلمین عالی لیسانس گرفت در همین سال به آمریکا رفت و در ۱۳۱۶ ش دکترای فلسفه و دو سال بعد دکترای حقوق گرفت و چندی بعد در شعبه ۴۲ ناسیونالیستی بانک آمریکا در نیویورک مشغول کار شد. سپس معاونت رشته تعلیمات عالی و فلسفه را در دارالمعلمین عالی دانشگاه نیویورک به عهده گرفت. در ۱۳۳۹ ش به ایران بازگشت و در وزارت دادگستری رئیس اداره تبلیغات شد. از جمله مشاغل دیگر علی آبادی: ریاست انتشار مجله ایران، بازرسی عالی وزارت آموزش و پرورش، مستشاری حقوق شرکت سهامی ایران و انگلیس، ریاست تعلیمات عالی و روابط فرهنگ کشورهای خارج بود.
وی عضو و دبیر «لژ بزرگ ایران» بود و علاوه بر تدریس در مراکز آموزشگاههای عالی تألیفاتی نیز دارد: «اصلاح و توسعه تعلیمات عالیه ایران» بسط سیاست و مشروطیت در ایران، «حق تعلیم و تربیت»

۲ـ امیر اسدالله علم در سال ۱۲۹۸ در بیرجند متولد شد. پدرش محمد ابراهیم علم معروف به شوکت‌الملک بود که این لقب و امیری قائنات را در زمان سلطنت مظفرالدین شاه، از برادر بزرگترش امیر اسماعیل خان علم به ارث برده بود. امیر شوکت‌الملک علم مانند برادر ارشد و اجدادش با انگلیسیها، که نسبت به ثبات و امنیت منطقهٔ سیستان و بلوچستان در مجاورت افغانستان و هند حساسیت زیادی نشان می‌دادند، روابط نزدیک داشت و در جریان جنگ جهانی نیز با نیروهای انگلیسی که بخش مهمی از خاک ایران را تحت اشغال خود داشتند همکاری می‌کرد.
امیر اسدالله علم به توصیه پدرش، در سال ۱۳۱۸، در سن ۲۰ سالگی با ملک تاج دومین دختر قوام‌الملک شیرازی ازدواج نمود و از این ازدواج پسری متولد نشد که بر مسند پدر جای گیرد و علم تنها دارای دو دختر شد. امیر اسدالله علم در سال ۱۳۲۱ از دانشکده کشاورزی کرج فارغ‌التحصیل شد و چون وضع تهران آشفته و تحت اشغال نیروهای بیگانه بود، عازم بیرجند شد. امیر شوکت‌الملک که قبل از پسرش به بیرجند رفته بود در سال ۱۳۲۳ در همانجا درگذشت و علم ادارهٔ امور املاک وسیع پدرش را به عهده گرفت. در اواخر سال ۱۳۲۴ علم ضمن مسافرتی به تهران به ملاقات قوام‌السلطنه نخست وزیر رفت، که تازه از سفر مسکو به تهران بازگشته بود. قوام‌السلطنه این جوان ۲۶ ساله را ظاهراً به واسطهٔ سابقهٔ دوستی و آشنایی با امیر شوکت‌الملک و شاید هم به توصیهٔ انگلیسیها که در آن زمان نقش حساسی در سیاست ایران داشتند، برای فرمانداری کل سیستان و بلوچستان در نظر گرفت. اسدالله علم که در سی‌ام تیر ماه سال ۱۳۴۱ به نخست وزیری برگزیده شد، اول کاری که کرد یاران گرمابه و گلستان خویش از قبیل «دکتر باهری»، «ناتل خانلری»، «متقی» و «رسول پرویزی»، را گرد خود جمع کرد. او نه کاری به احزاب موافق و مخالف و گروههای سیاسی داشت و نه آدمی بود که به طور حاد در کارهای سیاسی دخالت مستقیم نماید فقط و فقط مجری اوامر ملوکانه بود.
اسدالله علم بسیار زود به وزارت رسید و نخستین بار در سن ۲۹ سالگی در کابینه دوم ساعد (آبان ۱۳۲۷ ـ فروردین ۱۳۲۹) وزیر کشاورزی شد. او در کابینه علی منصور (فروردین ـ تیر ۱۳۲۹) نیز این سمت را حفظ کرد و پس از آن در دولت رزم‌آرا (تیر ـ اسفند ۱۳۲۹) وزیر کار شد. در همین زمان بود که هنگامی که به اتفاق رزم‌آرا وارد مسجد شاه می‌شد، نخست وزیر مقتدر و چهره آینده‌دار استعمار غرب، مورد اصابت گلوله استاد خلیل طهماسبی قرار گرفت و معدوم شد.
در سال‌های ۱۳۲۹ ـ ۱۳۳۹، علم از نزدیک‌ترین یاران محمدرضا پهلوی بود و در ماجرای ۲۵ ـ ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نقش فعالی ایفاء نمود. علم وسیع ترین باند را در کشور ایجاد کرد و در همه استان‌ها دارای مهره‌ها و عوامل خود بود، که آن‌ها را به وکالت و یا مقامات عالی می‌رساند. مهم‌ترین پایگاه علم در خراسان و شرق کشور و فارس بود، در خراسان و سیستان و بلوچستان به علت این که پایگاه اصلی خانواده‌اش، بود و در فارس به علت وصلت با خانواده قوام شیرازی.
اسداله علم از مرتبطین فراماسونری بین‌المللی بود که در انتشار کتاب اسماعیل رائین، نقش پنهان داشت.
علم پیش از انقلاب به مرض سرطان مرد و روزهای انقلاب را ندید. او در وزارت دربار ۴ معاون داشت که یکی از آنها قائم مقام و جانشین او محسوب می‌شد و در غیاب علم وظایف او را انجام می‌داد. این اولین بار بود که چنین سمتی در وزارت دربار ایجاد شد.

به : ۳۲۱ تاریخ : ۵۰/۶/۲۰

از : ۲۰ ه ۲۱ شماره : ۲۰/۲۱۹۱۶ ه ۲۱

موضوع : استعفای اردشیر زاهدی

وزیر امور خارجه

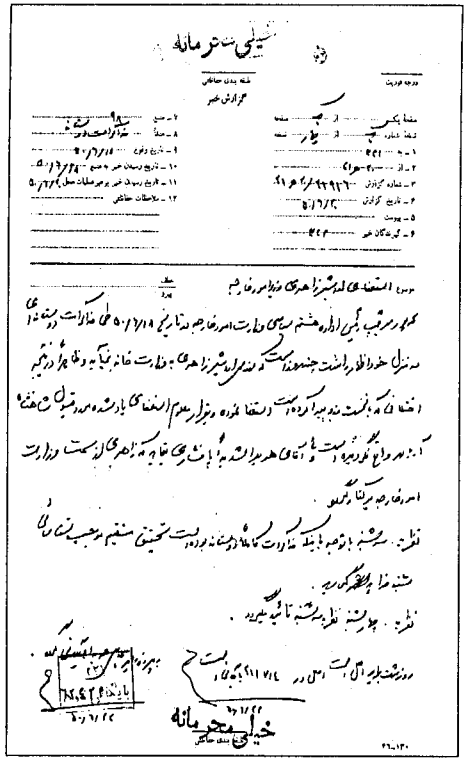

محمد پورسرتیپ[1] رئیس اداره هشتم سیاسی وزارت امور خارجه در تاریخ ۵۰/۶/۱۸ طی مذاکرات دوستانه‌ای در منزل خود اظهار داشت چند روز است که مهندس اردشیر زاهدی به وزارت خانه نمی‌آید و ظاهراً در نتیجه اختلافی که با نخست‌وزیر پیدا کرده است استعفا نموده و به قرار معلوم استعفای یادشده مورد قبول شاهنشاه آریامهر واقع نگردیده است ولی آقای هویدا شدیداً پافشاری می‌نماید که زاهدی از سمت وزارت امور خارجه برکنار گردد.

نظریه سه شنبه : با توجه به اینکه مذاکرات کاملاً دوستانه بوده است تحقیق مستقیم موجب شناسائی شنبه خواهد گردید

نظریه چهارشنبه : نظریه سه شنبه تایید می‌گردد.

رونوشت برابر اصل است اصل در ۲۱۱۷۱۴ بایگانی است

به پرونده امیرعباس هویدا بایگانی گردد.

۶۲۴۲۳

۵۰/۶/۲۲

۱ـ محمد پورسرتیپ فرزند شیرمحمد در سال ۱۲۹۷ در خرم‌آباد متولد شد. وی پس از سپری نمودن دوره ابتدایی در دبیرستانهای ثروت و علمیه تحصیل نمود و از دارالفنون دیپلم گرفت. نامبرده در سال ۱۳۱۸ در رشته حقوق به دانشگاه تهران راه یافت و لیسانس حقوق گرفت و در سال ۱۳۳۲ از دانشکده حقوق فریبورگ سویس فوق لیسانس دریافت نمود، وی در احزاب ایران و میهن عضویت داشت و به دلیل طرفداری از مصدق در سال ۱۳۳۲ دستگیر و با دادن تعهد

آزادگردید.

محمد پورسرتیپ در سال ۱۳۲۱ به خدمت رفت و در دانشکده افسری با درجه ستوان سومی با سمت منشی دادگاه عادی شماره یک ارتش در تهران انجام وظیفه نمود و در سال ۱۳۲۴ در وزارت خارجه به استخدام دولت درآمد.

مشارالیه در وزارت خارجه، در ادارات مختلف از جمله، اداره عهود و امور حقوقی و ادارات سوم و هشتم سیاسی و نمایندگی‌های سیاسی ایران در پراگ، برن، وین، بن، رم، مادرید بکار پرداخت و مدتی نیز سفیر ایران در دمشق بود و در سال ۱۳۵۷ مدیرکل اطلاعات و مطبوعات وزارت خارجه بودکه مقدم رئیس ساواک - این مسوولیت را به وی تبریک گفت.

۱۳۴۸/۳/۲۷ ـ اردشیر زاهدی ـ هویدا ـ لیلا امامی

شماره: ۳۲۹۱۸ تاریخ: ۱۳۵۰/۶/۲۱

پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون

شاهنشاه آریامهر

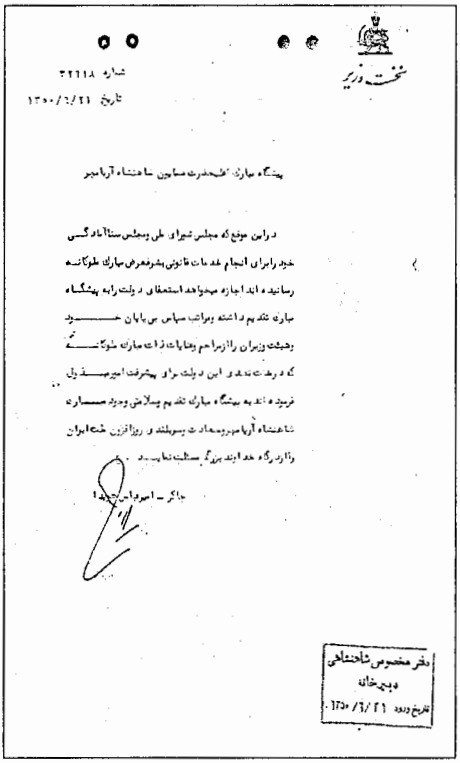

نخست وزیر

شماره ۳۲۹۱۸

تاریخ ۱۳۵۰/۶/۲۱

پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر

در این موقع که مجلس شورای ملی و مجلس سنا آمادگی خود را برای انجام خدمات قانونی به شرفعرض مبارک ملوکانه رسانیده‌اند اجازه می‌خواهد استعفای دولت را به پیشگاه مبارک تقدیم داشته و مراتب سپاس بی‌پایان خود و هیئت وزیران را از مراحم و عنایات ذات مبارک ملوکانه که در مدت تصدی این دولت برای پیشرفت امور مبذول فرموده‌اند به پیشگاه مبارک تقدیم و سلامتی وجود مبارک شاهنشاه آریامهر و سعادت و سربلندی روزافزون ملت ایران را از درگاه خداوند بزرگ مسئلت نماید.

چاکر ـ امیرعباس هویدا

دفتر مخصوص شاهنشاهی
دبیرخانه
تاریخ ورود ۱۳۵۰/۶/۲۱

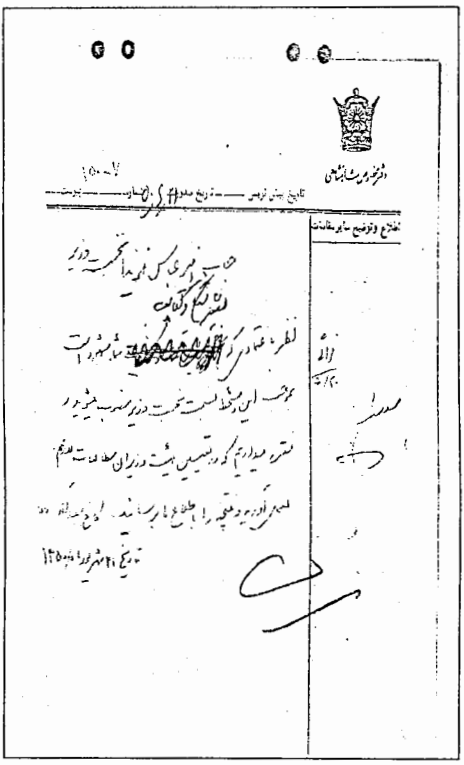

به : ۷ـ ۱۵۰ تاریخ : ۵۰/۶/۲۱

جناب امیرعباس هویدا نخست‌وزیر [۱]

نظر به اعتمادی که به شایستگی و کفایت شما مشهود است به موجب این دستخط به سمت نخست‌وزیر منصوب می‌شوید و مقرر می‌داریم که در تعیین هیئت وزیران مطالعات لازم بعمل آورید و نتیجه را به اطلاع ما برسانید.

کاخ سعدآباد

به تاریخ ۲۱ شهریورماه / ۱۳۵۰

نوائی ۶/۲۰

۱ـ این حکم، طی مکاتبه ذیل، به امیرعباس هویدا، اعلام شد :

جناب آقای امیرعباس هویدا نخست‌وزیر

دستخط مبارک ملوکانه که در مورد انتصاب جنابعالی به نخست‌وزیری شرف‌صدور یافته است به ضمیمه ایفاد می‌گردد. خواهشمند است مقرر فرمائید وصول آن را اعلام دارند ـ رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

۷ـ ۱۲۰ـ ۵۰/۶/۲۱

به: ۳۲۲ تاریخ: ۵۰/۶/۲۲

از: ۲۰ ه ۲۲ شماره: ۲۰/۲۶۸۱۶ ه ۲۲

موضوع: شایعات

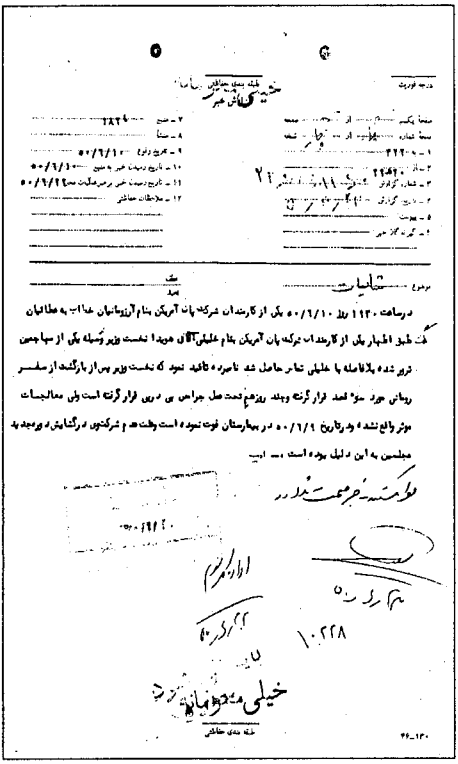

در ساعت ۱۹۳۰ روز ۵۰/۶/۱۰ یکی از کارمندان شرکت پان آمریکن به نام آرزومانیان خطاب به عطائیان گفت طبق اظهار یکی از کارمندان شرکت پان آمریکن، بنام خلیلی[،] آقای هویدا نخست‌وزیر [به] وسیله یکی از مهاجمین ترور شده بلافاصله با خلیلی تماس حاصل شد نامبرده تایید نمود که نخست‌وزیر پس از بازگشت از سفر رومانی مورد سوءقصد[1] قرار گرفته و چند روز هم تحت عمل جراحی پی‌درپی قرار گرفته است ولی معالجات موثر واقع نشده و در تاریخ ۵۰/۶/۹ در بیمارستان فوت نموده است و علت عدم شرکت وی در گشایش دوره جدید مجلسین به این دلیل بوده است.

نظریه یکشنبه: خبر صحت ندارد

اداره کل سوم

۵۰/۶/۲۲

۱۰۲۲۸

۱ـ نیمهٔ اول سال ۱۳۵۰ ه ش، فعالیت‌های مسلحانه، شدت یافت. حضور پرویز ثابتی در ۱۵ فروردین، در تلویزیون و توضیح چگونگی ماجرای سیاهکل، کشته شدن سرتیپ فرسیو در ۱۸ فروردین، از جمله عواملی بود که می‌توانست، اینگونه خبرها را شایع نماید.

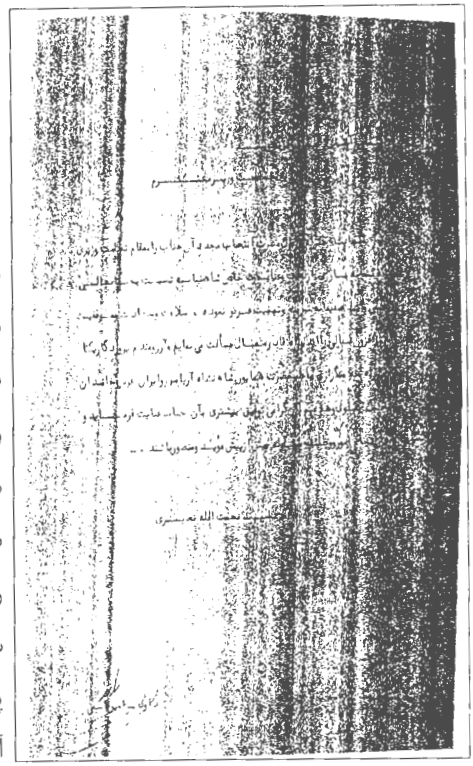

تاریخ : ۱۳۵۰/۶/۲۲

جناب آقای امیرعباس هویدا

نخست‌وزیر محترم

با نهایت احترام و کمال مسرت[1] انتصاب مجدد آن جناب را به مقام نخست‌وزیری که نشانه بارزی از لطف و عنایات خاص شاهانه نسبت به جنابعالی می‌باشد صمیمانه تبریک و تهنیت عرض نموده. سلامت و سعادت و موفقیت روزافزون عالی را از درگاه قادر متعال مسألت می‌نمایم و آرزومندم پروردگار یکتا در راه خدمتگزاری به اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر و ایران عزیز و خاندان جلیل پهلوی و هم‌میهنان گرامی توفیق بیشتری به آن جناب عنایت فرماید و در انجام امور وظایف محوله بیش از پیش موید و منصور باشند.

سپهبد نعمت‌الله نصیری[2]

داود ـ امیرفاسمی

۱ـ در روز بیست دوم شهریور ماه ۱۳۵۰ هویدا، ضمن معرفی کابینه، آقایان : منوچهر کلالی، عباسعلی خلعتبری، حمید رهنما، صادق احمدی، محمد سام، ایرج وحیدی، منصور روحانی و عبدالعظیم ولیان را وارد کابینه کرد و منوچهر پرتو، اردشیر زاهدی، حسن زاهدی، گلسرخی و اسداله صنیعی را از کابینه کنار گذاشت.
نعمت‌اله نصیری که باکمال مسّرت انتصاب مجدد هویدا را تبریک گفته، از جمله افرادی است که در کابینه ابقا شده است.

۲ـ نعمت‌اله نصیری فرزند محمد (عمیدالممالک) متولد سمنان و فارغ‌التحصیل دانشکده افسری بود. او مدتی فرماندهی گروهان دانشکده افسری، معاونت دانشکده تکمیلی، فرماندهی گردان هنگ ۱۸ لشکر کرمان و فرماندهی گردان مستقل سیرجان را به عهده داشت سپس به فرماندهی هنگ یکم از لشکر گارد و فرماندهی گارد سلطنتی منصوب شد. در ۱۳ مهرماه ۱۳۵۰ مقارن با جشنهای ۲۵۰۰ ساله به درجه ارتشبدی ارتقاء پیدا کرد و در شهریور ماه ۱۳۵۷ پس از برقراری حکومت نظامی در تهران که موج افشاگری‌ها علیه دستگاه جهنمی ساواک بالا گرفت نصیری را که در آن زمان سفیر پاکستان و ساکن آن کشور بود به تهران احضار و با بازداشتی عوامفریبانه روانه زندان کردند ارتشبد

نصیری از عوامل مؤثر کودتای امریکایی‌ها در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بود و پس از سقوط دولت ملی مصدق به عنوان معاون نخست‌وزیر و رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور منصوب شد. نصیری به خاطر دخالت مستقیم و غیرمستقیم در ارعاب و تعقیب و شکنجه و قتل آزادیخواهان مورد نفرت همه طبقات جامعه بود. آجودان مخصوص شاه همچنین با سوءاستفاده از قدرت عظیم و شیطانی خود ثروتی افسانه‌ای به هم زده بود. با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در دادگاه انقلاب محاکمه و به اتهام مفسد فی‌الارض و محاربه با خدا به اعدام محکوم گردید. حکم اعدام او در ساعت ۲۳/۴۰ روز ۲۶ بهمن ۱۳۵۷ به مرحله اجرا درآمد.

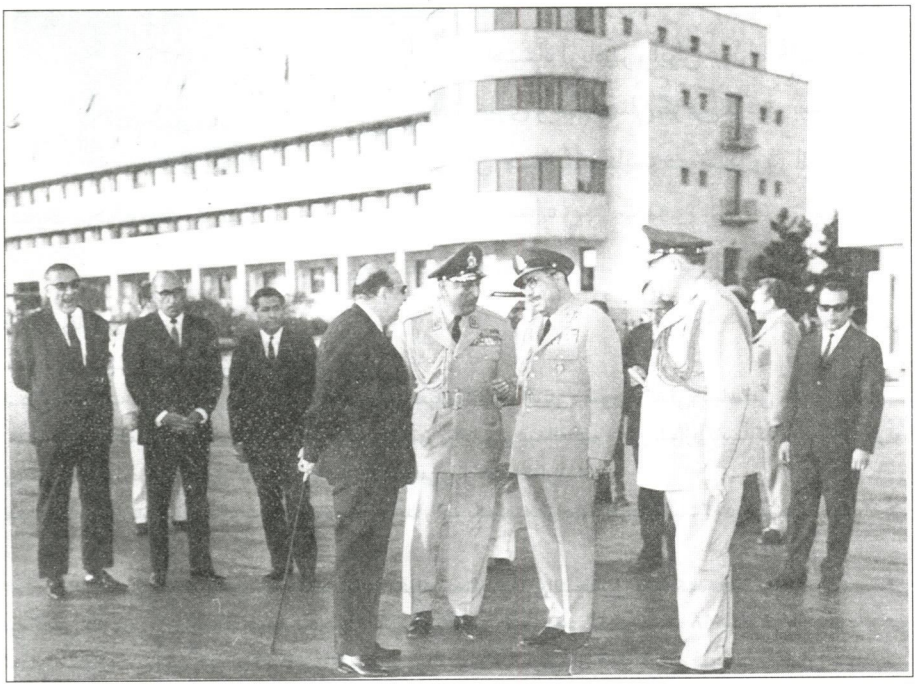

نعمت‌الله نصیری (نفر وسط)

به : ۳۲۵ تاریخ : ۵۰/۶/۲۵

از : ۲۰ ه ۲۴ شماره : ۲۰/۴۷۵۷۴ ه ۲۴

موضوع : اظهارات مهندس حامی

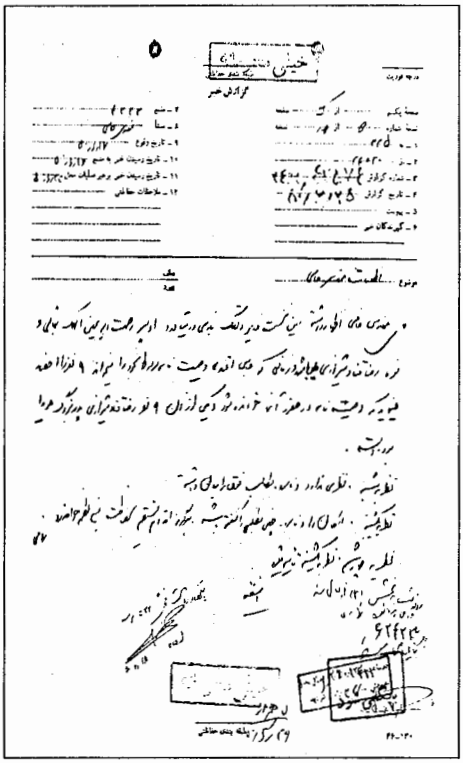

آقای مهندس حامی اظهار داشته این نخست‌وزیر دلقک بازی درمی‌آورد او پسر رحمت‌الله [حبیب‌اله] عین‌الملک بهائی و نوه رضا قناد شیرازی می‌باشد و زمانی که عباس افندی[1] وصیت نامه مربوط به خود را می‌خواند ۹ نفر را احضار می‌نماید که وصیت‌نامه در حضور آنها خوانده شود و یکی از آن ۹ نفر رضا قناد شیرازی پدربزرگ هویدا بوده است.

نظریه شنبه : نظری ندارد و نامبرده مطالب فوق را بیان داشته

نظریه یکشنبه : امکان دارد نامبرده چنین مطلبی راگفته باشد. هرگونه اقدام مستقیم به حفاظت منبع لطمه خواهد زد. رومی

نظریه چهارشنبه : نظریه یکشنبه تایید می‌شود اسفند

رونوشت به بخش ۳۲۱ ارسال شد

روی پرونده شماره ۶۲۴۲۳ بایگانی شود

آقای همراز

۵۰/۶/۲۹

۱ـ عباس افندی فرزند بزرگ میرزا حسینعلی نوری (بهاءالله) بوده‌که پس‌از مرگ وی به عنوان جانشین وی تعیین‌گردید و رهبری بهائیان را برعهده‌گرفت. تحصیلات عباس افندی تا دو سال در زمان تبعید پدرش به بغداد (که در آن موقع به تصریح خودش ۷ ساله بود) نزد پدر و اعمامش بود، بعد از آن در مدرسهٔ «قادریه» بغداد به تحصیل ادامه داد. از اوان بلوغ تا ۱۹ سالگی نزد، شیخ «عبدالسلام شوافی» به تحصیل حکمت و علم‌کلام پرداخت و ضمناً (علی ما نقل) طرف توجه و محل تعلق خاطر «علی شوکت پاشا» که از مراشد صوفیه عثمانی بود واقع شد، و عرفان را از وی آموخت. وی از جانب

پدرش لقب غصن‌اعظم را داشت و کتاب «مفاوضات» منسوب به اوست که مطالب آن بر دو نوع است، یک قسمت تأویل آیات تورات و انجیل و بیان بعضی تشابهات و قسمت دیگر عقاید اشاعره و وحدت وجودیها و تناسخی‌ها و غیر ایشان می‌باشد.

سایر تألیفات عبدالبهاء عبارتند از : مقاله‌ی سیاح، تاریخ دوره اول امر به فارسی، مکاتب در سه جلد (فارسی و عربی)، تذکرة‌الوفا، خطابات، الواح وصایا، لوح صلح... و برخی مناجات به فارسی و عربی.

عباس افندی در احکام پدر تصرفاتی کرد از جمله : عایدات امر راکه طبق دستور بهاءالله باید به بیت‌العدل برسد، به عائله خود و پس از آن به شوقی افندی جانشین خود تخصیص داد، و در نفس‌الامر بیت‌العدل راکه وجود خارجی هم نداشت در وجود شوقی مستهلک ساخت. عباس افندی تا پایان عمر با مردمداری و سیاست عجیبی سلوک نمود و از مسلمات است که در عکا مانند پدرش بهاءالله پشت سر امام جماعت اهل تسنن به آداب مسلمین نماز می‌گذارد. عباس افندی در سنه ۲۷ ربیع‌الاول سال ۱۳۴۰ قمری برابر با ۷ آذر ۱۳۰۰ شمسی در سن ۸۰ سالگی در حیفا درگذشت.

۱۳۴۸/۵/۴ ـ غلامرضا نیک‌پی و منصور روحانی (وزیر بهایی آب و برق) در صندلی پشت سر هویدا نشسته‌اند

تاریخ : ۵۰/۷/۱۳

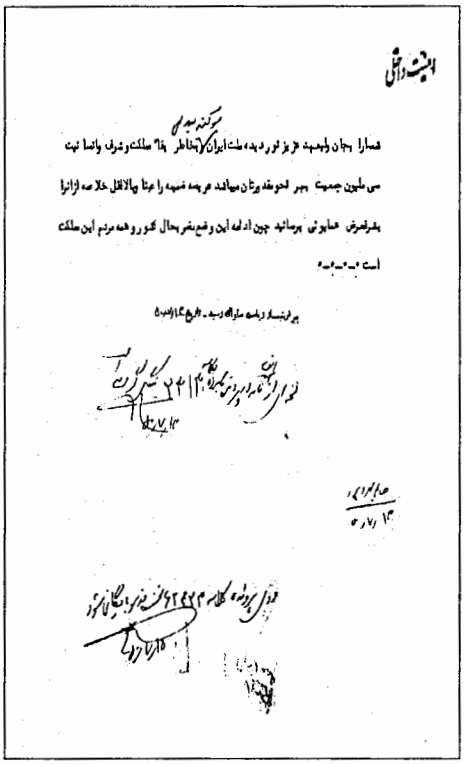

شما را به جان ولیعهد عزیز نوردیده ملت ایران سوگند می‌دهم به خاطر بقاء مملکت و شرف و انسانیت سی ملیون جمعیت به هر نحو مقدورتان می‌باشد عریضه ضمیمه را عیناً و یا لااقل خلاصه [ای] از آن را به شرفعرض همایونی برسانید چون ادامه این وضع مضر به جان کشور و همه مردم این مملکت است.

به عرض تیمسار ریاست ساواک رسید

تاریخ ۵۰/۷/۱۳

نسخه‌ای از این نامه روی پرونده نامبرده به کلاسه ۲۳۱۳۰ منعکس گردیده است

۵۰/۷/۱۳

خانم بهرامپور

۵۰/۷/۱۳

روی پرونده کلاسه ۶۲۴۲۳ نخست‌وزیر بایگانی شود

۵۰/۷/۱۵

تاریخ: ۱۳۵۰/۶/۲۸

(یاعلی)

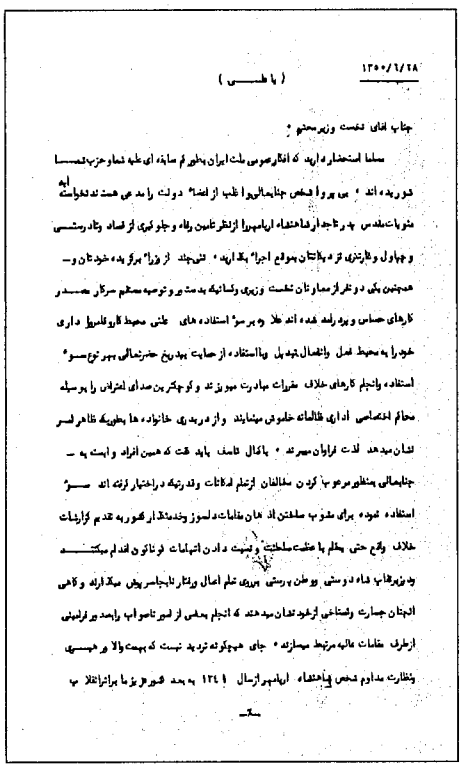

۱۳۵۰/۶/۲۸ (یا علـــی)

جناب آقای نخست وزیر محترم ؛

مسلما استحضار دارید که افکار عمومی ملت ایران بطور کم سابقه ای علیه شما و حزب شما شوریده اند ، بی پروا شخص جنابعالی را طرف اتهام دولت را مدعی هستند تخواست منویات مقدس پدر تاجدار شاهنشاه آریامهر را از نظر تامین رفاه و جلوگیری از فساد و نادرستی و چپاول و غارتگری نزدیکانتان بموقع اجرا بگذارید . تنی چند از وزراء برگزیده خودتان و همچنین یکی دو نفر از معاونان نخست وزیری و کسانیکه بدستور و توصیه مستقیم سرکار مصدر کارهای حساس و پیدا شده اند علاوه بر سوء استفاده های علنی محیط کار و قلمرو اداری خود را به محیط فعل و انفعال تبدیل و با استفاده از حمایت بی دریغ حضرتعالی به هر نوع سوء استفاده و انجام کارهای خلاف مقررات مبادرت میورزند و کوچکترین صدای اعتراض را بوسیله محاکم اختصاصی اداری ظالمانه خاموش مینمایند و از دربدری خانواده ها بطوریکه ظاهر امر نشان میدهد لذت فراوان میبرند . باکمال تاسف باید گفت که همین افراد وابسته به جنابعالی بمنظور مرعوب کردن مخالفان از تمام امکانات و قدرتیکه در اختیار گرفته اند سوء استفاده نموده برای مشوب ساختن اذهان مقامات دلسوز و خدمتگزار کشور به تقدیم گزارشات خلاف واقع حتی به مقام با عظمت سلطنت و نسبت دادن اتهامات گوناگون اقدام میکنند و در زیر نقاب شاهدوستی و وطن پرستی بر روی تمام اعمال و رفتار نابجا سرپوش میگذارند و گاهی آنچنان جسارت و گستاخی از خود نشان میدهند که انجام بعضی از امور ناصواب را به صدور فرامینی از طرف مقامات عالیه مرتبط میسازند . جای هیچگونه تردید نیست که به همت والا و

جناب آقای نخست‌وزیر محترم.

مسلماً استحضار دارید که افکار عموم ملت ایران به طور کم‌سابقه‌ای علیه شما و حزب شما شوریده‌اند. بی‌پروا شخص جنابعالی و اغلب از اعضای دولت را مدعی هستند نخواسته‌اید منویات مقدس پدر تاجدار شاهنشاه آریامهر را از نظر تأمین رفاه و جلوگیری از فساد و نادرستی و چپاول و غارتگری نزدیکانتان بموقع اجرا بگذارید. تنی چند از وزراء برگزیده خودتان و همچنین یکی دو نفر از معاونان نخست‌وزیری و کسانی که به دستور و توصیه مستقیم سرکار مصدر کارهای حساس و پردرآمد شده‌اند علاوه بر سوءاستفاده‌های علنی محیط کار و قلمرو اداری خود را به محیط فعل و انفعال تبدیل و با استفاده از حمایت بی‌دریغ حضرتعالی به هر نوع سوءاستفاده و انجام کارهای خلاف مقررات مبادرت می‌ورزند و کوچکترین صدای اعتراض را به وسیله محاکم اختصاصی اداری ظالمانه خاموش می‌نمایند و از دربدری خانواده‌ها به طوری که ظاهر امر نشان می‌دهد لذت فراوان می‌برند. باکمال تأسف باید گفت که همین افراد وابسته به جنابعالی به منظور مرعوب کردن مخالفان از تمام امکانات و قدرتی که در اختیار گرفته‌اند سوءاستفاده نموده برای مشوب ساختن اذهان مقامات دلسوز و خدمتگزار کشور به تقدیم گزارشات خلاف واقع حتی به مقام با عظمت سلطنت و نسبت دادن اتهامات گوناگون اقدام می‌کنند و در زیر نقاب شاه‌دوستی و وطن‌پرستی بر روی تمام اعمال و رفتار نابجا سرپوش می‌گذارند و گاهی آنچنان جسارت و گستاخی از خود نشان می‌دهند که انجام بعضی از امور ناصواب را به صدور فرامینی از طرف مقامات عالیه مرتبط می‌سازند. جای هیچگونه تردید نیست که به همت والا و

رهبری و نظارت مداوم شخص شاهنشاه آریامهر از سال ۱۳۴۱ به بعد کشور عزیز ما بر اثر انقلاب شاه و مردم به پیشرفت‌های شایان توجهی نائل آمده است ولی در نهایت تأسف باید قبول بفرمائید عوامل مورد علاقه حضرتعالی در دولت و سایر دستگاهها بر اثر رواج اختلاس و ارتشا و ایجاد بی‌نظمی و بالاخره حمایت و یاری از ماموران نادرست و متقلب حس خوش‌بینی و اعتماد را از میان برده‌اند و نیرنگ و تزویر را جانشین صداقت و صمیمیت درکار و انجام وظیفه کرده‌اند و تصور می‌کنم هر قدر خدای نخواسته بی‌انصاف هم باشید نمی‌توانید منکر این واقعیت و حقیقت مسلم بشوید و در مقام انکار و تکذیب برآئید. من به مناسبت انجام یک سلسله خدمات شهری و شرکت در مجامع و مجالس و کمیته‌های برگزاری جشنهای فرخنده شاهنشاهی و در نتیجه تماس دائم با طبقات مختلف. قضاوت‌هایی از طرف مردم کاملاً بی‌نظر و شریف و شاه‌دوست می‌شنوم که اگر بخواهم تمام آنها را بازگو کنم هم به ساحت مقدس سرکار جسارت شده و هم به قول معروف مثنوی هفتاد من خواهد شد بنابراین با کسب اجازه و عرض معذرت از این حقیقت‌گویی به طور فشرده به عرض می‌رساند که عقیده اکثریت قریب به اتفاق ملت شریف ایران این است که شما و بعضی از همکاران شما را خدمتگذاران صدیقی برای شاهنشاه آریامهر و ملکت تلقی نمی‌کنند و معتقدند با یک نقشه حساب شده جز ایجاد دشمنی و نفاق و بی‌ایمانی و بدبینی برنامه دیگری ندارید و متأسفند که این برنامه خانمانسوز قسمت اعظم آن خیلی ماهرانه تا به حال صورت گرفته است. شما اگر چند روزی به طور کاملاً مشخص به میان مردم بروید. با راننده تاکسی. شوفر اتوبوس. کشاورز. تاجر. کارگر. کارمند دولت شیره‌ای حرفه‌ای و حتی صاحبان سرمایه‌های بزرگ تماس بگیرید ملاحظه خواهید فرمود با چشمی پر

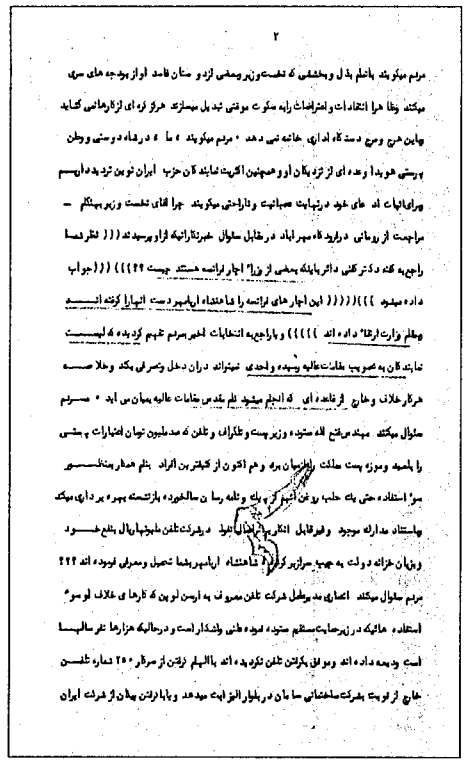

۲

مردم میگویند باعلم بذل وبخششی که نخست‌وزیر ومعضی ازدوستان فاسد او از بودجه های سری میکنند وهذا هرا انتقادات واعتراضات رابه سکوت موقتی تبدیل میسازد هرگز گروه ای ازکارهائی کشاید باین هرج ومرج دستگاه اداری خاتمه نمی دهد ۰ مردم میگویند ما ۰ ه درشاه دوستی وطن پرستی هویدا وعده ای ازنزدیکان او وهمچنین اکثریت نمایندگان حزب ایران نوین تردید داریم برای اثبات ادعای خود درنهایت عصبانیت واناراحتی میگویند چرا آقای نخست وزیر بهنگام مراجعت از رومانی درفرودگاه مهرآباد درمقابل سئوال خبرنگارانیکه قرار پرسیدند (((نظر دشما راجع به گفته دکتر کفنی دایر بانکه بعضی از وزراء آچار فرانسه هستند چیست ؟؟؟))) (((جواب داده میشود))) ((((این آچارهای فرانسه را شاهنشاه آریامهر دست انتیارا کرفته اینسه وظائم وزارت ارتقاء داده اند))))) وبا راجع به انتخابات اخیر مردم تفهیم کردیده که لیست نمایندگان به تصویب مقامات عالیه رسیده واحدی نمیتواند در آن دخل وتصرفی بکند وخلاصه هرکار خلاف وخارج ازقاعده ای که انجام میشود بنام مقدس مقامات عالیه بمیان می آید ۰ مردم سئوال میکنند مهندس فتح‌الله ستوده وزیر پست وتلگراف وتلفن که صد میلیون تومان اعتبارات پستی را بلعید وموزه پست مملکت را از میان برد وهم اکنون ازکثیف ترین افراد به نام همکار به منظور سوءاستفاده حتی

از اشک ضمن ابراز جان‌نثاری توأم به دلسوزی نسبت به رهبر عالیقدر مملکت. شما و دسته‌ای از نزدیکان شما و حزب شما را به باد انتقاد شدید می‌گیرند و علناً اظهار می‌دارند مگر مقام نخست‌وزیری چقدر ارزش و اهمیت دارد که باکتمان حقایق از لحاظ سوءاستفاده‌ها «گرانی سرسام‌آور» مالیاتهای سنگین و کمرشکن آن هم به طبقه ضعیف و فقیر و غیره و غیره فعالیت برای بقاء نخست‌وزیری صورت می‌گیرد مردم می‌گویند با تمام بذل و بخششی که نخست‌وزیر و بعضی از دوستان فاسد او از بودجه‌های سری می‌کنند و ظاهراً انتقادات و اعتراضات را به سکوت موقتی تبدیل می‌سازند هرگز گره‌ای از کارها نمی‌گشاید و به این هرج‌ومرج دستگاه اداری خاتمه نمی‌دهد. مردم می‌گویند، ما، در شاه‌دوستی و وطن‌پرستی هویدا و عده‌ای از نزدیکان او و همچنین اکثریت نمایندگان حزب ایران نوین تردید داریم و برای اثبات ادعای خود در نهایت عصبانیت و ناراحتی می‌گویند چرا آقای نخست‌وزیر به هنگام مراجعت از رومانی در فرودگاه مهرآباد در مقابل سؤال خبرنگارانی که از او پرسیدند «نظر شما راجع به گفته دکتر کفنی [کنی] دایر به اینکه بعضی از وزرا آچار فرانسه هستند چیست؟؟» «جواب داده می‌شود» «این آچارهای فرانسه را شاهنشاه آریامهر دست آنها راگرفته‌اند و به مقام وزارت ارتقا داده‌اند» و یا راجع به انتخابات اخیر به مردم تفهیم گردیده که لیست نمایندگان به تصویب مقامات عالیه رسیده و احدی نمی‌تواند در آن دخل و تصرفی بکند و خلاصه هر کار خلاف و خارج از قاعده‌ای که انجام می‌شود نام مقدس مقامات عالیه به میان می‌آید. مردم سؤال می‌کنند مهندس فتح‌الله ستوده[1] وزیر پست و تلگراف و تلفن که صد میلیون تومان اعتبارات پستی را بلعید و موزه پست مملکت را از میان برد و هم‌اکنون از کثیف‌ترین افراد به نام همکار به منظور سوءاستفاده حتی

یک حلب روغن آن هم از پیک و نامه‌رسان سالخورده بازنشسته بهره‌برداری می‌کند و به استناد مدارک موجود و غیرقابل انکار بر اثر اعمال نفوذ در شرکت تلفن ملیونها ریال به نفع خود و به زیان خزانه دولت به جیب سرازیر کرده، شاهنشاه آریامهر به شما تحمیل و معرفی فرموده‌اند؟؟؟ مردم سؤال می‌کنند انصاری مدیرعامل شرکت تلفن معروف به آرسن لوپن که کارهای خلاف او سوءاستفاده‌هایی که در زیر حمایت مستقیم ستوده نمود، علنی و آشکار است و در حالی که هزارها نفر سالها است ودیعه داده‌اند و موفق به گرفتن تلفن نگردیده‌اند با الهام گرفتن از سرکار ۲۵۰ شماره تلفن خارج از نوبت به شرکت ساختمانی سامان در بلوار الیزابت می‌دهد و یا با گرفتن پیکان از شرکت ایران ناسیونال به نام خانمش به طور متقلبانه از مرکز اکباتان کابل پنجاه شماره‌ای مستقیم به داخل شرکت خود می‌کشد و یا مهندسینی [را] که تایید نمی‌کنند کانال‌کشی‌هایی که اخیراً صورت گرفته طبق قراردادهای منعقده نیست بیرحمانه از خدمت برکنار می‌سازد و صدها معاملات خلاف قانون انجام می‌دهد معرفی شده مقامات عالیه است؟؟؟؟ مردم سؤال می‌کنند شهبازی[۲] معاون نخست‌وزیر و رئیس تعاونی‌ها که به هنگام وزارت شما در دارائی به صورت دلال از ارباب رجوع صد تومان می‌گرفت تا پرونده مالیاتی او را ماست‌مالی کند و اکنون صاحب ملیونها ثروت شده مقامات عالیه به شما تحمیل فرموده‌اند؟ مردم قویاً سؤال می‌کنند عصار معاون دیگر شما و رئیس اوقاف که با کمک شادمان استاندار تهران ملیونها تومان ثروت اوقاف کشور را از بین برده‌اند و برای آنکه مورد تقویت علنی سرکار قرار گیرد به هنگامی که بازرسان شاهنشاهی در آنجا مستقر و به کارش رسیدگی می‌کردند هر روز سرکار در اداره ایشان سمینار تشکیل می‌دادید معرفی شده مقامات بالا است؟؟؟ مردم

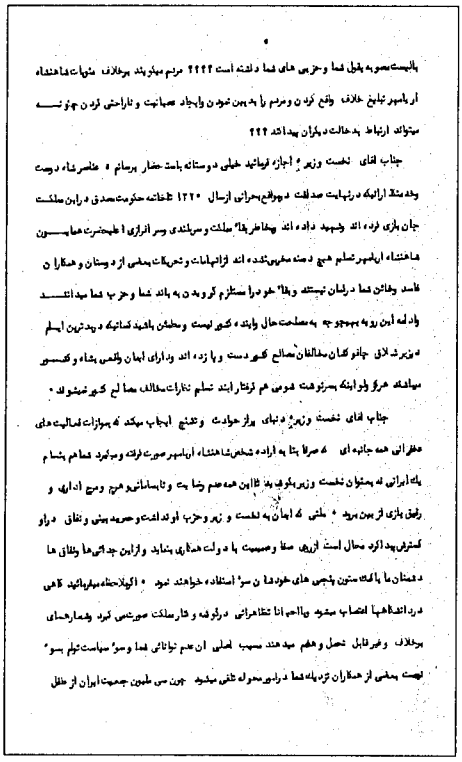

سؤال می‌کنند دکتر هدایتی و دهها نظیر او که، در زمان توده‌ای‌ها و مصدقی‌ها میتینگ می‌دادند و شعار ضدایرانی در روزنامه‌های کثیف آن روز در داخل و خارج کشور می‌نوشتند و مامور خرید و پرتاب کردن گوجه‌فرنگی بودند و شخص هدایتی[۳] مخصوصاً مورد تنفر و انزجار قاطبه مردم این کشور می‌باشد تحمیل شده بر شما است؟؟؟ مردم خیلی خالصانه و صادقانه می‌پرسند انتخاب کلالی به مدیریت عامل شرکت واحد و دزدی‌ها و سوءاستفاده‌هایی که نرفته آغاز کرده دستگاهی بر شما تحمیل کرده‌اند؟؟؟؟ مردم سؤال می‌کنند برداشت و پرداخت از وجوه سری و بخشش آن حتی به معشوقه‌ها و زنان ولگرد دخالت و دستور مقامات بالا است؟؟؟؟ مردم می‌گویند کوبیدن عناصر شاه دوست و وطن‌پرست واقعی که زیربار این فجایع و نادرستی‌ها نمی‌روند و بدنام کردن آنها و نزدیک کردن عناصر مشکوک و خرابکار و غیرخادم به حریم مقدس سلطنت توصیه و سفارش دیگران است؟؟؟؟ مردم می‌گویند حمایت و تحمیل مردی بدسابقه چون شیخ بهائی به وکالت که ظاهراً در محضر حضرتعالی تعلق خاطری هم دارد و امثال او ارتباط با لیست مصوبه به قول شما و حزبی‌های شما داشته است؟؟؟؟ مردم می‌گویند برخلاف منویات شاهنشاه آریامهر تبلیغ خلاف واقع کردن و مردم را بدبین نمودن و ایجاد عصبانیت و ناراحتی کردن چگونه می‌تواند ارتباط به دخالت دیگران پیدا کند؟؟؟

جناب آقای نخست‌وزیر اجازه فرمائید خیلی دوستانه به استحضار برسانم، عناصر شاه‌دوست و خدمتگزارانی که در نهایت صداقت در مواقع بحرانی از سال ۱۳۲۰ تا خاتمه حکومت مصدق در این مملکت جان‌بازی کرده‌اند و شهید داده‌اند و به خاطر بقاء مملکت و سربلندی و سرافرازی اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر تسلیم هیچ دسته مخربی نشده‌اند از اتهامات وتحریکات

۱

سه چهارساله کرده تا پیرمرد و پیرزن صدساله فرسوم قلب و خیلی صادقانه و خالصانه تاسر حد ایثار خون ناقابل خود نسبت باعلیحضرت معظم و شهبانوی گرامی و نوردیده ملت ایران ولیعهد عزیز عشق میورزند و حاضرند بفرمان مطاع پدر تاجدار خود با چوب و چماق بجنگ دشمنان مملکت بروند ولی نمیتوانند هرگز و تحت هیچ شرائطی تحمل کنند که عناصری فاقد سابقه و فاقد صلاحیت بنظم وزیر پول و غیره و بهر نوع سوء استفاده عادت دارند و تخست وزیر محترم برای دفاع از خود و اقدامات آنها از اتهامات وارده به خبرنگاران و ملت ایران بجا و بطا جه دین هرامی‌گویم کند دست این گروه را شناخته کرده اند و بطلمات وزارت و وکالت و مشاغل دیگر ارتقاء داده اند ۰ این اشخاص از دهان باید تخست وزیر تایید بیرون بیاید چون انوقت سوئی هم درکار نباشد که ((هست)) انکار هرصی چیچه دار وزارتخانه‌شود ۰

بنظر بنده ایرانی پانصد که صدی را درراه جان فشانی نسبت باعلیحضرت شناخته و مملکت طی نموده ام و درموقع بحرانی همواره پشتیبان جان بازان شاه و مملکت برای مبارزه باخائنان درصف مقدم بوده ام واکنون دیوان کبوت راآنهم بحمایت قوی وزیر و وزیر شما یافته اند ده سر خانه که انها هم دیزمره اند اداکاران هستند درنهایت سختی وبدبختی میگذرانم ناچارند استدعا میکنم دست بر فرمائید از اقدام بیغرض و بخشی بیمان مردم بردارند انوقت رجاء این عریضه را صد درصد تائید خواهند فرمود که مرا بهیرحمی که مایلید بفرستید تابنام مقدس تحت تعقیب قرارگیرم ۰

رجاء واثق دارم که محتویات این نامه را حمل بر تحریک علیه دولت و اشوب طلبی و ما چراچوئی نخواهید فرمود و برای چندین نفر زن اطفال بیگناهم که بدرانها جرمی جز شاه دوستی و وطن پرستی وهم سازی با قاد رستان و خائنان نداشته بپای سلسله فعالیت های تخست وزیر مابانه دست نخواهید زد

باتقدیم احترام ۰ سید محمد صادق مشاور وزارت پست وتلگراف و تلفن

زیدآبیر ۰ بلوک ۲ طبقه ۱ شماره ۲۱ [illegible] ۲۱۲

بعضی از دوستان و همکاران فاسد و خائن شما در امان نیستند و بقاء خود را مستلزم گرویدن به باند شما و حزب شما می‌دانند و ادامه این رویه به هیچ‌وجه به مصلحت حال و آینده کشور نیست و مطمئن باشید کسانی که در بدترین ایام در زیر شلاق چاقوکشان مخالفان مصالح کشور دست و پا زده‌اند و دارای ایمان واقعی به شاه و کشور می‌باشند هرگز ولو اینکه به سرنوشت شومی هم گرفتار آیند تسلیم نظرات مخالف مصالح کشور نمی‌شوند.

جناب آقای نخست‌وزیر دنیای پر از حوادث و تشنج ایجاب می‌کند که به موازات فعالیت‌های عمرانی همه جانبه‌ای که صرفاً بنا به اراده شخص شاهنشاه آریامهر صورت گرفته و می‌گیرد شما هم به نام یک ایرانی نه به عنوان نخست‌وزیر بکوشید تا این همه عدم رضایت و نابسامانی و هرج و مرج اداری و رفیق‌بازی از بین برود. ملتی که ایمان به نخست‌وزیر و حزب او نداشت و حس بدبینی و نفاق در او گسترش پیدا کرد محال است از روی صفا و صمیمیت با دولت همکاری بنماید و از این جدایی‌ها و نفاق‌ها دشمنان ما باکمک ستون پنجمی‌های خودشان سوءاستفاده خواهند نمود. اگر ملاحظه می‌فرمائید گاهی در دانشگاهها اعتصاب می‌شود و یا احیاناً تظاهراتی در گوشه و کنار مملکت صورت می‌گیرد و شعارهای برخلاف و غیرقابل تحمل و هضم می‌دهند مسبب اصلی آن عدم توانایی شما و سوء سیاست توام به سوء نیت بعضی از همکاران نزدیک شما در امور محوله تلقی می‌شود چون سی ملیون جمعیت ایران از طفل سه چهار ساله گرفته تا پیرمرد و پیرزن صدساله از صمیم قلب و خیلی صادقانه و خالصانه تا سر حد ایثار خون ناقابل خود نسبت به شاهنشاه معظم و شهبانوی گرامی و نوردیده ملت ایران ولیعهد عزیز عشق می‌ورزند و حاضرند به فرمان مطاع پدر تاجدار خود با چوب و چماق به جنگ دشمنان مملکت بروند ولی نمی‌توانند

هرگز و تحت هیچ شرایطی تحمل کنند که عناصری نادرست و ناصالح به نام وزیر و وکیل و غیره به هر نوع سوءاستفاده مبادرت ورزند و نخست‌وزیر محترم برای دفاع از خود و نجات آنها از اتهامات وارده به خبرنگاران و ملت ایران رسماً و علناً و بدون هراس تفهیم کند دست این گروه را شاهنشاه گرفته‌اند و به مقامات وزارت و وکالت و مشاغل دیگر ارتقا داده‌اند. این اظهارات از دهان یک نخست‌وزیر نباید بیرون بیاید چون اگر قصد سوئی هم در کار نباشد که «هست» افکار عمومی جریحه‌دار و ناراحت می‌شود.

به نام یک ایرانی پاک‌باخته که عمری را در راه جان‌فشانی نسبت به شاهنشاه و مملکت طی نموده‌ام و در مواقع بحرانی همواره پیشاپیش جان‌بازان شاه و مملکت برای مبارزه با خائنان در صف مقدم بوده‌ام و اکنون دوران کهولت را آن هم به علت غرض‌ورزی وزیر شما با داشتن ده سر عائله که آنها هم در زمره فداکاران هستند در نهایت سختی و بدبختی می‌گذرانم عاجزانه استدعا می‌کنم دستور فرمائید افراد بی‌غرض و مطمئنی به میان مردم بروند اگر مندرجات این عریضه را صددرصد تایید ننمودند نامه مرا به هر مرجعی که مایلید بفرستید تا به نام مفتری تحت تعقیب قرار گیرم.

رجاء واثق دارم که محتویات این نامه را حمل بر تحریک علیه دولت و آشوب‌طلبی و ماجراجویی نخواهید فرمود و برای یتیم کردن اطفال بیگناهم که پدر آنها جرمی جز شاه‌دوستی و وطن‌پرستی و عدم سازش با نادرستان و خائنان نداشته به یک سلسله فعالیت‌های نخست‌وزیر مآبانه دست نخواهید زد

با تقدیم احترام. سیدمحمد صادقی. مشاور وزارت پست و تلگراف و تلفن

زیباشهر. بلوک ۳ طبقه ۴ شماره ۷۱ یا صندوق پستی ۵۱۷

۱ـ فتح‌الله ستوده فرزند علی‌اکبر در ۱۳۰۳ ش در تهران زاده شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران سپری کرد و در رشته برق و ماشین از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد و برای ادامه تحصیلات عالی به آمریکا رفت و دیپلم مهندسی رشته صنایع را از دانشگاه نیویورک گرفت. در همانجا به سرمهندسی تحقیقات علمی منصوب شد. همچنین دورهٔ مدیریت صنعتی را گذراند. از مهمترین مشاغل او می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: مشاور سازمان برنامه، مدیر عامل شرکت سهامی کارخانجات ونک، رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت سهامی شیلات ایران، وزیر پست و تلگراف و تلفن در کابینه‌های حسنعلی منصور و هویدا، عضو هیئت امنای مؤسسه عالی آموزش ارتباطات، عضو باشگاه شاهنشاهی، باشگاه فرانسه، عضو شورای عالی شکار، عضو هیأت مدیره کاخ جوانان. وی مدتی در انستیتوی تکنولوژی به تدریس مشغول بود. فتح‌اله ستوده که از وابستگان سیاست غرب در ایران و از اعضای مؤسس کانون مترقی بود، در لژهای مختلف فراماسونری، از جمله: لژ ژاندارک و لژ دانش عضویت داشت. او پس از پیروزی انقلاب

اسلامی به خارج از کشور گریخت و به همکاری با بنیاد به اصطلاح فرهنگی ابوالفتح محوی، مشغول شد.
اسناد ساواک ـ پرونده انفرادی

۲ـ یداله شهبازی فرزند اکبر سال ۱۳۰۴ در تهران متولد شد. تحصیلات خود را تا مقطع لیسانس در رشته حقوق ادامه داد. سال ۱۳۲۶ در وزارت دارائی استخدام و بدواً به سمت کارمند اداره مالیات منصوب و سپس ممیز دایره تحقیق اداره آمار و اطلاعات مالیاتهای مستقیم شد. در تاریخ ۱۳۳۰/۳/۱۸ بدون دادن استعفا از خدمت دارائی در شرکت ملی نفت (آغاجاری) به سمت کارآموزی استخدام و در نتیجه از خدمت در وزارت دارائی معاف گردید و تا ۱۳۴۲/۱۲/۱۹ در شرکت ملی نفت به مشاغل مختلف مشغول گشت. در ۲۸ تیر ۱۳۳۵ با پوران صنیعی ازدواج کرد. در آن مقطع که هویدا وزیر دارائی بود به عنوان مشاور به وزارت دارائی و پس از انتصاب هویدا به نخست‌وزیری مشارالیه از تاریخ ۱۳۴۴/۴/۱۰ به نخست‌وزیری مامور و در تاریخ ۱۳۴۵/۱۰/۱۷ به سمت معاون نخست‌وزیر منصوب گردید. به علت سوءاستفاده‌هائی از معاونت نخست‌وزیری برکنار و به‌کارهای حقوقی آنجا مشغول گشت!
با پیروزی انقلاب اسلامی از ایران گریخت و در لندن علیه جمهوری اسلامی با همکارانش دست به توطئه و خرابکاری زد، در مراکش با شاه مخلوع ملاقات و همکاری نمود. وی با افسران اسرائیلی و دکتر المودی فرماندار سابق تل‌آویو و دیگر شخصیت‌های اسرائیلی رفت‌وآمدهای نزدیک داشته است.
اسناد ساواک ـ پرونده انفرادی

۳ـ هادی هدایتی فرزند ابوالحسن، در سال ۱۳۰۲ در تهران متولد گردید و تحصیلات مقدماتی را در تهران گذرانید. وی دوره متوسطه را در دارالفنون به پایان رسانید و برای ادامه تحصیل به خارج رفت و در رشته حقوق به تحصیل پرداخت. هدایتی دکترای خود را در رشته حقوق از کشور فرانسه دریافت نمود. وی در خارج عضو کنفدراسیون دانشجویان و طرفدار حزب توده بود هدایتی پس از آن به ایران آمد و در وزارت فرهنگ به فعالیت پرداخت وی در دانشگاه تهران به عنوان استاد حقوق به تدریس مشغول شد.
وی در روز ۱۷ اسفند سال ۱۳۴۲که حسنعلی منصور کابینه خود را تشکیل می‌داد به عنوان وزیر مشاور وارد کابینه او شد. منصور در تاریخ ۱۸ آذرماه سال ۱۳۴۳کابینه خود را ترمیم نمود و دکتر هادی هدایتی به عنوان وزیر آموزش و پرورش به مجلس معرفی گردید. هادی هدایتی پس از ترور منصور و تشکیل کابینه هویدا در هفتم بهمن ماه ۱۳۴۳ در وزارتش ابقا گردید. این سمت در ترمیم کابینه دوم هویدا نیز برای دکتر هدایتی منظور شد. وی تا سوم آذرماه ۱۳۴۷ وزیر آموزش و پرورش بود. به هنگام وزارت هدایتی، قانون تفکیک وزارت فرهنگ به دو وزارت فرهنگ و هنر و آموزش و پرورش به مجلس برده شد و به تصویب رسید. دکتر هدایتی در دوره ۲۱ مجلس شورای ملی از سوی مردم شهرری به مجلس راه یافت. تألیفات او : ترجمه اصول فن اداره ـ تاریخ هرودت.
هادی هدایتی از اعضای شبکه‌ای بودکه به عنوان «توده‌ای انگلیسی» مشهور بودند. اعضای این شبکه از مأمورین اینتلجنت سرویس انگلستان بودندکه تحت هدایت احتمالی اسدالله علم انجام وظیفه می‌کردند.
مشارالیه همچنین، عضویت شبکه مطبوعاتی و روشنفکری «بدآمن» را داشت و در مدتی‌که سردبیری روزنامه فرمان را به عهده داشت، در راستای اهداف غرب فعالیت می‌کرد.
حسین فردوست در معرفی او می‌گوید:
«هادی هدایتی توده‌ای انگلیسی، از طریق تملق بی‌حد و زیاده‌روی در چاپلوسی به محمدرضا [موفق شد] خود را در پست وزارت نگه دارد.»

تاریخ : ۱۳۵۰/۶/۲۸

تیمسار سپهبد نعمت‌الله نصیری

نامه محبت‌آمیز مورخ بیست و دوم شهریور ماه ۱۳۵۰ دائر بر تبریک انتصاب مجدد اینجانب موجب تشکر گردید. توفیق و سلامت جنابعالی را خواستارم.

امیرعباس هویدا

اداره کل سوم

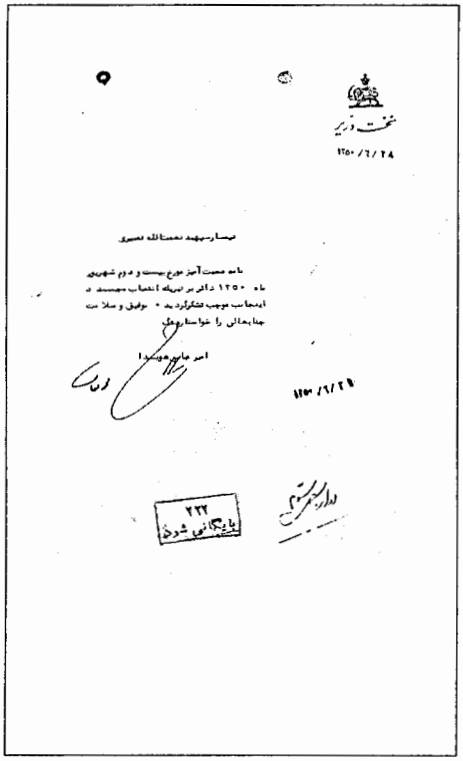

دفتر کارگشای امیرعباس هویدا

تاریخ: ۵۰/۶/۲۹

حضور محترم تیمسار حسین فردوست[1]

ریاست معظم دفتر ویژه نظامی

شاهنشاه آریامهر

محترماً توجه تیمسار محترم را به مختصر عرایض زیر جلب می‌نماید تا از آنجایی که گفته‌اند مشت نمونه خروار است با ذکر این موارد فشرده و کوتاه به سایر اعمال دولت هویدا و حزب ایران نوین واقف شوید و در صورت مقتضی به شرف عرض همایونی برسانید.

بنده از سال ۱۳۴۹ که روزبروز آغاز جشن دوهزار و پانصد ساله شاهنشاهی ایران نزدیکتر می‌شود به خاطر اینکه مبادا خدای نخواسته سوءتفاهمی ایجاد شود و به قدر سرسوزنی لطمه در برگزاری این جشن ملی وارد گردد غیر از یک دو بار آن هم حضور حضرتعالی مطلب و موضوعی ننوشته‌ام ولی متأسفانه به قدری در دستگاه دولت اعمال خلاف صورت می‌گیرد و تبعیضات ناروا وجود دارد که آدم هر چند بردبار و سلیم و باری به هر جهت باشد نمی‌تواند در مقابل آن همه ناملایمات و وعده‌های دروغ و اعمال غرض‌آلود ساکت باشد بنابراین انگیزه شاه‌دوستی و وطن‌پرستی و عرق ملیت و قومیت به او فرمان حرکت می‌دهد و حکم می‌کند تا لااقل از هزاران اعمال و کردار خلاف و سوء جریانات در دستگاه دولت و حزب ایران نوین یک دو تا را به مقامات مسئول بازگو نماید تا بلکه بدینوسیله آسایش خاطری پیدا کند.

تیمسار محترم پسری دارم که مدتها در لندن و اکنون در امریکا به تحصیل اشتغال دارد و حدود یک ماه است که با آخرین هواپیمای دانشجویان برای دیدار از وطن عزیز و خویشاوندان خویش به ایران آمده است او دیشب به دفتر کارم آمد هنگامی که روزنامه عصر را آوردند اول او روزنامه را

دفتر کارنصرالله امیر انتظام

تلفن: منزل ۹۳۲۲۱۶
دفتر ۹۳۲۲۱۷

شماره
پیوست

- ۲ -

سایر دانشجویان با ما نگاه میکنند و دانشجویان عرب که من خود کوچکترین ارزش و اهمیتی برای آنان قائل نبوده ام گفته نخست وزیر ما سبب دانشجویان ایرانی نشان میدهند و موجبات سرشکستگی مان را فراهم میسازند البته بنده برای اینکه ناراحت نشود استدلال او را رد کردم ولی جناب آقای فردوست وقتی که یک دانشجوی ۲۲ ساله چنین قضاوت میکند مردم حق ندارند اظهارات آقای نخست وزیر را نسنجیده تلقی نمایند آیا چنین اظهارنظری آن هم در مرکز قانونگذاری میتواند توأم با حسن نیت باشد آیا اصول تبلیغاتی و غرور ملی اجازه اظهار اینکه ناراحت نشود استدلال او را رد کردم ولی جناب آقای فردوست وقتی که یک دانشجوی ۲۲ ساله چنین قضاوت میکند مردم حق ندارند اظهارات آقای نخست وزیر را نسنجیده تلقی نمایند آیا چنین اظهارنظری آن هم در مرکز قانونگذاری میتواند توأم با حسن نیت باشد آیا اصول تبلیغاتی و غرور ملی اجازه اظهار این همه عجز و ناتوانی را آن هم در برابر یک دولت و ملت پنجاه سال نیمه استقلال یافته‌ای میدهد در حالی که همین موضوع و مطلب را شاهنشاه آریامهر ادیبانه و عالمانه در مصاحبه مطبوعاتی خویش چنین فرمودند ما با تمام دول همسایه حسن تفاهم داریم غیر از یکی از آنان که هر آینه او هم دست دوستی به طرف ما دراز کند دوستی ایشان را خواهیم پذیرفت ملاحظه فرمائید همان اندازه که بیانات حکیمانه شاهنشاه در این مورد عالمانه و غرورآمیز است ولی به عکس اظهارات آقای نخست‌وزیر یأس‌آور و نومیدکننده است به قول شاعر :

میان ماه من تا ماه گردون — تفاوت از زمین تا آسمان است

گرفت هنوز یک دقیقه از مرور و مطالعه‌اش نگذشته بود ناگهان برآشفت و گفت پدر، آقای نخست‌وزیر چه نظر و غرضی دارد که ما را تا این حد در انظار خارجی‌ها خصوصاً عربها سرشکسته می‌کند گفتم چطور مگر چه شده است. روزنامه را به دستم داد و گفت ببین ایشان در مجلس گفته است که ما بارها برای دوستی به سوی عراق دست دراز کرده‌ایم آنها نپذیرفته‌اند در این صورت فردا که من و سایر دانشجویان به آمریکا می‌رویم دانشجویان عرب که من خود کوچکترین ارزش و اهمیتی برای آنان قائل نبوده‌ام گفته نخست‌وزیر را به ما و دانشجویان ایرانی نشان می‌دهند و موجبات سرشکستگی‌مان را فراهم می‌سازند البته بنده برای اینکه ناراحت نشود استدلال او

دفتر کار نصرت‌الله امیرهوشنگ

تلفن: منزل ۹۴۲۲۹۶
دفتر ۹۵۲۲۹۷

تاریخ
شماره
پیوست

-۲-

مالکی. بیزند آنچنان که شایع است خود در شرکت ساختمانی سامان سهام دارد به همین مناسبت اخیراً دستور داده است دویست و پنجاه شماره تلفن خارج از نوبت به شرکت مزبور داده‌اند در حالی که فراوان افراد و اشخاص هستند در همین منطقه ۸ سال قبل پول داده اند ولی هنوز تلفن آنان دائر نشده و معلوم هم نیست کی و چه وقت دائر خواهد شد آیا کسی که خود در رأس دولت است و چنین اعمالی در سه بیزند و از قدرت و موقعیت خود استفاده میکند میتواند جلوگیر اعمال خلاف دیگران باشد قضاوت جنابعالی و سایر وطن پرستان برای بنده حجت است مطلب دیگر این است که میگویند پس از اینکه اظهارات آقای نخست وزیر موجب شیراز موجب رکود بازار زمین شد خود و دوستانش از این موقعیت یعنی تنزل قیمت زمین حسن استفاده کرده اند و زمین زیادی در راه کرج و فرح زاد بقیمت خیلی ارزان خریداری کرده اند.

مطلب چهارم این است حال که متوجه شده اند بقول پاکدامن ۲۵۰ شماره تلفن خارج از نوبت برداشته است برای پرده پوشی ازاعمال خود درصدد برآمده اند تا بمنطقه خیابان مکه و حدود شرکت سامان را جزء منطقه بوسعد آباد بیاورند و به این ترتیب اعمال نامشروع خود پرده پوشی نمایند و بچنین دراین منطقه اشخاص زیاد نیستند که شرکت سامان هم تلفن داده ایم هرگاه تیمسار معظم مایل باشند در اینباره رسیدگی و تحقیقات کامل بعمل آید هستند افرادی که میتوانند توضیحات مستدل لازم که بنده درآنجا نمیتوانم ما حضر بخاطر بیاورم حضورتان عرض کنند و ثابت نمایند که خیلی در دستگاه تلفن و سایر دستگاه های دولتی خیلی پیش از اینها است تیمسار معظم بنده این مختصر را فقط جهت اطلاع حضرتعالی نوشتم تا در صورتیکه مقتضی بدانید و مانعی در پیش نباشد خلاصه ای از آنرا بعرض شاهنشاه آریامهر برسانید و در صورتی هم که صلاح نباشد دستور بایگانیش را بدهید زیرا هرآینه دولتیان حزبی بودن ازاین جهان بهتر بجای اصلاح دستگاه خود توجیهات ناراحتی خود و شکایتی را برای ما فراهم میسازند کما اینکه تابحال چنین کرده اند و پیمانه اتی های آنان سابقه دارد

خیابان کاخ شمالی خیابان فرصت فربی شماره ۲۵

و اما موضوع و مطلب دوم سعدی خداوند سخن می‌فرماید :

اگر ز باغ رعیت ملک خورد سیبی
برآورند غلامان او درخت از بیخ

جناب آقای نخست‌وزیر هنگامی که پشت تلویزیون و یا دستگاه رادیو قرار می‌گیرد آنچنان دم از دوستی و مبارزه با فساد می‌زند که آدم خیال می‌کند دستگاه دولت حزبی ایشان از مدینه فاضله است و کوچکترین عمل نامطلوبی در دوران تصدی نخست‌وزیری معظم‌له صورت نگرفته است انشاءالله که چنین باشد ولی تیمسار معظم از آنجایی که گفته‌اند دو صد گفته چون نیم کردار نیست گفته‌های آقای نخست‌وزیر با کردار دولت او ذره‌ای وفق نمی‌دهد و همان نیم کردار هم در آن دیده نمی‌شود حضرتعالی ملاحظه فرمائید کسی [که] دم از مبارزه با فساد و اصلاحات مملکتی می‌زند آنچنان که شایع است خود در شرکت ساختمانی سامان سهام دارد به همین مناسبت اخیراً دستور داده است دویست و پنجاه شماره تلفن خارج از نوبت به شرکت مزبور داده‌اند در حالی که فراوان افراد و اشخاص هستند در همین منطقه ۸ سال قبل پول داده‌اند ولی هنوز تلفن آنان دایر نشده است و معلوم هم نیست کی و چه وقت دائر خواهد شد آیا کسی که خود در رأس دولت است و به چنین اعمالی دست می‌زند و از قدرت و موقعیت خود استفاده می‌کند می‌تواند جلوگیر اعمال خلاف دیگران باشد قضاوت جنابعالی و سایر وطن‌پرستان برای بنده حجت است مطلب دیگر این است که می‌گویند پس از اینکه اظهارات آقای نخست‌وزیر در شیراز موجب رکود بازار زمین شد خود و دوستانش از این موقعیت یعنی تنزل قیمت زمین حسن استفاده کرده‌اند و زمین زیادی در راه کرج و فرح‌زاد به قیمت خیلی ارزان خریداری کرده‌اند.

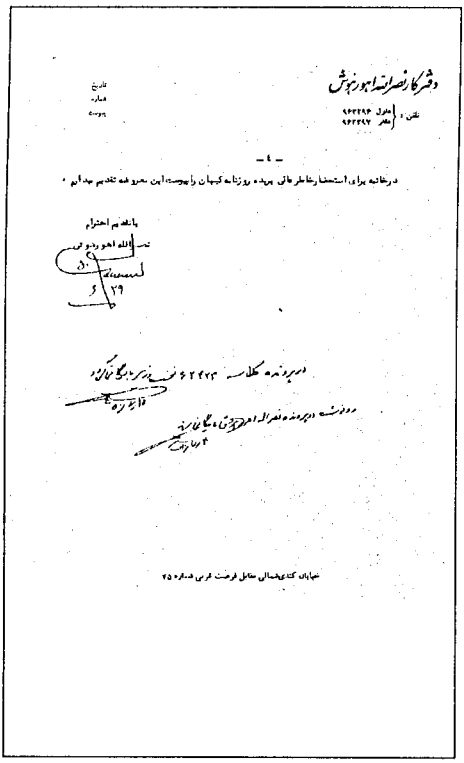

دفتر کار نصرالله اهورهوش

تلفن: منزل ۶۴۲۴۲۴
محل ۶۴۲۴۲۲

تاریخ
شماره
پیوست

-۱-

درخاتمه برای استحضار خاطر عالی بریده روزنامه کیهان را پیوست این معروضه تقدیم میدارم.

با تقدیم احترام
نصرالله اهورهوش

۲۹/۶

[illegible] پرونده کلاسه ۶۲۴۲۳ نخست‌وزیر بایگانی گردد

[illegible] پرونده نصرالله اهورهوش بایگانی شد ۵۰/۷/۲۰

[illegible] خیابان کاخ پهلوی شمال فرصت قدس شماره ۲۵

مطلب چهارم این است حال که متوجه شده‌اند موضوع واگذاری ۲۵۰ شماره تلفن خارج از نوبت برملا شده است برای پرده‌پوشی از اعمال خود درصدد برآمده‌اند تا منطقه خیابان میکده و حدود شرکت سامان را جزء منطقه یوسف‌آباد بیاورند و بدین ترتیب بر اعمال ناصواب خود پرده بپوشانند و بگویند چون در این منطقه امکاناتمان زیاد شده است به شرکت سامان هم تلفن داده‌ایم هرگاه تیمسار معظم مایل باشند در این باره رسیدگی و تحقیقات کامل بعمل آید هستند افرادی که می‌توانند توضیحات مستدل فنی که بنده در آنها نمی‌توانم صاحبنظر باشم حضورتان عرض کنند و ثابت نمایند که خرابی در دستگاه تلفن و سایر دستگاههای دولتی خیلی بیش از اینهاست تیمسار معظم بنده این مختصر را فقط جهت اطلاع حضرتعالی نوشتم تا در صورتی که مقتضی بدانید و مانعی در بین نباشد خلاصه‌ای از آن را به عرض شاهنشاه آریامهر برسانید و در صورتی هم که صلاح نباشد دستور بایگانیش را صادر فرمائید زیرا هر آینه دولتیان حزبی بوئی از این جریان ببرند به جای اصلاح دستگاه خود موجبات ناراحتی خود و بستگانم را فراهم می‌سازند کما اینکه تابحال چنین کرده‌اند و بی‌عدالتی‌های آنان سابقه دارد در خاتمه برای استحضار خاطر عالی بریده روزنامه کیهان را پیوست این معروضه تقدیم می‌دارم.

با تقدیم احترام
نصرالله اهورهوش[۲]

۶/۲۹ در پرونده کلاسه ۶۲۴۲۳ نخست‌وزیر بایگانی گردد

۵۰/۷/۱۵ رونوشت در پرونده نصرالله اهورهوش بایگانی شد ۵۰/۷/۲۰

۱ـ ارتشبد حسین فردوست از چهره‌های برجسته عصر پهلوی است که از دوران کودکی به عنوان دانش‌آموز دبستان

نظام وارد کلاس مخصوصی شد که رضاخان برای ولیعهد خود محمدرضا پهلوی ترتیب داده بود. لذا فردوست، دوست صمیمی و نزدیکترین محرم اسرار وی گردید. با عزیمت محمدرضا به سوئیس فردوست نیز وی را همراهی کرد. با صعود محمدرضا به سلطنت از ابتدای دهه بیست فردوست جزء دوستان صمیمی و مشاوران شاه گردید.بدان حدکه «گوش» و «چشم» شاه قلمداد می‌شد و در راس مهمترین ارگان اطلاعاتی رژیم دفتر ویژه اطلاعات قرار گرفت. او بر ساواک نظارت داشت و رابط شخصی شاه با سیستم اطلاعاتی کشور حتی آژانس مرکزی اطلاعات امریکا (سیا) بود. بعضی از نویسندگان وی را مغز و حافظه شاه دانسته و تصمیمات محمدرضا را عصاره مشورت با فردوست دانسته‌اند. پس از سقوط شاه، فردوست دستگیر شد و پس از یک بازجویی مفصل بیش از ۱۵۰۰ صفحه خاطرات نگاشت و پرده از اسرار رژیم برداشت این خاطرات در بین سالهای ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۶ به صورت کتبی و شفاهی پخش گردید که بخش قابل توجهی از آن تحت عنوان «ظهور و سقوط سلطنت پهلوی» در دو جلد منتشر شد و امروز جزء منابع تاریخ عصر پهلوی است. وی در یک خانواده فقیر به دنیا آمده بود اما دست روزگار او را به دبستان نظام کشاند و دوست صمیمی محمدرضا کرد و زندگی وی را با خاندان پهلوی گره زد. وی پس از دستگیری، با دقت بخشی از حقایق ناگفته را منتشر کرد، که کتاب دوجلدی ظهور و سقوط سلطنت پهلوی که توسط مؤسسه انتشارات و مطالعات سیاسی به دست انتشار سپرده شده است، حاصل آن می‌باشد.

۲ـ نصرالله اهورهوش از روزنامه نگاران دوران پهلوی بود وی در وزارت دارایی مشغول کار شد و از ۱۳۲۷ ش به مدت چندین سال رئیس اداره رادیو و تبلیغات فارسی بود او در ۱۳۲۸ ش هفته نامه سیاسی خبری «کوروش» را منتشر کرد. این نشریه تا ۱۳۳۳ ش انتشار یافت وی در ۱۳۳۰ ش یک هفته نامه دیگر به نام جوشن را منتشر کرد ولی به علت انتقاد از رژیم پهلوی متوقف شد وی را می‌توان مؤسس جمعیت فارسیان به شمار آورد.

به : ۳۲۲ تاریخ : ۵۰/۷/۴

از : ۲/ه شماره : ۴۵۳۵/ه

موضوع : اظهارات مهندس دوانلو

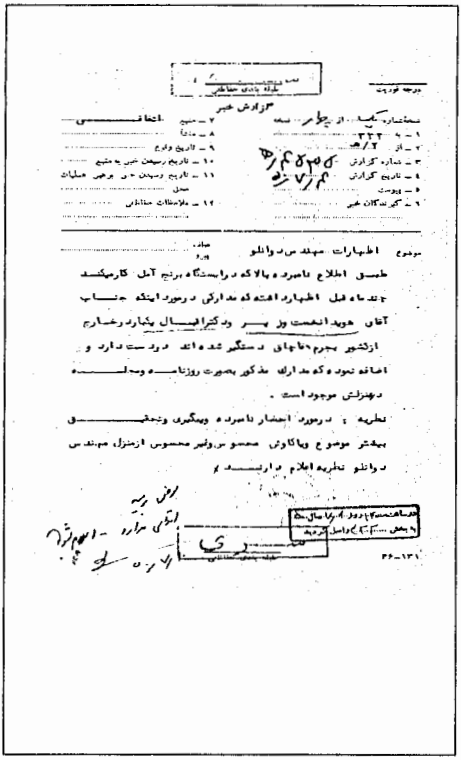

طبق اطلاع نامبرده بالاکه در ایستگاه برنج آمل کار می‌کند چند ماه قبل اظهار داشته که مدارکی در مورد اینکه جناب آقای هویدا نخست‌وزیر و دکتر اقبال یک بار در خارج از کشور به جرم قاچاق [1] دستگیر شده‌اند در دست دارد و اضافه نموده که مدارک مذکور به صورت روزنامه و مجله در منزلش موجود است.

نظریه : در مورد احضار نامبرده و پیگیری و تحقیق بیشتر موضوع و یا کاوش محسوس و غیرمحسوس از منزل مهندس دوانلو نظریه اعلام دارند.

به عرض برسد

اقدامی ندارد ـ اعلام شود

۵۰/۷/۱۰

۱ـ منظور ماجرای رسوایی امیرعباس هویدا به همراه حسنعلی منصور در موضوع قاچاق ارز و... در سال ۱۳۲۵ در پاریس می‌باشد.

تاریخ : ۵۰/۷/۱۳

پخش اعلامیه در دانشگاه ملی ایران

روز جاری (۱۳۵۰/۷/۱۲) اعلامیه‌ای علیه جناب آقای نخست‌وزیر در دانشگاه ملی ایران پخش گردیده که فتوکپی آن به پیوست ایفاد می‌گردد.

ارزیابی : خبر صحت دارد

نظریه :

گیرنده : دفتر ویژه اطلاعات

در پرونده کلاسه ۶۲۴۲۳ بایگانی شود

۵۰/۷/۱۷

خانم بهرامپور

رونوشت به ۳۵۱ ارسال گردید

۵۰/۷/۱۷

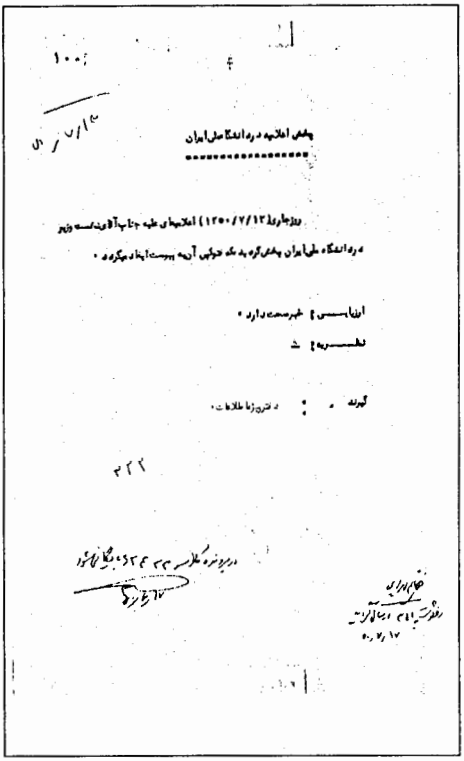

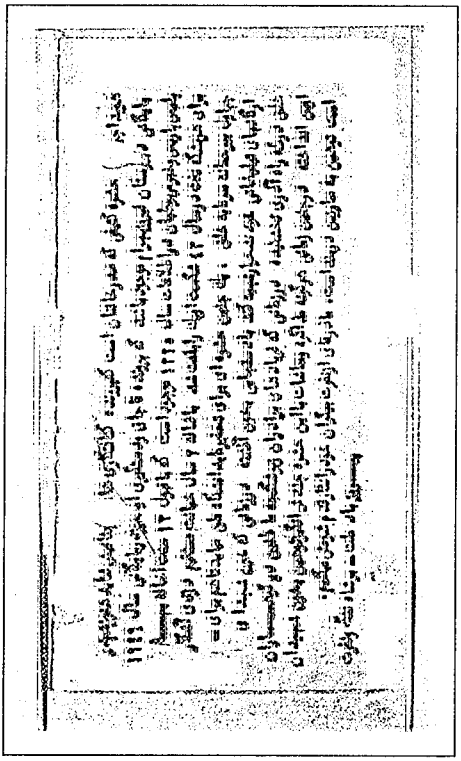

هویدا... حشره کثیفی که صدر خائنان است که پرونده کثافتکاری‌ها... شاید هنوز هم در بایگانی دبیرستان فیروزبهرام موجود باشد که پرونده قاچاق و دستگیری او... در بایگانی سال ۱۹۴۶ پلیس پاریس و خبر مربوط به آن در اطلاعات سال ۱۳۲۵ موجود است که با قبول ۱۳ سنت اضافه برای هر بشکه نفت در سال ۴۳ شکست اوپک را باعث شد به اضافه ۷ سال خیانت مستقیم دزدی آشکار چپاول بیرحمانه سرمایه خلق. یک چنین حشره‌ای برای تحقیر ما به دانشگاه ملی می‌آید تا هم برای ارگانهای تبلیغاتی خود نشخوار تهیه کند با دست‌هایی به خون آغشته در زمانی که خون شهدای خلق در سه راه آذری نخشکیده در زمانی که فریادهای برادران زیر شکنجه‌ها طنین در کوهساران اوین انداخته در چنین زمانی هرگونه مذاکره و مماشات با این حشره چندش‌انگیز توهین به خون شهیدان است توهین به مبارزین دربند است. ما ذره‌ای از نفرت بیکران خود را نثار قدم شومش می‌کنیم.

پیروزباد ملت ـ بر شاه ننگ و نفرت

به: ۳۲۲ تاریخ: ۵۰/۷/۱۵

از: ۲۰ ه ۱۲ شماره: ۲۰/۱۲۴۲۷ ه ۱۲

موضوع: اظهارات ایرج یمینی در مورد همسر آقای هویدا

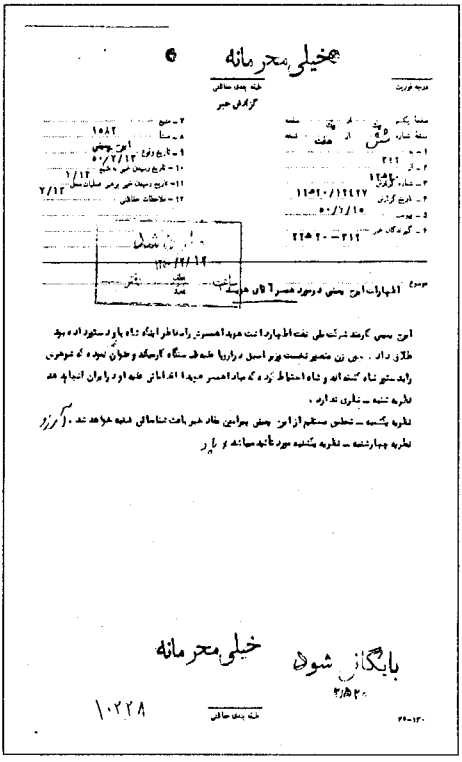
خیلی محرمانه

۱۰۲۲۸

ایرج یمینی کارمند شرکت ملی نفت اظهار داشت هویدا همسرش را به خاطر اینکه شاه به او دستور داده بود طلاق داد. چون زن منصور نخست‌وزیر اسبق در اروپا علیه دستگاه کار می‌کند و عنوان نموده که شوهرش را به دستور شاه کشته‌اند و شاه احتیاط کرده که مبادا همسر هویدا اقداماتی علیه او در ایران انجام دهد.[۱]

نظریه شنبه: نظری ندارد.

نظریه یکشنبه: تحقیق مستقیم از ایرج یمینی پیرامون مفاد خبر باعث شناسایی شنبه خواهد شد. آرزو

نظریه چهارشنبه: نظریه یکشنبه مورد تایید می‌باشد. پاد

۱ـ عباس میلانی در خصوص، اعتقاد فریده امامی در رابطه با توطئه کشته شدن شوهرش. چنین می‌نویسد: «در این میان، سروکله زدن با فریده، همسر منصور، از همه دشوارتر بود. یکی از خبرنگاران امریکایی که در آن روزها به تهران آمده بود، فریده را، یک زن زیبای ایرانی و وارث ثروتی هنگفت، خوانده بود. اما در بیمارستان حال مزاجی شوهرش او را یکسره عصبی و بداخلاق کرده بود. توجه دایم می‌طلبید. یکسره به این و آن فرمان می‌داد. همه را متهم می‌کرد. یا می‌گفت که در مداوای شوهرش کوتاهی کرده‌اند، یا معتقد بود اصولاً در قتلش همدستی داشته‌اند.» (معمای هویدا صفحهٔ ۲۱۷)

به : ۳۲۲ تاریخ : ۵۰/۷/۲۱

از : ۲۰ ه ۲۲ شماره : ۲۰/۲۷۰۸۵ ه ۲۲

موضوع : تغییر کابینه

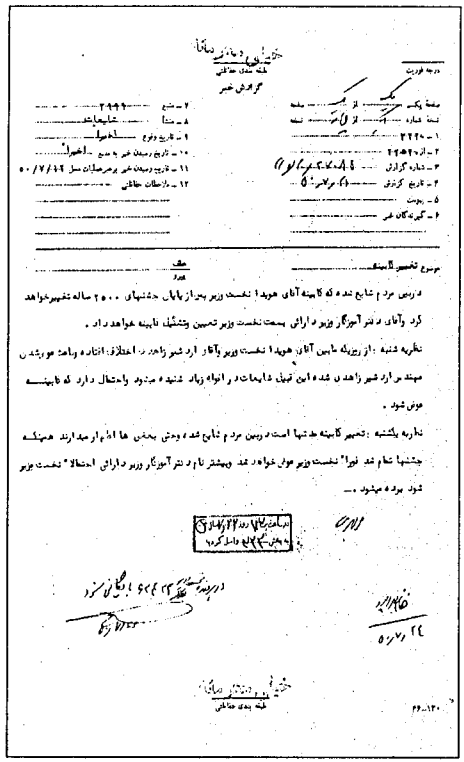

در بین مردم شایع شده که کابینه آقای هویدا نخست‌وزیر پس از پایان جشنهای ۲۵۰۰ ساله تغییر خواهد کرد و آقای دکتر آموزگار وزیر دارائی به سمت نخست‌وزیر تعیین و تشکیل کابینه خواهد داد.

نظریه شنبه : از روزی که مابین آقای هویدا نخست‌وزیر و آقای اردشیر زاهدی اختلاف افتاده و باعث عوض شدن مهندس اردشیر زاهدی شده این قبیل شایعات در افواه زیاد شنیده می‌شود و احتمال دارد که کابینه عوض شود.

نظریه یکشنبه : تغییر کابینه مدتها است در بین مردم شایع شده و حتی بعضی‌ها اظهار می‌دارند همین که جشنها تمام شد فوراً نخست‌وزیر عوض خواهد شد و بیشتر نام دکتر آموزگار وزیر دارائی احتمالاً نخست‌وزیر شود برده می‌شود.

در پرونده نخست‌وزیر به کلاسه ۶۲۴۲۳ بایگانی شود

۵۰/۷/۲۶

خانم بهرامپور

۵۰/۷/۲۴

به : ۳۲۲ تاریخ : ۵۰/۷/۲۲

از : ۲۰ ه ۲۲ شماره : ۲۰/۲۷۱۲۲ ه ۲۲

موضوع : شایعه

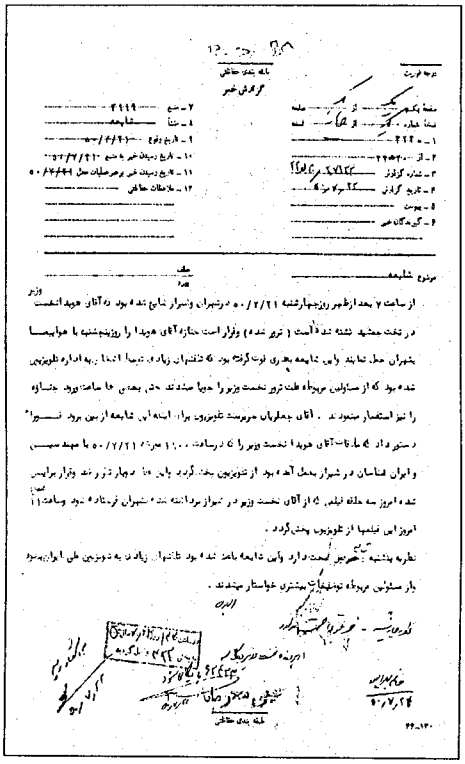

از ساعت ۷ بعدازظهر روز چهارشنبه ۵۰/۷/۲۱ در تهران و شیراز شایع شده بود که آقای هویدا نخست‌وزیر در تخت‌جمشید[1] کشته شده است (ترور شده) و قرار است جنازه آقای هویدا را روز پنجشنبه با هواپیما به تهران حمل نمایند و این شایعه به قدری قوت گرفته بود که تلفنهای زیادی توسط اشخاص به اداره تلویزیون شده بود که از مسئولین مربوطه علت ترور نخست‌وزیر را جویا می‌شدند حتی بعضی‌ها ساعت ورود جنازه را نیز استفسار می‌نمودند. آقای جعفریان[2] سرپرست تلویزیون برای اینکه این شایعه از بین برود فوراً دستور داد که ملاقات آقای هویدا نخست‌وزیر را که در ساعت ۱۸۰۰ مورخه ۵۰/۷/۲۱ با مهندسین و ایران‌شناسان در شیراز بعمل آمده بود از تلویزیون پخش گردد و این عمل دو بار تکرار شد و قرار بر این شده امروز سه حلقه فیلمی که از آقای نخست‌وزیر در شیراز برداشته شده به تهران فرستاده شود و ساعت ۱۱ صبح امروز این فیلمها از تلویزیون پخش گردد.

نظریه یکشنبه : شایعه فوق صحت دارد و این شایعه باعث شده بود تلفنهای زیادی به تلویزیون ملی ایران بشود و از مسئولین مربوطه توضیحات بیشتری خواستار می‌شدند.

نظریه چهارشنبه : خبر فوق صحت ندارد

در پرونده نخست‌وزیر به کلاسه ۶۲۴۲۳ بایگانی شود ۵۰/۷/۲۲

خانم بهرامپور ۵۰/۷/۲۴ به استحضار رسید ۵۰/۷/۲۲

۱ـ روز بیستم مهر ماه سال ۱۳۵۰ مراسم پاسارگاد با حضور و شرکت سران و نمایندگان بعضی کشورها در تخت‌جمشید

انجام شد.
اسناد این واقعه در یک دوره کتاب ۴ جلدی با نام «بزم اهریمن» به انتشار رسیده است.
محمدرضا پهلوی در این مراسم گفت:
«کورش! شاه شاهان، آزاد مردِ آزاد مردان، آسوده بخواب که ما بیداریم و همواره بیدار خواهم بود.»
این عبارت تا پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان مضحکه در افواه عمومی شایع بود.

۲ـ محمود جعفریان از نظریه پردازان اصلی رژیم پهلوی در دهه ۵۰ به ویژه پس از تأسیس حزب رستاخیز بود. تمایلات سیاسی جعفریان در دوران جوانی با گرایش به حزب توده آغاز شد ولی بعدها با کنار گذاشتن عقاید چپگرایانه، خود را به نظام حاکم ایران نزدیک کرد و تا حد توجیه جنایات شاه در عمان پیش رفت. کتاب «در ظفار خبری نیست» به همین علت توسط او نوشته شد. گفته می‌شود جعفریان بیش از هزار تفسیر برای رادیو و تلویزیون رژیم پهلوی نوشت. یکی از سمت‌های او معاونت سیاسی رادیو و تلویزیون بود. همچنین ریاست خبرگزاری پارس را نیز به او سپرده بودند. جعفریان رکورددار سخنرانی حزبی برای حزب رستاخیز بود. توجیهات او برای مشروع جلوه دادن رژیم شاه تا جائی پیش رفت که نشانهای تاج، همایون کوشش، انقلاب، تاج‌گذاری، و پهلوی را دریافت کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی محمود جعفریان دستگیر و پس از محاکمه در دادگاه انقلاب اسلامی مفسد فی الارض شناخته شد.

به : ۳۲۵ تاریخ : ۵۰/۷/۲۲

از : ۲۰ ه ۲۴ شماره : ۲۰/۴۷۷۹۶ ه ۲۴

موضوع : اظهارات سیاوش بشیری

آقای سیاوش بشیری نویسنده روشنفکر به طور خصوصی اظهار داشته ظاهراً به آقای نخست‌وزیر سوءقصد شده ولی نتیجه نداده و مشارالیه یک روز از خانه بیرون نیامده است.

نظریه شنبه : نظر ندارد.

نظریه یکشنبه : امکان دارد نامبرده چنین مطلبی گفته باشد هرگونه اقدام مستقیم به حفاظت منبع لطمه خواهد زد. روحی

نظریه چهارشنبه : نظریه یکشنبه مورد نیاز است. اسفند

در پرونده کلاسه ۶۲۴۲۳ نخست‌وزیر بایگانی شود

۵۰/۷/۲۶

خانم بهرامپور

۵۰/۷/۲۴

به : ۳۲۲ تاریخ : ۵۰/۷/۲۸

از : ۲۰ ه ۲۲ شماره : ۲۰/۲۷۱۳۷ ه ۲۲

موضوع : شایعه درباره نخست‌وزیر

در چند روز اخیر شدیداً بین مردم شایع می‌باشد که آقای هویدا نخست‌وزیر بوسیله افراد مخرب مورد اصابت گلوله قرار گرفته و کشته شده است و حتی اظهارنظر می‌شود که قرار است بعد از جشنها نامبرده را به خاک بسپارند.

نظریه یکشنبه : شایعه فوق مورد تایید است.

تاکستانی

نظر چهارشنبه : خبر صحت ندارد

در پرونده نخست‌وزیر به کلاسه ۶۲۴۲۳ بایگانی شود

۵۰/۷/۱۹

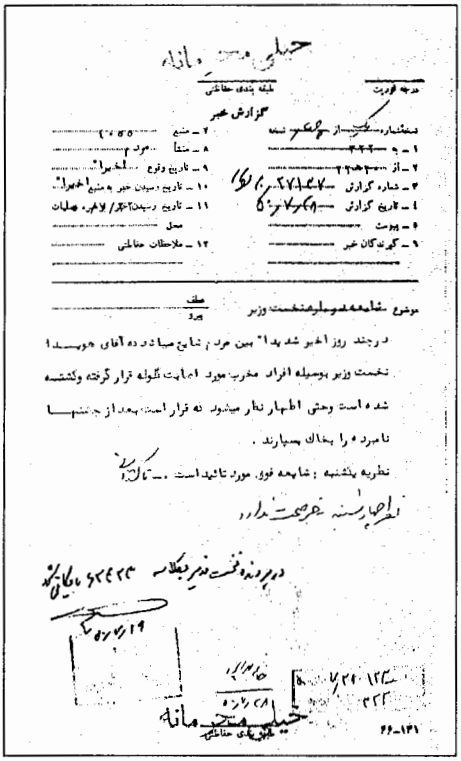

خانم بهرامپور

۵۰/۷/۲۸

به : ۳۲۲ تاریخ : ۵۰/۸/۳

از : ۲۰ ه ۲۴ شماره : ۲۰/۴۷۸۶۱ ه ۲۴

موضوع : شایعات

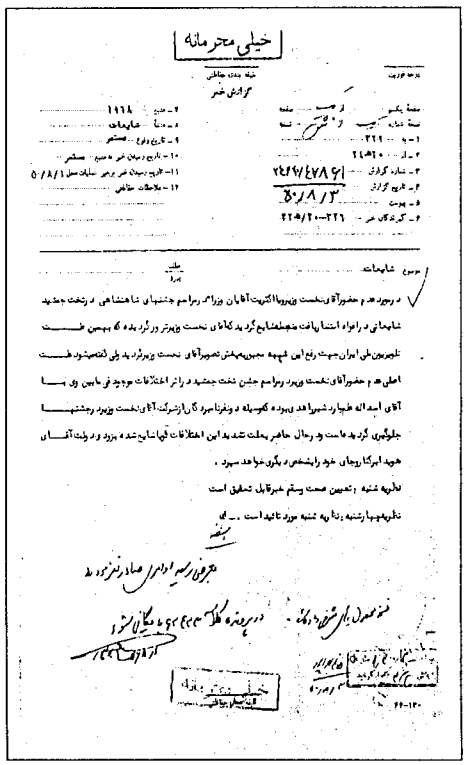
خیلی محرمانه

در مورد عدم حضور آقای نخست‌وزیر و یا اکثریت آقایان وزرا در مراسم جشنهای شاهنشاهی در تخت‌جمشید شایعاتی در افواه انتشار یافت منجمله شایع گردید که آقای نخست‌وزیر ترور گردیده که به همین علت تلویزیون ملی ایران جهت رفع این شبهه مجبور به پخش تصویر آقای نخست‌وزیر گردید ولی گفته می‌شود علت اصلی عدم حضور آقای نخست‌وزیر در مراسم جشن تخت‌جمشید در اثر اختلافات موجود فی‌مابین وی با آقای اسدالله علم و اردشیر زاهدی بوده که وسیله دو نفر نامبردگان از شرکت آقای نخست‌وزیر در جشنها جلوگیری گردیده است و در حال حاضر به علت تشدید این اختلافات قویاً شایع شده است به زودی دولت آقای هویدا برکنار و جای خود را به شخص دیگری خواهد سپرد.

نظریه شنبه : تعیین صحت و سقم خبر قابل تحقیق است.

نظریه چهارشنبه : نظریه شنبه مورد تایید است. اسفند

به عرض رسید اوامری صادر نفرمودند

نسخه محصول به آقای شرفی داده شد.

در پرونده کلاسه ۶۲۴۲۳ بایگانی شود ۵۰/۸/۶

خانم بهرامپور ۵۰/۸/۳

به : ۳۲۲ تاریخ : ۵۰/۸/۳

از : ۲۰ ه ۲۲ شماره : ۲۰/۲۷۱۵۹ ه ۲۲

موضوع : تغییر کابینه

اخیراً در بین مردم شایع شده است که به زودی دولت آقای هویدا به شرح زیر تغییر خواهد کرد.

۱ـ مهندس اردشیر زاهدی نخست‌وزیر.

۲ـ آقای هویدا مدیرعامل شرکت ملی نفت.

۳ـ دکتر اقبال وزیر دربار.

۴ـ اسدالله علم سرپرستی والاحضرت‌ها را به عهده خواهند گرفت.

نظریه یکشنبه : نظری ندارد. ابهری

به عرض رسید اوامری صادر نفرمودند

در پرونده کلاسه ۶۲۴۲۳ بایگانی شود

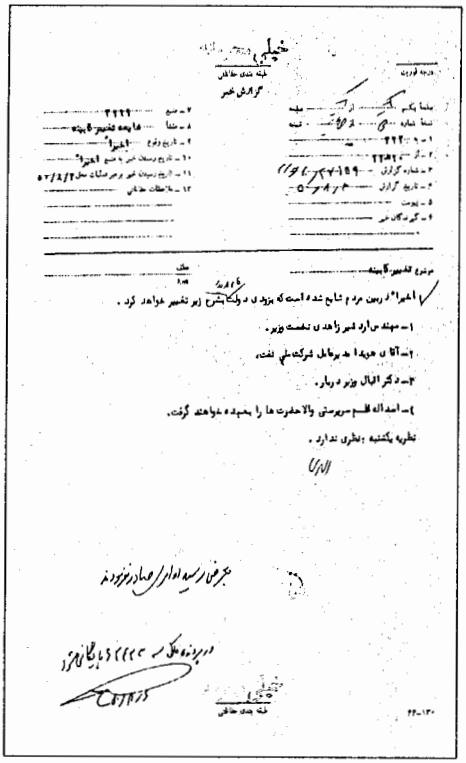

۵۰/۸/۶

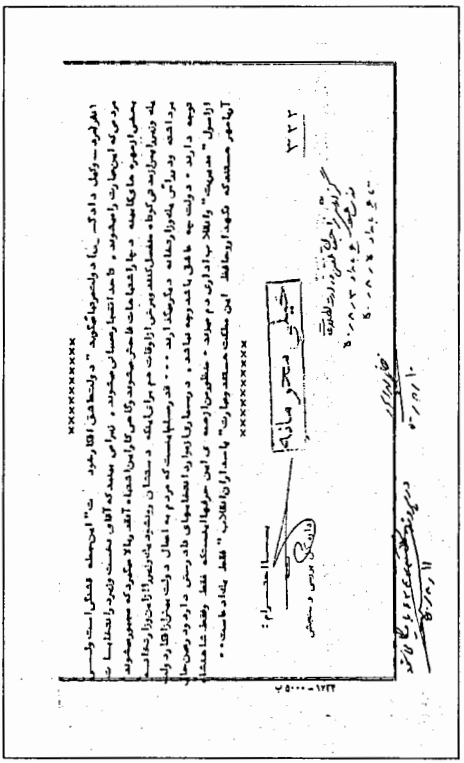

تاریخ : ۳ الی ۵۰/۸/۵

گزارش مراجعان تلفنی وزارت اطلاعات از
ساعت ۶ بامداد ۵۰/۸/۳ تا ۶ بامداد ۵۰/۸/۵

۱ نفر (مرد ـ وکیل دادگستری) دولت مرتباً می‌گوید «دولت عاشق افکار خود است» این جمله قشنگی است ولی مردمی که این عبارت را می‌شوند، تا حد انفجار عصبانی می‌شوند، زیرا می‌بینید که آقای نخست‌وزیر در انتخابات بعضی از مهره‌های کابینه دچار اشتباهات فاحش می‌شوند و گاهی کار این اشتباه آنقدر بالا می‌گیرد که مجبور می‌شوند یک وزیر را پس از مدتی کوتاه منفصل کنند و برخی از اوقات هم برای اینکه دستشان رو نشود یک وزیر را از این وزارتخانه برداشته و در رأس یک وزارتخانه دیگر می‌گذارند ... قدر مسلم این است که مردم به اعمال دولت بیش از افکار دولت توجه دارند. دولت چه عاشق باشد و چه نباشد، در بسیاری از موارد انتخابهای نادرستی دارد و در عین حال از اصول «مدیریت» و انقلاب اداری دم می‌زند. منظور من از همه این حرفها این است که فقط و فقط شاهنشاه آریامهر هستند که نگهدار و حافظ این مملکت هستند و عبارت «پاسداران انقلاب» فقط یک ادعاست.

با احترام.

اداره کل بررسی و سنجش

خانم بهرامپور ۵۰/۸/۱۰

در پرونده کلاسه ۶۲۴۲۳ بایگانی شود

به : ۳۲۲ تاریخ : ۵۰/۸/۶

از : ۲۰ ه ۱۲ شماره : ۲۰/۱۲۹۴۹ ه ۱۲

موضوع : اظهارات ایرج یمینی در مورد آقای هویدا

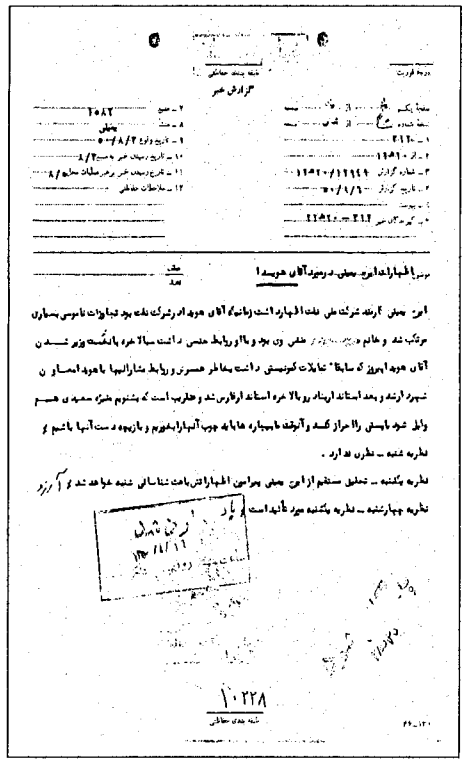

ایرج یمینی کارمند شرکت ملی نفت اظهار داشت زمانی که آقای هویدا در شرکت نفت بود تجاوزات ناموسی بسیاری مرتکب شد و خانم ... منشی وی بود و با او روابط جنسی داشت ـ بالاخره با نخست‌وزیر شدن آقای هویدا پیروز[1] که سابقاً تمایلات کمونیستی داشت به خاطر همسرش و روابط مشارالیها با هویدا معاون شهردار شد و بعد استاندار بنادر و بالاخره استاندار فارس شد و عنقریب است که بشنویم... هم وکیل شود یا پستی را احراز کند و آن وقت ما بیچاره‌ها باید چوب آنها را بخوریم و بازیچه دست آنها باشیم.

نظریه شنبه : نظری ندارد.

نظریه یکشنبه : تحقیق مستقیم از ایرج یمینی پیرامون اظهاراتش باعث شناسایی شنبه خواهد شد آرزو

نظریه چهارشنبه : نظریه یکشنبه مورد تایید است پاد

۱ـ منوچهر پیروز فرزند نصرالله در سال ۱۳۰۵ ش در اصفهان بدنیا آمد. تحصیلات خود را تا فوق‌لیسانس علوم بازرگانی دانشگاه تهران ادامه داد. مشاغلی منجمله مشاور نخست وزیر، معاون شهرداری تهران، استاندار فارس، مدیرعامل بنیاد اشرف پهلوی و... را برعهده داشت. در سند بیوگرافی ساواک وی چنین آمده است : «نامبرده در سال ۱۳۳۲ عضو حزب منحله توده بوده و در سال ۱۳۳۸ احضار و در مصاحبه به عضویت خود اعتراف کرده و ضمن همکاری، اطلاعات خوبی را در اختیار گذارده است. مشارالیه در سمت استانداری استان ساحلی متهم به سوءاستفاده بوده و در زمان تصدی استانداری فارس با به‌کارگماردن افراد سودجو در رأس کارها و نیز عدم مدیریت و تجربه کافی وی در امور محوله باعث نارضایتی اهالی منطقه گردیده و در سال ۱۳۵۲ برخی دوستانش در مناقصه طرح احداث ساختمانهای ضد زلزله با حمایت وی برنده شده‌اند و با پشتیبانی او شروع به سوء استفاده و سهل انگاری در کارها نموده‌اند که در نتیجه با بروز

سیل مجدد و آتش سوزی بر مردم «قیر وکازرون» تلفات و خسارات سنگینی وارد آمده است. پیروز در جریان خرید و فروش اراضی و باغات منتصری و نوابی سوء استفاده‌هایی داشته است. نامبرده بالا ضمن برپایی جلسات خوش‌گذرانی و شب زنده‌داری و معاشرت نامشروع با زنان، بی‌عفتی را به حد کمال رسانده است. در سال ۱۳۵۱ درخواست عضویت نامبرده در تشکیلات فراماسونری ـ لژ آلمان ـ رد شده است. وی دارای نشانهای درجه ۲ تاج و آبادانی نیز بوده است.

اسناد ساواک ـ پرونده انفرادی

بدون شرح

به : ۳۲۲ تاریخ : ۵۰/۸/۶

از : ۲۰ ه ۱۵ شماره : ۲۰/۸۹۱۶۷ ه

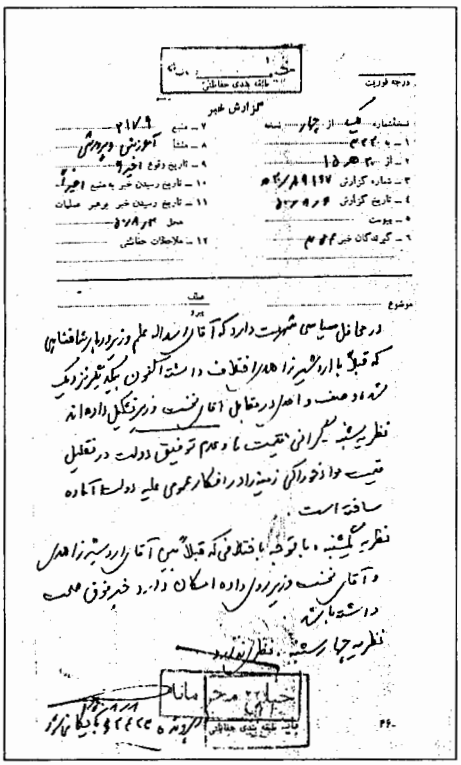

در محافل سیاسی شهرت دارد که آقای اسدالله علم وزیر دربار شاهنشاهی که قبلاً با اردشیر زاهدی اختلاف داشته اکنون به یکدیگر نزدیک شده و صف واحدی در مقابل آقای نخست‌وزیر تشکیل داده‌اند

نظریه شنبه :گرانی قیمت‌ها و عدم توفیق دولت در تقلیل قیمت مواد خوراکی زمینه را در افکار عمومی علیه دولت آماده ساخته است.

نظریه یکشنبه : با توجه به اختلافی که قبلاً بین آقای اردشیر زاهدی و آقای نخست‌وزیر روی داده امکان دارد خبر فوق صحت داشته باشد.

نظریه چهارشنبه : نظری ندارد

در پرونده ۶۲۴۲۳ بایگانی شود ۵۰/۸/۸

به : ۳۲۲ تاریخ : ۵۰/۸/۸

از : ۲۰ ه ۲۲ شماره : ۲۰/۲۷۱۹۶ ه ۲۲

موضوع : شایعه

در بین مردم شایع گردیده به زودی کابینه هویدا سقوط می‌نماید و اردشیر زاهدی وزیر امور خارجه سابق و یا آموزگار وزیر دارائی به سمت نخست‌وزیر تعیین می‌شوند.

نظریه یکشنبه : شایعه فوق در بین مردم شنیده می‌شود.

نظریه چهارشنبه : نظریه یکشنبه مورد تایید است. تاکستانی

در پرونده کلاسه ۶۲۴۲۳ نخست‌وزیر بایگانی شود

۵۰/۸/۹

خانم بهرامپور

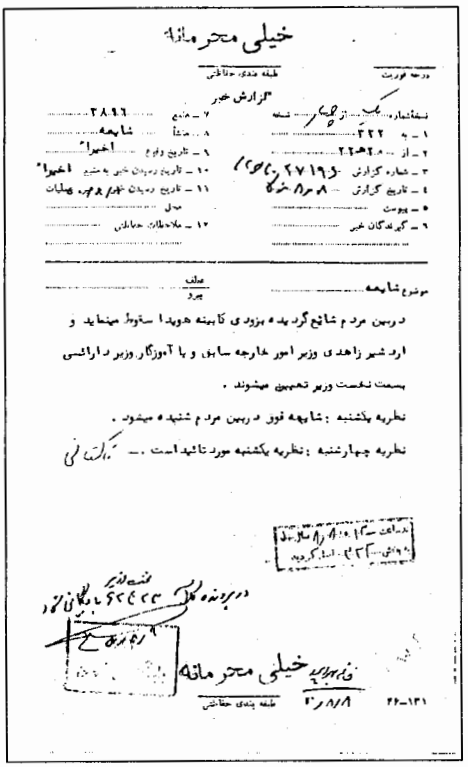
خیلی محرمانه

درجه اهمیت — طبقه بندی حفاظتی

گزارش خبر

نسخه شماره ... از ... نسخه

۱ ـ به ۳۲۲

۲ ـ از ۲۰ ه ۲۲

۳ ـ شماره گزارش ۲۰/۲۷۱۹۶

۴ ـ تاریخ گزارش ۵۰/۸/۸

۵ ـ پیوست

۶ ـ گیرندگان خبر

۷ ـ متابع ۲۸۹۶

۸ ـ موضوع شایعه

۹ ـ تاریخ وقوع اخیراً

۱۰ ـ تاریخ رسیدن خبر به منبع اخیراً

۱۱ ـ تاریخ رسیدن خبر به مقر عملیات

محل

۱۲ ـ ملاحظات حفاظتی

موضوع شایعه — صفحه / پیرو

در بین مردم شایع گردیده بزودی کابینه هویدا سقوط مینماید و اردشیر زاهدی وزیر امور خارجه سابق و یا آموزگار وزیر دارائی بسمت نخست وزیر تعیین میشوند .

نظریه یکشنبه : شایعه فوق در بین مردم شنیده میشود .

نظریه چهارشنبه : نظریه یکشنبه مورد تائید است . تاکستانی

در پرونده کلاسه ۶۲۴۲۳ نخست‌وزیر بایگانی شود

خیلی محرمانه

۵۰/۸/۸

۲۲-۱۳۱ — طبقه بندی حفاظتی

۵۰/۸/۸

شماره: ۳۲۲/۳۰۱۵ تاریخ: ۵۰/۸/۱۱

ارسال نامه به مقامات تحت عنوان سوءقصد به جان شاهنشاه آریامهر

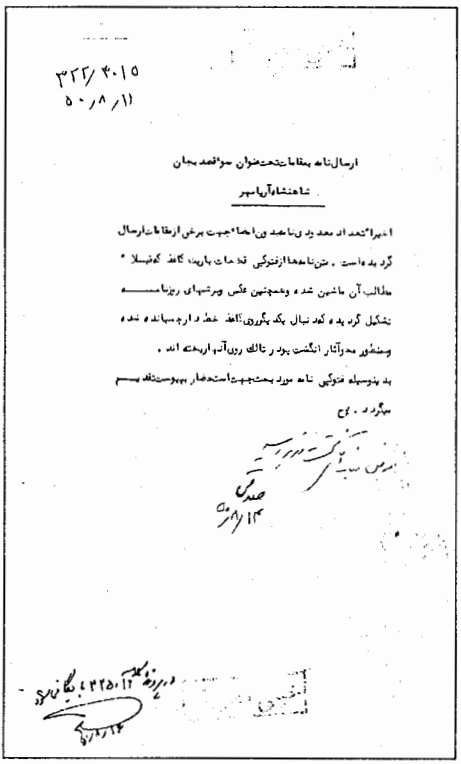

۳۲۲/۴۰۱۵
۵۰/۸/۱۱

ارسال نامه بمقامات تحت عنوان سوءقصد بجان
شاهنشاه آریامهر

اخیراً تعداد معدودی نامه بدون امضا جهت برخی از مقامات ارسال گردیده است. متن نامه‌ها از فتوکپی قطعات باریک کاغذ که قبلاً مطالب آن ماشین شده و همچنین عکس و برشهای روزنامه تشکیل گردیده که دنبال یکدیگر روی کاغذ خطدار چسبانده شده و به منظور محو آثار انگشت پودر تالک روی آنها ریخته‌اند.

بدینوسیله فتوکپی نامه مورد بحث جهت استحضار به پیوست تقدیم می‌گردد.

به عرض جناب آقای نخست‌وزیر رسید

صدقی ۵۰/۸/۱۴

در پرونده به کلاسه ۲۲۵۰۱۲ بایگانی شود

۵۰/۸/۱۶

سوءقصد به جان شاهنشاه آریامهر

و این بار برای قتل شاه طرحی عمیق ریخته شده است که بر چند پایه استوار است نخست‌وزیر وقتی منصور به قتل رسید برای محو کردن دلیل قتل ـ هویدا که وزیر دارائی بود نخست‌وزیر شد حالا هم هویدا پس از قتل شاه راه گم می‌کند برنامه‌های آتیه شاهنشاه برای معادن ایران و نفت ایران و خلیج فارس یعنی نابودی و ورشکستگی قطعی دولت انگلستان دولت محافظه کار ورشکسته و کسر بودجه انگلستان نمی‌تواند با ایران وارد جنگ شود کشور عراق را سبز می‌کند ناچار باید با ایجاد خرابکاری و ناامنی در داخل کشور منافع خود را تأمین کند. گروه قاتلین حرفه‌ای در ایران ساخته‌اند تیمسار فرسیو را در مقابل منزلش می‌کشد هر کس به نفع مملکت کار کند تامین جانی ندارد به عنوان دانشجو در دانشگاه با کمک افراد لژ بریتانیا و یا به عنوان توریست کتابهای چین کمونیست زیر نیمکت دانشجویان قرار می‌دهند ولی این خرابکاریها تا این تاریخ به نتیجه نرسیده است زیرا شاهنشاه وجود دارند و به جریان واردند مجلس شورای ملی حقایق را از شاه پنهان می‌کنند در حزب ایران نوین یک گروه شناسائی وجود دارد که شخصاً در آن شرکت کرده‌ام هر کس بخواهد وکیل شود صلاحیت او توسط گروه شناسایی تعیین می‌شود این گروه شناسایی با کمک هویدا و سفارت اداره می‌شود یعنی اکثر نمایندگان کنونی حزب ایران نوین مستقیماً توسط سفارت انتخاب شده‌اند که پس از قتل شاهنشاه مجلس را اداره کنند به همین دلیل افراد میهن‌پرست که کاندید بودند حذف شدند به حزب مردم اجحاف شد وقتی حزب مردم اکثریت را بدست می‌آورد که گروه شناسایی آن مثل گروه شناسایی حزب ایران نوین شود طبیعی است سپهبد امجدی فرمانده سابق من که با پیشنهاد سفارت سپهبد شد

پس از این قتل شاه جوانان را اداره خواهد کرد هر فرد آنهاکه به ایران می‌آید در تمام سازمانها در دزدی شریکند در گذشته حتی شخصاً ناظر بودم که شیرینی دانمارکی خیابان ویلا باکوپن ارتش مصرف خود را از شرکت تعاونی مصرف سپه می‌گرفت ـ ما سربازان به تفنگ‌های دورزن آشنایی کامل داریم و می‌دانیم از چه فاصله‌ای رئیس جمهور آمریکا را هدف قرار دادند ارتفاعات اطراف شیراز تخت جمشید مناسبت‌ترین وضع را برای قتل شاه ایجاد می‌کند سابقه را هم درست کرده‌اند بعد خواهند گفت این اشرار از عراق آمده بودند همان‌طور که تا حال دو دسته از آنها راگرفته‌ایم برای رهبری اجرای نقشه قتل شاه و اقدامات بعد از آن عده‌ای از سفرای سابق انگلستان که در قتل و ترور سابقه دارند به ایران می‌آیند این مطالب را حالا همه می‌دانند در ایران فرمانده انگلیسی است وقتی ترفیع افسران ارشد و تیمساران و انتخاب نخست‌وزیر با سفارت باشد منافع انگلستان حفظ خواهد شد نه منافع دولت ایران این وضع ما افسران را بی‌آبرو می‌کند و در حقیقت سی میلیون جمعیت ایران نباید ناموس خود را به چند انگلیسی که در ایران است بدهد

افسر ارتش

روزنامه ندای ایران نوین پنجشنبه هیجدهم شهریور ماه ۱۳۵۰ شماره ۶۶۹ می‌توان پیش‌بینی کرد و برای آنکه هویدا رئیس جمهور شود پس از قتل شاه با شهبانو فرح ازدواج کند. رؤسای کمیسیونهای پارلمانی از حزب ما هستند. تمام پیش‌بینی‌ها انجام شده هم‌اکنون چند گروه برای اجرای ترور به ایران آمده‌اند این اعلام خطر را به عرض برسانید.

شماره: ۲۰/۴۷۹۶۷ ه ۲۴ تاریخ: ۵۰/۸/۱۷

خلاصه مفاد گزارش خبر ساواک تهران

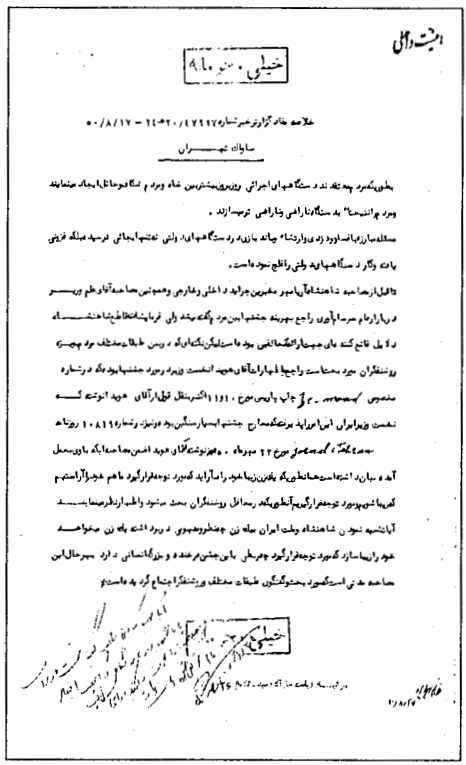

به طوری که مردم معتقدند دستگاههای اجرایی روزبروز بیشتر بین شاه و مردم شکاف و حائل ایجاد می‌نمایند و مردم را نتیجتاً به دستگاه ناراضی و ناراضی‌تر می‌سازند.

مستقیماً مبارزه با فساد و دزدی و ارتشاء و باندبازی در دستگاههای دولتی نه تنها بجایی نرسیده بلکه فزونی یافته و کار دستگاههای دولتی را فلج نموده است.

تا قبل از مصاحبه شاهنشاه آریامهر [با] مخبرین جراید داخلی و خارجی و همچنین مصاحبه آقای علم وزیر دربار ارقام سرسام‌آوری راجع به هزینه جشنها بین مردم گفته می‌شد ولی فرمایشات قاطع شاهنشاه دلایل قانع‌کننده‌ای جهت ارائه به مخالفین بوده است لیکن نکته‌ای که در بین طبقات مختلف مردم به ویژه روشنفکران مورد بحث است راجع به اظهارات آقای هویدا نخست‌وزیر در مورد جشنها بوده که در شماره مخصوص Le-mond چاپ پاریس مورخ ۱۰ و ۱۱ اکتبر به نقل قول از آقای هویدا نوشته که نخست‌وزیر ایران این امر را پذیرفته که مخارج جشنها بسیار سنگین بوده و نیز در شماره ۱۰۸۱۹ روزنامه Journal،Tehran مورخ ۲۳ مهرماه ۵۰ نوشته آقای هویدا ضمن مصاحبه‌ای که با وی بعمل آمده بیان داشته است همان طوری که یک زن زیبا خود را می‌آراید که مورد توجه قرار گیرد ما هم خود را آراستیم که زیبا شویم و مورد توجه قرار گیریم آن طوری که در محافل روشنفکران بحث می‌شود و اظهارنظر می‌نمایند آیا تشبیه نمودن شاهنشاه و ملت ایران به یک زن چه نظر و مفهومی در برداشته یک زن می‌خواهد خود را زیبا سازد که مورد توجه قرار گیرد چه ربطی به این جشن فرخنده و بزرگ انسانی دارد به هر حال این مصاحبه مدتی است که مورد بحث و

گفتگوی طبقات مختلف و روشنفکر اجتماع گردیده است.

[پی‌نوشت نصیری]

آیا فهمید [ید] که این مطلب گفته نخست‌وزیر است یا با شیوه روزنامه‌نگاری که اغلب اخبار و مصاحبه‌ها را تحریف می‌کنند در این مطالب تحریفی شده است یا نه

خانم بهرامپور ۵۰/۸/۲۷

مراسم رژه ششم بهمن ۱۳۵۱ ـ فرخ‌رو پارسای و مهرداد پهلبد نیز در عکس دیده می‌شوند

به : ۳۲۱ تاریخ : ۵۰/۸/۳۰

از : ۷ ه شماره : ۱۴۱۵۱ / ه

موضوع : شایعه استعفای دولت جناب آقای هویدا

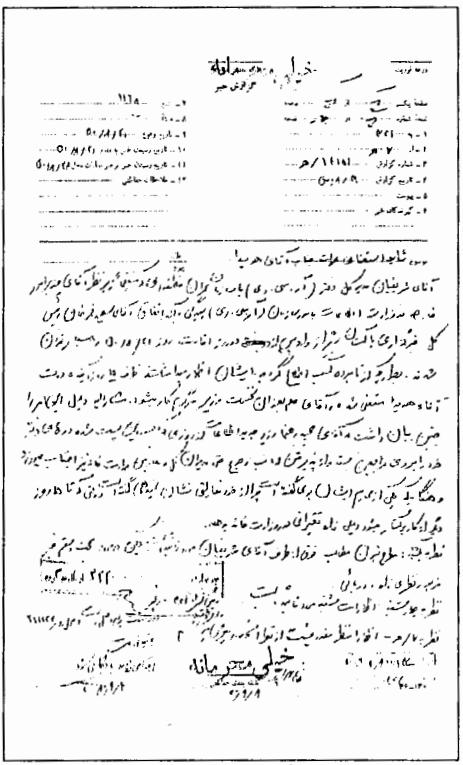

آقای شریفیان مدیرکل دفتر (آر. سی. دی) یا سازمان عمران منطقه‌ای که مستقیماً زیر نظر آقای وزیر امور خارجه در وزارت اطلاعات به امور سازمان (آر. سی. دی) رسیدگی می‌کند به اتفاق آقای سعید قمرخان رئیس کل خبرگزاری پاکستان به شیراز وارد پس از دو روز اقامت روز ۵۰/۸/۲۱ رهسپار تهران شدند. به طوری که از نامبرده کسب اطلاع گردید. ایشان اظهار می‌داشتند ظرف ۱۵ روز آینده دولت آقای هویدا مستعفی شده و آقای علم به عنوان نخست‌وزیر سرگرم کار می‌شود. مشارالیه دلیل این امر را چنین بیان داشت که آقای حمید رهنما وزیر جدید اطلاعات از روزی که مصدر این پست شده درهای دفتر خود را به روی مراجعین بسته و از پذیرفتن ارباب رجوع حتی مدیران کل و معاونین وزارت خانه نیز اجتناب می‌ورزد و هنگامی که یکی از محارم ایشان به وی گفته است چرا از خود فعالیتی نشان نمی‌دهی گفته است دولتی که تا ۱۵ روز دیگر از کار برکنار می‌شود دلیلی ندارد تغییراتی در وزارت‌خانه بدهد.

نظریه یکشنبه : مطرح نمودن مطالب فوق از طرف آقای شریفیان مورد تایید است. لیکن در مورد صحت و سقم خبر مزبور نظری ندارد. دریائی

نظریه چهارشنبه : اظهارات شنبه مورد تایید است.

نظریه ۷ / ه: اظهارنظر مقدور نیست از نظر استحضار به عرض می‌رسد

به : ۳۲۱ تاریخ : ۵۰/۸/۳۰

از : ۲۰ ه ۲۱ شماره : ۲۰/۲۳۵۵۰ ه ۲۱

موضوع : اظهارات حاج کریم‌بخش سعیدی درباره نخست‌وزیر

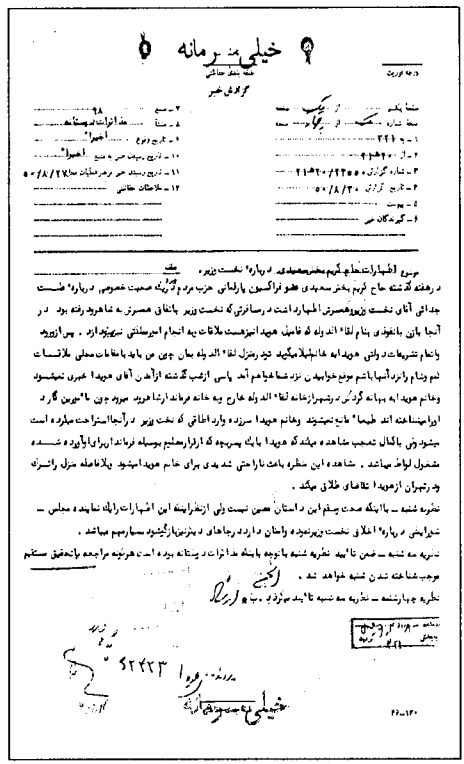

در هفته گذشته حاج کریم بخش سعیدی عضو فراکسیون پارلمانی حزب مردم در یک صحبت خصوصی درباره علت جدایی آقای نخست‌وزیر و همسرش اظهار داشت در مسافرتی که نخست‌وزیر به اتفاق همسرش به شاهرود رفته بود در آنجا با زن بانفوذی به نام لقاءالدوله که فامیل هویدا نیز هست ملاقات و به انجام امور مملکتی نیز می‌پردازد. پس از ورود و اتمام تشریفات دولتی هویدا به خانم لیلا می‌گوید تو در منزل لقاءالدوله بمان چون من باید با مقامات محلی ملاقات کنم و شام را نزد آنها باشم موقع خوابیدن نزد شما خواهم آمد پاسی از شب گذشته از آمدن آقای هویدا خبری نمی‌شود و خانم هویدا به بهانه گردش در شهر از خانه لقاءالدوله خارج و به خانه فرماندار شاهرود می‌رود چون مامورین گارد او را می‌شناخته‌اند طبعاً مانع نمی‌شوند و خانم هویدا سرزده وارد اطاقی که نخست‌وزیر در آنجا استراحت می‌کرده است می‌شود ولی باکمال تعجب مشاهده می‌کند که هویدا با یک پسربچه که از قرار معلوم به وسیله فرماندار برای او آورده شده مشغول لواط می‌باشد. مشاهده این منظره باعث ناراحتی شدیدی برای خانم هویدا می‌شود و بلافاصله منزل را ترک و در تهران از هویدا تقاضای طلاق می‌کند.

نظریه شنبه : با اینکه صحت و سقم این داستان معین نیست ولی از نظر اینکه این اظهارات را یک نماینده مجلس شورای ملی درباره اخلاق نخست‌وزیر نموده و امکان دارد در جاهای دیگر نیز بازگو شود بسیار مهم می‌باشد.

نظریه سه شنبه : ضمن تایید نظریه شنبه با توجه به اینکه مذاکرات دوستانه بوده است هرگونه مراجعه یا تحقیق مستقیم موجب شناخته شدن شنبه خواهد شد. انجمن

نظریه چهارشنبه : نظریه سه‌شنبه تایید می‌گردد. ارشاد

پرونده هویدا ۶۲۴۲۳ بایگانی شود

۵۰/۹/۱۴

بدون شرح

به : ۹۲۲ـ ۲۰ ه ۲۲ تاریخ : ۵۰/۹/۸

از : ۳۲۲

موضوع : آپارتمان‌سازی وسیله بخش خصوصی در زمین زراعتی

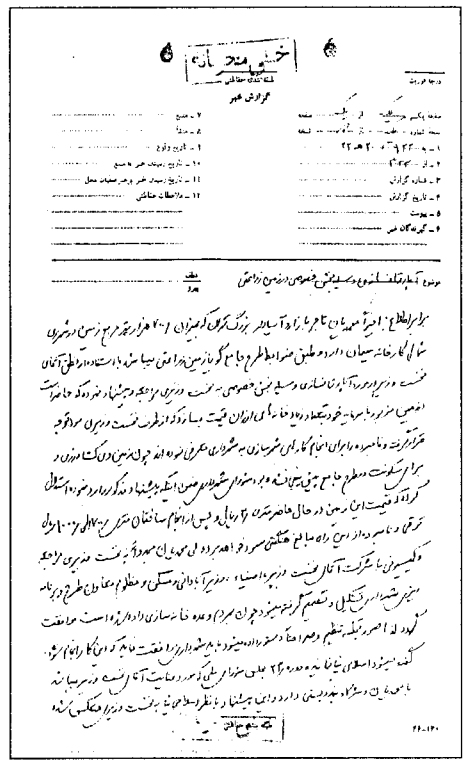

برابر اطلاع : اخیراً محمدیان تاجر بازار و آسیادار بزرگ تهران که به میزان ۷۰۰/ هزار متر مربع زمین در شهرری شمال کارخانه سیمان دارد و طبق ضوابط طرح جامع گویا زمین زراعتی می‌باشد با استفاده از نطق آقای نخست‌وزیر در مورد آپارتمان‌سازی وسیله بخش خصوصی به نخست‌وزیری مراجعه و پیشنهاد نموده که حاضر است در زمین مزبور با سرمایه خود به تعداد زیاد خانه‌های ارزان قیمت بسازد که از طرف نخست‌وزیری مورد توجه قرار گرفته و نامبرده را برای انجام کارهای شهرسازی معرفی نموده‌اند چون زمین وی کشاورزی و برای سکونت در طرح جامع پیش‌بینی نشده بود شورای شهرداری ضمن اینکه پیشنهاد مذکور را رد نموده استدلال کرده که قیمت این زمین در حال حاضر متری ۲/ ریال و پس از انجام ساختمان متری ۷۰۰/ الی ۱۰۰۰/ ریال ترقی و نامبرده از این راه مبالغ هنگفتی سود خواهد برد ولی محمدیان مجدداً به نخست‌وزیری مراجعه وکمیسیونی با شرکت آقای نخست‌وزیر، اصفیاء، وزیر آبادانی و مسکن و مظلوم معاون طرح و برنامه‌ریزی شهرداری تشکیل و تصمیم گرفته می‌شود چون به مردم وعده خانه‌سازی داده شده است موافقت گردد لذا صورتجلسه تنظیم و صراحتاً دستور داده می‌شود باید شهرداری موافقت نماید که این کار انجام شود. گفته می‌شود اسلامی‌نیا نماینده دوره ۲۳/ مجلس شورای ملی که مورد عنایت آقای نخست‌وزیر می‌باشد با محمدیان و شرکا بندوبستی دارد و این پیشنهاد با نظر اسلامی‌نیا[1] به نخست‌وزیری منعکس شده و از محمدیان در این زمینه پشتیبانی می‌نماید

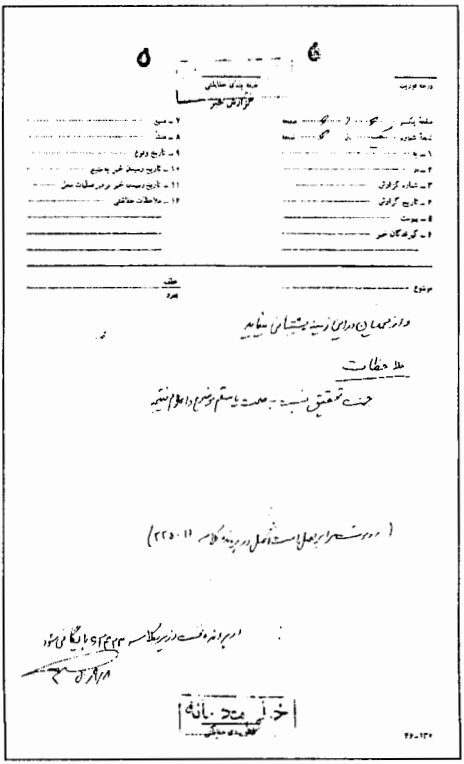

ملاحظات

جهت تحقیق نسبت به صحت یا سقم موضوع و اعلام نتیجه

(رونوشت برابر اصل است اصل در پرونده کلاسه ۲۲۵۰۱۱)

در پرونده نخست‌وزیر به کلاسه ۶۲۴۲۳ بایگانی شود

۵۰/۹/۸

۱ـ حسین فردوست در کتاب ظهور و سقوط سلطنت پهلوی هدایت‌اله اسلامی‌نیا را چنین معرفی می‌کند: «اسلامی نیا جمعه‌ها برایم از شاه کارهای هفته‌اش صحبت می‌کرد و می‌گفت که هفته‌ای حداقل سه بار به دیدن هویدا می‌رود و بحث و گفت‌وگو می‌کند و سپس با راهنمایی‌هایی به قم می‌رود و با برخی دوستان بازاری نیز ملاقاتهایی دارد. اسلامی‌نیا در قم با شریعتمداری ملاقات می‌کرد و پیغام‌های هویدا را که در واقع نظرات محمدرضا پهلوی بود به وی می‌داد و منظور طلب کمک از او برای رفع بحران بود. شریعتمداری همیشه جواب‌های تقریباً یکسان می‌داد و می‌گفت که محمدرضا نگران نباشد، خطری او را تهدید نمی‌کند و همه چیز درست خواهد شد به شرطی که وی اختیارات بیشتری به مسوولین بدهد و کمتر در امور مملکتی دخالت کند. این ملاقاتها همیشه همین پاسخ یکنواخت را داشت ولی برای قوت قلب محمدرضا هفته‌ای دوبار انجام می‌شد. اسلامی نیا گفت که شریعتمداری به نوبه خود با تعداد دیگری از روحانیون تماس داشت و تلاش می‌کرد که آنان را با خود موافق کند. این ملاقاتها تا انقلاب ادامه داشت.» و از نظر سفارت امریکا در تهران اسلامی‌نیا یک واسطه سیاسی فعال بود. او دائم با نمایندگان سیاسی این سفارت ملاقات می‌کرد و آنها را در جریان اخبار و اطلاعات کشور قرار می‌داد.

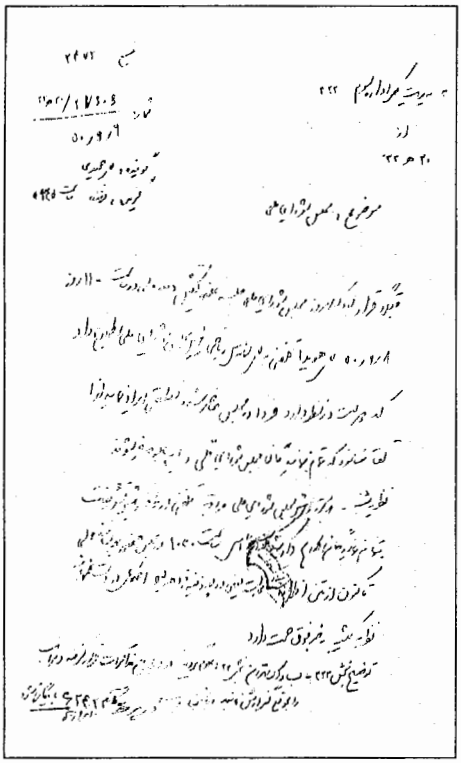

شماره : ۲۰/۲۷۶۰۶ ه ۲۲ تاریخ : ۵۰/۹/۹
به : مدیریت کل اداره سوم ۳۲۲
از : ۲۰ ه ۲۲

موضوع : مجلس شورای ملی

قبلاً قرار بود که امروز مجلس شورای ملی جلسه علنی تشکیل دهد ولی در ساعت ۱۱۰۰ روز ۵۰/۹/۸ آقای هویدا تلفنی به آقای مهندس ریاضی[1] رئیس مجلس شورای ملی اطلاع داد که دولت در نظر دارد فردا در مجلس حاضر شده نطقی ایراد نماید لذا تقاضا نمود که تمام نمایندگان مجلس شورای ملی در این جلسه حاضر شوند.

نظریه شنبه : به دستور رئیس مجلس شورای ملی مراتب تلفنی از طرف رئیس تشریفات به تمام نمایندگان اطلاع داده شد که در رأس ساعت ۱۰۳۰ در مجلس حضور بهم رسانند ولی تاکنون از متن اظهارات دولت یعنی در چه زمینه خواهد بود اطلاعی در دست نمی‌باشد.

نظریه یکشنبه : خبر فوق صحت دارد.

توضیح بخش ۳۲۲ : به ساواک تهران بخش ۲۲ اعلام گردید که در جریان مذاکرات قرار گرفته و مراتب را بموقع گزارش نمایند تا به استحضار برسد

در پرونده کلاسه ۶۲۴۲۳ بایگانی شود

۵۰/۹/۱۰

۱ـ عبدالله ریاضی فرزند هاشم در سال ۱۲۸۵ در اصفهان متولد شد. پس از تحصیلات مقدماتی برای ادامه تحصیلات به تهران سفر کرد. و همزمان با تحصیل به تدریس درس ریاضی در مدارس ابتدائی نیز مشغول شد به طوری که پس از مدتی در محیط فرهنگی آن روزگار شهرتی بدست آورد. پس از گرفتن گواهی نامه دبیرستان در مدرسه صنعتی ایران و آلمان مشغول تدریس ریاضی شد. او در سال ۱۳۰۷ با اولین گروه دانشجویان به خارج از کشور اعزام شد و پس از ۷ سال تحصیل و کارآموزی با اخذ دانشنامه مهندسی هیدرولیک به کشور بازگشت و در دانشگاه تهران به عنوان استادیار

پذیرفته شد و پس از مدتی به سمت معاون دانشکده فنی برگزیده شد با شروع جنگ جهانی دوم و اوضاع بی سامان کشور از دانشگاه کناره‌گیری کرد ولی پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دوباره به دانشگاه بازگشت و سه دوره کرسی ریاست دانشکده فنی را به خود اختصاص داد. مهندس ریاضی دو دوره ۲۱ مجلس شورای ملی به عنوان نماینده اول مردم تهران به سمت رئیس مجلس انتخاب شد. که تا دوره ۲۴ مجلس نیز در این سمت بود. عبداله ریاضی از وابستگان به سیاست امریکا در ایران بود و در سال ۱۳۴۵، بنا به دعوت امریکا، جهت شرکت در مراسم به آب انداختن یک کشتی بنام ریاضی به نیویورک رفت. این کشتی به علت خدماتی که برادران ریاضی، به نیروی دریایی امریکا کرده بودند، به نام ریاضی به آب انداخته شد.

عبداله ریاضی همچنین از اعضای تشکیلات فراماسونری جهانی بود و ضمن عضویت در لژهای ژاندارک و بزرگ ایران، ریاست لژ دانش را به عهده داشت و همچنین از اعضای مؤسس لژ رازی بود.

او پس از پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان مفسد فی‌الارض در اردیبهشت ۱۳۵۷ به حکم دادگاه انقلاب اسلامی به اعدام محکوم شد.

از راست : جعفر شریف‌امامی ـ عبدالله ریاضی ـ هویدا

تاریخ: ۵۰/۹/۱۰

ارسال اعلامیه وسیله پست علیه آقای نخست‌وزیر و برخی از وزراء سابق

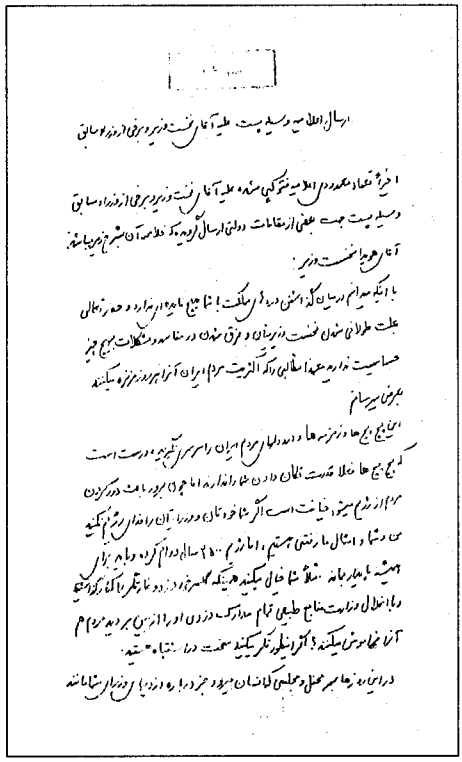

اخیراً تعداد معدودی اعلامیه فتوکپی شده علیه آقای نخست‌وزیر و برخی از وزراء سابق وسیله پست جهت بعضی از مقامات دولتی ارسال گردیده که خلاصه آن به شرح زیر می‌باشد:

آقای هویدا نخست‌وزیر [!]

با اینکه می‌دانم در میان گذاشتن دردهای مملکت با شما هیچ فایده‌ای ندارد و حضرتعالی به علت طولانی شدن نخست‌وزیریتان و غرق شدن در مفاسد و مشکلات به هیچ چیز حساسیت ندارید معهذا مطالبی راکه اکثریت مردم ایران آن را هر روز مزمزه می‌کنند به عرض می‌رسانم.

این پچ‌پچ‌ها و زمزمه‌ها و درددلهای مردم ایران را سرسری نگیرید، درست است که پچ‌پچ‌ها فعلاً قدرت تکان دادن شما را ندارند اما چون به مرور باعث دور کردن مردم از رژیم می‌شود خیانت است اگر شما خودتان و وزرایتان را فدای رژیم نکنید من و شما و امثال ما رفتنی هستیم، اما رژیم ۲۵۰۰ ساله دوام کرده و باید برای همیشه پایدار بماند. مثلاً شما خیال می‌کنید همین که گلسرخی[1] دزد و غارتگر راکنار گذاشتید و با انحلال وزارت منابع طبیعی تمام مدارک دزدی او را از بین بردید مردم هم آن را فراموش می‌کنند؟ اگر این طور فکر می‌کنید سخت در اشتباه هستید. در این روزها به هر محفل و مجلسی که انسان می‌رود جز درباره دزدیهای وزرای شما مانند گلسرخی و قمارهای کلان امثال پرتو[2] و خسروانی[3] مطالب دیگری به گوش نمی‌رسد.[4] اینگونه اعمال خیانت به پادشاه مملکت است شاهنشاهی که شما را از خیابان گردی به وزارت و صدارت رسانید آیا سزاست به او خیانت کنید. حالاکه میلیونر شده‌اید بگذارید و بروید و مملکت

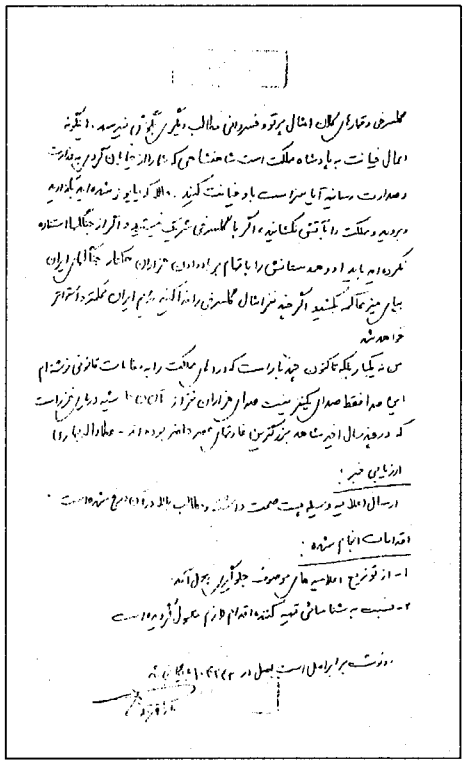

را به آتش نکشانید، اگر با گلسرخی شریک نیستید و اگر از جنگلها استفاده نکرده‌اید باید او و همدستانش را به اتهام برباد دادن هزاران هکتار جنگلهای ایران به پای میز محاکمه بکشید اگر چند نفر امثال گلسرخی را فداکنید رژیم ایران محکم‌تر و استوارتر خواهد شد من نه یک بار بلکه تاکنون چند بار است که دردهای مملکت را به مقامات قانونی نوشته‌ام این صدا فقط صدای یک نفر نیست صدای هزاران نفر از ساکنان حاشیه دریای خزر است که در چند سال اخیر شاهد بزرگترین غارتهای عصر حاضر بوده‌اند ـ

عطاءالله بهاری

ارزیابی :

ارسال اعلامیه وسیله پست صحت داشته و مطالب بالا در آن درج شده است.

اقدامات انجام شده :

۱ـ از توزیع اعلامیه‌های موصوف جلوگیری بعمل آید.

۲ـ نسبت به شناسایی تهیه کننده اقدام لازم معمول گردیده است

رونوشت برابر اصل است اصل در ۱۰۴۲۴۳ بایگانی شد

۵۰/۹/۱۰

۱ـ ناصر گلسرخی از ۱۳۴۶/۷/۲۷ به عنوان وزیر منابع طبیعی وارد کابینهٔ هویدا شد و در هنگام نوشتن این نامه، او عزل و «روحانی به جای وی وزیر منابع شده بود. وی از قماربازان مشهور در ایران و اروپا بود. غالب جلسات آنها در منزل خسروانی تشکیل می‌شد و در همین جلسات هم کلاهبرداری‌های زیادی انجام می‌گرفت که به همراه وزیر کشور و وزیر دادگستری بود برخی از کلاهبرداری‌ها بدین شکل انجام می‌گرفت که واسطه به گلسرخی (وزیر منابع طبیعی) می‌گفت فلان بازاری یا مالک یک میلیون متر مربع در فلان منطقه زمین دارد و ارزش آن زیاد است، کافی است آگهی دهید و این زمین را به استناد ماده ۵۶ جزء اراضی منابع طبیعی (ملی) اعلام کنید. بعد واسطه از صاحب زمین میلیونها تومان رشوه می‌گرفت و با وزیر نصف می‌کرد و یک هفته بعد وزارت اعلام می‌کرد که در روزنامه اشتباه شده و زمین مذکور جزء منابع

طبیعی نیست. ناصر گلسرخی بعد از وزارت در اروپا به قمارکردن می‌پرداخت و در ۱۳۵۶ به سبب کشیدن ۶ فقره چک بی‌محل در یکی از قمارخانه‌های شهر «تونون له بین» روانه زندان گردید وی در مدت تصدی وزارت چندین دستگاه آپارتمان درکنار دریاچه ژنو خرید و اموالی نیز در فرانسه جمع کرد. در زمان وزارت زمینی را در شمال به منشی خود بخشید و منشی او زمین اهدایی از مردم را به چهار میلیون تومان فروخت بعد از پیروزی انقلاب اسلامی وی به فرانسه رفت و در اردیبهشت ۵۹ مبلغ یک میلیون دلار باخت و باز مجبور به کشیدن چک بی محل گردید که مجدداً دادگاه فرانسه او را به مدت ۸ ماه روانه زندان کرد

۲ـ منوچهر پرتو فرزند علی در سال ۱۳۰۰ هـ ش به دنیا آمد. پدرش سرهنگ ارتش و اهل تهران بود.
مشارالیه در سال ۱۳۲۱ از دبیرستان دارالفنون دیپلم گرفت و به دانشکده حقوق راه یافت و در سال ۱۳۲۶، لیسانس حقوق قضائی گرفت و در مشاغل قضائی، شروع به کار کرد.
وی ابتدا در دادسراهای شهرهای زنجان، همدان و خرم‌آباد به عنوان دادیار، مشغول شد و بعداً در دادسراهای آبادان و تهران به عنوان بازرس ادامه داد و سپس دادستان شهر تهران شد.
ساواک در گزارشی، وی را به این شرح، معرفی کرده است :
«در سال ۱۳۳۰ مشاور حقوقی لطفی، وزیر دادگستری بوده و مورد توجه دکتر مصدق و با عناصر چپ همکاری می‌نموده است.»
منوچهر پرتو که به عضویت جمعیت یاران دبیرستانی، درآمده بود، با پیوستن به لژهای فراماسونری، به طی مدارج ترقی پرداخت. در سال ۱۳۳۵ جهت مطالعه سازمان‌های قضائی به امریکا رفت و به مدت یکسال در آنجا بود، او که عضویت لژ مولوی و لژ کورش را داشت، مدتی در بازرسی کل کشور، مشغول شد و سپس به معاونت آن رسید، سناتوری را تجربه کرد و سپس به مدیر کلی امور قضائی وزارت دادگستری منصوب شد. به معاونت پارلمانی وزارت دادگستری رسید، و در نهایت در سال ۱۳۴۷ وزیر دادگستری شد.
وی در ارزیابی ساواک فردی اهل اخاذی، زمین‌خوار، قمارباز و... معرفی شد و در یک قلم، زمین‌های وی به شرح زیر، ثبت گردید:
«شمال، هچیرود /۲۰۰۰ متر زمین، اراضی جنگلی جلگه‌ای ۶۵ هزار متر در حومه جنوبی متل قو، ۲۵ هکتار در گرگان و...»
گزارش ساواک، پس از انتصاب وی به عنوان دادستان دیوان کیفر به این شرح است :
«پس از انتصاب مشارالیه به دادستانی دیوان کیفر، عده زیادی از قضات دیوان کیفر حاضر به همکاری با او نشدند، زیرا اکثراً دارای اطلاعات و سوابق بیشتری بودند و منوچهر پرتو جزو باند مسعود هدایت می‌باشد و اطلاعات قضائی وسیعی ندارد و به رفیق بازی معروف است. و وضع مادی وی با توجه به قمارهای بزرگی که می‌کند، خوب است و اوقات بیکاری خود را اغلب در مجالس قمار و دوستانش می‌گذراند... این شخص از زمان حکومت قوام‌السلطنه به علت بازرسی منزل فرخ به منظور دستگیری خلعتبری که در آن زمان سناتور بود، معروفیتی کسب نمود و با مسعود هدایت و دکتر هدایتی دوستی و معاشرتی دارد...»
او هم عضو لژهای فراماسونری بود. غالب قماربازی‌های او در منزل پرویز خسروانی به همراه حسن زاهدی (وزیر کشور) و ناصر گلسرخی (وزیر منابع طبیعی) انجام می‌گرفت که یک بار در جریان برد و باخت کار به اسلحه کشی و تیراندازی کشید و شاه پس از شنیدن ماجرا هر سه را از کار وزارت برکنار کرد. پس از آن جریان، زاهدی استاندار خراسان شد و پرتو بدلیل داشتن خواهری آوازه‌خوان در رادیو و تلویزیون از طرف شاه سناتور شد.

۳ـ پرویز خسروانی فرزند هاشم در سال ۱۳۰۱ ش بدنیا آمد.
او در سال ۱۳۱۹ وارد دانشکده افسری شد. برادر بزرگ او، شهاب خسروانی از چهره‌های سیاسی سالهای ۱۳۲۰ـ۱۳۳۲

و نماینده مجلس بود که با دکتر مصدق روابط حسنه داشت. برادران دیگر او مرتضی و عطاءاله از دولتمردان لشکری و کشوری پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بودند سرگرد پرویز خسروانی در زمان دولت مصدق باشگاه ورزشی تاج را به راه انداخت و به گفته حسین فردوست در جریان قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱ ورزشکاران خود را به سود مصدق و علیه قوام به خیابانها ریخت. ولی مدت کوتاهی بعد، خسروانی را یکی از ارکان بسیج دستجات اوباش وابسته به دربار می‌یابیم که در جریان توطئه ۹ اسفند ۱۳۳۱ در رأس اوباشی چون شعبان جعفری (بی‌مخ) و ملکه اعتضادی به خانه مصدق حمله کردند و لذا به دستور مصدق مدت کوتاهی بازداشت شد.

خسروانی در حوادث ۲۵ ـ ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در رأس باشگاه ورزشی تاج به سرقت اموال مردم و غصب اراضی اشتغال داشت و به علت وابستگی به دربار، در سالهای ۴۳ـ۱۳۴۰ در درجه سرتیپی فرمانده ژاندارمری تهران (ناحیه یک مرکز) را عهده‌دار بود. در سال ۱۳۴۳ خسروانی در پی دسیسه برای تصدی سمت ریاست شهربانی بود و شاه به این جاه‌طلبی او پاسخ مثبت داد و وی در کابینه هویدا به معاونت نخست‌وزیر و سرپرست سازمان تربیت بدنی رسید و قریب ۵ سال در این سمت به چپاول ورزش کشور پرداخت.

همسر خسروانی به نام ملیحه نعیمی، دختر عبدالحسین نعیمی، از مأمورین قدیمی اینتلیجنس سرویس و از کارگزاران اصلی بهائیت در ایران بود. در تاریخ ۱۳۴۵/۷/۱۰ ساواک تهران چنین گزارش می‌دهد: «دختر آقای نعیمی که همسر سرلشکر خسروانی است در چند سال قبل توانست بطور محرمانه شوهرش را به دین بهائی گرایش دهد.

سرلشگر خسروانی در حضور آقای دکتر محمدعلی ورقا استاد دانشگاه که از بهائیان متعصب و یکی از روحانیون بهائیان است، با حضور آقای نعیمی رسماً به دین بهائی گرویده و قرار براین شده که از لحاظ حفظ پرستیژ و شئون نظامی و برخی پستهائی که به وی محول گردیده بهائی بودن وی از چهارچوبهٔ دیوار خانوادگی تجاوز نکند.»

اسناد ساواک ـ پرونده انفرادی.

۴ـ حسین فردوست در خاطراتش اشاره می‌کند، پرویز خسروانی در دوران سرپرستی سازمان تربیت بدنی به اتفاق ناصر گلسرخی وزیر منابع طبیعی و جلال آهنچیان، تاجر معروف و منوچهر پرتو، وزیر دادگستری دولت هویدا، با تشکیل باند قمار و کلاهبرداری به سوءاستفاده‌های کلان اشتغال داشت.

کشف این سوءاستفاده‌ها در وزارتخانه‌های منابع طبیعی و دادگستری و سازمان تربیت بدنی توسط فردوست، در سال ۱۳۵۰ به برکناری گلسرخی و پرتو انجامید.

پرویز خسروانی نیز از معاونت نخست‌وزیر و سرپرستی سازمان تربیت بدنی برکنار شد و در سال ۱۳۵۱ در رتبه سپهبدی بازنشسته شد.

«ظهور و سقوط سلطنت پهلوی ـ ج ۲ ـ ص ۴۵۳»

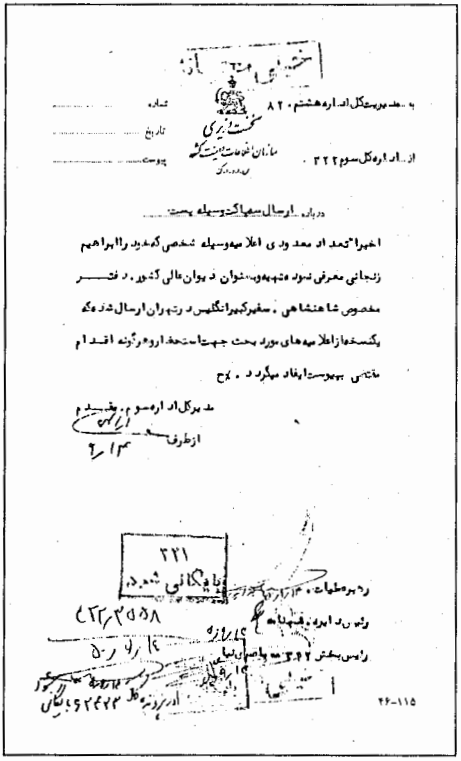

شماره : ۳۲۲/۳۵۵۸ تاریخ : ۵۰/۹/۱۴

به : مدیریت کل اداره هشتم ۸۲۰

از : اداره کل سوم ۳۲۲

درباره : ارسال سه پاکت وسیله پست

اخیراً تعداد معدودی اعلامیه وسیله شخصی که خود را ابراهیم زنجانی معرفی نموده تهیه و به عنوان دیوان عالی کشور. دفتر مخصوص شاهنشاهی. سفیر کبیر انگلیس در تهران ارسال شده که یک نسخه از اعلامیه‌های مورد بحث جهت استحضار و هرگونه اقدام مقتضی به پیوست ایفاد می‌گردد.

مدیرکل اداره سوم. مقدم

از طرف ۹/۱۴

رهبر عملیات. بهرامپور ۵۰/۹/۱۳

رئیس دایره. شهنامه ۵۰/۹/۱۳

رئیس بخش ۳۲۲ ـ باصری‌نیا ۵۰/۹/۱۳

در پرونده کلاسه ۶۲۴۲۳ بایگانی شود

تاریخ: ۱۳۵۰/۹/۶

ریاست محترم دیوان عالی کشور کاخ وزارت دادگستری

ریاست محترم دفتر مخصوص شاهنشاه آریامهر ـ رونوشت مقام محترم سفیر کبیر انگلیس در تهران محترماً معروض می‌دارد چون کابینه هویدا موفق به پیشرفت امور اقتصادی نشده و حتی در حدود ۵۰۰ میلیون تومان مالیات عقب‌افتاده را مؤدیان مالیاتی با پرداخت رشوه اصل مبلغ بدهی را از بین برده‌اند و خود هویدا و وزراء کابینه‌اش از این رشوه‌ها بی‌نصیب نمانده‌اند

آیا معنی دادگستری در ایران چنین است آیا باید تمام از وجوهات نفتی استفاده شود و مالیات حقه دولت را مفت‌خوران با دسیسه‌بازی از بین ببرند.

بدینوسیله تقاضا دارد از شاه ایران درخواست شود مجلسین را فوراً منحل نماید. کابینه جدیدی با نخست‌وزیر جدید منصوب نماید

۱ـ وزیر دارائی تعویض شود

۲ـ وزیر آموزش و پرورش برکنار شود.

۳ـ وزیر جنگ برکنار شود. مقامات شهربانی به عنوان سازمان امنیت دخالت [در] امور مردم ننمایند بخصوص در مدارس دخالت نکنند.

۴ـ ماده واحد سازمان امنیت با لایحه‌ای بکلی برداشته شود و خود ارتش رأساً انتظامات را به عهده گیرد و به نام ماده واحده سازمان امنیت مخل آسایش زن و بچه و ناموس مردم ایران نشود. وزیر پست و تلگراف بکلی برکنار شود و مخابرات سنتو از نظر پخش امواج رادیویی بر روی اعصاب مردم خودداری و نوامیس مردم را تحت کنترل امواج رادیویی و تلویزیونی قرار ندهند

همان‌طور که شاهنشاه در سال ۱۳۲۰ در مقابل نمایندگان مردم سوگند یاد نموده‌اند که آئین جعفری اثنی عشری را ترویج نمایند سوگند یادشده را زیرپا نگذارند این بود مختصر مطلب.

امید است هر چه زودتر مجلسین منحل شود و به این خیمه‌شب بازی‌های حزب ایران نوین خاتمه داده شود.

با تقدیم احترامات ابراهیم زنجانی[1]

Ebrahim Zanjani

رونوشت برابر اصل است

اصل به ساواک تهران، اداره هفتم و اداره چهارم ارسال گردید

۵۰/۹/۱۴

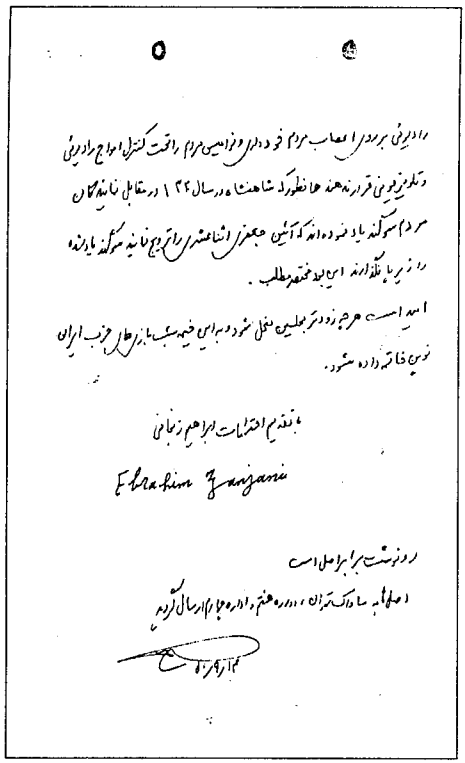

۱ـ پاسخ ساواک تهران در خصوص، این اعلامیه به شرح زیر است:

به: تیمسار ریاست ساواک مدیریت کل اداره سوم ۳۲۲

تاریخ: ۵۰/۹/۲۴

از: ساواک تهران ۲۰ ه ۲۲

شماره: ۲۰/۲۷۸۲۷ ه ۲۲

درباره: ارسال سه پاکت وسیله پست

عطف به شماره ۳۲۲/۳۵۶۰ ـ ۵۰/۹/۱۴

با تحقیقات انجام شده ابراهیم زنجانی نام مستعار است و شناخته نشد ولی از فحوا و متون اعلامیه استنباط می‌گردد که نامبرده از افراطیون مذهبی باشد.

رئیس ساواک تهران. نواب

آقای رضا ۵۰/۹/۲۷

اقدامی ندارد بایگانی شود ۵۰/۱۰/۱

به : ۳۲۲ تاریخ : ۵۰/۹/۱۷

از : ۲۰ ه ۲۲ شماره : ۲۰/۲۷۷۲۸ ه ۲۲

موضوع : مذاکره نخست‌وزیر در منزل شیبانی

در تاریخ ۵۰/۹/۱ صمد قاسمی راننده مهدی شیبانی[1] استاندار مازندران بین چند تن از دوستانش اظهار داشت چند شب پیش نخست‌وزیر و چند نفر از وزرا برای صرف شام به منزل شیبانی دعوت داشتند نخست‌وزیر اظهار داشت دیگر هر خوبی و بدی از من دیدید حلالم کنید برای اینکه فردا شرفیاب می‌شوم ممکن است دستور دهند که مرخص شوم بعد وزیر آب و برق گفت خواهش می‌کنم شکسته نفسی نفرمائید بعد نخست‌وزیر گفت بدون شوخی عرض کردم.

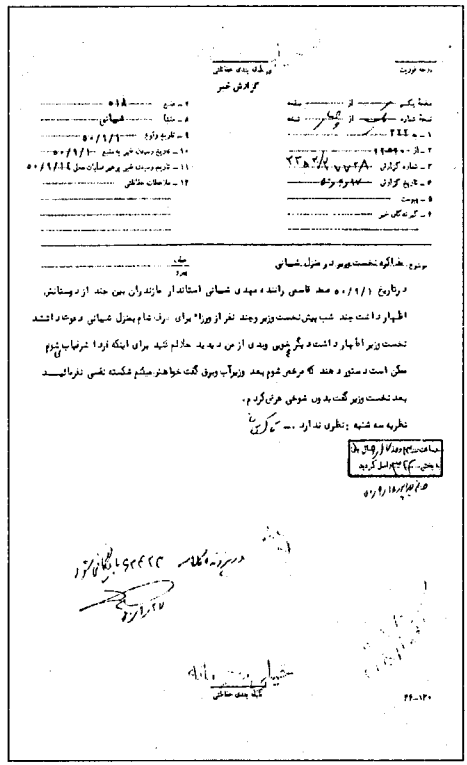

نظریه سه شنبه : نظری ندارد. تاکستانی

در پرونده کلاسه ۶۲۴۲۳ بایگانی شود ۵۰/۹/۲۷

۱ـ مهدی شیبانی فرزند محمود محاسب الملک در سال ۱۲۹۴ ش در تهران متولد شد. پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه در تهران جهت ادامه تحصیل عازم آمریکا شد و پس از اخذ لیسانس کشاورزی به‌کشور بازگشت و در سال ۱۳۲۴ به خدمت دولت درآمد و مشاغلی منجمله: رئیس اداره ماشینهای کشاورزی، مدیر کل دفع آفات، نماینده مجلس شورا از کاشان، معاون نخست‌وزیر و سرپرست سازمان جلب سیاحان، پنج سال استاندار مازندران و.... را عهده‌دار بود. ساواک در سند بیوگرافی او آورده است : «فردی متواضع و مردمدار ولی ناوارد به‌کار و رفیق‌باز و قمارباز و هماره در پی تأمین منافع شخصی بوده است. گزارشاتی خبری مبنی بر فساد جنسی وی نیز واصل گردیده است. در ضمن در شمال کشور سرگرم خرید و فروش اراضی بوده و با استفاده از موقعیت خود از سازمانها و مؤسسات دولتی زمینهائی را به نام خود و فرزندانش خریداری کرده و در مازندران به عنوان استاندار (متری) مشهور بوده و جهت کارهای خرید و فروش زمین واسطه‌هایی هم داشته است. در سیاست طرفدار سیاست غرب به ویژه آمریکا و از دوستان نزدیک علم، هویدا و ایادی و مورد توجه آنان بود. نامبرده سابقاً عضو حزب مردم نیز بوده است.» مهدی شیبانی پس از بازنشستگی به آمریکا رفت، همسر وی مهین‌دخت نمازی نام داشته و دارای ۳ فرزند به نام‌های محمود، محمد و ملک میترا است.

به : ۳۲۱ تاریخ : ۵۰/۹/۲۱

از : ۲۰ ه ۲۱ شماره : ۲۰/۲۳۶۲۰ ه ۲۱

موضوع : اظهارات معصومی عضو حزب مردم

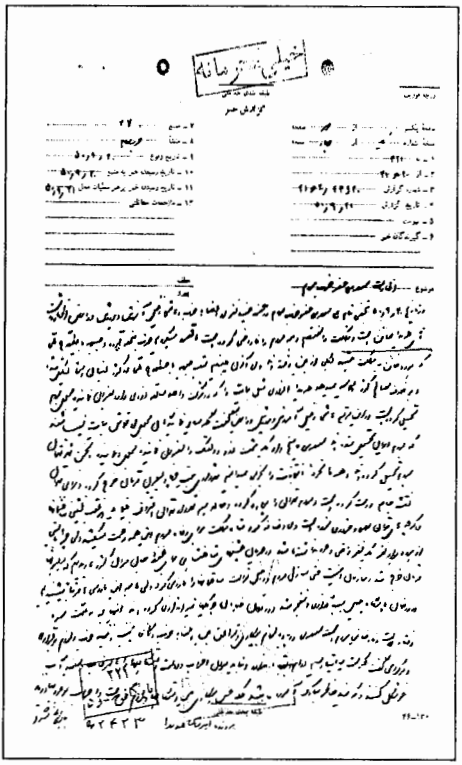

در تاریخ ۵۰/۹/۲۰ شخصی به نام علی معصومی عضو حزب مردم در حضور چند نفر از اعضای حزب و هاشمی رئیس آموزش و پرورش ورامین اظهار داشت آقای هویدا خائن است و مملکت را مفتضح و همه مردم را ناراضی کرده است ما تصور می‌کردیم حزب منحله توده و جبهه به اصطلاح ملی که هر دو خائن به مملکت هستند بکلی از بین رفته‌اند ولی اکنون می‌بینیم شعبه جبهه به اصطلاح ملی در کشور لبنان رسماً تشکیل شده و برخلاف مصالح کشور اعلامیه می‌دهد هویدا افرادی مثل بیات راکه در شرکت واحد سابقه دزدی دارد به عنوان نماینده مجلس به مردم تحمیل کرده است در این موقع هاشمی رئیس آموزش و پرورش ورامین گفت مگر سایر نمایندگان مجلس از قماش بیات نمی‌باشند که به مردم ایران تحمیل شده‌اند معصومی پاسخ داد یک مشت دزد و دلقک را به عنوان نماینده مجلس و نماینده انجمن شهر تهران به مردم تحمیل کرده‌اند و همه ما نحوه انتخابات را به خوبی می‌دانیم شهرداری بیست و چهار میلیون تومان خرج کرده و برای تهران نقشه جامع درست کرده است و مردم تهران را بیچاره کرده و حالا هم شهردار تهران اعتراف می‌نماید که عقب‌نشینی ساختمانها در کوچه‌های تهران عملی و ضروری نبوده است وی اضافه کرد شاه مملکت برای رفاه مردم این همه زحمت می‌کشد ولی چرا بایستی از هر ده هزار نفر یک نفر راضی وجود نداشته باشد در جریان جشنهای شاهنشاهی برای حفظ جان سران کشورها دیدیم که میلیونها تومان خرج شد و سازمان امنیت حتی منازل مردم و داخل توالت ساختمانها را بازرسی کرد ولی با همه این بازرسی‌ها مرتباً می‌شنیدیم که در

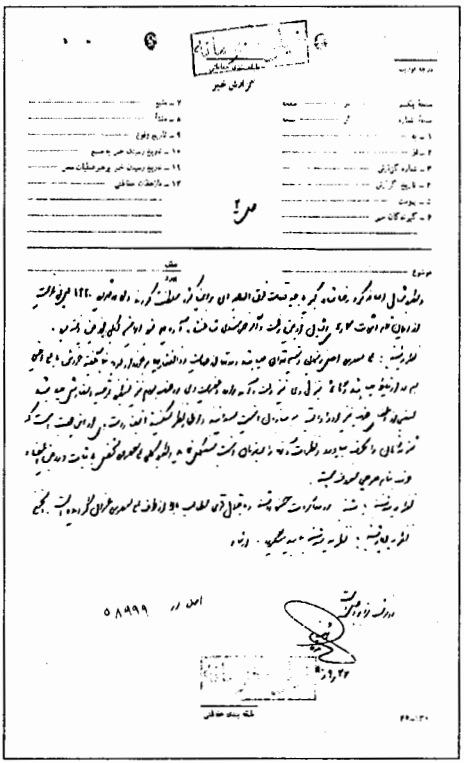

فلان پاسگاه پلیس بمب‌گذاری و منفجر شد و در فلان خیابان چریکها تیراندازی کرده‌اند اینها همه به علت سوء رفتار دولت و نارضایتی مردم است معصومی درباره لزوم همکاری و توافق بین اعضا حزب وکادر هیئت رئیسه حزب و لزوم برقراری دموکراسی گفت حکومت میلیتاریسم دوام و بقا ندارد و نباید سران احزاب و دولت دستگاهها را با سرخاب و سفیدآب خوشگل کنند و بگویند خاطر مبارک آسوده باشد بلکه حس همکاری بین دستگاهها و مردم و دولت و احزاب بوجود بیاورند و به طور مثال اضافه کرد رضاشاه کبیر با چه قدرت فوق‌العاده‌ای بر این کشور سلطنت کردند ولی در شهریور ۱۳۲۰ پس از عزیمت از ایران تمام اثرات کارهای ایشان از بین رفت و اگر خردمندی شاهنشاه آریامهر نبود ایران بکلی از بین رفته بود.

نظریه شنبه : علی معصومی اهل زنجان و مقیم تهران می‌باشد و مدتها از حمایت ذوالفقاریها برخوردار بوده بنا به گفته خودش با علی امینی[1] هم در ارتباط می‌باشد وگاهاً به منزل وی نیز رفت‌وآمد دارد و عضویت وی در حزب مردم نیز به منظور توصیه و سفارش می‌باشد بعضی از اعضای حزب نیز او را وابسته به سازمان امنیت می‌دانند و اظهارنظر می‌کنند انتقادات وی از این جهت است که شنوندگان را به حرف بیاورد و نظرات آنها را به سازمان امنیت منعکس نماید و به طورکلی علی معصومی شخص بی‌ثبات و در بین اعضا حزب به نام هوچی معروف است.

نظریه سه شنبه : شنبه در مذاکرات حضور داشته و به احتمال قوی مطالب بالا از طرف علی معصومی عنوان گردیده است. انجمن

نظریه چهارشنبه : نظریه سه‌شنبه تایید می‌گردد. ارشاد

رونوشت برابر اصل است شریف ۵۰/۹/۲۷

اصل در ۵۸۹۹۹

پرونده امیرعباس هویدا ۶۲۴۲۳ بایگانی شود

۱ـ علی امینی از سرشناس‌ترین چهره‌های تاریخ سلطنت محمدرضا پهلوی است که نام او بویژه با دوران پر هیاهوی ۱/۵ ساله صدارتش و آغاز رفرمهای آمریکایی در ساختار اقتصادی و فرهنگی ایران در دههٔ ۱۳۴۰گره خورده است. پدر امینی، محسن‌خان امین‌الدوله، پسر میرزا علی‌خان امین‌الدوله ـ صدراعظم قاجار (۱۳۱۴ـ۱۳۱۶ ق)، بود. علی امینی در سال ۱۲۸۴ ش در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه رشدیه و تحصیلات متوسطه را در «دارالفنون» به پایان رسانید و در سال ۱۳۰۵ برای ادامهٔ تحصیل به فرانسه رفت.امینی پس از اخذ لیسانس حقوق از دانشگاه گرونوبل، در سال ۱۳۱۰ دکترای اقتصاد را از دانشگاه پاریس دریافت داشت و در بازگشت به ایران توسط داور، وزیر دادگستری وقت، به استخدام وزارت دادگستری درآمد. او در سال ۱۳۱۲ با بتول وثوق، دختر وثوق‌الدوله (برادر احمد قوام)، ازدواج کرد. حاصل این ازدواج یک پسر به نام ایرج است. در سال ۱۳۱۴،که داور وزیر دارایی شد، امینی را نیز با خود به وزارت دارائی برد. او پس از ۶ ماه معاون اداره انحصار تریاک گردیدکه ریاست آن با اللهیار صالح بود. در این سالها امینی در وزارت دارائی به مشاغلی چون ریاست گمرک و مدیرکلی اقتصاد و غیره رسید. با سقوط دیکتاتوری رضا شاه، احمد قوام در سال ۱۳۲۱ به نخست‌وزیری رسید و امینی ۳۷ ساله را به معاونت خود برگزید. در سال ۱۳۲۵که آمریکا در چار چوب «دکترین ترومن» وام ۲۵۰ میلیون دلاری خود را به ایران پرداخت کرد تا براساس آن سازمان برنامه ۷ ساله عمرانی تشکیل شود، امینی ـ رئیس بانک صنعتی ـ را مطمئن‌ترین فرد برای اجرای این طرح تشخیص داد. بدین ترتیب، سازمان برنامه به ریاست عالیه عبدالرضا پهلوی و مدیریت مستقیم علی امینی تأسیس شد. امینی در مجلس پانزدهم به کمک قوام نماینده تهران شد، در سال ۱۳۲۹ درکابینهٔ علی منصور وزیر اقتصاد ملی گردید و در سال ۱۳۳۰ درکابینه اول مصدق نیز مجدداً در رأس وزارتخانهٔ فوق قرار گرفت. در زندگینامهٔ سیاسی علی امینی آلوده‌ترین برگی که او را برای همیشه بد نام ساخت و مهر وابستگی به غرب را بر پیشانی‌اش حک نمود، نقش وی در انعقاد قرارداد نفت باکنسرسیوم معروف به قرارداد امینی ـ پیج، است. شاید بتوان گفت که اگر این بدنامی وجود نداشت، امینی بعدها، در دهه ۱۳۴۰ می‌توانست بازیگر موفق‌تری از آب درآید. با پیروزی کودتای انگلیسی ـ آمریکایی و صهیونیستی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، در دولت سپهبد فضل‌الله زاهدی، علی امینی به عنوان کاندید آمریکا بر مسند وزارت دارائی قرار گرفت. او در این سمت حسّاس وظیفه داشت که اهداف کودتا را تحقّق بخشد و منافع کمپانیهای معظم نفتی رقیب را،که اکنون هر یک بر ویرانه‌های امپراتوری «شرکت نفت انگلیس و ایران» چنگ انداخته و حصه خود را می‌طلبیدند، تأمین کند. در تاریخ ۱۳۳۴/۳/۲۰ شاه موفق شد امینی را از پست کلیدی وزارت دارائی دور کند و او را در موقعیت نازلتری، در رأس وزارت دادگستری، قرار دهد. دکتر علی امینی در تاریخ ۱۷اردیبهشت ۱۳۴۰ به قدرت رسید. دوران ۱/۵ ساله صدارت امینی از پرهیاهوترین مقاطع تاریخ ایران است. او در این دوران به اقدامات نمایشی فراوانی دست زد،که شاید جنجالی‌ترین آن بازداشت کوتاه مدت عده‌ای از «رجال» پهلوی به جرم فساد مالی باشد. صدارت امینی دیری نپایید و محمدرضا پهلوی با وساطت اسدالله علم و «دوستان» بریتانیایی و صهیونیست خود موفق شد موافقت کندی را با عزل امینی جلب کند. در نتیجه مقامات آمریکایی به امینی دستور دادندکه استعفا دهد و وی در ۲۷ تیرماه ۱۳۴۱ داوطلبانه از قدرت کناره گرفت. سقوط دولت امینی، هر چند پایان اوج زندگی سیاسی اوست، معهذا نقش وی در دیپلماسی آمریکا به پایان نرسید و امینی تا سال ۱۳۴۷ به حیاتی بی‌رمق ادامه داد. در این سالها امینی به عنوان یک چهرهٔ ذخیره و یک آلترناتیو برای شرایط اضطراری و محلل و به عنوان محوری برای حفظ نیروهای سیاسی «ملی‌گرا» و لیبرال در مدار سیاست خارجی آمریکا محفوظ ماند.

این نقش امینی با سقوط دولت «دمکرات» لیندون جانسون و صعود ریچارد نیکسون در آبان ۱۳۴۷ به پایان رسید و از

آن پس امینی چهره‌ای «مرده» و «فراموش شده» تلقی گردید. طی این سالها نقش امینی به عنوان یک مهره ذخیره در دیپلماسی آمریکا برای شاه کاملاً شناخته شده بود و لذا او تا سال ۱۳۵۰ با دلهره و وسواس کم‌نظیری زندگی سیاسی و خصوصی امینی را زیر ذره‌بین ساواک قرار داد. در پرونده قطور امینی دستورالعملها و طرحهای عملیاتی متعددی موجود است که طبق دستور موکد شاه برای کنترل کامل امینی و کشف ارتباطات وی با مأمورین ویژه آمریکا اجرا می‌گردید و «گوش»های ساواک به خصوصی‌ترین زوایای زندگی امینی رسوخ داشتند و تلفن وی تا اوائل سال ۱۳۵۰ به طور دائم کنترل و ضبط می‌شد. با صعود مجدد «دمکرات»ها به ریاست جمهوری آمریکا در آبان ۱۳۵۵ و آغاز «فضای باز سیاسی» کارتر، امینی ۷۰ ساله کوشید تا دگربار خود را وارد صحنه سیاست کند. او در اوایل سال ۱۳۵۶ وارد تهران شد و به گفتهٔ فردوست در ماههای اوج‌گیری انقلاب به مشاور دائمی محمدرضا پهلوی بدل گردید. این بار شاه مغرور و کینه توز حاضر بود که دولت و حتی سلطنت خود را به این رقیب دیرین بسپرد. ولی امینی زیرک‌تر از آن بود که پایان راه را نبیند و لذا از پذیرش کاخی که پایه‌های آن در حال فرو ریختن بود خودداری کرد. او تنها به ارائه تجربیات خود بسنده نمود، ولی این تجارب که در کوران شعبده‌بازیها و افسونگریهای سیاسی اندوخته شده بود، در برابر امواج توفنده اصیل‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب تاریخ کاربُردی نداشت. امینی پیر، خردمندتر از بختیار سودا زده بود. او به فرانسه بازگشت تا در آخرین سالهای عمر در محفل «رجالی» که اکنون به تاریخ تعلق داشتند سرگرمی مطبوعی برای خود تدارک بیند و از خرمن هدایای بذالانه سرویسهای توطئه‌گر غرب خوشه‌ای بچیند...

«ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ص ۲۷۳ تا ۳۲۷».

به: ۲۰ ه ۲۱ تاریخ: ۵۰/۹/۲۷

از: ۲۰ د شماره: ۱۸۰۳/ ۲۰ د

موضوع: دکتر خلیل‌آذر وکیل دادگستری

پیرو ۲۰/۱۱۷۳ د ـ ۵۰/۶/۲۳

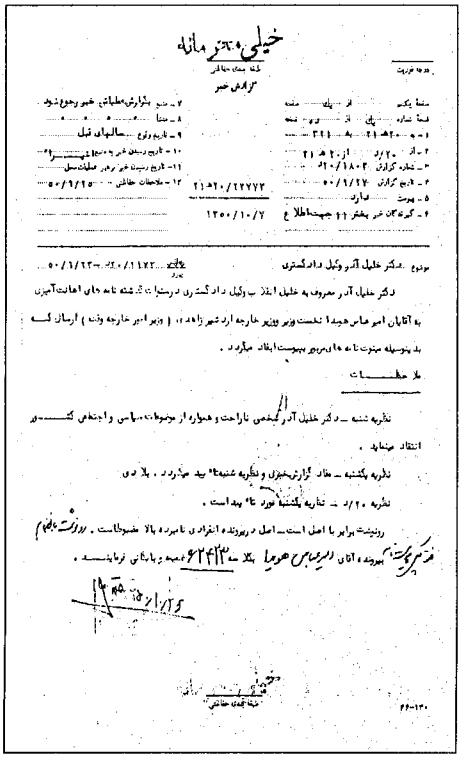

خیلی محرمانه

گزارش خبر

موضوع: دکتر خلیل آذر وکیل دادگستری

نظریه یکشنبه: مفاد گزارش خبری و نظریه شنبه تایید می‌گردد. بلادی

نظریه ۲۰/د: نظریه یکشنبه مورد تایید است

رونوشت برابر با اصل است ـ اصل در پرونده انفرادی نامبرده بالا مضبوط است. رونوشت به انضمام فتوکپی پیوست نامه به پرونده آقای امیرعباس هویدا به کلاسه ۶۲۴۲۳ ضمیمه و بایگانی فرمایند. ۵۰/۱۰/۲۶ ...

دکتر خلیل آذر[1] معروف به خلیل انقلاب وکیل دادگستری در سنوات گذشته نامه‌های اهانت‌آمیزی به آقایان امیرعباس هویدا نخست‌وزیر و وزیر خارجه اردشیر زاهدی (وزیر امور خارجه وقت) ارسال که بدینوسیله مینوت نامه‌های مزبور به پیوست ایفاد می‌گردد.

ملاحظات

نظریه شنبه: دکتر خلیل‌آذر شخصی ناراحت و همواره از موضوعات سیاسی و اجتماعی کشور انتقاد می‌نماید.

۱ـ خلیل آذر فرزند علی‌اکبر در سال ۱۲۸۹ ش در تبریز متولد شد. طبق اسناد موجود ساواک، نام برده فردی جنجالی و ناراحت بوده و همیشه ایجاد مزاحمت و ناراحتی می‌کرده است. وی در سال ۱۳۱۶ جزء کمونیست‌های ۵۳ نفر بوده و پس از آزادی در سال ۱۳۲۰ اتحادیه کارگران ایران وابسته به حزب توده را تشکیل می‌دهد. (بدون آن‌که خود عضو توده باشد و هرچند که با سران حزب توده ارتباط داشته است، اما این ارتباط همواره با دعوی و منازعه بوده است). وی قبلاً دارای عقاید سوسیالیستی خیلی افراطی و کمونیستی بوده و همچنین در اعتراض به انتخابات مجلس شورای ملی نامه‌های شدیداللحنی به زاهدی و هویدا ارسال کرد. خلیل‌آذر در سال ۵۱ نهضت انقلابی امام خمینی را عامل بیگانه و استعمار می‌دانسته و در مجامع مختلف سخنرانی‌های تندی علیه ساواک در دست داشته است. آذر از دوستان حاج سید جوادی بوده و علی‌الظاهر در سال ۱۳۳۲ از سوی فرقه دموکرات و حزب توده از تبریز کاندید نمایندگی مجلس بود ولی نتوانست به مجلس راه یابد.

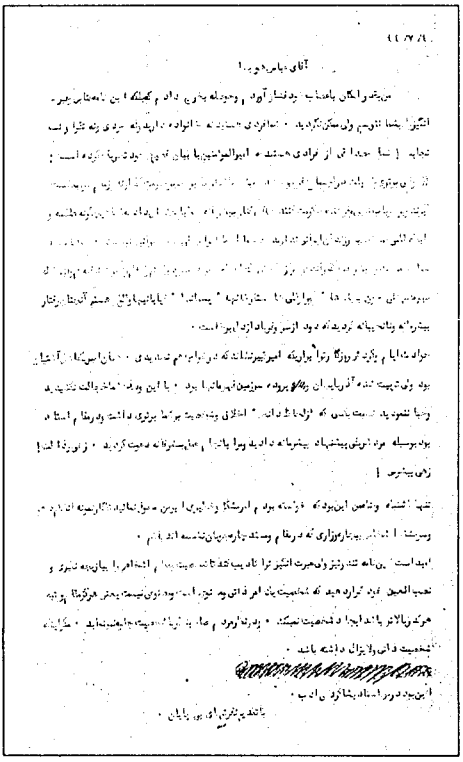

تاریخ : ۴۴/۷/۴

آقای هویدا

من به قدر امکان به اعصاب خود فشار آوردم و حوصله به خرج دادم که بلکه این نامه عتابی و عبرت‌انگیز را به شما ننویسم ولی ممکن نگردید. شما فردی هستید نه خانواده دارید و نه مردی و نه تقوا و نه نجابت شما مصداقی از افرادی هستید که امیرالمومنین با بیان فصیح خود تعریف کرده است : «وقتی برتری و فضیلت در اجتماع فراموش شد اوباش و اشرار پا بر سریر حکومت گذارند و زمام امور به دست گیرند و بر ارباب دین و فرهنگ حکومت کنند.» رفتار بیشرمانه شما با من نشان داد که شما هیچگونه علقه و رابطه قلبی و معنوی با فرزندان ایرانی ندارید. شما اسماً ایرانی ولی رسماً نیستید. شما با من که سراسر عمر خود را به شرافت گذرانده و هرگز حتی یک لحظه... مبارزه با ظلم و ظالم را ترک نگفته‌ام و از... قهرمانهایی چون بابک‌ها کوراوغلی‌ها ستارخانها «پسیانها» خیابانیها و الخ هستم آنچنان رفتار بیشرمانه و نانجیبانه کردید که دود از سر و فریاد از دل برخاست.

حوادث ایام و گردش روزگار تو را بر اریکه امیرکبیر نشاند که در خواب هم نمی‌دیدی. همان امیری که اهل آشتیان بود ولی تربیت شده آذربایجان و پرورده سرزمین قهرمانها بود. با این وصف شما خجالت نکشیدید و حیا ننمودید نسبت به کسی که از لحاظ دانش «اخلاق و شخصیت بر شما برتری داشت و در مقام استاد بود به وسیله مرد شریفی پیشنهاد بیشرمانه دادید و مرا به انجام عمل بیشرفانه دعوت کردید. زهی رذالت! زهی بیشرمی!

تنها اشتباه و گناه من این بود که خواسته بودم امر مشکل و خطیری را بر من محول نمائید تا کار نمونه انجام دهم و سرمشق اشخاص بیچاره و زاری که در مقام و مسند چاره‌جویان نشسته‌اند

باشم.

امید است این نامه تند و تیز ولی عبرت‌انگیز ترا تادیب کند تا شخصیت و مقام اشخاص را به بازیچه نگیری و نصب‌العین خود قرار دهید که شخصیت یک امر ذاتی و معنوی است و مصنوعی نیست یعنی هرگز مقام و رتبه هر قدر بالاتر باشد ایجاد شخصیت نمی‌کند. و در نظر مردم صاحب‌نظر باشخصیت جلوه نمی‌نماید. مگر اینکه شخصیت ذاتی و لایزال داشته باشد.

این بود درس استاد به شاگرد بی‌ادب.

با تقدیم نفرتهای بی‌پایان.

به همراه هوشنگ انصاری

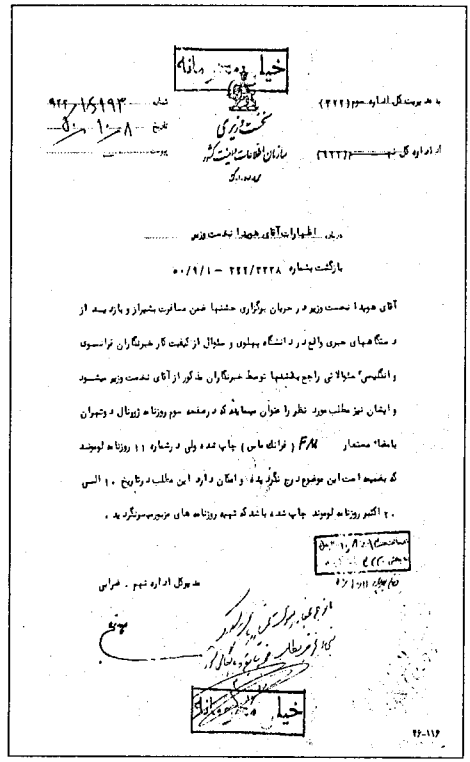

شماره : ۹۲۲/۱۶۱۹۳ تاریخ : ۵۰/۱۰/۸

به : مدیریت کل اداره سوم (۳۲۲)

از : اداره کل نهم (۹۲۲)

درباره : اظهارات آقای هویدا نخست‌وزیر

بازگشت به شماره ۳۲۲/۳۳۳۸ ـ ۵۰/۹/۱

آقای هویدا نخست‌وزیر در جریان برگزاری جشنها ضمن مسافرت به شیراز و بازدید از دستگاههای خبری واقع در دانشگاه پهلوی و سؤال از کیفیت کار خبرنگاران فرانسوی و انگلیسی، سؤالاتی راجع به جشنها توسط خبرنگاران مذکور از آقای نخست‌وزیر می‌شود و ایشان نیز مطلب مورد نظر را عنوان می‌نماید که در صفحه سوم روزنامه ژورنال‌دوتهران به امضا مستعار FM (فرانک ماس) چاپ شده ولی در شماره ۱۱ روزنامه لوموند که به ضمیمه است این موضوع درج نگردیده و امکان دارد این مطلب در تاریخ ۱۰ الی ۲۰ اکتبر روزنامه لوموند چاپ شده باشد که تهیه روزنامه‌های مزبور میسر نگردید.

مدیرکل اداره نهم. ضرابی

با توجه به مفاد پی‌نوشت تیمسار ریاست ساواک مبنی بر تحریف مطالب ضمیمه سابقه و بایگانی شود

۱۰/۱۲

به: ۳۲۱ تاریخ: ۵۰/۱۰/۱۳

از: ۲۰ ه ۲۱ شماره: ۲۰/۲۳۶۷۶ ه ۲۱

موضوع: اظهارات سعید حکمت

عضو حزب مردم

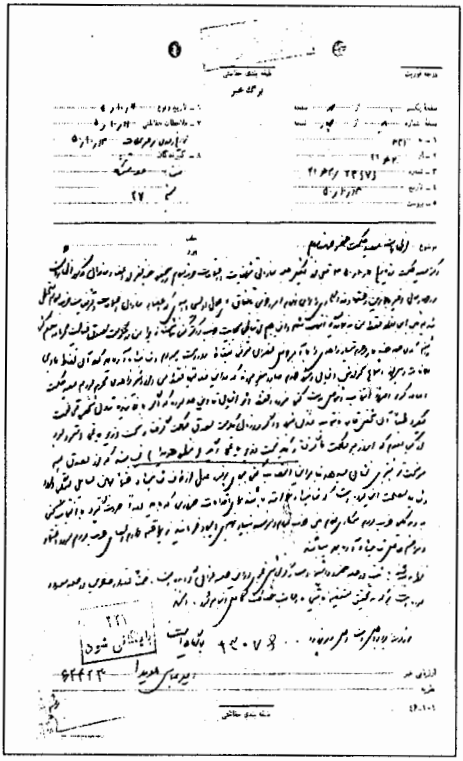

دکتر سعید حکمت در تاریخ ۱۳۵۰/۱۰/۱۱ قبل از تشکیل جلسه سازمان تشریفات و اجتماعات حزب مردم در حضور چند نفر از اعضای سازمان مذکور اظهار داشت در چهار سال اخیر بالاترین زحمتها و فداکاری را برای انجام امور حزبی به اتفاق آقای جمال اویسی و اسدی که اعضای سازمان اجتماعات و تشریفات حزب بودیم متحمل شدیم بین این افراد فقط من به نمایندگی انتخاب شدم و این هیچ ارتباطی به حمایت حزب و دکتر کنی نداشت زیرا من در حکومت مصدق فعالیت محرمانه به نفع کشور داشتم که از جمله چند بار مرحوم تیمسار زاهدی[1] را با آمبولانس نصران شرفی به نقاط دوردست می‌بردم و شاهنشاه آریامهر در آن نقاط با وی ملاقات و پس از استماع گزارش ایشان دستور لازم صادر می‌فرمودند که در این فعالیتها فقط من و اردشیر زاهدی محرم بودیم سعید حکمت اضافه کرد اصولاً انتخاب اشخاص به دست کنی نبوده و فقط اثر ایشان تا این حد بوده که اگر با نماینده شدن شخصی مخالفت می‌کرد طبعاً آن شخص قادر به انتخاب شدن نبود و اگر در زمان حکومت مصدق مملکت گرفتار نخست‌وزیر یاغی و متمرد بود از کجا معلوم که امروز هم مملکت ما گرفتار یک نخست‌وزیر یاغی دیگر (منظور هویدا) نمی‌باشد که از مصدق هم سرسخت‌تر [سرسختی] بیشتری نشان می‌دهد بنابراین انتصاب کنی به جای پرفسور عدل[2] از طرف شاهنشاه حتماً به همین مسایل بستگی دارد و شاید مصلحت این بوده است که شاهنشاه خواسته باشند برای اقدامات ضروری که باید بعداً صورت گیرد با انتخاب کنی[3] به دبیرکلی حزب مردم همکاری لازم

بین حزب مردم و موسسه بنیاد پهلوی ایجاد فرمایند زیرا حتم دارم اعضای حزب مردم مورد اعتماد و مراحم خاص شاهنشاه آریامهر می‌باشند.

نظریه سه‌شنبه : شنبه در جلسه حضور داشته و مفاد گزارش خبری در این جلسه عنوان گردیده است. ضمناً تعداد حاضرین در جلسه معدود بوده است هرگونه تحقیق مستقیم بایستی با رعایت حفاظت کامل انجام شود. انجمن

رونوشت برابر اصل است اصل در پرونده ۹۳۰۷۶ بایگانی است

امیرعباس هویدا ۶۲۴۲۳

۱ـ فضل‌الله زاهدی فرزند بصیر دیوان همدانی در سال ۱۲۷۱ شمسی در همدان تولد یافت. در کودکی خواندن و نوشتن را فراگرفت. چندی نیز در مدارس جدید به تحصیل اشتغال ورزید و سپس وارد مدرسه صاحب منصبی قزاقخانه شد و دوره آنجا را در رسته سواره نظام پایان داد و در ۱۲۹۳ ش به آتریاد قزاق همدان معرفی شد و زیر دست افسران روسی به فراگرفتن فنون عملی جنگی پرداخت. پس از یکسال خدمت به درجه سروانی رسید. در رکاب رضاخان سوادکوهی در جنگ با احسان‌ا... خان و میرزا کوچک خان شرکت نمود و پس از شش سال با آنکه هنوز جوان بود سرهنگ شد. پس از کودتای ۱۲۹۹ درجه سرتیپی گرفت در سالهای جنگ اول جهانی به صفوف قشون قزاق‌ها پیوست مدتی افسر تیپ همدان بود و در جریان نهضت جنگل عامل سرکوب و در کودتای ۱۲۹۹ همراه رضاخان بود. در سال ۱۳۰۲ ریاست قشون فارس و در قضیه شیخ خزعل مأمور حل موضوع و نیز مدتی استاندار خوزستان بود. سال ۱۳۰۸ فرمانده ژاندارمری مأمور خاموش کردن شورش عشایر فارس شد پس از جنگ جهانی دوم با هدایت انگلیسها به حزب ملیون نزدیک شد بعد از شهریور ۱۳۲۰ ناگهان اعلام شد که انگلیسها سپهبد زاهدی را دزدیده‌اند و او سه سال در فلسطین ماند و سپس به ایران بازگشت و مدتی بیکار بود تا آنکه در مسافرت محمدرضاشاه به کشورهای اروپائی سپهبد رزم آرا رئیس ستاد ارتش شد. دکتر اقبال وزیر کشور وقت برای آنکه در مقابل رزم آرا شخص نیرومندی تراشیده باشد او را به سمت ریاست شهربانی منصوب کرد. از ابتدای نخست‌وزیری دکتر مصدق زاهدی به او نزدیک بود و در کابینه اول مصدق به وزارت کشور رسید ولی بعدها عشق به مقام باعث شد که در آن زمان خود را کاندیدای نخست‌وزیری کرد و هسته مرکزی مخالفت با دولت را تشکیل داد و سپس با وقایع ۲۸ مرداد بر روی کار آمد. در مورد نقش اساسی و رسالت زاهدی سه مشخصه را مطرح کرده‌اند. ۱ـ امضاء قرارداد نفتی با کنسرسیوم ۲ـ قتل عام و سرکوب مخالفین سلطنت ۳ـ باز کردن دست آمریکا در ایران. چنانچه بعضی از مورخین معتقدندکه سیا، زاهدی را به عنوان جانشین شاه در نظر گرفته بود. در طرح آمریکا قبل از روی کار آمدن امینی، زاهدی مطرح بود. در جریان کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مجری برنامه کودتا به نخست وزیری رسید در ۱۷ فروردین ۱۳۳۴ از سوی شاه برکنار و به سوئیس تبعید شد. در اردیبهشت ۱۳۳۷ به ایران بازگشت. سپس از سوی شاه به عنوان نماینده دایمی ایران در دفتر اروپایی سازمان ملل مجدداً عازم ژنو شد. وی تا پایان عمرش در آنجا ماند و در سال ۱۳۴۸ درگذشت. وی به قول فردوست در زمان رضاخان پست مهمی نداشت و بیشتر به شکار ثروت و عیاشی می‌پرداخت تا اینکه به دستور انگلیسی‌ها رُل آمریکایی بازی کرد و علیه مصدق کودتا کرد. مدتی پس از کودتا مجبور به استعفا شد و در اروپا سفیرالسفراء گردید فرزندش اردشیر را انگلیس‌ها به آمریکایی‌ها معرفی کردند و عامل آمریکایی شد

۲ـ پرفسور یحیی عدل فرزند یوسف (مکرم الملک) در ۱۲۸۷ ش در تهران متولد شد. پس از پایان تحصیلات ابتدایی،

برای ادامه تحصیل عازم فرانسه شد. دورهٔ متوسطه را در دو رشتهٔ فلسفه و ریاضی به پایان رساند سپس وارد دانشگاه شد و در رشتهٔ پزشکی به تحصیل پرداخت. در ۱۳۱۸ به ایران مراجعت و در دانشکدهٔ پزشکی به عنوان استاد به تدریس پرداخت و ریاست بخش جراحی بیمارستان سینا را به عهده گرفت. مشاغل وی عبارتند از : سناتور انتصابی و رئیس هیئت مدیره باشگاه ورزشی شاهنشاهی و همچنین دبیرکل و سپس رئیس‌کل و رئیس دفتر سیاسی حزب مردم، مؤسس و ریاست سازمان مالکین آپارتمانها و واحدهای ساختمانی سامان، او دارای تألیفات پزشکی بوده و همسرش فرانسوی است. او از سهامداران عمدهٔ کارخانه سیمان تهران بوده و در بانکهای پاریس و داخل کشور وجه نقد بسیاری داشته است. طبق گزارش ساواک در سال ۳۹ یاد شده تمایل انگلیسی داشته ولی در عین حال با آمریکائی‌ها هم مربوط بوده است.

او دوست و هم‌بازی قمار شاه بود. عدل که دکتر جراح بود، جز بازی رفت و آمد زیادی در دربار نداشت. او برای ایفای نقش رهبری حزب اقلیت یعنی حزب مردم در مواقع لازم استفاده می‌شد. او معمولا سناتوری آلت دست شاه بود و شاه پروفسور عدل را برای خالی نبودن عریضه به جای علم به دبیرکلی حزب مردم انتخاب کرد.

اسناد ساواک ـ پرونده انفرادی

۳ـ علینقی کنی فرزند ابوالقاسم در سال ۱۳۰۵ در تهران متولد شد. وی پس از طی دوره ابتدایی، دیپلم ریاضی گرفت و در رشته‌های فیزیک، حقوق و علوم سیاسی در تهران، سویس و انگلستان ادامه تحصیل داد و دکتریٰ دریافت نمود.

دکتر علینقی کنی ابتدا در وزارت دادگستری استخدام شد و در دوران علم، رئیس کل دفتر نخست‌وزیر بود. نامبرده همچنین در مشاغل دیگری از جمله : معاونت اداری نخست‌وزیر، سرپرست دانشگاه پهلوی، مدیرعامل بنیاد فرهنگی رضا پهلوی، عضو مؤسس حزب مردم و مدیرکل دفتر سیاسی بکار پرداخت و در سال ۱۳۵۷ وزیر مشاور و سرپرست سازمان اوقاف در کابینه شریف‌امامی بودکه مقدم رئیس ساواک این مسوولیت را به او تبریک گفته است.

مشارالیه علیرغم ناتوانی در اداره امور محوله به دلیل حمایت علم از او به مسوولیت‌های مهمی از جمله مدیرکل حزب مردم منصوب گردید و در زمان مسوولیتش شایع بودکه دوستان معتاد و منقلی‌اش را بر حزب مسلط کرده و حزب را مفتضح نموده است. وی همچنین متهم بودکه پولهای صندوق حزب مردم را برای امور شخصی مصرف می‌نمود. دکتر علینقی کنی در تشکیلات فراماسونری عضو لژ آریا بود.

به : ۳۲۲ تاریخ : ۵۰/۱۰/۲۲

از : ۲۰ ه ۲۲ شماره : ۲۰/۲۸۱۹۱ ه ۲۲

موضوع : سپهبد حمیدی معاون شهربانی

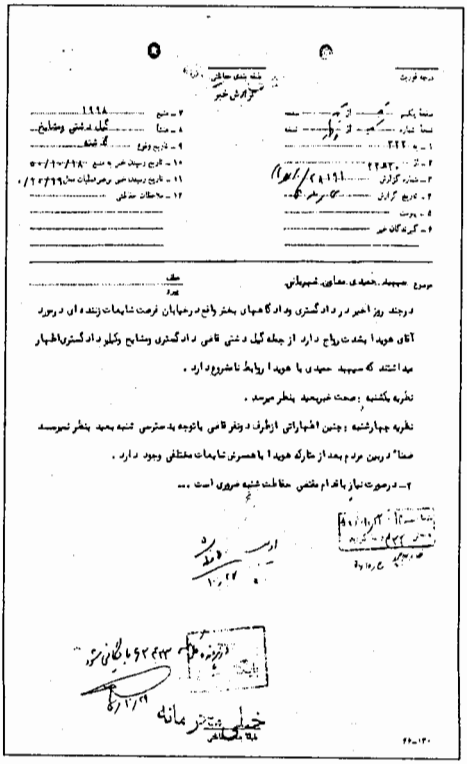

در چند روز اخیر در دادگستری و دادگاههای بخش واقع در خیابان فرصت شایعات زننده‌ای در مورد آقای هویدا به شدت رواج دارد از جمله گیل دشتی قاضی دادگستری و مشایخ وکیل دادگستری اظهار می‌داشتند که سپهبد حمیدی با هویدا روابط نامشروع دارد.

نظریه یکشنبه : صحت خبر بعید به نظر می‌رسد.

نظریه چهارشنبه : چنین اظهاراتی از طرف دو نفر قاضی با توجه به دسترسی شنبه بعید به نظر نمی‌رسد ضمناً در بین مردم بعد از متارکه هویدا با همسرش شایعات مختلفی وجود دارد.

۲ـ در صورت نیاز به اقدام مقتضی حفاظت شنبه ضروری است.

ادیب

ملاحظه شد

۱۰/۲۷

در پرونده کلاسه ۶۲۴۲۳ بایگانی شود

۵۰/۱۰/۲۹

خانم بهرامپور ۵۰/۱۰/۳۰

به: ۳۱۲ تاریخ: ۵۰/۱۰/۲۱

از: ۸ ه شماره: ۸/۱۳۸۱۷ ه

موضوع: جلسه عمومی حزب ایرانیان

استان کرمان

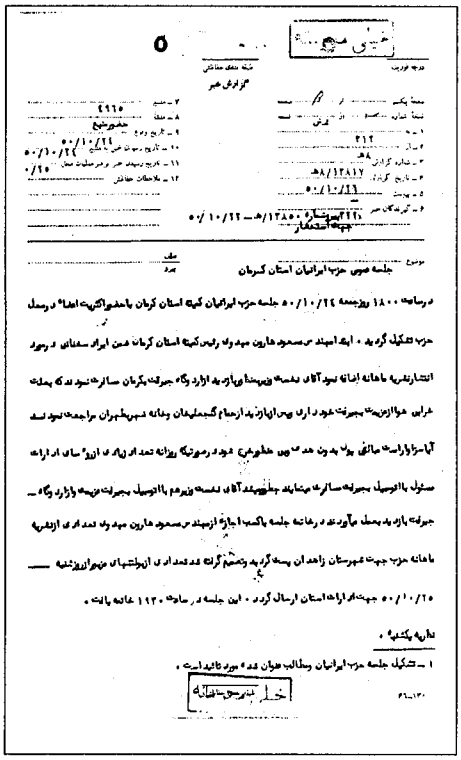

در ساعت ۱۸۰۰ روز جمعه ۵۰/۱۰/۲۴ جلسه حزب ایرانیان کمیته استان کرمان با حضور اکثریت اعضاء در محل حزب تشکیل گردید. ابتدا مهندس مسعود هارون مهدوی رئیس استان کرمان ضمن ایراد سخنانی در مورد انتشار نشریه ماهانه اضافه نمود آقای نخست‌وزیر به منظور بازدید از اردوگاه جیرفت به کرمان مسافرت نمودند که به علت خرابی هوا از عزیمت به جیرفت خودداری و پس از بازدید از حمام گنجعلیخان و خانه شهر به طهران مراجعت نمودند آیا سزاوار است مبالغی پول بدون هدف و بی‌منظور خرج شود در صورتی که روزانه تعداد زیادی از روسای ادارات مسئول با اتومبیل به جیرفت مسافرت می‌نمایند چطور می‌شد آقای نخست‌وزیر هم با اتومبیل به جیرفت عزیمت و از اردوگاه جیرفت بازدید بعمل می‌آوردند در خاتمه جلسه باکسب اجازه از مهندس مسعود هارون مهدوی تعدادی از نشریه ماهانه حزب جهت شهرستان زاهدان پست گردید و تصمیم گرفته شد تعدادی از بولتنهای مزبور از روز شنبه ۵۰/۱۰/۲۵ جهت ادارات استان ارسال گردید. این جلسه در ساعت ۱۹۳۰ خاتمه یافت.

نظریه یکشنبه:

۱ـ تشکیل جلسه حزب ایرانیان و مطالب عنوان شده مورد تایید است.

۲ـ مسافرت آقای نخست‌وزیر به کرمان جهت عزیمت به جیرفت و بازدید از اردوگاه جیرفت و رسیدگی به وضع ایرانیان رانده شده از عراق مورد تایید بوده که به علت مساعد نبودن وضع هوا

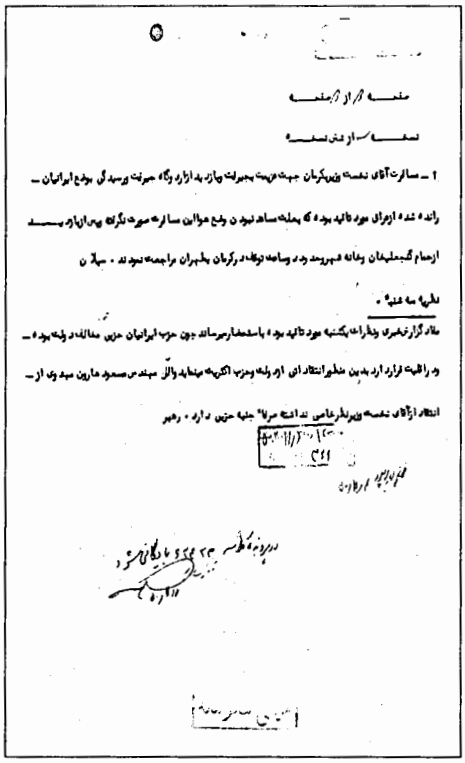

این مسافرت صورت نگرفته و پس از بازدید از حمام گنجعلیخان و خانه شهر و حدود دو ساعت توقف در کرمان به طهران مراجعت نمودند. سبلان

نظریه سه‌شنبه :

مفاد گزارش خبری و نظرات یکشنبه مورد تایید بوده به استحضار می‌رساند چون حزب ایرانیان حزبی مخالف دولت بوده و در اقلیت قرار دارد بدین منظور انتقاداتی از دولت و حزب اکثریت می‌نماید والاّ مهندس مسعود هارون مهدوی از انتقاد از آقای نخست‌وزیر نظر خاصی نداشته صرفاً جنبه حزبی دارد.

رهبر

خانم بهرامپور ۵۰/۴۴/۱

در پرونده کلاسه ۶۲۴۲۳ بایگانی شود

۵۰/۱۱/۵

به : ۳۲۲ تاریخ : ۵۰/۱۱/۲

از : ۲۰ ه ۲۲ شماره : ۲۰/۲۸۲۹۸ ه ۲۲

موضوع : آقای هویدا و دکتر برهمن

فرماندار کل همدان

در مورخه ۵۰/۱۰/۲۷ آقای نصرت‌الله فیروزکارمند اداره بودجه و تشکیلات در منزل خود در حضور آقایان منوچهر ربیعی معاون اداره تشکیلات و طالبی کارمند بانک ملی شعبه بازار اظهار داشت خانم لیلا امامی چون دفعتاً وارد منزل می‌شود ملاحظه می‌کند که آقای برهمن[1] فرماندار کل سابق سمنان با آقای نخست‌وزیر مشغول عملیات بوده است روی این اصل ایشان تقاضای طلاق نموده است.

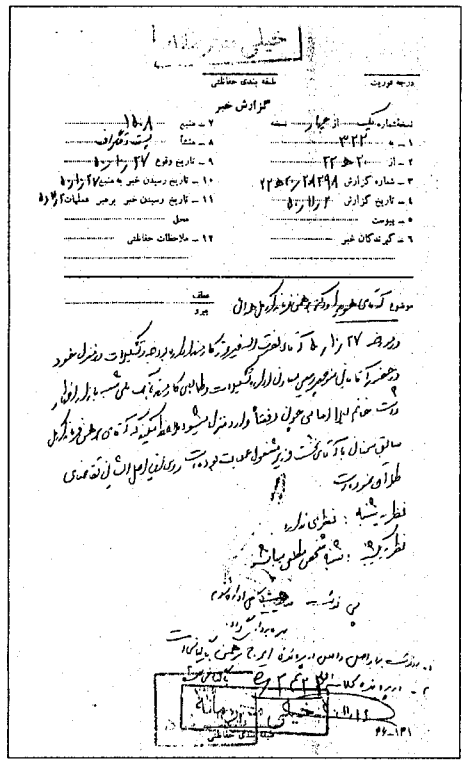

نظریه شنبه : نظری ندارد

نظریه یکشنبه : شنبه شخص مطلعی می‌باشد

پی‌نوشت مدیریت کل اداره سوم

بهره‌برداری گردد.

۱ـ رونوشت برابر اصل و اصل در پرونده ایرج برهمن بایگانی است

۲ـ در پرونده کلاسه ۶۲۴۲۳ بایگانی شده

۵۰/۱۱/۱۶

۱ـ ایرج برهمن فرزند عطاءالله در سال ۱۳۱۵ در کرمانشاه بدنیا آمد. تحصیلات خود را تا دکترای پزشکی ادامه داد. مشاغلی منجمله، رئیس دفتر وزیر کشور، رئیس دفتر نخست‌وزیر، مدیر کل نخست‌وزیری، فرماندار سمنان، استاندار همدان و... را عهده‌دار بود. در زمان تصدی پست فرمانداری کاشان و استانداری همدان گزارشات زیادی بر علیه مشارالیه مبنی بر سوء استفاده‌های مالی به ساواک ارسال گردید که ساواک جهت پیگیری مسئله در سال ۵۱ بازرسانی به محل اعزام داشته و آنان پس از تحقیقات لازم سوء استفاده مالی وی را تائید کرده‌اند. بدنبال آن نامبرده طی گزارشی

به هویدا و نصیری معدوم تمام مطالب تحقیقات را تکذیب نموده است. بازرسان مجدداً طی گزارشی اعلام نموده‌اند که فعالیتهای برهمن در فرمانداری سمنان از لحاظ پیشرفت طرحهای مجتمع عمرانی و امور برگزاری جشنهای ۲۵۰۰ ساله خوب و چشمگیر بوده ولی کارهای انجام شده اصولی و منطبق با مقررات اداری و مالی نبوده و در ضمن متذکر می‌شوند که اعزام حسابرسان خبره جهت محاسبه دقیق الزامی می‌باشد. طبق سند بیوگرافیک ساواک، نامبرده و همسرش پای‌بند عفت نیستند و در این باره شایعات زیادی در افواه وجود دارد که مورد تائید می‌باشد. ضمناً مشارالیه در مجالس قمار شرکت داشته و گزارشات زیادی مبنی بر شب زنده‌داری، روابط نامشروع، میخوارگی و قماربازی وی به ساواک سمنان ارسال شده است. برهمن از اعضای مؤثر حزب ایران نوین بوده و به پاس خدمت به رژیم پهلوی به دریافت نشان همایون مفتخر شده است!

اسناد ساواک ـ پرونده انفرادی

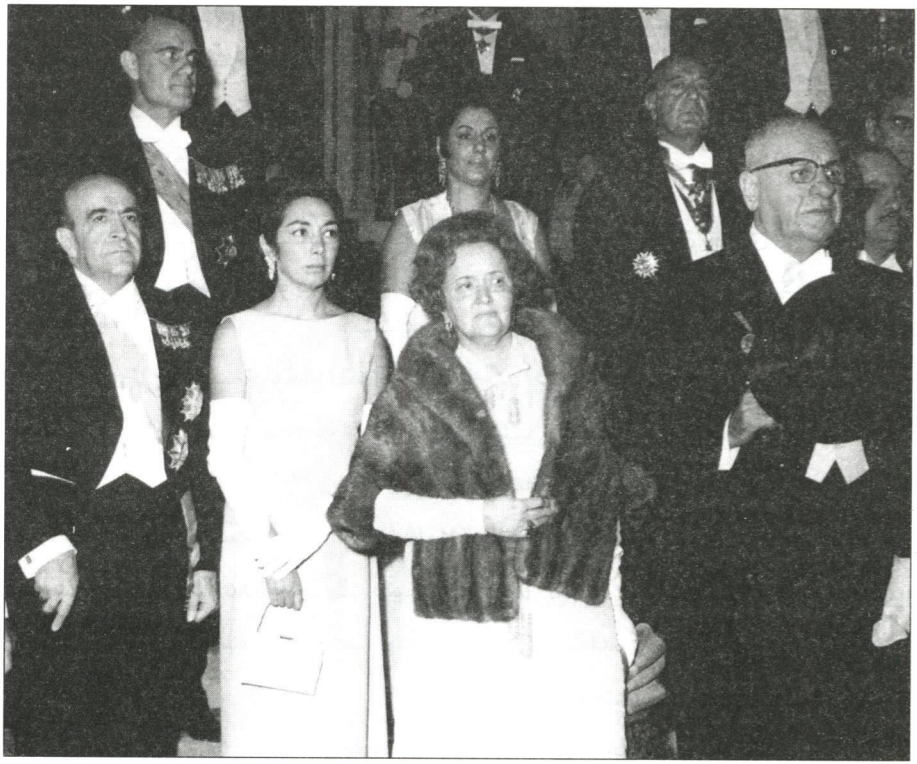

۱۳۵۰/۸/۹ ـ هویدا و لیلا امامی

به : ۳۲۲ تاریخ : ۵۰/۱۲/۴

از : ۲۰ ه ۲۲ شماره : ۲۰/۲۸۶۱۲ ه ۲۲

موضوع : اهانت به نخست‌وزیر

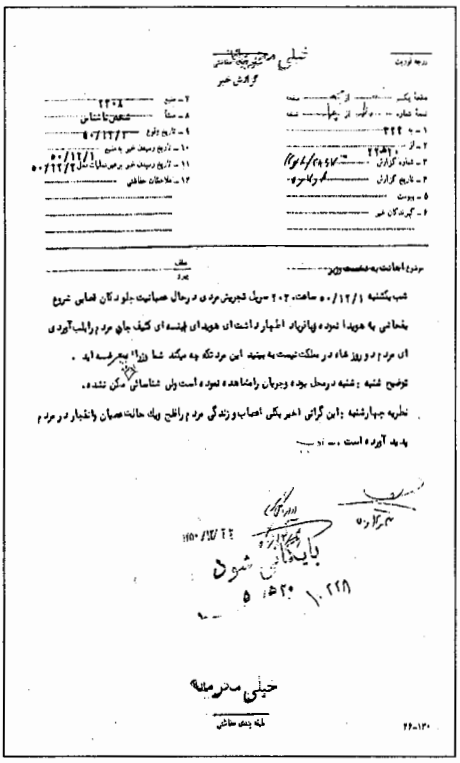

شب یکشنبه ۵۰/۱۲/۱ ساعت ۲۰۳۰ سرپل تجریش مردی در حال عصبانیت جلو دکان قصابی شروع به فحاشی به هویدا نموده و با فریاد اظهار داشت ای هوید ای ابنه‌ای کثیف جان مردم را به لب آوردی ای مردم دو روز شاه در مملکت نیست ببینید این مردتکه چه می‌کند شما وزرا بی‌عرضه‌اید.

توضیح شنبه : شنبه در محل بوده و جریان را مشاهده نموده است ولی شناسایی یادشده ممکن نشده.

نظریه چهارشنبه : این گرانی اخیر به کلی اعصاب و زندگی مردم را فلج و یک حالت عصیان و انفجار در مردم پدید آورده است.

۵۰/۱۲/۳

اداره کل سوم ۵۰/۱۲/۴

تشکیل جلسه فراکسیون پارلمانی حزب ایران نوین

روز ۵۰/۱۱/۳ جلسه مزبور بریاست سناتور محمد علی صفاری و با حضور آقای نخست وزیر و وزرای کابینه در محل سازمان جوانان وابسته به حزب تشکیل گردید. در این جلسه آقای هویدا نخست وزیر اظهار داشت:

«امسال ما ۲ ماه قبل از پایان سال بودجه را به مجلسین تقدیم کردیم که نمایندگان وقت کافی برای مطالعه و اظهارنظر داشته باشند باید بگویم از نکات برجسته بودجه متعادل بودن بودجه جاری و عمرانی است.

اضافه درآمد نفت ایران که ۲۲۵ میلیون دلار می‌شود و قرارداد آن روز گذشته در ژنو از طرف وزیر دارائی امضا شده است بودجه دولت را خیلی کاملتر نمود»

آقای نخست‌وزیر در مورد رشد اقتصادی ایران بیان داشت:

«پس از هند ایران بزرگترین تولیدکننده در جهان سوم است و اظهار امیدواری کرد که تا سال ۲۰۰۰ میلادی درآمد سرانه یک ایرانی بیش از ۵۰۰۰ دلار خواهد شد نامبرده به شوخی گفت در همان سال دولت من هم سرکار خواهد بود.

وی به سخنان دبیرکل حزب مردم که از دولت انتقاد می‌کند با لحن مسخره‌ای اشاره و گفت «بیچاره نمی‌داند که عظمت حزب ایران نوین چقدر است، دلم می‌خواهد اقلیت یا بخش مخالف به نحو جدیدی بودجه را مورد مذاکره قرار دهد و از فصول بودجه صحبت کند نه اینکه حرفهایی بزند که ارتباطی با بودجه نداشته باشد.

ارزیابی خبر مطالب فوق وسیله آقای نخست‌وزیر بیان شده است ۶۲۴۲۳

۱ـ محمدعلی صفاری فرزند محمدحسین منظم‌السلطنه است که از ملاکین معروف لاهیجان بوده است. در سال ۱۲۸۰

(۱۲۸۵) در لاهیجان متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه حقیقت لاهیجان به پایان رساند و در سال ۱۲۹۷ به تهران آمد و در مدرسه ایران و آلمان ادامه تحصیل داد و کمی قبل از شروع جنگ بین‌المللی بار سفر بست و به روسیه مسافرت کرد و در دانشکده نظامی به تعلیم فنون نظامی پرداخت و تا پایان جنگ بین‌المللی گاهی در تهران و زمانی در روسیه به سر برد تا آنکه تحصیلات نظامی خود را تمام کرد از روسیه یکسر به تهران آمد و بلافاصله وارد ارتش شد و با درجه ستوان سومی قزاق مشغول گردید. سرتیپ صفاری کلکسیون مشاغل مختلف است با آنکه در خدمت ارتش بوده مدتی معاونت شهرداری را به عهده داشته و زمانی فرماندار نظامی گرگان و شهسوار شده و بعد از شهریور ۲۰ هنگامی که سرهنگ بوده به درخواست شخصی به وزارت کشور منتقل شده و در آن وزارت خانه مدتی مدیرکل انتظامات و سپس مدیرکل کارگزینی بوده و در زمان ریاست دارائی دکتر میلسپو مدیریت کل غله و نان را عهده‌دار بوده و بعد از آن به عضویت هیئت مدیره شیلات منصوب و در زمان زمامداری قوام السلطنه ریاست شهربانی کل کشور به عهده او، واگذار گردید مدتی بعد از سقوط دولت قوام‌السلطنه این سمت را نیز داشته و در دربار تقرب خاصی دارد. در زمان مصدق وی از مسئولیتهایش خلع شد و پس از کودتای ۲۸ مرداد، مدتی شهردار تهران و سپس نماینده مردم لاهیجان بود و سه دوره نیز در مجلس سنا عضویت داشت. صفاری در کنار مشاغل اداری، از اعضای کمیته مرکزی حزب ملیون، حزب اتحاد ملی، حزب ایران نوین و عضو دفتر اجرایی و سیاسی حزب رستاخیز و لژ فراماسونری نور، آریا و ... به شمار می‌رفت. صفاری با مریم ابتهاج ازدواج کرده و صاحب سه فرزند به نام امیرهوشنگ، ایرج و بیژن بوده است.

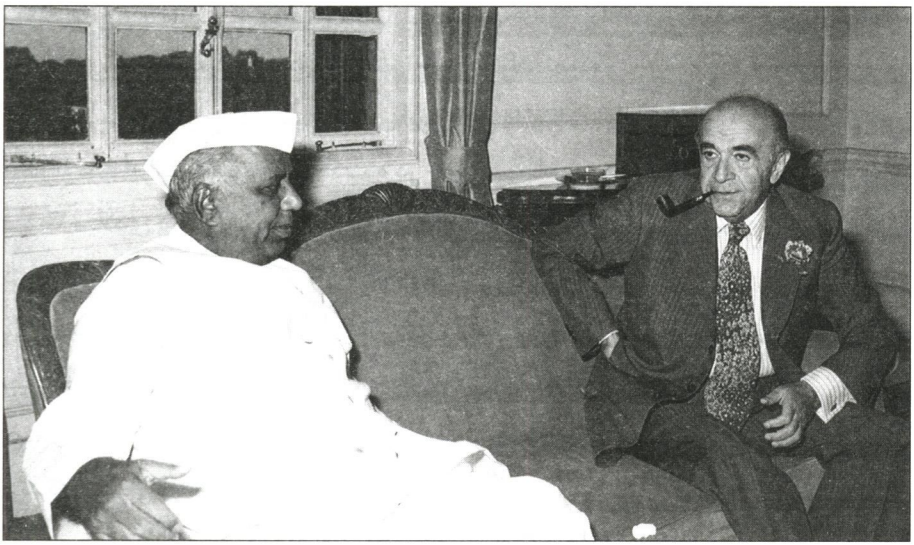

هویدا و راگو چادان (وزیر امور خارجه هند)

تاریخ : ۵۰/۱۲/۸

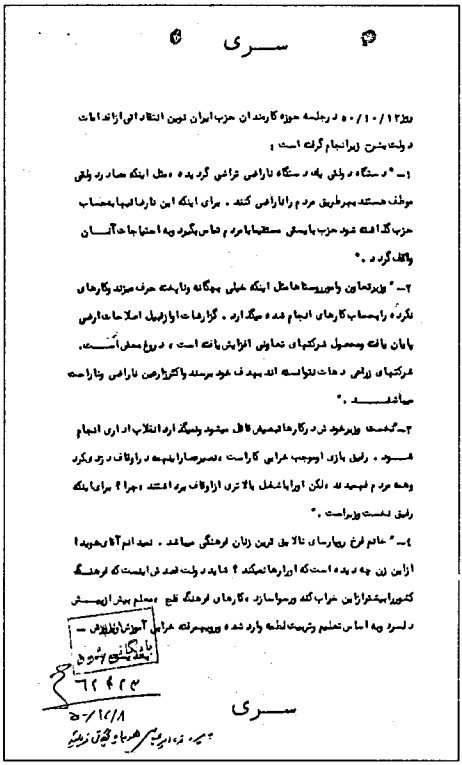

سری

روز ۵۰/۱۰/۱۳ در جلسه حوزه کارمندان حزب ایران نوین انتقاداتی از اقدامات دولت به شرح زیر انجام گرفته است :

۱ـ «دستگاه دولتی یک دستگاه ناراضی‌تراشی گردیده، مثل اینکه مصادر دولتی موظف هستند به هر طریق مردم را ناراضی کنند. برای اینکه این نارضائیها به حساب حزب گذاشته شود [نشود] حزب بایستی مستقیماً با مردم تماس بگیرد و به احتیاجات آنان واقف گردد.»

۲ـ «وزیر تعاون و امور روستاها مثل اینکه خیلی بچگانه و ناپخته حرف می‌زند و کارهای نکرده را به حساب کارهای انجام شده میگذارد. گزارشات او از قبیل اصلاحات ارضی پایان یافته و محصول شرکتهای تعاونی افزایش یافته است، دروغ محض است. شرکتهای زراعی دهات نتوانسته‌اند به هدف خود برسند و اکثر زارعین ناراضی و ناراحت می‌باشند.»

۳ـ «نخست‌وزیر خودش در کارها تبعیض قائل می‌شود و نمی‌گذارد انقلاب اداری انجام شود. رفیق‌بازی او موجب خرابی کار است، نصیر عصار اینهمه در اوقاف دزدی کرد و همه مردم فهمیدند، لکن او را با شغل بالاتری از اوقاف برداشتند، چرا؟ برای اینکه رفیق نخست‌وزیر است.»

۴ـ «خانم فرخرو پارسای[1] نالایق‌ترین زنان فرهنگی می‌باشد. نمی‌دانم آقای هویدا از این زن چه دیده است که او را رها نمی‌کند؟ شاید دولت قصدش این است که فرهنگ کشور را بیشتر از این خراب کند و رسوا سازد، کارهای فرهنگ فلج، معلم بیش از پیش دلسرد و به اساس تعلیم و تربیت لطمه وارد شده و روی‌هم‌رفته خرابی آموزش و پرورش به حدی است که موجب آبروریزی فرهنگ کشور گردیده است.

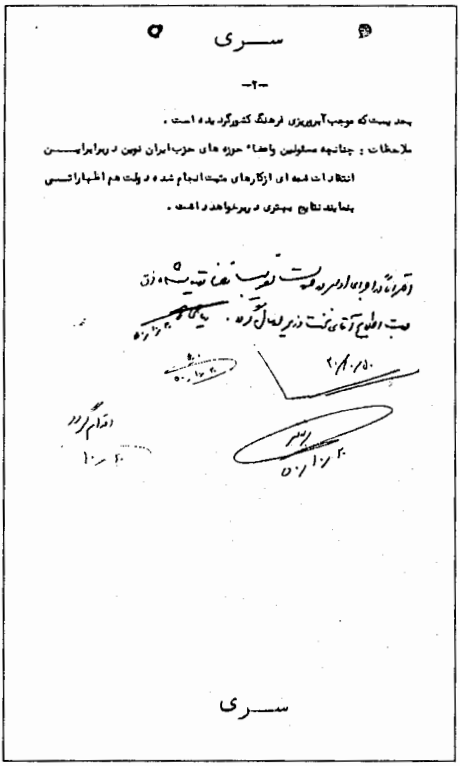

سـری

-۲-

بعد پست که موجب آمیزش فرهنگ کشورگردیده است .

ملاحظات : چنانچه مسئولین واعضاء حوزه های حزب ایران نوین در برابر این انتقادات شمه ای ازکارهای مثبت انجام شده دولت هم اظهاراتی بنمایند نتایج بهتری در برخواهد داشت .

احتراماً در اجرای اوامر در صورت تصویب متن تهیه شده فوق جهت اطلاع آقای نخست‌وزیر ارسال گردد. ریاحی ۵۰/۱۰/۲۰

پرنیانفر ۵۰/۱۰/۲۰

اقدام گردد ۱۰/۲۰

سـری

ملاحظات : چنانچه مسئولین و اعضای حوزه‌های حزب ایران نوین در برابر این انتقادات شمه‌ای از کارهای مثبت انجام شده دولت هم اظهاراتی بنمایند نتایج بهتری در برخواهد داشت.

احتراماً در اجرای اوامر در صورت تصویب متن تهیه شده فوق جهت اطلاع آقای نخست‌وزیر ارسال گردد. ریاحی ۵۰/۱۰/۲۰

پرنیانفر ۵۰/۱۰/۲۰

اقدام گردد ۱۰/۲۰

۱ـ فرخ‌رو پارسای فرزند فرخ‌دین، در سال ۱۳۰۱ ش در تهران یا قم به دنیا آمد. تحصیلات خود را تا درجه دکترای پزشکی ادامه داد. سمتهایی از جمله : دبیر دبیرستانهای تهران، نماینده مجلس شورای ملی، معاون پارلمانی وزارت آموزش و پرورش را عهده دار بود. در سند زندگی نامه وی چنین آمده است :

«نامبرده فاقد سابقه مضره سیاسی بوده و طرفدار سیاست غرب و رژیم مشروطه سلطنتی و عضو حزب «ایران نوین» و کانون مترقی و رئیس جمعیت زنان دانشگاهی می‌باشد. مشارالیها زنی محتاط، ترسو، معرفی شده و همسر تیمسار شیرین‌سخن است. گزارش خبری تاریخ ۴۲/۱۱/۱۸ حاکی است که در محل جامعه لیسانسیه‌های وابسته به رضا معرفت، مدیر دبیرستان ملی مدائن اظهار داشته‌است : «خانم دکتر پارسای، مبلغ ششصد هزار تومان از وجوه دبیرستان رضاشاه کبیر سوءاستفاده نموده منتهی سعی می‌شود که سر و صدای موضوع بلند نشود. لیکن در بخش دو فرهنگی، کلیه کارمندان از جریان باخبر شده‌اند و معرفت گفته‌های وی را تائید نموده است.» طبق گزارش دیگری از ساواک مشارالیه متهم به بهائیگری بوده و به لحاظ ترس از نفوذ روحانیت در آموزش و پرورش و اوج‌گیری مخالفت با وی سعی داشته تا قضیه برملا نشود. در گزارش ساواک تاریخ ۵۲/۹/۸ چنین آمده است : راننده وی اظهار داشته وقتی خانم پارسای وزیر آموزش و پرورش از سفر خارج از کشور برگشته، هفت چمدان پر از اجناس مختلف با خود آورده و مأموران گمرک با ترخیص آنها مخالفت نمودند، لذا راننده وی با مراجعه به رئیس گمرک چمدانها را گرفته و تحویل خانم وزیر داده و مشارالیه در مقابل این خدمت به رئیس ناحیه ۱۱ آموزش و پرورش تلفن زده و از طریق رئیس اداره مزبور یک

گواهینامه ششم ابتدایی با معدل ۱۳/۲۵ به وی داده است. ساواک تهران در گزارشهای بعدی مدرک تحصیلی نامبرده فوق و وضعیت روحی و رفتاری‌اش را مورد بررسی و تائید قرار داده است. ضمناً جامعه زنان ایرانی در نامه‌ای به فرح، خواستار برکناری و عدم شرکت رسمی مشارالیها در مراسم جمعیت جامعه زنان شده‌اند. پارسا در دوران تصدی خود در وزارت فرهنگ، مروج فساد و بی‌دینی بود. به دلیل مذهب بهائیت و ضدیت با اسلام، مدارس اسلامی، خصوصاً مدارس دخترانه را همواره تحت فشار و محدودیت قرار می‌داد. در چندین مورد با همکاری ساواک و هجوم به مدارس دخترانه، چادر و روسری دختران را برداشته و هتک حرمت نمودند. وی عضو کلوپ روتاری ایران بود و پدرش اولین کسی بود که نخستین مجلهٔ اختصاصی زنان را نشر داد، پارسا نماینده دورهٔ ۲۱ مجلس شورای ملی بود و پس از آنکه مدتی معاون پارلمانی وزارت آموزش و پرورش بود. از ۴۷/۸/۲ به جای آقای هدایتی، وزیر آموزش و پرورش شد و تا ۵۳/۲/۱۰ در این پست بود. او قبل از وزارت مالک یک آموزشگاه دخترانه بود.

او در کارهای زیر مشارکت داشته و سازمانها و مؤسسات و جمعیت‌های متعددی را بنیان نهاد: ایجاد و تأسیس انجمن بانوان فرهنگی، رئیس جمعیت زنان دانشگاهی ایران، رئیس سازمان همکاری جمعیتهای زنان، نایب رئیس هیئت مدیره شرکت تعاونی فرهنگیان، عضو شورای ورزشی بانوان، رئیس کمیسیون فرهنگی شورای عالی جمعیتهای زنان.

وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی دستگیر و پس از محاکمه توسط دادگاه انقلاب اسلامی به اعدام محکوم شد.

اسناد ساواک ـ پرونده انفرادی

۱۳۴۷/۷/۳ ـ فرخ‌رو پارسای ـ عبدالله ریاضی ـ هویدا در ضیافت معلمین

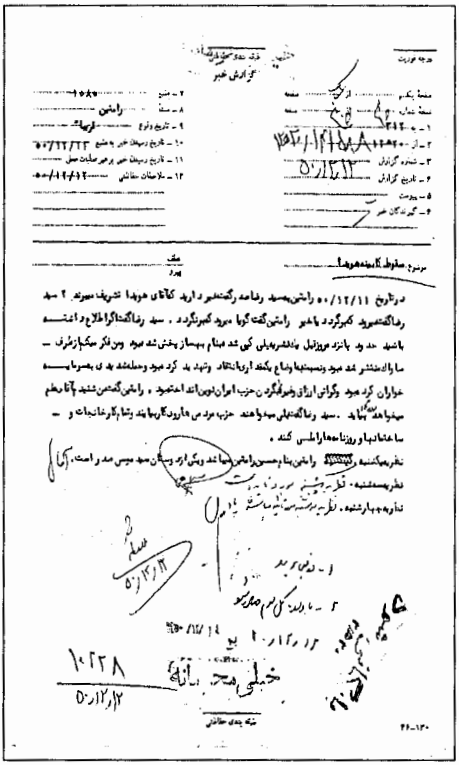

به : ۳۱۲ تاریخ : ۵۰/۱۲/۱۲

از : ۲۰ ه ۱۲ شماره : ۲۰/۱۴۱۵۸۸ ه ۱۲

موضوع : سقوط کابینه هویدا

در تاریخ ۵۰/۱۲/۱۱ رامتین به سیدرضا صدر[1] گفت خبر دارید که آقای هویدا تشریف می‌برند؟ سیدرضا گفت می‌رود که برگردد یا خیر رامتین گفت گویا می‌رود که برنگردد. سیدرضا گفت اگر اطلاع داشته باشید حدود پانزده روز قبل یک نشریه پلی‌کپی شده به نام بهساز پخش شده بود و من فکر می‌کنم از طرف ساواک منتشر شده بود و نسبت به اوضاع یک مقداری انتقاد و تهدید کرده بود و حمله شدیدی به سرمایه‌خواران کرده بود و گرانی ارزاق و غیره را به‌گردن حزب ایران نوین انداخته بود. رامتین گفت من شنیدم آقای علم می‌خواهد روی کار بیاید. سیدرضا گفت بلی می‌خواهند حزب مردمی‌ها روی کار بیایند و تمام کارخانجات و ساختمانها و روزنامه‌ها را ملی کنند.

نظریه یکشنبه : رامتین به نام حسین رامتین[2] می‌باشد و یکی از دوستان سیدموسی صدر[3] است. آمال

نظریه سه شنبه : نظریه یکشنبه مورد تایید است

نظریه چهارشنبه : نظریه سه شنبه مورد تایید می‌باشد پاد

۱ـ به عرض برسد

۲ـ به اداره کل سوم صادر شود ۵۰/۱۲/۱۲ ملاحظه شد ۵۰/۱۲/۱۲

۱ـ سیدرضا صدر فرزند آیةالله سید صدرالدین صدر در سال ۱۳۰۰ ش در مشهد مقدس دیده به جهان گشود. دوران کودکی و نوجوانی را در حجر تربیت پدر بزرگوارش پشت سر نهاد. مقدمات و ادبیات را در مشهد مقدس فراگرفت. در

سال ۱۳۵۴ ق در معیت والد بزرگوارش به حوزه علمیه قم آمد و سطوح را نزد اساتیدی چون حضرات آیات : مرعشی نجفی و محقق داماد بیاموخت. سپس خارج فقه و اصول را در محضر پر فیض حضرات آیات عظام : صدر، حجت کوهکمری و بروجردی و فلسفه و عرفان را نزد امام خمینی (ره) فراگرفت. ایشان پس از وفات آیةالله بروجردی به تدریس فقه، اصول، فلسفه و عرفان پرداخت. وی در سال ۱۳۴۶ برای تبلیغ و ارشاد به تهران رفت و مسجد امام حسین (ع) راکانون تبلیغات دینی خویش قرار داد. در سال ۱۳۵۶ مجدداً به قم مراجعت نمود. برخی از تألیفات ایشان عبارتند از : ۱ـ الاجتهاد و التقلید ۲ـ العدالة فی‌الفقه ۳ـ تفسیر سوره حجرات ۴ـ تفسیر سوره یوسف ۵ـ استقامت ۶ـ حسد ۷ـ المسیح فی‌القرآن ۸ـ مهد فی‌القرآن ۹ـ بانوی کربلا و... آیت‌الله سید رضا صدر در سن ۷۳ سالگی، به تاریخ ۲۶ جمادی‌الاول ۱۴۱۵ ق (۱۱ آبان ۱۳۷۳) بدرود حیات گفت و پس از تشییع در صحن مطهر حرم حضرت معصومه سلام‌الله علیها به خاک سپرده شد.

۲ـ حسین رامتین فرزند زین‌العابدین در سال ۱۲۹۷ شمسی به دنیا آمده است چگونگی تحصیل وی معلوم نیست لیکن اولین اشتغال دولتی وی به سال ۱۳۱۸ و استخدام در آموزش و پرورش بازمی‌گردد. در سالهای ۱۳۳۷ ـ ۱۳۳۸ رئیس دفتر وزیر کار و از آنجا در سال ۱۳۲۹ برای سرپرستی اداره کار استان خوزستان عازم آبادان شد و در میان آبادانیها شهرت یافت که شوهرخواهر مسعودی مدیر روزنامه اطلاعات است. رامتین چند پست مختلف را در وزارت کار آزمود. همانجا به بنگاه تعاون عمومی و بنگاه دارویی کشور پیوست و ریاست آنجا را به عهده گرفت پس از سوءاستفاده‌های مالی و اختلاس در وزارت کار مدتی منتظر خدمت ماند. از آنجا در سال ۱۳۴۰ به «خدمت» شرکت هواپیمایی ملی درآمد. آن شرکت نیز از دم تیغ سوءاستفاده‌های کلان مالی و جعل اسناد متعدد رامتین ـ که منجر به اختلاسهای میلیونی در آن روزگار شد ـ در امان نماند و از همانجا به انگلستان گریخت و با اموال به دست آمده به همراه یک پاکستانی شرکتی بازرگانی تأسیس کرد. درکنار کارهای بازرگانی از آن روی که در ایران از ناحیه برخی مقامات حمایت می‌شد و به لحاظ خوش‌خدمتیهایی که به ساواک نموده بود، هدف دار و جهت دار و با اشارهٔ ساواک شروع به مبارزه علیه رژیم نمود و نشریاتی را در این راستا منتشر کرد. همین امر باعث شد تا او بتواند ـ مؤکداً از سوی ساواک ـ خود را به تیمور بختیار، امام موسی صدر، جبهه ملی و... نزدیک و از اعتمادی که احیاناً به او می‌شد اطلاعات مهمی راکسب کند این همکاری تنگاتنگ تا سال ۵۷ ادامه داشت تا اینکه به ایران بازگشت و مشاور عالی و بازرس دفتر مخصوص شاهنشاهی و سپس رئیس بازرسی نخست وزیر و در زمان شریف امامی مشاور مطبوعاتی او شد.

حسین رامتین از اعضای مهم فراماسونری بود و به سمت معاون و استاد ارجمند در لژهای کورش و روشنایی مفتخر شد () ضمن آنکه این عضو فعال، یکی از اعضای مؤسس لژهای «صائب» و «آکسفورد» در انگلستان نیز بود.

تمامی ملاقاتهای او با موسی صدر و سفرهایش به اسرائیل و دیدارش با دیگر رجال سیاسی، فرهنگی و مذهبی موافق و مخالف رژیم با هماهنگی و توجیه ساواک انجام می‌پذیرفت. ۳ـ سید موسی صدر فرزند سید صدرالدین معروف به امام موسی صدر، روحانی برجسته ایرانی و رهبر متنفذ شیعیان لبنان در سال ۱۳۰۷ یا ۱۳۰۸ شمسی در قم متولد گردید. مادرش فیضیه خانم، دختر آیةالله حاج آقا حسین قمی بود. وی دوره ابتدایی را در دبستان «حیات» قم گذرانید و مدرک پایان متوسطه را از دبیرستان حکیم سنایی آن شهر اخذ نمود. در سال ۱۳۲۰ تحصیلات حوزوی را شروع کرد و بیش از یک دهه پس از گذراندن دوره مقدمات و سطوح، در درس خارج فقه و اصول و فلسفه استادان نامی و بزرگ حوزه از جمله آیات عظام امام خمینی (سلام‌الله علیه)، سیداحمد خوانساری و محقق داماد شرکت نمود. همزمان درجه لیسانس حقوق اقتصادی را از دانشکده حقوق دریافت کرد. در سال ۱۳۳۲ بعد از فوت پدر به نجف اشرف هجرت نمود و تا سال ۱۳۳۷ از محضر اساتیدی چون آیات عظام حکیم، خویی و عبدالهادی شیرازی کسب فیض نمود و در ۳۷ سالگی به درجه والای اجتهاد نایل آمد. در سال ۱۳۳۸ به همراه خانواده خود راهی لبنان شد. هجرت امام موسی صدر به لبنان بنا بر وصیت رهبر فقید شیعیان لبنان مرحوم امام شرف‌الدین و در پی دعوت شیعیان جنوب لبنان و نیز بر اثر تشویق و

ترغیبهای مکرر مراجع بزرگ آن زمان صورت گرفت. این در حالی بود که مرحوم آیـةالله بـروجردی، وی را بـه عـنوان نماینده خود در ایتالیا برگزیده بود. امام موسی صدر در مدت ۲۰ سالی که در لبنان اقامت داشت تلاشهای فراوانـی در جهت ارتقاء کمی و کیفی رفاه شیعیان و تقویت دین و اعتقادات و اخلاقیات آنان کرد. با برنامه‌ریزی‌های وی و حمایت اکثریت جوانان شیعه در لبنان مشاغل متعددی به وجود آمد و بسیاری از زنان و مردان لبنانی در آموزشگاهها، مراکز فنی و حرفه‌ای، کارگاهها و مدارس مشغول کار و تحصیل شدند. او در این مدت نقش مؤثری در متشکل کردن شیعیان لبنان ایفا کرد. امام موسی صدر به شیعیان آموخت که اسرائیل شرّ مطلق است و هرگونه دادوستد بـا صـهیونیست‌ها حرام می‌باشد و سازمان نظامی «امل» را با هدف دفاع از جنوب لبنان در برابر تعرضات صهیونیستها پایه گذاری کرد.

وی بانی مبارزه مردمی با نظام طائفه گری در لبنان بود و عامل مؤثری در مقابله با سلطه‌خواهی اقلیت مارونی بر کشور اسلامی لبنان به شمار می‌رفت. امام موسی صدر سه هفته قبل از هجرت تاریخی حضرت امام خمینی (سلام‌الله علیه) به پاریس، طی مقاله‌ای در روزنامه لوموند از انقلاب اسلامی ایران به عنوان ادامه حرکت انبیای الهی یاد کرد و حضرت امام را به عنوان یگانه رهبر بزرگ انقلاب به دنیای اسلام معرفی نمود. دو روز از انتشار مقاله نگذشته بود که وی به صورت اسرارآمیزی در روز نهم شهریور ۱۳۵۷ در حالی که می‌خواست لیبی را به مقصد لبنان ترک گوید، با دو تن از همراهانش ناپدید شد. امام موسی صدر برای شیعیان لبنان یک ناجی بزرگ بود و علما و چهره‌های برجسته لبنان اعم از شیعه و سنی او را یار و یاور خود می‌دانستند.

از چپ: فرح پهلوی ـ محمدرضا پهلوی ـ هویدا ـ جعفر شریف‌امامی ـ اسدالله علم

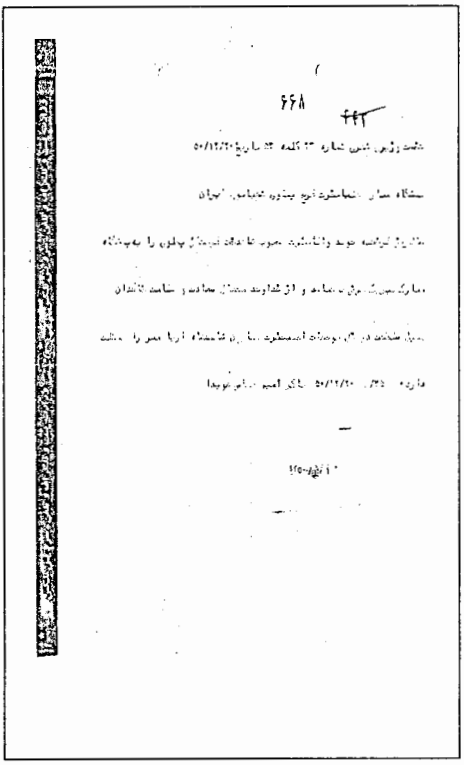

شماره : ۲۳ تاریخ : ۵۰/۱۲/۲۰

نخست‌وزیری

پیشگاه مبارک علیاحضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران

سالروز فرخنده تولد والاحضرت محبوب شاهدخت فرحناز پهلوی را به پیشگاه مبارک تبریک عرض می‌نماید و از خداوند متعال سعادت و سلامت خاندان جلیل سلطنت در ظل توجهات اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر را مسئلت دارد. ۵۰/۱۲/۲۰

چاکر امیرعباس هویدا

تاریخ: ۵۰/۱۲/۲۶

اجتماع کارگران میادین بارفروش تهران در حزب مردم

اجتماع کارگران میادین بارفروش تهران در حزب مردم

روز ۵۰/۱۱/۴ تعداد ۴۰ نفر از کارگران مزبور با حضور ناصر بهبودی[1] عضو شورای عالی در محل حزب مردم اجتماع نمودند.

در این اجتماع غلامرضا توکلی یکی از کارگران اظهار داشت:

«ما از آقای نخست‌وزیر سؤال می‌کنیم چرا به کارخانه دخانیات اصفهان می‌روند بیایند در کنار همین تهران و در جایی که حیوانات هم زندگی نمی‌کنند وضع ما را مشاهده کنند و آن وقت خودشان خجالت خواهند کشید. وزارت کار شعبه‌ای از حزب ایران نوین است و به درد دل هیچ کارگر نمی‌رسد. چرا باید یک کارگر حقوق چند روز خود را برای خرید یک کیلو میوه بپردازد. آقای دبیرکل حزب ایران نوین باید بداند که مملکت شاه دارد قانون دارد و دیگر دکان هوچی‌گری بسته شده است، چرا عوامل حزب ایران نوین در میدانهای تهران کارفرمایان را مجبور می‌کنند که ما را اخراج کنند، آرامش ما چند هفته است از دست رفته و ما برای دادخواهی به حزب مردم آمده‌ایم.»

سپس محمد فضائلی[2] و ناصرقلی فرهادپور نمایندگان [مجلس] شورای ملی ضمن تایید اظهارات نامبرده عنوان نمودند:

«حزب مردم با مقدورات و امکاناتی که دارد از حقوق حقه آنان دفاع خواهد کرد و اگر لازم باشد از دولت خواسته خواهد شد تا بیایند و لجن‌زار میدان امین‌السلطان را ببینند» ارزیابی خبر - مطالب فوق وسیله نامبردگان بیان شده است.

۱ـ ناصر بهبودی نمایندهٔ دوره‌های ۱۹ تا ۲۲ ساوه و زرند در مجلس شورای ملی به سال ۱۳۰۱ ش در تهران متولد شد.

پدرش سلیمان بهبودی از درباریان رضا شاه بود. که ابتدا با درجهٔ استواری به عنوان گماشته به منزل رضاخان رفت و سپس به محرم اسرار او تبدیل شد. او که از مهره‌های مهم انگلستان بود و به عنوان واسطه بین رضاخان و انگلیسی‌ها عمل می‌کرد، حتی همراه رضاخان به تبعید رفت.
ناصر بهبودی تحصیلاتش را در دانشکدهٔ فنی بروکسل و دانشکده فنی تهران در رشتهٔ مکانیک به پایان رساند و در رشتهٔ تخصصی هواپیمایی و مکانیک از بروکسل دکترا گرفت. کار دولتی را از کارمندی راه‌آهن در ۱۳۲۶ شروع کرد سپس مهندس اداره کل هواپیمائی کشور ی شد. آنگاه بازرس وزارت راه گردید. مدیرکل اداری راه‌آهن عضو هیئت مدیره و هیئت نظارت و شورای عالی راه‌آهن هم بود.
ناصر بهبودی به همراه پدرش از تجدیدکنندگان حیات فراماسونری در ایران بودند. او در لژهای تهران (عضو مؤسس)، آریا، کاوه، دانش، روشنائی و ... عضویت داشت.

۲ـ محمد فضایلی از دوستان نزدیک اسدالله علم بود و همواره از کمکهای علم برخوردار بود. در طی انتخابات دوره هفدهم به رغم مساعدتهای مالی علم، از طریق املاک و مستغلات پهلوی، به دلیل نفوذی که طرفداران مصدق بر اوضاع سیاسی کشور داشتند محمد فضائلی نتوانست به مجلس راه یابد. امّا طی دوره نوزدهم مجلس از حوزه انتخابیه ساری و تنکابن و در دورهٔ بیست و دوّم از حوزه انتخابی قصر شیرین و در دوره بیست و سوّم از حوزه انتخابیه شاهی به مجلس شورای ملی راه یافت که در هر سه مورد نیز از کمکهای بی‌دریغ اسدالله علم برخوردار بود. محمد فضائلی در سال ۱۲۹۰ش متولد شد و تحصیلاتش را تا حد سطح ادامه داده بود. وی ضمن اینکه در امور دولتی مشغول بکار بود در برخی مناطق استان مازندران نیز صاحب املاک و اراضی کشاورزی بود.

تاریخ : ۱۳۵۱/۳/۲۱

انتقادی که بتواند مملکت را رو به جلو ببرد، مورد قبول و تشکر دولت است.»

از سخنان آقای امیرعباس هویدا نخست‌وزیر در کمیسیون بودجه مجلس شورای ملی در تاریخ دهم بهمن ماه ۱۳۵۰/ این نامه کلاً محرمانه و مستقیم می‌باشد و فقط در یک نسخه تهیه و تنظیم گردیده، اما اگر به نظر جناب آقای هویدا نرسد که موضوع را بررسی و دستور احقاق حق فرمایند، جهت دادرسی به سایر مقامات نیز تقدیم خواهد گردید.

جناب آقای امیرعباس هویدا نخست‌وزیر

با تقدیم رونوشت نامه[1] مورخ ۱۳۵۱/۲/۲۶ به عنوان جناب آقای وزیر کشور، به استحضار عالی می‌رسانند :

سیاست اداری پاره‌ای از وزرا و مقامات سطح بالای وزارتخانه‌ها که در عصر دولت جنابعالی مصدر مشاغل و مناصب مهم گردیده‌اند. متأسفانه بسیار ضعیف و فاقد هرگونه مدیریت و صلاحیت بوده و علاوه براینکه به انقلاب اداری به هیچ‌وجه مؤمن و معتقد نمی‌باشند، با انتصاب بستگان و دوستان بسیار نزدیک به مقامات حوزه مغناطیسی پست مربوطه و با اعمال تضییقات و تبعیضات گوناگون و وارد ساختن خسارات مادی و معنوی رنگارنگ نسبت به کارمندانی که از داشتن پارتی محروم می‌باشند، موجبات دلسردی و ناراحتی کارمندان دولت، به ویژه توده تحصیلکرده و روشنفکر را فراهم می‌نمایند. و اتخاذ این روش و رفتار ناهنجار نسبت به طبقه متفکر جامعه چنانچه با معیارهای قانونی و منطقی ارزشیابی بشود، شدیداً محکوم و چون مقرون به صرفه و صلاح نیست، مستلزم تجدیدنظر عمیق و تغییر رویه سریع

می‌باشد.

در نیمه دوم سال ۱۳۴۳ که تقریباً مقارن با تاریخ شروع زمامداری شما می‌باشد، اینجانب پس از شرکت در امتحانات ورودی و گذرانیدن دوره‌های به اصطلاح مخصوص، به عنوان بخشدار به استخدام وزارت کشور درآمده و با اشتیاق فراوان، در دور افتاده‌ترین نقاط کشور مشغول خدمت گردیدم در عرض این مدت شاهد جابجا شدن پنج وزیر در این وزارتخانه شدم که به ترتیب عبارتند از:

آقایان دکتر جواد صدر،[۲] مهندس عبدالرضا انصاری[۳]، عطاءالله خسروانی، دکتر حسن زاهدی[۴] و دکتر محمد سام[۵] که ایشان در حال حاضر به عنوان هفتاد و یکمین وزیر کشور مشغول کار هستند. اگر هر روز که می‌گذرد بگوییم دریغ بر دیروز، شاید حمل بر بدبینی گردد و اظهار آن صلاح نباشد ولی این موضوع برای همه روشن و ثابت گردیده که امروز بدون در اختیار داشتن پارتی و یا وابستگی به قدرتهایی که به مقتضای شرایط زمان و مکان در کشور، پدیدار می‌گردد، کارمند دولت شدن، ریسک بیهوده و بدون نتیجه و فایده و ثمری است که سرانجامی تلخ و ناگوار دارد. البته در عالم حرف و سفسطه، در وزارتخانه‌ها انقلاب اداری را آنچنان اجرا می‌کنند که گویی دربهای بهشت موعود را به روی کارمندان باز کرده‌اند و دیگر «مو» لای درز عدالت، نمی‌رود ولی در میدان عمل و ماورای دنیای افسانه‌ای و خیال‌انگیز و فریبنده تبلیغ، جایی که بستگان و دوستان و آشنایان هستند، دیگر کارمندانی که به جایی تکیه ندارند، چه می‌خواهند؟ مگر از قدیم و ندیم نگفته‌اند: «چراغی که به منزل رواست، به مسجد حرام است»؟ اینجانب هشت سال آزگار، در گوشه و کنار کشور علیرغم مشکلات فراوان و تبعیضات رنگارنگی که همه روزه شاهد آن بودم، صادقانه خدمت کردم و امروز به علت گرفتاریهای خانوادگی، چون به مرکز منتقل گردیده‌ام، باید در

سمت «متصدی گیشه اطلاعات»، انجام وظیفه نمایم! چرا هم ندارد چون برای امثال من که پارتی نداشته و جز کار و تجربه تکیه گاهی ندارند، محل خالی موجود نیست! راستی عجب روزگاری است. عجب دنیائی است. در این برهوت وانفسا اصلاً کسی به کسی نیست. حوصله «رجال روز» هم کم شده و توقع اقرباء و اصدقاء بسیار... لابد آنها پس از اخذ «تعالیم حزبی» و کسب تجارب لازم، معتقد گردیده‌اند که هر کسی چند روزه نوبت اوست. حق هم دارند، فرصتها را نباید از دست داد. آدم که همیشه نمی‌خواهد با افرادی به نام «کارمند»، زندگی کند. مهم کس و کار و دوست و آشنا است که تا قیام قیامت چشمشان توی چشم می‌افتد. به اینها که دیگر نمی‌شود جواب رد داد. امروز که موقعیتی گیر آمده و مقام منصبی به چنگ افتاده چرا توقعاتشان برآورده نشود؟ آیا از کیسه حضرت خلیفه هم نمی‌توان بخشید؟! آن گروه از همکاران محترمی که پارتی داشته‌اند، از همان آغاز کار، مقبول طبع و مورد مهر و محبت مقامات وزارت کشور قرار گرفته و تاکنون لااقل یا فرماندار شهر درجه یک شده‌اند و یا رئیس اداره در مرکز... ولی آنهایی که دستشان از پارتی کوتاه بوده است، مثل امواج سرگردان آب می‌باشند، نرم و سبک، به این سوی و آن سوی گسیل می‌گردند ولی دست و پایشان به جایی بند نمی‌شود. این حقیقتی است آشکار و غیرقابل انکار که وزارت کشور همیشه عرصه تصفیه حسابهای خصوصی، تأمین منافع شخصی، اعمال غرضهای علنی، قانون شکنیهای گستاخانه، پارتی بازیهای وقیحانه و به هدر دادن میلیونها ریال، از بودجه دولت، در راه ارضای هوسهای شخصی و کمک به «دوستان» بوده و می‌باشد. در این پایگاه بزرگ ضد حق و انسانیت، آنچه هیچگاه مورد توجه قرار نگرفته، حفظ مصالح مملکت، رعایت شؤون دولتهای وقت و احقاق حقوق قانونی کارمندان وظیفه‌شناس و

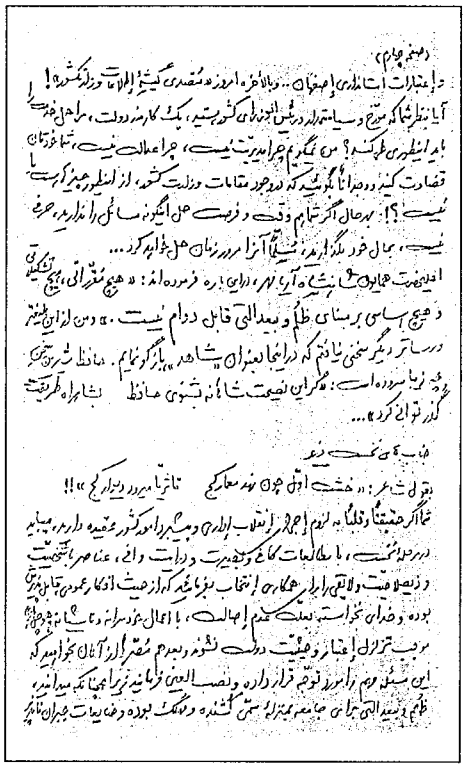

صحیح‌العمل بوده است که متأسفانه طبق روال همیشگی و سنت باستانی، در بازار مکاره وزارت کشور، سوابق علمی و اداری و تجربه و جدیت و لیاقت اینگونه کارمندان همیشه به هیچ شمرده شده و هیچ هنگام، پشیزی ارزش نداشته است و ارمغان این نظام غلط و مطرود اداری همچنان که ملاحظه می‌فرمایید، عدم رضایتهایی است که در چهارگوشه کشور، پیوسته مردم و بالنتیجه بازرسان شاهنشاهی از پاره‌ای مأمورین سست‌مایه و بی‌اطلاع این وزارتخانه که براساس پارتی بازی شاغل مقامات مهم گردیده‌اند، در عرصه انقلاب سفید، ابراز می‌دارند. به مشاغل و محلهای خدمت قبلی نگارنده که ذیلاً به استحضار می‌رسد، توجه فرمائید:

بخشدار هویزه (در استان خوزستان). بخشدار خرقان، طالقان (در استان مرکزی). بخشدار کردکوی، گمیشان، بندلی (در استان مازندران.) بخشدار پلدشت و سرپرست شهرداری شاه‌آباد ـ ماکو، بخشدار حومه خوی، بخشدار حومه و معاون فرمانداری ماکو (در استان آذربایجان غربی). بخشدار و سرپرست شهرداری بستگ (در استان ساحلی جنوب). بخشدار خورموج (در فرمانداری کل بوشهر). معاون فرمانداری و بخشدار حومه نطنز کارشناس بودجه و اعتبارات استانداری اصفهان... و بالاخره امروز «متصدی گیشه اطلاعات وزارت کشور»!

آیا به نظر شما که مورخ و سیاستمدار و رئیس‌الوزاری کشور هستید، یک کارمند دولت، مراحل خدمت را باید اینطوری طی کند؟ من نمی‌گویم چرا مدیریت نیست، چرا عدالت نیست، شما خودتان قضاوت کنید و وجداناً بگوئید که در وجود مقامات وزارت کشور، از اینطور چیزها هست یا نیست؟! به هر حال اگر شما هم وقت و فرصت حل اینگونه مسائل را ندارید، حرفی نیست، به حال خود بگذارید، مسلماً آن را مرور زمان حل خواهد کرد...

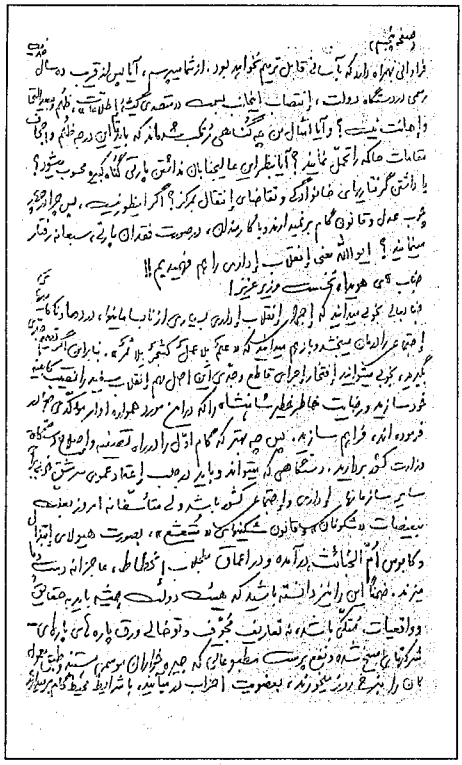

اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر، در این باره فرموده‌اند: «هیچ مقرراتی، هیچ تشکیلاتی و هیچ اساسی برمبنای ظلم و بی‌عدالتی قابل دوام نیست.» و من از این بلیغ‌تر و رساتر دیگر سخنی نیافتم که در اینجا به عنوان «شاهد» بازگو نمایم، حافظ شیرین سخن، چه زیبا سروده است:

«گراین نصیحت شاهانه بشنوی حافظ
به شاهراه طریقت گذر توانی کرد

جناب آقای نخست وزیر
به قول شاعر:

«خشت اول چون نهد معمار کج تا ثریا می‌رود دیوار کج»!

شما اگر حقیقتاً و قلباً به لزوم اجرای انقلاب اداری و پیشبرد امور کشور عقیده دارید، می‌باید در مرحله نخست با مطالعات کافی و بصیرت و درایت وافی، عناصر با شخصیت و ذی‌صلاحیت و لایقی را برای همکاری انتخاب بفرمایید که از حیث افکار عمومی، قابل پذیرش بوده و خدای نخواسته به علت عدم اصالت، با اعمال خودسرانه و ناشیانه و هوچی‌بازی، موجب تزلزل اعتبار و حیثیت دولت نشوند و بعد هم مصرّاً از آنان بخواهید که این مسئله مهم را مورد توجه قرار داده و نصب‌العین فرمایند زیرا همچنان که می‌دانید؛ ظلم و بی‌عدالتی برای جامعه به منزلهٔ سمّی کشنده و مهلک بوده و ضایعات جبران‌ناپذیر فراوانی به همراه دارد که به آسانی قابل ترمیم نخواهد بود. از شما می‌پرسم، آیا پس از قریب ده سال خدمت رسمی در دستگاه دولت، انتصاب اینجانب به سمت «متصدی گیشهٔ اطلاعات»، ظلم و بی‌عدالتی و اهانت نیست؟ و آیا امثال من چه گناهی مرتکب شده‌اند که باید تا این درجه ظلم و اجحاف مقامات حاکمه را تحمل نمایند؟

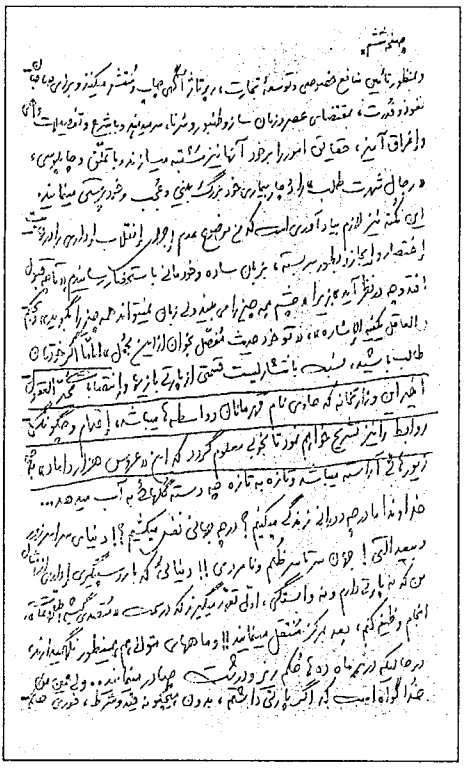

آیا به نظر این عالیجنابان نداشتن پارتی گناه کبیره محسوب می‌شود؟ یا داشتن گرفتاریهای خانوادگی و تقاضای انتقال به مرکز؟ اگر اینطور نیست، پس چرا در چهارچوب عدل و قانون گام برنمی‌دارند و با کارمندان، در صورت فقدان پارتی، سبعانه رفتار می‌نمایند؟ ایوالله معنی انقلاب اداری را هم فهمیدیم!!

جناب آقای هویدا، نخست وزیر عزیز!

جنابعالی به خوبی می‌دانید که اجرای انقلاب اداری بسیاری از نابسامانیها، دردها و ناکامیهای اجتماعی را درمان می‌بخشد و باز هم می‌دانید که «علم بلا عمل کشجرٌ بلاثمرٌ». بنابراین اگر تصمیم جدی بگیرید، بخوبی می‌توانید افتخار اجرای قاطع و جدی این اصل مهم انقلاب سفید را نصیب کابینه خود سازید و رضایت خاطر خطیر شاهنشاه راکه در این مورد همواره اوامر موکدی صادر فرموده‌اند، فراهم سازید. پس چه بهتر که گام اول را در راه تصفیه و اصلاح دستگاه وزارت کشور بردارید. دستگاهی که می‌تواند و باید در جلب اعتماد عمومی سرمشق خوبی برای سایر سازمانهای اداری و اجتماعی کشور باشد ولی متأسفانه امروز به علت تبعیضات «شکوفان» و قانون شکنیهای «مشعشع»، به صورت هیولای ابتذال و کابوس اُم الخبائث، درآمده و در اعماق منجلاب انحطاط، عاجزانه دست و پا می‌زند. ضمناً این را نیز دانسته باشید که هیئت دولت همیشه باید به حقایق و واقعیات متکی باشد، نه تعاریف مُجوّف و تو خالی ورق پاره‌های پاره‌ای شرکتهای مسخ شده و نفع‌پرست مطبوعاتی که جیره‌خواران موسمی هستند و طبق معمول نان را به نرخ روز می‌خورند، به عضویت احزاب در می‌آیند، با شرایط محیط گام برمی‌دارند، و به منظور تأمین منافع خصوصی و توسعه تجارب، رپرتاژ آگهی چاپ و منتشر می‌کنند و برای صاحبان نفوذ و قدرت، به مقتضای عصر و زمان ساز و طنبور و

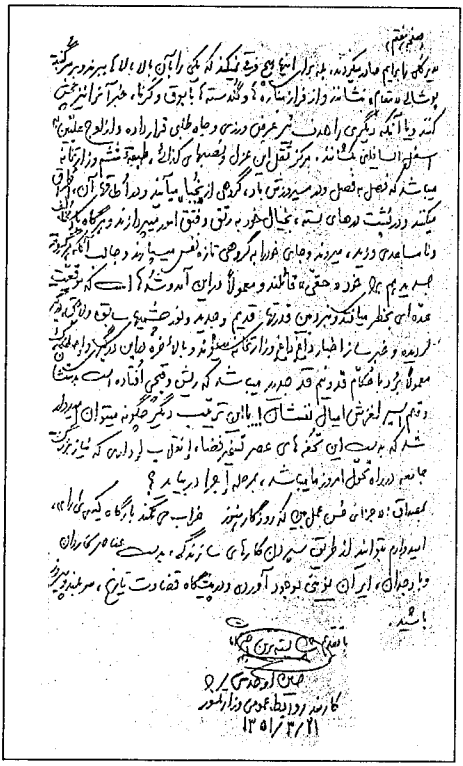

سرنا، سر می‌دهند و با شرح و تفصیلات واهی و اغراق‌آمیز، حقایق امور را برخود آنها نیز مشتبه می‌سازند و با تملق و چاپلوسی، «رجال شهرت طلب» را دچار بیماری خود بزرگ‌بینی و عجب و خودپرستی می‌نمایند.

این نکته نیز لازم به یادآوری است که من موضوع عدم اجرای انقلاب اداری را در نهایت اختصار و ایجاز و به طور سربسته، به زبان ساده و خودمانی به استحضار رسانیدم، «تا چه قبول افتد و چه در نظر آید». زیرا «چشم همه چیز را می‌بیند ولی زبان نمی‌تواند همه چیز را بگوید». و به حکم «العاقل یکفیه الاشاره»، «تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل»! اما [اگر] خودتان طالب باشید، نسبت به انتشار لیست قسمتی از پارتی بازیها و انتصابات محیرالعقول اخیر این وزارتخانه که حاوی نام قهرمانان و واسطه‌ها می‌باشد، اقدام و چگونگی روابط را نیز تشریح خواهم نمود تا به خوبی معلوم گردد که این «عروس هزار داماد» به چه زیورهایی آراسته می‌باشد و تازه به تازه چه دسته گلهایی به آب می‌دهد...

خداوندا ما در چه دورانی زندگی می‌کنیم؟ در چه جهانی نفس می‌کشیم؟! دنیایی سراسر زور و بی‌عدالتی! جهان سرتاسر ظلم و نامردی!! دنیایی که با روسپیگری‌اداری از امثال من که نه پارتی داریم و نه وابستگی، اول تعهد می‌گیرند که در سمت «متصدی گیشه اطلاعات» انجام وظیفه کنم، بعد به مرکز منتقل می‌نمایند!! و ماههای متوالی هم همین طور نگه می‌دارند، در حالی که در هر ماه ده‌ها حکم‌ریز و درشت صادر می‌نمایند.... ولی همین من خداگواه است که اگر پارتی داشتم، بدون هیچ‌گونه قید و شرط، فوری حکم مدیرکلی را برایم صادر می‌کردند، بله برای اینها هیچ فرقی نمی‌کند که یکی را به آن بالا بالاها ببرند و بر سر گنبد پوشالی «مقام» بنشانند و از فراز مناره‌ها وگلدسته‌ها با بوق وکرنا، خبر آن را نیز پخش کنند و یا آن که دیگری را

هدف تیر غرض‌ورزی و جاه‌طلبی قرار داده و از اوج علیین به اسفل السافلین بکشانند. مرکز ثقل این عزل و نصب‌های کذایی، طبقه ششم وزارتخانه می‌باشد که فصل به فصل در مسیر وزش باد، گروهی از «نُجبا» می‌آیند و در اطاقهای آن اطراق می‌کنند و در پشت درهای بسته، به خیال خود به رتق و فتق امور می‌پردازند و هرگاه باد مخالف و نامساعدی وزید، می‌روند و جای خود را به گروهی تازه نفس می‌سپارند و جالب آنکه هر گروه جدید هم برای خود «حقی» قائلند و معمولاً در این آمد و شدها است که موقعیت عده‌ای به خطر می‌افتد و نبرد بین قدرتهای قدیم و جدید و نور چشمیهای سابق و لاحق، درگیر گردیده و خبرساز اخبار داغ داغ وزارتخانه می‌شوند و بالاخره در این درگیری و اصطکاک، معمولاً برد با حکام قدونیم قد جدید می‌باشد که ریش و قیچی افتاده است به دستشان و قلم اسیر لغزش امیال نفسشان!....

با این ترتیب دیگر چگونه می‌توان امیدوار شد که به دست این تحفه‌های عصر تسخیر فضا، انقلاب اداری که نیاز بزرگ جامعه در راه تحول امروز ما می‌باشد، به مرحله اجرا در بیاید؟

به مصداق :

«جزای حسن عمل بین که روزگار هنوز خراب می نکند بارگاه کسری را»

امیدواریم بتوانید از طریق سپردن کارهای سازندگی، به دست عناصر کاردان و با وجدان، ایران نوینی بوجود آورده و در پیشگاه قضاوت تاریخ، سربلند و پیروز باشید.

با تقدیم شایسته‌ترین احترامات

حسین اوحدی

کارمند روابط عمومی وزارت کشور

۱۳۵۱/۳/۲۱

۱ـ رونوشت نامه مورد اشاره به شرح زیر است :

تاریخ ۵۱/۲/۲۶

جناب آقای دکتر محمد سام وزیر معظم کشور

احتراماً با تقدیم یک برگ صورتحساب حقوق اردیبهشت ماه جاری که ماحصل قریب ده سال خدمت اینجانب در دستگاه دولت می‌باشد، استدعا می‌شود در تعقیب دستورات قبلی امر و مقرر فرمائید، در سمت اداری اینجانب تجدیدنظر فرمایند، زیرا از هفت ماه قبل که با استفاده از مراحم عالی به دنبال هشت سال مکاتبه با کارگزینی وزارت کشور به علت مشکلات و گرفتاریهای فراوان خانوادگی با سمت «متصدی گیشه اطلاع» به مرکز منتقل گردیده‌ام، متأسفانه تاکنون نتوانسته‌ام که وظایف اداری خود را به نحو مطلوب انجام دهم و سمت «متصدی گیشه اطلاعات» نیز دست پخت همان کسی است که متصدی غیر لیسانسیه دفتر روابط عمومی را به معاونت مدیرکلی این دفتر منصوب نمود

و من هر چه فکر می‌کنم نمی‌دانم که معیار اینگونه ارزشیابیها چه بوده و این آقا اداری چه ضوابط و چه شرایط و خصوصیاتی بوده که دیگران فاقد آن می‌باشند چندی پیش جناب آقای نخست‌وزیر در مجلس شورای ملی طی سخنانی فرمودند: «انتقادی که بتواند مملکت را رو به جلو ببر مورد قبول و تشکر دولت است و من با الهام از این سخنان اصلاح‌طلبانه، شش هفت صفحه انتقاد در مورد «عدم اجرای انقلاب اداری و علل آن»، نوشته‌ام که نمی‌دانم اگر تقدیم حضورشان نمایم، چگونه تعبیر می‌شود تا چه حد مورد استفاده واقع گردد؟ به هر حال بنده از جنابعالی که هفتاد و یکمین وزیر کشور می‌باشید، توقع بذل عنایت بیشتر دارم به نحوی که پس از پایان تصدی گیشه اطلاعات، نگویم که من این محرومیتها را به خاطر وزارت جنابعالی پذیرفتم و اگر وزیر دیگری بود، سکوت نمی‌کردم و از حق خود دفاع می‌نمودم. بلی حیف است که در دورهٔ وزارت آن جناب و در عصر انقلاب، روال کار این وزارتخانه کماکان براساس تبعیض و بی‌عدالتی استوار باشد. با تجدید شایسته‌ترین احترامات ـ حسن اوحدی ـ متصدی گیشه اطلاعات وزارت کشور (رونوشت برابر اصل است ۵۱/۲/۲۶)

۲ـ سید جواد صدر فرزند محسن صدرالاشراف از مهره‌های مهم انگلستان در ایران، در سال ۱۲۹۱ در تهران به دنیا آمد. برخی از مشاغل وی عبارت بود از: ریاست دفتر وزارت خارجه، ریاست دفتر نخست وزیر، وزارت کشور و.... در کابینه هویدا به سمت وزارت دادگستری منصوب شد. پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی به اتهام سرسپردگی به رژیم پهلوی و سعی در تحکیم مبانی آن رژیم منفور، عضویت در احزاب رستاخیز و ایران نوین و سازمان فراماسونری، همکاری نزدیک با هویدا و حسنعلی منصور، اقدام علیه انقلاب اسلامی، نگهداری و اختفای اسلحه و احتکار مشروبات الکلی دستگیر و در دادگاه انقلاب محاکمه و مورد عفو قرار گرفت.
وی در سال ۱۳۷۷ درگذشت.

۳ـ عبدالرضا انصاری فرزند حسین، در سال ۱۳۰۴ ش. در تهران بدنیا آمد. پس از اتمام دوره سه ساله دانشکده کشاورزی کرج وارد دانشکده اقتصاد شد و لیسانس گرفت. در سال ۱۳۲۳ به استخدام وزارت اقتصاد درآمد و در سال ۱۳۲۵ معاون اداره کل دفتر وزارت اقتصاد شد. در سال ۱۳۲۶ برای ادامه تحصیل عازم ایالت یوتای آمریکا شد و موفق به گذراندن دوره عالی اقتصاد گردید. در سال ۱۳۳۱ به ایران مراجعت کرد و ابتدا به سمت معاون اداری بعد معاون قسمت اقتصادی و بالاخره معاون مخصوص رئیس کل اصل چهارم «ترومن» شد. در این پست آن چنان اعتماد آمریکائیها را جلب کرد که در فعالیتهای سیاسی (وارن رئیس اصل ۴) در زمان حکومت مصدق شرکت داشت. همچنین آمریکائیها هنگام تشکیل صندوق مشترک ایران و آمریکا وی را قائم‌مقام رئیس ایرانی صندوق مذکور کردند.
وی عضو مؤسس حزب ملیون نیز بود. در سال ۴۱ ساواک او را مظنون به داشتن همکاری سیاسی با آمریکائیها دانست. در سال ۴۵ به عنوان عضو شورای عالی انجمن فارغ‌التحصیلان آمریکا همراه دوستان خود اقدام به متشکل نمودن فارغ‌التحصیلان آمریکا کرد. وی عضو لژ فراماسونری اهواز وابسته به سازمان اسکاتلند معرفی گردید. سال ۴۷ از وزارت کشور برکنار و مشاغلی چون قائم‌مقام اشرف پهلوی، سرپرست سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی و از سال ۵۱ نیز مدتی قائم‌مقامی ریاست شورای مرکزی جشنهای شاهنشاهی را به عهده داشت.
مشاغل مهم دیگر وی عبارت بودند از: وزیر کار در کابینه اقبال از سال (۱۳۳۸)، مدیرعامل سازمان آب و برق خوزستان (از سال ۱۳۳۹)، استانداری خوزستان (از سال ۴۳)، وزیر کشور در کابینه دوم هویدا از مهر ۱۳۴۶ تا شهریور ۱۳۵۰. ضمناً وی عضو حزب ایران نوین و عضو مؤسس گروه ایران نو و عضو حزب رستاخیز بوده است.
اسناد ساواک ـ پرونده انفرادی.

۴ـ حسن زاهدی فرزند اسداله در سال ۱۲۹۲ در تهران متولد شد. تحصیلات خود را تا دکتری اقتصاد دانشگاه کلمبیا

ادامه داد. در سال ۱۳۱۵ وارد خدمت وزارت دارائی شد و در سال ۱۳۱۹ به سمت رئیس اداره کارگزینی بانک کشاورزی منصوب شد. در سال ۱۳۲۴ طبق دعوت سازمان ملل متحد وارد خدمت آن سازمان شد و در سال ۱۳۳۷ از پست دائمی سازمان ملل متحد استعفا و سپس با سمت مدیر کل درآمدها در وزارت دارائی مشغول شد. پس از وزارت دارائی به وزارت کشاورزی رفت و ابتدا به سمت رئیس هیئت مدیر و بانک کشاورزی انتخاب و در سال ۱۳۴۶ به وزارت رسید. مشارالیه در سال ۱۳۴۸ به وزارت کشور منصوب شد. زاهدی از اعضای فعال و مؤثر جمعیت فراماسونری، لژ اهواز بود. طبق سند بیوگرافیک ساواک:

"نامبرده تا حدی تندخو و عصبانی و بد دهن و رفیق باز و توصیه‌پذیر و خسیس و مظنون و بدبین به همه کس و همه چیز معرفی شده است. زاهدی متهم به سوء استفاده مالی در زمان تصدی ریاست بانک کشاورزی بوده و سه فقره پرونده در این زمینه جهت نامبرده تشکیل شده اما طبق روال عادی عدم رسیدگی به پرونده‌های رجال سطح بالای رژیم، از نتیجه اقدامات انجام شده اطلاعی در دست نیست و پرونده‌ها مسکوت مانده است.

بعد از مدتی در مهرماه ۱۳۵۰ استاندار خراسان شد که نیابت آستان قدس را هم عهده‌دار بود و تا آمدن ولیان یعنی اردیبهشت ماه ۱۳۵۳ به این سمت در خراسان اشتغال داشت.

در ۱۳۵۴ ش وی از سوی شاه به عنوان سناتور انتصابی تهران راهی مجلس سنا شد.

۵ـ دکتر محمد سام فرزند محمدباقر در سال ۱۳۰۳ در کرمان متولد شد. پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه در کرمان راهی تهران شد و موفق به اخذ لیسانس زبان از دانشکده ادبیات و لیسانس علوم تربیتی از دانشسرای عالی دانشگاه تهران شد و پس از آن موفق به اخذ فوق‌لیسانس تعلیمات روستائی از دانشگاه بزاسکای آمریکا و دکتریٰ در رشته علوم اداری و اداره مؤسسات تربیتی از دانشگاه کالیفرنیای جنوبی آمریکا گردید. وی از سال ۱۳۲۱ فعالیت خود را با شغل معلمی آغاز کرد و با سمتهایی همچون مدیر دبستان، دبیرستان، بازپرس تعلیماتی، معاون اداره کل کارگزینی وزارت فرهنگ، نماینده وزارت فرهنگ در بنگاه خاور نزدیک، رئیس حوزه عمرانی، استاد و معاون مؤسسه علوم اداری و بازرگانی دانشگاه تهران، مشاور عالی و اداری بانک مرکزی ایران فعالیتهای خود را ادامه داد تا اینکه در دوره بیست و یکم به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب گردید سپس در اسفند ۱۳۴۴ استاندار گیلان شد و تا ۱۳۴۹ در این سمت بود و پس از آن به سمت استاندار اصفهان منصوب گردید. وی در فروردین ۱۳۵۰ وزارت اطلاعات را به عهده گرفت.

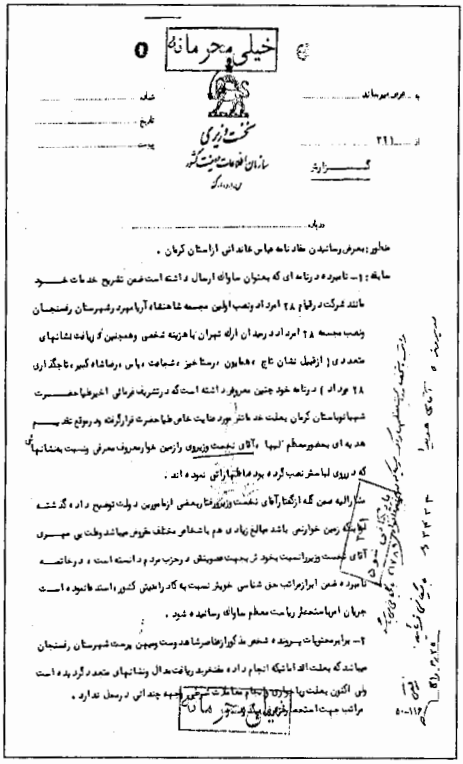

به : عرض می‌رساند تاریخ : ۵۱/۳/۲۵

از : ۳۲۱

منظور : به عرض رسانیدن مفاد نامه عباس خاندانی از استان کرمان.

سابقه : ۱ـ نامبرده در نامه‌ای که به عنوان ساواک ارسال داشته است ضمن تشریح خدمات خود مانند شرکت در قیام ۲۸ امرداد و نصب اولین مجسمه شاهنشاه آریامهر در شهرستان رفسنجان و نصب مجسمه ۲۸ امرداد در میدان ارک تهران با هزینه شخصی و همچنین دریافت نشانهای متعددی (از قبیل نشان تاج، همایون، رستاخیز، شجاعت، پاس، رضاشاه کبیر، تاجگذاری ۲۸ مرداد) در نامه خود چنین معروض داشته است که در تشریف‌فرمایی اخیر علیاحضرت شهبانو به استان کرمان به علت خدماتش مورد عنایت خاص علیاحضرت قرارگرفته و در موقع تقدیم هدیه‌ای به حضور معظم‌لها، آقای نخست‌وزیر وی را زمین خوار معروف معرفی و نسبت به نشانهایی که در روی لباسش نصب کرده بوده اظهاراتی نموده‌اند.

مشارالیه ضمن گله از گفتار آقای نخست وزیر و رفتار بعضی از مامورین دولت توضیح داده گذشته از اینکه زمین‌خوار نمی‌باشد مبالغ زیادی هم به اشخاص مختلف مقروض می‌باشد و علت بی‌مهری آقای نخست وزیر را نسبت به خودش به جهت عضویتش در حزب مردم دانسته است، در خاتمه نامبرده ضمن ابراز مراتب حق‌شناسی خویش نسبت به کادر امنیتی کشور، استدعا نموده است جریان امر به استحضار ریاست معظم ساواک رسانیده شود.

۲ـ برابر محتویات پرونده شخص مذکور از عناصر شاهدوست و میهن‌پرست شهرستان رفسنجان می‌باشد که به علت اقداماتی که انجام داده مفتخر به دریافت مدال و نشان‌های

متعددی گردیده است ولی اکنون به علت رباخواری و انجام معاملات شرطی وجهه چندانی در محل ندارد.

مراتب جهت استحضار از عرض می‌گذرد.

مراتب به استحضار ریاست معظم ساواک رسیده که در پرونده انفرادی ۲۱۷۸۹ بایگانی می‌باشد.

در پرونده آقای هویدا ۶۲۴۲۳ بایگانی فرمائید.

موفقی

۵۱/۳/۲۵

بدون شرح

تاریخ : ۵۱/۲/۲۵

درباره : جواز ورود موز

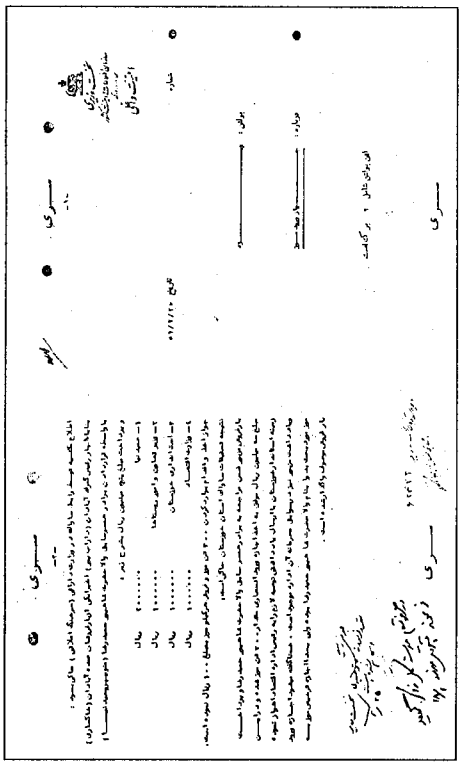

بولتن ویژه

این بولتن شامل دو برگ است

اطلاع مکتسبه توسط رابط ساواک در وزارت دارائی (سرهنگ اعلائی) حاکی بود :

بنا به اظهار رئیس گمرک آبادان (داراب‌پور) اخیراً یکی از بارفروشان عمده آبادان (خاکساری) با واسطه قرار دادن برادر همسر سابق والاحضرت شاهپور حمیدرضا (منوچهر وحیدنیا) و پرداخت مبلغ پنج میلیون ریال به شرح زیر :

۱ـ وحید نیا ۲۰۰۰۰۰۰ ریال

۲ـ وزیر تعاون و امور روستاها ۱۰۰۰۰۰۰ ریال

۳ـ استانداری خوزستان ۱۰۰۰۰۰۰ ریال

۴ـ وزارت اقتصاد ۱۰۰۰۰۰۰ ریال

جواز اخذ و اقدام به واردکردن ۳۰۰ تن موز و فروش هر کیلو موز به مبلغ ۱۰۰ ریال نموده است.

نتیجه تحقیقات ساواک استان خوزستان حاکی است :

بار فروش مزبور ضمن مراجعه به برادر همسر سابق والاحضرت شاهپور حمیدرضا و پرداخت مبلغ سه میلیون ریال موفق به اخذ اجازه ورود انحصاری مقدار ۳۰۰ تن موز شده و در این زمینه استاندار خوزستان با ارسال یادداشتی توصیه لازم را به رئیس اداره اقتصاد اهواز نموده و یادداشت مزبور نیز در سوابق محرمانه آن اداره موجود است. ضمناً گفته می‌شود اجازه ورود موز مورد بحث بدواً به نام والاحضرت شاهپور حمیدرضا بوده ولی بعداً اجازه ترخیص موز به بارفروش موصوف واگذار شده است.

به عرض رسید

مقرر فرمودند با توصیه آقای نخست‌وزیر انجام شده است

۲/۲۵

در حضور مقام مدیریت کل مذاکره گردیده فرمودند اقدامی ندارد ۲/۲۸

در پرونده آقای نخست‌وزیر ۶۲۴۲۳ بایگانی شود. ۵۱/۳/۱۱

به : ۳۲۱ تاریخ : ۵۱/۵/۴

از : ۲۰ ه ۲۱ شماره : ۲۰/۴۰۸۰۵ ه ۲۱

موضوع : استعفای دکتر کنی از دبیرکلی حزب مردم

ساعت ۱۶۳۰ روز ۵۱/۵/۳ جلسه فوق‌العاده شورای عالی حزب مردم با شرکت قریب به ۴۵ نفر از اعضا در محل باشگاه حزب مزبور تشکیل گردید. ابتدا آقای دکتر کنی استعفای خود را از مقام دبیرکلی حزب مردم به شورا تقدیم داشت و علت استعفای خود را چنین بیان کرد که چون من ناراحتی قلبی دارم دکتر معالج منع فعالیتهای حزبی را توصیه و تجویز کرده است. به همین جهت استعفای خود را تقدیم شورای عالی حزب می‌نمایم. آقای علامه وحیدی[1] و پرفسور عدل با استعفای ایشان مخالفت کردند و پیشنهاد نمودند [تا] انتخاب دبیرکل جدید وظایف مربوطه را انجام دهد ولی این پیشنهاد مورد قبول دکتر کنی قرار نگرفته است.

نظریه شنبه : [علت] استعفای دبیرکل حزب مردم ناراحتی قلبی نبوده بلکه به خاطر میتینگی بوده که در اصفهان در باغ همایون تشکیل داده که در آنجا شدیداً به دولت حمله نموده و حتی یک کلمه عربی بکار برده است که حزب حاکم را به صورت یک محیط کثیفی دانسته که به خانمها اطلاق می‌شود و شایع است که آقای هویدا بسیار ناراحت شده و مراتب را به شرف عرض همایونی رسانیده که اعلیحضرت همایونی مقرر فرمودند ترتیبی اتخاذ شود که نامبرده از دبیرکلی حزب برکنار شود شایع است که آقای بختیار که در تشریفات وزارت دربار شاهنشاهی مشغول کار است به دبیرکلی حزب مردم انتخاب خواهد شد و بعضی‌ها می‌گویند آقای دکتر باهری[2] معاون اجتماعی وزارت دربار به این سمت برگزیده می‌شود. همچنین بعضی‌ها

می‌گویند از طرف آقای هویدا یک نفر نیز تعیین خواهد شد و حزب مردم از تشکیلات بزرگ حزب ایران نوین در خواهد آمد.

نظریه چهارشنبه :گزارش خبر صحت دارد و نظریه شنبه که مبنی بر اظهارات اعضای حزب و شایعات است قابل بررسی می‌باشد.

ملاحظات : مفاد گزارش خبر در ساعت ۰۷۴۵ روز ۵۱/۵/۱ به ۳۲۱ تلفنگرام گردیده است.

رونوشت برابر اصل است

۵۱/۶/۱...

آقای هویدا ۶۲۴۲۳

۱ـ محمدعلی وحیدی معروف به علامه وحیدی روحانی نمایی بود که در جوانی جزء نزدیکان آیت‌الله شهرستانی بشمار می‌رفت اما به علت خیانت و جعل نامه‌ای در حمایت از شخص بزه‌کاری با مهر ایشان، آیت‌الله شهرستانی وی را از خود راند و مهر خود را نیز شکست.

از نکات جالب توجه زندگی وحیدی این است که سپهبد امیراحمدی (از نزدیکان رضا شاه) طی تلگرافی او را مجتهد قلمداد می‌کند و علامه وحیدی نیز از حرف او برای اجتهاد خود استفاده می‌کند بر همین اساس نیابت تولیت مدرسه سپهسالار به وی سپرده شد.

وی با کنار گذاشتن لباس روحانیت وارد مجلس شورای ملی شد و در دوره بیستم مجلس به هنگام آغاز نطقش گفت: «به نام خدا و شاهنشاه».

او پس از اظهار این جمله که «شاه خدای روی زمین است» مورد اعتراض سردار فاخر حکمت(!) قرار گرفت. حکمت به وی گفت اینجا خانه ملت است و کسی حق ندارد سخنان کفرآمیز به زبان آورد و او را، وادار به ترک تریبون کرد.

شاه و دستگاه تبلیغاتی او از وحیدی به عنوان یک مجتهد و مرجع تقلید یاد می‌کردند. وحیدی برای نخستین بار از پشت تریبون مجلس به حضرت امام (ره) اهانت کرد. سخنانش به قدری توهین‌آمیز و بی‌شرمانه بود که ساواک آن را، موجب گسترش اعتراضات مردم و روحانیت دانست.

۲ـ دکتر محمد باهری در سال ۱۲۹۸ شمسی در شیراز متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در این شهر به پایان رساند و لیسانس حقوق قضایی خود را از دانشگاه تهران دریافت نمود. وی دوره دکترای دولتی حقوق را در دانشگاه پاریس گذراند و مدت ۲۰ سال استاد دانشکده حقوق دانشگاه تهران بود. باهری که از توده‌ای‌های قدیم و دبیر کمیته حزب توده در فارس بود، او از جمله توده‌ای‌های انگلیسی باند اسداله علم بود که در تیرماه ۱۳۴۱ از طرف علم به عنوان

معاون حزب مردم انتخاب گردید و در اواخر همان سال در حالی که دانشیار دانشکده حقوق بود، به وزارت دادگستری رسید. در سال ۱۳۴۵ به معاونت دربار منصوب شد و مسئولیت امور اجتماعی دربار به او محول گردید. وی مدتی نیز مسئولیت بازرسی عالی شاهنشاهی آموزش عالی را به عهده داشت و سرپرست برنامه‌های تبلیغاتی جشنهای خانمان برانداز ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی نیز بود. باهری از آغاز تأسیس «حزب رستاخیز ملت ایران» بدان پیوست و یک کانون فعال حزبی را در تهران اداره می‌کرد. وی در مرداد ماه سال ۱۳۵۶ به سمت «بیرکلی حزب منصوب شد و در ۵ شهریورماه ۱۳۵۶ به عنوان وزیر دادگستری وارد کابینه شریف امامی گردید. باهری دهها کتاب در مدح خاندان پهلوی منتشر ساخت.

مراسم نیایش ـ نشسته از چپ: علامه وحیدی ـ هویدا ـ محمدرضا پهلوی ـ منوچهر اقبال ـ نجم آبادی و در بین ایستادگان، غلامرضا ازهاری ـ هوشنگ نهاوندی ـ هرمز قریب ـ امیر متقی و.... نیز دیده می‌شوند.

به : ۳۲۳ تاریخ : ۵۱/۶/۲۰

نخست وزیری

محترماً به عرض می‌رسد :

حسین کبیری اوحدی[1] مقصودلو لیسانس زبان عربی کارمند وزارت کشور که در سال ۱۳۴۳ به استخدام دولت در آمده گزارشی تقدیم جنابعالی نموده (گزارش به پیوست است) که قسمتی از آن به شرح زیر است :

«سیاست اداری پاره‌ای از وزرا و مقامات سطح بالای وزارتخانه‌ها که در عصر دولت جنابعالی مصدر مشاغل و مناصب مهم گردیده‌اند، متأسفانه بسیار ضعیف و فاقد هرگونه مدیریت و صلاحیت بوده و علاوه براینکه به انقلاب اداری به هیچ‌وجه مؤمن و معتقد نمی‌باشند، با انتصاب بستگان و دوستان بسیار نزدیک به مقامات حوزه مغناطیسی پست مربوطه و با اعمال تضییقات و تبعیضات گوناگون و وارد ساختن خسارات مادی و معنوی رنگارنگ نسبت به کارمندانی که از داشتن پارتی محروم می‌باشند موجبات دلسردی و ناراحتی کارمندان دولت به ویژه توده تحصیل کرده و روشنفکر را فراهم می‌نمایند...»

نامبرده ضمن شرح خدمات خود و اینکه در اول خدمت به سمت بخشدار تعیین شده و در نقاط مختلف کشور با فداکاری انجام وظیفه نموده و اکنون که پس از ۸ سال خدمت در خارج از مرکز به علت گرفتاریهای خانوادگی به مرکز منتقل شده وی را در سمت متصدی گیشه اطلاعات وزارت کشور گمارده‌اند و اضافه نمود که بی‌عدالتی‌های زیادی بعمل می‌آید و چنانچه طالب باشند نسبت به انتشار لیست قسمتی از پارتی‌بازیها و انتصابات اخیر وزارتخانه به وسیله واسطه‌ها اقدام نماید.

در خاتمه اظهار امیدواری نموده که از طریق سپردن کارهای سازندگی بدست عناصر کاردان و با

نخست وزیری

- ۲ -

درخشانه اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران تقدیم داشته وشکایاتی درسازمان امور اداری واستخدامی کشور و دیوانعالی کشور بموجب آن مطرح که در هر دو قسمت محکوم گردیده است .

نظرات گوناگون مسئولان و مدیران وی از جمله : استاندار خوزستان ، مدیرکل بازرسی ، استاندار مرکز ، استاندار آذربایجان غربی ، استاندار گیلان ، استاندار اصفهان تماماً حاکی از بی تجربگی ، عدم مدیریت ، عدم نظم و ترتیب ، عدم فعالیت ، عدم مردم داری ، عدم قبول مسئولیت وی بوده است .

علاوه برآن در ارزشیابی ۱۳۴۹/۵/۲ وزارت کشور ۱۳ امتیاز و از نظر اولویت در ردیف ۱۵۹ و از نظر گزارش مأموران ارزیاب ۵۶ امتیاز از مجموع ۱۴۰ امتیاز داشته است، موکول به امر عالی

وجدان، ایران نوی بوجود آورده بود و در پیشگاه قضاوت تاریخ سر بلند و پیروز باشند.

مراتب به عرض رسید مقرر فرمودند:

«جناب آقای خبیر معاون وزارت کشور، شخصاً و دقیقاً به این کار رسیدگی کنند.»

در اجرای اوامر آن جناب به جناب آقای خبیر معاون وزارت کشور مراجعه و جواب واصله (گزارش پیوست) حاکی است:

پرونده‌های حسین کبیری مقصودلو حاکی از این است که نامبرده در هیچ یک از سمت‌های خود (۱۶ سمت در عرض ۸ سال) بیش از چند ماه باقی نمانده مضافاً به اینکه در همان هنگام تصدی نیز به علل و معاذیر مختلف از قبیل مرخصی استحقاقی، استعلاجی و حتی عدم حضور مرتباً مورد مؤاخذه قرار گرفته و از اشتغال و قبول مسئولیت خودداری می‌نموده ولی در مقابل مرتباً به مقامات مملکتی متشبث و هر بار از تبعیض شکایت داشته است.

نامبرده چهار طغری عریضه به پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران تقدیم داشته و شکایاتی در سازمان امور اداری و استخدامی کشور و دیوانعالی کشور مطرح که در هر دو قسمت محکوم گردیده است.

نظرات گوناگون مسئولان و مدیران وی از جمله: استاندار خوزستان، مدیرکل بازرسی، استاندار مرکز، استاندار آذربایجان غربی، استاندار گیلان، استاندار اصفهان تماماً حاکی از بی‌تجربگی، عدم مدیریت، عدم نظم و ترتیب، عدم فعالیت، عدم مردم‌داری، عدم قبول مسئولیت وی بوده است.

علاوه برآن در ارزشیابی ۱۳۴۹/۵/۲ وزارت کشور ۱۳ امتیاز و از نظر اولویت در ردیف ۱۵۹ و از نظر گزارش مأموران ارزیاب ۵۶ امتیاز از مجموع ۱۴۰ امتیاز داشته است، موکول به امر عالی

است.

سرتیپ زندی‌پور

در اجرای اوامر جناب آقای نخست‌وزیر حسین اوحدی در ساعت ۱۱۰۰ روز ۵۱/۶/۲۰ به نخست وزیری احضار ضمن تحبیب و تهدید و نصایح لازم نامبرده متعهد شد که کار واگذاری را به نحو احسن انجام دهد تا بدین ترتیب مورد توجه رؤسای خود قرار گیرد. زندی‌پور ۶/۲۰

لطفاً به طرف بگوئید

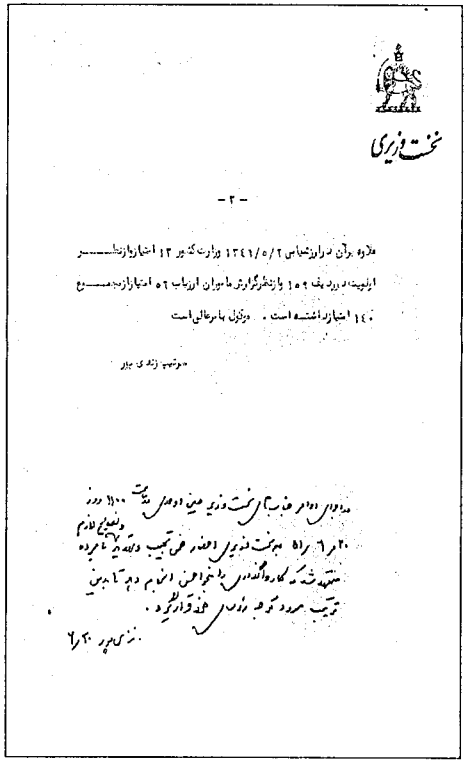
نخست وزیری

-۲-

ملوره برآن در اردیبهشت ۱۳۴۱/۵/۲ وزارت کشور ۱۲ امتیاز وزنه...
اولیت، در ردیف ۱۰۹ و از نظر گزارش ماهیان ارزیاب ۵۶ امتیاز از مجموع
۱۴۰ امتیاز داشته است. دلایل با مرحمتی است

موضوع زندی پور

مدد اوامر جناب آقای نخست وزیر مبنی او حدی مدیریت ۱۱۰۰ روز ۵۱/۶/۲۰ به نخست وزیری احضار ضمن تحبیب و تهدید و نصایح لازم نامبرده متعهد شد که کار واگذاری را با نحو احسن انجام دهد تا بدین ترتیب مورد توجه رؤسای خود قرار گیرد. زندی پور ۶/۲۰

۱ـ این تحقیقات به دستور هویدا به شرح زیر انجام شده است: تاریخ: ۱۳۵۱/۵/۱۵

سرکار سرهنگ صدقی

جناب آقای نخست‌وزیر فرمودند خواهش کنم راجع به این شخص به طور محرمانه تحقیق و نتیجه اطلاع داده شود تا به عرض معظم‌له برسانم ارادتمند....

حسین اوحدی شغل کارمند وزارت کشور

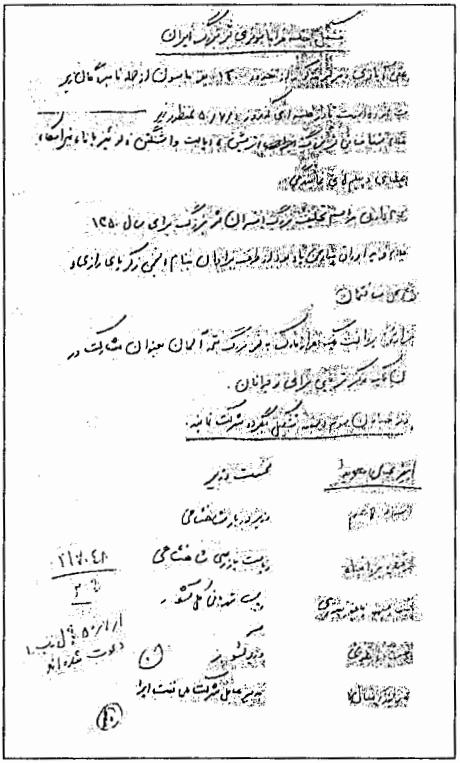

تاریخ : ۵۱/۷/۱

تشکیل جلسه فراماسونری لژ بزرگ ایران

[احمد] علی‌آبادی دبیر لژ مذکور از حدود ۱۲۰ نفر ماسون از جمله نامبردگان زیر دعوت نموده است تا در جلسه‌ای که روز ۵۰/۷/۱ به منظور زیر :

۱ـ اعلام شناسایی لژ بزرگ اتریش، ایالت واشنگتن، لوئیز یانا، نبراسکا.

۲ـ اعطای دیپلم‌های نمایندگی.

۳ـ انجام دادن مراسم تحلیف بزرگ افسران لژ بزرگ برای سال ۱۳۵۰.

۴ـ اعلام خرید اوراق مدارس یادبود از طرف برادران به نام انجمن زکریای رازی و تعیین محل ساختمان.

۵ـ گزارش پرداخت یک هزار مارک به لژ بزرگ متحد آلمان به عنوان مشارکت در ساختمان یک مرکز تربیتی برای نوجوانان.

در خیابان سوم اسفند تشکیل می‌گردد شرکت نمایند.

۱ـ امیرعباس هویدا نخست‌وزیر

۲ـ اسدالله علم وزیر دربار شاهنشاهی

۳ـ دکتر مرتضی یزدان‌پناه[1] ریاست بازرسی شاهنشاهی

۴ـ تیمسار سپهبد جعفر صدری[2] ریاست شهربانی کل کشور

۵ـ حسن زاهدی وزیر کشور

۶ـ منوچهر اقبال[3] مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران

۲۱۷۰۴۸ ۵۰/۷/۱ به ل ـ ب ـ ا دعوت شده‌اند

۱ـ مرتضی یزدان‌پناه فرزند علی‌اکبر در سال ۱۲۷۳ ش در تهران متولد شد. پس از طی تحصیلات مقدماتی و دبیرستان

وارد دانشکده افسری شد و مدارج ترقی نظامی را به سرعت گذراند و در سال ۱۳۲۱ به درجه سپهبدی رسید. نامبرده مشاغلی منجمله: فرمانده تیپ گارد پیاده لشکر مرکز، فرماندار نظامی تهران، فرمانده دانشکده افسری، رئیس ستاد ارتش، وزیر جنگ، رئیس هیئت نظامی در امریکا و... را عهده‌دار بود. مشارالیه از افسران وفادار به رژیم پهلوی بوده و در بیوگرافی خود که برای اداره کل انتشارات و رادیو نوشته، چنین آورده است: ... خدمت اینجانب به شاهنشاه فقید هنگامی شروع شد که معظم‌له با درجه سرلشکر (یاوری) فرماندهی گروهان مسلسل «آتریاد» تهران را عهده‌دار و اینجانب با داشتن درجه ستوانی در همان گروهان عهده‌دار فرماندهی دسته بودم و این افتخار مدت بیست و هفت سال متوالی (در درجات و مشاغل مختلف) یعنی تا شهریور ۱۳۲۰ که کشور عزیز ما بوسیله نیروهای بیگانه اشغال و حضرت معظم‌له مجبور به ترک ایران شدند شامل حال اینجانب بوده است. و خاطرات متعددی دارم...

شرکت مؤثر در کودتای ۱۲۹۹ شمسی با داشتن سمت فرماندهی هنگ پیاده گارد تیرانداز آتریاد و تهران که آغاز در سر فصل تاریخ جدید ایران است...

عهده‌دار شدن ریاست ستاد ارتش پس از واقعه شهریور ۱۳۲۰ تحت اوامر مستقیم اعلیحضرت محمدرضا شاه پهلوی و تلاش فوق‌العاده‌ای برای جمع‌آوری ارتش و عملیات عملی ساختن سازمان جدید و جلب رضایت خاطر اعلیحضرت ـ که مفتخر به درجه سپهبدی شدم".

یزدان پناه به پاس خدماتی که در فوق آمده به دریافت نشان‌های ذوالفقار ۴، نشان کودتا، نشان همایون درجه ۱، نشان تاج درجه ۱ و... مفتخر گردید. یزدان‌پناه که در کودتای ۱۲۹۹ درجه میرپنجی داشت، قبل از حسین فردوست، ریاست بازرسی شاهنشاهی را عهده‌دار بود و از افرادی بود که با تشکیلات فراماسونری بین‌المللی نیز ارتباط داشت و یکی از پسران او، داماد تیمور بختیار بود.

وی در سال ۱۳۵۱ ش درگذشت.

۲ـ جعفرقلی صدری فرزند فرج‌الله، در سال ۱۲۹۰ ش در اصفهان بدنیا آمد. وی رئیس شهربانی کل کشور بود. نامبرده دارای مدرک تحصیلی ششم متوسطه و مدارج نظامی از دانشکده افسری ـ دانشگاه جنگ بود. در مهرماه ۱۳۴۴ با درجه سرلشگری به معاونت ژنرال آجودانی شاه رسید. نشانهای لیاقت درجه ۱ و ۲ و ۳، افتخار درجه ۱ و ۲ و ۳، رستاخیز ۱، آذرآبادگان، پاس ۳ را دریافت داشت. وی در تاریخ ۵۷/۸/۱۶ از طرف فرمانداری نظامی دستگیر شد. سپهبد جعفرقلی صدری از جمله افرادی بود که با تشکیلات فراماسونری بین‌المللی ارتباط داشت و در جلسهٔ تشکیل لژ بزرگ ایران شرکت کرد. او که پس از پیروزی انقلاب اسلامی موفق به فرار شده بود، پس از محاکمه در دادگاه انقلاب اسلامی به اعدام محکوم شد.

اسناد ساواک ـ پرونده انفرادی.

۳ـ دکتر منوچهر اقبال در سال ۱۲۸۸ شمسی در خراسان متولد گردید و در ۴ آذرماه سال ۱۳۵۶ درگذشت. او بهنگام مرگ ۶۸ سال داشت و آخرین سمت او رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران بود.

منوچهر اقبال شهرت و پیشرفت را مدیون «قوه ابتکار» خود و پدرش است. در جوانی آن اندازه خوش سیما بود که در شمار دوستان نزدیک اشرف پهلوی درآمد و بقدری مطیع و وفادار بود که در زمرهٔ محرمان شاه قرار گرفت. برخورداری از عناوین دانشگاهی و ارتباطات گسترده خارجی، او را به بهترین نامزد برای اجرای سیاست‌های مورد نظر شاه در آورد و به همین دلیل، دولت منوچهر اقبال قریب چهار سال دوام آورد ولی شاه برای مهار بحران سال ۱۳۳۹ او را قربانی کرد در حالیکه موفق شده بود در دوران صدارت او ساواک را بنیانگذاری نماید.

پدر منوچهر اقبال، حاج مقبل‌السلطنه خراسانی، معروف به «اقبال التولیه» در آذرماه ۱۳۰۴ نمایندهٔ مجلس موسسانی شد که انتقال سلطنت از قاجار به رضاخان را تسجیل نمود. هر چند مقبل‌السلطنه چهره درجه اولی نبود که به حسب

رعایت ظواهر، حضور او در مجلس ضروری باشد ولی انتخاب او شاهدی بر پیوندهایش با دستگاه رضاخان بود و بدین ترتیب خانواده اقبال در ردیف ۴۰ خاندان برجسته ایران قرار گرفته بود. فرزندان حاج مقبل‌السلطنه شامل علی (نماینده مجلس)، عبدالوهاب (سناتور)، خسرو (سرمایه دار)، محمد (وکیل دادگستری)، احمد (سفیر) و منوچهر می‌شوند.

منوچهر در سال ۱۳۰۵ عازم اروپا شد و در سال ۱۳۱۲ به عنوان متخصص امراض عفونی از دانشکده پزشکی پاریس فارغ‌التحصیل گردید. و در همین سال با یک دختر فرانسوی مسیحی ازدواج کرد. منوچهر اقبال پس از بازگشت به ایران در مهرماه ۱۳۱۲ به خدمت سربازی رفت و در بیمارستان لشکر ۸ شرق (خراسان) به‌کار پرداخت. در سال ۱۳۱۳، رضاشاه در سفری به خراسان دچار زنبورگزیدگی شد و منوچهر اقبال درد او را التیام بخشید و مورد محبت شاه قرار گرفت. پس از پایان سربازی، در سال ۱۳۱۴ رئیس بهداری شهرداری مشهد شد و مدتی بعد به تهران آمد و در شهریور ۱۳۱۵ ریاست بخش بیماری‌های عفونی بیمارستان رازی را به دست گرفت و در سال ۱۳۱۸ دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه تهران و سپس استادکرسی بیماری‌های عفونی در این دانشکده شد. ورود اقبال به صحنهٔ سیاست با شهریور ۱۳۲۰ و سقوط دیکتاتوری رضاخان مقارن است.

اقبال در آغاز در زمرهٔ اطرافیان احمد قوام قرار گرفت. در دولت اول قوام (مرداد ـ بهمن ۱۳۲۱) به معاونت وزارت بهداری رسید و این سرآغاز مشاغل دور و دراز دولتی او بود. در شهریور ۱۳۲۳ در کابینهٔ محمد ساعد کفیل وزارت بهداری شد و در دولت قوام (بهمن ۱۳۲۴ ـ آذر ۱۳۲۶) به وزارت بهداری و وزارت پست و تلگراف رسید. در زمان ورود وزرای «توده‌ای» به کابینه قوام (ایرج اسکندری، دکتر فریدون کشاورز و دکتر مرتضی یزدی)، به منظور ایجاد توازن در قبال آنان، اقبال در نقش «جناح راست» کابینه ظاهر شد و به همراه سپهبد احمد امیراحمدی (وزیر جنگ) و ذکاءالدوله (سهام‌الدین) غفاری (وزیر پست و تلگراف) به اتخاذ مواضع تند علیه حزب توده و دولت خود مختار پیشه‌وری در آذربایجان دست زد. در این سناریو، قوام می‌بایست نقش «میانه‌رو» ایفاء می‌نمود. منوچهر اقبال در دولت عبدالحسین هژیر (تیر ـ آبان ۱۳۲۷)، علیرغم رقابت‌هائی که با وی برای تصاحب پست نخست‌وزیری داشت، وزیر فرهنگ شد و به عنوان رئیس «سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی» نفوذ خود را گسترده ساخت. اقبال در سمت وزیر فرهنگ دولت هژیر به اقداماتی دست زدکه برای وی شهرت گسترده‌ای به عنوان یک «چهرهٔ مرتجع» به ارمغان آورد.

مهم‌ترین این اقدامات، پیگیری تز «سیاست را از فرهنگ جدا کنید»، بمنظور سیاست زدائی مدارس و دانشگاه‌ها و مصوبهٔ ضد مطبوعات شهریور ۱۳۲۷ بود. طبق این مصوبه دولت هژیر با اعتراض شدید مطبوعات مواجه شد که به توقیف تعدادی از آنها انجامید. منوچهر اقبال در دولت دوم محمد ساعد (آبان ۱۳۲۷ ـ فروردین ۱۳۲۹) ابتدا وزیر راه شد و مدت کوتاهی بعد (۲۱ آذر ۱۳۲۷) وزیر بهداری و سرپرست وزارت کشور گردید و در ۲۱ اسفند به وزارت کشور رسید. دکتر اقبال در جریان انتخابات این زمان با وساطت دکتر هادی طاهری (وزیر مشاور) مبلغ ۵۰۰ هزار تومان رشوه دریافت داشت. در این دوران اقبال به عنوان یک چهرهٔ وابسته به استعمار بریتانیا و دربار شهرت یافت و اوج آن، زمانی بود که وی به بهانه ترور نافرجام شاه در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷، اجرای یک سلسله اقدامات سرکوبگرانه، از جمله توقیف و تبعید آیت‌الله کاشانی و انحلال برخی احزاب و توقیف جراند، را به مجلس پانزدهم اعلام داشت. منوچهر اقبال در دولت رجبعلی منصور (فروردین ـ تیر ۱۳۲۹) نیز به عنوان وزیر راه حضور داشت.

با صعود رزم‌آرا به صدارت، اقبال به علت شهرت سوئی که اندوخته بود به کابینه راه نیافت و توسط شاه به عنوان استاندار آذربایجان راهی این خطه شد. در مرداد ۱۳۲۹ با اعلام لیست کارمندان مشمول «بند ج» توسط دکتر محمد سجادی، رئیس هیئت تصفیه، نام اقبال در این لیست به چشم می‌خورد. مشمولین این لیست صلاحیت خدمت در دستگاه دولتی را نداشته و باید اخراج می‌شدند. اقبال در آذربایجان ریاست دانشگاه تبریز را نیز به عهده داشت.

در دوران دولت مصدق، اقبال متصدی شغلی نبود و تنها در دانشگاه تدریس می‌کرد. او مدتی بعد، در سال ۱۳۳۱، عازم اروپا شد.

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، منوچهر اقبال به تهران بازگشت و به دستور شاه سناتور شد و در ۱۸ دیماه ۱۳۳۳ ریاست دانشگاه تهران و ریاست دانشکده پزشکی را به دست گرفت و در ۱۲ خرداد ۱۳۳۵ وزیر دربار شد. اوج موفقیت اقبال از این زمان آغاز گردید و از همین زمان است که رقابت شدید و کینه توزانه‌ای میان او و اسدالله علم آشکار شد. اقبال در این دوران عالیترین روابط را با محمد رضا و اشرف پهلوی داشت و می‌کوشید تا از خود یک چهرهٔ کاملاً خاضع و تابع نشان دهد. دختر بزرگ اقبال، مریم اقبال، پس از جدائی از محمود رضا پهلوی، عروس اشرف (همسر شهریار شفیق) شد. در نتیجهٔ این روابط بود که دکتر منوچهر اقبال در ۱۵ فروردین ۱۳۳۶ به نخست‌وزیری رسید.

دولت اقبال به سرعت به عنوان یک دولت مطیع شاه و وابسته به بریتانیا شهرت یافت و بتدریج نارضائی مقامات آمریکائی از آن مشاهده شد و این عدم رضایت در نیمه دوم سال ۱۳۳۶ به اوج خود رسید.

دولت اقبال پس از ۳ سال و ۴ ماه مقابله با دشوارترین تنش‌های سیاسی در شهریور ۱۳۳۹ سقوط کرد و مدت کوتاهی بعد، در ۶ اسفند ۱۳۳۹، دکتر منوچهر اقبال ـ رئیس دانشگاه تهران، رهبر حزب ملیون و نماینده مجلس بیستم ـ در ساختمان دانشکده پزشکی دانشگاه تهران مورد حمله و توهین «دانشجویان» قرار گرفت و اتومبیل وی به آتش کشیده شد.

منوچهر اقبال در آبان ۱۳۴۲ توسط شاه به عنوان مدیر عامل «شرکت ملی نفت ایران» منصوب شد و در این پست مهار شده تا آخر عمر باقی ماند.

در واپسین دوران زندگی اقبال، تحقیر مدام و توطئه‌های آشکار و نهان علم علیه او تداوم یافت و مقابله‌ها و ابراز حسادت‌های اقبال، وی را در موضعی مطرود و حقیر در نزد شاه قرار داد. دکتر منوچهر اقبال در سفر سال ۱۳۳۱ به فرانسه به عضویت فراماسونری درآمد. در سالهای بعد، در راس لژهای تابع تشکیلات فراماسونری فرانسه قرار داشت. نام اقبال در زمرهٔ مؤسسین لژ «خورشید تابان» در خرداد ماه ۱۳۴۳ و رئیس هیئت مدیره این لژ قرار داشته است.

به: ۳۴۱ تاریخ: ۵۱/۷/۱۷

از: ۳ ه شماره: ۳/۲۳۴۶۶ ه

موضوع: فراماسونری

پیرو/۳: ۲۲۴۲۴ ه ـ ۵۱/۶/۲۷

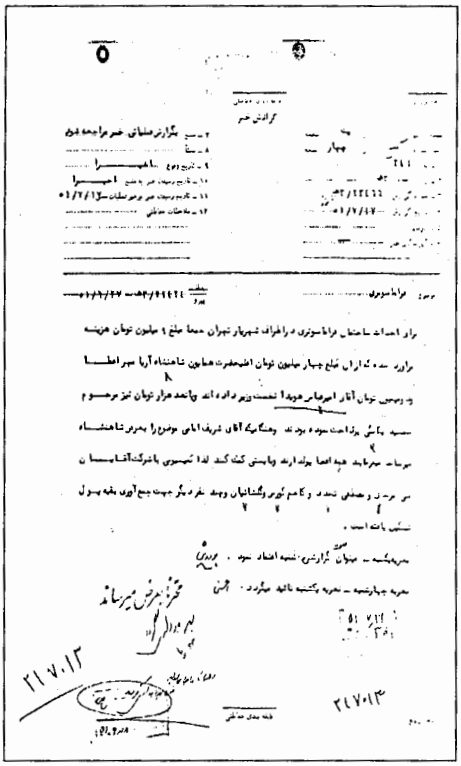

برای احداث ساختمان فراماسونری در اطراف شهریار تهران جمعاً مبلغ ۹ میلیون تومان هزینه برآورد شده که از آن مبلغ چهار میلیون تومان اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر اعطا و دو میلیون تومان آقای امیرعباس هویدا نخست‌وزیر داده‌اند و پانصد هزار تومان نیز مرحوم جمشید یگانگی پرداخت نموده بودند و هنگامی که شریف امامی موضوع را به عرض شاهنشاه می‌رساند می‌فرمایند همه اعضا پولدارند و بایستی کمک کنند لذا کمیسیونی با شرکت آقایان علی مرندی[1] و مصطفی تجدد[2] و کاظم کورس و گلشائیان و چند نفر دیگر جهت جمع‌آوری بقیه پول تشکیل یافته است.

نظریه یکشنبه: می‌توان به صحت گزارش شنبه اعتماد نمود. پرورش

نظریه چهارشنبه: نظریه یکشنبه تایید می‌گردد. احسنی

بهره‌برداری گردد

۷/۲۳

احتراماً در اجرای اوامر بهره‌برداری گردید. سامعی

۵۱/۹/۱۸

۱ـ علی مرندی فرزند جواد در سال ۱۲۸۴ ه ش در شهرستان مرند به دنیا آمد. از دبیرستان تیموریان در تبریز دیپلم گرفت و سپس جهت ادامه تحصیل در دانشکدهٔ امریکائی بیروت، به لبنان رفت. خدمت سربازی را با درجه ستوان سومی در هنگ سوار تهران، طی کرد و سپس به استخدام، شرکت نفت در آمد و در مشاغل زیر کار کرد: «کارمند پخش، متصدی جایگاه، رئیس ناحیه اندیمشک، کفیل ناحیه تبریز، رئیس ناحیه اراک، رئیس ناحیه مشهد، رئیس و متصدی

تدارکات مواد نفتی مرکز، رئیس فروش، رئیس ناحیه تبریز، رئیس تدارکات مواد نفتی، عضو هیأت مدیره و سرپرست خدمات بازرگانی.»

علی مرندی که در سال ۵ الی ۶ بار به انگلیس سفر می‌کرد، و در سال ۱۳۴۹ بین اهالی شهرستان مرند، به جاسوس انگلیس شهرت داشت، در مقاله‌ای که در سال ۱۳۳۱ در روزنامه انقلاب نفت، چاپ شد و در سال ۱۳۵۲ تصویر آن به وسیله پست به مراکز دولتی ارسال گردید، به شرح زیر، معرفی شده است: «علی مرندی همان ماژورلد بیتر افسر ارتش بریتانیا و در زمان جنگ بین‌المللی دوم رئیس بازداشتگاه متفقین در اراک بود و پس از عزیمت نیروی انگلیس از ایران تغییر لباس داده و به عضویت شرکت نفت در آمده و جاسوسی می‌کرده است.» مشارالیه که عضو لژهای فراماسونری: مزدا، فروغی، سعدی، شیراز، ابوعلی سینا، شمس تبریزی، دانش، مولوی و اهواز بود و از مؤسسین لژهای رازی و خورشید معرفی گردیده و در زمان تصدی دکتر اقبال در شرکت نفت، مشاور وی بوده، در سال ۱۳۴۶ از شهرستان مرند به مجلس شورای ملی راه یافت. علی مرندی که عضویت حزب ایران نوین را یدک می‌کشید و یک برادرش ـ غلامعلی ـ از اعضای فعال فرقه دمکرات آذربایجان و برادرش دیگرش ـ علی مراد ـ به اعدام محکوم شده و به علت دوستی با تیمسار ضرغام از اعدام او جلوگیری و از ژرژ ششم ـ پادشاه وقت انگلستان ـ مدال دریافت کرده و از راه دزدی‌های خود، ثروت کلانی به دست آورده بود، و تا آخر عمر تأهل اختیار نکرد، دارای مفاسد اخلاقی شدید بود و در تمام شئونات شهر مرند دخالت می‌کرد. در ضمن وی عضو هیئت مدیره ایروس و رئیس هیئت مدیره شرکت نفت فلات قاره (ایرویکو) در لندن، نیز بوده است.

۲ـ مصطفی تجدد در سال ۱۲۸۷ ش در ساری به دنیا آمد و پس از پایان تحصیل خود در مدرسه آلمانی در ۱۳۰۶ به خدمت وزارت دادگستری درآمد و مقام کفالت دفتر استیناف را تصاحب نمود. در آبان ۱۳۰۸ به بانک ملی رفت و در سال ۱۳۱۲ جهت تحصیل به اروپا سفر نمود. در سال ۱۳۲۴ در بانک صنعتی و معدنی ایران مشغول به کار شد و در سال ۱۳۲۸ بانک بازرگانی را تأسیس نمود. در دوره‌های هیجدهم و نوزدهم مجلس شورای ملی از شهر ساری کرسی نمایندگی را اشغال نمود. وی در کابینه دکتر اقبال وزیر بازرگانی و دبیر کل شورای عالی اقتصاد بود و مدتی را نیز برکرسی سناتوری مجلس سنا تکیه زد. مصطفی تجدد از کسانی بود که علاوه بر وابستگی به بیگانگان از استعداد حقه‌بازی و شارلاتی و همچنین نادرستی و بی‌صداقتی نیز بهره‌مند بود و در تشکیلات فراماسونری ـ لژ فروغی و لژ بزرگ ایران نیز عضویت داشت.

به : ۳۴۱ تاریخ : ۵۱/۷/۲۰

از : ۲۰/ه ۲۱ شماره : ۴۳۲۹۷/ ۲۰ ه ۲۱

موضوع : پرتاب گوجه‌فرنگی حین ورود آقای نخست‌وزیر به سازمان جوانان حزب ایران نوین

ساعت ۱۶۰۰ مورخه ۵۱/۷/۱۹ در سازمان جوانان حزب ایران نوین واقع در خیابان ژاله حدود سه هزار نفر جوانان حزبی دانش‌آموزان دختر و پسر مجتمع و منتظر ورود آقای نخست‌وزیر بودند در موقع ورود آقای نخست‌وزیر از هر چهار طرف عده‌ای از جوانان مبادرت به پرت کردن گوجه فرنگی نمودند در همان لحظه چهار نفر از آنان شناخته شده که دو نفر دستگیر و دو نفر دیگر متواری می‌گردند آقای نخست‌وزیر حدود ساعت ۱۷۰۰ محل مذکور را ترک می‌نمایند.

نظریه شنبه : ۱ـ تظاهرات خفیفی که در این مورد بعمل آمد گویا فقط مربوط به حضور آقای نخست‌وزیر بوده کمااینکه وقتی آقای نخست وزیر سازمان را ترک نمودند مجدداً نظم و آرامش کامل برقرار گردید.

۲ـ اکثریت جوانان حاضر در محل مزبور در شناختن و دستگیری متظاهرین از خود خونسردی کامل نشان داده ضمن اینکه می‌توانستند متظاهرین را به مأمورین معرفی نمایند.

۳ـ شایع است که دو نفر دستگیر شده و دو نفر متواری دانشجوی دانشگاه تهران می‌باشند.

نظریه یکشنبه : مفاد گزارش خبر فوق تایید و نظریه شنبه صحیح به نظر می‌رسد. تربیت

نظریه ۲۰ ج : نظریه یکشنبه تایید می‌گردد.

نظریه چهارشنبه : برابر تحقیقاتی که بعمل آمده پرتاب گوجه‌فرنگی به سوی نخست وزیر صحت دارد.

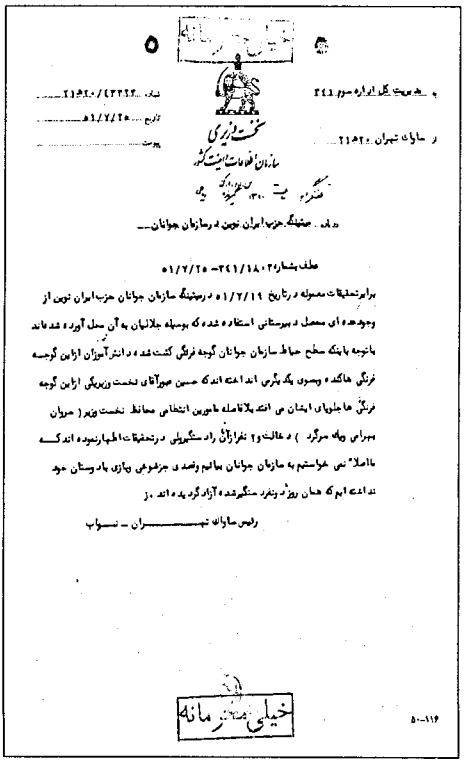

شماره : ۴۳۳۲۳/ ۲۰ ه ۲۱ تاریخ : ۵۱/۷/۲۵
از : ساواک تهران ۲۰ ه ۲۱
به : مدیریت کل اداره سوم ۳۴۱
درباره : میتینگ حزب ایران نوین
در سازمان جوانان
عطف به شماره : ۱۸۰۳/ ۳۴۱ـ۵۱/۷/۲۵

برابر تحقیقات معموله در تاریخ ۵۱/۷/۱۹ در میتینگ سازمان جوانان حزب ایران نوین از وجود عده‌ای محصل دبیرستانی استفاده شده که به وسیله جلالیان به آن محل آورده شده‌اند با توجه به اینکه سطح حیاط سازمان جوانان گوجه فرنگی کشت شده دانش‌آموزان از این گوجه فرنگی‌ها کنده و به سوی یکدیگر می‌انداخته‌اند که حین عبور آقای نخست‌وزیر یکی از این گوجه فرنگی‌ها جلو پای ایشان می‌افتد بلافاصله مأمورین انتظامی محافظ نخست‌وزیر (سروان بهرامی و یک سرگرد) دخالت و ۲ نفر از آنان را دستگیر ولی در تحقیقات اظهار نموده‌اند که ما اصلاً نمی‌خواستیم به سازمان جوانان بیائیم و قصدی جز شوخی و بازی با دوستان خود نداشته‌ایم که همان روز دو نفر دستگیر شده آزاد گردیده‌اند.

رئیس ساواک تهران ـ نواب

به: ۳۴۱ تاریخ ۵۱/۷/۲۷

از: ۲۰ ه ۲۵ شماره: ۵۶۴۴۷/ ۲۰ ه ۲۵

موضوع: وضع چین و اظهارات

آقای نخست‌وزیر

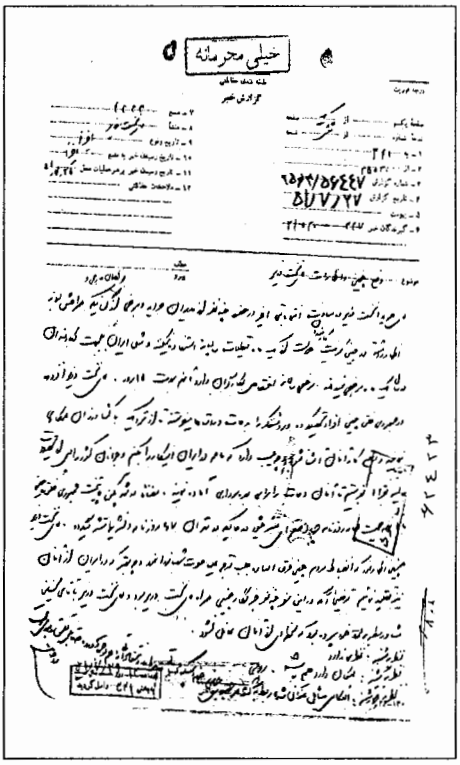
خیلی محرمانه

آقای هویدا نخست‌وزیر در مسافرت انتخاباتی اخیر در حضور چند نفر از مدیران جراید و برخی از خبرنگاران خارجی و کسانی که همراهش بودند اظهار داشته در چین کمونیست کارمندان دولت از یک ماه تعطیلات سالیانه استفاده نمی‌کنند و مثل ایران بی‌جهت به کارمندان در سال یک ماه مرخصی نمی‌دهند. مرخصی سالانه اختصاص به کارگران دارد آن هم به مدت ۱۵ روز آقای نخست‌وزیر افزوده در جمهوری خلق چین افراد تحصیلکرده و روشنفکر را به دهات و روستاها می‌فرستند تا از نزدیک با کشاورزان همکاری نمایند و به وضع کار آنان آشنا شوند و چه عیب دارد که ما هم در ایران این کار را بکنیم و جوانان کشور را پس از تحصیلات عالیه به قرا بفرستیم تا آنان دهات را برای بهره‌برداری آماده نمایند.

مضافاً در شهر پکن پایتخت جمهوری خلق چین با آن همه جمعیت چهار روزنامه چهار صفحه‌ای منتشر می‌شود در حالی که در تهران ۶۷ روزنامه و نشریه منتشر می‌گردد. آقای نخست‌وزیر همچنین اظهار نمود که انضباط مردم چین فوق‌العاده جلب توجه علیاحضرت شهبانو را نمود و چه بهتر که در ایران از آنان نیز تقلید نمائیم توضیحاً آنکه در این سفر چند نفر خبرنگار چینی همراه آقای نخست‌وزیر بوده و آقای نخست‌وزیر به آقای محسنین مشاور مطبوعاتی خود سپرده بود که لحظه‌ای از آنان غافل نشود.

نظریه شنبه: نظری ندارد.

نظریه یکشنبه : امکان دارد صحیح باشد. رومی

نظریه چهارشنبه : انعکاس مسائل عنوان شده مربوط به کشور جمهوری چین ضمن این که محسناتی در بردارد انتقاداتی را هم بوجود آورده که قابل تعمق و بررسی است. روحانی

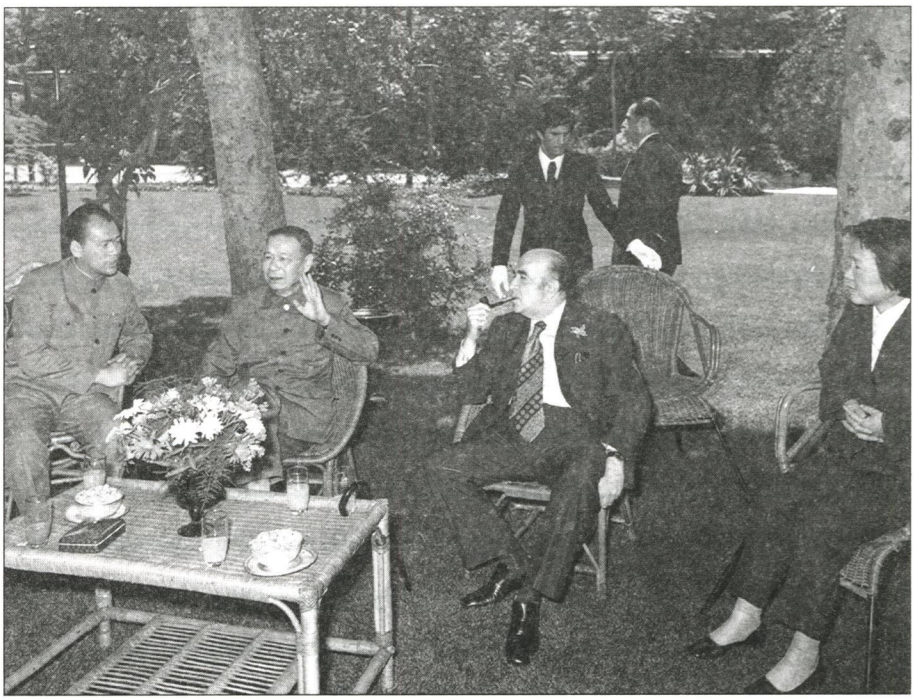

بدون شرح

به: عرض می‌رساند تاریخ: ۵۱/۸/۶

از: ۳۴۱

درباره: میتینگ انتخاباتی حزب ایران نوین

در محل سازمان جوانان حزب

ساعت ۱۶۰۰ روز ۵۱/۷/۱۹ میتینگی با حضور آقای هویدا نخست‌وزیر و شرکت ۲۷۰۰ نفر که اکثر آنان دانش‌آموزان دبیرستانهای ناحیه ۵ اداره آموزش و پرورش تهران بودند در محل سازمان مزبور برگزار گردید.

هنگام عبور آقای نخست‌وزیر در محوطه سازمان مذکور دو نفر جوان شرکت‌کننده در میتینگ مبادرت به پرتاب گوجه‌فرنگی می‌نمایند که حتی چند عدد آن جلو پای آقای نخست‌وزیر به زمین اصابت می‌نماید. پرتاب‌کنندگان توسط محافظین آقای نخست‌وزیر دستگیر، ضمن بازجویی اظهار می‌دارند در این مورد هیچ‌گونه منظوری نبوده و ما با گوجه‌های محوطه سازمان جوانان بدون آگاهی از آمدن آقای نخست‌وزیر با دوستان خود مشغول بازی بودیم. در نتیجه پس از بازجویی مختصر جوانان موصوف آزاد گردیده‌اند.

در بررسیهای مجدد از طریق حزب ایران نوین و منابع مربوطه موارد فوق تایید و اظهار نمودند مرتکبین از گوجه‌های کاشته شده در محل سازمان استفاده نموده‌اند. لکن اینطور که معلوم است مسئولین حزب و اطرافیان آقای نخست‌وزیر موضوع پرتاب گوجه‌فرنگی را کتمان و حتی اظهار می‌دارند اصلاً چنین چیزی وجود نداشته و برگ درخت بوده است. علیهذا در صورت تصویب با توجه به اینکه قبلاً موضوع پرتاب گوجه‌فرنگی به سمت آقای نخست‌وزیر در بولتن ۵۱/۷/۲۰ درج گردیده مسئله دستگیری و سپس آزاد نمودن افراد مذکور به دفتر ویژه منعکس گردد. پی‌نوشت تیمسار مدیریت کل (به عرض رسید) پرونده آقای نخست‌وزیر بایگانی شود ۶۲۴۲۳

به: ۳۴۱ تاریخ ۵۱/۱۰/۲۴

از: ۲۰ ه ۲۱ شماره: ۴۴۰۷۳/ ۲۰ ه ۲۱

موضوع: اظهارات داود موید امینی در مورد جناب آقای نخست‌وزیر

آقای داود مؤید امینی کارمند بازنشسته شهربانی و نماینده سابق مجلس شورای ملی که فعلاً در روزنامه‌های مهر ایران و راه مردم کار می‌کند صبح روز دوشنبه ۱۸ دی ماه ۱۳۵۱ دردفتر راه مردم طی مذاکرات کاملاً دوستانه‌ای اظهار داشت. چطور ممکن است با این دولت و عوامل فاسد و دزدی که بر سر کار هستند برنامه پنجم را اجراکرد. افرادی نظیر دکتر الموتی و رضائی با بندوبست و حمایت دولت و حزب ایران نوین صاحب میلیونهاتومان پول بادآورده شده‌اند و اینهاکه در عرض این چند سال در زیر چتر دولت حزبی جا خوش کرده‌اند میلیونها پول این مملکت را غارت نموده‌اند و شخص نخست‌وزیر با اعمال زشت و خلاف اخلاقی و انحرافات جنسی به چه چیزی معتقد است که بتواند راست و درست دلسوز مملکت باشد. در دوران حکومت وی آن قدر فساد و تباهی و نکبت بوجود آمده که مردم به روز سیاه نشسته‌اند و مردم از بدبختی و گرانی و بدهکاری خون خود را می‌خورند و دولت و دولتیان و حزب دولتی‌ها غارت می‌کنند و با بوق و کرنا مدعی اصلاحات هستند و خجالت هم از این حرفها و وعده‌هایشان نمی‌کشند. آقای امینی که سخت ناراحت به نظر می‌رسید به سخنان خود چنین ادامه داد. بدبختی این است که نخست‌وزیر یک قدرت مافوق تصوری در این کشور شده است و هیچکس را یارای آن نیست که بتواند درباره فساد وکادر اجرایی فعلی حرفی بزند و یا بتواند این وضع را عوض کند. قدرت آقای هویدا بجایی و به مرحله‌ای رسیده است که حتی سازمان امنیت مملکت که به طور مستقل و جداگانه ازکادر دولتیان وظائفش را انجام می‌دهد

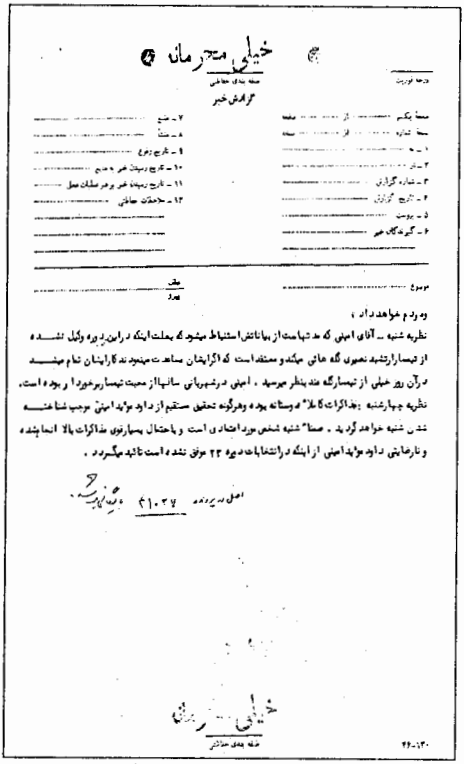

خیلی محرمانه

حالا هر گزارشی راکه بخواهد به عرض شاهنشاه آریامهر برساند قبلاً محرمانه با آقای نخست‌وزیر طرح می‌شود و با نظر ایشان این گزارش برای شرف عرض تقدیم می‌گردد و ارتشبد نصیری بدون نظر آقای نخست‌وزیر هیچ گزارشی را تقدیم مقام شامخ سلطنت نمی‌نماید. نامبرده همچنین اظهارنظر کرد که قدرت نخست‌وزیر که روزبروز افزایش می‌یابد و فسادی که در کشور مرتباً توسعه پیدا می‌کند بالاخره برای این مملکت یک «اما» بوجود خواهد آورد و این شخص بالاخره کاری دست مملکت و مردم خواهد داد.

نظریه شنبه: آقای امینی که مدتهاست از بیاناتش استنباط می‌شود که به علت این که در این دوره وکیل نشده از تیمسار ارتشبد نصیری گله‌هایی می‌کند که معتقد است که اگر ایشان مساعدت می‌نمودند کار ایشان تمام می‌شد در آن روز خیلی از تیمسار گله‌مند به نظر می‌رسید. امینی در شهربانی سالها از محبت تیمسار برخوردار بوده است.

نظریه چهارشنبه: مذاکرات کاملاً دوستانه بوده و هرگونه تحقیق مستقیم از داود مؤید امینی موجب شناخته شدن شنبه خواهد گردید. ضمناً شنبه شخص مورد اعتمادی است و به احتمال بسیار قوی مذاکرات بالا انجام شده و نارضایتی داود مؤید امینی از اینکه در انتخابات دوره ۲۳ موفق نشده است تایید می‌گردد.

اصل در پرونده ۴۱۰۳۷ بایگانی می‌باشد.

تاریخ: ۱۲ ژوئیه ۱۹۷۲

کنگره ایالات متحده آمریکا

مجلس نمایندگان

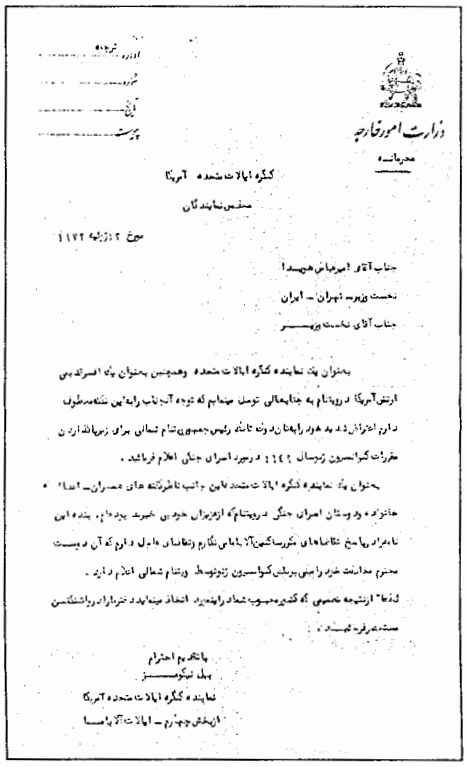

وزارت امور خارجه

محرمانه

کنگره ایالات متحده آمریکا

مجلس نمایندگان

مورخ ۱۲ ژوئیه ۱۹۷۲

جناب آقای امیرعباس هویدا

نخست‌وزیر تهران - ایران

جناب آقای نخست‌وزیر

به عنوان یک نماینده کنگره ایالات متحده و همچنین به عنوان یک افسر قدیمی ارتش آمریکا در ویتنام به جنابعالی توسل می‌نمایم که توجه آنجناب را به این نکته معطوف دارم اعتراض شدید خود را به تان دوک تانگ رئیس جمهور ویتنام شمالی برای زیرپا گذاردن مقررات کنوانسیون ژنو سال ۱۹۴۹ در مورد اسرای جنگی اعلام فرمائید.

به عنوان یک نماینده کنگره ایالات متحده این جانب ناظر گفته‌های همسران ـ اعضای خانواده و دوستان اسرای جنگی در ویتنام که از عزیزان خود بی‌خبرند بوده‌ام. بنده این نامه را در پاسخ تقاضاهای مکرر ساکنین آلاباما می‌نگارم و تقاضای عاجل دارم که آن دوست محترم مخالفت خود را مبنی بر نقض کنوانسیون ژنو توسط ویتنام شمالی اعلام دارد.

لطفاً از نتیجه تصمیمی که کشور محبوب شما در این مورد اتخاذ می‌نماید دفتر ما را در واشنگتن مستحضر فرمائید.

با تقدیم احترام

بیل نیکومز نماینده کنگره ایالات متحده آمریکا از بخش چهارم ـ ایالات آلاباما

تاریخ: ۳۱ ژوئیه ۱۹۷۲

ترجمه نامه آقای JOSEF Grobner به عنوان جناب آقای امیرعباس هویدا ـ نخست‌وزیر

وزارت امور خارجه

جناب آقای هویدا

بدواً از نامه مورخ ۱۸ آوریل ۱۹۷۲ آنجناب که در پاسخ نامه مورخ ۷ مارس ۱۹۷۲ اینجانب ارسال فرموده‌اید سپاسگزاری می‌نمایم. در تاریخ ۲۳ مه ۱۹۷۲ نامه‌ای به عنوان آقای H. Enterhali در شرکت ملی نفت ایران ارسال داشتم که متأسفانه تاکنون پاسخی دریافت نداشته‌ام. اجازه می‌خواهم در مورد پروژه‌ای که در راه پیشرفت و ترقی ایران بسیار موثر خواهد بود با آنجناب مکاتبه نموده و از نظرات و تصمیم شخص آنجناب در این مورد مطلع گردم. متن نامه ارسالی جهت آقای Enterhali به شرح ذیل بوده است:

از دریافت نامه شماره

PB.12.258.51 - B5.5.33711 مورخ ۷ مه ۱۹۷۲ شما و همچنین نامه مورخ ۱۸ آوریل ۱۹۷۲ جناب آقای امیرعباس هویدا که نسبت به طرح پیشنهادی اینجانب ابراز علاقه فرموده‌اند صمیمانه تشکر می‌نمایم. لازم به توضیح است که صادرات بایستی متناسب با احتیاجات و سلیقه خریدار تهیه شود تا نتیجه کاملاً موفقیت‌آمیز باشد که این موضوع متأسفانه تاکنون رعایت نشده است همچنین تنها مواد خام نبایستی فروخته شود بلکه در نوع صادرات بایستی تغییراتی داده شود تا بازار بهتری برای فروش پیدا کند به منظور بالا بردن میزان فروش صادرات ایران در بازارهای اروپا و امریکا بایستی از مواد خام کشور شما اعم از میوه، فلز، نفت خام و غیره موادی تهیه شود که در حال حاضر در بازار مشترک اروپا خریدار زیادی دارد و بایستی در بازارهای اروپا رقابت ایجاد شود. برای اینکه مبادلات به طرز جالبتری انجام شود بهتر است به

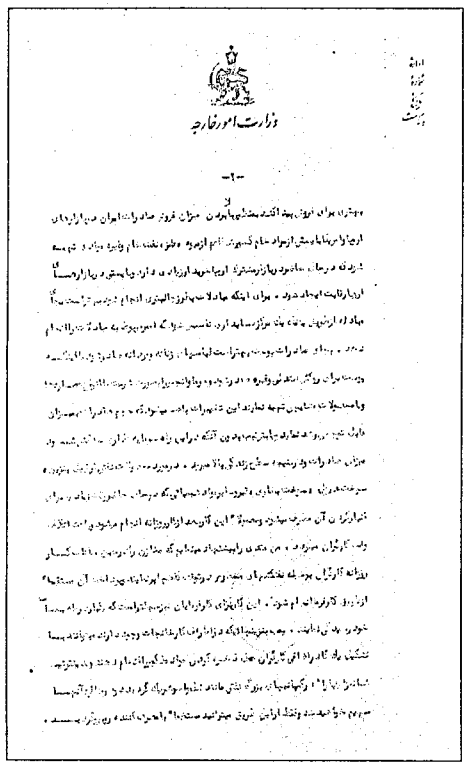
وزارت امور خارجه

جای مبادله از طریق بانک یک مرکز حسابداری تأسیس شود که امور مربوط به مبادلات را انجام دهد. به جای صادرات پوست بهتر است لباسهای زنانه و مردانه صادر شود یا اینکه پوست برای روکش صندلی و غیره صادر شود و خرما و انجیر را به صورت شربت یا انواع عصاره‌ها و یا محصولات مشابهی تهیه نمایند این تغییرات باعث می‌شود که حجم صادرات به میزان قابل توجهی رشد نماید و یا به ترتیب بدون آنکه در این راه سرمایه گذاری سنگینی شود میزان صادرات و در نتیجه سطح زندگی بالا می‌رود. در مورد محصولات نفتی از قبیل بنزین، سوخت دیزل، سوخت بخاری، قیر و سایر مواد شیمیایی که در حال حاضر وقت زیادی برای انبار کردن آن مصرف می‌شود و معمولاً این کار بعد از کار روزانه انجام می‌شود و باعث اتلاف وقت کارگران می‌گردد. من متدی را پیشنهاد می‌نمایم که مخازن را در حین ساعات کار روزانه کارگران به وسیله نفتکشهای مخصوص در توقفگاهها پر نمایند و پرداخت آن مستقیماً از طریق کارفرما انجام شود. این کار برای کارفرمایان نیز سهلتر است که یک بار در ماه به حساب خود رسیدگی نمایند. پمپ بنزین‌هایی که در اطراف کارخانجات وجود دارند می‌توانند با تشکیل یک کادر اضافی کارگران عمل ذخیره کردن مواد مذکور را انجام دهند و بدین ترتیب شما نیز اجباراً در کمپانیهای بزرگ نفتی مانند شل و اسو شریک گردیده و در منافع آنها سهیم خواهید شد و فقط از این طریق می‌توانید مستقیماً با مصرف‌کننده روبرو گردید. راجع به جزئیات پروژه بایستی مطالعه بیشتری شود. جهت شروع کار با شرکت Josef Hillmeyer که تجارتخانه معتبری است و سوخت بخاری تهیه می‌کند مذاکره نموده و توجه آنها را نسبت به این پروژه جلب نموده‌ام. شرکت مذکور واقع در Lippstadt, Maeller Str.11 می‌باشد و مستقیماً با شرکت ملی نفت

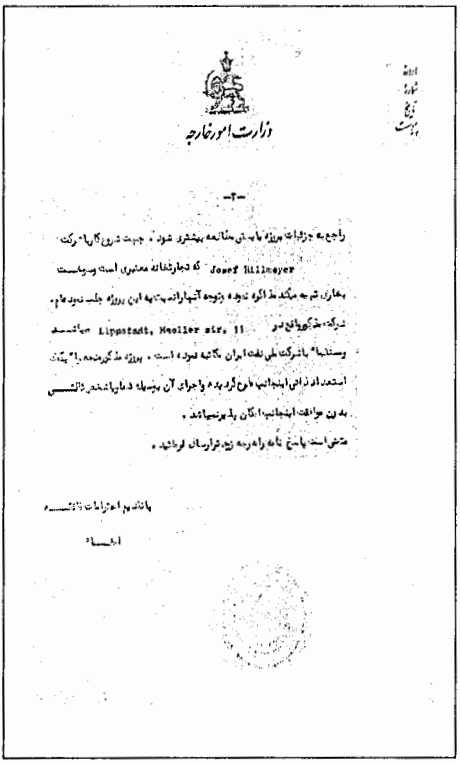

وزارت امور خارجه

ایران مکاتبه نموده است. پروژه مذکور منحصراً به کمک استعداد ذاتی اینجانب مطرح گردیده و اجرای آن به وسیله شما و یا شخص ثالثی بدون موافقت اینجانب امکان‌پذیر نمی‌باشد.

متمنی است پاسخ نامه را هر چه زودتر ارسال فرمائید.

با تقدیم احترامات فائقه

امضا

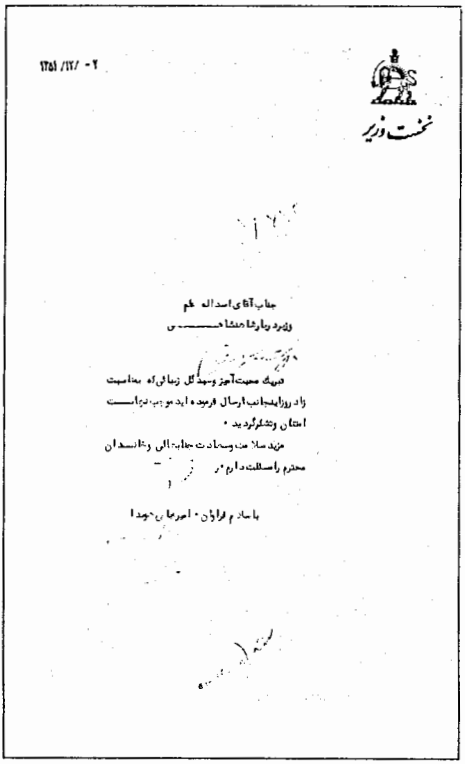
نخست وزیر

۲- /۱۲/ ۱۳۵۱

جناب آقای اسدالله علم
وزیردربار شاهنشاهی

تبریک محبت‌آمیز وسبدگل زیبایی که بمناسبت
زادروزایجانب ارسال فرموده اید موجب نهایت
امتنان وتشکرگردید.
مزید سلامت وسعادت جنابعالی وخاندان
محترم راسئلت دارم.

با سلام فراوان. امیرعباس هویدا

تاریخ: ۱۳۵۱/۱۲/۲

جناب آقای اسدالله علم

وزیر دربار شاهنشاهی

دوست بسیار عزیزم

تبریک محبت‌آمیز و سبدگل زیبایی که به مناسبت زادروز اینجانب ارسال فرموده‌اید موجب نهایت امتنان و تشکر گردید.

مزید سلامت و سعادت جنابعالی و خاندان محترم را مسئلت دارم.

با سلام فراوان. امیرعباس هویدا

تاریخ: ۵۱/۱۲/۲۶

اظهارات آقای پاینده نماینده سابق مجلس شورای ملی

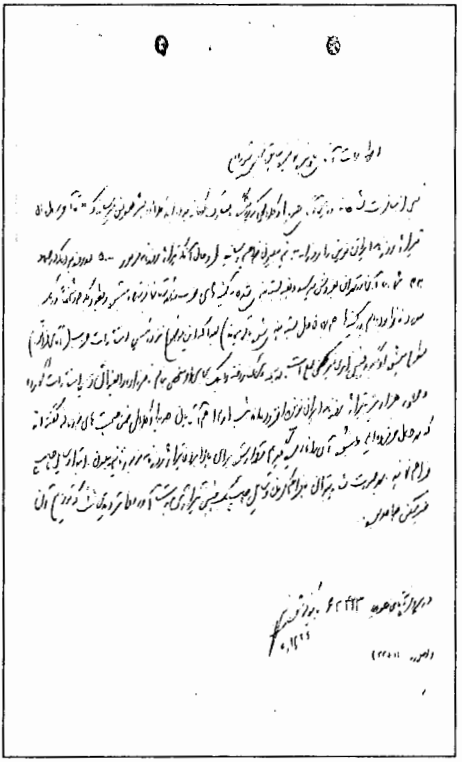

قبل از مسافرت شاهانه روزی آقای هویدا وکلالی که در پیشگاه مبارک ملوکانه بوده‌اند به شرف عرض می‌رساند که «تا آخر سال ۵۱ تیراژ روزنامه ایران نوین را روزانه به نیم میلیون خواهم رسانید». (و حال آنکه تیراژ روزنامه مزبور ۵۰۰۰ در روز بوده که در حدود ۳۳۰ شماره آن در تهران به فروش می‌رسد و بقیه بسته‌بندی شده به کمیته‌های حزب در شهرستانها فرستاده می‌شود و به طوری که خود شخصاً در یک مورد ناظر بوده‌ام در کمیته‌ها هم به همان حال بسته‌بندی شده باقی می‌ماند) بعداً که این موضوع نزد، رئیس انتشارات حزب (آقای فروتن) مطرح می‌شود او می‌گوید چنین امری غیرعملی است. در نتیجه وی کنار رفته و اینک به جای او شخصی به نام ناصرزاده را به عنوان رئیس انتشارات گمارده و ... هزار ... به تیراژ روزنامه ایران نوین افزوده‌اند. شب ۱۲/۱ هم آقایان هویدا وکلالی ضمن صحبت‌های خودمانی گفته‌اند که به هر حال حرفی زده‌ایم و نمی‌شود آن را نادیده بگیریم و قرار شده برای بالا بردن تیراژ روزنامه مزبور تا نیم میلیون. ابتدا وسایل چاپ فراهم نمایند. به هر صورت شاید بتوان با فراهم کردن وسایل چاپ یک چنین تیراژی بدست آورد ولی تردیدی نیست که توزیع آن غیرممکن خواهد بود.

در پرونده آقای هویدا ۶۲۴۲۳ بایگانی شود

۵۱/۱۲/۲۶ اصل در ۲۲۲۵۰۱۱

شماره: ۲۱۷۰۱۴ تاریخ: ۵۲/۲/۸

اسامی ماسونهای ایران

(هیئت دولت)

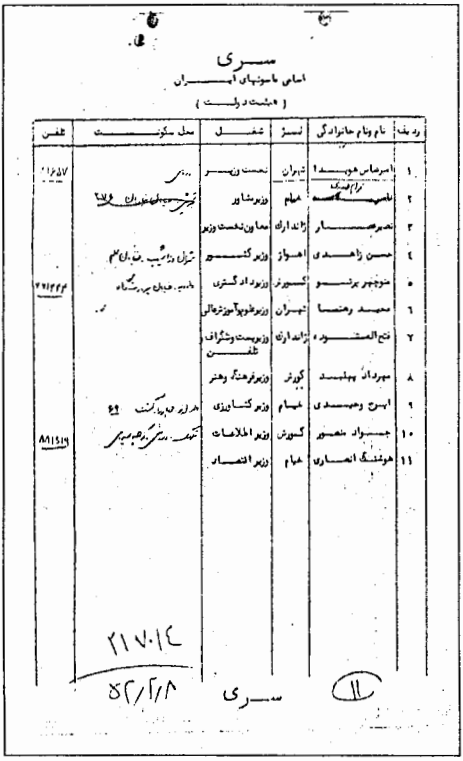

سری

اسامی ماسونهای ایران

(هیئت دولت)

ردیف	نام و نام خانوادگی	لژ	شغل	محل سکونت	تلفن
۱	امیرعباس هویدا	تهران	نخست وزیر	...	۱۶۵۷
۲	[illegible]	خیام	وزیر مشاور	[illegible]	
۳	نصیر عصار	ژاندارک	معاون نخست وزیر		
۴	حسن زاهدی	اهواز	وزیر کشور	[illegible]	
۵	منوچهر پرتو	کورش	وزیر دادگستری	[illegible]	۷۷۱۲۴۴
۶	مجید رهنما	تهران	وزیر علوم و آموزش عالی		
۷	فتح‌الله ستوده	ژاندارک	وزیر پست و تلگراف و تلفن		
۸	مهرداد پهلبد	کورش	وزیر فرهنگ و هنر		
۹	ایرج وحیدی	خیام	وزیر کشاورزی	[illegible]	۸۸۱۶۱۹
۱۰	جواد منصور	کورش	وزیر اطلاعات	[illegible]	
۱۱	هوشنگ انصاری	خیام	وزیر اقتصاد		

۲۱۷۰۱۴

۵۲/۲/۸ سری

ردیف ـ نام و نام خانوادگی ـ لژ ـ شغل ـ محل سکونت ـ تلفن

۱ـ امیرعباس هویدا ـ تهران ـ نخست‌وزیر ـ دروس ـ ۸۱۶۵۷

۲ـ قوام صدری[1] ـ خیام ـ وزیر مشاور

۳ـ نصیر عصار ـ ژاندارک ـ معاون نخست‌وزیر

۴ـ حسن زاهدی ـ اهواز ـ وزیر کشور ـ شمیران دزاشیب ـ خیابان علم

۵ـ منوچهر پرتو ـ کورش ـ وزیر دادگستری ـ داودیه ـ خیابان پرورشگاه ـ ۷۷۱۲۴۴

۶ـ مجید رهنما ـ تهران ـ وزیر علوم و آموزش عالی

۷ـ فتح‌الله ستوده ـ ژاندارک ـ وزیر پست و تلگراف و تلفن

۸ـ مهرداد پهلبد[2] ـ کورش ـ وزیر فرهنگ و هنر

۹ـ ایرج وحیدی[3] ـ خیام ـ وزیر کشاورزی ـ لاله‌زار نو ـ چهار راه کشت ـ ۶۹

۱۰ـ جواد منصور[4] ـ کورش ـ وزیر اطلاعات ـ قلهک ـ دروس ـ کوچه سیروس ـ ۸۸۱۶۱۹

۱۱ـ هوشنگ انصاری[5] ـ خیام ـ وزیر اقتصاد

۱ـ محمود قوام صدری فرزند حاج محمد در سال ۱۳۰۹ ه‍ ش در مشهد به دنیا آمد. در دبیرستان‌های علمیه، دانش و شاهرضا در شهر محل تولد تحصیل کرد و سپس به دانشکده علوم اختصاصی مالیه راه یافت و سپس در دانشکده حقوق و علوم سیاسی تحصیل کرد و دوره عالیه مالیه را نیز پشت سر گذاشت.

مشارالیه که به استخدام وزارت دارائی در آمده بود، در مشاغل زیر فعالیت کرد:

کفالت و معاونت اداره اطلاعات آمار، معاون اداره کل بررسیهای مالی و اقتصادی، مدیرکل نظارت صنعتی، معاون اداره کل بهره‌برداری و خالصه و املاک واگذاری، رئیس و ذیحساب اداره دارائی شهرستان اراک، رئیس و ذیحساب اداره حسابداری وزارت کار، معاون اداره کل درآمدها، بازرس وزارتی و مدیرکل وصول شهرستان‌ها، عضو هیأت مدیره شرکت

سهامی شیلات، مدیرکل بودجه، سرپرستی چاپخانه دولتی، بازرس شرکت هواپیمائی ملی ایران و... مشارالیه که «عضو جمعیت سعادت و یاران» بود و در لژهای فراماسونری : ژاندارک، کاوه عضویت داشت و از اعضاء مؤسس لژ دانش بود، در سال ۱۳۴۳ به معاونت پارلمانی وزارت دارائی رسید و در سال ۱۳۵۰ وزیر مشاور و معاون پارلمانی نخست وزیری شد. محمود قوام صدری که رئیس منطقه ۳۵۴ الف لاینز بین‌المللی بود و به نمایندگی از طرف شریف امامی ـ استاد اعظم لژ بزرگ ایران ـ در بعضی از لژها شرکت می‌کرد، در سال ۱۳۵۲ به عضویت هیأت امنای دانشگاه مشهد برگزیده شد و در سال ۵۴ رئیس هیئت مدیره انجمن ملی حمایت از کودکان بود، در سال ۱۳۵۷ از طرف فرح پهلوی به عضویت هیأت مدیره و خزانه انجمن کودکان منصوب شد.

۲ـ مهرداد پهلبد فرزند نصرالله در سال ۱۲۹۶ هـ ش در تهران به دنیا آمد. تحصیلات متوسطه را در تهران گذراند و سپس به دانشکده فنی تهران راه یافت و در رشتهٔ راه و ساختمان تحصیل کرد و بعد از آن به فرانسه رفت.
مشارالیه که نام و شهرت خود را از عزت‌الله مین باشیان به مهرداد پهلبد تغییر داده بود، با شمس پهلوی ازدواج کرد و در سال ۱۳۲۹ که اداره کل هنرهای زیبا تأسیس شد به عنوان معاون وزیر فرهنگ و ریاست آن اداره کل به‌کار مشغول شد و در زمانی که اداره کل هنرهای زیبا زیر نظر نخست‌وزیری اداره می‌شد، وی به عنوان معاون نخست‌وزیر وقت ـ علی امینی ـ و ریاست آن اداره کل به‌کار خود ادامه داد.
پس از تفکیک اداره کل هنرهای زیبا از وزارت فرهنگ، وزارت فرهنگ به وزارت آموزش و پرورش تغییر نام داد و اداره کل هنرهای زیبا نیز به عنوان وزارت فرهنگ، معرفی گردید که مهرداد پهلبد وزیر آن شد. مشارالیه که از عزت‌الله به مهرداد و از مین باشیان به پهلبد، رسیده بود و عضوی از خاندان سلطنتی به شمار می‌رفت تا سال ۱۳۵۷، وزیر فرهنگ بود و ضمن شرکت در لژهای فراماسونری، عضویت دفتر سیاسی حزب رستاخیز را نیز به عهده داشت.
مهرداد پهلبد که در مدت طولانی تصدی اداره کل هنرهای زیبا و وزارت فرهنگ، بنابر اسناد موجود، هیچگونه خدمت قابل توجهی به فرهنگ و هنر ایران نکرده بود در ارزیابی ساواک، فردی رفیق باز، ولخرج، علاقمند به مقام و شهرت، پول، زن و یکی از زن بازهای خیلی معروف، معرفی گردید.
مهرداد پهلبد در شهریور ماه ۱۳۵۷ در راستای سیاست عوامفریبی، به همراه نخست‌وزیر و تعدادی دیگر از وزرا و.... از کار برکنار شد.

۳ـ ایرج وحیدی فرزند احمد در سال ۱۳۰۶ شمسی در خرمشهر متولد گردید. تحصیلات متوسطه را در دبیرستان دارالفنون به پایان رسانید و دوره عالی را در رشته راه و ساختمان دانشکده فنی دانشگاه تهران، طی کرد. وی جهت ادامه تحصیل به خارج رفت و دوره تخصصی آب و فاضلاب را در دانشگاه دارهام انگلستان طی کرد و در سال ۱۳۳۸ موفق به اخذ دکترای Ph.D در رشته کارهای آبی از دانشکده کینگز دانشگاه دارهام گردید.
وحیدی دارای مشاغلی چون مهندس اداره کل راه و شوسه ـ معاونت فنی در وزارت آب و برق ـ استاد غیر تمام وقت دانشگاه ملی ـ مهندس ارشد اداره مهندسی بهداشت وزارت بهداری ـ مأمور موقت در شرکت نفت ـ عضو و رئیس هیئت مدیره بنگاه مستقل آبیاری ـ مدیر عامل سازمان آب و برق خوزستان ـ نماینده کمیتهٔ دائمی حفاظت وزارت آب و برق ـ وزیر کشاورزی ـ وزیر نیرو و مدیرعامل بنیاد اشرف پهلوی بود. مشارالیه فراماسون و عضو لژ اهواز (از مؤسسین) ـ فروغی ـ خیام (استاد لژ) ـ دانش ـ آریا ـ فارابی ـ خوزستان و انجمن رازی بود. همچنین نامبرده عضو و مؤسس حزب ایران نوین ـ عضو گروه ایران نو ـ عضو کانون مهندسین ایران بوده است. وی نشانهای مختلفی چون درجه ۱ فرهنگ ـــ درجه ۲ اصلاحات ارضی ـــ درجه ۱ و ۳ همایون ـ درجه ۱ آبادانی و پیشرفت ـ نشان طلای شهر تهران، جشنهای ۲۵۰۰ ساله و تاجگذاری دریافت داشته است. وحیدی مسافرتهایی به کشورهای اروپای غربی ـ آمریکا ـ شوروی ـ ژاپن ـ تایلند ـ فیلیپین ـ پاکستان ـ مصر ـ عراق ـ لبنان ـ ترکیه ـ سوریه و... داشته است. قابل ذکر است که در گزارش تائید

نشده‌ای در پرونده وی آمده است که همسر وحیدی که خارجی (آلمانی است) از طرف شوهرش ۱۲ میلیون تومان پول با خود به آمریکا برده تا به حساب او در بانک واریز کند و برگردد ولی به محض رسیدن به خارج تلگرافی تقاضای طلاق کرده و پولها را صاحب شده است و به وحیدی گفته اگر چیزی بگوید اسرارش را فاش خواهد کرد که نامبرده حاضر شده طلاق نامه او را بفرستد.

مشارالیه در تاریخ ۱۳۵۷/۸/۱۵ باتفاق عده‌ای دیگر از نوکران و سردمداران رژیم گذشته توسط کمیته فرمانداری نظامی تهران دستگیر گردید. و در ۵۸/۱۱/۸ بدستور هیئت پاکسازی و سالم سازی وزارت نیرو مشمول انفصال دائم از خدمت و قطع حقوق بازنشستگی و ارجاع پرونده وی به دادگاه گردید.

اسناد ساواک ـ پرونده انفرادی

۴ـ جواد منصور فرزند رجبعلی منصورالملک و برادر حسنعلی منصور به سال ۱۳۰۴ ش در تهران متولد شد. برای تحصیلات عالیه راهی آمریکا شد و از دانشگاه کالیفرنیا در شهر لوس‌آنجلس آمریکا در رشتهٔ اقتصاد و مدیریت بازرگانی فارغ‌التحصیل شد. در ۱۳۲۸ ش عضو وزارت امور خارجه شد و از ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ ش وابسته مطبوعاتی سفارت شاهنشاهی ایران در واشنگتن گردید. عضو دائمی نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد دفتر اروپایی در شهر ژنو (از ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۴)، عضو قسمت تشکیلات بین‌المللی وزارت امور خارجه ۱۳۳۴ تا ۱۳۳۵، رئیس دفتر روابط عمومی در سازمان برنامه از ۱۳۳۵ تا ۱۳۳۷ ش و معاون بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران از ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۲، از تیر ۱۳۴۲ معاون نخست‌وزیر و از بهمن ۱۳۴۳ ش وزیر مشاور و عضو مؤسس کانون مترقی و عضو مؤسس و هیئت اجرائیه حزب ایران نوین از ۱۳۴۶ ش تا ۱۳۵۰ وزیر اطلاعات تا آبان ۱۳۵۰ مدیر عامل کانون بانکها و از ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۵ رئیس کل بیمه مرکزی ایران بود.

بنابر گزارش ساواک «مدیر مجله فردوسی اظهار داشته که جواد منصور عضو رسمی «سیا» امریکا **دستور داده که از درج** اخبار ضد امریکایی در مطبوعات خودداری گردد.» وی از اعضای هیئت مدیره دفتر سیاسی **حزب ایران نوین و از** طرفداران سیاست غرب بویژه امریکا بود.

نامبرده همچنین عضو لژ فراماسونری (لژ تهران ـ لژ کوروش) بود و طبق گزارش دیگری از ساواک به **همراه منوچهر** آزمون در سال ۱۳۵۱ سوء استفاده مالی از وجوهات تبلیغات رادیو که در اختیار وزیر بوده انجام داده‌اند **که به نظر ساواک** یکی از دلایل قابل طرح در مسئله استعفای مشارالیه از وزارت اطلاعات این مسئله بوده است.

۵ـ هوشنگ انصاری فرزند عبدالرسول در سال ۱۳۰۶ ش در اهواز بدنیا آمد. تحصیلات عالی خود **را در رشته اقتصاد در** مقاطع لیسانس (دانشگاه لندن) و فوق لیسانس (دانشگاه سوفیل ژاپن) گذراند. وی خدمات دولتی **را باکار روزمزدی در** وزارت امور خارجه شروع کرد و به سبب آشنایی با زبانهای فرانسه و انگلیسی و ارتباط با برخی **رجال سیاسی آن** زمان مثل : نصیری (رئیس ساواک) سرلشکر ایادی، هوشنگ نهاوندی (رئیس دفتر فرح)، **اسدالله علم (وزیر دربار** شاهنشاهی) نردبان ترقی را به سرعت طی کرد و سمت‌هایی منجمله : سفیر کبیر شاهنشاهی در پاکستان، وزیر اطلاعات، سفیر کبیر در آمریکا، وزیر اقتصاد و... را عهده‌دار بود. نامبرده از اعضای جمعیت فراماسونری و لژ کوروش بود. گزارشاتی از ساواک دال بر ارتباط مشارالیه با سازمان «سیا» و نماینده اداره سیاست خارجی و اطلاعات امریکا در ایران وجود دارد. در سند بیوگرافی او چنین آمده است: «فردی با لیاقت و شایستگی و دارای اطلاعات خوب اقتصادی و کاردان، لیکن تندخو، لجوج و یک دنده می‌باشد.» طبق گزارشات ساواک مواردی در خصوص سوءاستفاده‌های مالی وی از بودجه وزارت اطلاعات برای برپایی میهمانی و هزینه‌های هتل و... و صرف این پولها در مصارف شخصی و به ویژه قمار در قمارخانه‌های بزرگ اروپایی وجود دارد.

اسناد ساواک ـ پرونده انفرادی

شماره : ۳۱۱/۲۸۰۲ تاریخ : ۵۲/۲/۲۷

به : جناب آقای شهبازی معاونت نخست‌وزیر

از: ساواک

در اجرای اوامر جناب آقای نخست‌وزیر طرح پیشنهادی آقای دکتر بیت منصور نماینده اقلیت آشوری در مجلس شورای ملی مورد بررسی واقع و با اعاده آن اشعار می‌دارد که اجرای طرح منظور از نظر این سازمان بلامانع می‌باشد. مقرر فرمائید مراتب را به استحضار جناب آقای نخست‌وزیر برسانند.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور.

ارتشبد نصیری

از طرف ثابتی

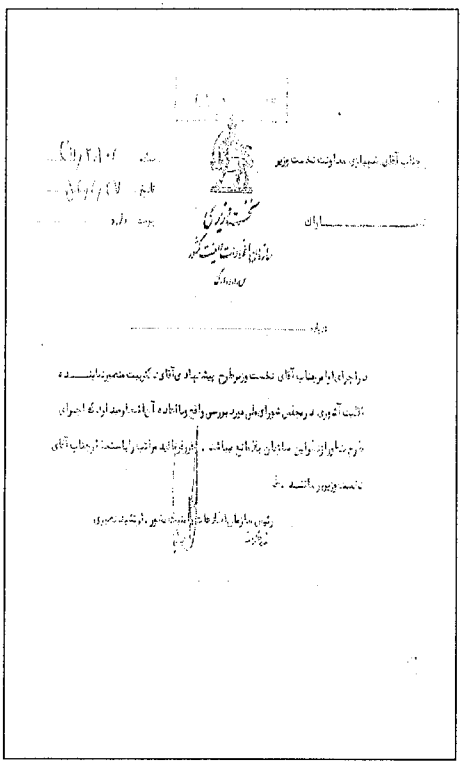

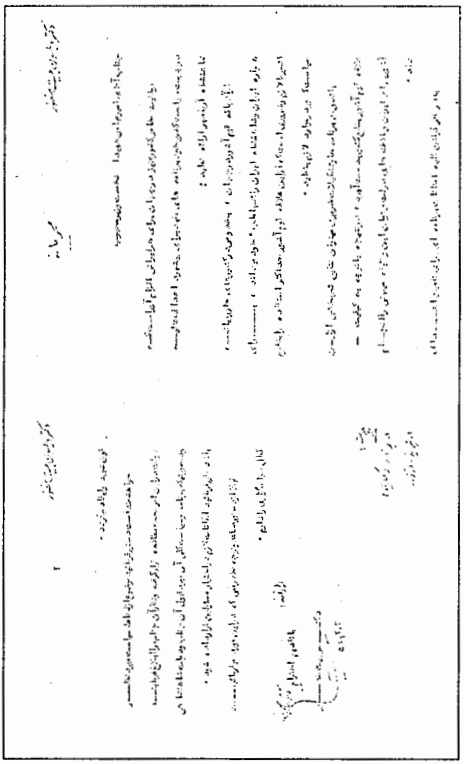

تاریخ: ۵۲/۲/۳

جناب آقای امیرعباس هویدا

نخست‌وزیر محبوب

موفقیت خاص کشور عزیز در جهان برای هر ایرانی الزام‌آور است که در جهت سیاست کشور خود برنامه‌های مفید برای پیشبرد اهداف عالیه شاهنشاه آریامهر ارائه نماید:

از آنجا که قوم آشور در جهان، بخصوص در کشورهای خاورمیانه همواره ایران و شاهنشاه ایران را تنها ملجأ خود می‌داند، برای کشور ما لازم و ضروری است که از این علاقه قوم آشور حداکثر استفاده را به نفع سیاست کشور در موارد لازم بنماید. با تدوین برنامه‌ها و تشکیلات ضروری می‌توان نتایج ثمربخشی از این علاقه قوم آشور به نفع کشور بدست آورد، در نتیجه با توجه به کیفیت آشوریهای ایران و با کمک‌های دولت می‌توان این وظیفه میهنی را انجام داد.

با در نظر گرفتن کلیه امکانات برنامه‌ای برای تأمین اهداف فوق تهیه و ایفاد می‌گردد.

خواهشمند است دستور فرمائید موضوع از لحاظ سیاست مورد نظر دولت در این امر تحت مطالعه قرار گرفته و نظر آن جناب را ابلاغ فرمایند و در صورتی که برنامه و سیاست کلی آن مورد قبول آن جناب و دولت شاهنشاهی باشد مقرر فرمائید امکانات لازم در اختیار مسئولین قرار داده شود.

قبلاً از دستور مساعد و توجه مخصوصی که در این مورد می‌فرمائید کمال سپاسگزاری را دارم.

با تقدیم احترام

دکتر بیت منصور

پیوست:

۱ـ برنامه (کتابچه) ۲ـ هزینه و درآمد

به: ۳۴۲ تاریخ: ۵۲/۲/۲۳

از: ۲۰ ه ۲۲ شماره: ۲۰/۲۷۰۶۷ ه ۲۲

موضوع: اخبار وزارت امور خارجه

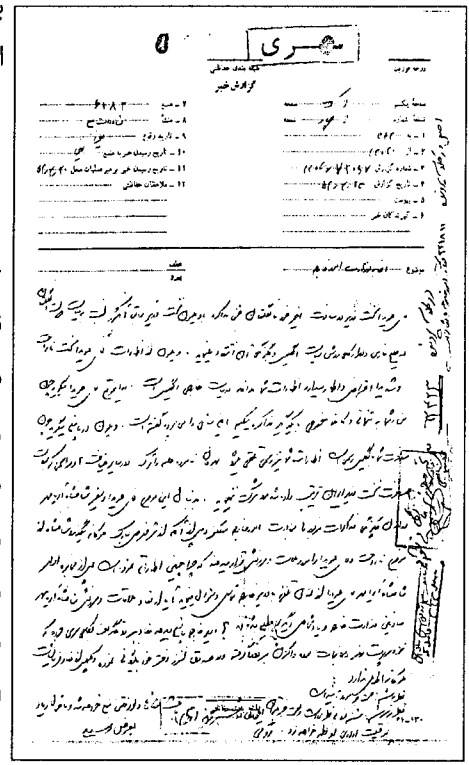

آقای هویدا نخست‌وزیر در مسافرت اخیر خود به انگلستان[1] ضمن مذاکره با ویلسون نخست‌وزیر سابق آن کشور نسبت به سیاست دولت انگلستان در خلیج فارس و به طورکلی روش سیاست انگلیس و چگونگی آن انتقاد می‌نماید.

ویلسون از اظهارات آقای هویدا سخت ناراحت و شدیداً اعتراض و اظهار می‌دارد اظهارات شما مداخله در سیاست خارجی انگلیس است. در این موقع آقای هویدا می‌گوید چون من و شما به تنهایی وکاملاً خصوصی با یکدیگر مذاکره می‌کنیم این مسائل را بی‌پرده گفته است. ویلسون در پاسخ می‌گوید چون مسافرت شما به انگلیس رسمی است اظهارات شما نیز رسمی تلقی می‌شود به هر حال نامبرده جلسه را ترک و در سایر ضیافت‌ها و مراسمی که به مناسبت مسافرت نخست‌وزیر ایران ترتیب داده شده بود شرکت نمی‌نماید. به دنبال این موضوع آقای هویدا و سفیر شاهنشاه آریامهر در لندن چگونگی مذاکرات مزبور را به وزارت امور خارجه منعکس و پس از آنکه از شرف عرض مبارک ملوکانه می‌گذرد شاهنشاه از موضوع ناراحت و آقای هویدا را مورد ملامت و سرزنش قرار می‌دهند که چرا چنین اظهاراتی نموده است پس از مخابره اوامر شاهنشاه آریامهر آقای هویدا از لندن تلفنی با وزیر خارجه تماس و سؤال می‌نماید آیا از مفاد ملاقات و سرزنش شاهنشاه آریامهر معاونین وزارت خارجه و یا اشخاص دیگری مطلع شده‌اند؟ وزیر خارجه پاسخ می‌دهد مفاد هر دو تلگراف به کلی سری بوده که نزد سرپرست رمز و مخابرات بوده و اکنون هر دو را گرفته و در صندوق نسوز دفتر خود بایگانی نموده و هیچ کس از مفاد فرمایشات ملوکانه اطلاعی

ندارد.

نظریه شنبه: صحت خبر مورد تایید است

نظریه سه شنبه: شنبه فرد بی‌نظری است و به صحت خبر می‌توان اطمینان داشت هرگونه اقدام باعث شناسایی و لو رفتن منبع خواهد شد و به احتمال زیاد به موقعیت اداری او لطمه خواهد زد. مروتی

به عرض رسید

اصل در کلاسه ۲۲۱۸۱۱ وزارت امور خارجه بایگانی است

کلاسه پرونده ۶۲۴۲۳ آقای نخست‌وزیر بایگانی شود...

۱ـ در روز بیست و چهارم فروردین ماه ۱۳۵۲، عده زیادی از ایرانیان مقیم لندن در حالیکه نقاب به صورت خود داشتند در مقابل سفارت ایران در لندن به هنگام سخنرانی هویدا برای دانشجویان ایرانی، دست به تظاهرات شدید زدند و در حالیکه قصد حمله به سفارت را داشتند نیروی پلیس آنها را متفرق ساخت.

از: ۳۴۱

درباره: حزب مردم

خیلی محرمانه

نخست وزیری
سازمان اطلاعات و امنیت کشور

گـــزارش ۳۴۱

احتراماً

بنویسه قبلاً با استحضار رسیده ناصر عامری رئیس صندوق توسعه کشاورزی از جانب پروفسور یحیی عدل رئیس کل حزب مردم جهت احراز دبیرکلی حزب مزبور کاندیدا گردیده و قرار است این انتصاب در جلسه شورای عالی حزب که در تاریخ ۵۲/۴/۶ تشکیل میگردد مطرح و به تایید شورا رسانیده شود.

با عنایت به اوامر جهان مطاع شاهنشاه آریامهر که در مصاحبه مورخه ۵۲/۳/۲۸ درباره حزب مردم چنین شرف صدور یافته است:

«حزب اقلیت باید مراقب کارهای قوه مجریه باشد تا احیاناً اگر عیبی بود بگوید» و با توجه به اینکه ناصر عامری از دوستان بسیار نزدیک آقای نخست‌وزیر بوده و چندین سال است که ایشان مایل به دبیرکلی وی در حزب مردم می‌باشند، مراتب جهت استحضار از عرض می‌گذرد.

مسئول بررسی - موفقی

رئیس دایره ۱

رئیس بخش ۳۴۱ - رنجبر

رئیس اداره چهارم عملیات و بررسی

اصل در پرونده موضوعی حزب مردم

آقای هویدا نخست‌وزیر ۶۲۴۲۳ بایگانی شود

شماره : ۱۹ـ۴۲ تاریخ : ۵۲/۹/۲۴

حضور مبارک علیاحضرت شهبانوی ایران

افتخار داردکه روز بیست و پنجم آذرماه را کـه روز فـرخـنده مـادر و یـادآور مـقام والا و ارجمند اوست به حضور مـبارک عـلیاحضرت شهبانوی گرامی تبریک و تهنیت عرض نماید

امیرعباس هویدا

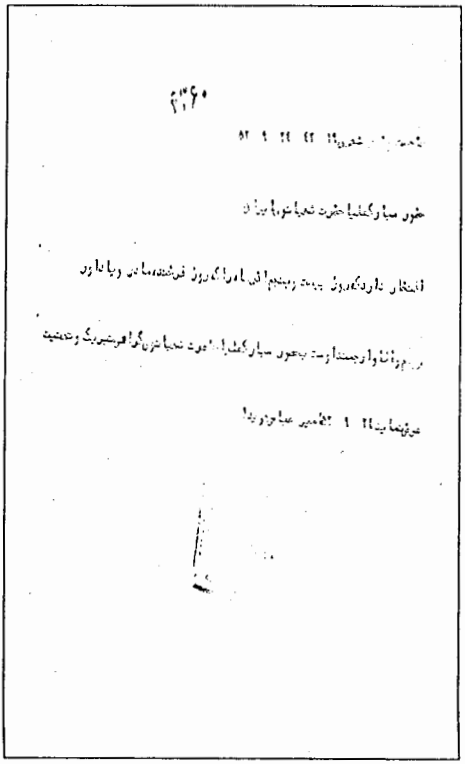

به: ۳۴۱ تاریخ: ۵۲/۶/۶

از: ۲۰ ه ۲۱ شماره: ۲۰/۷۶۴۸۳ ه ۲۱

موضوع: اظهارات جناب آقای نخست‌وزیر در مورد حزب ایران نوین

جناب آقای هویدا نخست‌وزیر در یک مذاکره خصوصی اظهار داشت که بعضی از رهبران حزب ایران نوین بدون توجه به زیان قوم و خویش بازی در سپردن امور و یا مسائل انتخاباتی قوم و خویش‌بازی و رفیق‌بازی را ادامه می‌دهند غافل از آنکه این کارها به زیان حزب و مملکت است و شاهنشاه آریامهر از این اعمال اطلاع پیدا کرده‌اند و تاکنون چند بار ناراحت شده و اوامری را با ناراحتی به اینجانب صادر فرمودند من نمی‌دانم تا چه حد باید در مقابل رئیس مملکت عرق شرم و خجلت بریزم نخست‌وزیر توصیه کرد که هر چه زودتر باید رهبران حزب متوجه عواقب این اعمال بشوند و این کارها را کنار بگذارند.

نظریه شنبه : جناب آقای نخست‌وزیر در نهایت ناراحتی و عصبانیت مطالب فوق را بیان نموده‌اند.

نظریه چهارشنبه: درباره قوم و خویش بازی در حزب ایران نوین بخصوص در مسائل انتخاباتی کراراً گزارشاتی تقدیم گردیده است و هم‌اکنون نیز این امر ادامه دارد با توجه به موقعیت شنبه گزارش فوق نیز صحت دارد. انجمن

امیرعباس هویدا بایگانی شد

۵۲/۶/۲۸

به: ۳۴۱ تاریخ: ۵۲/۶/۳۱

از: ۲۰ ه ۲۱ شماره: ۲۰/۷۹۵۴۶ ه ۲۱

موضوع: فراماسونری (لژ فروغی)

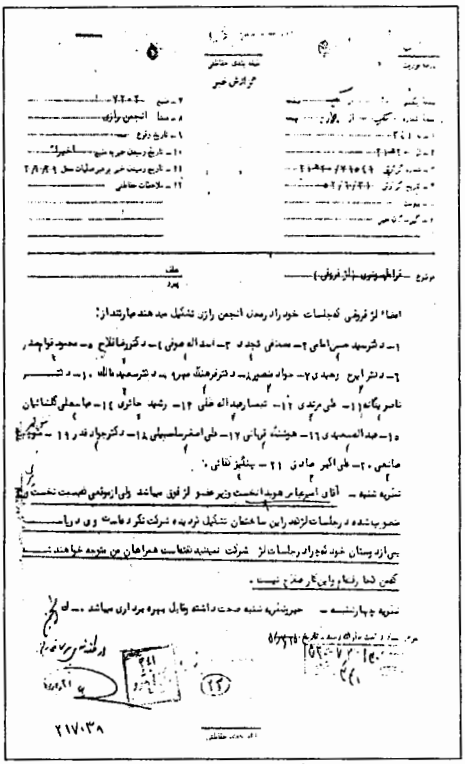

اعضای لژ فروغی که جلسات خود را در محل انجمن رازی تشکیل می‌دهند عبارتند از:

۱ـ دکتر سیدحسن امامی[1] ۲ـ مصطفی تجدد ۳ـ اسدالله صوفی ۴ـ دکتر رضا فلاح[2] ۵ـ محمود قوام صدری ۶ـ دکتر ایرج وحیدی ۷ـ جواد منصور ۸ـ دکتر فرهنگ مهر[3] ۹ـ دکتر سعید مالک ۱۰ـ دکتر ناصر یگانه[4] ۱۱ـ علی مرندی ۱۲ـ تیمسار عبدالله ظلی ۱۳ـ رشید حائری[5] ۱۴ـ عباسعلی [عباسقلی] گلشائیان[6] ۱۵ـ عبدالله سعیدی ۱۶ـ هوشنگ قربانی ۱۷ـ علی‌اصغر سلسبیلی ۱۸ـ دکتر جواد صدر ۱۹ـ منوچهر صانعی ۲۰ـ علی‌اکبر صادق ۲۱ـ چنگیز کفائی.

نظریه شنبه: آقای امیرعباس هویدا نخست‌وزیر عضو لژ فوق می‌باشد ولی از موقعی که به سمت نخست‌وزیری منصوب شده در جلسات لژ که در این ساختمان تشکیل گردیده شرکت نکرده است وی در پاسخ یکی از دوستان خود که چرا در جلسات لژ شرکت نمی‌کنید گفته است همراهان من متوجه خواهند شد که من کجا رفته‌ام و این کار صلاح نیست.

نظریه چهارشنبه: خبر و نظریه شنبه صحت داشته و قابل بهره‌برداری می‌باشد.

انجمن

از طبقه‌بندی سری خارج است ۵۲/۷/۲۱

۱ـ سیدحسن امامی فرزند ابوالقاسم، امام جمعه تهران و از خانواده سلطنتی قاجار بود. سید حسن پس از اتمام تحصیلات سمت استادی دانشگاه را پیدا کرد.

در سال ۱۳۲۳ پدرش از دنیا رفت و سید حسن ملبس به لباس روحانیت گردید و پس از فوت پدر امام جمعه تهران شد. او به دور از جنجالهای سیاسی به امور مذهبی پرداخت اما به دلیل حمایتش از شاه اکثر روحانیون حرف او را خریدار نبودند.

دکتر امامی با سالار سنندجی نماینده کردستان پسر خاله بود.

دکتر امامی پس از رسمیت یافتن دوره هفدهم مجلس و بعد از یک مبارزه شدید پنهانی به ریاست مجلس انتخاب شد. حسین مکی آن موقع با مصدق روابطش حسنه بود و دکتر مصدق مایل بود که دکتر معظمی یا دکتر شایگان رئیس مجلس باشند چون دید پشتیبان امام جمعه تهران قوی هستند، درصدد برآمدند که، مرحوم آیت‌الله کاشانی را نامزد ریاست مجلس نمایند ولی آیت‌الله کاشانی زیر بار نرفت در نتیجه سید حسن امامی به ریاست مجلس شورای ملی انتخاب گردید.

دکتر مصدق بعد از رسمیت یافتن مجلس ، استعفای خود را نوشت و تقاضا نمود وزارت جنگ به عهده وی باشد چون مجلس موافقت نکرد، او هم استعفا کرد و این استعفا از طرف علاء به مجلس اعلام و تقاضای رای تمایل نسبت به زمامدار آینده به عمل آمد. مجلس تشکیل جلسه داد و رای به نخست‌وزیری قوام السلطنه داد.

فراکسیون نهضت ملی به ریاست مهندس رضوی که تنی چند عضو داشت ، این رای را قانونی ندانسته و مبارزه آغاز شد. مرحوم آیت‌الله کاشانی و سایر زعمای مجلس علیه کابینه قوام قیام کردند از روز ۲۶ تا ۳۰ تیر ۱۳۳۱ که حکومت قوام ساقط شد ، تهران و ایران یک پارچه تشنج و آتش و خون بود تا اینکه در صبح ۳۰ تیر در تهران بلوا آن قدر بالا گرفت که عده زیادی مقتول گردیدند. در آن دوره که سید حسن امامی ریاست مجلس را به عهده داشت به اتفاق مهندس رضوی که نایب رئیس مجلس بود، روانه کاخ سعدآباد شدند که با محمدرضا شاه ملاقات کنند و سید حسن امامی امام جمعه تهران که در این ماجرا نقش مؤثری داشت ناچار دوسه روز بعد از زمامداری دکتر مصدق به عنوان معالجه به سویس رفت و از همان جا هم استعفای خود را تقدیم داشت.

دکتر امامی در اروپا بود تا اینکه در فروردین ۱۳۳۲ به عتبات رفت و از تهران دکتر غلامحسین مصدق فرزند دکتر مصدق به آنجا رفت و پسر عمه و پسر دایی با هم به ایران برگشتند. دکتر امامی بعد از ورود به ایران همچنان به امور مذهبی (موردپسند شاه و آمریکا و انگلیس) پرداخت تا اینکه در دوره دوم مجلس سنا به سناتوری انتخاب شد. امام جمعه تهران در کابینه رزم آرا در مسجد شاه مورد حمله نبی‌الله اکبری قرار گرفت و با چاقو مضروب و با قطع شدن عصب یک دست او فلج گردید .

سید حسن امامی از فراماسونرهای سرشناس ایران بود « ارنست وان هگ » استاد اعظم لژ بزرگ ملی فرانسه که به منظور شرکت در مراسم تأسیس و تشکیل لژ بزرگ ایران در اسفند ماه سال ۱۳۴۷ به ایران آمده بود، پس از مراجعت به کشور خویش ضمن تسلیم گزارشی به لژ بزرگ ملی فرانسه اعلام نمود «پس از انجام تشریفات تقدیس لژ بزرگ ایران برادر بسیار محترم ورنر رومر تأسیس لژ بزرگ ایران را اعلام و پس از آن برادران بسیار محترم دکتر سعید مالک ، محمد ساعد ، عباس هویدا و دکتر حسن امامی به سمت بزرگ استادان پیشین لژ بزرگ ایران انتخاب شدند.

۲ـ رضا فلاح فرزند ابراهیم در سال ۱۲۸۸ در کاشان متولد شد. دارای مدرک دکترا در رشته مهندسی تصفیه نفت از دانشگاه بیرمنگام انگلستان بود. دکتر فلاح به ترتیب ریاست آموزشگاه فنی آبادان. عضو هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران، نایب رئیس هیئت مدیره و قائم مقام مدیر عامل شرکت ملی نفت و برخی مسئولیت‌های دیگر را به عهده داشت وی از اعضای تشکیلات فراماسونری بود. که در لژهای: پهلوی، فروغی، ژاندارک، رازی، حافظ، مزدا و... عضویت داشت و از اعضای مؤسس لژ بزرگ ناحیه‌ای ایران بود.

۳ـ فرهنگ مهر فرزند مهربان در سال ۱۳۰۲ هـ ش در تهران متولد شد. پدرش با سابقه‌ای ۴۳ ساله، رئیس حسابداری کل مجلس شورای ملی بود. وی تحصیلات ابتدائی را مدرسه جمشید جم (۱۳۰۸ ـ ۱۳۱۴) و متوسطه را در دبیرستان فیروز بهرام (۱۳۱۴ ـ ۱۳۲۰) سپری کرد و در سال ۱۳۲۳ از هنرسرای عالی لیسانس گرفت و در همان سال به دانشکده حقوق رفت و در سال ۱۳۲۷ لیسانس حقوق دریافت کرد.

مشارالیه که از سال ۱۳۲۴ به استخدام وزارت دارایی درآمده بود و ریاست آسیا وسیلو را به عهده داشت و در همین زمان، پرونده اتهامی سوءاستفاده برای او تشکیل شد در سال ۱۳۳۰ به انگلستان رفت و در دانشکده علوم سیاسی لندن درس خواند و دکترای حقوق دریافت کرد و پس از هفت سال به ایران بازگشت.

فرهنگ مهر که از دوستی نزدیک حسنعلی منصور و امیرعباس هویدا بهره می‌برد، در مشاغل و مراکز مختلفی، فعالیت کرد که از آن جمله‌اند:

رئیس آزمایشگاه کارگران سیلو ـ رئیس هیئت مدیره شرکت تعاونی مصرف کارکنان سیلو ـ مشاور حقوقی و رئیس اداره امور قراردادهای شرکت ملی نفت ـ رئیس اداره کل امور بین‌المللی و روابط صنعتی شرکت ملی نفت ـ وکیل پایه یک دادگستری ـ تدریس در دانشکده افسری ـ مشاور حقوقی و قراردادهای وزارت بازرگانی ـ مدیرکل نفت و روابط خارجی وزارت دارائی ـ عضو کمیسیون دائمی ـ نظارت بر وام‌های دولتی ـ تدریس در آموزشگاه عالی و حسابداری شرکت ملی نفت ـ مدیرکل اقتصادی وزارت دارائی ـ نماینده ایران در هیئت مدیره اپک ـ معاون فنی وزارت دارایی ـ تدریس در دانشگاه تهران ـ معاون کل وزارت دارائی ـ عضو کمیسیون رسیدگی به لوایح و قوانین پیشنهادی نخست‌وزیری ـ معاون نخست‌وزیر ـ رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت سهامی بیمه ایران ـ رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل بانک بیمه ایران ـ رئیس مدرسه عالی بیمه ایران ـ رئیس دانشگاه پهلوی ـ عضو هیئت امناء دانشگاه کرمان، مدرسه عالی علوم اداری کرمان، مدرسه عالی بیمه ایران، مدرسه عالی کامپیوتر ـ بنیاد فرح پهلوی، شورای شاهنشاهی آموزش ـ رئیس هیئت مدیره بنیاد آرشام ـ رئیس هیئت مدیره مؤسسه آسیایی دانشگاه پهلوی شیراز ـ مدیرعامل انجمن فرهنگ ایران باستان ـ رئیس انجمن مدیریت فارس ـ آجودان کشوری محمدرضا پهلوی ـ عضو کانون وکلا ـ عضو کانون مترقی ـ عضو مؤسس و هیئت اجرائی حزب ایران نوین ـ رئیس انجمن زرتشتیان ایران ـ مدیر نشریه انجمن فرهنگی ایران باستان ـ و ... دکتر فرهنگ مهر که ریاست انجمن زرتشتیان را به عهده داشت، تحت‌تأثیر ارباب بهائی خود ـ امیرعباس هویدا ـ از زرتشتی‌گری دست برداشت و بهائی شد تا جائیکه ساواک او را «زرتشتی بهائی مسلک» معرفی کرد. پرونده مشارالیه، مملو از گزارشات سوءاستفاده‌ها و اعمال خلاف وی می‌باشد که این مختصر گنجایش آنرا ندارد.

ساواک در یک ارزیابی او را چنین معرفی می‌کند:

«نیل ترقی خود را براساس همکاری و دوستی با آقای [حسنعلی] منصور و خدمت در اداره کل نفت می‌داند حسن شهرت: چندان خوب نیست متمایل به انگلستان است فردی سست، جبون، متملق و بی‌اراده است.»

دکتر فرهنگ مهر که صاحب دکترای افتخاری از دانشگاه پنسیلوانیا بود، از اعضای شبکه فراماسونری به شمار می‌رفت و در لژهای: کاوه (استاد و مؤسس) ـ بزرگ ایران ـ سعدی ـ مولوی ـ فروغی ـ پاسارگارد ـ حافظ ـ پرسپولیس و... عضویت داشت.

او که در سال ۱۳۴۳ به عنوان نماینده کمیته عالی دائمی حفاظت وزارت دارائی (رابط وزارت مذکور با ساواک) انتخاب شده بود، از اسدالله علم، حسنعلی منصور و هویدا به عنوان معرف خود، نام برد.

فرهنگ مهر، نشان‌های زیر را از حکومت پهلوی دریافت کرد: درجه ۳ و ۲ همایون، درجه ۱ آبادانی، درجه یک کار، درجه ۲ تاج، درجه ۱ همکاری، مدال تاجگذاری، مدال جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهی، مدال پنجاهمین سال سلطنت پهلوی و... در سال ۱۳۵۷ هزینه مسافرت و معالجه او در امریکا، به مبلغ سی هزار دلار به فرمان محمدرضا پهلوی، به وی پرداخت گردید.

اسناد ساواک ـ پرونده انفرادی

۴ـ ناصر یگانه فرزند میرزا غفارخان (سالار الدوله) در سال ۱۳۰۲ یا ۱۳۰۰ در شهرستان قزوین متولد شد. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در قزوین و تهران سپری کرد و سپس از دانشگاه تهران لیسانس حقوق گرفت و برای ادامه تحصیلات به فرانسه رفت و از دانشگاه فرانسه، دکترای حقوق دریافت کرد.

ساواک در سابقه مشاغل و ارزیابی وی در سال ۱۳۴۱ چنین نوشته است :

«در سال ۱۳۲۶ وارد خدمت شده، به ترتیب دادیار دادسرای تهران، مستشار دادگاه استان، عضو شعبه ۱ دیوان کیفر، رئیس اداره حقوقی، دادیار دیوان کشور، مدیرکل امور قضائی بوده است. میزان علاقمندی وی به مقام و قدرت و پول : زیاد، زن و قمار : عادی، متملق و ضعیف النفس و رفیق‌باز، تمایلات و افکار : سوسیالیستی است.»

ناصر یگانه که در سال ۱۳۴۲، بازرس اداره کل بازرسی وزارت کشور بود، به عنوان نماینده قزوین به مجلس شورای ملی راه یافت و رئیس کمیسیون بودجه شد و در سال ۱۳۴۳ به عنوان «وزیر مشاور» و معاون پارلمانی وارد کابینه حسنعلی منصور شد.

مشارالیه که عضو اصلی شورای مرکزی حزب ایران نوین بود، در فروردین ماه سال ۱۳۴۴ چنین معرفی شد :

«دکتر یگانه معاون نخست‌وزیر و وزیر مشاور، با سوءاستفاده از موقعیت خود، با کمک انصاری رئیس دفتر خود از اکثر مراجعین زن وقت ملاقات گرفته و اغلب شب‌ها را در کلبه در بند و بعد در منزل خود با آنها می‌گذراند. با بعضی از ماشین‌نویسان نخست‌وزیری و ادارات وابسته به نخست‌وزیری نیز ارتباط دارد.»

و در گزارش دیگری در سال ۱۳۴۴، چنین معرفی شد :

«در وزارت دادگستری به خوشنامی معروف نیست، مردی متملق و ضعیف و از هر جهت قابل انعطاف و دارای افکار ناسیونالیستی است.»

شایان ذکر است وی در همین سال، نشان لیاقت!؟ دریافت کرد.

برخی نظرات ساواک درخصوص وی به این شرح است :

۱۳۴۶/۷/۱۰ ـ کمیته سری که در حزب ایران نوین، برنامه سیاسی حزب را طراحی و سپس به تصویب دفتر سیاسی حزب یا شورای مرکزی می‌رساند، عبارتند از : دکتر رشتی نماینده مجلس، دکتر یگانه وزیر مشاور، دکتر کلالی نماینده مجلس. این کمیته با مقامات امریکایی ارتباط دارد.

۱۳۴۷ ـ دوست هویدا است، شخصی زیرک، کاردان، مردم‌دار است و دارای املاکی در قزوین می‌باشد.

۱۳۴۷ ـ نامبرده با اشخاص سرشناس ارتباط دارد و از جمله هویدا بعضی اوقات به خانه او می‌آید.

۱۳۴۷ ـ عضو مؤسس انجمن خواجه نصیر طوسی وابسته به شرق اعظم فرانسه است.

۱۳۴۷ ـ عضو لژ خیام وابسته به گراند لژ اسکاتلند است.

۱۳۴۷ ـ دکتر باقر عاملی از دوستان وی و از او حمایت و زمینه ترقی وی را فراهم کرده است.

۱۳۴۷ ـ ۲۲۰/۰۰۰ ریال به بانک عمران بدهکار است که نمی‌دهد.

مذهب ناصر یگانه که در سال ۱۳۴۸ رئیس هیئت رئیسه شورای مرکزی حزب ایران نوین و در ضمن عضو دفتر سیاسی حزب هم بود. بهائی عنوان شد و سپس در دورهٔ ششم مجلس سنا، به عنوان نماینده تهران به مجلس سنا رفت.

او که در سال ۱۳۵۵ رئیس کل دیوانعالی کشور شده بود، در سال ۱۳۵۳ در فرم تقاضای جواز سلاح کمری، چنین نوشت :

«از امریکا فوق لیسانس گرفتم و از فرانسه دکترای حقوق»

ناصر یگانه که در هیئت امنای مرکز آموزش دولتی و دانشکده علوم قضائی و خدمات اداری وزارت دادگستری نیز سابقه عضویت داشت، در تشکیلات فراماسونری فردی فعال بود و با حمایت باقر عاملی در لژهای : خیام، سقراط، انجمن رازی، تهران، کورش نیز عضو بود. مشارالیه که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به خارج از کشور گریخته بود و دارای کارت سوشیال سکوریتی به شماره (۷۱۳۰ ـ ۹۸ ـ ۲۱۵) بود، در سیزدهم آبان ماه سال ۱۳۷۲، خودکشی کرد.

اسناد ساواک ـ پرونده انفرادی

۵ ـ عبدالامیر رشیدی حایری فرزند محمد در سال ۱۲۸۵ شمسی در تهران بدنیا آمد. تحصیلات وی لیسانس حقوق و علوم سیاسی بوده و در سال ۱۳۱۲ به استخدام وزارت امورخارجه در آمده است.
مشارالیه از جمله افرادی بودکه در سال ۱۳۳۵ ضمن عضویت در شورای عالی استخدامی وزارت امور خارجه، به ترفیع امیرعباس هویدا به رایزنی سفارت ایران در ترکیه رأی مثبت داد. او از فراماسونری‌های بین‌الملل بودکه ضمن داشتن سمت استاد ارجمندی لژ فروغی و عضویت در لژ پهلوی و ... در سال ۱۳۵۳ به جای احمد علی‌آبادی به عنوان بزرگ دبیر لژ بزرگ ایران منصوب شد.

۶ـ عباسقلی گلشائیان فرزند رضا قلیخان محتشم‌الدوله به سال ۱۲۸۱ ش در تهران تولد یافت. تحصیلات مقدماتی را در مدرسهٔ دارالفنون سپری کرد و سپس علوم قضائی را در مدرسهٔ عالی حقوق به پایان رساند. در ۱۳۰۰ ش کار خود را به عنوان مترجم زبان فرانسه در دفتر مسیو پرنی مستشار حقوقی وزارت عدلیه آغاز کرد و در ترجمه و تنظیم قانون مجازات عمومی همکاری کرد. از ۱۳۰۶ تا ۱۳۱۲ ش در مشاغل قضایی و دادگستری مشغول به‌کار شد و سپس به وزارت دارایی منتقل شد و تا ۱۳۲۰ ش در آن به خدمت پرداخت. او مدتها سمت‌های استانداری، سناتوری، ریاست شورای عالی بانک ملی ایران را عهده‌دار بوده است. در سال ۱۳۲۰ کفیل وزارت دارایی و پس از چندی در کابینهٔ محمدعلی فروغی وزیر بازرگانی و اقتصاد ملی شد. وزارت پیشه و هنر و بازرگانی را نیز در همان کابینه عهده‌دار بود. و وزارت دادگستری را نیز در اختیار داشت. وی مدتی شهردار تهران و عضو شورای عالی اقتصاد بود و در کابینهٔ صدرالاشرف وزارت پیشه و هنر را داشت.
مدتی استاندار خراسان، وزیر دادگستری در کابینهٔ هژیر، وزیر دارایی در کابینهٔ ساعد شد و در دورهٔ دوم و سوم مجلس سنا به نمایندگی از تهران رسید. او در کابینهٔ علاء به سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۳۶ وزارت دادگستری را برعهده داشت. او عضو شورای عالی جمعیت ملی مبارزه با جزام و رئیس هیأت مدیره جمعیت کمک به جزامیان و عضو هیأت مدیره انجمن طرفداران ابوعلی سینا بود. قرارداد نفتی معروف ایران و انگلیس به نام گس ـ گلشائیان ـ توسط او منعقد شدکه البته بعدها از اعتبار ساقط شد. سرانجام در ۱۹ مهر ۱۳۶۹ ش درگذشت. گلشائیان قائم مقام و استاد اعظم لژ بزرگ ایران و نایب رئیس هیأت رئیسه فراماسونهای ایران و عضو مؤسس لژ فراماسونری دانش و عضو لژهای کسری، مولوی، فروغی، سعدی، متبراء اهواز، فرانسه، فردا، نور، مشعل و خورشید بود.

اسناد ساواک ـ پرونده انفرادی

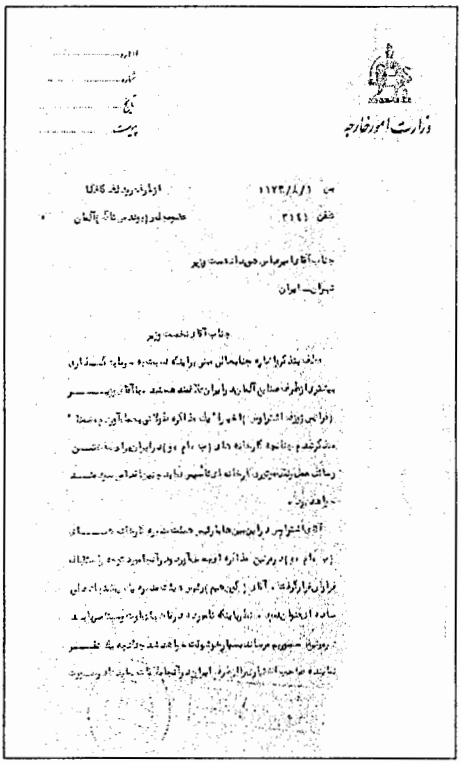

وزارت امور خارجه

از: طرف رودلف کافکا عضو مجلس (بوندس تاگ) آلمان تاریخ: ۱۹۷۳/۸/۱

جناب آقای امیرعباس هویدا نخست‌وزیر

تهران ـ ایران

جناب آقای نخست‌وزیر

عطف به تذکر و اشاره جنابعالی مبنی بر اینکه نسبت به سرمایه گذاری بیشتری از طرف صنایع آلمان در ایران علاقمند هستید. با آقای وزیر (فرانس ژوزف اشتراوس) اخیراً یک مذاکره طولانی بعمل آوردم. ضمناً متذکر شدم چنانچه کارخانه‌های (ب.ام.و) در ایران برای ساختن وسائل حمل‌ونقل موتوری کارخانه‌ای تأسیس نماید چنین اقدامی سودمند خواهد بود.

آقای اشتراوس در این بین‌ها با رئیس هیئت مدیره کارخانه‌های (ب.ام.و) در مونیخ مذاکره‌ای بعمل آورد و در آنجا مورد توجه و استقبال فراوان قرار گرفت. آقای (کون هیم) رئیس هیئت مدیره یک پیشنهاد عملی ساده‌ای عنوان نمود. نظر به اینکه نامبرده در ماههای اوت و سپتامبر باید در مونیخ حضور بهم رساند بسیار خوشوقت خواهد شد چنانچه یک نفر نماینده صاحب اختیاری را از طرف ایران در آنجا ملاقات نماید تا در صورت امکان راجع به تأسیس یک کارخانه وسایل حمل‌ونقل موتوری در ایران و عقد قراردادی در این باره توافق حاصل شود.

(آقای کون هیم) به این نکته که سهم آلمان در شرکت مزبور ۴۹ درصد خواهد بود واقف می‌باشد.

آقای اشتراوس و اینجانب بسیار خوشوقت خواهیم شد چنانچه چنین قصد و عملی به نتیجه مطلوب برسد. بخصوص که کارخانه‌های (ب.ام.و) بهترین ماشین‌های سواری را می‌سازد و با این طرح مشترک همکاری ایران و آلمان فدرال بیش از پیش توسعه پیدا خواهد نمود.

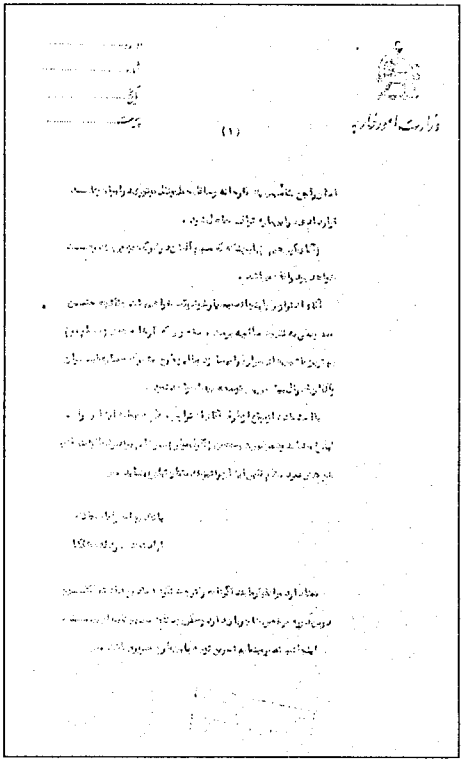

با استفاده از موقع از طرف آقای اشتراوس سلام صمیمانه ایشان را ابلاغ می‌نماید و همچنین دوست من (کارل مولر) پدر خانم برادر شما از اینجانب خواهش نمود سلام قلبی ایشان را نیز خدمتتان تبلیغ بنماید.

با تقدیم احترامات فائقه

ارادتمند ـ ردلف کافکا

تمنا دارد مرا عفو فرمایند اگر نامه را ترجمه نکرده تقدیم داشتم اکنون در بن دوره مرخصی‌ها جریان دارد و ممکن بود نامه دیر به جنابعالی برسد.

اینجانب تصور می‌نمایم تسریع توجه به این طرح ضروری باشد.

به: ۳۴۱ تاریخ: ۵۲/۶/۱۰

از: ۲۰ ه ۲۱ شماره: ۲۰/۷۶۴۹۳ ه ۲۱

موضوع: فراماسونری

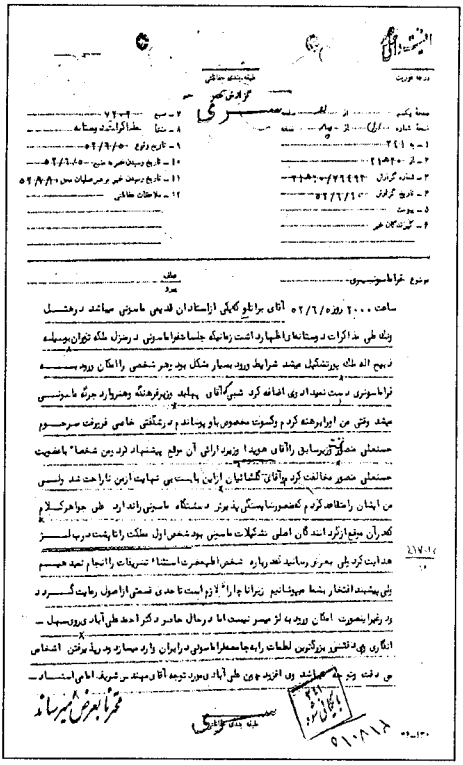

ساعت ۲۰۰۰ روز ۵۲/۶/۵ آقای براتلو[1] که یکی از استادان قدیمی ماسونی می‌باشد در هتل ونک طی مذاکرات دوستانه‌ای اظهار داشت زمانی که جلسات فراماسونی در منزل ملکه توران به وسیله ذبیح‌الله ملک‌پور تشکیل می‌شد شرایط ورود بسیار مشکل بود و هر شخصی را امکان ورود به فراماسونری دست نمی‌داد وی اضافه کرد شبی که آقای پهلبد وزیر فرهنگ و هنر وارد جرگه ماسونی می‌شد وقتی من او را برهنه کردم و کسوت مخصوص به او پوشاندم در شگفتی خاصی فرو رفت مرحوم حسنعلی منصور نخست‌وزیر سابق را آقای هویدا وزیر دارائی آن موقع پیشنهاد کرد و من شخصاً با عضویت حسنعلی منصور مخالفت کردم و آقای گلشائیان از این بابت بی‌نهایت از من ناراحت شد ولی من ایشان را متقاعد کردم که منصور شایستگی پذیرش دستگاه ماسونی را ندارد علی جواهرکلام[2] که در آن موقع از گردانندگان اصلی تشکیلات ماسونی بود شخص اول مملکت را تا پشت درب لژ هدایت کرد ولی به عرض رسانید که درباره شخص اعلیحضرت استثنا [ئاً] تشریفات را انجام نمی‌دهیم ولی پیش‌بند افتخار به شما می‌پوشانیم زیرا ناچاراً لازم است تا حدی قسمتی از اصول رعایت گردد و در غیر این صورت امکان ورود به لژ میسر نیست اما در حال حاضر دکتر احمد علی‌آبادی روی سهل‌انگاری و بی‌دقتی بزرگترین لطمات را به جامعه فراماسونری در ایران وارد می‌سازد و در پذیرفتن اشخاص بی‌دقت و توجه می‌باشد وی افزود چون علی‌آبادی مورد توجه آقای مهندس شریف‌امامی استاد اعظم می‌باشد هیچ کار نمی‌توان کرد.

نظریه چهارشنبه: اظهار مطالب بالا از جانب آقای براتلو صحت دارد ضمناً با توجه به اینکه مذاکرات دوستانه انجام شده است هرگونه تحقیق مستقیم موجب شناخته شدن شنبه خواهد گردید. انجمن

۵۲/۷/۱

[پی‌نوشت نصیری] این صحبتها را همه جا می‌کنند برای آنکه به جمعیت ماسونی خود ارزشی بدهند این مراسم یک تشریفات عهدکهنه‌پرستی است و امروز گمان نمی‌کنم کسی حاضر شود این مراسم را اجرا نماید و این افراد هم فریب این حرفها را خورده و وارد می‌شوند برای آن است که شغلی و مقامی بگیرند

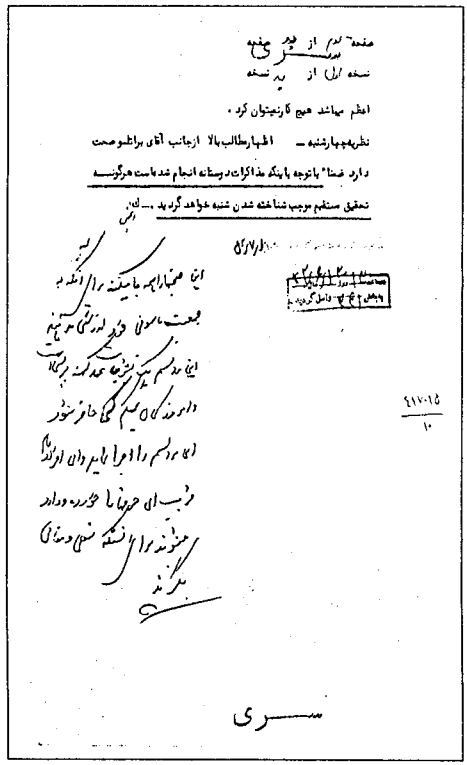

۱ـ احمد براتلو از فراماسون‌های قدیمی ایران بود که ضمن عضویت در لژهای مختلف، به عنوان استاد ارجمند لژ پهلوی و سالار لژ کورش نیز فعالیت می‌کرد.

۲ـ علی جواهرکلام متولّد ۱۲۷۵ ش. لیسانسیهٔ رشتهٔ قضائی، کار مطبوعاتی را از سال ۱۲۸۹ ش. شروع کرد. ضمن ترجمه و تحقیق، با بسیاری از مطبوعات نیز همکاری می‌کرد. با رادیو، مدّتی همکاری داشت. مدیریت نامهٔ «ری» را، عهده‌دار بود. سپس مدیریت هفته‌نامه «هور» را به عهده گرفت.
به زبانهای انگلیسی، روسی، عربی و ترکی تسلط داشت. در سال ۱۳۳۳ به دریافت جایزهٔ سلطنتی مفتخر شد!
بیش از ۱۲۰ اثر ترجمه و تألیف داشت. وی، یکی از محارم و همکاران نزدیک سیّدضیاءالدین طباطبائی و حزب ارادهٔ ملّی بود. جواهرکلام، بیش از ۲۰ ترجمه و نگارش دارد. ترجمهٔ «تاریخ تمدن اسلامی»، اثر جرجی زیدان، و ترجمه «ایران و مسئله ایران»، اثر لردکرزن، از آثار ترجمه اوست.
جواهرکلام، مدتها رایزنی فرهنگی ایران را در ترکیه و شوروی، عهده‌دار بود.
علی جواهرکلام یکی از اعضای مؤثر شبکه مطبوعاتی و روشنفکری بدآمن بود که توسط اینتلجنت سرویس اداره می‌شد. یکی از اقدامات او در این راستا تقریر کتاب مجعول خاطرات ابوالقاسم لاهوتی بود که توسط شاپور ریپورتر جعل شده بود. علی جواهرکلام از گردانندگان اصلی فراماسونری نیز محسوب می‌شد.

به: ۳۴۲ تاریخ: ۵۲/۱۱/۸

از: ۲۰ ه ۲۲ شماره: ۲۰/۱۱۶۱۵۱ ه ۲۲

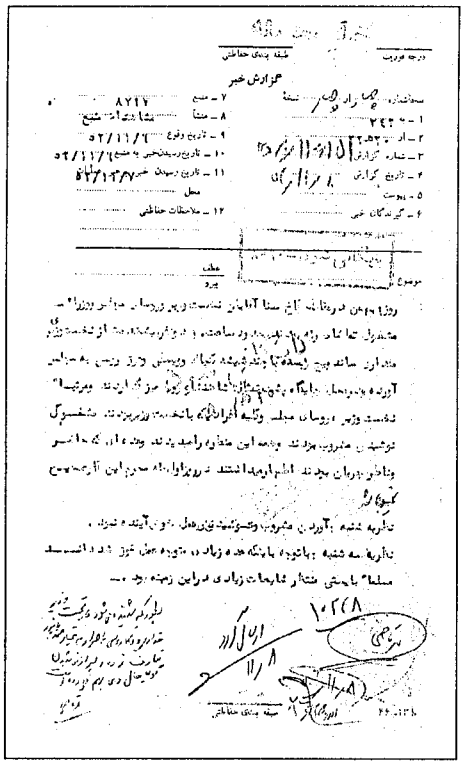

روز ۶ بهمن در مقابل کاخ سنا آقایان نخست‌وزیر و رؤسای مجلس و وزرا مشغول تماشای رژه بودند حدود ساعت ۱۰ دو نفر پیشخدمت از نخست‌وزیری مقداری ساندویچ و پسته با چند شیشه کنیاک و ویسکی و عرق روسی به مجلس آورده و در محل جایگاه پشت تمثال شاهنشاه روی میز گذاردند و مرتباً نخست‌وزیر، رؤسای مجلس و کلیه افرادی که با نخست‌وزیر بودند مشغول نوشیدن مشروب بودند و همه این منظره را می‌دیدند و عده‌ای که حاضر و ناظر جریان بودند اظهار می‌داشتند در روز اول ماه محرم این کار صحیح نمی‌باشد

نظریه شنبه: آوردن مشروب و نوشیدنش عمل خوش‌آیند نبود.

نظریه سه شنبه: با توجه به اینکه عده زیادی متوجه عمل فوق شده‌اند مسلماً بایستی منتظر شایعات زیادی در این زمینه بود.

به طوری که شنیده می‌شود آقای نخست‌وزیر مقداری ودکا روسی به اصرار به تیمسار صمدیانپور تعارف نموده و پس از نوشیدن گویا حال وی بهم خورده است

مرتاضی

۱۰۲۲۸

ارسال گردد ۱۱/۸

از: ۳۴۱ تاریخ: ۵۳/۲/۱۸

درباره: جلد سوم کتاب فراماسونری ایران

نوشته رائین

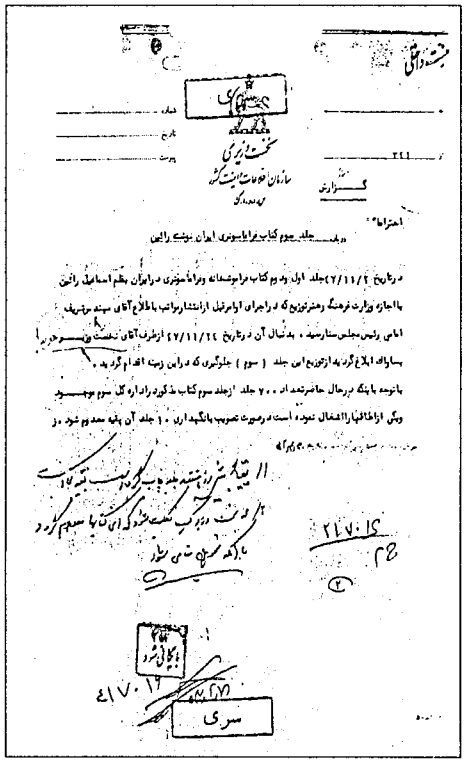

در تاریخ ۴۷/۱۱/۲ جلد اول و دوم کتاب فراموشخانه و فراماسونری در ایران به قلم اسماعیل رائین[1] با اجازه وزارت فرهنگ و هنر توزیع که در اجرای اوامر قبل از انتشار مراتب به اطلاع آقای مهندس شریف‌امامی رئیس مجلس سنا رسید. به دنبال آن در تاریخ ۴۷/۱۱/۲۴ از طرف آقای نخست‌وزیر هویدا به ساواک ابلاغ گردید از توزیع این جلد (سوم) جلوگیری که در این زمینه اقدام گردید. با توجه به اینکه در حال حاضر تعداد ۷۰۰ جلد از جلد سوم کتاب مذکور در اداره کل سوم موجود و یکی از اطاقها را اشغال نموده است در صورت تصویب با نگهداری ۱۰ جلد آن بقیه معدوم شود.

[پی‌نوشت نصیری]

۱/ یقیناً بیش از هفتصد جلد چاپ کرده است بقیه کجا است

۲/ از نخست‌وزیر کسب تکلیف شود که این کتابها معدوم گردد یا آنکه تحویل مقامی شود

۴۱۷۰۱۶

۱ـ اسماعیل رائین فرزند غلامحسین در سال ۱۲۹۸ ش در بوشهر متولد شد. در سال ۱۳۱۴ در اداره پست و تلگراف شهر استخدام و سپس به اردبیل و تهران منتقل شد. رائین علاوه بر خدمت در اداره پست و تلگراف به شغل خبرنگاری مطبوعات نیز اشتغال داشت و مقالات خود را با نام بهمن امضا می‌کرد و دوره ۴ ساله روزنامه‌نگاری را در دانشگاه تهران طی کرد. اسماعیل رائین از سال ۱۳۱۸ با نوشتن مقالاتی در روزنامه «خلیج ایران» در بوشهر کار مطبوعاتی را آغاز و از سال ۱۳۲۰ بیشتر اوقات خود را صرف مطبوعات نمود. هنگام انتقال به تهران در سال ۱۳۲۳ اخبار تلگرافهای رسیده از آذربایجان را در اختیار روزنامه کیهان، مجله تهران مصور و آتش قرار می‌داد. علاوه بر نشریات یاد شده با مجله روشنفکر و تهران و... همکاری می‌نمود. وی در سال ۱۳۳۶ مؤسسه جمع‌آوری اخبار و تأمین اخبار جراید را با کمک

بهرام بوشهری تأسیس نمود. به اعتقاد ساواک اسماعیل رائین به منظور کسب اخبار با طبقات مختلف مردم از جمله شخصیتهای داخلی و خارجی ارتباط می‌گیرد و با توجه به بصیرت و تیزهوشی ذاتی تحت پوشش مزبور اطلاعاتی نیز برای عوامل خارجی تهیه می‌نماید. با توجه به اشتغال برادرش پرویز [رائین] در خبرگزاری آسوشیتدپرس مطمئناً آن خبرگزاری را نیز از اخبار جمع‌آوری شده بی‌نصیب نمی‌گردانید. بنا به گزارش سفارت ایران در کویت، روزنامه «الرأی العام» در مورخه ۱۰ شهریور ۱۳۴۴ فاش ساخت شش نفر از روزنامه نگاران ایرانی منجمله نماینده مجله تهران مصور [رائین] به اسرائیل سفر کرده که افراد مزبور خود را نمایندگان مطبوعات ایران معرفی نموده‌اند که الرأی العام به انجام این سفر شدیداً حمله کرده است.

نامبرده از اعضای پایه‌گذار سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات بود و چندین دوره ریاست هیئت مدیره و عضویت هیئت اجرایی آن را به عهده داشت.

وی دارای تألیفات مختلفی چون فراموشخانه و فراماسونری در ایران می‌باشد که با همکاری ساواک آن را تدوین نمود.

رائین با شاپور جی‌پور تر، برادران آدمیت و... رابطه حسنه داشت.

اسماعیل رائین از اعضای سازمان فراماسونری در ایران و از سرسپردگان و هواداران استعمار انگلیس و با وجود این، دنباله رو سیاست آمریکا در ایران و از ماموران ساواک بوده است.

نامبرده همکاری خود با ساواک را از تاریخ ۴۲/۱۱/۱۲ با ماهیانه ده هزار ریال و با نام مستعار «منوچهر» و کدهای ۱۱۱ و ۱۴۹۸ آغاز کرده است. اسماعیل رائین تا روز واژگونی رژیم شاه وفاداری و پشتیبانی خود را نسبت به شاه ادامه داده است. و در ماههای واپسین سلطنت شاه، موضع خود را درباره شاه این گونه آشکار ساخته است: «...اگر قرار باشد در تمام دنیا نوکری کسی را بکنم نوکری شاه را می‌پذیرم.... کاری که شاه درباره اصلاحات انجام داده پیغمبر انجام نداده و به همین دلیل او را قبول دارم...» دستخط نامبرده به امیر اسداله علم نمایانگر وابستگی او به مهره‌های انگلیسی رژیم و وفاداری او به شاه است.

شاه نیز نسبت به نامبرده توجه ویژه‌ای داشته و او را «از مراحم ملوکانه» بر خوردار می‌کرده است. و در دوران اقامت او در انگلستان کلیه هزینه زندگی او و زن و فرزندانش از سوی شاه پرداخت می‌شده است. رائین از دوستان نزدیک و دیرینه فراماسون معروف «فریدون آدمیت» بوده است و بنا بر سند بدست آمده آدمیت هنگامی که سفیر کبیر ایران در شوروی بوده نامبرده را به سمت نماینده مطبوعاتی ایران در مسکو پیشنهاد کرده است.

به: ۳۴۲ تاریخ: ۵۳/۲/۲۳

از: ۲۰ ه ۲۵ شماره: ۲۰/۸۰۳۱۸ ه ۲۵

موضوع: خرید زمین وسیله آقای نخست‌وزیر

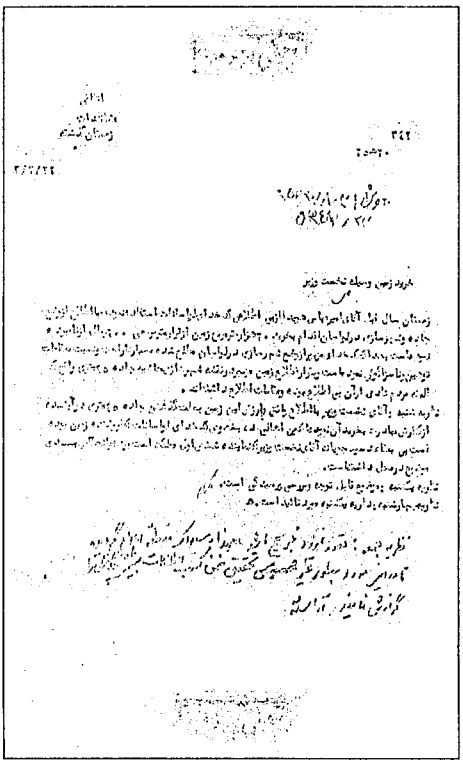

زمستان سال قبل آقای امیرعباس هویدا از بی‌اطلاعی کدخدای لواسانات استفاده نموده و با اطلاع از وضع جاده و شهرسازی در لواسان اقدام به خرید ۲۰ هزار متر مربع زمین از قرار متر مربعی ۶۰۰ ریال از نامبرده نموده است بعداً که کدخدای مزبور از وضع شهرسازی در لواسان مطلع شده بسیار ناراحت و نسبت به مقامات توهین و ناسزاگویی نموده است و به قرار اطلاع زمین مزبور در نقشه شهرسازی حاشیه جاده ۴۵ متری واقع که البته مردم عادی از آن بی‌اطلاع بوده و مقامات اطلاع داشته‌اند.

نظریه شنبه: آقای نخست‌وزیر با اطلاع واثق به ارزش این زمین به علت گذشتن جاده ۴۵ متری در آینده از کنارش مبادرت به خرید آن نموده اکنون اهالی ده بخصوص کدخدای لواسانات که فروشنده زمین بوده است پی به مقاصد سودجویانه آقای نخست‌وزیر که نماینده شخص اول مملکت است برده و انعکاس بدی موضوع در محل داشته است.

نظریه یکشنبه: موضوع قابل توجه و بررسی و رسیدگی است.

نظریه چهارشنبه: نظریه یکشنبه مورد تایید است.

نظریه جمعه: تصور نمی‌رود خبر صحیح باشد معهذا به ساواک منطقه اعلام گردیده تا در این مورد به طور غیرمحسوس تحقیق ضمن کسب اطلاعات بیشتر چگونگی راگزارش نمایند. آراسته

به: ۳۴۲ تاریخ: ۵۳/۲/۲۸

از: ۲۰ ه ۲۵ شماره: ۲۰/۲۳۳۸ ه ۲۵

موضوع: خرید زمین وسیله آقای نخست‌وزیر

پیرو ۲۰/۸۰۳۱۸ ه ۲۵ـ ۵۳/۲/۲۳

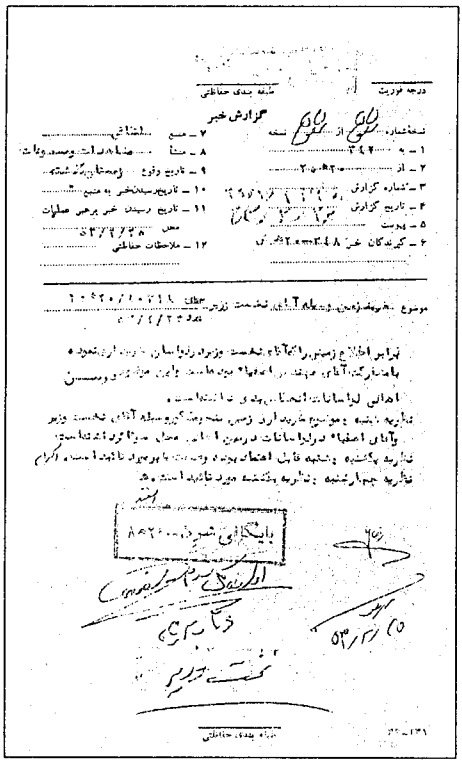

برابر اطلاع زمینی راکه آقای نخست‌وزیر در لواسان خریداری نموده با مشارکت آقای مهندس اصفیا بوده است و این موضوع در بین اهالی لواسانات انعکاس بدی داشته است.

نظریه شنبه: موضوع خریداری زمین به نحو مذکور وسیله آقای نخست‌وزیر و آقای اصفیا[1] در لواسانات بین اهالی محل سوء اثر داشته است.

نظریه یکشنبه : شنبه قابل اعتماد بوده و صحت خبر مورد تایید است. اکرام

نظریه چهارشنبه : نظریه یکشنبه مورد تایید است.

اسفند

اداره کل سوم ـ منصوری

۵۳/۲/۲۶

نخست وزیر

۱ـ محمد صفی‌اصفیا فرزند سلیم در سال ۱۲۹۵ ش در تهران تولد یافت. تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در همین شهر به پایان رسانید و از دبیرستان ثروت در سال ۱۳۱۱ موفق به اخذ دیپلم گردید و برای کسب تحصیلات عالیه عازم فرانسه شد. وی به دلیل علاقه‌ای که به اکتشافات و زمین‌شناسی داشت در دانشگاه پلی‌تکنیک فرانسه ثبت نام نمود و از همین دانشگاه در رشته معدن و زمین‌شناسی موفق به اخذ دیپلم مهندسی گردید و در سال ۱۳۱۷ بعد از شش سال اقامت در اروپا به وطن مراجعت نمود.

مشارالیه پس از بازگشت به‌کشور در وزارت صنایع و پیشه و هنر مشغول بکار شد و همزمان به تدریس در دانشکده فنی نیز اشتغال داشت. خدمت سربازی را در دانشکده افسری طی کرد و در سال ۱۳۲۱ به وزارت فرهنگ منتقل شد.

وی در سال ۱۳۲۰ ازدواج کرد و دارای سه دختر به اسامی «صفیه ـ صفورا و صفا» گشت.

وی در سال ۱۳۲۴ به ریاست آزمایشگاه معدن‌شناسی دانشکده فنی رسید و تا سال ۱۳۳۱ در آن دانشکده بود. اصفیاء در اواخر سال ۱۳۳۱ به عضویت شورای عالی صنعتی انتخاب و در ضمن تصدی کرسی استادی زمین شناسی اقتصادی، در مهر ماه ۱۳۳۴ با حفظ سمت به عنوان مشاور عالی سازمان برنامه و عضو شورای اداری سازمان نقشه‌برداری انتخاب شد. مشارالیه که از اعضا مؤسس حزب ایران به شمار می‌رفت در سال ۳۹ با حمایت‌های حزبی، پس از برکناری خسرو هدایت به عنوان مدیر عامل سازمان برنامه انتخاب شد. اوکه در سال ۱۳۴۵ به پیشنهاد هویدا و موافقت شاه دارای لقب «جناب» شده بود، در تاریخ ۱۳۵۰/۷/۸ به عنوان وزیر مشاور و نایب نخست‌وزیر در امور اقتصادی و عمرانی منصوب شد که با تبر یک نصیری ـ ساواک ـ روبرو گردید و در همین سال یک قبضه تفنگ گلوله‌زنی شکاری کالیبر ۲۷۰ دریافت کرد. اوکه با تائید محمدرضا پهلوی به عنوان دبیرکل کمیته ملی پیکار جهانی با بیسوادی برگزیده شده بود، در سال ۱۳۵۲ با پیشنهاد وزیر علوم و آموزش عالی و با تائید شاه به عضویت هیأت امنای دانشگاه جُندی شاپور در آمد و در تاریخ ۱۳۵۶/۵/۱۷ به پیشنهاد جمشید آموزگار وزیر مشاور شد.

دیگر مشاغل اصفیاکه همگی با فرمان محمدرضا پهلوی صورت گرفت، بدین شرح است :

ب ـ عضویت در هیئت شورای انرژی اتمی

الف ـ عضویت در هیئت مدیره سازمان خدمات شاهنشاهی

ج ـ عضویت در شورای مرکزی دانشگاه‌ها

د ـ عضویت در هیئت امنای مؤسسه برنامه‌ریزی ایران

هـ ـ عضویت در هیأت امنای مؤسسه عالی آموزش ارتباطات

و ـ عضویت در هیأت امنای دانشگاه اصفهان

ز ـ عضویت در هیأت امنای دانشگاه فارابی

ح ـ عضویت در هیأت امنای بنیاد فرهنگ ایران

ط ـ عضویت در شورای عالی مرکز طبی کودکان

ی ـ عضویت در شورای هیأت امنای سازمان جشن هنر

صفی‌اصفیا در سال ۱۳۴۳ قصد خرید یک کارخانه قند به قیمت ۶۰ میلیون تومان از یک شرکت انگلیسی را داشت که در همین زمان یک شرکت آلمانی با همین مبلغ حاضر به فروش دو کارخانه بوده است!!؟

یکی از دختران وی بنام صفورا با تائید ساواک در اسفند ۵۴ به نمایندگی ثابت ایران در یونسکو (پاریس) انتخاب گردیده است.

شماره : ۲۰/۶۰۶۸۵ ه ۲۱ تاریخ : ۵۳/۴/۳

موضوع : شرکت آقای نخست‌وزیر در حوزه ۹ حزب ایران نوین

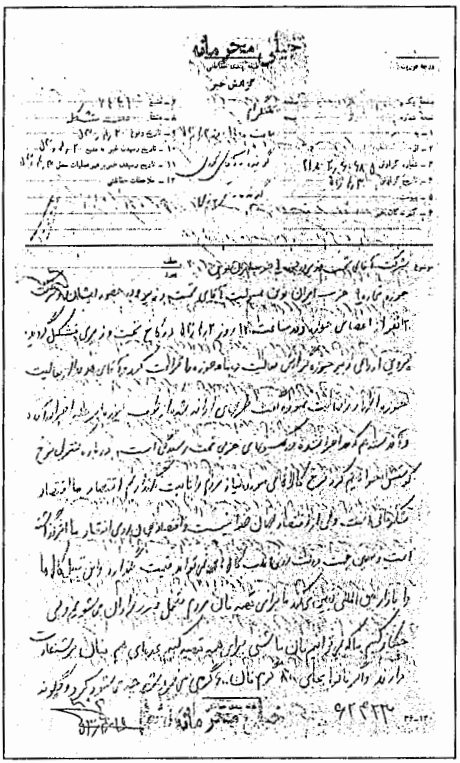

حوزه شماره ۹ حزب ایران نوین به مسئولیت آقای نخست‌وزیر و در حضور ایشان و شرکت ۲۰ نفر از اعضای حوزه در ساعت ۱۷۰۰ روز ۵۳/۴/۲ در کاخ نخست وزیری تشکیل گردید. پروین ارداغی دبیر حوزه گزارش فعالیت ده ماهه حوزه را قرائت کرد و آقای هویدا از فعالیت حوزه اظهار رضایت نموده گفت طرحهای ارائه شده از طرف حوزه‌ها به مرحله اجرا درآمده و آن دسته هم که اجرا نشده در کمیسیونهای حزبی تحت رسیدگی است. درباره کنترل نرخ کوشش خواهیم کرد نرخ کالاهای مورد نیاز مردم را ثابت نگهداریم اقتصاد ما اقتصاد شکوفایی است ولی از اقتصاد جهان جدا نیست و اقتصاد جهان روی اقتصاد ما اثر گذاشته است و به همین جهت دولت روی اغلب کالاها نمی‌تواند قیمت بگذارد و این قبیل کالاها را بازار بین‌المللی تعیین می‌کند ما برای تهیه نان مردم متحمل ضرر فراوان می‌شویم ولی چکار کنیم ما که نمی‌توانیم نان ماشینی برای همه تهیه کنیم عده‌ای هم به نان برشته عادت دارند و اگر نانوا به جای ۸۰۰ گرم نان ۶۰۰ گرمی می‌فروشد چه می‌شود کرد و چگونه این قبیل فروشندگان راکنترل کرد ما شکر راگران می‌خریم ولی برای اینکه به مردم فشار نیاید هر کیلو ۱۶ ریال ارزانتر از نرخ خریداری شده در اختیار مردم می‌گذاریم برای اینکه کار مردم به دست مردم سپرده شود اطاق اصناف را بوجود آوردیم ولی آن طوری که انتظار داشتیم کاری پیش نرفت کمیته حمایت از مصرف‌کننده هم کار خود را خوب انجام نداده است. امسال سود بازرگانی را در پاره‌ای از موارد حذف خواهیم کرد تاکارمندان دولت قوه خرید را از دست ندهند باید قوه خرید را به کارمندان

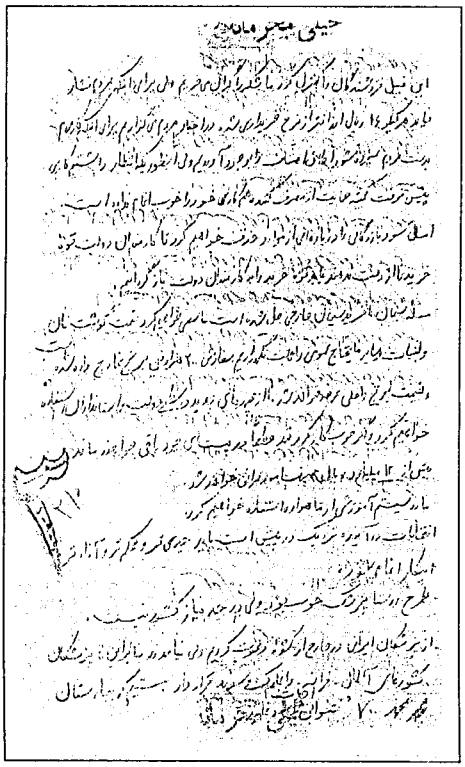

دولت بازگردانیم.

مسئله سیمان با خرید سیمان خارجی حل شده است ما سعی خواهیم کرد قیمت گوشت نان و لبنیات و سایر مایحتاج عمومی را ثابت نگهداریم. سفارش ۲۰۰ هزار تن برنج به خارج داده شده است و به قیمت برنج داخلی عرضه خواهد شد ما از چهره‌های جدید در سطح دولت و استانداران استفاده خواهیم کرد و اگر خوب کار کردند قطعاً در پست‌های خود باقی خواهند ماند.

بیش از ۱۲ میلیارد ریال صرف امور عمرانی خواهد شد.

ما در سیستم آموزشی از ماهواره استفاده خواهیم کرد.

انتخابات در آینده نزدیک در پیش است باید جدی‌تر و محکم‌تر و آزادتر این کار انجام شود.

طرح روستا پزشک خوب بود ولی در حد نیاز کشور نیست.

از پزشکان ایرانی در خارج از کشور دعوت کردیم ولی نیامدند بنابراین با پزشکان کشورهای آلمان ـ فرانسه ـ دانمارک و سوئد قرارداد بستیم که بیمارستان مجهز ۷۰۰ تختخوابی احداث نمایند.

سر و صدای مدارس ملی راجع به آموزش رایگان زیاد شده بود اگر می‌خواستیم سختگیری بیشتری بکنیم /۸۰۰۰ نفری که با هزینه شخصی در این مدارس تحصیل می‌کنند به هزینه خودشان به خارج از کشور می‌رفتند لذا دولت برای هر نفر شهریه ۶۰۰ تومان قبول کرد به ۵ میلیون دانش‌آموز غذای رایگان دادن کار آسانی نیست آقای هویدا مطالبی به شرح زیر عنوان کرد که این مطالب غیرقابل انتشار است.

ما شهرداری کوچکتری در جنوب شهر تهران ایجاد خواهیم کرد و ۳۰۰ میلیون تومان اعتبار در

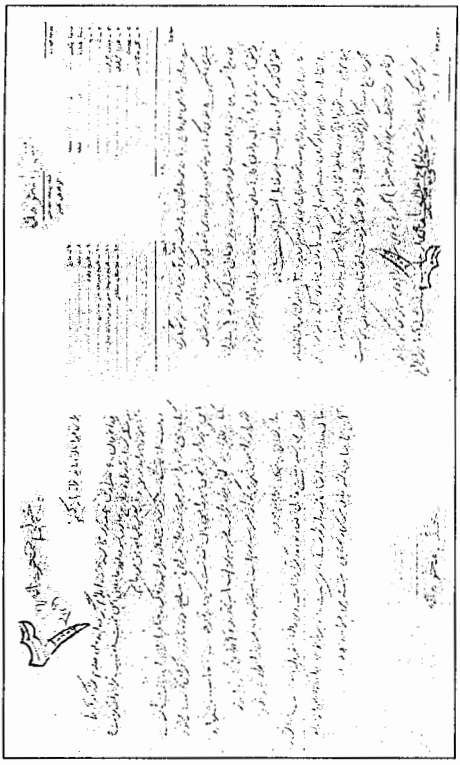

اختیار او قرار خواهیم داد که اوقات خود را صرف پارک‌سازی نکند و خواسته‌های مردم جنوب شهر را برآورده نماید اقداماتی شده که با نادرستی مبارزه شدید بشود اگر شایع است که افراد تحت تعقیب قرار خواهند گرفت این شایعات بی‌اساس نیست (تا نباشد چیزکی مردم نگویند چیزها) اگر پایه‌های حزب را چوبی هم فرض کنیم باید کوشش کنیم تا پیروز شویم. لوایح انقلابی تازه‌ای از جانب شاهنشاه آریامهر ابلاغ خواهد شد... برای جوانان باید راه باز کنیم.

در اصفهان ۶۰۰ هزار تن چغندر فاسد شده اعلام کرده‌اند ولی معلوم شد که آن را به شکر سیاه تبدیل و به خارج صادر نموده‌اند عاملین آن تحت تعقیب قرار خواهند گرفت و ما در برخی موارد موفق و در بعضی هم ناموفق بوده‌ایم.

دولت از پیشگاه مبارک شاهنشاه آریامهر استدعا کرده چنانچه اطاق اصناف در ظرف یک ماه وضع خود را سروصورت ندهد از قوای مسلح در مبارزه با گران فروشی استفاده شود این شهردار و انجمن شهر را خودتان انتخاب کرده‌اید اگر خوب انتخاب نشده‌اند به کنار بگذارید، بگذارید از طرف حزب مردم انتخاب شوند و آنها روی کار بیایند شهردار و انجمن شهری که از حزب مردم انتخاب شوند بهتر می... ایراد بگیرند و راهگشای بهتری خواهند بود.

نظریه چهارشنبه : منبع قابل اعتماد بوده و گزارشات وی غالباً مقرون به صحت می‌باشد. بیان مطالب اشاره شده از طرف آقای نخست‌وزیر با توجه به اینکه بعضی از موارد آن نارسا می‌باشد قابل بررسی و تحقیق بیشتری خواهد بود.

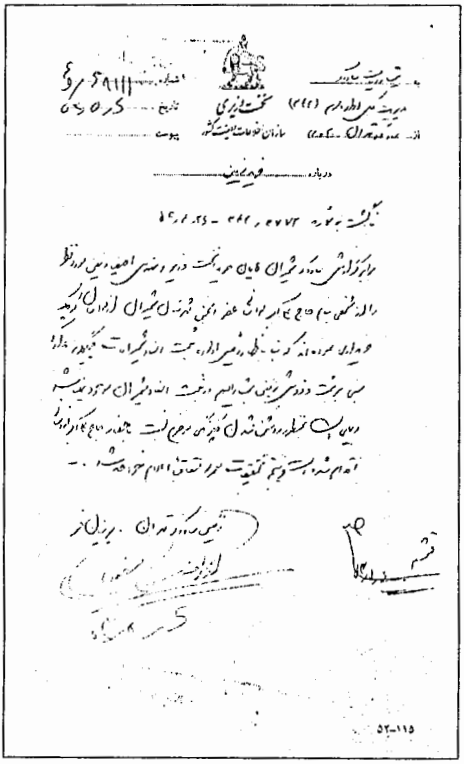

شماره : ۶۸۱۱۱/ه۴ تاریخ : ۵۳/۵/۶

به : تیمسار ریاست ساواک مدیریت کل اداره سوم (۳۴۲)

از : ساواک تهران ۲۰ ه ۲۲

درباره : خرید زمین

بازگشت به شماره ۳۴۲/۳۷۷۲ ـ ۵۳/۴/۲۶

برابر گزارش ساواک شمیران آقایان هویدا نخست‌وزیر و مهندس اصفیا زمین مورد نظر را از شخصی به نام حاج علی‌اکبر لواسانی عضو انجمن شهرستان شمیران از لواسان کوچک خریداری نموده‌اند که بنا به اظهار رئیس اداره ثبت اسناد شمیرانات هیچگونه مدارکی مبنی بر ثبت و فروش زمین به مشارالیهم در ثبت اسناد شمیران موجود نمی‌باشد بدیهی است به منظور روشن شدن چگونگی موضوع نسبت به احضار حاج علی‌اکبر لواسانی اقدام شده است و نتیجه تحقیقات معموله متعاقباً اعلام خواهد شد.

رئیس ساواک تهران.

پرنیان فر

از طرف منصوری

۵۳/۵/۶ ک

محتشم ۵۳/۷/۶

به: ساواک تهران ۲۰/ه ۲۵ تاریخ: ۵۳/۳/۸
از: ساواک تهران ۲۰ ه ۲۲ شماره: ۹۰۶/ه ش
درباره: خرید زمین وسیله آقای نخست‌وزیر
عطف ۲۰/۸۰۳۳۸ ه ۲۵ـ۵۳/۲/۲۶

برابر تحقیقاتی که بعمل آمده است قطعه زمین مورد بحث در منطقه یادشده توسط آقای نخست‌وزیر با مشارکت مهندس اصفیا (مدیرعامل سابق سازمان برنامه) خریداری گردیده و در حال حاضر اقداماتی نیز در جهت دیوارکشی این زمین صورت گرفته است.
رئیس ساواک شمیرانات ـ عباس شهر... مقدم
۵۳/۳/۸

رونوشت به بخش ۲۲ واصل شده است ۵۳/۳/۱۱
گیرنده ریاست تهران ۲۰/ه ۲۲

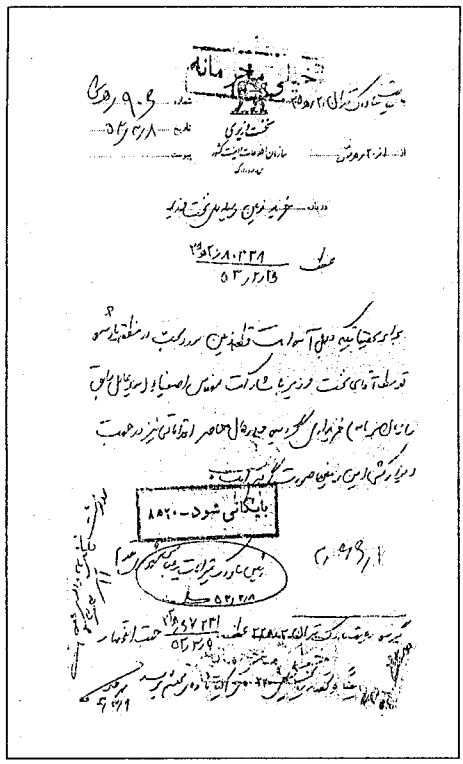

عطف ۳۶۷۲۳۱ ه ۲۲ـ۵۲/۳/۵

جهت استحضار

عیناً به استحضار ریاست بخش ۲۲ آقای اکباتانی و آقای محتشم برسد... ۵۳/۳/۹

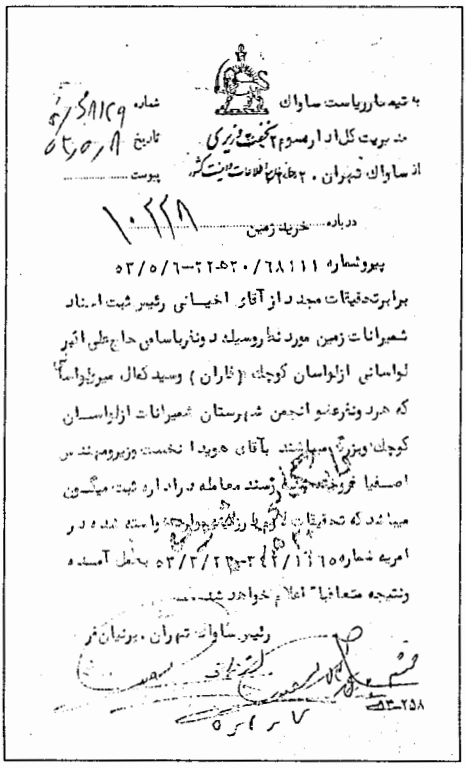

شماره : ۶۸۱۲۹/ [۲۰ ه ۲۲] تاریخ : ۵۳/۵/۸
به : تیمسار ریاست ساواک مدیریت کل اداره سوم ۳۴۲
از : ساواک تهران ۲۰ ه ۲۲
درباره : خرید زمین
پیرو شماره ۲۰/۶۸۱۱۱ ه ۲۲ ـ ۵۳/۵/۶

برابر تحقیقات مجدد از آقای اخیانی رئیس ثبت اسناد شمیرانات زمین مورد نظر وسیله دو نفر به اسامی حاج علی‌اکبر لواسانی از لواسان کوچک (فاران) و سید کمال میری لواسانی که هر دو نفر عضو انجمن شهرستان شمیرانات از لواسان کوچک و بزرگ می‌باشند به آقای هویدا نخست‌وزیر و مهندس اصفیا فروخته شده و سند معامله در اداره ثبت میگون میباشد که تحقیقات لازم در زمینه موارد خواسته شده در امریه شماره ۳۴۲/۱۱۶۵ ـ ۵۳/۳/۲۲ بعمل خواهد آمده و نتیجه متعاقباً اعلام خواهد شد.

رئیس ساواک تهران.
پرنیان فر
از طرف
محتشم ۵۳/۵/۱۱

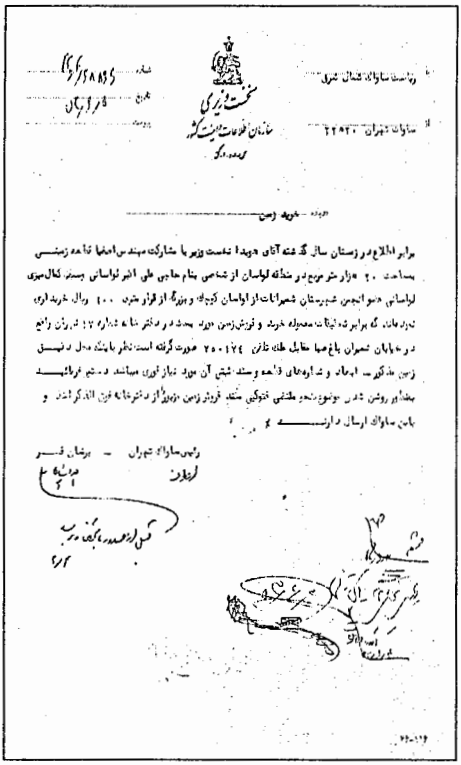

شماره : ۶۸۸۶۶/ ه ۲۲ تاریخ : ۵۳/۶/۵

به : ریاست ساواک شمال شرق

از : ساواک تهران ۲۰ ه ۲۲

درباره : خرید زمین

برابر اطلاع در زمستان سال گذشته آقای هویدا نخست‌وزیر با مشارکت مهندس اصفیا قطعه زمینی به مساحت ۲۰ هزار متر مربع در منطقه لواسان از شخصی به نام حاجی علی‌اکبر لواسانی و سید کمال میری لواسانی عضو انجمن شهرستان شمیرانات از لواسان کوچک و بزرگ از قرار متری ۶۰۰ ریال خریداری نموده‌اند که برابر تحقیقات معموله خرید و فروش زمین مورد بحث در دفترخانه شماره ۱۷ تهران واقع در خیابان شمیران باغ صبا مقابل ملک تلفن ۷۵۰۱۷۴ صورت گرفته است نظر به اینکه محل دقیق زمین مذکور ـ ابعاد و شماره‌های قطعه و سند ثبتی آن مورد نیاز فوری می‌باشد دستور فرمائید به منظور روشن شدن موضوع به نحو مقتضی فتوکپی سند فروش زمین مزبور را از دفترخانه فوق‌الذکر اخذ و به این ساواک ارسال دارند.

رئیس ساواک تهران ـ پرنیان فر

از طرف...

قبل از صدور به استحضار برسد ۶/۴

رئیس بخش ۲۲ ـ اکباتانی ۵۳/۲/۳

اداره دوم عملیات ۵۲/۶/۴

تاریخ : ۵۳/۵/۳۱

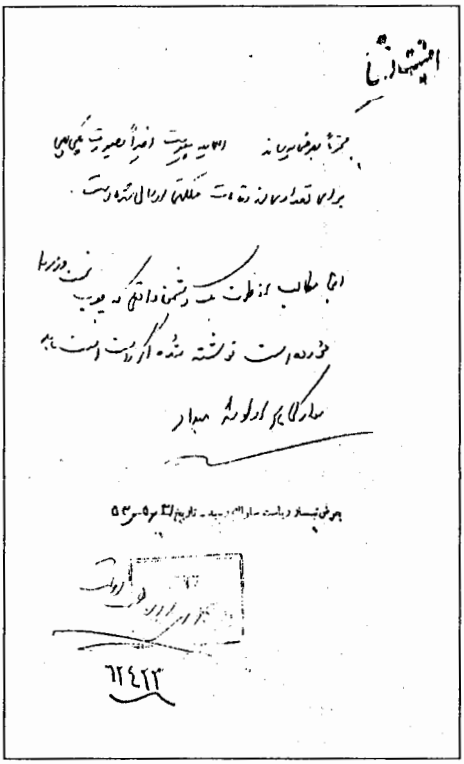

[ثابتی :] محترماً به عرض می‌رساند اعلامیه پیوست اخیراً به صورت پلی‌کپی برای تعدادی از مقامات مملکتی ارسال شده است.

[پی نوشت نصیری :] این مطالب از طرف یک دشمن واقعی که چوب نخست‌وزیر را خورده است نوشته شده اگر راست است باید مدارکی هم ارائه می‌داد.

روی پرونده هیئت دولت

۶۲۴۲۳

بعرض تیمسار ریاست ساواک رسید ـ تاریخ ۵۳/۵/۳۱

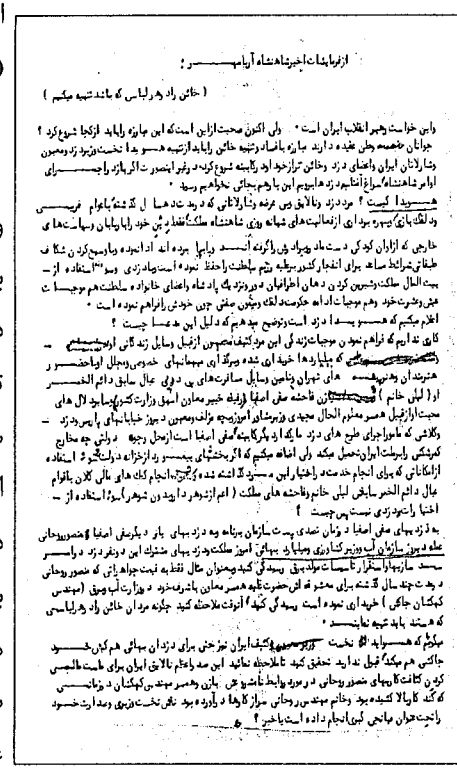

از: فرمایشات اخیر شاهنشاه آریامهر:
(خائن را در هر لباسی که باشد تنبیه می‌کنیم)

و این خواست رهبر انقلاب ایران است. ولی اکنون صحبت از این است که این مبارزه را باید از کجا شروع کرد؟ جوانان وطن عقیده دارند مبارزه با فساد و تنبیه خائن را باید از تنبیه هویدا نخست‌وزیر دزد و معبون و شارلاتان ایران و اعضای دزد و خائن‌تر از خود او در کابینه شروع کرد. در غیر اینصورت اگر باز در اجرای اوامر شاهنشاه، سراغ آفتابه دزدها برویم این بار هم به جایی نخواهیم رسید.

هویدا کیست؟ مرد دزد و نالایق و بی‌عرضه و شارلاتانی که در مدت ده سال گذشته، با عوام‌فریبی و دلقک بازی، و بهره‌برداری از فعالیت‌های شبانه‌روزی شاهنشاه مملکت، فقط دِیْنِ خود را به اربابان و سیاست‌های خارجی که از اوان کودکی دست مادر و برادرش را گرفته‌اند و پا به پا برده‌اند ادا نموده و با وسیع کردن شکاف طبقاتی شرایط مساعد برای انفجار کشور برعلیه رژیم سلطنت را حفظ نموده است و با دزدی و سوءاستفاده از بیت‌المال مملکت و شیرین کردن دهان اطرافیان دور و نزدیک پادشاه و اعضای خانواده سلطنت هم موجبات عیش و عشرت خود و هم موجبات ادامه حکومت دلقک و میمون صفتی چون خودش را فراهم نموده است.

اعلام می‌کنیم که هویدا دزد است و توضیح می‌دهیم که دلیل این مدعا چیست؟

کاری نداریم که فراهم نمودن موجبات زندگی این مردکثیف معبون از قبیل وسایل زندگانی او که میلیاردها خریداری شده و برگزاری میهمانهای [نیهای] هنرمندان و هنرپیشه‌های تهران و تامین وسایل مسافرت‌های پی‌درپی عیال سابق دائم‌الخمر او (لیلی خانم) زن فاحشه صفی اصفیا (رفیقه خبیر معاون اسبق وزارت کشور) و سایر دلال‌های محبت او از قبیل همسر

معلوم‌الحال مجیدی[۱] وزیر مشاور امروز و بچه مزلف و معبون دیروز خیابانهای پاریس و دزد و کلاشی که مامور اجرای طرح‌های دزد مارکدار دیگر کابینه، صفی اصفیا از محل وجوه دولتی چه مخارج کمرشکنی را برملت ایران تحمیل می‌کند ولی اضافه می‌کنیم که اگر بخششهای بی‌مورد از خزانه دولت و سوءاستفاده از امکاناتی که برای انجام خدمت در اختیار این مردم گذاشته شده و انجام کمک‌های مالی کلان به اقوام عیال دائم‌الخمر سابقش لیلی خانم و فاحشه‌های مملکت (اعم از شوهردار و بدون شوهر) سوءاستفاده از اختیارات و دزدی نیست پس چیست؟

به دزدیهای صفی اصفیا در زمان تصدی پست سازمان برنامه و به دزدیهای یار دیگر صفی اصفیا، منصور روحانی عمله دیروز سازمان آب و وزیر کشاورزی و میلیارد [میلیادر] بهائی امروز مملکت و دزدیهای مشترک این دو نفر دزد در امر سدسازیها و استقرار تأسیسات مولد برق رسیدگی کنید و به عنوان مثال فقط به قیمت جواهراتی که منصور روحانی در مدت چند سال گذشته برای معشوقه‌اش حضرت علیه همسر معاون با شرف خود در وزارت آب و برق (مهندس کهکشان...) خریداری نموده است رسیدگی کنید، آن وقت ملاحظه کنید چگونه مردان خائن را در هر لباسی که هستند باید تنبیه نمایند.

می‌گوئیم که هویدا نخست‌وزیر معبون و کثیف ایران نیز حتی برای دزدان بهائی هم‌کیش خود... هم می‌کند، قبول ندارید تحقیق کنید تا ملاحظه نمائید این صدراعظم نالایق ایران برای ماست مالی کردن کثافت‌کاریهای منصور روحانی[۲] در مورد روابط نامشروعش با زن و همسر مهندس کهکشان در زمانی که گندکار بالاکشیده بود و خانم مهندس روحانی سر از کارها در آورده بود نقش نخست‌وزیری و صدارت خود را تحت عنوان میانجی‌گری انجام داده است یا خیر؟

۱ـ عبدالمجید مجیدی فرزند قوام الدین در دیماه ۱۳۰۷ ش در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در مدارس ۱۵ بهمن، دارالفنون و البرز تهران به پایان رساند. از دانشگاه درجه لیسانس حقوق و از دانشگاه حقوق پاریس درجه دکترا دریافت کرد. یکسال بعد از مراجعت به ایران در سال ۱۳۳۲ش در بانک توسعه صادرات به اشتغال پرداخت. در ۱۳۳۵ش به سازمان برنامه و بودجه انتقال یافت و سه سال بعد نیز ریاست دفتر بودجه آن سازمان را به عهده گرفت. در سال ۱۳۴۰ش درجه حقوق لیسانس در توسعه اقتصادی از دانشگاه هاروارد و دیپلم دورهٔ مخصوص اقتصاد کشاورزی را از دانشگاه ایلینوی امریکا اخذ کرد. سال بعد معاونت مالی و اداری سازمان برنامه را به عهده گرفت. چند سال بعد نیز معاون نخست وزیر و رئیس دفتر مرکزی بودجه گردید. در انتخاب او فرح نقش داشت همسر عبدالمجید مجیدی بالرین و رقصنده تالار رودکی و دوست فرح پهلوی بود که بواسطه همین دوستی شوهر او واردکابینه شد. در مهرماه ۱۳۴۶ وزیر تولیدات کشاورزی و مواد مصرفی شد. در دیماه همین سال به عضویت شورای عالی فرهنگ و هنر درآمد. در آذرماه ۱۳۴۷ به عنوان وزیر کار امور اجتماعی معرفی شد. و از ۱۹ دیماه ۱۳۵۱ به سمت وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه منصوب گردید. از دیگر مشاغل وی،دبیرکل جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران، عضویت در دفتر سیاسی حزب ایران

نوین، عضویت در هیات اجرائی، دفتر سیاسی حزب رستاخیز و رهبر جناح پیشرو بعد از آموزگار بود. مجیدی در باشگاه امرسون سابق عضویت داشته است. وی در بهمن ۱۳۵۷، پس از پیروزی انقلاب اسلامی توسط ژاندارمری تهران بازداشت شد.

۲ـ منصور روحانی در سال ۱۳۰۰ خورشیدی در تهران به دنیا آمد. پدران او اهل و ساکن قفقاز بودند که بعد از معاهدهٔ ترکمانچای و تصرف هفده شهر قفقاز به وسیله روسیه تزاری، نخست به آذربایجان ایران آمدند و پس از مدتی در قزوین اقامت گزیدند. منصور روحانی پس از تحصیلات مقدماتی عازم تهران شد.
وی دورهٔ مهندسی را در دانشکده فنی دانشگاه تهران گذراند و برای دریافت تخصص در رشتهٔ هیدرولیک به لندن رفت. در بازگشت به ایران در شرکت نفت ایران و انگلیس به‌کار پرداخت. آن گاه به شهرداری تهران منتقل شد و در ادارهٔ لوله کشی آب تهران به‌کار پرداخت. در سال ۱۳۳۷ به ریاست سازمان آب تهران منصوب شد. مهندس روحانی از آن پس تا سال ۱۳۵۷ مدارج ترقی را به سرعت پیمود.
در ۱۷ اسفند ۱۳۴۲ در کابینهٔ حسنعلی منصور به عنوان وزیر آب و برق معرفی شد. پس از ترور منصور هم، روحانی مقام خود را به عنوان وزیر آب و برق در کابینهٔ اول هویدا که در روز هفتم بهمن سال ۱۳۴۳ معرفی شد، حفظ کرد او مدت هفت سال در وزارت آب و برق باقی ماند. در تاریخ ۲۲ شهریور ماه ۱۳۵۰ در ترمیم کابینهٔ هویدا به عنوان وزیر کشاورزی و سرپرست منابع طبیعی معرفی شد. در ۱۸ آبان ۱۳۵۵ در آخرین کابینهٔ هویدا که ولیان از کابینهٔ خارج شده بود، او وزیر کشاورزی و سرپرست وزارت تعاون و امور روستاها شد. او در زمان نخست وزیری دکتر جمشید آموزگار به عنوان مدیر عامل سازمان عمران غرب تهران مشغول کار شد.
در کتاب سی و هفت سال نامبرده به عنوان فردی بهایی معرفی شده است. از جمله کارهایی که او به عنوان آشتی ملی انجام داد، توقیف عده‌ای از رجال دوران گذشته بود. مهندس منصور روحانی یکی از این رجال دوران گذشته بود. او در ۲۳ شهریور ماه ۱۳۵۷ طبق ماده پنج حکومت نظامی به اتهام سوءاستفاده و اتلاف بیت المال به زندان افتاد و تا پیروزی انقلاب در ۲۲ بهمن در زندان بود وی سرانجام در دادگاه انقلاب به عنوان مفسد فی الارض محکوم به اعدام شد.

به : ۳۴۱ تاریخ : ۵۳/۷/۱۳

از : ۲۰ ه ۲۱ شماره : ۲۰/۶۱۸۱۹ ه ۲۱

موضوع : جلسه گذشته دفتر سیاسی

حزب ایران نوین

خیلی محرمانه

گزارش خبر

۱ـ بین مصطفی الموتی[1] و نخست‌وزیر درگیری مختصری بوجود آمده گویا الموتی به نخست‌وزیر اعتراض کرده که چرا حزب را رها کرده است دلیل الموتی برای این کار انتخاب کلیه افراد غیرحزبی برای مشاغل بالای اداری مملکت است وی گفته وقتی حزب اکثریت بر سر کار است چگونه ممکن است افراد [غیر]حزبی و حتی افرادی که با حزب مخالف هستند در راس کارها گذاشته شوند الموتی به عنوان نمونه عالمی مرد و افخمی معاونان جدید وزارت کشور را نام برده است در نتیجه بین آنها مطالب نسبتاً تندی ردوبدل شده ولی در آخر جلسه روبوسی کرده‌اند.

۲ـ در جلسه مزبور کلیه مطالب مربوط به انتخابات شهسوار بوده و در این جلسه حتی گفته شده که آقای شریف‌امامی هم به حمایت از آقای علم در کار انتخابات شهسوار دخالت کرده است و همچنین گفته شده دانشور که از آجودانهای شاهنشاه است به علت ارتباط مستقیم با آقای علم مبلغ سه میلیون در انتخابات شهسوار خرج کرده است تا برنامه آقای علم که مخالفت با آقای هویدا است موفق بشود، نخست‌وزیر در این جلسه اظهار داشته که فرم انتخابات همان است که شاهنشاه خواسته‌اند و باید انجام شود.

۳ـ مسائل مربوط به خواروبار و سایر مایحتاج مردم از مهمترین مسائل بحث حوزه‌های حزبی بود که در جلسه دفتر سیاسی مورد بررسی قرار گرفته و همچنین موضوع تغذیه بین روز دانش‌آموزان که تاکنون مسئولان وزارت آموزش و پرورش نتوانسته‌اند به طور کامل این مسئله

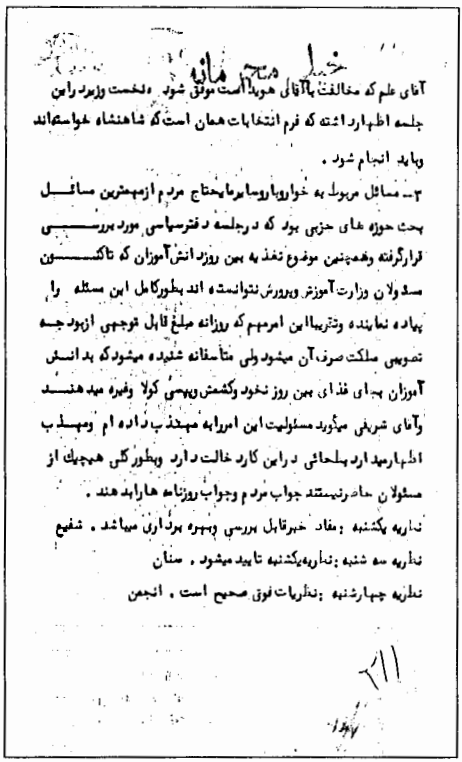

خیلی صبح مانه

آقای علم که مخالفت با آقای هویدا است موفق شود دخست وزیرد راین جلسه اظهارداشته که فرم انتخابات همان است که شاهنشاه خواسته‌اند وباید انجام شود .

۳ـ مسائل مربوط به خواروبارومامحتاج مردم ازمهمترین مسائل بحث جلسه های حزبی بود که درجلسه دفترسیاسی مورد بررسی قرارگرفته وهمچنین موضوع تغذیه بهبن روزدانش‌آموزان که تاکنون مسئولان وزارت آموزش وپرورش نتوانسته اند بطورکامل این مسئله را پیاده نمایند وتقریباًاین امرمهم که روزانه مبلغ قابل توجهی ازبودجه تصویبی مملکت صرف آن میشود ولی متأسفانه شنیده میشود که دانش آموزان بجای غذای بین روز نخود وکشمش وپپسی کولا وغیره میدهند وآقای شریفی میگوید مسئولیت این امر را به مهذب داده‌ام ومهذب اظهارمیدارد بطحائی دراین کار دخالت دارد وبطورکلی هیچیک از مسئولان حاضرنیستند جواب مردم وجواب روزنامه هارابدهند .

نظریه یکشنبه : مفاد خبرقابل بررسی وبهره برداری میباشد . شفیع

نظریه سه شنبه : نظریه یکشنبه تایید میشود . سنان

نظریه چهارشنبه : نظریات فوق صحیح است . انجمن

را پیاده نمایند و تقریباً این امر مهم که روزانه مبلغ قابل توجهی از بودجه تصویبی مملکت صرف آن می‌شود ولی متأسفانه شنیده می‌شود که به دانش‌آموزان به جای غذای بین روز نخود وکشمش و پپسی‌کولا و غیره می‌دهند و آقای شریفی می‌گوید مسئولیت این امر را به مهذب داده‌ام و مهذب اظهار می‌دارد بطحائی در این کار دخالت دارد و به طور کلی هیچ یک از مسئولان حاضر نیستند جواب مردم و جواب روزنامه‌ها را بدهند.

نظریه یکشنبه : مفاد خبر قابل بررسی و بهره‌برداری می‌باشد. شفیع

نظریه سه شنبه : نظریه یکشنبه تایید می‌شود. سنان

نظریه چهارشنبه : نظریات فوق صحیح است.

انجمن

۱ـ مصطفی الموتی نیز از روزنامه‌نگاران بعد از شهریور ۱۳۲۰ می‌باشد که روزنامه صبح امروز را منتشر می‌کرد. او با قوام رابطه نزدیکی داشت و در زمان کابینه سوم قوام نماینده مجلس شورای ملی بود و قوام او را به عنوان معاون در امور بازرسی خود منصوب کرد. وی با اقبال رابطهٔ نزدیک داشت و در کابینه اقبال معاون او بود. وی از فراماسونری‌های برجسته بود و عضو فعال حزب ایران نوین و حزب رستاخیز بشمار می‌رفت. پس از انقلاب به انگلستان پناهنده شد.

به : ۳۴۲ تاریخ : ۵۳/۱۰/۱

از : ۲۰ ه ۲۲ شماره : ۲۰/۱۱۷۴۴۸ ه ۲۲

موضوع : تهیه مسکن

اخیراً دولت ایران تصمیمی اتخاذ نموده مبنی بر اینکه به منظور اجرای طرح خانه‌سازی افسران ارتش اردن وامی به مبلغ ده میلیون دلار در اختیار دولت اردن هاشمی قرار دهد اشاعه این موضوع در بین عده‌ای از کارمندان وزارت امور اقتصادی و دارائی ایجاد یأس و بدبینی نموده و اظهار می‌دارند دولت به علت داشتن پول زیاد هر روز از طریق رادیو و جراید اعلام میکند که در نظر دارد بفلان کشور خارجی وام بدهد ولی عملاً حاضر نیست که اقدام جدی و مؤثری در جهت تأمین مسکن کارمندان خود بعمل آورد اینک کارمندان با آگاهی از این مسئله انتظار دارند که مسئولین امر در این مورد رسیدگی و اقداماتی در زمینه رفع ناراحتی و نارضایی آنان بعمل آورند.

نظریه شنبه : در وزارتخانه‌ها نقل و انتقال کارمندان و یا تمدید مأموریت معمولاً محرمانه تلقی می‌شود ولی اگر بخواهند وامی را به کشوری بدهند این پیشنهاد وام عادی بوده و از دید عده‌ای از کارمندان می‌گذرد که در بین آنان ایجاد یأس و بدبینی می‌نماید.

نظریه سه شنبه : با تقدیم رونوشت نامه پیشنهاد وام بهتر است به متصدیان مربوطه توجه داده شود که این قبیل مطالب سری بوده و نامه آن را با طبقه‌بندی سری تهیه نمایند تا در بین کارمندان ایجاد یأس و نارضایتی ننماید.

نظریه چهارشنبه : با توجه به پرداختهای قبلی دولت شاهنشاهی به سایر کشورها و نامه وزیر اقتصادی و دارایی صحت خبر بعید نیست ضمناً دولت اعلام نموده که از سال ۵۴ طرحهای خانه‌سازی در کشور به اجراگذارده خواهد شد و رفع نگرانی از افراد بی‌خانمان بعمل خواهد آمد. ماجد پرونده ۴۲۵۰۱۲ بایگانی شود ۵۳/۱۰/۱۰

شماره: ۲۸۱۱۷ تاریخ: ۵۳/۹/۱۰

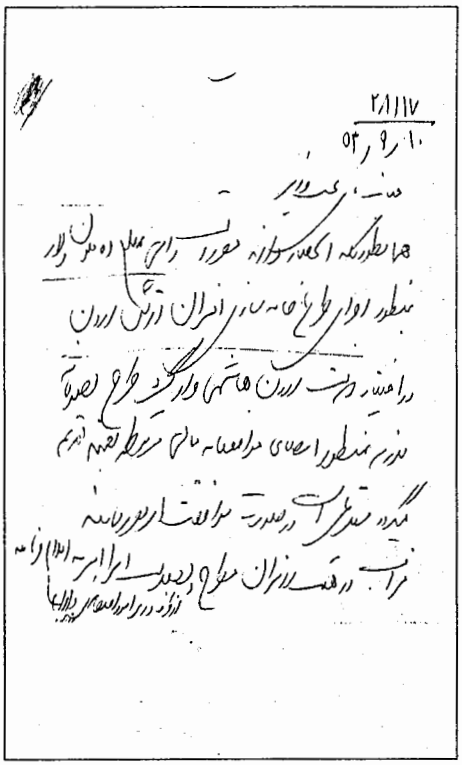

جناب آقای نخست‌وزیر

همان‌طوری که استحضار دارند مقرر است وامی به مبلغ ده میلیون دلار به منظور اجرای طرح خانه‌سازی افسران ارتش اردن در اختیار دولت اردن هاشمی قرار گیرد طرح تصویب‌نامه لازم به منظور امضای موافقت‌نامه مالی مربوط به ضمیمه تقدیم می‌گردد مستدعی است در صورت موافقت امر مقرر نمایند مراتب در هیئت وزیران مطرح و تصویب آن را امر به ابلاغ فرمایند.

از طرف وزیر امور اقتصادی و دارایی

تاریخ : ۵۴/۲/۹

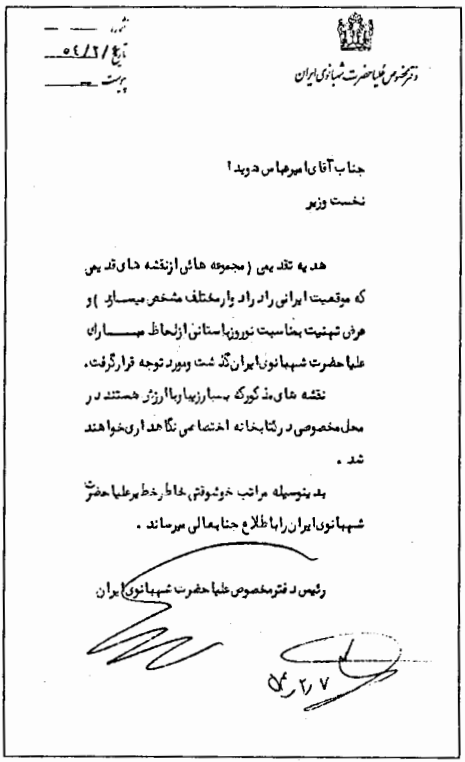

دفتر مخصوص علیاحضرت شهبانوی ایران

شماره ۰۴۷۲
تاریخ ۵۴/۲/۷
پیوست

جناب آقای امیرعباس هویدا
نخست وزیر

هدیه تقدیمی (مجموعه هائی از نقشه های قدیمی که موقعیت ایرانی را در ادوار مختلف مشخص میسازد) و عرض تهنیت بمناسبت نوروز باستانی از لحاظ مبارک علیاحضرت شهبانوی ایران گذشت ومورد توجه قرار گرفت.
نقشه های مذکور که بسیار زیبا وبا ارزش هستند در محل مخصوص در کتابخانه اختصاصی نگاهداری خواهند شد.
بدینوسیله مراتب خوشوقتی خاطر خطیر علیاحضرت شهبانوی ایران را به اطلاع جنابعالی میرساند.

رئیس دفتر مخصوص علیاحضرت شهبانوی ایران

۵۴/۲/۷

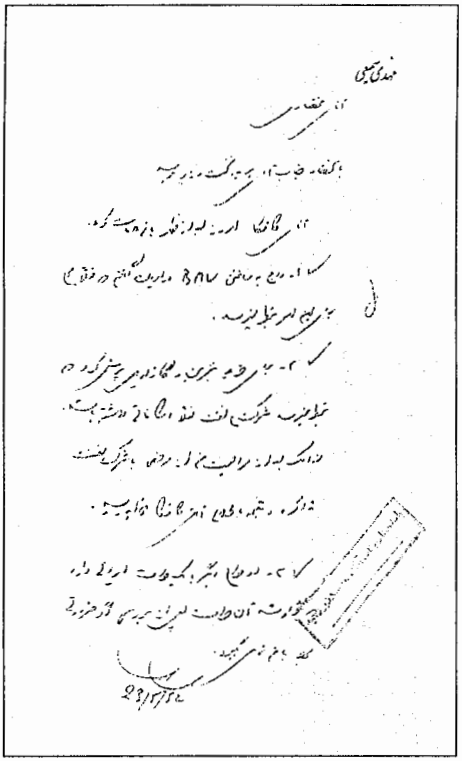

آقای غفاری

به استحضار جناب آقای هویدا نخست‌وزیر برسد

آقای کافکا امروز بعدازظهر با من ملاقات کرد

۱ـ راجع به ساختن BMW در ایران گفتم که فعلاً محلی برای این امر به نظر نمی‌رسد

۲ـ برای خرید بنزین ـ گازاریل [گازوئیل] پرسش کرد که به نظر نمی‌رسد شرکت ملی نفت فعلاً امکاناتی داشته باشد. معذالک بعد از مراجعت من از مرخصی با شرکت نفت مذاکره و نتیجه به اطلاع آقای کافکا خواهد رسید.

۳ـ دو طرح دیگر با یک طرف ایرانی دارد که قرار شد آن طرف پس از بررسی اگر ضرورتی بود با من تماس بگیرد.

23.5.72

مهدی سمیعی

وزارت امور خارجه

وزارت امور خارجه

در مصاحبه‌ای با مجله آلمان هوبی، هویدا نخست‌وزیر ایران به سؤالات خبرنگار پاسخ داد. در اینجا محتوی مصاحبه مندرج است:

هوبی : عالیجناب، به نظر می‌رسد که تب طلا در تهران به اوج خود رسیده است. تجار بیشماری از سراسر جهان و از تمام ممالک صنعتی به تهران می‌آیند تا ماشین‌آلات و مهارت و دانش فنی خود را به فروش برسانند. آیا اینان زیادی به خود وعده و وعید نمی‌دهند؟

هویدا : البته کاملاً درست که شرایط مناسب کسب و کار که به سبب رشد سریع اقتصاد ما بوجود آمده، اینان را به تهران جذب می‌کند. شاید بدانید که برنامه پنجم آبادانی، رقم ۳۶ میلیارد دلار سرمایه را منظور داشته است. در یک تجدیدنظر بعدی این رقم به ۶۸ میلیارد دلار افزایش یافت. برای دول صنعتی امکانات زیادی وجود دارد که به توسعه اقتصادی ما و نیز صدور مایحتاج ضروری سهیم و شریک باشند.

هوبی : آیا ساختمان و سیستم فئودالیته در ایران که حوزه صنعتی و فنی خود را به مدرنترین ماشین‌آلات و ابزار مجهز می‌سازد، باقی می‌ماند؟

هویدا : هدف انقلاب شاه و مردم همان ریشه کن ساختن و نابودی کامل سیستم فئودالیسم در این سرزمین است. به همراه نتایج موفقیت‌آمیز برنامه اصلاحات ارضی این سیستم اجتماعی غیرعادلانه به انتها رسید، سیستمی که استعدادها و نیروهای محتوی و نیز ایده‌ها و افکار خلاق مردم و ملت ما را تحت فشار و تعدی قرار داده بود. ما در آغاز رسیدن به پیشرفته‌ترین تکنولوژی در سطح عالی هستیم تا بدین وسیله پلی بر روی قرون بنا سازیم و از آن عبور نمائیم. قرونی که ما را از موقعیت پیشرفته صنعتی ملل صنعتی جدا می‌سازد.

وزارت امور خارجه

هوبی : آیا هنوز هم جمله Made in Germany در ایران دلیل مرغوبیت جنس است؟

هویدا : ما هنوز هم بالاترین حد رعایت و احترام را نسبت به ظرفیت صنعتی و نیز قدرت و نیروی صنعتی آلمان قائل هستیم.

هوبی : آیا هنوز هم ایران نسبت به خرید سهام مؤسسات آلمانی علاقه و تمایل دارد؟

هویدا : مسیر سیاست ما از این دیدگاه همانا ایجاد همکاری دوجانبه و مفید برای طرفین با این گونه مؤسسات می‌باشد و سعی بر آن دارد که با اینان به همکاری بپردازد، همکاری‌ای که در مورد ما، تکنولوژی لازمه را در دسترس قرار دهد. در مورد خرید و معامله املاک و نیز اوراق بهادار و سفته‌بازی از جمله، علاقه و تمایلی نداریم. همچنین جایی که خواستار و هواخواه نداشته و نیز مطلوب و دلخواه نباشد پول خود را به عنوان سرمایه بکار نخواهیم برد. راه ما هرگز از در فرعی نخواهد بود بلکه همیشه از در اصلی داخل خواهیم شد. خرید سهام کروپ و اخیراً باب کوب و ویلکوکس نظریات و عقاید ما را به خوبی نشان می‌دهند، یعنی ایجاد رابطه فی‌مابین سرمایه ایران و دانش تکنیکی غرب.

هوبی : هم‌اکنون بیش از یک میلیون بیکار در آلمان وجود دارد. آیا برای تکنیکرها و متخصصین آلمانی امکان کار در ایران وجود دارد؟

هویدا : کمبود نیروی تخصصی و کارگری سبب تنگنای کنونی است و راه‌حل سریع آن همانا به کار گماردن کارگران متخصص در ایران است لذا بر این پایه و اصل می‌توانم به سؤال شما تنها با یک «بله» پاسخ گویم.

هوبی : آیا در صورت بروز منازعه جدید فی‌مابین اسرائیل و اعراب ایران در تحریم نفتی شرکت خواهد کرد؟

وزارت امور خارجه

هویدا : ما در تحریم نفتی گذشته اعراب نیز دخالتی نداشته شرکت نکردیم و بنابراین در آینده نیز به همین عمل مبادرت خواهیم ورزید. نفت از دیدگاه ما یک متاع تجارتی است نه یک اسلحه سیاسی. در صورت بروز کشمکش خصمانه و منازعه جدید در خاورمیانه، صادرات نفت ما لاینقطع مسیر خود را ادامه خواهد داد.

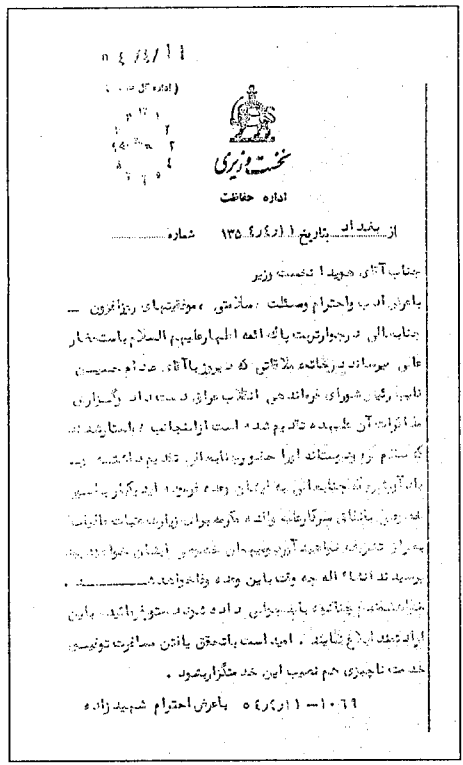

از : بغداد تاریخ : ۱۳۵۴/۴/۱۱

شماره : ۱۰۶۹

جناب آقای هویدا نخست‌وزیر

با عرض ادب و احترام و مسئلت سلامتی و موفقیت روزافزون جنابعالی در جوار تربت پاک ائمه اطهار علیهم‌السلام به استحضار عالی می‌رساند در خاتمه ملاقاتی که دیروز با آقای صدام حسین[1] نایب رئیس شورای فرماندهی انقلاب عراق دست داد و گزارش مذاکرات آن علیحده تقدیم شده است از اینجانب خواستار شدند که سلام گرم و دوستانه او را حضور جنابعالی تقدیم داشته و یادآور شوم که جنابعالی به ایشان وعده فرموده‌اید یک بار به طور خصوصی به اتفاق سرکار علیه والده مکرمه برای زیارت عتبات عالیات به عراق تشریف خواهید آورد و میهمان خصوصی ایشان خواهید بود پرسیدند انشاءالله چه وقت به این وعده وفا خواهد شد. خواهشمندم چنانچه باید جوابی داده شود دستور فرمائید به این ارادتمند ابلاغ نمایند. امید است با تحقق یافتن مسافرت توفیق خدمت ناچیزی هم نصیب این خدمتگزار بشود.

با عرض احترام شهیدزاده

۱ـ صدام حسین در ۲۸ آوریل ۱۹۳۷ در روستای العوجا در حومه تکریت متولد شد دوران کودکی او بسیار سخت سپری شد وی تا ۱۰ سالگی از رفتن به مدرسه محروم بود در ۲۰ سالگی هنگامی که سال چهارم دبیرستان را می‌گذراند دایی خود را به قتل رساند و روانه زندان شد، اما ۶ ماه بعد از زندان آزاد شد. صدام در ۱۹۵۹ در شرایطی که ۱۳ سال از تأسیس حزب بعث عراق توسط میشل عفلق می‌گذشت به عضویت این حزب درآمد و در همین سال در عملیات ترور ناموفق عبدالکریم قاسم شرکت کرد و سپس به سوریه گریخت اما سایر اعضای تیم ترور دستگیر شدند. صدام در سال ۱۹۶۰ عازم بیروت شد و علاوه بر همکاری با شاخه لبنانی حزب بعث، تحصیلاتش را در موسسه انگلیسی حملن به پایان رسانید و پس از سرنگونی عبدالکریم قاسم در فوریه ۱۹۶۳ به بغداد بازگشت.

و سپس توسط حسن البکر به معاونت شورای فرماندهی حزب بعث برگزیده شد و به این ترتیب مرد شماره ۲ عراق

گردید. صدام این سمت را تا ژوییه ۱۹۷۹که حسن البکر را آرام از صحنه سیاست کنار نهاد حفظ کرد. در آن زمان تنها ۵ ماه از پیروزی انقلاب اسلامی ایران می‌گذشت. حسن البکر که انقلاب اسلامی را به رسمیت شناخته بود و قصد داشت رابطه نزدیکی با جمهوری اسلامی ایران برقرار کند تحت فشار معاونش صدام مجبور به استعفا و کناره‌گیری از قدرت شد صدام در ماههای نخست حکومت خود تصفیه‌های خونین و بی سر و صدایی در عراق انجام دادکه تعدادی از وزرای عراق نیز در میان آنان بودند. او پس از بدست گرفتن قدرت به سرعت به تسلیح ارتش عراق پرداخت و در سپتامبر ۱۹۸۰ [۳۱ شهریور ۱۳۵۹] جنگ خونینی راکه بیش از ۸ سال ادامه یافت باکشورمان آغاز کرد صدام در این جنگ از حمایت بی‌دریغ همه قدرتهای شرقی و غربی خصوصاً آمریکا، فرانسه، آلمان و انگلیس برخوردار شد و مطبوعات آزاد غربی با نهایت شیوه دمکراتیک! جنایات او را سانسور کردند و از او چهره‌ای دمکرات نشان دادند.

این نشریات حتی مسئله بمباران شیمیایی مردم حلبچه را نیز به اطلاع مردم خود نرساندند و با این حال بدون دست‌یابی به اهداف رویایی خود در این جنگ و پس از ارتکاب فجیع‌ترین جنایات جنگی و بی حرمتی به تمامی قوانین شناخته شده بین‌المللی مربوط به زمان جنگ در ۱۹۸۸، از مرزهای ایران عقب نشینی کرد. وی ۲ سال بعد با خیال مشابهی به همسایه دیگرش کویت حمله کرد و این کشور را به اشغال خود درآورد از همین لحظه، توسط رسانه های دمکراتیک، ناگهان صدام جنایتکار شد!! و همه جهان را علیه او بسیج کردند بطوری که این اشغال ۶ ماه بیشتر به طول نینجامید و با یورش سنگین زمینی، هوایی و دریایی امریکا و متحدین غربی و منطقه‌ایش شکست خورد و از کویت عقب نشینی کرد پس از جنگ عراق به صورت یکی از کشورهای ضعیف در عرب درآمد صدام در طول حکومت خود چندین شبکه بزرگ و کوچک کودتا علیه خود راکشف و عوامل آنها را اعدام کرد وی بیش از سایر رهبران پیش از خود اقدام به تعویض دولت و جا به جایی مهره‌ها و برکناری دائمی مسئولان و فرماندهان حزب حاکم بعث کرده است.

وی در نهایت با خواری و ذلت به دست اربابان امریکایی خود اسیر شد و حقیرانه‌ترین وضعیت را پیداکرد.

شماره: ۲۰ـ۳۲ـ ۲/۲۳۰۰ تاریخ: ۵۴/۴/۱۲

جناب آقای شهیدزاده

سفیر شاهنشاه آریامهر ـ بغداد

بازگشت به تلگرام ۱۰۶۹ مورخ ۱۳۵۴/۴/۱۱، خواهشمندم با ابلاغ تشکرات صمیمانه اینجانب به جناب آقای صدام حسین نایب رئیس شورای فرماندهی انقلاب عراق به مناسبت دعوت خصوصی ایشان از اینجانب و مادرم برای زیارت عتبات عالیات به ایشان اظهار کنید که بدیهی است انشاءالله در فرصت مناسبی در آینده برای این مسافرت قرار خواهیم گذاشت.

از تعارفات محبت‌آمیز جنابعالی نیز بدینوسیله تشکر می‌نمایم.

با سلام فراوان

امیرعباس هویدا

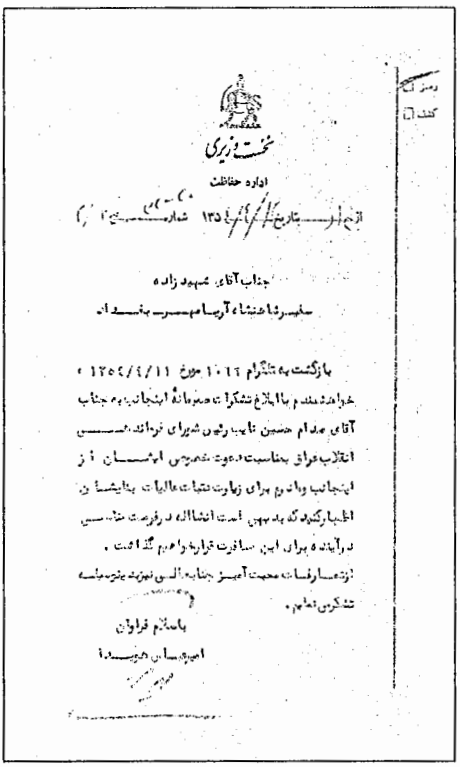
نخست وزیری

اداره حفاظت

جناب آقای شهیدزاده

سفیر شاهنشاه آریامهر بغداد

بازگشت به تلگرام ۱۰۶۹ مورخ ۱۳۵۴/۴/۱۱ ،
خواهشمندم با ابلاغ تشکرات صمیمانهٔ اینجانب به جناب
آقای صدام حسین نایب رئیس شورای فرماندهی انقلاب
عراق بمناسبت دعوت خصوصی ایشان از
اینجانب و مادرم برای زیارت عتبات عالیات بایشان
اظهار کنید که بدیهی است انشاالله در فرصت مناسبی
در آینده برای این مسافرت قرار خواهیم گذاشت .
از تعارفات محبت آمیز جنابعالی نیز بدینوسیله
تشکر می نمایم .

با سلام فراوان

امیرعباس هویدا

به : ۳۴۲ تاریخ : ۵۴/۴/۳۱

از : ۱۹/ه شماره : ۱۹/۷۲۲ ه

موضوع : ارسال نامه

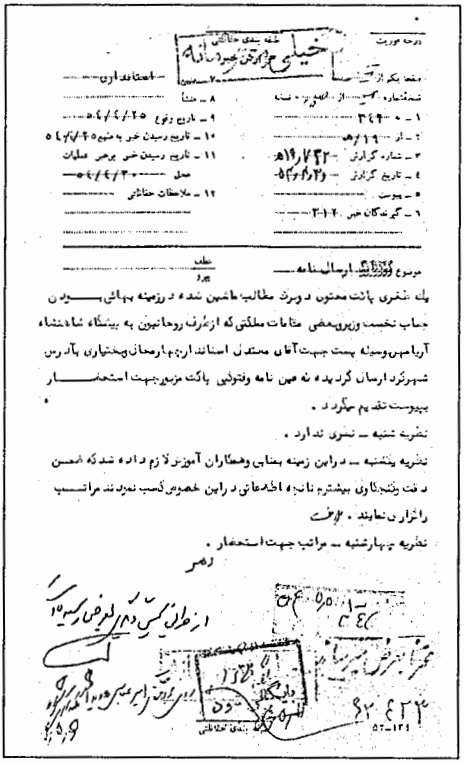

یک طغری پاکت محتوی دو برگ مطالب ماشین شده در زمینه بهائی بودن جناب نخست‌وزیر و بعضی مقامات مملکتی که از طرف روحانیون به پیشگاه شاهنشاه آریامهر به وسیله پست جهت آقای معتدل استاندار چهار محال و بختیاری به آدرس شهرکرد ارسال گردیده که عین نامه و فتوکپی پاکت مزبور جهت استحضار به پیوست تقدیم می‌گردد.

نظریه شنبه : نظری ندارد.

نظریه یکشنبه : در این زمینه به منابع و همکاران آموزش لازم داده شد که ضمن دقت و کنجکاوی بیشتر چنانچه اطلاعاتی در این خصوص کسب نمودند مراتب راگزارش نمایند. بلاغت

نظریه چهارشنبه : مراتب جهت استحضار. دهر

از طریق بخش دیگری به عرض رسیده است

روی پرونده جناب آقای امیرعباس هویدا نگهداری شود

۵/۶

بایگانی شود ۵۴/۵/۱۱

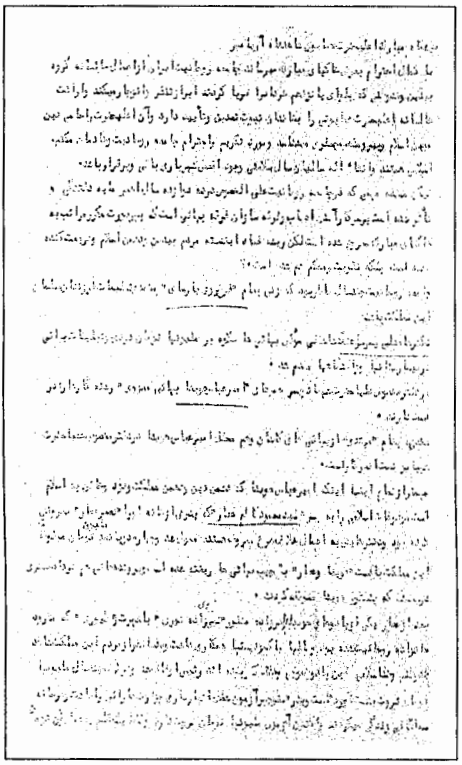

پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون

شاهنشاه آریامهر

باکمال احترام به عرض خاکپای مبارک می‌رساند جامعه روحانیت ایران از اعمال خائنانه گروه بی‌دین و ضدوطنی که بلوای پانزدهم خرداد را برپاکردند ابراز تنفر و انزجار می‌کند و ارادت خالصانه اعلیحضرت همایونی را به خاندان نبوت تصدیق و تایید دارد و آن اعلیحضرت را حامی دین مبین اسلام و پیرو مذهب جعفری می‌شناسد و مورد تکریم و احترام جامعه روحانیت و خادمان مکتب اسلامی هستند و انشاءالله سالیان سال سلامتی وجود اقدس شهریاری باقی و برقرار باشد.

لیکن مسئله مهمی که در جامعه روحانیت علی‌الخصوص در ده دوازده سال اخیر مایه دلتنگی و تأثر شده است بر سر کار آمدن اهباب [احباب] و فرقه‌سازان فرقه بهائی است که به هر صورت مکرر مراتب به خاکپای مبارک معروض شده است لکن ریشه فساد این دسته مردم بی‌دین و دشمن اسلام و و شریعت کنده نشده است بلکه تقویت و محکم هم شده است؟

جامعه روحانیت چند سال ناظر بود که زنی به نام «فرخ‌رو پارسای» متصدی تعلیمات فرزندان مسلمان این مملکت باشد»

دکتر شاهقلی[1] پسر سرهنگ شاهقلی مؤذن بهائی‌ها علاوه بر میلیونها تومان دزدی و تبلیغات بهائی در بیمارستانها و زایشگاهها مقدم شد.

در دفتر مخصوص علیاحضرت شهبانو پسرعموهای «امیرعباس هویدا بهائی منزوی» رشته کارها را در دست دارند.

شخصی به نام «مهتدی» از بهائی‌های کاشان و هم‌محفل امیرعباس هویدا در دفتر مخصوص

علیاحضرت شهبانو دست‌اندرکار است.

مهمتر از تمام اینها اینکه امیرعباس هویدا که دشمن دین و دشمن مملکت و دزد و خائن به اسلام است موقوفات اسلامی را به پسر «سیدمحمود کاظم عصار» که پدرش از خانه او را «نصیرعصار» بیرونش کرده بود و دخترهایش به اعمال خلاف شرع معروف هستند محول شد [کرد] و چهارصد و پانصد میلیون تومان موقوفات این مملکت با دست «هویدا و عصار» به جیب بهائی‌ها ریخته شده است و پرونده‌هایی هم در دادگستری درست شد که به دستور هویدا متوقف کردند.

بعد از عصار یکی از پادوهای هویدا برادرزاده منفور «نبی‌زاده نبوی نوری با شهرت «طیوری» که مطرود خانواده روحانیت شده بود و سالها با کمونیستها همکاری داشت و صدها نفر از مردم این مملکت شاهد ضدوطنی و ضداسلامی این پادو هوچی و خلاف‌کار بوده‌اند رئیس اوقاف شد و در ظرف چند سال ملیونها تومان ثروت بدست آورده است و پدر «منوچهر آزمون شغل انبارداری وزارت دارائی را داشت و در خانه سه اطاقی زندگی می‌کردند و اکنون آزمون ملیونها تومان ثروت دارد و فقط یک قلم یک میلیون تومان پول آگهی برای انتخاباتش داده است تا پس از وکیل شدن از تهران به جوانهای مملکت این درس را بدهد که راه ترقی این است که نخست توده‌ای بشوند و به مقدسات مملکت تعرض و وقاحت و فحاشی کنند و پس از آن به مقام و منصب برسند.

و بعد از آزمون[۲] ریاست اوقاف به «محمدحسین احمدی» واگذار شده است و برادر «بدیع‌الزمان فروزانفر» که طرفدار ... و پابرجای مصدق بود و برای مصدق شعر درست می‌کرد و برادر دیگر «احمدی» با نام خانوادگی «نویم» در اثر دزدی در وزارت معارف قدیم سالها به زندان افتاد.

این سه برادر «بدیع‌الزمان» نام خانواده‌اش «فروزانفر» و برادر دیگر «احمد» نام خانواده‌اش «نویم»

و برادر سومش «محمدحسین» اسم خانوادهاش «احمدی» سه برادر با سه نام خانوادگی فرزندان «شیخ بهائی بشرویه» هستند و آقای هویدا به اعتبار بهائی بودن محمدحسین احمدی اوقاف اسلامی را به یکی از احباب محول کرده است و ما کار نداریم به اینکه زن «احمدی» همیشه دلال محبت و دلال معاملات بوده است و سوابق دزدی و پاندازی «احمدی» و زنش در اصفهان و کرمان و اداره مالیات بر درآمد تهران معروف است.

اینجا فقط به اطلاع و استحضار میرساند که جامعه روحانیت که «ضدخمینی»[۳] و روحانینماهای مزدور است از انتخاب پسر «شیخ بشرویه بهائی معروف و هممسلک هویدا» به ریاست اوقاف خاصتاً بعد از تصدی «عصار و آزمون» که این بیتالمال را چپاول کردهاند مایه دلتنگی و تأسف عمیق جامعه روحانیت است.

خداوند سایه شاهنشاه را از سر ایران کم نکند و انتظار جامعه روحانیت این است که دست بهائی از مقامات مملکتی کوتاه شود.

و اگر آقای هویدا با نقشههای وسیعی که کشیده است و تمام مجراها را برای رسیدن حقایق به گوش پادشاه ایران بسته است خدمتگزاری پیدا شود این عریضه را به عرض مبارک شاهنشاه ایران برساند دستور رسیدگی قطعی و بیدرنگ صادر خواهند فرمود از کارگران گرفتاریهای مملکت کاسته خواهد شد.

اینجا باز هم تکرار میکند که جامعه روحانیت نسبت به «هویدا» پسر «میرزا حبیبالله» و نواده میرزا یعقوب کلیمی بغدادی» کمال تنفر را ابراز میکند

۱ـ منوچهر شاهقلی فرزند امام قلی به سال ۱۳۰۲ ش در تهران تولد یافت. از دانشکدهٔ پزشکی دانشگاه تهران مدرک دکترا گرفت و دورهٔ تخصصی جراحی عمومی را در دانشگاه نیویورک طی نمود. علاوه بر آن دورهٔ تخصصی جراحی ترمیمی و پلاستیک را سپری کرد. او که در کابینهٔ امیر عباس هویدا به سمت وزارت بهداری رسید، قبلاً مشاغل زیر را عهدهدار شده بود: عضو سابق مؤسس بیمارستان پارس تهران و مؤسس بیمارستان خصوصی بهمن و شمارهٔ ۷ تهران، از سال ۱۳۵۳ ش به وزارت علوم و آموزش عالی در کابینه هویدا منصوب شد و سپس وزارت بهداری را در اختیار گرفت.او از مؤسسین کانون مترقی، عضو هیئت مدیره، عضو هیئت اجرائی و کمیتهٔ اجرایی حزب ایران نوین بود. نام او پس از انقلاب اسلامی در فهرست ممنوع الخروجیها منتشر گشت. منوچهر شاهقلی که از اعضای تشکیلات فراماسونری بود، در دوران مسئولیت خویش فردی بیاطلاع از امور اداری، تاجرپیشه و به فکر تأمین منافع خود و متهم به بهائیگری بود. هنگامی که وزیر بهداری بود، به جهت بیتجربگی و وضع نابسامان بهداری و شیوع بیماری شبه وبا از طرف مجلس (سابق) مورد انتقاد قرار گرفت. در زمان تصدی وزارت علوم متهم گشت که دستوراتی در جهت جلوگیری از حرکتهای دانشجوئی و مقابله با آنها داده است. طبق سند بیوگرافیک ساواک، «نامبرده از محارم نزدیک نخستوزیر (هویدا) بود و با اغلب تحصیلکردههای امریکائی دوست و معاشرت داشت و در محافل سیاسی و بین پزشکان به جناح

طرفدار امریکا معرفی می‌گردید.

اسناد ساواک، پرونده انفرادی

۲ـ منوچهر آزمون در سال ۱۳۰۹ ش در تهران متولد شد. تحصیلات عالیه خود را در آلمان در رشته اقتصاد سیاسی و علوم اجتماعی به پایان رسانید و موفق به اخذ درجه دکترا گردید. زمینه تحصیل او را در آلمان ایرج اسکندری فراهم کرد. بعدها معلوم شدکه او مأمور سازمان امنیت در آلمان غربی بوده است.منوچهر آزمون پس از مراجعت به ایران مدتی در نخست‌وزیری خدمت کرد و در سال ۱۳۴۶ به سمت معاون تلویزیون ملی ایران انتخاب شد. منوچهر آزمون نقش زیباسازی ظاهر رژیم و ساواک را در سازمان رادیو و تلویزیون ایفا می‌کرد. در سال ۱۳۵۰ به سمت رئیس کل خبرگزاری پارس منصوب گردید. وی در نیمه سال ۱۳۴۷ به عنوان معاون وزارت اطلاعات به پیشگاه شاه معرفی گردید. منوچهر آزمون در سالهای نخست‌وزیری هویدا نقشهای مختلفی را به عهده داشت. از جمله معاون نخست‌وزیری در سال ۵۰/۹/۴ معاون وزارت کشور در امور انجمن اصناف، وزیر کار و امور اجتماعی، معاون نخست‌وزیری و رئیس سازمان اوقاف را در سال ۵۰/۶/۲۳ به عهده گرفت. در انتخابات رستاخیز توانست با ترفندهایی، بیشترین رأی را در تهران بدست آورد و در سال ۵۴/۳/۸ وکیل اول تهران معرفی شد. در انتخابات مجلس در دوره ۲۴ نیز به عنوان وکیل اول تهران انتخاب شد. در دوران نخست‌وزیری آموزگار در سال ۳۱ مرداد ۵۶ به استانداری فارس منصوب شد. دولت شریف امامی او را به عنوان وزیر مشاور در امور اجرایی منصوب کرد. و در این دوران آزمون حزب رستاخیز را یک حزب در میان احزاب دیگر معرفی کرد سپس او در پنجم آبان ۵۷ از کابینه استعفا داد و اعلام کردکه حزب اتحاد خلق ایران را تشکیل خواهد داد.

آزمون در دوره نخست‌وزیری ارتشبد آزهاری زندانی و پس از انقلاب اعدام شد.

۳ـ آیت‌الله‌العظمی سید روح‌الله موسوی خمینی فرزند سید مصطفی موسوی در ۲ جمادی الثانی ۱۳۲۰ق در شهرستان خمین چشم به جهان گشود. و پس از تحصیل مقدماتی به حوزه علمیه اراک به زعامت حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی به سال ۱۳۳۹ق رفت و یک سال بعدکه آیت‌الله حائری حوزه علمیه اراک را به قم انتقال داد ایشان هم به قم رفت و تا سال ۱۳۴۵ق سطح را به پایان رسانیده و در حوزه درس مرحوم حائری شرکت کرد و در محضر ایشان به درجه اجتهاد رسید و پس از آن تدریس علوم «منقول» و خارج فقه و اصول را در سال ۱۳۶۴ق همزمان با ورود آیت‌الله بروجردی به قم آغاز کردکه البته پیش از شروع به تدریس خارج سالیان دراز به تدریس «سطح» اشتغال داشت.

امام خمینی در اردیبهشت ۱۳۲۳ اولین بیانیهٔ سیاسی خود را مبنی بر قیام عمومی علمای اسلام و جامعه اسلامی، آشکارا اعلام داشت اما پاسخ مناسبی دریافت نکرد اما امام امیدوار و مقاوم به مبارزات خود ادامه داد تا اینکه در فروردین ۱۳۴۰ آیت‌الله بروجردی رحلت کرد و در ۱۶ مهر ۱۳۴۱نیز لایحه انجمنهای ایالتی ولایتی به تصویب کابینه امیر اسدالله علم رسید. در این موقع امام به همراه علمای بزرگ قم و تهران دست به اعتراضات همه جانبه زدندکه در این میان لحن تلگرافهای امام به شاه و نخست وزیر تند و هشدار دهنده بود و در پی آن شاه که می‌خواست اصول ششگانه اصلاحات خویش را به رفراندوم بگذارد با بیانیه کوبنده ـ بهمن ۱۳۴۱ـ امام مواجه شد و در ادامه با پیشنهاد امام خمینی عید نوروز سال ۱۳۴۲ در اعتراض به اقدامات رژیم تحریم شد و متعاقب آن شاه که در صدد سرکوب بود در فروردین ۱۳۴۲که مصادف با شهادت امام جعفر صادق (علیه السلام) بود فاجعه خونین فیضیه و شبیه به آن را در طالبیهٔ تبریز بوجود آورد و بدنبال این فاجعه امام اعلامیه معروف خود را در ۱۳ فروردین ۱۳۴۲ تحت عنوان «شاه دوستی یعنی غارتگری» منتشر ساخت.

این مبارزات که برای رژیم گران تمام می‌شد باعث دستگیری امام در سحرگاه ۱۵ خرداد ۴۲ و فاجعه خونین ۱۵ خرداد گردید اما با فشار علما و مردم این دستگیری و زندان در ۱۱ مرداد همان سال به پایان رسید. ولی این ظاهر قضیه بود

چون امام پس از آن به قولی به داودیه منتقل شده و حصر ایشان تا ۱۷ فروردین سال بعد ادامه داشت که نهایتاً در این روز امام به قم منتقل شدند. اما مبارزه به این جا ختم نمی‌شد. و با افشاگری امام علیه تصویب لایحه کاپیتولاسیون، ایران در سال ۴۳ ـ آبان ۱۳۴۳ ـ مجدداً در آستانه قیام قرار گرفت که در پی آن در سحرگاه ۱۳ آبان ۴۳ امام دوباره دستگیر و از آنجا به تهران و سپس از طریق هوایی به آنکارا تبعید شد که این تبعید یازده ماه به درازاکشیده شد ولی مجدداً امام در ۱۳ مهر ۴۴ به تبعیدگاه دوم فرستاده شد یعنی از ترکیه به عراق اعزام گردید که این تبعید ۱۳ سال بطول انجامید که البته در این مدت طولانی دست از مبارزه برنداشته و با صحبتها و سخنرانیها و بیانیه ها مردم را روشن و راهنمایی می‌نمود و پس از آن امام در ۱۴ مهر ۵۷ از بغداد به پاریس عزیمت نموده در نوفل لوشاتو سکونت کرد که این سکونت در تاریخ ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ به پایان رسید و امام به ایران بازگشت و ثمرهٔ این مبارزات نمایان شد و انقلاب به پیروزی رسید.

امام در عصر روز ۱۲ بهمن ۵۷ در بهشت زهرا تهران با مردم ایران سخن گفتند و دولت وقت را غیر قانونی خواندند. امام پس از پیروزی انقلاب در تاریخ ۱۰ اسفند ۵۷ از تهران به قم رفتند، تا زمان ابتلاء به بیماری قلبی ـ ۲ بهمن ۱۳۵۸ ـ در این شهر بود ولی پس از ۳۹ روز مداوا در بیمارستان قلب تهران، بطور موقت در منزلی در منطقه دربند تهران ساکن شد و سپس در تاریخ ۲۷ اردیبهشت ۱۳۵۹ بنا به تمایل خود به منزلی در محله جماران نقل مکان کرده تا زمان رحلت در همین منزل ماند.

دهها کتاب و اثر گرانبها از امام خمینی در مباحث اخلاقی، عرفانی، فقهی، اصولی، فلسفی، سیاسی و اجتماعی بر جای مانده که بسیاری از آنها تاکنون منتشر شده است.

اما سرانجام در روز ۱۴ خرداد ۱۳۶۸ در بیمارستان بقیةالله (عج) به ملکوت اعلی پیوست.

به: ۳۴۲ تاریخ: ۵۴/۶/۳۱

از: ۲۰ ه ۲۲ شماره: ۲۰/۶۸۷۷۰ ه ۲۲

موضوع: خصوصیت اخلاقی آقای نخست‌وزیر

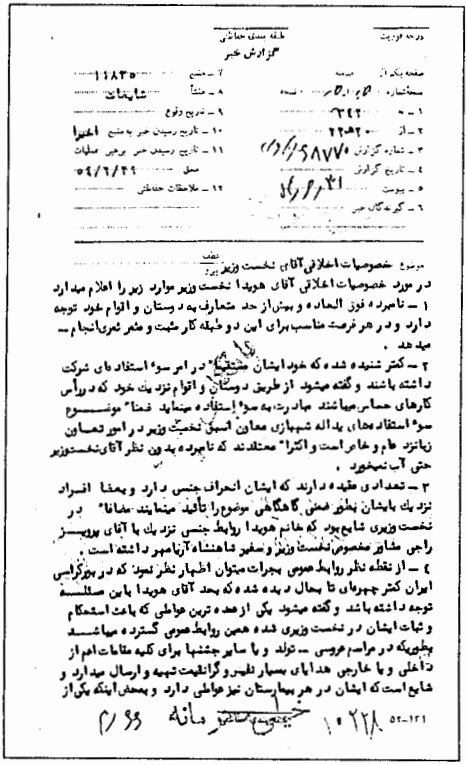

در مورد خصوصیات اخلاقی آقای هویدا نخست‌وزیر موارد زیر را اعلام می‌دارد.

۱ـ نامبرده فوق‌العاده و بیش از حد متعارف به دوستان و اقوام خود توجه دارد و در هر فرصت مناسب برای این دو طبقه کار مثبت و مثمرثمری انجام می‌دهد.

۲ـ کمتر شنیده شده که خود ایشان مستقیماً در امر سوءاستفاده‌ای شرکت داشته باشند و گفته می‌شود از طریق دوستان و اقوام نزدیک خود که در رأس کارهای حساس می‌باشند مبادرت به سوءاستفاده می‌نماید ضمناً موضوع سوءاستفاده‌های یدالله شهبازی معاون اسبق نخست‌وزیر در امور تعاون زبانزد عام و خاص است و اکثراً معتقدند که نامبرده بدون نظر آقای نخست‌وزیر حتی آب نمی‌خورد.

۳ـ تعدادی عقیده دارند که ایشان انحراف جنسی دارد و بعضاً افراد نزدیک به ایشان به طور ضمنی گاهگاهی موضوع را تأیید می‌نمایند مضافاً در نخست‌وزیری شایع بود که خانم هویدا روابط جنسی نزدیک با آقای پرویز راجی[1] مشاور مخصوص نخست‌وزیر و سفیر شاهنشاه آریامهر داشته است.

۴ـ از نقطه‌نظر روابط عمومی به جرأت می‌توان اظهارنظر نمود که در بوروکراسی ایران کمتر توجه می‌شود یکی از عمده‌ترین عواملی که باعث استحکام و ثبات ایشان در نخست‌وزیری شده همین روابط عمومی گسترده می‌باشد به طوری که در مراسم عروسی ـ تولد و یا سایر جشنها برای کلیه مقامات اعم از داخلی و یا خارجی هدایای بسیار نفیس و گران قیمت تهیه و ارسال می‌دارد و شایع است که ایشان در هر بیمارستان نیز عواملی دارد و به محض اینکه یکی از

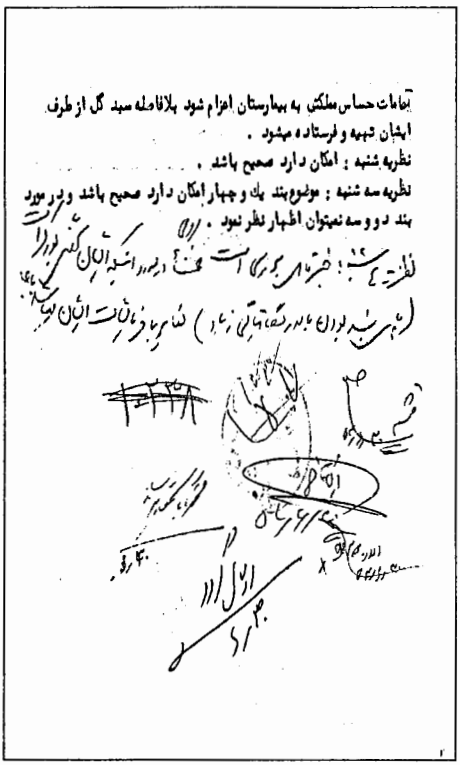

مقامات حساس مملکتی به بیمارستان اعزام شود بلافاصله سبد گلی از طرف ایشان تهیه و فرستاده می‌شود.

نظریه شنبه : امکان دارد صحیح باشد.

نظریه سه شنبه : موضوع بند یک و چهار امکان دارد صحیح باشد و در مورد بند دو و سه نمی‌توان اظهارنظر نمود.

نظریه چهارشنبه : خبر قابل بررسی است ضمناً در مورد اینکه ایشان شخصی بورکرات «پای‌بند بودن به امور مکاتباتی زیاد» مغایر با فرمایشات ایشان می‌باشد...

محتشم ۵۴/۶/۳۰

اداره دوم ۵۴/۶/۳۰

محترماً به استحضار می‌رساند ۶/۳۰

ارسال گردید ۶/۳۰

۱ـ پرویز راجی فرزند عبدالحسین در سال ۱۳۱۵ ش به دنیا آمد. در انگلستان تحصیل کرد. در سال ۱۳۳۸ به ایران بازگشت و وارد شرکت نفت شد. در آنجا به لطف آشنایی با امیرعباس هویدا تا ریاست دفتر او در شرکت نفت ترقی کرد. با انتصاب هویدا به نخست وزیری راجی نیز به سمت ریاست دفتر نخست وزیری منصوب شد. رابطه راجی با اشرف پهلوی، خواهر شاه زبانزد خاندان سلطنت و رجال دربار بود. در خرداد ۱۳۵۵ متعاقب باخت کلان امیر تیمور سفیر شاه در انگلستان و از دست دادن همه دارایی‌اش در قمارخانه‌های لندن، پرویز راجی به مأموریت سفارت ایران در لندن فرستاده شد. او از این تاریخ تا ششم بهمن ۱۳۵۷ سفیر دولت شاهنشاهی ایران در انگلستان بود و بعد از آن متواری شد.

راجی خاطرات سفارت خود را در سال ۱۹۸۳ با عنوان خدمتگزار تخت طاووس در لندن به چاپ رساند که حاوی برخی از رویدادهای آن دوران است. این کتاب پس از ترجمه به زبان فارسی در ایران منتشر شد. راجی جوانترین دیپلمات ایرانی به هنگام منصوب شدن به سفارت بود. در اسناد سفارت امریکا از راجی به عنوان دستیار اداری و سر آشپز کابینه هویدا یاد شده است.

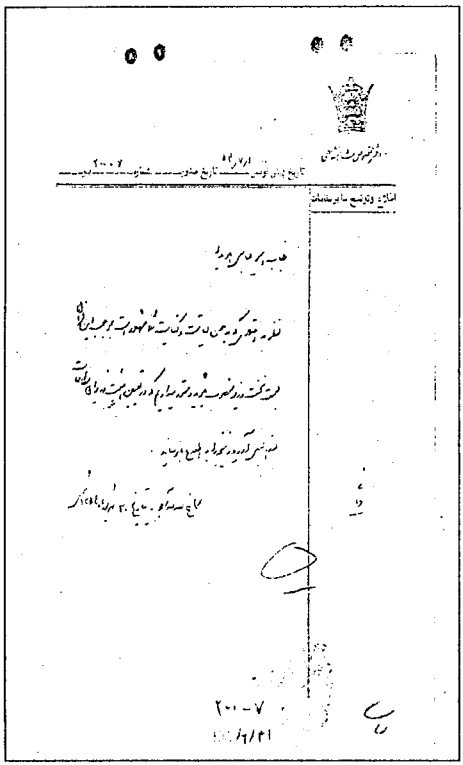

شماره : ۷ـ ۲۰۰ تاریخ : ۵۴/۷/۱

جناب امیرعباس هویدا

نظر به اعتمادی که به حسن لیاقت و کفایت شما مشهود است به موجب این فرمان به سمت نخست‌وزیر منصوب می‌شوید و مقرر می‌داریم که در تعیین هیئت وزیران مطالعات لازم بعمل آورید و نتیجه را به اطلاع ما برسانید

کاخ سعدآباد ـ تاریخ ۳۰ شهریور ماه ۱۳۵۴ شمسی

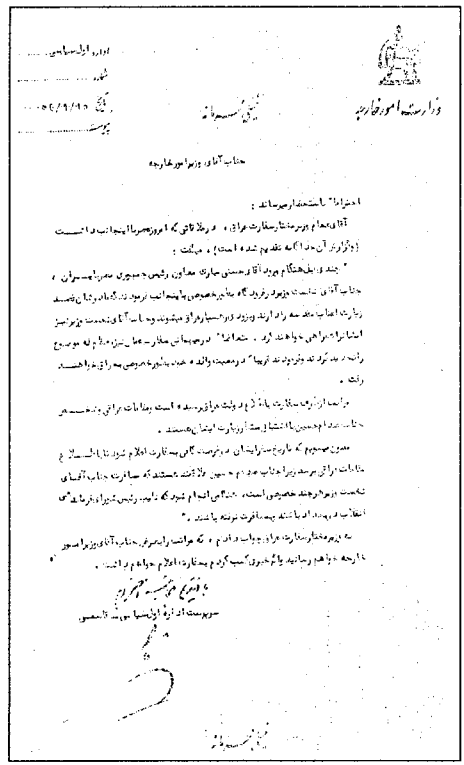

تاریخ : ۵۴/۹/۱۵

جناب آقای وزیر امور خارجه

احتراماً به استحضار می‌رساند:

آقای عجام وزیر مختار سفارت عراق، در ملاقاتی که امروز صبح با اینجانب داشت (و گزارش آن جداگانه تقدیم شده است)، می‌گفت:

«چندی قبل هنگام ورود آقای حسنی مبارک معاون رئیس جمهوری مصر به ایران، جناب آقای نخست‌وزیر در فرودگاه به طور خصوصی به اینجانب فرمودند که مادرشان قصد زیارت اعتاب مقدسه را دارند و به زودی رهسپار عراق می‌شوند و جناب آقای نخست‌وزیر نیز ایشان را همراهی خواهند کرد. متعاقباً در میهمانی سفارت عمان نیز معظم‌له موضوع را تجدید کردند و فرمودند قریباً در معیت والده خود به طور خصوصی به عراق خواهند رفت.

مراتب از طریق سفارت به اطلاع دولت عراق رسیده است و مقامات عراقی و شخص جناب صدام حسین با اشتیاق منتظر زیارت ایشان هستند.

ممنون می‌شویم که تاریخ سفر ایشان در فرصت کافی به سفارت اعلام شود تا به اطلاع مقامات عراقی برسد زیرا جناب صدام حسین علاقمند هستند که مسافرت جناب آقای نخست‌وزیر هر چند خصوصی است، هنگامی انجام شود که نایب رئیس شورای فرماندهی انقلاب در بغداد باشند و به مسافرت نرفته باشند.»

به وزیر مختار سفارت عراق جواب دادم، که مراتب را به عرض جناب آقای وزیر امور خارجه خواهم رسانید و اگر خبری کسب کردم به سفارت اعلام خواهم داشت.

با تقدیم مراتب احترام

سرپرست اداره اول سیاسی ـ قاسمی

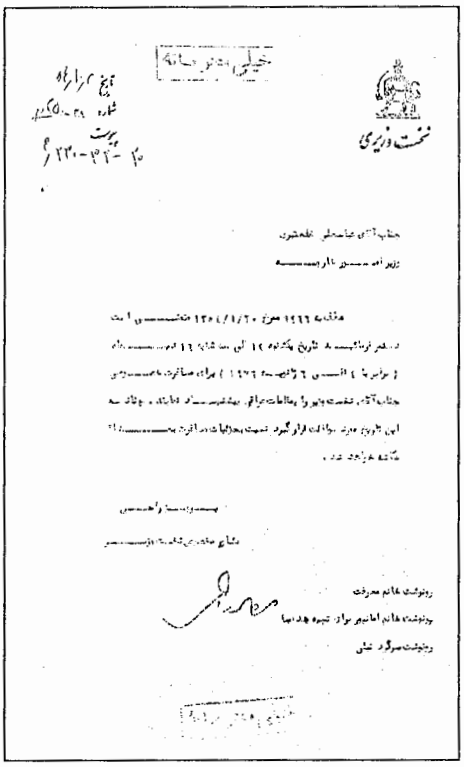

شماره: ۳۸ـ ۲۵۰/م تاریخ: ۵۴/۱۰/۲

جناب آقای عباسعلی خلعتبری[1]

وزیر امور خارجه

عطف به ۹۴۶۶ مورخ ۱۳۵۴/۹/۲۰ متمنی است دستور فرمائید تاریخ یکشنبه ۱۴ الی سه‌شنبه ۱۶ دی ماه (برابر با ۴ الی ۶ ژانویه ۱۹۷۶) برای مسافرت خصوصی جناب آقای نخست‌وزیر را به مقامات عراقی پیشنهاد نمایند. چنانچه این تاریخ مورد موافقت قرار گیرد نسبت به جزئیات مسافرت بعداً مکاتبه خواهد شد.

پرویز راجی

مشاور مخصوص نخست‌وزیر

رونوشت خانم معرفت

رونوشت خانم امانپور

تهیه هدایا

رونوشت سرگرد نیلی

۱ـ عباسعلی خلعتبری فرزند نصرالله در سال ۱۲۹۱ ش در تهران متولد شد. او که دارای دکترای حقوق و علوم سیاسی از دانشگاه پاریس بود، در سال ۱۳۲۱ در وزارت امور خارجه استخدام و سمتهای رئیس ادارات مختلف، وزیر مختار، سفیر کبیر، معاون و قائم مقام وزیر و وزیر امور خارجه (در کابینه هویدا) را عهده‌دار شد. مشارالیه همچنین عضو تشکیلات فراماسونری و از مؤسسان لژهای مولوی و همایون بوده است. وی از نزدیکان شاه (مخلوع) بوده و نشانهای همایون و تاج نیز دریافت نموده است. اسناد ساواک ـ پرونده انفرادی

از :کشور لبنان تاریخ : ۵۴/۱۰/۳

شماره : ۲۴ـ ۲/۲۳۰

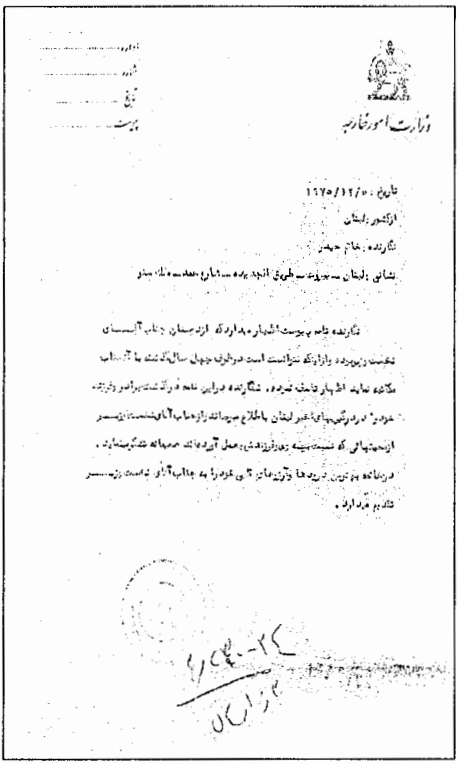

وزارت امور خارجه

نگارنده نامه پیوست اظهار می‌دارد که از دوستان جناب آقای نخست‌وزیر بوده و از اینکه نتوانسته است در ظرف چهل سال گذشته با آنجناب مکاتبه نماید اظهار تأسف نموده. نگارنده در این نامه درگذشت برادر و فرزند خود را در درگیریهای اخیر لبنان به اطلاع می‌رساند و از جناب آقای نخست‌وزیر از محبتهایی که نسبت به وی و فرزندش بعمل آورده‌اند صمیمانه تشکر می‌نماید. در خاتمه بهترین درودها و آرزوهای قلبی خود را به جناب آقای نخست‌وزیر تقدیم می‌دارد.

نگارنده : خاتم حیدر

نشانی : لبنان ـ بیروت ـ طریق‌الجدیده ـ شارع حمد ـ ملک سنو

شماره: ۲۰ـ۳۲ـ۲۳۰/م تاریخ: ۱۳۵۴/۱۰/۷

جناب آقای حسین شهیدزاده

سفیر شاهنشاه آریامهر ـ بغداد

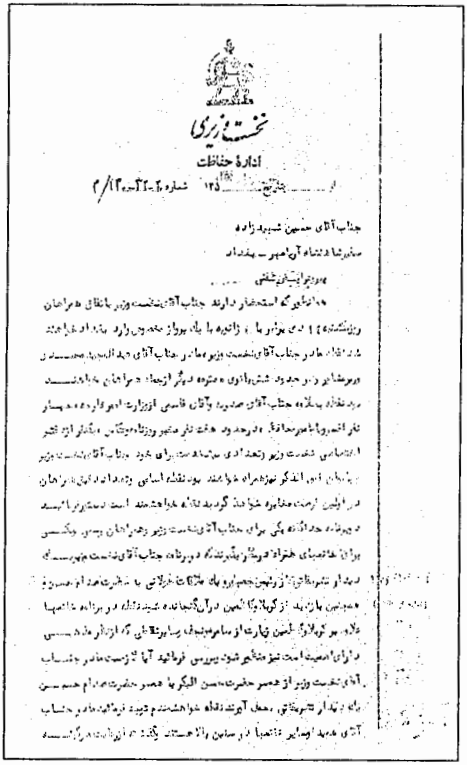

نخست‌وزیری

اداره حفاظت

پیرو و عرایض تلفنی

همان‌طور که استحضار دارند جناب آقای نخست‌وزیر به اتفاق همراهان روز یکشنبه ۱۴ دی برابر با ۴ ژانویه با یک پرواز مخصوص وارد بغداد خواهند شد. مادر جناب آقای نخست‌وزیر، مادر جناب عبدالمجید مجیدی وزیر مشاور و در حدود شش بانوی محترمه دیگر از جمله همراهان خواهند بود.

به علاوه جناب آقای صدریه و آقای قاسمی از وزارت امورخارجه، چهار نفر افسر و یا مامور محافظ، در حدود هفت نفر مخبر روزنامه و عکاس، یک نفر از دفتر اختصاصی نخست‌وزیر و تعدادی پیشخدمت برای خود جناب آقای نخست‌وزیر و بانوان فوق‌الذکر نیز همراه خواهند بود. اسامی و تعداد دقیق همراهان در اولین فرصت مخابره خواهد گردید. خواهشمند است دستور فرمائید دو برنامه جداگانه یکی برای جناب آقای نخست‌وزیر و همراهان رسمی و یکی برای خانمهای همراه در نظر بگیرند که در برنامه جناب آقای نخست‌وزیر یک دیدار تشریفاتی از رئیس جمهوری و یک ملاقات طولانی با حضرت صدام حسین و همچنین بازدید از کربلا و کاظمین در آن گنجانده شود. در برنامه خانم‌ها علاوه بر کربلا و کاظمین زیارت از سامره و نجف و سایر نقاطی که از نظر مذهبی دارای اهمیت است نیز منظور شود و بررسی فرمایید آیا لازم است مادر جناب آقای نخست‌وزیر از همسر حضرت حسن‌البکر[1] یا همسر حضرت صدام حسین یک دیدار تشریفاتی بعمل آورند. خواهشمندم توجه فرمائید مادر جناب آقای هویدا و سایر خانمها در سنین بالا هستند و گذشته از رعایت هرگونه احترام لازم برنامه‌ها به نحوی تنظیم شود که بی‌اندازه فشرده نباشد و

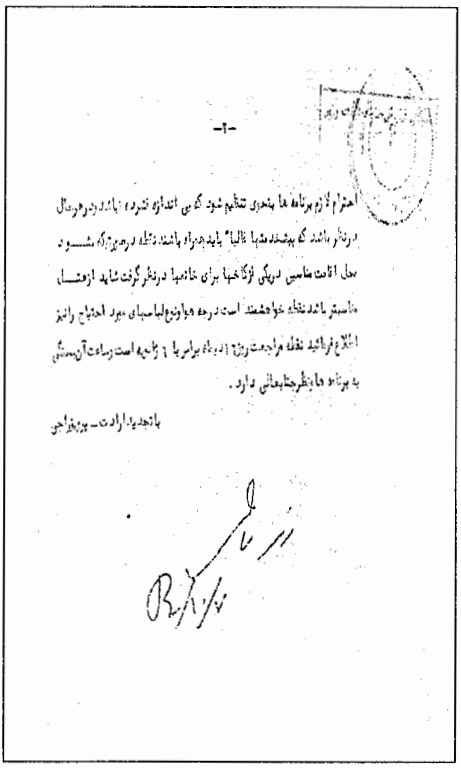

در هر حال در نظر باشد که پیشخدمتها غالباً باید همراه باشند. در صورتی که بشود محل اقامت مناسبی در یکی از کاخها برای خانمها در نظر گرفت شاید از هتل مناسبتر باشد. خواهشمند است درجه هوا و نوع لباسهای مورد احتیاج را نیز اطلاع فرمائید. مراجعت روز ۱۶ دی ماه برابر با ۶ ژانویه است و ساعت آن بستگی به برنامه‌ها و نظر جنابعالی دارد.

با تجدید ارادت ـ پرویز راجی

رمز شود

۵۴/۱۰/۴

۱ـ احمد حسن‌البکر در سال ۱۹۱۴ در تکریت تولد یافت. در سال ۱۹۳۲ از دانشسرای عالی فارغ‌التحصیل گردید و تا سال ۱۹۳۸ به شغل معلمی پرداخت. سپس به دانشکده افسری در بغداد ملحق شد. پس از کودتای ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸ به عضویت شورای دادگاه نظامی درآمد. در قیام ۸ مارس ۱۹۵۸ شواف، متهم به شرکت در این قیام گردید و به این علت با درجه سرهنگ دومی بازنشسته شد. بعد از کودتای ۸ فوریه ۱۹۶۳ به دریافت درجه سرلشکری نایل آمد و به نخست‌وزیری برگزیده شد. بعد از یازدهم نوامبر ۱۹۶۳ اختلاف و درگیری در کادر حزب بعث عراق شعله‌ور گردید. در این زمان البکر ریاست جناح مخالف علی صالح سعدی دبیر کل وقت حزب را که در برابر میشل عفلق، دبیر کل [اصلی] حزب ایستادگی می‌کرد عهده‌دار بود. حسن‌البکر بعد از کودتای «عبدالسلام عارف» در ۱۸ نوامبر ۱۹۶۳ علیه شرکای بعثی خود، از سمت نخست وزیری برکنار و به عنوان جانشین رئیس‌جمهور ـ که یک سمت تشریفاتی بود ـ برگزیده شد، ولی قبول نکرد. وی مدتی در دوران حکومت عبدالسلام عارف به همراه تعداد کثیری از بعثی‌ها به اتهام تلاش برای براندازی رژیم زندانی شد. در سال ۱۹۶۵ بعد از طرد علی صالح سعدی دبیر کل حزب از این تشکیلات، از سوی رهبر قومی به جای وی منصوب گردید. البکر پس از کشته شدن عبدالسلام عارف در یک سانحه هوایی، و روی کار آمدن عبدالرحمن عارف ضعیف نفس و بی‌کفایت در آوریل ۱۹۶۶، فعالیت سیاسی خود را به منظور به دست گرفتن قدرت گسترش داد. تا اینکه پس از پیروزی دومین کودتای بعثی در ۱۷ ژوئیه به ریاست جمهوری و ریاست شورای رهبری انقلاب برگزیده و به دریافت درجه فیلد مارشالی نائل گردید. سرانجام احمد حسن البکر در سال ۱۹۸۲، در سن ۶۸ سالگی به علت ابتلاء به بیماری سرطان در بیمارستان درگذشت.

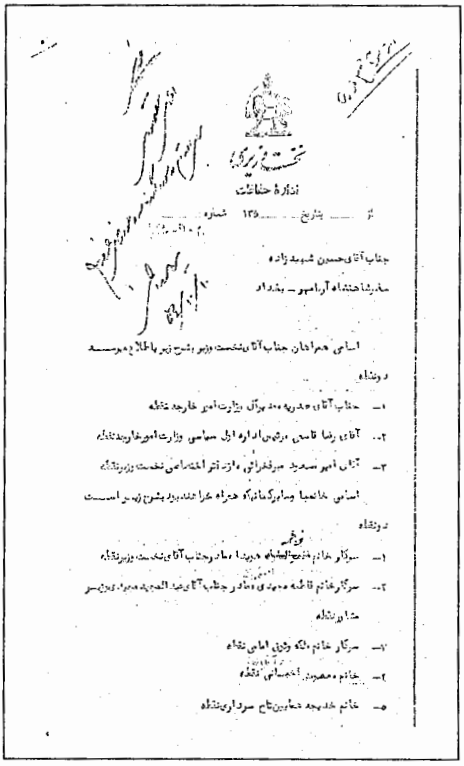

شماره: ۲۰ـ۳۲ـ۲۳۰/م تاریخ: ۵۴/۱۰/۱۰

جناب آقای حسین شهیدزاده

سفیر شاهنشاه آریامهر ـ بغداد

اسامی همراهان جناب آقای نخست‌وزیر به شرح زیر به اطلاع می‌رسد:

۱ـ جناب آقای صدریه، مدیرکل وزارت امورخارجه.

۲ـ آقای رضا قاسمی، رئیس اداره اول سیاسی وزارت امورخارجه

۳ـ آقای امیر مسعود میرفخرایی، از دفتر اختصاصی نخست‌وزیر.

اسامی خانمها و سایر کسانی که همراه خواهند بود به شرح زیر است:

۱ـ سرکار خانم افسرالملوک (فاطمه) هویدا، مادر جناب آقای نخست‌وزیر.

۲ـ سرکار خانم فاطمه مجیدی (مقصودی)، مادر جناب آقای عبدالمجید مجیدی وزیر مشاور.

۳ـ سرکار خانم ملکه وثوق امامی.

۴ـ خانم معصومه اخیانی.

۵ـ خانم خدیجه همایون تاج سرداری

۶ـ خانم فخر آفاق مهدوی.

۷ـ آقای دکتر سید ابوالقاسم قائمی.

۸ـ خانم آذرنوش غفاری، منشی جناب آقای دکتر مجیدی.

۹ـ روح‌الله منصوری، پیشخدمت مادر جناب آقای نخست‌وزیر.

۱۰ـ طاهره جعفر اقدامی، خدمه مادر جناب آقای نخست وزیر.

۱۱ـ خانم مریم انشاء (فربود)

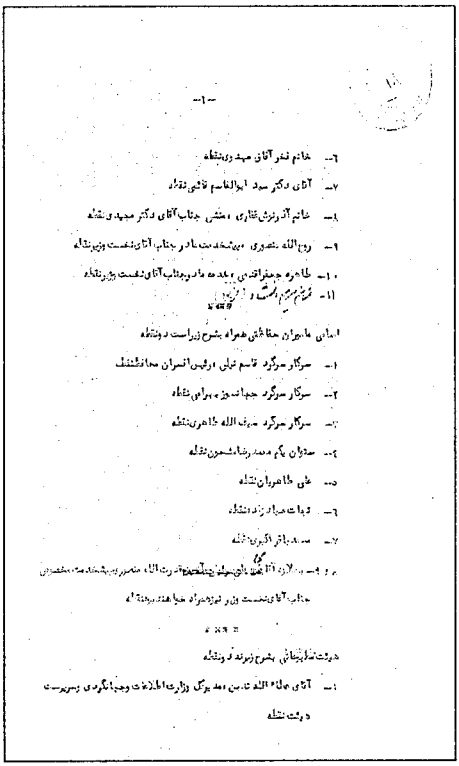

*****

اسامی مأموران حفاظتی همراه به شرح زیر است :

۱ـ سرکار سرگرد قاسم نیلی، رئیس افسران محافظ.

۲ـ سرکار سرگرد جهانسوز بهرامی.

۳ـ سرکار سرگرد سیف‌الله طاهری.

۴ـ ستوان یکم محمدرضا مشحون.

۵ـ علی طاهریان.

۶ـ نجات صیادزاده

۷ـ محمدباقر اکبری.

۸ و ۹ـ به علاوه آقایان علی رئوفی آشپز و قدرت‌الله منصوری پیشخدمت مخصوص جناب آقای نخست‌وزیر نیز همراه خواهند بود.

***

هیئت مطبوعاتی به شرح زیرند :

۱ـ آقای عطاءالله تدین[۱]، مدیرکل وزارت اطلاعات و جهانگردی و سرپرست هیئت.

۲ـ آقای امیر طاهری،[۲] سردبیر روزنامه کیهان.

۳ تا ۶ خانم سیما دبیر آشتیانی و آقایان پرویز گنجی، مرتضی ابوطالب‌نیا و جواد قندی‌نژاد از سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران.

۷ـ آقای عبدالرحمان شاهسون شهبازی، عکاس کانون خبرنگاران.

۸ـ آقای حسین سرفراز،[۳] از روزنامه رستاخیز.

۹ـ آقای علی باستانی،[۴] از روزنامه اطلاعات.

بدین ترتیب تعداد کلیه همراهان جناب آقای نخست وزیر سی و یک نفر است.

البته اگر در این تعداد تغییری حاصل شود بلافاصله به اطلاع خواهد رسید.

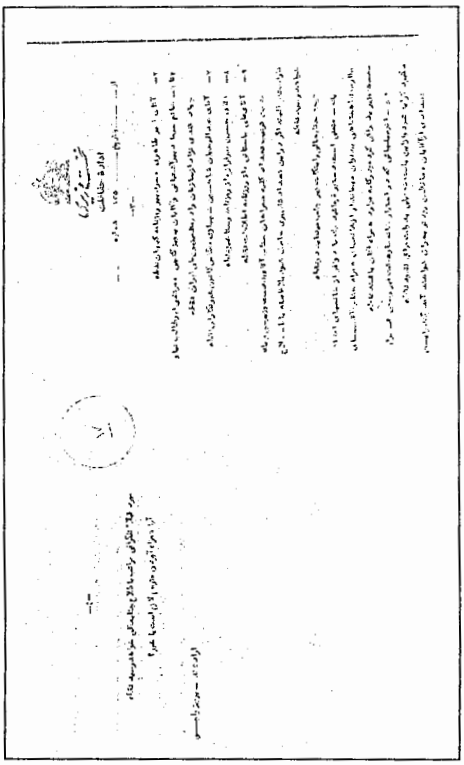

توجه جنابعالی را به نکات زیر جلب می‌نماید:
یک ـ متمنی است دستور فرمائید یک یا دو نفر از خانمهای اعضای سفارت شاهنشاهی به عنوان مهماندار از خانمهای همراه جناب آقای نخست‌وزیر پذیرایی کرده و در کلیه موارد همراه آنان باشند.
دو ـ اتومبیلهایی که در اختیار خانمها و هیئت غیررسمی قرار می‌گیرد کرایه شود و از این بابت تحمیلی به دولت عراق نشود.
تعدادی از آقایان محافظین زودتر به عراق خواهند آمد که در این مورد قبلاً تلگرافی مراتب به اطلاع جنابعالی خواهد رسید.
آیا همراه آوردن مترجم لازم است یا خیر؟
ارادتمند ـ پرویز راجی

۱ـ عطاءاله تدین فرزند حسن در سال ۱۳۰۳ هـ ش در رشت بدنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در دبستان‌های صیقلان و فاریابی، و متوسطه را در دبیرستان‌های لقمان، اسلامی و شاهپور در رشت سپری کرد و در سال ۱۳۲۴ به دانشکده پلیس رفت و در سال ۱۳۲۶ فارغ‌التحصیل شد و در تاریخ ۲۶/۲/۱ با درجه ستوان دومی به استخدام شهربانی کل کشور در آمد و در اداره سرکلانتری، شهربانی شیراز، شهربانی کاشان و انگشت‌نگاری فعالیت کرد. وی در سال ۱۳۲۸ به درجه ستوان یکمی ارتقاء یافت و رئیس شعبه اول دایره بایگانی شد. او که در سال ۲۹ مدتی به شهربانی همدان رفته بود، در سال ۱۳۳۰ به قسمت پلیس انتظامی (دایره انگشت‌نگاری) رفت و سپس رئیس آن دایره گردید تا اینکه در سال ۱۳۳۲ به اتهام وابستگی به حزب توده در اختیار وزارت کشور قرار گرفت. عطاءاله تدین که مؤسس جمعیتی با کلمه اختصاری (۷) در سال ۱۳۲۱ با هدف تبلیغ مرام کمونیستی و مبارزه علنی و جدی با فاشیست و رئیس کتابخانه حزب توده در رشت معرفی گردیده بود، در سال ۳۲ طبق ماده ۵ حکومت نظامی دستگیر و حدود ۴ ماه در زندان به سر برد. وی در عریضه‌ای در این خصوص ادعا کرد که در زمان تحصیل در شهرستان رشت، همواره با حزب توده مبارزه می‌کرده و در جمعیت‌هایی که شاه دوستی و وطن‌پرستی را شعار می‌داده‌اند، نام نویسی کرده و روی این اصل در حزب میهن‌پرستان عضویت به مناسبت روز ۲۶ مرداد تمثال بزرگی از شاه را با هزینه شخصی تهیه و در اداره انگشت‌نگاری شهربانی نصب کرده و همچنین در سال ۱۳۲۶ در مجله شهربانی، داستانی دربارهٔ عظمت ایران باستان و شاه دوستی و میهن پرستی منتشر نموده است و در پایان نوشته است: «استدعا دارم مقرر فرمائید با گزارش بی‌اساس، جوانی را که آرزویش خدمت به

شاهنشاه و میهن عزیز است نزد فامیل، عیال و اولاد شرمنده ننمائید.»
عطاءاله تدین پس از این به وزارت اطلاعات و جهانگردی منتقل گردید و مشاغل ذیل را عهده‌دار شد.
الف: رئیس قسمت مطبوعات، دفتر فنی اداره کل انتشارات و رادیو ـ ۱۳۳۸
ب: رئیس دایره مطبوعات ـ ۱۳۳۹
ج: رئیس اداره سنجش و نظارت بر اجرای طرح‌های وزارت اطلاعات ـ ۱۳۴۰
د: مسئول سنجش مطبوعات فستیوال جهانی فیلم‌های کودکان ـ ۱۳۴۴
ه: رئیس اداره خدمات مطبوعات
عطاءاله تدین که مانند دیگر افراد توده‌ای!! مراحل رشد و ترقی را طی می‌کرد، در سال ۱۳۴۶ با موافقت ساواک، رئیس اداره خدمات مطبوعات شد و پس از دو سال به عنوان معاون اداره کل مطبوعات مشغول گردید و در سال ۱۳۵۲ مدیرکل مطبوعات شد و سپس به معاونت مطبوعاتی وزیر ارتقاء شغل یافت که این ارتقاء را نصیری ـ رئیس ساواک ـ به وی تبریک گفت.
مشارالیه که ۱۴ بار تشویق و موفق به اخذ نشان‌های مختلف گردیده بود و با نشریات ارمغان، بیمه ایران، مهر ایران و ... نیز همکاری می‌کرد، یک کتاب بنام «گیلان» به فرح پهلوی هدیه کرد که مورد تشویق او واقع گردید.

۲ـ محمد امیر طاهری دزفولی فرزند اسدالله در سال ۱۳۲۰ هـ ش در اهواز به دنیا آمد. در سال ۱۳۳۸ از دبیرستان هدف در تهران، مدرک پنجم طبیعی گرفت و سپس تقاضای اعزام به انگلستان کرد.
مشارالیه در سال ۱۳۳۹ به خارج رفت و در Slavgh college در قسمت امور اداری و مدیریت مشغول به تحصیل شد. وی در سال ۱۳۴۱ در جلسات کنفدراسیون شرکت داشت و با جامعه سوسیالیست‌های اروپا نیز ارتباط برقرار کرد که به علت تخلّفات مالی، تصمیم به اخراج وی گرفته شد. در همین ایام شایع شد که وی از طرف ساواک، برای شرکت در کنفدراسیون، اعزام گردیده است.
طاهری در سال ۱۳۴۷ به ایران بازگشت و فعالیت‌های مطبوعاتی خود را آغاز کرد و به عنوان نویسنده در کیهان اینترناشنال مشغول گردید و در مسابقات انتخاب دختر شایسته ایران نیز مشارکت کرد که به همین علت، مورد سوءظن افراد جامعه سوسیالیست‌ها قرار گرفت.
دکتر امیر پیشداد ـ رهبری جامعه سوسیالیست‌ها در اروپا ـ در اردیبهشت سال ۱۳۴۷، طی نامه‌ای به جلال آل‌احمد، در رابطه با وی چنین نوشته است:
«... درباره آن جوان کوتوله اعرابی، باید بگویم که حرف و سخن بسیار است و به دلایل مختلف، این موجود در چند سال گذشته که در لندن در حلقهٔ دوستان بود، ضعف‌های اخلاقی از خود بروز داد و وقتی به تهران رفت، یک بار در مجلس دوستان شرکت جست و آن مجلس چند نفری هنوز به پایان نرسیده بود که از سازمان تلفن می‌زنند و نام شرکت کنندگان را بر می‌شمارند و خط و نشان می‌کشند و تهدیدشان می‌کنند. پس از این جریان وقتی وی از نو به لندن بازگشت از حلقه دوستان کنار گذاشته شد...»
ساواک در ذیل این گزارش می‌نویسد:
«... کوتوله اعرابی... محمد (امیر) طاهری یکی از عناصر جامعه سوسیالیست‌ها است که اخیراً از فرانسه به ایران آمده و در کیهان انترناسیونال به کار اشتغال دارد... فعلاً در جریان کنفرانس حقوق بشر و انتخاب دختر شایسته ایران فعالیت دارد...»
شرکت امیر طاهری در تشریفات سال ۱۳۵۵، بلامانع اعلام شد.
در ذیل گزارشی که در بهمن ماه ۱۳۵۶ در خصوص اعلامیه «ملت ایران در مقابل روسپی مطبوعاتی» تهیه گردیده و در آن امیر طاهری دلال و پادوی مطبوعاتی ساواک و... معرفی شده است، نصیری نوشته است:

«وقتی که گفته بودم اداره کل سوم با این امیر طاهری تظاهر به نزدیکی نکند برای امروز بود...»
امیر طاهری در سال ۱۳۵۷، سردبیر روزنامه کیهان شد و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مدتی در انتشارات سروش، به فعالیت پرداخت.
وی که در سال ۱۳۷۱ در کشور فرانسه به سر می‌برد با سلطنت‌طلبان، ارتباط برقرار کرد.
اسناد ساواک ـ پرونده انفرادی

۳ـ حسین سرفراز فرزند محمدخان در سال ۱۳۱۲ هـ ش در داراب فارس بدنیا آمد. دورهٔ ابتدائی را در دبستان شهر آزاد داراب و مقطع متوسطه را در دبیرستانهای شاهپور و سلطانی شیراز سپری نمود و از دانشگاه تهران در رشته تاریخ و جغرافیا لیسانس گرفت و از دوران دانشجوئی با سرودن شعر با مطبوعات همکاری داشت و از سال ۱۳۳۸ سردبیر مجله امید ایران بود و بعدها سردبیر مجلات سپید و سیاه خوشه و خواندنیها نیز شد و با سایر نشریات از جمله: دنیای جدید، مهر ایران، فرمان، آژنگ و روشنفکر همکاری داشت. مشارالیه از طرفداران دکتر محمد مصدق بود و با رادیو بغداد مکاتبه داشت و در سال ۳۹ در جشن انقلاب اکتبر در سفارت شوروی شرکت و با مقامات سفارت در ارتباط بود. حسین سرافراز عضو هیئت مدیره سندیکای صنفی نویسندگان و خبرنگاران بود و در سال ۴۸ زمانی که نویسنده و سردبیر مجله تهران مصور بود ساواک با مشارکت وی در شرکت سهامی انتشارات تهران مصور موافقت کرد.
ساواک دربارهٔ صلاحیت نامبرده جهت شرکت در جشن شاهنشاهی شیراز در سال ۵۰ وی را فردی وطن‌پرست و معتقد به حفظ سنت‌های ملی و شاهنشاهی معرفی و با حضورش موافقت کرد.
مشارالیه عضو حزب مردم و سردبیر اخبار روزنامه مردم ارگان آن حزب بود و ساواک با فعالیت وی در حزب و روزنامه رستاخیز موافقت و سردبیر مجله رستاخیز جوانان و نویسنده و سردبیر سرویس اجتماعی و دانشگاهی روزنامه رستاخیز بود.
ساواک در سال ۵۱ با عضویت وی در هیئت رئیسه بنیاد رضا پهلوی و در سال ۵۵ با شرکتش در جشنواره و در سال ۵۶ با حضورش در تشریفات موافقت کرد و دبیر کمیته نویسندگان پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی بود.

۴ـ علی باستانی فرزند احمد در سال ۱۳۰۳ هـ ش در بابل متولد شد. وی پس از سپری کردن مقدمات تحصیلی، از دانشسرای مقدماتی دیپلم گرفت و در سال ۱۳۲۴ به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و در شهرهای ساری، بابل و قم آموزگار بود. نامبرده طی سالهای ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۵ در حزب پیکار و حزب میهن‌پرستان عضویت داشت و طرفدار ضیاءالدین طباطبائی بود. علی باستانی و همسرش هر دو در حزب توده عضو کمیته محلی بابل بودند و فعالیت زیادی در راستای برنامه‌های حزبی در منطقه داشتند. مشارالیه طی سالهای ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۴ چندین بار دستگیر و آخرین بار کلیه اطلاعات درون تشکیلاتی را در اختیار رکن ۲ قرار داد و با نوشتن تنفرنامه از حزب توده و چاپ آن در روزنامه اطلاعات از زندان آزاد گردید ولی همکاریش با دستگاههای امنیتی همچنان ادامه داشت و در سال ۱۳۳۶ با رفع پیگرد از وی، مجدداً به وزارت فرهنگ بازگشت. و ساواک در سال ۱۳۳۸ با صدور کارت خبرنگاری برای نامبرده و در سال ۱۳۴۰ با ریاستش در اداره انتشارات و تبلیغات اسلامی اداره کل اوقاف و در سال ۱۳۴۶ با عضویت مشارالیه در سندیکای نویسندگان و خبرنگاران موافقت نمود. علی باستانی سپس به روزنامه اطلاعات منتقل شد و به عنوان خبرنگار، مفسر، سردبیر اخبار و رئیس هیئت تحریریه روزنامه اطلاعات فعالیت نمود.
نامبرده در دوران پهلوی از راههای مختلف و تبانی ثروت زیادی بدست آورد و ساواک بارها با حضورش در مراسم تشریفات موافقت کرد و در سال ۱۳۵۶ فرح پهلوی فوت مادرش را به وی تسلیت گفت.
اسناد ساواک ـ پرونده انفرادی

از: تهران تاریخ: ۱۳۵۴/۱۰/۱۰

شماره: ۲۰ـ ۳۰ـ ۲۳۰/م

جناب آقای حسین شهیدزاده

سفیر شاهنشاه آریامهر ـ بغداد

پیرو ۲۰ـ ۳۲ـ ۲۳۰/م مورخ ۵۴/۱۰/۹ خواهشمند است نام خانم مریم انشا را به اسامی همراهان جناب آقای نخست‌وزیر اضافه و نام آقای علی رئوفی آشپز را از لیست حذف نمایند.

ارادتمند ـ پرویز راجی

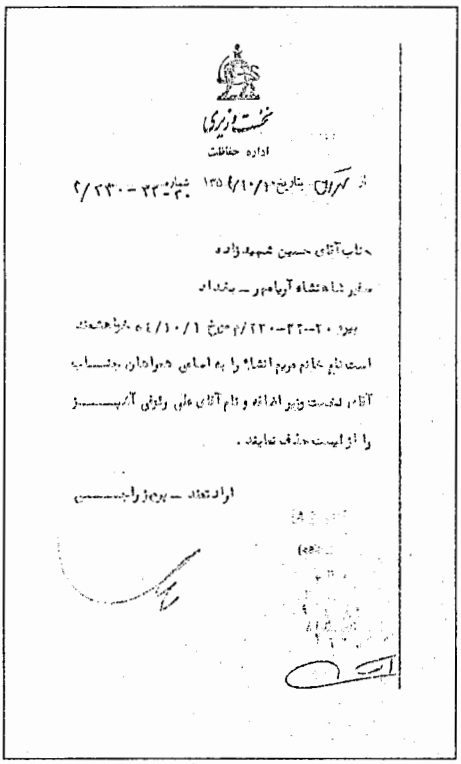
نخست وزیری

اداره حفاظت

از تهران تاریخ ۵۴/۱۰/۱ شماره ۲۳۰-۲۲/۲۳۰

جناب آقای حسین شهیدزاده

سفیر شاهنشاه آریامهر ـ بغداد

پیرو ۲۰-۲۲-۲۳۰/م مورخ ۵۴/۱۰/۱ خواهشمند

است نام خانم مریم انشاء را به اسامی همراهان جناب

آقای نخست وزیر اضافه و نام آقای علی رئوفی آشپز

را از لیست حذف نمایند.

ارادتمند ـ پرویز راجی

تاریخ: ۵۴/۱۰/۱۴

جناب آقای پرویز راجی

مشاور مخصوص جناب آقای نخست‌وزیر

پیرو مذاکرات تلفنی و عطف به تلگراف رمز شماره ۲۰ ـ ۳۲ ـ ۲۳۰ / م به استحضار می‌رساند پریروز ۵۴/۱۰/۸ طی ملاقاتی با مدیرکل تشریفات طرحی برای پذیرایی از جناب آقای نخست‌وزیر و همراهان محترم مورد مذاکره قرار گرفت که علی‌الاصول مورد قبول قرار گرفت و قرار بود مدیرکل تشریفات نظر نهایی خود را درباره چند مسئله از جمله محل اقامت میهمانان و قبول و یا عدم قبول دعوت سفارت از طرف آقای صدام حسین برای شام روز دوشنبه فوراً به این سفارت اطلاع دهد که تاکنون با وجود مراجعت مکرر خبری نداده است. علت هم وجود چند میهمان خارجی در بغداد است که سخت گرفتار آنها و فراهم آوردن جشن اول سال مسیحی می‌باشند. به هر حال به نظر اینجانب اگر طوری ترتیب مسافرت داده شود که در حدود ساعت ۹ صبح روز یکشنبه هواپیمای جناب آقای نخست‌وزیر و همراهان در فرودگاه بغداد فرود آید بسیار به مورد است زیرا می‌توان از یک روز کاملاً استفاده نمود. برنامه مورد نظر اینجانب برای خانمهای محترمه این است که بلافاصله پس از ورود از محل اقامت با چند اتومبیل به طرف نجف اشرف حرکت نمایند و پس از زیارت مسجد کوفه و حرم مطهر عصر همان روز عازم کربلای معلا شوند و شام را در کربلا بمانند، سپس فردای آن روز یعنی دوشنبه به بغداد بازگردند و ناهار را در سفارت شاهنشاهی صرف بفرمایند بعدازظهر عازم حرم مطهر کاظمین شوند و فردا صبح یعنی سه‌شنبه عازم سامرا گردند و ظهر مراجعت فرمایند پس از صرف ناهار یا در سفارت شاهنشاهی یا در اقامتگاه خود مهیای حرکت به طرف فرودگاه شوند. اما در مورد جناب آقای نخست‌وزیر

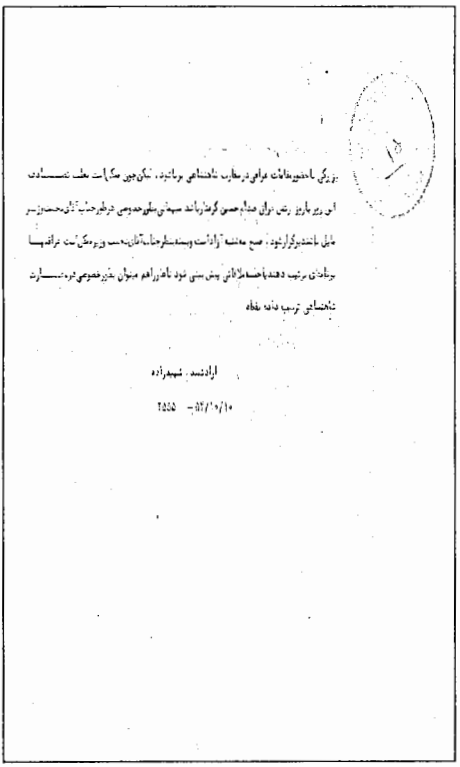

پس از ورود و استراحت مختصری در اقامتگاه با هلی‌کوپتر عازم نجف و کربلا شوند و برای ناهار به بغداد مراجعت فرمایند بعدازظهر ترتیب ملاقاتشان با صدام حسین داده شود و اگر مایل باشند ترتیب گردشی با کشتی روی دجله فراهم گردد فردا صبح یعنی دوشنبه دیداری از پرزیدنت بعمل آید و احتمالاً ادامه مذاکره با جناب آقای صدام حسین داده شود، ناهار در سفارت شاهنشاهی صرف فرمایند بعدازظهر به اتفاق خانمها یا جداگانه عازم حرم مطهر کاظمین شوند، اگر صدام حسین دعوت شام سفارت را قبول کرده باشند شب میهمانی بزرگی با حضور مقامات عراقی در سفارت شاهنشاهی برپا شود. لیکن چون ممکن است به علت تصادف این روز با روز ارتش عراق صدام حسین گرفتار باشد میهمانی به طور خصوصی هرطور جناب آقای نخست‌وزیر مایل باشند برگزار شود. صبح سه‌شنبه آزاد است و بسته به نظر جناب آقای نخست‌وزیر ممکن است عراقیها برنامه‌ای ترتیب دهند یا جلسه ملاقاتی پیش‌بینی شود ناهار را هم می‌توان به طور خصوصی در سفارت شاهنشاهی ترتیب داد.

ارادتمند. شهیدزاده

۲۵۵۵ـ۵۴/۱۰/۱۰

بایگانی ۵۴/۱۰/۱۴

شماره : ۲۵۵۸ تاریخ : ۵۴/۱۰/۱۰

جناب آقای پرویز راجی

مشاور مخصوص جناب آقای نخست‌وزیر

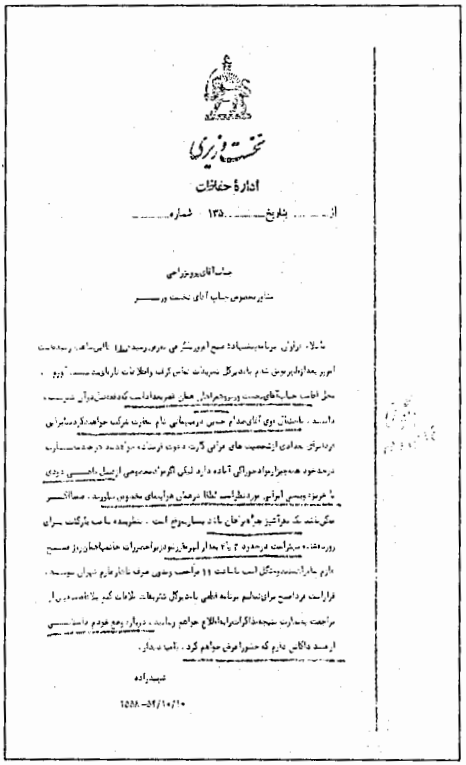

نخست‌وزیری

اداره حفاظت

با سلام فراوان برنامه پیشنهادی صبح امروز تلگرافی به عرض رسیده قطعاً تا این ساعت رسیده است امروز بعدازظهر موفق شدم با مدیرکل تشریفات تماس گرفته و اطلاعات تازه‌ای بدست آورم. محل اقامت جناب آقای نخست‌وزیر و همراهان همان قصر بغداد است که دفعه قبل در آن تشریف داشتند. به احتمال قوی آقای صدام حسین در میهمانی شام سفارت شرکت خواهند کرد بنابراین فردا برای تعدادی از شخصیت‌های عراقی کارت دعوت فرستاده خواهد شد هر چند سفارت در حد خود همه چیز از مواد خوراکی آماده دارد لیکن اگر مواد مخصوصی از قبیل ماهی دودی یا خربزه و بستی [بستنی] ایرانی مورد نظر است لطفاً در همان هواپیمای مخصوص بیاورند. ضمناً اگر ممکن باشد یک نفر آشپز جزء همراهان باشد بسیار بموقع است. به نظر بنده ساعت بازگشت برای روز سه‌شنبه بهتر است در حدود ۳ یا ۴ بعدازظهر مقرر شود زیرا حضرات خانمها همان روز صبح عازم سامرا هستند و مشکل است تا ساعت ۱۱ مراجعت و بدون صرف ناهار عازم تهران شوند. قرار است فردا صبح برای تنظیم برنامه قطعی با مدیرکل تشریفات ملاقات کنم بلافاصله پس از مراجعت به سفارت نتیجه مذاکرات را به اطلاع خواهم رسانید، درباره وضع خود داستانی از عبید زاکانی دارم که حضوراً عرض خواهم کرد. به امید دیدار

شهیدزاده

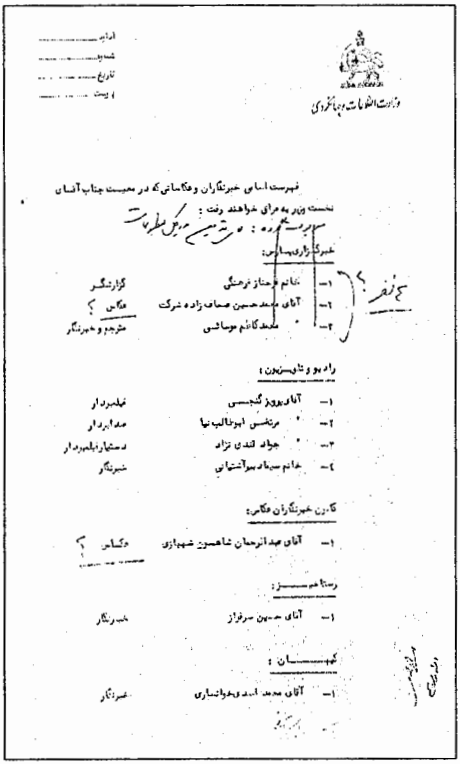

وزارت اطلاعات و جهانگردی

فهرست اسامی خبرنگاران و عکاسانی که در معیت جناب آقای نخست‌وزیر به عراق خواهند رفت:

سرپرست گروه: آقای تدین مدیرکل مطبوعات

خبرگزاری پارس:

۱ـ خانم فرحناز فرهنگی گزارشگر

۲ـ آقای محمدحسین صحاف‌زاده شرکت عکاس

۳ـ آقای محمدکاظم موسائی مترجم و خبرنگار رادیو و تلویزیون:

۱ـ آقای پرویز گنجی فیلمبردار

۲ـ آقای مرتضی ابوطالب‌نیا صدابردار

۳ـ آقای جواد قندی نژاد دستیار فیلمبردار

۴ـ خانم سیما دبیر آشتیانی خبرنگار

کانون خبرنگاران عکاس:

۱ـ آقای عبدالرحمان شاهسون شهبازی عکاس رستاخیز:

۱ـ آقای حسین سرفراز خبرنگار

کیهان:

۱ـ آقای محمد اسدی خوانسار خبرنگار

۲ـ باستانی

به : بغداد تاریخ : ۱۳۵۴/۱۰/۱۱

شماره : ۲۰ـ۳۲ـ ۲/۳۲۰

جناب آقای شهیدزاده سفیر شاهنشاه

آریامهر در بغداد

پیرو تلگرامهای قبلی خواهشمند است در مورد وضع هوای بـغداد و هـمچنین لزوم و یـا عدم لزوم همراه بودن مترجم نتیجه را اطـلاع فرمائید.

ارادتمند ـ پرویز راجی

طبق دستور تلفنی آقای میرفخرایی مخابره گردید....

۵۴/۱۰/۱۱

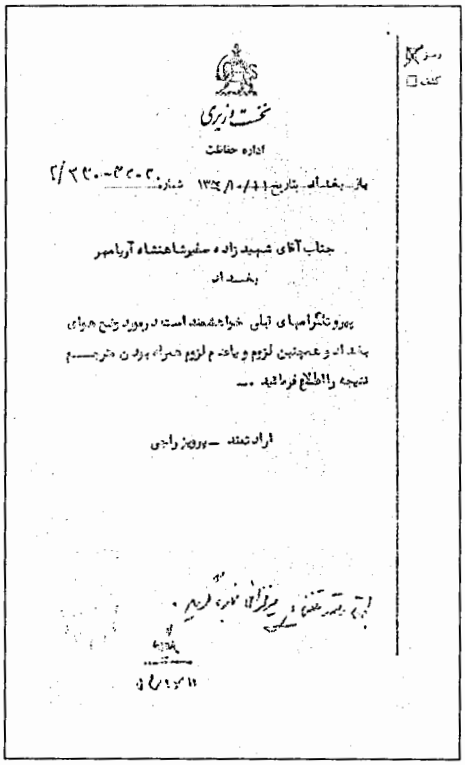

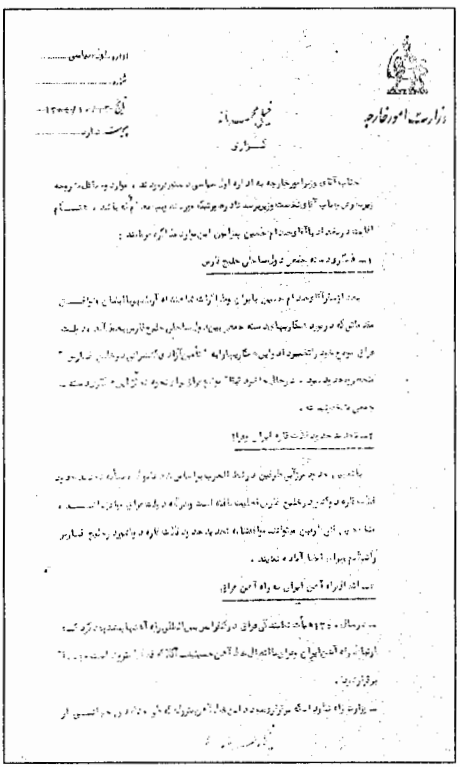

از : اداره اول سیاسی تاریخ : ۱۳۵۴/۱۰/۱۳

گزارش

جناب آقای وزیر امورخارجه به اداره اول سیاسی دستور فرمودند، موارد و مسائل مشروحه زیر به عرض جناب آقای نخست‌وزیر برسد تا در صورتی که مورد تصویب معظم‌له باشد، هنگام اقامت در بغداد با آقای صدام حسین پیرامون این موارد مذاکره فرمایند :

۱ـ همکاری دسته جمعی

ـ دول ساحلی خلیج فارس

بعد از سفر آقای صدام حسین به ایران و مذاکرات شاهنشاه آریامهر با ایشان و توافق مقدماتی که در مورد همکاریهای دسته‌جمعی بین دُول ساحلی خلیج فارس بعمل آمد، دولت عراق موضع خود را تغییر داد و این همکاریها را به «تأمین آزادی کشتیرانی در خلیج فارس» منحصر و محدود نمود. در حال حاضر دقیقاً موضع عراق برای نحوه تحقق این همکاری دسته جمعی مشخص نیست.

۲ـ تحدید حدود فلات قاره ایران و عراق

ـ با تعیین حدود مرز آبی طرفین در شط‌العرب براساس خط تالوگ، مساله تجدید حدود فلات قاره دو کشور در خلیج فارس فعلیت یافته است و هرگاه دولت عراق موافق باشد، متخصصین فنی طرفین می‌توانند موافقتنامه تحدید حدود فلات قاره دو کشور در خلیج فارس را تنظیم و برای امضاء آماده نمایند.

۳ـ اتصال راه‌آهن ایران به راه‌آهن عراق

ـ در سال ۱۳۵۰ هیأت نمایندگی عراق در کنفرانس بین‌المللی راه‌آهنها پیشنهاد کرد که ارتباط راه‌آهن ایران و عراق با اتصال خط آهن حسینیه ـ آکلاکه فعلاً متروک است مجدداً برقرار شود.

ـ وزارت راه نظر داد که برقراری مجدد این خط آهن متروک که طی جنگ دوم جهانی از ایستگاه حسینیه ایران واقع در چهل کیلومتری خرمشهر به آکلا در مرز عراق کشیده شده و تا بصره ادامه داشته است، به علل فنی مفید نیست، بلکه اتصال راه‌آهن دو کشور از ایستگاه خرمشهر به پل نو و مرز عراق و اتصال آن به راه‌آهن بغداد ـ بصره بیشتر مقرون به مصلحت است.

ـ بعد از وصول تقاضای عراقیها دایر بر ترانشیپ و ترانزیت کالاهای عراقی از ایران، در کمیسیونهایی که به منظور رسیدگی به این تقاضا در وزارت راه و ترابری تشکیل گردید، از راه‌آهن دولتی ایران تقاضا شد طرح اتصال راه‌آهنهای دو کشور را تهیه نمایند. وزارت راه و ترابری تقاضا نمود مذاکراتی درباره جنبه‌های فنی موضوع بین هیأتهای فنی دو کشور بعمل آید. این تقاضا مورد موافقت مقامات عراقی واقع شده است ولی هنوز تاریخ قطعی برای مذاکرات را تعیین نکرده‌اند.

۴ـ ترانزیت کالاهای ایرانی از طریق عراق و سوریه به مدیترانه و ترانزیت کالاهای عراقی از طریق ایران به مناطق شرقی و شمالی منطقه

برای حصول به این مقصود دو امکان وجود دارد.

۱ـ ارتباط شبکه خط آهن ایران از اندیمشک به خط آهن بغداد.

عراقیها به علت تراکم کالاهای خود در بندر بصره تقاضا نموده‌اند از بنادر ایران و از طریق راه‌آهن کالاهای به مقصد عراق را، به طور ترانزیت حمل نمایند.

مقامات سوری در قبال استمزاجی که از آنها برای ترانزیت کالاهای ایرانی از طریق راه‌آهن عراق و سوریه به مدیترانه بعمل آمده است روی موافق نشان داده‌اند و آقای عبدالحلیم خدام وزیر

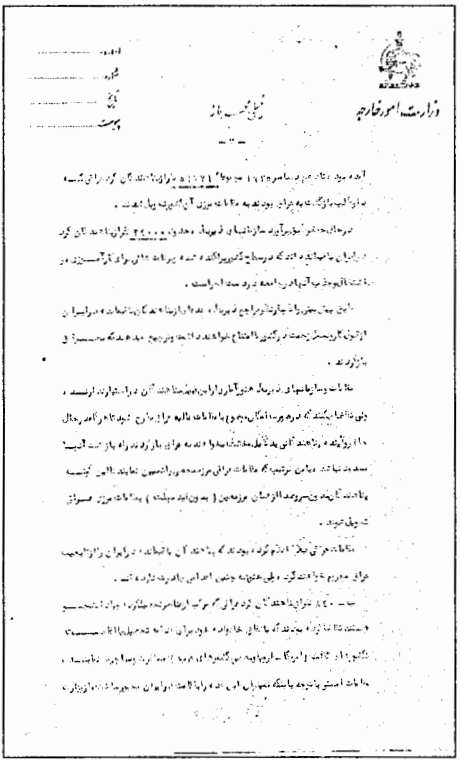

وزارت امور خارجه

خارجه سوریه به سفیر شاهنشاه آریامهر اظهار داشته است: «ماکه حاضریم، عراقیها را آماده کنید.»

۲ـ امکان دیگر ترانزیت کالا به طریق موصوف، از طریق راههای زمینی سه کشور ایران، عراق و سوریه می‌باشد.

۵ـ کردهای باقیمانده در ایران

الف ـ براساس توافقی که با هیأت عراقی به ریاست نعیم حداد وزیر جوانان عراق بعمل آمده بود، تا دهم دسامبر ۱۹۷۵ مجموعاً ۵۱۷۷۹ نفر از پناهندگان کرد عراقی که داوطلب بازگشت به عراق بودند به مقامات مرزی آن کشور تحویل شدند.

در حال حاضر طبق برآورد سازمانهای ذیربط، حدود ۳۴۰۰۰ نفر از پناهندگان کرد در ایران باقیمانده‌اند که در سطح کشور پراکنده شده و برنامه‌هایی برای کارآموزی، واشتغال و جذب آنها در جامعه در دست اجراست.

طبق پیش‌بینی و اظهارنظر مراجع ذیربط، عده‌ای از پناهندگان باقیمانده در ایران از قبول کار و تحمل زحمت در کشور ما امتناع خواهند داشت و ترجیح می‌دهند که به عراق بازگردند.

مقامات و سازمانهای ذیربط هنوز آماری از این قبیل پناهندگان در اختیار ندارند، ولی تقاضا می‌کنند که در صورت امکان موضوع با مقامات عالیه عراق مطرح شود تا هرگاه در حال حاضر و آینده پناهندگانی به دلایل مختلف بخواهند به عراق بازگردند راه بازگشت آنها مسدود نباشد، به این ترتیب که مقامات عراقی مرز مشخصی را تعیین نمایند تا اینگونه پناهندگان بدون سروصدا از همان مرز معین (بدون قید مهلت) به مقامات مرزی عراق تحویل شوند.

مقامات عراقی قبلاً اعلام کرده بودند که پناهندگان باقیمانده در ایران را از تابعیت عراق محروم خواهند کرد، ولی هنوز به چنین اقدامی مبادرت نکرده‌اند.

ب ـ ۸۴۰ نفر از پناهندگان کرد عراقی که مرکب از عناصر تحصیلکرده و یا دانشجو هستند تقاضا کرده بودند که به اتفاق خانواده خود برای ادامه تحصیل یا اقامت به کشورهای ثالث (امریکا ـ اروپا و بعضی کشورهای عرب) مسافرت و مهاجرت نمایند، مقامات امنیتی با توجه به اینکه نمی‌توان این عده را به اقامت در ایران مجبور ساخت، از وزارت امور خارجه خواستند که موجبات انجام تقاضای این افراد فراهم شود.

اقداماتی در این زمینه به طور رسمی و غیررسمی، نزد سفارتخانه‌های ممالک مورد نظر این عده انجام شد. نماینده کمیساریای عالی پناهندگان نیز در ایران، تقاضای این عده را نزد سفارتخانه‌های ذیربط پی‌گیری نمود و بعضی از دول مورد نظر با پذیرش این افراد موافقت کرده‌اند، اما مقامات عراقی با عزیمت این عده به کشورهای ثالث موافق نیستند و معتقدند که این افراد ممکن است در خارج علیه مصالح عراق و ایران اقدام نمایند، بنابراین بهتر است از عزیمت آنها به کشورهای ثالث جلوگیری نمود یا اینکه آنها را به عراق سوق داد، ولی با توجه به اصرار این عده مهاجرت به کشورهای ثالث و اقدامات کمیساریای عالی پناهندگان در این زمینه و جنبه‌های انسانی موضوع، اجابت تقاضای دولت عراق عملاً میسر نیست.

۶ـ اقدامات غیردوستانه بعضی مجامع و محافل و مطبوعات عراق

با وجود عادی شدن روابط فیمابین، هنوز اظهارات و اقدامات غیردوستانه‌ای در بعضی مجامع و محافل و مطبوعات عراق نسبت به ایران مسموع و مشهود است، چنان که: در مهرماه سال ۱۳۵۴ کنفرانس کتابخانه‌ها از طرف دانشگاه بصره برگزار شد و «تحقیق برای حفظ عربیت خلیج» به عنوان یکی از وظایف اصلی اهل کتاب و اهل قلم، در قطعنامه کنفرانس قید گردید.

هنگامی که توضیح سفارت شاهنشاهی در بغداد پیرامون بی‌اهمیت بودن این نوع کنفرانسهای محلی، از شرف عرض پیشگاه همایونی گذشت، اوامر مطاع ذات اقدس ملوکانه چنین شرف صدور یافت:

«این توضیح کافی نیست، این کار ممکن است در سابق به روال عادی حکومت آنها تعبیر می‌شد ولی حالا صحیح نیست»

اقدامات غیردوستانه دیگری نیز از ناحیه مقامات و مراجع عراقی مشهود است، مانند:

ـ عدم قبول یادداشت سفارت شاهنشاهی به علت اینکه عنوان صحیح خلیج فارس در آن مندرج بوده است.

ـ قید عنوان مجعول «الاحواز» در بعضی جراید عراق.

ـ توزیع کاریکاتوری با عنوان «اتحاد نامقدس» از طرف سفارت عراق در رم بین دیپلماتهای خارجی (فتوکپی کاریکاتور پیوست است)

ـ انتقادات مجامع و محافل و مطبوعات عراق از کمک ایران به عمان و حمله غیرمستقیم به دولت شاهنشاهی (به عنوان نیروهای مهاجم خارجی و غیره ...)

در این موارد به سفارت شاهنشاهی در بغداد تعلیمات لازم داده شد که به عراقیها بگویند چه بسا بعضی عوامل در امر تحکیم و توسعه روابط دوکشور اخلال می‌کنند. سفیر شاهنشاه آریامهر مراتب را به همین نحو به مقامات وزارت خارجه عراق متذکر شده‌اند و آنان نیز این احتمال را نفی نکرده‌اند.

۷ـ کار کمیته‌های فرعی جبران خسارات متقابل در مذاکرات اخیر با مقامات عراقی در بغداد، قسمتی از مسائل و مشکلات مربوط به جبران خسارات متقابل ناشی از علامتگذاری مرز، مورد

گفتگو قرار گرفت و حل و فصل شد.

اکنون گزارشهای رسیده از اداره مرزبانی حاکی است که کمیته‌های فرعی مشترک به علت اینکه عراقیها تعلیمات لازم به مأموران خود در کمیته‌های فرعی عراق و مرزبانان عراقی نداده‌اند، در بعضی موارد به توافق نرسیده‌اند از جمله:

الف ـ تکلیف ۲۴ قطعه زمین زراعتی در منطقه نوسود تعیین نشده است، این ۲۴ قطعه به اتباع ایران تعلق دارد و زارعین آنها هم معین و مشخص است ولی مرزبان عراقی به بهانه‌های گوناگون از قبول این موضوع امتناع می‌ورزد.

ب ـ انحنای سیم خاردار در منطقه بصره / سوسنگرد بهانه‌ای شده است که عراقیها در مورد قیمت‌گذاری و تعیین خسارات زمین‌های این منطقه با هیأت ایرانی به توافق نرسند. در این مورد دستور لازم به مراجع ایرانی داده شده است که در رفع انحنا اقدام نمایند.

پ ـ در تعیین میزان خسارات اراضی زراعتی در منطقه سومار توافق حاصل نشده است.

ت ـ خسارات مربوط به جاده‌ها در منطقه سوسنگرد معین نشده است.

ث ـ موضوع نحوه برآورد خسارات مراتع خصوصی در حوزه مرزبانیهای نوسود ـ قصر شیرین ـ سومار ـ مهران ـ سوسنگرد به جایی نرسیده است.

با توجه به اینکه طبق توافق اخیر در بغداد، قرار است کلیه مسائل و مشکلات فیمابین قبل از ۱۳ ژوئن ۱۹۷۶ حل‌وفصل شود، ترتیبی اتخاذ شده است که کمیته مشترک اصلی برای حل اختلافات فیمابین به بصره عزیمت نماید و در همانجا به مسائل مورد اختلاف رسیدگی و سپس در بغداد نتیجه نهایی کار کمیته‌های فرعی را تعیین کند ولی هرگاه دستورات مؤکدی از طرف مقامات عراقی به اعضای کمیته اصلی عراق برای همکاری و تفاهم با اعضای کمیته ایرانی صادر

نشود چه بسا باز هم مواردی لاینحل بماند.

۸ـ مثلث شیلر در مقابل زمین‌های زیرآب سد دربندخان

ـ دولت عراق در سال ۱۳۴۱ سدی بر رودخانه دربندخان احداث نمود که در سال ۱۳۴۴ به پایان رسید و پس از بالا آمدن آب آن مقداری از اراضی مزروعی و مسکونی کشاورزان منطقه پاوه ایران زیر آب رفت و خسارات فراوانی به آنها وارد شد.

ـ میزان خسارات وارده بابت زمینهای مزروعی، در سال ۱۳۴۸ توسط کارشناسان ایرانی برآورد و از طرف دولت شاهنشاهی به اهالی پرداخت شد.

ـ نمایندگان کشاورزان و اهالی منطقه همواره به ارزیابی کارشناسان ایرانی اعتراض نموده‌اند و مدعی هستند که خسارات وارده کمتر از میزان واقعی برآورد شده است. ضمناً خسارات وارده بابت خانه‌های مسکونی در ارزیابی فوق‌الذکر منظور نشده است.

ـ قرائی که زمینهای زراعتی آنجا زیر آب فرو رفته است عبارتند از: قریه مله رش ـ قریه کلور ـ قریه درولهٔ علیا ـ قریه تنگه سخت ـ قریه شیردوله (شروله) ـ قریه کرنهال ـ قریه کانی سالار ـ قریه دکاگاه ـ قریه درولهٔ سفلی ـ این قراء در منطقه نوسود قرار دارند.

ـ به سبب اینکه از بدو امر، دولت شاهنشاهی اصولاً با ساختمان این سد مخالفت می‌کرده است، حاضر نشده است خسارات وارده را مطالبه و دریافت نماید. زیرا قبول تاوان نقدی موجب تایید اقدام عراقیها درباره احداث سد مزبور می‌شد، اکنون که مسأله جبران خسارات متقابل مطرح است، نظر وزارت امور خارجه شاهنشاهی این است که با توجه به وضع مثلث شیلر، در صورت امکان اراضی زیر آب سد دربندخان با مثلث مذکور معاوضه شود. رعایت این ترتیب به سود طرفین است و از بسیاری مشکلات جلوگیری می‌کند.

۹ـ مطالبات بندر بصره از شرکت کشتی‌رانی آریا و دعاوی متقابل ایران

در مذاکرات اخیر بغداد عراقیها مبلغی در حدود یک میلیون دینار عراقی بابت خدمات بندری از شرکت کشتیرانی آریا (طی ۶ سال اخیر منتهی به آخر فوریه ۱۹۷۵) مطالبه کردند، در حالی که دولت شاهنشاهی نیز بابت ۳۲ سالی که عراقیها حساب درآمدهای بندر بصره را نداده‌اند در قبال دولت عراق ادعاهایی دارد.

مطالبات ایران بابت خسارات حاصل از اسکان و اشتغال و جذب ۷۵۰۰۰ نفر ایرانیان رانده شده از عراق و نگهداری سه هزار عراقی‌های رانده شده به ایران و نگهداری و تغذیه و اسکان اکراد پناهنده به ایران نیز در قبال دعاوی مقامات عراقی قابل ارائه است.

۱۰ـ درج مطالب غرض‌آلود راجع به ایران در کتاب‌های درسی عراق

ـ طی بحران روابط دو کشور مطالب غرض‌آلودی راجع به ایران در کتابهای تاریخ و جغرافیا و علوم اجتماعی کلاسهای ابتدائی و متوسطه عراق درج شده که با وجود بهبود روابط اقدامی از طرف عراق برای حذف این مطالب بعمل نیامده است.

ـ در این کتابها رژیم ایران مرتجع و مزدور و طرفدار صهیونیسم معرفی شده و خوزستان جزئی از جهان عرب خوانده شده است ـ همچنین استقرار نیروهای شاهنشاهی در جزایر سه گانه ایران در خلیج‌فارس یک نوع تجاوز به سرزمین اعراب قلمداد گردیده است و اعلام بی‌اعتباری عهدنامه مرزی ۱۹۷۳ از طرف دولت شاهنشاهی، محکوم شده و شط‌العرب جزیی از خاک عراق به حساب آمده است.

در این کتب، ملت ایران در عداد عقب‌افتاده‌ترین ملل خاورمیانه که گرفتار وضع بد اجتماعی و

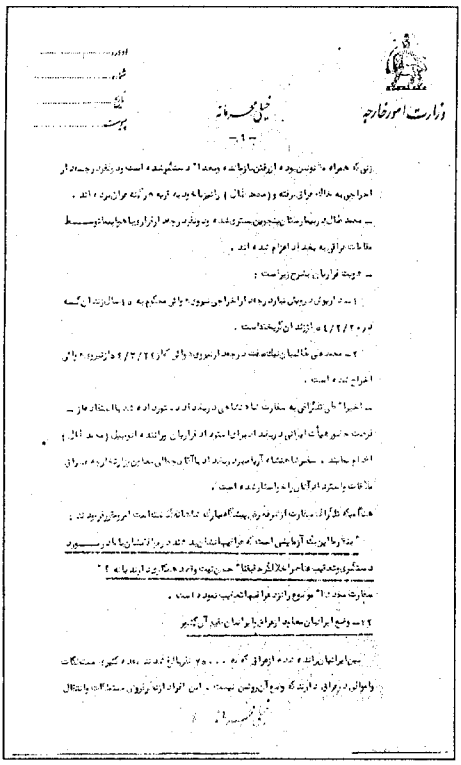

وزارت امور خارجه

فقر و بیماری و فئودالیسم می‌باشد معرفی شده است. این مطالب همچنین شامل اظهارنظرهایی در مورد کردستان ایران و فتنه سمیتقو و قاضی محمد می‌باشد و کریمخان زند و کاوه آهنگر را جزء اکراد شمرده‌اند. در مورد جنگ قادسیه نیز مطالبی در تخفیف و توهین به ایرانیان ذکر شده است.

سرپرستی مدارس ایران در عراق مطالب موصوف را مورد بررسی قرار داده و فهرست آن را تهیه کرده است، اما سفارت شاهنشاهی در بغداد اعتقاد دارد که بررسی آن موارد در صلاحیت هیأتی مرکب از دانشمندان و اهل فن است. به نظر وزارت امور خارجه اداره سرپرستی برای تعیین و تنظیم فهرستی از این موارد صلاحیت دارد، معهذا می‌توان، موضوع را به شورائی در وزارت آموزش و پرورش احاله نمود تا یک بار دیگر کتابها را بررسی و درباره مندرجات آن اظهارنظر نمایند.

عراقیها یک بار اظهار داشتند که برای اصلاح کتب درسی خود آمادگی دارند ولی ظاهراً به علت اینکه فهرست این موارد هنوز به عراقیها داده نشده، اقدامی از ناحیه آنها صورت نگرفته است.

۱۱ـ فرار دو نفر درجه‌دار اخراجی نیروی هوایی شاهنشاهی، به عراق

ـ روز ۵۴/۹/۱۸ مأموران ژاندارمری منطقه مریوان به دو نفر مرد و یک نفر زن که با لباس کوهنوردی در ارتفاعات تردد می‌کردند مظنون شده و آنها را دستگیر و به محافظت یک نفر درجه‌دار ژاندارم، با اتومبیل شخصی به نام محمد طال (پیمانکار گوشت پادگانهای نظامی) به مریوان اعزام داشته‌اند.

ـ دستگیرشدگان، در بین راه، با چاقو به ژاندارم و راننده اتومبیل حمله نموده آنها را مجروح و راننده (محمد طال) را با دست بسته به منظور راهنمایی خود، همراه برده‌اند.

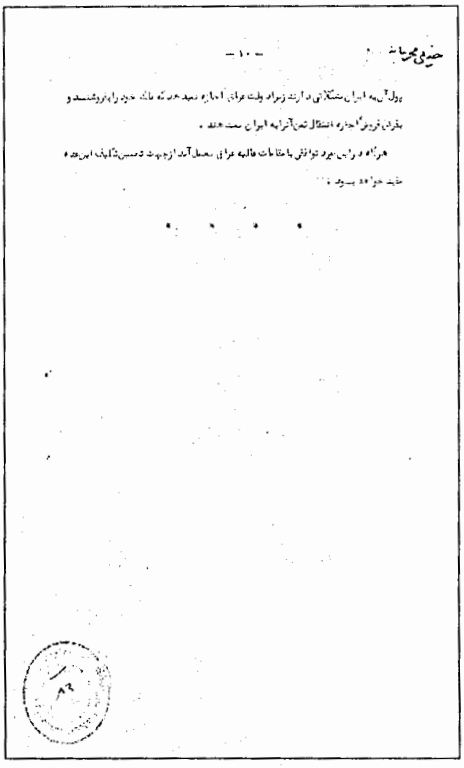

زنی که همراه مظنونین بوده از رفتن بازمانده و بعداً دستگیر شده است و دو نفر درجه‌دار اخراجی به خاک عراق رفته و (محمد طال) را نیز با خود به قریه هرگینه عراق برده‌اند.

ـ محمد طال در بیمارستان پنجوین بستری شده و دو نفر درجه‌داری فراری با هواپیما توسط مقامات عراقی به بغداد اعزام شده‌اند.

ـ هویت فراریان به شرح زیر است:

۱ـ داریوش درویش تبار درجه‌دار اخراجی نیروی هوایی محکوم به ۱۵ سال زندان که در ۵۴/۲/۲۰ از زندان گریخته است.

۲ـ محمدعلی طالبیان نیک صفت درجه‌دار نیروی هوایی که از ۵۴/۳/۲۴ از نیروی هوایی اخراج شده است.

ـ اخیراً طی تلگرافی به سفارت شاهنشاهی در بغداد دستور داده شد با استفاده از فرصت حضور هیأت ایرانی در بغداد برای استرداد فراریان و راننده اتومبیل (محمد طال) اقدام نمایند. سفیر شاهنشاه آریامهر در بغداد با آقای جمالی معاون وزارت خارجه عراق ملاقات و استرداد آنان را خواستار شده است.

هنگامی که تلگراف سفارت از شرف عرض پیشگاه مبارک شاهانه گذشته است امر و مقرر فرمودند،

«به نظر ما این یک آزمایشی است که عراقیها نشان بدهند در موافقتشان با ما در مورد دستگیری و تعقیب عناصر اخلالگر حقیقتاً حسن نیت و قصد همکاری دارند یا نه؟»

سفارت مجدداً موضوع را نزد عراقیها تعقیب نموده است.

۱۲ـ وضع ایرانیان معاود از عراق و ایرانیان مقیم آن کشور

بین ایرانیان رانده شده از عراق که به ۷۵۰۰۰ نفر بالغ شدند، عده کثیری مستملکات و اموالی در عراق دارند که وضع آن روشن نیست. این افراد از نظر فروش مستملکات و انتقال پول آن به

ایران مشکلاتی دارند زیرا دولت عراق اجازه نمی‌دهد که ملک خود را بفروشند و به فرض فروش، اجازه انتقال ثمن آن را به ایران نمی‌دهند.
هرگاه در این مورد توافقی با مقامات عالیه عراق بعمل آید از جهت تعیین تکلیف این عده مفید خواهد بود.

۱۳۵۴/۱۰/۲۰ ـ صدام حسین و هویدا

گزارش[1] برای ضبط در پرونده

در ساعت ۰۹۱۰ صبح روز دوشنبه ۱۵ دیماه ۱۳۵۴ با آقای صدام حسین نایب رئیس شورای فرماندهی انقلاب عراق ملاقات نمودم.

خلاصه مذاکرات از این قرار است.

در بدو ملاقات از آقای صدام حسین نسبت به دعوتی که از اینجانب و مادرم برای دیدار از عراق و زیارت عتبات مقدسه بعمل آوردند اظهار تشکر نمودم. سپس در مورد اهمیت روابط دوکشور نظریات دولت شاهنشاهی را ابراز داشتم و درباره مسائل زیر صحبت بعمل آمد:

۱ـ موضوع تحدید حدود فلات قاره ایران و عراق و لزوم بحث این موضوع و امضای موافقتنامه تحدید حدود فلات قاره دوکشور در خلیج‌فارس و اهمیت این توافق در استوار کردن روابط همسایگی و دوستی دوکشور.

۲ـ اتصال راه‌آهن ایران به راه‌آهن عراق.

۳ـ ترانزیت کالاهای ایرانی از طریق عراق و سوریه به دریای مدیترانه و ترانزیت کالاهای شوروی ـ پاکستان و کشورهای دیگر از طریق ایران به عراق و کالاهای عراق و سوریه به آن کشورها به وسیله راه‌های زمینی و قطار.

۴ـ اکراد عراقی باقیمانده در ایران که در حدود ۳۴ هزار نفر هستند و تعدادی از آنان که مایل به مراجعت به عراق هستند.

۵ـ رویه بعضی مطبوعات عراق نسبت به ایران و درج مطالبی علیه ایران.

۶ـ موضوع کشتیرانی و همکاری بندری.

۷ـ موضوع استرداد سه نفر فراری ایرانی به عراق.

۸ـ موضوع نام خلیج‌فارس و مسئله محیط زیست و کنفرانسی که قرار بود در کویت منعقد گردد و اصرار آنها به نامگذاری غلط خلیج‌فارس.

۹ـ فعالیتهای کمونیستی در بین اکراد خارج از عراق.

۱۰ـ وضع ایرانیان معاود و لزوم دادن اطلاع به دولت شاهنشاهی قبل از مسافرت آنان، زیرا عده‌ای پاکستانی و افغانی به نام ایرانی تبعید می‌شوند و در ایران توقف می‌کنند.

۱۱ـ صدور دستورات لازم به مرزبانان دو کشور و لزوم همکاری بیشتر و رسیدگی به مسائل و حل اختلافات منطقه‌ای.

۱۲ـ لبنان و بحران فعلی آن و اهمیت آن برای سلامتی و آرامش منطقه.

بعد از اظهارات این جانب آقای صدام حسین چنین اظهار داشت:

خیلی خوشوقتم که بار دیگر با شما در بغداد ملاقات می‌کنم و درباره مسائلی که مورد علاقه ما و شما است چه در سطح دو کشور یا در سطح منطقه‌ای که در آن هستیم مذاکره کنیم.

با شما کاملاً هم عقیده هستم که کشورهای بزرگ بر اساس منافعی که دارند با ما عمل می‌کنند و عموماً این منافع با منافع ما وفق نمی‌دهد. کشورهای مذکور تصورات خاصی را دارند که به منافعشان بستگی دارد در حالی که اکثراً تصورات و حسابهای ما مخالف تصورات و توقعات آنان است. لذا رابطه یا علایق هر کدام از ما با یکی یا بیشتر از آن کشورها از گوشه دید مخصوصی است.

در این قسمت از کره زمین که ما در آن هستیم مراقب اوضاع و احوال جهان هستیم و نسبت به اوضاع جهانی احساس ناراحتی می‌کنیم زیرا همان طور که می‌دانید شعله‌ور شدن جنگهای جهانی علت و سبب بزرگ و مهمی را نمی‌خواهد، چه بسا یک حادثه کوچک و بی‌اهمیت آتش

نخست وزیر

چنین جنگی را برافروزد. چنانچه با در نظر گرفتن این حقیقت نگاه مجددی به نقشه جهان افکنیم روی منطقه خود علامت سرخی خواهیم گذاشت زیرا این منطقه یک منطقه استراتژیکی و مرکز کشمکش‌های بین‌المللی است و در سیاست‌های بین‌المللی روی آن حساب می‌شود. این دید برای ما که به میهن و ملت خود علاقمندیم ناراحت‌کننده است. لذا سعی می‌نمائیم راهی برای نجات از خطر بیابیم. با مطالعه و بررسی به این نتیجه رسیده‌ایم که برای نجات مطلق از خطر جنگ راهی نیست، ولی راه نجات ممکن این است که در صف کشورهای غیرمتعهد باشیم. و میهن خود را در چهارچوب ملی استوار سازیم و سعی کنیم مشکلات خود را به نحوی حل نمائیم که به استعمار و کشورهای بیگانه بزرگ اجازه نفوذ ندهیم. زیرا آن کشورها با بودن چنین اختلافی می‌توانند رخنه کنند.

مشکلات هر چند که ناچیز باشد برای ما حائز اهمیت است و باید در سطح بالا بررسی گردد زیرا دید مسئولان اصولاً وسیع‌تر است. و بدین جهت با همین دید به تمام مسائلی که جنابعالی به آن اشاره فرمودند می‌نگریم.

از توسعه روابط بین دو کشور خیلی خوشوقتم و به خاطر دارم که در الجزیره هنگام ملاقات با اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر و شاید هم در حین سوار شدن اتومبیل بود که خدمتشان عرض کردم که پس از امضاء توافق ما شاهد آن خواهیم بود که مسائل به طور خیلی سریع و خارج از هرگونه اشکالی پیش خواهد رفت. اکنون در تایید این نظر وضع روابط خود را با ایران و عربستان سعودی مثال می‌زنم. بعد از توافق الجزیره دیگر رهبران دو کشور احتیاجی پیدا نکردند که در موضوع عقد پیمان و امضای قراردادهای دیگر دخالتی داشته باشند. در مورد

عربستان سعودی نیز به محض اینکه سازمان رهبری کشور ما اراده کرد که مشکلات فیمابین حل شود دستورات لازمه را صادر نمود و مسائل بدون دخالت دیگران حل شد.

تمام این مطالب از نظر ما و نظر اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر دور نبود. سپس آقای صدام حسین درباره مسائلی دیگر که مطرح کرده بودم صحبت کرده و اظهار داشت:

۱ـ موافقت داریم که موضوع ترانزیت کالا بین سه کشور عراق و ایران و سوریه مورد مطالعه و بررسی کارشناسان سه کشور قرار گیرد گرچه ما به سوریه اطمینان و اعتماد نداریم زیرا آنان در حساسترین موقع مانع از حمل کالاهای ما از بنادر سوریه شده‌اند در حالی که احتیاج به همکاری آنان داشتیم.

۲ـ تا آنجایی که اطلاع دارم وزیران کشور ایران و عراق در مذاکرات اخیر خود درباره همکاری مأموران مرزی دو کشور تصمیماتی اتخاذ نموده‌اند و دستوراتی صادر کرده بودند. وزیر کشور ما از نحوه پیشرفت کار اظهار خرسندی می‌نمود البته این موضوع بار دیگر تاکید خواهد شد.

۳ـ درباره مندرجات بعضی مطبوعات عراق شاید منظور روزنامه التاخی باشد. ما از رفتار این روزنامه زیاد راضی نیستیم برخی عناصر در این روزنامه نفوذ کرده‌اند مخصوصاً عناصر کمونیستی ولی ما مراقب هستیم. البته آنها نمی‌توانند صراحتاً چیزی بنویسند ولی عبارات را در لفافه و فشرده می‌گویند.

مخالفین خوب می‌دانند که مسئله روابط ایران و عراق مورد علاقه زیاد ما است و نمی‌توان کوچکترین خدشه‌ای به آن وارد آورد ولی در لفافه چیزی را نوشتن بعید نمی‌بینم.

ما به حزب کمونیست عراق یک روزنامه داده‌ایم ولی به آنها اجازه نمی‌دهیم که با ما بازی کنند و در روزنامه‌های دیگر نفوذ کنند.

نخست وزیر

توصیه می‌کنم که وابسته مطبوعاتی سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد در این قبیل موارد با وزارت اطلاعات در تماس باشد. وزیر اطلاعات ما شخص وارد و مورد اعتماد ما است و به این مسائل به خوبی می‌تواند رسیدگی کند.

اهمیت توافق و روابط جدید ما و شما از آنجا است که بدون دخالت کشورهای دیگر صورت گرفته است و ما احتیاج به کیسینجرها و غیره نداشته‌ایم و این خود موجب عدم رضایت کشورهای بزرگ شده است. ما احساس کردیم که روسها از این توافق چندان راضی نیستند به آنان گفتم شما چه می‌خواهید به نظر ما عدم موافقت شما با این توافق مفهوم و علتی ندارد شاید شما نظر خاصی به موضوع دارید که ناراحت هستید که البته این نظر برخلاف نظر ما است و ما دخالت در امور داخلی خود را به کسی اجازه نمی‌دهیم.

در مصاحبه با مجله الدستور لبنانی گفته بودم که ما دست دوست یا دشمن که به کشورمان دراز شود قطع خواهیم کرد. ولی دولت سوریه از این اظهارات ناراضی بود و نمی‌دانم چرا.

اهمیت توافق الجزایر در پیاده کردن آن است برخی تصور می‌کردند که ما در این راه موفق نخواهیم شد ولی موفق شدیم. ما باید به هم اعتماد و اطمینان داشته باشیم توسعه روابط احتیاج به اعتماد دارد.

۵ـ آقای صدام حسین درباره مراجعت ایرانیان مقیم عراق گفت نظر شما صحیح است باید صورت این افراد قبل از خروج به شما داده شود تا مطالعه لازم در فرصتی کافی بعمل آید.

۶ـ درباره استرداد سه نفر ایرانی که دو نفر آنها به عراق فرار کرده‌اند آقای صدام حسین گفت که این اشخاص تقاضای پناهندگی سیاسی نموده‌اند و این تقاضا مورد مطالعه شورای فرماندهی

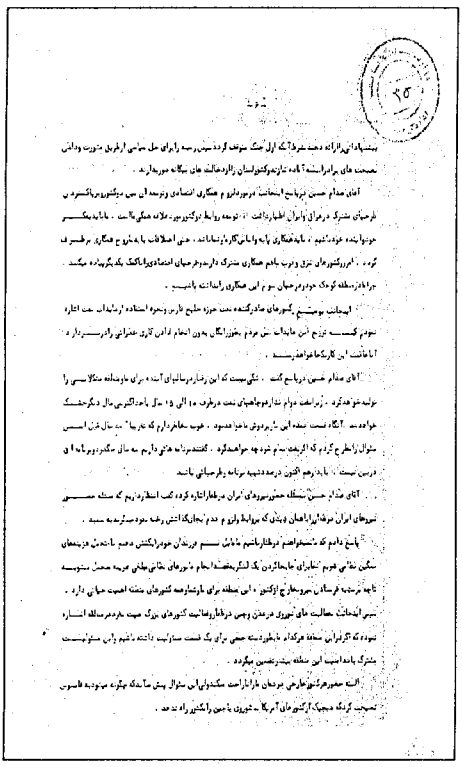

است و تاکنون تصمیمی اتخاذ نشده من به شما اطمینان می‌دهم که نظر این نیست که با تقاضای پناهندگی آنها موافقت شود و اکثراً به آنان دستور داده خواهد شد که از کشور عراق خارج شوند و اگر در نظر بود که پناهندگی آنان را بپذیریم می‌توانستیم این کار را بکنیم و به صراحت علت آن را به شما اطلاع بدهیم ولی این نظر در بین نیست.

۷ـ درباره اتصال راه‌آهن ایران به راه‌آهن عراق

آقای صدام حسین گفت با این عمل موافقت داریم و قرار است کمیته مخصوصی به این موضوع رسیدگی کند.

۸ـ درباره آبهای فلات قاره دوکشور آقای صدام حسین با بحث این موضوع موافقت نمود و آن راگامی دیگر به سوی استوار نمودن روابط دو کشور خواند.

درباره نام خلیج فارس آقای صدام حسین اظهار داشت که عقل انسان برای مشکلات بزرگ راه‌حل‌هایی ارائه داده و می‌دهد، البته برای این مسئله نیز می‌توان و باید راهی یافت.

[*] در مذاکرات بعدی که قبل از حرکت از بغداد با آقای صدام حسین بعمل آمد مجدداً درباره اکراد فراری که در ایران هستند صحبت بعمل آمد و مشارالیه اظهار داشت که ما رسماً نظری اعلام نخواهیم کرد ولی آماده هستیم تمام آنها را قبول کنیم و در مرز تحویل بگیریم.

راجع به ۲ نفر فراری اطلاعات بیشتری که تلفناً توسط جناب وزیر امور خارجه به اینجانب داده شده بود در اختیار مشارالیه گذاشتم و قرار شد آن اطلاعات کتباً به مشارالیه داده شود.

درباره پیشنهاد خبرگزاری خلیج‌فارس که اسم غلطی پیشنهاد شده بود به مشارالیه گفتم که هنوز چند ساعتی از مذاکرات ما نمی‌گذرد که باز هم دسته گل جدیدی به آب داده شده است و این بار عکس‌العمل دولت ایران سخت خواهد بود و باید کشورهای عربی وضع خود را در این باب

روشن کنند. دوستی و همکاری نمی‌تواند یک طرفه باشد. مشارالیه از این موضوع مطلع نبود.[*][۲]

۹ـ درباره نفوذ کمونیستی بین اکراد در اروپا، آقای صدام حسین توضیح داد که از فعالیت کمونیستها در صفوف دانشجویان کرد در اروپا مدتها است اطلاع داریم. محصلین مزبور سازمانی تحت نام محصلین اکراد در اروپا تشکیل داده‌اند قبل از توافق الجزیره ما با این سازمان رابطه داشتیم و با آن مخالف نبودیم ولی بعد از توافق الجزایر آن را تحریم نمودیم و در این راه گامهایی برداشتیم، خطر این سازمان که خود را نماینده تمام اکراد معرفی می‌نماید زیاد است، ما هنوز عقیده داریم که باید در این زمینه اطلاعات خود را مبادله نمائیم و در مقابل چنین سازمانی همکاری خود را منظم سازیم زیرا فعالیت آن سازمان علیه حاکمیت ما و شما است در هماهنگی و همکاری با شما در این زمینه مردد نیستیم.

۱۰ـ لبنان ـ درباره بحران لبنان آقای صدام حسین اظهار داشت که لبنان یکی از کشورهای منطقه است خیر و شر آن برای همه است. توجه و اهمیتی راکه برای لبنان و وضع آن ابراز می‌دارید همان توجه و احساسی است که ما نسبت به آن کشور عربی داریم.

ما طرفدار لبنان با وضع کنونی یعنی کشور واحد و دارای حاکمیت کامل بر تمام زمینهای خود هستیم با برادرکشی و خونریزی در آن مخالفیم. ادامه خونریزی و آدمکشی با دست‌های بیگانه بی‌ارتباط نیست. به نظر ما مسئله لبنان باید از طریق قانون حل گردد. باید از تعصب و افراط دوری کرد. مسیحیان لبنان معتقدند که نجات و سلامتی آنان در چارچوب حقوق اساسی کشور تضمین می‌گردد لذا مسلمانان نباید تقاضاهای تند و افراطی داشته باشند که مسیحیان را بترساند. ما معتقدیم باید دو طرف را توجیه و نصیحت کرد و به آنان فشار آورد که با یکدیگر

سازش کنند.

از پیش قدمی شاهنشاه آریامهر قدردانی می‌کنیم که خواستار بحث مسئله لبنان در کنگره اسلامی شدند ولی ممکن است بحث این مسئله در یک کنگره اسلامی بهانه خوبی برای دیگران در تشکیل کنگره‌های مسیحی در اروپا گردد و عاقبت مسئله لبنان شکل بین‌المللی بخود گیرد. دولت ایران می‌تواند کوششهای خاصی نزد دولت لبنان و نیز نرد برخی مقامات دیگر که مؤثرند داشته باشد.

آقای صدام حسین اضافه نمود. ما در نظر داشتیم موضوع لبنان را در جامعه عرب مطرح کنیم ولی آقای محمود ریاض دبیرکل جامعه عرب این کار را کرد و آقای سلیمان فرنجیه رئیس جمهوری لبنان با آن موافقت کرد. به نظر ما جامعه عرب با وضعی که دارد نمی‌تواند اقدام مؤثری داشته باشد ولی بعضی کشورها می‌توانند رل مفیدی را داشته باشند. مانند کشورهای کویت ـ عربستان سعودی ـ عراق ـ مصر و شاید الجزیره که می‌توانند خیرخواهانه پیشنهاداتی را ارائه دهند به شرط آنکه اول جنگ متوقف گردد سپس زمینه را برای حل سیاسی از طریق مشورت و دادن نصیحت‌های برادرانه آماده سازند و کشور لبنان را از دخالت‌های بیگانه دور بدارند.

آقای صدام حسین در پاسخ اینجانب در مورد لزوم همکاری اقتصادی و توسعه آن بین دو کشور و برپا کردن طرحهای مشترک در عراق و ایران اظهار داشت، توسعه روابط دو کشور مورد علاقه همگی ما است. ما باید به فکر خود و آینده خود باشیم، باید همکاری پایه و اساس کار ما و شما باشد، حتی اختلافات باید با روح همکاری برطرف گردد. امروز کشورهای شرق و غرب با هم همکاری مشترک دارند و طرحهای اقتصادی را با کمک یکدیگر پیاده می‌کنند. چرا ما در منطقه کوچک خود و در جهان سوم این همکاری را نداشته باشیم.

اینجانب به وضع کشورهای صادرکننده نفت حوزه خلیج‌فارس و نحوه استفاده از عایدات نفت اشاره نمودم که توزیع این عایدات بین مردم به طور رایگان بدون انجام دادن کاری خطراتی را دربردارد آیا عاقبت این کار به کجا خواهد رسید.

آقای صدام حسین در پاسخ گفت. شکی نیست که این رفتار در سالهای آینده برای ما و منطقه مشکلاتی را تولید خواهد کرد. زیرا نفت دوام ندارد و چاههای نفت در ظرف ۱۰ الی ۱۵ سال یا حداکثر سی سال دیگر خشک خواهد شد. آنگاه قسمت عمده این بار بر دوش ما خواهد بود. خوب به خاطر دارم که تقریباً سه سال قبل این سؤال را مطرح کردم که اگر نفت تمام شود چه

خواهید کرد. گفتند برنامه‌هایی داریم سه سال می‌گذرد و برنامه‌ای در بین نیست. باید از هم‌اکنون درصدد تهیه برنامه و طرحهایی باشند.

آقای صدام حسین به مسئله حضور نیروهای ایران در ظفار اشاره کرده گفت انتظار داریم که مسئله حضور نیروهای ایران در ظفار را همان دیدی که به روابط و لزوم عدم به جای گذاشتن رخنه نفوذ می‌نگرید ببینید.

پاسخ دادم که ما نمی‌خواهیم در ظفار باشیم ما مایل نیستیم فرزندان خود را به کشتن دهیم یا متحمل هزینه‌های سنگین نظامی شویم شما برای جابجا کردن یک لشکر به مقصد انجام مانورهای نظامی مبلغی هزینه متحمل می‌شوید تا چه برسد به فرستادن نیرو به خارج از کشور، این منطقه برای ما و شما و همه کشورهای منطقه اهمیت حیاتی دارد. سپس اینجانب به فعالیت‌های شوروی در عدن و چین در ظفار و فعالیت کشورهای بزرگ جهت نفوذ در منطقه اشاره نموده که اگر در این منطقه هر کدام ما به طور دسته‌جمعی برای یک قسمت مسئولیت داشته باشیم و این مسئولیت مشترک باشد امنیت این منطقه بیشتر تضمین می‌گردد.

البته حضور هر کشور خارجی در عمان ما را ناراحت می‌کند ولی این سؤال پیش می‌آید که چگونه می‌شود به قابوس نصیحت کرد که هیچ یک از کشورهای آمریکا ـ شوروی یا چین را به کشور راه ندهد.

اگر ایران دست به اصلاحات اقتصادی در روستاها و اصلاحات اجتماعی نمی‌زد آیا اکنون در روستاهای ایران لانه‌های کمونیستی دیده نمی‌شد. باکمال صراحت به شما بگویم که، ما در سابق آرزو داشتیم در ایران تحولات سیاسی صورت گیرد ولی پس از توافق الجزیره آرزوی ما این است که رژیم و وضع سیاسی فعلی در ایران پابرجا باشد چون با این رژیم تفاهم و توافق داریم و اگر تغییری در وضع ایران صورت گیرد نمی‌دانیم وضع بر چه منوال خواهد بود. این یک دید واقعی است و باید شامل تمام منطقه باشد. و این منافع ملی را در عراق و ایران و عمان با هر کشور دیگر در منطقه پیوند می‌دهد. می‌شود گفت که برخی زعما شر را برای کشور خود می‌آورند.

با وجود آنکه ما در جبهه ملی خود حزب کمونیست داریم ولی ما سعی کرده‌ایم که آن حزب را به صورت یک عده نویسنده درآوریم. سازمان جوانان، سازمان کارگری حزب را بستیم. ورود مرام کمونیستی در آرتش ممنوع است. نظامیان کمونیست به مرگ محکوم می‌شوند و عده‌ای نیز به

این جرم اعدام شده‌اند و هم‌اکنون صورتی از اسامی نظامیان کمونیست در دست است که اعدام خواهند شد. بعضی رهبران در منطقه آتش را به کشور خود سوق می‌دهند. باید به آنها نصیحت کرد تا متوجه خطر شوند.

اینجانب درباره امنیت منطقه و دور داشتن آن از نفوذ خارجی از هر طرف که باشد و اینکه فقط سه کشور در این منطقه می‌توانند قوی و مسئولیت اساسی امنیت این منطقه را به دوش گیرند، عبارتند از ایران ـ عراق و عربستان سعودی، و می‌توانند به کشورهای دیگر منطقه کمک کنند صحبت نمودم.

آقای صدام حسین در پاسخ اینجانب گفت با شما هم عقیده هستیم و اختلاف نظر نداریم باید در تمام مسائل بین ما و شما تفاهم باشد. سپس آقای صدام حسین گفت. بعد از بازگشت از الجزیره از من این سؤال شد آیا تصور می‌کنی که شاهنشاه به توافق الجزیره عمل خواهند کرد؟ نحوه کار شاهنشاه و فیصله مسائل از جانب ایشان چطور بود آیا شخصاً و مستقیماً تصمیم می‌گرفتند یا از اطراف به ایشان نصیحت‌هایی می‌شد.

پاسخ دادم عمیقاً معتقدم که اعلیحضرت شاهنشاه آنچه را می‌فرمودند همان را می‌خواستند. و آنچه راکه متعهد می‌شدند از روی اطمینان کامل و اعتماد می‌فرمودند و آن رااجرا خواهند کرد. من معتقدم که منافع ایران و منافع شخص اعلیحضرت در چهارچوب منافع ایران در توافق الجزیره موجود بود.

هر سه مقام در الجزیره بدون نگریستن به عقب تصمیمات خود را می‌گرفتیم و آنچه راکه باید قبول کنیم می‌کردیم و آنچه را باید رد کنیم رد می‌کردیم.

۱ـ این گزارش، توسط سفارت ایران در بغداد، تهیه شده است که امیرعباس هویدا با تغییراتی، آنرا به گزارشی از زبان خود جهت ارائه به محمدرضا پهلوی، تغییر داده است.

تغییرات انجام شده به این شرح است :

ـ برای ضبط در پرونده (اضافه)

ـ جناب آقای نخست‌وزیر ایران (حذف)

ـ جناب آقای نخست وزیر و مسائل مطرح شده به شرح زیر به استحضار می‌رسد = از این قرار است

ـ جناب آقای نخست وزیر (حذف)

ـ ایشان و سرکار علیه والده محترمشان = اینجانب و مادرم

ـ نمودند = نمودند

ـ فرمودند که با استفاده از فرصت این ملاقات مطالبی (حذف)

ـ که این مورد اهمیت دو کشور است... =

در مورد اهمیت روابط دوکشور نظریات دولت شاهنشاهی را ابراز داشتم.
ـ مطالب مزبور که جناب آقای نخست وزیر راجع به هر کدام شرح وافی دادند بطور خلاصه به قرار ذیل می‌باشد = درباره مسائل زیر صحبت به عمل آمد.
ـ ۳ ـ ترانزیت کالاهای.... و ترانزیت کالاهای عراق از طریق ایران به شوروی و پاکستان به وسیله = ۳ـ ترانزیت کالاهای... ترانزیت کالاهای شوروی ـ پاکستان و کشورهای دیگر از طریق ایران و کالاهای عراق و سوریه به آن کشور به وسیله
ـ اغلب = تعدادی از
ـ اصرار بنامگذاری = اصرار آنها بنامگذاری
ـ قبل از تبعید = قبل از مسافرت
ـ جناب آقای نخست‌وزیر ایران = اینجانب
ـ شما جناب آقای نخست‌وزیر = شما ـ در ملاقات سابق خود با آقای وزیر کشور شما گفتم = میدانید ـ رهبران = مسئولان
ـ جناب آقای نخست وزیر = جنابعالی
ـ اعلیحضرت شاهنشاه = اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر
ـ رهبری کشور اراده کرد = رهبری کشور ما اراده کرد.
ـ از نظر ما و نظر رهبران ایران که در رأس آنها اعلیحضرت شاهنشاه آریامهر هستند دور نبود = از نظر ما و نظر اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر دور نبود.
ـ مسائلی که جناب آقای نخست‌وزیر مطرح فرمودند صحبت کرده گفتند = مسائلی دیگر که مطرح کرده بودم صحبت کرده و اظهار داشت
ـ مواقعی = موقع
ـ سفارت شاهنشاهی = سفارت شاهنشاهی ایران
ـ ما دستی راکه = ما دست دوست یا دشمن که
ـ ولی دولت سوریه از این اظهارات ناراضی بود و نمیدانم چرا (اضافه)
ـ اهمیت این قرارداد = اهمیت توافق الجزایر
ـ تبعید ایرانیان مقیم = مراجعت ایرانیان مقیم عراق
ـ تبعید = خروج
ـ استرداد سه نفر ایرانی که به عراق فرار کرده‌اند = استرداد سه نفر ایرانی که دو نفر آنها به عراق فرار کرده‌اند
ـ از کشور خارج و به کشور دیگر بروند
= از کشور عراق خارج شوند
ـ صدام حسین اظهار داشتند = صدام حسین اظهار داشت
ـ میتوان راهی یافت = میتوان و باید راهی یافت.

۲ـ از ابتدای کلمهٔ «در مذاکرات بعدی» تا کلمهٔ «مطلع نبود» به خط هویدا به گزارش اصلی اضافه شده است.

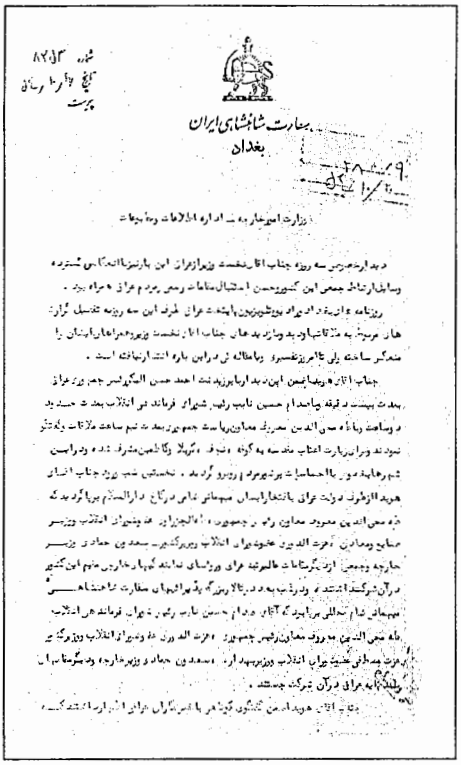

شماره: ۸۲۵۳ تاریخ: ۵۱/۱۰/۱۷

وزارت امور خارجه ـ اداره اطلاعات و مطبوعات

دیدار خصوصی سه روزه جناب آقای نخست‌وزیر از عراق این بار نیز با انعکاس گسترده وسایل ارتباط جمعی این کشور و حسن استقبال مقامات رسمی و مردم عراق همراه بود.

روزنامه‌های بغداد و رادیو و تلویزیون پایتخت عراق ظرف این سه روز به تفصیل گزارش‌های مربوط به ملاقاتها و دیدوبازدیدهای جناب آقای نخست‌وزیر و همراهان ایشان را منعکس ساخته ولی تا امروز تفسیری و یا مقاله‌ای در این باره انتشار نیافته است.

جناب آقای هویدا ضمن این دیدار با پرزیدنت احمد حسن‌البکر رئیس جمهوری عراق به مدت بیست دقیقه و با صدام حسین نایب رئیس شورای فرماندهی انقلاب به مدت حدود دو ساعت و با طه محی‌الدین معروف معاون ریاست جمهوری به مدت نیم ساعت ملاقات و گفتگو نمودند و برای زیارت اعتاب مقدسه به کوفه، نجف، کربلا و کاظمین مشرف شده و در این شهرها بخصوص با احساسات پرشور مردم روبرو گردید. نخستین شب ورود جناب آقای هویدا از طرف دولت عراق به افتخار ایشان میهمانی شام در کاخ دارالسلام برپا گردید که طه محی‌الدین معروف معاون رئیس جمهوری، طه الجزراوی عضو شورای انقلاب و وزیر صنایع و معادن، عزت‌الدوری عضو شورای انقلاب و وزیر کشور ـ سعدون حمادی وزیر خارجه و جمعی از دیگر مقامات عالیرتبه عراق و رؤسای نمایندگیهای خارجی مقیم این کشور در آن شرکت داشتند، و در شب بعد در تالار بزرگ پذیراییهای سفارت شاهنشاهی میهمانی شام مجللی برپا بود که آقای صدام حسین نایب رئیس شورای فرماندهی انقلاب طه محی‌الدین معروف معاون رئیس جمهوری، عزت‌الدوری عضو شورای انقلاب و وزیر

سفارت شاهنشاهی ایران
بغداد

-۲-

... روزنامه سیاسی روابط میان ایران و عراق را بسیار خوب انجام داده ایم و در حال حاضر تلاش ما در راه توسعه همکاریهای اقتصادی است.

صدام حسین نایب رئیس شورای فرماندهی انقلاب عراق نیز به خبرنگاران ایرانی گفتند که روابط دو کشور در پرتو توافق الجزایر مثبت و مجدانه بوده و هر وقت که با اعلیحضرت شاهنشاه ایران و برادرم نخست‌وزیر ایران ملاقات نموده‌ایم درباره اینکه دو کشور دارای منافع مشترکی هستند توافق نظر داشتیم.

جناب آقای هویدا دیروز سه شنبه ۵۴/۱۰/۱۶ هنگام ترک بغداد اظهار داشتند که دو کشور ایران و عراق ظرف مدت کوتاهی توانستند جنبه‌های منفی روابط خود را فراموش نمایند و در راه از سرگرفتن روابط دیرینه خود قدمهای مثبت و مستحکمی بردارند تا در تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی روابط گسترده‌ای برقرار نمایند. آقای هویدا در این متن که توسط سفارت شاهنشاهی در بغداد به خبرگزاری عراق، مطبوعات و رادیو تلویزیون بغداد توزیع گردید و امروز چهارشنبه ۵۴/۱۰/۱۷ در وسایل ارتباط جمعی عراق انتشار یافت گفتند که ما هم‌اکنون به آینده می‌نگریم تا زمینه همکاری گسترده فیمابین را فراهم سازیم. و اضافه نمودند که ضمن دیدارهای خود با مقامهای عراقی پیرامون روابط دو کشور و راههای منجر به توسعه این روابط میان دو کشور همسایه گفتگو و تبادل نظر بعمل آورده‌اند.

جناب آقای هویدا هنگام ورود به بغداد به علت کسالت آقای صدام حسین نایب رئیس شورای کشور، عزت مصطفی عضو شورای انقلاب و وزیر بهداری، سعدون حمادی وزیر خارجه و دیگر مقامهای بلندپایه عراق در آن شرکت جستند.

جناب آقای هویدا ضمن گفتگوی کوتاهی با خبرنگاران عراقی اظهار داشتند که در زمینه سیاسی روابط میان ایران و عراق کارهای زیادی انجام داده‌ایم و در حال حاضر تلاش ما در راه توسعه همکاریهای اقتصادی است.

صدام حسین نایب رئیس شورای فرماندهی انقلاب عراق نیز به خبرنگاران ایرانی گفتند که روابط دو کشور در پرتو توافق الجزایر مثبت و مجدانه بوده و هر وقت که با اعلیحضرت شاهنشاه ایران و برادرم نخست‌وزیر ایران ملاقات نموده‌ایم درباره اینکه دو کشور دارای منافع مشترکی هستند توافق نظر داشتیم.

جناب آقای هویدا دیروز سه شنبه ۵۴/۱۰/۱۶ هنگام ترک بغداد اظهار داشتند که دو کشور ایران و عراق ظرف مدت کوتاهی توانستند جنبه‌های منفی روابط خود را فراموش نمایند و در راه از سرگرفتن روابط دیرینه خود قدمهای مثبت و مستحکمی بردارند تا در تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی روابط گسترده‌ای برقرار نمایند. آقای هویدا در این متن که توسط سفارت شاهنشاهی در بغداد به خبرگزاری عراق، مطبوعات و رادیو تلویزیون بغداد توزیع گردید و امروز چهارشنبه ۵۴/۱۰/۱۷ در وسایل ارتباط جمعی عراق انتشار یافت گفتند که ما هم‌اکنون به آینده می‌نگریم تا زمینه همکاری گسترده فیمابین را فراهم سازیم. و اضافه نمودند که ضمن دیدارهای خود با مقامهای عراقی پیرامون روابط دو کشور و راههای منجر به توسعه این روابط میان دو کشور همسایه گفتگو و تبادل نظر بعمل آورده‌اند.

جناب آقای هویدا هنگام ورود به بغداد به علت کسالت آقای صدام حسین نایب رئیس شورای

فرماندهی انقلاب مورد استقبال آقای طه محی‌الدین معروف معاون رئیس جمهوری قرار گرفت ولی هنگام بازگشت به وطن صدام حسین در رأس بدرقه کنندگان جناب آقای نخست‌وزیر بودند.

سفیر شاهنشاه آریامهر ـ حسین شهیدزاده

۱۳۵۴/۱/۳۱ ـ صدام حسین و هویدا

تاریخ: ۵۴/۱۲/۱۴

گزارش اجرای اوامر جناب آقای نخست‌وزیر

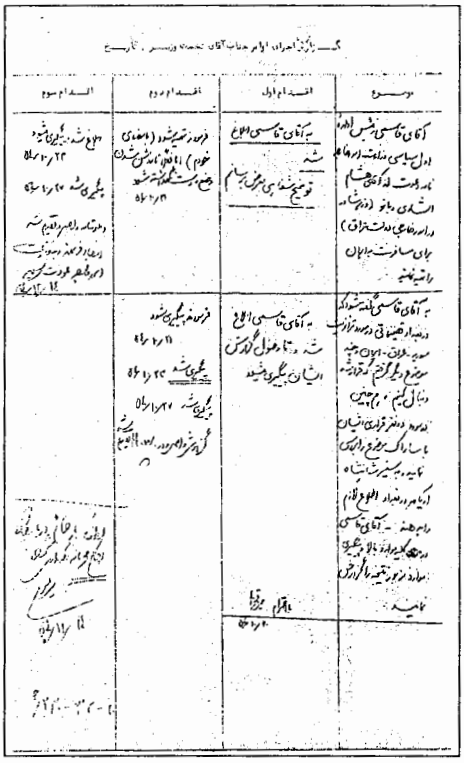

موضوع ـ اقدام اول ـ اقدام دوم ـ اقدام سوم

آقای قاسمی رئیس اداره اول سیاسی وزارت امور خارجه نامه دعوت از آقای هشام‌السماوی و بانو (وزارت مشاور در امور خارجی دولت عراق) برای مسافرت به ایران را تهیه نمایند ـ به آقای قاسمی ابلاغ شد ـ توضیح شفاهی بعرض برسانم ـ فرمودند تهیه شود (به امضای خودم) اما فعلاً تا روشن شدن وضع، دست نگهداشته شود ۵۴/۱۰/۲۱ ـ ابلاغ شد، پیگیری شود ۵۴/۱۰/۲۷ ـ دعوتنامه واصل و تقدیم شد امضا فرمودند و به وزارت امور خارجه عودت گردید ۵۴/۱۲/۱۴

به آقای قاسمی گفته شود که در بغداد تصمیماتی در مورد ترانزیت سوریه ـ عراق ـ ایران و چند موضوع دیگر گرفتیم که قرار شد دنبال کنیم، هم‌چنین در مورد دو نفر فراری ایشان با ساواک موضوع را بررسی نمایند و به سفیر شاهنشاهی آریامهر در بغداد اطلاع لازم را بدهند ـ آقای قاسمی در کلیه موارد بالا و پیگیری موارد مزبور نتیجه راگزارش نمایند ـ به آقای قاسمی ابلاغ شد و تا وصول گزارش ایشان پیگیری می‌شود ـ فرمودند پیگیری شود ۵۴/۱۰/۲۱ ـ پیگیری شد ۵۴/۱۰/۲۳ ـ پیگیری شد ۵۴/۱۰/۲۷ ـ گزارش واصل و در ۱۱۰۷۷۱ تقدیم شد ـ لطفاً با ضمائم در بایگانی به کلی محرمانه نگهداری شود... ۵۴/۱۲/۱۴

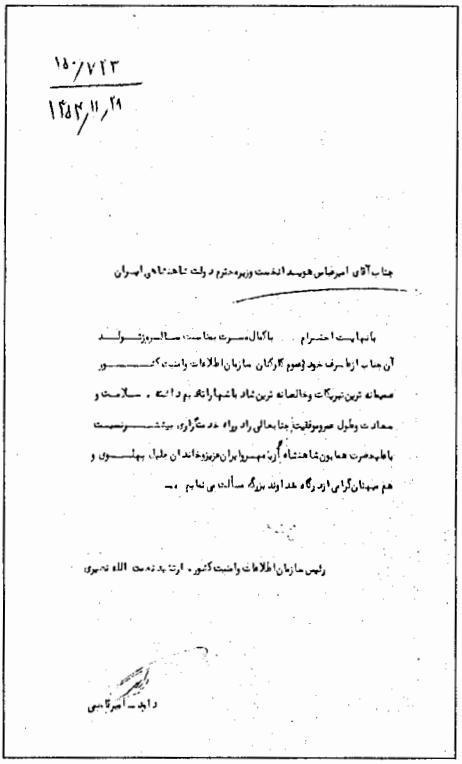

شماره: ۱۵۰/۷۲۳ تاریخ: ۱۳۵۴/۱۱/۲۸

جناب آقای امیرعباس هویدا نخست‌وزیر

محترم دولت شاهنشاهی ایران

با نهایت احترام باکمال مسرت به مناسبت سالروز تولد آن جناب از طرف خود و عموم کارکنان سازمان اطلاعات و امنیت کشور صمیمانه‌ترین تبریکات و خالصانه‌ترین شادباشها را تقدیم داشته. سلامت و سعادت و طول عمر و موفقیت جنابعالی را در راه خدمتگزاری بیشتر نسبت به اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر و ایران عزیز و خاندان جلیل پهلوی و هم‌میهنان گرامی از درگاه خداوند بزرگ مسألت می‌نمایم.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور.

ارتشبد نعمت‌الله نصیری

داود ـ امیرقاسمی

شماره: ۸۱۴۹۶ تاریخ: ۵۴/۱۲/۳

تیمسار ارتشبد نعمت‌الله نصیری

معاون نخست‌وزیر و رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور

دوست عزیزم

نامه تبریک ۱۵۰/۷۲۳ مورخ ۵۴/۱۱/۲۸ واصل و موجب تشکر گردید.

از خداوند متعال سلامت و توفیق روزافزون جنابعالی و کارکنان سازمان اطلاعات و امنیت کشور را در خدمت به ذات مقدس ملوکانه و میهن عزیز مسئلت دارم.

با سلام گرم

امیرعباس هویدا

اداره کل سوم

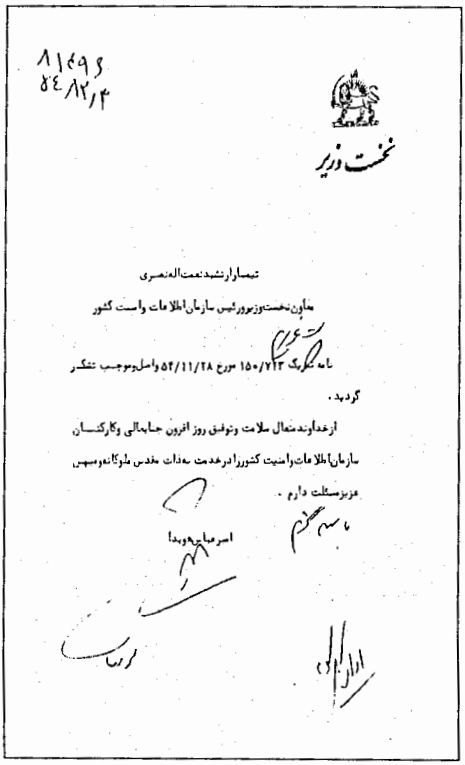
نخست وزیر

تیمسار ارتشبد نعمت‌الله نصیری

معاون نخست‌وزیر و رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور

نامه تبریک ۱۵۰/۷۲۳ مورخ ۵۴/۱۱/۲۸ واصل و موجب تشکر گردید.

ازخداوند متعال سلامت وتوفیق روز افزون جنابعالی وکارکنان سازمان اطلاعات وامنیت کشوررا درخدمت به ذات مقدس ملوکانه ومیهن عزیز مسئلت دارم.

با سلام گرم

امیرعباس هویدا

به: ۳۴۱ تاریخ: ۳۵/۷/۷ [۵۵]

از: ۲۰ ه ۲۱ شماره: ۲۰/۵۸۰۲۲ ه ۲۱

موضوع: آقای نخست‌وزیر

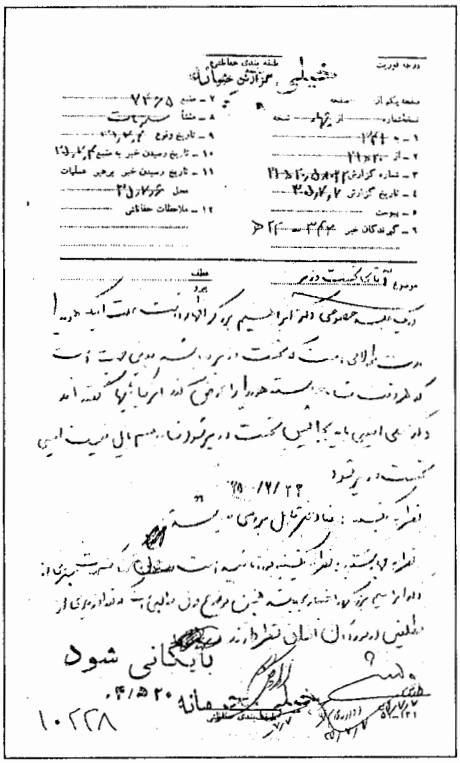

در یک جلسه خصوصی دکتر ابراهیم برزگر اظهار داشت علت اینکه هویدا مدت طولانی‌است که نخست‌وزیر می‌باشد بدین جهت است که هر وقت شاه خواسته هویدا را عوض کند امریکاییها گفته‌اند دکتر علی امینی باید بجایش نخست‌وزیر شود شاه هم مایل نیست امینی نخست‌وزیر شود.

نظریه یکشنبه: مفاد خبر قابل بررسی باشد

نظریه چهارشنبه: نظریه یکشنبه مورد تایید است مشخصات بیشتری از دکتر ابراهیم برزگر در اختیار نمی‌باشد همچنین موضوع فوق مطلبی است که تعداد زیادی از مطلعین در مورد آن اتفاق نظر دارند.

اداره دوم عملیات

۳۵/۷/۷

به: ۳۴۲ تاریخ: ۳۵/۸/۱۷ [۵۵]

از: ۲۰ ه ۲۲ شماره: ۲۰/۶۱۸۱۱ ه ۲۲

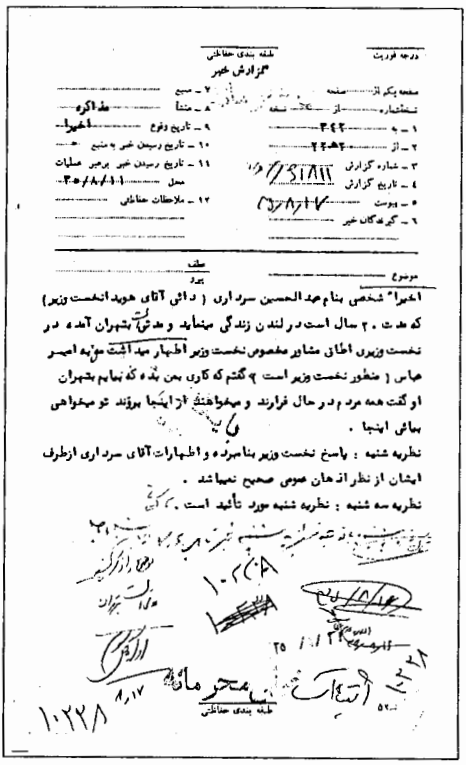

درجه فوریت: طبقه بندی حفاظتی: گزارش خبر

صفحه یکم از: صفحه ... از صفحه ...

۱ ـ به: ۳۴۲

۲ ـ از: ۲۰ ه ۲۲

۳ ـ شماره گزارش: ۲۰/۶۱۸۱۱

۴ ـ تاریخ گزارش: ۳۵/۸/۱۷

۵ ـ پیوست:

۶ ـ گیرندگان خبر:

۷ ـ منبع:

۸ ـ منشا: مذاکره

۹ ـ تاریخ وقوع: اخیرا

۱۰ ـ تاریخ رسیدن خبر به منبع:

۱۱ ـ تاریخ رسیدن خبر برمحل عملیات: محل ۳۵/۸/۱۰

۱۲ ـ ملاحظات حفاظتی:

موضوع:

متن:

اخیرا" شخصی بنام عبدالحسین سرداری (دائی آقای هویدا نخست وزیر) که مدت ۲۰ سال است در لندن زندگی مینماید و مدتی بتهران آمده در نخست وزیری اطاق مشاور مخصوص نخست وزیر اظهار میداشت من به امیر عباس (منظور نخست وزیر است) گفتم که کاری بمن بده که بیایم بتهران او گفت همه مردم در حال فرارند و میخواهند از اینجا بروند تو میخواهی بیائی اینجا .

نظریه شنبه : پاسخ نخست وزیر بنامبرده و اظهارات آقای سرداری ازطرف ایشان از نظراذهان عمومی صحیح نمیباشد .

نظریه سه شنبه : نظریه شنبه مورد تائید است .

طبقه بندی حفاظتی

اخیراً شخصی به نام عبدالحسین سرداری[1] (دائی آقای هویدا نخست‌وزیر) که مدت ۲۰ سال است در لندن زندگی می‌نماید و مدتی است به تهران آمده در نخست‌وزیری اطاق مشاور مخصوص نخست‌وزیر اظهار می‌داشت من به امیرعباس (منظور نخست‌وزیر است) گفتم که کاری به من بدهد که بیایم به تهران او گفت همه مردم در حال فرارند و می‌خواهند از اینجا بروند تو می‌خواهی بیائی اینجا.

نظریه شنبه: پاسخ نخست‌وزیر به نامبرده و اظهارات آقای سرداری از طرف ایشان از نظر اذهان عمومی صحیح نمی‌باشد.

نظریه سه شنبه: نظریه شنبه مورد تایید است. تاکستانی

نظریه چهارشنبه: با توجه به نظریه شنبه خبر قابل بررسی می‌باشد. ماجد

موضوع را ذکر کنید

مدتی است به تهران اشتباه است

اداره کل سوم ۸/۱۷

اداره دوم عملیات ۳۵/۸/۱۶

اشتباه است

۱ـ عبدالحسین سرداری فرزند سلیمان (ادیب‌السلطنه) در سال ۱۲۸۱ ه‌ش در تهران به دنیا آمد.

از سوابق مشارالیه که دائی امیرعباس هویدا می‌باشد، اطلاع دقیقی در دست نیست ولی در سال ۱۳۳۶ که به عنوان رایزن سفارت کبرای ایران در بغداد منصوب شده، در سوابق وی آمده است:

«قبلاً رئیس اداره دفتر و بایگانی وزارت خارجه بوده و در تاریخ ۱۳۳۱/۹/۱۲ دستور جلوگیری از صدور گذرنامه، برای وی

داده‌اند.»

و در تاریخ ۱۳۳۱/۹/۱۲گفته‌اند:

«ایشان تاکنون برای دریافت گذرنامه مراجعه نکرده است و طبق مندرجات روزنامه اطلاعات تحت تعقیب می‌باشد. آنچه در خارج مسموع شد، مشارالیه در یکی از مأموریت‌های خارج ازکشور مرتکب اختلاس از سفارتخانه مربوطه شده و به تهران احضار و تحت محاکمه قرارگرفته وگفته می‌شودکه‌گویا تبرئه شده است.

وی یک دختر روسی راکه هنوز هویت او معلوم نیست و فروشنده قنادی فیروز در خیابان نادری، چهارراه قوام‌السلطنه بوده، به عنوان کلفتی به خانه خود برده و هم‌اکنون [سال ۱۳۳۶] با او زندگی می‌کند.»

عبدالحسین سرداری که با علیقلی اردلان (وزیر خارجه وقت)، و عبدالحسین راجی (وزیر فرهنگ وقت) دوستی و معاشرت داشته، مدت ۲۵ سال درکشورهای اروپایی (برای تحصیل و مأموریت) اقامت داشته و مدتی مشاور مدیر امور فنی و بین‌المللی لندن بوده است و در سال ۱۳۳۵ برای تدریس حقوق بین‌الملل در دانشگاه جنگ دعوت شده است. مشارالیه که از فراماسونرهای قدیمی بود، در زمان حضور در بغداد در تاریخ ۱۳۳۶/۸/۱۲ نامه‌ای برای محمدخلیل جواهری (از احیاکنندگان فراماسونری در ایران) ارسال کرده است که نشانگر دوستی دیرینه با وی می‌باشد. سرداری در این نامه می‌نویسد:

«استاد اعظم حضرت آقای محمدخلیل جواهری

آقای رائد خبر فاجعه دردناک و نیز اظهار لطف و مرحمت خاص جنابعالی را در آن ... اطلاع دادند.

فاجعه‌ای بدین بزرگی برای دیگران غیرقابل تحمل است ولی شخص متین و بااراده و بزرگ‌منشی چون جنابعالی قادر خواهند بودکه آرامش درونی و قوت اعصاب خود را از دست ندهند و در برابر اراده خداوند... تسلیم باشند. این برادر کوچک، نهایت تأثر و همدردی خود را تقدیم میدانم (میدارم) و از خداوند خواهانم آن برادر بزرگوار و ارجمند و خانواده گرامی را از هرگزندی در آینده محفوظ دارد و این فاجعه... برای آن خاندان... و محترم باشد. سپاسگزاری خود را از ابراز تفقدی که... تقدیم میدارم در این جا با جناب آقای دولت‌شاهی و آقای رائد همیشه ذکر آن استاد اعظم در میان است.

در خاتمه استدعا می‌کنم ... ارادت بنده را به دوست و برادر بزرگوار آقای میرزا موسی خان ابلاغ فرمائید.

ارادتمند

عبدالحسین سرداری»

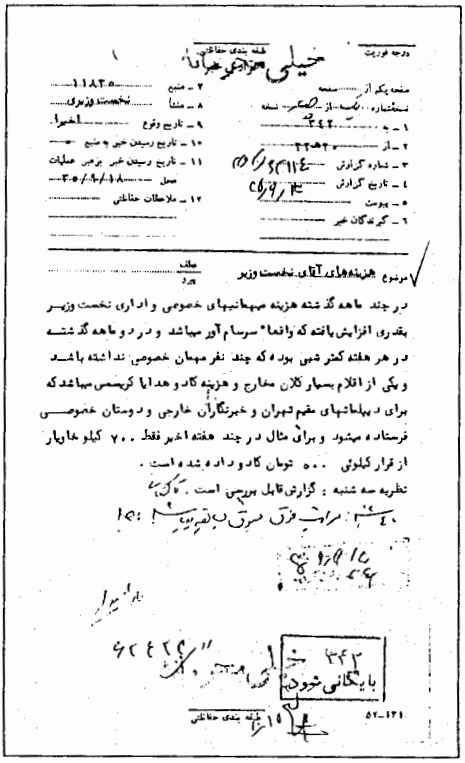

به: ۳۴۲ تاریخ: ۳۵/۹/۱۳ [۵۵]

از: ۲۰ ه ۲۲ شماره: ۲۰/۶۲۱۱۴ ه ۲۲

موضوع: هزینه‌های آقای نخست‌وزیر

در چند ماهه گذشته هزینه میهمانیهای خصوصی و اداری نخست‌وزیر به قدری افزایش یافته که واقعاً سرسام‌آور می‌باشد و در دو ماهه گذشته در هر هفته کمتر شبی بوده که چند نفر مهمان خصوصی نداشته باشد و یکی از اقلام بسیار کلان مخارج و هزینه کادو هدایا [ی] کریسمس می‌باشد که برای دیپلماتهای مقیم تهران و خبرنگاران خارجی و دوستان خصوصی فرستاده می‌شود و برای مثال در چند هفته اخیر فقط ۷۰۰ کیلو خاویار از قرار کیلویی ۵۰۰ تومان کادو داده شده است.

نظریه سه شنبه: گزارش قابل بررسی است. تاکستانی

نظریه ۴ شنبه: مراتب فوق مسبوق به سابقه می‌باشد. ماجد

روی ۶۲۴۲۳

به: ۳۴۲ تاریخ: ۳۵/۹/۲۹ [۵۵]

شماره: ۲۰/۶۲۱۵۵ ه ۲۲

موضوع: آقای نخست‌وزیر

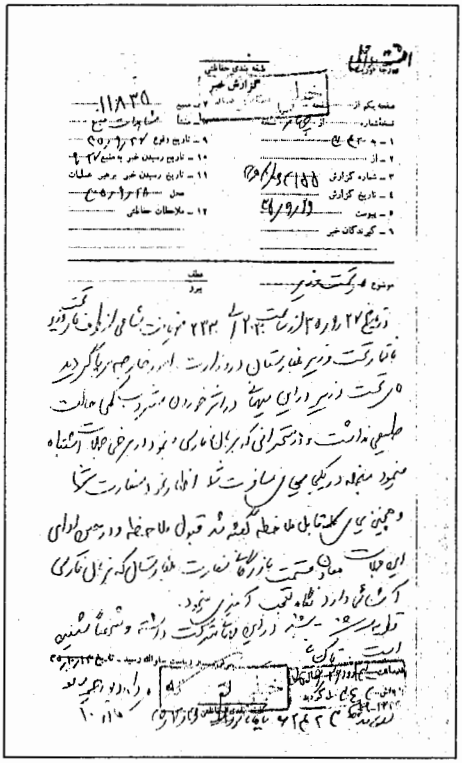

در تاریخ ۳۵/۹/۲۷ از ساعت ۲۰۳۰ الی ۲۳۳۰ ضیافت شامی از طرف آقای نخست‌وزیر به افتخار نخست‌وزیر بلغارستان در وزارت امور خارجه برپا گردید آقای نخست‌وزیر در این میهمانی در اثر خوردن مشروب کمی حالت طبیعی نداشت و در سخنرانی که به زبان فارسی می‌نمود در برخی جملات اشتباه می‌نمود منجمله در یک جا به جای مسافرت شما اظهار نمود سفارت شما و همچنین به جای کلمه قابل ملاحظه گفته شد قبول ملاحظه و در حین ادای این جملات معاون قسمت بازرگانی سفارت بلغارستان که به زبان فارسی آشنایی دارد نگاه تعجب‌آمیزی می‌نمود.

نظریه سه شنبه: شنبه در این مهمانی شرکت داشته و شخصاً شنیده است. تاکستانی

در پرونده ۶۲۴۲۳ بایگانی شود ۳۵/۱۲/۲۶

آقای... ضمیمه شود

۱۰/۱۵

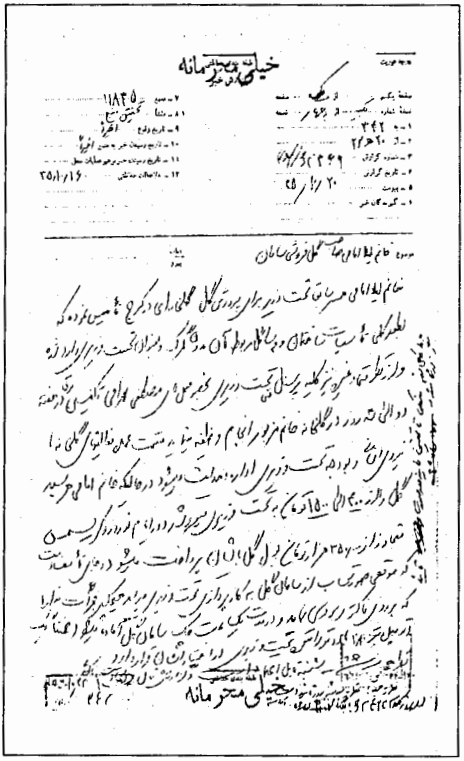

به: ۳۴۲ تاریخ: ۳۵/۱۰/۲۰ [۵۵]

از: ۲۰ ه ۲۲ شماره: ۲۰/۶۲۳۶۹ ه ۲۲

موضوع: خانم لیلا امامی صاحب گل‌فروشی سامان

خانم لیلا امامی همسر سابق نخست‌وزیر برای پرورش گل گلخانه‌ای در کرج تأسیس نموده که به طورکلی تأسیسات ساختمان و وسایل مربوط به آن بدون گمرک و به عنوان نخست‌وزیر وارد شده و از نظر فنی و غیره نیز کلیه پرسنل فنی نخست‌وزیری بخصوص آقای مصطفی بهرامی تکنسین برق در هفته دو الی سه روز در گلخانه خانم مزبور انجام وظیفه می‌نماید قسمت عمده فعالیتهای گلخانه با نیروی انسانی و بودجه نخست‌وزیری اداره و هدایت می‌شود در حالی که خانم امامی هر سبد گل را از ۴۰۰ الی ۱۵۰۰ تومان به نخست‌وزیری می‌فروشد و در ایام نوروز و کریسمس متجاوز از ۳۵۰/۰۰۰ هزار تومان پول گل به ایشان پرداخت می‌شود و جای تأسف است که موقعی [که] صورتحساب از سامان گل به کارپردازی نخست‌وزیر می‌دهد هیچکس جرأت ندارد که بر روی فاکتور بررسی نماید و در مدت یک ساعت چک سامان گل آماده می‌شود ضمناً یک اتومبیل بنز ۲۸۰ با دو نفر راننده نخست‌وزیر در اختیار ایشان قرار دارد

نظریه سه‌شنبه: شنبه قابل اعتماد است و گزارش قابل بررسی است. تاکستانی

نظریه جمعه: نظریه سه شنبه مورد تایید است. آراسته

در پرونده کلاسه ۶۲۴۲۳ بایگانی شود

به اداره کل نهم منعکس تا تحقیق نمایند در صورت تایید گزارش شود. ۳۵/۱۱/۲ ثابتی

تاریخ: ۳۵/۱۱/۳ [۱۳۵۵]

پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون

شاهنشاه آریامهر

جسارتاً:

در اجرای اوامر مطاع مبارک شاهانه درباره خنثی کردن تبلیغات سوئی که علیه ایران در خارج می‌شود، چاکر در جلساتی باکارشناسان ذیصلاح مسائل مربوطه را بررسی و بر اساس اصول کلی که ذات مقدس ملوکانه تصویب و امر و مقرر فرموده بودند برنامه کار را تدوین نمود که به پیوست به شرف عرض پیشگاه مبارک شاهانه می‌رسد تا به هر ترتیب که اراده مبارک همایونی تعلق گیرد عمل شود.

چاکر

امیرعباس هویدا

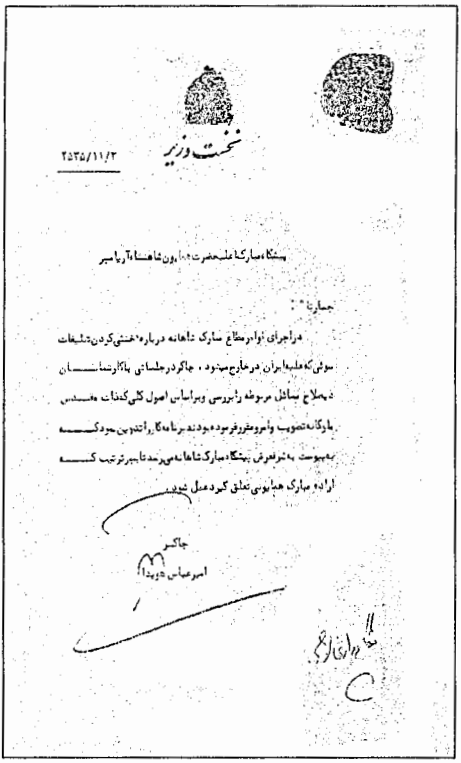
نخست وزیر

۲۵۳۵/۱۱/۳

پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر

جسارتاً:

در اجرای اوامر مطاع مبارک شاهانه درباره خنثی کردن تبلیغات سوئی که علیه ایران در خارج می‌شود، چاکر در جلساتی باکارشناسان ذیصلاح مسائل مربوطه را بررسی و بر اساس اصول کلی که ذات مقدس ملوکانه تصویب و امر و مقرر فرموده بودند برنامه کار را تدوین نمود که به پیوست به شرف عرض پیشگاه مبارک شاهانه می‌رسد تا به هر ترتیب که اراده مبارک همایونی تعلق گیرد عمل شود.

چاکر

امیرعباس هویدا

نگاهداری شود.

نخست‌وزیر[۱]

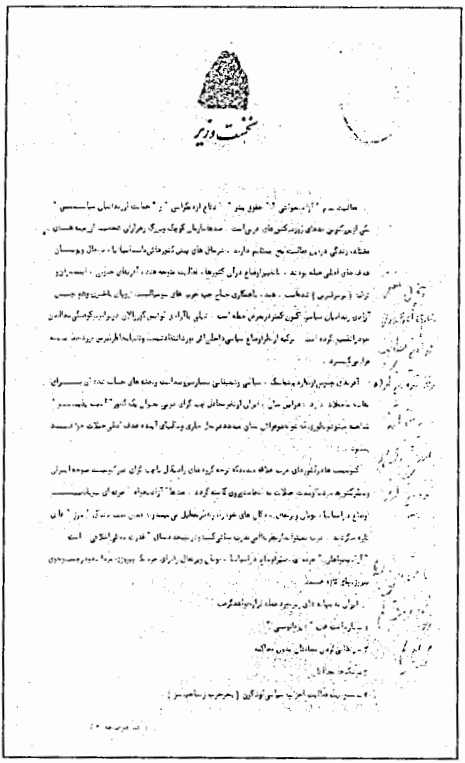

فعالیت به نام «آزادیخواهی» «حقوق بشر» «دفاع از دمکراسی» و «حمایت از زندانیان سیاسی» یکی از بزرگترین مدهای روز در کشورهای غربی است. صدها سازمان کوچک و بزرگ و هزاران شخصیت از زمینه‌های مختلف زندگی در این فعالیت نفع مستقیم دارند. در سال‌های پیش کشورهائی مانند اسپانیا، پرتغال و یونان هدف‌های اصلی حمله بودند. با تغییر اوضاع در آن کشورها، فعالیت متوجه هند، آفریقای جنوبی، ایران و ترکیه (بر سر قبرس) شده است. هند، با همکاری جناح چپ حزب‌های سوسیالیست اروپای باختری و هم‌چنین آزادی زندانیان سیاسی اکنون کمتر در معرض حمله است. شیلی با آزادی لوئیس کوروالان در برابر بوکوفسکی مخالفان خود را تقسیم کرده است. ترکیه از نظر اوضاع سیاسی داخلی‌اش مورد انتقاد نیست و تنها به خاطر قبرس مورد حمله قرار می‌گیرد.

آفریقای جنوبی از نظر دیپلماتیک، سیاسی و تبلیغاتی بسیار نیرومند است و نقشه‌های حساب‌شده‌ای برای مقابله با حملات دارد. در این میان، ایران از نظر محافل چپ‌گرای غربی به عنوان یک کشور «آسیب‌پذیر» شناخته می‌شود و به طوری که شواهد و قرائن نشان می‌دهد در سال جاری و سالهای آینده هدف اصلی حملات خواهد بود.[۲]

کمونیست‌ها در کشورهای غرب علاقمندند که توجه گروه‌های رادیکال یا چپ‌گرای غیرکمونیست متوجه ایران و دیگر کشورها شود تا از شدت حملات به اتحاد شوروی کاسته گردد. صدها «آزادیخواه» حرفه‌ای نیز با تغییر اوضاع در اسپانیا، یونان و پرتغال، دکان‌های خود را در خطر تعطیل می‌بینند و به همین سبب دنبال «سوژه»های تازه می‌گردند. غرب

نمی‌تواند از نظر نظامی قدرت‌نمایی کند و در نتیجه دنبال «قدرت‌نمایی اخلاقی) است.

«آزادیخواهان» حرفه‌ای تغییر اوضاع در اسپانیا، یونان و پرتغال را برای خود یک پیروزی می‌دانند و در جستجوی پیروزیهای تازه هستند.

ایران به بهانه‌های زیر مورد حمله قرار خواهد گرفت.

۱ـ بازداشت‌های «غیرقانونی»

۲ـ زندانی کردن مخالفان بدون محاکمه

۳ـ شکنجه مخالفان

۴ـ ممنوعیت فعالیت احزاب سیاسی گوناگون (به جز حزب رستاخیز).[۳]

بعضی عناصر وطن‌فروش ایرانی‌نما هم‌چنین سعی کرده‌اند که مسئله «تبعیض نژادی» و به اصطلاح نقض حقوق «اقلیت‌های قومی» ـ مانند کردها، بلوچها، عرب‌ها و حتی آذری‌ها و ترکمن‌ها ـ را نیز مطرح کنند اما کوچکترین موفقیتی نداشته‌اند.

به احتمال قوی بعضی شرکت‌های نفتی، چندین حزب کمونیست یا چپ‌گرا و احتمالاً بعضی کشورها مانند اتحاد شوروی و لیبی ـ به طور غیرمستقیم به فعالیت‌های ضدایرانی کمک مالی و معنوی می‌دهند. جناح چپ حزب کارگر انگلیس، حزب سوسیالیست سوئد، حزب سوسیالیست هلند و بعضی محافل یهودی نیز در تشویق فعالیت‌های ضدایرانی سهم دارند.

نزدیک به ۲۰۰ گروه چپی یا نیمه چپی احتمالاً در مبارزه با ایران شرکت خواهند داشت.

غرب از نظر وسایل ارتباط جمعی (مطبوعات، رادیوها، تلویزیون‌ها و خبرگزاریها) در جهان امروز نقش مسلط دارد و روحیه کنونی ایران [این] وسائل در حال حاضر مخالف ایران است.

تبلیغات حساب‌شده‌ای هم‌اکنون در اتحادیه‌های کارگری غربی، کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری آزاد GFTU و سازمان جهانی دانشجویان COSEC علیه ایران ادامه دارد.

نزدیک به ۲۰ گروه ایرانی نیز علیه ایران فعالیت دارد و ۶۰ نشریه ضدایرانی به زبان فارسی در غرب منتشر می‌شود.

ایران، به خاطر سیاست نفتی‌اش مورد علاقه محافل غیرچپی غرب نیست و به همین سبب آنها حاضر نیستند از کشور ما دفاع کنند.

برنامه‌های زیر برای مبارزه با ایران در نظر گرفته شده است:

۱ـ از کار انداختن سفارتخانه‌های ایران از طریق مراجعات مکرر برای اعتراض، ارسال سیل نامه‌ها و تلگرام‌ها و تظاهرات منظم.

۲ـ ترتیب «هفته همبستگی با زندانیان سیاسی ایران»

۳ـ مطرح کردن ایران در مصاحبه با شخصیت‌های گوناگون به طور زننده

۴ـ تصویب قطعنامه‌هایی برای محکومیت ایران در سازمانهای بین‌المللی گوناگون

۵ـ انتشار مقالات، خبرها، جزوه‌ها و کتاب‌های ضدایرانی

۶ـ حمله به ایران در پارلمان‌ها و کنگره‌های احزاب و اتحادیه‌های کارگری

۷ـ ... هنری و فرهنگی ایران.

۸ـ ... اعتصاب‌های سمبولیک برای اعتراض به ایران.

۹ـ قطع ارتباطات تلفنی، پستی و تلگرافی با ایران برای یک روز یا یک هفته به عنوان اعتراض.

۱۰ـ تهیه و اجرای ترانه‌ها، نمایشنامه‌ها و برنامه‌های هنری ضدایرانی.

۱۱ـ تظاهرات علیه مقامات ایرانی که به غرب سفر می‌کنند.

۱۲ـ تبلیغات میان ایرانی‌های مقیم خارج و توریست‌های ایرانی در غرب.

۱۳ـ ترتیب سمینارهای ضدایرانی در دانشگاه‌ها و مراکز علمی و پژوهشی.

۱۴ـ استفاده از نویسندگان، هنرمندان و ستاره‌های معروف سینما برای جلب توجه افکار

عمومی به مبارزه علیه ایران.

۱۵ـ تحریم‌های موضعی و کوتاه مدت تجارت به ایران (خودداری از حمل کالا به ایران و غیره...)

۱۶ـ اعمال فشار بر دولت‌های غربی برای اتخاذ مواضع ضدایرانی

۱۷ـ ترتیب دمونستراسیون‌های بزرگ نمایشی برای مخالفت با ایران.

۱۸ـ چاپ و انتشار پوسترها، کارت پستال‌ها و دکمه‌های ضدایرانی.

۱۹ـ تحریم خرید کالاهای ایرانی هر جا که ممکن باشد.

۲۰ـ گسترش کمک مالی به «کنفدراسیون» و دیگر سازمانهای مخالف ایران.

* هم‌چنین باید دانست که ادعاهای زیر به عنوان سلاح‌های کمکی در حمله به ایران مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

۱ـ اتحادیه‌های کارگری و دانشجویی واقعی در ایران وجود ندارد.

۲ـ هیچ نویسنده یا شاعری نمی‌تواند بدون اجازه ساواک چیزی منتشر کند.

۳ـ دولت واقعی ایران «ساواک» است که خشونت بیش از حد بکار می‌برد.

۴ـ شدیدترین نوع سانسور مطبوعات، کتاب، قلم و تأتر در ایران اعمال می‌شود.

۵ـ اعتصاب‌های کارگری و شورش‌های دهقانی در ایران صورت می‌گیرد و سرکوب می‌شود.

۶ـ هر کس کوچک‌ترین مخالفتی با یک مقام دولتی بکند «کمونیست» خوانده می‌شود و به زندان می‌رود.

۷ـ تورم در ایران بیداد می‌کند و توده مردم روزبروز فقیرتر می‌شوند.

۸ـ ایران پول خود را صرف خرید اسلحه می‌کند در حالی که مردم نیازمند زندگی بهتر هستند.

۹ـ ایران در خلیج‌فارس نقش امپریالیستی دارد و ژاندارم منطقه است.

سخت وزیر

۱۰ـ برنامه‌های اقتصادی ایران بیش از حد جاه‌طلبانه بوده و شکست خورده است.

۱۱ـ فساد و رشوه‌خواری در ایران رواج دارد و چون مقامات برجسته در آن سهیم‌اند اقدامات اساسی برای جلوگیری از آن نمی‌شود.[۴]

روش‌های مقابله

مهمترین مطلب این است که خودمان از آغاز ابتکار عمل را بدست گیریم و منتظر نمانیم که توفانی علیه ما برپا شود و سپس عکس‌العمل نشان بدهیم. یک ضدحمله حساب شده و متمرکز و درازمدت لازم است. با بهره‌گیری از امکانات و استعدادهای موجود می‌توانیم این توطئه بین‌المللی را خنثی کنیم، به شرط آنکه تغییراتی نیز در بعضی روش‌ها و سیاست هامان داده شود. کارهای زیر را می‌توان انجام داد:

۱ـ شناسایی دقیق سازمان‌های بالقوه یا بالفعل مخالف و برقراری تماس با آنها.

۲ـ شناسایی دقیق سازمان‌های بالقوه یا بالفعل موافق و برقراری تماس با آنها.

۳ـ برقراری هماهنگی در کلیه اقداماتی که انجام می‌شود.

۴ـ غیردولتی کردن برنامه ضدحمله تا آنجاکه ممکن است.

۵ـ انتشار یک مجله ماهانه به زبان انگلیسی و جلب همکاری روزنامه‌نگاران معروف غربی با آن مجله.

مجله مذکور باید مستقل باشد و جنبه تبلیغاتی مستقیم نداشته باشد. آفریقای جنوبی اکنون مجله مشابهی منتشر می‌کند که بسیار موفق است. سرهنگ قذافی مجله EVENTS را در لندن منتشر می‌کند.

۶ـ بسیج ایرانیان مقیم خارج از طریق تشکیل انجمن‌های فرهنگی و ادبی، اتحادیه‌های

دانشجویی و گروه‌های حزب رستاخیز یا جناح‌های آن.

۷ـ تبدیل خبرگزاری پارس به یک شرکت غیردولتی و استفاده از آن برای انتشار اخبار درست درباره ایران.[۵]

۸ـ استفاده از خبرنگاران خارجی مقیم تهران برای مخابره اطلاعات درست درباره ایران. (در حال حاضر آنها از روش کار ما سخت ناراضی‌اند چون نمی‌توانند با مقامات تماس بگیرند و اطلاعات لازم نیز به آنها داده نمی‌شود و در نتیجه از شایعات استفاده می‌کنند.)

۹ـ ترجمه و انتشار ادبیات معاصر ایران که اساساً در جهت روح فلسفه انقلاب بوده و هست.

۱۰ـ تبلیغ بیشتر و بهتر درباره آزادی زندانیان به مناسبت پنجاهمین سال دودمان پهلوی (در غرب کسی از این مسئله خبری ندارد.)

۱۱ـ پایان دادن به مسئله ممنوع‌القلم‌ها و واگذاری اختیار چاپ مطالب آنها به مسئولان بعضی روزنامه‌ها برای گسترش این سیاست با امضای خودشان.[۶]

۱۲ـ کار توضیحی درباره این فرمایش شاهنشاه که «در ایران دیگر کسی شکنجه نمی‌شود»

۱۳ـ شرکت در انجمن بین‌المللی روزنامه‌نگاران و رخنه در رهبری آن.

۱۴ـ فعالیت بیشتر در سازمانهای بین‌المللی کارگران و گسترش تماس‌های حزب رستاخیز با احزاب گوناگون در غرب.

۱۵ـ تهیه ادبیات سیاسی برای حزب رستاخیز و رساندن آن به ایرانیان مقیم خارج.

۱۶ـ دعوت از شخصیت‌های مؤثر اتحادیه‌های کارگری و سازمانهای فرهنگی و روزنامه‌نگاران برجسته برای دیدار از ایران.

۱۷ـ آگهی شرکت‌های خصوصی ایرانی در مطبوعات غرب. این آگهی‌ها می‌تواند مضمون سیاسی غیرمستقیم داشته باشد. مثلاً یک شرکت ایرانی می‌تواند ضمن تبلیغ برای خود بگوید: ۴۹ درصد از سهام ما متعلق به کارگران ماست.

۱۸ـ اعزام شخصیت‌های دولتی و غیردولتی وارد و متخصص برای سخنرانی، مصاحبه و دادن کنفرانس در کشورهای غربی. (البته کسانی باید بروند که می‌دانند چطور باید با غربی‌ها صحبت کرد.)

۱۹ـ اجازه انتشار یک یا دو مجله هنری و ادبی جدید در ایران در صورت لزوم برای موفقیت بیشتر این برنامه.[۷]

۲۰ـ افزودن بر مطالب مسلکی و سیاسی نشریات رستاخیز.

۲۱ـ تقویت کادرهای سیاسی و مطبوعاتی سفارتخانه‌های شاهنشاهی در واشنگتن، لندن، بن، پاریس، رم، لاهه، بروکسل و استکهلم.

۲۲ـ تهیه لیستی از ۵۰۰ تحصیلکرده کشورهای غربی برای نوشتن نامه به مطبوعات غرب و دفاع از ایران.

۲۳ـ تشویق خارجی‌های مقیم ایران به شرکت در برنامه مقابله با تبلیغات ضدایرانی.

۲۴ـ هشدار به مأموران ایران در غرب که زندگی تجملی نکنند و روحیه انقلابی منزه داشته باشند و بکوشند تا با مردم محل تماس دائمی و سازنده برقرار [قرار] کنند.

۲۵ـ برگزاری سمینارها و کنفرانس‌های مشترک با کشورهای گوناگون از طریق دانشگاهها و مؤسسات پژوهشی ایران.

۲۶ـ استفاده از سازمان‌های موجود که در حال حاضر در واقع فعالیتی از نظر مقابله با اقدامات

ضدایرانی انجام نمی‌دهند. سازمان‌های زیر به عنوان نمونه ذکر می‌شود:

- کمیته ایرانی حقوق بشر
- انجمن قلم
- کانون وکلای دادگستری
- انجمن تحصیلکرده‌های اروپا
- انجمن‌های تحصیلکرده‌های کشورهای گوناگون غرب
- سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات
- انجمن ایرانی طرفدار ملل متحد
- انجمن دانشجویان طرفدار ملل متحد
- انجمن شاهنشاهی فلسفه
- نظام پزشکی ایران
- انجمن معماران ایران
- کانون مهندسین ایران
- انجمن‌های فرهنگی ایران و کشورهای گوناگون
- انجمن دانشوران ایران
- انجمن تسلیح اخلاقی ایران
- سندیکای هنرمندان سینما و تأتر ایران
- انجمن‌های اقلیت‌های مذهبی گوناگون که تماس‌های بین‌المللی خوبی دارند. کلیمیان، ارمنی‌ها، زردشتی‌ها و آشوریها در سراسر جهان انجمن‌ها و تماس‌هایی دارند که می‌توانند به برنامه کمک کنند.
- کانون بانک‌ها
- اتحادیه‌های کارگری و سندیکاها
- انجمن‌های دانشجویی
- انجمن‌های مردمی
- دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی
- انجمن‌های ادبی که تعدادشان نزدیک به ۲۰۰ است

ـ انجمن نفت
ـ باشگاه‌های گوناگون (لاینز، روتاری، جوانان...)
ـ اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران
ـ کانون ناسیونالیست ایران
ـ سازمان کشاورزی ایران ـ

البته ده‌ها انجمن و سازمان دیگر نیز وجود دارد که از همه آنها باید استفاده کرد. در ضمن سناتورها و نمایندگان مجلس شورا، مسئولان حزب رستاخیز، شخصیت‌های سیاسی و دیپلمات‌های قدیمی، نویسندگان و شاعران سرشناس و وزیران و دیگر مقامات دولتی نیز باید در چارچوب یک برنامه حساب شده و هرگاه لازم باشد وارد کار شوند. با چند مقام دولتی و چند دیپلمات در خارج نمی‌توان با طرح‌های عریض و طویلی که علیه میهن ما در حال تکوین است روبرو شد. هزاران ایرانی واقعی باید در این کار شرکت کنند. مثلاً اگر یک روزنامه غربی مطلبی علیه ما نوشت باید ۱۰۰۰ نامه و تلگرام برایش بفرستیم نه یک نامه. اگر مخالفان ما خیمه‌شب‌بازی خود را به راه انداختند ما هم باید در پایتخت‌های غربی جلسات سخنرانی، مصاحبه‌های مطبوعاتی و حتی تظاهرات براه اندازیم. تنها در انگلستان ۳۰ هزار ایرانی اقامت دائم دارند که اکثریت قریب به اتفاق آنها وطنشان را دوست می‌دارند. اما آنها نمی‌دانند برای دفاع از ایران و مقابله با اعمال زور، تهدید و ارعاب گروه‌های مخالف چه باید بکنند. اکثریت دانشجویان ایرانی مقیم خارج نیز میهن‌پرست و شاهدوست هستند اما رهبری و تعلیمات لازم را ندارند و در نتیجه اعمال یک اقلیت بسیار ناچیز به اسم همه آنها تمام می‌شود.

گروه‌های بین‌المللی می‌کوشند تا ۱۹۷۷ را به عنوان سال منزوی کردن ایران و معرفی کشور ما به عنوان جذامی بین‌المللی درآوردند. اگر شاهنشاه اراده بفرمایند ما خواهیم توانست همین سال را به صورت سال معرفی واقعی ایران و دستاوردهایش درآوریم و از فرصتی که دشمن بوجود آورده است به سود میهن خود بهره گیریم.

تشکیل فوری یک کمیته عالی هماهنگی که بر کلیه فعالیت‌های مورد بحث در این گزارش نظارت خواهد داشت لازم است. کمیته مذکور هر سه ماه یک بار جلسه‌ای تشکیل خواهد داد (به مدت یک یا دو روز) و خطوط کلی برنامه‌ها و دیدگاه‌ها و روش‌های استراتژیک را تصویب خواهد کرد. این برنامه‌ها پس از عرض گزارش به پیشگاه همایونی قابل اجرا خواهد بود.

اعضای کمیته عبارت خواهند بود از: نخست‌وزیر، وزیر امور خارجه، وزیر اطلاعات و جهانگردی، سفیران ایران در پایتخت‌های عمده غربی و چند شخصیت از میان کارشناسان امور سیاسی که با اوضاع و احوال امروز غرب نیز آشنا باشند.

مسئولیت اجرای برنامه‌های تصویب شده بر عهده دبیرخانه دائمی کمیته با همکاری کلیه دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی و خصوصی خواهد بود. دبیرخانه دارای یک دبیر تمام وقت است با بودجه معین و کادرهای تمام وقت یا نیمه وقت مورد نیاز. دبیرخانه موقت از امروز کار خود را در نخست‌وزیری آغاز کرد. دبیرخانه دارای تشکیلاتی کوچک و اعلام نشده خواهد بود. کلیه اطلاعات و گزارش‌های مربوط به فعالیت‌های ضدایرانی در دبیرخانه کمیته متمرکز می‌شود و به اطلاع اعضای کمیته خواهد رسید.

نخستین گروه کار دبیرخانه کار خود را آغاز کرده است و خطوط کلی برنامه را برای اجرا در دست تهیه دارد.[۸]

۱ـ این گزارش در سربرگ مخصوص نخست‌وزیر، به محمدرضا پهلوی ارائه گردیده و او نظرات خود را در خصوص این مطالب، در حاشیه گزارش نوشته که به صورت پاورقی در این صفحات درج گردیده است.

۲ـ [شاه]: همان مغز که این مطالب را تدوین کرده باید بتواند ضدش را هم تدوین کند.

۳ـ [شاه]: ما خودمان را خیلی دست‌کم می‌گیریم.

۴ـ [شاه]: این حداکثر بدبینی است اگر فقط بتوانید ۱۷ ماده انقلاب ما را منعکس کنید می‌تواند با هر مرامی در دنیا بطور برتر تجلی کند. حزب ما فعالیت فلسفی و مرامی کم دارد.

۵ـ [شاه]: ممکن است خبرگزاری دیگری تشکیل شود ولی پارس به طور رسمی باقی می‌ماند.

۶ـ [شاه]: به شرطی که ضدانقلاب نباشد.

۷ـ [شاه]: مجلات خوب داریم ممکن است یکی دو نویسنده بی‌ربط هم بنویسند.

۸ـ [شاه]: علامت + یعنی انجام شود.

* لازم به ذکر است همانطور که در اصل سند مشاهده می‌کنید، ابتدای صفحه ۴ که روش‌های مقابله شروع شده است. به غیر از ردیف‌های ۷ و ۱۱ همهٔ موارد دارای علامت + می‌باشد.

به: ۹۲۳ تاریخ: ۳۵/۱۱/۱۲ [۵۵]

از: ۲۰ ه ۲۲ شماره: ۳۴۲/۴۱۲۳

موضوع: خانم لیلا امامی

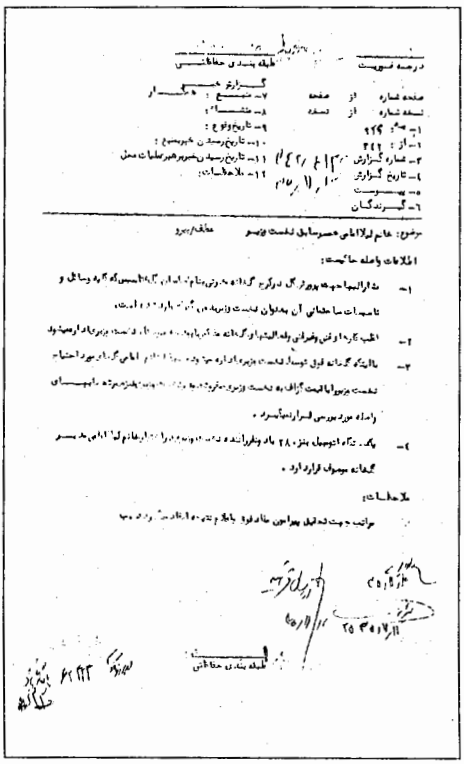

اطلاعات واصله حاکی است:

۱ـ مشارالیه جهت پرورش گل در کرج گلخانه مدرنی به نام «سامان گل» تأسیس که کلیه وسایل و تأسیسات ساختمانی آن به عنوان نخست‌وزیری بدون گمرک وارد شده است.

۲ـ اغلب کارهای فنی و غیرفنی و فعالیتهای گلخانه مذکور با بودجه و پرسنل نخست‌وزیری اداره می‌شود

۳ـ با اینکه گلخانه فوق توسط نخست‌وزیری اداره می‌شود معهذا خانم امامی گلهای مورد احتیاج نخست‌وزیری را با قیمت گزاف به نخست‌وزیری می‌فروشد و در نخست‌وزیری نیز صورتحسابهای واصله مورد بررسی قرار نمی‌گیرد.

۴ـ یک دستگاه اتومبیل بنز ۲۸۰ با دو نفر راننده نخست‌وزیری در اختیار خانم لیلا امامی مدیر گلخانه موصوف قرار دارد.

ملاحظات:

مراتب جهت تحقیق پیرامون مفاد فوق و اعلام نتیجه ایفاد می‌گردد.

داود ... ۳۵/۱۱/۱۰

ارسال فرمائید ۳۵/۱۱/۱۲

در پرونده کلاسه ۶۲۴۲۳ بایگانی شود

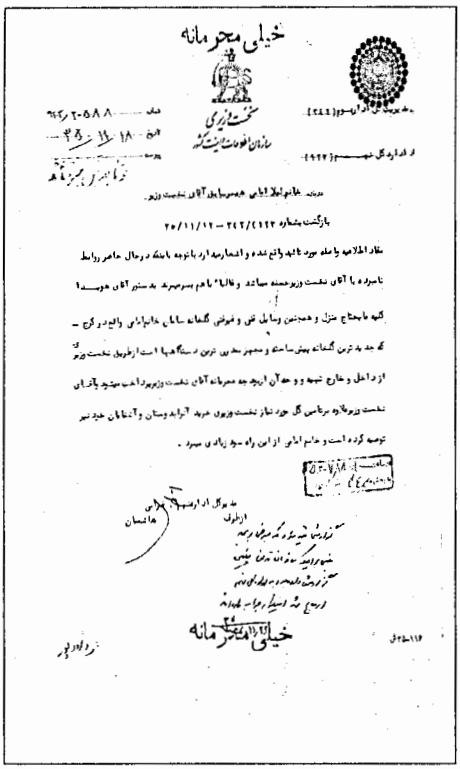

شماره: ۹۳۲/۲۰۵۸۸ تاریخ: ۳۵/۱۱/۱۸[۵۵]

به: مدیریت کل اداره سوم (۳۴۲)

از: اداره کل نهم (۹۲۳)

درباره: خانم لیلا امامی همسر سابق آقای نخست‌وزیر

بازگشت به شماره ۳۴۲/۴۲۱۳ ـ ۳۵/۱۱/۱۲

مفاد اطلاعیه واصله مورد تایید واقع شده و اشعار می‌دارد با توجه به اینکه در حال حاضر روابط نامبرده با آقای نخست‌وزیر حسنه می‌باشد و غالباً با هم بسر می‌برند به دستور آقای هویدا کلیه مایحتاج منزل و همچنین وسایل فنی و غیرفنی گلخانه سامان خانم امامی واقع در کرج که جدیدترین گلخانه پیش‌ساخته و مجهز به مدرن‌ترین دستگاهها است از طریق نخست‌وزیری از داخل و خارج تهیه و وجه آن از بودجه محرمانه آقای نخست‌وزیر پرداخت می‌شود و آقای نخست‌وزیر علاوه بر تأمین گل مورد نیاز نخست‌وزیری خرید آن را به دوستان و آشنایان خود نیز توصیه کرده است و خانم امامی از این راه سود زیادی می‌برد.

مدیر کل اداره نهم ضرابی

از طرف هاشمیان

گزارشی تهیه شود که به عرض برسد مبنی بر اینکه سازمان تهران چنین گزارشی داده بود و به اداره کل نهم ارجاع شد اینطور جواب داده‌اند. ثابتی

۳۵/۱۱/۲۶

به: ۳۴۲ تاریخ: ۳۵/۱۱/۱۸ [۵۵]

از: ۲۰ ه ۲۲ شماره: ۲۰/۶۲۶۱۲ ه ۲۲

موضوع: شایعات

شایع است که در اوایل سال ۲۵۳۶ دولت عوض و آقای دکتر نهاوندی[1] رئیس دفتر علیاحضرت فرح پهلوی شهبانو به جای آقای هویدا مسئول تشکیل کابینه و آقای هویدا به سمت سفیر به خارج از کشور عزیمت خواهد نمود

نظریه شنبه: نظری ندارد

نظریه چهارشنبه: منبع فرد مطلعی است

شایعات قابل ارزیابی نیست

در پرونده کلاسه ۶۲۴۲۳ بایگانی است ۳۵/۲/۲۸

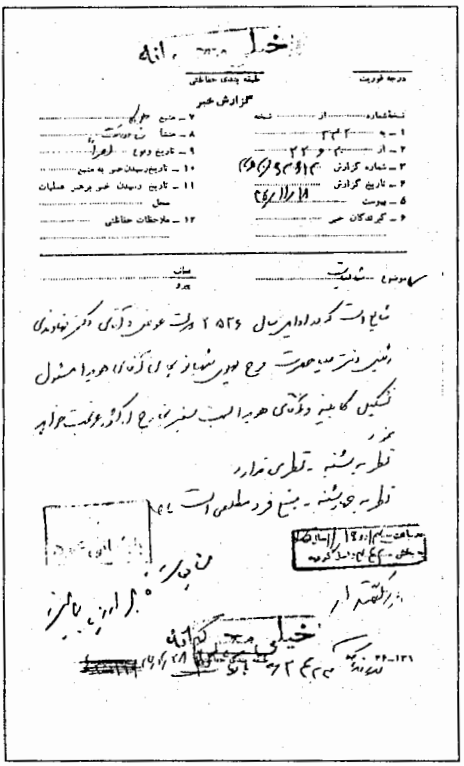

۱ـ هوشنگ نهاوندی فرزند علی‌اکبر در سال ۱۳۱۲ ه‍ ش به دنیا آمد. تحصیلات دانشگاهی را در رشتهٔ حقوق دانشگاه تهران آغاز کرد و پس از دریافت مدرک لیسانس به فرانسه رفت و در رشته اقتصاد دکترای دولتی گرفت. نهاوندی خواهرزاده دکتر فریدون کشاورز ـ عضو سابق رهبری حزب توده ـ می‌باشد و سوابق فعالیتهای سیاسی او در فرانسه مبهم است. ساواک وی را «مشکوک به داشتن فعالیتهای کمونیستی» می‌داند. با توجه به نقشی که نهاوندی بعدها در صحنه سیاسی و فرهنگی ایران ایفا نمود و ارتقاء سریع او در هرم دیوانسالاری پهلوی، این نظر راکاملاً معقول می‌دانیم که او از همان زمان تحصیل در پاریس ـ مانند بسیاری از عناصر مشابه ـ به ارتباط ویژه با سرویس‌های اطلاعاتی غرب کشیده شد. سند بیوگرافیک ساواک، نامبرده را «متهم به بهائی گری» نیز می‌داند. نهاوندی پس از بازگشت به ایران مدتی کارمند بانک اعتبارات بود و ترقی وی زمانی آغاز شد که حسنعلی منصور در دولت منوچهر اقبال به دبیرکلی شورای عالی اقتصاد و وزارت کار رسید. بدین ترتیب از مرداد ماه ۱۳۳۷ مشاغل عدیده نهاوندی آغاز شد:

ـ مشاور شورای عالی اقتصاد (مرداد ۳۷ـ آبان ۴۰) ـ مشاور عالی وزارت کار (آبان ۳۸) ـ استاد دانشکده افسری (۳۷ـ ۴۰) ـ مشاور اقتصادی سفارت ایران در بروکسل (آبان ۴۰ ـ آذر ۴۲) ـ نایب رئیس نمایندگی ایران در اتحادیه اقتصادی اروپا (فروردین ۴۱ ـ آذر ۴۲) ـ عضویت هیئت مدیره باشگاه فردوسی (دی ۴۲ ـ اردیبهشت ۴۳) ـ رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت معاملات خارجی (آذر ـ اسفند ۴۲) ـ تدریس در دانشگاه تهران (از مهر ۳۸) هوشنگ نهاوندی از جمله عناصری بودکه در چارچوب سناریوی نخبگان آمریکائی، فعالیت خود را آغاز کرد و در دولت حسنعلی منصور در

رأس وزارت نوبنیاد آبادانی و مسکن قرار گرفت و این سمت را در دولت امیر عباس هویدا تا سال ۱۳۴۷ حفظ کرد. اسناد موجود در ساواک، هوشنگ نهاوندی را در این زمان از اعضای فعال باند آمریکائی جمشید آموزگار نشان می‌دهد. هوشنگ نهاوندی در سال ۱۳۴۷ به عنوان «آجودان کشوری» شاه منصوب شد و به جای امیر متقی ریاست دانشگاه پهلوی (شیراز) را به دست گرفت. او در همین زمان عضو هیئت امناء دانشگاه مشهد نیز بود. در این دوران وی به عنوان یکی از چهره‌های علمی و فرهنگی رژیم پهلوی مطرح شد و پس از ۳ سال ریاست بر دانشگاه شیراز، در رأس دانشگاه تهران قرار گرفت. هوشنگ نهاوندی در این زمان عضو هیئت امناء دانشگاه هنر (۱۳۵۲) و دانشگاه گیلان (۱۳۵۳) و عضو شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۵۱) نیز بود.

اسناد ساواک عموماً از اختلافات نهاوندی با همکاران و رؤسای خود خبر می‌دهد که یا ناشی از مسائل مالی و یا جاه‌طلبی و تفرعن بیمارگونه اوست. هوشنگ نهاوندی در آبان ۱۳۵۳ به ریاست دفتر مخصوص فرح پهلوی منصوب شد. با آغاز امواج انقلاب اسلامی، نهاوندی در ارتباط فعال با برخی مقامات مؤثر امریکا قرار گرفت. از جمله ریچارد هلمز ـ رئیس پیشین سیا ـ در سفر خرداد ماه ۵۷ به تهران با وی ملاقات‌های خصوصی و پنهانی نمود.

در نتیجهٔ این ارتباطات، نهاوندی منادی تأسیس «جناح اندیشمندان» شد و سناریوی ضعیف و مضحکی را آغاز کرد.

نهاوندی در دولت «آشتی ملی!» در رأس وزارت علوم و آموزش عالی قرار گرفت. وی به عنوان یکی از چهره‌های بدنام رژیم، در چارچوب عقب نشینی‌ها و مانورهای این رژیم در قبال انقلاب در تاریخ ۵۷/۱۱/۱۵ دستگیر و زندانی شد و در اثنای حوادث ۲۲ بهمن از زندان گریخت و به خارج از کشور فرار کرد. نهاوندی عضو تشکیلات فراماسونری بود و در لژهای : آفتاب، فارابی، شیراز، ژاندارک، بزرگ ایران، امیرکبیر، فروغی و... عضویت داشت.

از: ۳۴۲ تاریخ: ۳۵/۱۱/۳۰ [۵۵]

به استحضار می‌رساند:

الف ـ گزارش واصله از سازمان اطلاعات و امنیت تهران حاکی از این بود:

۱ـ خانم لیلا امامی، همسر سابق جناب آقای نخست‌وزیر جهت پرورش گل در شهرستان کرج گلخانه مدرنی به نام، سامان گل، تأسیس که کلیه وسایل و تأسیسات ساختمانی آن به عنوان نخست‌وزیری و بدون گمرک از خارج وارد شده است.

۲ـ اغلب کارهای فنی و غیرفنی و فعالیتهای گلخانه مذکور با بودجه و پرسنل نخست‌وزیری اداره می‌شود.

۳ـ با اینکه گلخانه فوق توسط نخست‌وزیری اداره می‌شود معهذا خانم امامی گل‌های مورد احتیاج نخست‌وزیر را با قیمت گزاف به نخست‌وزیری می‌فروشد و در نخست‌وزیری نیز صورت حساب‌های واصله مورد بررسی قرار نمی‌گیرد.

۴ـ یک دستگاه اتومبیل بنز ۲۸۰ با دو نفر راننده در اختیار خانم لیلا امامی مدیر گلخانه موصوف قرار دارد.

ب ـ چگونگی جهت تحقیق و تعیین صحت و یا سقم به اداره کل نهم ارسال گردیده و آن اداره کل در پاسخ، ضمن تایید موارد مفاد گزارش سازمان تهران اضافه نموده که در حال حاضر روابط خانم لیلا امامی با جناب آقای نخست‌وزیر حسنه و غالباً با هم بسر می‌برند و به دستور نخست‌وزیر کلیه مایحتاج منزل و همچنین وسایل فنی و غیرفنی گلخانه سامان متعلق به مشارالیها در کرج که جدیدترین گلخانه پیش‌ساخته و مجهز به مدرن‌ترین دستگاهها است از طریق نخست‌وزیری از داخل و خارج تهیه و وجه آن از بودجه محرمانه آقای نخست‌وزیر

پرداخت می‌شود و آقای نخست‌وزیر علاوه بر تأمین گل مورد نیاز نخست‌وزیری خرید آن را به دوستان و آشنایان خود توصیه کرده است و خانم امامی از این راه سود زیادی می‌برد.

[پی‌نوشت نصیری:] درست است که از هم جدا شده‌اند ولی مثل آنکه زن و شوهر هستند هزینه یک نخست‌وزیر برای خانمش این جزئی [؟!!] قابل بحث نیست

در پرونده کلاسه ۶۲۴۲۳ بایگانی شود

هویدا و لیلا امامی

به: ۳۴۲ تاریخ: ۳۵/۱۲/۲۱ [۵۵]

از: ۲۰ ه ۲۲ شماره: ۲۰/۶۲۸۸۰ ه ۲۲

موضوع: تغییر کابینه

مدتی است که مجدداً موضوع تغییر کابینه در بین مردم مطرح است و صحبت از آقایان انصاری ـ آموزگار ـ شریف‌امامی و دکتر اقبال می‌باشد. ضمناً از کلیه بحث و گفتگوها بین مردم چنین استنباط می‌گردد که مردم از دولت آقای هویدا خسته شده‌اند و اکثراً آقای آموزگار را تایید می‌نمایند.

بخصوص بعد از یکی دو نطق اخیری که نامبرده نموده محبوبیت پیدا نموده است.

نظریه سه شنبه: شایعه مزبور مورد تایید است. تاکستانی

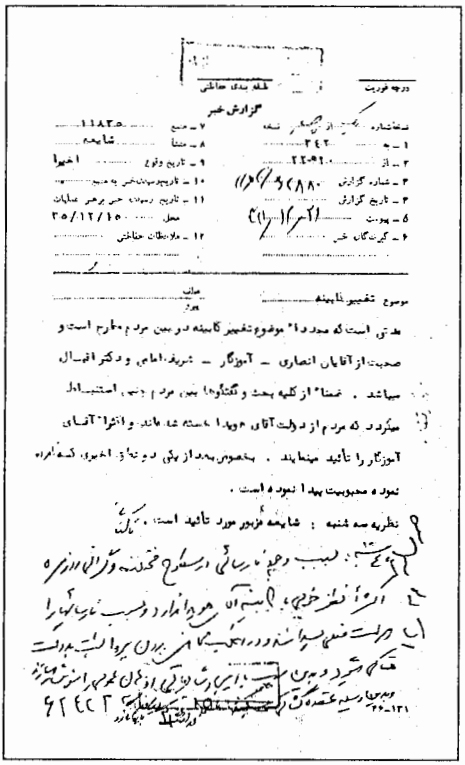

نظریه ۴ شنبه: به سبب وجود نارسائی در سطوح مختلف و گرانی[1] روزمره اکثراً نظر خوبی باکابینه آقای هویدا ندارند و مسبب نارسائیها را دولت فعلی می‌دانند و در اغلب مجالس بدون پروا نسبت به دولت هتاکی می‌شود و بدین سبب با ایجاد شایعاتی اذهان عمومی را مشوش می‌سازند و بدین وسیله عقده‌گشایی می‌کنند...

در پرونده ۶۲۴۲۳ بایگانی شود

ضمیمه سابقه ۱۲/۲۴

۱ـ بحث گرانی در دولت هویدا یکی از مسایل روزمره مردم بود چیزی که هویدا آن را منکر می‌شد زیرا آنگونه که در اسناد قبلی دیدیم خود وی برای تهیه خاویار، گل و هدیه، هیچ محدودیتی نداشت.

به: ۳۴۲ تاریخ: ۳۵/۱۲/۲۲ [۵۵]

از: ۲۰ ه ۲۲ شماره: ۲۰/۶۲۸۹۸ ه ۲۲

موضوع: نخست‌وزیر

گزارش خبر

در آغاز سال نو همه ساله از طرف آقای نخست‌وزیر حدود ۱۴۰۰۰ کارت تبریک تهیه و برای دانشجویان مقیم کشور و خارج از کشور ارسال می‌شود امسال نیز مانند سالهای قبل نسبت به ارسال کارتهای تبریک اقدام گردید ولی نکته قابل توجه این است که کارتهای مزبور توسط مؤسسه زیبا به فرانسه و آلمان سفارش داده شد و با توجه به برنامه صرفه‌جویی این مسئله بین دانشجویان مطرح خواهد شد که چرا این کارتها در خارج از کشور تهیه گردیده که مقادیری اضافه‌تر هزینه دربرگیرد زیراکارتها و پاکات تهیه شده کاملاً مشخص است که در خارج از کشور تهیه شده است و هر بیننده‌ای متوجه می‌گردد.

نظریه سه شنبه: نکته‌ای که شنبه به آن اشاره نموده از نظر مردم قابل توجه می‌باشد.

نظریه چهارشنبه: نظریه سه شنبه مورد تایید است

محترماً به استحضار می‌رساند

۱ـ منبع ارزیابی گردد

۲ـ کل سوم ۱۲/۱۹

اداره کل سوم ۱۲/۱۹

اکباتانی ۱۲/۱۹

شماره: ۱۱۶۶۸/م ق تاریخ: ۳۵/۱۲/۲۲ [۵۵]

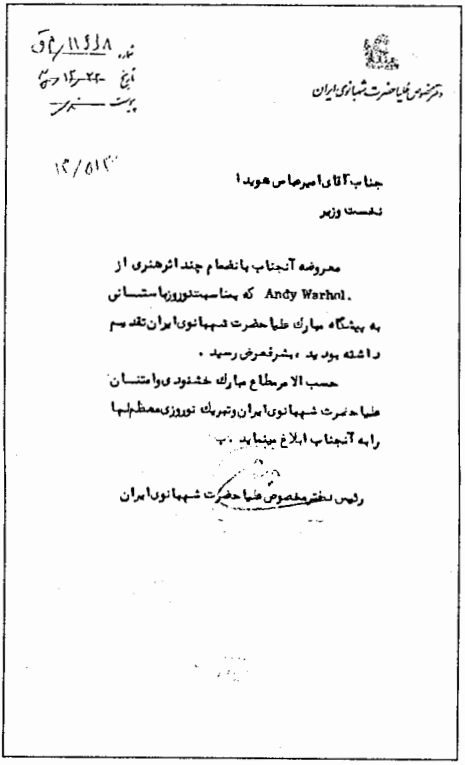

دفتر مخصوص اعلیاحضرت شهبانوی ایران

جناب آقای امیرعباس هویدا
نخست‌وزیر

معروضه آنجناب به انضمام چند اثر هنری از Andy Warhol که به مناسبت نوروز باستانی به پیشگاه مبارک علیاحضرت شهبانوی ایران تقدیم داشته بودید، به شرف عرض رسید.

حسب‌الامر مطاع مبارک خشنودی و امتنان علیاحضرت شهبانوی ایران و تبریک نوروزی معظم‌لها را به آنجناب ابلاغ می‌نماید.

رئیس دفتر مخصوص علیاحضرت شهبانوی ایران

تاریخ: ۳۵/۱۲/۲۹ [۵۵]

جناب امیرعباس هویدا نخست‌وزیر

تلگرام مبنی بر تبریک و تهنیت و ابراز احساسات صمیمانه که به مناسبت آغاز سال نو و عید سعید نوروز باستانی مخابره نموده‌اید ملاحظه و موجب خرسندی خاطر گردید. توجهات و عنایات مخصوص ما را به هیئت وزیران ابلاغ نمائید.

اول فروردین ماه ۲۵۳۶ شاهنشاهی

۱۲/۲۹ ...

۳۵/۱۲/۲۹

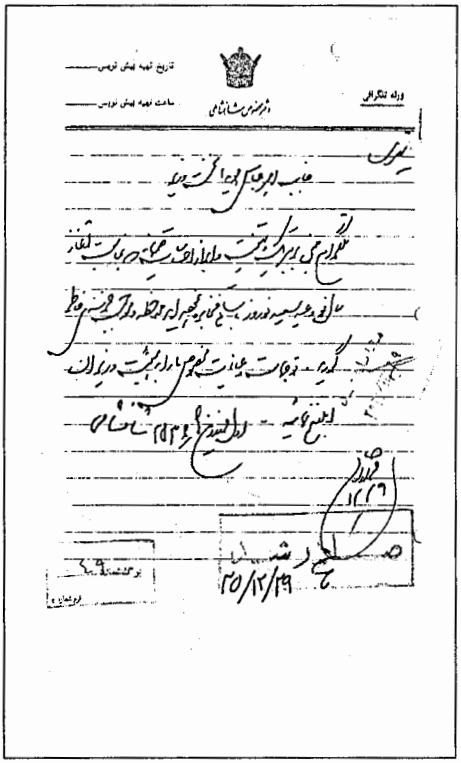

کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران
تاسیس ۱۳۷۴

به: ۳۴۲ تاریخ: ۳۶/۱/۲۹ [۵۶]

از: ۲۰ ه ۲۲ شماره: ۲۰/۶۲۱۳۱ ه ۲۲

موضوع: نامه ارسالی جهت آقای نخست‌وزیر

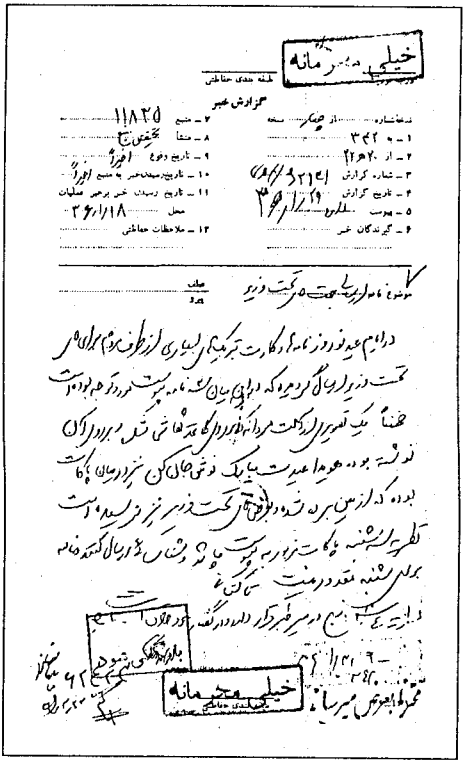
خیلی محرمانه

گزارش خبر

۱ ـ به ۳۴۲

۲ ـ از ۲۰ ه ۲۲

۳ ـ شماره گزارش ۶۲۱۳۱

۴ ـ تاریخ گزارش ۳۶/۱/۲۹

۵ ـ فوریت عادی

۶ ـ گیرندگان خبر

۷ ـ منبع ۱۱۸۲۵

۸ ـ منبع تشخیص

۹ ـ تاریخ وقوع اخیراً

۱۰ ـ تاریخ رسیدن خبر به منبع اخیراً

۱۱ ـ تاریخ رسیدن خبر برحسب عملیات

محل ۳۶/۱/۱۸

۱۲ ـ ملاحظات حفاظتی

موضوع: نامه ارسالی جهت آقای نخست‌وزیر

در ایام عید نوروز نامه‌ها و کارت تبریک‌های بسیاری از طرف مردم برای آقای نخست‌وزیر ارسال گردیده که در این میان سه نامه پیوست مورد توجه بوده است ضمناً یک تصویری از آلت مردانه بر روی کاغذ نقاشی شده و بر روی آن نوشته بوده هویدا عیدت مبارک نوش جان کن نیز در میان پاکات بوده که از بین برده شده و به عرض آقای نخست‌وزیر نیز نرسیده است. نظریه سه شنبه: پاکات مزبور به پیوست می‌باشد و شناسایی ارسال‌کننده نامه برای شنبه مقدور نیست تاکستانی

نظریه ۴ شنبه: منبع در مسیر خبر قرار دارد در گفتار خود صادق است. ماجد

در پرونده کلاسه ۶۲۴۲۳ بایگانی شود ۳۶/۲/۲۲

جناب آقای نخست‌وزیر

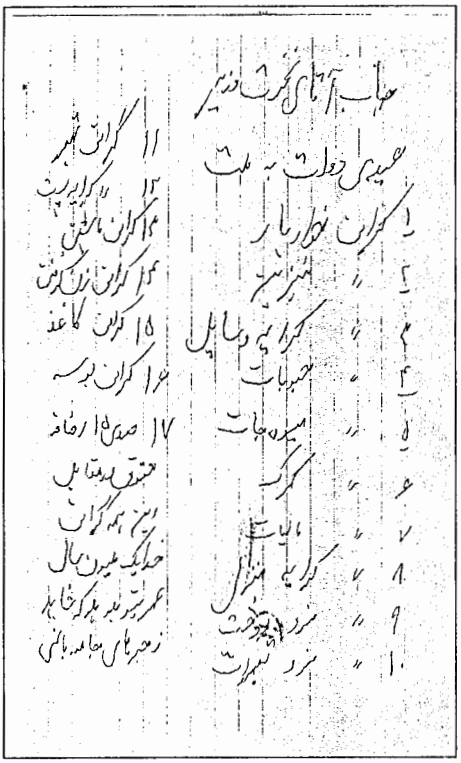

عیدی دولت به ملت

۱ـ گرانی خواروبار

۲ـ گرانی شیرینی

۳ـ گرانی کرایه وسایل

۴ـ گرانی حبوبات

۵ـ گرانی میوه‌جات

۶ـ گرانی گمرک

۷ـ گرانی مالیات

۸ـ گرانی کرایه منزل

۹ـ گرانی مزد دوخت

۱۰ـ گرانی مزد تعمیرات

۱۱ـ گرانی تمبر

۱۲ـ گرانی کرایه پست

۱۳ـ گرانی ماشین

۱۴ـ گرانی زن گرفتن

۱۵ـ گرانی کاغذ

۱۶ـ گرانی بوسه

۱۷ـ صدی ۱۵ اضافه حقوق در مقابل این همه گرانی خدا یک ملیون سال عمر به تو بدهد که شاهد زجرهای جامعه باشی

تاریخ: ۲۵۳۶/۱/۳۰ [۱۳۵۶]

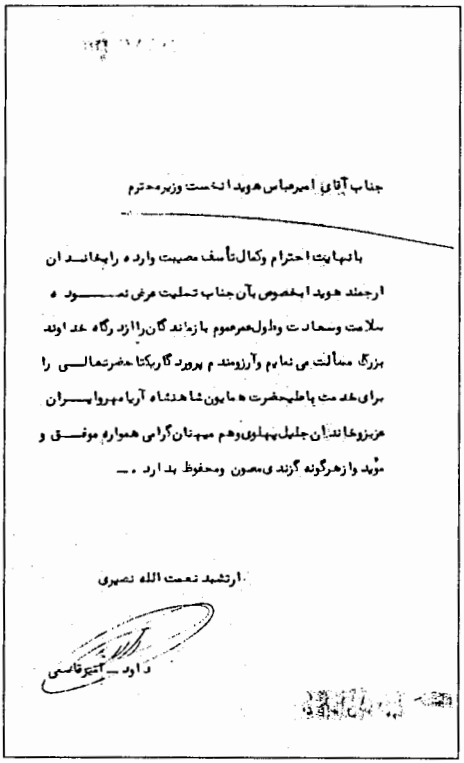

جناب آقای امیرعباس هویدا نخست‌وزیر محترم

با نهایت احترام و کمال تأسف مصیبت وارده را به خاندان ارجمند هویدا بخصوص به آن جناب تسلیت عرض نموده سلامت و سعادت و طول عمر عموم بازماندگان را از درگاه خداوند بزرگ مسألت می‌نمایم و آرزومندم پروردگار یکتا حضرتعالی را برای خدمت به اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر و ایران عزیز و خاندان جلیل پهلوی و هم‌میهنان گرامی همواره موفق و موید و از هرگونه گزندی مصون و محفوظ بدارد.

ارتشبد نعمت‌الله نصیری

[تهیه کننده:] داود ـ امیرقاسمی

به: ۳۴۲ تاریخ: ۳۶/۲/۱۰ [۵۶]

از: ۲۰ ه ۲۲ شماره: ۲۰/۶۲۲۷۴ ه ۲۲

موضوع: نخست‌وزیری

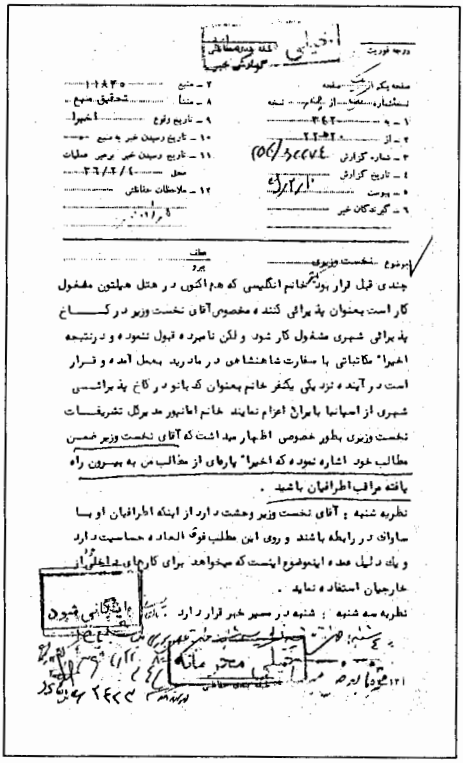

چندی قبل قرار بود یک نفر خانم انگلیسی که هم‌اکنون در هتل هیلتون مشغول کار است به عنوان پذیرایی‌کننده مخصوص آقای نخست‌وزیر در کاخ پذیرایی شهری مشغول کار شود و لکن نامبرده قبول ننموده و در نتیجه اخیراً مکاتباتی با سفارت شاهنشاهی در مادرید بعمل آمده و قرار است در آینده نزدیکی یک نفر خانم به عنوان کدبانو در کاخ پذیرایی شهری از اسپانیا به ایران اعزام نمایند خانم امانپور مدیرکل تشریفات نخست‌وزیری به طور خصوصی اظهار می‌داشت که آقای نخست‌وزیر ضمن مطالب خود اشاره نموده که اخیراً پاره‌ای از مطالب من به بیرون راه یافته مراقب اطرافیان باشید.

نظریه شنبه: آقای نخست‌وزیر وحشت دارد از اینکه اطرافیان او با ساواک در رابطه باشند و روی این مطلب فوق‌العاده حساسیت دارد و یک دلیل عمده این موضوع این است که می‌خواهد برای کارهای داخلی از خارجیان استفاده نماید.

نظریه سه شنبه: شنبه در مسیر خبر قرار دارد. تاکستانی

نظریه ۴ شنبه: ضمن تایید نظریه سه شنبه خبر قابل بررسی می‌باشد. ماجد

در پرونده کلاسه ۶۲۴۲۳ بایگانی شود

تاریخ: ۲۵۳۶/۲/۲۱ [۱۳۵۶]

دربار شاهنشاهی

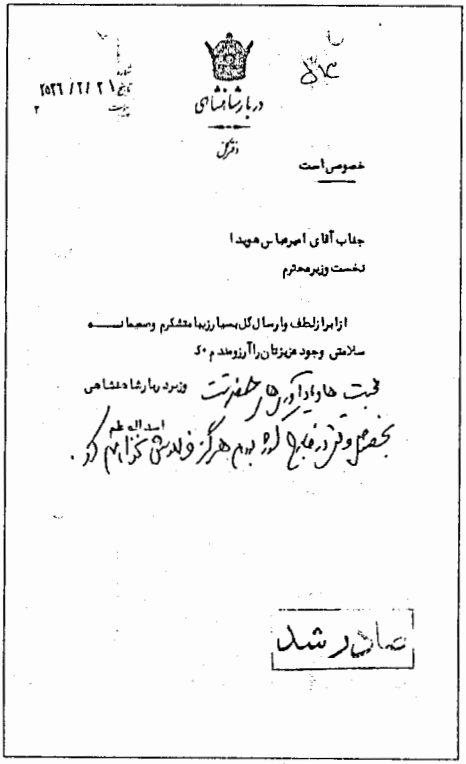

دربار شاهنشاهی

دفتر ویژه

تاریخ ۲۵۳۶/۲/۲۱

پیوست ۲

خصوصی است

جناب آقای امیرعباس هویدا

نخست‌وزیر محترم

از ابراز لطف و ارسال گل بسیار زیبا متشکرم و صمیمانه سلامتی وجود عزیزتان را آرزومندم.

وزیر دربار شاهنشاهی

محبت‌ها و یادآوری حضرت بخصوص وقتی در خارج از کشور بودم [را] هرگز فراموش نخواهم کرد

اسداله علم

خصوصی است

جناب آقای امیرعباس هویدا

نخست‌وزیر محترم

از ابراز لطف و ارسال گل بسیار زیبا متشکرم و صمیمانه سلامتی وجود عزیزتان را آرزومندم.

وزیر دربار شاهنشاهی

محبت‌ها و یادآوری حضرت بخصوص وقتی در خارج از کشور بودم هرگز فراموش نخواهم کرد.

اسداله علم

صادر شد

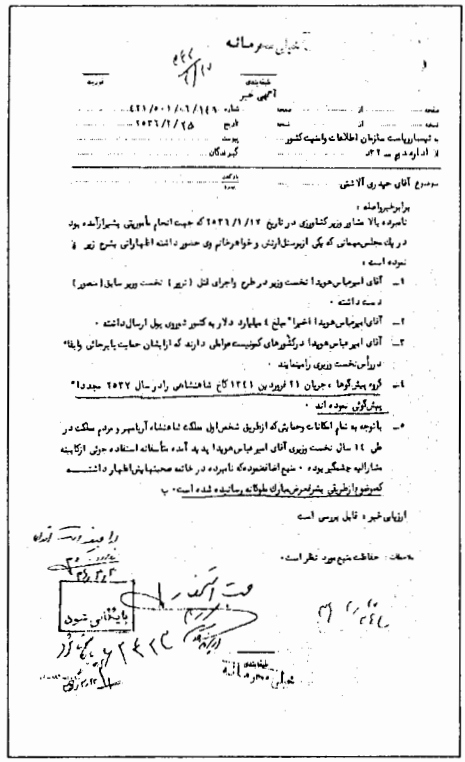

تاریخ: ۲۵۳۶/۲/۲۵ [۱۳۵۶]

شماره: ۴۲۱/۵۰۱/۰۶/۱۴۶

به: تیمسار ریاست سازمان اطلاعات و امنیت کشور

از: اداره دوم ـ ۳۲ د

موضوع: آقای حیدری آلاشتی

برابر خبر واصله :

نامبرده بالا مشاور وزیر کشاورزی در تاریخ ۲۵۳۶/۱/۱۷ که جهت انجام مأموریتی به شیراز آمده بود در یک مجلس مهمانی که یکی از پرسنل ارتش و خواهر خانم وی حضور داشته اظهاراتی به شرح زیر نموده است :

۱ـ آقای امیرعباس هویدا نخست‌وزیر در طرح و اجرای قتل (ترور) نخست‌وزیر سابق (منصور) دست داشته.

۲ـ آقای امیرعباس هویدا اخیراً مبلغ ۴ میلیارد دلار به کشور شوروی پول ارسال داشته.

۳ـ آقای امیرعباس هویدا در کشورهای کمونیست عواملی دارند که از ایشان حمایت پابرجایی و ابقا در رأس نخست‌وزیری را می‌نمایند.

۴ـ گروه پیشگوها جریان ۲۱ فروردین ۱۳۴۱ کاخ شاهنشاه را در سال ۲۵۳۷ مجدداً پیش‌گویی نموده‌اند.

۵ـ با توجه به تمام امکانات و حمایتی که از طریق شخص اول مملکت شاهنشاه آریامهر و مردم مملکت در طی ۱۴ سال نخست‌وزیری آقای امیرعباس هویدا پدید آمده متأسفانه استفاده‌جویی از کابینه مشارالیه چشمگیر بوده. منبع اضافه نموده که نامبرده در خاتمه صحبتهایش اظهار داشته که موضوع از طریقی به شرف عرض مبارک ملوکانه رسانیده شده است. ارزیابی خبر : قابل بررسی است ملاحظات : حفاظت منبع مورد نظر است.

اراجیف است اقدامی ندارد. ثابتی ۳۶/۳/۳ جهت استحضار در پرونده کلاسه ۶۲۴۲۳ بایگانی شود. ۳۶/۳/۲۲

به : ۳۴۲ تاریخ : ۳۶/۳/۵ [۵۶]

از : ۲۰ ه ۲۴ شماره/۲۰: ۷۵۴۳۰/ ۲۰ ه ۲۴

موضوع : شایعات

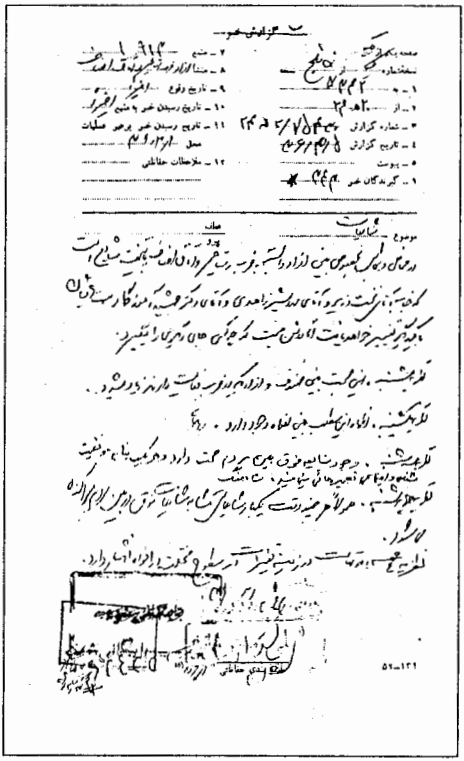

در محافل و مجالس بخصوص بین افراد وابسته به حزب رستاخیز و اتاق اصناف پایتخت شایع است که جناب آقای نخست‌وزیر و آقای اردشیر زاهدی و آقای دکتر جمشید آموزگار سمت‌هایشان با یکدیگر تغییر خواهد یافت اما روشن نیست که چه کسی جای دیگری را می‌گیرد.

نظریه شنبه: این صحبت بین صنوف و افرادی که در حزب فعالیت دارند زیاد می‌شود.

نظریه یکشنبه: اظهار این مطالب بین افواه وجود دارد. روحانی

نظریه سه شنبه: وجود شایعه فوق بین مردم صحت دارد و هر یک بنا به موقعیت شغلی و اجتماعی تعبیرهایی می‌نمایند. شاهنگ

نظریه چهارشنبه: معمولاً هر چند وقت یک بار شایعاتی مشابه شایعات فوق در بین مردم پراکنده می‌شود.

نظریه جمعه: مدتهاست در زمینه تغییرات در سطوح مختلف در افواه انتشار دارد.

در پرونده کلاسه ۶۲۴۲۳ بایگانی شود

۳۶/۲/۲۳

به : ۳۴۲ تاریخ : ۳۶/۴/۱۱ [۵۶]

از : ۲۰ ه ۲۲ شماره : ۲۰/۶۲۸۳۱ ه ۲۲

موضوع : نخست‌وزیر

با توجه به قرائن و شواهد زیادی که از چند ماه قبل با چشم می‌خورد روزبروز موضوع تغییر کابینه هویدا برای اطرافیان و کارمندان نخست‌وزیری تقویت پیدا می‌کند و برای مثال چند مورد زیر مورد توجه می‌باشد.

۱ـ نحوه رفتار و حوصله نخست‌وزیر در میهمانی‌ها به طورکلی فرق نموده.

۲ـ مدت دو هفته است که پیشخدمتهای مخصوص خود راکه سالها برای ایشان خدمت می‌نموده‌اند اخراج نمود و مدت چند هفته‌ای است که لباس پوشیدن و غیره را شخصاً انجام می‌دهند.

۳ـ چند روزی است احمد کاشفی معاون نخست‌وزیر و خانم امانپور مدیرکل تشریفات در جستجوی پرونده خرید لوازم و اثاثیه‌ای هستند که خانم خلعتبری از پاریس برای دولت و منزل آقای هویدا خریداری نموده و پول آن از طریق احمد کاشفی از بودجه سری داده شده.

۴ـ تعدادی دکوراتور فرانسوی [در] منزل نخست‌وزیر در آپارتمان ISP مشغول بکار می‌باشند و قرار بوده در یکی دو ماه آینده تحویل دهند لیکن با فشاری که به دکوراتور فرانسوی وارد شده تا چند روز دیگر به پایان می‌رسد.

۵ـ توجه و دقت زیاد بر روی دستورات از اعتبارات سری خصوصاً آن قسمت که جنبه خصوصی و فردی داشته و مربوط به اقوام نخست‌وزیر و غیره می‌باشد.

نظریه سه شنبه : شنبه شخص مطلعی است. تاکستانی

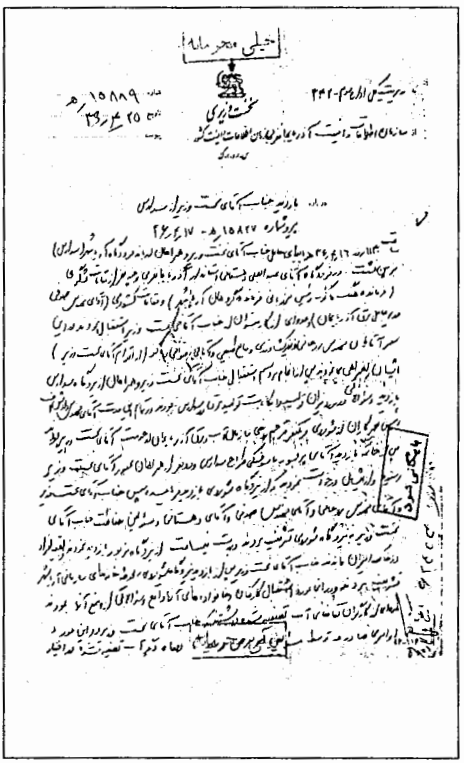

شماره: ۱۵۸۸۹ /ه تاریخ: ۳۶/۴/۲۵ [۳۶]

به: مدیریت کل اداره سوم ـ ۳۴۲

از: سازمان اطلاعات و امنیت آذربایجان غربی

درباره: بازدید جناب آقای نخست‌وزیر

از سد پارس

پیرو شماره ۱۵۸۲۷ /ه‍ـ ۳۶/۴/۱۷

ساعت ۱۱۴۰ روز ۳۶/۴/۱۶ هواپیمای حامل جناب آقای نخست‌وزیر و همراهان در باند فرودگاه آریاشهر (سد ارس) به زمین نشست. در فرودگاه آقای عبدالعلی دهستانی[1] استاندار آذربایجان غربی و چند نفر از مقامات لشگری (فرمانده هنگ ماکو ـ رئیس مرزبانی فرمانده گروهان آریاشهر) و مقامات کشوری (آقای مهندس صوفی مدیرعامل برق آذربایجان) و عده‌ای از کارمندان از جناب آقای نخست‌وزیر استقبال نمودند در این سفر آقایان مهندس روحانی وزیر کشاورزی و منابع طبیعی و آقای رضوانی و بانو (از اقوام آقای نخست‌وزیر) ایشان را همراهی می‌نمودند پس از انجام مراسم استقبال جناب آقای نخست‌وزیر و همراهان از نیروگاه سد ارس بازدید و سوالاتی در مورد میزان تولید و امکانات تولید برق در سد ارس نمودند در تمام این مدت آقای مهندس داداش اف رئیس تعمیرکاران از شوروی و یک نفر مترجم روسی سازمان آب و برق آذربایجان در خدمت آقای نخست‌وزیر بودند پس از خاتمه بازدید آقای پرفسور باسوفسکی طراح سد ارس و دو نفر از همراهان به حضور آقای نخست‌وزیر رسیده و از ایشان درخواست نمودند که از نیروگاه شوروی بازدید فرمایند، سپس جناب آقای نخست‌وزیر و آقای مهندس روحانی و آقای مهندس صوفی و آقای دهستانی و مسئولین حفاظت جناب آقای نخست‌وزیر به نیروگاه شوروی تشریف بردند و به مدت نیم ساعت از نیروگاه مزبور بازدید نمودند و بقیه افراد در خاک ایران ماندند

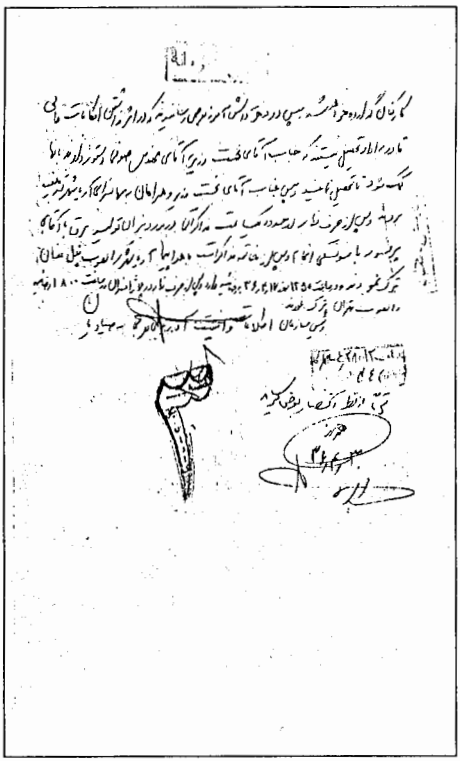

جناب آقای نخست‌وزیر پس از بازدید نیروگاه شوروی به محوطه خانه‌های سازمانی آریاشهر تشریف بردند و در آنجا مورد استقبال کارکنان و خانواده‌های آنها واقع و سؤالاتی از وضع آنها نمودند عده‌ای از کارگران تقاضای آب تصفیه‌شده داشتند که جناب آقای نخست‌وزیر در این مورد اوامری صادر و توسط مسئولین امر به عرض رسیده تا دو ماه دیگر آب تصفیه‌شده در اختیار کارکنان گذارده خواهد شد. سپس دو دختر دانش‌آموز به عرض رسانیدند که در اثر نداشتن امکانات مالی قادر به ادامه تحصیل نیستند که جناب آقای نخست‌وزیر به آقای مهندس صوفی دستور دادند به آنها کمک شود تا تحصیل نمایند و سپس آقای نخست‌وزیر و همراهان به مهمانسرای آریاشهر تشریف بردند و پس از صرف ناهار در حدود یک ساعت مذاکراتی در مورد میزان تولید برق با آقای پرفسور باسوفسکی انجام و پس از خاتمه مذاکرات با هواپیما آریاشهر را به صوب نیل مغان ترک نمودند و در ساعت ۱۳۵۰ روز ۳۶/۴/۱۷ به رضائیه وارد و پس از صرف نهار در پلاژ افسران در ساعت ۱۸۰۰ رضائیه را به صوب تهران ترک نمودند.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت آذربایجان غربی ـ صیادیان

محترماً از نظر استحضار به عرض می‌رساند. همراز ۳۶/۴/۳۰

۱ـ عبدالعلی دهستانی فرزند یداله، در سال ۱۳۰۰ هـ ش بدنیا آمد. پدرش از ملاکین بزرگ کرج و سناتور بود. وی که دورهٔ تحصیلات ابتدائی و دبیرستان را در مدرسهٔ شرف و دبیرستان کرج طی کرده بود، در سال ۱۳۱۹ دوره مقدماتی دانشکده کرج را طی کرد و در سال ۱۳۲۰ به دانشکده کشاورزی کرج رفت و پس از اخذ گواهینامه لیسانس در سال ۱۳۲۳ جهت طی یک دورهٔ یکساله رهسپار امریکا شد و در قسمت ماشین‌آلات کشاورزی در کالیفرنیا دوره دید. دهستانی که از سال ۱۳۱۹ به خدمت دولت درآمده بود، ابتداء در دانشکده کشاورزی کرج به عنوان کمک متخصص فنی کشاورزی شروع به کار کرد و در سال ۱۳۲۳ به استخدام وزارت کشور در آمد و معاون اداره امور کشاورزی شد. دیگر مشاغل وی به این شرح است :

الف ـ ۱۳۲۶، بازرس اداره نمایشات
ب ـ ۱۳۲۸، مأمور از وزارت کشور به دربار
ج ـ ۱۳۲۹، رئیس اداره ایلات (اداره املاک) دربار
د ـ ۱۳۳۱، رئیس اداره عمران و اصلاحات
هـ ـ ۱۳۳۲، عضو هیأت مدیره بنگاه عمران
و ـ ۱۳۳۴، بازرس دولت در هیأت مدیره بنگاه عمران

دهستانی که در دورهٔ نوزدهم مجلس شورای ملی از طرف حزب مردم کاندید شهریار و ساوجبلاغ شده بود، با کمک اوباش و چاقوکش‌ها به مجلس راه یافت و یکی از خدمتکاران خود را به علت فاش کردن اسرار انتخاباتی کشت و جسد او را در رودخانهٔ کرج انداخت که هرگز پرونده این قتل پیگیری نشد.

عبدالعلی دهستانی که به عضویت «جبهه یاران متحد» در آمده بود و از اعضای لژ فراماسونری کوروش و لژ آفتاب و قائم مقام منطقه ۳۵۴ باشگاه لاینز و عضو حزب رستاخیز و... بود، در سال ۱۳۴۶ به استانداری سیستان و بلوچستان منصوب شد و در سال ۱۳۵۰ استاندار آذربایجان غربی گردید ولی به دلایل فساد اخلاقی شدیدکه برای حفظ حرمت قلم قابل ذکر نیست، در سال ۱۳۵۷ به استان مرکزی منتقل شد،که به علت کمک مقدم ـ(رئیس ساواک وقت) ـبه وی جهت تصدی این مقام از او تشکر کرد.

مشارالیه که از اسداله علم، منوچهر اقبال و قدس نخعی به عنوان معرفان خود نام برده است، نشان‌های مختلفی نیز از شاه دریافت کرد که از آن جمله است : ۱ـ نشان درجه یک توسعه اقتصادی و آبادانی ۲ـ نشان درجه اول آبادانی و پیشرفت

ساواک در یکی از ارزیابی‌های خود، وی را چنین معرفی کرده است :

«فردی عیاش، خوشگذران، عصبانی، تندخو، علاقمند به زن و مشروب»

به : ۳۴۲ تاریخ : ۳۶/۴/۲۸ [۵۶]

از : ۲۰ ه ۲۲ شماره : ۲۰/۶۲۹۲۳ ه ۲۲

موضوع : نخست‌وزیر

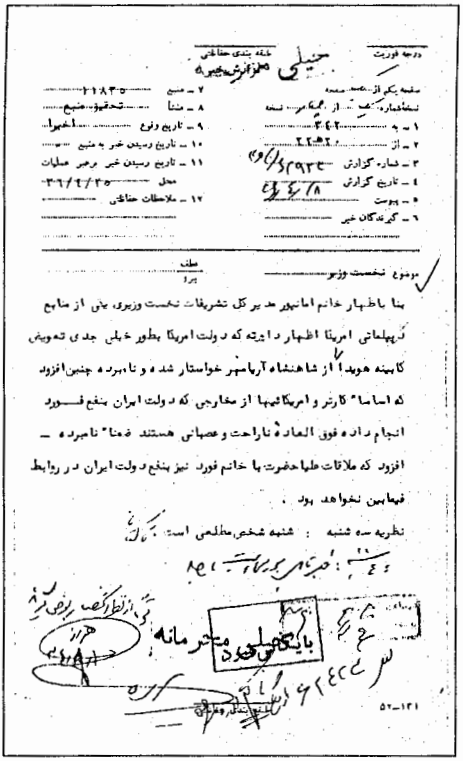

بنا به اظهار خانم امانپور مدیرکل تشریفات نخست‌وزیری یکی از منابع دیپلماتی امریکا اظهار داشته که دولت آمریکا به طور جدی تعویض کابینه هویدا را از شاهنشاه آریامهر خواستار شده و نامبرده چنین افزود که اساساً کارتر و آمریکاییها از مخارجی که دولت ایران به نفع فورد انجام داده فوق‌العاده ناراحت و عصبانی هستند[1] ضمناً نامبرده افزود که ملاقات علیاحضرت با خانم فورد نیز به نفع دولت ایران در روابط فیمابین نخواهد بود.

نظریه سه شنبه : شنبه شخص مطلعی است.

تاکستانی

نظریه ۴ شنبه: خبر قابل بررسی است. ماجد

محترماً از نظر استحضار به عرض می‌رساند

همراز ۳۶/۸/۱

روی ۶۲۴۲۳ بایگانی گردد

۱ـ دخالت رسمی امریکا برای برکناری نخست‌وزیر، بمعنای پایان تاریخ مصرف هویدا و نشان‌دهنده تصمیم‌گیرنده اصلی در کشور ماست که آمریکائیان بوده‌اند.

بحث اساسی هم مسئله‌ای جناحی بوده که چرا هویدا و شاه از فورد حمایت کرده‌اند و بازیهایی مانند حقوق بشر و امثال آنها، برای سرگرمی مردم بوده است.

به : ۳۴۲ تاریخ : ۳۶/۴/۲۸ [۵۶]

از : ۲۰ ه ۲۲ شماره : ۲۰/۶۲۹۲۴ ه ۲۲

موضوع : آقای نخست‌وزیر

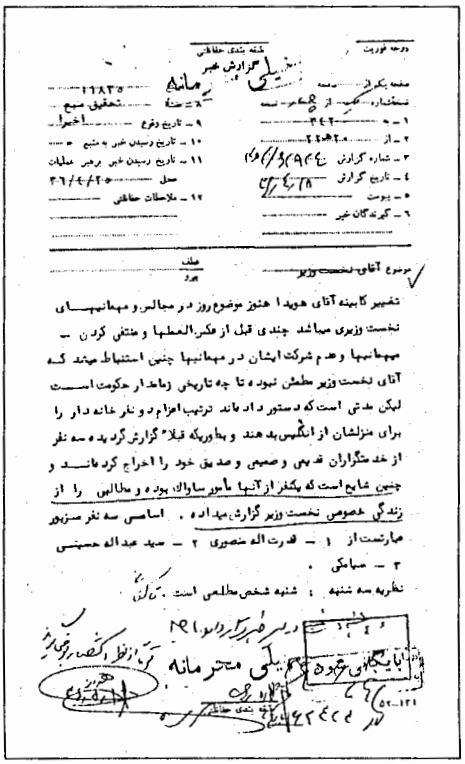

تغییر کابینه آقای هویدا هنوز موضوع روز در مجالس و مهمانیهای نخست‌وزیری می‌باشد چندی قبل از عکس‌العملها و منتفی کردن میهمانیها و عدم شرکت ایشان در مهمانیها چنین استنباط می‌شد که آقای نخست‌وزیر مطمئن نبوده تا چه تاریخی زمامدار حکومت است لیکن مدتی است که دستور داده‌اند ترتیب اعزام دو نفر خانه‌دار را برای منزلشان از انگلیس بدهند و به طوری که قبلاً گزارش گردیده سه نفر از خدمتگزاران قدیمی و صمیمی و صدیق خود را اخراج کرده‌اند و چنین شایع است که یک نفر از آنها مأمور ساواک بوده و مطالبی را از زندگی خصوصی نخست‌وزیر گزارش می‌داده. اسامی سه نفر مزبور عبارت است از :

۱ـ قدرت‌الله منصوری ۲ـ سیدعبدالله حسینی ۳ـ سیامکی.

نظریه سه شنبه : شنبه شخص مطلعی است. تاکستانی

نظریه ۴ شنبه : منبع در مسیر خبر قرار دارد. ماجد

محترماً از نظر استحضار به عرض می‌رساند. همراز

روی ۶۲۴۲۳ بایگانی شود

تاریخ : تیرماه ۱۳۵۶

اعلام جرم ملت ایران علیه آقای هویدا نخست‌وزیر و کلیه وزرای اسبق و سابق و کنونی دولت هویدا

از آنجایی که برخلاف اصل ۲۶ متمم قانون اساسی که قوای مملکت ناشی از ملت است و طریقه استعمال آن قوی را قانون اساسی معین می‌کند، دولت آقای هویدا این حق قانونی ومسلم ملت ایران را در اثر استقرار یک نظام پلیسی آمیخته با خشونت و شکنجه و محاکمات غیرقانونی و توقیف‌ها و بازجوییها و محکومیتهای غیرقانونی سلب نموده است و قوای مملکت اکنون نه در چارچوب قانون اساسی بلکه در زیر سلطه یک استبداد مطلق پلیسی قرار دارد.

از آنجایی که برخلاف اصل ۲۷ متمم قانون اساسی که قوای مملکت بر سه شعبه تجزیه می‌شود آقای هویدا و دولت او کلیه اختیارات قانونی قوه مقننه و قضائیه را تحت سیطره قوه اجرائیه و سیستم پلیسی آن درآورده و جریان قانونی و حیاتی این قوای مملکت راکه استقلال و آزادی عمل آنها ضامن حقوق و آزادیهای اساسی ملت ایران می‌باشد به طور مطلق تعطیل و تعلیق کرده است

از آنجایی که برخلاف اصل ۲۸ متمم قانون اساسی که قوای مقننه و مجریه و قضائیه برای همیشه از یکدیگر ممتاز و منفصل می‌باشند دولت آقای هویدا مجلس شورای ملی را به صورت آلتی جهت قانونی کردن اعمال خلاف قانون رژیم درآورده و اختیارات قوه قضائیه را به مراجع غیرقانونی که هیچ‌گونه صلاحیتی برای رسیدگی به امور قضائی ندارند سپرده است.

متأسفانه قوه مقننه و قوه قضائیه قادر به جلوگیری از تجاوزات مکرر دولت آقای هویدا به اصول

قانون اساسی و حقوق و آزادیهای قانون ملیت ایران نیستند. قوه مقننه برخلاف اصل ۳۲ قانون اساسی صلاحیت قانونی خود را به عنوان مرجع طرح نظریات و انتقادات اجتماعی ملت ایران از شرایط پلیسی و تجاوزات غیرقانونی که به طور مستمر از سوی دولت هویدا و سازمانهای پلیسی و امنیتی آن به ملت ایران تحمیل می‌شود از دست داده است و قوه قضائیه از رسیدگی به همه شکایات مربوط به توقیف‌ها و بازجوییهای غیرقانونی و شکنجه‌های وحشیانه مأمورین سازمان امنیت و رفتار غیرانسانی زندانبانان رژیم استبداد نسبت به هزاران نفر زندانی بیگناه سیاسی و محاکمات غیرقانونی نظامی محروم شده است، به این جهت این اعلام جرم به نام ملت ایران به پیشگاه تاریخ و عموم آزادیخواهان و روشنفکران جهان که در مبارزه برای حقوق انسانی و بر علیه استبداد و شکنجه در یک صف قرار دارند تقدیم می‌شود. و به این وسیله ما صدای مظلومانه دهها هزار زندانی سیاسی بیگناه و دهها هزار خانواده ایرانی راکه فرزندان و پدران و خواهران و خویشان آنها به دست مأمورین سازمان امنیت شکنجه شده و یا در زیر شکنجه‌های وحشتناک به قتل رسیده‌اند و یا در خیابانها وکوچه‌ها هدف گلوله آنها قرار گرفته و یا در محاکم رژیم استبداد به اعدام محکوم شده‌اند به گوش ملل جهان و همه آزادیخواهان و مبارزین راه حقوق انسانی می‌رسانیم و از آنها می‌خواهیم که صدای مظلومانه یک ملت بی‌پناه را در محافل و مراجع صلاحیت‌دار جهانی منعکس نمایند واز دولتهای خود مصراً بخواهند که در روابط سیاسی و اقتصادی خود با یک رژیم جبار و خودکامه‌ای که به هیچ یک از اصول قانونی و طبیعی حقوق انسانی کوچکترین احترام و توجهی ندارد تجدیدنظر نموده و او را به رعایت حقوقی که در قانون اساسی ما و اعلامیه جهانی حقوق بشر پیش‌بینی شده است وادار نمایند.

آقای هویدا که بارزترین خصوصیت اخلاقی او دروغگویی است در رأس دولت خود که اکنون سیزده سال از این ریاست می‌گذرد به طور مستمر مرتکب بزرگترین تجاوز به قانون اساسی ملت ایران شده است. آقای هویدا و کلیه وزرای اسبق و سابق و کنونی او به طور دقیق ۵۶ اصل از مهمترین اصول قانون اساسی ملت ایران را زیرپا گذاشته‌اند، و با زیرپا گذاشتن این اصول کلیه جریان طبیعی قانونگذاری و استفاده ملت ایران را از حقوق و آزادیهای قانونی خود معلق کرده‌اند. و ما چون در این اعلام جرم فرصتی برای طرح همه این اصول و موارد آشکار تجاوزهای دولت آقای هویدا به قانون اساسی نداریم این اعلام جرم را در سه قسمت و به طور خلاصه طرح می‌کنیم:

قسمت اول:

طبق اصل ۴۴ متمم قانون اساسی: (شخص پادشاه از مسئولیت مبری است و وزرای دولت در هرگونه امور مسوول مجلسین هستند.)

طبق اصل ۴۵ متمم قانون اساسی: کلیه قوانین و دستخط‌های پادشاه در امور مملکتی وقتی اجرا می‌شود که به امضای وزیر مسوول رسیده باشد و مسوول صحت مدلول آن فرمان و دستخط همان وزیر است.

طبق اصل ۵۷ متمم قانون اساسی: اختیارات و اقتدارات سلطنتی فقط همان است که در قوانین مشروطیت حاضر تصریح شده است.

طبق اصل شصتم متمم قانون اساسی: وزرای مسوول مجلسین هستند.

طبق اصل شصت و یکم متمم قانون اساسی: وزرا علاوه بر اینکه به تنهایی مسوول مشاغل مختصه وزارت خود هستند به هیئت اتفاق نیز در کلیات امور در مقابل مجلسین مسوول و

ضامن اعمال یکدیگرند.

طبق اصل شصت و چهارم متمم قانون اساسی : وزرا نمی‌توانند احکام شفاهی و یا کتبی پادشاه را مستمسک قرار داده سلب مسوولیت را خودشان بنمایند.

با توجه به مدلول این شش اصل که در واقع جوهر و عصاره انقلاب مشروطه و قیام مسلحانه پدران ما در برابر حکومت استبدادی قاجار می‌باشد می‌بینیم که آقای هویدا و کلیه وزرای اسبق و سابق و کنونی او در زمینه انجام وظایفی که خطوط اصلی آن از طرف قانون اساسی ترسیم شده است از کلیه حقوق و اختیارات و مسوولیت‌هایی که قانون اساسی برای دولتها و وزرای رژیم مشروطه معین کرده است عدول نموده و یکجا آن را بر مقام سلطنت واگذار کرده‌اند، اگر آقای هویدا و وزرای او قانون اساسی و اصول مصرحه در آن را درباره وظایف و مسوولیت‌های غیرقابل تجزیه و تفکیک و غیرقابل گذشت دولت قبول دارند بنابراین اعمال و روشهای آقای هویدا و وزرای ایشان در عدول از قبول مسوولیت در برابر مجلسین و در قبول فرامین کتبی و شفاهی مقام سلطنت بدون امضای وزرا و بدون قبول مسوولیت مشترک وزرا در برابر اعمال یکدیگر و بدون توجه به این اصل قانون اساسی که پادشاه از مسوولیت مبری است برخلاف قانون اساسی و تجاوز به قانون اساسی است و آقای هویدا و کلیه وزرای اسبق و سابق و کنونی او در برابر این عدول علنی و تجاوز آشکار گناهکار و از نظر قانونی قابل تعقیب هستند.

قسمت دوم :

سازمان اطلاعات و امنیت کشور یعنی وسیله و ابزار اصلی خفقان و وحشت و شکنجه دولت ایران و آزادیخواهان ایران جزیی از تشکیلات نخست‌وزیری است. رئیس سازمان اطلاعات و

امنیت کشور در تشکیلات آقای هویدا سمت معاونت نخست‌وزیر را دارد و به این اعتبار در واقع آقای هویدا رئیس مستقیم و متبوع سازمان امنیت و اطلاعات کشور است. آقای هویدا و کلیه وزرای اسبق و سابق و کنونی دولت او نسبت به همه جنایات و شکنجه‌ها و بازجوییها و بازداشتهای غیرقانونی که سازمان امنیت نسبت به ملت ایران و قربانیها و زندانیان سیاسی رژیم مرتکب شده است دارای مسوولیت مستقیم هستند سازمان امنیت در سالهای حکومت آقای هویدا جنایتهایی مرتکب شده است که بشریت از تکرار و تذکار آن در صفحات تاریخ شرمنده است.

پرونده‌سازیهای سازمان امنیت درباره جوانان آزادیخواه، هجومهای غیرقانونی به خانه‌های مردم، بازداشتهای غیرقانونی، شکنجه‌های غیرانسانی به وسیله آلات موحش شکنجه و تعذیب از جمله مسائلی است که در حوزه مسؤولیتهای آقای هویدا و وزرای او و همچنین در قلمرو مسؤولیت شخص هویدا به خاطر ریاست بر این سازمان قرار دارد طبعاً دولت هویدا و منجمله رئیس سازمان امنیت ایشان و وزیر دادگستری دولت هویدا هرگز فرصت تشکیل یک پرونده قضائی را برای دادگستری مملکت و رسیدگی به این جنایات و فجایع ایجاد نخواهند کرد و رژیم استبداد حاضر نخواهد بود در ... سازمانی که پایه و اساس قدرت دیکتاتوری مطلقه و غارتگریهای افسانه‌ای او را تشکیل می‌دهد افکار عمومی ملت ایران و مردم جهان را آگاه کند ولی ما بدینوسیله مسوولیت مستقیم آقای هویدا و وزرای دولت او را در این جنایات و فجایعی که دهها هزار خانواده ایرانی را عزادار و سی میلیون ملت ایران را به خاموشی و وحشت کشانده است گوشزد می‌کنیم و تعقیب او و وزرای دولت او را به خاطر اعمال غیرقانونی سازمان امنیت یادآوری می‌نمائیم.

قسمت سوم :

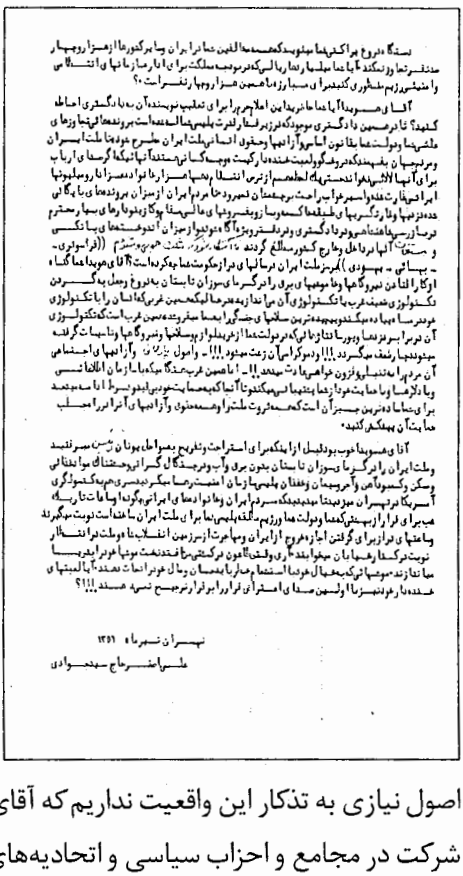

اصل ۲۱ متمم قانون اساسی ایران به صراحت می‌گوید که انجمن‌ها و اجتماعاتی که مولد فتنه دینی و دنیوی و مخل به نظم نباشند در تمام مملکت آزاد است.

ماده بیستم اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌گوید : هر کس حق دارد آزادانه مجامع و جمعیتهای مسالمت‌آمیز تشکیل دهد.

بند دوم همین ماده از اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌گوید : هیچ‌کس را نمی‌توان مجبور به شرکت در اجتماعی کرد.

بند چهارم از ماده بیست و سوم همین اعلامیه می‌گوید : هر کس حق دارد که برای دفاع از منافع خود با دیگران اتحادیه تشکیل دهد و در اتحادیه‌ها نیز شرکت کند. با توجه به این اصول نیازی به تذکار این واقعیت نداریم که آقای هویدا و دولت او حق ملت ایران را در آزادی شرکت در مجامع و احزاب سیاسی و اتحادیه‌های صنفی واقعی سلب کرده و در مقابل شرکت بسیاری از افراد جامعه مخصوصاً کارمندان دولت و اصناف را در حزب رستاخیز به صورت اجبار و تهدید و ارعاب عملی نموده است.

حاجت به تذکار نیست که طرح مسئله حق آزادی تشکیل مجامع و جمعیتهای مسالمت‌آمیز در قانون اساسی خود مبین این حقیقت است که در قانون اساسی، اصل تنوع عقاید و افکار و اختلاف روشهای سیاسی و اجتماعی افراد و اصل انعکاس این افکار و عقاید مخالف و متنوع در مجامع و جمعیتهای مسالمت‌آمیز صریحاً به رسمیت شناخته شده است و مفهوم مخالف آن این است که روح قانون اساسی ما با انعکاس افکار و عقاید افراد ملت به طور یک پارچه در یک حزب واحد دولتی طرد شده است، بنابراین تشکیل یک حزب واحد از سوی دولت و اختصاص میلیونها تومان از بودجه عمومی مملکت برای مخارج حزب رستاخیز مفهومی جز انکار تنوع و

اختلاف عقاید سیاسی و اجتماعی افراد ملت از طرف دولت و انعکاس آن در مجامع مختلف ندارد، به این ترتیب هرگونه وجوهی که برای حزب رستاخیز از بودجه عمومی کشور خرج شود در حقیقت طبق مدلول اصل ۲۱ متمم قانون اساسی در حکم حیف و میل اموال عمومی محسوب و از نظر قضایی جرم و قابل تعقیب می‌باشد.

همان‌طور که گفتیم بارزترین خصوصیت اخلاقی آقای هویدا که اکنون به صورت مزمنی همه دستگاههای دولتی را فراگرفته است دروغگویی و بی‌اعتقادی او به همه مبادی اخلاقی و انسانی و به همه فضایل و مکارم بشری است. این دروغگویی‌های مداوم درباره مسائلی از ضروریات اجتماعی و اقتصادی ملت ایران صورت می‌گیرد که مردم فقدان آن را هر روز و هر ساعت و هر لحظه در زندگی خود حس می‌کنند. آقای هویدا اخیراً در صحبتهای خود حرف از آزادی قلم و آزادی فکر می‌زند و می‌گوید دولت به هیچ‌وجه درباره سانسور قلم و کتاب و فیلم و توقیف و زندانی و شکنجه جوانها به علت خواندن کتاب و ممنوع بودن نویسندگان از نویسندگی و انتشار کتاب دخالت ندارد. آقای هویدا می‌گوید فساد و دزدی و فقر و شکنجه وجود ندارد،بازداشتهای غیرقانونی بازجوئی‌های غیرقانونی همراه با شکنجه‌های هولناک وجود ندارد، محکومیت‌های ظالمانه و غیرقانونی در دادگاه‌های نظامی و بدون حضور هیأت منصفه و بدون کوچکترین حمایت قضائی و قانونی وجود ندارد و محکومینی وجود ندارند که پس از پایان حکم ظالمانه دادگاههای نظامی ماهها‌ست که در زندان مانده‌اند و یا کسانی که ماهها‌ی دراز بدون محاکمه همچنان در بازداشت بسر می‌برند. برای آقای هویدا کلیه گزارشهای محافل بین‌المللی و ناظران خارجی مبنی بر وجود شکنجه در زندانهای ایران دروغ است، بدنهای داغ‌شده و سوخته، پاهای اره شده، چشمهای کور شده، مغزهای کوبیده شده، دستهای شکسته ـ گوشها و شکمهای دریده شکنجه‌شده‌های کمیته سازمان امنیت برای آقای هویدا دروغ است، محکومیت ابدی دختر هفده ساله خانواده رضائی به خاطر نوشتن یک انشای ضدانقلاب شاه و ملت دروغ است. آقای هویدا از این خانواده چهار نفر تیرباران شده و زیر شکنجه مرده‌اند ((سه مرد جوان و یک زن جوان)) و دختر و مادر این خانواده عزادار نیز در زندان رژیم انقلابی شما بسر می‌برد، این است کارنامه شرمناکترین رژیم پلیسی جهان در دولت شما که اگر یک طرفه دروغ نمی‌گوئید و ادعای راستی و درستی دارید اعلام کنید تا این خانواده‌ها از پشت تلویزیون و رادیو ماجرای زندگی خود را برای ملت ایران و مردم جهان بگویند اگر راست می‌گوئید در زندانها را به

روی مردم باز کنید تا بدانند رژیم پلیسی شما با یک مشت مردم اسیر چه معامله‌ای می‌کند. آقای هویدا اگر دروغ نمی‌گویید از زندان خود بپرسید که چرا زندانی‌ها را به جرم تشکیل مجلس ختم برای دکتر علی شریعتی[1] کتک زدید و شکنجه دادید. چرا مأمورین خود را به اسم نمایندگان صلیب سرخ جهانی به زندانیهای بدبخت و از همه جا بی خبر جا زدید و زبان آنها را در شرح فجایعی که سازمان امنیت بر سر آنها آورده است نامردانه گشودید و سپس آنها را به زیر شلاق و شکنجه گرفتید. اگر همه اینها دروغ است بیائید تا با همدیگر و به اتفاق هم این دروغها را ثابت کنیم و به اطلاع مردم برسانیم. برای آقای هویدا همه تنگناها و بن‌بست‌های موجود اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی، فقر شدید اکثریت ملت ایران و ثروتهای افسانه‌ای گروه حاکمه و محارمان و دوستان آنها دروغ است.

برای آقای هویدا فقر اکثریت و ثروت اقلیت، نابودی کشاورزی، فقدان آب و برق و غذا، اختناق و شکنجه و دزدی و غارتگری طبقه حاکمه و متابعت از بیگانگان برای جلب حمایت آنها همه و همه علامات رشد و پیشرفت و نشانه نعمت‌هایی است که از دولت سر آقای هویدا و رژیم اختناق او به ملت ایران ارزانی شده است!!!! در حالی که آقای هویدا از آزادی قلم حرف می‌زند و دخالت دولت را در اختناق فکر و اندیشه مردم ایران انکار می‌کند، بلندگوهای مطبوعاتی و قلم به مزدهای سانسور و تبلیغات دولت هویدا به نویسندگان آزادیخواه و روشنفکران واقعی کشور فحش و ناسزا می‌دهند. آری در دولت آقای هویدا آزادی وجود دارد، آزادی شکنجه و زندان، آزادی هجوم به منازل مردم بیگناه، آزادی کشتن جوانها در خیابانها به دست مأمورین سازمان امنیت آزادی دروغ گفتن و دروغهای بسیار بزرگ گفتن، آزادی تجاوز به ناموس مردم در بیابانهای اطراف تهران ـ آزادی باز کردن کازینوها و اماکن فساد و عشرتکده‌های جوازدار و صاحب پروانه، آزادی استفاده یک طرفه و مطلق از رادیو و تلویزیون برای دروغ‌پراکنی مداوم، آزادی سانسور و اختناق فکر و کتاب و اندیشه و هنر.

آقای هویدا در آخرین مصاحبه خود در روزنامه کیهان صدای مخالفین آزادیخواه ایران را صدای ارباب خارجی می‌نامد که با بلند شدن آن لعبت‌های خنده‌دار هم به قر و غمزه افتاده‌اند.

آقای هویدا، آیا از پشت همان تریبونی که اکنون از سالها قبل به طور دربست در اختیار گرفته‌اید حاضرید به این سؤال جواب بدهید که این کدام ارباب است که اکنون صدای او بلند شده است؟ آیا همان اربابی نیست که با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و با دلارهای خود حکومت استبدادی و

رژیم پلیسی کنونی را بر ملت ایران تحمیل کرد. ما در اینجا از همه اسناد و مدارکی که در این بیست و چهار سال درباره دخالت آمریکا و سیا در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و ساقط کردن دولت ملی و وطن‌دوست دکتر مصدق از طرف محافل خارجی و حتی خود امریکاییها منتشر شده است صرفنظر می‌کنیم و فقط به ذکر یک شاهد از تازه‌ترین شهودی که بر این واقعیت گواهی می‌دهد می‌پردازیم.

آقای هویدا به ماهنامه لوموند دیپلماتیک و به آخرین شماره آن یعنی شماره ۲۸۰ ماه ژوئیه ۱۹۷۷ آن مراجعه کنید. در این شماره مقاله مفصلی در سراسر صفحات دوم و سوم ماهنامه به قلم مارک پلاس زیر عنوان ـ «استقرار سیاست استراتژیک آمریکا ـ رقابت ایران و عربستان سعودی در خلیج» منتشر شده است، در این مقاله تاریخچه تقویت نظامی ایران و فروش سلاحهای پیشرفته آمریکایی به دولت ایران مخصوصاً در دولت نیکسون و فورد تشریح شده است و همچنین تاریخچه‌ای از تحکیم سیاست نظامی آمریکا در ایران با دخالت در سقوط دکتر مصدق و کمک به کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ذکر می‌کند و ما از آن همه مطالب فقط چند جمله کوتاه از آن را برای اینکه صدای ارباب به رغم آقای هویدا و جهت آن بهتر شناخته شود نقل می‌کنم.

آقای مارک پلاس می‌نویسد: از سال ۱۹۵۳ (یعنی از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲) دولت آمریکا با ساقط کردن مصدق و برقرار کردن قدرت مطلقه شاه با تصمیمی قاطع خود را به صورت حامی اصلی رژیم سلطنتی ایران درآورد. و در جای دیگر همین مقاله می‌گوید:

حکومت نیکسون بر تمایلات شاه برای تقویت نظامی و خرید سلاحهای جنگی جواب بسیار مساعدی داد و در تمام دوران حکومت نیکسون فروش سلاحهای پیشرفته و پیچیده به ایران رو به افزایش نهاد و به موازات آن نفوذ آمریکا در منطقه گسترش یافت.

آقای ریچارد هلمز به سمت سفیر آمریکا در تهران منصوب شد و به صورت محور اصلی روابط بین دو کشور ایران و امریکا درآمد و همراه با آن ستاد عملیاتی اداره جاسوسی و ضدجاسوسی آمریکا یعنی سیا از نیکوزیا پایتخت قبرس به تهران منتقل شد و زیر ریاست هلمز که خود رئیس سابق این سازمان بود قرار گرفت. اهمیت روزافزونی که خلیج برای منافع اقتصادی غرب پیدا کرده بود که شامل ۶۰ درصد واردات نفتی برای غرب و نود درصد واردات نفتی برای ژاپن است. افزایش قیمت نفت در اثر بحران اعراب و اسرائیل و تضعیف دو قدرت طرفدار غرب در

منطقه یعنی حبشه و پاکستان و ناتوانی سازمانی و خدماتی ارتش عربستان سعودی برای دخالت نظامی در خارج از مرزهای خود انتخاب ایران را از قبل به عنوان ژاندارم منطقه به وسیله حکومت نیکسون و فورد تو[۲]

آقای هویدا: می‌بینید که یک ناظر و محقق خارجی چگونه با صراحت ارباب رژیم کنونی ایران را نشان می‌دهد و می‌گوید اولاً کودتای ۲۸ مرداد را آمریکاییها انجام دادند و ثانیاً با سقوط مصدق قدرت مطلقه و دیکتاتوری در ایران برقرار کردند و ثالثاً با تصمیمی قاطع در پشت سر این قدرت مطلقه قرار گرفتند و سپس ارتش ایران را به خرج ملت بینوای ایران و به قیمت به دست آوردن میلیادرها دلار پول از طریق فروش سلاحهای خود برای حفظ منافع نفتی غرب به صورت ژاندارم منطقه درآوردند. و به این وسیله خود را از حضور مستقیم و پرخرج و بدنام‌کننده خود در منطقه خلاص کردند. اگر اربابی که آقای هویدا در مصاحبه خود اشاره می‌کند همین است پس بنابراین معلوم می‌شود که این ارباب یا می‌خواهد نوکرهای خودش را عوض کند و یا از زور فشار و غارتگری رژیم استبدادی ایران منافعش به خطر افتاده است. زیرا همین آقای مارک پلاس در همین مقاله در زمینه ضرورت تعویض سلطان قرون وسطایی عمان یعنی سعید بن تیمور و برای وزاندن یک نسیم تجددطلبی مصنوعی در عمان طبق مفاد دکترین نیکسون[۳] که بایستی نوکران نوکران قدیمی و کهنه و از مد افتاده را به نفع رژیمهای قابل قبولتری رها کرد که بتوانند بسته‌های خوش‌ظاهرنماتر و ظاهرفریب‌تری از تجدد و آزادی را به مردم عرضه کنند صحبت می‌کند. نمی‌دانم اگر مقصود آقای هویدا از ارباب همین است چرا و به چه علت‌هایی هویدا از صدای او ناراحت شده است مگر این ارباب همان ارباب نیست که میلیاردها دلار سلاح به دولتهای هویدا فروخت؟ همان اربابی نیست که دولت هویدا بیش از ۵۰ میلیارد دلار حساب تجارتی و دادوستد برای او باز کرده است و به اصرار از او دعوت می‌کند که چرا از این گنجهای افسانه‌ای که ما در اختیار شما می‌گذاریم استفاده نمی‌کنید؟ همان اربابی نیست که دولت آقای هویدا می‌خواهد ۷ فروند از گرانترین هواپیماهای نظامی جهان را که رادارهای پرنده هستند از او به قیمت یک میلیارد و دویست میلیون دلار بخرد؟ و همان اربابی نیست که مسوولین سیاسی ایران و منجمله سفیرش در واشنگتن به کرات او را بهترین دولت و متحد ایران می‌دانید و از کمکها و حمایتهای فراوان او تشکر می‌کنید؟ آقای هویدا چطور است که در ایران هر کس خواهان حقوق انسانی و آزادیهای قانونی و موقوف شدن شکنجه و آزاد شدن زندانیان بی‌گناه و

طرد افراد فاسد و وطن‌فروش از مقامات عالی مملکتی بشود نوکر بیگانه است؟ آقای هویدا جای شما و اعضای دولت شما در اتحاد مثلث (فراماسونری ـ بهائی ـ یهودی) که اکنون به جای ملت ایران حق حاکمیت او را غصب کرده است در کجا قرار دارد؟ آیا ممکن است از دادگستری ایران بخواهید که سوابق ـ مذهبی ـ سیاسی ـ و روابط و وابستگی‌های اقتصادی و مالی و سیاسی ناشی از سوابق اعضای محترم دولت و مقامات عالی حکومت شما را مورد بررسی قرار دهد و گزارش آن را به اطلاع ملت ایران برساند تا همه آگاه شوند که ستون فقرات قدرت رژیم پلیسی شما و سیستم عصبی او به چه مراکز بین‌المللی استعماری پیوند دارد و از اتحاد مثلث چگونه بر مراکز اصلی قدرت سیاسی و اقتصادی و مالی ملت ما چیره شده و چگونه منابع ثروت ما و سرنوشت فرهنگ و استقلال ملی وطن ما را قبضه کرده است؟ آقای هویدا شما در آخرین مصاحبه خود می‌گویید که تنها دادگستری و دادگاههای کشورند که باید نشان دهند کدام اتهام به حق و کدام ناحق است. اگر اعلامیه ۶۵ وکیل دادگستری را بخوانید می‌بینید که در دولت شما برای ملت ایران چیزی به نام دادگستری واقعی که مدافع حقوق و آزادیهای ملت ایران باشد باقی نمانده است. شما حرف از آزادی قلم و اندیشه و موافق بودن دولت شما با حق بیان و آزادی عقیده می‌زنید اما چهل نفر از نویسندگان و هنرمندان کشور ما با بیانیه خود اعلام کردند که در دولت شما چیزی به نام آزادی اندیشه و فکر وجود ندارد. ولی شما به جای جواب به آنها و یا اجازه به مطبوعات برای نشر بیانیه آنها به نویسندگان و روشنفکران مملکت ناسزا گفتید و قلم به مزدان شما در مطبوعات به آنها حمله کردند. شما با آزادی کامل از رادیو و تلویزیون که به ملت ایران تعلق دارد و از پول ملت اداره می‌شود همه دروغهای خود را پخش می‌کنید اما از ساعتهای طولانی تبلیغی که شما و وزرا و اعضای دولت شما از رادیو و تلویزیون صرف شست و شوی مغزی و تحمیق ملت ایران می‌کنید حتی یک لحظه آن را هم در اختیار کسانی که می‌توانند به دروغهای شما جواب دهند نمی‌گذارید و حتی حاضر نیستید در یک مصاحبه با همین لعبت‌های خنده‌دار که اکنون به قول شما به صدای ارباب بیدار شده‌اند شرکت کنید.

دستگاه دروغ‌پراکنی شما می‌نویسد که همه مخالفین شما در ایران و سایر کشورها از هزار و چهارصد نفر تجاوز نمی‌کند. آیا شما میلیاردها ریالی که در بودجه مملکت برای اداره سازمانهای انتظامی و امنیتی رژیم منظور می‌کنید برای مبارزه با همین هزار و چهار [صد] نفر است...؟

آقای هویدا آیا شما حاضرید این اعلام جرم را برای تعقیب نویسنده آن به دادگستری احاطه [احاله] کنید؟ تا در همین دادگستری موجود که در زیر فشار قدرت پلیسی شما له شده است پرونده‌های تجاوزهای علنی شما و دولت شما به قانون اساسی و آزادیها و حقوق انسانی ملت ایران مطرح شود، تا ملت ایران و مردم جهان بفهمند که دروغگو و لعبت خنده‌دار کیست، و چه کسانی هستند آنهایی که اگر صدای ارباب برای آنها لالایی نخواند حتی یک لحظه هم از ترس انتقام دهها هزار خانواده عزادار و میلیونها ایرانی غارت شده و اسیر خواب راحت بر چشمشان نمی‌رود. تا مردم ایران از میزان پرونده‌های بایگانی شده دزدیها و غارتگریهای طبقه حاکمه و بسازوبفروش‌های عالی مقام وکازینودارهای بسیار محترم در بازرسی شاهنشاهی و در دادگستری و در دفتر ویژه آگاه شوند و از میزان اندوخته‌های بانکی و مستغلات آنها در داخل و خارج کشور مطلع گردند تا آشکار شود که مثلث جهنمی و مشئوم ((فراماسونری ـ بهائی ـ یهودی)) بر سر ملت ایران در سالهای دراز حکومت شما چه کرده است؟ آقای هویدا شما گناه از کار افتادن نیروگاه‌ها و خاموشی‌های برق را در گرمای سوزان تابستان به دروغ و جعل به گردن تکنولوژی ضعیف غرب یا تکنولوژی آن می‌اندازید، در حالی که همین غربی که انسان را با تکنولوژی خود در ماه پیاده می‌کند و پیچیده‌ترین سلاح‌های جنگی را به شما می‌فروشد، همین غرب است که تکنولوژی آن در برابر دزدها و پورسانتاژهایی که در دولت شما از خرید لوازم و سلاحها و نیروگاه‌ها و تأسیسات گرفته می‌شود دچار ضعف می‌گردد!!! و دموکراسی آن زشت می‌شود!!! ـ و اصول پارلمانی و آزادیهای اجتماعی آن مردم را به تنبلی و فزون‌خواهی عادت می‌دهد!!ـ اما همین غرب هنگامی که با سازمان اطلاعاتی و با دلارها و با حمایت خود از شما پشتیبانی می‌کند و تا آنجا که به حمایت خود بی‌قیدوشرط ادامه می‌دهد برای شما ساده‌ترین چیز آن است که همه ثروت ملت را و همه حقوق و آزادیهای آن را در راه جلب حمایت آن پیشکش کنید.

آقای هویدا خوب بود قبل از اینکه برای استراحت و تفریح به سواحل یونان و نیس می‌رفتید و ملت ایران را در گرمای سوزان تابستان بدون برق و آب و در چنگال گرانی وحشتناک مواد غذایی و مسکن و کمبود آهن و آجر و سیمان و خفقان پلیسی سازمان امنیت رها می‌کردید سری هم به کنسولگری آمریکا در تهران می‌زدید تا می‌دیدید که مردم ایران و خانواده‌های ایرانی چگونه از ساعات تاریک شب برای فرار از بهشتی که شما و دولت شما و رژیم مطلقه پلیسی شما برای

ملت ایران ساخته است نوبت می‌گیرند و ساعتهای دراز برای گرفتن اجازه خروج از ایران و مهاجرت از سرزمین انقلاب شاه و ملت در انتظار نوبت در کنار خیابان می‌خوابند. آری وقتی طاعون در کشتی من افتد نخست موشها خود را به دریا می‌اندازند. موشهایی که به خیال خود با استشمام خطر باید جان و مال خود را نجات دهند. آیا لعبتهای خنده‌دار خود نیز با اولین صدای اعتراض فرار را بر قرار ترجیح نمی‌دهند!!!؟

تهران تیرماه ۱۳۵۶

علی‌اصغر حاج سیدجوادی [۴]

۱ـ دکتر علی شریعتی در سال ۱۳۱۲ هـ. ش در مزینان از توابع سبزوار متولد شد. پدرش محمدتقی شریعتی اولین معلم او بود. تحصیلات متوسطه را در دبیرستانهای مشهد به پایان برد و پس از گذراندن دوره‌ای در دانشسرای تربیت معلّم، آموزگار یکی از روستاهای خراسان شد. چندی بعد با ورود به دانشگاه مشهد در رشته ادبیات و زبان فارسی فارغ‌التحصیل شد. دکتر شریعتی برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت و در دانشگاه سوربن این کشور در رشته زبان شناسی درجه دکترا گرفت. آشنایی وی با لویی ماسینیون، ژان پل سارتر، ژان برگ، جرج گورویچ و فرانتس فانون بر عمق یافته‌های علمی او افزود. تلاشهای سیاسی دکتر شریعتی در خارج از کشور، به طور جدی ادامه یافت تا جایی که وقتی در سال ۱۳۴۳ به ایران بازگشت در مرز ترکیه دستگیر شد و ۶ ماه به زندان افتاد. پس از آزادی، سخنرانیهای او در دانشگاه مشهد و حسینیه ارشاد تهران توانست جوانان فراوانی را به پای افکار و آراء او بنشاند. وی در سالهای ۱۳۴۷ـ ۱۳۵۰ در حسینیه ارشاد سخنرانی‌ها و سمینارهایی پیرامون جامعه‌شناسی و موضوعات و مباحث اسلامی و دینی ترتیب می‌داد. دکتر شریعتی در سال ۱۳۵۶ به انگلستان رفت و پس از اندکی در خرداد ماه سال ۱۳۵۶، به طرز مشکوکی درگذشت و پس از انتقال به سوریه در زینبیه دمشق دفن شد.

۲ـ در اصل سند افتادگی دارد.

۳ـ ریچارد نیکسون متولد ۱۹۱۳ م. دوران کودکی خود را با فقر و فلاکت طی کرد. پس از سپری کردن تحصیلات حقوقی از دانشگاه هاروارد وارد نیروی دریایی امریکا شد و به اقیانوس آرام سفر کرد. در ۱۸۵۰ در انتخابات مجلس سنا پیروز شد. پس از انتخاب آیزنهاور به عنوان ریاست جمهوری در سن ۳۹ سالگی به عنوان معاون وی انتخاب شد. در انتخابات بعدی به رقابت باکندی پرداخت و با اختلاف اندکی شکست را پذیرا شد. پس از شکست به کالیفرنیا بازگشت. در سال ۱۹۴۹ به نیویورک سفر کرد و در یکی از کارخانه‌های مشهور وال استریت مشغول شد. در انتخابات بعدی به ریاست جمهوری امریکا رسید. از مهمترین کارهای او خارج کردن سربازان آمریکا از ویتنام و تجدید روابط با چین بود. لیکن در ۱۹۴۷ پس از رسوایی ماجرای موسوم به «واترگیت» از سمت خود استعفا داد. وی در سن ۸۱ سالگی در ۱۹۹۴ درگذشت.

۴ـ علی‌اصغر حاج سید جوادی در سال ۱۳۰۴ ش در تهران متولد شد. کارشناسی رشته حقوق را در دانشگاه تهران و دکترای فلسفه را از دانشگاه سوربن فرانسه گرفت. حاج سید جوادی ابتدا به عضویت حزب توده ایران درآمد. در جریان انشعاب همراه خلیل ملکی و جلال آل احمد به حزب زحمتکشان ملت ایران و سپس نیروی سوم پیوست. پس از کودتای ۲۸ مرداد به عضویت جامعه سوسیالیست های نهضت ملی درآمد و در کنار کار سیاسی به فعالیت های

مطبوعاتی روی آورد. در روزنامه «داریا» حسن ارسنجانی مقاله می‌نوشت. زمانی با روزنامه اطلاعات و سپس کیهان همکاری می‌نمود با تأسیس کانون نویسندگان به عضویت کانون درآمد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی «جنبش سیاسی» را پایه‌گذاری نمود. با شدت فعالیت های منافقین به سازمان پیوست. پس از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ به فرانسه پناهنده شد و به عضویت شورای مقاومت ملّی پذیرفته شد. پس از مدّتی از شورا اخراج گردید و به‌کار مقاله نویسی در نشریات ملی بعضاً نزدیک به محافل سلطنت طلبان مشغول شد.

از آثار اوست:

بحران ارزشها، حکایت همچنان باقی است، فرهنگ جهان سوم، اعراب و اسرائیل و...

از راست ۱ـ... ۲ـ مهرداد پهلبد ـ ۳ـ پرویز ناتل خانلری ۴ـ هویدا ۵ـ احسان نراقی

تاریخ: ۱۳۵۶/۵/۱

نامه سرگشاده به آقای هویدا

در شامگاه پنج‌شنبه بیست و سوم تیرماه که «بدقولی خارجی» و «بدشانسی شما» و ضعف «تکنولوژی غرب» بعدگسترده‌ای یافته و کار خاموشی روزمره برق به جایی رسیده بود که برای نخستین بار تلویزیون هم برنامه خود را قطع کرد در زیر نور شمع و در گرمای طاقت‌فرسا در حالی که دورنمای «تمدن بزرگ» ادعایی جلوی دیدگان خیالم خودنمایی می‌کرد نگاهی به روزنامه کیهان انداختم.

عنوانهای درشت مصاحبه اختصاصی شما با سردبیر آن روزنامه که چند صفحه را پر کرده بود نظرم را به خود جلب کرد.

سراپای آن تکرار گزافه گوییهای گذشته بود «ملت ایران در این مدت دراز که زمامداری کشور را به عهده دارید بخوبی فهمیده است که شما از پیروان راستین مکتبی هستید که اعتقاد دارند «دروغ هر چه بزرگتر باشد باورکردنی‌تر است».

در آن مصاحبه شما به یک رشته سخن‌پردازی درباره «پیشرفتهای بی‌سابقه» نه تنها در دوره «برنامه پنجم» بلکه در «پانزده ساله» گذشته پرداخته و همه تنگناهای کشور را زائیده «پیشرفتها» و «انقلاب» تلقی کرده بودید بی‌آنکه روشن کنید این چگونه انقلابی است که تنگناآفرین شده و این چگونه پیشرفتی است که زندگی نابسامان و سردرگم کنونی مردم ایران را ساخته.

اگر در بررسی‌ای که از این «پانزده ساله» کرده‌اید آن همه عاشقانه از کارهای خود سخن نمی‌گفتید و آماری از پیشرفتهای ایران در کار کشاورزی، صنعت، آموزش و پرورش، بهداشت و

تأمین مسکن و سایر زمینه‌های زندگی اجتماعی و اقتصادی بدست می‌دادید من هم می‌توانستم با شیوه‌ای علمی نادرستی این ادعا راکه ایران در پانزده ساله گذشته پیشرفتی بنیادی کرده است نشان دهم و فاجعه عظیمی راکه زیر نام «اصلاح و انقلاب» در کشور رخ داده و طبق قانون اساسی شما به عنوان نخست‌وزیر با همه وزیرانی که در این مدت بر سر کار بوده‌اند مسئولیت تام و تمام آن را به عهده دارید ثابت می‌کردم.

اما آنچه در مصاحبه شما مرا به سختی دچار شگفتی کرد قسمتهایی بود که نظر روزنامه کیهان را هم به خود جلب کرده و جمله‌ای از آن را به صورت تیتر در چند صفحه تکرار کرده بود.

شما گفته بودید «هنوز هم شاید اشباح متعلق به گذشته وجود داشته باشد که یادآور کاریکاتورهایی از روح سرگردان اپرا هستند آنها نمی‌توانند بدون ارباب خارجی زندگی کنند» و در جای دیگر اضافه کرده‌اید «افراد انگشت‌شماری که هر چند سال یک بار یک ارباب خارجی جدید کشف می‌کنند متعلق به دنیای نمایش روحوضی هستند، آنها هر چند سال یک بار به این تصور که صدای تشویق‌آمیز ارباب خارجی را شنیده‌اند از خواب بیدار می‌شوند و سروصدایی به راه می‌اندازند این افراد پیش از انقلاب شاه و مردم کم و بیش مضحک بودند اما امروز صددرصد خنده‌آور هستند این لعبت‌ها پیش از انقلاب سرنخهایی به اینجا و آنجا داشتند اما امروز تنها به امید آن سرنخها قر و غمزه‌ای ارائه می‌دهند»

آقای هویدا از این قسمت از گفتار شما به سادگی نمی‌توان گذشت و کلی‌بافی کردن درباره کسانی که «ارباب خارجی» دارند در شأن یک نخست‌وزیر که باید خود را در پیشگاه تاریخ و در برابر منافع ملت مسئول بشناسد پذیرفتنی نیست. مردم ایران بیش و کم می‌شنیدند در سطح

(۲)

اعتقادی به گفته خود دارید. هر فرد ایرانی بیصبرانه انتظار دارد افرادی را که "صدای ارباب خارجی از خواب بیدار کرده" معرفی شوند و بهم گیفر ارتباط زشت و ضد ملی خود برسند.

اما آقای هویدا آنچه در این میانه بسیار ناشیانه آورده، لحن وقیحانه گفتار شما و گله های رکیک بود که بکاربرده بودید. براستی شما فراموش کرده اید در چه کارهستید و بجای چه کسانی قرار گرفته اید. شما از یاد برده اید برگرس نخست وزیری ایران نشسته اید که یک روز نام حقارت بار و ماهر کمپانی نفت ایران انگلیس داشت و پس از شروعیت مردانی چون مصدق السلطنه، عبدالله و دکتر محمد فاطمی قرار گرفته اید و حتی نخست وزیرانی هم که این مسلح را در گذشته کیانی چون قریب و یارانش بودند.

در پرتو سیاست ایران از سالهای سیر نا کنون عبرگر دیده شده است که صاحب منصبان انگلیس سخن را به چنین پایه ای برسانند و در زمینه مسائل ملی لحنی بکار برند که تنها از زبان خانگسران برنامه گانه های جاسوسی شنیده می شود که در آن مردانی که لباس ننگین خدمت بر تن نموده و با زبانی بالکنه و صدا با ادا و اطوار بروی صحنه میآیند شنیده میشود.

در اینجا باید گفت شما دو بیان "این همه ها و گله ها" شخصیت ایرانی خود را بازیافته و نشان داده اید این چنین سخن گفتن تنها میتواند در خور غلام عباس خویش باشد.

غلام عباس هویدا ای که پدرش حبیب الله امین الملک خانه زاد عباس اند و پیشوای نیاکان بوده و حتی نام گذاری او باین مناسبت انجام گرفته و نیاکان بادیش محمد خان سردار جان جاسوس شناخته و ژنرال پاسیچ در جنگ ایران و روس بوده که خیانت او و پسرانش حسن خان سردار و حسین خان سردار را یکی از "حیات ایمه" شخصیت ایران و انعقاد قرارداد ننگین ترکمانچای نوشته اند.

غلام عباس هویدا ای که عضو محترمی از توطئه های فراماسونری در ایران است و مجله خواندنیها در شماره ۴۰/۹ سال هفتم تاریخ ۱۳۲۶/۱۱/۱۹ خود درباره وی مینویسد "موجب خبر رادیو پاریس ضمن ایرانیان توقیف شده در پاریس به اتهام قاچاق یک نویسنده، سه روزنامه نویس سه عضو سفارت، یک مرهنگ و یک تاجر بزرگ میباشند بموجب خبر بعدی تقریبا" پنجاه نفر تا کنون دستگیر شده اند از جمله آقایان امیر عباس هویدا پسر اول سفارت ..... در یادداشتی که دولت فرانسه بایران داده تذکر شده است که تحقیق دیپلوماتیک شناخته و مدارک او نیز معین است ولی تعقیب کند. یادآور شده است که پاریس از چه محلی خودداری شده است".

پس چندان هم تعجب آور نیست اگر غلام عباس خود و یا چنان خانواده خویش سابقه ای و یا چنین گذشته درخشانی این اطلاعیهای ناشایسته را که بر شاه در محفلهای شبانه آموخته است بسران دیگران بگوید.

دستگاه حاکمه کسانی که برای مدتی تابعیت خارجی را پذیرفته بودند یاکسانی که هنوز هم «برگ سبز» اشتغال در کشورهای بیگانه را در جیب دارند یافت می‌شوند، مردم می‌دانند که شما به دستیاری همین کسان با انجام برنامه‌های خاص درآمد سرشار نفت ایران را به باد چپاول دادید و بخش عمده آن را بار دیگر به کشورهای خارجی برگرداندید و کشاورزی و دامداری را به روزی انداختید که مردم برای تغذیه روزمره خود هم نیازمند خارجیان هستند و شما با کمک همین اشخاص زیر عنوان «سیاست مستقل ملی» هر روز تسلیم آزمندیهای یک کشور خارجی شدید و با جسارت بی‌مانندی به جدایی رسمی گوشه‌هایی از این سرزمین بی‌هیچ نظرخواهی از مردم تن در دادید و در جای دیگر از پشت بر مبارزان کرد که برای کسب حقوق انسانی خود قیام کرده بودند خنجر زدید.

اما خوب پیدا بود شما که به همکاری با این نورچشمی‌ها عادت کرده‌اید روی سخنتان با کسانی است که در برنامه «انقلاب» ادعایی شرکت نداشته‌اند و باید آنها را در بیرون از دستگاه حاکمه و در میان مردم جستجو کرد ولی در هر صورت کسانی که به قول شما «با صدای ارباب خارجی از خواب بیدار می‌شوند» یا به عبارت ساده‌تر دست‌نشانده بیگانه باشند در هر کجا هستند وجودشان بزرگترین خطر را برای استقلال کشور دارد و یک نخست‌وزیر نباید درباره وجود این چنین کسانی به بذله گویی رامشگرانه اکتفا کند و وظیفه دارد این اشخاص را با نام و نشان به ملت ایران بشناساند.

شما که از وجود این همه دستگاههای پرعرض و طول اطلاعاتی، امنیتی و انتظامی برخوردار هستید و در این «پانزده ساله» به یاری همین دستگاهها کوچکترین جنبشی را در هر گوشه

(۱)

آقای هویدا من در این تاه باهمان شیوه ای سخن گفتم که در خوزستان بود و بسیار برایم تأسف آور است که ملت ایران به اعمار سالیان دراز چون شما را در مقام نخست وزیری تحمل میکند که بنا چار این بی آبروهای ناهنجار نیز بوجود آید .

شما در سخنان خود از " افراد خدمتگذار " سخن گفته اید بیائید ما بخدمتان خود خلوت کنیم و در آن خلوت یکبار دیگر به عکسی که از شما در لباس مردم ساده و دل " دختره ایرانی " که هرگز شایستگی که خدائی آنها را هم ندارید اید انداخته اید نگاه کنید آیا خاصیتگ زدن لباس آن مردم شرافتمند با آن کلاه کپی وصاو وبیب فرنگی مآبانه در کنار چهره ای که دست آفرینش در ساختن آن هنر خاصی بکار برده احمدیکی از خدمتگزارترین ربدهایان روزگار نمیباشد ؟ آقای هویدا شما در مصاحبه خود با آنهمه اضطراب که در آن نهفته بود نشان دادید که به گفته شما " آب در خانه خوبیکان اندازه است " و شعور آنچه را که از شما مد انتظار است و باید که سرانجام روزی به میان مردم برده میشد بیرون تافته آورد م اگـــر کوچکترین حقیقتی در وجود مزاج دارید بیائید بجای سخن گفتن در برابر جایلوسان بله قربان گو و بـه قاضی رفتنهای یکدیگه ، در یک مصاحبه واد بر شیونیزم باستانگرای بخود نمود تا مردم ایـــران داوری کنند که شما کیستید و آنها کیانند .

- آقای هویدا ، اگر در گفتار من غلط دیدید می بینید به عنوان اعتراض به دادگستری که تأسیس امامی آنرا " موجب رسمی تخلفات عمومی " دانسته است شکایت برید تا با دادگاه دلیل و مدارک زنده آنچه را گفته ام ثابت نمایم .

ابوالفضل قاسمی

۱۳۵۳/۱۰/۱۰

ایران به شدت سرکوب کرده‌اید و صدها جوان مبارز ایرانی را بـه خـاک و خـون کشـانده‌ایـد، خوب بود دسـتور دهـید ایـن سـازمانها هـمه نیروی خود را به‌کار اندازنـد و مـدارک ارتـباط کسانی راکه «نمی‌توانند بدون ارباب خـارجـی زندگی کـنند» بدست آورند و پرونده اتهامی آنها را به دادگاه‌های صلاحیت‌دار می‌فرستادید تـا در برابر دیدگان مردم به دادرسی کشیده شوند و به‌کیفر برسند.

خوب پیدا است که خودتان هم این گفته‌های پر از ابتذال را باور ندارید وگرنه در بـرخـورد بـا یک خـــطر بـزرگ مـلـی بـه جـمله‌پردازی بی‌سروتهی در یک مصاحبه اکتفا نمی‌کردید و به هر حال اگر کوچکترین اعـتقادی بـه گـفته خود دارید هر فرد ایرانی بی‌صبرانه انتظار دارد افرادی راکه «صدای ارباب خارجی از خواب بیدار کرده» معرفی شوند و به‌کیفر ارتـباط زشت و ضدملی خود برسند.

اما آقای هویدا آنچه در این میانه بسیار تأسف‌آور بود لحن وقیحانه گفتار شما وکلمه‌های رکیکی بود که بکار برده بودید، به راستی شما فراموش کرده‌اید در چه کار هستید و به جای چه کسانی قرارگرفته‌اید، شما از یاد برده‌اید بر کرسی نخست‌وزیری ایران نشسته‌اید که یک روز قائم‌مقام و امیرکبیر بر آن می‌نشسته‌اند و پس از مشروطیت مردانی چون مستوفی‌الممالک، مشیرالدوله و دکتر مصدق بر آن تکیه داشتند و حتی نخست‌وزیرانی هم که این سطح را نداشتند کسانی چون فروغی و قوام بودند.

در صحنه سیاست ایران از سالهای دور تاکنون هرگز دیده نشده است که صاحب مقامی ابتذال سخن را به چنین پایه‌ای برساند و در زمینه مسائل ملی لحنی بکار برد که تنها از زبان تماشاگران برنامه کافه‌های جاهلی شهر که در آن مردانی به لباس زن می‌رقصند و یا زنانی باکلاه و عصا با ادا

و اطوار به روی صحنه می‌آیند شنیده می‌شود.
در اینجا باید گفت شما در بیان «این جمله‌ها و کلمه‌ها» شخصیت اصلی خود را بازیافته و عریان نشان داده‌اید این چنین سخن گفتن تنها می‌تواند در خور غلام عباس هویدا باشد.
غلام عباس هویدایی که پدرش حبیب‌الله عین‌الملک خانه‌زاد عباس افندی پیشوای بهائیان بوده و حتی نام‌گذاری او به این مناسبت انجام گرفته و نیای مادریش محمدخان سردار همان جاسوس سیانف و ژنرال پاسکیویچ در جنگ ایران و روس بوده که خیانت او و پسرانش حسن خان سردار و حسین خان سردار را یکی از «جهات اربعه» شکست ایران و انعقاد قرارداد ننگین ترکمانچای نوشته‌اند.
غلام‌عباس هویدایی که عضو حقیر یکی از لژهای فراماسونری در ایران است و مجله خواندنیها در شماره ۴۹/- سال هفتم تاریخ ۱۳۲۵/۱۱/۱۹ خود درباره وی می‌نویسد «به موجب خبر رادیو پاریس ضمن ایرانیان توقیف شده در پاریس به اتهام قاچاق یک نویسنده، سه روزنامه‌نویس سه عضو سفارت، یک سرهنگ و یک تاجر بزرگ می‌باشند به موجب خبر بعدی تقریباً پنجاه نفر تاکنون دستگیر شده‌اند از جمله آقایان امیرعباس هویدا دبیر اول سفارت... در یادداشتی که دولت فرانسه به ایران داده قید شده است که حقوق دبیر اول شما معلوم و مخارج او نیز معین است ولی تحقیق کنید ویلای مشارالیه در خارج پاریس از چه محلی خریداری شده است»
پس چندان هم تعجب‌آور نیست اگر غلام عباس هویدا با چنان خانواده خوش‌سابقه‌ای و با چنین گذشته درخشانی این اصطلاحهای ناشایسته راکه بی‌شک در محفلهای شبانه آموخته است برای دیگران بکار برد.
آقای هویدا من در این نامه با همان شیوه‌ای سخن گفتم که درخورتان بود و بسیار برایم تأسف‌آور است که ملت ایران به اجبار سالهای دراز چون شمایی را در مقام نخست‌وزیری تحمل می‌کند که به ناچار این پی‌آمدهای ناهنجار نیز بوجود آید.
شما در سخنان خود از «افراد مضحک» سخن گفته‌اید بیائید با وجدان خود خلوت کنید و در آن خلوت یک بار دیگر به عکسی که از شما در لباس مردم ساده‌دل «دهکده ابیانه» که هرگز شایستگی کدخدایی آنها را هم ندارید انداخته‌اند نگاه کنید آیا هماهنگ کردن لباس آن مردم شرافتمند با آن کلاه کپی و عصا و پیپ فرنگی‌مآبانه در کنار چهره‌ای که دست آفرینش در ساختن آن هنر خاصی بکار برده است یکی از مضحک‌ترین دیدنیهای روزگار نمی‌باشد؟ آقای

هویدا شما در مصاحبه خود با آن همه اضطراب که در آن نهفته بود نشان دادید که به گفته نیما «آب در خانه مورچگان افتاده است» و من هم آنچه را که از شما می‌دانستم و باید که سرانجام روزی به میان مردم برده می‌شد بر روی کاغذ آوردم اگر کوچکترین حقیقتی در خود سراغ دارید بیائید به جای سخن گفتن در برابر چاپلوسان بله قربان‌گو و به قاضی‌رفتنهای یکجانبه، در یک مصاحبه رادیو تلویزیونی با مخالفان خود روبرو شوید تا مردم ایران داوری کنند که شما کیستید و آنها کیانند.

آقای هویدا، اگر در گفتار من خلاف واقعی می‌بینید به عنوان افترا به دادگستری که قانون اساسی آن را «مرجع رسمی تظلمات عمومی» دانسته است شکایت برید تا با دلایل و مدارک زنده آنچه را گفته‌ام ثابت نمایم.

ابوالفضل قاسمی [۱]

۱۳۵۶/۵/۱

۱ـ ابوالفضل قاسمی فرزند تقی در سال ۱۳۰۰ هـ ش در یکی از شهرهای استان خراسان (درگز یا قوچان) به دنیا آمد. مشارالیه یک نوبت به اتهام عضویت در حزب توده دستگیر شد که از این اتهام تبرئه گردید و از سال ۱۳۴۳ با مقرری مناسب به همکاری با ساواک پرداخت.

ابوالفضل قاسمی در سال ۱۳۵۰ مدتی در بندرعباس بود و سپس به تهران مراجعت کرد و در کتابخانه دانشگاه تهران مشغول به کار شد. وی که عضویت شورای مرکزی جبهه ملی را داشت و مدتی دبیر کل حزب ایران نیز بود، در سال ۵۶، متصدی کتب خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران شد و در آذر ۵۷ با عنوان متصدی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، بازنشسته شد.

اهمیت همکاری وی برای ساواک به حدی بود که گزارشات وی با درجهٔ عالی ارزیابی گردید و تنها برای یک فقره گزارش از محافل سران جبهه ملی و نهضت آزادی در سال ۵۷، مبلغ ۵۰۰/۰۰۰/ ریال تشویقی دریافت کرد.

مشارالیه که در سال ۱۳۵۷ به رهبری حزب ایران رسیده بود و از مدافعان شاهپور بختیار بود، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با وی در طرح کودتا شرکت کرد که به همین علت دستگیر و محاکمه شد.

به : ۳۴۲ تاریخ : ۳۶/۵/۳ [۵۶]

از : ۲۰ ه ۲۲ شماره : ۲۰/۶۲۹۴۹ ه ۲۲

موضوع : نخست‌وزیر

در تاریخ ۳۶/۵/۱ در بین کارمندان مرکز آموزش مدیریت دولتی وابسته به سازمان امور استخدامی کشور شایع بود که شاهنشاه آریامهر بـه عـلت قـطع بـرق و فـلج شـدن فـعالیتهای اقـتصادی از آقـای هـویدا سـخت ناراحت شده‌اند و گزارشاتی که در مجلس سنا تنظیم شده و ایشان مـی‌خواسـته‌انـد تـقدیم حضورشان نماید شاهنشاه گزارش را نگرفته و آن را بـه سـمت ایشـان انـداخـته‌انـد و فـعلاً نخست‌وزیر منتظر تحولات سیاسی آینده در مسیر اراده شاهنشاه می‌باشند.

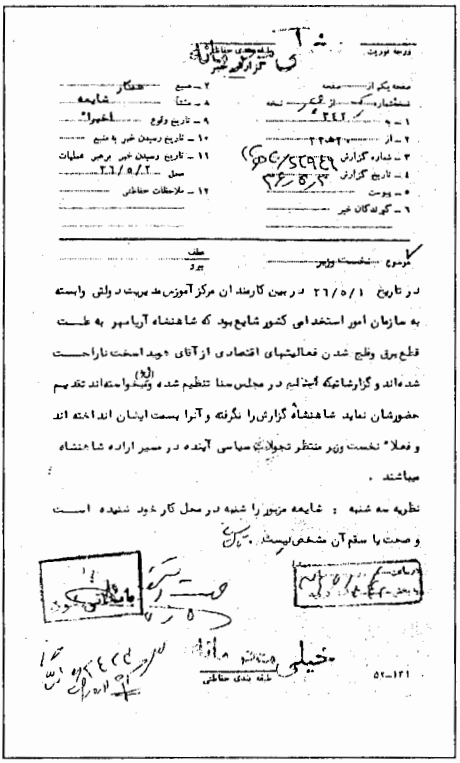

نظریه سه شنبه : شایعه مزبور را شنبه در محل کار خود شنیده است و صحت یا سقم آن مشخص نیست. تاکستانی

جهت استحضار ۷/۵

اصل ۶۲۴۲۳ بایگانی شده است

به : ۳۴۲ تاریخ : ۳۶/۵/۵ [۵۶]

از : ۲۰ ه ۲۵ شماره : ۲۰/۸۰۳۲۴ ه ۲۵

موضوع : شایعه سوءقصد به نخست‌وزیر

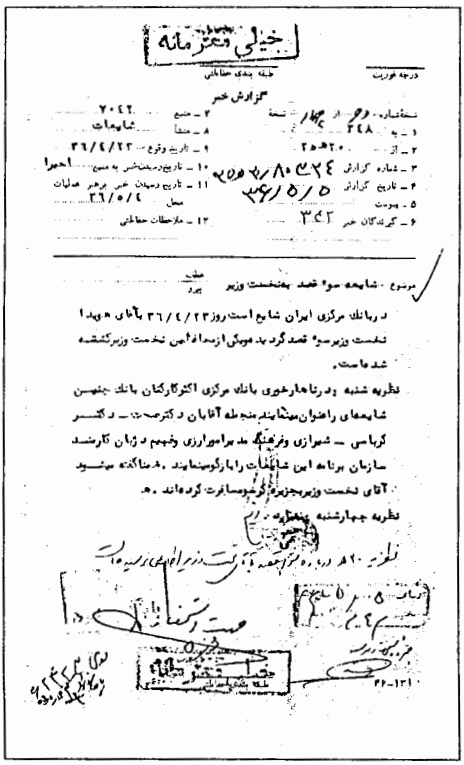
خیلی فوری

درجه فوریت

گزارش خبر

شماره ۲۴۸ ۲ ـ منبع ۲۰۴۲

۱ ـ به ۸ ـ منطقه شایعات

۲ ـ از ۲۰ ه ۲۵ ۹ ـ تاریخ وقوع ۳۶/۴/۲۳

۳ ـ شماره گزارش ۲۰/۸۰۳۲۴ ۱۰ ـ تاریخ رسیدن خبر به مبدأ احضرا

۴ ـ تاریخ گزارش ۳۶/۵/۵ ۱۱ ـ تاریخ رسیدن خبر برهم عدلیات

۵ ـ پیوست ندارد ۳۶/۵/۶

۶ ـ گیرندگان خبر ۳۴۲ ۱۲ ـ ملاحظات حفاظتی

موضوع ـ شایعه سوء قصد بنخست وزیر

مقدمه

در بانک مرکزی ایران شایع است روز۳۶/۴/۲۳ بآقای هویدا نخست وزیرسوء قصد گردیده ویکی ازمحافظین نخست وزیرکشته شده است.

نظریه شنبه ودرناهارخوری بانک مرکزی اکثرکارکنان بانک چنین شایعه‌ای راعنوان میکنند منجمله آقایان دکتر صحت ـ دکتر کرباسی ـ شیرازی وفرهنگ مدیرامورارزی وفهیم دژبان کارمند سازمان برنامه این شایعات رابازگومینمایند .ضمناگفته میشود آقای نخست وزیرجزیره کرسومسافرت کرده‌اند .ه.

نظریه چهارشنبه ندارد

۴۶ـ۱۳۱

مسافرت کرده‌اند.

نظریه چهارشنبه : ندارد....

نظریه ۲۰ ه: درباره سوءقصد به آقای نخست‌وزیر اطلاعی نرسیده است

جهت استحضار ۵/۶

محترماً به استحضار می‌رسد

روی ۶۲۴۲۳ بایگانی شود... ۳۶/۵/۱۶

به : ۳۴۲ تاریخ : ۳۶/۵/۹ [۵۶]

از : ۲۰ ه ۱۱ شماره : ۲۰/۱۲۹۴۶ ه ۱۱

موضوع : شایعه برکناری نخست‌وزیر

پیرو ۲۰/۲۲۱۹۹ ه ۱۲ ـ ۳۶/۵/۶

در هفته‌های اخیر کم و بیش شایع شده است که ممکن است هویدا از طرف شاهنشاه برکنار شود و دلیل آن را عدم موفقیت دولت درباره مسکن ـ برق و سایر مشکلات می‌دانند و برای شاهد و یا اثبات این ادعا به سخنرانی اخیر چند وکیل مجلس شورای ملی استناد می‌کنند که به دولت درباره مسکن تاخته‌اند و گفته‌اند دولت همه را با وعده و دروغ صاحب خانه و آپارتمان کرده است و سخنرانی اخیر آقای انصاری نیز مزید بر علت شده تا همه بیشتر به این شایعه دامن بزنند.

نظریه شنبه : آنچه که معلوم است و بر همه پوشیده نیست این است که در ظرف ۱۰ سال اخیر قیمت خانه‌ها و اجاره‌خانه و غیره تا ده برابر ترقی کرده است در حالی که درآمد کلی مردم و به ویژه کارمندان دولت شاید یک برابر بیشتر نشده و متأسفانه دولت هویدا با تمام تبلیغ و سروصدایی که بعضاً راه می‌اندازد تاکنون نتوانسته جلوی ترقی کاذب قیمتها را بگیرد و در این رهگذر به مردم طبقه پایین و بخصوص کسانی که فاقد مسکن هستند بیشتر از همه ظلم شده و می‌شود و این موضوع باعث یک نارضایتی عمومی در سطح اکثریت کشور شده است که ادامه این موضوع به صلاح مملکت نیست و به قول خیلی‌ها لایحه مالک و مستأجر نیز که بالاخره پس از ۴/۵ سال از تصویب نهائی گذشت هیچ مشکلی را حل نخواهد کرد.

نظریه یکشنبه : نارضایتی اکثریت مردم که به طور مسلم پایه و مسبب اصلی بیشتر فعالیتهای مضره و سیاسی و مستمسک خوبی برای تبلیغ عوامل مخالف و وابسته به دستجات و گروههای

خرابکار می‌باشد در شرایط فعلی کشور موضوعی نیست که دست کم گرفته شود و ادامه آن مشکلات زیادی برای مراجع مسئول و ساواک بوجود می‌آورد و احتیاج به چاره‌جویی اساسی دارد. بدیع

نظریه سه شنبه : نظریه یکشنبه تایید می‌گردد. عارف

نظریه چهارشنبه : نظریه سه شنبه تایید می‌گردد. مشاهیر

روی ۶۲۴۲۳ بایگانی شود.. ۳۶/۵/۱۷

۱۳۵۶ ـ مراسم تودیع هویدا در نخست‌وزیری به همراه جمشید آموزگار

به : ۳۴۲ تاریخ : ۳۶/۵/۱۳ [۵۶]

از : ۷/ه‌ ۳ شماره : ۱۴۲۹۳/ه‌ ۳

موضوع : اعلامیه

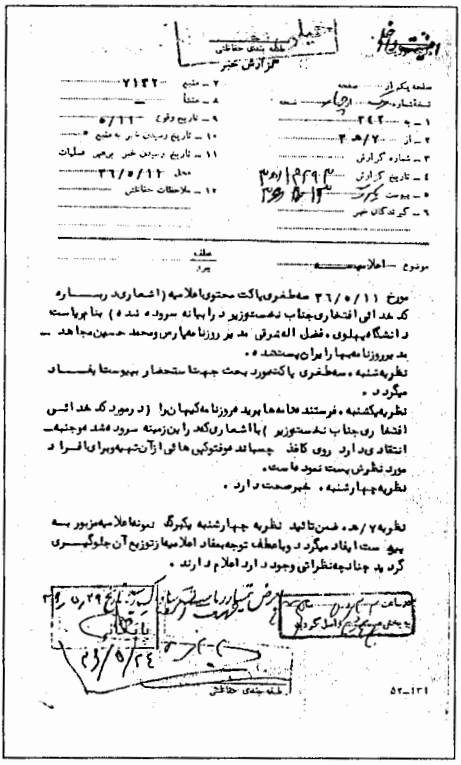

مورخ ۳۶/۵/۱۱ سه طغری پاکت محتوی اعلامیه (اشعاری درباره کدخدائی افتخاری جناب نخست‌وزیر در ابیانه سروده شده) به نام ریاست دانشگاه پهلوی. فضل‌الله شرقی مدیر روزنامه پارس و محمدحسین مجاهد مدیر روزنامه بهار ایران پست شده.

نظریه شنبه : سه طغری پاکت مورد بحث جهت استحضار به پیوست ایفاد می‌گردد.

نظریه یکشنبه : فرستنده نامه‌ها بریده روزنامه کیهان را (در مورد کدخدایی افتخاری جناب نخست‌وزیر) با اشعاری که در این زمینه سروده شده و جنبه انتقادی دارد روی کاغذ چسبانده و فتوکپی‌هایی از آن تهیه و برای افراد مورد نظرش پست نموده است.

نظریه چهارشنبه : خبر صحت دارد.

نظریه ۷/ه‌ : ضمن تایید نظریه چهارشنبه یک برگ نمونه اعلامیه مزبور به پیوست ایفاد می‌گردد و با عطف توجه به مفاد اعلامیه از توزیع آن جلوگیری گردید چنانچه نظراتی وجود دارد اعلام دارند.

جهت استحضار ۳۶/۵/۲۹

به عرض تیمسار ریاست ساواک رسید ـ تاریخ ۳۶/۵/۲۹

از طرف مردم و به طور افتخاری
نخست‌وزیر کدخدای «ابیانه» شد.

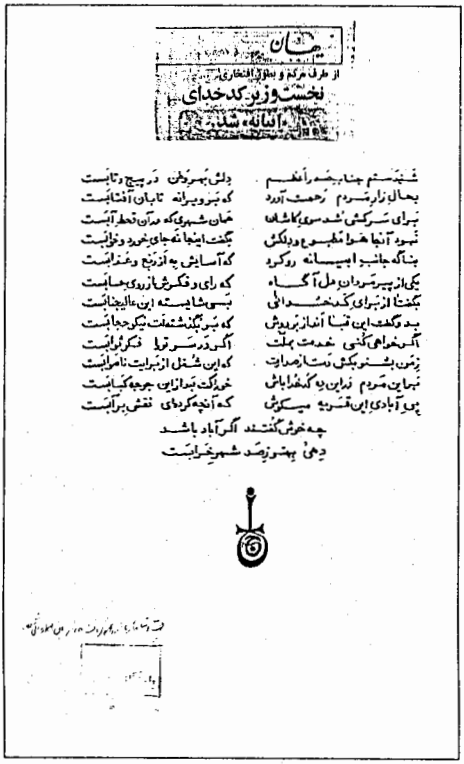

شنیدستم جناب صدر اعظم
دلش بهر وطن در پیچ و تابست
بحال زار مردم رحمت آورد
که بر ویرانه تابان آفتابست
برای سرکشی شد سوی کاشان
همان شهری که در آن قحط آبست
نبود آنجا هوا مطبوع و دلکش
بگفت اینجا نه جای خورد و خوابست
بناگه جانب ابیانه رو کرد
که آسایش به از رنج و عذابست
یکی از پیرمردان دل آگاه
که رای و فکرش از روی حسابست
بگفتا از برای کدخدایی
بسی شایسته این عالیجنابست
بدو گفت این قباانداز بر دوش
که بر بگذشته‌ات نیکو حجابست
اگر خواهی کنی خدمت بملت
اگر در سر تو را فکر ثوابست
ز من بشنو بکش دست از صدارت
که این شغل از برایت ناصوابست
بر این مردم در این ده کدخدا باش
خوراکت بعد از این جوجه کبابست
پی آبادی این قریه میکوش
که آنچه کرده‌ای نقش بر آبست
چه خوش گفتند اگر آباد باشد
دهی بهتر ز صد شهر خرابست

جهت استاندار مازندران و کرمانشاهان نیز این نامه ارسال شده.

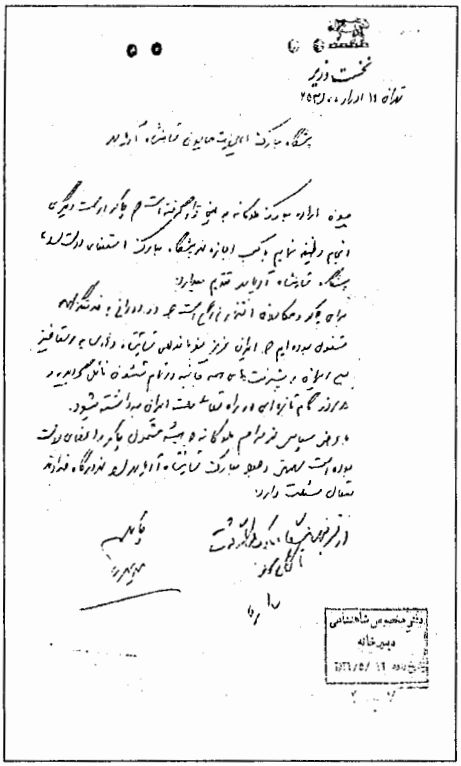

تاریخ: ۱۵ امردادماه ۲۵۳۶ [۱۳۵۶]

پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون

شاهنشاه آریامهر

چون اراده مبارک ملوکانه به این قرار گرفته است که چاکر در سمت دیگری انجام وظیفه نمایم باکسب اجازه از پیشگاه مبارک استعفای دولت را به پیشگاه شاهنشاه آریامهر تقدیم می‌دارد.

برای چاکر و همکاران افتخار بزرگی است که در دورانی به خدمتگزاری مشغول بوده‌ایم که ایران عزیز به فرماندهی شاهنشاه و در سایه رستاخیز ملی ایران به پیشرفت‌های همه جانبه در تمام شئون نائل گردیده و هر روزگام تازه‌ای در راه تعالی ملت ایران برداشته می‌شود.

با عرض سپاس از مراحم ملوکانه که همیشه مشمول چاکر و اعضای دولت بوده است سلامتی وجود مبارک شاهنشاه آریامهر را از درگاه خداوند متعال مسئلت دارد.

چاکر هویدا

از شرف عرض پیشگاه مبارک ملوکانه گذشت ...

۵/۱۷

تاریخ : ۳۶/۵/۱۵ [۵۶]

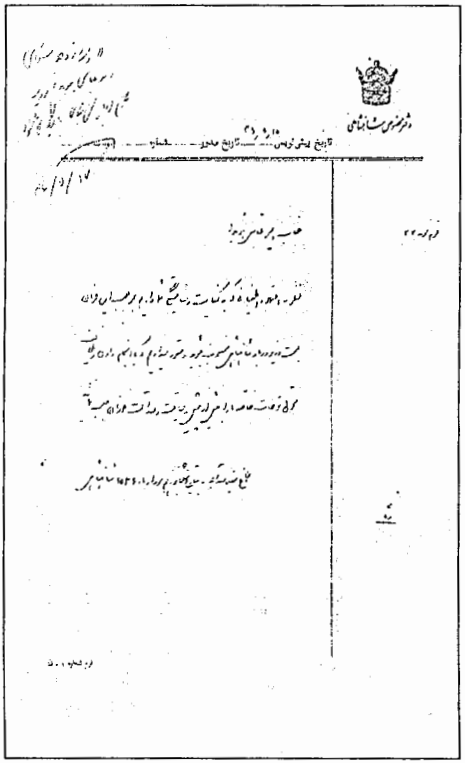

جناب امیرعباس هویدا

نظر به اعتماد و اطمینانی که به کفایت و شایستگی شما داریم به موجب این فرمان به سمت وزیر دربار شاهنشاهی منصوب می‌شوید و مقرر می‌داریم که با انجام دادن وظایف محول توجهات خاصه ما را بیش از پیش به لیاقت و صداقت خودتان جلب نمائید.

کاخ سفید سعدآباد ـ به تاریخ شانزدهم مرداد ماه ۲۵۳۶ شاهنشاهی

در پرونده جناب آقای امیرعباس هویدا وزیر محترم دربار شاهنشاهی برای بایگانی شود

۳۶/۵/۱۷

تاریخ : ۲۵۳۶/۵/۱۶ [۱۳۵۶]

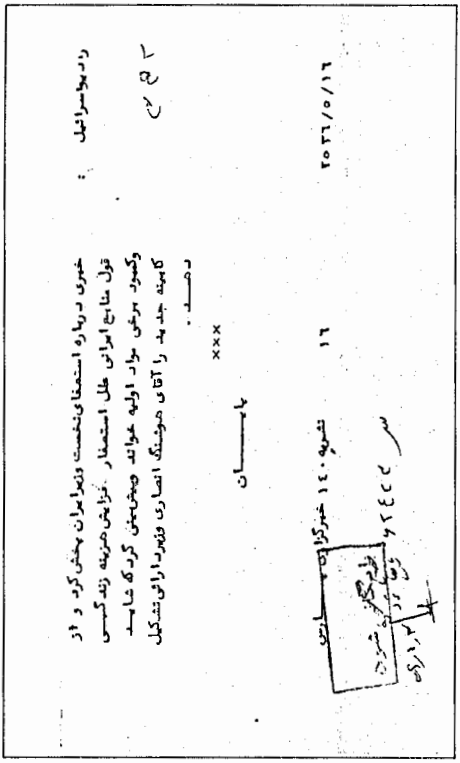

رادیو اسرائیل : خبری درباره استعفای نخست‌وزیر ایران پخش کرد و از قول منابع ایرانی علل استعفا را افزایش هزینه زندگی و کمبود برخی مواد اولیه خواند و پیش‌بینی کرد که شاید کابینه جدید را آقای هوشنگ انصاری وزیر دارائی تشکیل دهد.

پایان

۱۶ نشریه ۱۴۰ خبرگزاری پارس

روی ۶۲۴۲۳ بایگانی شود ۳۶/۱/۳

به: ۳۲۱ تاریخ: ۳۶/۵/۱۷ [۱۳۵۶]

از: ۲۰ ه ۱۱ شماره: ۲۰/۱۳۱۱۴ ه ۱۱

موضوع: شایعات موجود در دانشگاه تهران

در دانشگاه شایع گردیده بوده که جناب آقای نخست‌وزیر مبلغ سیصد میلیون تومان از شرکت برق آلستوم رشوه دریافت داشته در نتیجه به فرانسه فرار کرده و مجدداً با وساطت کشور فرانسه دوباره به ایران برگشته است.

نظریه شنبه: این موضوع به شدت در دانشگاه و حتی بین اساتید شایع می‌باشد.

نظریه سه شنبه: اخیراً شایع گردیده بود که جناب آقای نخست‌وزیر به زودی از نخست‌وزیری خلع و آقای هوشنگ انصاری وزیر اقتصاد و دارائی به مقام نخست‌وزیری منصوب خواهد شد. صبا

نظریه چهارشنبه: در مرخصی است.

روی ۶۲۴۲۳ بایگانی شود...

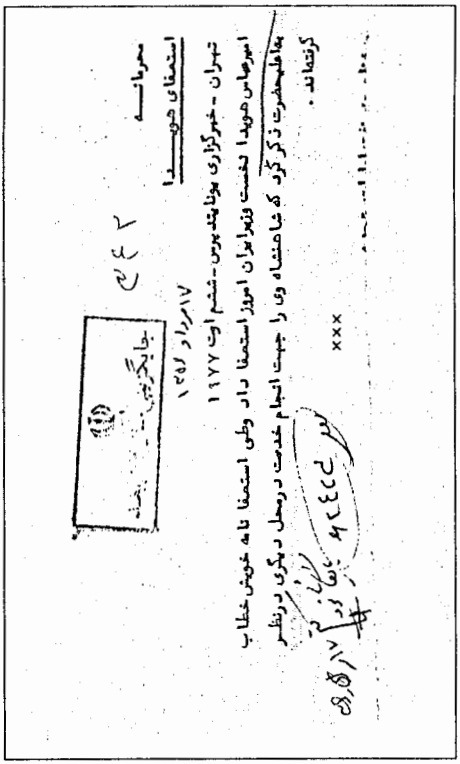
محرمانه
استعفای هویدا
تهران - خبرگزاری یونایتدپرس - ششم اوت ۱۹۷۷
امیرعباس هویدا نخست وزیر ایران امروز استعفا داد و طی استعفانامه خویش خطاب
باعلیحضرت ذکر کرد که شاهنشاه وی را جهت انجام خدمت در محل دیگری در نظر
گرفته‌اند.
xxx

تاریخ: ۱۷ مرداد ۱۳۵۶

استعفای هویدا

تهران - خبرگزاری یونایتدپرس - ششم اوت ۱۹۷۷

امیرعباس هویدا نخست‌وزیر ایران امروز استعفا داد و طی استعفانامه خویش خطاب به اعلیحضرت ذکر کرد که شاهنشاه وی را جهت انجام خدمت در محل دیگری در نظر گرفته‌اند.

روی ۶۲۴۲۳ بایگانی شود ۳۶/۵/۱۷

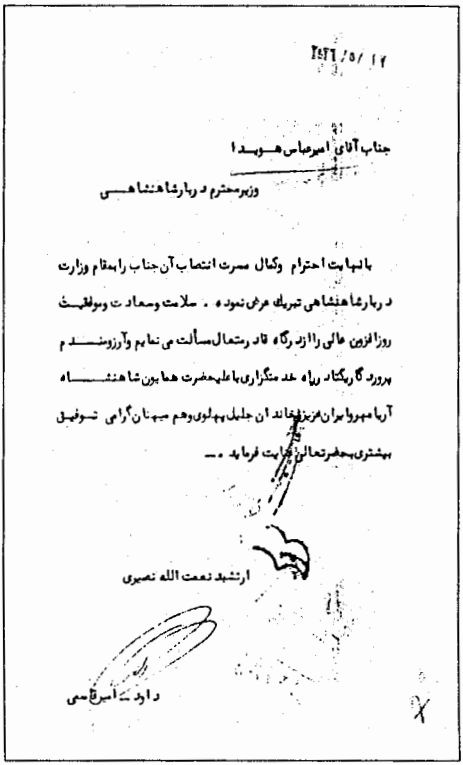

۱۳۵۶/۵/۱۲

جناب آقای امیرعباس هویدا

وزیرمحترم دربارشاهنشاهی

با نهایت احترام وکمال مسرت انتصاب آن جناب را بمقام وزارت دربارشاهنشاهی تبریک عرض نموده ، سلامت وسعادت وموفقیت روزافزون عالی را ازدرگاه قادرمتعال مسألت می نمایم وآرزومندم پروردگار یکتا درراه خدمتگزاری به اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهروایران عزیزوخاندان جلیل پهلوی وهم میهنان گرامی توفیق بیشتری بحضرتعالی عنایت فرماید .

ارتشبد نعمت الله نصیری

داود ـ امیرقاسمی

تاریخ : ۲۵۳۶/۵/۱۷ [۱۳۵۶]

جناب آقای امیرعباس هویدا

وزیر محترم دربار شاهنشاهی

با نهایت احترام وکمال مسرت انتصاب آن جناب را به مقام وزارت دربار شاهنشاهی تبریک عرض نموده. سلامت و سعادت و موفقیت روزافزون عالی را از درگاه قادر متعال مسألت می‌نمایم و آرزومندم پروردگار یکتا در راه خدمتگزاری به اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر و ایران عزیز و خاندان جلیل پهلوی و هم‌میهنان گرامی توفیق بیشتری به حضرتعالی عنایت فرماید.

ارتشبد نعمت‌الله نصیری

[تهیه کننده :] داود ـ امیرقاسمی

تاریخ : ۲۵۳۶/۵/۲۲ [۱۳۵۶]

تیمسار سپهبد نعمت‌الله نصیری معاون نخست‌وزیر آجودان مخصوص اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر و رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور

دوست عزیزم

از تبریکات صمیمانه‌ای که ابراز فرموده‌اید سپاسگزارم.

توفیق آن تیمسار را در راه خدمت به اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر و میهن عزیز از خداوند متعال مسئلت دارم.

با سلام فراوان

امیرعباس هویدا

تشریفات اداره کل سوم

۲۵۳۶ /۵/ ۲۲

تیمسار سپهبد نعمت اله نصیری
آجودان مخصوص اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر
دوست عزیزم
از تبریکات صمیمانه ایکه ابراز فرموده اید
سپاسگزارم.
توفیق آن تیمسار را در راه خدمت به اعلیحضرت
همایون شاهنشاه آریامهر و میهن عزیز از خداوند
متعال مسئلت دارم.
با سلام فراوان
امیرعباس هویدا

از : ۳۴۲ تاریخ : ۳۶/۵/۲۲ [۵۶]

متن استعفای هویدا

در متن استعفای آقای امیرعباس هویدا یک غلط مهم انشائی وجود دارد و آن کلمه (مشمول) است که باید به جای آن کلمه شامل نوشته می‌شد زیرا شامل بر وزن فاعل است و مراحم مقام بالاتر شامل قرار می‌گیرد نه مشمول.

ملاحظات : عین متن استعفای جهت استعفای به پیوست از عرض می‌گذرد.

جهت استحضار

روی ۶۲۴۲۳ بایگانی شود

۳۶/۵/۲۷

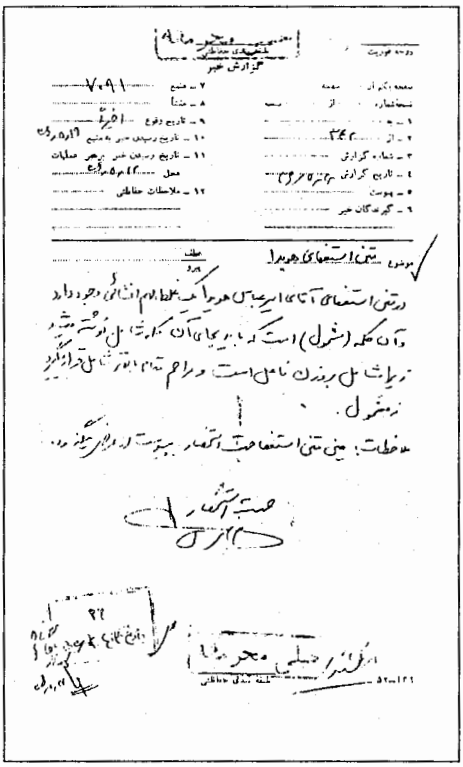

به : ۳۴۲ تاریخ : ۳۶/۵/۳۱ [۵۶]

از : ۳۵۲

درباره : اعلامیه «علیه آقای هویدا»

محترماً به استحضار می‌رساند :

در بررسی و کنترل مکاتبات پست شهری اعلامیه‌ای بدست آمده که در نوشتن متن آن از حرف انگلیسی به جای حروف فارسی استفاده و چنین عنوان شده است :

«آقای امیرعباس هویدا ـ چهارده سال به این مملکت خیانت کردی. متمول‌ترین شخص در خاورمیانه هستی. دزدترین مرد تاریخ ایران می‌باشی. نوه ملایعقوب بغدادی هستی. عضو فراماسون می‌باشی. پسر (کلمه مشخص نیست) بهائی هستی. تیمورتاش دوم ایران هستی. خجالت بکش امیرعباس هویدا. تو در این روزگار که (۵۵) میلیون ایرانی در عصر بی‌برقی و دزدی‌های تو، خیانت‌های تو، زندگانی آنها بهم خورده. ثابت کنی ملت ایران ارزش نداره. وزیر دزد، عضو فراماسون را به سمت مدیرعامل بنیاد اشرف پهلوی انتخاب کردی تا نشان بدهی بزرگترین مرکز قدرت ایران هستی. ملت ایران از امیرعباس بهائی ـ یهودی‌الاصل متنفر است.»

با عرض مراتب فوق و عنایت به اسامی گیرندگان اعلامیه که ذیلاً به عرض می‌رسد. مستدعی است اوامر عالی را در این زمینه امر به ابلاغ فرمایند.

۱ـ آقای کاشفی ـ وزیر مشاور ـ نخست‌وزیری.

۲ـ آقای نویدی ـ رئیس دفتر مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران.

۳ـ آقای غلامرضا ـ افخمی ـ دبیرکل کمیته ملی جهانی پیکار با بیسوادی.

تهیه‌کننده ـ رحمانیان رئیس بخش ۳۵۲ ـ دارائی رئیس اداره پنجم پشتیبانی عملیاتی ـ رویا

۳۶/۵/۳۱ جمع‌آوری و به اداره چهارم تحویل می‌شود. ثابتی ۳۶/۶/۲ در ۶۲۴۲۳ بایگانی شود ۳۶/۷/۲۵

به : ۳۴۲ تاریخ : ۳۶/۶/۶ [۵۶]

از : ۲۰ ه ۲۲ شماره : ۲۰/۶۳۱۷۵ ه ۲۲

موضوع : امیرعباس هویدا

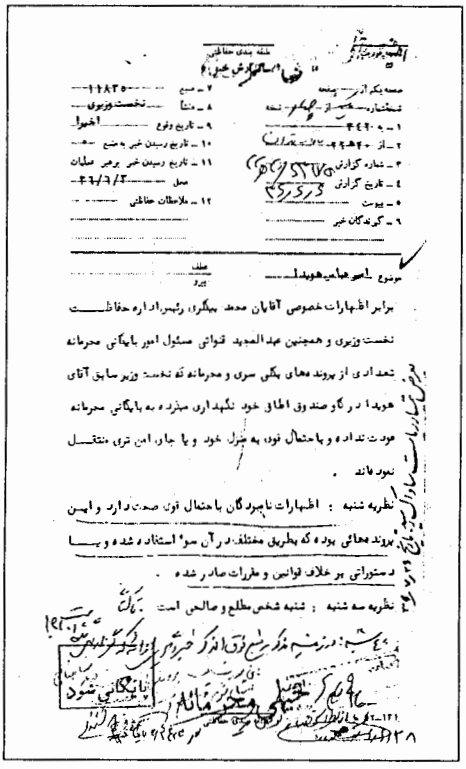

برابر اظهارات خصوصی آقایان محمد بیگلری رئیس اداره حفاظت نخست‌وزیری و همچنین عبدالمجید قنواتی مسئول امور بایگانی محرمانه تعدادی از پرونده‌های بکلی سری و محرمانه که نخست‌وزیر سابق آقای هویدا در گاوصندوق اطاق خود نگهداری می‌کرده به بایگانی محرمانه عودت نداده و به احتمال قوی به منزل خود و یا جای امن‌تری منتقل نموده‌اند.

نظریه شنبه : اظهارات نامبردگان به احتمال قوی صحت دارد و این پرونده‌هایی بوده که به طریق مختلف در آن سوءاستفاده شده و یا دستوراتی برخلاف قوانین و مقررات صادر شده.

نظریه سه شنبه : شنبه شخص مطلع و صالحی است. تاکستانی

نظریه ۴ شنبه : در زمینه مذکور منبع فوق‌الذکر خبر دیگری را ارائه که گزارش شده است. ماجد

محترماً از نظر استحضار به عرض می‌رسد ۳۶/۶/۲۸

روی ۶۲۴۲۳ بایگانی شود...

به : ۳۴۲ تاریخ : ۳۶/۶/۲۳ [۵۶]

از : ۲۰ ه ۲۲ شماره : ۲۰/۶۳۳۳۹ ه ۲۲

موضوع : اظهارنظر مردم درباره هویدا

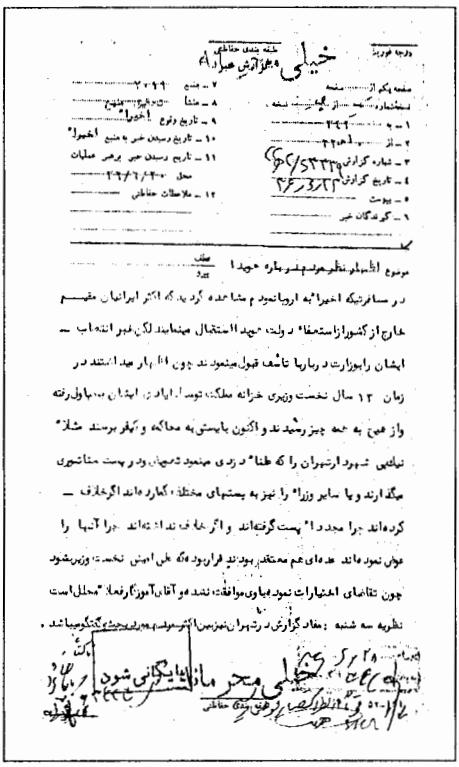

در مسافرتی که اخیراً به اروپا نمودم مشاهده گردید که اکثر ایرانیان مقیم خارج از کشور از استعفاء دولت هویدا استقبال می‌نمایند لکن خبر انتصاب ایشان را به وزارت دربار با تأسف قبول می‌نمودند چون اظهار می‌داشتند در زمان ۱۳ سال نخست‌وزیری خزانه مملکت توسط ایادی ایشان به چپاول رفته و از هیچ به همه چیز رسیدند و اکنون بایستی به محاکمه وکیفر برسند مثلاً نیک‌پی شهردار تهران راکه علناً دزدی می‌نمود تعویض و در پست سناتوری می‌گذارند و یا سایر وزرا را نیز به پستهای مختلف گمارده‌اند اگر خلاف کرده‌اند چرا مجدداً پست گرفته‌اند و اگر خلاف نداشته‌اند چرا آنها را عوض نموده‌اند عده‌ای هم معتقد بودند قرار بوده که علی امینی نخست‌وزیر بشود چون تقاضای اختیارات نموده با وی موافقت نشده و آقای آموزگار فعلاً محلل است.

نظریه سه شنبه : مفاد گزارش در تهران نیز بین اکثر مردم مورد بحث وگفتگو می‌باشد. تاکستانی

روی ۶۳۴۲۳ بایگانی شود

محترماً از نظر استحضار به عرض می‌رسد. همراز

به : ۳۴۲ تاریخ : ۳۶/۷/۳ [۵۶]

از : ۲۰ ه ۲۲ شماره : ۲۰/۶۳۴۰۹ ه ۲۲

موضوع : سرگرد نیلی افسر حفاظت نخست‌وزیری

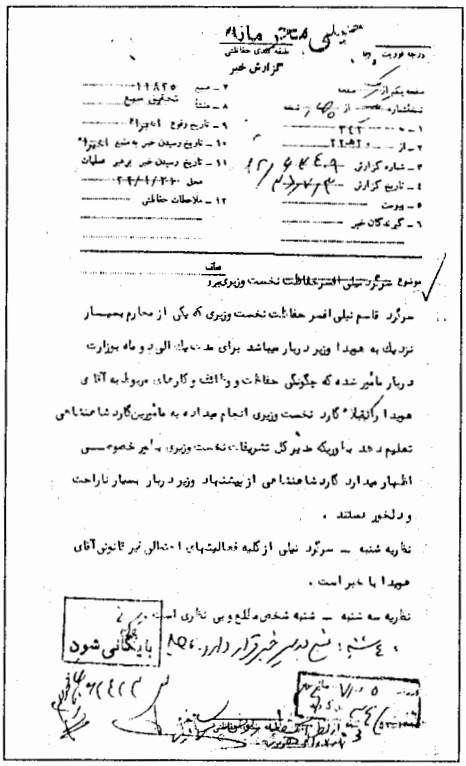

سرگرد قاسم نیلی افسر حفاظت نخست‌وزیری که یکی از محارم بسیار نزدیک به هویدا وزیر دربار می‌باشد برای مدت یک الی دو ماه به وزارت دربار مامور شده که چگونگی حفاظت و وظایف و کارهای مربوط به آقای هویدا راکه قبلاً گارد نخست‌وزیری انجام می‌داده به مامورین گارد شاهنشاهی تعلیم دهد به طوری که مدیرکل تشریفات نخست‌وزیری به طور خصوصی اظهار می‌دارد گارد شاهنشاهی از پیشنهاد وزیر دربار بسیار ناراحت و دلخور هستند.

نظریه شنبه : سرگرد نیلی ازکلیه فعالیتهای احتمالی غیرقانونی آقای هویدا باخبر است.

نظریه سه شنبه : شنبه شخص مطلع و بی‌نظری است. تاکستانی

نظریه چهارشنبه : منبع در مسیر خبر قرار دارد. ماجد

روی ۶۲۴۲۳ بایگانی شود

از نظر استحضار به عرض می‌رساند ۳۶/۷/۷

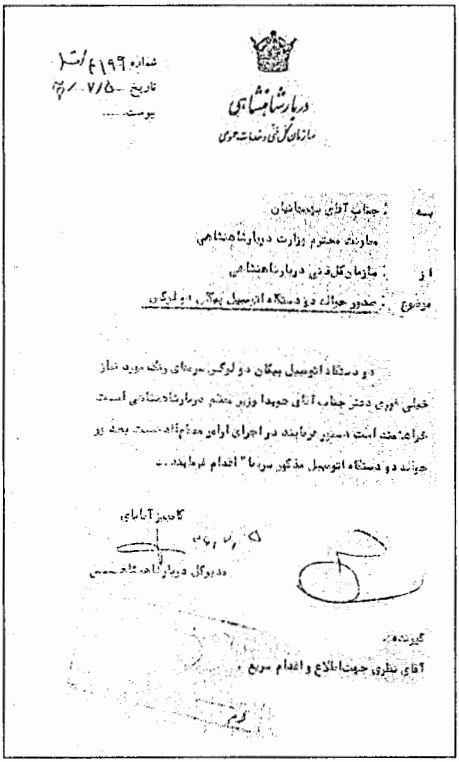

شماره: ۴۱۹۹ /ت ۱ تاریخ: ۳۶/۷/۵ [۵۶]

به: جناب آقای بهبهانیان معاونت محترم وزیر دربار شاهنشاهی

از: سازمان کل فنی دربار شاهنشاهی

موضوع: صدور حواله دو دستگاه اتومبیل پیکان دولوکس

دو دستگاه اتومبیل پیکان دولوکس سرمه‌ای رنگ مورد نیاز خیلی فوری دفتر جناب آقای هویدا وزیر معظم دربار شاهنشاهی است خواهشمند است دستور فرمایند در اجرای اوامر معظم‌اله نسبت به صدور حواله دو دستگاه اتومبیل مذکور سریعاً اقدام فرمایند.

کامبیز آتابای[1] ۳۶/۷/۵

مدیرکل دربار شاهنشاهی

گیرنده: آقای نظری جهت اطلاع و اقدام سریع.

۱ـ کامبیز آتابای فرزند ابوالفتح در سال ۱۳۱۸ هـ ش در تهران بدنیا آمد. پس از سپری نمودن تحصیلات مقدماتی و دریافت دیپلم در سال ۱۳۳۸ به استخدام ارتش درآمد و در نیروی دریایی خدمت کرد. در سال ۱۳۴۷ که درجه سروانی داشت به دربار منتقل شد و به مدیرکلی امور فنی دربار انتخاب گردید.

مشارالیه یکی از دوستان نزدیک عبدالرضا پهلوی بود و به کرات با او به خارج از کشور سفر نمود و در سفرهای شاه به آمریکا و اطریش با او همراه بود. کامبیز آتابای مدیرعامل انجمن سلطنتی اسب، رئیس فدراسیون فوتبال ایران، عضو هیئت رئیسه کمیته ملی المپیک، رئیس کل تشریفات شاهنشاهی، عضو باشگاه ورزشی شاهنشاهی بود و در سال ۵۰ با پیشنهاد شاه به ریاست فدراسیون سوارکاری منصوب شد و شاه به وی مقام آجودانی کشوری داد.

نامبرده سهامدار چندین کارخانه از جمله شرکت سهامی عام سیمان فارس و خوزستان و عضو هیئت مدیره شرکت سهامی صنعت ایران و آمریکا بود.

مشارالیه از طرف شاه نشان تاجگذاری و مدال یادبود آغاز بیست و پنجمین سال سلطنت پهلوی و از طرف محمدانور سادات رئیس جمهور معدوم مصر نشان درجه ۲ استحقاق گرفت.

کامبیز آتابای در تشکیلات فراماسونری در لژهای ایران و تهران عضویت داشت.

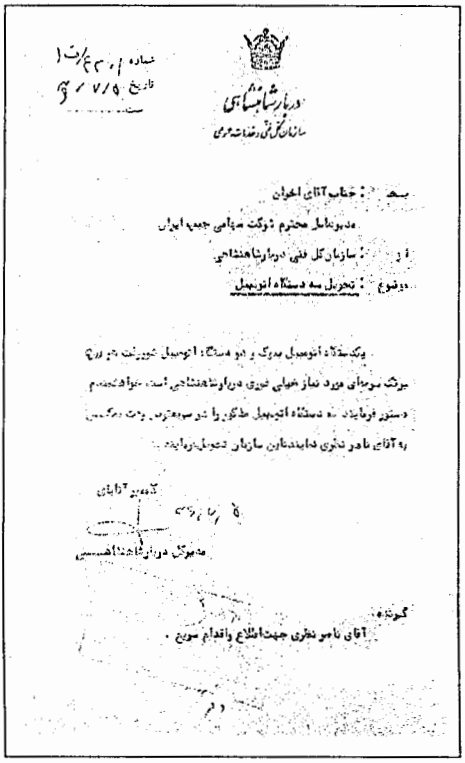

دربار شاهنشاهی
سازمان کل فنی و خدمات عمومی

شماره: ۴۲۰۱/ف ۱
تاریخ: ۳۶/۷/۵

به: جناب آقای اخوان
مدیرعامل محترم شرکت سهامی جیپ ایران
از: سازمان کل فنی دربار شاهنشاهی
موضوع: تحویل سه دستگاه اتومبیل

یک دستگاه اتومبیل بیوک و دو دستگاه اتومبیل شورولت هر سه به رنگ سرمه‌ای مورد نیاز خیلی فوری دربار شاهنشاهی است خواهشمندم دستور فرمایند سه دستگاه اتومبیل مذکور را در سریعترین وقت ممکن به آقای ناصر نظری نماینده این سازمان تحویل فرمایند.

کامبیز آتابای
مدیرکل دربار شاهنشاهی

گیرنده
آقای ناصر نظری جهت اطلاع و اقدام سریع

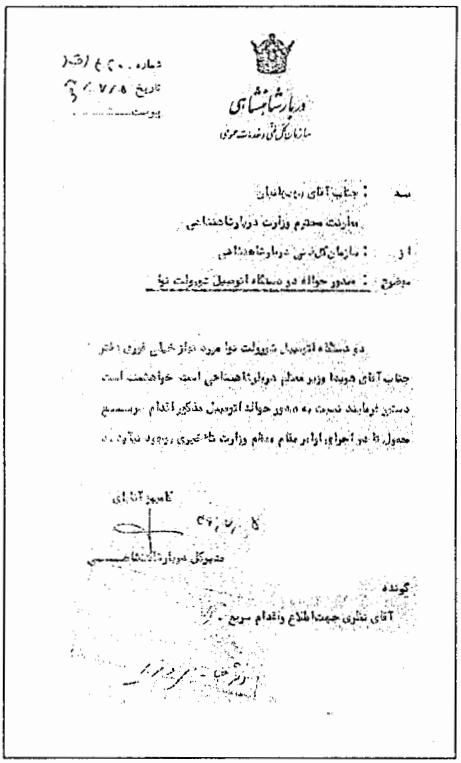

دربار شاهنشاهی
سازمان کل فنی و خدمات عمومی

شماره ۴۲۰۰ ع/ف
تاریخ ۳۶/۷/۵
پیوست

سه : جناب آقای بهبهانیان
معاونت محترم وزارت دربار شاهنشاهی
از : سازمان کل فنی دربار شاهنشاهی
موضوع : صدور حواله دو دستگاه اتومبیل شورولت نوا

دو دستگاه اتومبیل شورولت نوا مورد نیاز خیلی فوری دفتر
جناب آقای هویدا وزیر معظم دربار شاهنشاهی است خواهشمند
است دستور فرمایند نسبت به صدور حواله اتومبیل مذکور اقدام سریع معمول تا در
اجرای اوامر مقام معظم وزارت تأخیری بوجود نیاید.

کامبیز آتابای
۳۶/۶/۵
مدیرکل دربار شاهنشاهی

گیرنده
آقای نظری جهت اطلاع و اقدام سریع.

دفتر جناب آقای وزیر

شماره: ۴۲۰۰ /ف ۱ تاریخ: ۳۶/۷/۵ [۵۶]
به: جناب آقای بهبهانیان معاونت محترم وزارت دربار شاهنشاهی
از: سازمان کل فنی دربار شاهنشاهی
موضوع: صدور حواله دو دستگاه اتومبیل شورولت نوا

دو دستگاه اتومبیل شورولت نوا مورد نیاز خیلی فوری دفتر جناب آقای هویدا وزیر معظم دربار شاهنشاهی است خواهشمند است دستور فرمایند نسبت به صدور حواله اتومبیل مذکور اقدام سریع معمول تا در اجرای اوامر مقام معظم وزارت تأخیری بوجود نیاید.

کامبیز آتابای
۳۶/۶/۵
مدیرکل دربار شاهنشاهی

گیرنده
آقای نظری جهت اطلاع و اقدام سریع.

دفتر جناب آقای وزیر

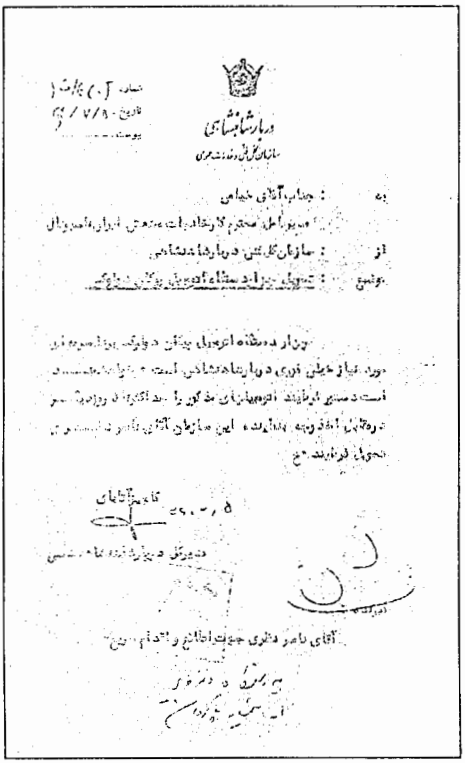

شماره : ۱/۴۲۰۲ تاریخ : ۳۶/۷/۵ [۵۶]

به : جناب آقای خیامی مدیرعامل محترم
کارخانجات صنعتی ایران ناسیونال

از : سازمان کل فنی دربار شاهنشاهی

موضوع : تحویل چهار دستگاه
اتومبیل پیکان دولوکس

چهار دستگاه اتومبیل پیکان دولوکس به رنگ سرمه‌ای مورد نیاز خیلی فوری دربار شاهنشاهی است. خواهشمند است دستور فرمایند اتومبیلهای مذکور را حداکثر تا ۵ روز دیگر در مقابل اخذ وجه به نماینده این سازمان آقای ناصر نظری تحویل فرمایند.

کامبیز آتابای

۳۶/۷/۵

مدیرکل دربار شاهنشاهی

گیرنده :

آقای ناصر نظری جهت اطلاع و اقدام سریع

۳ـ دستگاه دفتر وزیر

۱ـ تیمسار پاکروان

به : ۳۴۲ تاریخ : ۳۶/۷/۱۴ [۵۶]

از : ۲۰ ه ۲۲ شماره : ۶۳۵۱۹/ ه ۲۲

موضوع : آقای هویدا

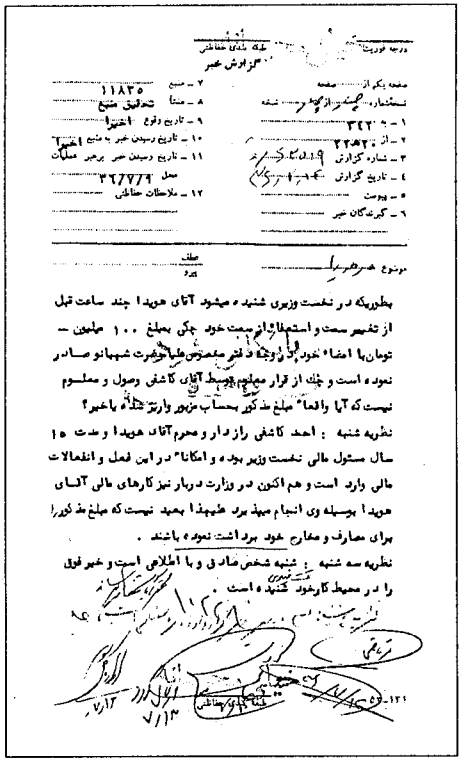

به طوری که در نخست‌وزیری شنیده می‌شود آقای هویدا چند ساعت قبل از تغییر سمت و استعفا از سمت خود چکی به مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان با امضا خود در وجه دفتر مخصوص علیاحضرت شهبانو صادر نموده است و چک از قرار معلوم توسط آقای کاشفی وصول و معلوم نیست که آیا واقعاً مبلغ مذکور به حساب مزبور واریز شده یا خیر؟

نظریه شنبه : احمد کاشفی رازدار و محرم آقای هویدا و مدت ۱۵ سال مسئول مالی نخست‌وزیر بوده و امکاناً در این فعل و انفعالات مالی وارد است و هم‌اکنون در وزارت دربار نیز کارهای مالی هویدا به وسیله وی انجام می‌پذیرد علیهذا بعید نیست که مبلغ مذکور را برای مصارف و مخارج خود برداشت نموده باشند.

نظریه سه‌شنبه : شنبه شخص صادق و بااطلاعی است و خبر فوق را در محیط کار خود شنیده است.

نظریه چهارشنبه : منبع در مسیر خبر قرار دارد و فرد مطلعی است. ماجد

محترماً به استحضار می‌رساند

مرتاضی

ارسال گردد ۷/۱۳ اداره کل سوم ۷/۱۳/

تاریخ: ۲۵۳۶/۷/۱۲ [۱۳۵۶]

شماره: ۲۲ـ۲۰۰/م

جناب آقای امیرحسین فرزانگان

رئیس اداره دفتر وزارتی ـ وزارت امور خارجه

جناب آقای وزیر دربار شاهنشاهی فرزند پاکت پیوست[1] به عنوان Highness Prince Ewaniel de sa...ie (آدرس ژنو ـ سوئیس) را جهت جنابعالی ارسال خواهش کنم ترتیبی فرمائید که هر چه زودتر توسط نمایندگی شاهنشاهی تسلیم ایشان گردد.

با تجدید احترام و ارادات

امیرمسعود میرفخرایی

دفتر وزیر دربار شاهنشاهی

بایگانی محرمانه

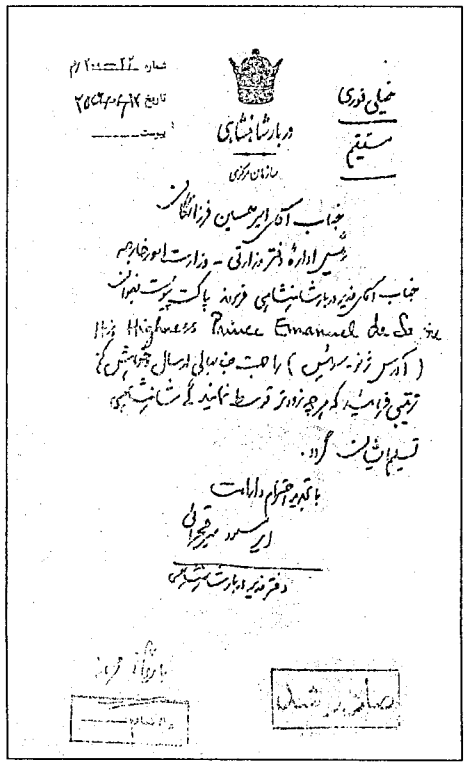

MINISTER OF THE IMPERIAL COURT

4th October, 1977

Your Highness,

Thank you so much for your kind letter of September 23rd, 1977.

Regarding the matter you raised, I shall be always delighted to recieve Your Highness and Conte Agusta, and convey to His Imperial Majesty the Shahanshah Aryamehr whatever you may wish to be submitted to him.

Otherwise, should you opt to write and let me know the matter in question, I shall, similarly, be only pleased to convey it to His Imperial Majesty.

I take the opportunity of extending my personal best wishes for your health and happiness.

Yours sincerely,

His Highness
Prince Emanuel de Savoie,
C.P.342.

1211 Geneua, SWITZERLAND.

C.P.842 le 23 septembre 1977

1211 Geneve

chére Excellence,

Je tiens á vous remercier tout particuliérement de la gentillesse avec laquelle vous m'avez recu lors de ma derniére visite á Téhéran.

Me référant a l'interessante conversation que nous avons eue, je peux vous offirmer que pour le moment toutes mes affaires progressent sans ennui. It serait toutefois nécessaire et trés important que S.M.I. le Chah puisse accorder une audience au Comte Agusta et moi-méme du 6 au 10 novembre 1977, et je vous serais trés reconnaissant si aous pouviez en faire part a S.M.I.

En vous remerciant encore, je vous prie de croire, chere Excellence, á mes sentiments respectueux.

S.E. Amir Abbas Hoveyda

Cour Impériale

Téhéran, Iran.

۱۳۵۶/۹/۲۱ ـ از راست: مهرداد پهلبد ـ هویدا ـ جمشید آموزگار

به : ۳۴۲ تاریخ : ۳۶/۷/۲۳ [۵۶]

از : ۲۰ ه ۲۲ شماره : ۶۳۵۶۶/ ه ۲۲

موضوع : آقای هویدا

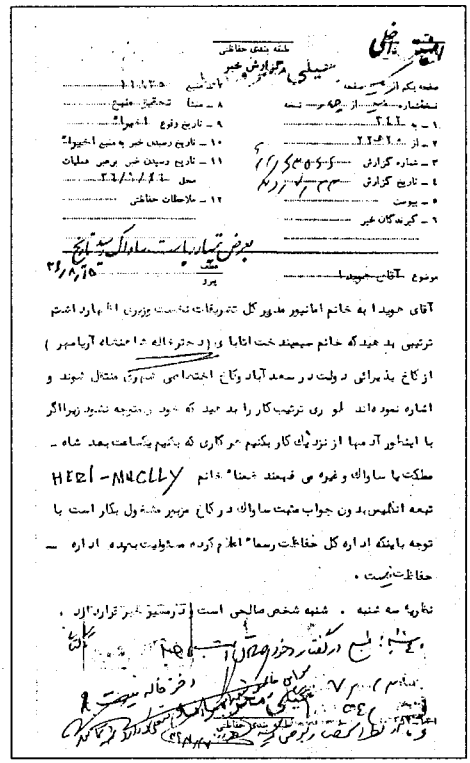

آقای هویدا به خانم امانپور مدیرکل تشریفات نخست‌وزیری اظهار داشته ترتیبی بدهید که خانم سیمیندخت آتابای (دخترخاله شاهنشاه آریامهر) از کاخ پذیرایی دولت در سعدآباد و کاخ اختصاصی شهری منتقل شوند و اشاره نموده‌اند طوری ترتیب کار را بدهید که خودش متوجه نشود زیرا اگر با اینطور آدمها از نزدیک کار بکنیم هر کاری که بکنیم یک ساعت بعد شاه مملکت یا ساواک و غیره می‌فهمند ضمناً خانم Hezi - Mucllly تبعه انگلیس بدون جواب مثبت ساواک در کاخ مزبور مشغول بکار است با توجه به اینکه اداره کل حفاظت رسماً اعلام کرده مسئولیت به عهده اداره حفاظت نیست.

نظریه سه شنبه : شنبه شخص صالحی است و در مسیر خبر قرار دارد. تاکستانی

نظریه چهارشنبه : منبع در گفتار خود صادق است. ماجد

به عرض تیمسار ریاست ساواک رسید. تاریخ ۳۶/۸/۱۵

[بی‌نوشت نصیری :] دخترخاله نیست

سوابق خانمی که تبعه انگلیس است و شغلی که دارد تهیه نمائید

از نظر استحضار به عرض می‌رسد همراز ۳۶/۷/۲۷

تاریخ : ۲۵۳۶/۸/۷ [۱۳۵۶]

جناب امیرعباس هویدا وزیر دربار شاهنشاهی

شرح مبنی بر تبریک و تهنیت و ابراز احساسات صمیمانه که به مناسبت سالروز ولادت ما معروض داشته‌اید ملاحظه و موجب خرسندی خاطر گردید. توجهات و عنایات مخصوص ما را به عموم کارکنان و خدمتگزاران وزارت دربار شاهنشاهی ابلاغ نمائید

تاریخ هفتم آبان ماه ۲۵۳۶ شاهنشاهی

۳۶/۸/۷

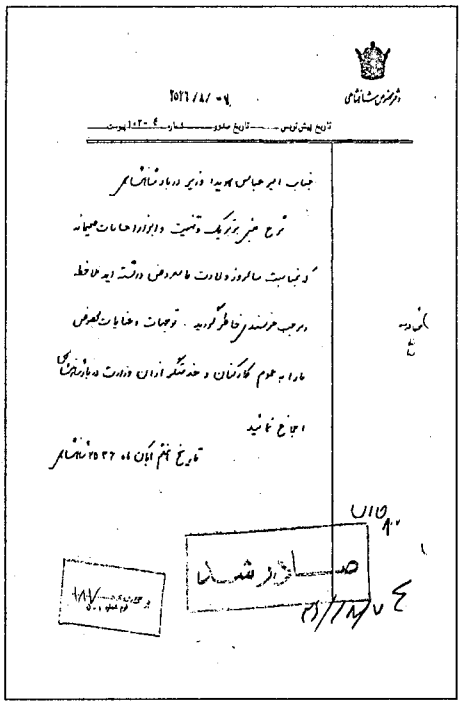

شماره: ۲۲ـ۲ـ۱۰۰ تاریخ: ۳۶/۸/۱[۵۶]

شرکت جنرال موتورز ایران

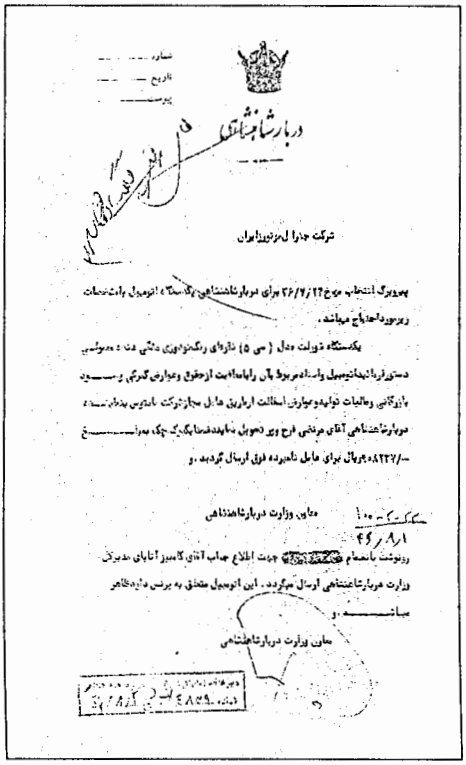

پیرو برگ انتخاب مورخ ۳۶/۷/۲۴ برای دربار شاهنشاهی یک دستگاه اتومبیل با مشخصات زیر مورد احتیاج می‌باشد.

یک دستگاه شورولت مدل (سی ۵) نقره‌ای رنگ تودوزی مشکی دنده معمولی دستور فرمائید اتومبیل و اسناد مربوط به آن را با معافیت از حقوق و عوارض گمرکی و سود بازرگانی و مالیات تولید و عوارض آسفالت از طریق عامل مجاز شرکت بانتوس به نماینده دربار شاهنشاهی آقای مرتضی فرح‌پور تحویل نمایند ضمناً یک برگ چک به مبلغ ۹۰۸۲۳۷ ریال برای عامل نامبرده فوق ارسال گردید.

معاون وزارت دربار شاهنشاهی

رونوشت به انضمام جهت اطلاع جناب آقای کامبیز آتابای مدیرکل وزارت دربار شاهنشاهی ارسال می‌گردد. این اتومبیل متعلق به پرنس داود ظاهر می‌باشد.

معاون وزارت دربار شاهنشاهی

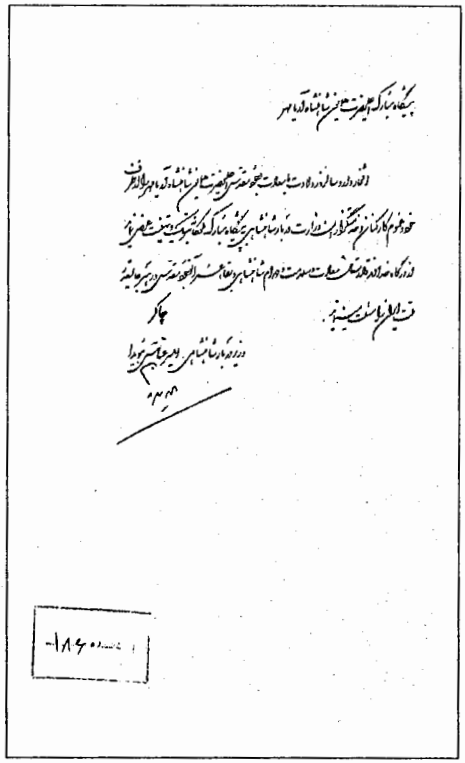

پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون

شاهنشاه آریامهر

افتخار دارد سالروز ولادت باسعادت وجود مقدس اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر را از طرف خود و عموم کارکنان و خدمتگزاران وزارت دربار شاهنشاهی به پیشگاه مبارک ملوکانه تبریک و تهنیت عرض نماید. از درگاه خداوند قادر متعال سعادت و سلامت و دوام شاهنشاهی و بقا عمر آن وجود مقدس و رهبر عالیقدر ملت ایران را مسئلت می‌نماید.

چاکر

وزیر دربار شاهنشاهی.

امیرعباس هویدا

شماره: ۲۲ـ۲۰۰/م تاریخ: ۲۵۳۶/۸/۱۹ [۱۳۵۶]

حضرت آقای خاقانی ریاست دفتر شرکت هواپیمایی ملی ایران

حسب‌الامر جناب آقای امیرعباس هویدا وزیر محترم دربار شاهنشاهی مقدار ۱۰ کیلو خاویار به ضمیمه ارسال شد که دستور خواهند فرمود فوراً جهت جناب آقای فریدون هویدا[1] نماینده دائم ایران در سازمان ملل متحد در نیویورک فرستاده شود.

لطفاً در این مورد اقدام لازم معمول فرمایند.

عبدالعلی غفاری

مدیرکل دربار شاهنشاهی

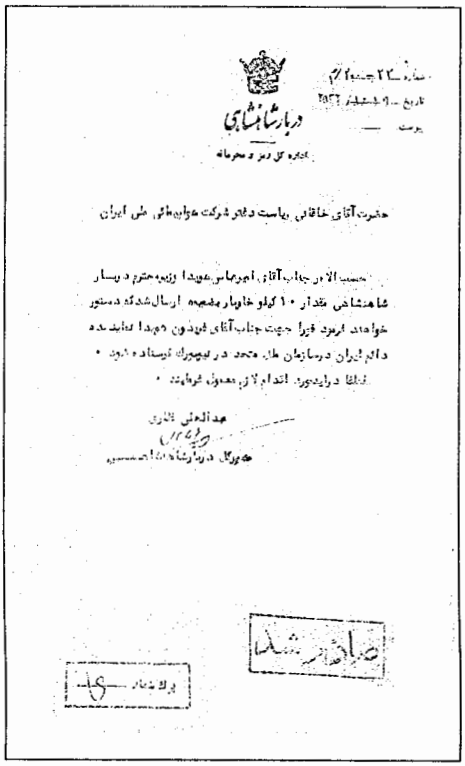
دربار شاهنشاهی

اداره کل دفتر و محرمانه

حضرت آقای خاقانی ریاست دفتر شرکت هواپیمائی ملی ایران

حسب الامر جناب آقای امیرعباس هویدا وزیر محترم دربار شاهنشاهی مقدار ۱۰ کیلو خاویار بضمیمه ارسال شد که دستور خواهند فرمود فوراً جهت جناب آقای فریدون هویدا نماینده دائم ایران در سازمان ملل متحد در نیویورک فرستاده شود.

لطفاً در این مورد اقدام لازم معمول فرمایند.

عبدالعلی غفاری

مدیرکل دربار شاهنشاهی

صادر شد

۱ـ فریدون هویدا فرزند حبیب‌اله عین‌الملک در سال ۱۳۰۱ در بیروت به دنیا آمد. در همانجا به مدرسه رفت و از مدرسه فرانسوی حقوق در بیروت، فوق لیسانس گرفت و سپس راهی فرانسه شد و از دانشکده حقوق پاریس، دکترای دولتی اخذ کرد. در اردیبهشت ماه سال ۱۳۲۴، مستخدم وزارت خارجه شد و حدود ۱۹ ماه در ادارات :کتابخانه (۱ ماه) ـ عهود (۴ ماه) ـ سوم سیاسی (۹ ماه) و تشریفات (۵ ماه) کار کرد و در آبان ۱۳۲۵ به طبقه سیاسی وارد و به عنوان وابسته سفارت شاه به پاریس، اعزام شد. فریدون هویدا که مانند برادرش امیرعباس از حمایت‌های پنهان و آشکار اقوام پدری و مادری و همچنین دوستان و آشنایان و... بهره می‌برد، در خرداد ماه ۱۳۳۰ دبیر سوم سفارت شاه در پاریس شد و پس از ۸ ماه به سازمان یونسکو رفت که این مأموریت چند سالی طول کشید. در سال ۱۳۴۱ ساواک در خصوص وی چنین نوشت:

«فریدون هویدا (نویسنده ایرانی) در یونسکو کار می‌کند. شخصی محافظه کار است، فعالیت سیاسی ندارد، فقط از راه ادبیات با روزنامه‌های دسته چپی (روزنامه اومانیته، ارگان حزب کمونیست فرانسه) همکاری می‌نماید. مترقی و آزادیخواه است ولی با حزب توده در پاریس هیچ ارتباطی ندارد.»

مشارالیه که بعدها به عنوان رایزن سفارت شاه در پاریس فعال بود، در تاریخ ۱۳۴۳/۱۱/۲۲ به عنوان مدیرکل و در تاریخ ۴۴/۶/۲۴ معاون امور بین‌المللی و اقتصادی وزارت خارجه شد. ساواک در گزارشی به تاریخ ۴۶/۳/۱۱ درخصوص وی نوشت:

«موقع اقامت در فرانسه توسط دکتر رضا رادمنش به حزب توده وارد شده است.» مشارالیه که در سال ۱۳۴۴ در سمت وزیر مختاری نشان سوم تاج و در سال ۱۳۴۸ نشان درجه یک آبادانی گرفته بود، در سال ۱۳۵۰ سفیر شاه در سازمان ملل شد و در تاریخ ۱۳۵۸/۹/۳ انفصال خدمت گردید. فریدون هویدا که همچون اجداد خود پیرو فرقه بهائیت و از اعضای فراماسونری جهانی بود، در سال ۱۳۶۱ در گردهمایی ماسونی در مکزیکوسیتی شرکت کرد.

اسناد ساواک ـ پرونده انفرادی

۱۳۵۶/۲/۱۳ ـ بدون شرح

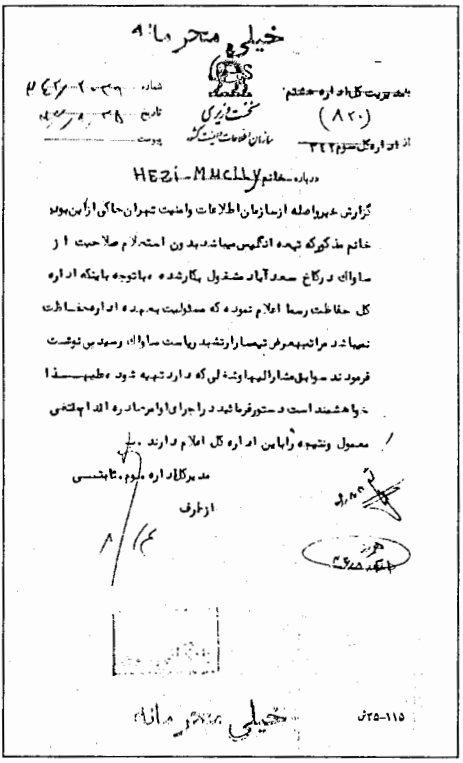

شماره: ۳۴۲/۲۰۲۹ تاریخ: ۳۶/۸/۲۵[۵۶]

به: مدیریت کل اداره هشتم (۸۲۰)

از: اداره کل سوم ۳۴۲

درباره: خانم Hezi - Muclly

گزارش خبر واصله از سازمان اطلاعات و امنیت تهران حاکی از این بود: خانم مذکور که تبعه انگلیس می‌باشد بدون استعلام صلاحیت از ساواک در کاخ سعدآباد مشغول بکار شده، با توجه به اینکه اداره کل حفاظت رسماً اعلام نموده که مسئولیت به عهده اداره حفاظت نمی‌باشد مراتب به عرض تیمسار ارتشبد ریاست ساواک رسید پی‌نوشت فرمودند سوابق مشارالیها و شغلی که دارد تهیه شود، علیهذا خواهشمند است دستور فرمائید در اجرای اوامر صادره اقدام مقتضی معمول و نتیجه را به این اداره کل اعلام دارند.

مدیرکل اداره سوم. ثابتی

از طرف

۵۶/۸/۲۱

همراز ۳۶/۸/۲۱

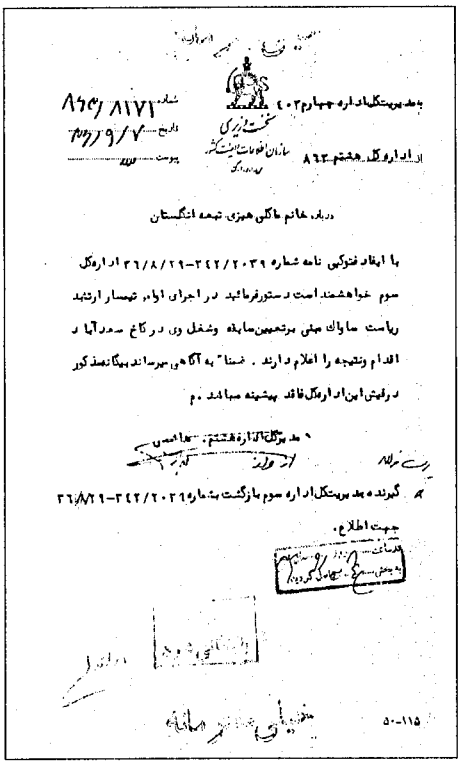

شماره : ۸۶۳/۸۱۷۱ تاریخ : ۳۶/۹/۷ [۵۶]

به : مدیریت کل اداره چهارم ۴۰۳

از : اداره کل هشتم ۸۶۳

درباره : خانم ماکلی هیزی تبعه انگلستان

با ایفاد فتوکپی نامه شماره ۳۴۲/۲۰۲۹ ـ ۳۶/۸/۲۹ اداره کل سوم خواهشمند است دستور فرمائید در اجرای اوامر تیمسار ارتشبد ریاست ساواک مبنی بر تعیین سابقه و شغل وی در کاخ سعدآباد اقدام و نتیجه را اعلام دارند. ضمناً به آگاهی می‌رساند بیگانه مذکور در فیش این اداره کل فاقد پیشینه می‌باشد.

مدیرکل اداره هشتم. هاشمی

گیرنده : مدیریت کل اداره سوم بازگشت به شماره ۳۴۲/۲۰۲۹ ـ ۳۶/۸/۲۹ جهت اطلاع.

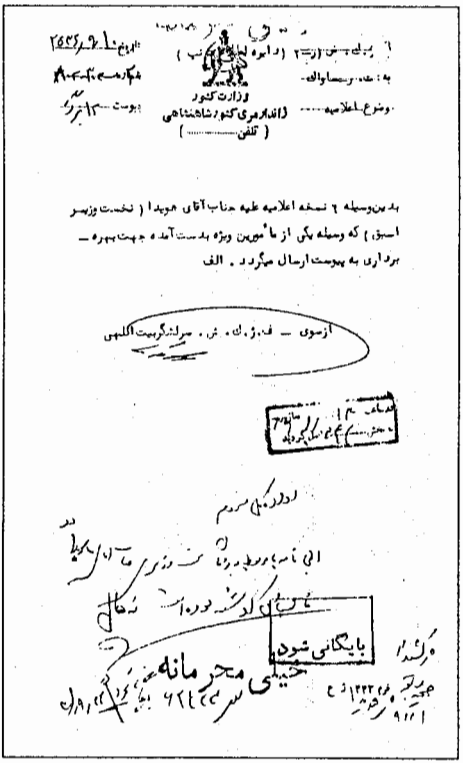

تاریخ: ۲۵۳۶/۹/۱۰ [۱۳۵۶]

شماره: ۲ـ۳۰۳ـ۸۰۲

به: ت. ر ـ ساواک

از: ر.ک. ش (ر ـ ۲) (دایره اطلاعات نپ)

بدین وسیله ۶ نسخه اعلامیه علیه جناب آقای هویدا (نخست‌وزیر اسبق) که وسیله یکی از مامورین ویژه بدست آمده جهت بهره‌داری به پیوست[1] ارسال می‌گردد.

از سوی ـ ف. ژ.ک. ش. سرلشگر بیت‌اللهی

[پی‌نوشت نصیری] اداره کل سوم

این نامه‌ها مربوط به فرمان نخست‌وزیری جناب آقای هویدا در تابستان گذشته بوده است نه هال [حال]

ضمیمه سابقه آقای هویدا

۹/۲۱

روی ۶۲۴۲۳ بایگانی شود ۳۶/۹/۲۲

۱ـ پیوست این سند، نامه ابوالفضل قاسمی است که در صفحه ۲۸۲ آمده است.

به : ۳۴۱ تاریخ : ۳۶/۹/۱۴ [۵۶]

از : ۷ ه ۳ شماره : ۱۴/۴۹۵ ه ۳

موضوع : فراماسونری

عطف ۳۴۱/۷۲۶ ـ ۳۶/۸/۵

طبق اوامر اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر زمینهای اطراف میدان شهیاد در اختیار ارتش قرار گرفته و به همین جهت لژ بزرگ ایران در نظر دارد زمینی در اطراف تهران‌پارس تهیه و عملیات ساختمانی آن را شروع نماید. ضمناً گفته می‌شود آقای هویدا نخست‌وزیر سابق تحت پوشش بودجه نخست‌وزیری بودجه عملیات ساختمانی لژ بزرگ ایران را تقدیم مجلس و به تصویب رسانیده است.

نظریه یکشنبه : با عطف توجه به دسترسی شنبه و صداقت وی احتمالاً خبر صحت دارد....

نظریه چهارشنبه : نظریه یکشنبه مورد تایید است.

نظریه ۷ ه : نظر سلسله مراتب مورد تایید است ۲ـ حفاظت کامل منبع مورد تقاضا می‌باشد.

محصول

۲۱۷۰۲۱

شماره: ۸۶۳/۸۵۲۱ تاریخ: ۳۶/۹/۱۹ [۵۶]

به: مدیریت کل اداره سوم

از: اداره کل هشتم ۸۶۳

درباره: خانم ماکلی هیزی

بازگشت به ۳۴۲/۲۰۲۹ ـ ۲۵۳۶/۸/۲۹

برابر اطلاع واصله از اداره کل چهارم مشارالیها در اقامتگاه جناب وزیر دربار شاهنشاهی پیشخدمت مخصوص بوده و مشخصات صحیح وی به شرح زیر می‌باشد.

مدیر کل اداره هشتم. هاشمی

خانم هیزل ـ اگنس ـ ام ـ کولی

Hazel-Agnesm,Cully

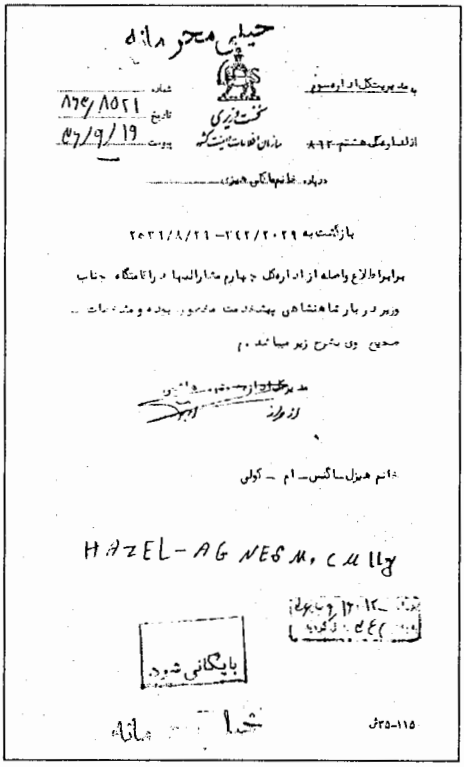
حیلی محرمانه

به مدیریت کل اداره سوم

از اداره کل هشتم ۸۶۳

شماره ۸۶۳/۸۵۲۱

تاریخ ۳۶/۹/۱۹

پیوست

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

درباره: خانم ماکلی هیزی

بازگشت به ۳۴۲/۲۰۲۹ ـ ۲۵۳۶/۸/۲۹

برابر اطلاع واصله از اداره کل چهارم مشارالیها در اقامتگاه جناب وزیر دربار شاهنشاهی پیشخدمت مخصوص بوده و مشخصات صحیح وی به شرح زیر میباشد.

خانم هیزل ـ اگنس ـ ام ـ کولی

HAZEL-AGNESM, CULLY

بایگانی شود

۱۱۵-۲۵ش

کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران تأسیس ۱۳۷۴

شماره: ۴۰۱/م تاریخ: ۳۶/۹/۱۵ [۵۶]

جناب آقای امیرعباس هویدا

وزیر دربار شاهنشاهی

سرور گرامی

تیمسار ارتشبد بازنشسته فریدون جم[۱] نامه‌ای خصوصی، محرمانه و فوری برای آن جناب، به سفارت شاهنشاهی تسلیم کرده است که عیناً به پیوست حضورتان تقدیم می‌شود.

با تجدید ارادت - پرویز راجی

پرویز راجی

... تقدیم شد بایگانی شود ۳۶/۹/۱۹

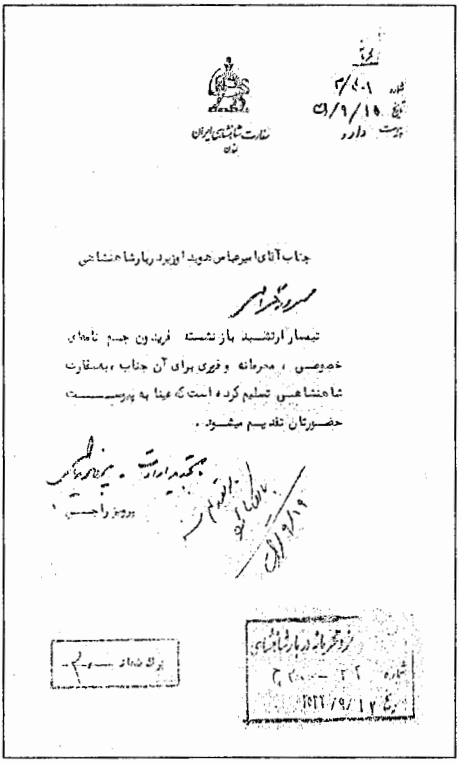

۱ـ فریدون جم فرزند محمود جم (مدیرالملک)، که بعداً به درجه ارتشبدی رسید در حال ۱۳۱۷ با دختر رضاخان بنام شمس ازدواج نمود. خانواده جم با سران ایل قشقائی خویشاوندی داشت و به همین دلیل سران قشقائی با فریدون روابط حسنه داشتند. در موقعی که رضاخان تصمیم گرفت شمس را شوهر دهد، فریدون دانشجوی دانشکده افسری فرانسه (سن سیر) بود. فریدون به دانشکده افسری اعزام شد. جم به سال دوم رفت، چون قبلاً یک سال در سن سیر بود، و همکلاس حسین فردوست و محمدرضا پهلوی شد. شمس که در زمان رضاخان جرئت نداشت حرف طلاق را بزند، تا مرگ رضاخان با وی زندگی کرد و پس از فوت او طلاق گرفت و فریدون هم با فیروزه (رفیقه سابق شاه) ازدواج کرد. او این ازدواج را با دانستن سابقه فیروزه انجام داد و همیشه وجود فیروزه به نفع فریدون بود، چون محمدرضا هر چه جم می‌خواست انجام می‌داد، ولی نه برای جم، بلکه بخاطر فیروزه! مشاغل فریدون در ارتش همیشه مهمتر از درجه‌اش بود. نظام و مطالعات نظامی را دوست داشت و اهمیتی به ردهٔ افسران نمی‌داد... فریدون زندگی خصوصی خود را بر هر چیز ترجیح می‌داد و در کارهای خطرناک و ریسک‌دار وارد نمی‌شد... در سال ۱۳۴۰ محمدرضا او را به عنوان فرمانده لشگر به مهاباد اعزام داشت و یک سال بعد وی را جانشین رئیس ستاد ارتش کرد. در آن موقع رئیس ستاد بهرام آریانا بود که پس از قلع و قمع عشایر جنوب (به عنوان فرماندهٔ نیروهای جنوب) رئیس ستاد ارتش شده بود. پس از مدتی جم به جای آریانا رئیس ستاد ارتش گردید وی پس از برکناری از ریاست ستاد ارتش به عنوان سفیر به اسپانیا رفت. قبل از انقلاب مدتی برای شرکت در دولت شاهپور بختیار به تهران آمد و چون اهل ریسک نبود لذا حاضر به پذیرش پست وزارت جنگ در کابینه بختیار نشد.

شماره: ۲۳ـ۲ـ۱۰۰ تاریخ: ۳۶/۹/۲۲ [۵۶]

شرکت جنرال موتورز ایران

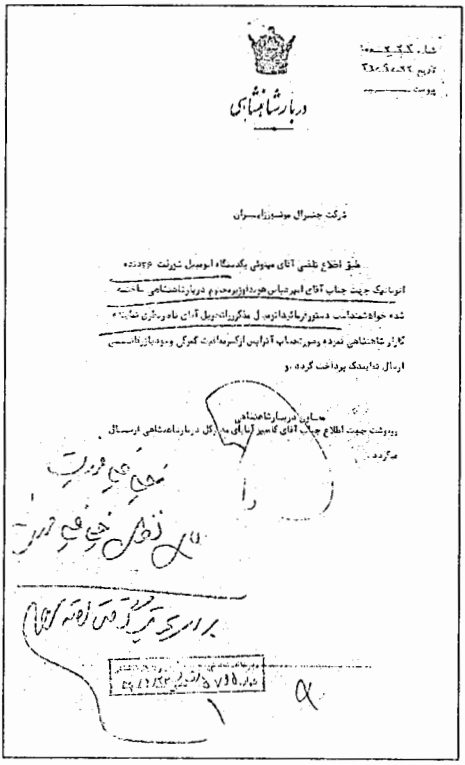

دربار شاهنشاهی

شرکت جنرال موتورز ایران

طبق اطلاع تلفنی آقای مینوئی یک دستگاه اتومبیل شورلت ۳۶ دنده اتوماتیک جهت جناب آقای امیرعباس هویدا وزیر محترم دربار شاهنشاهی ساخته شده خواهشمند است دستور فرمائید اتومبیل مذکور را تحویل آقای ناصر نظری نماینده گاراژ شاهنشاهی نموده و صورتحساب آن را پس از کسر معافیت گمرکی و سود بازرگانی ارسال نمایند که پرداخت گردد.

معاون دربار شاهنشاهی

رونوشت جهت اطلاع جناب آقای کامبیز آتابای مدیرکل دربار شاهنشاهی ارسال می‌گردد.

خیلی خیلی فوری است

آقای نظری خیلی خیلی فوری

برای تحویل گرفتن...

شماره : ۵۸۷۲/ف ۱ تاریخ : ۳۶/۹/۲۷ [۵۶]

به : شرکت میلکوم

از : سازمان کل فنی دربار شاهنشاهی

موضوع : انتقال موبیل تلفن اتومبیل

خواهشمند است دستور فرمایند موبیل و تلفن منصوب روی اتومبیل بنز ۶۰۰ پلاک ۲۱۶۳۳ تهران ۲۲ راکه به وسیله آقای مرتضی شاعری هدایت می‌شود باز و بر روی اتومبیل شورولت به شماره پلاک ۶۵۹۳۶ تهران ط نصب و پس از آزمایش به راننده یادشده تحویل فرمایند.

کامبیز آتابای

مدیرکل دربار شاهنشاهی

گیرنده :

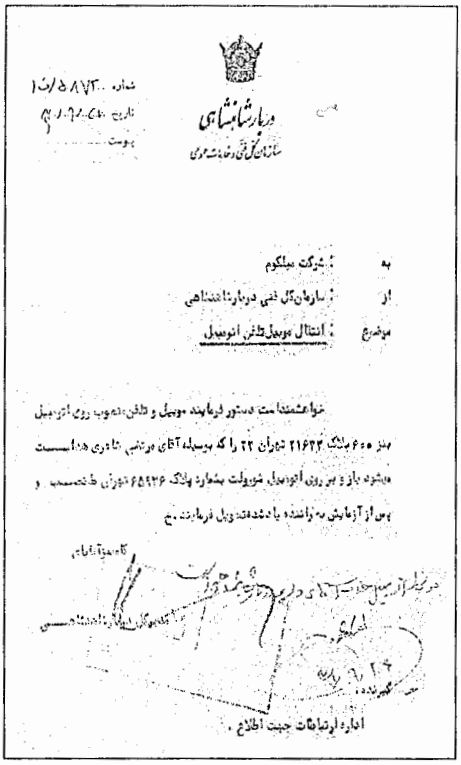
دربار شاهنشاهی
سازمان کل فنی و خدمات عمومی
شماره ۵۸۷۲/ف ۱
تاریخ ۳۶/۹/۲۷
پیوست
به : شرکت میلکوم
از : سازمان کل فنی دربار شاهنشاهی
موضوع : انتقال موبیل تلفن اتومبیل
خواهشمند است دستور فرمایند موبیل و تلفن منصوب روی اتومبیل بنز ۶۰۰ پلاک ۲۱۶۳۳ تهران ۲۲ را که بوسیله آقای مرتضی شاعری هدایت میشود باز و بر روی اتومبیل شورولت بشماره پلاک ۶۵۹۳۶ تهران ط نصب و پس از آزمایش به راننده یادشده تحویل فرمایند. ح
کامبیز آتابای
گیرنده :
اداره ارتباطات جهت اطلاع.

اداره ارتباطات جهت اطلاع.

مربوط به اتومبیل جناب آقای وزیر دربار شاهنشاهی است. ۳۶/۹/۲۶

از: ۳۴۲ تاریخ: ۳۶/۹/۲۹ [۵۶]

درباره: خانم Hazel Agnes. Mcully

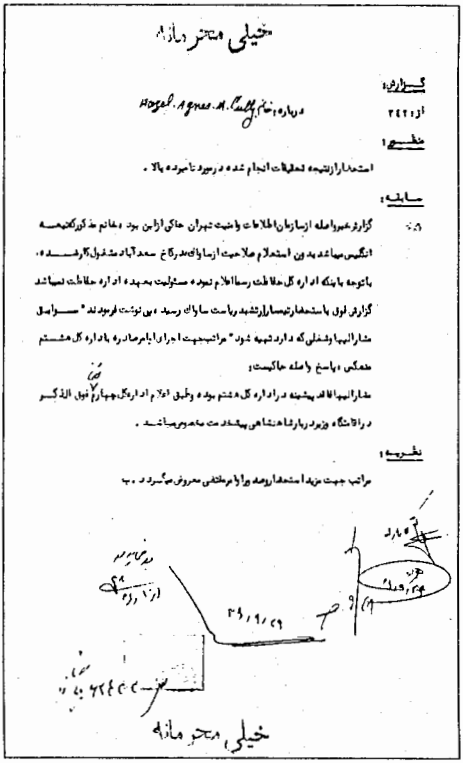

منظور:

استحضار از نتیجه تحقیقات انجام شده در مورد نامبرده بالا.

سابقه:

گزارش خبر واصله از سازمان اطلاعات و امنیت تهران حاکی از این بود، خانم مذکور که تبعه انگلیس می‌باشد بدون استعلام صلاحیت از ساواک، در کاخ سعدآباد مشغول کار شده. با توجه به اینکه اداره کل حفاظت رسماً اعلام نموده مسئولیت به عهده اداره حفاظت نمی‌باشد گزارش فوق به استحضار تیمسار ارتشبد ریاست ساواک رسید، پی‌نوشت فرمودند «سوابق مشارالیها و شغلی که دارد تهیه شود» مراتب جهت اجرای اوامر صادره به اداره کل هشتم منعکس، پاسخ واصله حاکی است:

مشارالیه فاقد پیشینه در اداره کل هشتم بوده و طبق اعلام اداره کل چهارم شخص فوق‌الذکر در اقامتگاه وزیر دربار شاهنشاهی پیشخدمت مخصوص می‌باشد.

نظریه:

مراتب جهت مزید استحضار و صدور اوامر مقتضی معروض می‌گردد.

به عرض می‌رسد ثابتی ۳۶/۱۰/۱ همراز ۳۶/۹/۲۶ روی ۶۲۴۲۳ بایگانی شود

به: ۲۰ ه ۲۱ تاریخ: ۳۶/۱۰/۱ [۵۶]

از: ۳۴۱ شماره: ۳۴۱/۹۴۸

موضوع: لژ بزرگ ایران[1]

عطف به ۲۰/۵۷۳۳۷ ه ۲۱ـ۳۶/۸/۱۶

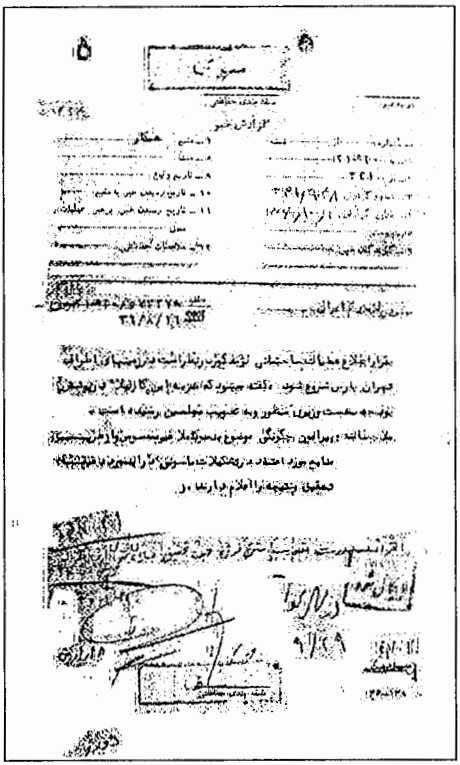

به قرار اطلاع عملیات ساختمانی لژ مذکور در نظر است در زمینهای اطراف تهران‌پارس شروع شود، گفته می‌شود که هزینه این کار قبلاً در پوشش بودجه نخست‌وزیری منظور و به تصویب مجلسین رسیده است.

ملاحظات: پیرامون چگونگی موضوع به نحو کاملاً غیرمحسوس و از طریق منابع مورد اعتماد در تشکیلات ماسونی در این مورد دقیقاً تحقیق و نتیجه را اعلام دارند.

احتراماً در صورت تصویب متن فوق جهت تحقیق به سازمان تهران ارسال گردد

۳۶/۹/۲۸

۱ـ لژ بزرگ ایران با شرکت ۲۷ لژ فعال کشور، مرکب از ۱۰ لژ فرانسوی، ۱۴ لژ انگلیسی و ۳ لژ آلمانی تشکیل شد. «اسناد فراماسونری در ایران ـ ج ۱ ـ ص ۴۵»

به: ۱ـ۱۵۸ تاریخ: ۲۵۳۶/۱۰/۲ [۱۳۵۶]

موضوع: ایفاد یک برگ فرمان

حضور محترم جناب آقای امیرعباس هویدا
وزیر دربار شاهنشاهی

یک برگ فرمان دایر بر انتصاب جنابعالی به سمت نایب رئیس بنیاد فرهنگی ملکه پهلوی که به صحه مبارک ملوکانه موشح گردیده است ایفاد می‌شود.

با تقدیم احترام
رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

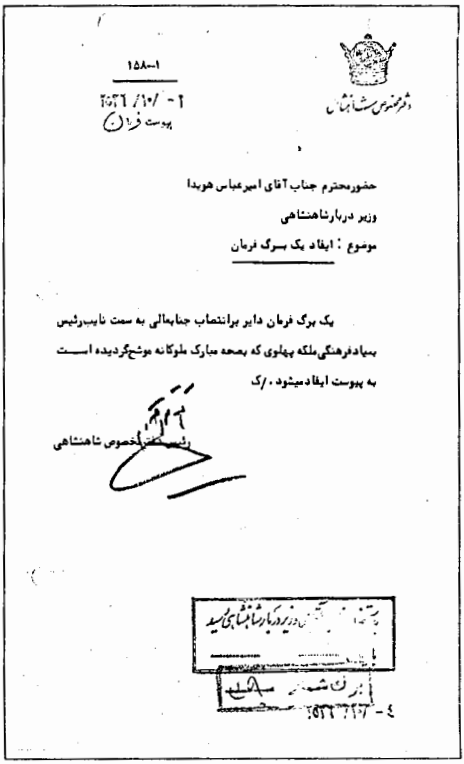

۱ـ۱۵۸

پیوست فرمان

حضورمحترم جناب آقای امیرعباس هویدا
وزیر دربارشاهنشاهی
موضوع: ایفاد یک برگ فرمان

یک برگ فرمان دایر برانتصاب جنابعالی به سمت نایب‌رئیس بنیادفرهنگی‌ملکه پهلوی که بصحه مبارک ملوکانه موشح‌گردیده است به پیوست ایفاد میشود./ک

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

تاریخ: ۲۵۳۶/۹/۲۷ [۱۳۵۶]

طبق بند «الف» ماده ۴ اساسنامه بنیاد فرهنگی ملکه پهلوی به موجب این فرمان جناب امیرعباس هویدا وزیر دربار شاهنشاهی را برای مدت پنج سال به سمت نایب رئیس بنیاد مزبور منصوب و مقرر می‌داریم که در انجام دادن وظایف محول اقدام نماید.

کاخ نیاوران. به تاریخ بیست و هفتم آذر ماه ۲۳۵۶ شاهنشاهی

محمدرضا پهلوی

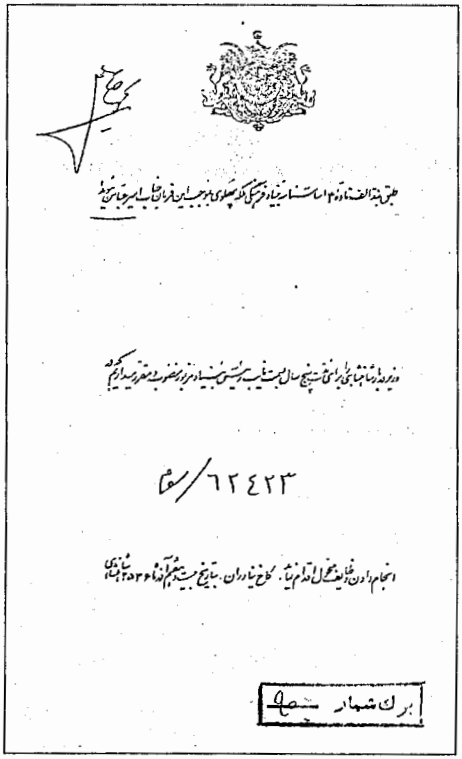

شماره: ۴ـ۲۰۹ تاریخ: ۲۵۳۶/۱۰/۷ [۵۶]

جناب آقای نصرت‌الله معینیان[۱]

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

عطف به نامه شماره ۱ـ۱۵۸ مورخ ۲۵۳۶/۱۰/۳ بدینوسیله وصول یک برگ فرمان دائر بر انتصاب به سمت نایب رئیس بنیاد فرهنگی ملکه پهلوی که به توشیح مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر رسیده است را تایید می‌نماید.

امیرعباس هویدا

۳۶/۱۰/۶...

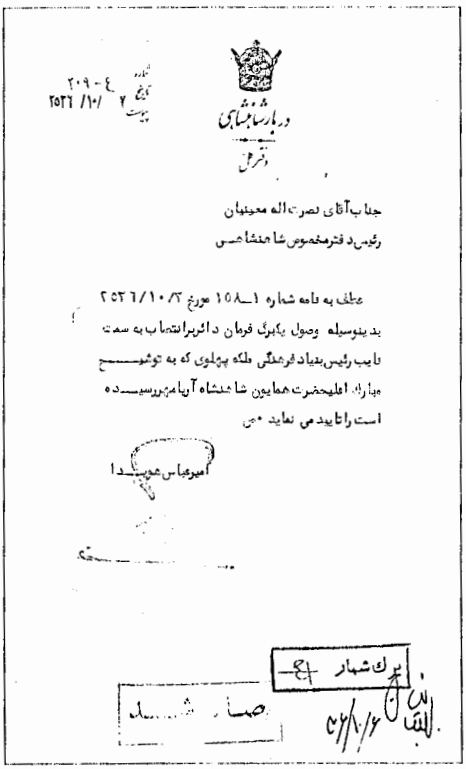
دربار شاهنشاهی
دفتر ویژه
جناب آقای نصرت‌اله معینیان
رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی
عطف به نامه شماره ۱ـ۱۵۸ مورخ ۲۵۳۶/۱۰/۳
بدینوسیله وصول یکبرگ فرمان دائربرانتصاب به سمت
نایب رئیس بنیاد فرهنگی ملکه پهلوی که به توشیح
مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر رسیده
است را تایید می نماید.
امیرعباس هویدا
یک برگ شمار
صادر شد
۳۶/۱۰/۶

۱ـ نصرت‌اله معینیان فرزند محمود در سال ۱۳۰۰ در اصفهان به دنیا آمد و پس از پایان دوره اول متوسطه در سال ۱۳۱۸ وارد هنرستان راه‌آهن شد و پس از دو سال دیپلم خود را اخذ نمود و در سالهای ۱۳۲۰ـ۱۳۲۲ در رشته خود در اصفهان به‌کار پرداخت. با سقوط رضاخان و باز شدن فضای سیاسی، او که دارای استعدادی در نگارش بود در سن ۲۲ سالگی فعالیت ژورنالیستی خود را در اصفهان به عنوان عضو هیأت تحریریه نشریه صدای وطن آغاز کرد. نشریه فوق از نشریات متعددی بود که به استعمار بریتانیا وابستگی داشت. و از ۱۵ آبان ۱۳۲۴ به عنوان نشریه‌ای دولت‌گرا و هوادار جناح سید ضیاءالدین طباطبائی در تهران انتشار آن ادامه یافت.

در همین زمان استعداد در روزنامه‌نگاری و طبع جویای نام معینیان مورد توجه «اینتلیجنس سرویس» قرار گرفت و او به تهران دعوت شد و از ۱۱ شهریور ۱۳۲۳ سردبیری نشریه «روستا» را به دست گرفت. با حوادث آذربایجان و تشدید فعالیت سرویس اطلاعاتی انگلیس در تهران، ستاره اقبال معینیان طلوع کرد و وی سردبیر روزنامه تازه تأسیس «آتش» شد و با هزینه سرویس اطلاعاتی انگلیس به همراه تنی چند از روزنامه‌نگاران به این کشور سفر نمود. با تصویب طرح اطلاعاتی مشترک «MI6» و «سیا» در سرنگونی دولت مصدق در نیمه دوم سال ۱۳۳۰ عوامل مطبوعاتی اینتلیجنس سرویس از جمله معینیان در اختیار «سیا» قرار گرفتند. معینیان از مهره‌های اصلی عملیات کودتا بود و پس از پیروزی کودتا موفق به اخذ نشان درجه ۲ رستاخیز گردید و راه ترقی را به سرعت طی کرد. در دولت فضل‌اله زاهدی به معاونت اداره کل انتشارات و رادیو منصوب شد و در دولت اقبال معاونت نخست‌وزیر و سرپرست تبلیغات بود. معینیان در دولت

علم به وزارت راه رسید ولی به علت مشاجره تند با مسئولین وزارتخانه از کار برکنار و خانه‌نشین شد. ولی در خرداد ۱۳۴۲ توسط علم به عنوان وزیر مشاور و سرپرست انتشارات و رادیو منصوب گردید. وی در سال ۱۳۴۱ با معرفی دکتر علی معارفی عضو باشگاه لاینز شد. در زمان تشکیل حزب ایران نوین جزء رهبران این حزب بود. در دولت علم به سمت وزیر اطلاعات رسید و در کابینه هویدا به علت کسالت و بستری شدن از وزارت اطلاعات استعفا داد. معینیان در تاریخ ۱۳۴۵/۹/۶ به عنوان رئیس دفتر مخصوص شاهنشاه منصوب شد.

معینیان به نخوت و تکبر و برخوردهای زننده با اشخاص مشهور بود.

اسناد ساواک ـ پرونده انفرادی

از راست: اسدالله علم ـ جعفر شریف‌امامی ـ منوچهر اقبال ـ هویدا ـ عبدالله ریاضی ـ محمدرضا و فرح پهلوی

به : ۳۴۲ تاریخ : ۳۶/۱۰/۲۹ [۵۶]

از : ۲۰ ه ۲۲ شماره : ۹۸۲۱۵

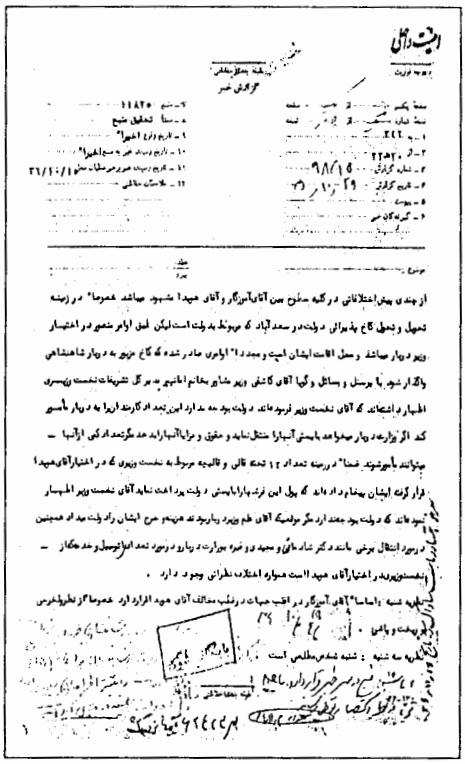

از چندی پیش اختلافاتی در کلیه سطوح بین آقای آموزگار و آقای هویدا مشهود می‌باشد خصوصاً در زمینه تحویل و تحول کاخ پذیرایی دولت در سعدآباد که مربوط به دولت است لیکن طبق اوامر منصور در اختیار وزیر دربار می‌باشد و محل اقامت ایشان است و مجدداً اوامری صادر شده که کاخ مزبور به دربار شاهنشاهی واگذار شود با پرسنل و وسائل و گویا آقای کاشفی وزیر مشاور به خانم امانپور مدیرکل تشریفات نخست‌وزیری اظهار داشته‌اند که آقای نخست‌وزیر فرموده‌اند دولت بودجه ندارد این تعداد کارمندان را به دربار مامور کند اگر وزارت دربار می‌خواهد بایستی آنها را منتقل نماید و حقوق و مزایا آنها را بدهد مگر تعداد کمی از آنها می‌توانند مامور شوند ضمناً در زمینه تعداد ۱۲ تخته قالی و قالیچه مربوط به نخست‌وزیری که در اختیار آقای هویدا قرار گرفته ایشان پیغام داده‌اند که پول این فرشها را بایستی دولت پرداخت نماید آقای نخست‌وزیر اظهار نموده‌اند که دولت بودجه ندارد مگر موقعی که آقای علم وزیر دربار بودند هزینه و خرج ایشان را دولت می‌داد همچنین در مورد انتقال برخی مانند دکتر شادمان و مجیدی و غیره به وزارت دربار و در مورد تعدادی اتومبیل و خدمه که از نخست‌وزیری در اختیار آقای هویدا است همواره اختلاف نظراتی وجود دارد.

نظریه شنبه : اساساً آقای آموزگار در اغلب جهات در قطب مخالف آقای هویدا قرار دارد خصوصاً از نظر ولخرجی و ریخت و پاش.

نظریه سه شنبه : شنبه شخص مطلعی است. تاکستانی

نظریه ۴ شنبه : منبع در مسیر خبر قرار دارد. ماجد

محترماً از نظر استحضار بعرض می‌رساند.

همراز ۳۶/۱۱/۲

[پی نوشت نصیری :]... برای وزیر دربار شاهنشاهی خریداری شده که وزیر دربار شاهنشاهی به آنجا منتقل خواهد شد.

این شایعات را بیشتر اطرافیان بوجود می‌آورند

مگر اختلاف سلیقه در جاهای دیگر نیست.

هویدا و جمشید آموزگار

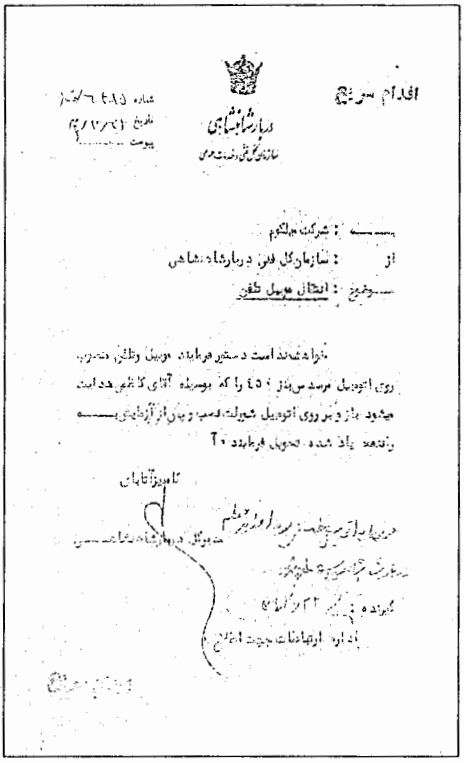

شماره : ۶۴۱۵ /ف ۱ تاریخ : ۳۶/۱۰/۲۱ [۵۶]

به : شرکت میلکوم

از : سازمان کل فنی دربار شاهنشاهی

موضوع : انتقال موبیل تلفن

خواهشمند است دستور فرمایند موبیل و تلفن منصوب روی اتومبیل مرسدس بنز ۴۵۰ راکه به وسیله آقای کاظمی هدایت می‌شود باز و بـر روی اتـومبیل شـورلت نـصب و پس از آزمایش به راننده یادشده تحویل فرمایند.

کامبیز آتابای

مدیرکل دربار شاهنشاهی

گیرنده :

اداره ارتباطات جهت اطلاع.

مربوط به اتومبیل جناب آقای هویدا وزیر معظم دربار شاهنشاهی است...

۳۶/۱۰/۲۲

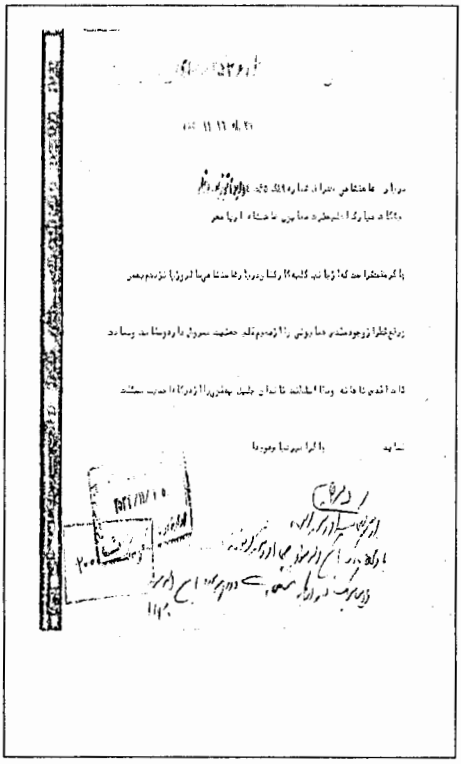

تاریخ : ۲۵۳۶/۱۱/۱۵ [۱۳۵۶]

از : دربار شاهنشاهی شماره : ۸۹ک ۶۵

پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون

شاهنشاه آریامهر

چاکر مفتخر است که از جانب کلیه کارکنان دربار شاهنشاهی سالروز پانزدهم بهمن و رفع خطر از وجود مقدس همایونی را از صمیم قلب تهنیت معروض دارد و سلامت و سعادت ذات اقدس شاهانه و بقاء سلطنت خاندان جلیل پهلوی را از درگاه احدیت مسئله نماید

چاکر امیرعباس هویدا

دبیرخانه

... او دستور داده‌اند

... صادر دستور فرمودند

... هر یک در دربار مشخص است ... ۱۱/۸

تاریخ : ۳۶/۱۱/۲۰ [۵۶]

دفتر مخصوص شاهنشاهی

جناب امیرعباس هویدا[۱]

وزیر دربار شاهنشاهی

تلگرام مبنی بر تبریک و تهنیت و ابراز احساسات صمیمانه که به مناسبت سالروز ۱۵ بهمن مخابره نموده‌اید ملاحظه و موجب خرسندی خاطر گردید توجهات و عنایات مخصوص ما را به کلیه کارکنان دربار شاهنشاهی ابلاغ نمایند.

به تاریخ بیستم بهمن ماه ۲۵۳۶ شاهنشاهی

از اوامر صادره روی تلگرام پیوست برگ ارجاعی به پرونده مربوطه درج شود

۱۱/۲۰

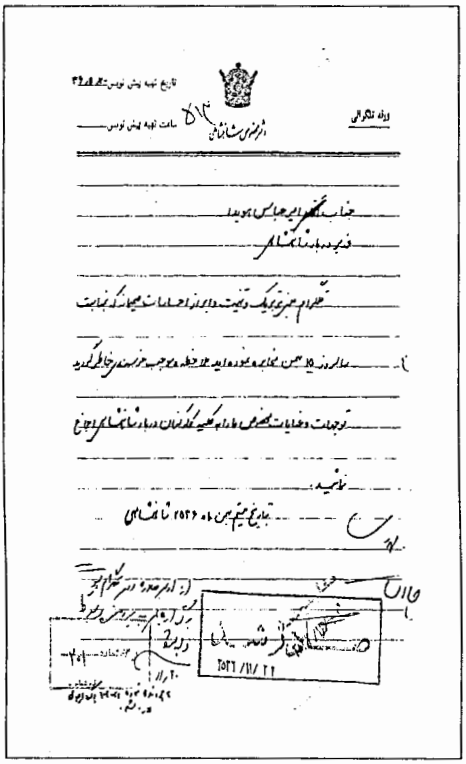

به پرونده شماره ۲۲ـ۱۰۲ برگ ارجاعی... شد.

۱ـ در اصل سند که پیش‌نویس این نامه می‌باشد. در روی عنوان «آقای» خط کشیده شده است، که این مطلب، برای بررسی روحیات استکباری محمدرضا پهلوی و روابط او با نخست‌وزیر حکومتش قابل دقت می‌باشد.

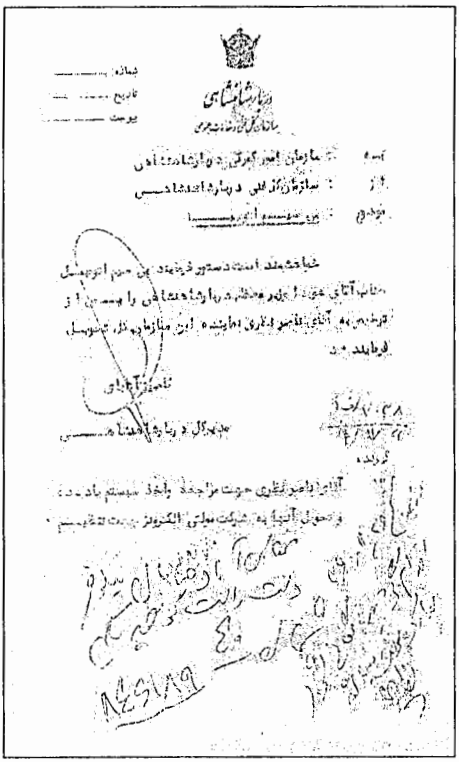

شماره : ۷۰۳۸ / ف ۱ تاریخ : ۳۶/۱۱/۲۲ [۵۶]

به : سازمان امور گمرکی دربار شاهنشاهی

از : سازمان کل فنی دربار شاهنشاهی

موضوع : بی‌سیم اتومبیل

خواهشمند است دستور فرمایند بی‌سیم اتومبیل جناب آقای هویدا وزیر معظم دربار شاهنشاهی را پس از ترخیص به آقای نظری نماینده این سازمان کل تحویل فرمایند.

کامبیز آتابای

مدیرکل دربار شاهنشاهی

گیرنده : آقای ناصر نظری جهت مراجعه و اخذ سیستم یادشده و تحویل آنها به شرکت مولتی الکترونز جهت تنظیم.

در تاریخ ۳۶/۱۱/۲۶ اقدام گردید بایگانی شود مدارک به پیوست می‌باشد. نظری

عباس‌آباد خیابان نیلوفر دست راست کوچه یکم ۴۰

[تلفن :] ۸۴۶۱۸۹

تاریخ : ۳۶/۱۱/۲۶ [۵۶]

صورتجلسه

در حضور امضاکنندگان زیر سیزده کارتن و یک بسته محتوی هفت عدد آنتن و یک بسته آنتن مرکزی بازگردید کلیه کارتن‌ها سالم و در هیچ یک از کارتن‌ها فضای خالی مشاهده نشده است و همه وسایل طبق فاکتور شماره ۱۰۰۹۱ به جز ردیف M که شامل دو عدد POWER AMPLIFIER می‌باشد در کارتن‌ها مشاهده نگردید به شرکت مولتی الکترونز جهت نصب تحویل گردید.

فاکتور شماره ۱۰۰۹۱ ضمیمه این صورتجلسه می‌باشد.

نماینده دربار شاهنشاهی

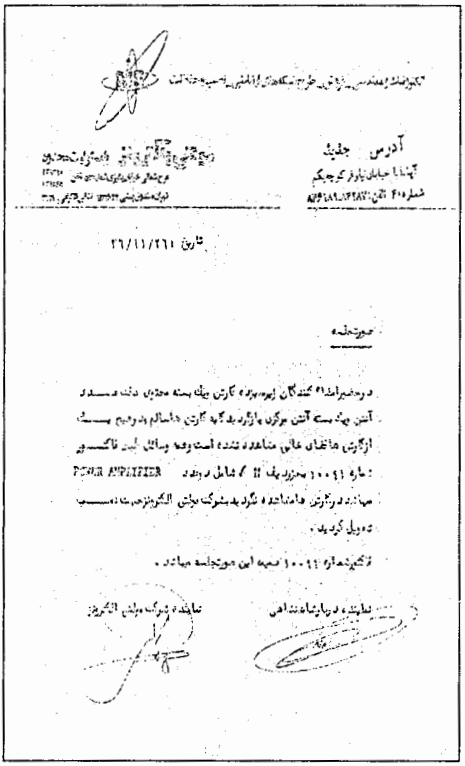

نماینده شرکت مولتی الکترونز...

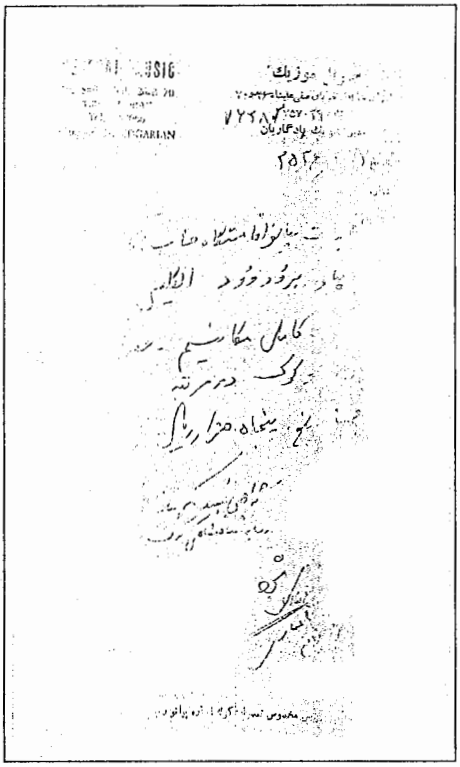

تاریخ : ۲۵۳۶/۱۲/۲۲ [۱۳۵۶]

تعمیرات پیانو اقامتگاه جناب

آقای وزیر دربار

پیانو برودوود انگلیسی تعمیرات کامل مکانیسم ـ خفر کوپه پراسما و کوک دو مرتبه جمعاً به مبلغ پنجاه هزار ریال /۵۰/۰۰۰ ریال

گواهی می‌شود که پیانو اقامتگاه جناب وزیر دربار شاهنشاهی کوک شد.

گواهی می‌شود...غفاری

تعداد دوگلدان و دو عدد زیرگلدانی سنگی به مبلغ ۵۴۰۰۰/ ریال به دستور خانم فرمان فرمائیان توسط آقای یوسف طلاسازان به منزل جناب آقای هویدا وزیر محترم دربار شاهنشاهی تحویل شد

توسط خانم مژگان مسعودی پرداخت شد

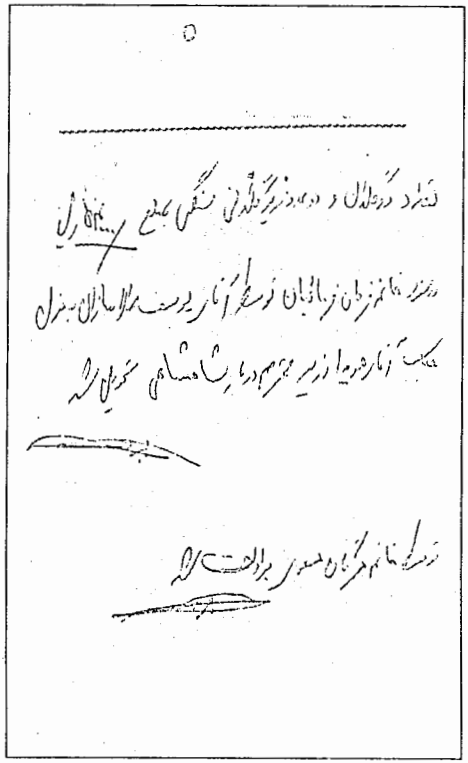

تاریخ: ۲۵۳۶/۱۲/۲۵ [۱۳۵۶]

جناب آقای امیرعباس هویدا وزیر

دربار شاهنشاهی

سرور گرامی

اخبار مربوط به ربوده شدن و قتل فجیع پسربچه یک خانواده سرشناس را در روزنامه‌های کیهان و اطلاعات خواندم. البته که برای آگاه‌کردن مردم از وقایع هر چقدر هم که غم‌انگیز و دلخراش باشد، انعکاس چنین مطالبی صحیح و لازم است ولی شرح وقایع با استفاده از کلماتی که به خشم و تعصب مردم دامن بزند و حس خشونت و انتقامجویی آنان را برانگیزد بالمآل نتیجه معکوس خواهد داشت.

مطلب مهمتر اینکه در شرایط امروزی دنیا خلاف موازین و ارزشهای انسانی به نظر می‌رسد که کسی را قبل از محاکمه در مراجع قضائی، محکوم تلقی کنند و به جای استفاده از جمله «متهم به قتل» و یا «معترف به قتل»، در جراید از وی به عنوان «قاتل» نام ببرند، و حتی مجازات او را پیشاپیش تعیین نمایند.

ممکن است بفرمائید این مطالب به وزارت دربار مربوط نمی‌شود و حق هم مثل همیشه با جنابعالی خواهد بود ولی چون به سیمای مملکتمان مربوط می‌شود با همه ما ارتباط پیدا می‌کند. لذا حسب‌المعمول و کما فی‌السابق مزاحم اوقات آنجناب شدم تا امر فرمائید تذکر لازم به مسئولان امر بدهند.

با پوزش از تصدیع و تجدید مراتب احترام پرویز راجی

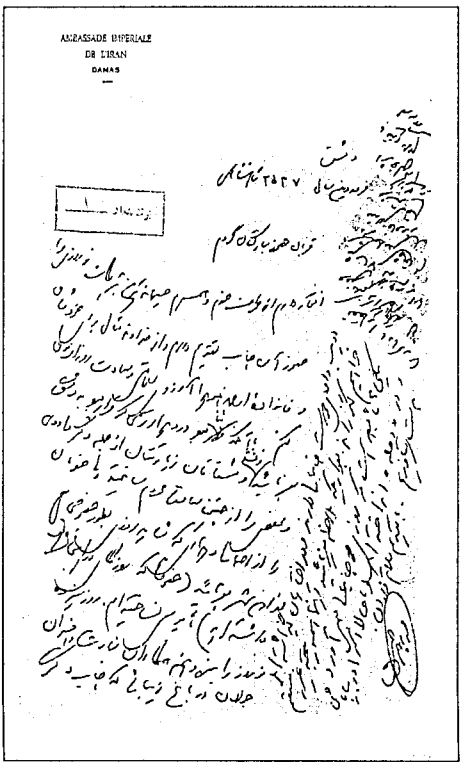
AMBASSADE IMPERIALE
DE L'IRAN
DAMAS

تاریخ: فروردین ۲۵۳۷ شاهنشاهی [۱۳۵۷]
[از:] دمشق

قربان حضور مبارکتان گردم

افتخار دارم از طرف خودم و همسرم صمیمانه‌ترین تبریکات نوروزی را حضور آن جناب تقدیم دارم و از خداوند متعال برای خودتان و خانواده ارجمند هویدا آرزوی سلامتی و سعادت روزافزون کنم با آنکه بنا بود در دیدار رسمی که قرار بود به دمشق بفرمائید و نشد و مشتاقان زیارتتان از جمله دکتر داودی و مخلص را از چنین سعادتی محروم ساختید ولی خودمان را از احتمال دیداری که شاید روزی به طور خصوصی هم از این شهر بفرمائید (خصوصاً که روزگاری در اینجا تشریف داشته‌اید) مأیوس نساخته‌ایم. روز سیزده نوروز را بنده و هم همکاران سفارت و افسران جولان در باغ زیبایی که جناب دکتر ادیب داودی دوست جنابعالی دارند و در اختیارمان گذاشته‌اند خواهیم گذراند. به طوری که ملاحظه بفرمائید اینها همه نتیجه غیرمستقیم نیکی‌هایی بوده است که روزی جنابعالی بعمل آورده و در «دجله» انداخته‌اید و ما حالا آن را در بیابان بدست می‌آوریم. با تقدیم سلام فراوان. محمدپور سرتیپ

فقط برای یادآوری عرض می‌کنم که اگر... مثل سالهای گذشته برای دکتر داودی و خانم مقداری خاویار بفرستید اثر خواهد گذشت با تقدیم سلام...

دوکیلو خاویار برای سفیر در دمشق ارسال شود و طی تلگرامی بگوئید برای ادیب داودی است

[هویدا]

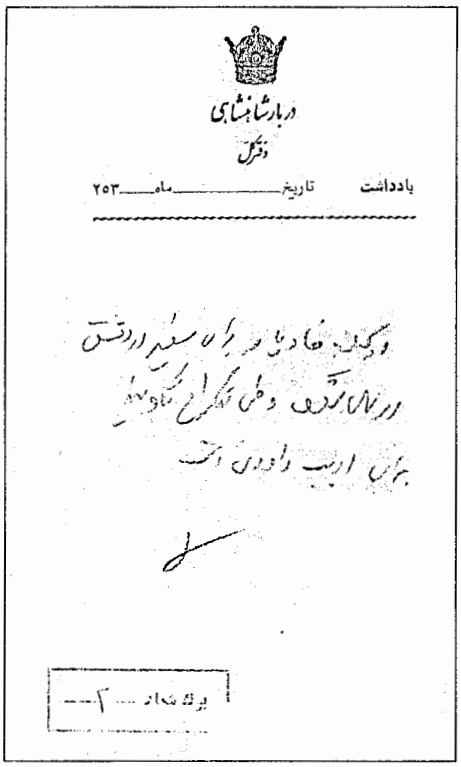
دربار شاهنشاهی
دفتر
یادداشت تاریخ ماه ۲۵۳

به : ۳ـ ۲۰۰ / م تاریخ : ۳۷/۱/۹ [۵۷]

جناب آقای محمد پورسرتیپ

سفیر شاهنشاه آریامهر ـ دمشق

از نـــامه مـحبت‌آمیز آن دوست عـزیزم مـتشکرم. دوکـیلو خـاویار بـا پـیک سـیاسی وزارت امـــور خـارجـه بـه عـنوان سـفارت شـــاهنشاهی ایـران در دمشـق فـرستادم. خـواهش مـی‌کنم دسـتور فـرمائید آن را بـه جناب آقای ادیب داودی تحویل نمایند.

با سلام فراوان ـ امیرعباس هویدا

لطفاً مخابره شود

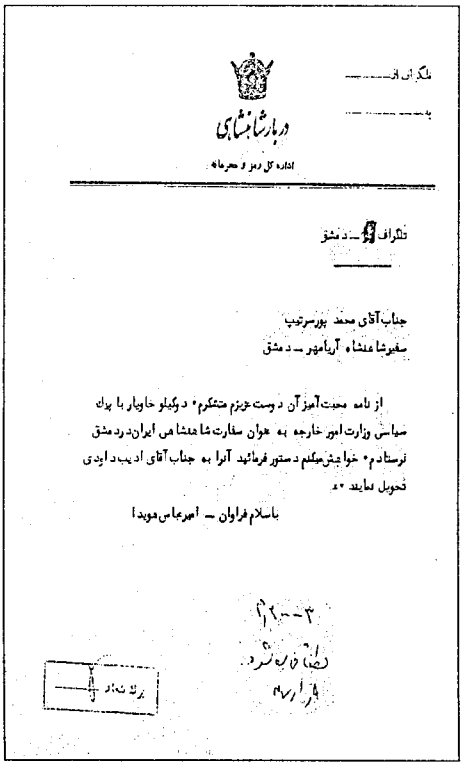
دربار شاهنشاهی

اداره کل دفتر و تحریرات

تلگراف ـ دمشق

جناب آقای محمد پورسرتیپ
سفیر شاهنشاه آریامهر ـ دمشق

از نامه محبت‌آمیز آن دوست عزیزم متشکرم. دوکیلو خاویار با پیک سیاسی وزارت امور خارجه به عنوان سفارت شاهنشاهی ایران در دمشق فرستادم. خواهش می‌کنم دستور فرمائید آنرا به جناب آقای ادیب داودی تحویل نمایند.

باسلام فراوان ـ امیرعباس هویدا

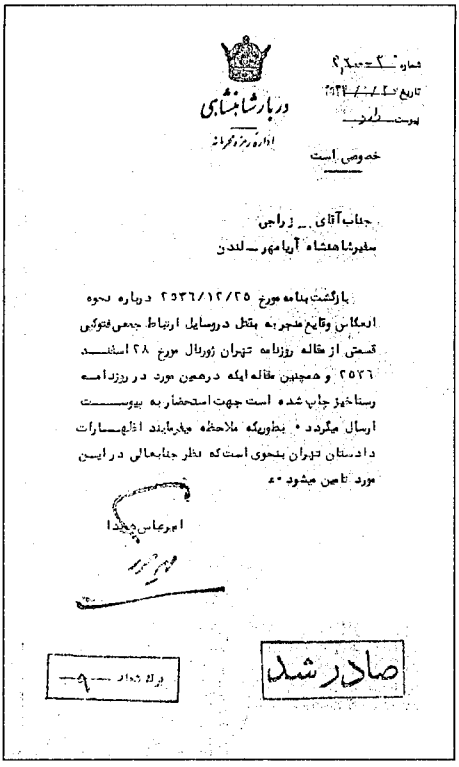

دربار شاهنشاهی
اداره رمز و مراسلات

خصوصی است

جناب آقای ... ز راجی
سفیر شاهنشاه آریامهر ـ لندن

بازگشت بنامه مورخ ۲۵۳۶/۱۲/۲۵ درباره نحوه انعکاس وقایع منجر به قتل در وسایل ارتباط جمعی فتوکپی قسمتی از مقاله روزنامه تهران ژورنال مورخ ۲۸ اسفند ۲۵۳۶ و همچنین مقاله ایکه درهمین مورد در روزنامه رستاخیز چاپ شده است جهت استحضار به پیوست ارسال میگردد. بطوریکه ملاحظه میفرمایند اظهارات دادستان تهران بنحوی است که نظر جنابعالی در این مورد تامین میشود.

امیرعباس هویدا

صادر شد

تاریخ: ۲۵۳۷/۱/۲۰ [۱۳۵۷]

شماره: ۳ـ ۲۰۰/م

جناب آقای پرویز راجی

سفیر شاهنشاه آریامهر ـ لندن

بازگشت به نامه مورخ ۲۵۳۶/۱۲/۲۵ درباره نحوه انعکاس وقایع منجر به قتل در وسایل ارتباط جمعی فتوکپی قسمتی از مقاله روزنامه تهران ژورنال مورخ ۲۸ اسفند ۲۵۳۶ و همچنین مقاله‌ای که در همین مورد در روزنامه رستاخیز چاپ شده است جهت استحضار به پیوست ارسال می‌گردد. به طوری که ملاحظه می‌فرمایند اظهارات دادستان تهران به نحوی است که نظر جنابعالی در این مورد تأمین می‌شود.

امیرعباس هویدا

...

تاریخ: ۳۷/۱/۱۵ [۵۷]

جناب آقای ابوالفتح آتابای[۱]

معاون دربار شاهنشاهی

دربار شاهنشاهی

جناب آقای ابوالفتح آتابای
معاون دربار شاهنشاهی

پیوست فتوکپی گزارش بازرسان و همچنین ضمائم مربوط به آن درباره ورود تعداد ۵۳ کارتن گل آزالیا بنام دربار شاهنشاهی بفرودگاه مهرآباد وکیفیت ترخیص و جریان بعدی آن ارسال میگردد. بطوریکه ملاحظه میفرمائید آقای عباس خانمیرزایی صاحب گلفروشی کریستال گلهای مزبور راکه بنام دربار شاهنشاهی وارد شده است به جای تحویل مستقیم به کاخهای شاهنشاهی به سود خود در بازار به فروش رسانیده و در بازجویی که از وی بعمل آمده به دروغ اظهار نموده که روش هر

امیرعباس هویدا

بـه پـیوست فـتوکپی گـزارش بـازرسان و همچنین ضمائم مربوط به آن درباره ورود تعداد ۵۳ کارتن گل آزالیا به نام دربـار شـاهنشاهی بـه فـرودگاه مـهرآبـاد و کـیفیت تـرخـیص و جـریان بعدی آن ارسال می‌گردد. به طوری که ملاحظه مـی‌فرمائید آقـای عـباس خـانمیرزایـی صـاحب گلفروشی کریستال گلهای مزبور راکه به نام دربار شـاهنشاهی وارد شـده است بـه جـای تـحویل مستقیم به کاخهای شاهنشاهی به سود خود در بازار به فروش رسانیده و در بـازجـویی کـه از وی بعمل آمده به دروغ اظـهار نـموده کـه روش هـر ساله چنین بوده است.

بنابراین با توجه به لزوم حفظ حیثیت والا و مـبرای دربـار شـاهنشاهی و اینـکه صـاحب گـلفروشی کریستال با خدعه و سودجویی اقدامی خلاف مصالح دربار شاهنشاهی نـموده لازم است بـه کـلیه قسمتها ابلاغ فرمائید که از این پس از خرید گل از گلفروشی مزبور مطلقاً خودداری نـمایند ضـمناً برای تامین گل مورد احتیاج دربار شاهنشاهی خواهشمند است فهرستی شامل حدود ده گلفروشی معتبر و مطمئن تهیه و برای اینجانب ارسال فرمائید تا به گارد شاهنشاهی معرفی شوند و به نوبت از آنها گل مورد لزوم خریداری گردد. بدیهی است در مورد سفارش گل و گیاه از خـارج کشـور پس از تعیین نوع گل و گیاه مورد احتیاج اقدام لازم راساً توسط وزارت دربار شاهنشاهی از طریق سفارتهای شاهنشاهی در خارج بعمل خواهد آمد.

امیرعباس هویدا

۱ـ ابوالفتح آتابای فرزند آقاجان، در سال ۱۲۷۹ هـ ش در تهران بدنیا آمد. تا مـقطع مـتوسطه در دبـیرستان اقـدسیه تحصیل نمود و در سال ۱۳۰۶ به عنوان خدمتگزار دربار، ابتدا رئیس اصطبل گاراژ شکاربانی شد. مشارالیه در کـودتای

آمریکایی ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ نقشی فعال داشت و از طرف وزارت دفاع و کمیسیون اعطای نشان جهت قدردانی نشان درجه یک رستاخیز به وی اعطاء شد. ابوالفتح آتابای از اعضاء شورایعالی بزرگداشت صدمین سالروز تولد رضاشاه، عضو مؤسس حزب رستاخیز، معاون امور انتظامی وزارت دربار، میرشکار شاه، مشاور دربار و در دوره ۱۹ مجلس شورایملی نماینده گرگان و دشت بود. همسرش بدری آتابای رئیس کتابخانه سلطنتی و کامبیز آتابای فرزندش مدیرکل دربار بودند. نامبرده در طول خدمت به دستگاه ظالم پهلوی، ستم زیادی به مردم نمود از جمله در سال ۵۷ اهالی روستای همسین ترکمن را از محل سکونتشان اخراج و با تخریب مدرسه و خانه‌های روستا و تجاوز به اموال و نوامیس آنها، محل را به شکارگاه شاه تبدیل نمود. مشارالیه با سوءاستفاده از موقعیتش در دربار، ثروت زیادی اندوخت و صاحب سازمان آبیاری و عمران شد. ابوالفتح آتابای در طول حضورش در دربار نشانهای ۲ و ۳ همایون ـ ۳ و ۵ تاج، ۱ و ۲ استقلال اردن هاشمی، نشان زیشان استوار اول از محمد ظاهرشاه پادشاه افغانستان مدال یادبود برگزاری جشن‌های دو هزار و پانصد ساله را دریافت کرد.

اسناد ساواک ـ پرونده انفرادی.

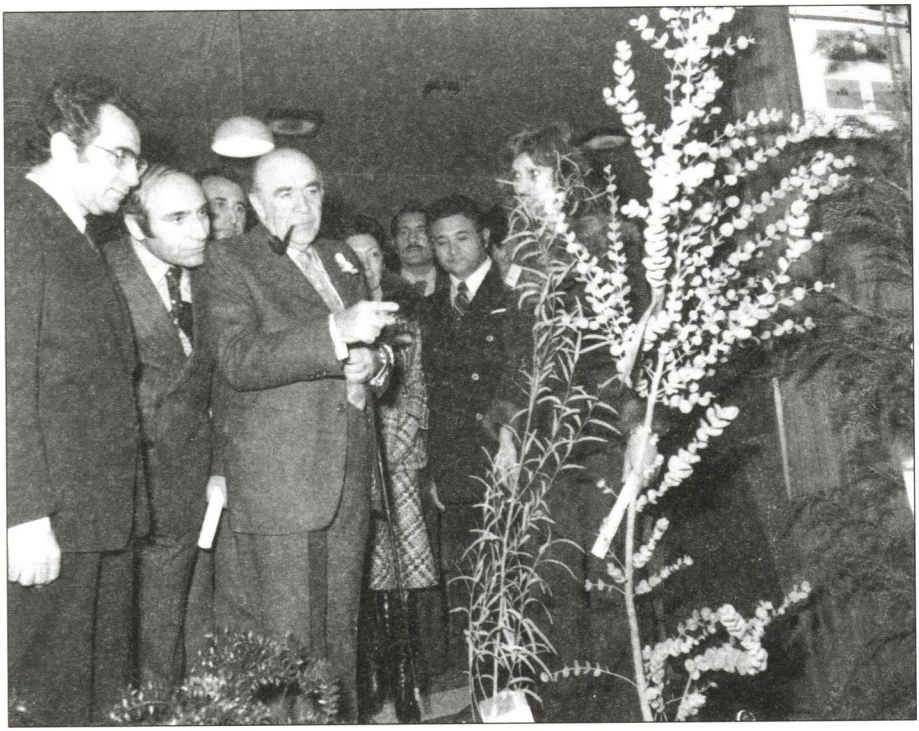

بدون شرح

شماره: ۶۶۹/ف ۱ تاریخ: ۳۷/۲/۱۱ [۵۷]

به: امور مالی دربار شاهنشاهی

از: سازمان کل فنی دربار شاهنشاهی

موضوع: پرداخت هزینه

خواهشمند است دستور فرمایند با توجه به فاکتورهای پیوست جمعاً مبلغ ۲۳۶/۶۸۴/- ریال بهای وسایل نظافت موکت و فرش که حسب‌الامر جناب آقای امیرعباس هویدا وزیر معظم دربار شاهنشاهی برای اقامتگاه معظم‌له خریداری گردیده در وجه شرکت ایران ساتر کارسازی فرمایند.

کامبیز آتابای

مدیر کل دربار شاهنشاهی

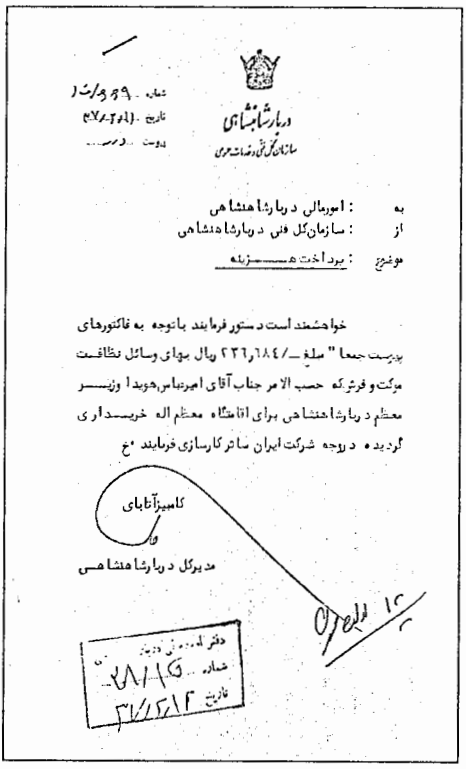
دربار شاهنشاهی
سازمان کل فنی دربار شاهنشاهی

به: امور مالی دربار شاهنشاهی
از: سازمان کل فنی دربار شاهنشاهی
موضوع: پرداخت هزینه

خواهشمند است دستور فرمایند با توجه به فاکتورهای پیوست جمعاً "مبلغ ـ/۲۳۶٫۶۸۴ ریال بهای وسائل نظافت موکت و فرش که حسب الامر جناب آقای امیرعباس هویدا وزیر معظم دربار شاهنشاهی برای اقامتگاه معظم له خریداری گردیده در وجه شرکت ایران ساتر کارسازی فرمایند. ع

کامبیز آتابای
مدیر کل دربار شاهنشاهی

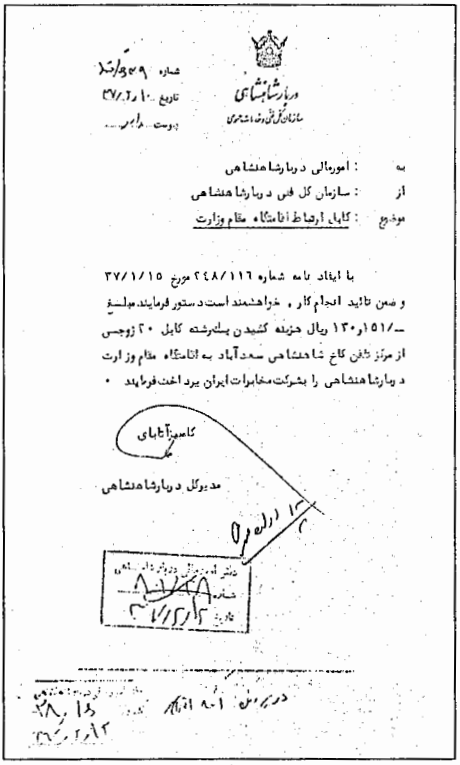

دربارشاهنشاهی
سازمان کل فنی دربارشاهنشاهی

شماره ۶۳۹/ف د
تاریخ ۳۷/۲/۱۰
پیوست ندارد

به : امورمالی دربارشاهنشاهی
از : سازمان کل فنی دربارشاهنشاهی
موضوع : کابل ارتباط اقامتگاه مقام وزارت

با ابلاغ نامه شماره ۲۴۸/۱۱۶ مورخ ۳۷/۱/۱۵
و ضمن تائید انجام کار ، خواهشمند است دستور فرمایند مبلغ
۱۳۰/۱۵۱ریال هزینه کشیدن یک رشته کابل ۲۰ زوجی
از مرکز تلفن کاخ شاهنشاهی سعدآباد به اقامتگاه مقام وزارت
دربارشاهنشاهی را بشرکت مخابرات ایران پرداخت فرمایند .

کامبیز آتابای
مدیرکل دربارشاهنشاهی

در پرونده ۸۰۱ اقدام

شماره : ۶۳۹/ف د تاریخ : ۳۷/۲/۱۰ [۵۷]

به : امور مالی دربار شاهنشاهی

از : سازمان کل فنی دربار شاهنشاهی

موضوع : کابل ارتباط اقامتگاه مقام وزارت

با ابلاغ نامه شماره ۲۴۸/۱۱۶ مورخ ۳۷/۱/۱۵ و ضمن تایید انجام کار، خواهشمند است دستور فرمایند مبلغ ۱۳۰/۱۵۱/- ریال هزینه کشیدن یک رشته کابل ۲۰ زوجی از مرکز تلفن کاخ شاهنشاهی سعدآباد به اقامتگاه مقام وزارت دربار شاهنشاهی را به شرکت مخابرات ایران پرداخت فرمایند.

کامبیز آتابای

مدیر کل دربار شاهنشاهی

تاریخ : ۳۷/۱/۲۲ [۵۷]

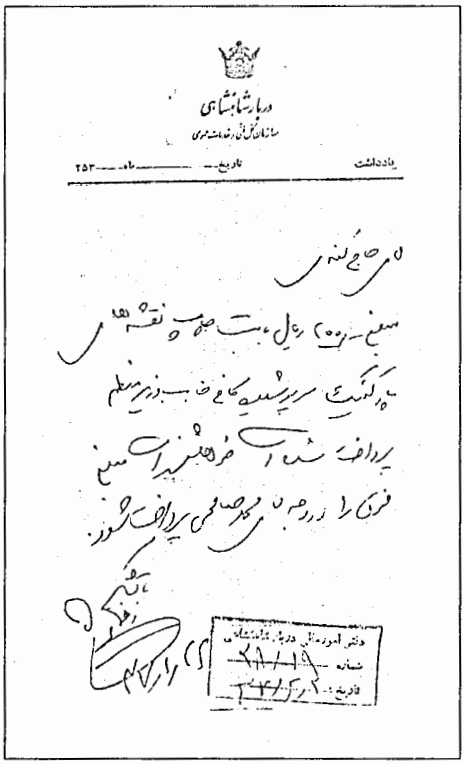
دربار شاهنشاهی
سازمان امور اقتصادی و دارائی
یادداشت تاریخ ماه ۲۵۳

آقای حاج کندی

مبلغ ۲۰۰/۰۰۰ ریال بابت چاپ نقشه‌های پارکینگ سرپوشیده کاخ جناب وزیر معظم پرداخت شده است خواهشمند است مبلغ فوق را در وجه آقای محمد صالحی پرداخت شود.

با تشکر رهنما

۳۷/۲/۲۲

از : صوفیا تاریخ : ۲۵۳۷/۲/۲۹ [۱۳۵۷]

شماره : ۵۲۶۰

جناب آقای امیرعباس هویدا

وزیر دربار شاهنشاهی

۱۰۱ ـ امیرعباس عزیزم عریضه تلگرافیت از شرف عرض پیشگاه مبارک همایونی و پیشگاه مبارک علیاحضرت شهبانو گذشت. در اینجا دوستان خیلی جویای حالت هستند و بخصوص آقای ستانکو تئودورف نخست‌وزیر و بانو سلامهای گرم حضورت فرستادند.

قربانت عباس خلعت‌بری

۲۵۳۷/۲/۲۸ ـ ۴۴

به استحضار رسید

۳۷/۲/۳۰

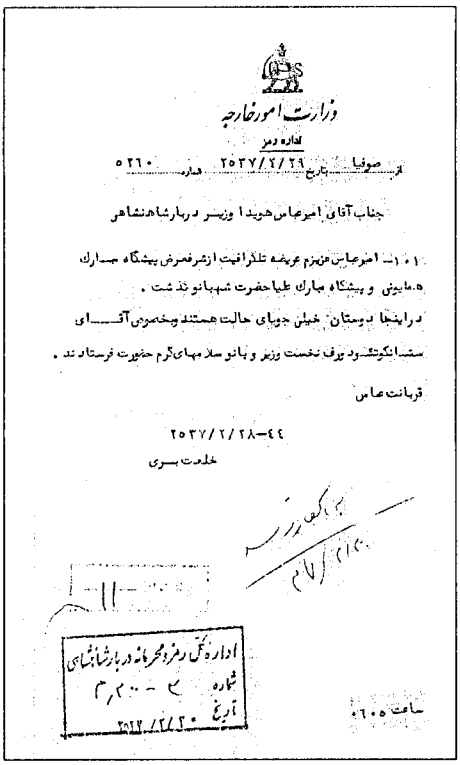

وزارت امور خارجه

اداره رمز

از صوفیا تاریخ ۲۵۳۷/۲/۲۹ شماره ۵۲۶۰

جناب آقای امیرعباس هویدا وزیر دربار شاهنشاهی

۱۰۱ ـ امیرعباس عزیزم عریضه تلگرافیت از شرف عرض پیشگاه مبارک همایونی و پیشگاه مبارک علیاحضرت شهبانو گذشت.

در اینجا دوستان خیلی جویای حالت هستند و بخصوص آقای ستانکو تئودورف نخست‌وزیر و بانو سلامهای گرم حضورت فرستادند.

قربانت عباس

۲۵۳۷/۲/۲۸ ـ ۴۴

خلعت بری

اداره کل رمز و محرمانه دربار شاهنشاهی

شماره ۴۲۰۰ ـ ۲

تاریخ ۱۳۵۷/۲/۳۰

ساعت ۰۶۰۵

شماره: ۷۷۰/ف ۱ تاریخ: ۳۷/۲/۱۹ [۵۷]

به: امور مالی دربار شاهنشاهی

از: سازمان کل فنی دربار شاهنشاهی

موضوع: پرداخت وجه

خواهشمند است دستور فرمایند مبلغ چهار هزار و هشتصد و هشتاد ریال بابت خرید لوازم منزل جناب آقای هویدا وزیر معظم دربار شاهنشاهی که فاکتورهای آن هم ضمیمه می‌باشد در وجه آقای منصور حاجی کندی پرداخت فرمایند.

کامبیز آتابای

مدیرکل دربار شاهنشاهی

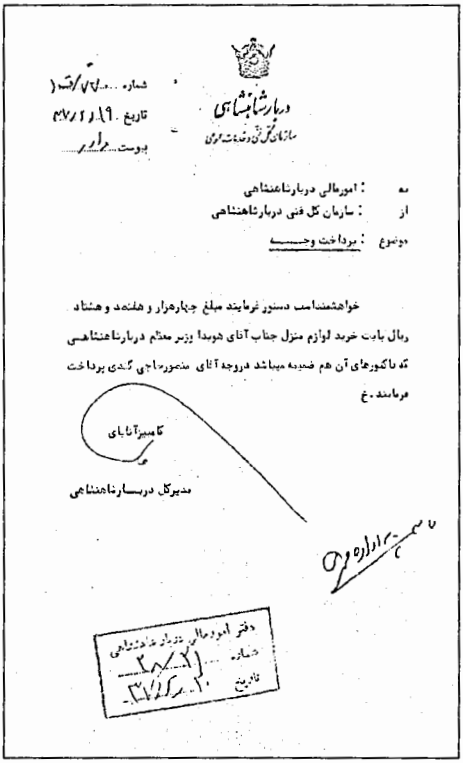
دربار شاهنشاهی
سازمان کل فنی و خدمات عمومی

شماره ...۷۷۰/ف ۱
تاریخ ۱۹/۲/۳۷
پیوست ...دارد

به : امور مالی دربار شاهنشاهی
از : سازمان کل فنی دربار شاهنشاهی
موضوع : پرداخت وجه

خواهشمنداست دستور فرمایند مبلغ چهارهزار و هفتصد و هشتاد ریال بابت خرید لوازم منزل جناب آقای هویدا وزیر معظم دربار شاهنشاهی که فاکتورهای آن هم ضمیمه میباشد درو جه آقای منصور حاجی کندی پرداخت فرمایند.غ

کامبیز آتابای

مدیرکل دربار شاهنشاهی

دفتر امور مالی دربار شاهنشاهی
شماره ۲۸۷۱
تاریخ ۳۷/۲/۲۰

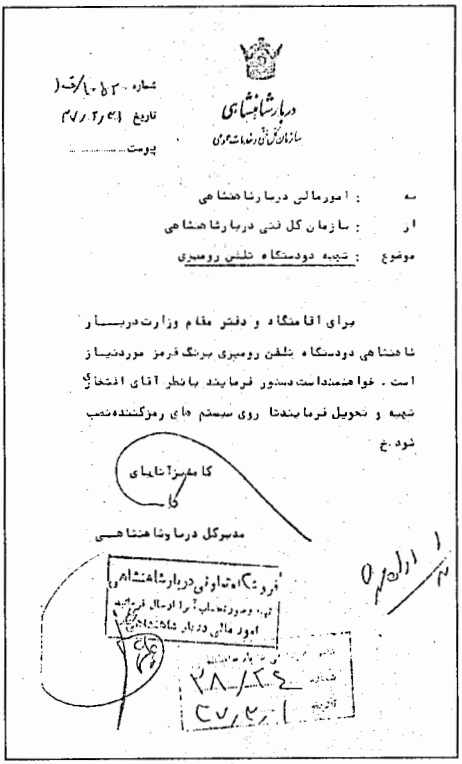

دربار شاهنشاهی
سازمان کل فنی و خدمات عمومی

شماره: ۱۰۵۲/ف/۱
تاریخ: ۳۷/۲/۳۱
پیوست:

به: امور مالی دربار شاهنشاهی
از: سازمان کل فنی دربار شاهنشاهی
موضوع: تهیه دو دستگاه تلفن رومیزی

برای اقامتگاه و دفتر مقام وزارت دربار شاهنشاهی دو دستگاه تلفن رومیزی به رنگ قرمز مورد نیاز است. خواهشمند است دستور فرمایند با نظر آقای افتخاری تهیه و تحویل فرمایند تا روی سیستم های رمزکننده نصب شود. خ

کامبیز آتابای
مدیرکل دربار شاهنشاهی

فرودگاه تاوونی دربار شاهنشاهی
امور مالی دربار شاهنشاهی

۲۸/۲/۳۷
۳۷/۲/۱

شماره: ۱۰۵۲/ف ۱ تاریخ: ۳۷/۲/۳۱ [۵۷]
به: امور مالی دربار شاهنشاهی
از: سازمان کل فنی دربار شاهنشاهی
موضوع: تهیه دو دستگاه تلفن رومیزی

برای اقامتگاه و دفتر مقام وزارت دربار شاهنشاهی دو دستگاه تلفن رومیزی به رنگ قرمز مورد نیاز است. خواهشمند است دستور فرمایند با نظر آقای افتخاری تهیه و تحویل فرمایند تا روی سیستم‌های رمزکننده نصب شود.

کامبیز آتابای
مدیرکل دربار شاهنشاهی

تاریخ : ۳۷/۳/۱ [۵۷]

دربار شاهنشاهی

جناب آقای کامبیز آتابای

مدیرکل محترم دربار شاهنشاهی

محترماً به عرض می‌رساند که مبلغ سی هزار ریال بابت اجرای برنامه هنری در اقامتگاه وزیر معظم دربار شاهنشاهی به هنرمندان شرکت‌کننده پرداخت گردید خواهشمندم مقرر فرمایند نسبت به پرداخت مبلغ فوق در وجه اینجانب اقدام لازم معمول فرمائید.

با تقدیم احترام

مژگان مسعودی

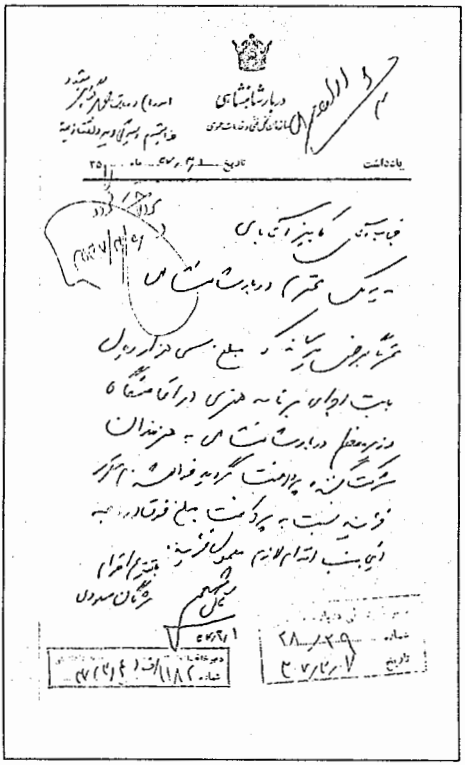

۳۷/۳/۱ ...

امور مالی دریافت وجه گواهی می‌شود خواهشمندم رسیدگی و پرداخت فرمائید.

پرداخت گردد.

۲۵۳۷/۳/۶

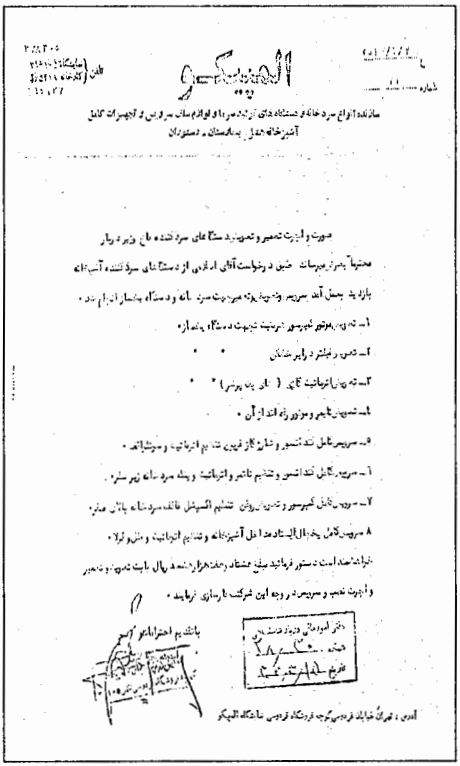

شماره : ۲۱ تاریخ : ۲۵۳۷/۳/۷ [۱۳۵۷]

المپیکو

موضوع : صورت و اجرت تعمیر و تعویض دستگاه‌های سردکننده کاخ وزیر دربار

محترماً به عرض می‌رساند طبق درخواست آقای اسلامی از دستگاههای سردکننده آشپزخانه بازدید بعمل آمد سرویس و تعویض و تعمیر جهت سردخانه و دستگاه یخساز انجام شد.

۱ـ تعویض موتور کمپرسور هرمتیک جهت دستگاه یخساز.

۲ـ تعویض فیلتر درایر خشک‌کن جهت دستگاه یخساز.

۳ـ تعویض اتوماتیک گازی (های بک پرشر) جهت دستگاه یخساز.

۴ـ تعویض تایمر و موتور راه‌انداز آن.

۵ـ سرویس کامل کندانسور و شارژ گاز فریون تنظیم اتوماتیک و سونلوالف.

۶ـ سرویس کامل کندانسور و تنظیم تاتمر و اتوماتیک و پنکه سردخانه زیر صفر.

۷ـ سرویس کامل کمپرسور و تعویض روغن تنظیم اکسپشل خالف سردخانه بالای صفر.

۸ـ سرویس کامل یخچال ایستاده داخل آشپزخانه و تنظیم اتوماتیک و قفل و لولا.

خواهشمند است دستور فرمائید مبلغ هشتاد و هفت هزار و هشتصد ریال بابت تعویض و تعمیر و اجرت نصب و سرویس در وجه این شرکت کارسازی فرمایند.

با تقدیم احترامات

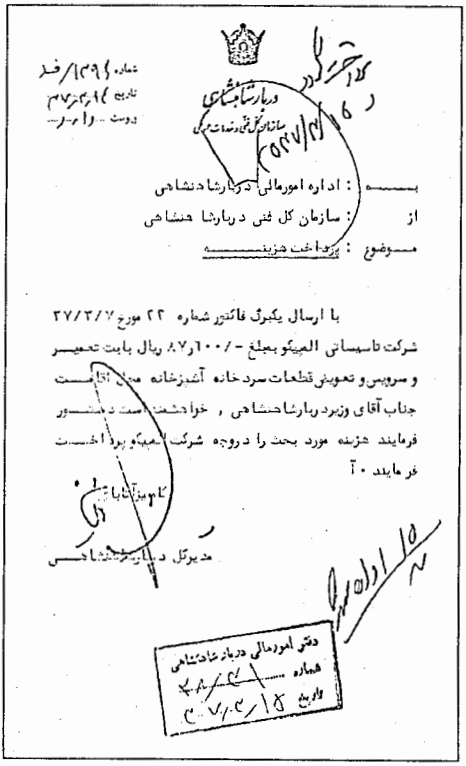

شماره: ۱۳۹۶/ف د تاریخ: ۳۷/۳/۱۴ [۵۷]

به: اداره امور مالی دربار شاهنشاهی

از: سازمان کل فنی دربار شاهنشاهی

موضوع: پرداخت هزینه

با ارسال یک برگ فاکتور شماره ۲۲ مورخ ۳۷/۳/۷ شرکت تأسیساتی المپیکو مبلغ ۸۷/۶۰۰/- ریال بابت تعمیر و سرویس و تعویض قطعات سردخانه آشپزخانه محل اقامت جناب آقای وزیر دربار شاهنشاهی، خواهشمند است دستور فرمایند هزینه مورد بحث را در وجه شرکت المپیکو پرداخت فرمایند.

کامبیز آتابای

مدیرکل دربار شاهنشاهی

شماره: ۱۴۴۵ /ف د تاریخ: ۳۷/۳/۱۵ [۵۷]

به: امور مالی دربار شاهنشاهی

از: سازمان کل فنی دربار شاهنشاهی

موضوع: ارسال سند

بدینوسیله سند مربوط به هزینه رومیزی‌های منزل جناب آقای هویدا وزیر معظم دربار شاهنشاهی به مبلغ ۲۰/۱۹۰/- ریال به پیوست ارسال می‌گردد، خواهشمند است دستور فرمایند پس از رسیدگی مبلغ فوق را به حساب ۱۰۰۲ صندوق به نام کاخ‌های شاهنشاهی سعدآباد واریز و نتیجه را به این سازمان اعلام نمایند.

کامبیز آتابای

مدیرکل دربار شاهنشاهی

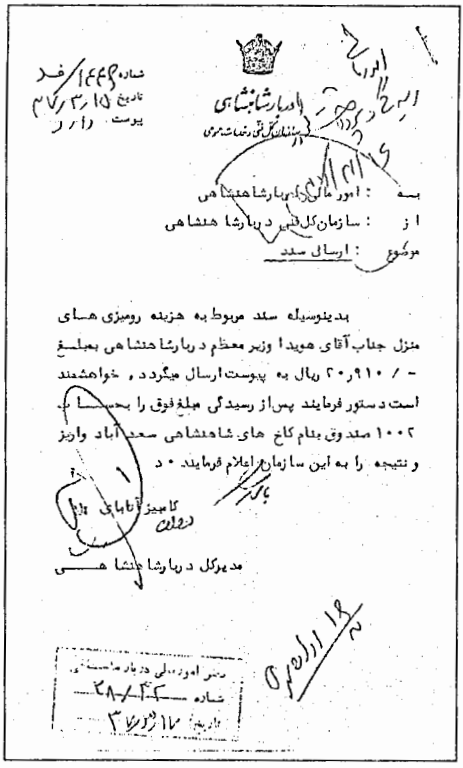
دربار شاهنشاهی
سازمان کل فنی دربار شاهنشاهی
شماره ۱۴۴۵/ف د
تاریخ ۳۷/۳/۱۵
پیوست دارد
به : امور مالی دربار شاهنشاهی
از : سازمان کل فنی دربار شاهنشاهی
موضوع : ارسال سند
بدینوسیله سند مربوط به هزینه رومیزی های منزل جناب آقای هویدا وزیر معظم دربار شاهنشاهی بمبلغ ۲۰/۱۹۰/- ریال به پیوست ارسال میگردد، خواهشمند است دستور فرمایند پس از رسیدگی مبلغ فوق را بحساب ۱۰۰۲ صندوق بنام کاخ های شاهنشاهی سعدآباد واریز و نتیجه را به این سازمان اعلام فرمایند. د
کامبیز آتابای
مدیرکل دربار شاهنشاهی
امور مالی دربار شاهنشاهی
شماره ۲۸۰۷
تاریخ ۳۷/۳/۱۶

امور مالی رسیدگی و پرداخت گردد

۱۶ اداره شهری

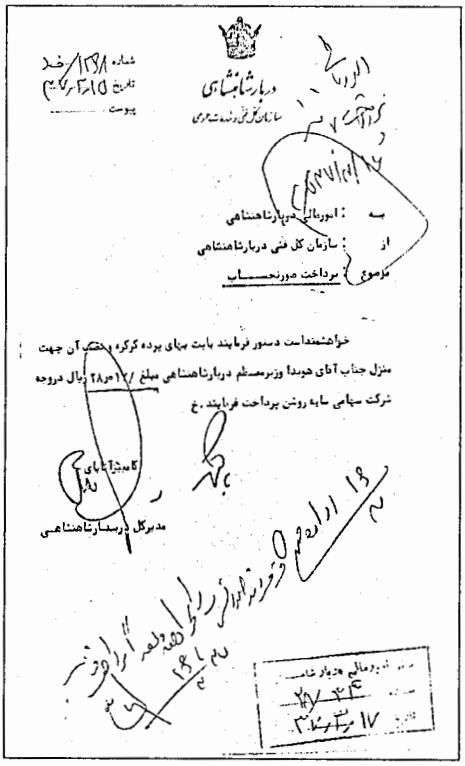

دربار شاهنشاهی
سازمان کل فنی وزارت دربار

به : امور مالی دربار شاهنشاهی
از : سازمان کل فنی دربار شاهنشاهی
موضوع : پرداخت صورتحساب

خواهشمند است دستور فرمایند بابت بهای پرده کرکره و نصب آن جهت منزل جناب آقای هویدا وزیر معظم دربار شاهنشاهی مبلغ ۲۸/۰۱۷ ریال در وجه شرکت سهامی سایه روشن پرداخت فرمایند.

کامبیز آتابای
مدیرکل دربار شاهنشاهی

شماره : ۱۲۶۸ / ف د تاریخ : ۳۷/۳/۱۵ [۵۷]

به : امور مالی دربار شاهنشاهی

از : سازمان کل فنی دربار شاهنشاهی

موضوع : پرداخت صورتحساب

خواهشمند است دستور فرمایند بابت بهای پرده کرکره و نصب آن جهت منزل جناب آقای هویدا وزیر معظم دربار شاهنشاهی مبلغ ۲۸/۰۱۷ ریال در وجه شرکت سهامی سایه روشن پرداخت فرمایند.

کامبیز آتابای

مدیرکل دربار شاهنشاهی

امور مالی پرداخت نمایند ۲۵۳۷/۳/۱۶

۱۶ اداره ... فرمودند صورتحساب را می‌خواهند و بعداً پرداخت می‌شود.

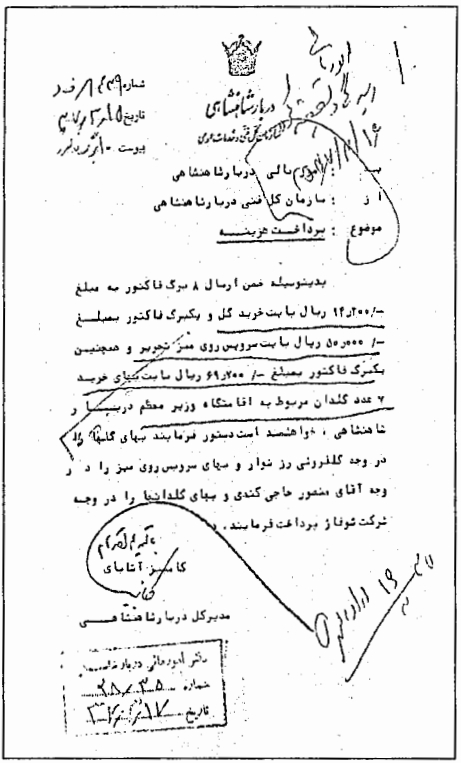

شماره: ۱۴۳۹ /ف د تاریخ: ۳۷/۳/۱۵ [۵۷]

به: امور مالی دربار شاهنشاهی

از: سازمان کل فنی دربار شاهنشاهی

موضوع: پرداخت هزینه

بدینوسیله ضمن ارسال ۸ برگ فاکتور به مبلغ ـ ۹۴/۳۰۰ ریال بابت خرید گل و یک برگ فاکتور به مبلغ ۵۰/۰۰۰ ریال بابت سرویس روی میز تحریر و همچنین یک برگ فاکتور به مبلغ ـ ۶۹/۷۰۰ ریال بابت بهای خرید ۷ عدد گلدان مربوط به اقامتگاه وزیر معظم دربار شاهنشاهی، خواهشمند است دستور فرمایند بهای گلها را در وجه گلفروشی رز نوار و بهای سرویس روی میز را در وجه آقای منصور حاجی کندی و بهای گلدانها را در وجه شرکت شوفاژ پرداخت فرمایند.

با تقدیم احترام

کامبیز آتابای

مدیرکل دربار شاهنشاهی

امور مالی رسیدگی و تصفیه گردد ۲۵۳۷/۳/۱۶

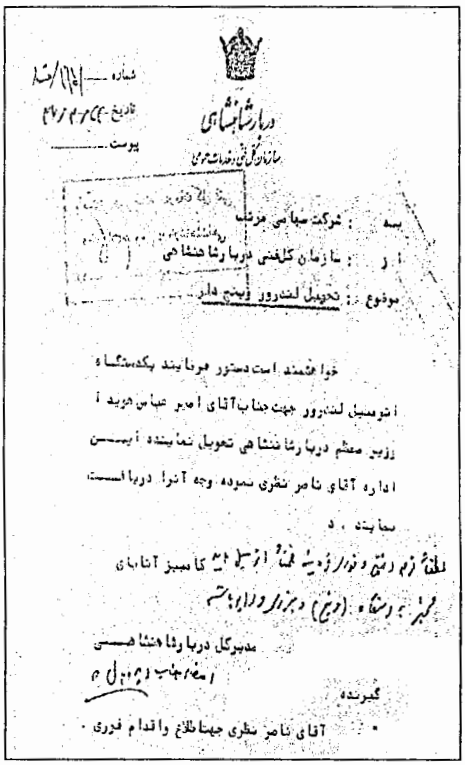

شماره : ۱۶۵۱ / ف د تاریخ : ۳۷/۳/۲۲ [۵۷]

به : شرکت سهامی مرتب

از : سازمان کل فنی دربار شاهنشاهی

موضوع : تحویل لندرور وینچ‌دار

خواهشمند است دستور فرمایند یک دستگاه اتومبیل لندرور جهت جناب آقای امیرعباس هویدا وزیر معظم دربار شاهنشاهی تحویل نماینده این اداره آقای ناصر نظری نموده وجه آن را دریافت نمایند.

کامبیز آتابای

مدیرکل دربار شاهنشاهی

امضا جناب دیده‌بان

لطفاً توجه دقیق و فوری فرمائید ضمناً اتومبیل باید مجهز به دستگاه (وینچ) و... و رادیو باشد

گیرنده

آقای ناصر نظری جهت اطلاع و اقدام فوری.

تاریخ : ۲۵۳۷/۳/۲۲ [۵۷]

حضور مبارک والاحضرت شاهپور عبدالرضا پهلوی[۱] و والاحضرت پری‌سیما پهلوی

تلگرام تسلیت والاحضرت عز وصول بخشید. با عرض تشکر و امتنان سلامت و بقا والاحضرتین را از درگاه خداوند متعال مسئلت دارد.

امیرعباس هویدا

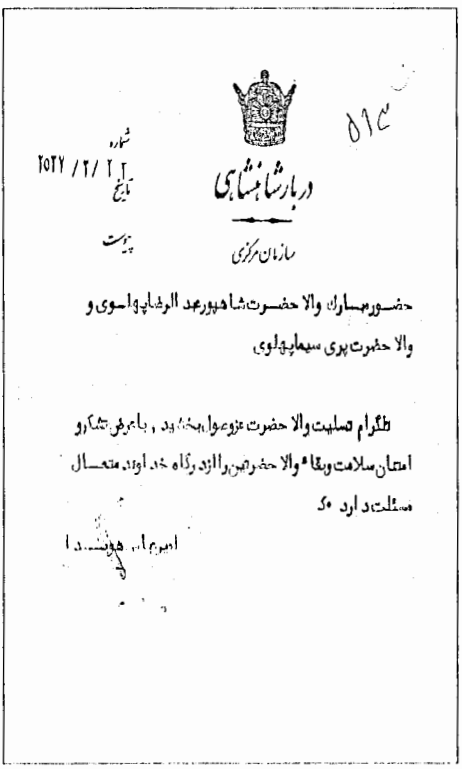
دربار شاهنشاهی
سازمان مرکزی
شماره
تاریخ ۲۵۳۷/۲/۲۱
پیوست

حضور مبارک والا حضرت شاهپور عبدالرضا پهلوی و
والا حضرت پری سیما پهلوی

تلگرام تسلیت والا حضرت عزوصول بخشیدند با عرض شکر و
امتنان سلامت وبقاء والا حضرتین را از درگاه خداوند متعال
مسئلت دارد ۰

امیرعباس هویدا

۱ـ عبدالرضا پهلوی اولین فرزند رضاخان از عصمت‌الملوک دولتشاهی بود که در سال ۱۳۰۳ در تهران متولد شد. وی بعد از گذراندن دوره تعلیمات ابتدایی در ایران با برادرش محمدرضا به مدرسه له‌روزه سوئیس رفت و به تحصیل خود ادامه داد و در بازگشت به ایران در سال ۱۳۱۵ در دبیرستان نظام و متعاقب آن در دانشکده افسری مشغول به تحصیل شد. پایان تحصیلات نظامی وی مصادف با حمله متفقین و اشغال ایران بود. وی همراه با پدرش به تبعیدی ناخواسته به موریس تن داد، بعد از مرگ رضاخان به سال ۱۳۲۳ برای ادامه تحصیل به دانشگاه هاروارد آمریکا رفت، و فارغ‌التحصیل رشته اقتصاد از آن دانشگاه شد و در سال ۱۳۲۶ به ایران بازگشت و از افراد باسواد خانواده پهلوی محسوب می‌شد. همین امر موجب شده بود که شاه روی حسادت چندان روی خوشی به وی نشان ندهد. عبدالرضا از جمله کسانی بود که نامش بعد از اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ به عنوان جانشین رضاخان مطرح شد هر چند برخی بر این عقیده‌اند آن شایعه تنها ساخته و پرداخته دولت انگلیس بود که با ترساندن محمدرضا پهلوی وی را تحت کنترل و اختیار داشته باشد. با پایان یافتن تحصیلات عبدالرضا در آمریکا و بازگشت او چنین پیش‌بینی می‌شد که وی در رأس یکی از مشاغل مهم منصوب شود ولی شاه که چندان مایل نبود هیچ یک از اعضای خاندان پهلوی در جامعه سرشناس شوند به این امر توجهی نکرد و تنها ریاست افتخاری سازمان برنامه را به وی سپرد و عبدالرضا بدون توجه به جنبه تشریفاتی مسئولیتش پا از گلیم خود فراتر نهاد و به دنبال آن بود که هر چه خودش می‌خواهد در سازمان برنامه اجرا شود ولی ابوالحسن ابتهاج رئیس سازمان برنامه مانع او شد. عبدالرضا پهلوی تنها عضو از خانواده پهلوی است که تنها یک بار در

سال ۱۳۲۹ازدواج کرد و تا آخر به همسرش وفادار ماند، همسر وی پری‌سیما زند فرزند ابراهیم زند بود. پری‌سیما زند از همان ابتدای زندگی به علت شخصیت جاه‌طلبی که داشت مدعی سلطنت شوهرش به جای محمدرضا شد و علناً همه جا این سخن را به زبان می‌آورد.

نامبرده برای امرار معاش خود علاوه بر مستمری‌ای که از دربار دریافت می‌کرد مالک زمینهای وسیعی در مازندران و به خصوص ساری بود. از املاک واگذاری نزدیک به ۳۷۰۰ هکتار در اختیار وی‌گذارده شده بودکه در آن با روش مکانیزه به کشت و زرع می‌پرداخت. وی در این مزرعه گندم بذری تهیه می‌کرد و به وزارت کشاورزی می‌فروخت و از این راه منفعت سرشاری می‌برد. وی علاوه بر کارهای کشاورزی، از سهامداران گروه کارخانه‌های نورد آلومینیوم و شرکت ماشین‌آلات کشاورزی جاندیر و مالک شرکت شکار ایران بود. اوکه به این درآمدها اکتفا نمی‌کرد مانند سایر اعضای خانواده پهلوی دست به معاملات غیرقانونی و گرفتن حق و حساب از شرکتهای خارجی برای بستن قراردادهای هنگفت در ایران می‌زد. از جمله این اقدامات قرارداد احداث کارخانه کاغذسازی در شمال ایران توسط یک شرکت کانادایی است شرکت کانادایی در این میان حدود دوازده میلیون به حساب عبدالرضا ریخت.

عبدالرضا پهلوی با شروع طوفان انقلاب اسلامی به خارج از کشور متواری شد و محل دقیق سکونت وی مشخص نمی‌باشد.

۱۳۵۵/۸/۲۶ ـ غلامرضا پهلوی و هویدا

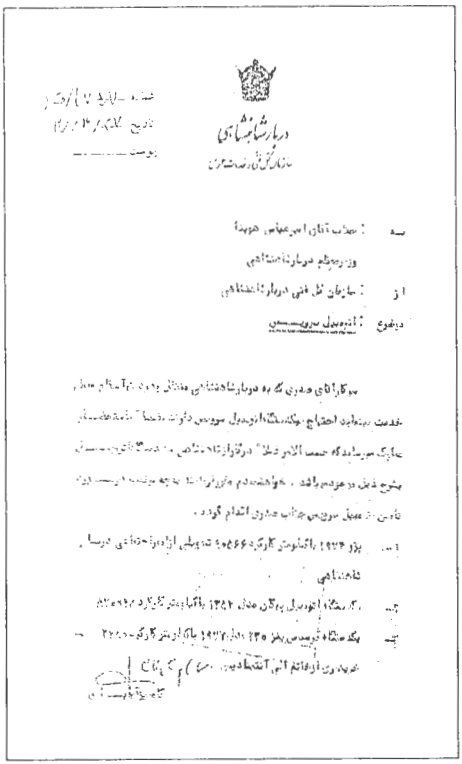

شماره : ۱۷۵۷ / ف د تاریخ : ۳۷/۳/۲۷ [۵۷]
به : جناب آقای امیرعباس هویدا وزیر معظم دربار شاهنشاهی
از : سازمان کل فنی دربار شاهنشاهی
موضوع : اتومبیل سرویس[1]

سرکار آقای صدری که به دربار شاهنشاهی منتقل و در دفتر آن مقام معظم خدمت می‌نمایند احتیاج به یک دستگاه اتومبیل سرویس دارند. ضمناً به استحضار مبارک می‌رساند که حسب‌الامر فعلاً در گاراژ شاهنشاهی سه دستگاه اتومبیل به شرح ذیل موجود می‌باشد. خواهشمندم مقرر فرمایند به چه ترتیب در مورد تامین اتومبیل سرویس جناب صدری اقدام گردد.

۱ـ پژو ۱۹۷۴ باکیلومتر کارکرد ۹۰۵۶۶ تحویلی از امور اجتماعی دربار شاهنشاهی
۲ـ یک دستگاه اتومبیل پیکان مدل ۱۳۵۴ باکیلومتر کارکرد ۵۷۰۹۴۵
۳ـ یک دستگاه مرسدس بنز ۲۳۰ مدل ۱۹۷۷ باکیلومتر کارکرد ۳۴۸۰ خریداری از خانم الی آنتینادیس.

کامبیز آتابای
۳۷/۳۲/۲۷

۱ـ پاسخ این درخواست بشرح زیر است :
تاریخ : ۲۵۳۷/۴/۱۱ [۱۳۵۷]
شماره : ۳ـ۲۰۷
جناب آقای کامبیز آتابای
مدیرکل وزارت دربار شاهنشاهی
دوست و همکار عزیز
بازگشت به نامه شماره ۱۷۵۷ / ف د مورخ ۳۷/۳/۲۷ جناب آقای وزیر دربار شاهنشاهی موافقت فرمودند که یکی از

اتومبیل‌های پژو با پیکان برای سرویس دفتر معظم‌له اختصاص داده شود.

با احترام
عبدالعلی غفاری
مدیرکل وزارت دربار شاهنشاهی

سرکار دیده‌بان گزارش بفرمائید
۳۷/۴/۱۵
۱ـ به عرض می‌رسانم اتومبیل پژو تحویل ایشان گردیده است
۲ـ اتومبیل پیکان به خانم مسعودی تحویل گردیده است
۳ـ فقط یک دستگاه بنز ۲۳۰ در گاراژ است
شفاهی به استحضارشان رسیده است بایگانی شود

۱۳۵۱/۱۰/۲۷ ـ بدون شرح

شماره : ۴۳۰ تاریخ : ۳۷/۴/۱ [۵۷]

جناب آقای بهرامی[1] سفیر شاهنشاه

آریامهر ـ پاریس

شاپور عزیزم یک تخته قالی طی بارنامه شماره 8758.4.0 - 057 با پرواز شماره ۱۹۷ هواپیمایی ارفرانس به نام جنابعالی در تاریخ بیستم ژوئن ۱۹۷۸ ارسال گردید. خواهشمندم شخصاً با خانم Barre همسر نخست‌وزیر تماس بگیرید و از طرف اینجانب با سلام‌های فراوان تحویل مشارالیها فرمائید.[2]

با سلام گرم

امیرعباس هویدا

صادر شود

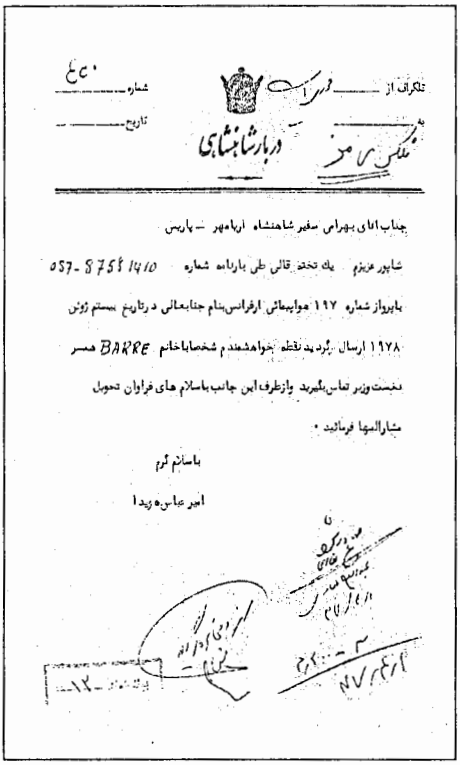
تلگراف از ـــــ شماره ـــــ
به ـــــ تاریخ ـــــ
تلکس رمز — دربار شاهنشاهی

جناب آقای بهرامی سفیر شاهنشاه آریامهر ـ پاریس

شاپور عزیزم یک تخته قالی طی بارنامه شماره 057-8758.4.0

با پرواز شماره ۱۹۷ هواپیمائی ارفرانس بنام جنابعالی در تاریخ بیستم ژوئن ۱۹۷۸ ارسال گردید فقط خواهشمندم شخصا با خانم BARRE همسر نخست‌وزیر تماس بگیرید و از طرف این جانب با سلام های فراوان تحویل مشارالیها فرمائید.

باسلام گرم

امیر عباس هویدا

عبدالعلی غفاری

۳۷/۴/۱

رمز و مخابره گردید

۱ـ یک فقره از سوءاستفاده‌های شاهپور بهرامی به همراه عباسعلی خلعتبری مبلغ ۱۷ میلیون تومان بوده است که پرویز خوانساری، پرونده این اتهام را امحاء کرده است. «ظهور و سقوط سلطنت پهلوی ـ ج ۲ ـ ص ۴۶۱»

۲ـ اینگونه اسناد خودگویای روابط خاص امیرعباس هویدا با سران و وابستگان کشورهای غربی است که هیچگونه نیازی به توضیح ندارد.

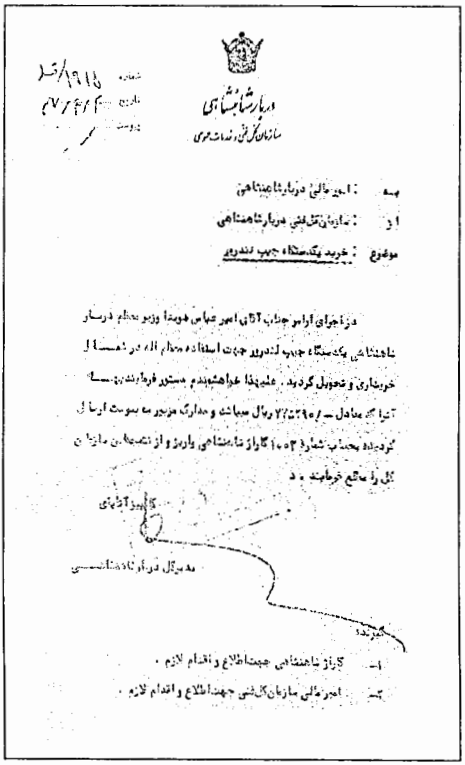

دربار شاهنشاهی
سازمان کل فنی و خدمات عمومی

شماره ۱۹۱۵/ف د
تاریخ ۳۷/۴/۴

به : امور مالی دربار شاهنشاهی
از : سازمان کل فنی دربار شاهنشاهی
موضوع : خرید یک دستگاه جیپ لندرور

در اجرای اوامر جناب آقای امیرعباس هویدا وزیر محترم دربار شاهنشاهی یک دستگاه جیپ لندرور جهت استفاده معظم‌له در شمال خریداری و تحویل گردید. علیهذا خواهشمندم دستور فرمایند بها آن را که معادل ۷۷۵۲۹۰/ ریال میباشد و مدارک مزبور به پیوست ارسال گردیده به حساب شماره ۱۰۰۳ گاراژ شاهنشاهی واریز و از نتیجه این سازمان کل را مطلع فرمایند.

کامبیز آتابای
مدیرکل دربار شاهنشاهی

گیرنده
۱ـ گاراژ شاهنشاهی جهت اطلاع و اقدام لازم.
۲ـ امور مالی سازمان کل فنی جهت اطلاع و اقدام لازم.

شماره : ۱۹۱۵ /ف د تاریخ : ۳۷/۴/۴ [۵۷]

به : امور مالی دربار شاهنشاهی
از : سازمان کل فنی دربار شاهنشاهی
موضوع : خرید یک دستگاه جیپ لندرور

در اجرای اوامر جناب آقای امیرعباس هویدا وزیر معظم دربار شاهنشاهی یک دستگاه جیپ لندرور جهت استفاده معظم‌له در شمال خریداری و تحویل گردید. علیهذا خواهشمندم دستور فرمایند بها آن را که معادل ۷۷۵۲۹۰/ ریال میباشد و مدارک مزبور به پیوست ارسال گردیده به حساب شماره ۱۰۰۳ گاراژ شاهنشاهی واریز و از نتیجه این سازمان کل را مطلع فرمایند.

کامبیز آتابای
مدیرکل دربار شاهنشاهی

تاریخ: ۲۵۳۷/۴/۱۳[۱۳۵۷]

شماره: ۵۲ـ ۵۶۰

موضوع: ایفاد یک برگ فرمان

حضور محترم جناب آقای امیرعباس هویدا
وزیر دربار شاهنشاهی

یک برگ فرمان مبارک ملوکانه که دائر بر انتصاب جنابعالی به سمت نیابت ریاست عالیه انجمن ملی خانه‌های فرهنگ روستایی شرف صدور یافته است به پیوست ایفاد می‌گردد.

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

به استحضار رسید

۳۷/۴/۱۹

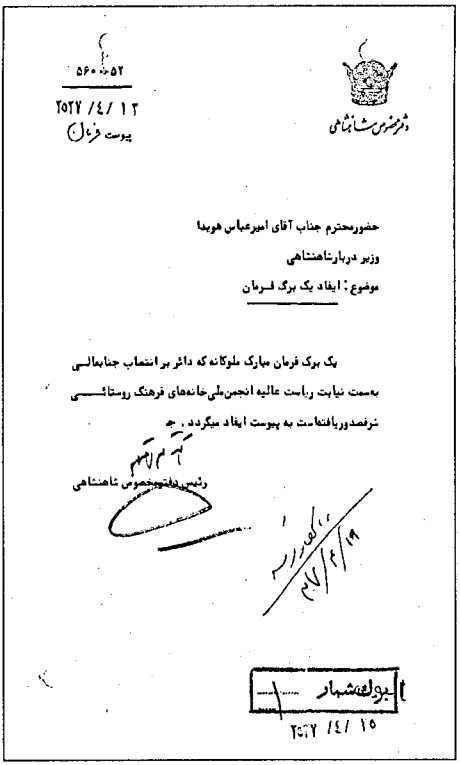
۵۶۰ـ۵۲
۲۵۳۷/۴/۱۲
پیوست فرمان
دفتر مخصوص شاهنشاهی
حضور محترم جناب آقای امیرعباس هویدا
وزیر دربار شاهنشاهی
موضوع: ایفاد یک برگ فرمان
یک برگ فرمان مبارک ملوکانه که دائر بر انتصاب جنابعالی
به سمت نیابت ریاست عالیه انجمن ملی خانه‌های فرهنگ روستائی
شرفصدور یافته است به پیوست ایفاد میگردد.
رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی
۱۹/۴/۳۷
بورک شمار
۱۵/۴/۲۵۳۷

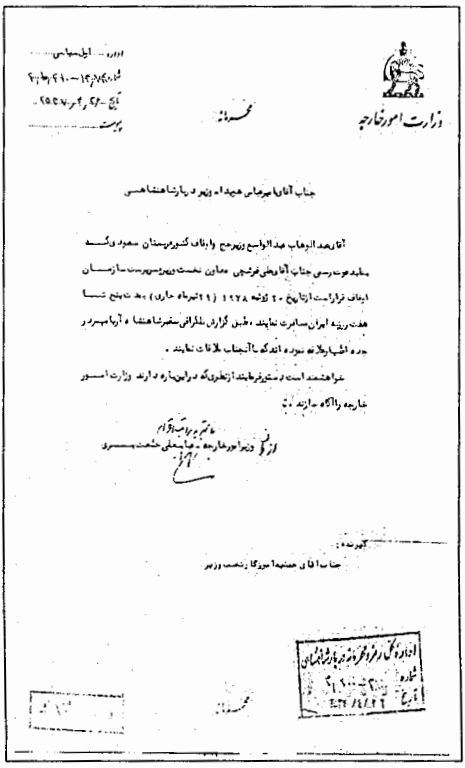

تاریخ: ۲۵۳۷/۴/۲۶ [۱۳۵۷]

شماره: ۱۴/۷۴۰ ـ ۱۰/۲۱۰/م

جناب آقای امیرعباس هویدا

وزیر دربار شاهنشاهی

اداره اول سیاسی

آقای عبدالوهاب عبدالواسع وزیر حج اوقاف کشور عربستان سعودی که بنا به دعوت رسمی جناب آقای علی فرشچی[1] معاون نخست‌وزیر و سرپرست سازمان اوقاف قرار است از تاریخ ۲۰ ژوئیه ۱۹۷۸ (۲۹ تیرماه جاری) به مدت پنج تا هفت روز به ایران مسافرت نمایند، طبق گزارش تلگرافی سفیر شاهنشاه آریامهر در جده اظهار علاقه نموده‌اند که با آنجناب ملاقات نمایند.

خواهشمند است دستور فرمایند از نظری که در این باره دارند وزارت امور خارجه را آگاه سازند.

با تحدید مراتب احترام

از طرف وزیر امور خارجه ـ عباسعلی خلعتبری

گیرنده:

جناب آقای جمشید آموزگار نخست‌وزیر

۱ـ علی فرشچی فرزند حسن در اول فروردین ماه ۱۳۰۴ ش در تهران به دنیا آمد. پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی از دانشکده حقوق دانشگاه تهران، لیسانس حقوق گرفت سپس فوق لیسانس علوم اداری را از دانشگاه پیتسبورگ کالیفرنیا دریافت نمود. علاوه بر این موفق به اخذ دیپلم تخصصی سمینار ارتباطات از ایالت پنسیلوانیا شد. در سال ۱۳۲۲ ش به استخدام دولت درآمد و از جمله مشاغل او، معاون اداره کل کارپردازی، مدیرکل و سپس سرپرست امور اداری و مالی وزارت دارایی، معاون وزیر و سرپرست سازمان اوقاف، بوده است. همچنین فرشچی خزانه داری و مسئولیت امور اداری مالی حزب رستاخیز ملت ایران را هم به عهده داشت وی از همکاران قدیمی جمشید آموزگار به حساب می‌آمد.

تاریخ: ۲۵۳۷/۴/۲۸ [۱۳۵۷]

شماره: ۳ـ ۲۰۰/م

جناب آقای منوچهر ظلی

معاون سیاسی وزارت امور خارجه

پیرو مذاکره تلفنی:

بازگشت به نامه شماره ۱۴/۷۴۰ـ ۱/۲۱۰/۱ م مورخ ۲۵۳۷/۴/۲۶ بدینوسیله اشعار می‌دارد که جناب آقای وزیر دربار شاهنشاهی در تاریخ مسافرت وزیر حج و اوقاف عربستان سعودی از تاریخ مسافرت به کشور سعودی در خارج از کشور تشریف دارند.

با تجدید مراتب احترام و ارادت

امیرمسعود میرفخرایی

مدیرکل دبیرخانه وزیر دربار شاهنشاهی

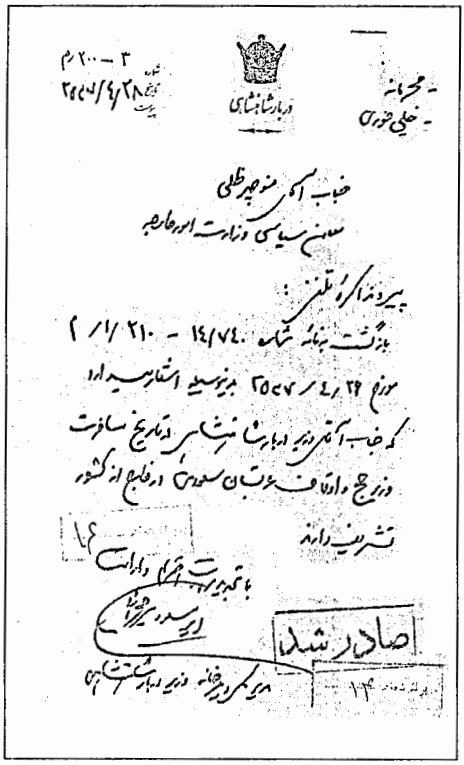

تاریخ: ۳۷/۵/۱۳ [۵۷]

سرور عزیزم جناب آقای هویدا وزیر محترم
دربار شاهنشاهی

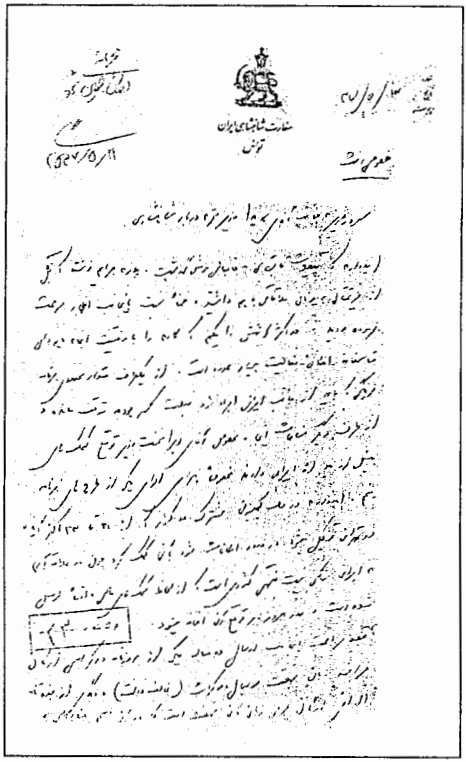

امیدوارم که تعطیلات تابستانی به جنابعالی خوش گذشت. [گذشته باشد] پدرم برایم نوشتند که قبل از عزیمتتان به یونان ملاقاتی با هم داشتید و ضمناً نسبت به اینجانب اظهار مرحمت فرموده بودید. حداکثر کوشش را می‌کنم که کارم را با موفقیت انجام دهم ولی متأسفانه امکان فعالیت بسیار محدود است. از یک طرف مقدار محدودی برنامه فرهنگی که باید از جانب ایران اجرا شود به علت کسر بودجه متوقف مانده و از طرف دیگر مقامات اینجا و بخصوص آقای نویرا نخست‌وزیر توقع کمک‌های بیش از حد از ایران دارند مخصوصاً برای اجرای یکی از طرح‌های برنامه پنجم. امیدوارم در جلسه کمیسیون مشترک دوکشور که از ۲۱ تا ۲۳ اکتبر آینده در تهران تشکیل می‌شود در حدود امکانات بشود به آنها کمک کرد چون در علاقه آنها به ایران شکی نیست منتهی کشوری است که از لحاظ کمک‌های مالی واقعاً لوس شده است و روزبروز بر توقع آن اضافه می‌شود.

قصد مزاحمت اینجانب ارسال دو مقاله یکی از روزنامه دموکراسی ارگان فرانسه زبان نهضت سوسیال دمکرات (مخالف دولت) و دیگری از هفته‌نامه «الرای» ارگان عربی زبان آن نهضت است که در آن اسم جنابعالی هم به میان آمده است. مقاله اول را یکی از روشنفکران تونسی که که دوست دکتر نراقی[1] است نوشته است. نامبرده جامعه‌شناس است و اصولاً افکار تندی دارد ولی مقاله او مرا نیز تحت تأثیر قرار داد زیرا خودم هم وقتی گاهی از پوست سفارت در می‌آیم این طرز فکر را دارم و نمی‌توانم انکار کنم که تحولات سیاسی اخیر در ایران و اعطای آزادی‌های

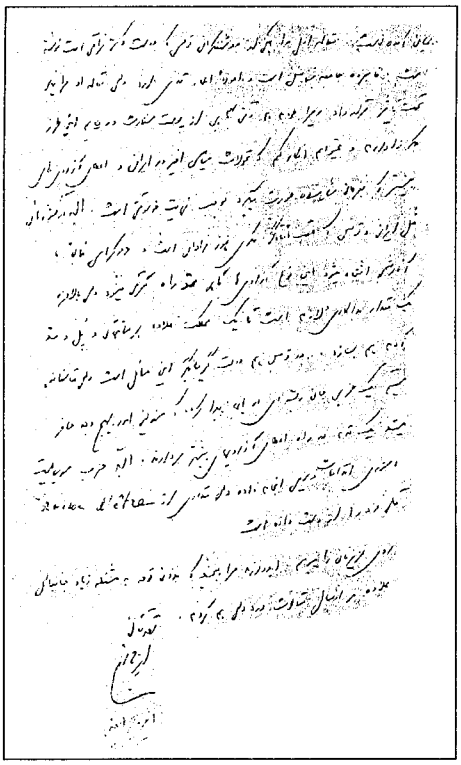

بیشتر که به فرمان شاهنشاه صورت می‌گیرد موجب نهایت خوشوقتی است. البته در کشورهایی مثل ایران و تونس که عقب‌افتادگی فکری هنوز فراوان است و دموکراسی غالباً با آنارشی اشتباه می‌شود این نوع آزادی‌ها گاهی سد راه ترقی می‌شود ولی بالاخره یک مقدار فداکاری لازم است تا یک مملکت علاوه بر ساختمان و پل و سد آدم هم بسازد. در تونس هم دولت گریبانگیر این مسائل است ولی متأسفانه سیستم یک حزبی چنان ریشه‌ای در اینجا پیدا کرده که مسئولین امور به هیچ وجه حاضر نیستند یک قدم در راه اعطای آزادیهای بیشتر بردارند. البته حزب سوسیالیست دستوری اقدامات وسیعی انجام داده ولی مقداری از Raijon Detze قبلی خود را از دست داده است.

روی عزیزتان را می‌بوسم. امیدوارم مرا ببخشید که بدون توجه به مشغله زیاد جنابعالی علاوه بر ارسال مقالات درددلی هم کردم.

تصدقتان

ایرج امینی [۲]

۱ـ احسان نراقی فرزند حسن متولد ۱۳۰۵ کاشان، در سال ۱۳۲۶ جهت ادامه تحصیل به سوئیس عزیمت و در دانشگاه ژنو که وابسته به کمونیستهای یهودی بود، در رشته علوم اجتماعی به تحصیل پرداخت و در مدت تحصیل و اقامت در سوئیس به عنوان یکی از عناصر فعال در فعالیتهای کمونیستی شهرت یافت. وی در سال ۱۳۲۸ در فستیوال جوانان کمونیست در بوداپست شرکت نمود و در سال ۱۳۳۰ نیز ریاست هیئت ایرانی شرکت‌کننده در برلین شرقی را به عهده داشت. او پس از فراغت از تحصیل، به عنوان کارشناس خاورمیانه و ایران در یونسکو مشغول کار شد و ضمن اعلام انزجار از نظرات و عقاید توده‌ای و کمونیستی خود، اعلام نمود که ترویج مرام کمونیستی در ایران ممکن نیست و بهترین حکومت در ایران مشروطه سلطنتی است. نراقی پس از مراجعت و اقامت در کشور به تناوب در ادارهٔ آمار عمومی، شورای عالی فرهنگی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دانشسرای عالی، شورایعالی اقتصاد، کمیته

عالی انقلاب اداری اشتغال داشت و نیز عضو انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی و انجمن بین‌المللی مطالعات علمی در ایران بود و همچنین در سال ۱۳۴۴ در ساواک به تدریس اشتغال داشت.
او همچنین در داخل کشور با اعضاء، حزب ملت ایران و در خارج با عناصر جبهه ملی سوم در ارتباط بود. ساواک در سال ۱۳۵۲ به نصیری چنین نوشته است : نامبرده فردی است شهرت‌طلب که دارای زیربنای فکری متمایل به چپ بوده و احتمالاً از طرف یکی از کشورهای غربی تقویت و مورد استفاده واقع می‌شود و تلاش دارد برای بدست آوردن مشاغل بهتر در آینده خود را به مقامات مؤثر کشور نزدیک کند، و ادامه داده که تمجید از نامبرده زیانی نخواهد داشت و می‌تواند بلندگوی تبلیغاتی موافق باشد. نراقی که از نظریه‌پردازان حزب رستاخیز بود و به عنوان مشاور ساواک با نصیری و پاکروان همکاری می‌کرد، در آبان سال ۱۳۵۷ طی ملاقات با مقدم، رئیس ساواک پیرامون دستگاه تبلیغاتی کشور گفتگو کرده است. نامبرده پس از پیروزی انقلاب اسلامی دستگیر و پس از دو سال از زندان آزاد شد و به خارج از کشور رفت. نامبرده هم‌اکنون در سازمان فرهنگی یونسکو وابسته به سازمان ملل متحد به‌کار اشتغال دارد.

اسناد ساواک ـ پرونده انفرادی

۲ـ ایرج امینی فرزند دکتر علی امینی (نخست وزیر) و در سال ۱۳۱۴ در تهران متولد شد. وی پس از اخذ لیسانس در رشته علوم سیاسی از آمریکا در سال ۱۳۴۴ در وزارت امور خارجه استخدام شد و به عنوان کارمند اداره همکاریهای بین‌المللی اشتغال به‌کار داشت و در سال ۱۳۴۵ برای استفاده از بورس امور خارجی سنتو به انگلستان مسافرت و پس از بازگشت در ادارات مختلف وزارت امور خارجه اشتغال داشت.

اسناد ساواک ـ پرونده انفرادی

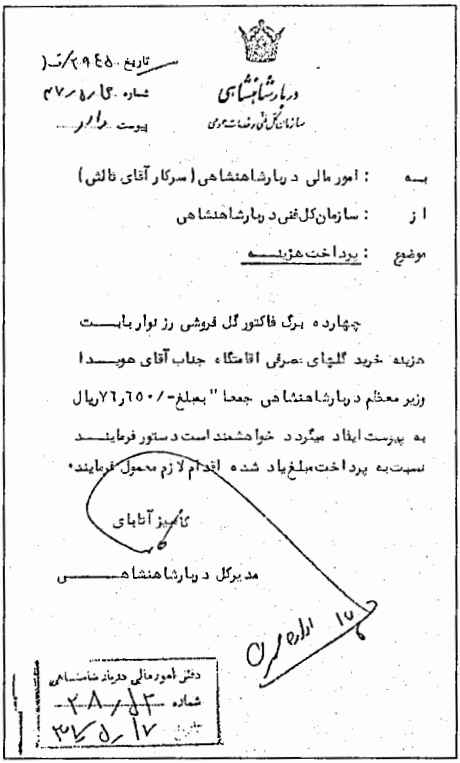

دربار شاهنشاهی
سازمان کل فنی دربار شاهنشاهی

تاریخ ۲۹۴۵/ک/ت
شماره ۵۲۸۷
پیوست دارد

به : امور مالی دربار شاهنشاهی (سرکار آقای ثالثی)
از : سازمان کل فنی دربار شاهنشاهی
موضوع : پرداخت هزینه

چهارده برگ فاکتور گل فروشی رزنوار بابت هزینه خرید گلهای مصرفی اقامتگاه جناب آقای هویدا وزیر معظم دربار شاهنشاهی جمعاً "بمبلغ-/۷۶۵۰ریال به پیوست ایفاد میگردد خواهشمند است دستور فرمایند نسبت به پرداخت مبلغ یاد شده اقدام لازم معمول فرمایند.

کامبیز آتابای

مدیرکل دربار شاهنشاهی

دفتر امور مالی دربار شاهنشاهی
شماره ۲۸۵۳
۳۷/۵/۱۷

شماره : ۲۹۴۵ / ف د تاریخ : ۳۷/۵/۱۶ [۵۷]

به : امور مالی دربار شاهنشاهی (سرکار آقای ثالثی)

از : سازمان کل فنی دربار شاهنشاهی

موضوع : پرداخت هزینه

چهارده برگ فاکتور گل‌فروشی رزنوار بابت هزینه خرید گلهای مصرفی اقامتگاه جناب آقای هویدا وزیر معظم دربار شاهنشاهی جمعاً به مبلغ ۷۶/۶۵۰/- ریال به پیوست ایفاد می‌گردد خواهشمند است دستور فرمایند نسبت به پرداخت مبلغ یادشده اقدام لازم معمول فرمایند.

کامبیز آتابای

مدیرکل دربار شاهنشاهی

شماره : ۳۲۴۵ / ف د تاریخ : ۳۷/۵/۳۰ [۵۷]

به : امور مالی دربار شاهنشاهی

از : سازمان کل فنی دربار شاهنشاهی

موضوع : پرداخت هزینه

به پیوست ۹ برگ فاکتور جمعاً به مبلغ ۷۷/۵۵۰/- ریال بابت خرید گل جهت اقامتگاه وزیر معظم دربار شاهنشاهی ارسال می‌گردد. خواهشمند است دستور فرمایند هزینه مربوطه را در وجه گلفروشی رزنوار پرداخت فرمایند.

کامبیز آتابای

مدیرکل دربار شاهنشاهی

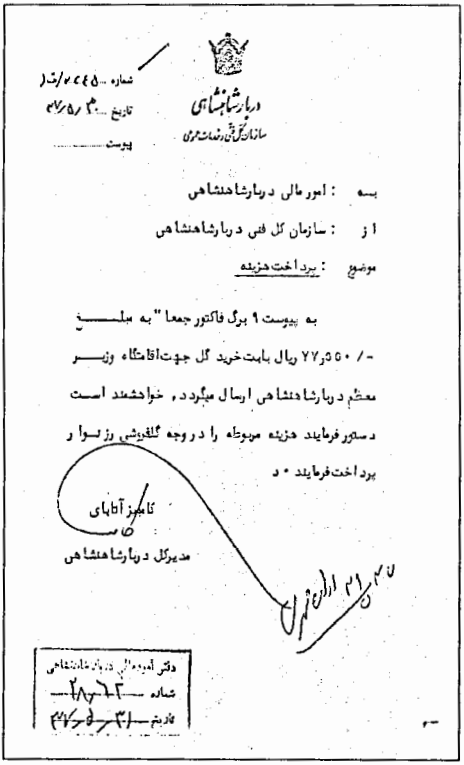
دربار شاهنشاهی
سازمان کل فنی و خدمات عمومی
شماره ۳۲۴۵/ف د
تاریخ ۳۷/۵/۳۰
پیوست

به : امور مالی دربار شاهنشاهی
از : سازمان کل فنی دربار شاهنشاهی
موضوع : پرداخت هزینه

به پیوست ۹ برگ فاکتور جمعا "به مبلغ ۷۷،۵۵۰/- ریال بابت خرید گل جهت اقامتگاه وزیر معظم دربار شاهنشاهی ارسال میگردد، خواهشمند است دستور فرمایید هزینه مربوطه را در وجه گلفروشی رزنوار پرداخت فرمایند ۰ د

کامبیز آتابای
مدیرکل دربار شاهنشاهی

دفتر امور مالی دربار شاهنشاهی
شماره ۲۸۶۳
تاریخ ۳۷/۵/۳۱

اداره...

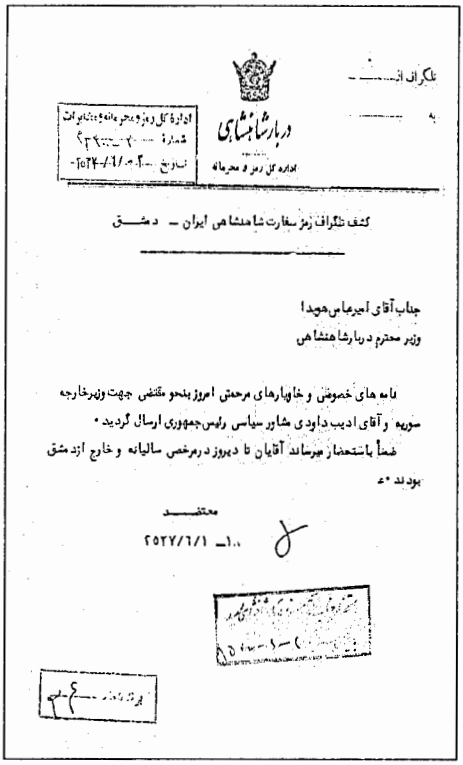

تلگراف از ـــــــ
به ـــــــ

دربار شاهنشاهی
اداره کل رمز و محرمانه

اداره کل رمز و محرمانه وزارت دربار شاهنشاهی
شماره ـــ ۲۰۰ ـ ۳۰۰۰
تاریخ ـــ ۲۰ ـ ۶/۱/۲۵۳۷

کشف تلگراف رمز سفارت شاهنشاهی ایران ـ دمشق

جناب آقای امیرعباس هویدا
وزیر محترم دربار شاهنشاهی

نامه های خصوصی و خاویارهای مرحمتی امروز بنحو مقتضی جهت وزیرخارجه سوریه و آقای ادیب داودی مشاور سیاسی رئیس جمهوری ارسال گردید.
ضمناً باستحضار میرساند آقایان تا دیروز درمرخصی سالیانه و خارج ازدمشق بودند.

معتضد
۱۰۰ ـ ۲۵۳۷/۶/۱

تاریخ : ۲۵۳۷/۶/۲ [۱۳۵۷]
شماره : ۳ ـ ۲۰۰ /م

کشف تلگراف رمز سفارت شاهنشاهی ایران
دمشق

جناب آقای امیرعباس هویدا
وزیر محترم دربار شاهنشاهی

نامه‌های خصوصی و خاویارهای مرحمتی امروز به نحو مقتضی جهت وزیر خارجه سوریه و آقای ادیب داودی مشاور سیاسی رئیس جمهوری ارسال گردید.
ضمناً به استحضار می‌رساند آقایان تا دیروز در مرخصی سالیانه و خارج از دمشق بودند.

معتضد

۱۸۷ ـ ۲۵۳۷/۶/۱

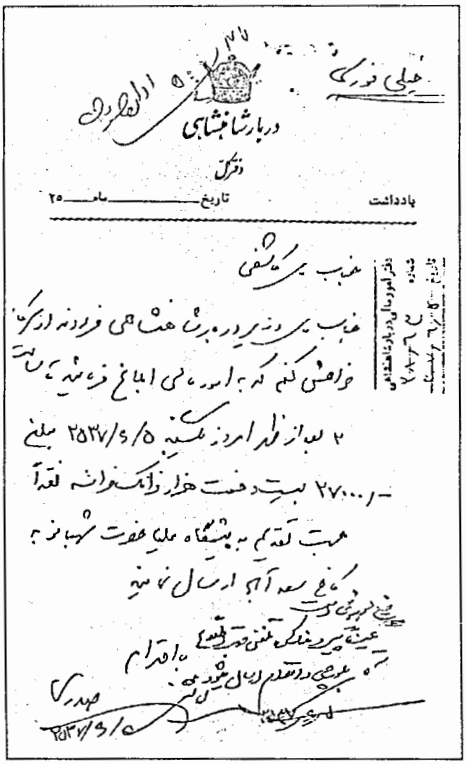
خیلی فوری
دربار شاهنشاهی
دفتر
یادداشت تاریخ ماه ۲۵
جناب آقای کاشفی
جناب آقای وزیر دربار شاهنشاهی فرمودند از سرکار خواهش کنم که به امور مالی ابلاغ فرمائید تا ساعت ۲ بعدازظهر امروز یکشنبه ۲۵۳۷/۶/۵ مبلغ ۲۷۰۰۰/- بیست و هفت هزار فرانک فرانسه نقداً جهت تقدیم به پیشگاه علیاحضرت شهبانو به کاخ سعدآباد ارسال نمایند
خیلی فوری است
عیناً پیرو مذاکرات تلفنی جهت اطلاع آقای بلورچی و اقدام ارسال می‌شود
صدری ۲۵۳۷/۶/۵

شماره: ۲۸/۶۳ تاریخ: ۲۵۳۷/۶/۵ [۱۳۵۷]

جناب آقای کاشفی

جناب آقای وزیر دربار شاهنشاهی فرمودند از سرکار خواهش کنم که به امور مالی ابلاغ فرمائید تا ساعت ۲ بعدازظهر امروز یکشنبه ۲۵۳۷/۶/۵ مبلغ ۲۷۰۰۰/- بیست و هفت هزار فرانک فرانسه نقداً جهت تقدیم به پیشگاه علیاحضرت شهبانو به کاخ سعدآباد ارسال نمایند

خیلی فوری است

عیناً پیرو مذاکرات تلفنی جهت اطلاع آقای بلورچی و اقدام ارسال می‌شود

صدری ۲۵۳۷/۶/۵

تاریخ : ۳۷/۶/۵

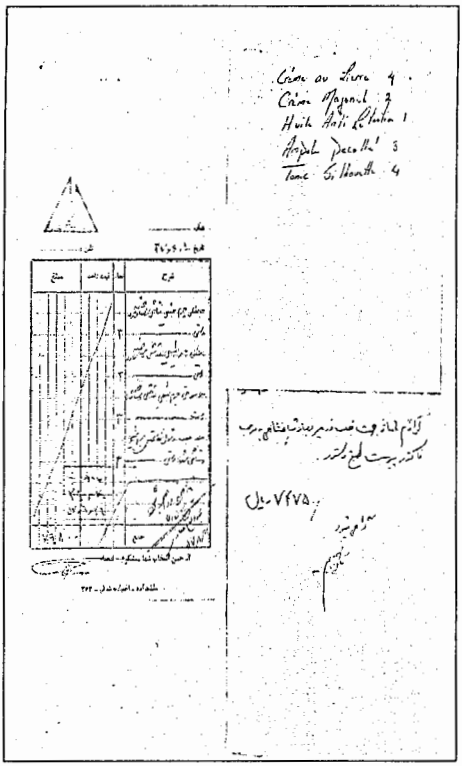

لوازم ماساژ جهت جناب وزیر دربار شاهنشاهی به موجب فاکتور پیوست طبق دستور.

۷۴۷۵۰ ریال

گواهی می‌شود

شرح ـ تعداد ـ قیمت واحد ـ مبلغ

جاسطلی چرم طبیعی نقاشی و ساخته شده دستی ـ ۳

سطل جیر طبیعی نقاشی و ساخته شده دستی ۳

جاسنجاقی چرم طبیعی نقاشی و ساخته شده دست ـ ۳

جلد جعبه دستمال کاغذی چرم طبیعی و نقاشی شده دستی ـ ۳

۲۸۳/۷۰

۵۷/۶/۱۶

جمع ۷۹۵۰۰

تاریخ : ۵۷/۶/۱۲ (۲۵۳۷)
شماره : ۳۱۲/۶۶۵۹
بولتن : ویژه

درباره : اظهارات داماد آیت‌الله شریعتمداری درباره وزیر دربار شاهنشاهی

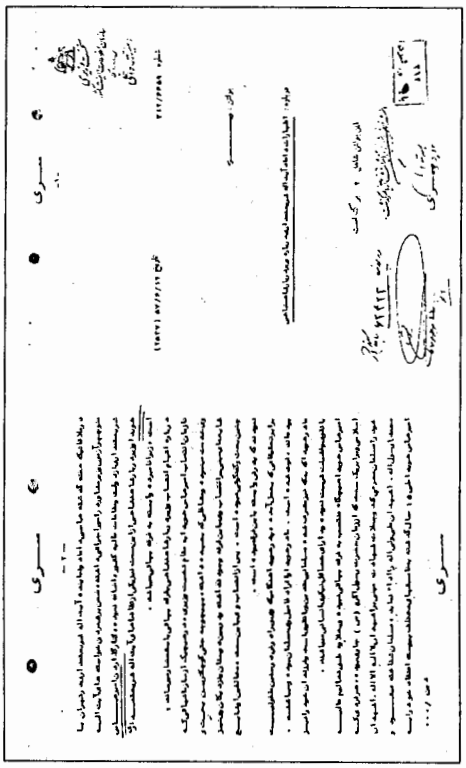

این بولتن شامل ۲ برگ است

در ملاقاتی که هفته گذشته عباسی داماد و نماینده آیت‌الله شریعتمداری[1] در تهران با منوچهر آزمون وزیر مشاور در امور اجرایی داشته، ضمن برشمردن خواسته‌های آیت‌الله شریعتمداری از دولت و مقامات عالیه کشور، اضافه نموده، کنار گذاردن امیرعباس هویدا وزیر دربار شاهنشاهی از این سمت نیز یکی از تقاضاهای آیت‌الله شریعتمداری است، زیرا نامبرده وابسته به فرقه بهائی می‌باشد.

درباره اتهام انتساب وزیر دربار شاهنشاهی به فرقه بهائی به استحضار می‌رساند:

تا زمان انتصاب امیرعباس هویدا به مقام نخست‌وزیری، در هیچ‌یک از سازمانهایی که وی خدمت می‌نموده و مشاغلی که به عهده داشته، به هیچ‌وجه حتی کوچکترین بحث و شایعه‌ای مبنی بر انتساب وی به این فرقه وجود نداشته و در بین دوستان و نزدیکان وی نیز چنین بحث و گفتگویی نبوده است.[2] پس از انتصاب وی به این سمت، مخالفین او شایع نمودند که پدرش وابسته به این فرقه بوده است.

برابر تحقیقاتی که بعمل آمده، پدر هویدا هنگامی که وی و برادرش در سنین طفولیت[3] بوده‌اند، فوت شده است. مادر هویدا و افراد فامیل وی مسلمان بوده و می‌باشند، مادر هویدا که به مکه نیز مشرف شده مسلمانی متدین و باتقوی است و فرزندان خود را نیز باتقوی و فضیلت تربیت نموده و دارای خصائل نیکوی انسانی می‌باشند.

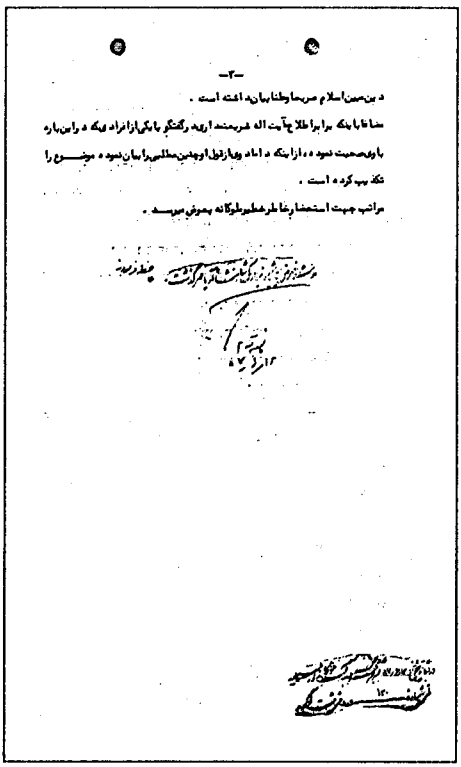

امیرعباس هویدا هیچگاه منتسب به فرقه بهائی نبوده و به علاوه طبق تعالیم عالیه اسلامی وی را بر یک سنت که از زمان حضرت رسول اکرم (ص) جاری بوده، هر فردی که خود را مسلمان معرفی کند و جملات شهادت مبنی بر اشهد ان لا اله الا الله. اشهد ان محمداً رسول‌الله. اشهد ان علی ولی‌الله را ادا نماید، مسلمان شناخته می‌شود و امیرعباس هویدا طی ۱۵ سال گذشته به مناسبتهای مختلف پیوسته اعتقاد خود را به دین مبین اسلام صریحاً و علناً بیان داشته است.

مضافاً بر اینکه برابر اطلاع، آیت‌الله شریعتمداری در گفتگو با یکی از افرادی که در این باره با وی صحبت نموده، از اینکه داماد وی از قول او چنین مطلبی را بیان نموده موضوع را تکذیب کرده است.

مراتب جهت استحضار خاطر خطیر ملوکانه به عرض می‌رسد.

از شرفعرض پیشگاه مبارک شاهنشاه آریامهر گذشت ملاحظه فرمودند ۵۷/۶/۱۲

سپهبد مقدم ـ ۵۷/۶/۱۲

۱ـ سید کاظم شریعتمداری فرزند حسن در سال ۱۲۸۳ شمسی در تبریز متولد شد. دوران تحصیل را در تبریز، مشهد و قم گذرانید و به درجه اجتهاد رسید. در سال ۱۳۲۷ به دلیل استقبال از محمدرضا پهلوی در مدرسه طالبیه، تا حدودی محبوبیت خود را از دست داد. این موضوع، ادامه کار را در آذربایجان دشوار ساخت و لذا راهی قم شد و از آن زمان تا پیروزی انقلاب اسلامی ارتباط خود را به طور پنهانی با دربار و رژیم حفظ نمود. شریعتمداری برخلاف بسیاری از مراجع، قانون اساسی شاه را مورد تأیید قرار می‌داد و علیرغم اصرار مردم و روحانیت بر سرنگونی رژیم شاهنشاهی، خواستار اجرای قانون اساسی بود. شاه آنگاه که از سوی روحانیون مبارز و مقاوم تحت فشار قرار می‌گرفت و اعصاب و روانش خرد می‌شد، چاره‌ای جز توسل به شریعتمداری نداشت. اسدالله علم وزیر دربار نیز در اجرای فرامین شاه، با واسطه‌ای مطمئن و مورد وثوق با شریعتمداری تماس می‌گرفت و از او چاره‌جویی می‌کرد. گاهی نیز وی را به اجرای تصمیمات موظف می‌نمود. موارد زیادی از این گونه امور دیده شده که توسط نزدیکان آگاه و وابستگان رژیم از جمله ارتشبد

حسین فردوست (رئیس دفتر ویژه شاه) و احمدعلی انصاری (پسرخاله فرح) در خاطراتشان ثبت و ضبط گردیده است. شریعتمداری بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل مشارکت در کودتای آمریکایی نوژه از سوی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم از مرجعیت خلع شد و در سال ۱۳۶۵ در گوشه انزوا فوت کرد.

۲ـ اگر به اسناد ابتدایی کتاب جلد اول مراجعه شود، کذب این ادعا ثابت می‌گردد.

۳ـ عین‌الملک در سال ۱۳۱۴ فوت کرده است.

۱۳۵۴/۴/۱۹ ـ معارفه با نمایندگان مجلس شورای ملی ـ آن که در دست هویدا دارد، دکتر عباس مهاجرانی است

تاریخ : ۱۳۵۷/۶/۱۵

جناب آقای امیرعباس هویدا

از محبت خالصانه وگل بسیار زیبایی که به مناسبت عید فطر لطف فرمودید بی‌نهایت متشکرم.

از خداوند متعال موفقیت روزافزون برای جنابعالی آرزو می‌کنم.

فریده دیبا[1]

بایگانی شود

۵۷/۶/۱۹

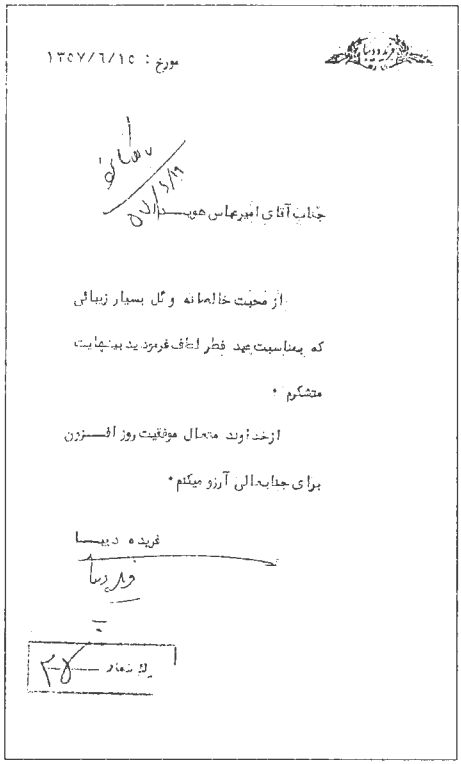
مورخ : ۱۳۵۷/۶/۱۵

جناب آقای امیرعباس هویدا

از محبت خالصانه وگل بسیار زیبائی

که بمناسبت عید فطر لطف فرمودید بینهایت

متشکرم .

ازخداوند متعال موفقیت روز افزون

برای جنابعالی آرزو میکنم .

فریده دیبا

۱ـ فریده دیبا (قطبی گیلانی فرزند باقر امجدالسلطان) در ۶ اردیبهشت ماه...بدنیا آمد او همسر یک افسر جوان فارغ‌التحصیل سن سیر فرانسه بودکه در درجه سروانی به مرض سل درگذشت شوهر او اهل تبریز بود و فریده دیبا پس از فوت شوهرش هرگز ازدواج نکرد و با برادرش مهندس محمدعلی قطبی در رشت زندگی می‌کرد و برادرش مهندس قطبی از او و تنها فرزندش یعنی فرح دیباکه بعدها و پس از تحصیل در فرانسه به همسری محمدرضا برگزیده شد نگهداری کرده و مخارج او و تحصیل دخترش را پرداخت می‌نمود. فریده دیبا بعد از ازدواج دخترش با شاه به موقعیت اجتماعی بالایی در دربار دست یافت و قبل از پیروزی انقلاب اسلامی با خارج‌کردن مقادیر زیادی ارز از کشور خارج و به اتفاق دختر و و نوه‌هایش در آمریکا مقیم شد. او فردی عادی بود و از تحصیلات وی اطلاع دقیقی در دسترس نمی‌باشد. وی از دربار دولت شاهنشاهی ماهانه مقرری دریافت می‌نمود و سمتهایی منجمله : ریاست شورای عالی سازمان داوطلبان شیروخورشید سرخ ایران، قائم‌مقام بنگاه حمایت مادران و نوزادان، قائم‌مقام جمعیت حمایت از آسیب‌دیدگان سوختگی، قائم‌مقام مرکز طبی کودکان، قائم‌مقام سازمان ملی انتقال خون و ... را عهده‌دار بودکه البته اکثر این عناوین به صورت افتخاری نصیب وی شده بود تا بتواند از خوان تروه رژیم پهلوی بیش از پیش متنعم‌گردد. در سال ۱۳۵۵ مبلغ هنگفتی حدود ۱۲۵/۶۷۰/۱۳۵ فرانک به عنوان صورتحساب تزئین آپارتمان خود در فرانسه دریافت داشت.

مشارالیها در مسافرتهای خارج ازکشور مبالغ قابل توجهی به عنوان کمک به جمعیتهای به اصطلاح خیریه اهدا می‌کرد

که کلیه این موارد را از دربار شاهنشاهی دریافت می‌نمود تا با پول ملت برای خود وجهه و آبرو دست و پا کند. فریده دیبا در برگزاری و نظارت میهمانی‌های دربار نقش مهمی داشت و اغلب موارد سوءاخلاقی دربار به ویژه شاه با هدایت او صورت گرفت، در این خصوص می‌توان به مسئله ارتباط شاه با دختر ارتشبد حجازی اشاره نمود که پس از رسوایی ارتشبد حجازی به طور جدی و مستقیم به فریده دیبا اعتراض و پرخاش می‌کند.

اسناد ساواک ـ پرونده انفرادی

ایستاده از چپ: جمشید آموزگار نفر اول ـ حسین نصر نفر دوم

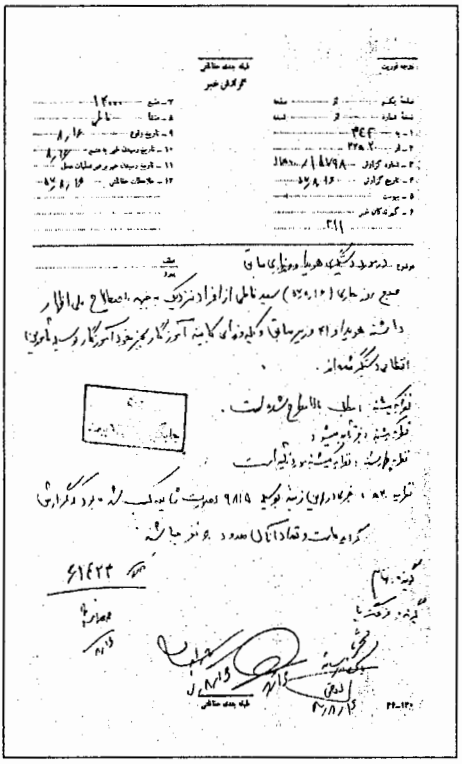

به : ۳۴۲ تاریخ : ۵۷/۶/۱۶

از : ۲۰ ه ۲۲ شماره : ۲۰/۱۵۷۹۸ ه ۱۱

موضوع : در مورد دستگیری هویدا و وزرای سابق

صبح روز جاری (۵۷/۸/۱۶) سعید فاطمی[1] از افراد نزدیک به جبهه به اصطلاح ملی اظهار داشته هویدا و ۴۱ وزیر سابق و کلیه وزرای کابینه آموزگار به جز خود آموزگار به وسیله مأمورین انتظامی دستگیر شده‌اند.

نظریه یکشنبه : مطلب بالا مطرح شده است.

نظریه یکشنبه : خبر تایید می‌شود

نظریه چهارشنبه : نظریه یکشنبه مورد تایید است

نظریه ۲۰ ه : خبری در این زمینه به وسیله ۹۸۱۵ به صورت شایعه کسب شده بود که گزارش گردیده است و تعداد آنان حدود ۶۰ نفر می‌باشند.

گوینده : بهنام

گیرنده : فرهنگ‌نیا

محترماً به استحضار می‌رساند

۸/۱۶

کلاسه ۶۲۴۲۳

ملاحظه شد ۸/۱۶

۱ـ سعید فاطمی در سال ۱۳۰۶ شمسی در شهرستان یزد متولد شد. وی دارای درجهٔ دکترا در ادبیات فارسی است. وی از جمله اعضای مؤسس جبههٔ ملی دوم است که در روز ۲۳ تیر ماه ۱۳۳۹ تشکیل شد. در سال ۱۳۳۴ به جرم همکاری با دولت مصدق چندی به لار تبعید شد. وی رهبر گروه سیاسی و فعال ایران امروز بود و نیز مدیر داخلی روزنامه‌ای نیز بود که به اسم باختر امروز منتشر می‌شد. وی خواهرزاده دکتر حسین فاطمی از وزرای کابینه مصدق بود.

شماره : ۲۸/۷۲ تاریخ : ۱۳۵۷/۶/۲۶

جناب آقای کامبیز آتابای مدیرکل محترم وزارت دربـار شـاهنشاهی خـواهشـمند است دسـتور فـرمائید حسـابداری مـبلغ یکصد و پنجاه هزار ریال بابت اجرای برنامه هنری روز ۲۴ مرداد جناب وزیر دربار در وجه آقای ستار پرداخت نماید.

با احترام کاخدار جناب وزیر دربار

مژگان مسعودی

فتوکپی نگهداری شود و بعد عیناً برای جناب آقای ثالثی ارسال گردد

مهدویان

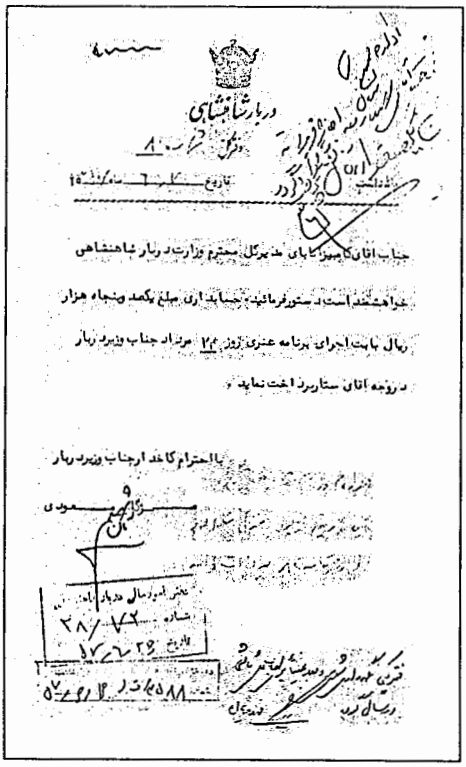
دربار شاهنشاهی

جناب آقای کامبیز آتابای مدیرکل محترم وزارت دربار شاهنشاهی

خواهشمند است دستور فرمائید حسابداری مبلغ یکصد و پنجاه هزار

ریال بابت اجرای برنامه هنری روز ۲۴ مرداد جناب وزیر دربار

در وجه آقای ستار پرداخت نماید.

با احترام کاخدار جناب وزیر دربار

مسعودی

۲۸/۷۲

۱۳۵۷/۶/۲۶

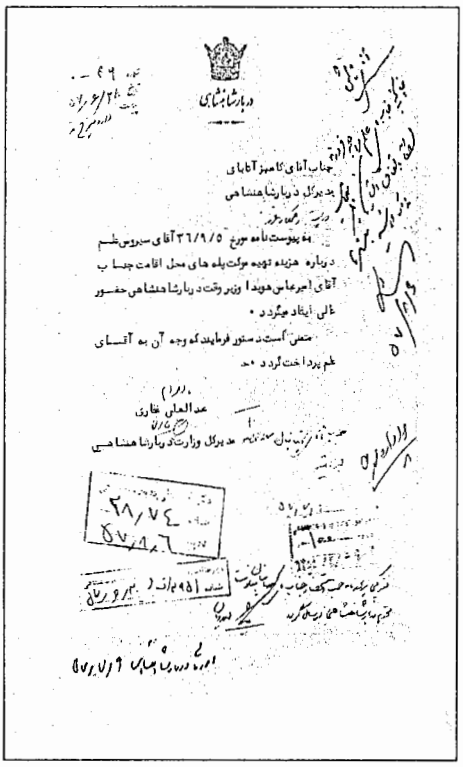

شماره : ۴۹ ـ ۰ تاریخ : ۵۷/۶/۲۸

جناب آقای کامبیز آتابای

مدیرکل دربار شاهنشاهی

دوست و همکار عزیز

به پیوست نامه مورخ ۳۶/۹/۵ آقای سیروس علم درباره هزینه تهیه موکت پله‌های محل اقامت جناب آقای امیرعباس هویدا وزیر وقت دربار شاهنشاهی حضور عالی ایفاد می‌گردد.

متمنی است دستور فرمایند که وجه آن به آقای علم پرداخت گردد.

با احترام

عبدالعلی غفاری

مدیرکل وزارت دربار شاهنشاهی

جناب آقای بهبهانیان ملاحظه بفرمائید

فتوکپی هر دو نامه جهت استحضار جناب آقای بهبهانیان معاونت محترم دربار شاهنشاهی ارسال گردد مهدویان

امور مالی دربار شاهنشاهی ۵۷/۷/۹

آقای ثالثی

چنانچه آقای علم مراجعه فرمودند لطفاً به اتفاق ایشان با اینجانب مذاکره فرمائید. ۵۷/۸/۶

به : ۳۴۲ تاریخ : ۵۷/۷/۲۴

از : ۲۰ ه ۲۲ شماره : ۶۱۸۶۶

موضوع : امیرعباس هویدا

امیرعباس هویدا در آخرین لحظات خدمت در پست نخست‌وزیری چکی به مبلغ یک میلیون تومان به امضا خودشان و آقای احمد کاشفی معاون وقت نخست‌وزیر صادر و از بانک مرکزی نقد نموده‌اند البته ظاهراً چک را تحت عنوان دفتر مخصوص علیاحضرت شهبانو صادر نموده در حالی که خودشان نقد نمودند.

نظریه سه شنبه : با توجه به نامه شماره ۳۴۲/۱۸۸۴ ـ ۵۷/۷/۱۶ مراتب فوق قابل توجه و پیگیری می‌باشد.

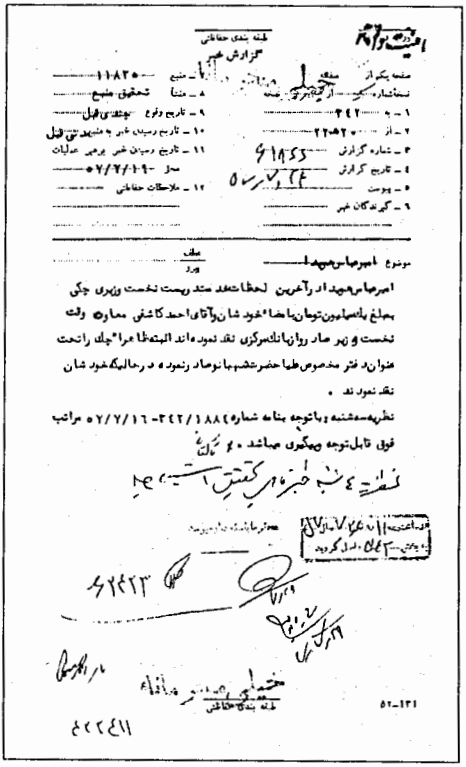

تاکستانی

نظریه ۴ شنبه : خبر قابل تحقیق است. ماجد

کلاسه ۶۲۴۲۳

۷/۲۹

به : ۳۴۲ تاریخ : ۵۷/۸/۲

از : ۲۰ ه ۲۲ شماره : ۶۱۹۶۹

موضوع : هویدا

به طوری که در بین برخی از مردم شایع است امیرعباس هویدا مشغول تهیه و تدوین کتابی است درباره جریانات گذشته که گویا این کتاب در فرانسه به چاپ می‌رسد.

نظریه سه شنبه : شایعه فوق وجود دارد ولکن چگونگی آن مشخص نمی‌باشد. تاکستانی

نظریه چهارشنبه : منبع در مسیر خبر قرار دارد. ماجد

محترماً به عرض می‌رساند.

۸/۶

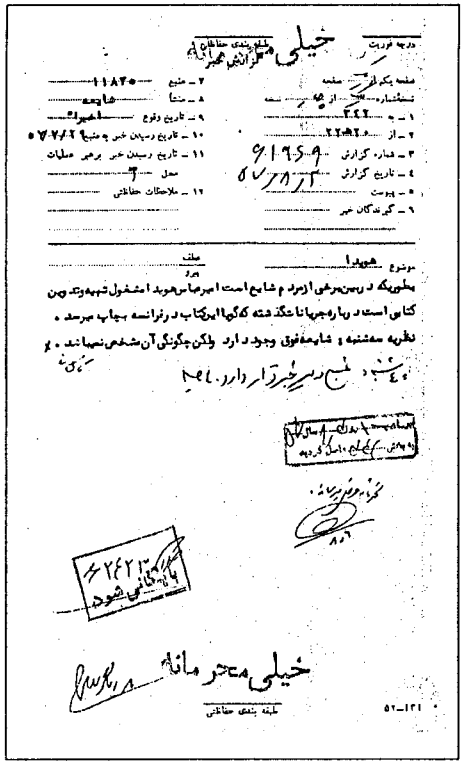
خیلی محرمانه

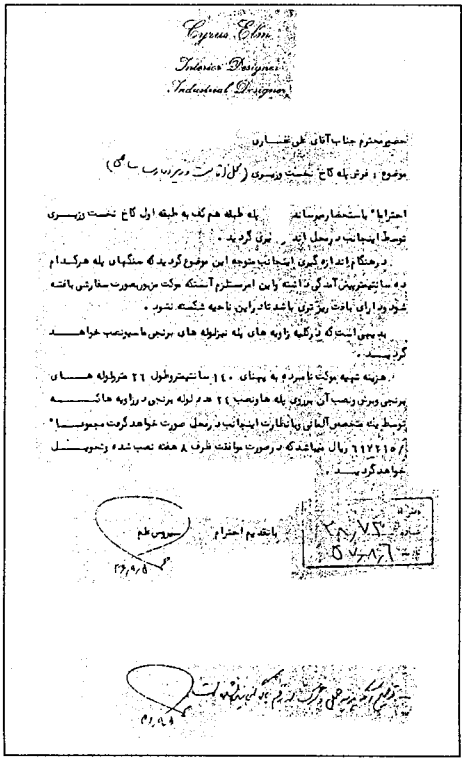

شماره : ۲۸/۷۳ تاریخ : ۵۷/۸/۶

حضور محترم جناب آقای علی غفاری

موضوع : فرش پله کاخ نخست‌وزیری (محل اقامت وزیر دربار شاهنشاهی)

احتراماً به استحضار می‌رساند

پله طبقه هم‌کف به طبق اول کاخ نخست‌وزیری توسط اینجانب در محل اندازه گیری گردید.

در هنگام اندازه گیری اینجانب متوجه این موضوع گردید که سنگهای پله هر کدام ده سانتیمتر پیش‌آمدگی داشته و این امر مستلزم آن است که موکت مزبور به صورت سفارشی بافته شود و دارای بافت ریزتری باشد تا در این ناحیه شکسته نشود.

بدیهی است که در کلیه زاویه‌های پله نیز لوله‌های برنجی ماسیو نصب خواهد گردید.

هزینه تهیه موکت نامبرده به پهنای ۱۴۰ سانتیمتر و طول ۲۶ متر و لوله‌های برنجی و برش و نصب آن بر روی پله‌ها و نصب ۲۴ عدد لوله برنجی در زاویه‌ها که توسط یک متخصص آلمانی و با نظارت اینجانب در محل صورت خواهد گرفت مجموعاً /۶۹۷۲۱۵ ریال می‌باشد که در صورت موافقت ظرف ۸ هفته نصب شده و تحویل خواهد گردید.

با تقدیم احترام سیروس علم

ـ توضیح آنکه هزینه حمل و گمرک در رقم بالاگنجانیده نشده است ۳۶/۹/۵

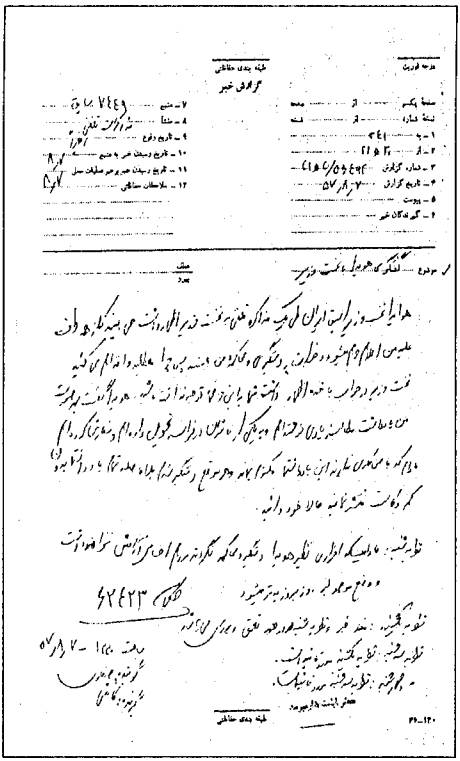

به : ۳۴۱ تاریخ : ۵۷/۸/۷

از : ۲۰ ه ۲۱ شماره : ۲۰/۵۶۴۹۲ ه ۲۱

موضوع :گفتگوی هویدا با نخست‌وزیر

هویدا نخست‌وزیر اسبق ایران طی یک مذاکره تلفنی به نخست‌وزیر اظهار داشت می‌بینید که از همه طرف علیه من اعلام جرم می‌شود و خواستار دستگیری و محاکمه من هستند پس چرا معطلید و اقدام نمی‌کنید نخست‌وزیر در جواب با خنده اظهار داشت شما به این حرفها توجه نداشته باشید. هویدا گفت به هر صورت من یادداشت مطالب زیادی نوشته‌ام و به یکی از ناشران در فرانسه تحویل داده‌ام و سفارش کرده‌ام مادام که با من کاری ندارند این یادداشتها مکتوم بماند و هر موقع دستگیر شدم بلافاصله تمام یادداشتها [را] بدون کم‌وکاست منتشر نمایند حالا خود دانید.

نظریه شنبه : مادامی که افرادی نظیر هویدا دستگیر و محاکمه نگردند مردم احساس آرامش نخواهند داشت و وضع موجود نیز روزبروز بدتر می‌شود

نظریه یکشنبه : مفاد خبر و نظریه شنبه در خور تعمق و بررسی می‌باشد

نظریه سه شنبه : نظریه یکشنبه مورد تایید است.

نظریه چهارشنبه : نظریه سه شنبه مورد تایید است.

ساعت ۱۳۳۰ ـ ۵۷/۸/۷

گوینده : صفاری

گیرنده : کاشی

تاریخ : ۱۳۵۷/۸/۱۸

درباره : امیرعباس هویدا نخست‌وزیر اسبق

تیمسار فرمانداری نظامی تهران و حومه

احتراماً به استحضار می‌رساند

در اجرای اوامر صادره نامبرده بالا در تاریخ ۱۳۵۷/۸/۱۷ دستگیر، استدعا دارد اوامر عالی را امر به ابلاغ فرمایند.

معاون ستاد اطلاعاتی سرتیپ سجده‌ای [۱]

در صورت تصویب برابر... ۵ قانون فرمانداری نظامی بازداشت گردند

سپهبد رحیمی لاریجانی

۵۷/۷/۱۸

تصویب می‌شود ارتشبد اویسی [۲] ۱۳۵۷/۸/۱۸

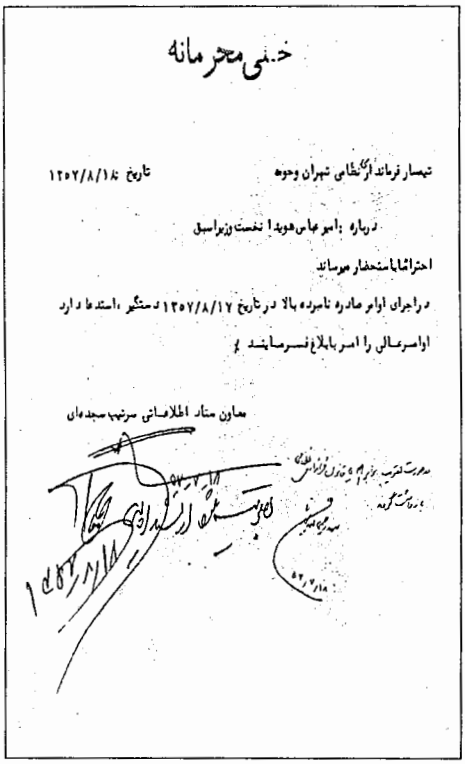
خیلی محرمانه

تیمسار فرماندار نظامی تهران وحومه — تاریخ ۱۳۵۷/۸/۱۸

درباره : امیرعباس هویدا نخست‌وزیراسبق

احتراماً بااستحضار میرساند

درا جرای اوامر صادره نامبرده بالا در تاریخ ۱۳۵۷/۸/۱۷ دستگیر ، استدعا دارد

اوامرعالی را امر بابلاغ فرمایند ./

معاون ستاد اطلاعاتی سرتیپ سجده‌ای

۱ـ جلال سجده‌ای فرزند محمدکاظم، به سال ۱۳۰۶ در رشت متولد شد. پس از طی دوره افسری، در تاریخ چهاردهم شهریور ۱۳۴۶ مأمور خدمت در ساواک گردید. در طول دوران خدمت، ریاست ساواک زنجان، مشاورت اداره کل سوم، ریاست کمیته ضد خرابکاری و ریاست ساواک اصفهان را عهده‌دار بود و ۶ بار مورد تشویق قرار گرفت و چند نشان و مدال نیز دریافت کرد. وی پیش از آن نیز دارای مدارج عالیه در ارتش از جمله: فرماندهی ضد اطلاعات لشگر گارد تهران و فرماندهی ضداطلاعات گارد شاهنشاهی بود. در زندگینامه او که توسط ساواک نوشته شده، آمده است: در تاریخ ۲۲ دیماه ۱۳۵۰ در خیابان ۲۵ شهریور [سابق] با اتومبیل فردی به نام اسماعیل اکبر شیرازی تصادف می‌کند و موجب مرگ او می‌شود. اما با استفاده از نفوذ خود و صحنه‌سازی ادعا می‌کند که مقتول قبل از تصادف، بر اثر سکته مغزی در اتومبیل در حال اغماء بوده است. او به خاطر شرکت در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و واقعه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ مورد تشویق و دریافت نشان و مدال قرار گرفت و در طول سه سال ریاست کمیته مشترک به اصطلاح ضد خرابکاری، صدها نفر از جوانان این مرز و بوم را به کام مرگ فرستاد و به شهادت رساند. از جمله سفرهای خارجی وی برای تبادل اطلاعات، سفر به اسرائیل بوده است. نامبرده در تاریخ ۶۰/۹/۳۰ توسط دادگاه انقلاب اسلامی به مرگ محکوم و اعدام گردید.

۲ـ غلامعلی اویسی فرزند غلامرضا در سال ۱۲۹۷ ش. در قم بدنیا آمد. او در سال ۱۳۱۵ دوره شش ساله دبیرستان نظام مرکز و در سال ۱۳۱۷ دوره دانشکده افسری را به پایان رسانید. اویسی در سالهای ۱۳۳۱ـ۱۳۳۷ در مشاغل گوناگون و

فرماندهی گروهان و گردان و آموزشگاه گروهبانی لشکر ۲، ریاست شعبه بازرسی دژبان مرکز و فرماندهی هنگ ۵۲ دژبان) قرار داشت و در سال ۱۳۳۲ فرمانده هنگ ۱۶ تیپ کازرون بود. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، اویسی به دریافت نشان درجه ۲ رستاخیز نائل شد و به تدریج ترقی وی در هرم دیوانسالاری نظامی آغاز گردید و پس از طی دوره دانشگاه جنگ در تهران و دوره ستاد فرماندهی در امریکا، در سال ۱۳۳۹ به ریاست ستاد گارد و در سال ۱۳۴۱ به فرماندهی لشکر یک گارد رسید و در همین سمت بود که به عنوان فرماندار نظامی تهران به قتل عام قیام‌کنندگان ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ دست زد. او در سال ۱۳۴۸ فرماندهی ژاندارمری کشور و در سال ۱۳۵۱ فرماندهی نیروی زمینی ارتش را عهده‌دار بود. اویسی در جریان انقلاب اسلامی بار دیگر به سمت فرماندار نظامی تهران قرار گرفت و به علت موقعیتش در رأس نیروی زمینی فرمانداری نظامی سایر شهرها را نیز تحت کنترل داشت. او در دیماه ۱۳۵۷ به، بهانه معالجه از ایران خارج شد و تقاضای بازنشستگی نمود. اویسی از زمره نخستین افسران عالیرتبه متواری رژیم پهلوی بود که با سرمایه سرویس‌های اطلاعاتی غرب فعالیت تروریستی علیه نظام نوپای جمهوری اسلامی را از خاک عراق و ترکیه آغاز کرد، او در تاریخ ۱۳۶۲/۱۱/۱۸ توسط افراد ناشناسی در پاریس به قتل رسید. اسناد موجود، موارد متعددی فساد مالی و اخلاقی غلامعلی اویسی، همسرش و پسرش (محمدرضا) را نشان می‌دهد. در سند مورخ ۱۳۴۰/۳/۱۳ سازمان ضد اطلاعات ستاد ارتش چنین آمده است: «اطلاعیه واصله حاکی است که ساعت ۱۱/۳۰ صبح روز سه شنبه ۱۳۴۰/۳/۹ سی نفر از اهالی یکی از دهات قم به اداره روزنامه اطلاعات مراجعه و با متصدی روزنامه مذکور که از طرف هیئت تحریریه مأموریت داشت مصاحبه نموده و اظهار می‌دارند که ما اهالی ده اطراف قم و از رعایای سرتیپ اویسی هستیم. ما از دست این افسر ارتش به تنگ آمده‌ایم. ما را تنبیه بدنی کرده و اظهار می‌نماید که من نماینده شاه هستم و با شاه به گردش می‌روم و با شاه آمدورفت دارم. اگر شما حرف من را گوش ندهید شما را با قدرتی که دارم از بین خواهم برد...

اسناد ساواک ـ پرونده‌های انفرادی

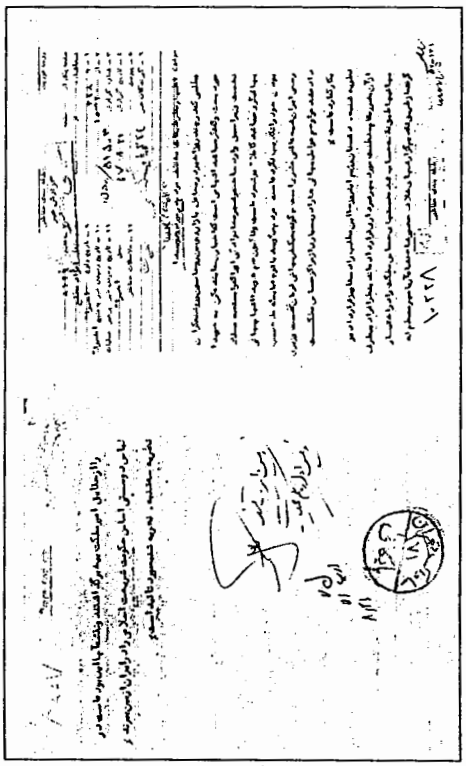

به : ۳۴۸ تاریخ : ۵۷/۸/۲۱

از : ۲۰ ه ۱۵ شماره : ۲۰/۵۱۵۰۳ ه ۱۵

موضوع : اظهارنظر طبقات مختلف مردم در مورد هویدا

مطلبی که در چند روز اخیر در محافل بازاری و بین روحانیون و روشنفکران مورد بحث و گفتگو می‌باشد اتهامی است که اخباری نماینده کرج به هویدا نخست‌وزیر اسبق وارد ساخته و شجره خانوادگی او را که وابسته به مسلک بهائیگری می‌باشد کاملاً برشمرده است و تاکنون هم هویدا اتهام بهائی بودن خود را تکذیب نکرده است مردم می‌گویند با توجه به اینکه مذهب رسمی ایران شیعه اثنی عشری است چگونه به یک نفر بهائی فرمان نخست‌وزیری داده شده و او هم عوامل بهائی‌ها را در بسیاری از مراکز حساس مملکت بکار گمارده است.

نظریه شنبه : دشمنان رژیم این روزها این مطلب را دستاویز قرار داده و از آن به ضرر مقام سلطنت مورد بهره‌برداری قرار داده‌اند به نظر افراد بی‌طرف بهائیها[1] طبق نقشه حساب شده قسمتهای حساس مملکت را در اختیار گرفته از طریق تقدیم گزارشهای خلاف حضور شاهنشاه آریامهر معظم‌له را از حقایق امور مملکت بی‌خبر گذاشتند و نقشه آنها این بوده است در لباس دوستی اساس حکومت شریعت اسلامی را در ایران از بین ببرند

نظریه سه شنبه : نظریه شنبه مورد تایید است. رئیس دایره ... رئیس اداره یکم عملیات ارسال گردد ۸/۲۱ ۱۰۲۲۸

۱ـ نفوذ بهائیها در همه ارکان حکومتی نشانگر روش سیاسی این حزب بوده است.
حزب بهائی علیرغم شعار جدایی مذهب از سیاست، در هرکجا توانست نفوذکرد تا عالیترین رده‌های سیاسی نیز افراد خود را واردکرد. در این میان هویدا نقش اساسی را داشت و خود بهایی‌ایی بودکه به سمت نخست‌وزیری رسیده بود.

شماره : ۲۸/۷۶ تاریخ : ۵۷/۸/۲۴

جناب آقای فرهمند

معاون محترم وزیر مشاور در امور اجرایی

خواهشمند است دستور فرمائید مبلغ ۲۱/۹۲۵ مارک بابت بهای موکت خریداری جهت کاخ پذیرایی در سعدآباد را به آدرس فاکتور ضمیمه حواله فرمایند.

مدیرکل امور مالی دربار شاهنشاهی
قباد کریمی

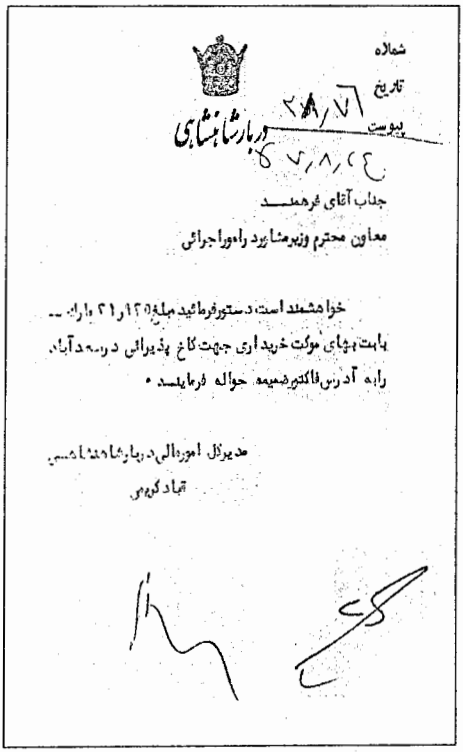
شماره
تاریخ ۲۸/۷۶
پیوست
دربار شاهنشاهی ۵۷/۸/۲۴
جناب آقای فرهمند
معاون محترم وزیر مشاور در امور اجرائی
خواهشمند است دستور فرمائید مبلغ ۲۱٫۹۲۵ مارک
بابت بهای موکت خریداری جهت کاخ پذیرائی در سعدآباد
را به آدرس فاکتور ضمیمه حواله فرمایند .
مدیرکل امور مالی دربار شاهنشاهی
قباد کریمی

به : ۳۴۱ تاریخ : ۵۷/۸/۲۹

از : ۷/ه ۳ شماره : ۲۰۲۹/ه ۳

موضوع : بهائیان شیراز

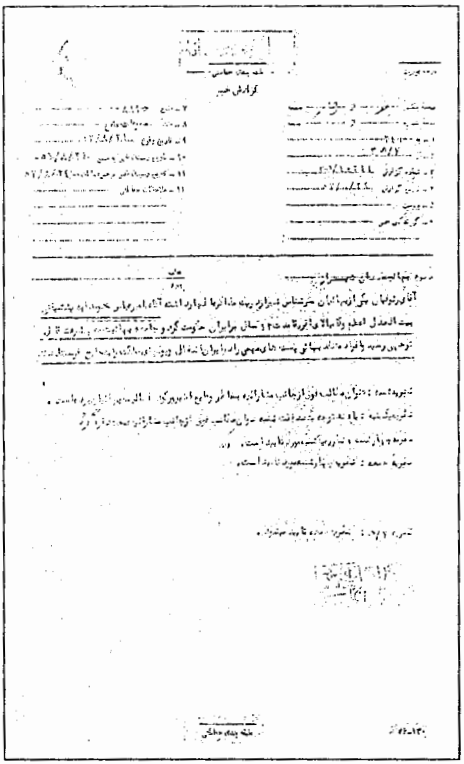

آقای رئوفیان یکی از بهائیان سرشناس شیراز در یک مذاکره اظهار داشته آقای امیرعباس هویدا به پشتیبانی بیت‌العدل اعظم و کامبالای افریقا مدت ۱۳ سال بر ایران حکومت کرد و جامعه بهائیت به پیشرفت قابل توجهی رسید و افراد متنفذ بهائی پست‌های مهمی را در ایران اشغال و پولهای مملکت را به خارج فرستادند.[۱]

نظریه شنبه : عنوان مطالب فوق از جانب مشارالیه به خاطر وقایع اخیر و رکود فعالیت بهائیان بوده است.

نظریه یکشنبه : با عطف توجه به صداقت شنبه عنوان مطالب فوق از جانب مشارالیه صحت دارد گرد

نظریه چهارشنبه : نظریه یکشنبه مورد تایید است.

نظریه جمعه : نظریه چهارشنبه مورد تایید است.

نظریه ۷/ه : نظریه جمعه تایید می‌شود.

۱ـ اعترافات رئوفیان بهائی سرشناس شیرازی مبنی بر پشتیبانی بیت‌العدل!! اعظم بهائیت از هویدا و تعریف و تمجیدهای بهائیان از وی و حمایت همه‌جانبه رسانه‌های صهیونیستی و بهائی از هویدا در زمان دستگیری همه نشان از سیاسی کاری حزب بهایی داشته و نشان از دروغ بودن شعار آنان در عدم دخالت در سیاست می‌باشد.

به : ۳۴۲ تاریخ : ۵۷/۸/۳۰

از : ۲۰ ه ۱۱ شماره : ۲۰/۱۶۰۵۹ ه ۱۱

موضوع : نزاع بین رجال دستگیرشده

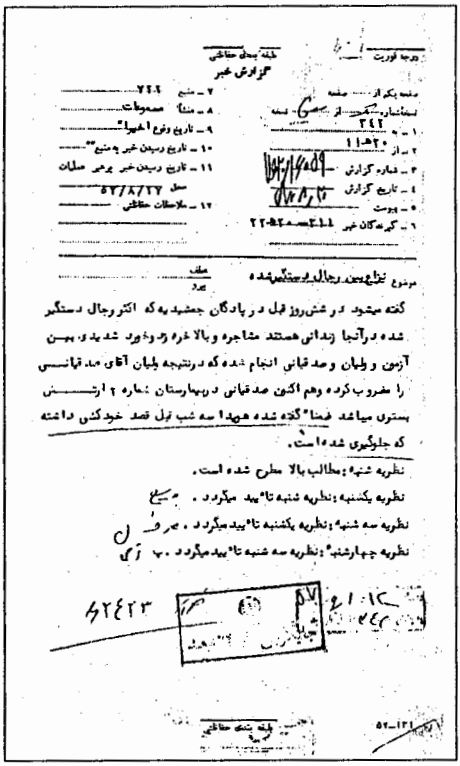

گفته می‌شود در شش روز قبل در پادگان جمشیدیه که اکثر رجال دستگیرشده در آنجا زندانی هستند مشاجره و بالاخره زدوخورد شدیدی بین آزمون و ولیان و صدقیانی انجام شده که در نتیجه ولیان[1] آقای صدقیانی[2] را مضروب کرده و هم‌اکنون صدقیانی در بیمارستان شماره ۲ ارتش بستری می‌باشد ضمناً گفته شده هویدا سه شب قبل قصد خودکشی داشته که جلوگیری شده است.

نظریه شنبه : مطالب بالا مطرح شده است.

نظریه یکشنبه : نظریه شنبه تایید می‌گردد.

بدیع

نظریه سه شنبه : نظریه یکشنبه تایید می‌گردد. عارف

نظریه چهارشنبه : نظریه سه شنبه تایید می‌گردد. ترجمان

کلاسه ۶۲۴۲۳

۱ـ عبدالعظیم ولیان فرزند «باباخان» در سال ۱۳۰۳ در تهران متولد شد. وی از جمله عناصر محوری درکابینه امیرعباس هویدا و صاحب نقش در اجرای اصلاحات ارضی در دوران وزارت و هم‌چنین از عوامل اصلی تخریب اطراف حرم مطهر امام رضا (ع) در مشهد در سمت استاندار خراسان بود. بعد از ورود به ارتش دوره افسری را در دانشکده افسری در مهرماه ۱۳۲۶ هنگامی که بیست و چهار سال داشت، به پایان برد و برای آموزش دوره رسته‌ای به دانشکده توپخانه امریکا اعزام و بعد از پایان دوره، در سال ۱۳۳۵ بعد از مدتی برای گذراندن دوره عالی رسته‌ای توپخانه مجدداً به امریکا از طریق ارتش عزیمت نمود و در سال ۱۳۴۱ دوره مذکور را پشت سر گذارد. او در کنار آموزش‌های نظامی توپخانه‌ای موفق شد لیسانس خود را در رشته علوم سیاسی در دانشکده حقوق دانشگاه تهران اخذ کند و در دوران خدمت در یگانهای لشگری و در ارتش به سمت‌هایی همچون فرماندهی واحدهای توپخانه و تا حد معاونت گردان و سپس بازرسی نظامی لشکر ۵ و آجودان فرماندهی سپاه ۵ جنوب و بعد از آن هم رئیس شعبه قوانین اداره یکم ستاد بزرگ ارتشتاران

ارتقاء یابد. ولیان به عنوان وزیر اصلاحات ارضی و پس از اعلام ختم اصلاحات ارضی و انحلال وزارتخانه مزبور به عنوان وزیر تعاون و امور روستایی در کابینه حضور داشت. در دوره وزارت متناسب با اشتغال در امر اصلاحات ارضی علاوه بر عضویت در دفتر سیاسی حزب در راس کمیته کشاورزی حزب ایران نوین نیز قرار داشت و به مقام آجودان کشوری شاه هم رسید.

ولیان در دوره وزارت به عنوان عنصری فریبکار، دروغگو، فحاش، مال‌اندوز و اختلاس‌کننده معرفی شده است.

اسناد ساواک ـ پرونده انفرادی

۲ـ رضا صدقیانی از اعضا سابق حزب توده و جزء تئوریسینهای شاه بعد از ندامت بودکه به جای ولیان وزیر تعاون و امور روستایی شد. در برخی از منابع و اسناد باقی مانده به عضویت وی در تشکیلات حزب توده اشاره شده است، هر چندکه اعضای دیگری از کابینه مانند عبدالمجید مجیدی هم سوابق توده‌ای داشتند.

۱۳۵۴/۵/۴ ـ هتل هیلتون ـ جشن سالروز ملی عراق ـ از راست: عباسعلی خلعتبری ـ هویدا ـ مقام عراقی ـ عبدالمجید مجیدی ـ غلامرضا ازهاری

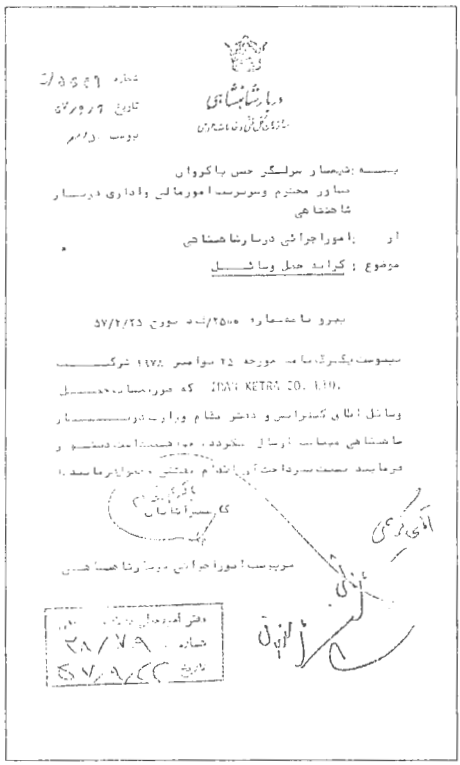

شماره : ۵۶۴۹ /ق تاریخ : ۵۷/۹/۹

به : تیمسار سرلشگر حسن پاکروان[1] مشاور محترم و سرپرست امور مالی و اداری دربار

از : امور اجرایی دربار شاهنشاهی

موضوع : کرایه حمل وسایل

پیرو نامه شماره ۲۵۰۰ /ف د مورخ ۵۷/۴/۲۵

به پیوست یک برگ نامه مورخه ۲۵ نوامبر ۱۹۷۸ شرکت IRAN KETRA CO. LTD. که صورتحساب حمل وسائل اطاق کنفرانس و دفتر مقام وزارت دربار شاهنشاهی می‌باشد ارسال می‌گردد، خواهشمند است دستور فرمایند نسبت به پرداخت آن اقدام مقتضی معمول فرمایند.

با تقدیم احترام

کامبیز آتابای

سرپرست امور اجرایی دربار شاهنشاهی

آقای کریمی

آقای ثالثی

آقای منصوریان

۱ـ حسن پاکروان در سال ۱۲۹۰، در تهران به دنیا آمد. پدر او، فتح‌الله پاکروان، از دولتمردان رضاخانی بود که در زمان فاجعهٔ قتل عام مسجد گوهرشاد، استانداری خراسان را به عهده داشت. حسن پاکروان، تحصیلات نظامی خود را، در دانشکده‌های پواتیه و فونتن پلو فرانسه به پایان رسانید و در سال ۱۳۱۲، به ایران بازگشت و مدّتها به عنوان مربی دانشکدهٔ افسری، اشتغال داشت. در سالهای ۱۳۲۰ ـ ۱۳۲۲، افسر ستاد ارتش، و در سالهای ۱۳۲۳ ـ ۱۳۲۴، فرمانده پادگان بوشهر و افسر انتظامات بنادر جنوب بود. پاکروان، در سالهای ۱۳۲۵ ـ ۱۳۲۷، افسر رکن دوم ستاد ارتش گردید و در سالهای ۱۳۲۸ ـ ۱۳۲۹، وابستهٔ نظامی ایران در پاکستان شد. پس از بازگشت به ایران، مدّتی ریاست رکن دوم ستاد ارتش را به عهده داشت و در سالهای ۱۳۳۳ـ ۱۳۳۴، وابستهٔ نظامی ایران در هند شد. با تأسیس ساواک در اسفند ۱۳۳۵، پاکروان، معاون ساواک گردید و در اسفند ۱۳۳۹، با برکنار شدن سپهبد تیمور بختیار، به ریاست ساواک رسید.

دربارهٔ دوران ریاست پاکروان بر ساواک، ارتشبد فردوست، در خاطرات خود، سخن گفته است. سرلشگر حسن پاکروان، تا سال ۱۳۴۳، ریاست ساواک را به عهده داشت. محمدرضا پهلوی به دلیل اعتماد به وی او را به سمت آجودان مخصوص خود انتخاب و سپس به ریاست ساواک برگزید. دوران نهضت امام و قیام ۱۵ داد مصادف با ریاست وی بـه سـاواک و جلادی‌ها و توطئه‌های وی علیه ملت ایران بود. سپس جای خود را به نصیری داد و در مقام وزیر اطّلاعات، وارد نخستین کابینهٔ هویدا شد (۱۳۴۳ ـ ۱۳۴۵). پاکروان، از شهریور ۱۳۴۵ تا مهر ۱۳۴۸، سفیر ایران در پاکستان بود و در این تاریخ سفیر ایران در فرانسه شد و تا آبان ۱۳۵۲، در پاریس مستقر بود. در بازگشت به ایران، از سال ۱۳۵۲، ارتشبد فردوست، او را در بازرسی شاهنشاهی به کار گرفت و در مهرماه ۱۳۵۶، مشاور و سرپرست امور مالی وزارت دربار گردید.
سرلشگر حسن پاکروان، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، دستگیر و در تاریخ ۱۳۵۸/۱/۲۲، به همراه با جـمعی از بلندپایگان رژیم پهلوی، به اعدام محکوم شد.

۱۳۵۲/۱۲/۴ ـ هادی هدایتی در صندلی پشت سر هویدا نشسته است

به : ۳۴۲ تاریخ : ۵۷/۹/۲۰

از : ۵/ه‌ش ۳ شماره : ۱۶۲۲۲/ه

موضوع : امیرعباس هویدا

شایع است :

امیرعباس هویدا نخست‌وزیر اسبق نزد اشخاصی که به ملاقات وی رفته‌اند اظهار داشته در زمانی که اتهاماتی به وی وارد شده با پیش‌بینی قبلی وقایع ایران را که خود ناظر آن بوده در ۳۰۰ برگ تنظیم و جهت یک نفر از بستگان خود در کشورهای خارج پست کرده که اگر روزی محاکمه شد و بر علیه او مقالاتی در ایران چاپ کردند همزمان با آن یادداشتهای مزبور را ترجمه و در مطبوعات کشورهای خارجی به چاپ برسانند.

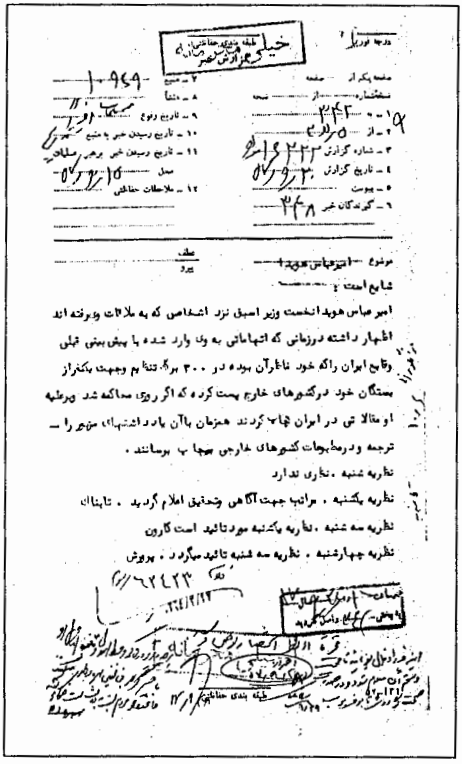

نظریه شنبه : نظری ندارد

نظریه یکشنبه : مراتب جهت آگاهی و تحقیق اعلام گردید. تابناک

نظریه سه شنبه : نظریه یکشنبه مورد تایید است کارون

نظریه چهارشنبه : نظریه سه شنبه تایید می‌گردد. پرورش

کلاسه ۶۲۴۲۳ / سوم محترماً از نظر استحضار به عرض می‌رسد

این خبر را دنبال بفرمائید تا صحت و نسخه آن معلوم شود و در صورت صحت گزارش تا به عرض برسید ۹/۲۹

هر چه دیرتر در محاکمه و ضبط اموال او و امثال او تأخیر گردد مخالفین بهره‌برداری می‌کنند و اعتقاد مردم نسبت به دولت سست خواهد شد....

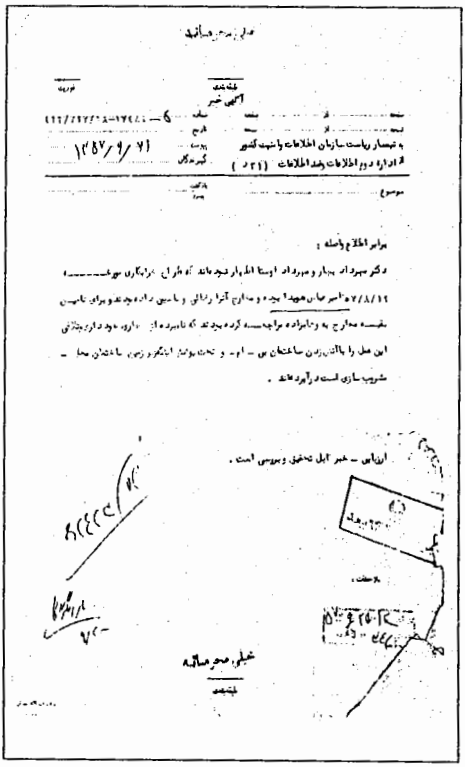

تاریخ : ۱۳۵۷/۹/۲۱

شماره: ۵ـ ۱۷۴۸۹ـ۴۱۲/۷۱۷/۱۸

به : تیمسار ریاست سازمان اطلاعات و امنیت کشور

از : اداره دوم اطلاعات و ضداطلاعات (۳۱ د)

برابر اطلاع واصله :

دکتر مهرداد بهار و مهرداد اوستا اظهار نموده‌اند که طراح خرابکاری مورخه ۵۷/۸/۱۴ امیرعباس هویدا بوده و مخارج آن را رضائی و یاسینی داده بودند و برای تامین بقیه مخارج به وهابزاده مراجعه کرده بودند که نامبرده از همکاری خودداری و تلافی این عمل را با آتش زدن ساختمان بی ـ ام ـ و تحت پوشش اینکه زیرزمین ساختمان محل مشروب‌سازی است درآورده‌اند.

ارزیابی ـ خبر قابل تحقیق و بررسی است.

کلاسه ۶۲۴۲۳

آقای انگورانی ۹/۲۰

به : ۳۴۲ تاریخ : ۵۷/۱۱/۲

از : ۲۰ ه ۲۲ شماره : ۶۲۶۸۷

موضوع : هویدا

روز ۵۷/۹/۲۹ در نخست‌وزیری شایع گردیده که هویدا دست به خودکشی زده است.[1]

نظریه سه شنبه : صحت یا سقم خبر برای شنبه روشن نمی‌باشد. تاکستانی

۶۲۴۲۳

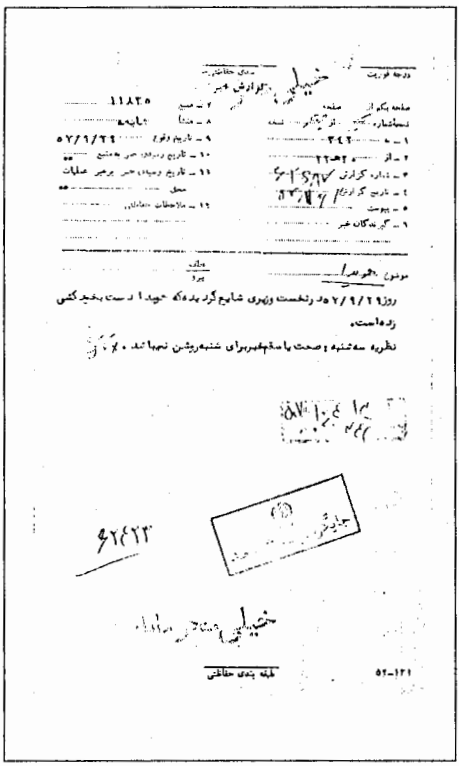

۱ـ این آخرین گزارش خبر در سوابق انفرادی امیرعباس هویدا در بایگانی ساواک است که ۲۰ روز قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، ثبت شده است.

فهرست اعلام

آ ـ الف

آبادان / ۲۷۲

آتابای، ابوالفتح / ۵۱۹

آتابای، سیمین‌دخت / ۴۸۵

آتابای، کامبیز / ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۷، ۴۹۷، ۴۹۸، ۵۰۷، ۵۱۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۶، ۵۳۹، ۵۴۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۷۰

آذربایجان / ۳۰، ۶۹، ۲۳۷

آذربایجان شرقی / ۱۹

آذربایجان غربی / ۲۶۳، ۲۷۸، ۴۳۵، ۴۳۶

آذر، خلیل / ۲۳۶

آراسته (مأمور ساواک) / ۳۲۱، ۴۰۵

آرزومانیان / ۱۷۶

آرزو (مأمور ساواک) / ۱۹۹، ۲۰۸

آریایی (مأمور ساواک) / ۴۷، ۱۳۴

آزمون، منوچهر / ۳۴۹، ۳۵۰، ۵۵۱، ۵۶۸

آسای (مأمور ساواک) / ۱۶۲

آسیا / ۱۳، ۹۶

آشتیان / ۲۳۷

آشتیانی (سناتور) / ۱۶

آغاسی (کارمند دفتر نظارت و همکاری‌های اجتماعی نخست وزیری) / ۱۳۸

آلاباما / ۲۹۳

آلمان / ۱۰۹، ۱۴۱، ۱۴۲، ۳۱۴، ۳۲۵، ۳۴۲، ۴۲۴

آمال (مأمور ساواک) / ۲۵۴

آمل / ۱۹۶

آموزگار، جمشید / ۱۵، ۱۱۹، ۱۶۰، ۲۰۰، ۲۱۱، ۴۲۳، ۴۳۳، ۴۷۶، ۵۰۵، ۵۴۱، ۵۵۶

آموزگار (دکتر) / ۳۳

آموزگار، کورس / ۱۱۹، ۱۲۰

آموزگار (مأمور ساواک) / ۲۱

آنتیادیس، الی / ۵۳۶

ابراهیمی، ضیاء (مأمور ساواک) / ۴۹، ۷۸، ۱۳۴، ۱۷۰

ابراهیمی (دکتر) / ۳۶

ابوطالب نیا، مرتضی / ۳۶۲، ۳۷۰

ابهری (مأمور ساواک) / ۶۷، ۷۰، ۸۳، ۸۹، ۲۰۶

ابیانه / ۴۶۵

اتاق اصناف / ۳۲۴، ۴۳۳

اتاق بازرگانی / ۳۳

اتحادیه جوانان پنجه سیاه / ۷۸، ۸۷، ۸۰، ۸۱

اتحادیه کارگران / ۲۹

اتحادیه کارگری و سندیکاها / ۴۱۴

احسنی (مأمور ساواک) / ۲۸۴

احمد (راننده) / ۱۶

احمدی، محمدحسین / ۱۳۸، ۱۴۰، ۳۴۹، ۳۵۰

اخوان / ۴۷۹

اخیانی (رئیس ثبت شمیران) / ۳۲۹

اخیانی، معصومه / ۳۶۱

اداره اوقاف تهران / ۱۱۱

ادیب (مأمور ساواک) / ۵۸، ۱۶۳، ۱۶۴، ۲۴۳

ارداغی، پروین / ۳۲۴

اردکان / ۱۴۶
اردن / ۳۳۷، ۳۳۸
ارشاد (مأمور ساواک) / ۸۷، ۲۱۹، ۲۳۳
ارفع، حیدرعلی / ۱۹، ۳۰، ۶۱، ۷۳
اسپانیا / ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۳۰
استالین / ۱۱۵
استان مرکزی / ۵۰
استکهلم / ۴۱۳
اسدی / ۲۴۰
اسدی خوانساری، محمد / ۳۷۰
اسرائیل / ۱۲۶، ۳۴۲، ۴۴۸
اسفند (مأمور ساواک) / ۶۱، ۱۴۲، ۱۶۷، ۲۰۳، ۲۰۵
اسلامی / ۵۲۸
اسلامی‌نیا، هدایت‌الله / ۲۲۰
اشتراوس، فرانس ژوزف / ۳۱۴، ۳۱۵
اصفهان / ۴، ۱۱۷، ۱۶۵، ۲۶۳، ۲۷۴، ۲۷۸، ۳۲۶، ۳۵۰
اخلاقی (نماینده دزفول در مجلس شورای ملی) / ۶
اصفیا، صفی / ۴، ۲۸، ۳۶، ۲۲۰، ۳۲۲، ۳۲۷، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۲، ۳۳۳
اطریش / ۹۶
اعلامیه جهانی حقوق بشر / ۴۴۱، ۴۴۵
اعلایی (سرهنگ) / ۲۷۲
افتخاری / ۵۲۶
افخمی / ۳۳۵
افخمی، غلامرضا / ۴۷۴
افراخان، تقی / ۳۶، ۳۷، ۳۸
افریقا / ۱۳، ۹۶
افریقای جنوبی / ۴۰۷، ۴۱۱
افضلی (مأمور ساواک) / ۸۷
افغانستان / ۱۲۶
افندی، شوقی / ۱۱۹
افندی، عباس / ۱۲، ۱۷۹، ۴۵۸
اقبال، خسرو / ۱۶۷
اقبال، منوچهر / ۲۶، ۹۹، ۱۹۶، ۲۰۶، ۲۸۰، ۴۲۳
اقیانوس هند / ۱۳
اکباتانی (مأمور ساواک) / ۳۲۸، ۳۳۰، ۴۲۴
اکبری، محمدباقر / ۳۶۲
اکرام (مأمور ساواک) / ۳۲۲
البکر، احمدحسن / ۳۵۹، ۳۹۴
الجزایر / ۳۸۷، ۳۹۵
الجزراوی، طه / ۳۹۴
الجزیره / ۳۸۷، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲
الدوری، عزت / ۳۹۴
الساوی، هشام / ۳۹۷
الموتی (حزب ایران‌نوین) / ۱۲۲، ۱۲۳، ۲۹۱
الموتی، سعید / ۱۲۳
الموتی، مصطفی / ۱۴۵، ۱۴۶، ۳۳۵
امام خمینی / ۳۵۰
امامی، حسن / ۳۰۹
امامی، لیلا / ۴، ۱۳۵، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۹۹، ۲۱۸، ۲۴۳، ۲۴۶، ۴۰۵، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۱۷
امامی، ملکه وثوق / ۳۶۱

امانپور (خانم ـ مدیرکل تشریفات نخست وزیری) / ۳۵۷، ۴۳۰، ۴۳۴، ۴۳۸، ۴۸۵، ۵۰۵
امپراطوری عثمانی / ۱۳
امجدی (سپهبد) / ۲۱۳
امریکا / ۱۳، ۱۵، ۲۲، ۲۵، ۲۶، ۳۷، ۴۵، ۶۶، ۹۵، ۹۶، ۱۰۶، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۹۱، ۱۹۲، ۲۱۴، ۲۹۴، ۳۹۱، ۴۳۸، ۴۴۸، ۴۵۱
امیرقاسمی، داود / ۴۲، ۱۷۷، ۳۹۸، ۴۲۹، ۴۷۱
امیرکبیر / ۲۳۷، ۴۵۷
امینی، ایرج / ۵۴۴
امینی، علی / ۲، ۲۵، ۲۶، ۲۳۳، ۴۰۰، ۴۷۶
انجمن اقلیت‌های مذهبی / ۴۱۴
انجمن ایرانی طرفدار ملل متحد / ۴۱۴
انجمن بین‌المللی روزنامه‌نگاران / ۴۱۲
انجمن تحصیل کرده‌های اروپا / ۴۱۴
انجمن تسلیح اخلاقی ایران / ۴۱۴
انجمن دانشجویان طرفدار ملل متحد / ۴۱۴
انجمن دانشوران ایران / ۴۱۴
انجمن زکریای رازی / ۲۸۰
انجمن شاهنشاهی فلسفه / ۴۱۴
انجمن شهر تهران / ۱۸
انجمن قلم / ۴۱۴
انجمن (مأمور ساواک) / ۲۱۹، ۲۳۳، ۲۴۱، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۷، ۳۳۶
انجمن معماران ایران / ۴۱۴
انجمن ملی خانه‌های فرهنگ روستایی / ۵۴۰
انجمن نفت / ۴۱۵
اندونزی / ۹۶
انشاء، مریم / ۳۶۱، ۳۶۶
انصاری / ۴۲۳، ۴۶۲
انصاری، عبدالرضا / ۲۶۱
انصاری (مدیرعامل شرکت تلفن) / ۱۸۵
انصاری، هوشنگ / ۲۹۹، ۴۶۸، ۴۶۹
انقلاب ششم بهمن / ۳۷
انقلاب مشروطه / ۴۴۳
انگلستان / ۱۳، ۶۶، ۶۸، ۹۶، ۱۰۶، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۲۸، ۲۲۹، ۳۰۴، ۴۱۵، ۴۳۹، ۴۸۵، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۹
انوری، رضا / ۳۷
انوشیروان (مأمور ساواک) / ۱۳۷
اوتانت (دبیر کل سازمان ملل) / ۷۴
اوحدی، حسین / ۲۶۷، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹
اوستا، مهرداد / ۵۷۳
اویسی / ۳۳
اویسی، جمال / ۲۴۰
اویسی، غلامعلی / ۵۶۳
اوین / ۱۹۸
اهورهوش، نصرالله / ۱۹۴
ایادی، عبدالکریم / ۶۳
ایقان (کتاب) / ۱۶۵

ب

بابک / ۲۳۷

بابل (کشور) / ۶۹
باستانی، علی / ۳۶۲، ۳۷۰
باشگاه افسران شهربانی / ۱۵۸
باشگاه جوانان / ۴۱۵
باشگاه روتاری / ۴۱۵
باشگاه لاینز / ۴۱۵
باصری‌نیا (مأمور ساواک) / ۲۲۸
بانک رهنی / ۷۹
بانک صادرات / ۱۱۳
بانک عمران / ۲۹، ۱۱۳
بانک کشاورزی / ۱۱۳
بانک مرکزی / ۴۶۱، ۵۵۹
بانک مسکن / ۷۹
بانک ملی / ۲۴۶
باهر (دکتر) / ۳۳
باهری، محمد / ۲۷۴
بحرین / ۶۸، ۶۹، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۱۲۴،
بختیار / ۲۷۴
بختیار، تیمور / ۲۵، ۷۹، ۱۲۵
بدیع (مأمور ساواک) / ۴۶۳، ۵۶۸
براتلو، احمد / ۳۱۶، ۳۱۷
برزگر، ابراهیم / ۴۰۰
بروکسل / ۲۸، ۴۱۳
برهمن، ایرج / ۲۴۶
برهمن (دکتر) / ۲۲
بشرویه (شیخ) / ۳۵۰
بشیری، سیاوش / ۲۰۳
بصره / ۳۷۳، ۳۷۹
بطحائی / ۳۳۶
بغداد / ۱۲، ۳۴۶، ۳۵۶، ۳۵۹، ۳۶۱، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸،
۳۷۲، ۳۷۶، ۳۸۰، ۳۸۴، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۷
بغدادی، ملایعقوب / ۴۷۴
بلاغت (مأمور ساواک) / ۳۴۷
بلژیک / ۱۲۵
بلغارستان / ۴۰۴
بن / ۴۱۳
بندلی / ۲۶۳
بنیاد اشرف پهلوی / ۴۷۴
بنیاد پهلوی / ۲۴۱
بنیاد فرهنگی ملکه پهلوی / ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳
بوشهر / ۲۶۳
بوشهری، مهدی / ۱۶
بوکوفسکی (باسوفسکی) / ۴۰۷، ۴۳۵، ۴۳۶
بهادری (سناتور) / ۱۶، ۳۵
بهار، مهرداد / ۵۷۳
بهاری، عطاءالله / ۲۲۵
بهبودی، ناصر / ۳۶، ۲۵۸
بهبهان / ۱۴۶
بهبهانیان / ۴۷۸، ۴۸۰، ۵۵۸
بهتاش (دکتر) / ۱۶۷
بهرامپور (مأمور ساواک) / ۱۸۱، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۰۳،
۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۱۱، ۲۲۸، ۲۴۳، ۲۴۵، ۲۰۱، ۲۱۶

بهرامی، جهانسوز (سروان) / ۲۸۷، ۳۶۲
بهرامی، شاهپور / ۵۳۸
بهرامی، مصطفی / ۴۰۵
بهرامی (هنرپیشه و کارگردان تأتر) / ۱۰۷
بهرون (مدیرعامل سازمان مسکن) / ۱۲۰
بهمنش / ۱۳۸
بهموسیان، عزیزالله / ۱۴۱
بهنام (مأمور ساواک) / ۵۵۶
بیات / ۲۳۲
بیان، عصام‌الدین / ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰
بیت‌العدل اعظم بهائیان / ۵۶۷
بیت‌الهی (سرلشکر) / ۴۹۳
بیت منصور، ویلسون / ۳۰۲، ۳۰۳
بیروت / ۳۵۸
بیگلری، محمد / ۴۷۵
بیمارستان پنج‌وین / ۳۸۱
بیمارستان شماره ۲ ارتش / ۵۶۸

پ

پادگان جمشیدیه / ۵۶۸
پادگورنی، نیکلا / ۶۹
پاد (مأمور ساواک) / ۱۹۹، ۲۰۸، ۲۵۴
پارسای، فرخ‌رو / ۸۴، ۲۵۱، ۳۴۸
پاریس / ۱۳۵، ۱۴۱، ۱۹۸، ۲۱۵، ۳۳۳، ۴۱۳، ۴۳۴، ۵۳۸
پاسکیویچ (ژنرال) / ۴۵۸
پاشنه آهنین (کتاب) / ۱۵۸
پاکروان، حسن / ۴۸۱، ۵۷۰
پاکستان / ۱۲۶، ۳۸۲، ۴۴۹
پاینده (نماینده مجلس شورای ملی) / ۲۹۸
پرتقال / ۴۰۷، ۴۰۸
پرتو، منوچهر / ۴۳، ۱۱۷، ۲۲۴، ۲۹۹
پرنس داود ظاهر / ۴۸۷
پرنیانفر، قاسم (مأمور ساواک) / ۸۱، ۱۳۴، ۳۲۷، ۳۲۹، ۳۳۰
پروانه‌فر / ۱۴۵
پرورش (مأمور ساواک) / ۲۸۴، ۵۷۲
پزشکپور، محسن / ۶۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴
پسیان (کلنل) / ۲۳۷
پکن / ۲۸۸
پلاس، مارک / ۴۴۸، ۴۴۹
پلدشت / ۲۶۳
پمپیدو، ژرژ / ۱۳۵
پورسرتیپ، محمد / ۱۷۲، ۵۱۷
پهلبد، مهرداد / ۲۹۹، ۳۱۶
پهلوی، پری‌سیما / ۵۳۴
پهلوی، حمیدرضا / ۲۷۲
پهلوی، رضاخان / ۲۳۳، ۲۷۰
پهلوی، عبدالرضا / ۵۳۴
پهلوی، فاطمه / ۴، ۳۶، ۳۷
پهلوی، فرح ← شهبانو
پهلوی، محمدرضا / ← شاهنشاه

پیرزاده، رضا / ۱۵
پیروز، منوچهر / ۲۰۸
پیشه‌وری، جعفر / ۶۹، ۱۲۳

ت

تئودورف، ستانکو / ۵۲۴
تابناک (مأمور ساواک) / ۵۷۲
تاجبخش (مهندس) / ۱۸
تاکستانی (مأمور ساواک) / ۲۰۴، ۲۱۱، ۲۳۱، ۴۰۱، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۲۳، ۴۲۷، ۴۳۰، ۴۳۴، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۶۰، ۴۷۵ ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۸۵، ۵۰۵، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۷۴
تان‌دوک تانگ / ۲۹۳
تبریز / ۱۹، ۳۱
تجدد، مصطفی / ۲۸۴، ۳۰۹
تخت جمشید / ۲۰۱، ۲۰۵، ۲۱۴
تدین، عطاءالله / ۳۶۲، ۳۷۰
تربیت (مأمور ساواک) / ۲۸۶
ترجمان (مأمور ساواک) / ۵۶
ترکیه / ۱۱۶، ۱۲۶، ۴۰۷
تقوی (مأمور ساواک) / ۴
توکلی، غلامرضا / ۲۵۸
تونس / ۵۴۳، ۵۴۴
تهران / ۴، ۲۵، ۲۸، ۵۵، ۶۱، ۱۰۶، ۱۱۰، ۱۱۶، ۸۹، ۱۳۷، ۱۴۴، ۱۶۵، ۲۰۱، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۳۳، ۲۴۴، ۲۸۸، ۲۹۸، ۳۴۱، ۳۵۰، ۳۶۹، ۴۰۱، ۴۱۲، ۴۴۷، ۴۵۱، ۵۴۳
تیمورتاش / ۴۷۴

ث

ثابت پاسال، حبیب / ۱۱۹
ثابتی، پرویز (مأمور ساواک) / ۴۷، ۳۰۲، ۳۳۱، ۴۰۵، ۴۱۸، ۴۳۳، ۴۷۴، ۴۹۱، ۴۹۹
ثالثی / ۵۴۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۷۰

ج

جاوید، هاشم / ۲
جبهه ملی / ۲۳۲، ۵۵۶
جبهه ملی عراق / ۳۹۱
جده / ۵۴۱
جزیره کرسو / ۴۶۱
جعفر اقدامی، طاهره / ۳۶۱
جعفریان، محمود / ۲۰۱
جعفری (سرتیپ) / ۵۹
جفرودی، کاظم / ۸۸، ۱۴۵
جلالیان / ۲۸۷
جمالی / ۳۸۲
جم، فریدون / ۴۹۶
جنگ ایران و روس / ۴۵۸
جنگ قادسیه / ۳۸۰
جوانشیر / ۶۹
جواهرکلام، علی / ۳۱۶
جیرفت / ۲۴۴
جینالولو (هنرپیشه) / ۱۱۴

چ

چالوس / ۶۱

چهارمحال و بختیاری / ۳۴۷

چین / ۱۲۶، ۲۱۳، ۲۸۸، ۲۸۹، ۳۹۱

ح

حائری‌زاده، ابوالحسن / ۱۲، ۱۳

حاجبی (آجودان شاه) / ۳۶، ۳۷

حاج سید جوادی، علی‌اصغر / ۴۵۲

حاج کندی، منصور / ۵۲۳، ۵۲۵، ۵۳۲

حافظ شیرازی / ۲۶۴

حافظی، علی / ۱۶۷

حامی (مهندس) / ۱۷۹

حبشه / ۴۴۹

حداد، نعیم / ۳۷۴

حزب ایران / ۱۰۷

حزب ایران‌نوین / ۶، ۷، ۹، ۱۵، ۱۸، ۱۹، ۲۶، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۴، ۵۰، ۵۵، ۵۷، ۵۸، ۶۱، ۶۶، ۶۸، ۷۳، ۸۲، ۸۹، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۵، ۱۰۲، ۱۳۲، ۱۴۴، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۸۴، ۱۹۱، ۲۱۳، ۲۳۰، ۲۴۹ ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۴، ۲۵۸، ۲۷۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۹۰، ۲۹۱، ۳۰۸، ۳۲۴

حزب ایرانیان / ۲۴۴، ۲۴۵

حزب بعث / ۱۳

حزب پان ایرانیست / ۶۱، ۷۲، ۷۴

حزب توده / ۳۸، ۲۳۲

حزب دمکرات آذربایجان / ۱۲۳

حزب رستاخیز / ۴۰۸، ۴۱۲، ۴۱۵، ۴۳۳، ۴۴۵، ۴۴۶

حزب سوسیالیست اروپای باختری / ۴۰۷

حزب سوسیالیست سوئد / ۴۰۸

حزب سوسیالیست هند / ۴۰۸

حزب کارگر انگلیس / ۴۰۸

حزب کمونیست عراق / ۳۸۶، ۳۹۱

حزب مردم / ۹، ۱۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۶، ۳۷، ۴۳، ۷۳، ۷۴، ۸۸، ۹۱، ۹۲، ۲۱۳، ۲۱۸، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۹، ۲۵۴، ۲۵۸، ۲۷۰، ۲۷۴، ۲۷۵، ۳۰۶، ۳۲۶

حسنی مبارک / ۳۵۶

حسینی، عبدالله / ۴۳۹

حضرت رسول اکرم (ص) / ۵۵۲

حضرت علی (ع) / ۱۸۲، ۲۳۷

حضرتی آشتیانی، غلامرضا / ۶۳

حکمت، سعید / ۱۶۷، ۲۴۰

حکیم / ۱۲۶

حکیم شوشتری، علی‌اکبر / ۷۵

حمام‌گنجعلی‌خان / ۲۴۴، ۲۴۵

حمیدی (سپهبد) / ۱۶۷، ۲۴۳

حیدر، خاتم / ۳۵۸

حیدری آلاشتی / ۴۳۲

حیفا / ۱۲

خ

خاقانی / ۴۸۹

خاکپورصائبی، حسن / ۹۹

خاکپورصائبی، رسول / ۹۹
خاکزادی (مدیرکل خطوط) / ۱۱۰، ۱۱۱
خاکساری (بارفروش) / ۲۷۲
خالصی / ۱۲۶
خاندانی، عباس / ۲۷۰
خان‌میرزایی، عباس / ۵۱۹
خاورمیانه / ۱۳، ۱۲۶، ۳۰۳، ۴۷۴
خبرگزاری پارس / ۱۲۲، ۳۷۰، ۴۱۱، ۴۶۸
خبرگزاری پاکستان / ۲۱۷
خبرگزاری فرانسه / ۱۳۵
خبرگزاری یونایتدپرس / ۴۷۰
خبیر (وزارت کشور) / ۲۷۸، ۳۳۲
خدام، عبدالحلیم / ۳۷۳
خرقان / ۲۶۳
خرمشهر / ۳۷۳
خسروانی، عطاءالله / ۷، ۱۸، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۲۲۴، ۲۶۱
خسروشاهی، محمد / ۳۳
خلخال / ۳۱
خلعتبری (خانم) / ۴۳۴
خلعتبری (شهردار) / ۱۲
خلعتبری، عباسعلی / ۷۲، ۷۴، ۳۵۷، ۵۲۴، ۵۳۸، ۵۴۱
خلیج‌فارس / ۶۸، ۶۹، ۷۹، ۱۲۴، ۱۲۶، ۲۱۳، ۳۰۴، ۳۷۲، ۳۷۶، ۳۷۹، ۳۸۴، ۳۸۸، ۳۹۰، ۴۱۰
خلیلی / ۱۷۶
خواجه نوری، محسن / ۷۴، ۷۵
خوزستان / ۱۱۹، ۲۶۳، ۲۷۲، ۲۷۸، ۳۷۹،
خوشبین، غلامحسین / ۳۳، ۳۵
خوی / ۲۶۳
خیابانی / ۲۳۷

د، ذ

داداش‌اف (مهندس) / ۴۳۵
دادگستر (مأمور ساواک) / ۸۶
داراب‌پور (گمرک آبادان) / ۲۷۲
داریوش شاه / ۶
دانشجو (مأمور ساواک) / ۱۷، ۳۵
دانشکده پلی‌تکنیک / ۲۱
دانشگاه پهلوی / ۲۳۹، ۴۶۴
دانشگاه تهران / ۱۲۰، ۲۸۶، ۴۶۹
دانشگاه ملی ایران / ۱۹۷
دانشور (آجودان شاه) / ۳۳۵
دانمارک / ۳۲۵
داودی، ادیب / ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۴۸
دبیر آشتیانی، سیما / ۳۶۲، ۳۷۰
دبیرستان فیروز بهرام / ۱۹۸
درخشان (رئیس اداره حقوقی) / ۱۱۰، ۱۱۱
درویش تبار، داریوش / ۳۸۱
دریای خزر / ۲۲۵
دریایی (مأمور ساواک) / ۱۵۱، ۱۶۵، ۲۱۷
دزفول / ۶

دژبان، فهیم / ۴۶۱
دشت میشان / ۶۸
دشتی (مأمور ساواک) / ۱۳۸
دمشق / ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۴۸
دوانلو (مهندس) / ۱۹۶
دهبید / ۱۵۱
دهر (مأمور ساواک) / ۳۴۷
دهستانی، عبدالعلی / ۴۳۵
دهکده ابیانه / ۴۵۸
دیبا / ۳۱
دیبا، فریده / ۵۵۴
دیده‌بان / ۵۲۳، ۵۳۷
ذوالفقاری (خانواده) / ۲۳۳

ر

رئوفیان / ۵۶۷
رئوفی، علی / ۳۶۲، ۳۶۶
راجی، پرویز / ۳۵۳، ۳۵۷، ۳۶۰، ۳۶۳، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۹، ۳۷۱، ۴۹۶، ۵۱۴، ۵۱۸
رادفر، عباس / ۱۴۵، ۱۴۶
رادمنش، رضا / ۷۹
رادیو اسرائیل / ۴۶۸
رادیو پاریس / ۴۵۸
رازانی، حسین / ۲۱، ۲۳
رازبان (حزب ایران نوین) / ۵۲
راشد (مأمور ساواک) / ۳۲، ۵۳، ۷۳
رامبد، هلاکو / ۳۶، ۴۳، ۶۱، ۷۳، ۷۴، ۹۱، ۹۲
رامتین، حسین / ۲۵۴
رایین، اسماعیل / ۳۱۹
ربیعی، منوچهر / ۲۴۶
رحمانیان (مأمور ساواک) / ۴۷۴
رحمانی (معاون امور پستی) / ۱۰۹
رحیمی لاریجانی (سپهبد) / ۵۶۳
رشیدی حائری، عبدالامیر / ۳۰۹
رشیدی (مأمور ساواک) / ۱۹
رضا (راننده) / ۱۶
رضایی / ۲۹۱، ۴۳۶، ۵۷۳
رضایی (خانواده) / ۴۴۶
رضوانی / ۴۳۵
رفاهی، امرالله / ۱۵۱،
رفسنجان / ۲۷۰
رفعت (دکتر) / ۳۶
رم / ۴۱۳
رمضان (راننده) / ۱۶
رنجبر (مأمور ساواک) / ۱، ۱۵، ۷۰، ۱۷۰، ۳۰۶
روحانی، دانیا / ۱۶۵
روحانی، فرهاد / ۱۶۵
روحانی (مأمور ساواک) / ۲۸۹، ۴۳۳
روحانی، منصور / ۶۳، ۱۰۷، ۱۰۸، ۳۳۳، ۴۳۵
روحی (مأمور ساواک) / ۱۷۹، ۲۰۳، ۲۸۹
روزنامه اراده آذربایجان / ۱۹، ۳۰، ۳۱
روزنامه اطلاعات / ۱۰۶، ۱۲۷، ۱۹۸، ۳۶۲، ۵۱۴

روزنامه التاحی / ۳۸۶
روزنامه بهار ایران / ۴۶۴
روزنامه پارس / ۴۶۴
روزنامه داد / ۱۲۳
روزنامه دموکراسی / ۵۴۳
روزنامه دنیای امروز / ۱۶۷
روزنامه دیپلمات / ۱۶۷،
روزنامه راه مردم / ۲۹۱
روزنامه رستاخیز / ۳۶۲، ۵۱۸
روزنامه ژورنال تهران / ۲۱۵، ۲۳۹، ۵۱۸
روزنامه فرمان / ۱۲۳، ۱۲۴
روزنامه کیهان / ۱۰۶، ۱۲۷، ۱۹۴، ۳۶۲، ۴۴۷، ۴۵۴،
۴۵۵، ۴۶۴، ۵۱۴
روزنامه لوموند / ۲۱۵، ۲۳۹
روزنامه مهر ایران / ۲۹۱
روزنامه ندای ایران‌نوین / ۲۱۴، ۲۹۸
روس / ۱۳، ۶۶، ۱۱۵، ۱۲۶
رومانی / ۱۷۶، ۱۸۴
رویا (مأمور ساواک) / ۴۷۴،
رهبر (مأمور ساواک) / ۲۴۵
رهنما / ۵۲۳
رهنما، حمید / ۲۱۷
رهنما، مجید / ۲۹۹
رهنما (وزیر علوم) / ۴
ریاحی (مأمور ساواک) / ۲۵۲
ریاض، محمود / ۳۹۰
ریاضی، عبدالله / ۴۳، ۴۵، ۶۱، ۷۲، ۷۴، ۲۲۲

ز، ژ

زارعیان، ثناءالله / ۱۶۵
زاهدان / ۱۱۰، ۲۴۴
زاهدی، اردشیر / ۷۲، ۱۱۱، ۱۶۷، ۱۷۲، ۲۰۰، ۲۰۵،
۲۰۶، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۳۲، ۲۴۰، ۴۳۳
زاهدی، حسن / ۹، ۲۶۱، ۲۸۰، ۲۹۹
زاهدی، فضل‌الله / ۲۴۰
زاهدی (معاون وزارت علوم) / ۹۶
زعفرانلو، مظفر / ۱۴۵، ۱۴۶
زنجان / ۲۳۳
زنجانی، ابراهیم / ۲۲۸، ۲۳۰
زندی‌پور (سرتیپ) / ۲۷۹
زهتاب‌فرد، رحیم / ۱۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۶
ژاپن / ۴۴۸

س

ساریخونی / ۱۴۶
سازمان آب / ۳۳۳
سازمان آب و برق آذربایجان / ۴۳۵
سازمان امور استخدامی / ۴۶۰
سازمان اوقاف / ۱۰۱، ۵۴۱
سازمان برنامه / ۱۵، ۲۸، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۴۱، ۳۲۸،
۳۳۳
سازمان بهشت زهرا / ۱۱۷

سازمان جهانی دانشجویان / ۴۰۸
سازمان سیا / ۱۵، ۲۶، ۱۱۶، ۴۴۸
سازمان عمران منطقه‌ای / ۲۱۷
سازمان کشاورزی ایران / ۴۱۵
سازمان ملل متحد / ۷۴، ۹۵، ۹۶، ۱۳۲، ۴۸۹
سالاریان (مأمور ساواک) / ۹۹، ۱۳۴
سامان گل / ۴۰۵، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۲۱
سامرا / ۳۵۹، ۳۶۷، ۳۶۹
سامعی (مأمور ساواک) / ۱، ۹۲، ۲۸۴
سام، محمد / ۲۶۱، ۲۶۷
سبلان (مأمور ساواک) / ۲۴۵
سپاهی (مأمور ساواک) / ۱۵۸
سپهر، علی / ۱۶۷
ستارخان / ۲۳۷
ستار (خواننده) / ۵۵۷
ستوده، فتح‌الله / ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۸۴، ۲۹۹
سجده‌ای، جلال / ۵۶۳
سد ارس / ۴۳۵
سد پارس / ۴۳۵
سرتیپ‌پور / ۹۵
سردار حسن خان / ۴۵۸
سردار حسین خان / ۴۵۸
سردار محمدخان / ۴۵۸
سرداری، افسرالملوک / ۳۴۴، ۳۴۶، ۳۵۶، ۳۵۹، ۳۶۱، ۳۸۲، ۵۵۱
سرداری، خدیجه / ۳۶۱
سرداری، عبدالحسین / ۴۰۱
سرداری، محمدحسن / ۴۲، ۴۹
سرفراز، حسین / ۳۶۲، ۳۷۰
سعدون حمادی / ۳۹۴، ۳۹۵
سعدی (شاعر) / ۱۹۳
سعید بن تیمور / ۴۴۹
سعید، جواد / ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶
سعیدی، عبدالله / ۳۰۹
سعیدی، کریم‌بخش / ۲۱۸
سلسبیلی، علی‌اصغر / ۳۰۹
سلطان قابوس / ۳۹۱
سلیمانی (رئیس پست و تلگراف زاهدان) / ۱۱۰
سمنان / ۲۴۶
سمیتقو، اسماعیل / ۳۸۰
سمیع / ۱۳۸
سمیعی (رئیس سازمان برنامه) / ۱۵، ۲۸
سمیعی، مهدی / ۳۴۰
سنان (مأمور ساواک) / ۳۳۶
سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات / ۴۱۴
سندیکای هنرمندان سینما و تئاتر ایران / ۴۱۴
سن موریس / ۴۳
سوئد / ۳۲۵
سوریه / ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۸۲، ۳۸۶، ۳۹۷
سوسنگرد / ۳۷۷
سومار / ۳۷۷

سیامکی / ۴۳۹
سیانف / ۴۵۸
سینما ونک / ۳۶

ش

شادمان / ۶۷
شادمان (استاندار تهران) / ۱۲۲، ۱۸۵
شادمان (دکتر) / ۵۰۵
شادمان، ضیاءالدین / ۵۰، ۵۱
شاعری، مرتضی / ۴۹۸
شاکری‌نژاد (مأمور ساواک) / ۲، ۳، ۱۷، ۱۸، ۲۱، ۴۹، ۵۸، ۶۴، ۶۷
شالچیان (وزیر راه) / ۱۱۷
شاملو، ابوالقاسم / ۹۹
شاه‌آباد / ۲۶۳
شاهرود / ۲۱۸
شاهسون شهبازی، عبدالرحمن / ۳۶۲، ۳۷۰
شاهقلی، منوچهر / ۴، ۳۶، ۸۹، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۳۴۸
شاهنده، عباس / ۱۲۳
شاهنشاه / ۳، ۱۲، ۱۵، ۱۹، ۲۳، ۲۵، ۲۶، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۴۳، ۴۷، ۵۶، ۵۸، ۶۳، ۶۶، ۶۷، ۶۹، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۶، ۹۱، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۸، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۵۵، ۱۶۳، ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۷۷، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۴، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۵، ۲۲۹، ۲۳۳، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۵۷، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۷۰، ۲۸۴، ۲۹۲، ۳۰۳، ۳۰۶، ۳۰۸، ۳۱۶، ۳۱۸، ۳۲۶، ۳۳۲، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۵۰، ۳۷۲، ۳۷۶، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۹۰، ۳۹۲، ۳۹۵، ۴۰۶، ۴۱۲، ۴۱۵، ۴۲۹، ۴۳۲، ۴۳۸، ۴۴۲، ۴۶۰، ۴۶۶، ۴۷۰، ۴۸۶، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۸، ۵۴۱، ۵۴۴، ۵۵۲، ۵۶۵
شاهنگ (مأمور ساواک) / ۴۳۳
شربیانی / ۳۶
شرفی (مأمور ساواک) / ۲۰۵
شرفی، نصران / ۲۴۰
شرقی، فضل‌الله / ۴۶۴
شرکت المپیکو / ۵۲۸، ۵۲۹
شرکت ایران ساتر / ۵۲۱
شرکت ایران ناسیونال / ۱۸۵
شرکت برق آلستوم / ۴۶۹
شرکت پان آمریکن / ۱۷۶
شرکت تلفن / ۱۵۸، ۱۸۵
شرکت جنرال موتورز ایران / ۴۷۸، ۴۹۷
شرکت دولتی الکتروتر / ۵۱۱
شرکت ساختمانی سامان / ۱۸۵، ۱۹۴
شرکت سهامی جیپ ایران / ۴۷۹
شرکت کشتیرانی آریا / ۳۷۹
شرکت میلکوم / ۴۹۸
شرکت نفت / ۲۶، ۱۲۳، ۱۹۹، ۲۰۶، ۲۰۸، ۲۸۰، ۲۹۴، ۲۹۵، ۴۷۴
شرکت واحد / ۱۸۶، ۲۳۲
شرکت هواپیمایی ملی ایران / ۴۸۹

شریعت‌زاده، باقر / ۳۶
شریعتمداری (آیت‌الله) / ۵۵۱، ۵۵۲
شریعتی، علی / ۴۴۷
شریف‌آباد / ۶۹
شریف‌امامی، جعفر / ۳۳، ۸۹، ۱۰۱، ۱۰۹، ۱۶۰، ۲۸۴، ۳۱۶، ۳۱۹، ۳۳۵، ۴۲۳
شریفی / ۳۳۶
شریفیان (مدیرکل دفتر آر سی دی) / ۲۱۷
شفیع (مأمور ساواک) / ۳۳۶
شکوری، بهمن / ۱۳۷
شکیب‌نیا، قاسم / ۱۰۹
شمیران / ۳۲۷، ۳۳۰
شوروی / ۶۹، ۹۵، ۳۹۱، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۳۲، ۴۳۵، ۴۳۶
شهاب (مأمور ساواک) / ۱، ۵۹، ۱۳۴، ۱۷۰
شهبازی، یدالله / ۲۱، ۲۲، ۱۸۵، ۳۰۲، ۳۵۳
شهبانو / ۳۱، ۸۴، ۸۶، ۱۱۷، ۱۲۷، ۱۸۷، ۲۱۴، ۲۵۷، ۲۷۰، ۲۸۸، ۳۰۷، ۳۳۹، ۳۴۹، ۴۱۹، ۴۲۵، ۴۳۸، ۴۸۲، ۵۲۴، ۵۴۹، ۵۵۹
شهرداری تهران / ۳۴
شهرری / ۲۲۰
شهرستانی (شهردار) / ۱۲، ۱۸
شهسوار / ۳۳۵
شهسواری (مأمور ساواک) / ۸۵
شهشهانی (خانم ـ آموزش و پرورش) / ۸۴
شهنامه (مأمور ساواک) / ۵۹، ۱۳۴، ۲۲۸
شهیدزاده، حسین / ۳۴۴، ۳۴۶، ۳۵۹، ۳۶۱، ۳۶۶، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۱، ۳۹۶
شیبانی، مهدی / ۲۳۱
شیخ بهایی، امیرحسین / ۲۸، ۱۴۵، ۱۸۶
شیخ‌رضایی، علی‌اصغر / ۳۶
شیراز / ۱۵۱، ۱۶۳، ۱۹۳، ۱۹۵، ۲۰۱، ۲۱۴، ۲۳۹، ۴۳۲، ۵۶۷
شیرازی / ۴۶۱
شیلی / ۴۰۷

ص

صائب (مأمور ساواک) / ۱۵
صاحب جمع (پزشک) / ۱۰۵
صادق، علی‌اکبر / ۳۰۹
صادقی / ۱۳۸
صادقی، محمد / ۱۸۸
صالح (پزشک ـ سناتور) / ۱۰۴
صالح، جهانشاه / ۸۹
صالح (دکتر) / ۱۲۷
صالحی، محمد / ۵۲۳
صانعی، منوچهر / ۳۰۹
صحاف‌زاده، محمدحسین / ۳۷۰
صحت (دکتر) / ۴۶۱
صحت، رضا / ۱۲
صدام حسین / ۳۴۴، ۳۴۶، ۳۵۶، ۳۵۹، ۳۶۷، ۳۶۹، ۳۷۲، ۳۸۲، ۳۸۴، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶

صدر، جواد / ۲۶۱، ۳۰۹
صدر (دکتر ـ عضو حزب پان ایرانیست) / ۷۲، ۷۳، ۷۵
صدر، رضا / ۲۵۴
صدر، موسی / ۲۵۴
صدری / ۵۴۹، ۵۳۶
صدری، جعفر / ۲۸۰
صدریه / ۳۵۹، ۳۶۱
صدقیانی، رضا / ۵۶۸
صدقی (مأمور ساواک) / ۲۱۲
صدیق اعلم، عیسی / ۱۶، ۱۷
صفاری (مأمور ساواک) / ۵۶۲
صفاری، محمدعلی / ۲۴۹
صلیب سرخ جهانی / ۴۴۷
صمدیان‌پور (تیمسار) / ۳۱۸
صمصامی / ۳۶
صندوق توسعه کشاورزی / ۳۰۶
صنیعی، اسدالله / ۶۳
صوفیا / ۵۲۴
صوفی، اسدالله / ۳۰۹
صوفی، پروین / ۲۲
صوفی (مهندس) / ۴۳۵، ۴۳۶
صیادزاده، نجات / ۳۶۲
صیادیان (مأمور ساواک) / ۴۳۶

ض

ضرابخانه (مأمور ساواک) / ۲
ضرابی (کارمند فرهنگ) / ۱۲
ضرابی (مأمور ساواک) / ۲۳۹، ۴۱۸

ط

طالبیان نیک صفت، محمدعلی / ۳۸۱
طالقان / ۲۶۳
طال، محمد / ۳۸۰، ۳۸۱
طاهری، امیر / ۳۶۲
طاهریان، علی / ۳۶۲
طاهری، سیف‌اله / ۳۶۲
طباطبائی، سیدضیاءالدین / ۲۲
طباطبائی، عبدالحسین / ۳۶
طباطبائی، فخری / ۳۶
طلاسازان، یوسف / ۵۱۳
طلوعی، محمود / ۱۲۵
طیوری / ۳۴۹

ظ

ظفار / ۳۹۱
ظلی، عبدالله / ۳۰۹
ظلی، منوچهر / ۵۴۲
ظهیری / ۱۰۷، ۱۰۸

ع

عارف / ۱۲۶
عارف (مأمور ساواک) / ۴۶۳، ۵۶۸

عالمی‌مرد / ۳۳۵
عالیخانی، علینقی / ۲۵، ۱۲۰، ۱۲۱
عامری، ناصر / ۳۰۶
عاملی (دکتر ـ عضو حزب پان ایرانیست) / ۷۲، ۷۳
عباسی (داماد شریعتمداری) / ۵۵۱
عبداللهی، مرتضی / ۱۳۸
عبدالواسع، عبدالوهاب / ۵۴۱
عبید زاکانی / ۳۶۹
عجام (وزیر مختار سفارت عراق) / ۳۵۶
عدل، یحیی / ۲۴۰، ۲۷۴، ۳۰۶
عدن / ۳۹۱
عراق / ۱۳، ۲۵، ۷۹، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۹۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۴۴، ۳۴۴، ۳۴۶، ۳۵۶، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۶، ۳۸۸، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۷
عربستان سعودی / ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۹۰، ۳۹۲، ۴۴۸، ۴۴۹، ۵۴۱، ۵۴۲
عصار، محمودکاظم / ۳۴۹
عصار، نصیر / ۱۰۱، ۱۱۱، ۱۴۵، ۲۵۱، ۲۹۹، ۳۴۹، ۳۵۰
عطائیان / ۱۷۶
علم، اسدالله / ۲۵، ۱۷۰، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۱۰، ۲۱۵، ۲۱۷، ۲۵۴، ۲۸۰، ۲۹۷، ۳۳۵، ۴۳۱، ۵۰۵
علم، سیروس / ۵۵۱، ۵۶۱
علی‌آبادی، احمد / ۱۷۰، ۲۸۰
علی‌آبادی، پاشا / ۱۵۸، ۱۵۹
عمان / ۳۵۶، ۳۹۱، ۴۴۹
عموئی، عبدالکریم / ۳۶
عمید (مأمور ساواک) / ۱۱
عید رضوان / ۱۵۱
عید فطر / ۵۵۴
عید قربان / ۴۶، ۷۷
عید نوروز / ۴۰۵، ۴۲۶، ۴۲۷
عین‌الملک، حبیب‌الله / ۱۷۹، ۳۵۰، ۴۵۸، ۵۵۱

غ

غفاری / ۳۴۰، ۵۱۲
غفاری، آذرنوش / ۳۶۷
غفاری، عبدالعلی / ۴۸۹، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۵۸، ۵۶۱

ف

فارس / ۲۰۸
فاطمی، سعید / ۵۵۶
فاطمی (معاون وزیر کشور) / ۹
فامیلی (مأمور ساواک) / ۱۷۰
فرامرزیان (مأمور ساواک) / ۱۷۰
فراموشخانه و فراماسونری در ایران (کتاب) / ۳۱۹
فرانسه / ۹۶، ۱۳۵، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۸۴، ۳۲۵، ۴۲۴، ۵۴۳، ۵۶۰، ۵۶۲
فراهانی، قائم‌مقام / ۴۵۷
فرجام / ۱۶۴
فرحزاد / ۱۹۳

فردوست، حسین / ۱۹۱، ۱۹۲
فرزانگان، امیرحسین / ۴۸۳
فرسیو، ضیاء / ۱۵۱، ۲۱۳
فرشچی، علی / ۵۴۱
فرمانفرماییان، تانیا / ۱۴۱
فرمانفرماییان (خانم) / ۵۱۳
فرمانفرماییان، خداداد / ۱۴۱
فرمند (مأمور ساواک) / ۴، ۷، ۴۴، ۴۷
فرنجیه، سلیمان / ۳۹۰
فروتن / ۲۹۸
فرودگاه آریاشهر / ۴۳۵
فروزانفر، بدیع‌الزمان / ۳۴۹
فروغی، محسن / ۱۴۱
فروغی، محمدعلی / ۲۲، ۴۵۷
فروهر، داریوش / ۱۵۸
فرهادپور، خسرو / ۳۶
فرهادپور، ناصر / ۳۶، ۲۵۸
فرهمند / ۵۶۶
فرهنگ / ۴۶۱
فرهنگ نیا (مأمور ساواک) / ۵۵۶
فرهنگی / ۱۶۵
فرهنگی، فرحناز / ۳۷۰
فرهی / ۱۲۳، ۱۲۴
فضائلی، محمد / ۲۵۸
فقیهی اصفهانی، محمد / ۱۲
فلاح، رضا / ۳۰۹
فلسطین / ۱۲
فلسفی (استاد دانشگاه ـ دکتر) / ۵۱، ۵۲، ۵۶
فورد / ۴۳۸، ۴۴۸، ۴۴۹
فیروزآبادی / ۱۱۱
فیروز، نصرت‌الله / ۲۴۶
فیلیپین / ۹۶

ق

قائمی، ابوالقاسم / ۳۶۱
قاسم، عبدالکریم / ۱۲۶
قاسمی، ابوالفضل / ۴۵۹
قاسمی، رضا / ۳۵۶، ۳۵۹، ۳۶۱، ۳۹۷
قاسمی، صمد / ۲۳۱
قاضی محمد / ۳۸۰
قبرس / ۴۰۷، ۴۴۸
قدرت (راننده) / ۶۳
قذافی، معمر / ۴۱۱
قرآن مجید / ۴۶
قرارداد ترکمانچای / ۴۵۸
قربانی، هوشنگ / ۳۰۹
قریب (تیمسار) / ۱۰۹
قصر شیرین / ۳۷۷
قمرخان، سعید / ۲۱۷
قناد شیرازی، میرزارضا / ۱۷۹
قندی‌نژاد، جواد / ۳۶۲، ۳۷۰
قنواتی، عبدالمجید / ۴۷۵

قوام‌السلطنه / ۲۲، ۱۱۷، ۴۵۷
قوام صدری، محمود / ۲۹۹، ۳۰۹
قوم مغول / ۵۷
قیطریه (مأمور ساواک) / ۱۳

ک

کاباره شکوفه / ۳۷
کاخ نخست‌وزیری / ۲۲
کارخانجات ایران ناسیونال / ۴۸۱
کارخانجات جوراب‌بافی استار / ۱۲۱
کارخانه بابکوب / ۳۴۲
کارخانه ب.ام.و / ۳۱۴
کارخانه برق آلستوم / ۱۲۷
کارخانه دخانیات اصفهان / ۲۵۸
کارخانه سیمان / ۲۲۰
کارخانه کروپ / ۳۴۲
کارخانه ونک / ۱۱۰
کارخانه ویلکوکس / ۳۴۲
کارون (مأمور ساواک) / ۵۷۲
کاشفی، احمد / ۴۳۴، ۴۷۴، ۴۸۲، ۵۴۹، ۵۵۹
کاشی (مأمور ساواک) / ۵۶۲
کاظم‌زاده، حسین / ۹۳
کاظم، محمد / ۳۷۰
کاظمی (راننده دربار) / ۵۰۷
کاظمین / ۳۵۹، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۹۴
کافکا، رودلف / ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۴۰
کامیاب، اشرف / ۹۹
کانون بانک‌ها / ۴۱۴
کانون مهندسین ایران / ۴۱۴
کانون ناسیونالیست ایران / ۴۱۵
کانون وکلای دادگستری / ۴۱۴
کاوه آهنگر / ۳۸۰
کرباسی (دکتر) / ۴۶۱
کربلا / ۳۵۹، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۹۴
کرج / ۶۱، ۱۹۳، ۴۰۵، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۲۱، ۵۶۵
کردستان / ۸۹، ۳۸۰
کردکوی / ۲۶۳
کرمان / ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۷۰، ۳۵۰
کرمانشاهان / ۴۶۵
کریسمس / ۴۰۳، ۴۰۵
کریمخان زند / ۳۸۰
کریمیان، قاسم / ۱۶۵
کریمی، قباد / ۱۶۰، ۵۶۶، ۵۷۰
کریمی (معمم) / ۶۶
کسری (پادشاه) / ۲۶۷
کفایی، چنگیز / ۳۰۹
کلالی، منوچهر / ۶، ۱۹، ۲۸، ۳۰، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۸۶، ۲۹۸
کلانتری (رئیس شیروخورشید تبریز) / ۳۱
کلیمی بغدادی، میرزایعقوب / ۳۵۰
کمالی، قدرت‌الله / ۱۶۵
کمپانی اسو / ۲۹۵

کمپانی شل / ۲۹۵
کمیته ایرانی حقوق بشر / ۴۱۴
کنسرسیوم / ۸۲، ۸۳
کنفدراسیون / ۱۲۵
کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری آزاد / ۴۰۸
کنگره امریکا / ۲۹۳
کنوانسیون ژنو / ۲۹۳
کنی، علینقی / ۱۸۴، ۲۴۰، ۲۷۴
کودتای ۲۸ مرداد / ۲۷۰، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹
کوراوغلی / ۲۳۷
کورس، کاظم / ۲۸۴
کوروالان، لوئیس / ۴۰۷
کوفه / ۳۹۴
کولی ـ هیزل اگنس ام / ۴۹۵، ۴۹۹
کویت / ۶، ۱۲۶، ۳۹۰
کهکشان (مهندس) / ۳۳۳
کهگیلویه و بویراحمد / ۱۴۶
کیا، فریدون / ۳
کیانپور، غلامرضا / ۲۲
کیسینجر / ۳۸۷

گ

گرگان / ۱۰۹
گلسرخی، ناصر / ۲۲۵، ۲۲۴
گلشائیان، عباسقلی / ۲۸۴، ۳۰۹، ۳۱۶
گلفروش رزنوار / ۵۴۶، ۵۴۷
گلفروشی کریستال / ۵۱۹
گمیشان / ۲۶۳
گنجی، پرویز / ۳۶۲، ۳۷۰
گودرزی (وزیر تولیدات کشاورزی) / ۳۶، ۱۰۲
گیلان / ۲۷۸،
گیل دشتی / ۲۴۳

ل

لاهه / ۴۱۳
لبنان / ۲۳۲، ۳۵۸، ۳۸۴، ۳۸۹، ۳۹۰
لژ اهواز / ۲۹۹
لژ بریتانیا / ۲۱۳
لژ بزرگ اتریش / ۱۷۰، ۲۸۰
لژ بزرگ ایران / ۱۷۰، ۲۸۰، ۴۹۴، ۵۰۰
لژ بزرگ متحد آلمان / ۱۷۰، ۲۸۰
لژ تهران / ۱، ۲۹۹
لژ خیام / ۲۹۹
لژ ژاندارک / ۲۹۹
لژ فروغی / ۳۰۹
لژ کوروش / ۱۱، ۲۹۹
لقاءالدوله / ۲۱۸
لندن / ۱۹۱، ۴۰۱، ۴۱۱، ۴۱۳، ۵۱۸
لنین / ۱۲۶
لواسانات / ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۷، ۳۲۹
لواسانی، علی‌اکبر / ۳۲۷، ۳۲۹، ۳۳۰
لوح احمد (کتاب) / ۱۹۵

لهستان / ۱۲۵
لیبی / ۴۰۸

م
ماجد (مأمور ساواک) / ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۲۷، ۴۳۰، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۷۵، ۴۷۷، ۴۸۲، ۴۸۵، ۵۰۵، ۵۵۹، ۵۶۰
مادرید / ۴۳۰
مازندران / ۲۳۱، ۲۶۳، ۴۶۵
ماس، فرانک / ۲۳۹
ماکو / ۲۶۳
مالک، سعید / ۳۰۹
ماهنامه لوموند دیپلماتیک / ۴۴۸
مبادی، حسن / ۱۳۸
مبصر، محسن / ۵۹
متین، حسن / ۱۴۵، ۱۴۶
متین (دکتر) / ۶۹
مجاهد، محمدحسین / ۴۶۴
مجلس بوندس تاک آلمان / ۳۱۴
مجلس سنا / ۱۶، ۱۷، ۳۳، ۸۹، ۱۷۴، ۳۱۹، ۴۶۰
مجلس شورای ملی / ۳، ۱۹، ۲۵، ۳۰، ۳۵، ۴۳، ۴۵، ۶۱، ۷۲، ۷۴، ۷۵، ۸۸، ۹۱، ۱۳۶، ۱۴۶، ۱۷۴، ۲۱۳، ۲۱۸، ۲۲۲، ۲۵۸، ۲۹۱، ۲۹۸، ۳۰۲، ۴۱۵، ۴۶۲
مجله آلمان هوبی / ۳۴۱
مجله الدستور / ۳۸۷
مجله خواندنیها / ۴۵۸
مجله روشنفکر / ۲۰۳
مجله Event / ۴۱۱
مجید، غلامرضا / ۳۶
مجیدی، عبدالمجید (وزیر کار) / ۳۶، ۳۳۳، ۳۵۹، ۳۶۱، ۵۰۵
مجیدیه (مأمور ساواک) / ۳، ۱۸
محتشم (مأمور ساواک) / ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۵۴
محسنین (مشاور مطبوعاتی نخست‌وزیر) / ۲۸۸
محمد (راننده) / ۱۶
محمدیان (تاجر بازار) / ۲۲۰
مدرسی (دکتر) / ۳۶
مرتاضی (مأمور ساواک) / ۳۱۸، ۴۸۲
مرتضی‌پور، علی / ۱۴۶
مرشد (دکتر) / ۱۲، ۸۹
مرکز آموزش مدیریت / ۴۶۰
مرندی، علی / ۲۸۰، ۳۰۹
مروتی (مأمور ساواک) / ۳۰۵
مریوان / ۳۸۰
مست‌علی (کارگر شرکت واحد) / ۵۶
مستوفی‌الممالک / ۴۵۷
مسجد کوفه / ۳۶۷
مسعودی، مژگان / ۵۱۳، ۵۲۷، ۵۳۷، ۵۵۷
مشاهیر (مأمور ساواک) / ۴۶۳
مشایخ (وکیل دادگستری) / ۲۴۳
مشحون، محمدرضا / ۳۶۲
مشهد / ۱۲
مشیرالدوله / ۴۵۷

مصباح‌زاده، مصطفی / ۱۲۷
مصدق، محمد / ۱۶۷، ۱۸۶، ۲۴۰، ۳۴۹، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۷
مصر / ۱۲۵، ۳۵۶
مصطفی، عزت / ۳۹۵
معتدل (استاندار) / ۳۴۷
معتضد / ۵۴۸
معدن پاپدانا / ۸۶
معرفت، وجیهه / ۳۵۷
معروف، طه محی‌الدین / ۳۹۴، ۳۹۶
معصومی، علی / ۲۳۳
معینیان، نصرت‌الله / ۱۲۲، ۵۰۳
معینی (مهندس) / ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶
مقدم مراغه‌ای، رحمت‌اله / ۲۵، ۲۶
مقدم، ناصر / ۱، ۸۱، ۲۲۸، ۵۵۲
مقصودی، فاطمه / ۳۶۱
مکه / ۵۵۱
ملایر / ۹۹
ملک‌افضلی، ایرج / ۱۴۵، ۱۴۶
ملک‌پور، ذبیح‌الله / ۳۱۶
ملکه توران / ۳۱۶
منصور، جواد / ۱، ۱۱، ۱۶، ۱۷، ۱۲۲، ۲۹۹، ۳۰۹
منصور، حسنعلی / ۱۶، ۴۶، ۷۹، ۱۹۹، ۲۱۳، ۳۱۶، ۴۳۲
منصوریان / ۵۷۰
منصوری، روح‌الله / ۳۶۱
منصوری، قدرت‌الله / ۳۶۲، ۴۳۹
منصوری (مأمور ساواک) / ۷۷، ۳۲۲، ۳۲۷
موزه پست / ۱۸۴
موسایی / ۳۷۰
مؤسسه فرانکلین / ۱۲۷
موفقیان، ناصر / ۸۴
موفقی (مأمور ساواک) / ۲۷۱، ۳۰۶
مولر، کارل / ۳۱۵
مونیخ / ۳۱۴
موید امینی، داود / ۲۹۱، ۲۹۲
مهتدی / ۳۴۸
مهدویان / ۵۵۷، ۵۵۸
مهدوی، بهاءالدین / ۱۶۲
مهدوی، وحید / ۹۵
مهذب / ۳۳۶
مهران / ۳۷۷
مهرزاد (نماینده شیراز) / ۴۴
مهر، فرهنگ / ۳۰۹
میدان امین‌السلطان / ۲۵۸
میدان شهیاد / ۴۹۴
میرزایی، عباس / ۷۳، ۷۵
میرفخرایی، امیرمسعود / ۳۶۱، ۳۷۱، ۵۴۲
میری، کمال / ۳۲۹، ۳۳۰
میلیتاریسم / ۲۳۳
مینویی / ۴۹۷

ن

ناصرزاده، صادق / ۱۴۵، ۱۴۶، ۲۹۸

نامه‌ای به همشهری (کتاب) / ۱۱۷

نبی‌زاده نبوی نوری / ۳۴۹

نجف / ۳۵۹، ۳۶۷، ۳۹۴

نراقی، احسان / ۵۴۳

نظام پزشکی ایران / ۴۱۴

نظری، ناصر / ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۹۷، ۵۱۰، ۵۳۳

نمازی، مهدی / ۳۳، ۳۵

نواب (مأمور ساواک) / ۱۱، ۷۷، ۱۴۰، ۲۸۷

نوایی (مأمور ساواک) / ۱۷۵

نویدی / ۴۷۴

نویرا (نخست‌وزیر یونان) / ۵۴۳

نویم، احمد / ۳۴۹

نهاوندی، هوشنگ / ۴۱۹

نهضت سوسیال دمکرات فرانسه / ۵۴۳

نیس / ۴۵۱

نیک‌پی، غلامرضا / ۷، ۲۹، ۳۴، ۳۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۴۷۶

نصیری، نعمت‌الله / ۹، ۱۹، ۴۲، ۴۹، ۹۲، ۱۷۷، ۱۹۰، ۲۱۶، ۲۹۲، ۳۰۲، ۳۱۷، ۳۱۹، ۳۳۱، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۲۲، ۴۲۹، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۸۵، ۴۹۳، ۵۰۶

نیکسون، ریچارد / ۱۲۵، ۴۴۸، ۴۴۹

نیکفرجام (دکتر) / ۱۲

نیکوزیا / ۴۴۸

نیکوفر، بیل / ۲۹۳

نیلی، قاسم / ۳۵۷، ۳۹۲، ۴۷۷

نیویورک / ۹۶، ۴۸۹

و

واشنگتن / ۲۹۳، ۴۱۳

والا، عبدالله / ۳۶

وحیدنیا، منوچهر / ۲۷۲

وحیدی، ایرج / ۲۹۹، ۳۰۹

وحیدی، محمدعلی / ۲۷۴

ورهرام (سپهبد) / ۳۶

وزارت آبادانی و مسکن / ۹، ۱۱۹

وزارت آب و برق / ۶۳، ۱۰۶، ۱۰۷

وزارت آموزش و پرورش / ۸۴، ۱۱۲، ۳۳۵، ۳۸۰

وزارت اصلاحات ارضی / ۱۱۲

وزارت اطلاعات و جهانگردی / ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۲۷، ۲۱۷، ۳۷۰، ۳۸۷

وزارت اقتصاد / ۱۲۰، ۲۷۲

وزارت امور خارجه / ۸۲، ۱۱۱، ۱۷۲، ۳۰۴، ۳۴۱، ۳۵۹، ۳۷۵، ۳۸۰، ۳۹۴، ۳۹۷، ۴۰۴، ۴۸۳، ۵۴۱، ۵۴۲

وزارت بهداری / ۸۹، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۶۴

وزارت پست و تلگراف و تلفن / ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۸۸

وزارت دادگستری / ۱۱۷، ۲۲۹

وزارت دارائی / ۲۱، ۱۱۹، ۱۳۸، ۱۶۰، ۲۷۲

وزارت دربار / ۲۷۴، ۴۷۶، ۴۸۷، ۵۰۵، ۵۱۹، ۵۲۲، ۵۲۶، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۷۰

وزارت راه / ۱۱۷، ۳۷۳

وزارت علوم / ۹۶

وزارت کار / ۲۹، ۲۵۸
وزارت کشاورزی / ۹، ۱۱۶
وزارت کشور / ۹، ۲۶۳، ۲۶۵، ۲۷۷، ۲۷۸
وزارت منابع طبیعی / ۲۲۴
وزارت فرهنگ و هنر / ۳۱۹
ولیان، عبدالعظیم / ۳۴، ۳۵، ۱۱۲، ۵۶۸
وهاب‌زاده / ۵۷۰
ویتنام / ۷۹، ۲۹۳
ویتنام شمالی / ۲۹۳
ویلسون (نخست‌وزیر انگلیس) / ۳۰۴

ه

هارون مهدوی، مسعود / ۲۴۴، ۲۴۵
هاشمی (آموزش و پرورش ورامین) / ۲۳۲
هاشمیان (مأمور ساواک) / ۴۱۸
هاشمی، منوچهر / ۴۹۲، ۴۹۵
هتل ونک / ۶، ۳۱۶
هتل هیلتون / ۴۳۰
هدایتی، هادی / ۱۸۶
هفته‌نامه الرأی / ۵۴۳
هفته همبستگی با زندانیان / ۴۰۹
هلمز، ریچارد / ۴۴۸
همایون تاج سرداری، خدیجه / ۳۶۱
همایون‌فر / ۲۲
همدان / ۱۰۹، ۲۴۶
همراز (مأمور ساواک) / ۸۶، ۱۷۹، ۱۹۳، ۴۳۶، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۷۶، ۴۸۵، ۵۰۶
هندوستان / ۱۰۷، ۲۴۹، ۴۰۷
هنربخش (مهندس) / ۱۸
هنگ ماکو / ۴۳۵
هوشمند / ۱۶۵
هوشمند، ضیاءالله / ۱۶۵
هوشمند، محمدعلی / ۱۶۵
هوشمند، مسیح‌الله / ۱۶۵
هوشمند، ناصر / ۱۶۵
هوشمند، هدایت / ۱۶۵
هویزه / ۲۶۳
هیزی، ماکلی / ۴۸۵، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۵
هیم / ۳۱۴

ی

یارافشار، پرویز / ۸۸
یاسینی / ۵۷۳
یزد / ۱۴۶
یزدان‌پناه، مرتضی / ۲۸۰
یکانی، محمد / ۱۳۷
یگانگی، جمشید / ۲۸۴
یگانه، محمد / ۹
یگانه، ناصر / ۱۹، ۳۰، ۴۵، ۳۰۹
یمینی، ایرج / ۱۹۹، ۲۰۸
یونان / ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۵۱، ۵۴۳
یونسکو / ۹۵، ۹۶، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴

ضمائم

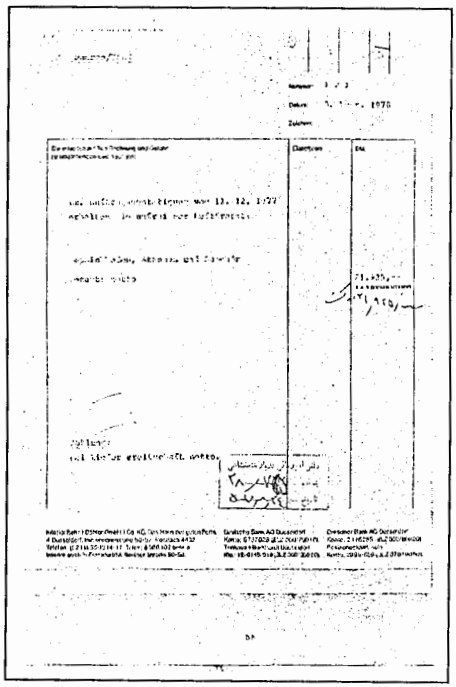

متن استعفای هویدا

صبح دیروز آقای امیرعباس هویدا نخست وزیر پس از ۱۳ سال که تمام امور دولت ایران را در دست داشت استعفا کرد و استعفای خود را باین شرح بپیشگاه شاهنشاه آریامهر تقدیم داشت:

پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر چون اراده مبارک ملوکانه باین قرار گرفته است که چاکر در سمت دیگری بانجام وظیفه نمایم، باکسب اجازه از پیشگاه مبارک استعفای دولت را به پیشگاه شاهنشاه آریامهر تقدیم میدارد.

برای چاکر و همکاران افتخار بزرگی است که دردورانی بخدمتگذاری مشغول بوده‌ایم که ایران عزیز به فرماندهی شاهنشاه و در سایه رستاخیز ملی ایران به پیشرفت های همه جانبه در تمام شئون نائل گردیده و هر روز گام تازه‌ای در راه تعالی ملت ایران برداشته میشود.

باعرض سپاس از مراحم ملوکانه که همیشه مشمول چاکر و اعضای دولت بوده‌است سلامتی وجود مبارک شاهنشاه آریامهر را از درگاه خداوند متعال مسئلت دارد.

خیلی محرمانه

از

امیرعباس هویدا وزیردربارشاهنشاهی

به جناب:

نام: امیرعباس - شهرت: هویدا - فرزند حبیب‌الله - متولد ۱۲۹۸ - دارنده شناسنامه ۲۵ تهران - تحصیلات: دکترای ادبیات - شاغل فعلی: کارمند وزارت امور خارجه - عضویت مدیره سابق شرکت ملی نفت ایران - وزیردارائی در کابینه مرحوم منصور

سوابق سیاسی:

فاقد سابقه ضد امنیتی میباشد.

سوابق غیرسیاسی:

تاجره عضویت فراماسونری بوده و طبق شایعات به رابیهای بهائی وبالاخره اسلحه‌فروشی وظاهرا از ابعاد استفاده بوده. چی بدر آورده گی ثروت نموده است.

اطلاعات متفرقه:

صحت عمل و رعنی خلی خوب، حد بینه و شایستگی خوب، حسن شهرت خوب، فردی باهوش و براه بزرگ و همیشه و شرح طبع و نکته سنج و صریح اللهجه بوده به امریکا میباشد. اطلاعات مهمه ندارد و لی بیشتر از حد رضایت است. (محسن رئیس)

خیلی محرمانه

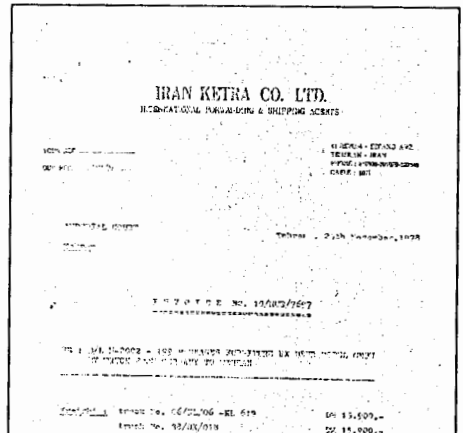

IRAN KETRA CO. LTD.

INTERNATIONAL FORWARDING & SHIPPING AGENTS

Tehran, 24th September, 1978

INVOICE No. 10/KD/1967

Invoice No. CC/DL/106 -EL 619 DM 15.509,-

Invoice No. 10/KD/1918 DM 15.900,-

D/L DM 40,-

DM 31.849,-

IRAN KETRA Co. Ltd.

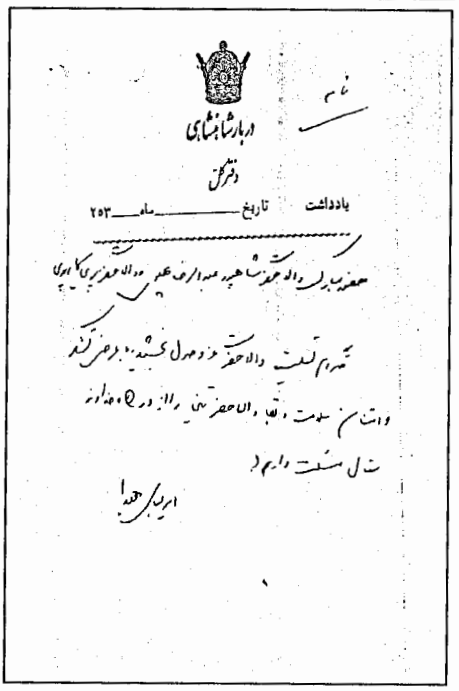

ریاست دربار شاهنشاهی
دفتر مخصوص

یادداشت تاریخ ماه ۲۵۳

حضرت والا حضرت شاهپور عبدالرضا علیه السلام والاحضرتی کاپوری

تقدیم تسلیت والاحضرت ولیعهد شیخ را عرض کند

وانتظار سلامت والاحضرتین را از درگاه ایزد متعال مسئلت دارم

ارادتمند

C.P. 657
1211 Genève 1

le 23 septembre 1977

Votre Excellence,

J'ai l'honneur d'accuser bonne réception de la gracieuse lettre que Votre Excellence a bien voulu m'adresser le 22 courant.

Je m'empresse d'ajouter que pour le moment aucun des officiers susnommés ne saurait être affecté auprès de S.M.I. Le Shah pourra toutefois compter sur mes services en cette qualité à partir du 5 ou 10 octobre 1977, et je serai alors heureux de pouvoir me mettre en route pour S.M.I.

Je vous prie d'agréer, Excellence, l'assurance de ma haute considération.

Victor Emanuel de Savoie

S.E. Amir Abbas Hoveyda
Chef Impériale
Téhéran, Iran

[illegible]

Aghaye Amoor shaee Hoveyda,

Chardah asl be in movlahat khoeyamt kardeo.

Motaasefaneen alakhoo darHaster/Hereymshaatoo.

Daadtarreen moraferatreekhe Iran merbooshee.

Ravab Hala Taghreb Beghaidechaatoo.

Pesara Prve Rahaechaatoo.

Ouvé Feranaseon merbooshee.

Teyeertaan/doone Iran haatee.

Kehejalat bekesh Amoor Shaeee Hoveyda,

tee der in roozgar keh 55 milleyon Melat Iran

dar asaré be kerghee ve dardeshaya tee , kheerandhaye tee

zendeganee enha behookhsordah

mahat kamen Melat Iran areesh medarad,

Yaneer dané , grve Frasenseon ra be eemat mofeer enaé

bonyadé Asharaf Pahlavee entekhab kardee keh

mehem brahee Bezergtareen Markaz ghodrat Iran

khwtee.

Melate Iran ez enin shoeee bahaee yabooden -ooi mutamfer ast.

MINISTER OF THE IMPERIAL COURT

4th October, 1977.

Your Excellency,

I thank you so much for your kind letter of September 23rd, 1977.

Regarding the matter you raised, I shall be always delighted to receive Your Highness and Comte Agnelli, and convey to His Imperial Majesty the Shahanshah Aryamehr your very kind offer to be subordinated to him; whenever, should you opt to visit Tehran the matter in question, I shall, evidently, be only pleased to convey it to His Imperial Majesty.

I take the opportunity of extending my personal best wishes for your health and prosperity.

Yours sincerely,

[illegible]

His Highness
Prince Emanuel de Savoie,
C.P. 263,
1211 Geneva,
SWITZERLAND.

[illegible]

سفارت شاهنشاهی ایران
بغداد

شماره
تاریخ
پیوست

-۱۱-

آقای نخست وزیر

آقای نخست وزیر

آقای نخست وزیر

آقای نخست وزیر

سفارت شاهنشاهی ایران
بغداد

شماره
تاریخ
پیوست

-۱۰-

سفارت شاهنشاهی ایران
بغداد

شماره
تاریخ
پیوست

-۹-

سفارت شاهنشاهی ایران
بغداد

شماره
تاریخ
پیوست

-۸-

سفارت شاهنشاهی ایران
بغداد

شماره
تاریخ
پیوست

-۷-

[illegible] اکراد دارویا . آقای صدام حسین توجه داد
که از فعالیت کمونیستها در منطقه دخالت دارند و اطلاعاتی در این باره دارد . ما اطلاع
داریم . محفلین مزبور سازمانی تحت نام محفلین اکراد در اروپا تشکیل داده اند
قبل از تواقق الجزایره ما با این سازمان رابطه داشتیم ولی آنان ما را مخالف نمودیم و پس
بعد از تواقق الجزایره آنرا تحریم نمودیم و در این راه گام اول را برداشتیم . اکنون این
سازمان که خود را نماینده تمام اکراد معرفی مینماید زیاد است . ما تجدید عهد داریم
که باید در این زمینه اطلاعات خود را ما داده تمامیم و در ما به این سازمان همکاری
خود را ادامه میدهیم زیرا فعالیت آن سازمان طبعاً خاتمت ما و ما نیز درهم آهنگی
وهمکاری با شما در این زمینه مرد دنیستیم .

۸- لبنان . درباره بحران لبنان آقای صدام حسین اظهار داشت که
لبنان یکی از کشورها است که مورد توجه آن میباشد . توجه و اهتمام را
که بران لبنان و ضعیت آن ابراز میدارید همان توجه و احساسی است که ما نسبت بدان
کشور عزیز داریم .

ما از بدو استقلال لبنان با وضع کنونی مخالف بوده و از حاکمیت ناعادلانه طوائف
زحمتکش بر خود همیشه با برادر کشی و خونین روبرو بوده و آن مخالفتیم . ادامه این روش
را دلگرمی بازدست های بیگانه می انگارد که با ارتباط دست . بنابراین مسئله لبنان باید از راه
قانون دنبال گردد . باید از تعصب و افراط دوری کرد . ما همان لبنان معتقدیم که
نجات و رستگاری آنان در رفع تعصبات اساسی کشور مین میباشد و لذا مسلمانان
باید بخاطر ایمان خود تعصب و افراط را کنار گذاشته بدانند که مسیحیان را برادر ما و ما معتقدیم
باید با برادر و خویشاوند با صحبت کرد و با آنان به توافق رسید .

سفارت شاهنشاهی ایران
بغداد

شماره
تاریخ
پیوست

-۶-

[illegible] از نظر ما بدان [illegible] سرد [illegible] ایران
[illegible] آیا سپر محمد ویسند .

سردار آقای صدام حسین درباره مسائل [illegible] گفت که ما برای [illegible]
معتقد کرد [illegible]

۵- [illegible] ایم که پیوسته [illegible] که [illegible] ایران و میان [illegible] مورد
[illegible] چیزی کار ما میان [illegible] گیرد [illegible] ایران و اعتماد [illegible]
زیرا آنان در [illegible] موفق [illegible] ایران [illegible] ایم [illegible] که [illegible]
احتیاج به [illegible] داریم .

۶- [illegible] اطلاع دارم پیرامون [illegible] و برای [illegible] در باره [illegible]
[illegible] ایران [illegible] و [illegible] اتحاد [illegible] برنده .
و برای [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] .

۷- [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[

سفارت شاهنشاهی ایران
بغداد

شماره
تاریخ
پیوست

-۲-

سفارت شاهنشاهی ایران
بغداد

شماره
تاریخ
پیوست

-۶-

سفارت شاهنشاهی ایران
بغداد

شماره
تاریخ
پیوست

-۲-

در سال ۱۳۴۲ که کنفرانس ائافه با حضور نمایندگان اقتصادی سی وشست کشور در تهران گشایش یافت ، جناب آقای هویدا به دبیری کنفرانس انتخاب گردیدند .

جناب آقای هویدا در بهمن ماه سال ۱۳۴۳ پس از رگذشت شادروان منصور به فرمان شاهنشاه آریامهر بامست نخست وزیر ایران مأمور تشکل کابینه گردیدند .

جناب آقای امیرعباس هویدا نخست وزیر

جناب آقای امیرعباس هویدا فرزند شادروان حبیب هویدا در سال ۱۲۱۶ در شهر تهران متولد شدند وپس از طی تحصیلات ابتدائی ومتوسطه در مدرسه فرانسوی بیروت تحصیلات عالی خـــــود را در دانشگاههای بروکسل پاریس گذراندند .

جناب آقای هویدا در سال ۱۳۲۱ به عنوان کارمند در وزارت امور خارجه به فعالیت پرداختند و در ششم اسفند ماه ۱۳۴۲ که به عنوان وزیـــر دارائی در تابینده شادروان منصوره پشتگاه شاهنشاه آریامهر معرفی شدند . مشاغل ومسئولیتهائی که عهده دار بودند عبارتست از:

مشی هیأت نمایندگی ایران در الملل ، معاون اداره سوم سیاســی وزارت خارجه ، رئیس اداره روابط کنسولی مالی سازمان ملل متحـد برای پناهندگان ، مستشار سفارتکبرای ایران در آنکارا .

جناب آقای هویدا در سال ۱۳۴۷ از وزارت امور خارجه به شرکت ملـی نفت ایران منتقل گردیدند وبعنوان سرپرست سازمان امور اداری ومسئول تهیه بعضویت هیأت مدیره شرکت ملی نفت درآمدند .

نخست وزیری

تاریخ ۱۳۴۰
شماره
پیوست

صورت

نسخه برابر اصل مورخه ۱۳۴۰/۲/۲۰ صادره از نخست وزیری

سجل آسیائی IRORY دارای شماره ۱۰ مربوط به هویدا نخست وزیر

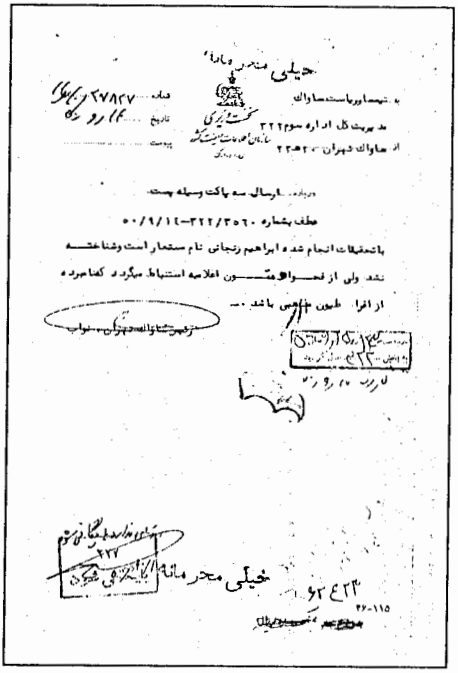

خیلی محرمانه

به شماره ۲۷۸۴۷ مورخ ۶۲/۱۲/۵

مدیریت کل اداره سوم ۳۲۲

از مباوک دیهران ۳۲۳

درباره ارسال سه پاکت وسیله پست

طبق بشماره ۳۵۶۰/۳۲۲-۱۴/۹/۵۰

باتحقیقات انجام شده ابراهیم زنجانی نام سنمار است ولی شناخته نشد ولی از قحواهد شون اطلاعیه استباط میگردد کماموده از افراد طیون باشد.

خیلی محرمانه

۶۲۳۲۳

۲۲۲

۶۲/۲/۱۵

جناب آقای دکتر تهرانی وزیر محترم کشور

با تقدیم احترام به استحضار میرساند که ...

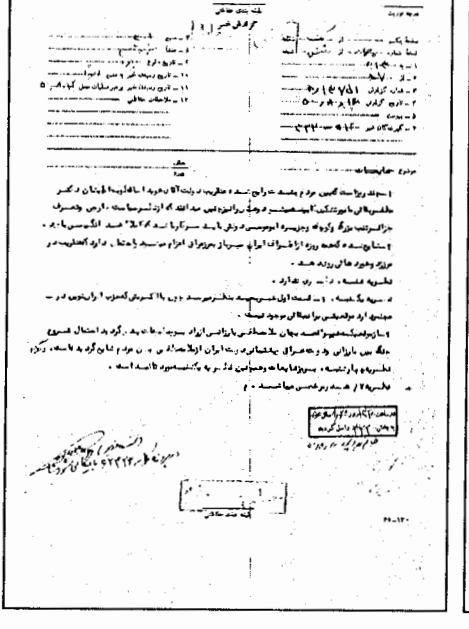

خیلی محرمانه

۶۲۳۲۳

۲۲۲

۶۲/۲/۱۵

جناب آقای دکتر تهرانی وزیر محترم کشور

با تقدیم احترام به استحضار میرساند که ...

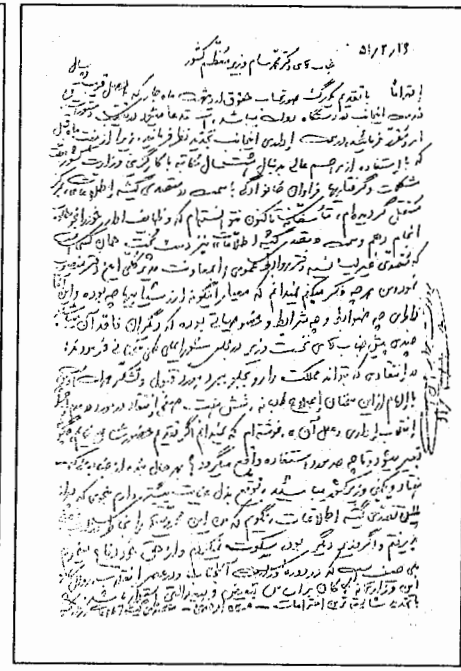

از ۲۲۳

به ۲۲۲

شماره ۲۷۹۰۷ مورخ ۶۲/۲/۱۹

درخواست دریافت آخرین وضعیت شرکت ... و روزنامه

آدرس شرکت همراه دارد خواهشمند است دستور فرمایید اقدام و نتیجه را اعلام دارند.

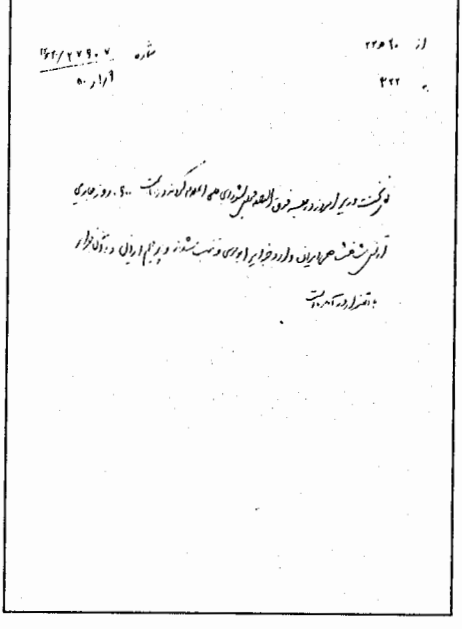

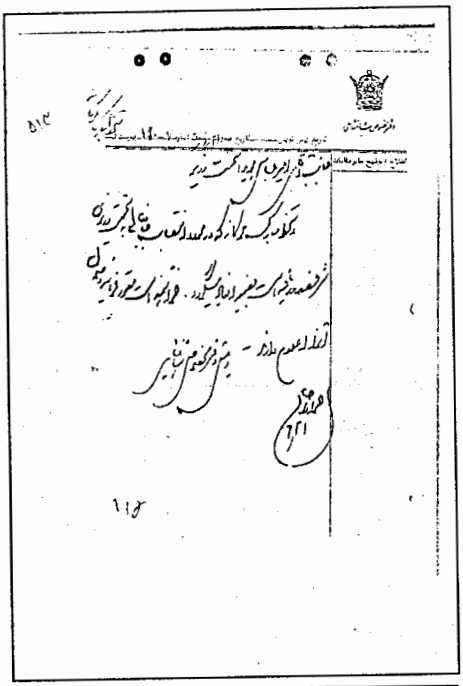

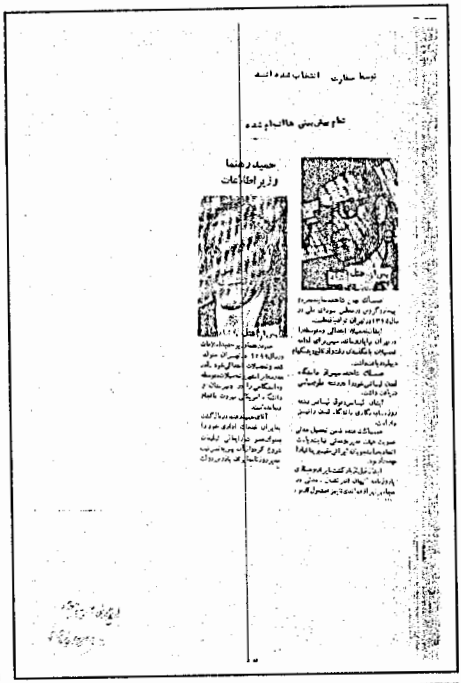

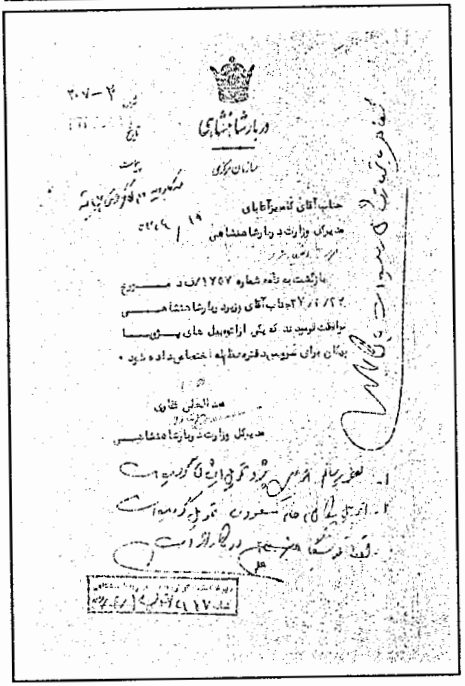

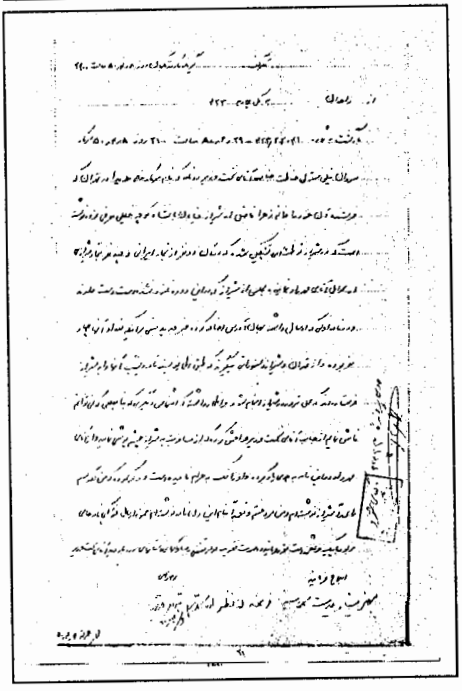

دادگستری متهمات ... که موضع
داریوش وحدانی را فراهم کرده است

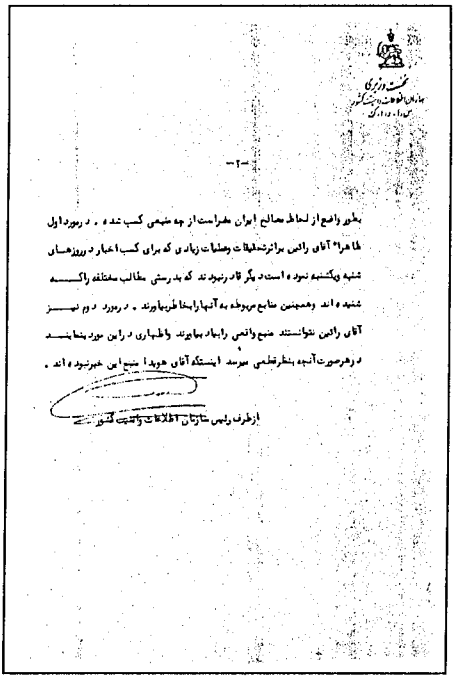

-۲-

بطور واضح از لحاظ مصالح ایران بحراست از چه مضیعی کسب شده ، در مورد اول
طبعاً آقای راشد برائت‌طلبات وصلحات زیادی که برای کسب اخبار در روزهای
شنیع بدکشیده نبوده است دیگر قادر نبودند که بدرستی مطالب مختلفه را کسب
شنیده اند وهمچنین منابع مربوطه به آنها را بخاطر بیاورند . در مورد دوم نیز
آقای راشد نتوانستند منبع واقعی را بیاد بیاورند واظهاری در این مورد بنمایند
و درصورت آنچه بنظر قطعی میرسد ایستگاه آقای هویدا منبع این خبر بوده اند .

ازطرف رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور

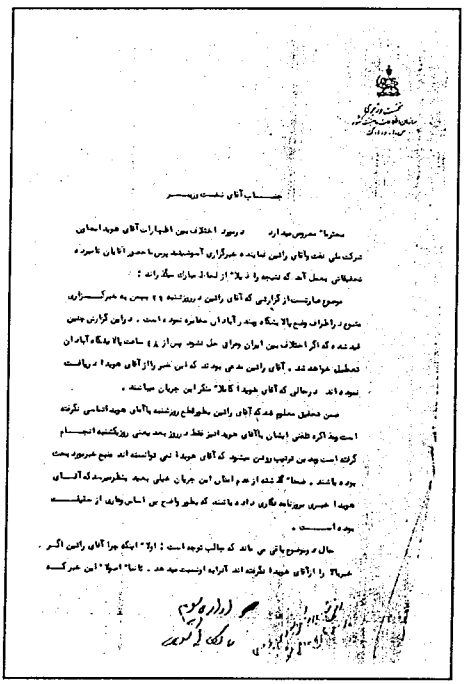

محترما معروض میدارد در مورد اختلاف بین اظهارات آقای هویدا راجع به
شرکت ملی نفت و آقای راشد نماینده محترم آقای آموزگار پیشنهاد میشود با حضور آقایان نامبرده
جلسه‌ای بعمل آید که نتیجه را تلا" از لحاظ مبارک بگذارند :

موضوع مباحثه از گزارشی که آقای راشد در روز شنبه ۲۹ بهمن به هیئت وزیران
مشروحا راجع به اوضاع پالایشگاه بندر آبادان مطالعه نموده است ، و راجع گزارش واضح
قید شده که اگر اختلاف بین ایران وجزای حل نشود پس از ۴ ساعت پالایشگاه آبادان
تعطیل خواهد شد ، آقای راشد مدعی بوده اند که این خبر از آقای هویدا نرسیده
نبوده اند درحالی که آقای هویدا کاملا" منکر این جریان میباشند .

ضمن تحقیق معلوم شد که آقای راشد بطورقاطع روزشنبه با آقای هویدا تماسی نگرفته
است بلکه اگره تلفنی ایشان با آقای هویدا صبح خیلی زود روز بعد یعنی روزیکشنبه انجام
گرفته است بعد من ترتیب دوتن میشود که آقای هویدا نمی توانسته اند منبع خبرمورد بحث
بوده باشند ، ضمنا" گفته شده از هردو امکان این جریان خیلی بعید بنظرمیرسد که آقای
هویدا خبری مورداینه نگاری داده باشند که بطور واضح می اساس وپایه از حقیقت
نبوده است .

حال در موضوع باقی می ماند که جالب توجه است : اولا" اینکه چرا آقای راشد اگر
هم تلا" را آقای هویدا نگرفته اند آنرا به اوبدهند بعد هند . ثانیا" اینکه آن خبر که

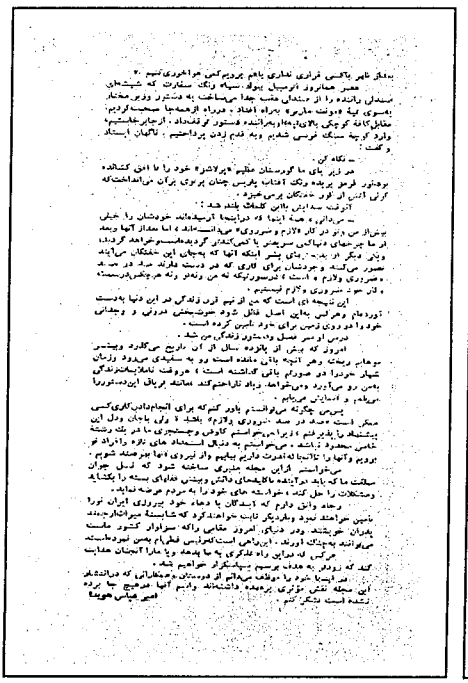

به‌دکتر ناهید باکسی قراری نداری یاهم پیروم کمی حواپیری نمیم ."
همسر همانروز اتومبیل بیوک سیاه رنگ سفارت که شیشه‌های
میله‌ای داشته را از منزل هاشم جهانبانی به دستور وزیر مختار
پاکستان به دولت مایرو به سراغ افتاد ، فردای آنروز جا صحبت کردیم
مقابل کاخ کوچکی بالای ۱۰۰ پیرانشده دستور توقف داد . ازچاپر خلبانیم
وارد کوچه سنگ فرشی شدیم وبه قدم زدن پرداختیم . تاهیان ایستاد
و گفت :

- نگاه کن .

هر زیر پای ما گورستان مظلوم "پیرلاشه" خود را تا اندی کشانده
وهنوز فرهنو پرنده رنگ اقتباسه پلوس چنان پرتوی بران می‌انداخت که
گرمی آنرا می توان در بدنمان پرمی‌خیزد .

آنوقت سه‌ایش بالای گنبدها بلند شد :

- می‌دانی ، همه اینها که درآنجا آرمیده‌اند خودشان را خیلی
برتر از من و تو در کار لاشع و میرزوی می‌دانستند ، اما بعد از آنها وبعد
از ما چیزهای دنیاکمی می‌پذیرد یا کمی‌کمتر گردیده‌ضمن‌می‌دهد گردد ،
و این دیگر از بدبختی‌های پشر است اینکه آنها که پحیاتی این خاکدان می‌آیند
حضور می‌یابند و می‌روند برای کاری که قدر دنیا خواهد کرد در صد
ضروری ولازم و است ، کمی‌صبور نیکه نه من ونه تو و نه هیچکس دیگر
، قادر سود میرزوی و لازم نیستیم .

این نتیجه ای است که من از نیم قرن زندگی در این دنیا به‌دست
آورده‌ام وهر کس بنابین اصل قائل شود خوشبختی درونی و وجدانی
خود را در روی زمین برای خود تامین کرده است .

درس او سر فصل ورد مشوق زندگی من شد .

امروز که بیش از پانزده سال از آن تاریخ می‌گذرد وپیشتر
موهایم ریخته وهر آنچه باقی مانده است رو به سفیدی می‌رود وزمان
شهار خودرا دو صورتم باقی گذاشته است ، هروقت تنها بمانم زندگی
بمن رو می‌آورد ومی‌خواهد دیاد تازاحتم کند تمامند پرباق این‌دوستوررا
می‌خوانم و دعایش می‌نمایم .

پرسی چگونه می‌توانستم یاور کنم که برای انجام‌دادن کاری کسی
منکر است معتقد در صدد نیروزی واقرم باشد ، ولی بایمان ودل این
پرشنیدم را پذیرفتم و اینرا هرچه‌تمتر کاوش وجستجوی ما در یک زمینه
شامی محدود نباشد ، می‌خواستم به دنبال استعداد های تازه راه‌داد تو
برویم وآنها را تقاضا نماید که اصرت داریم بپاییم واز نیروی آنها بهره‌مند شویم .
می‌خواستم آزاین مجله مدیری ساخته شود که نسل جوان
مشکلات ما را حل کند ، خواسته های خود را به مردم عرضه نماید .
وعده وانی دادم که آینده‌گان با دعاء خود پیروزی ایران نورا
تامین خواهند نمود وظریدیگر ثابت خواهند کرد که شایستهٔ میراث‌بزرگ
پدران خویشند . ورد دنیای امروز مقامی راکه سزاوار کشور ماست
خواهند بدست آورند . این‌راهی است کمرانس قطع‌ایم بعض نبوده‌است
مرکس که دراین راه فکری به ما بدهد ویا ما را تحیین هدایت
کند که رودر به هدف برسیم سپاسگزار خواهیم شد .

در اینجا خود را موظف می‌دانم از فرمانداران و شهرداری که در اثنای
این مجله نشی مؤثری برعهده داشته‌اند واسم آنها هرچیز جا برده
نشده است بتشکر کنم .

امیر عباس هویدا

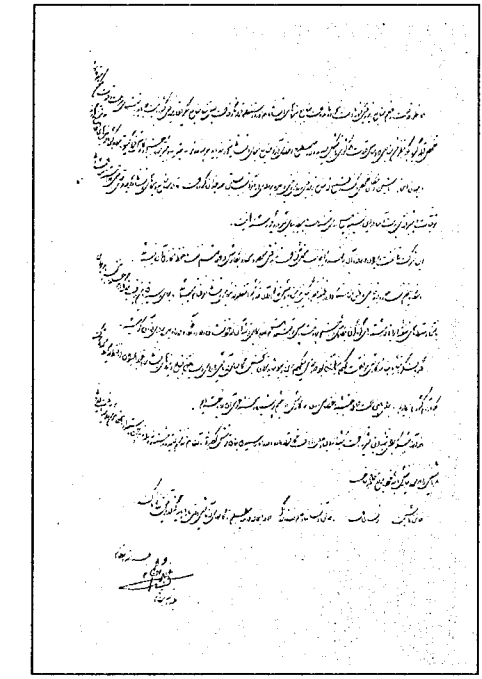

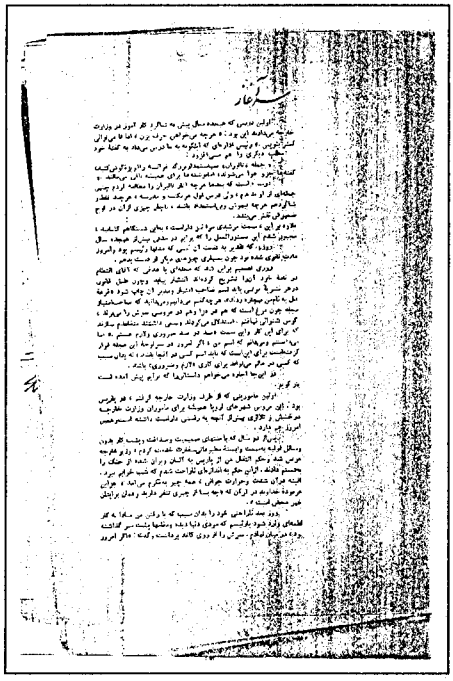

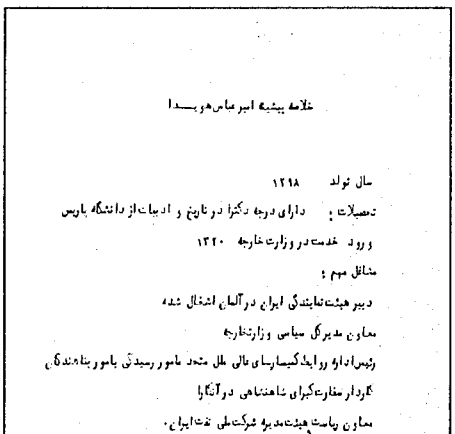

خلاصه پیشینه امیر عباس هویدا

سال تولد ۱۲۹۸

تحصیلات : دارای درجه دکترا در تاریخ و ادبیات از دانشگاه پاریس

ورود خدمت در وزارت خارجه ۱۳۲۰

مشاغل مهم :

دبیر هیئت نمایندگی ایران در آتلانتیک شمالی

معاون مدیرکل سیاسی وزارت خارجه

رئیس اداره روابط کمیساریای عالی ملل متحد امور رسیدگی به امور پناهندگان

گردانندهٔ مقارنت گیرای شاهنشاهی در آتکارا

معاون ریاست هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران.

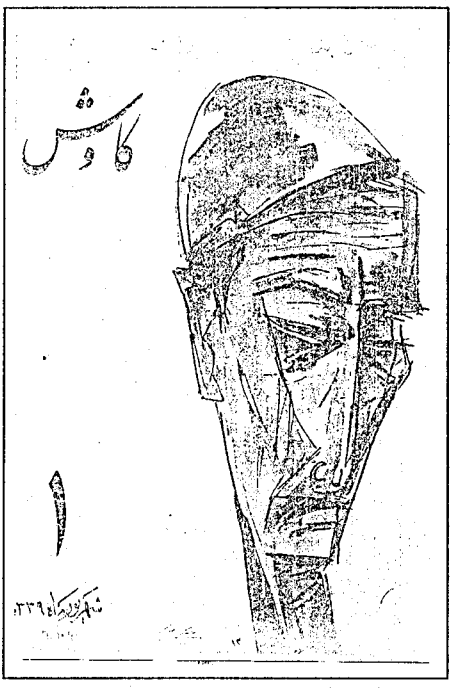

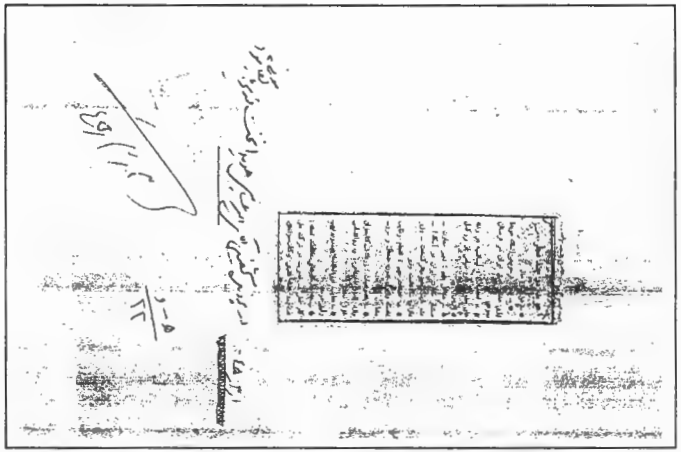

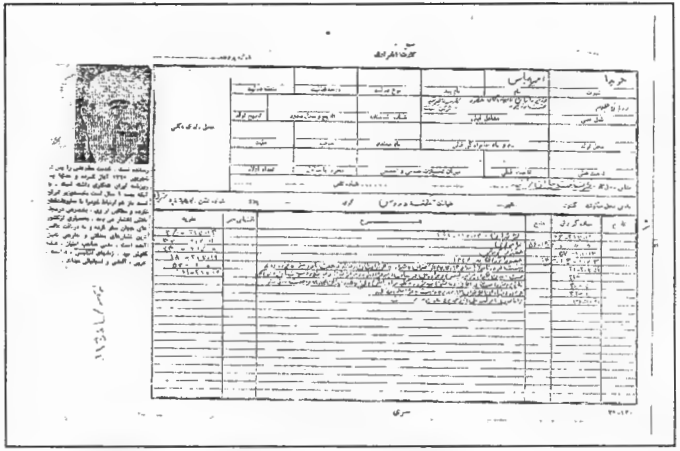

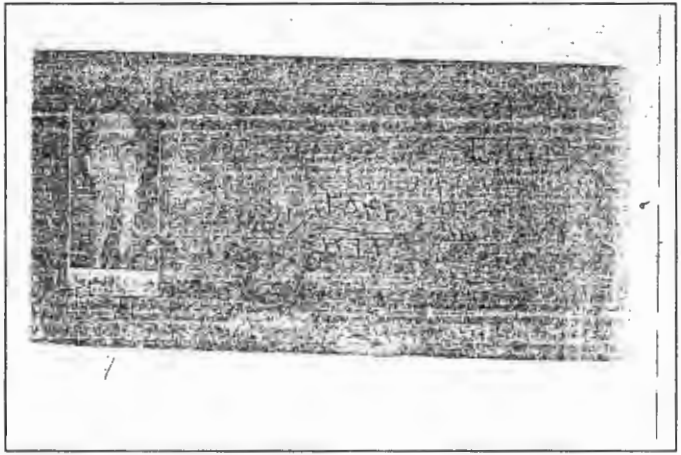

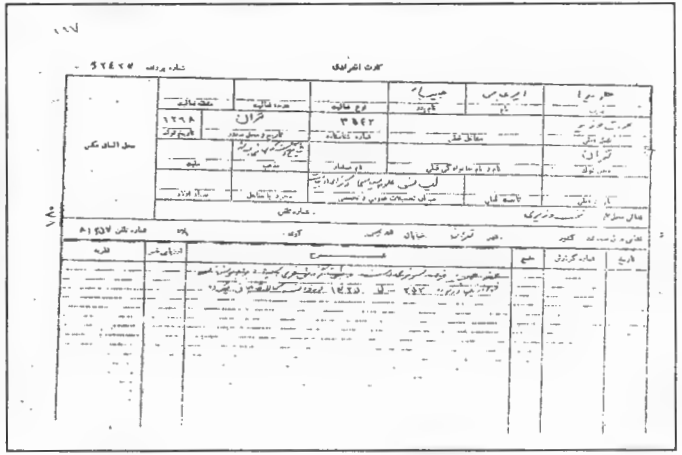

مدیر
علی اصغر امیرانی

خاوران

اداره‌ها خیابان فردوسی
تلفن ...
چاپخانه: ...

شامل بهترین مطالب خواندنی مطبوعات کشور

هرهفته روزهای شنبه و سه شنبه بدون هیچگونه تعطیل منتشر میشود

تکشماره در ایام کشور ۳ ریال — آبونمان سالیانه برای ۱۰۴ شماره ۴۵۰ ریال

شماره چهل و نهم — سال هشتم — شماره مسلسل ۱۹۲ — شنبه ۱۹ بهمن ماه ۱۳۲۹

شایعات

... میگویند هوروبیا تصمیم گرفته‌اند مسئله قبرس را برای آزادی انتخابات ایران را با دلایل مثله دوفروزای امنیت مطرح سازند. چه چیز باید گفت جز اینکه تیکه کلیه تصمیم و مقالات صریحاً کلیه واضح با انتخابات لبنان انعکاس شده است.

گزارش

... بموجب خبر واصله پارس ضمن اجرائیان توزیع شده در پارس بنام اتحاد یک دو بیننده سه روزنامه نویس صاحب مقام، یک سرهنگ و یک تاجر بزرگ مرفاشه بموجب خبر نامبرده هریک بچند هزار تومان دستگیر شده‌اند از جمله آقایان ا. امیر خاص هوا خواه پان مقام... حقوقی مطبوعاتی و مالی... سرهنگ اسطخرباوند گفته‌اند در مجلس با فاضل... و فاضل‌زاده مشهور مقاله... فریادآشکن که دولت‌ش اضافه‌پان داده که شده است که طرف مربوط اول شما مسلوم و مخارج او پس معین است ولی تعطیل کلیه ولای مشارالیه در خارج پارس از جمله بیان شده‌ای شده است در اروپ جنبه‌های مخارج خارجی فرضه شده است. مردم

... این خبر در آخرین ساعت از طرف آقای وزیر امور خارجه رسما تکذیب گردید. ... خواهد بود ... ((روز ۱۶ بهمن ماه ۱۳۲۰ هر کس از روزگار بیکاری مانند چهارده هزار نفر بیکار طبیعی وضعیت ۴۱ عضو راهبر کمپانی از تصمیم کمپانی میگرد فقط نمیشد که بطوری صحبت میکنند و این حرفها باید با شنیده باشد باقی نرفته رادیو کمپانی طبیعی توجه میکرد.

این گونه جناب آقای وزیر... وقتی که برای صدور اوامر واجع باختیارات اداره‌شود. کنید و فایده: بطبیعه خودمان سرفصلهای هم‌خودداری نفرمود. و قصد بوسیله تلفن بسیم آقای فرمانفرما را داشتند که در صورت اوامری با شرکت نفرمودند.

(چون آقای [illegible] دوست یک خودم توجه آقای

صفحه ۲

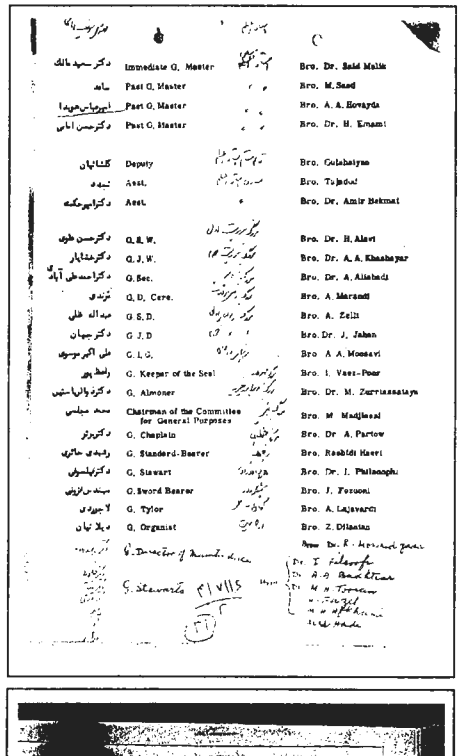

دکتر سعید مالک	Immediate G. Master		Bro. Dr. Said Malik
سعید	Past G. Master		Bro. M. Saed
ابوریحان عبیدا	Past G. Master		Bro. A. A. Eovarda
دکتر حسن امامی	Past G. Master		Bro. Dr. H. Emami
گلشائیان	Deputy		Bro. Golshaiyan
تبعید	Asst.		Bro. Tabadol
دکتر امیر حکمت	Asst.		Bro. Dr. Amir Hekmat
دکتر حسن علوی	G. S. W.		Bro. Dr. H. Alavi
دکتر عنایار	G. J. W.		Bro. Dr. A. A. Khanbayar
دکتر احمد علی آبادی	G. Sec.		Bro. Dr. A. Alishahi
مُرندی	G. D. Cere.		Bro. A. Marandi
عبدالله علی	G. S. D.		Bro. A. Zelli
دکتر جهان	G. J. D		Bro. Dr. J. Jahan
علی اکبر موسوی	G. I. G.		Bro. A. A. Moosavi
واسط پور	G. Keeper of the Seal		Bro. I. Vasi-Poor
دکتر وارتان ستیس	G. Almoner		Bro. Dr. M. Zarrinsastyan
محمد مجلسی	Chairman of the Committee for General Purposes		Bro. M. Madjlesai
دکتر پرتو	G. Chaplain		Bro. Dr. A. Partow
رشیدی حائری	G. Standard-Bearer		Bro. Rashidi Kaeri
دکتر فیلسوفی	G. Stewart		Bro. Dr. I. Philosophi
مهندس فروغی	G. Sword Bearer		Bro. J. Foroughi
آ. لاجوردی	G. Tylor		Bro. A. Lajavardi
ز. دیلمقانیان	G. Organist		Bro. Z. Dilamian

مدیر
علی اصغر امیرانی

خاوران

اداره‌ها خیابان ...
تلفن ...
چاپخانه ...

شامل بهترین مطالب خواندنی مطبوعات کشور

هرهفته روزهای شنبه و سه شنبه بدون هیچگونه تعطیل منتشر میشود

تکشماره هرایام کشور ۳ ریال — آبونمان سالیانه برای ۱۰۴ ...

شماره چهل و هفتم ... سال هشتم ... شماره مسلسل ۱۹۲ ... شنبه ۱۹ بهمن ماه ۱۳۲۹

از لابلای روزنامه‌ها

... تا کنون بیش از سیصد میلیون ریال از بودجه برای تعمیر خرابیهای تهران صرف شده است.

... بقیه اعضای محله به علت طغیان باران از بری برای درمان سوء استفاده میکنند تجار سردخی گاراندان جای اظهار اضطراب ارائه می کنند و به اول و از هفت هیئت که در روزهای معین در باغ بهشت گیلان ...

... دو روز بعد مردم کلاته رنا و دو اعضاء انجمن اطمینان برده و کاملا گرده. اعدامشان آن بوده است و ... از اعضاء آن رفت طی تلگرام و بر محل مرکز انجمن کرده است که ولی هیئت کلاته اعضاء انجمن انتخاب جلوگیری بکرده ...

... دو روز بعد مردم کلاته را دو اعضاء انجمن اطمینان برده و کاملا گرده. اعدامشان آن بوده است و ... از اعضاء آن رفت طی تلگرام و بر محل مرکز انجمن کرده است که ولی هیئت کلاته اعضاء انجمن انتخاب جلوگیری بکرده ...

... دوباره انتخابات آذربایجان تحت جلوگیری تحریک کرده نقده است.

... بقرار مسموع بزودی بگروه از سناتورهای طالبدار قرار که بآذربایجان عزیمت خواهند نمود چونکه این مأمور که شاه فرمان داده بازرسی و رسیدگی کرده‌اند این مطلب هم سناتور مطالبه در این انتخابات و هم بمنظور تهیه زمینه شناسایی جریانات مخالف آذربایجان خواهد بود.

... در میان قانونگذاران پارمان مطالبی از اعمال نامناسب عده‌ای از مأمورین کشوری و لشکری در ایران میباشد که در شهر آبها صدور وسیعی بخارج ایران پیدا کرده که گفته شده که گفتن نام سرمایه اشخاص زیاد لازم نیست و مخصوص نمی‌برد. می‌شود که ظاهراً در مقابل خرج آنها از دستگیر شده است ام مستقلی صدور و یکی از وعاب زاده مانند برده می‌شود. ...

کتابخانه تخصصی
تاریخ اسلام و ایران
تاسیس ۱۳۷۴

*** یادآوری:**

با عرض پوزش، ۵ قطعه عکس ابتدایی آلبوم
جلد اول برداشت از کتاب معمای هویدا چاپ آمریکا،
مارس ۲۰۰۰ می‌باشد که در زیرنویس آن فراموش شده است.

عکس‌ها

از راست: حسنعلی منصور ـ فرهنگ مهر ـ هویدا باندپیچی دست راست هویدا، ناشی از تصادف جاده شمال ـ مرداد ۱۳۴۳ ـ به همراه لیلا امامی می باشد.

۱۳۴۳ ـ بدون شرح

فرهنگ مهر «زرتشتی بهائی مسلک» در زمان تصدی هویدا بر وزارت دارائی ، مدیر کل نفت و روابط خارجی او بود.

از راست : ناصر یگانه (نفر چهارم) و در کنار او به ترتیب : هویدا ـ هوشنگ نهاوندی ـ منصور روحانی

از راست: هویدا و اسدالله علم ـ جشن استقلال افغانستان، ۱۳۴۷/۳/۸

۱۳۴۸/۳/۲۰ ـ هویدا به همراه لیلا امامی در ضیافت شام نخست‌وزیر ترکیه

۱۳۴۸/۵/۴ ـ به همراه عطاءالله خسروانی
مهرداد پهلبد ـ غلامرضا نیک‌پی

۱۳۴۸/۵/۲۲ ـ هویدا و منوچهر اقبال

۱۳۴۸/۶/۱۲ ـ از راست: اردشیر زاهدی ـ هویدا ـ وزیر خارجه مغرب

مراسم رژه ششم بهمن ۱۳۴۸ ـ از راست: هویدا ـ جعفر شریف امامی ـ عبدالله ریاضی

مهر ۱۳۴۹ ـ به همراه انور سادات در قاهره

۱۳۴۹/۱۲/۲۵ ـ به همراه محمدرضا پهلوی

هویدا و جواد منصور که در کابینهٔ او، مدتی وزیر مشاور و در سال ۱۳۴۶ وزیر اطلاعات و جهانگردی شد.

هویدا به همراه رحیم علی خرم (نفر پنجم از چپ) که از مقاطعه کاران معروف بود و با اشرف پهلوی ارتباط داشت.

۱۳۵۲/۴/۵ ـ به همراه ملک حسین، پادشاه اردن

۱۳۵۳/۹/۱۱ ـ عبدالمجید مجیدی هم در عکس دیده می شود.

۱۳۵۴/۴/۱۲ ـ به همراه ملک فهد که در آن زمان ، ولیعهد عربستان سعودی بود.

به همراه اشرف پهلوی و ممدوح سالم ، نخست وزیر مصر

۱۳۵۶/۳/۷ ـ فرهاد مسعودی هم در عکس حضور دارد.

محمود قوام صدری نیز در عکس دیده می‌شود.

هویدا استعفا کرد.

کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران
تاسیس ۱۳۷۴